گلزار مشاهیر

زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران

۱۳۷۶-۱۳۵۸

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

مریم آقاشیخ محمد

سعید نوری نشاط

ISBN 964-5681-04-9
شابک ۹-۰۴-۵۶۸۱-۹۶۴

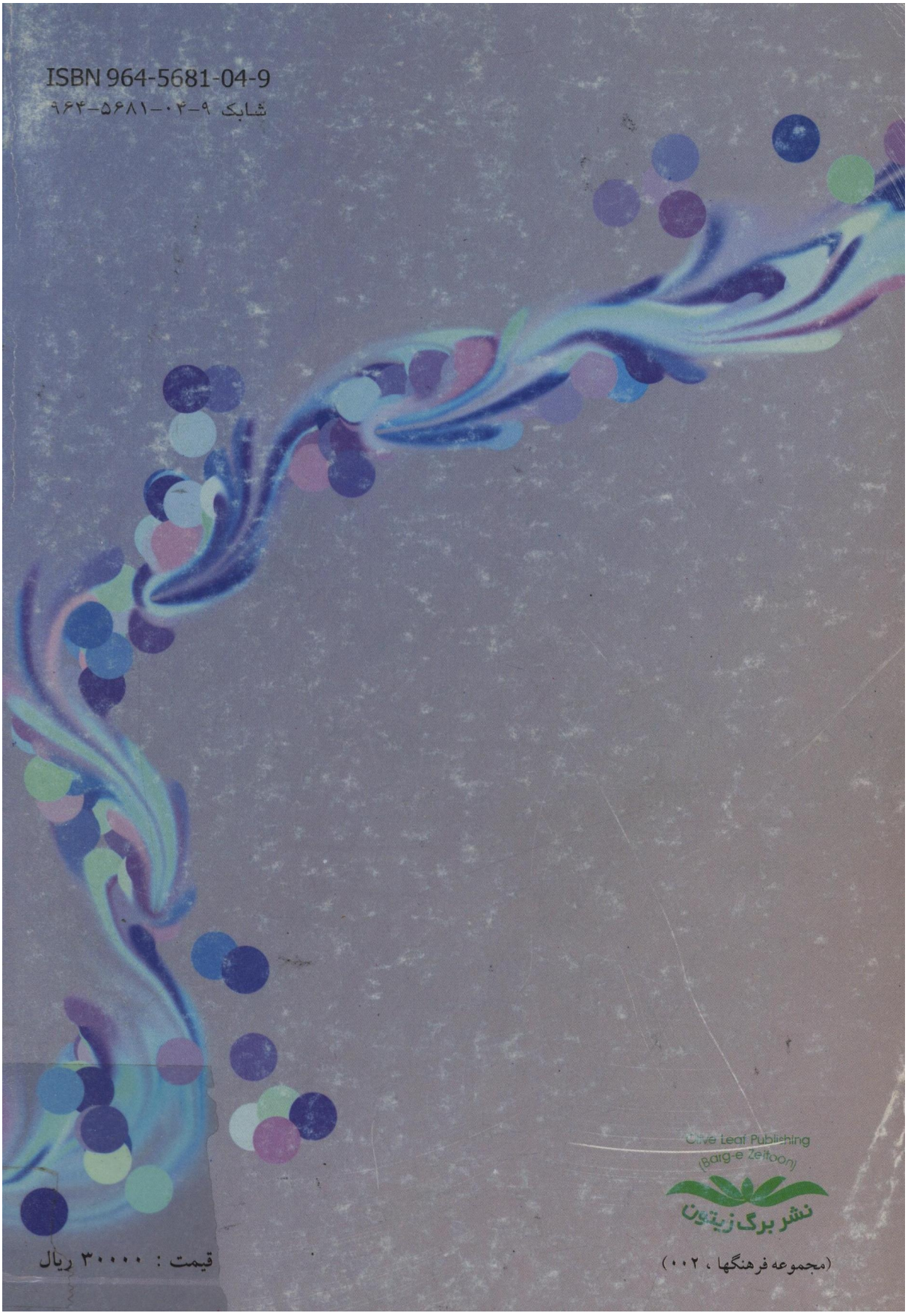

Olive Leaf Publishing
(Barg-e Zeitoon)
نشر برگ زیتون
(مجموعه فرهنگها ، ۰۰۲)

قیمت : ۳۰۰۰۰ ریال

گلزار مشاهیر: زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸-۱۳۷۶

ت ک ۸/۰۵۰
۱۰/۵

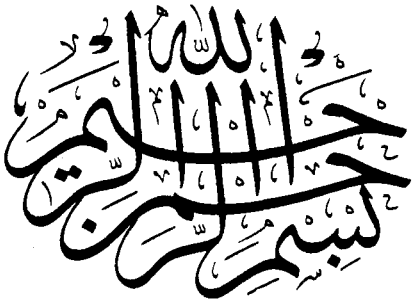
بسم الله الرحمن الرحيم

اسکن شد

گلزار مشاهیر

زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران

۱۳۵۸ ــ ۱۳۷۶

محققان

مریم آقاشیخ محمد

سعید نوری نشاط

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

فهرستنویسی پیش از انتشار کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران

آقا شیخ محمد، مریم، ۱۳۴۲،

گلزار مشاهیر : زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران ۱۳۵۸ ــ ۱۳۷۶ /

محققان مریم آقا شیخ محمد و سعید نوری نشاط [برای] انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران. ــ تهران : نشر برگ زیتون؛ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران، ۱۳۷۷ .

۶۴۳ ص. ــ (مجموعه فرهنگها؛ ۰۰۲)

ISBN: 964-5681-04-9 بها : ۳۰۰۰۰ ریال

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرستنویسی پیش از انتشار).

کتابنامه : ص. [۶۲۹] ـ ۶۴۳

۱. ایران ــ سرگذشتنامه. الف. نوری نشاط، سعید، ۱۳۴۱، ــ ب. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ج. عنوان.

۹۲۰/۵۵

۸ گ ۶۵آ/CT۱۸۸۶ ۷۷م ــ ۱۵۳۳۲

نشر برگ زیتون

تهران، صندوق پستی ۶۶۱۹ ــ ۱۵۸۷۵

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

گلزار مشاهیر ــ زندگینامه درگذشتگان مشاهیر ایران (۱۳۵۸ ــ ۱۳۷۶)

- انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران
- پژوهشگران : مریم آقا شیخ محمّد، سعید نوری نشاط
- ناشر: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران با همکاری نشر برگ زیتون
- تهران، چاپ اول : ۱۳۷۷ / تعداد: ۲۰۰۰ نسخه
- حروفچینی و صفحه‌آرایی: برگ زیتون
- اجرای طرح روی جلد: محمد بی‌نظیر
- لیتوگرافی و چاپ و صحافی: شرکت چاپ بانک ملی ایران
- شابک: ۹ ــ ۰۴ ــ ۵۶۸۱ ــ ۹۶۴
- حق چاپ برای نشر برگ زیتون محفوظ است.

فهرست مطالب

قدردانی و سپاسگزاری ..... یک
پیشگفتار ..... سه
فصل اوّل: زندگینامه حضرت امام خمینی (ره) ۱
فصل دوّم: گروه دین ۵
فصل سوّم: گروه ادبیات ۱۰۱
فصل چهارم: گروه علوم نظری ۲۴۵
فصل پنجم: گروه علوم عملی ۳۴۵
فصل ششم: گروه هنر ۳۶۷
استدراکات ۴۷۹
نمایه‌ها ۵۹۲
فهرست منابع و مآخذ ۶۲۹

قدردانی و سپاسگزاری

در گردآوری مطالب و منابع این کتاب، افراد و سازمان‌ها و مؤسسه‌های بسیاری یاری کردند. جا دارد که از کمک‌های سازمان‌ها و مؤسسه‌ها و افراد زیر قدردانی و سپاسگزاری شود زیرا بدون همیاری آنها هرگز نمی‌توانستیم سخن از به پایان بردن این کتاب داشته باشیم: آقای محمد جواد مظفر و کلیهٔ کارکنان انتشارات کویر؛ مسئولان و کارکنان انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ سرکار خانم حوریهٔ سعیدی در کتابخانهٔ ملی ایران؛ سرکار خانم شهلا عطاردی سرپرست کتابخانه و نیز کلیهٔ کتابداران کتابخانهٔ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سرکار خانم فریدهٔ تیموری برای کمک در گردآوری برخی اطلاعات رجال و علمای اسلام؛ سرکار خانم نیره بهبهانی از شورای کتاب کودک (برای در اختیار گذاشتن زندگینامه جهانشاهی)؛ آقای علیرضا آقا شیخ محمد برای اطلاعات مربوط به جغرافیدانان؛ آقای همایون حمیدیانی عراقی‌نژاد برای مساعدت در گردآوری اطلاعات مربوط به خطاطان و خوشنویسان؛ آقای رامین سبحانی برای مساعدت در گردآوری اطلاعات مربوط به حوزهٔ فیلم و سینما؛ آقای محمد علی محراب‌بیگی برای مساعدت در تهیهٔ زندگینامهٔ نگارگران و هم‌یاری‌های دیگر ایشان به‌ویژه در بازخوانی متون؛ آقای امیر هوشنگ اقدام شرق برای فراهم آوردن اطلاعات مربوط به دکتر حسابی؛ آقای محمد حسین محدث‌زاده برای راهنمایی‌های دلسوزانه و تذکراتشان؛ آقای ناهید حبیبی آزاد برای مساعدتشان در معرفی برخی از منابع؛ آقای عبدالحی شماسی؛ آقای مهدی سجودی مقدم؛ آقای حنیف حقیقی؛ کتابداران کتابخانهٔ شهر؛ عکاسی سیما برای فراهم نمودن عکس‌های هنرمندان؛ بنیاد شهید آوینی؛ مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی؛ مرکز هنرهای نمایشی؛ مرکز تحقیقات و مطالعات هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ مرکز سرود و آهنگ‌های انقلابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ مرکز خدمات رایانه‌ای بهشت زهرا؛ و نیز با تشکر از

اساتید گرانقدر آقای مرتضی ممیز؛ آقای ایرج افشار؛ آقای جلال ستاری؛ سرکار خانم لاله تقیان و بالاخره از خانم‌ها مهین نوری محمدآنی و زهرا بهروزی و طلعت ترکی در بخش ورود اطلاعات به کامپیوتر. همچنین بیش از همه لازم است مراتب قدردانی خود را نسبت به آقای سید کمال حاج سید جوادی ابراز نماییم که در کمال صبر و حوصله مرحله به مرحله هادی و راهنمای دلسوز پژوهشگران اثر بودند.

پیشگفتار

از مرگ گریزی نیست و این کاروان بر در سرای هر عالم و جاهل، ثروتمند و مستمند می‌نشیند و «کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام». تند باد اجل سر می‌رسد و هرازگاهی چراغ فرورزان زندگی نام‌آوری را برای همیشه خاموش می‌شد. مرگ عالمان برای ما خاکیان بسیار تأسف‌بار است و به مصداق «اذا مات عالم ثلم فی الاسلام ثلمة لایسدها شئی» مصیبت بزرگی را برای جامعه در پی دارد. برای عبرت از این مصیبت‌ها و راه‌یافتن راه‌کارهایی برای تربیت عالمان، سنت حسنه‌ای در نزد گذشتگان بوده که زندگینامه آنان را می‌نوشتند. کتابهایی مانند وفیات الاعیان؛ وفیات المعاصرین از این نمونه‌هاست که زندگینامهٔ درگذشتگان معاصر با شرح و توضیح در مورد آثار و مآثر آنان در این کتابها درج شده است.

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی نیز در پیروی از این سنت حسنه اقدام به چاپ و انتشار این مجموعه نمود. مؤلفان محترم آقای سعید نوری نشاط و همسرشان سرکار خانم شیخ محمد با دقت و حوصله کافی به این مهم پرداختند. گرچه تهیه و تدوین این کتاب با مشکلاتی مواجه بود سرانجام این پژوهش به سامان رسید و اگر کاستی‌هایی در آن مشاهده می‌شود با تذکر فرهیختگان در چاپهای بعدی مرتفع خواهد گشت. اما ذکر چند نکته را در اینجا ضروری می‌دانم.

۱. تلاش شده است که در این کتاب زندگینامهٔ کسانی که از سال ۱۳۵۸ تا پایان ۱۳۷۶ فوت کرده‌اند، گنجانده شود، اما از آنجا که زمان تحقیق و حجم کتاب محدود بودند، پژوهشگران نتوانستند به‌طور کامل از عهدهٔ این مهم بر آیند. در این صورت اگر نام کسی یا کسانی در این مجموعه دیده نشد، دلیل بر نوعی «گزینش‌ورزی» نیست، بلکه صرفاً نشانهٔ این است که اطلاعات مربوط به آن شخص در مراحل اولیه تدوین کار به دست محققان نرسیده است. تلاش آنان بر این بوده است که تمامی منابع در دسترس بررسی شوند و برای این کار نهایت دقت و ظرافت به کار رفته است. بنابراین اگر نامی از قلم افتاده باشد، عذر محققان اثر را بپذیرند. به‌هر حال فهرست استدراکات که از ۲۳۱ مدخل تشکیل شده است، آن دسته

از مواردی هستند که در روند تحقیق با آنها برخورد داشته‌اند اما نتوانسته‌اند در تلاش‌های خود زندگینامهٔ درخور توجهی از آنها به‌دست آورند. امیدواریم دوستان در تهیه زندگینامه این افراد نیز یاور محققان اثر باشند.

۲. چنانکه از فهرست مطالب اثر نیز آشکار می‌شود، زندگینامه در پنج فصل مجزا از هم آورده می‌شوند. لذا باید توضیح داده شود که این فصل‌بندی به آن معنی نیست که اگر فردی در گروه هنر آورده می‌شود، دیگر از شعر و قدرت سخنوری وی حرفی به میان نیست. تلاش شده است که در شناسه‌ای که ذیل نام وی آمده است اشاره‌ای به توانایی‌هایی دیگر فرد شود. در متن زندگینامه نیز به گرایش‌ها و توانایی‌ها و پیشه‌های دیگر فرد حتماً اشاره شده است. این تقسیم‌بندی موضوعی صرفاً کار را برای تحقیقات موضوعی تسهیل خواهد کرد.

۳. تلاش شده است که زندگینامه‌ها در حدی معقول و مناسب پرداخته شود. از توضیحات اضافه یا هر گونه تعریف و تمجید اغراق‌آمیز یا تحلیل‌های موشکافانه و ذکر القاب و عناوین پرهیز شده است.

۴. تا حد امکان به نوشته‌ها و آثار آنها اشاره شده است. اما در برخی از مدخل‌ها کتابشناسی‌ها کامل نیست. به هر حال با توجه حجم محدود کتاب ارائه تمام کتابشناسی یک فرد مقدور نیست.

۵. تمامی تاریخ‌های ذکر شده در متن شمسی هستند مگر آن که با حرف ق. به مفهوم هجری قمری یا م. به مفهوم میلادی مشخص شده باشند. نمایه‌های آخر کتاب نیز می‌توانند ابزار مناسبی برای استفاده بهتر از متن و تحقیقات بیشتر در باره برخی از موضوعات باشند.

۶. شماره‌هایی برای مدخل‌ها در نظر گرفته شده است. هدف اصلی از این شماره‌گذاری صرفاً برای ارجاع بوده است. اگر صرفاً شماره‌هایی جا مانده‌اند یا بر اثر سهو و خطا یا به سبب منظم‌سازی پیش آمده است و اگر شماره‌ای با ممیز وارد شده است، نشانگر آن است که این مدخل در مراحل پیشرفتهٔ کار که دیگر تغییر شماره‌ها مقدور نبوده است، اضافه شده است.

در پایان ذکر این مطلب را ضروری می‌دانم که بر ما مسلمانان سفارش شده است که «اذکروا موتاکم بالخیر» و اینکه در نماز میت که برای هر گذشته قرائت می‌کنیم چنین می‌خوانیم «از پروردگار مهربان می‌خواهیم اگر درگذشته نیکوکار بود، بر ثواب او بیافزاید، و اگر گناهکار باشد، از او درگذر و در هر حال درگذشته را در بهشت برین جای دهد»، آری می‌گوییم:

«اللهم انا لانعلم منه الا خیرا؛ و انت اعلم بهی منا؛ اللهم ان کان محسنا؛ فزد فی احسانه؛
و ان کان مسئیا؛ فتجاور عنه؛ فغفر له؛ اللهم اجعله عندک فی اعلی علیین.»

و بدین لحاظ ما نیز برای این مشاهیر همان را تکرار می‌کنیم و امیدواریم گلشن رضوان جایگاه آنها باشد و آرزومندیم تا شرایطی در جامعه ایجاد شود که با مرگ آنان دهها بزرگ دیگر در میهن اسلامی شکوفا شود و هیچ گاه این سرزمین خالی از ستاره‌های فروزان نباشد و چنین باد!

رئیس هیأت مدیره

دکتر سید کمال حاج سید جوادی

فصل اول: زندگینامه حضرت امام خمینی(ره)

خمینی، امام‌روح‌الله‌موسوی، آیت‌الله‌العظمی

رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، فقیه، عارف
تولد ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ (۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ ق.= ۲۴سپتامبر ۱۹۰۲ م.)، خمین.
درگذشت ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، تهران، بیمارستان قلب.

روح‌الله مصطفوی[۱] مشهور به موسوی خمینی، فرزند سید مصطفی موسوی از علمای آن زمان، در پنج ماهگی پدرش را از دست داد. خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت پدرش را در مسیر خمین به اراک به شهادت رساندند. بستگان وی برای اجرای حکم الهی قصاص به تهران (دارالحکومه وقت) رهسپار شدند و بر اجرای عدالت اصرار ورزیدند تا قاتل قصاص گردید.

دوران کودکی را تحت سرپرستی مادرش (بانو هاجر) از نوادگان آیت‌الله خوانساری (صاحب *زبدة التصانیف*)، و نزد عمه‌اش (صاحبه خانم) سپری کرد، ولی در پانزده سالگی هم مادر و هم عمه‌اش را از دست داد.

از نوجوانی به تحصیل معارف روز و علوم مقدماتی و سطح حوزه‌های دینیه و از جمله ادبیات عرب، منطق و فقه و اصول پرداخت و نزد معلمین و علمای منطقه (نظیر میرزا محمود افتخارالعلماء، حاج میرزا نجفی خمینی، آیت‌الله شیخ علی محمد بروجردی، آیت‌الله شیخ محمد گلپایگانی و آیت‌الله عباس اراکی و بیش از همه نزد برادر بزرگش آیت‌الله سید مرتضی پسندیده) فرا گرفت و در سال ۱۲۹۸ عازم حوزهٔ علمیهٔ اراک شد. پس از تحصیلِ بسیاری از دروس در اراک، عازم حوزهٔ علمیهٔ قم شد. در قم در علوم فلسفه و اخلاق استادان او آیت‌الله محمد علی شاه‌آبادی و آقا سید ابوالحسن حکیم قزوینی و حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی بودند و علم منقول و فقه و اصول را از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آقا میر سید علی کاشانی فرا گرفت. ایشان در همان اوان در دروس فقه و اصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله یثربی حضور و به مراتب فقه و اصول احاطه یافت و به اجتهاد رسید.

در سال ۱۳۳۹ ق. که آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی درگذشت، آیت‌الله العظمی خمینی دیگر خود یکی از فضلای و مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم به‌ویژه در رشتهٔ فلسفه، تهذیب نفس و اخلاق گردیده بود که بعدها در تدریس فقه و اصول فقه نیز نام‌آور شد. ایشان که در همان زمان با محافل و شخصیت‌های ضد درباری ارتباط کامل داشت، در مبارزه علیه حکومت رضا خان در حد اقتضای سن خود کوشش نمود. ایشان علیه رژیم فرزند رضا خان نیز مبارزه و افشاگری می‌کرد و بعد از رحلت آیت‌الله عبدالکریم

---

۱. نام ایشان در شناسنامه‌شان به این صورت آمده است.

حائری یزدی، آیت‌الله حسن بروجردی را در حد امور و مسائل یاری رساند. بعد از درگذشت آیت‌الله بروجردی حوزهٔ علمیهٔ قم و محافل روحانی دیگر او را به‌عنوان «آیت‌الله‌العظمی خمینی» شناختند.

در سال ۱۳۴۰ با تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی و طرح لوایح شش‌گانهٔ شاه، امام خمینی مخالفت قاطع خود را علیه رژیم آغاز کرد. با پیش آمدن واقعهٔ خونین ۱۵ خرداد، ایشان به دنبال نطقی که علیه رژیم ایراد نمود، دستگیر و به پادگان عشرت‌آباد تهران منتقل شد. یک سال پس از آزادی، مجدداً در مخالفت با «کاپیتولاسیون» سخنرانی ایراد کرد که منجر به تبعید ایشان در سیزده آبان سال ۱۳۴۴ به ترکیه شد. مدتی بعد، امام از ترکیه به عراق منتقل شد و قریب پانزده سال به حالت تبعید در نجف اشرف به سر برد. سرانجام پس از شهادت پسرشان ــ آیت‌الله سید مصطفی خمینی ــ به دست رژیم و پس از آن که از عراق به پاریس رفت و با فرار شاه، در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ با ورودشان به خاک میهن، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را برای مردم ایران به ارمغان آوردند و در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ با حمایت توده‌های میلیونی مردم رژیم شاهنشاهی در ایران را سرنگون ساخت و برای نخستین بار در ایران حکومت جمهوری اسلامی را برقرار ساخت و به‌عنوان «امام» همهٔ مسلمانان جهان به رسمیت شناخته شد. امام خمینی ده سال پس از تأسیس جمهوری اسلامی در ایران و هدایت انقلاب اسلامی در این مدت در چهاردهم خرداد سال ۱۳۶۸ در تهران درگذشت.

از آثار ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***شرح دعای سحر*** (به عربی، ترجمه سید احمد فهری)؛ ***شرح حدیث رأس الجالوت*** (تألیف، ۱۳۴۸)؛ ***حاشیه امام بر شرح حدیث رأس جالوت***؛ ***حاشیه بر شرح فوائد الرضویه***؛ ***شرح حدیث جنود عقل و جهل***؛ ***مصباح الهدایة الی الخلافة و الولایة***؛ ***حاشیه بر شرح فصوص الحکم***؛ ***حاشیه بر مصباح الانس***؛ ***شرح چهل حدیث*** (اربعین حدیث)؛ ***سر الصلوة***(صلاة العارفین و معراج السالکین)؛ ***آداب نماز*** (یا آداب الصلوة)؛ ***رسالة لقاءالله***؛ ***حاشیه بر اسفار***؛ ***کشف الاسرار*** (در اسرار هزار سالهٔ حکمی‌زاده، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ق.)؛ ***انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة***؛ ***بدایع الدرر فی قاعدة نفی الضرر***؛ ***رسالة الاستصحاب***؛ ***رسالة فی التعادل و التراجیح***؛ ***رسالة الاجتهاد و التقلید***؛ ***مناهج الوصول الی علم الاصول*** (دو جلد)؛ ***رسالة فی الطلب و الارادة***؛ ***رسالة فی التقیة***؛ ***رسالة فی قاعدة من ملک***؛ ***رسالة فی تعیین الفجر فی اللیالی المقمره***؛ ***کتاب الطهارة*** (چهار جلد)؛ ***تعلیقه علی العروة الوثقی***؛ ***مکاسب محرمه*** (دو جلد)؛ ***تعلیقة علی وسیلة النجاة***؛ ***رسالة نجاة العباد***؛ ***حاشیه بر رساله ارث***؛ ***تقریرات درس اصول آیت‌الله العظمی بروجردی***؛ ***توضیح المسائل*** (رسالة عملیة)؛ ***مناسک حج***؛ ***تحریر الوسیله*** (دو جلد)؛ ***کتاب البیع*** (پنج جلد)؛

تقریرات دروس امام خمینی؛ کتاب الخلل فی الصلوة؛ حکومت اسلامی یا ولایت فقیه؛ جهاد اکبر یا مبارزه با نفس؛ تفسیر سورهٔ حمد؛ استفتائات؛ دیوان شعر؛ نامه‌های عرفانی؛ پیامها، سخنرانیها، مصاحبه‌ها و احکام و نامه‌ها (بیست و دو جلد)؛ ***وصیت‌نامهٔ سیاسی الهی؛ المکاسب المحرمة*** (عربی، ۱۳۸۱ ق.)؛ ***تهذیب الاصول*** (عربی، دو جلد، تقریر امام و تحریر جعفر سبحانی، ۱۳۷۵ ـ۱۳۸۰ ق.).

منابع: *حدیث بیداری، نگاهی به زندگینامهٔ آرمانی ـ علمی و سیاسی امام خمینی (از تولد تا رحلت)*/ حمید انصاری، چاپ دوم. ویژه‌نامهٔ یاد، س. ۴، ش. ۱۵ (تابستان ۱۳۶۸)، ص. ۳۸. *گنجینهٔ دانشمندان، جلد یکم*/ شیخ محمد شریف رازی. *مجلس‌نشین قدس، یادوارهٔ پیشگام شهدای محراب، آیت‌الله قاضی طباطبایی*/ شعردوست، با مقدمه‌ای از حجت‌الاسلام سید حسین موسوی تبریزی، چاپ اوّل، ص. ۸۷. *آثار الحجة یا تاریخ و دایرةالمعارف حوزهٔ علمیهٔ قم دینی ـ تاریخی ـ رجالی ـ ادبی ـ اجتماعی؛ جلد دوّم*/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۴۴ ـ۴۵. *رجال قم و بحثی در تاریخ آن*/ سید محمد مقدس‌زاده، ص. ۱۱۷. آثار آل قلم، منتخب یازده قرن نظم و نثر فارسی/ حمید گروگان، چاپ اوّل، ص. ۳۴۲. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*/ خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۲۳۱ ـ ۲۳۲. *زندگینامه سیاسی امام خمینی*/ محمد حسن رجبی.

فصل دوم: گروه دین

۲ آشتیانی، محمد باقر، آیت‌الله

فقیه

تولد ۱۲۸۴.

درگذشت ۱۶ شهریور ۱۳۶۳، تهران.

آیت‌الله محمد باقر آشتیانی پس از طی مقدمات تحصیل در تهران، همراه پدرش به نجف اشرف رفت و تحصیلات خود را در حوزهٔ علمیهٔ نجف در محضر اساتید و مراجع زمان نظیر آیت‌الله محمد حسین نایینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی به پایان رسانید و به درجهٔ اجتهاد نایل گردید. پس از بازگشت به تهران، در مدرسهٔ خان مروی به تدریس اشتغال ورزید و از سال ۱۳۵۴ تصدی حوزهٔ علمیه را بر عهده گرفت.

آیت‌الله محمد باقر آشتیانی تألیفاتی دارد که از آن جمله ***ارشاد از نظر اسلام*** به فارسی و ***مالکیت در اسلام*** به عربی و ***رسائل*** به چاپ رسیده‌اند.

پیکر ایشان در جوار حرم عبدالعظیم (ع) در مقبرهٔ آشتیانی به خاک سپرده شد.

منابع: «آیت‌الله حاج میرزا محمدباقر آشتیانی»، نشر دانش، س.۴، ش.۶ (مهر و آبان ۱۳۶۳)، ص.۷۴ــ۷۵. ***اختران فروزان ری و طهران یا تذکرة المقابر فی احوال المفاخر***/ حاج شیخ محمد شریف رازی، ص.۱۸۶.

۳ آل طیب، محمد حسن، آیت‌الله

فقیه

تولد ۲۹ ذیقعدهٔ ۱۳۲۹ ق.، شوشتر.

درگذشت ۲۵ تیر ۱۳۷۳ (۶ صفر ۱۴۱۵ ق.)، شوشتر.

آیت‌الله محمد حسن آل طیب، فرزند آیت‌الله آقا سید محمد حسین آل طیب معروف به آقا سید بزرگ، پیش از هفت سالگی خواندن و نوشتن را آموخت. سپس تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. وی ادبیات و مقدمات را نزد عمویش، آیت‌الله سید محمد باقر آل طیب، فرا گرفت. ریاضیات، هیئت، علوم نجوم و بخشی از طب را نزد پدر خود کسب کرد و برای تحصیل علم فقه، اصول و حدیث به دزفول رفت و از محضر آیت‌الله محمد رضا معزی دزفولی استفاده کرد. سپس به شوشتر برگشت و از محضر آیت‌الله سید مهدی آل طیب و آیت‌الله محمد کاظم شیخ شوشتری بهره‌ها گرفت. آنگاه به حوزه‌های علمیهٔ قم و تهران هجرت کرد و از مراجع آن عصر همچون آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری، آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری، به تکمیل علوم دینی پرداخت و از محضر میرزا مهدی آشتیانی حکمت و فلسفه را آموخت. همچنین در ریاضیات، خوشنویسی و ادبیات عرب تبحر داشت. وی سپس به تدریس علوم دینی روی آورد.

آیت‌الله آل‌طیب از مراجعی چون آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله محمد کاظم شیرازی، آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید محمد هادی میلانی و آیت‌الله سید محمود شاهرودی اجازهٔ اجتهاد داشت.

از جمله تألیفات ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تضمین اشعار ***الفیه*** ابن مالک که بیش از ۶۰۰ شعر است که در آنها به بررسی علوم گوناگون اسلامی می‌پردازد؛ ***قاعدهٔ لاتعاد***؛ تحریر ***عروة الوثقی***؛ نوشتارهایی در علم اصول، فقه، ریاضیات و نجوم؛ منظومه‌ای در حکمت.

آیت‌الله محمد حسن آل طیب در هشتاد و شش سالگی جان سپرد و در بقعهٔ مقام صاحب الزمان (ع) به خاک سپرده شد.

منبع: شریعتمدار جزائری، سید نورالدین، «آیت‌الله سید محمد حسن آل طیب»، مسجد، س. ۵، ش. ۳۰ (بهمن و اسفند ۱۳۷۵)، ص. ۷۶ ـ ۸۳.

۴ آملی، هاشم، آیت‌الله‌العظمی

فقیه

تولد ۱۲۸۲ (۱۳۲۲ ق.)، توابع لاریجان آمل.
درگذشت ۷ اسفند ۱۳۷۱.

آیت‌الله العظمی هاشم آملی پس از طی تحصیلات ابتدایی برای کسب علوم دینی به تهران رفت و مورد توجه آیت‌الله سید حسن مدرس واقع شد. ایشان در فرصت کوتاهی ادبیات، منطق و سطوح عالیه را به پایان رسانید. اساتید وی در این برهه، آیت‌الله سید محمد تنکابنی و آیت‌الله یدالله نظرپاک بوده‌اند.

در همین ایام که حوزهٔ علمیهٔ قم با استقرار آیت‌الله‌العظمی عبدالکریم حائری یزدی شکل گرفته بود، ایشان برای تحصیلات عالیه به قم عزیمت کرد و به فراگیری علوم اسلامی پرداخت. در این دوران علاوه بر حضور در محفل درس آیت‌الله مؤسس، در جلسات درس اساتید دیگر از جمله آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و آیت‌الله شاه‌آبادی و آیت‌الله کوه‌کمره‌ای نیز شرکت کرد.

پس از پنج سال تحصیل و تدریس در حوزهٔ علمیهٔ قم با اخذ درجهٔ اجتهاد از آیت‌الله العظمی حائری و آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای برای ادامهٔ تحصیل عازم نجف شد و در درس آیات عظام محمد حسین نایینی، ضیاءالدین عراقی و سید ابوالحسن اصفهانی شرکت کرد.

ایشان توانست در این دوره کلیهٔ مطالب دروس اساتید خود را تقریر نماید و در مدت کوتاهی با توصیهٔ اساتید خود پس از چندین سال تدریس سطوح عالیه به تدریس خارج پرداخت. همچنین در سال ۱۳۸۱ ق. عازم قم شد و در آنجا به تدریس فقه و اصول پرداخت.

از جمله آثار ایشان که به رشتهٔ تقریر در آمده و به طبع رسیده به شرح زیر هستند: ***کشف الحقایق عن الفقه الجعفری فی المکاسب*** که تقریر درس بیع و خیارات ایشان است که بعضی از مجلدهای آن به چاپ رسیده است (جلد چهارم به تحریر سید جعفر حسینی طبرسی در نجف در سال ۱۳۸۰ ق. به چاپ رسیده است)؛ ***المعالم المأثوره*** در طهارت؛ ***منتهی‌الافکار*** حاوی مباحث الفاظ اصول فقه (به عربی، جلد دوم، نجف، ۱۳۸۰ ق.). همچنین برخی از آثار قلمی ایشان به شرح زیر است: ***بدایع الافکار فی الاصول*** یک دوره مباحث اصول فقه تقریر درس آیت‌الله العظمی ضیاءالدین عراقی (به زبان عربی) است. از این دوره مبحث الفاظ به طبع رسیده است. ***کتاب الرهن***؛ ***کتاب الاجاره***؛ ***کتاب الصوم***؛ ***رسالة النیة***؛ ***رسالة الخلل فی الصلاة***؛ حاشیه‌ای بر ***التحصیل*** بهمنیار که در زمان تلمذ ایشان نزد استاد نظرپاک

تألیف شده است؛ ***تعلیقهٔ عروةالوثقی***.

آیت‌الله العظمی میرزا هاشم آملی به دنبال یک بیماری طولانی در هفتم اسفند ماه ۱۳۷۱ درگذشت.

منابع: کیهان، ۸ اسفند ۱۳۷۱، ص.۳. «درگذشت حضرت آیت‌الله العظمی میرزا هاشم آملی»، کیهان فرهنگی، س.۱۰، ش.۱ (فروردین ۱۳۷۲)، ص.۵۹؛ ***آثار الحجة یا تاریخ و دایرةالمعارف حوزهٔ علمیهٔ قم دینی ـ تاریخی ـ رجالی ـ ادبی ـ اجتماعی***؛ ***جلد دوّم***/ شیخ محمد شریف رازی، ص.۳۶۷. ***گنجینهٔ دانشمندان، جلد دوم***/ شیخ محمد شریف رازی، ص.۵۳ ـ ۵۴. ***مؤلفین کتب چاپی فارسیّ و عربی***/ خانبابا مشار، ج.۶، ص.۷۴۴ ـ ۷۴۵.

۴/۱ احمدی شاهرودی، احمد علی، آیت‌الله

عالم علوم دینی

تولد ۱۳۰۵ (۱۳۴۶ ق.)، میامی (در نزدیکی شاهرود). درگذشت ۲۵ شعبان ۱۴۱۷ ق.

آیت‌الله احمد علی احمدی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمد حسن احمدی، یکی از علمای بنام و مشهور منطقه و جدش آیت‌الله آقاشیخ احمد نیز از علما و زهاد بود. ایشان به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات را نزد پدر بزرگوارش فرا گرفت. پس از چند سالی، به حوزهٔ علمیهٔ مشهد شتافت و ادبیات را نزد ادیب نیشابوری و سطوح عالیه را نزد حضرات آیات حاج هاشم قزوینی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، میرزا کاظم محقق دامغانی و حاج میرزا احمد مدرس یزدی آموخت. سپس برای تکمیل معلومات و فراگیری دورهٔ عالی دروس فقه و اصول به حوزهٔ علمیهٔ قم آمد و در محضر آیات عظام بروجردی، سید محمد تقی خوانساری، حجت کوه کمری، صدرالدین صدر و امام خمینی زانوی ادب به زمین زد و از خرمن فیض آنان توشه‌ها بر گرفت. آنگاه برای مدت کوتاهی به نجف اشرف کوچید و در درسهای آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی، حکیم و خویی حاضر شد. سپس به قم بازگشت و برای تبلیغ دین و راهنمایی مردم مسلمان به نمایندگی آیت‌الله العظمی بروجردی به شهرهای آباده، فیروزکوه، چهارمحال و بختیاری و کاشان رفت و مبارزه‌ای پیگیر با منحرفان و اهل بدعت را آغاز کرد و در این راستا بسیاری از آنان را توبه داد و به اسلام بازگردانید.

ایشان پس از مدتی به قم بازگشت و به تدریس سطوح عالیه، ترویج شعائر دینی، اقامهٔ جماعت، ارشاد و راهنمایی مؤمنان و تألیف کتابهای علمی دست یازید. او همزمان به تدریس معارف اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی اشتغال ورزید و در سالهای نبرد علیه متجاوزین بعثی، ماهها در کنار رزمندگان اسلام به سر برد و در تقویت روحیهٔ آنان، سخنرانی‌های فراوان ایراد کرد.

برخی از تألیفات چاپ شدهٔ آن فقید عبارت است از:

تقلید الاعلم؛ ***سیری در عقاید*** (بررسی آراء و نظریات صوفیه)؛ ***به سوی خدا بروید***؛ ***مجموعه مقالات در پیرامون باب و بهاء***؛ ***انگیزهٔ حق*** (در بارهٔ مناقب امیرالمؤمنین ـ ع)؛ ***جنگ خیبر***؛ ***تفسیر موضوعی***. تألیفات چاپ نشده ایشان عبارتند از: ***تقریرات درس فقه آیت‌الله بروجردی*** (در بارهٔ لباس مشکوک)؛ ***رساله در مسئلهٔ بداء***؛ ترجمهٔ ***جامع السعادات*** ملا مهدی نراقی؛ ***روحانیت در عصر انقلاب***.

آیت‌الله احمدی شاهرودی در تاریخ بیست و پنجم شعبان ۱۴۱۷ ق.، در هفتاد سالگی در جوار بیت‌الله الحرام به‌دورد حیات گفت.

منبع: «درگذشت آیت‌الله احمدی شاهرودی»، آینهٔ پژوهش، س.۷، ش.۴۲ (بهمن و اسفند ۱۳۷۵)، ص.۸۹ ـ ۹۰.

۴/۲ احمدیان، محمدعلی، آیت‌الله

عالم علوم دینی

تولد ۱۳۰۰ (۱۳۴۰ ق.)، نجف‌آباد.
درگذشت ۱۸ فروردین ۱۳۷۶ (۲۸ ذیقعدة ۱۴۱۷ ق.).

آیت‌الله حاج شیخ محمد علی احمدیان نجف‌آبادی پس از گذران دوران کودکی به فراگیری قرآن مجید، ادبیات فارسی و حساب و هندسه پرداخت. در پانزده سالگی به اصفهان رفت و در محضر اساتید وقت به آموختن ادبیات (سیوطی، مغنی، مطوّل) و حاشیه و معالم همت برگماشت.

سپس به حوزهٔ علیهٔ قم مشرف شد و سطوح را در محضر حضرات آیات شیخ عبدالرزاق قاینی (قوانین)، آیت‌الله نجفی مرعشی، میرزا محمد علی ادیب تهرانی و حاج سید مرتضی علوی (شرح لمعه)، آیت‌الله گلپایگانی و حاج سید محمد باقر قزوینی (مکاسب و تفسیر) را فراگرفت و این همه چهار سال به طول انجامید. آنگاه در سال ۱۳۲۰ پس از سقوط رضاخان، عازم بیت‌الله الحرام و زیارت عتبات گردید و در بازگشت، در حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف رحل اقامت افکند و باقی‌ماندهٔ سطوح مکاسب و رسائل و کفایةالاصول را نزد آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی به پایان رساند. پس از آن به درس خارج حضرات آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی (فقه و اصول)، سید جمال‌الدین گلپایگانی (در فقه)، میرزا باقر زنجانی و سید ابوالقاسم خویی (اصول) و سرانجام به درس آقای حکیم حاضر شد و از محضر آنان توشه برگرفت و در کنار آن به تدریس سطوح و تألیف و تحقیق دست یازید.

ایشان در سال ۱۳۹۳ ق. به ایران آمد و اقامت در قم و تدریس و تألیف را برگزید و آن کار تا پایان زندگی‌اش ادامه یافت.

از آثار وی می‌توان این عنوان‌ها را نام برد: ***رسالة فی‌المکاسب المحرمة***؛ ***رسالة فی‌الاستصحاب*** (هر دو رساله از تقریرات درس آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی است)؛ ***قاعدةالضرر***؛ ***الصحابة الکرام*** (سه جلد)؛ ***رسالة فی‌الخمس***؛ ***رسالة فی‌القضاء***؛ ***رسالة فی‌الدیات***؛ ***المعمّرون*** (حدود ۵۵۰ نفر)؛ ***الاربعون حدیثاً***؛ شرح کتاب ***نقد الرجال*** میرمصطفی تفرشی؛ ***طبقات مفسرین شیعه*** (از صدر اسلام تاکنون)؛ ***کشکول*** (این کتاب بسیار مفصل بوده و شامل مطالب: تفسیر، منتخب اشعار فارسی و عربی، حل مشکلات بعضی از احادیث، تاریخ، جغرافیا، شرح حال بزرگان و علما و شعرای عرب و عجم و در ۱۵۰۰ صفحه می‌باشد)؛ حاشیه بر کتاب ***مسالک الافهام***؛ تحقیق و حاشیه بر ***زبدةالتفاسیر*** ملا فتح‌الله کاشانی؛ تعلیقه بر کتاب‌های شیخ صدوق؛ فهرست امالی شیخ؛ فهرست حاشیه مکاسب کمپانی و فهرست اصول سنة عشر.

آیت‌الله احمدیان نجف‌آبادی سرانجام در تاریخ دوشنبه هیجدهم فروردین ۱۳۷۶ (۲۸ ذیقعدة ۱۴۱۷ ق.) در هفتاد و هفت سالگی به‌درود حیات گفت و پس از تشییع، در قبرستان شیخان در خاک آرمید.

منبع: انصاری قمی، ناصرالدین، «درگذشت آیت‌الله احمدیان نجف‌آبادی»، آینهٔ پژوهش، س.۸، ش.۴۳ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵)، ص.۱۱۳.

۵ اراکی، محمد علی، آیت‌الله‌العظمی

مجتهد، محقق

تولد ۱۲۷۳ (۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۱۲ ق)، اراک.
درگذشت ۸ آذر ۱۳۷۳، تهران.

آیت‌الله العظمی محمد علی اراکی از سن یازده سالگی به فراگیری علوم ادبی و دروس مقدماتی سطح نزد اساتید مختلف (شوهرخواهرش، عماد،

سید جعفر شیثی، آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی) پرداخت. ژهم‌زمان با شرکت در درس آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری، نزد آیت‌الله شیخ محمد سلطان‌العلماء اراکی **شرح منظومه** ملا هادی سبزواری را در حکمت متعالیه تحصیل کرد. از اساتید دیگر ایشان آیت‌الله آقا سید نورالدین اراکی بود.

در پی وفات آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری در سال ۱۳۷۱ ق.، ایشان به قم مهاجرت نمود و به تدریس خارج فقه پرداخت و طی بیش از سی سال مباحث نکاح، مکاسب محرمه، بیع، خیارات (دو دوره)، طهارت و حج در علم فقه و سه دوره کامل علم اصول را تدریس کرد. محل تدریس او مدرسه زیر کتابخانهٔ مدرسهٔ فیضیهٔ قم بود و صبح‌ها به تدریس خارج اصول اشتغال داشت. وی در مسجد امام حسن عسکری قم نماز جمعه اقامه می‌کرد. ضمناً حدود چهل سال در مدرسهٔ فیضیه و حرم حضرت معصومه (س)، اقامهٔ جماعت می‌نمود.

فهرست تألیفات آیت‌الله العظمی اراکی به شرح زیر است: تقریرات بحث آیت‌الله شیخ محمد سلطان‌العلماء اراکی؛ تقریرات درس فقه آیت‌الله حائری شامل: الف: کتاب الطهارة، ب: رسالة فی‌الاجتهاد و التقلید، (که در ضمن کتاب ***دررالفوائد*** آیت‌الله حائری چاپ شده است)، ج: رسالة فی‌الولایه، (که به ضمیمهٔ جلد اوّل کتاب ***القرآن و العقل*** به چاپ رسیده است)، د: الارث، هـ: نفقه زوجه (که همراه کتاب ارث به‌نام ***رسالتان فی الارث و فی‌نفقه الزوجه*** به چاپ رسیده است) و: ***مکاسب المحرمه***، ز: ***کتاب البیع***، ح: ***کتاب الخیارات*** (این سه عنوان آخر هر سه به چاپ رسیده است)؛ تقریرات درس اصول فقه آیت‌الله العظمی حائری (سه دوره)؛ حاشیه بر ***درر الاصول*** آیت‌الله العظمی حائری (که در پاورقی ان کتاب چاپ شده است)؛ تقریر درس فقه آیت‌الله خوانساری (کتاب الطهارة)؛ حاشیهٔ عروة الوثقی؛ شرح مفصل عروةالوثقی ــ باب طهارت؛ ***توضیح المسائل*** (که مکرر به چاپ رسیده)؛ ***مناسک حج***؛ ***رسالهٔ استفتائات***؛ مقدمه بر تفسیر ***القرآن و العقل*** آیت‌الله سید نورالدین اراکی (این تفسیر به اهتمام ایشان به چاپ رسیده است)؛ کتاب ***النکاح و الطلاق***.

آیت‌الله العظمی محمد علی اراکی به سبب یک ضایعهٔ عروقی در بیمارستان شهید رجایی تهران درگذشت. پیکر ایشان در صحن حرم معصومه (س) در کنار مدفن آیات عظام عبدالکریم حائری و سید محمد تقی خوانساری به خاک سپرده شد.

منابع: آیت‌الله اراکی، یک قرن وارستگی/ علی صدرائی خوئی با همکاری ابوالفضل حافظیان. *گنجینهٔ دانشمندان، جلد دوم*/ شیخ محمد شریف رازی. ص.۶۳ـ۶۵ *شرح حال آیت‌الله العظمی اراکی (ره)*/ ابوالحسن مطلّبی، ص.۱۱.

۶ اشرفی اصفهانی، عطاالله، آیت‌الله

فقیه، مجتهد

تولد ۱۲۷۹، سده اصفهان (خمینی‌شهر).

شهادت ۲۳ مهر ۱۳۶۱، کرمانشاه.

آیت‌الله میرزا عطاءالله اشرفی اصفهانی پس از آموختن مقدمات در خمینی‌شهر در سن دوازده سالگی رهسپار حوزهٔ علمیهٔ اصفهان گردید و پس از ورود به اصفهان در مدرسهٔ نوریه واقع در بازار عتیق سکونت کرد. ادبیات و سطح را نزد اساتید حوزهٔ علمیهٔ اصفهان، حضرات آیات عظام محمد حسین فشارکی و سید مهدی درچه‌ای تلمذ نمود. پس از پایان تحصیلات سطح فقه و اصول، برای ادامهٔ تحصیل و کسب علوم اسلامی در سن بیست سالگی رهسپار حوزهٔ علمیهٔ قم گردید و در سال ۱۳۵۰ ق. در

آن شهر اقامت گزید و مدت یک سال از آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم، کسب علم نمود. پس از فوت آیت‌الله العظمی حائری، نزد آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای ، آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر مدت ده سال به کسب علم مشغول بود. همچنین مدتی از آیت‌الله فیض کسب دانش نمود. ایشان تمامی دروس آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری را نوشته‌اند. آیت‌الله اشرفی منظومهٔ حکمت و اسفار را نزد حضرت امام خمینی (ره) فرا گرفتند. پس از ورود آیت‌الله سید حسین بروجردی به حوزهٔ علمیهٔ قم و اقامت در قم، آیت‌الله اشرفی مدت دوازده سال از محضر درس ایشان بهره گرفت و تمامی دروس فقه آن فقیه را نوشت.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی سپس به تدریس دروس سطح رسائل و مکاسب در حوزه اشتغال ورزید و شاگردانی تربیت نمود. ایشان از مراجع تقلید آیات عظام اصفهانی، خوانساری، کوه‌کمره‌ای، صدر، بروجردی، شیرازی و شاهرودی اجازه در امور حسبیه گرفتند و در سن چهل سالگی توسط آیت‌الله العظمی خوانساری برای ایشان اجازهٔ اجتهاد صادر شد. در سال ۱۳۴۲ نیز از حضرت امام خمینی (ره) وکالت مطلق و نمایندگی در سال ۱۳۴۲ برای وی صادر شد. ایشان وکالت مطلق از آیت‌الله گلپایگانی نیز داشتند.

از جمله خدمات آیت‌الله اشرفی می‌توان به این موارد اشاره نمود: تجدید بنای مسجد ولی عصر (ع) در خمینی‌شهر؛ ساختمان مسجد امام حسین (ع) در خمینی‌شهر؛ ساختمان مکتب‌الزهرا؛ تأسیس حوزهٔ علمیهٔ امام خمینی در کرمانشاه؛ مسئولیت امور تبلیغی روحانیون تسنن استان کرمانشاه (که از سوی امام به عهدهٔ ایشان واگذار شده بود).

پس از تأسیس مدرسهٔ علمیه در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۳۴ توسط آیت‌الله سید حسین بروجردی ایشان به همراه مدرس‌های دیگر از قم به کرمانشاه رفتند.پس از فوت آیت‌الله بروجردی ایشان در همان جا باقی ماندند. وی از جمله کسانی بود که پس از شهادت فرزند امام، آیت‌الله سید مصطفی خمینی، مجلس بزرگداشت همراه با اعلامیهٔ چاپ شده برگزار کرد. آیت‌الله اشرفی چندین بار مورد تهدید رژیم پهلوی قرار گرفت امّا به واسطهٔ نفوذ مردمی‌اش، نتوانستند تبعیدش کنند. زمانی که رژیم عراق امام خمینی (ره) را از عراق اخراج کرد، آیت‌الله اشرفی را ساعت سه نیمه شب در منزل دستگیر و پس از یک ساعت توقف در ساواک به اتفاق حجت‌الاسلام بهاءالدین عراقی به تهران برده و در کمیتهٔ شهربانی در سلولی بازداشت کردند. ولی وی بر اثر فشار مراجع تقلید پس از چند روز آزاد شد. در هنگام اوج‌گیری انقلاب، در تمام راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد و مردم را به شرکت در کلیهٔ راهپیمایی‌ها و اعتصابات دعوت می‌نمود. اوّلین راهپیمایی که هم‌زمان با راهپیمایی تهران بود و در عید فطر سال ۱۳۵۷ رخ داد، به دعوت ایشان پس از انجام نماز عید از مسجد آیت‌الله بروجردی تا مسجد جامع انجام شد. آیت‌الله اشرفی امام جماعت مسجد آیت‌الله بروجردی بود. همچنین پس از انقلاب، در ذی‌العقدهٔ ۱۳۹۱ ق.(=۱۳۵۸) از سوی بنیانگذار انقلاب، به امامت جمعهٔ شهر کرمانشاه منصوب شدند که تا پایان عمر امام جمعهٔ همین شهر بودند.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی در بیست و سوم مهر ۱۳۶۱ در کرمانشاه به شهادت رسید.

منبع: شهدای روحانیت شیعه در یک‌صد سالهٔ اخیر، جلد دوّم/ علی ربانی خلخالی، ص.۶۱۹ـ۶۲۷

اصفهانی آل محمد، علی نقی، حجت‌الاسلام ۷

مترجم، شارح، مجتهد

تولد ۱۲۸۴.

درگذشت ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۴.

سید علی‌نقی اصفهانی آل محمد دیباج معروف به «فیض‌الاسلام»، ناظم و شارح ***قرآن مجید***، ***نهج‌البلاغه***، ***صحیفهٔ سجادیه***. ایشان از آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، ضیاءالدین عراقی، محمد کاظم شیرازی اجازهٔ اجتهاد داشتند و نیز صاحب اجازهٔ روایتی از آیت‌الله علی اکبر نهاوندی و محدث قمی بودند. فیض‌الاسلام برای نخستین بار ***نهج‌البلاغه*** را به فارسی‌زبان‌ها معرفی کردند و به ترجمه و شرح و چاپ این کتاب در شش جلد (جلد اول آن در سال ۱۳۲۵ منتشر شد) همت ورزیدند. اثر دوم ایشان، ترجمه و شرح ***صحیفهٔ سجادیه*** است که در جمادی‌الاولی ۱۳۷۵ ق. منتشر شد. وی در ترجمهٔ صحیفه مطالب و نکاتی از علمایی مانند شیخ بهاءالدین میرداماد، سید علی‌خان هندی، سید جزایری و دیگران که در نشرهای خود بیان نموده‌اند و مطالبی از کتاب‌های تاریخ، اخبار، فقه، لغت، حکمت و کلام به اختصار و ساده آورده است. ترجمه و خلاصهٔ تفسیرش به نام ***قرآن عظیم*** در سه مجلد و به خط میرزا طاهر خوشنویس تبریزی و پس از چهارده سال تحقیق به چاپ رسید؛ از آثار دیگر اوست: ترجمه ***خاتون دو سرا: شرح حال زینب کبری (س)*** (تهران، ۱۳۶۶)؛ ***النقلان فی تفسیر القرآن: سوره مبارکه فاتحة الکتاب*** (تهران، ۱۳۶۶).

منبع: «درگذشت حجت الاسلام علینقی فیض‌الاسلام»، کیهان فرهنگی، س. ۲، ش. ۲ (اردیبهشت ۱۳۶۴)، ص. ۳۱.

اصولی، عبدالمجید، ملا ۸

مدرس

تولد ۱۲۶۶.[۱]

درگذشت ۱۶ اسفند ۱۳۵۹، سنندج.

ملا عبدالمجید اصولی تحصیلات خود را تا قسمتی بالاتر از دورهٔ مقدماتی در سنندج آغاز کرد و بعد از آن برای تکمیل معلومات به سلیمانیهٔ عراق رفت و نزد شیخ عمر بن القره داغی فلسفه و منطق را فرا گرفت. علوم ادبی و کلام را در محضر علی حکمت اربیلی به پایان رسانید. سرانجام به اخذ اجازهٔ رسمی افتاء و تدریس دست یافت و به سنندج بازگشت. ابتدا در مسجد شریعتمدار به امامت و تدریس منصوب شد. چندی بعد به امامزاده پیر عمر نقل مکان نمود و به تدریس پرداخت و در اواخر عمر نیز در مدرسهٔ علوم دینی سنندج در سطوح بالا و دروس نهایی مدرس بود؛ در مجموع مدت قریب به شصت سال مشغول به تدریس بود.

عبدالمجید اصولی در سن نود سالگی در گذشت و پیکرش را در مسجد امامزاده پیر عمر به خاک سپردند.

منبع: ***دانشمندان کرد در خدمت علم و دین***/ عبدالکریم مدرس، ترجمهٔ احمد حواری نسب، ص. ۵۳۹.

امامی اصفهانی، احمد، آیت‌الله ۸/۱

عالم علوم دینی

تولد ۱۳۱۲، اصفهان.

درگذشت ۴ آذر ۱۳۷۲ (۱۱ جمادی‌الثانی ۱۴۱۴ ق.).

آیت‌الله سید احمد امامی اصفهانی، فرزند آیت‌الله

---

۱. دکتر محمد اصولی، پسر وی، در مقدمهٔ رسالهٔ دکترای خود، تاریخ تولد او را بین سال‌های ۱۲۶۶ تا ۱۲۷۰ نقل می‌کند.

حاج آقا عطاءالله امامی نیز از علمای مشهور اصفهان، بود. او پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی به فراگیری علوم اسلامی در نزد پدرش و حضرات آیات معلم حبیب‌آبادی، فیاض و فقیه قودجانی پرداخت و پس از تکمیل ادبیات و سطح، جهت استفاده از محضر اساتید حوزهٔ علمیهٔ قم بدانجا رفت و کفایه را از آیت‌الله مجاهدی و آیت‌الله سلطانی طباطبایی فراگرفت. سپس خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله العظمی بروجردی و امام خمینی (ره) و فلسفه را هم نزد علامهٔ طباطبایی تحصیل نمود. از خدمات وی کتابخانهٔ عظیم‌الزهرا با بیش از شصت هزار جلد کتاب و توسعه و نوسازی مسجد سقا در اصفهان را می‌توان نام برد.

از تألیفات چاپ شده‌اش ***چرا جمهوری اسلامی*** و ***روش رهبران انقلابی ما*** و از کتابهای چاپ نشده‌اش می‌توان از اینها نام برد: تقریرات درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی؛ تقریرات درس اصول امام خمینی؛ تقریرات درس فقه (مکاسب) امام خمینی؛ ***اجتهاد و تقلید***؛ ***جغرافیای کشورهای اسلامی***؛ ***شرح دعای عرفه***؛ ***جنگ در نظام کامل اسلام***؛ ***قواعد درایه و رجال***؛ ***مبارزه و راه آن در قرآن***؛ ***آیات معجزه‌آسای قرآن***؛ ***انسان در قرآن***؛ ***ولایت و امامت از دیدگاه قرآن***؛ ***اخلاق در قرآن***؛ ***تمثیلات و تشبیهات قرآن***؛ ***قرآن و تعهدات اسلامی***؛ ***تفسیر جزء سی قرآن***؛ ***تفسیر قرآن (از سورهٔ بقره تا انفال)***؛ ***اسرار حج***؛ ***سنت تغییر***؛ ***راه مستقیم***؛ ***بشر و رسالت او***؛ ***قدرت و نیرو***؛ ***جاسوسی در اسلام***؛ ***انقلاب در پرتو وحی***؛ ***جهاد***؛ ***روحانیت و تبلیغ در اسلام***؛ ***انحرافات و مبارزه با استعمار***؛ ***وظایف مردم در زمان غیبت***؛ ***شیطان در خانهٔ ما***؛ ***چگونه باید زیست***؛ ***راهنمایی‌های حضرت علی (ع)*** (هفت جلد)؛ ***قیامت*** (سه جلد)؛ ***اسلام تنها راه مبارزه با استعمار***؛ ***جامعهٔ اسلامی***؛ ***خدمات اهل بیت پیامبر***؛ ***فرهنگ واژه‌های علمی***؛ ***فرازهای عالی صحیفهٔ سجادیه***؛ ***اقتصاد***؛ ***شناخت خط انقلابی حضرت مهدی (عج)***؛ ***شرح نامهٔ علی (ع) به مالک اشتر***.

آیت‌الله امامی اصفهانی روز پنجشنبه چهارم آذر ۱۳۷۲ (برابر با یازدهم جمادی‌الثانی ۱۴۱۴ ق.) در شصت سالگی به‌درود حیات گفت و پیکرش در امامزاده ابوالعباس خوراسگان به خاک سپرده شد.

منبع: «درگذشت مرحوم آیت‌الله حاج سید احمد امامی اصفهانی»، آینهٔ پژوهش، س. ۴، ش. ۲۳ (بهمن و اسفند ۱۳۷۲).

۹ امین، نصرت بیگم، حجت‌الاسلام

مجتهد، فقیه، مدرس

تولد ۱۲۶۵، اصفهان.[۱]

درگذشت ۲۳ خرداد ۱۳۶۲، اصفهان.

حجت‌الاسلام سیده نصرت بیگم امین (معروف به بانوی ایران)، فرزند سید محمد علی امین‌التجار اصفهانی ، در چهار سالگی برای آموزش قرآن و فراگیری خواندن و نوشتن راهی مکتب شد.

بانو امین همچنان به تحصیل ادامه می‌داد تا این که در پانزده سالگی با پسر عموی خود حاج میرزا ملقب به معین‌التجار که از بازرگانان سرشناس و معتبر اصفهان بود ازدواج نمود و به خانه‌داری و تربیت فرزندان مشغول شد. اما این امر مانع ادامهٔ تحصیل و مطالعه و تحقیق وی در معارف اسلامی نشد و به تحصیل صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، علم حدیث، فقه، اصول، فلسفه و عرفان پرداخت و با وجود مشکلاتی که در فضای حاکم بر آن ایام برای زنان در امر تحصیل وجود داشت، طلبگی و تحصیل خود را در سطوح عالیه نیز ادامه داد تا این که در

۱. در کتاب *فهرست مستند امامی مشاهیر و مؤلفان* تاریخ تولد ایشان ۱۲۶۹ درج شده است.

چهل سالگی مرتبت و تسلط علمی ایشان مورد تأیید مراجع تقلید وقت قرار گرفت و به دریافت درجهٔ اجتهاد و روایت نایل شد. بانو امین از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتب، تدریس، پاسخگویی به پرسش‌های دینی و ارشاد دختران و زنان پرداخت.

آثار ایشان عبارتند از: ***اربعین الهاشمیه*** (به زبان عربی، ۱۳۵۶ ق.)؛ ***جامع الشتات*** (زبان عربی)؛ ***معاد یا آخرین سیر بشر*** (تهران، ۱۳۲۶؛ تبریز، چاپ دوم، ۱۳۳۴)؛ ***النفحات الرحمانیة فی الواردات القلبیة*** (به زبان عربی، اصفهان، ۱۳۶۹)؛ ***اخلاق***[۱] (ترجمهٔ کتاب ابن مسکویه)؛ ***مخزن العرفان*** (تفسیر قرآن در پانزده جلد[۲])؛ ***روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی*** (تهران، ۱۳۳۱، این کتاب در تبریز و اصفهان نیز به چاپ رسیده است)؛ ***مخزن اللئالی در مناقب مولی‌الموالی امیرالمؤمنین علی (ع)***؛ ***سیر و سلوک، در روش اولیاء و طریق سیر سعداء*** (اصفهان، ۱۳۲۳).

حجت‌الاسلام امین در سال ۱۳۴۴ با سرمایهٔ خود مکتبی به نام «فاطمه سلام‌الله علیها» و نیز دبیرستانی دخترانه تأسیس کرد تا فضایی برای ادامه تحصیل بانوان فراهم آید. ایشان همچنین در کانون تبلیغات و تعلیمات دینی بانوان اصفهان به تدریس معارف و تفسیر قرآن می‌پرداخت.

مزار بانو امین در اصفهان قرار دارد.

منابع: یادنامهٔ بانوی مجتهده حجةالاسلام و المسلمین سیده نصرت امین (مشهور به بانوی ایرانی)/ تهیه و تنظیم مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی. *اینجا ایران، من زن؛ یاد و نام زنان ایرانی در رشته‌های علوم انسانی و هنر/* دکتر سهیلا شهشهانی، ژیلا هدایی، فهیمهٔ سپهر صادقیان، ص.۵۵. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/* خانبابا مشار، جلد ششم، ص.۵۵۷ــ۵۵۹. *مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین و دومین کنگرهٔ بزرگداشت بانوی مجتهده سیده نصرت امین (ره)/* مینا خواجه‌نوری.

انصاری محلاتی، میرزا حسن، آیت‌الله　۱۰

فقیه

تولد ۱۲۸۹.

درگذشت ۱۳۷۵، قم.

آیت‌الله میرزا حسن انصاری محلاتی در حوزهٔ علمیهٔ قم و در محضر آیت‌الله العظمی حائری یزدی به تحصیل پرداخت. در ادامهٔ تحصیلات خود، از حوزهٔ فقه و اصول حضرات آیات عظام خوانساری، کوه‌کمره‌ای و بروجردی بهره گرفته و به مدارج عالی فقاهت دست یافت و مدت‌ها در درس فلسفهٔ حضرت امام خمینی (ره) حاضر شد و شرح منظومه و بخشی از اسفار را در خدمت ایشان تلمذ نمود.

آیت‌الله انصاری محلاتی در شهر قم درگذشت و پیکر ایشان در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

منبع: «آیت‌الله انصاری محلاتی دعوت حق را لبیک گفت»، جمهوری اسلامی، س.۱۸، ش.۵۰۸۲ (۲۸ آذر ۱۳۷۵)، ص.۴.

باهنر، محمد جواد، حجت‌الاسلام　۱۱

متفکر

تولد ۱۳۱۲، کرمان.

شهادت ۸ شهریور ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام محمد جواد باهنر تحصیلات خود را از پنج سالگی در مکتب‌خانه آغاز کرد. در سال ۱۳۲۲ برای ادامهٔ تحصیل به مدرسهٔ معصومیه رفت و شروع به تحصیل علوم دینی نمود. در سال ۱۳۳۲ به

---

۱. نام این کتاب در *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* به این صورت آمده است: *اخلاق و راه سعادت بشر* (ترجمه و اقتباس از طهارة الاعراق، اصفهان، ۱۳۲۸).

۲. نام این کتاب در *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* به این صورت آمده است: *کنز العرفان در علوم قرآن*.

قم عزیمت کرد و سطوح عالی علوم اسلامی را در محضر آیت‌الله سید حسین بروجردی و امام خمینی (ره) و علامهٔ طباطبایی ادامه داد. یک سال بعد در سال ۱۳۳۳ دیپلم نظام قدیم را به صورت متفرقه امتحان داد. در سال ۱۳۳۶ مجله و سالنامه و فصلنامهٔ «مکتب تشیع» را تأسیس کرد. در تهران به تحصیلات دانشگاهی پرداخت و موفق به اخذ لیسانس الهیات شد و پس از آن فوق لیسانس امور تربیتی شد. سپس در رشتهٔ الهیات به تحصیل پرداخت و در این رشته نیز موفق شد و به اخذ مدرک دکتری نایل آمد.

حجت‌الاسلام محمد جواد باهنر در مدت اقامت خود در کرمان با روزنامهٔ «هدایت افکار» همکاری داشت و در شمارهٔ نوزده سال دوم به تاریخ شنبه ششم شهریور ۱۳۳۲ (برابر با هیجدهم ذیحجه ۱۳۷۲ق.) روزنامهٔ مذکور مقاله‌ای با امضای (م.ج. باهنر) زیر عنوان «اجتماع عظیم و پرشکوه ملت مسلمان تشکیلات سالیانه و جهانی اسلام» به چاپ رسیده است.

حجت‌الاسلام محمد جواد باهنر در سال ۱۳۳۷ به سبب اعتراض به رسمیت شناختن اسرائیل توسط شاه در آبادان دستگیر شد.

حجت‌الاسلام باهنر از سال ۱۳۴۲ به استخدام وزارت آموزش و پرورش در آمد و به تدریس پرداخت. ضمناً در دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی همکاری نزدیک داشت و برنامه‌های دروس دینی تحت نظر ایشان انجام می‌گرفت. در این زمینه نیز جهت دروس دینی مسئولیت تألیف کتب درسی را به‌عهده گرفت و حدود سی جلد کتاب و جزوه به رشتهٔ تحریر در آورد و تألیف نمود. ایشان در تأسیس دفتر نشر فرهنگ اسلامی، کانون توحید و مدرسهٔ رفاه نقش مؤثری داشت. در اسفند ۱۳۴۲ پس از ایراد سخنرانی‌هایی در مسجد هدایت و مسجد الجواد و حسینیهٔ ارشاد به مناسبت سالگرد حادثهٔ فیضیهٔ قم، دستگیر و چهار ماه زندانی شد. در سال ۱۳۵۰ ممنوع المنبر شد. از این زمان به بعد تا انقلاب اسلامی، وی چندین بار دستگیر شد. وی در سال ۱۳۵۷ به فرمان امام خمینی (ره) مأمور تنظیم اعتصابات با همکاری دکتر عزت‌الله سحابی و مهندس علی‌اکبر معین‌فر شد و همراه با آیت‌الله دکتر بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی حزب جمهوری اسلامی را بنیاد نهاد و در همان سال به فرمان امام خمینی (ره) به عضویت شورای انقلاب اسلامی در آمد. سپس به نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان انتخاب شد. پس از آن نمایندهٔ شورای انقلاب در وزارت آموزش و پرورش گردید. همچنین عضو شورای تنظیم مدارس بود و مدتی هم مسئولیت نهضت سوادآموزی را به عهده داشت؛ آنگاه از طرف مردم تهران به اولین مجلس شورای اسلامی راه یافت. اما از آنجا که در کابینهٔ رجایی مسئولیت وزارت آموزش و پرورش را به‌عهده گرفت، از نمایندگی مجلس شورای اسلامی استعفا داد. پس از فاجعهٔ بمب‌گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰ به دبیرکلی حزب انتخاب شد. در چهاردهم مرداد همان سال به نخست‌وزیری رسید و بعدازظهر هشتم شهریور ۱۳۶۰ بر اثر انفجار بمب در دفتر نخست‌وزیری به شهادت رسید.

از آثار ایشان است: ***یادگار یک سفر*** (مجموعه سخنرانی)؛ ***بایدها و نبایدهای انقلاب***؛ ***نقش قیامتی انقلاب اسلامی***؛ ***چهار گفتار از دو شهید*** (با گفتارهایی از آیت‌الله دکتر بهشتی)؛ ***فروغ اندیشه*** (مجموعه سخنرانی و مصاحبه‌ها)؛ ***انقلاب فرهنگی*** (سخنرانی)؛ ***اندیشه‌های شهید باهنر*** (سخنرانی)؛ ***سخنی در بارهٔ خداشناسی***؛ ***مقالات از دوران خفقان***؛ ***تعالیم قرآن مجید*** (با مشارکت آیت‌الله سید رضا برقعی)؛ ***اصول***

دین و احکام برای خانواده (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ ***جهان‌بینی اسلامی*** (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ ***دین‌شناسی تطبیقی*** (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ ***دین و دانش*** (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ ***شناخت اسلامی*** (با مشارکت آیت‌الله دکتر بهشتی)؛ ***معارف اسلامی*** (با مشارکت آیت‌الله دکتر بهشتی)؛ ***اسلام مذهب رسمی ما*** (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ ***گفتارهای تربیتی*** (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ ***انسان و خودسازی*** (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ ***موضع ما در ولایت و رهبری*** (با مشارکت آیت‌الله برقعی)؛ ***خداشناسی*** (با مشارکت آیت‌الله برقعی و علی گلزادهٔ غفوری).

منابع: *یادوارهٔ دو کبوتر همراز شهیدان رجایی و باهنر*/ روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ص.۳۲. *تاریخ مطبوعات کرمان*/ اسماعیل رزم آسا، ص.۲۰۶ـ۲۰۸. ***شهدای روحانیت شیعه در یک‌صد سالهٔ اخیر، جلد اول***/ علی ربانی خلخالی، ص.۵۶۲ـ۵۶۴. *زندگینامه وزراء، مختصری از شرح اعضاء نخستین دولت جمهوری اسلامی ایران*/ دفتر تحقیقات و انتشارات روابط عمومی نخست وزیری، ص.۱۸. *وزرای آموزش و پرورش ایران، وزرای معارف ایران*/ احمد عبدالله‌پور، ص.۲۳۲ـ۲۳۳.

۱۲ برقعی، رضا، آیت‌الله

عالم دینی

تولد ۱۳۰۳، قم.

درگذشت ۶ اردیبهشت ۱۳۷۵.

آیت‌الله سید رضا برقعی پس از طی دوران طفولیت، به فراگیری سواد و تحصیل علم در مدرسه‌های باقریه و حکیم نظامی پرداخت. در سال ۱۳۲۰ پس از فراغت از تحصیل مدرسهٔ حکیم نظامی وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد و با استفاده از دروس آیت‌الله سید حسین بروجردی و امام خمینی(ره)، درس خارج را در محضر استادان حوزهٔ علمیهٔ قم به پایان برد. سپس راهی نجف شد و چند سالی در آنجا در درس آقایان سید یحیی و سید احمد یزدی و دیگران حاضر شد. پس از بازگشت به ایران، در وزارت آموزش و پرورش به شکل‌دهی و تألیف و تدوین کتاب‌های درسی دینی دبستان و دبیرستان پرداخت. در این راه آقایان گلزادهٔ غفوری، حجت‌الاسلام محمد جواد باهنر و آیت‌الله دکتر بهشتی در کنار وی فعالیت می‌کردند. در سال ۱۳۵۴ دفتر نشر فرهنگ اسلامی تأسیس کرد.

از جمله فعالیت‌های اجتماعی ایشان، می‌توان به تأسیس کارگاه قالی‌بافی، مدرسهٔ راهنمایی، درمانگاه و احداث راه ارتباطی آسفالته اشاره کرد.

تألیف ***خودآموز قرآن*** از جمله آثار اوست. وی همچنین با همکاری دکتر باهنر، رسالهٔ ***خداشناسی*** و کتاب ***تعالیم قرآن*** (این کتاب به زبان‌های اردو، انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است) و کتاب ***اصول دین و احکام*** را منتشر کردند. کتابچهٔ دیگر ***معلم قرآن*** است که به زبان فارسی و عربی منتشر شده است. رسالهٔ ***احکام دین*** نیز از آثار ایشان است.

منابع: ترابی، سید محمد، «یادی از خدمتگزار فرهنگ و تمدن اسلام»، کلک، ش.۷۳ـ۷۵، (فروردین ـ خرداد ۱۳۷۵)، ص.۴۲۸ـ۴۳۲. اطلاعات، ش.۲۰۷۵۲ (۸ اردیبهشت ۱۳۷۵)، ص.۲.

۱۳ برقعی قمی، علی اکبر، آیت‌الله

فقیه، محقق، شاعر

تولد ۱۲۷۸ (۱۳۱۷ ق.)، قم.

وفات ۱۳ مرداد ۱۳۶۶.

آیت‌الله سید علی‌اکبر برقعی قمی متخلص به «کاشف»، فرزند سیدرضی، پس از طی تحصیلات

علوم عقلی و نقلی نزد استادان، شروع به تدریس نمود. حوزهٔ درسی به‌وجود آورد و به دانش‌پژوهی و دانش‌پروری پرداخت.

در بیست سالگی از مراجع زمان اجازهٔ اجتهاد کسب کرد. اساتید او در ادب شیخ جعفر غفرانی و شیخ ابوالقاسم نحوی و در منقول آقایان محمد ارباب و حسن فاضل و شیخ ابوالقاسم ملا محمد کریم و در خارج از سطح آیات عظام حائری یزدی و حسن نایینی و سید ابوالحسن اصفهانی و در مقدمات معقول محمد ارباب و در تحصیلات عالیهٔ معقول شیخ علی اکبر حکمی یزدی بودند.

در سال ۱۳۱۳ یک دبستان و سال ۱۳۱۵ یک دبیرستان تأسیس کرد و هر دو را به نام سنایی موسوم ساخت. پس از ورود آیت‌الله العظمی حائری یزدی به قم و تأسیس حوزهٔ علمیهٔ، آیت‌الله برقعی یکی از مشاوران او بود و در بارهٔ مشکلات روحانیت و وضع تحصیلی طلاب با او تبادل نظر می‌کرد. آیت‌الله برقعی در زمان جنگ جهانی دوم یاور مردم بود و به تشکیل انجمن خیریه همت گماشت و از متمکنین تهران و قم کمک گرفت و در منطقه‌ای که سکونت داشت نانوایی ایجاد کرد. بدین طریق به بینوایان کمک و مساعدت می‌نمود.

در سال ۱۳۲۹ که در ایران جمعیت هواداران صلح به ریاست ملک‌الشعرای بهار تشکیل شد، از آیت‌الله برقعی خواستند که به جمعیت صلح در ایران کمک کند و او نیز اولین سخنرانی خود را در مسجد امام خمینی (شاه سابق) تهران تحت عنوان «صلح و نیروی نگهبان آن» ایراد کرد. شعار «به عدل سوگند، صلح پیروز است» به‌واسطهٔ ایشان رایج شد. به همین منظور به کنگرهٔ جهانی صلح دعوت شد که یک بار در پاریس و بار دیگر در وین تشکیل شد و به‌عنوان یک پیشوای روحانی مسلمان سخنرانی کرد. پس از مراجعت از سفر اروپا از قم به شیراز و بعد به یزد تبعید شد و این تبعید مدت چهارده سال به طول کشید.

آیت‌الله برقعی به شعر و شاعری علاقه‌مند بود و شعر هم می‌گفت. قسمتی از اشعار وی از بین رفته است و فقط حدود دو هزار بیت آن گردآوری شده است.

فهرست آثار ایشان به شرح زیر است: ***راهنمای دانشوران*** (سه جلد؛ ۱۳۲۸ ـ ۱۳۲۹)؛ ***راهنمای قم*** (در تاریخ قم و آثار تاریخی آن؛ با مقدمه رشید یاسمی؛ ۱۳۱۷)؛ ***راهنمای دینداران*** (۱۳۲۴)؛ ***کانون احساسات*** (در واقعهٔ کربلا)؛ ***کاخ دلاویز*** (یا تاریخ شریف رضی؛ ۱۳۱۸)؛ ***مهر تابان*** (در سیرت علی(ع)؛ ۱۳۱۷)؛ ***جلوهٔ حق*** (در سیرت علی بن ابی‌طالب؛ ۱۳۱۹)؛ ***بامداد روشن*** (در اسرار واگذاری خلافت حضرت امام حسن(ع) به معاویه؛ ۱۳۲۰)؛ ترجمهٔ ***شیعه یا پدیدآورندگان فنون اسلام*** (اثر سید حسن صدر؛ ۱۳۱۹)؛ ***تذکرهٔ مبتکران***؛ ***درج گهر*** (در سخنان حضرت سیدالبشر؛ ۱۳۶۶ ق.)؛ ***چرا از مرگ بترسم*** (اثر ابن مسکویه، ترجمهٔ ***لماذا اخاف الموت***، قم، چاپ دوم، ۱۳۲۷)؛ ***راه نو در جهان‌شناسی***؛ ***دررالکلم در کلمات قصار علی (ع)***؛ ***سیاست‌نامهٔ حضرت علی (ع)***.

منابع : فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز / عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص.۴۶۸. *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد پنجم /* سید محمد باقر برقعی، ص.۲۹۲۴ ـ ۲۹۲۶. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی /* خانبابا مشار، جلد چهارم، ص.۴۹۱ ـ ۴۹۳.

۱۴ بشارت، محمد تقی، حجت‌الاسلام

فقیه

تولد ۱۳۲۴، در دهاقان شهررضا.
شهادت ۱۴ مرداد ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام محمد تقی بشارت، فرزند حاجی بابا، تا خارج فقه و اصول تحصیلات حوزوی داشت. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به کار تدریس مشغول بود و از طرف حضرت امام خمینی (ره) و جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه، در امور تبلیغ فعالیت داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نمایندگی امام در گچساران و نیز جهاد سازندگی را به‌عهده داشت. همچنین مدتی سرپرست بنیاد شهید و کمیتهٔ کهکیلویه و بویر احمد بود. وی از سوی مردم شهر سمیرم به نمایندگی مجلس خبرگان و سپس اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی رسید.

علاوه بر مقاله‌های ایشان در جراید، کتاب ***خوارج از دیدگاه نهج‌البلاغه*** را تنظیم نمود و همچنین در ترجمهٔ بخشی از ***مجموعه ورام*** نیز سهم داشت.

حجت‌الاسلام بشارت در چهاردهم مرداد ۱۳۶۰ به دست منافقین در جلوی درب منزلش به شهادت رسید. پیکرش در سمیرم به خاک سپرده شد.

منبع: نگرشی به اولین دوره مجلس شورای اسلامی/ روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ص. ۳۱۵.

۱۴/۱ بهاءالدینی، رضا، آیت‌الله

عالم علوم دینی

تولد ۹ فروردین ۱۲۶۷ (عید غدیر خم ۱۳۲۷ ق.)، قم. درگذشت ۲۸ تیر ۱۳۷۶ (۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.)، قم.

آیت‌الله سید رضا بهاءالدینی، فرزند سید صفی‌الدین خدمتگزار آستانهٔ حضرت معصومه و حافظ بسیاری از سوره‌های قرآن مجید و معروف به «کشف‌الآیات»، بود. وی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی، در شش سالگی به مکتبخانه رفت و به فراگیری نصاب، گلستان، خواندن و نوشتن پرداخت و پس از آن به آموختن علوم دینی روی آورد، و توانست مغنی را نزد میرزا محمد علی ادیب تهرانی، شرح‌لمعه و فرائد الاصول را در محضر آخوند میرزا محمد همدانی، قوانین الاصول را نزد آیت‌الله آخوند ملاعلی همدانی و مکاسب را در مجلس درس آیت‌الله سید صدرالدین صدر بیاموزد.

سپس در نوزده سالگی در درس خارج فقه و اصول آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی حاضر شد. پس از وفات ایشان به درس حضرات آیات عظام: سید صدرالدین صدر، سید محمد حجت، سید محمد تقی خوانساری و حاج آقا حسین بروجردی حاضر شد و مبانی فقهی و اصولی‌اش را استوار ساخت و در بیست و پنج سالگی از آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد دریافت نمود.

ایشان در کنار تحصیل به تدریس مقدمات و سطوح روی آورد و سیوطی، مغنی، حاشیه، مطول، قوانین (پنج دوره)، رسایل، مکاسب و کفایه را تدریس کرد و شاگردان فراوانی را تربیت نمود. سپس خارج فقه و اصول را آغاز کرد و در مدت بیست سال، چند کتاب فقهی و چند دوره اصول را تدریس نمود و مجموع سالهای تدریس وی، شصت سال به طول انجامید.

آیت‌الله بهاءالدینی در جنب تحصیل و تدریس به اقامه جماعت و تألیف نیز پرداخت و نوشتارهایی پیرامون قرآن مجید، نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه از او به یادگار ماند و این همه، خمیرمایه درسهای اخلاقی وی در حوزهٔ علمیهٔ قم را تشکیل داد.

در اسفند ۱۳۷۵ سمیناری در تحلیل از وی در حوزهٔ علمیهٔ قم برپا شد و از شخصیت وی تجلیل گردید و کتابی با نام ***آیت بصیرت*** در شرح زندگی او منتشر شد.

آیت‌الله بهاءالدینی در سن نود سالگی در روز

شنبه بیست و هشتم تیر ۱۳۷۶ (سیزدهم ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.) بـه‌درود حیات گفت و پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله فاضل لنکرانی بر آن در مسجد بالاسر حرم حضرت فاطمه معصومه(س) به خـاک سپرده شد.

مـنبع: انـصاری قـمی، نـاصرالدیـن، «درگـذشت آیت‌الله بهاءالدینی»، آینهٔ پژوهش، س.۸، ش.۴۴ (خرداد و تیر ۱۳۷۵)، ص.۱۰۴ ـ ۱۰۵.

بهبهانی، علی، آیت‌الله ۱۵

فقیه، مجتهد

تولد ۱۳۰۳ ق.، بهبهان.[۱]

درگذشت ۱۴۰۰ ق.[۲]

آیت‌الله سید علی بهبهانی رامهرمزی، فرزند محمد بـن عـلی مـوسوی بـهبهانی رامـهرمزی، از سـنین کودکی تا هیجده سالگی در زادگاه خویش مقدمات علوم را نزد علمای بـهبهان از جـمله مـیرزا مـحمد حسن و شیخ عبدالرسول و سید محمد ناظم‌الشریعه طی کرد. در سال ۱۳۲۲ عازم نجف گردید و پس از پیمودن سطوح فقه و اصول مدت‌ها از حوزهٔ درس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقا سـید مـحمد کاظم یزدی و آقا سید محسن حجت کـوه‌کـمره‌ای استفاده نمود و بعد از فـوت ایـن اسـتاد، سـال‌ها از محضر آیت‌الله نوری، آقا شریعت اصفهانی و علمای دیگر بهره‌مند گـردید و بـعد از خـاتمهٔ تـحقیقات و رسیدن به اجتهاد در عداد اساتید حوزهٔ عراق در آمد. اما ضمن مسافرتی به ایران در هنگام مراجـعت بـه نجف خانوادهٔ او در رامهرمز بیمار شد و مدتی در این شهر اقامت گزید. به هنگام عزیمت از این شهر بـا اصرار زیاد مردم برای اقامت به این شهر مواجه شد و چند ماهی در آنجا ماند. اما پس از مدتی به سـوی کربلا و نجف رفت و ابتدا دو سـالی را در کـربلا و سپس در نجف مشغول تدریس شد، اما در خلال این چند سـال بـه عـلت درخـواست‌هـای مکـرر مـردم رامهرمز، حوزهٔ علمیهٔ نجف را به قصد ترویج به این شهر ترک نمود و چند سالی به خدمات مختلف نظیر تدریس فضلا و ایجاد مدارس و ابنیه‌ها مشغول بود و آثاری جاوید از خویش به جا گذاشت.

آیت‌الله بـهبهانی سـال‌ها از عـلما و مـراجـع خوزستان و اصفهان بود. وی شش ماه از فصول گرم سال را در اصفهان و شش ماه دیگر را در خوزستان اقامت مـی‌نمود. در اصـفهان در مـدرسهٔ صـدر بـه تدریس خارج فقه و اصول مشـغول بـود و عـلمای اصفهان از محضرش استفاده می‌نمودند. روزها اغلب در مسجد امام و شب‌ها در مسجد سید اقامهٔ جماعت داشت.

تألیـفات مـهم آیت‌الله بـهبهانی عـبارتند از: ***مصباح الهدایة فـی تـفسیر اربـعین آیـة (او) مـصباح الهدایه فی اثبات الولایة*** (عـربی، ۱۳۶۶ ق.)؛ ***شـرح و حاشیه عروةالوثقی*** و ***وسیلة النجاة*** در مسائل حلال و حرام؛ ***کشف اسـتار در حـدیث***؛ ***اسـاس عـلم نـحو***؛ ***مقالات حول مباحث الالفاظ*** (۱۳۳۵)؛ ***بحث اشتقاق***؛ ***القواعد الکلیّة مما یبتنی علیه کثیر من معضلات مسائل الفـقه و الاصـول*** (عـربی، دو جـلد، ۱۳۳۳)؛ ***فـوائـد هشـتگانه*** (۱۳۳۴)؛ ***رسـالهٔ عـملیه***؛ ***جـامع المسـائل*** (۱۳۳۸).

مـنابع: عـلمای بـزرگ شـعیه از کـلینی تـا خـمینی / م. جرفادقانی، ص.۴۳۶ و ۴۳۷. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد چهارم، ص.۳۸۵ ـ ۳۸۶. *زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ـ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد دوم،*

---

۱. چنانکه در کتاب ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** آمده است مشخص نیست تاریخ تولد وی ۱۳۰۳ هجری شمسی است یا ۱۳۰۴ هجری قمری.

۲. در کـتاب ***علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی*** تـاریخ فـوت وی به همین صورت ذکر شده است.

(ب ـ ث)/ حسن مرسلوند، ص.۱۰۵ ـ ۱۰۶.

۱۶ بهشتی، محمد حسین، آیت‌الله

فقیه

تولد ۱۳۰۷، اصفهان.

شهادت ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

آیت‌الله سید محمد حسین بهشتی در محلهٔ لومبان اصفهان چشم به جهان گشود. پدر بزرگ وی، آیت‌الله میرمحمد صادق مدرس خاتون‌آبادی، از مراجع عصر خود بود. آیت‌الله بهشتی تحصیلات خود را تا سال دوم دبیرستان در اصفهان گذراند و سپس به حوزهٔ علمیهٔ اصفهان وارد شد. دروس علمی را تا اواخر سطوح عالیه در همان حوزه خواند و سپس در سال ۱۳۲۵ به قم رفت. حدود شش ماه در قم بقیهٔ سطح مکاسب و کفایه را تکمیل نمود و از اوایل سال ۱۳۲۶ به درس خارج فقه و اصول در محضر آیت‌الله محقق داماد وارد شد. از اساتید دیگر وی آیات عظام بروجردی، خوانساری، کوه‌کمره‌ای و امام خمینی (ره) بودند.

برای پیگیری تحصیلات دانشگاهی، در سال ۱۳۲۷ با گرفتن دیپلم، وارد دانشگاه معقول و منقول شد و تا سطح دکتری ادامهٔ تحصیل داد. در فلسفه نیز پنج سال مستمر (۱۳۳۰ـ۱۳۳۵) در درس علامهٔ طباطبایی حضور یافت و علاوه بر بحث‌های ***اصول فلسفه و روش رئالیسم***، ***اسفار*** و ***شفا*** را نیز فرا گرفت. در همان سال‌ها به سبب آشنایی با زبان انگلیسی به‌عنوان دبیر به تعلیم این زبان در دبیرستان‌ها پرداخت.

در سال‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰ وارد عرصهٔ فعالیت‌های سیاسی شد. تأسیس مدرسهٔ منتظریه با همت آیت‌الله قدوسی و با نظارت ایشان از فعالیت‌های دیگری بود که از سال ۱۳۳۹ آغاز شد. از سال ۱۳۴۱ نیز در جریان‌های سیاسی حضور داشت. از جمله اقدامات وی همکاری در ایجاد «کانون دانش‌آموزان قم» بود که بعدها آیت‌الله دکتر محمد مفتح مسئولیت آن را پذیرفت. در زمستان سال ۱۳۴۲ او را مجبور کردند که از قم خارج شده و به تهران برود.

با ورود به تهران با جمعیت‌های مؤتلفهٔ اسلامی رابطه سازمان یافته‌ای داشت. در همین جمعیت‌ها بود که به پیشنهاد شورای مرکزی، امام خمینی (ره) یک گروه چهار نفری را به‌عنوان شورای سیاسی و فقهی تعیین نمود که یکی از آنها آیت‌الله بهشتی بود. بعدها برنامهٔ تغییر کتاب‌های تعلیمات دینی مدارس در رأس فعالیت‌های آنها قرار گرفت.

با دستگیری اغلب رهبران سیاسی نظامی جمعیت‌های مؤتلفه، آیت‌الله بهشتی در اوایل سال ۱۳۴۴ برای راهنمایی مسلمانان آلمان، از ایران به آن کشور رفت و در هامبورگ مستقر شد. در آنجا زبان آلمانی را یاد گرفت. اما فعالیت وی فقط منحصر به آلمان نبود و کشورهای آلمانی‌زبان (به‌ویژه اتریش) را نیز در بر می‌گرفت. آیت‌الله بهشتی در این مدت در تشکیل اتحادیهٔ انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و نشریهٔ «اسلام مکتب مبارز» همکاری کرد و از ایشان در این دوره، سخنرانی‌ها و جزوات چندی به زبان‌های فارسی، انگلیسی، عربی و آلمانی باقی مانده است. یک دوره تفسیر قرآن از آغاز تا سورهٔ نساء نیز حاصل همین ایام است.

در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و با همکاری آیت‌الله مهدوی کنی، آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله محمد مفتح به تشکیل جامعهٔ روحانیت مبارز نمود. در سال ۱۳۵۵ هسته‌هایی برای امور تشکیلاتی به‌وجود آمد و در سال ۱۳۵۶ روحانیت مبارز شکل گرفت.

در کنار فعالیت‌های دیگرش، از همان سال

بازگشت به ایران (۱۳۴۹) کار تحقیقاتی و علمی را آغاز کرد که تا سال‌های انقلاب با همکاری آیت‌الله موسوی اردبیلی و دکتر محمد مفتح ادامه یافت و اهمیت این کار تحقیقاتی به‌حدی بود که حتی در سال ۱۳۵۳ در برگهٔ یادداشت کارهای جاری، پنجاه درصد از وقت خویش را فقط به آن اختصاص داده‌اند و بقیه را به بیش از پانزده کار فرهنگی، تحقیقی و اجرایی دیگر. در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ نیز، جلسه‌ای در روزهای دوشنبه در منزل ایشان برقرار بود که در آن با حضور چند تن از محققان و فارغ‌التحصیلان رشتهٔ اقتصاد، کتاب ***کاپیتال*** (سرمایه) کارل مارکس مورد بررسی قرار می‌گرفت.

با عزیمت امام خمینی (ره) به پاریس، آیت‌الله دکتر بهشتی به حضور ایشان رفت و هستهٔ شورای انقلاب تشکیل شد که وی یکی از اعضای آن بود.

علاوه بر مقاله‌ها و سخنرانی‌ها، تألیفات وی به شرح زیر است: ***بانک‌داری و قوانین مالی اسلام***؛ ***عادت*** (ترجمه از انگلیسی)؛ ***قانون علیت در جامعه ما***؛ ***نقش ایمان در زندگی انسان***؛ ***کدام مسلک؟***؛ ***صدای اسلام در اروپا*** (به پنج زبان)؛ ***روحانیت در اسلام و در میان مسلمین***؛ ***مبارز پیروز در عاشورا***؛ ***خدا از دیدگاه قرآن*** (۱۳۶۳)؛ ***مباحثی در تفسیر قرآن***؛ ***خلق و امر در قرآن***؛ ***یک قشر جدید در جامعهٔ ما***؛ ***حکومت در اسلام*** (حکومت از نظر اسلام) (۱۳۶۷)؛ ***نماز چیست؟*** (۱۳۶۶)؛ ***اسلام و مکتب‌های معاصر***؛ ***مباحث شناخت در اسلام*** (۱۳۶۹)؛ ***شناخت از دیدگاه قران***؛ ***امر به معروف و نهی از منکر***؛ ***آزادی از دیدگاه اسلام***؛ ***مالکیت از نظر اسلام***؛ ***تکامل از نظر اسلام***؛ ***تخریب در اندیشهٔ اسلامی***؛ ***حقیقت و عرفان***؛ ***اسلام دین واقع‌بین***؛ ***قضای اسلامی***؛ ***اقتصاد اسلامی*** (فارسی و عربی، ۱۳۶۲)؛ ***توحید در قرآن***؛ ***حج در قرآن*** (۱۳۶۵)؛ ***ربا در اسلام*** (۱۳۶۹)؛ ***محیط پیدایش اسلام*** (۱۳۶۷)؛ ***نقش قیامتی انقلاب اسلامی*** (مجموعه مقالات؛ با همکاری محمد جواد باهنر).

از آثار دیگر ایشان که چاپ نشده‌اند: ترجمهٔ کامل ***تاریخ قرآن نولد***؛ ترجمهٔ بخشی از کتاب ***دانش منطق*** اثر هگل؛ ***تحقیق گسترده‌ای پیرامون وحی***؛ ***تفسیر قرآن*** (نوار).

ضمناً تعداد معدودی نوار از جلسات درس دکتر بهشتی با عنوان «فلسفهٔ هگل» که از سال ۱۳۵۵ برای طلاب آغاز کرد و نیز یادداشت‌های آن به‌جا مانده است.

آیت‌الله دکتر بهشتی در بمب‌گذاری هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

منابع: *زندگینامهٔ پیشوایان انقلاب*/ رضا مرادی، دو جلد در یک مجلد، ج ۱ :ص.۴۶ـ۷۸. آیت‌الله دکتر سید محمد حسین بهشتی، «طرح کوششی تازه در راه شناخت تحقیقی اسلام»، کیهان فرهنگی، س.۲، ش.۴ (تیر ۱۳۶۴)، ص.۱۴ـ۱۸ (در مقدمهٔ این مقاله، اشاره‌هایی به زندگی دکتر بهشتی شده است). *شهدای روحانیت شیعه در یک‌صد سالهٔ اخیر، جلد اول*/ علی ربانی خلخالی، ص.۵۰۹ـ۵۱۶. صحیفه، «ضمیمه روزنامهٔ جمهوری اسلامی»، ش.۲۷، ص.۴. *یادنامه یا نگاهی به زندگی و گزیده افکار شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی*/ دکتر علی قائمی. *یادنامهٔ شهید مظلوم آیت‌الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی*/ تهیه و تنظیم فرید قاسمی.

عالم علوم دینی

تولد ۱۲۹۶ (۵ رمضان ۱۳۴۶ ق.)، اردبیل.

درگذشت ۶ اسفند ۱۳۷۵، قم.

آیت‌الله احمد پایانی اردبیلی در حدود پنج سالگی به مکتبخانه رفت و خواندن قرآن مجید و فنون تجوید و قرائت و متون فارسی چون گلستان و نصاب‌الصبیان را فرا گرفت و پس از آن در مدارس دولتی تحصیلات ابتدایی را آموخت. در سن چهارده

سالگی به مدرسهٔ علمیه ملا ابراهیم شتافت و به خواندن ادبیات عرب پرداخت و به لباس روحانیت ملبس شد. در اوایل سال ۱۳۶۶ ق. به قصد ادامهٔ تحصیل به حوزهٔ علمیهٔ قم آمد و به تحصیل سطوح فقه و اصول پرداخت و مکاسب را نزد آیت‌الله مجاهدی و رسائل را در محضر آیت‌الله سلطانی طباطبایی و کفایةالاصول را هم در درس آیت‌اللهالعظمی نجفی مرعشی فرا گرفت.

آیت‌الله پایانی اردبیلی همزمان با ادامهٔ تحصیل، به تدریس کتابهای حاشیهٔ ملاعبدالله و معاصم الاصول پرداخت. وی در سال ۱۳۷۰ ق. به درس فقه آیت‌الله حاج سید محمد حجت کوه کمره‌ای حاضر شد و پس از آن در درس خارج فقه آیت‌اللهالعظمی بروجردی و سپس در درسهای فقه و اصول آیت‌الله سید محقق داماد شرکت جست و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. استاد حدود پنجاه سال به تدریس کتابهای مهم فقه و اصول پرداخت.

آیت‌الله پایانی اردبیلی از بدو شروع مبارزات مرجعیت و روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) علیه رژیم ستم‌شاهی، به پیکار با نظام پهلوی پرداخت. پس از انقلاب اسلامی نیز از تأیید و پشتیبانی مواضع حضرت امام دریغ نکرد. از اشتغالات دیگر ایشان شرکت مستمر در جلسهٔ دیرین تفسیر قرآن کریم بود که با حضور جمعی از بزرگان و دانشمندان تشکیل می‌شدند.

آیت‌الله پایانی به‌غیر از تدریس متوالی، در ایام تعطیلی حوزهٔ علمیهٔ قم رخت سفر بر می‌بست و برای تبلیغ شعایر دین به نقاط دیگر هجرت می‌کرد و به راهنمایی مردم و اقامهٔ جماعت می‌پرداخت و این تا سالیان پایان عمرش ادامه داشت. او دارای اجازهٔ نقل حدیث و امور حسبیه از استادش آیت‌الله حجت بود.

تألیفات ایشان عبارتند از: ***تقریرات*** درس فقه آیت‌الله العظمی حجت کوه‌کمره‌ای (بحث بیع)؛ ***تقریرات*** درس فقه آیت‌الله العظمی بروجردی؛ ***فهرست جامع الشتات*** میرزای قمی؛ ***شرح مکاسب*** به نام «ارشاد الطالی الی حقایق المکاسب» از اول مکاسب محرمه تا اواسط خیارات؛ ***حاشیهٔ کفایة الاصول***؛ ***حاشیهٔ مکاسب*** (که حاشیه بر مکاسب محرمه (در یک جلد) و حاشیه بر بیع در دو جلد به چاپ رسیده است)؛ «رسالة فی‌احکام الاراضی و اقسام‌ها» که در ***مجموعه مقالات کنگرهٔ شیخ انصاری*** به چاپ رسید؛ «رسالة فی بیع الفضولی» که در ***مجموعه مقالات کنگرهٔ محقق اردبیلی*** به چاپ رسید. آنچه از تقریرات ایشان به چاپ رسیده است، عبارتند از: در ***کلاس درس مکاسب*** (شرح قسمتی از مکاسب محرمه در سه جلد؛ نوشته آقای رضا محمودی)؛ ***در محضر شیخ انصاری*** (نوشتهٔ جواد فخار طوسی؛ در این کتاب مکاسب محرمه در نه جلد، و نیمی از بیع در هشت جلد و اکثر خیارات در نه مجلد شرح گشته و همهٔ آنها نیز به چاپ رسیده است).

آیت‌الله پایانی اردبیلی سرانجام در تاریخ یکشنبه ششم اسفند ماه ۱۳۷۵ در هفتاد سالگی جان سپرد. پیکرش پس از تشییع و نماز آیت‌الله شبیری زنجانی بر آن، در جوار مرقد استادش آیت‌الله سید محقق داماد ــ در صحن حرم حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.

منبع: انصاری قمی، ناصرالدین، «درگذشت حضرت آیت‌الله پایانی احمدی شاهرودی»، آینهٔ پژوهش، س.۸، ش.۴۳ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵)، ص.۱۱۱ ــ ۱۱۳.

۱۷ پسندیده، مرتضی، آیت‌الله

فقیه

تولد ۱۲۷۴ (۱۷ شوال ۱۳۱۳ ق.)، خمین.

درگذشت ۲۵ آبان ۱۳۷۵، قم.

آیت‌الله سید مرتضی پسندیده به تحصیل علوم اسلامی پرداخت. ادبیات، منطق، کلام، فقه، اصول و هیئت و نجوم را نزد عالمان اصفهان از جمله آیت‌الله رحیم ارباب، شیخ علی یزدی، آیت‌الله محمد علی تویسرکانی آموخت و سال‌ها در محضر آیت‌الله محمد صادق خاتون‌آبادی درس‌های سطح و خارج فقه و اصول را گذراند. پس از طی دوره‌های سطح و خارج دروس حوزوی به خمین بازگشت و حوزهٔ دروس فقه و اصول کلام و منطق و نحو را در آن دیار برپا کرد. حضرت امام خمینی (ره)، برادر ایشان، نیز در این دروس از زمرهٔ حاضران به شمار می‌رفتند. مراودات آیت‌الله پسندیده با سران مخالف حکومت رضا شاه و ایستادگی ایشان در برابر خوانین و سرسپردگان حکومت باعث شد تا در زمان اشغال خاک ایران از سوی نیروهای متفق، به اتهام مخالفت و جلوگیری از تأمین نان و خوراک نیروهای اشغالگر، با حکم وزیر کشور رژیم رضا پهلوی به تبعید محکوم شود. وی همراه با عالمان اصفهان در زمان جنگ جهانی اول برای ایستادگی در برابر نیروهای انگلیسی آموزش‌های نظامی را فرا گرفت و در اردوی نظامی روحانیون منطقه شرکت کرد. زمانی نیز به اتهام مخالفت با برنامهٔ کشف حجاب محاکمه شد. او همچنین از محضر آیت‌الله سید حسن مدرس نیز فیض برده بود و در مبارزات ملی شدن نفت با آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی و سران نهضت ملی دیدار و مشارکت داشتند. ایشان همواره در مبارزات سدهٔ اخیر شرکت داشت و پس از خیزش خونین پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ که منجر به دستگیری امام خمینی (ره) گردید، همراه با مراجع دیگر به تهران آمد و در اعتراض گروهی علما شرکت کرد. وی بارها به دادگاه نظامی احضار شد و تحت محاکمه گرفت.

آیت‌الله مرتضی پسندیده در سال ۱۳۷۵ درگذشت. پیکرش روز جمعه بیست و پنجم آبان در قم تشییع شد و همان‌جا به خاک سپرده شد.

منبع: «آیت‌الله پسندیده به ملکوت اعلی پیوست»، کیهان فرهنگی، س. ۱۳، ش. ۱۲۹ (مهر و آبان ۱۳۷۵)، ص. ۷۶.

پور رنجبر، کوکب ۱۷/۱

مدرس قرآن

تولد ۱۲۸۲، شیراز.

درگذشت ۱۲ اسفند ۱۳۷۰.

کوکب پور رنجبر، فرزند محمد اسماعیل که پزشکی مشهور بوده است، پس از اتمام تحصیلات خود به شغل معلمی تعلیمات دینی در وزارت فرهنگ سابق روی آورد.

از سن شانزده سالگی به جمع‌آوری مستندات در روش‌های تدریس علوم اسلامی پرداخت. در اثنای آموزش تعلیمات دینی در مدارس بود که ایشان اعراب‌گذاری و تصحیح نسخ قرآن چاپ کشورهای پاکستان، هندوستان و دیگر کشورهای اسلامی را آغاز کرد.

کوکب پور رنجبر با تغییر روش‌های تدریس قرآن و زیباسازی صفحات این کتاب آسمانی از سویی، و ویراستاری و صفحه‌آرایی متن آموزشی و درک بصری راحت لغات از سویی دیگر تلاش نمود تا آموزش قرآن را به نونهالان و نوآموزان علوم دینی ساده و آسانتر سازد.

فعالیت دیگر استاد پور رنجبر بازنویسی ***مفاتیح الجنان*** بود. ویژگی این نسخه اعراب‌گذاری کامل کلمات در زیر و بالای حروف بود و روال سنتی حاشیه‌نویسی در متن که دشواری زیادی برای خوانندگان را به‌همراه دارد، کنار گذاشت و حاشیه در

متن صفحات قرار داده شد و از فنون زیبانگاری و هنر خطاطی نیز استفاده نمود.

استاد پور رنجبر در سن بیست و هفت سالگی نابینا شد ولی با دیدن حضرت فاطمه (س) در خواب، شفا یافت و عمر خود را وقف قرآن و علوم دینی کرد. ره‌آورد چهل و شش سال خدمت در مراکز دولتی و ملی ایشان، تأسیس مرکز آموزش ابتدایی «کوکبیه» در شهر مشهد است.

استاد از سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۶۳ به‌منظور تدریس قرآن مجید، ساده‌ترین روش ممکن خودآموزی در شش جلد تحت عنوان ***خودآموز و روش تدریس قرائت مجید*** را تألیف نمود. این خودآموز توسط انتشارات اسلامیه به چاپ رسیده است. از آثار دیگر او تصحیح ***خودآموز گفتگوی حسین و حسن*** است.

استاد کوکب پور رنجبر سرانجام در سن هشتاد و دو سالگی روز دوازدهم اسفند ۱۳۷۰ دار فانی را وداع گفت.

منبع: بروشور «نگاهی اجمالی به زندگانی بانو کوکب پور رنجبر مبتکر روش نوین تدریس قرآن کریم»، کمیتهٔ فعالیت‌های بانوان ششمین نمایشگاه قرآن کریم در تهران، زمستان ۱۳۷۷ (رمضان ۱۴۱۹).

تألهی، هادی، آیت‌الله　۱۸

فقیه

تولد ۱۲۸۰، همدان.

درگذشت ۱۳۷۵، همدان.

آیت‌الله حاج شیخ هادی تألهی، فرزند آیت‌الله حاج شیخ مرتضی تألهی (ره)، سال‌ها در محضر پدرشان به فراگیری علوم دینی پرداخت. مدرسهٔ زنگنه همدان پایگاه تحقیق و تدریس ایشان بود. ایشان همچنین از محضر علمایی چون آیت‌الله میرزا علی آقا خلخالی، آیت‌الله شیخ محمد بهاری، آیت‌الله حاج سید علی عرب و آیت‌الله حیدر کسب فیض نمود. ***حواشی بر قواعد انصاری***، ***حواشی به متاجر شیخ*** و ***شرحی بر مجموعه حاج ملا هادی سبزواری*** از جمله تألیفات ایشان است.

آیت‌الله تألهی در سن نود و پنج سالگی به علت کهولت سن درگذشت.

منابع: «آیت‌الله حاج شیخ هادی تألهی به ملکوت اعلی پیوست»، جمهوری اسلامی، س.۱۸، ش.۵۰۸۲ (۲۸ آذر ۱۳۷۵)، ص.۴. اطلاعات، ش.۲۰۹۴۳ (۲۸ آذر ۱۳۷۵)، ص.۲.

تبریزی، کاظم، آیت‌الله　۱۹

فقیه

درگذشت ۲۰ آذر ۱۳۷۴، قم

آیت‌الله سید کاظم تبریزی مدتی مقیم نجف اشرف بوده است. از آثار وی است: ***شرح عروة‌الوثقی***؛ ***اصول جدید***؛ ***شرح کفایة الاصول***؛ ***حاشیه بر مکاسب***؛ ***منتخب الزیارات*** (۱۳۲۳، چاپ سنگی، تهران).

منابع: همشهری، ش ۸۵۶ (۲۱ آذر ۱۳۷۴). ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد پنجم، ص.۱۱ ـ ۱۲.

توحیدی، رضا، آیت‌الله　۲۰

فقیه

تولد ۱۳۳۲ ق.، تبریز.

درگذشت ۱۳۶۶.

آیت‌الله رضا توحیدی مقدمات را در مدرسهٔ ملی که زیر نظر علما اداره می‌شد تا کلاس هشتم گذرانید و قسمتی از سطوح عالیه را (رسائل مکاسب) در تبریز طی نمود. در سال ۱۳۶۳ ق. برای تکمیل تحصیلات

به نجف رفت و مدت بیست و پنج سال در نجف مشغول تحصیل و تدریس شد. در آنجا از محضر اساتیدی چون آیت‌الله سید محمود شاهرودی و آیت‌الله العظمی خویی و آیت‌الله آقا شیخ حسن حلی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله حسن حمامی و آیت‌الله سید ابراهیم اصطهباناتی معروف به آقا سید میرزا آقا و علمای دیگر در چندین دوره اصول را پشت سر گذاشت و خارج صلوة آقا رضا همدانی را از اوّل تا آخر و اجاره و حج عروه را از محضر آیت‌الله شاهرودی استفاده نمود و هم قسمت زیادی از فقه و اصول و اخلاق را از محضر آیت‌الله سید محمد هادی میلانی (در موقعی که در کربلا و نجف بود) بهره‌مند شد و نیز تقریرات علامهٔ نایینی اعم از مباحث الفاظ و عطیه را در محضر علامه حلی استفاده نمود. شانزده سال نیز در یکی از مساجد نجف به اقامهٔ نماز جماعت و تبلیغات دینی پرداخت و بعد از مدتی به تبریز آمد و در مسجد توحید به اقامهٔ جماعت و خدمات روحی و دینی اشتغال پیدا نمود.

مشایخ اجازهٔ ایشان عبارتند از آیت‌الله سید محمد هادی میلانی، آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی، آیت‌الله میرزا سید عبدالهادی شیرازی، آیت‌الله حکیم، آیت‌الله شریعتمداری.

آثار علمی آیت‌الله توحیدی به شرح زیر است: تفسیر قرآنی به نام ***اللئالی المنضودة فی تفسیرالآیات المأثوره***؛ ***نفحةالقدیر فی شرح خطبةالغدیر***؛ ***القرآن والحجة***؛ ***اربعینات***؛ ***الدراسات الدینیه***؛ تقریرات دروس فقه و اصول از آیت‌الله شاهرودی، آیت‌الله خویی و علامهٔ حلی؛ شرح حدیث اهلیلجه به قلم روز.

منبع: ***گنجینهٔ دانشمندان، جلد سوم*** / شیخ محمد شریف رازی، ص. ۳۰۴ ـ ۳۰۶.

مدرس، فقیه

تولد ۱۲۸۳، تهران.

درگذشت دوم آبان ۱۳۶۸.

آیت‌الله جواد آقا تهرانی خراسانی، فرزند محمد تقی، در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پس از تحصیل دورهٔ ابتدایی و اخذ گواهی سیکل از مدرسهٔ ثروت تهران، برای فراگیری علوم دینی راهی قم شد و پس از چند سال سکونت در آن شهر و گذراندن مقدمات و بخشی از سطوح، به نجف اشرف رفت و از محضر آیت‌الله مرتضی طالقانی و آیت‌الله محمدتقی آملی (صاحب ***دررالفوائد***، ***تعلیقه*** بر شرح منظومهٔ سبزواری) کسب فیض کرد. آنگاه به امر مادرش به تهران بازگشت و پس از اقامتی کوتاه در تهران، در سن سی سالگی (سال ۱۳۱۳) به مشهد رفت. نخست از حضور آیت‌الله هاشم قزوینی بهره گرفت. از آن پس به حوزهٔ درس خارج فقه و اصول و معارف آیت‌الله میرزا مهدی غروی اصفهانی حاضر گشت و تا پایان عمر ایشان (۱۹ ذیحجهٔ ۱۳۶۵ ق.) یعنی نزدیک به ده سال از محضر ایشان استفاده کرد و مبانی اصولی میرزای نایینی را، و همچنین فقه و معارف اهل بیت(ع) را فرا گرفت. این دورهٔ طولانی باعث شد که میرزای اصفهانی تأثیر فوق‌العاده‌ای بر وی بگذارد، چنانکه تا پایان عمر، در تبیین و ترویج مبانی و خط مشی علمی ایشان کوشش داشت و در کتاب‌ها و درس‌های خود همواره به تفسیر و تقریر معارف براساس آرا و اندیشه‌های استاد می‌پرداخت و بدین‌گونه یکی از مروجان مبانی «تفکیک» و اصول «مکتب تفکیک» به حساب می‌آمد.

آیت‌الله تهرانی خراسانی پس از این دوره فراگیری، به تدریس و تألیف پرداخت. سالیانی دراز (حدود چهل سال) به حوزهٔ علمیهٔ مشهد خدمت کرد و خارج فقه و اصول درس و معارف تدریس می‌کرد و

به درخواست طلاب یکی دو دوره به تدریس **شرح منظومهٔ سبزواری** پرداخت. سپس به تفسیر قرآن همّت گماشت. محل تدریس ایشان غالباً مدرّس فوقانی مدرسهٔ میرزا جعفر بود. پس از بسته شدن مدرسه، در مسجد حاج ملا حیدر درس می‌گفت.

از جمله فعالیتهای اجتماعی او می‌توان به تأسیس اولین خیریهٔ درمانی مشهد، به‌نام «درمانگاه خیریهٔ بینوایان» بنا به اشاره و مساعدت ایشان و جمعی از دوستان پزشک وی، در سال ۱۳۳۴ اشاره نمود. هر هفته یک شب در جلسهٔ هیئت مدیرهٔ آن شرکت می‌کرد. تأسیس نخستین صندوق قرض‌الحسنه ایران نیز که در سال ۱۳۴۲ در مشهد آغاز به کار کرد با تأیید و مساعدت ایشان صورت گرفت؛ این مؤسسه بعدها به صورت مجموعه‌ای شامل صندوق قرض الحسنه، فروشگاه تعاونی و کتابخانه در آمد. ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دفعات برای دیدار با امام خمینی (ره) در فرصت‌های مختلف، به صورت انفرادی یا با هیئت‌هایی از علما و روحانیون به قم و تهران آمد. ضمناً با وجود کهولت، چندین‌بار به جبهه‌های دفاع مقدس نیز رفت.

در امر تألیف و نوشتن تلاش داشت برای خود عنوانی قائل نشود و به تعبیرهایی نظیر «ج ـ زارع» یا «ج» یا «جواد» بسنده می‌کرد و بعدها تحت نام «جواد تهرانی» می‌نوشت. از جمله آثار چاپ شده ایشان این کتاب‌هاست: ***فلسفهٔ بشری و اسلامی***؛ ***عارف و صوفی چه می‌گویند؟*** (تهران، ۱۳۶۷)؛ ***میزان‌المطالب*** (در دو جلد)؛ ***آیین زندگی و درس‌های اخلاق اسلامی***؛ ***بررسی پیرامون اسلام*** (رد بر کسروی)؛ ***اصول و عقاید***؛ ***بهایی چه می‌گوید***؛ ***آئین زندگی در اخلاق اسلامی***.

آیت‌الله جواد آقا تهرانی خراسانی در سن هشتاد و پنج سالگی درگذشت.

منابع: خراسانی، علی اکبر، «آن عبد صالح خدا»، مشکوة، ش. ۳۶ ــ ۳۷ (پاییز و زمستان ۱۳۷۱)، ص. ۱۶۳ ــ ۱۷۱. حکیمی، محمد رضا، «مکتب تفکیک؛ میرزا جواد آقاتهرانی»، کیهان فرهنگی، س. ۹، ش. ۱۲ (اسفند ۱۳۷۱)، ص. ۳۹ ــ ۴۰. «درگذشت آیت‌الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی»، کیهان فرهنگی، س. ۶، ش. ۸ (آبان ۱۳۶۸)، ص. ۴۸.

حائری، مرتضی، آیت‌الله ۲۲

فقیه

تولد ذی‌الحجهٔ ۱۳۳۴ ق.، اراک.

درگذشت اسفند ۱۳۶۴.

آیت‌الله مرتضی حائری، فرزند آیت‌الله العظمی عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم، متون ادب و صرف و معانی و بیان را از ابوالقاسم نحوی فرا گرفت و مقداری از سطوح و متون فقهیه و اصولیه را در خدمت آیت‌الله سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی و آیت‌الله صالحی کرمانی خواند و چندی هم از محضر والد خود بهره‌مند شد. بعد از طی مراحل سطح، مدت پانزده سال از دروس خارج فقه و اصول آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و نیز از درس خارج آیت‌الله سید حسین بروجردی استفاده کرد و سپس در حوزهٔ علمیهٔ قم به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. وی در مسجد امام قم اقامهٔ جماعت می‌نمود. ضمناً ایشان دارای طبع شعر بود و اشعاری در توحید و مدح اهل بیت عصمت و طهارت از او به جا مانده است.

از آثار ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***رساله‌ای در حدیث رفع***؛ ***رساله‌ای در تعاقب ایادی***؛ ***کتاب ابتغاءالفضیله*** (این کتاب شرحی است بر ***وسیله نجاة*** آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی که تلفیقی از چند کتاب قدماء، تذکره، شرایع، لمعه،

قواعد و غیر آن می‌باشد و آن شش جلد است که جلد اول به نام ***ابتغاء الفضیله*** به طبع رسیده است)؛ ***شرح بر عروةالوثقی تا مبحث اغسال***، سه جلد؛ دورهٔ اصول به نام ***مبانی‌الاحکام فی اصول شرایع الاسلام***، سه جلد؛ ***حاشیه بر کفایه***؛ ***حاشیه بر مکاسب*** (ناتمام)؛ رسالهٔ مبسوطی در ***صلوة جمعه***.

منابع: «درگذشت آیت‌الله مرتضی حائری»، کیهان فرهنگی، س.۲، ش.۱۲ (اسفند ۱۳۶۴)، ص.۴۰. ***گنجینهٔ دانشمندان، جلد دوم***/ شیخ محمد شریف رازی، ص.۱۲۴ـ۱۲۸. ***رجال قم و بحثی در تاریخ آن***/ سید محمد مقدس‌زاده، ص.۱۵۹.

۲۳ حاتمی لنکرانی، مجتبی، آیت‌الله

فقیه

تولد ۱۳۳۰ ق.، اصفهان.

درگذشت ۲۳ فروردین ۱۳۶۵.

آیت‌الله مجتبی حاتمی لنکرانی در اوایل جوانی به نجف مهاجرت نمود و در آنجا از محضر آیت‌الله محمد حسین نایینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله محمد حسین غروی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و علامه محمد جواد بلاغی و دیگران استفاده نمود. وی سپس به تدریس در حوزه پرداخت.

ایشان مدتی در سامره اقامت داشت تا در ذی‌القعده ۱۳۹۱ ق. به اجبارِ دولت عراق، آنجا را ترک گفت و به اصفهان آمد و تا پایان عمر به تدریس علوم مذهبی مشغول بود.

منبع: ***گنجینهٔ دانشمندان، جلد سوم***/ شیخ محمد شریف رازی، ص.۱۰۶ـ۱۰۷.

۲۳/۱ حسینی شهرستانی، عبدالرضا، آیت‌الله

عالم علوم دینی

تولد ۱۳۳۹ ق.، کربلا.

درگذشت ۱۱ مرداد ۱۳۷۶، مشهد.

آیت‌الله حاج سید عبدالرضا حسینی شهرستانی، فرزند حجت‌الاسلام سید زین‌العابدین شهرستانی، بود. وی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی، به سال ۱۳۴۶ ق. وارد مدرسهٔ جعفریه شد و به یادگیری خواندن و نوشتن و علوم ابتدایی پرداخت و پس از آن به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات و سطوح را نزد حضرات آیات شیخ علی‌اکبر سیبویه و شیخ جعفر رشتی فرا گرفت. سپس به سادگیری رسائل و مکاسب و کفایة و علوم هیئت و ریاضیات نزد حضرات آیات شیخ محمد رضا اصفهانی و سید محمد طاهر بحرانی پرداخت و خارج فقه و اصول را نیز در محضر آیات عظام سید محمد هادی میلانی، میرزا مهدی شیرازی، سید عبدالحسین حجت و شیخ مرتضی آشتیانی آموخت. ایشان در کنار تحصیل به تدریس سطوح عالیه پرداخت و پس از سالیان فراوان تدریس سطح، در سال ۱۳۹۲ ق. تدریس خارج فقه را آغاز کرد. سپس به مشهد هجرت کرد.

آیت‌الله حسینی شهرستانی علاوه بر تحصیل و تدریس، به اقامهٔ جماعت در صحن حسینی (ع) و پاسخگویی به مسائل دینی پرداخت. وی در برابر نفوذ و تبلیغات فکری و سیاسی و ایجاد شبهات دینی از سوی حزب کمونیست و چپگرایان عراق سخت ایستادگی کرد و به‌منظور استحکام بنیان‌های فکری جوانان، اقدام به تأسیس مجلهٔ «اجوبة المسائل الدینیه» کرد و در آن ــ با همیاری و همکاری حضرات آیات سید محمد باقر صدر، سید حسن شیرازی، سید عبدالصاحب حکیم و استاد احمد امین ــ به صدها پرسش فکری و اعتقادی جامعه پاسخ

داد و حوزهٔ خوانندگان خود را به فراسوی مرزهای عراق گسترانید. دامنهٔ نفوذ این مجله در آن سال‌های پر اختناق عراق باعث شد تا رژیم بعث، پس از آزار و اذیت‌های فراوان و زندانی ساختن فرزندش جلو انتشار آن را بگیرد و او را هم از عراق بیرون نماید.

ایشان به جز تدریس، تألیف، اقامهٔ جماعت و تبلیغ شعائر دینی، با همیاری و مساعدت گروهی از علمای بزرگ و تجار کربلا دست به بنیاد مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه‌ای زد که برخی از آنها عبارتند از مدرسة الامام الصادق. (این مدرسه برای دانش‌آموزان بر مبنای تعالیم اسلامی در سال ۱۳۷۱ ق. تأسیس شد و تا سال ۱۳۹۵ ق. ادامه یافت)؛ مدرسة اسلامیه (در این مدرسه به دانش‌آموزان دروس فقه، حدیث، تفسیر و عقاید آموزش داده می‌شد)؛ درمانگاه کودکان؛ الجمعیة الهریة الاسلامیة؛ المکتبة الجعفریة (این کتابخانه با پنج‌هزار کتاب چاپی و خطی در مدرسهٔ هندی گشایش یافت)؛ لجنة الثقافة الدینیة (که پاسخگویی به شبهات و پرسشهای دینی را برعهده داشت و در خلال پانزده سال فعالیت خویش، توانست صدها سئوال را پاسخ دهد).

از تألیفات آیت‌الله حسینی شهرستانی می‌توان این آثار را نام برد: ***مقالید الهدی فی شرح العروة الوثقی*** (هفت جلد، که سه جلد آن به چاپ رسیده است)؛ ***حیاة‌الامام الحسین بن علی(ع)***؛ ***الامر بالمعروف و النهی عن المنکر***؛ ***السجود علی التربة الحسینیة***؛ ***صلاة الجمعة فی عصر الغیبة***؛ ***النوروز فی‌الاسلام***؛ ***نوروز در تاریخ و دین***؛ ***اجوبة المسائل الدینیة*** (چهارده جلد که دو جلد آن به نام ***امید جوان*** ترجمه و چاپ شده است)؛ ***اجوبة المسائل فی‌التفسیر*** (دو جلد)؛ ***اجوبة المسائل فی‌العقائد***؛ ***تقویم هجری*** (از سال ۱۳۶۳ تا ۱۴۶۳ ق.). تألیفات مخلوط ایشان عبارت است از: ***المهدی الموعود و دفع الشبهات عنه***؛ ***الطریق القویم الی جنة النعیم*** (پیرامون امامت)؛ ***دفع الشبهات و حل المشکلات***؛ ***غایة التقرب فی شرح منظومة التهذیب***؛ ***حاشیه بر مکاسب***؛ ***حاشیه بر رسائل***؛ ***حاشیه بر معالم***؛ ***حاشیه بر قوانین***؛ ***حاشیه بر شرح لمعه***؛ ***الطریق المستقیم فی بیان اصول‌الدین***؛ ***عقاید المؤمنین فی اصول الدین***.

در سال ۱۳۹۷ ق. به علت فشارهای رژیم بعثی، وی عراق را به قصد ایران ترک کرد و در مشهد اقامت گزید و به تدریس سطوح عالیه و عقاید، امامت جماعت (در مسجد الحمید) و تأسیس مجله «الارشاد» ــ که از آن هفت شماره منتشر گردید ــ پرداخت. اما در سال ۱۴۰۰ ق. به دنبال سکته‌ای ناقص توان کار و کوشش از او سلب شد و تا پایان عمر خانه‌نشین شد.

آیت‌الله حسینی شهرستانی سرانجام پس از هفتاد و هفت سال زندگی در یازدهم مرداد ۱۳۷۶ (۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۱۸ ق.) چشم از جهان فرو بست و پیکرش در روز سه‌شنبه بیست و هشتم ربیع‌الاول، پس از تشییع و نماز آیت‌الله شیخ حسنعلی مروارید بر آن، در صحن آزادی حرم امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

منبع: انصاری قمی، ناصرالدین، «درگذشت آیت‌الله شهرستانی»، آینهٔ پژوهش، س.۸، ش.۴۵ (مرداد و شهریور ۱۳۷۵)، ص.۹۱ ــ ۹۲.

حسینی طباطبایی، محمد تقی، حجت‌الاسلام ۲۴

فقیه

تولد ۱۳۰۷، زابل.

شهادت ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام سید محمد تقی حسینی طباطبایی، فرزند سید علی، تا سطح اجتهاد به تحصیل پرداخت

و موفق شد که همچنین فوق لیسانس خود را در رشتهٔ فلسفهٔ اسلامی از دانشکدهٔ الهیات اخذ نماید. پیش از انقلاب اسلامی معلم بود و در حوزهٔ علمیهٔ زابل نیز تدریس می‌کرد. بعد از انقلاب اسلامی در ادامهٔ کار تدریس خود، مسئول کمیتهٔ انقلاب اسلامی زابل بود. ایشان در اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی‌به نمایندگی از مردم زابل انتخاب شد. تألیفات وی عبارتند از ***منطق و منظوم***؛ ***منتهی المیزان***؛ ***احسن البیان*** و جزوه‌ای به عربی در مدح حضرت علی (ع).

حجت‌الاسلام حسینی طباطبایی در بمب‌گذاری هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در زابل به خاک سپرده شد.

*منبع : **نگرشی به اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی** / ص.۳۱۷.*

حسینی نایینی، شمس‌الدین　۲۵

فقیه

تولد ۱۳۱۲، سلطان نصیر نایین.

شهادت ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

شمس‌الدین حسینی نایینی، فرزند سید رضا، تا مقطع سطح به تحصیل حوزوی پرداخت. وی همچنین موفق شد که دکترایِ خود را در رشتهٔ الهیات اخذ کند. پیش از انقلاب اسلامی تدریس می‌کرد. بعد از انقلاب اسلامی کارشناس مسائل دینی در امور تربیتی و سازمان تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزشی بود. در اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی، نمایندهٔ مردم نایین می‌شود. تألیفات وی عبارتند از ***مقایسه نیایش شیعه با سایر ادیان***؛ ***جهاد در اسلام***. از وی مقالات تربیتی در مجلات به چاپ رسیده است.

شمس‌الدین حسینی نایینی در بمب‌گذاری هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

*منبع : **نگرشی به اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی** / ص.۳۱۸.*

حسینی نجفی، محمد، آیت‌الله　۲۶

فقیه

تولد ۱۳۲۳ ق.، نجف.

درگذشت ۸ مهر ۱۳۷۵، همدان.

آیت‌الله حاج سید محمد حسینی نجفی، فرزند آیت‌الله حاج سید علی عرب، بود. خانوادهٔ وی در سال ۱۳۳۰ از عراق به ایران آمد و ایشان مدت سیزده سال تحت تربیت علمی و عملی پدر قرار گرفت و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در سال ۱۳۴۳ ق. برای ادامهٔ تحصیل به نجف اشرف بازگشت و ابتدا نزد آیت‌الله سید محمد هادی میلانی و آیت‌الله عماد رشتی به فراگیری علوم دینی پرداخت. سپس در محضر مراجع حوزهٔ علمیهٔ نجف حضرات آیات عظام محمد حسین نایینی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله محمد حسین غروی و آیت‌الله سید علی قاضی کسب فیض کرد. سپس به ایران بازگشت و در همدان ساکن شد و به اقامهٔ نماز جماعت و خدمات دینی و تألیف و تصنیف پرداخت.

از جمله آثار ایشان تفسیر فارسی ***قرآن‌کریم*** با نام ***انوار درخشان*** (هیجده جلد) است.

آیت‌الله حاج سید محمد حسینی نجفی سحرگاه یکشنبه هشتم مهر ۱۳۷۵ (۱۵ جمادی‌الاول

۱۴۱۷ ق.) در نود و پنج سالگی به‌درود حیات گفت. پیکرش به مشهد منتقل یافت و در دارالزهد آستان مقدس حضرت امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

منابع: محقق، جواد، «درگذشت آیت‌الله حاج سید محمد حسینی نجفی»، کیهان فرهنگی، س. ۱۳، ش. ۱۲۹ (مهر و آبان ۱۳۷۵)، ص. ۵۸. انصاری قمی، ناصرالدین، «درگذشت حضرت آیت‌الله آقانجفی همدانی»، کلک، ش. ۸۳ ـ ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص. ۶۰۵ ـ ۶۲۰.

۲۷ حقانی، غلامحسین، حجت‌الاسلام

مدرس

تولد ۱۳۲۰، قم.

شهادت ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام غلامحسین حقانی، فرزند محمد، تا مقطع اجتهاد به تحصیل حوزوی پرداخت. بعد از انقلاب اسلامی، امام جمعه بندرعباس شد. وی همچنین دبیر شورای هماهنگی دفتر تبلیغات قم و تهران و دبیر شورای هماهنگی دفتر تحکیم وحدت بود. در اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی، به نمایندگی از مردم بندرعباس در مجلس حضور داشت. ایشان همچنین در دانشگاه تربیت معلم به تدریس می‌پرداخت.

آثار ایشان عبارتند از ***اسلام پیشرو نهضت‌ها***؛ و برخی از جزوات مؤسسهٔ در راه حق.

حجت‌الاسلام حقانی در بمب‌گذاری هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکرش در قم به خاک سپرده شد.

منبع: ***نگرشی به اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی***/ ص. ۳۱۹.

۲۸ خاتمی، روح‌الله، آیت‌الله

مؤسس حوزهٔ علمیهٔ اردکان

تولد ۱۰ رمضان ۱۳۲۴ ق.، اردکان.[۱]

درگذشت ۱۰ آبان ۱۳۶۷.

آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی دوران طفولیت در اردکان طی کرد، همان جا به مکتب رفت و تا سیزده سالگی فارسی و عربی را آموخت. سپس در سال ۱۳۴۲ ق. به اصفهان رفت و در حوزهٔ علمیهٔ آن شهر به تحصیل مشغول شد. از جمله اساتید ایشان در این مرحله حاج میرزا علی آقای شیرازی‌و شیخ محمد خراسانی و در فقه و اصول به ترتیب آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی، آقا سید علی نجف‌آبادی و آیت‌الله رحیم ارباب بودند. در سال ۱۳۵۴ ق. از اصفهان به اردکان بازگشت. آیت‌الله خاتمی قصد داشت به نجف برود که مقدور نگردید. با شروع جنگ جهانی دوم، ایشان به همراه عده‌ای طلبهٔ دیگر مدرسه‌ای را در اردکان ترمیم کردند که به‌تدریج به حوزهٔ علمیهٔ اردکان تبدیل شد.

منابع: ***گنجینهٔ دانشمندان، جلد سوم***/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۶۶ ـ ۶۷. ***یادنامهٔ خاتمی***/ به اهتمام محمد تقی فاضل میبدی. ***نگاهی به تاریخ اردکان ـ ج ۱ شهر اردکان***/ علی سپهری اردکانی، ص. ۳۱۰ ـ ۳۳۵.

۲۹ خادمی، حسین، آیت‌الله

فقیه

تولد ۱۳۱۹ ق.، اصفهان.

درگذشت ۱۳۶۳، اصفهان.

آیت‌الله سید حسین خادمی پس از فراگیری مقدمات،

---

۱. در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی ۱۲۸۶ شمسی آمده است.

برای تکمیل تحصیلات به نجف رهسپار و سالی چند در حوزهٔ علمیهٔ آنجا به تحصیل پرداخت و بعداً به اصفهان مراجعت نمود. ایشان رییس حوزهٔ علمیهٔ اصفهان بود. از آثار اوست: **رهبر سعادت یا دین محمد (ص)** (تهران، ۱۳۱۸).

منبع: *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۷۳۲.

خاقانی، سلمان، آیت‌الله ۳۰

ادیب، محقق

تولد ۱۳۳۲ ق.، سوق‌الشیوخ (از شهرهای ناصریه عراق).

درگذشت ۲۴ بهمن ۱۳۶۶، قم.

آیت‌الله شیخ سلمان خاقانی، فرزند شیخ عبدالحسین آل خاقانی، پس از طی دوران کودکی در زادگاه خود در سال ۱۳۴۵ ق. جهت تحصیل به نجف اشرف هجرت نمود و در حوزهٔ آن شهر تحصیلات خود را شروع کرد. نخست درس‌های مقدماتی نظیر صرف و نحو، منطق، معانی و بیان و سطوح اصول را نزد برادر بزرگ خود شیخ عبدالمنعم خاقانی فرا گرفت. سپس مراحل عالیهٔ تحصیلات خود را آغاز نمود و از محضر اساتیدی چون آیت‌الله محمد حسین اصفهانی، آیت‌الله محمد جواد بلاغی، آیت‌الله محمد علی کاظمینی، آیت‌الله باقر زنجانی و آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی استفاده نمود.

آیت‌الله خاقانی فعالیت‌های فرهنگی ـ ادبی خود را از سنین جوانی آغاز کرد. در آغاز این فعالیت‌ها از حرکت‌هایی مانند تأسیس انجمن «منتدی النشر» و انجمن «رابطة الادبیه» و بالاخره «کلیةالفقه» و تأسیس مجله‌های اجتماعی، سیاسی و ادبی مانند «البیان»، «النجف» و غیره بود که توسط افرادی مانند سید هبةالدین شهرستانی و شیخ محمدرضا مظفر و دیگر نویسندگان و متفکران آن روز نجف تشکیل شده بود. آیت‌الله خاقانی در بسیاری از این امور شرکت می‌جست.

هنگامی که آیت‌الله امین عاملی حرکت اصلاح‌طلبانهٔ خود را برای تنزیه عزاداری‌ها و مجالس سوگواری اباعبدالله‌الحسین (ع) از شوائب وارده و زوائد منافی با شرع و دین اعلان نمود، ایشان به همراه دوستان خود به دفاع از این حرکت پرداخت.

آیت‌الله خاقانی در سال ۱۳۷۵ ق. پس از درگذشت پدرش که از علما و ائمهٔ جماعات خرمشهر بود در این شهر سکونت گزید و نزدیک به سی سال به ارشاد و هدایت مردم و دستگیری از مستمندان پرداخت. شهرت و آوازهٔ او از ایران و عراق به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس رسید و در آنجا نیز مریدانی داشت.

آیت‌الله خاقانی در طرفداری از وحدت اسلامی کوشا بود و فعالیت‌هایی در این زمینه از سخنرانی و پشتیبانی از دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامیه در قاهره انجام داد. لیکن در عین حال از مدافعان تشیع و مذهب اهل بیت (ع) بود و همواره با قلم خود از این مکتب دفاع نمود.

کتاب‌هایی که از ایشان برجای مانده عبارتند از: ***طریق المعرفة***، در اعتقادیات که مکرراً در عراق و بیروت به چاپ رسیده است.؛ ***مع‌الخطوط العریضة لمحب‌الدین الخطیب***؛ ***بین‌الحق و الباطل***؛ ***السنة و الشیعه فی‌المیزان***؛ کتابی در رد گفته‌های احسان ظهیرالهی؛ ***دیوان شعر*** (گفته می‌شود این کتاب در جریان دفاع مقدس از میان رفت).

خانهٔ وی در این خرمشهر قرار داشت. در روزهایی که این شهر مورد تجاوز عراق قرار گرفت، خانهٔ او پناهگاه آوارگان بود. در آن روزها مردم را به مقاومت دعوت می‌نمود لیکن بعدها که خانهٔ او هدف

مستقیم توپ‌ها و خمپاره‌های عراق قرار گرفت مجبور به ترک دیار گشته و چندی در اهواز و سپس در قم مستقر شد. در گیراگیر جنگ نه تنها خانهٔ او را غارت شد بلکه اموال مسجد او را نیز به تاراج بردند. قسمتی از کتابخانهٔ نفیس او به یغما رفت و در بصره به حراج گذاشتند و قسمت دیگر آن، مدت‌ها در زیر خاک‌ها مدفون بود و پس از آزادی خرمشهر به قم منتقل گشت. در این جریان قسمتی از دست‌نوشتهٔ او از جمله ***دیوان اشعار***ش از میان رفت.

آیت‌الله خاقانی به عربی شعر می‌سرود، به‌ویژه در مدح پیامبر(ص) یا معصومین(ع).

آیت‌الله خاقانی پس از هفتاد و شش سال زندگی، بالاخره در شب بیست و چهارم بهمن ۱۳۶۶ (برابر با بیست و پنجم رجب ۱۴۰۸ ق.) درگذشت و پس از مراسم تشییع، در یکی از حجره‌های صحن اتابکی حرم حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد.

منبع: انصاری، محمدرضا، «به یاد آیت‌الله شیخ سلمان خاقانی»، کیهان فرهنگی، س.۵، ش.۵ (مرداد ۱۳۶۷)، ص.۴۳.

خالدی، علی، ملا ۳۱

عالم علوم اسلامی

درگذشت ۶ شهریور ۱۳۶۳.

ملا سید علی خالدی، فرزند سید بابا شیخ آلمانه، در اواخر قرن سیزدهم شمسی در قریهٔ آلمانه از توابع مریوان به دنیا آمد. وی در پانزده سالگی علوم عقلیه و نقلیه را به پایان رسانید و از دست پدرش[1] اجازه گرفت. او از همان آغاز جوانی شروع به تدریس کرد. ابتدا در کنار پدر و بعدها مستقل در ایران و عراق تدریس کرد. بسیاری از دانشمندان دینی را تا حد اجازه رسانید و آنان را مجاز فرمود. از ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۹ همراه با خانواده در شهر پنجوین عراق ساکن شد و در ارشاد مردم و تدریس طلاب و پیشرفت فرهنگ و دانش اسلامی و مسائل دینی و اجتماعی کوشید. بعدها به‌واسطهٔ اغتشاشات عراق در نتیجهٔ تغییر حکومت‌ها و بر اثر سختی زندگی از سکونت در عراق منصرف شد و به ایران بازگشت و در قریهٔ نی واقع بر ساحل دریاچهٔ زریبار مریوان رحل اقامت افکند و به تدریس و راهنمایی دینی مردم اشتغال جست. در سال ۱۳۵۸ به شهر مریوان نقل مکان نمود و در مسجد چهارباغ امام جماعت و مدرس و خطیب گردید. همچنین در همان قریه به کار زراعت می‌پرداخت.

ملا سید علی خالدی در ششم شهریور ۱۳۶۳ درگذشت.

منبع: دانشمندان کرد در خدمت علم و دین/ عبدالکریم مدرس، ترجمهٔ احمد حواری نسب، ص.۵۵۳.

خراسانی، محمد حسین، حجت‌الاسلام ۳۲

مدرس

تولد ۱۳۰۰، مشهد.

درگذشت ۱۳۶۴.

حجت‌الاسلام محمد حسین خراسانی مدت چهار سال در مدرسه‌ای که بعدها جزء آستان قدس رضوی شد، ادبیات را خواند و پنج سال نیز در مدرسهٔ میرزا جعفر اشتغال به تحصیل داشت. غالب ادبیات را نزد شمس و حاج محقق نوغانی و رسائل و مکاسب را نزد حاج شیخ حسن برسی و کفایه را در خدمت حاج میرزا احمد کفایی و منظومه را از آقا سید ابوالقاسم حکیم‌الهی و اسفار و شواهدالربوبی را نزد آیت‌الله

۱. پدر او حاج سید بابا شیخ کاژاوی مشهور به سید و مدرس آلمانه است که ترجمه احوال او در اصل کتاب *علمائنا* مندرج است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی (معروف به فیلسوف شرق) و مقداری از خارج را خدمت آیت‌الله آقازاده خراسانی و در این خلال نجوم و هیئت را نزد مدرس آستان و هندسه را نزد حاج غلامحسین زرگر، شاگرد حاج فاضل، و ادعیه و اوراد و اذکار و ریاضیات و مجاهدات را نزد حاج شیخ حسن علی اصفهانی آموخته است. سپس در جریان مسجد گوهرشاد در سال ۱۳۵۴ ق. بعد از چهل روز در اقامت میان کوهی، با لباس مبدل به‌طور غیر رسمی به تهران آمد و آنجا به کرمانشاه و بعد از دو ماه توقف از راه غیر رسمی به عتبات عالیات خودش را رسانیده و اساتید مختلفی را درک و قریب ده سال در مدرسهٔ آیت‌الله آقا سید محمد کاظم یزدی اشتغال به تحصیل داشت. نزدیک به یک سال نزد میرزا حسین نایینی و مدت شش سال نزد شیخ موسی خوانساری، صاحب ***منیةالطالب***، حاشیه مکاسب را تلمذ نمود. همچنین از آیت‌الله حاج سید جمال‌الدین گلپایگانی و آیت‌الله حاج شیخ محمد کاظم شیرازی و آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین غروی و بیشتر آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و مدت دو سال از فقه آیت‌الله العظمی اصفهانی استفاده نمود. درس اخلاق را مدت دوازده سال نزد سید علی قاضی آموخت و قریب سه سال در اواخر اقامت نجف در مسجد سهله و مسجد کوفه به‌سر برد.

حجت‌الاسلام خراسانی بعد از بیست سال توقف با تصدیق و اجازات اجتهاد به ایران برگشت و مدت چهارده سال در مشهد اقامت و اشتغال به تدریس و اقامهٔ جماعت در جامعهٔ گوهرشاد نمود تا در اواخر از توقف در مشهد ممنوع شد و با خانواده به عتبات عالیات تبعید شد و مدت سه سال در عراق اقامت داشت و در مسجد هندی به تدریس پرداخته تا در سال ۱۳۸۸ ق. دوباره به ایران آمد و در شهر ری توقف و بعد به تهران منتقل و در مسجد بازار بزرگ اقامهٔ جماعت داشت.

برخی از آثار حجت‌الاسلام محمد حسین خراسانی که منتشر شده‌اند به شرح زیر هستند: ***اسرارالصلوة؛ نخبةالکلام در معرفت امام؛ رساله در جبر و تفویض؛ شرح دعای عرفه؛ خلاصةالاصول***.

منبع: *گنجینهٔ دانشمندان، جلد هفتم*/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۱۹۴ ـ ۱۹۵.

۳۲/۱ خرمشاهی، جواد، آیت‌الله

عالم علوم دینی، محقق

تولد ۱۲۸۴، کرمانشاه.

درگذشت ۱ مرداد ۱۳۷۵، کرمانشاه.

آیت‌الله سید جواد خرمشاهی تحصیلات علوم دینی و فقهی خود را نزد آیات عظام بروجردی، گلپایگانی و مرعشی نجفی به‌پایان برد. وی مدت شصت سال از عمر خود را به ترویج دین اسلام سپری نمود.

از آیت‌الله خرمشاهی کتاب‌های ***یکصد گفتار در حقانیت آل محمد (ص)***، ***مفاتیح القرآن*** (در شش جلد) و ***فرهنگ قرآن*** (به چهار زبان عربی، انگلیسی، ترکی و فارسی به جا مانده است.

آیت‌الله خرمشاهی در سن نود و پنج سالگی در کرمانشاه دار فانی را وداع گفت.

منبع: «آیت‌الله خرمشاهی در کرمانشاه دار فانی را وداع گفت»، اطلاعات، ش. ۲۰۸۱۹ (۲ مرداد ۱۳۷۵)، ص. ۱۳.

۳۲/۲ خلیقی، حسن، ملا

مدرس

تولد ۱۳۲۶ ق.، قریهٔ ماسان (از توابع کامیاران).

درگذشت ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۲، سنندج.

ملا حسن خلیقی، فرزند عبدالخالق کوله سواره‌ای،

پس از رسیدن به سن تمیز قرآن و مقدمات فارسی و عربی را در محضر پدرش آغاز کرد و پس از مدتی برای کسب دانش بیشتر به قریهٔ آفریان سفلی رفت و در حضور ملا فیض‌الله زردویی تلمذ نمود. چندی بعد مجدداً به زادگاهش ماسان بازگشت و نزد پدر به تکمیل معلومات پرداخت. به موازات تحصیل، به مطالعه و تحقیق در ***مثنوی*** مولانا جلال‌الدین رومی مشغول گردید. در این مورد از عبدالقادر مولانایی که استاد مثنوی‌دان بود استفاده و به‌ویژه اشعاری را از مثنوی حفظ کرد. علاوه بر اشعار مولوی آثار سعدی و حافظ و متونی از ***کلیله و دمنه*** و ***تاریخ معجم*** و کتب ادبی دیگر را به‌خاطر سپرد، تا اینکه به کمک و راهنمایی‌های پدرش در ادبیات فارسی پیشرفت نمود و برای تکمیل تحصیلات راهی سنندج شد و با سید عنایت‌الله هویه‌ای ملاقات کرد. همراه با ایشان به قریهٔ هویه رفت و مدتی در محضر او علوم پایه (صرف و نحو و منطق و غیره...) را فرا گرفت. بعد به ماسان مراجعت و در بین راه گذارش به قریهٔ دولاب ژاورود افتاد و در آنجا نیز چند ماهی در خدمت ملا غفور دولابی استفاده نمود. آنگاه به ماسان بازگشت و نزد پدرش کتاب ***جمع الجوامع*** را در اصول به اتمام رسانید و به منظور ادامه و تکمیل علوم و اخذ اجازهٔ افتاء و تدریس به سنندج رفت و چندی نزد ملامحمد صادق نیری (منبری)، و استاد ادبیات عرب حبیب‌الله کاشتری و ملا عبدالمجید اصولی کسب فیض نمود و عاقبةالامر در مدرسهٔ مسجد ملا جلال سنندج از محضر حاج ملامحمد مدرس گرجی اجازه گرفت، و ملاعبدالعظیم مجتهد و ملا محمد مفتی و شیخ کاشتری و سایر استادان اجازهٔ او را تصدیق و مهر تایید زدند. آنگاه به ماسان بازگشت و پس از توقف کوتاهی به سمت مدرس و امام قریهٔ نجف‌آباد منصوب و مشغول تدریس گردید. چند سال بعد در قریتین سرچی و دیرمولی (یکی پس از دیگری) مدرس شد و با جدیت به حل مسائل شرعی رفع اختلافات مسلمانان می‌پرداخت. بعدها نیز یازده سال در قریهٔ کوله ساره ورمشت (ناحیه گاورود) در خدمت مردم بود و عاقبت به زادگاهش ماسان رفته ادارهٔ مدرسه و قضاوت حوزهٔ علمیهٔ ماسان را بر عهده گرفت. در اواخر عمر به علت کهولت سن به سنندج نقل مکان نمود و در آنجا سکونت گزید.

ملا حسن خلیقی سال‌ها به کار تدریس مشغول بود به‌ویژه تحفهٔ شیخ ابن حجر و صحیحین بخاری و مسلم (فقه و حدیث) را تدریس می‌کرد و تعلیقاتی بر آنها دارد.

ملا حسن خلیقی در هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ دار فانی را وداع و پیکرش در بهشت محمدی سنندج دفن گردید.

منبع : دانشمندان کرد در خدمت علم و دین/ عبدالکریم مدرس، ص. ۵۰۶.

۳۴ خویی، ابوالقاسم، آیت‌الله‌العظمی

فقیه، مرجع، مدرس

تولد ۱۲۷۸ (۱۵ رجب ۱۳۱۷ ق.)، خوی.

درگذشت ۱۷ مرداد ۱۳۷۱، کوفه.

آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خویی، فرزند علی اکبر فرزند هاشم موسوی خویی نجفی، در شهر خوی به تحصیل برخی مقدمات پرداخت. در سال ۱۳۳۰ ق. به نجف اشرف رفت و در حوزهٔ علمیهٔ نجف به فرا گرفتن علوم ادبی و منطق پرداخت. پس از فراگیری کتاب‌های درسی اصولی و فقهی و از جمله نزد پدرش، به تحصیل خارج نزد استادان مختلف و از جمله آیت‌الله شیخ فتح‌الله معروف به شیخ الشریعه اصفهانی، آیت‌الله شیخ مهدی مازندرانی، آیت‌الله شیخ ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله محمد حسین

اصفهانی، آیت‌الله محمد حسین نایینی، آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، آیت‌الله سید محمد حسین بادکوبی پرداخت. بعد با اجازهٔ آیت‌الله محمد حسین نایینی به تدریس کتب امامیه و غیر امامیه، کتب اربعه (کافی، فقه، تهذیب، استبصار) و جوامع (وسایل بحار، وافی) پرداخت.

در سال ۱۳۵۲ ق. بسیاری از علما مانند آیت‌الله نایینی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله عراقی و آیت‌الله بلاغی به مقام علمی و اجتهاد ایشان شهادت دادند. در این زمان بود که آیت‌الله العظمی خویی مجلس بحث خارج خود را در مسجدالخضراء، نزدیک حرم حضرت امیر (ع) تشکیل داد و سال‌ها به تدریس بحث خارج ***مکاسب*** آیت‌الله شیخ مرتضی انصاری، کتاب ***صلاة*** و بحث خارج عروة از سید محمد کاظم یزدی از کتاب ***طهارت*** و بعدها نیز به تفسیر ***قرآن کریم*** پرداخت.

از جمله آثار ایشان می‌توان به‌عنوان‌های زیر اشاره نمود: ***البیان فی تفسیر القرآن***؛ ***اجود التقریرات*** (دو جلد)؛ ***تکمله منهاج الصالحین***؛ ***مبانی تکمله منهاج الصالحین*** (دو جلد)؛ ***تهذیب و تتمیم منهاج الصالحین*** (دو جلد)؛ ***المسائل منتخبه***؛ ***مستحدثات المسائل***؛ ***تعلیقه علی العروة الوثقی***؛ ***رسالة فی اللباس المشکوک***؛ ***نفحات الاعجاز فی الرد علی حسن الایجاز***؛ ***منتخب الرسائل***؛ ***تعلیقه علی المسائل الفقهیه***؛ ***منتخب توضیح المسائل***؛ ***تلخیص المنتخب***؛ ***مناسک الحج*** (به عربی و نیز به فارسی)؛ ***تعلیقه المنهج الاحکام الحج***؛ ***معجم رجال الحدیث*** (بیست و سه جلد).

تقریرات آیت‌الله العظمی خویی به شرح زیر هستند: تنقیح ***العروةالوثقی***، شش جلد در علم و فقه؛ ***دروس فی فقه الشیعه***، چهار جلد در علم فقه؛ ***مستند العروة***، سه جلد در علم فقه؛ ***فقه العتره***، دو جلد در علم فقه؛ ***تحریر العروة***، یک جلد در علم فقه؛ ***مصباح الفقاهه***، سه جلد در علم فقه؛ ***محاضرات فی الفقه الجعفری***، دو جلد در علم فقه؛ ***الدر الغوالی فی فروع العلم الاجمالی***، یک جلد در علم فقه؛ ***محاضرات فی اصول الفقه***، پنج جلد در علم اصول؛ ***مصباح الاصول***، دو جلد در علم اصول؛ ***مبانی الاستنباط***، دو جلد در علم اصول؛ ***دراسات فی الاصول***، یک جلد در علم اصول؛ ***مصابیح الاصول***، یک جلد در علم اصول؛ ***جواهر الاصول***، یک جلد در علم اصول؛ ***الامر بین الامرین***، یک جلد در علم اصول؛ ***الرأی السدید فی الاجتهاد و التقلید***، یک جلد در علم فقه؛ ***رسالة فی التحقیق الکر***، یک جلد در علم فقه؛ ***رسالة فی حکم اوانی الذهب***، یک جلد در علم فقه.

از کتاب‌های طبع نشدهٔ وی می‌توان به‌عنوان‌های زیر اشاره کرد: ***اضاة القلوب***؛ ***فقه القرآن علی المذاهب الخمس***؛ ***فهرست جامع الشتات***؛ ***ازالة المحاده عن ملک المنافع المتضادة***؛ ***آثارة العقول***؛ ***قاعدة التجاوز***؛ ***تعارض***.

آیت‌الله العظمی خویی در پی یک بیماری قلبی در بیمارستان ابن النفیس بغداد بستری و پس از یک هفته به نجف اشرف بازگشت و پس از گذشت چند روز به علت کهولت سن در ساعت سه بعدازظهر به وقت بغداد در روز هفدهم مرداد ۱۳۷۱ (مطابق با هشتم صَفر ۱۴۱۳ ق.) در کوفه چشم از جهان فروبست. پیکر ایشان صبح یکشنبه در نجف اشرف تشییع و در مسجد الخضراء (صحن مطهر علوی) به خاک سپرده شد.

منابع: ***معجم رجال الحدیث***، جلد ۲۲، ص ۱۷. «آیت‌الله العظمی خویی به رحمت ایزدی پیوست»، کیهان فرهنگی، س ۹، ش ۶ (شهریور ۱۳۷۱)، ص ۵۵. «چهرهٔ درخشان علوم مختلف اسلامی، حاج سید ابوالقاسم خویی (ره)»، کیهان، ش ۱۴۵۷۵ (۲۵ شهریور ۱۳۷۱)، ص ۱۸. ***گنجینهٔ دانشمندان***، ***جلد پنجم*** / شیخ محمد شریف رازی، ص ۶۴ ـ ۶۰. مجلس‌نشین قدس، ***یادوارهٔ پیشگام شهدای***

محراب، آیت‌الله قاضی طباطبایی / شعردوست، با مقدمه‌ای از حجت‌الاسلام سید حسین موسوی تبریزی. ***گنجینهٔ دانشمندان، جلد دوم*** / شیخ محمد شریف رازی، ص ۳ـ۹.

دانش آشتیانی، غلامرضا، حجت‌الاسلام ۳۵

فقیه

تولد ۱۳۰۹، آشتیان.

شهادت ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام غلامرضا دانش آشتیانی، فرزند ابوالفضل، تا مقطع خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. ایشان همچنین دارای دکترایِ حقوق اسلامی بود. پیش از انقلاب اسلامی، به تدریس در دبیرستان‌ها می‌پرداخت. وی همچنین مسئولیت یک گروه فرهنگی را داشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بازرس ویژهٔ وزارت آموزش و پرورش و در اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی، نمایندهٔ مردم تفرش و آشتیان شد.

از آثار ایشان است: ***سنت در زمینه فقه و اصول***.

حجت‌الاسلام آشتیانی در بمب‌گذاری هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

منبع: نگرشی به اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی / ص ۳۲۰.

دانش، محمد کاظم، حجت‌الاسلام ۳۶

فقیه

تولد ۱۳۱۸، دزفول.

شهادت ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام سید محمد کاظم دانش، فرزند سید محمود، تا مقطع خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. پیش از انقلاب اسلامی، به معلمی اشتغال داشت و عضو هیئت تحریریهٔ «مکتب اسلام» بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام جمعه و مسئول کمیتهٔ انقلاب اسلامی شوش شد. در اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی، نمایندهٔ مردم شوش و اندیمشک بود.

از آثار اوست: ***سیمای فداکاران*** (در دو جلد)؛ ***قورباغه‌ها و غازهای مهاجر***. مقالاتی از وی نیز در «مکتب اسلام» به چاپ رسیده است.

حجت‌الاسلام دانش در بمب‌گذاری هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید و پیکرش در بهشت‌زهرا به خاک سپرده شد.

منبع: نگرشی به اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی / ص ۳۲۱.

دستغیب شیرازی، عبدالحسین، آیت‌الله ۳۷

عالم، خطیب

تولد ۱۲۹۰ (عاشورای ۱۳۲۲ ق.)، شیراز.[۱]

شهادت ۲۰ آذر ۱۳۶۰، شیراز.

آیت‌الله سید عبدالحسین دستغیب شیرازی تحصیلات مقدماتی خود را در شیراز به پایان برد و تحصیلات عالی و خارج را نزد اساتید آن زمان در نجف اشرف مانند آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله شیخ محمد کاظم اصفهانی و نیز آیت‌الله میرزا آقا اصفهانی گذراند. پس از گرفتن گواهی‌های متعدد اجتهاد از مراجع نجف اشرف به شیراز مراجعت نمود و به فعالیت در امور دینی و اجتماعی پرداخت.

۱. در کتاب ***شهدای روحانیت*** تاریخ تولد وی ۱۲۸۸ و در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** ۱۲۹۲ آمده است.

آیت‌الله دستغیب مسجد جامع عتیق شیراز را که مخروبه شده بود با همکاری مردم تجدید بنا کرد و آنگاه اسباب تجدید حیات حوزهٔ علمیهٔ شیراز را مهیا نمود.

سابقهٔ مبارزاتی آیت‌الله دستغیب به زمان حاکمیت رضا شاه برمی‌گردد. همچنین ایشان در قیام خونین و تاریخی پانزده مرداد ۱۳۴۲، در انسجام مردم و حوزهٔ علمیهٔ شیراز نقش به‌سزایی بر عهده داشت. ایشان در مسیر این مبارزات چندین بار دستگیر و محبوس یا تبعید شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله دستغیب به‌عنوان نمایندهٔ اول استان فارس، به عضویت مجلس خبرگان در آمد و در تدوین قانون اساسی نقش مؤثری داشت. آنگاه به درخواست مردم فارس طی حکمی از سوی حضرت امام خمینی (ره)، به‌عنوان امام جمعه شیراز منصوب شد. وی همچنین ریاست حوزهٔ علمیهٔ فارس و نمایندگی امام خمینی (ره) را در آن استان به عهده داشت.

آیت‌الله دستغیب خطیب و نویسنده‌ای توانا بود. شیوهٔ بیان او بسیار روان و بی‌تکلف بود. در همهٔ آثار آیت‌الله دستغیب آیات و روایات بسیار دیده می‌شود. فهرست آثار ایشان به این شرح است: ***قلب سلیم*** (متمم گناهان کبیره، ۱۳۵۱)؛ ***حقایقی از قرآن*** (در تفسیر سورهٔ شریفهٔ قمر، ۱۳۵۴)؛ ***معراج؛ ماه خدا؛ صدیقهٔ کبری؛ داستان‌های شگفت؛ هشتاد و دو پرسش*** (۱۳۳۷)؛ ***گناهان کبیره*** (دو جلد، ۱۳۶۰)؛ ***تفسیر سورهٔ شریفهٔ نجم؛ سیدالشهداء (ع)؛ معاد؛ قلب قرآن؛ صلوةالخاشعین؛ گناهان کبیره*** (دو جلد، ۱۳۶۰)؛ ***استعاذه؛ شرح حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی مخطوط؛ ازدواج اسلامی*** و تعداد زیادی از کتب تفسیر و در علوم اسلامی. و آثاری که برخی از آنها چاپ نشده، از جمله شرح و حاشیه بر کفایه و رسائل و مکاسب و تفسیر سوره‌های متعددی از قرآن مجید.

آیت‌الله دستغیب در بیستم آذر ۱۳۶۰ بر اثر توطئهٔ منافقین در شیراز به شهادت رسید.

منابع: «دستغیب، معلم اخلاق»، یادنامه، ماهنامهٔ ادارهٔ کل تبلیغات دولت (آذر ۱۳۷۴)، ص.۱۱۹ــ۱۱۷. ***گنجینهٔ دانشمندان، جلد پنجم/*** شیخ محمد شریف رازی، ص.۴۴۳ـ۴۴۴. ***شهدای روحانیت شیعه در یک‌صد سالهٔ اخیر، جلد اوّل/*** علی ربانی خلخالی، چاپ اوّل، ص.۵۷۹ـ۵۸۱. ***دانشمندان و سخن‌سرایان فارس/*** محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت»، جلد دوم، ص.۵۳۳ـ۵۳۴. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/*** خانبابا مشار، جلد سوم، ص.۷۲۹.

۳۷/۱ راشد، حسینعلی

مدرس، واعظ

تولد ۱۲۸۴، تربت حیدریه.

درگذشت ۱۳۵۹، تهران.

حسینعلی راشد تحصیلات مکتبی و طلبگی را در تربت‌حیدریه و مشهد انجام داد و بعد به نجف رفت. در بازگشت به امور دینی و منبری پرداخت. مدتی از ایام را در اصفهان به این امور پرداخت. از زمانی که رادیو تأسیس شد، برنامهٔ وعظ آنجا را در عهده گرفت. او حدود چهل سال وعظ هفتگی از رادیو کرد.

وی سال‌های دراز در دانشگاه تهران (دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی) و نیز در مدرسهٔ سپهسالار تدریس کرد. از نوشته‌های او ***دو فیلسوف شرق و غرب: ملاصدرا و اینشتین*** چند بار چاپ شده است (چاپ اول، ۱۳۱۸). مجموعه سخنرانی‌های او در رادیو، در شش جلد به چاپ رسیده است.

منبع: «حسینعلی راشد»، آینده، س.۵، ص.۹۱۶ـ۹۱۷.

۳۸ ربانی املشی، محمد مهدی، آیت‌الله

عالم

درگذشت ۱۷ تیر ۱۳۶۴، تهران.

آیت‌الله محمد مهدی ربانی املشی در سمت‌هایی چون نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی، ریاست شعبه اول دادگاه عالی، عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی، عضویت در شورای عالی قضایی، دادستانی کل کشور، عضویت در شورای نگهبان، عضویت در مجلس خبرگان رهبری و نیابتِ ریاست مجلس شورای اسلامی (نمایندهٔ مردم تهران) خدمت کرده است.

آیت‌الله ربانی املشی از شاگردان حضرت امام خمینی (ره) در حوزهٔ علمیهٔ قم بود. ایشان با تأسیس جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، به‌عنوان یکی از اعضای فعال این جامعه، سال‌ها زندان و شکنجه و تبعید را تحمل کرد. با این همه از پای ننشست و در راه به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، بی‌وقفه تلاش کرد.

آیت‌الله ربانی املشی در تاریخ هفدهم تیر ماه ۱۳۶۴ در تهران درگذشت.

منبع: کیهان فرهنگی، س ۲، ش ۴ (تیر ۱۳۶۴)، ص ۴۰.

۳۹ ربانی شیرازی، عبدالرحیم، آیت‌الله

عالم

تولد ۱۳۰۳، دارالفضلیهٔ شیراز.[۱]

درگذشت ۱۷ اسفند ۱۳۶۰، بین راه دلیجان ـ محلات.

آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی، فرزند حاج مهدی، ایام کودکی را در مکتبخانه‌ها و جوانی را در مدارس علمیهٔ شیراز به‌سر آورد. هنوز به بیست سالگی نرسیده بود که از پدر مستقل شد و حجره‌ای برای خود دست و پا کرد. در جوانی به حزب «برادران» پیوست که به رهبری آیت‌الله آقا سید نورالدین حسینی برای مقابله با تجاوزات استعمارگران خارجی و عمال داخلی آن‌ها به حریم اسلام و روحانیت تأسیس شده بود و رسماً به فعالیت‌های حزبی و سیاسی پرداخت. هم‌زمان با آن برای تکمیل اطلاعات دینی خود به مدرسهٔ علمیهٔ آقاباباخان رفت. سپس در زمان مرجعیت آیت‌الله سید حسین بروجردی به قم مشّرف شد. در قم، چند سالی در مدرسهٔ حجتیّه سکنی گزید تا آن‌که ازدواج کرد و به منزلی که در یکی از محله‌های قدیمی قم اجاره کرده بود، نقل مکان نمود. ایشان برای امرار معاش به خرید و فروش می‌پرداخت.

شروع مبارزات آیت‌الله ربانی شیرازی با رضا شاه، ایستادگی در مقابل برنامهٔ کشف حجاب بود. ایشان تصمیم گرفت آیات و روایاتی را که دلالت بر لزوم پوشش برای زن دارد، استخراج نموده و آنها را به صورت اعلامیه‌ای نوشته و بر معابر عمومی نصب نماید. برای کسب اجازه به نزد آیت‌الله آقا سید نورالدین رفت و که به وی اجازه داده شد. از دیگر فعالیت‌های او در زمان اقامت در حوزهٔ علمیهٔ شیراز، مبارزه با فرقه‌های مذهبی و سیاسی نظیر بهاییان و صوفیان دراویش و نیز تبلیغات حزب توده در سال‌های ۱۳۲۰ بود.

آیت‌الله ربانی در مدت اقامت خود در شیراز به مرتبه‌ای از دانش رسید که دیگر ادامهٔ تحصیلش در آن شهر امکان نداشت. از همین روی علیرغم مساعد نبودن شرایط و آماده نبودن زمینهٔ مهاجرت، سرانجام در سال ۱۳۲۷ راهی شهر مقدس قم گردید و بلافاصله در حوزهٔ درس آیت‌الله بروجردی حاضر

۱. در کتاب *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس* تاریخ تولد وی ۱۳۰۱ آمده است.

شد.

از جمله آثار ایشان به این شرح هستند: تصحیح و تعلیق ***وسائل الشیعه***؛ تصحیح و تعلیق ***بحارالانوار***؛ ***قضاء الحقوق فی ترجمة الصدوق***؛ ***حرکت طبیعی از دو دیدگاه***؛ رساله در ***عدم تحریف قرآن مجید***؛ کتاب ***صلاة و ادعیه و قرآن و ملابس*** که به سبک جدیدی نوشته شده است؛ ***مقدمه بر بحار الانوار و وسائل الشیعه***؛ ***مقدمهٔ مبانی الاخبار*** (در ۹۴ صفحه، در ترجمهٔ صدوق علیه‌الرحمه)؛ رساله‌ها و جزوه‌های پراکنده و چاپ نشده.

آیت‌الله ربانی شیرازی برای شرکت در جلسات شورای نگهبان از شیراز عازم تهران بود، در بین راه دلیجان محلات، اتومبیل حامل ایشان پس از ترکیدن لاستیک آن توسط گلوله از جاده منحرف و واژگون شد. کمی پس از واژگون شدن اتومبیل حامل ایشان، مینی‌بوسی از راه رسید و تنها ایشان را که حتی به مقدار کمتری از بقیهٔ همراهان خود، دچار آسیب دیدگی و جراحت شده بودند با خود به یکی از درمانگاه‌های شهرستان محلات بردند و مصببین بدون آن‌که هیچ گونه رد پایی از خود به جا بگذارند، محل را ترک کرده و متواری شدند. هنوز ساعاتی چند از انتقال به درمانگاه نگذشته بود که درگذشت.

منابع: ربانی شیرازی، آیهٔ استقامت / فرج‌الله الهی، چاپ اول. *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، جلد سوم* / محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت»، ص. ۵۹۲ ـ ۵۹۳.

رحمانی خلیلی، ابوالقاسم، آیت‌الله ۴۰

عالم

تولد ۱۳۰۲، خلیل محلهٔ بهشهر.

درگذشت ۲۷ اسفند ۱۳۷۴.

آیت‌الله ابوالقاسم رحمانی خلیلی مازندرانی در حدود هشت یا نه سالگی کسب علم و دانش را آغاز نمود و آموزش را از مکتب‌خانه‌های قدیمی آن روزگاران آغاز کرد و سپس به تحصیل علوم الهی و حوزوی حوزهٔ علمیهٔ کوهستان تحت نظر و آموزش آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی پرداخت. ایشان دورهٔ مقدمات و دورهٔ سطح را در حوزهٔ علمیهٔ کوهستان فرا گرفت و سپس برای تکمیل مدارج علمی در سال ۱۳۲۵ در بیست و سه سالگی به حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف رفت و از محضر عالمانی همچون حضرات آیات عظام حاج سید محمود شاهرودی، حاج سید محسن کریم، سید ابوالقاسم خویی، حاج میرزا هاشم آملی، میرزا حسن یزدی و شیخ صدر بهره‌های فراوان برد. در همان حوزهٔ علمیهٔ نجف به تدریس نیز اشتغال ورزید.

آیت‌الله رحمانی خلیلی مازندرانی بعد از چهارده سال اقامت در حوزهٔ نجف اشرف به زادگاه خود مراجعت نمود. بعد از مراجعت وی، و پس از یک هفته اقامت نزد آیت‌الله کوهستانی، ایشان اعلام فرمودند که «شیخ ابوالقاسم فقیه است، ملاست، عالم است، باید از ایشان استفاده بشود».

پس از مدتی در سال ۱۳۳۹ حوزهٔ علمیهٔ «خلیل محله» را تأسیس نمود و به این ترتیب به آموزش طلاب منطقه پرداخت. از جمله فعالیت‌های دیگر ایشان تأسیس مسجد و حسینیه‌ای با کمک مردم محله بود.

مدتی بعد به تهران رفت و حدود چهارده سال در آن شهر اقامت گزید، در سال ۱۳۶۴ به قم مهاجرت نمود.

از جمله فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ایشان باید به سرپرستی کمیتهٔ انقلاب اسلامی مسجد شفا اشاره نمود.

تألیفات و آثار قلمی آیت‌الله رحمانی به این شرح است: ***شرحی بر تبصرهٔ علامه حلی (ره)***؛ ***شرحی بر***

عروةالوثقی (رساله فی الاجتهاد و التقلید)؛ تفسیری بر سورهٔ شریفهٔ حمد؛ رساله در مشتق؛ رساله در طلب و اراده؛ نامه‌ها و مکتوبات عرفانی و اسرار و اذکار؛ کتابی در نحو.

منبع: «درگذشت آیت‌الله ابوالقاسم رحمانی»، کیهان فرهنگی، س.۱۳، ش.۱۲۶ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵)، ص.۶۷.

محقق، استاد، مؤلف

تولد ۱۳۱۳ (۲۰ شعبان ۱۳۵۳ ق.)، نجف‌آباد اصفهان. درگذشت ۱ اسفند ۱۳۶۹، قم.

حجت‌الاسلام مصطفی زمانی در دوران کودکی ضمن همکاری با پدر در امور زراعت، تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان رسانید و از هفده سالگی به موجب توصیه‌های پدر و تشویق آیت‌الله شیخ ابراهیم ریاضی و نیز سید مجتبی نواب صفوی به تحصیل در رشتهٔ علوم دینی روی آورد. پس از اتمام بخشی از تحصیلات خود در زادگاه و فراگیری ادبیات عرب به مدت دو سال نزد اساتید وقت، راهی قم شد و دروس مقدماتی را در این شهر در محضر آیت‌الله علی مشکینی اردبیلی، آیت‌الله حسین نوری همدانی و حجج اسلام ستوده و مصطفی اعتمادی آموخت و در درس خارج به مدت دو سال از محضر آیت‌الله سید حسین بروجردی و در درس مکاسب نیز به مدت هشت سال از محضر امام خمینی (ره) استفاده برد.

حجت‌الاسلام زمانی به‌سبب مبارزه با رژیم پهلوی چندین بار دستگیر و روانهٔ زندان گردید. در سال ۱۳۵۲ کتابی به نام ***نماز گفتگو با خدا*** نوشت که در اردیبهشت ماه همان سال از سوی ساواک ضبط و جمع‌آوری شد و به‌عنوان کتاب مضر خمیر گردید و به جرم تألیف آن، وی را در حال بیماری و موقعی که به علت شکستگی کمر در بیمارستان بستری بود، به زندان قزل قلعه روانه کردند.

اوّلین اثری که به همت ایشان در مجمع اسلامشناسی تألیف شد، کتاب ***ابراهیم بت‌شکن یا قهرمان توحید*** (۱۳۴۲) بود. گرچه مجمع مذکور تعطیل شد ولی حجت‌الاسلام زمانی از فعالیت فرهنگی فرهنگی و نوشتن برای کودکان و نوجوانان دست برنداشت و در اسفند سال ۱۳۴۹ سالنامهٔ «پیام اسلام» را در کنار انتشارات پیام اسلام بنیاد نهاد و به همت گروهی از اندیشمندان حوزهٔ علمیهٔ قم و نویسندگان جوان ده‌ها اثر را تألیف و ترجمه نمود.

انتشارات پیام اسلام صرفاً مرکزی برای نشر کتاب نبود، بلکه به‌سرعت مرکزی برای بسیاری از نوجوانان و جوانان شد تا مشکلات خود را از طریق مکاتبه یا تماس تلفنی در میان بگذارند. بخشی از تألیفات حجت‌الاسلام زمانی در واقع پاسخی است به دردهای نسل جوان که در ضمن نامه‌هایی که برایش ارسال می‌شد مطرح می‌شدند. از جملهٔ این آثار می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: ***اعتیادهای خطرناک؛ طوفان جوانی؛ نردبان ترقی؛ اسلام یا آیین کلیسا؛ رمز ترقی؛ راه مبارزه با مشکلات پیمان زناشویی؛ دوستی‌های تلخ و شیرین.*** علاوه بر مقالات متعدد و مقدمه‌هایی که بر کتاب‌های مختلف نوشته است. کتاب‌های دیگر او عبارتند از: ***علی بن ابیطالب (ع)، پیشوای مسلمین***؛ ترجمهٔ کتاب ***مردان پاک از نظر امام صادق (ع)*** (اثر محمد جواد مغنیه).

حجت‌الاسلام مصطفی زمانی در اول اسفند ۱۳۶۹ در قم درگذشت و پیکرش را در صحن مطهر حرم حضرت فاطمهٔ معصومه (ع) به خاک سپردند.

منابع: *شهید مفتح، تکبیر وحدت*/ غلامرضا گلی زواره. گلی‌زواره، غلامرضا، «یادی از یک نویسنده»، اطلاعات،

ش. ۱۹۵۵۱. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۲۱۷. آینهٔ پژوهش، ش. ۱، اسفند ۱۳۶۹، ص. ۱۱۴ ـ ۱۱۵.

سعید تهرانی، شیخ حسن، آیت‌الله ۴۱/۱

عالم علوم دینی

تولد ۱۳۳۷ ق.، تهران.

درگذشت ۲۱ دی ۱۳۷۴، قم.

حضرت آیت‌الله شیخ حسن سعید تهرانی، فرزند آیت‌الله میرزا عبدالله چهلستونی تهرانی و نوهٔ آیت‌الله العظمی حاج میرزا مسیح تهرانی (از مراجع دوران قاجار که در واقعهٔ قتل گریبادوف مرجع و پناه مردم به حساب می‌آمد) بود. ایشان علوم مقدماتی را در حوزه‌های علمیه قم و تهران تحت تربیت و نظارت پدرشان فرا گرفت.

سپس در بیست و پنج سالگی به دانشگاه رفت و لیسانس معقول و منقول گرفت و سپس در سال ۱۳۷۰ ق. به نجف اشرف رفت و در دروس آیات عظام حاج سید محسن حکیم، آیت‌الله خویی و به‌خصوص آیت‌الله شیخ حسین حلی شرکت جست و تقریرات دروس فقه و اصول آنها را نگاشت (چندین مجلد ***تقریرات دروس آیت‌الله حلی*** به‌چاپ رسیده است.). در سال ۱۳۸۵ ق. به تهران آمد و ضمن امامت جماعت مسجد جامع چهلستون تهران به تدریس فقه و اصول و تفسیر، وعظ و ارشاد، راهنمایی مردم، به‌خصوص جوانان و دانشجویان، تألیف کتاب‌های دینی، چاپ و نشر کتاب‌های مذهبی، تأسیس بنای کتابخانه و مدرسهٔ چهلستون و گنجینهٔ قرآن کریم پرداخت. این کتابخانه با بیش از چهل هزار نسخه‌های خطی و چاپی یکی از مهمترین کتابخانه‌های مساجد تهران می‌باشد.

آیت‌الله سعید برای تبلیغ اسلام و تشیع کوشش فراوان کرد و دهها کتاب به زبان‌های مختلف برای بیان اندیشه‌های تشیع و عقاید شیعی و ولایت به کشورهای مختلف فرستاد. از وی در طول عمر خویش دهها کتاب به زبان فارسی و عربی باقی‌مانده است. مهمترین آثار ایشان عبارتند از: ***اسلام از دیدگاه قرآن و عترت***؛ ***اصول دین*** (آبان ۱۳۳۳)؛ ***افکار پریشان یا مقالات سعید*** (۱۳۲۶)؛ ***تقریرات علامه حلی***؛ ترجمهٔ ***نورالابرار من حکم امیرالمؤمنین علی (ع)*** (۱۴۱۲ ق.)؛ ***حسین (ع) از دیدگاه وحی*** (۱۳۹۶ ق.)؛ ***حکومت از دیدگاه قرآن و عترت*** (۱۳۹۹ ق.)؛ ***حیات یابی*** (ترجمهٔ ***احیاءالمیت به فضایل اهل بیت***، ۱۳۶۷)؛ ***خدا و رمضان*** (۱۳۹۱ ق.)؛ ***خدا و ولی‌الامر*** (۱۳۹۲ ق.)؛ ***خدا و مهدی (عج)*** (۱۳۹۴ ق.)؛ ***دایرةالمعارف قرآن*** (۱۲ مجلد، به فارسی و عربی)؛ ***سیرهٔ رسول‌الله (ص) سنت الهی است*** (۱۴۰۶ ق.)؛ ***غدیر پیوند ناگسستنی رسالت و امامت*** (۱۳۶۱)؛ ***فاطمهٔ زهرا (س)، دژ شکست‌ناپذیر وحی در طول زمان*** (۱۳۶۱)؛ ***ما با خدا کار داریم*** (۱۴۰۶ ق.)؛ ***مکتب امام حسن (ع)*** (۱۴۰۲ ق.)؛ ***مبعث، بیانگر رسالت و امامت در مکتب تشیع*** (۱۴۱۲ ق.)؛ ***مسئولیت*** (۱۴۰۹ ق.)؛ ***مهدی (ع) ما راهگشای عالم غیب*** (۱۴۰۴ ق.)؛ ***نگهبان مکتب توحید (کتابنامهٔ امام مهدی ـــ عج)*** (۱۴۱۵ ق.)؛ ***نگهبان مکتب ما*** (۱۴۱۰ ق.)؛ ***نموداری از حکومت علی (ع)*** (۱۴۰۳ ق.)؛ ***ولایت فقیه ردآورد غدیر*** (۱۳۹۹ ق.).

آثار عربی وی به این شرح است: ***الفقه تشریعه و تنبیه و استنباطه*** (۱۳۸۰ ق.)؛ ***الرسول یحدثنا*** (۱۳۹۴ ق.)؛ ***الرسول یدعوکم*** (۱۳۹۸ ق.)؛ ***الرسول و الشیعه*** (۱۳۹۸ ق.)؛ ***دلیل عروةالوثقی*** (تقریرات بحث‌های آیت‌الله شیخ حسین حلی، دو جلد: جلد اول ۱۳۷۹ ق.؛ جلد دوم ۱۳۸۲ ق.)؛ ***شیعتنا*** (۱۴۰۲ ق.)؛ ***موسوعة المکاسب*** (تألیف شیخ‌مرتضی انصاری، تقریر شیخ حسن حلی، کاتب تقریر شیخ

حسن سعید؛ چهار جلد با تفریظ).

آیت‌الله سعید سرانجام در بیست و یکم دی ۱۳۷۴ (نوزدهم شعبان ۱۴۱۶ ق.) در هشتاد سالگی دار فانی را وداع گفت و در شهر قم در مقبرهٔ شیخان (ره) به خاک سپرده شد.

منابع: آینهٔ پژوهش، ش.۳۵، ص.۱۱۴. *دایرةالمعارف قرآن*، ۱۳۶۶.

سلطانی طباطبایی، محمد باقر، آیت‌الله ۴۱/۲

عالم علوم دینی

تولد ۱۳۲۸ ق.، بروجرد.

درگذشت ۳۱ خرداد ۱۳۷۶، قم.

حضرت آیت‌الله حاج سید محمد باقر سلطانی طباطبایی، فرزند آیت‌الله آقای حاج سید علی اصغر سلطان العلماء بروجردی از علما و بزرگان بروجرد، بود. ایشان پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی و فراگرفتن مقدمات و سطوح اولیه در شهر بروجرد، به سال ۱۳۴۸ ق. به حوزهٔ علمیهٔ قم رفت و دانش معقول و منقول را در مدت هفت سال از محضر حضرات آیات عظام حاج سید صدرالدین صدر، آقا سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد فیض قمی، آقا شیخ محمد علی حایری قمی، حاج سید احمد خوانساری و میرزا محمد علی شاه‌آبادی فرا گرفت. سپس در سال ۱۳۵۵ ق. رهسپار حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف گردید و حدود دو سال از محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاء عراقی و شیخ محمد حسین اصفهانی بهره برد و در ۱۳۵۷ ق. به بروجرد بازگشت. در ۱۳۵۸ ق. به مشهد مشرف شد و حدود ده ماه از بحث‌های فقهی، کلامی و تفسیری آیت‌الله حاج میرزا مهدی اصفهانی استفاده کرد و مبانی علمی خویش را استوار ساخت. سال ۱۳۵۹ ق. به قم رفت و به تدریس سطوح عالیه (رسائل، مکاسب و کفایه) پرداخت و در کنار آن در دروس فقه و اصول و جلسات استفتاء آیت‌الله‌العظمی بروجردی شرکت جُست.

ایشان در اولین دورهٔ مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی مردم لرستان برگزیده شد.

برخی از تألیفات آیت‌الله سید محمد باقر سلطانی طباطبایی عبارتند از: ***رسالة فی‌الاستصحاب***؛ ***رسالة فی‌المطلق و المقید***؛ ***رسالة فی‌الخیارات***؛ ***الفوائد الفاطمیة فی‌الاصول*** (که این کتاب را به‌نام ***حضرت فاطمه معصومه*** نام نهاده است)؛ رساله در شرح منظومه فقهی علامه میرزا محمد تنکابنی؛ رساله در ادبیات فارسی.

حضرت آیت‌الله سلطانی طباطبایی پس از هشتاد و پنج سال زندگی در عصر روز شنبه سی و یکم خرداد ۱۳۷۶ (پانزدهم صفر ۱۴۱۸ ق.) به‌درود حیات گفت و پیکرش، پس از یک تشییع در قم و نماز آیت‌الله فاضل لنکرانی بر آن، در جوار مرقد حضرت امام خمینی (ره) به خاک سپرده شد.

منبع: انصاری قمی، ناصرالدین، «درگذشت آیت‌الله سلطانی طباطبایی»، آینهٔ پژوهش، س.۸، ش.۴۴ (خرداد و تیر ۱۳۷۵)، ص.۱۰۳ ـ ۱۰۴.

شاه‌آبادی، مهدی، حجت‌الاسلام ۴۲

عالم دینی

تولد ۱۳۰۹، تهران.

شهادت ۶ اردیبهشت ۱۳۶۱، جزایر مجنون.[۱]

حجت‌الاسلام مهدی شاه‌آبادی، فرزند محمد علی،

۱. در کتاب *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* تاریخ شهادت حجت‌الاسلام مهدی شاه‌آبادی ۱۳۶۳ ذکر شده است.

در چهار سالگی برای فراگیری *قرآن* وارد مکتب‌خانه شد و پس از دو سال، راهی دبستان توفیق گردید. در این هنگام بعدازظهرها پس از مدرسه نزد پدر، به فراگیری علوم دینی مشغول شد. در چهارده سالگی وارد مدرسهٔ علمیهٔ مروی شد. در یکی از اعیاد مذهبی سال ۱۳۲۷ لباس روحانیت را به تن کرد. سال بعد پدرش را از دست داد. او پس از گذشت دو سال از فوت پدر، راهی شهر قم شد. یک سال در قم اقامت کرد و سپس برای گذراندن دورهٔ دبیرستان دوباره به تهران برگشت و طی چهارده ماه دورهٔ دبیرستان را به پایان رساند.

در سال ۱۳۳۲ بعد از کودتای بیست و هشت مرداد برای نخستین بار دستگیر و زندانی شد ولی پس از مدت کوتاهی آزاد گشت. در مهر همان سال دوباره راهی قم شد و به تحصیل در حوزهٔ علمیهٔ قم ادامه داد و رسائل را از آیت‌الله علی مشکینی اردبیلی و مکاسب را از آیت‌الله ستوده و کفایةالاصول را از آیت‌الله مجتهدی آموخت. در بیست و پنج سالگی دورهٔ سطح را به پایان رسانید و در کلاس درس خارج فقه و اصول نشست. اساتید او در درس خارج، حضرت امام(ره)، و آیات عظام بروجردی و گلپایگانی و محمد علی اراکی بودند.

یکی از برنامه‌های حجت‌الاسلام شاه‌آبادی سفرهای تبلیغی بود. در تابستان‌ها و ماه رمضان و محرم و دیگر ایام تعطیلی حوزه به شهرها و روستاهای دوردست می‌رفت و به تبلیغ اسلام و خرافه‌زدایی می‌پرداخت.

در سال ۱۳۵۰ پس از حدود بیست و یک سال اقامت در قم به تهران آمد و امامت جماعت مسجد روستای رستم‌آباد شمیران را پذیرفت. ایشان در این مسجد زمینهٔ تحقیقات و مطالعات اسلامی را فراهم کرد.

یکی از فعالیت‌های ایشان در آن منطقه، تشکیل صندوق ذخیرهٔ علوی بود. وی همچنان به فعالیت‌های سیاسی خود ادامه داد و دست کم در مدت زندگی‌اش در زمان رژیم پهلوی، پنج بار زندان و یک بار تبعید و چندین بازداشت کوتاه مدت محکوم شد. اولین بار در سال ۱۳۵۲ دستگیر شد. سپس در سال ۱۳۵۳ دوباره دستگیر شد و پس از بیست روز آزاد شد و در سال ۱۳۵۴ مجدداً دستگیر و شکنجه شد و در سال ۱۳۵۵ به شهرستان بانه (در استان کردستان) تبعید شد. پس از شش ماه آزاد شد و مجدداً در سی خرداد ۱۳۵۷ به همراه هفتاد نفر دیگر دستگیر شد. پنج ماه در زندان بود تا اینکه در آبان ماه آزاد شد. ولی پس از دوازده روز دستگیر شد و در سوم بهمن ۱۳۵۷ چند روز قبل از ورود امام خمینی (ره) به تهران از زندان آزاد گشت. به مناسبت ورود امام به تهران پیامی صادر کرد و در تحصن علما در دانشگاه تهران به سبب بستن فرودگاه‌ها شرکت کرد. وی همچنین عضو کمیتهٔ استقبال از امام حضور بود و در درگیری‌های بیست و یکم و بیست و دوم بهمن ۱۳۵۷ شرکت داشت.

مسئولیت‌های حجت‌الاسلام مهدی شاه‌آبادی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به این شرح است: عضویت در شورای مرکزی کمیتهٔ انقلاب اسلامی و تلاش در تشکل و سازماندهی آن؛ مسئولیت یکی از کمیته‌های شمیرانات (کمیتهٔ اختیاریه)؛ عضو هستهٔ مرکزی جامعهٔ روحانیت مبارز (وی دبیر جامعهٔ روحانیت مبارز شمیرانات و مسئول دایرهٔ تبلیغات جامعهٔ روحانیت بود)؛ نمایندگی دورهٔ اول و دوم مجلس شورای اسلامی از طرف مردم تهران (عضو کمیسیون امور قضایی مجلس اول)؛ عضویت در هیئت بررسی عملکرد بنیاد مستضعفان در سال ۱۳۵۹؛ عضویت در ستاد بسیج اقتصادی کشور؛ عضویت در هیئت رسیدگی به وضع بیمارستان‌ها به همراه وزیر بهداشت و درمان پزشکی.

حجت‌الاسلام مهدی شاه‌آبادی در جبهه‌های دفاع مقدس حضور می‌یافت. در آخرین سفر به جبهه‌ها در روز پنج اردیبهشت ۱۳۶۱ راهی جزایر مجنون شد. فردای آن روز شب هنگام در حالی می‌خواست برای دعای کمیل به «مقر» باز گردد، به واسطهٔ انفجار خمپاره‌ای به شهادت رسید.

پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

منابع: شاه‌آبادی بزرگ، آسمان عرفان / محمد علی محمدی، چاپ اوّل، ص ۱۲۹ ـ ۱۵۴. *نگرشی به اولین دوره مجلس شورای اسلامی* / روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ص ۳۲۳.

۴۳ شریعتی مزینانی، محمد تقی، استاد

محقق، استاد

تولد ۱۲۸۶، قریه مزینان.

درگذشت ۳۱ فروردین ۱۳۶۶.

استاد محمد تقی شریعتی مزینانی، فرزند محمود روحانی، دوران طفولیت و نوجوانی را در روستای خود گذرانید و در همان‌جا مقدمات را نزد پدر و عمویش ـ که هر دو روحانی بودند ـ آموخت، در سال ۱۳۰۶ به مشهد سفر کرد و در آنجا به فراگیری منطق، فلسفه و فقه و اصول پرداخت.

در مدرسهٔ فاضلخان، هم حجرهٔ برادرش شیخ قربانعلی شریعتی بود و به تحصیل علوم اسلامی مشغول شد. از جمله اساتید وی باید به آیت‌الله هاشم قزوینی و آیت‌الله محمد تقی ادیب ثانی اشاره کرد که نزد ادیب ثانی دورهٔ مطول و مغنی را به پایان رساند؛ قوانین را نزد حاج شیخ کاظم دامغانی، شرح لمعه را نزد ارتضا و حاج میرزا احمد مدرس خواند؛ از اساتید دیگر آن زمان وی میرزای اصفهانی بود.

از سال ۱۳۱۱ به تدریس در مدارس جدید مشهد پرداخت. معلمی را از مدرسهٔ ملی شرافت آغاز کرد و تا سال ۱۳۱۳ ادامه داشت. بر طبق مقررات اداری، صلاحیت علمی و شایستگی تدریس ایشان از سوی ادارهٔ فرهنگ تأیید می‌شود و از این پس (۱۳۱۴) در دبیرستان ابن‌یمین، به تعلیم می‌پردازد. چون فعالیت‌های ثمربخش داشت، نظامت دبیرستان نیز به عهده‌اش محول می‌شود و کلاس‌های جدید دبیرستان را تأسیس می‌کند. طبیعی است در آن زمان یک دبیر یا مسئول دبیرستان که پای‌بند موازین شرعی بود، نمی‌توانست بعضی برنامه‌های خاص دولتی را اجرا کند و با دشواری‌هایی مواجه می‌شد. در همین زمان شروع به ترجمهٔ کتاب از عربی به فارسی نمود.

پس از شهریور سال ۱۳۲۰ که فعالیت‌های سیاسی آزاد شده بود و حزب توده تبلیغاتی را در ترویج کمونیسم بین جوانان آغاز کرده بود، وی نیز مبارزه با آنها را از کلاس درس (در دبیرستان شاهرضا و سپس فردوسی) شروع کرد و حتی ساعاتی بدون دریافت اضافه کار به تدریس ادبیات فارسی، عربی و شرعیات می‌پرداخت. در همان سال‌ها بود که به تدریس در دانشسرا ـ که مرکز فعالیت آن حزب شده بود ـ نیز مشغول گشت.

از دیگر مراکز آموزشی دولتی که استاد شریعتی در آنجا به تدریس پرداخت، دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی مشهد است که از سال ۱۳۲۷ تأسیس شد، و بنا به دعوتی که از وی به عمل آمد، تفسیر ***قرآن*** و ***نهج‌البلاغه*** را تدریس می‌کرد و تا سه سال ادامه داشت.

سرانجام بنابر حکم ادارهٔ آموزش و پرورش خراسان، استاد محمد تقی شریعتی مزینانی در تاریخ بیست و دوم آبان ۱۳۴۱ پس از سی سال تدریس در دبیرستان‌های مشهد بازنشسته شد.

از دیگر فعالیت‌های ایشان مبارزهٔ با اندیشه‌های سید احمد کسروی بود. استاد مجالسی را برگزار

می‌نمود (سخنرانی‌ها، جلسات تفسیر قرآن) ولی با افزایش برنامه‌ها، به پیشنهاد او و با توجه به نیاز موجود از سال ۱۳۲۳ منزلی در کوچهٔ چهار باغ مشهد برای تشکیل جلسات اجاره کردند. با نصب تابلوی «کانون نشر حقایق اسلامی» بر سر در آن، این مرکز تبلیغی رسمیت و تمرکز یافت و برنامهٔ آن منتشر شد. (کارنامهٔ کانون در اسفند ۱۳۲۶ منتشر شد). در سال ۱۳۲۷ سخنرانی‌های هفتگی در رادیو مشهد داشت که در بارهٔ «فایده و لزوم دین» بود که بعدها با همین نام منتشر شد. در سال ۱۳۳۰ با «جمعیت‌های مؤتلفهٔ اسلامی مشهد» همکاری داشت و در این مسیر در انتخاب وکلایی برای دورهٔ هفدهم مجلس شورای ملی تلاش خود را نمود. در سال ۱۳۳۶ به اتهام همکاری با نهضت مقاومت ملی به مدت یک ماه و اندی دستگیر و بازداشت شد. به این ترتیب جلسات کانون تشکیل شد. پس از آزادی جلسات تفسیر و سخنرانی وی در منزل آیت‌الله العظمی سید محمد هادی میلانی (۱۳۳۷ الی ۱۳۳۹) تشکیل می‌شد. از سال ۱۳۳۷ الی ۱۳۴۰ در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی مشهد و نیز در مؤسسهٔ وعظ و تبلیغ به تدریس تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه می‌پرداخت. در سال ۱۳۳۹ کانون نشر حقایق اسلامی دوباره شروع به فعالیت نمود.

در عاشورای ۱۳۸۱ ــ برابر با سوم تیر ۱۳۴۰ ــ برای عده‌ای از عزاداران، استاد سخنرانی نمود و اهداف قیام امام حسین (ع) را شرح داد. ولی سال بعد، پس از رسیدن دستهٔ راه‌پیمایان به صحن عتیق، از سخنرانی استاد ممانعت به‌عمل آمد. و در سال ۱۳۴۲ قبل از محرم ۱۳۸۳ از شهربانی به وی تلفن زدند که سازمان امنیت با این برنامه موافق نیست. به این ترتیب کانون تعطیل شد. در سال ۱۳۴۲ نامه‌ای از طرف هیئت مدیرهٔ حسینیهٔ ارشاد و مکتوب به خط استاد مرتضی مطهری فرستاده شد (و با واسطه قرار دادن آیت‌الله میلانی) که وی برای سخنرانی به تهران روند. این دعوت چنان بود که چند شب سخنرانی تبدیل به چهار سال و اندی شد.

علاوه بر حسینیه ارشاد، دو سه سال ــ هنگام حبس آیت‌الله سید محمود طالقانی ــ در ماه رمضان ادارهٔ مجلس وعظ و تفسیر مسجد هدایت به عهدهٔ وی بود و به اصرار جمعیتی به نام احباب الحسین (ع) به گفتن تفسیر قرآن و ارشاد آنان پرداخت. کتاب ***خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت*** که شامل بحث‌های تحقیقی است، ثمرهٔ سخنرانی‌های هفتگی ایشان است که طی بیست و سه جلسه در حسینیهٔ ارشاد ایراد کرده است (در این کتاب آقایان استاد مرتضی مطهری، محمد تقی شریعتمداری نیز مطالبی دارند، ۱۳۳۹). تجدید طبع ***تفسیر نوین***، ***وحی و نبوت در قرآن*** و آثار قلمی دیگر نیز از ثمرات دوران اقامت در تهران است.

استاد محمدتقی شریعتی در ادبیات عرب و فارسی تبحر داشت و در گفتارش نکات فراوانی وجود داشت.

آخرین سخنرانی استاد شریعتی در حسینیه ارشاد در هفده آبان ۱۳۵۱ (عید فطر ۱۳۹۲) بود که پس از آن حسینیه توسط سازمان امنیت تعطیل شد. استاد در سال ۱۳۵۲ دستگیر شد و یک سال و اندی در حبس بود. فرزند وی، دکتر علی شریعتی در بیست و نه خرداد ۱۳۵۶ در لندن درگذشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای اولین بار در شانزده فروردین ۱۳۵۸ در حسینیهٔ ارشاد سخنرانی نمود. بین سال‌های ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۰ به مناسبت‌های خاص سخنرانی‌های وی از رادیو پخش می‌شد.

از آثار اوست: ***آغاز وحی*** با تفسیر سورهٔ علق (تاریخ مقدمه ۱۳۴۰)؛ ***اصول عقاید و اخلاق شریعتی*** (چاپ اول ۱۳۲۱، چاپ هفدهم ۱۳۳۳)؛ ***امانت در نهج‌البلاغه*** (۱۳۵۷)؛ ***تأثیر هنرهای مسلمین بویژه***

ایرانیان در اروپا (زکی محمد حسین، ترجمه)؛ *تعلیمات دینی* (قسمت اول، مخصوص کلاس اول دبیرستان، ۱۳۲۵)؛ *تفسیر نوین*، جز سی‌ام قرآن (۱۳۴۶)؛ *چرا حسین قیام کرد؟* (نشریهٔ کانون نشر حقایق اسلامی، ۱۳۴۱)؛ *زنیرو بود مرد را راستی* (نشریهٔ کمیتهٔ دبیران تعلیمات دینی مشهد، به مناسبت اولین سمینار دبیران تعلیمات دینی در مشهد، مرداد ۱۳۴۹؛ استاد در نشریه مقاله‌ای دارند)؛ *عباسه، خواهر هارون‌الرشید* یا خواری برمکیان (تألیف جرجی زیدان ترجمهٔ استاد، بی.تا.)؛ *فایده و لزوم دین* (نشریهٔ دوّم کانون نشر حقایق اسلامی مشهد، آذر ۱۳۲۹)؛ *کارنامهٔ کانون نشر حقایق اسلامی مشهد* (۱۳۲۶)؛ *مبانی اقتصادی در اسلام* (عبدالحمید جودةالتجار، ترجمهٔ استاد، ششمین نشریهٔ کانون نشر حقایق اسلامی مشهد، ۱۳۲۵)؛ مقدمهٔ کتاب *نیایش* (دکتر آلکسیس کارل، ترجمهٔ دکتر علی شریعتی، ۱۳۳۹)؛ *وحی و نبوت در پرتو قرآن* (۱۳۴۹)؛ متن دو سخنرانی استاد به نام‌های «مهدی موعود امم» و «علی شاهد رسالت» در دومین نشریهٔ انجمن اسلامی دانشجویان مشهد در دی ۱۳۳۹ به چاپ رسیده است.

استاد محمد تقی شریعتی مزینانی عصر دوشنبه سی و یک فروردین ۱۳۶۶ ــ برابر با بیست و یک شعبان ۱۴۰۷ ق. درگذشت . پیکرش در جوار امن الهی در مشهد در حرم امام رضا (ع) درون غرفه‌ای از صحن آزادی به خاک سپرده شد.

منابع : یادنامهٔ استاد محمد تقی شریعتی مزینانی / به کوشش جعفر پژوم. «استاد محمدتقی شریعتی، مدافع شریعت در برابر الحاد و طاغوت»، کیهان فرهنگی، س.۱، ش.۱۱ (بهمن ۱۳۶۳)، ص.۶ــ۱۹. «یادنامهٔ شادروان استاد محمد تقی شریعتی»، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، «علمی و پژوهشی»، س.۲۰، ش.۱و۲، (بهار و تابستان ۱۳۶۶). *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد دوم، ص.۲۲۳.

شریعتمداری، کاظم، آیت‌الله ۴۴

فقیه

تولد ۱۲۸۲ (۱۳۲۲ ق.)، تبریز.

درگذشت ۱۳۶۵.

آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری پس از طی مقدمات و سطوح نهایی، چندی از مجلس درس آیت‌الله حاج میرزا صادق و آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن انگجی استفاده نمود و ضمناً سطوح عالی رسائل و مکاسب را تدریس تا در سال ۱۳۴۳ ق.[1] مهاجرت به قم نمود و در مجلس درس آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی حاضر شد و حکمت را از آقا شیخ علی اکبر یزدی آموخت و دو مرتبه به نجف اشرف مسافرت نمود و از درس آیت‌الله العظمی محمد حسین نایینی و آیت‌الله‌العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی استفاده نمود. دروس اخلاقی و فقهی را نیز نزد آیت‌الله حاج میرزا جواد ملکی تبریزی آموخت. وی اجازه و تصدیق اجتهاد خود را از حضرت آیت‌الله عراقی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی دریافت نمود.

بنا بر دعوت علمای تبریز از عراق به ایران مراجعت و در تبریز به تدریس فقه و اصول پرداخته تا سال ۱۳۶۹ ق. که به درخواست گروهی از فضلاء تبریزی مقیم قم به حوزه برگشت و مشغول به تدریس فقه و اصول استدلالی شد. برخی از تقریرات دروس وی مکتوب شده و برخی از آنها به چاپ رسیده است.

از جمله فعالیت‌های ایشان قبل از انقلاب اسلامی تأسیس دارالتبلیغ اسلامی قم است که در بسیاری از نقاط مانند تهران و غیره شعبه‌هایی دارد. هدف از تأسیس

۱. در کتاب *آثارالحجه* این تاریخ ۱۳۴۰ آمده است.

دارالتبلیغ اسلامی تربیت مبلغ با اصول تازه بود. انتشار مجله «الهادی» از فعالیت‌های انتشاراتی این مؤسسه بود. عملکرد ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی مشکلاتی در پی داشت و بحث‌های فراوانی برانگیخت.

از آثار اوست: ***خلاصة‌الاحکام*** (۱۳۷۹ ق.، قم، جلد دوم در سال ۱۳۸۲ ق. منتشر شد)؛ ***مناسک حج***؛ ***مناهج التقی، حاشیة علی عروة الوثقی*** (دو جلد ۱۳۸۲ ق.)؛ ***وسیلة العباد لیوم المعاد*** (۱۳۷۲ ق.).

*منابع: **گنجینهٔ دانشمندان، جلد یکم**/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۲۱۵. **گنجینهٔ دانشمندان، جلد دوم**/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۱۲ ــ ۳۰. **آثار الحجة یا تاریخ و دایرة‌المعارف حوزهٔ علمیهٔ قم دینی ــ تاریخی ــ رجالی ــ ادبی ــ اجتماعی؛ جلد دوم**/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۶۱ ــ ۶۲. **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/ خانبابا مشار، جلد پنجم، ص. ۲۲ ــ ۲۳. **چکیده‌ای از مصاحبه‌ها و نظریات کاظم شریعتمداری (دوران پس از انقلاب) "به مناسبت چهلمین روز رحلت".***

۴۵ شریفی، عمادالاسلام، حجت‌الاسلام

عالم دینی

تولد ۱۳۲۲ ق.، قریهٔ کلاته سری قاینات.

درگذشت شعبان ۱۴۰۰.

حجت‌الاسلام عمادالاسلام شریفی قرآن را نزد پدر فرا گرفت و دروس ابتدایی را در قریه بیهود فرا گرفت و سپس عازم مشهد شد و در آن جا مشغول تحصیل علوم اسلامی در محضر آیت‌الله سید علی مددی گردید و سپس به سفارش وی در سال ۱۳۴۰ وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد و در مدرسهٔ حاج ملا صادق سکنی گزید و به تحصیل ادامه داد و دورهٔ سطح را نزد آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی فرا گرفت. همچنین از محضر آیت‌الله سلطانی و آیت‌الله حسن وحید خراسانی و آیت‌الله میرزا هاشم آملی بهره فراوان گرفت. وی در اوایل ورود به حوزهٔ علیمهٔ قم فعالیت‌های سیاسی داشت. به همین منظور چندین بار به زندان رفت و بارها مورد تعقیب قرار گرفت. در سال ۱۳۴۴ در سرابان فردوس بر علیه رژیم پهلوی سخنرانی کرد و صراحتاً به فعالیت‌های امام خمینی (ره) اشاره نمود، همان‌جا دستگیر شد و به ژاندارمری منتقل شد؛ در آنجا با رییس ژاندارمری درگیر شد؛ از آن جا به مشهد فرار کرد. در سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ در حرم حضرت رضا(ع) با بعضی از طلاب قم مجلس دعای توسل برگزار نمود و در ضمن آن مسائل روز را نیز مطرح می‌نمود.

از جمله تألیفات اوست: ***علم امام (ع)*** (چاپ نشده)؛ ***بیست اتهام علیه مجاهدین خلق***.

حجت‌الاسلام شریفی بعد از انقلاب اسلامی در جبهه‌های دفاع مقدس حضور یافت. در شعبان ۱۴۰۰ بعد از بررسی مشکلات منطقه به قم بازگشت و پس از ارسال گزارش فعالیت روزانه به دفتر تبلیغات بعد از یک شب مجدداً به منطقه مراجعت کرد با کمال تأسف در دلیجان تصادف نمود. وی مدت هیجده روز در بیمارستان بستری بود تا سرانجام جان سپرد.

*منبع: **شهدای روحانیت شیعه در یک‌صد سالهٔ اخیر، جلد اوّل**/ علی ربانی خلخالی، چاپ اوّل، ص. ۳۹۹ ــ ۴۰۰.*

۴۶ شهابی خراسانی، محمود، علامه

استاد، فقیه

تولد ۱۲۸۰ (۱۳۲۱ ق.)، تربت حیدریه.[۱]

درگذشت مرداد ۱۳۶۵، استراسبورگ فرانسه.

علامه محمود شهابی خراسانی (نام وی در سواد

۱. در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد وی ۱۲۸۲ ذکر شده است.

اجازت وی به این صورت به کار رفته است: میرزا محمود تربتی)، فرزند عبدالسلام، تحصیلات مقدماتی را در تربت حیدریه گذراند و پس از آن در مشهد نزد اساتید زمان، همانند حاج آقا حسین قمی، آقا میرزا محمد آقازاده خراسانی به آموختن علوم دینی پرداخت. همچنین در مشهد از محضر آیات عظام عبدالجواد ادیب نیشابوری (ادیب اول) در ادبیات فارسی و عربی، استفاده نمود. سپس در نوجوانی وارد حوزه علمیهٔ اصفهان شد و به تکمیل علوم و معارف اسلامی همت گماشت. در حوزه اصفهان از درس اساتیدی همانند آیت‌الله محمد حسن فشارکی در فلسفه و عرفان و نیز آیت‌الله محمد صادق خاتون‌آبادی در عرفان بهره جست و بنابر قولی نزد آقابزرگ خراسانی به آموختن دانش رجال پرداخت. استاد شهابی چنانچه در اجازات وی آمده است در سن بیست و پنج سالگی به درجهٔ اجتهاد رسید. وی دارای جواز اجتهاد و روایت از آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت‌الله محمد حسن فشارکی بود.

پس از طی تحصیلات، به تدریس در مدرسه علمیهٔ اصفهان پرداخت. از سال ۱۳۱۰ نیز در تهران به تدریس در مدرسهٔ معقول و منقول پرداخت و پس از تأسیس دانشگاه در سال ۱۳۱۳ برای تدریس به دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دعوت شد که در آن دانشکده به تدریس قواعد و اصول فقه مشغول بود. مدتی نیز در شورای عالی فرهنگ عضویت داشت و چندی نیز قاضی تجدید نظر در محاکم شرع بود. پس از بازنشستگی به فرانسه رفت و حوالی شهر استراسبورگ زندگی می‌کرد.

علامه محمود شهابی نزدیک به پنجاه سال در مراکز دانشگاهی به تعلیم و تربیت اشتغال داشت. از آثار اوست: ***ادوار فقه*** (سه جلد، ۱۳۲۶)؛ رساله ***بود و نبود*** (در فلسفه، ۱۳۳۲)؛ ***رهبر خرد*** (در منطق، ۱۳۱۳)؛ ***تقریرات اصول*** (در علم اصول، ۱۳۲۱)؛ ***قواعد فقه*** (۱۳۲۳)؛ ***الاسلام و الشیعه (الامامیه) فی أسها التاریخی و کیانها (الاعتقادی)***؛ تعلیق و تحشیه بر بخش العقود و الایقاعات از قسمت متاجر کتاب ***شرایع الاسلام*** محقق حلی (۱۳۲۳)؛ ترجمه و تعلیق ***مبدأ و معاد*** ابوعلی سینا (۱۳۳۲)؛ ***عظمت محمد (ص)*** (محمد احمد جاد المولی ترجمه به امضای م. ش.، ۱۳۱۸)؛ ***رسالهٔ روانشناسی ابن‌سینا*** (۱۳۱۵)؛ ***قاعدهٔ لاضرر*** (۱۳۳۰)؛ ***فاروق یکم*** (۱۳۱۳)؛ تصحیح و تعلیق ***لباب الاشارات*** (۱۳۲۹) امام فخر رازی؛ ***منطق*** (۱۳۱۷)؛ ***رسالهٔ وضع الفاظ***؛ ***التنبیهات و الاشارات ابن‌سینا*** (به انضمام لباب الاشارات فخررازی، ۱۳۳۹). از جمله آثار وی که به چاپ نرسیده‌اند می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***الظل الممدود فی امهات مباحث الوجود***؛ ***مسرح الفوأد فی ترجمة السید الداماد*** (مقدمهٔ این کتاب که در سیر و تطور و چگونگی دانش فلسفه و ترجمه احوال میرداماد بوده است با خط خود استاد در کتاب ***گلزار معانی*** چاپ شده است)؛ ***اجراء الفلک فی تفسیر سورةالملک*** (این تألیفات تماماً به عربی است)؛ ***رسالهٔ بیم و امید*** (در شرح حدیث من سأل غن التوحید)؛ ***خرد سنج*** (این کتاب جزوهٔ کوچکی است که در زمینهٔ دانش منطق و به پارسی نگاشته شده است). برخی از آثارش در مجلات به چاپ رسیده‌اند. شهابی تفسیری تحت عنوان «فروع ایمان» در مجلهٔ «ایمان» که مؤسس آن خود وی بوده نوشته است. این مجله نوزده شماره در سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ منتشر شد. استاد به سبب یک بیماری جانکاه درگذشت.

منابع: گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوّم / گردآورنده احمد گلچین معانی، ص.۳۹۸ـ۴۱۵. *زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۴)* / حسن مرسلوند، ص.۱۳۵ـ۱۳۶. «محمود شهابی»، آینده.

س.۱۲، ص.۴۶۸ــ۴۶۹. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*/ خانبابا مشار، جلد ششم، ص.۴۲ــ۴۴.

۴۷ شهریکندی، کریم، ملا

عالم دینی

تولد ۱۳۰۵، روستای قاجر (اطراف مهاباد)

شهادت ۲ فروردین ۱۳۶۱، مهاباد.

ملا کریم شهریکندی مقدمات را تا سیزده سالگی از پدر آموخت. پس از فوت پدر، به منظور ادامهٔ تحصیل همراه برادرش ملا علی از شهریکند به روستای قروچا رفت و در آنجا در محضر ملا شیخ عمر مدرس به آموختن علوم اشتغال ورزید؛ چندی بعد نیز درسش را در قریهٔ قراگوز ادامه داد. استادان او عبارت بودند از: ملاسیدحسن مدرس روستای باغچه لهر؛ ملا عبدالله محمدی امام جمعه سقز؛ ملاعلی بوغده کندی (از فضلای بوغده کند)؛ ملا شیخ حسن شیخی عارف روستای شیلخر و ملا علی ولزی استاد روستای حمامیان از توابع بوکان. در سال ۱۳۱۸ به حوزه‌های علمی مهاباد روی آورد و مدت یک سال از محضر ملاصدیق صدقی استفادهٔ علمی نمود و بالاخره تحصیلات عالیه خود را در خدمت ملا حسین مجدی در مسجد بازار به پایان رسانید و اجازه‌نامهٔ خود را از او دریافت نمود. در سال ۱۳۲۱ به امامت و تدریس قریه خلیفه لیان از توابع سُلدوز نقده انتخاب شد و به آنجا رفت. مدتی بعد از طرف اهالی نقده به امامت و خطابت اهالی سنی نقده تعیین شد و به آن شهرستان رفت. اما پس از چند ماه به اصرار و استدعای اهالی خلیفه لیان برای بار دوم به آن قریه مراجعت کرد.

در سال ۱۳۳۱ به مهاباد رفت و مقیم شد؛ بلافاصله به‌عنوان مدرس مدرسهٔ علوم دینی و امام جماعت مسجد مولوی از طرف اهالی مهاباد برگزیده شد و به تدریس مشغول شد. وی مدت بیست سال به تدریس در مدرسهٔ علوم دینی و در دبیرستان‌ها مشغول بود و دانشجویان در تهیه و تنظیم پایان‌نامه‌های دورهٔ کارشناسی و دکترای ادبیات فارسی و عربی و حقوق و الهیات از او کمک می‌گرفتند. او با مراکز علمی دنیای اسلام مخصوصاً دانشگاه الزهرا در قاهره ارتباط داشت، و حتی از طرف این دانشگاه جوایزی به او اهدا شد. وی بر زبان و ادبیات عربی و کُردی و فارسی تسلط داشت، مخصوصاً در تفسیر قرآن و تاریخ ایران و اسلام صاحب‌نظر بود.

وی سرانجام ساعت یک بعدازظهر روز دوشنبهٔ دوم فروردین ۱۳۶۱ هنگامی که پس از ادای نماز ظهر از مسجد مولوی خارج می‌شد، به سبب اصابت سه گلوله به پیکرش شهید گردید.

منبع: *دانشمندان کرد در خدمت علم و دین*/ عبدالکریم مدرس، ترجمهٔ احمد حواری نسب، ص.۵۶۰.

۴۸ شیخ شوشتری، محمد تقی، علامه

محقق، عالم اسلامی

تولد مرداد ۱۲۸۱ (۱۳۲۰ ق.)، نجف.

درگذشت ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۴، شوشتر.

علامه محمد تقی شیخ شوشتری، فرزند کاظم، در سال ۱۲۸۱ زمانی که پدر وی در نجف به کسب علم مشغول بود، در این شهر دیده به جهان گشود و تا سن هفت سالگی در آن شهر ساکن بود. در این مدت خواندن و نوشتن فارسی و قرآن را فرا گرفت و پس از آن همراه خانواده به شوشتر مراجعت نمود. در شوشتر مقدمات علوم اسلامی را نزد حجت‌الاسلام سید حسین نوری و حجت‌الاسلام سید محمد علی امام و سید علی اصغر حکیم فرا گرفت و برای دورهٔ

سطح نزد اساتیدی چون حجت‌الاسلام آقا سید محمد تقی شیخ‌الاسلام و آیت‌الله سید مهدی آل طیب و والدشان تلمذ جست و به درجهٔ عالی اجتهاد نایل آمد. به سال ۱۳۱۴ به علت مخالفت با کشف حجاب جلای وطن نمود و به عتبات عالیات مهاجرت کرد و در حوزه‌های علمیهٔ نجف و کربلا به کسب علوم و معارف اسلامی ادامه داد. در عتبات با آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری داشت و در سال ۱۳۲۱ پس از سقوط رضا شاه به ایران بازگشت و در شوشتر ساکن شد. از آن پس علاوه بر تدریس علوم دینی و تعلیم طلاب، به تحقیق در علوم اسلامی پرداخت. وی صاحب تألیفاتی است که از آن جمله‌اند: ***قضاء امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع)*** (نجف، ۱۳۶۹ ق.)؛ ***بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه*** (چهارده جلد، ۱۳۹۰ ـ ۱۴۰۰ ق.)؛ ***قاموس الرجال*** (تعلیقات تنقیح المقال، در چهارده جلد، برندهٔ جایزهٔ دهمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)؛ ***الاخبار الدخیله و مستدرک آن*** (در سه مجلد، این کتاب برندهٔ جایزهٔ نخستین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد)؛ ***آیات بینات فی حقیقة بعض المنامات؛ الاربعون حدیثاً*** (۱۴۰۰ ق.)؛ ***رسالة سهو النبی (ص)؛ الرسالة المبصرة فی احوال البصیریة*** (شرح احوال افراد مکنی به ابی بصیر، ۱۳۹۰ ق.)؛ ***جوامع احوال المعصومین؛ النجعة فی شرح اللمعة*** (یازده جلد)؛ ***الغرر والدرر؛ رساله در محاکمه بین شیخ صدوق و شیخ مفید در یک مسألهٔ کلامی*** (۱۳۹۰ ق.)؛ ***الاوائل*** (۱۴۰۵ ق.)؛ ***البدایع*** (زیر چاپ)؛ ***رسالة فی تواریخ النبی و آلال***؛ مقدمه بر ***توحید مفضل*** (ترجمهٔ علامه محمد باقر مجلسی).

*منابع: گزارش نخستین و دهمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران. **طبقات اعلام الشیعه**، (چاپ نجف)، ج. ۱، ص. ۲۶۵. **آفتاب شوشتر، نظری اجمالی بر احوال و آثار علامهٔ محقق آیت‌الله العظمی حاج شیخ محمد تقی شیخ شوشتری**/ گردآوری و تدوین محمود ارومیه‌چی‌ها. **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/ خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۲۳۹.*

شیرازی، عبدالله، آیت‌الله العظمی ۴۹

فقیه

تولد ۳ اسفند ۱۲۷۱ (۱۳ شعبان ۱۳۰۹ ق.).
درگذشت مهر ۱۳۶۳.

آیت‌الله العظمی سید عبدالله شیرازی، فرزند آیت‌الله سید محمد طاهر، در دوران کودکی به فراگیری قواعد منطقی و کتب مقدماتی فلسفه و اسلامی و اصول فقه پرداخت تا به مرحلهٔ سطح رسید و سطح عالی و نیز بخشی از درس خارج را نزد آیت‌الله شیخ علی ابوالوردی تکمیل نمود. در جلسات دیگر اساتید شیراز هم نظیر آیت‌الله میرزا محمد صادق مجتهد و حاج شیخ محمد رضا ثامنی در حدود سه الی چهار حضور داشتند. در نوجوانی به مسائل سیاسی علاقه‌مند شد. در اوایل سال ۱۳۳۰ ق. در سن بیست و یک سالگی همراه پدرش به خارج از شیراز تبعید گردید. پس از گذراندن دوران تبعید و بازگشت به شیراز، دایرهٔ فعالیت تحصیلی و تدریسی خود را توسعه بخشید. آیت‌الله شیخ ابوالوردی اجازه اجتهاد وی را صادر نمود. از سید محمد باقر آیت‌اللهی شیرازی معروف به حاج عالم، از علمای شیراز، نقل است که می‌گفت در سال ۱۲۹۳ اجازه را دیدم و خواندم.

آیت‌الله العظمی شیرازی در خرداد ۱۲۹۴ شیراز را به‌سوی نجف اشرف ترک گفت و چون در گذشته مراحل مقدمات سطح و مراحلی از خارج را طی نموده بود به‌محض ورود به شهر در جلسات سیدابوالحسن اصفهانی که در آن روزها استاد کرسی فقه بود حاضر شد. با وجود اینکه از محضر اساتیدی چون آیت‌الله حاج ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله حاج شیخ محمد حسین نایینی بهره می‌گرفت ولی در

خصوص فقه از محضر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آیت‌الله العظمی شیرازی در مدرسهٔ علمیهٔ آخوند خراسانی حجره‌ای اختیار کرد و در آن سکونت نمود. پس از مدت کوتاهی به‌عنوان یکی از چهرهای علمی حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف شناخته شد. ولی در عین حال در جلسات درس اساتید شرکت می‌نمود.

تا اواسط سال ۱۳۴۵ق. به تعلیم و تعلم در حوزهٔ نجف اشرف پرداخت، سپس به‌همراه مادر خود جهت بررسی و سرکشی به مدارس علمیهٔ شیراز مراجعت نمود.

وی پس از اقامت سیزده ساله در نجف و فراگیری علوم از اساتید حوزهٔ علمیه و طی مدارج عالیه فقه و رسیدگی به امور عامه راهی شیراز شد. ولی به‌علت کودتای ۱۲۹۹ رضا شاه، شیراز را متغیر یافت و عده زیادی از طلاب به اصفهان رفته بودند. ولی وی توانست مدارس علمیه به‌خصوص مدرسهٔ بزرگ‌خان را احیا نماید.

پس از مدتی برای مبارزه با رضا شاه، مذاکرات مکرر با آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی داشت و در ضمن با علمای استان‌های مختلف از جمله اصفهان، خراسان، کرمانشاه، همدان، کاشان و ... نیز تماس گرفته و به مشورت و مذاکره پرداخت. وی مخالفت رسمی و علنی خود را با رژیم پهلوی علنی نمود.

اما در پی دستگیری و حبس و بی‌حرمتی به ایشان و برخی علمای دیگر اعتراضات شکل گرفت، و حتی شیعیان هند و پاکستان نیز قیام نمودند و ابراز داشتند چنانچه هر چه زودتر نسبت به رهایی آقایان علما اقدام نشود، حکم به تکفیر شاه ایران صادر خواهند نمود که رضا شاه دچار چنان وحشتی شد که منجر به آزادی آیت‌الله و علمای دیگر گردید.

سرانجام وی در ساعت ۱۱/۵ شب پنجشنبه مصادف با شب اول محرم آغاز سال ۱۴۰۵ق. برابر با مهر ۱۳۶۳ درگذشت.

گوشه‌ای از خدمات آیت‌الله العظمی شیرازی به شرح زیر است: تأسیس مدرسهٔ علمیه به نام مدرسهٔ علمیهٔ آیت‌الله العظمی شیرازی در نجف اشرف (۱۳۳۲)؛ تأسیس مدرسهٔ علمیه به نام مدرسهٔ علمیهٔ طاهریه در نجف اشرف (۱۳۴۲)؛ تأسیس دبستان پسرانه اسلامی به نام المدرسة الابتدائیة در نجف اشرف (۱۳۴۵)؛ تأسیس مسجد طاهری در نجف اشرف (۱۳۴۵)؛ تأسیس کتابخانه عمومی به نام کتابخانهٔ عمومی آیت‌الله‌العظمی شیرازی در نجف اشرف (۱۳۴۷)؛ تأسیس کوی طلاب علوم دینی مهاجر در نجف شامل تعدادی واحدهای مسکونی برای طلاب علوم دینی متأهل که از کشورهای مختلف به‌منظور تحصیل در حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف می‌آمدند؛ تأسیس حسینیهٔ طاهریه در شهر کوفه؛ تأسیس مدرسه علمیهٔ امام امیرالمؤمنین (ع) در مشهد (۱۳۵۵)؛ تأسیس مرکز درمانی ویژه طلاب و روحانیان حوزهٔ علمیهٔ مشهد به نام مرکز درمانی آیت‌الله‌العظمی شیرازی (۱۳۵۶)؛ تأسیس کتابخانه عمومی آیت‌الله العظمی شیرازی در مشهد مقدس (۱۳۵۶)؛ تأسیس مسجد ابوالفضل (ع) مشهور به مسجد آیت‌الله‌العظمی شیرازی در مشهد (۱۳۵۹)؛ تأسیس حسینیهٔ آیت‌الله‌العظمی شیرازی در مشهد (۱۳۶۱)؛ ایجاد صد و سی واحد مسکونی برای زلزله‌زدگان طبس در آن شهرستان (۱۳۹۹ق.)؛ احداث بیست و چهار واحد مسکونی برای زلزله‌زدگان فیض‌آباد قائنات (۱۳۵۹)؛ بازسازی بخش زیادی از مناطق زلزله‌زدهٔ شیروان (۱۳۵۹)؛ بازسازی بخشی از مناطق آسیب دیدهٔ سیل خوزستان (۱۳۵۸)؛ بازسازی بخش زیادی از مناطق زلزله‌زدهٔ کرمان (۱۳۶۰)؛ کمک به امر خانه‌سازی طلاب و گروه‌های مستضعف در موارد مختلف؛ کمک به ایجاد مساجد و مدارس علمیه و حسینیه‌ها و مراکز اسلامی در

کشورهای مختلف اسلامی، به‌خصوص در ایران، عراق، هندوستان، پاکستان و پاره‌ای کشورهای آفریقایی؛ پرداخت شهریه به حوزه‌های علمیهٔ مشهد و شهرستان‌های استان خراسان، استان فارس و تعدادی دیگر از شهرستان‌های ایران، و نیز نجف، کاظمین، سامرا؛ کمک به طبع و نشر کتب اسلامی مختلف علمی به زبان‌های مختلف؛ ایجاد بخش جراحی در بیمارستان زهرا (ع)، تابع مجلس عالی شیعیان لبنان در بیروت؛ پرداخت کمک‌های نقدی به شیعیان آسیب‌دیدهٔ لبنان؛ پرداخت کمک به طلاب علوم دینی مجاور مرقد مطهر حضرت زینب (س)؛ احداث بیش از شصت مدرسهٔ علمیه و کمک به تأسیس تعداد دیگری در نقاط مختلف کشور با پاکستان و پرداخت شهریهٔ ماهانه و کمک‌های مختلف به طلاب آن مدارس؛ احداث چهار واحد مراکز درمانی در شهرهای مختلف هند و کمک مالی به طلاب علوم دینی حوزه‌های علمیهٔ شهرستان‌های مختلف این کشور؛ اختصاص بودجه جهت جبهه‌های دفاع مقدس و خانواده‌های جنگ‌زده؛ اختصاص بودجه برای ده‌ها هزار خانوادهٔ عراقی که به‌وسیلهٔ رژیم عراق به ایران رانده شده بودند؛ اختصاص بودجه‌ای برای کمک به حرکت اسلامی در افغانستان.

آثار چاپ شده وی به این شرح است: ***عمدة الوسائل فی الحاشیة علی الرسائل***، حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری در اصول فقه، چهار جلد؛ ***کتاب القضاء***، فقه استدلالی در قضاوت و احکام آن، دو جلد؛ ***الدرّ البیض فی منجزات المریض***، فقه استدلالی در موضوع ارث؛ ***ازاحة الشبهات فی‌الشک فی الرمعات***، فقه استدلالی در بیان احکام شکوک نماز؛ ***رفع الحاجب فی الاجرة علی الواجب***، فقه استدلالی در بیان احکام اخذ بها و اجرت نیابت در عبادت؛ ***ازاحة الشبهة فی حکم الافاق المتحده و المختلفه***، فقه استدلالی در بیان حکم رؤیت هلال ماه؛ ***الرسالة الرجبیة***، فقه استدلالی و توشیح در باب حجاب از نظر قرآن و روایات؛ ***التحفة الکاظمیه فی قتل الحیوانات بالالات الکهربائیه***، فقه استدلالی در بیان حکم ذبح حیوانات به‌وسیلهٔ ابزار الکترونیکی؛ ***الرسالة الربیعیه فی تصحیح النیابة العبادیه***، فقه استدلالی در بیان حکم نیابت در عبادت؛ ***المسألة الرجوعیه فی حکم المطلقة الرجعیه***، فقه استدلالی در بیان حکم مطلقه به طلاق رجعی؛ ***الحاشیة علی العروةالوثقی***، فقه استدلالی مجموعهٔ نظریات در تمام مباحث فقهی، به‌عنوان حاشیه بر کتاب ***عروةالوثقی*** تألیف علامه سیدمحمدکاظم یزدی؛ ***الاحتجاجات العشره***، بحث و مناظره با علما و دانشمندان اهل سنت، پیرامون یک سلسله مسائل اعتقادی؛ ***الامامة و الشیعه***، بحثی کلامی پیرامون مسئلهٔ امامت از دیدگاه شیعه؛ ***پوشش زن از دیدگاه اسلام؛ امام و امامت از دیدگاه اسلام؛ مناظرات دهگانه با علمای اهل سنت پیرامون بعضی عقاید شیعه***؛ ***ذخیرةالصالحین***، مجموعهٔ فتاوای آیت‌الله العظمی شیرازی در کلیهٔ ابواب فقه به‌عنوان رسالهٔ عملیه به زبان عربی، دو جلد؛ ***توضیح‌المسائل***، مجموعهٔ فتاوای وی در کلیهٔ ابواب فقه به‌عنوان رسالهٔ علمیهٔ به زبان فارسی؛ ***مناسک حج***؛ ***انیس المقلّدین***.

منبع: *چهرهٔ پرفروغ از مشعل‌داران اسلام و فقاهت و انقلاب* / با همکاری چند تن از نویسندگان حوزه‌های علمیهٔ قم و مشهد.

محقق

تولد ۱۳۱۵، گرمه بجنورد.

شهادت ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام قاسم صادقی، فرزند اسفندیار، تا مقطع خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. وی همچنین دکترای الهیات داشت و استادیار دانشکدهٔ الهیات دانشگاه مشهد بود. وی در دبیرستان‌ها نیز تدریس می‌کرد. در اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی، نمایندهٔ مردم مشهد می‌شود.

از آثار اوست: ***مسلمان و مادی؛ سفر سیر تکاملی انسان: توحید، معاد، روح، معجزه، تکامل*** (۱۳۷۴)؛ از وی مقالاتی نیز به چاپ رسیده است.

حجت الاسلام صادقی در بمب‌گذاری هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. پیکر وی در مشهد به خاک سپرده شد.

منبع: نگرشی به اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی / ص. ۳۲۵.

فقیه

تولد ۱۳۰۰ (۲۹ رمضان ۱۳۳۹ ق.)، مشهد.
درگذشت ۱۱ آبان ۱۳۷۳، قم.

آیت‌الله سید رضا صدر دوران کودکی و نوجوانی را تحت تربیت پدر خود پشت سر نهاد. مقدمات و ادبیات را در مشهد فرا گرفت. در سال ۱۳۵۴ ق. به همراه پدر به حوزهٔ علمیهٔ قم رفت و سطوح را نزد اساتیدی نظیر حضرات آیات عظام سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و محقق داماد آموخت. سپس خارج فقه و اصول را در محضر حضرات آیات عظام سید حسن صدر و سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و سید حسین بروجردی و فلسفه و عرفان را نزد امام خمینی (ره) فرا گرفت. ایشان پس از وفات آیت‌العظمی بروجردی به تدریس فقه و اصول و فلسفه و عرفان پرداخت.

در سال ۱۳۴۶ برای تبلیغ و ارشاد به تهران آمد و مسجد امام حسین را کانون تبلیغات دینی خویش قرار داد و به تدریس، تبلیغ و ارشاد، امامت جماعت، ادارهٔ کلاس‌های معارف دینی، تألیف و پرورش شاگردان پرداخت. وی در این مسجد کلاس درس اخلاق، تفسیر و فلسفه نیز برگزار کرد و همچنین به تدریس فقه و اصول هم اشتغال داشت. در سال ۱۳۵۶ به حوزهٔ علمیه قم بازگشت و به خدمات دینی و مذهبی مشغول شد.

از تألیفات آیت‌الله صدر می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***الاجتهاد و التقلید؛ العدالة فی الفقه؛ تفسیر سورهٔ حجرات؛ تفسیر سورهٔ یوسف (حسن یوسف)؛ استقامت؛ حسد؛ دروغ؛ فلسفهٔ آزاد؛ الفلسفة العلیا؛ محمد فی القرآن؛ المسیح فی القرآن؛ قرآن‌شناسی؛ بانوی کربلا؛ راه محمد*** (دو جلد)؛ ***راه علی (ع)؛ پیشوای شهیدان؛ راه قرآن؛ زن و آزادی؛ زیارتنامهٔ حضرت رضا (ع)؛ سخنان سران کمونیزم در بارهٔ خدا؛ مرد وفا (زیر درختان سدر)؛ نشانه‌هایی از او*** (دو جلد)؛ ***نگاهی به آثار فقهی شیخ طوسی***؛ مقدمه بر ***نهج‌الحق و نامهٔ دانشوران***. از جمله آثار منتشر نشدهٔ وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***اربعون و مأتا مسئلة فقهیة؛ تعلیقة بر عروة الوثقی؛ الفقه علی مذهب اهل البیت ــ کتاب الصلاة؛ القواعد الثلاث: تجاوز، فراغ، حیلولة؛ رساله در مقدمهٔ واجب؛ شبهة العبائیة؛ حکم نجاسة الباطن؛ نفائس الاصول*** (دو جلد)؛ ***حاشیه بر اسفار؛ برهان الصدیقین؛ حاشیه بر منظوم*** (سه جلد)؛ ***دیوان شعر؛ درست و نادرست؛ خواجه نصیرالدین طوسی؛ خلیفة رسول الله (ص)؛ اسلام ما؛ سبد (کشکول)***؛ ترجمهٔ ***رسالة الحقوق امام سجاد؛ الجهاد و الثورة؛ الکلیم فی القرآن***.

آیت‌الله سید رضا صدر در آبان سال ۱۳۷۳

درگذشت و پیکرش در قم در صحن حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

منبع: «درگذشت آیت‌الله سید رضا صدر»، کلک، ش. ۵۶ـ۵۷ (مهر و آبان ۱۳۷۳)، ص. ۴۱۱ـ۴۱۲.

صدوقی، محمد، آیت‌الله　۵۲

عالم اسلامی

تولد ۱۲۸۷ (۱۳۲۷ ق.)، یزد[۱].

شهادت ۱۱ تیر ۱۳۶۱، یزد.

آیت‌الله محمد صدوقی، از احفاد شیخ صدوق صاحب ***من لا یحضره الفقیه***، در کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و تحت سرپرستی آیت‌الله حاج شیخ محمد کرمانشاهی (پسرعموی وی) قرار گرفت. تحصیلات مقدماتی و قسمتی از سطوح را نزد اساتید آن شهر فرا گرفت و در سال ۱۳۴۸ ق. به اصفهان رفت و در آنجا مدتی به تحصیل مشغول شد. سرمای تاریخی ۱۳۴۸ ق. اصفهان باعث شد از اصفهان به یزد رود و مجدداً در ذی‌الحجه سال ۱۳۴۹ ق. برای پایان تحصیل با خانوادهٔ خود به قم حرکت نمود. اساتید سطوح عالیه وی عبارت بودند از: آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری، آیت‌الله سید حسن صدر، آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای. وی پس از اتمام دروس سطح و مقارن با شروع مدارج عالیه و نیل به درجهٔ اجتهاد، شروع به تدریس اصول فقه و سایر دروس پرداخت. همچنین سرپرستی حوزه را از حیث امور مالی حوزه و رتق و فتق امور متفرقه طلاب را به‌عهده داشت. آیت‌الله صدوقی در دورانی که فدائیان اسلام مبارزه خود را آغاز کردند، از آنها حمایت نمود و حتی سید مجتبی نواب صفوی و سید عبدالحسین واحدی را در منزل خود پناه داد. در سال ۱۳۷۱ ق. بعد از پایان تحصیل جهت دیدار خانواده خود به یزد عزیمت نمود و همان‌جا ساکن شد.

از جمله خدمات آیت‌الله صدوقی ایجاد مراکز فرهنگی و خیریه‌ای مانند مسجد حظیره، کتابخانهٔ سریزدی مدرسه عبدالرحیم‌خان، مدرسهٔ صدوقی در مشهد و مؤسسات خیریه در قم و اماکن دیگر است.

مجموعه اطلاعیه‌ها، پیام‌ها و سخنرانی‌های ایشان توسط مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت عنوان ***مجموعه اطلاعیه‌های سومین شهید محراب حضرت آیت‌الله صدوقی از قبل از انقلاب اسلامی تا زمان شهادت*** در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسیده است.

آیت‌الله صدوقی، در یازدهم تیر ۱۳۶۱ (برابر با دهم رمضان ۱۴۰۲ ق.) پس از ادای نماز جمعه در یزد و در میان مردم به دست منافقین شهید شد.

منابع: شهدای روحانیت شیعه در یک‌صد سالهٔ اخیر، جلد دوم/ علی ربانی خلخالی، چاپ اول، ص. ۵۷۷ـ۵۸۵. *گنجینهٔ دانشمندان، جلد هفتم/* شیخ محمد شریف رازی، ص. ۴۴۲ـ۴۴۴. منتظر قائم، حسن، «علم و عرفان ایستاده در خون»، *کیهان فرهنگی*، س. ۲، ش. ۴ (تیر ۱۳۶۴)، ص. ۳۳ـ۳۴. *از محراب تا معراج: یادواره سومین شهید محراب آیت‌الله صدوقی/* امور فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه شیراز.

صفایی خوانساری، مصطفی، آیت‌الله　۵۲/۱

عالم علوم دینی

تولد ربیع‌الاول سال ۱۳۲۱.

درگذشت ۲۴ مهرماه ۱۳۷۱.

حضرت آیت‌الله حاج سید مصطفی صفایی خوانساری، فرزند آیت‌الله حاج سیداحمد حسین

۱. در *گنجینه دانشمندان* تاریخ تولد وی ۱۳۲۶ ذکر شده است.

صفایی صاحب کتاب ***کشف الاستار عن وجه الکتب و الاسفار***، بود. مقدمات و سطوح و مقداری از فلسفه و حکمت را نزد دایی و پدرش و دیگر اساتید خوانسار فرا گرفت. در سال ۱۳۴۰ ق. به شوق فراگیری علوم اسلامی به قم آمد و در درس آیت‌الله‌العظمی عبدالکریم حائری حضور یافت و چندین دورهٔ فقه و اصول را در محضر ایشان فرا گرفت. همزمان در محضر حضرت آیت‌الله سیدابولحسن رفیعی قزوین، کتاب اسفار را و در محضر حضرت آیت‌الله شاه‌آبادی، کتاب مصابح الانس و شرح فصوص قیصری را فرا گرفت. از اساتید دیگر ایشان می‌توان از آیات عظام سیدابوالحسن اصفهانی و میرزا حسین نایینی (که در توقف هشت ماهه آنان در قم از حضورشان بهره برد)، میرزا محمد آقازاده، حاج شیخ مرتضی آشتیانی، حاج شیخ محمدرضا مسجدشاهی، میرزا محمد صادق احمدآبادی اصفهانی نام برد.

آیت‌الله خوانساری از آیت‌الله حائری اجازهٔ اجتهاد، و از حضرات آیات عظام، حائری، اصفهانی، بروجردی، آقا ضیاء عراقی، آشتیانی، ابوالمجد مسجدشاهی، شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء، سید محمد حجت، سید محمد تقی خوانساری، میرزا محمد فیض، محدث قمی، میرزامحمد عسکری تهرانی، شیخ آقابزرگ تهرانی، مرعشی نجفی، سید عبدالحسین شرف‌الدین و میرزا رضی تبریزی و برخی دیگر اجازهٔ روایت دریافت کرده است. از آثار وجودی ایشان کتابخانه‌ای بزرگ ـ که دارای صدها نسخه خطی است ـ و بنای مسجدی در خوانسار و مسجدی در قم را می‌توان نام برد. تألیفات وی عبارتنداز: حاشیه بر وسیلة النجاة، تقریرات درس فقه و اصول آیت‌الله حائری، حاشیه بر درر الاصول، رسائل، مکاسب، کفایه، قوانین و شرح لمعه، الدیانة الاسلامیة (در اصول عقاید)، الجواهر المودعة، تفسیر مبدأ و معاد و...

حضرت آیت‌الله صفایی خوانساری صبح روز جمعه بیست و چهارم مهر ۱۳۷۱ (هیجدهم ربیع‌الثانی ۱۴۱۳) در نود و دو سالگی چشم از جهان فرو بست و در مسجد بالاسر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

منبع: «درگذشت آیت‌الله صفایی خوانساری»، آینهٔ پژوهش، س.۳، ش.۱۵ (مهر و آبان ۱۳۷۱)، ص.۱۱۲ ـ ۱۱۳.

عالم

تولد ۱۲۷۲، سقز.

درگذشت ۱۳۶۵، سقز.

ملا شیخ عبدالرؤف ضیائی متخلص به «عاشق»، فرزند حاج شیخ مصطفی نقشبندی (قطب طریقهٔ نقشیه سقز)، تحصیلات مقدماتی را نزد جد پدری آموخت و بعدها در محضر اساتید و علمایی چون ملا صالح فخرالعلما و ملا عبدالعظیم مجتهد و حاج شیخ محمود و ملا عبدالعزیر مفتی سقز، و ملا صالح امامزاده و استاد ملا عبدالقادر مدرس بیاره به پایان رسانید و اجازه‌نامهٔ معمول فراغت از تحصیل را دریافت کرد و شروع به تدریس نمود. در ابتدای جوانی به زراعت در ملک موروثی و شخصی سرگرم بود. در سال ۱۳۰۱ رییس اوقاف و صنایع مستظرفه شهرستان سقز شد. در سال ۱۳۰۳ قاضی شرع دادگاه‌های سقز گردید. در سال ۱۳۰۸ مسئولیت ریاست ادارهٔ فرهنگ و اوقاف را قبول نمود و پس از مدتی به ریاست ادارهٔ دارایی و دخانیات سقز منصوب و آخرین سمت او معاونت ادارهٔ حوالجات در خزانه‌داری کل بود. و چون سنوات خدمتی او به حدنصاب قانونی رسید با داشتن آخرین رتبه و مدارج اداری بازنشسته شد.

ملا ضیائی به زبان‌های فارسی و کردی شعر می‌سرود و آثاری از اشعارش به‌جای مانده است که منتشر نشده است. در فقه نیز دارای رسالاتی است. از جمله آثار به چاپ شدهٔ وی می‌توان به *یادداشت‌هایی از کردستان* اشاره نمود که پس از فوت وی در سال ۱۳۶۷ به اهتمام عمر فاروقی به چاپ رسید.

پیکر ملا شیخ عبدالرؤف ضیائی در سقز تشییع و در آرامگاه خانوادگی در کنار مرقد پدرش دفن گردید.

منبع: دانشمندان کرد در خدمت علم و دین/ عبدالکریم مدرس، ترجمهٔ احمد حواری نسب، ص. ۵۲۰.

۵۴ طالقانی، محمود، آیت‌الله

محقق، عالم اسلامی، مجتهد

تولد ۱۲۸۲، یکی از روستاهای اطراف طالقان.[۱]

درگذشت ۱۹ شهریور ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله سید محمود طالقانی تحصیلات خود را در قزوین شروع کرد و دورهٔ سطح را در تهران به پایان رسانید. اساتید ایشان آیت‌الله محمد حسین اصفهانی، آیت‌الله میرزای شیرازی و آیت‌الله سید حسن صدر بودند. در قم نیز استادان وی آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری بودند. پس از سال‌ها تحصیل در قم از آیت‌الله العظمی حائری یزدی بنیانگذار حوزهٔ علمیهٔ قم اجازهٔ اجتهاد گرفت.

آیت‌الله طالقانی در مدرسهٔ سپهسالار به آموزش علوم اسلامی پرداخت. در حدود سال ۱۳۱۸ الی ۱۳۲۰ به تفسیر قرآن در مسجد قنات‌آباد پرداخت. اوّلین بار به سبب دفاع از یک زن محجبه در سال ۱۳۱۸ زندانی شد. بعد از شهریور ۱۳۲۰ دست به تشکیل کانون اسلام در خیابان امیریه زد که در آن یک سلسله سخنرانی‌هایی ایراد می‌شد. همچنین در این کانون مجله‌ای به نام «دانش‌آموز» منتشر می‌شد. از جمله همکاران این مجله مهندس مهدی بازرگان بود که اساس دوستی آن دو و همچنین دکتر عزت‌الله سحابی از همین جا آغاز شد. در همین دوره است که انجمن اسلامی دانشجویان با همکاری مهندس بازرگان و دکتر سحابی تشکیل می‌شود. آیت‌الله طالقانی در تشکیل و تأسیس اتحادیهٔ مسلمین هم نقش فعالی داشت.

علاوه بر این فعالیت‌ها، در ترجمه و تدوین موضوعی *نهج‌البلاغه* با آقای حاج میرزا خلیل کمره‌ای همکاری نزدیک داشت. وی بعد از واقعهٔ آذربایجان در سال ۱۳۲۵، از طرف اتحادیهٔ مسلمین و جامعهٔ روحانیت آن روز برای سرکشی به حوادث آذربایجان به آنجا سفر می‌کند و گزارشی تهیه می‌نماید.

در دورهٔ ملی شدن صنعت نفت در مبارزات مردم شرکت داشت و در انتخابات دورهٔ هفدهم مجلس شورای ملی از طرف مردم شمال نامزد نمایندگی مجلس شد که مورد پشتیبانی مردمی قرار گرفت ولی انتخابات آن ناحیه مانند بعضی از نواحی دیگر انجام نگرفت و به دستور دولت برای جلوگیری از اخلالگری‌ها انتخابات آن جا تعطیل شد. بعد از کودتای بیست و هشت مرداد مبارزه را به صورت پنهانی در نهضت مقاومت ملی ادامه داد و همچنان در منبر و جلسات مسجد هدایت برای مردم سخن می‌گفت.

در سال ۱۳۳۴ فدائیان اسلام مدتی در منزل طالقانی پنهان شدند تا این که مأموران ظنین می‌شوند ولی چند ساعت قبل از این که مأموران به

---

۱. در شناسنامهٔ آیت‌الله طالقانی تاریخ تولدش دوم جدی ۱۲۸۲ ذکر شده است. اما در برخی از منابع تاریخ تولد او ۱۲۹۹ و در برخی دیگر ۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ ق. و در *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* ۱۲۸۶ ذکر شده است.

خانه بریزند، نواب و دوستانش از منزل طالقانی خارج می‌شوند و بعداز آن مأموران سر می‌رسند و وی را دستگیر می‌کنند که مدتی در بازداشت بود ولی چون مدرکی علیه او وجود نداشت، آزاد می‌شود؛ مجدداً در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ نیز بار دیگر سید مجتبی نواب صفوی، از اعضای فداییان اسلام را، در اطراف دهات طالقان مخفی می‌کند.

در سال ۱۳۳۶ نیز توسط ساواک دستگیر شد که بیش از یک سال در زندان به‌سر برد. با آیت‌الله مرتضی مطهری همکاری نزدیک داشت و در تابستان سال ۱۳۳۹ در انتخابات دورهٔ بیستم مجلس شورای ملی به جبهه ملی دوّم پیوست؛ جلسات وی در مسجد هدایت توسط حکومت تعطیل می‌شود و بعد از مدت کوتاهی آن جلسات در منزل احمد علی‌بابایی به مدت ده شب در دههٔ آخر ماه صفر ادامه پیدا می‌کند و همراه با آیت‌الله مطهری به تحلیل مسایل اجتماعی و سیاسی و روشنگری و افشاگری حقایق می‌پردازد.

در بیست و دوم خرداد ۱۳۴۲ دوباره دستگیر شد. پس از مدتی در شانزدهم دی ۱۳۴۲ او را به ده سال زندان محکوم کردند. فعالیت‌های او در زندان عبارت بود از برقراری جلسات قرآن، نهج‌البلاغه و تاریخ اسلام بود. آیت‌الله طالقانی همچنین توانست نخستین نماز جماعت در زندان را برپا نماید.

ایشان در کنفرانس‌هایی در دیگر کشورهای اسلامی به‌عنوان نمایندهٔ آیت‌الله کاشانی یا آیت‌الله بروجردی شرکت می‌کرد.

در عید سعید فطر سال ۱۳۴۸ به مسئلهٔ فلسطین پرداخت و پس از خطبه‌ها مردم به پیروی از او گروه گروه به طرف محراب رفتند و فطریه خود را برای کمک به فلسطین هدیه کردند. روز عید فطر ۱۳۵۰ دستگیر و به زابل تبعید شد. آیت‌الله طالقانی دو سال بدون محاکمه، شکنجه‌های روحی و جسمی را در زندان تحمل کرد. در سال ۱۳۵۶ سه سال را در بدترین شرایط در زندان گذراند. سرانجام در پاییز ۱۳۵۷ همراه با دیگر زندانیان سیاسی از زندان آزاد گردید.

در محرم سال ۱۳۵۷ برابر با یازده آذر پیامی برای مردم ایران فرستاد. ایشان همچنین به پیروی از امام در دهم بهمن ۱۳۷۵ پیامی برای ارتشی‌هایی که با ملت هم‌دل بودند فرستاد. در تشکیل مجلس خبرگان به‌عنوان نمایندهٔ اوّل مردم تهران انتخاب شد. وی همچنین امام جماعت نخستین نماز جمعه در پنج مرداد ۱۳۵۸ بود. ایشان هفت نماز جمعه برگزار کرد که آخرین آن در بهشت زهرا در شانزده شهریور ۱۳۵۸ بود.

آیت‌الله طالقانی برای پایان‌یافتن درگیری‌های کردستان به‌همراه آیت‌الله سید محمد حسین بهشتی و حجت‌الاسلام علی اکبر هاشمی رفسنجانی به آنجا سفر کردند.

از جمله آثار اوست: ***پرتوی از قرآن*** (۱۳۴۲، تنظیم شده در زندان قصر)؛ مقدمه، توضیح و تعلیقه بر ***تنبیه الامة و تنزیه الملة***؛ ***اسلام و مالکیت*** (۱۳۳۰)؛ ترجمهٔ جلد اوّل کتاب ***امام علی بن ابیطالب*** (نوشته عبدالمفتاح عبدالمقصود، ۱۳۳۵)؛ ***به سوی خدا می‌رویم، با هم به حج می‌رویم*** (۱۳۳۲)؛ ***پرتوی از نهج‌البلاغه***؛ ***آیندهٔ بشریت از نظر مکتب ما***؛ ***آزادی و استبداد***؛ ***آیهٔ حجاب***؛ ***مرجعیت و فتوا***؛ ***مبحث وحی، غار حرا*** (۱۳۶۸ ق.)؛ ***درسی از قرآن***؛ ***درس وحدت***؛ ***گفتارهای دینی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی، تربیتی*** (گفتارهای رادیویی وی در سال‌های ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶، ۱۳۲۷)؛ ***روزها و خطابه‌ها***؛ ***خطبه‌های نماز جمعه***؛ ***مقدمه‌ای بر انجیل برنابا*** (ترجمهٔ سردار کابلی)؛ مقالات منتشره در مجلات مختلف.

آیت‌الله سید محمود طالقانی در ساعت یک و چهل و پنج دقیقه بامداد دوشنبه نوزدهم شهریور

۱۳۵۸ جان سپرد و در بهشت‌زهرا به خاک سپرده شد.

منابع: یادنامهٔ ابوذر زمان، آیت‌الله سید محمد طالقانی / بنیاد فرهنگی آیت‌الله طالقانی با همکاری شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم. *آیت‌الله طالقانی، ابوذر زمان* / علی محمدی. *آثار الحجة یا تاریخ و دایرةالمعارف حوزهٔ علمیهٔ قم دینی ـ تاریخی ـ رجالی ـ ادبی ـ اجتماعی؛ جلد دوّم* / شیخ محمد شریف رازی، ص.۲۶۸ ـ ۲۶۹. *گنجینهٔ دانشمندان، جلد چهارم* / شیخ محمد شریف رازی، ص.۵۱۰ ـ ۵۱۱. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد ششم، ص.۵۰ ـ ۵۱.

۵۵ طباطبایی، محمد حسین، علامه

عالم

تولد ۱۲۸۱ (۱۳۱۹ ق.)، تبریز.
درگذشت ۲۴ آبان ۱۳۶۰، قم.

علامه سید محمد حسین طباطبایی (قاضی)[۱]، فرزند سید محمد، در تبریز به دنیا آمد. در همان کودکی پدر (در نه سالگی) و مادر خود را (در پنج سالگی) از دست داد و از سن نه سالگی به مدت تقریبی شش سال به فراگرفتن فارسی و تعلیمات ابتدایی مشغول شد. در سال ۱۲۹۷ وارد رشته‌های علوم دینیه و علوم عربیه شد و تا سال ۱۳۰۴ به قرائت متون سرگرم بود. در این سال عازم حوزهٔ علمیهٔ نجف گردید و در مدت ده سال تحصیل، به تدریس و تألیف اشتغال ورزید. وی در نجف به درجهٔ اجتهاد در فقاهت نایل آمد.

در نجف در حوزهٔ درس آیت‌الله آقا شیخ محمد حسین اصفهانی و آیت‌الله محمد حسین نایینی و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای به تکمیل تحصیلات خود در فقه و اصول و رجال پرداخت و فلسفه را نزد آیت‌الله سید محمد حسین بادکوبی در مدت شش سال فرا گرفت. علوم غریبه (مانند جفر) و جبر و مقابله و هندسهٔ فضایی و مسطحه و حساب استدلالی و هیئت و علوم ریاضی را در نجف نزد آیت‌الله سید ابوالقاسم موسوی خوانساری تلمذ نمود.

در سال ۱۳۱۴ به زادگاه خود تبریز مراجعت کرد و علاوه بر کشاورزی، به تدریس و تصنیف کتاب پرداخت. در سال ۱۳۲۵ نیز متوجه حوزهٔ علمیهٔ قم گردید و در آنجا جلسات بحث و درس خود را در رشته‌های مختلف دایر کرد که تا آخر عمر وی ادامه داشت.

پیکر علامه در آستانهٔ حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

از تألیفات متعدد ایشان می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: ***تفسیر المیزان*** (بیست جلد به عربی، چهل جلد به فارسی)؛ ***اصول فلسفه و روش رئالیسم*** (پنج جلد)؛ ***حاشیه کفایةالاصول***؛ ***حاشیه بر کتاب اسفار ملاصدرا***؛ ***وحی با شعور مرموز***؛ ***شیعه در اسلام*** (به فارسی)؛ ***قرآن در اسلام*** (به فارسی)؛ ***بدایةالحکمه و نهایةالحکمه*** (کتاب بدایةالحکمة به ترجمهٔ علی شیروانی هرندی و کتاب نهایةالحکمة به ترجمهٔ مهدی تدین منتشر شده است)؛ ***فرازهایی از اسلام*** (به فارسی)؛ ***رسالت تشیع در دنیای امروز***؛ ***حکومت در اسلام*** (به فارسی)؛ ***پرسش‌های اسلامی***؛ ***اسلام و انسان معاصر***؛ ***سنن النبی***؛ کتاب ***سلسلهٔ انساب طباطبایی آذربایجان***؛ ***مبداء و معاد***؛ ***رسالة الولایة***؛ ***رسالة النبوة و الامامه***؛ ***رساله در مغالطه***؛ ***رساله در برهان***؛ ***رساله در تحلیل***؛ ***رساله در ترکیب***؛ ***رساله در اعتباریات***؛ ***توحید*** شامل سه رساله (رسالهٔ توحید؛ رسالهٔ اسماءالله سبحانه؛ رساله در افعال الله)؛ ***کتاب***

---

۱. در برخی از منابع از ایشان به این صورت یاد شده است: سید محمد حسین طباطبایی تبریزی.

الانسان (شامل سه رساله انسان قبل‌الدنیا؛ انسان فی‌الدنیا؛ انسان بعدالدنیا)؛ ***رساله وسائط*** (مجموعه این سه رساله بالا و سه رساله انسان و وسائط در یک جلد شامل هفت رساله جمع‌آوری شده است)؛ ***رساله در اثبات ذات***؛ ***دو رساله در ولایت حکومت اسلامی*** (فارسی و عربی)؛ مصاحبه‌های سال‌های ۱۳۳۸ ــ ۱۳۴۰ با هانری کُربَن مستشرق فرانسوی؛ ***رساله در اعجاز***.

علامه خطوط نستعلیق و شکسته را به‌خوبی می‌نوشت و اشعاری عرفانی نیز می‌سرود. نمونه اشعار ایشان در صفحهٔ ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ جلد چهارم و ۱۴۶ جلد پنجم ***نگین سخن*** تألیف عبدالرفیع حقیقت (رفیع) به چاپ رسیده است.

منابع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد چهارم/ سید محمد باقر برقعی، ص.۲۵۱۶ــ۲۵۱۷. ***مجلس‌نشین قدس، یادوارهٔ پیشگام شهدای محراب، آیت‌الله قاضی طباطبایی/*** شعردوست، با مقدمه‌ای از حجت‌الاسلام سید حسین موسوی تبریزی، چاپ اوّل. ***آثار الحجة یا تاریخ و دایرةالمعارف حوزهٔ علمیهٔ قم دینی ـ تاریخی ـ رجالی ـ ادبی ـ اجتماعی؛ جلد دوّم/*** شیخ محمد شریف رازی، ص.۶۷ــ۶۸. ***رجال قم و بحثی در تاریخ آن/*** سید محمد مقدس‌زاده، ص.۱۵۱. ***آثار آل قلم، منتخب یازده قرن نظم و نثر فارسی/*** حمید گروگان، ص.۳۲۵. ***شرح حال رجال و مشاهیر نامی ایران/*** مصطفی صدری، چاپ سوم، ص.۴۴۱ــ۴۵۱. ***کتابشناسی علامه طباطبایی/*** قنبرعلی کرمانی. ویژه‌نامه اطلاعات برای اولین سالگرد درگذشت علامهٔ طباطبایی (۲۴ آبان ۱۳۶۱). ***فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/*** عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص.۳۷۱ــ۳۷۲.

طباطبایی یزدی، عبدالعزیز، آیت‌الله ۵۶

فقیه

تولد ۱۳۰۸ (۲۳ جمادی الآخر ۱۳۴۸ ق.)، نجف.

درگذشت ۸ بهمن ۱۳۷۴ (۷ رمضان ۱۴۱۶ ق.)، قم.

آیت‌الله عبدالعزیز طباطبایی یزدی، فرزند آیت‌الله آقا سید جواد طباطبایی، در اوان جوانی پدر خود را از دست داد اما به طلب علم روی آورد و نزد اساتید نجف به تحصیل دانش پرداخت. ادبیات را نزد سیدهاشم حسینی طهرانی، منطق را نزد سید جلیل بن سید عبدالحی طباطبایی یزدی، شرح منظومه را نزد آیت‌الله سید عبدالعلی سبزواری و اسفار ملاصدرا را نزد شیخ صدرا بادکوبی مدرس فلسفه در نجف فرا گرفت. شرح لمعه را از میرزا حسن نبوی خراسانی کاشمری و آقای حاج شیخ ذبیح‌الله قوچانی، قوانین را از آیت‌الله سیدعلی فانی اصفهانی، سطوح عالی را در محضر آیت‌الله شیخ عبدالحسین رشتی و شیخ مجتبی لنکرانی و دروس عالی خارج فقه و اصول را از محضر مدرسان نجف فرا گرفت. در فقه نیز از آیت‌الله‌العظمی سید عبدالهادی شیرازی استفاده نمود. در فقه و اصول و تفسیر قرآن از محضر آیت‌الله‌العظمی سید ابوالقاسم خویی سال‌ها بهره گرفت و در علوم متداول حوزه‌های علمیه استاد شد. وی در این فاصله و پس از آن با دو تن از محققان شیعه یعنی آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب ***الذریعه*** و علامه عبدالحسین امینی صاحب ***الغدیر*** آشنا و از محضر هر دو استاد بهره برد. وی در تألیف و تدوین ***موسوعهٔ بزرگ شیعی*** یعنی ***الذریعه*** با شیخ آقا بزرگ تهرانی همکاری مستمر داشت. همچنین در کتابخانهٔ امیرالمؤمنین (ع) نجف که توسط علامهٔ امینی تأسیس شده بود همکاری داشت و فهرست کتابخانهٔ آنجا را تهیه نمود. آیت‌الله طباطبایی یزدی در تدوین موسوعهٔ رجالی شیعه یعنی ***معجم رجال الحدیث*** آیت‌الله خویی با وی همکاری داشت. در نجف پس از آیت‌الله سید باقر طباطبایی یزدی متصدی مدرسهٔ سید در نجف گردید و سال‌ها در آنجا خدمت کرد. استاد علامه در ۱۳۹۶ ق. نجف را به

قصد ایران ترک کرد و در قم سکنی گزید و در قم به تألیف و تحقیق ادامه داد و پس از مدتی مرجع اهل تحقیق شد. مدتی نیز از سوی کتابخانهٔ آستان قدس رضوی به همکاری دعوت شد و در آنجا به تألیف فهرستی برای کتب حدیثی و فقهی آن کتابخانه پرداخت. در قم همچنین به یاری مؤسسهٔ آل البیت(ع) شتافت و به کمک شهرستانی و دوستان دیگرش به تأسیس مجله «تراثنا» اقدام نمود.

مشایخ اجازهٔ ایشان عبارت بودند از شیخ آقا بزرگ طهرانی و آیت‌الله‌العظمی سید عبدالهادی شیرازی و حضرت آیت‌الله‌العظمی خویی.

کتاب‌های ایشان از این قرار است: ***اساتید و مشایخ شیخ طوسی***؛ ***اضواء علی الذریعة***؛ ***الشیخ المفید و عطاؤه الفکری‌الخالد***؛ ***الشیعه و هجمات الخصوم***؛ ***الغدیر فی التراث الاسلامی*** (کتابنامهٔ غدیر خم، بیروت، ۱۳۱۴ ق.)؛ ***الفهرس الوصفی للمنتخب من المخطوطات العربة فی مکتبات ترکیا***؛ ***المهدی(ع) فی السنة النبویة***؛ ***انباء السماء برزیّة کربلاء***؛ ***اهل‌البیت علیهم السلام فی المکتبة العربیة*** (معرفی و توصیف کتاب‌های عربی اهل سنت در فضایل اهل بیت، دو جلد)؛ ***تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعة*** (اولین نوشتار استاد در ۱۳۷۷ ق.)؛ ***حیاة الشیخ یوسف البحرانی***؛ ***علی ضفاف الغدیر*** (چاپ نشده)؛ ***فهرس المختارات من مخطوطات ترکیا***؛ ***فهرس المخطوطات العربیة فی مکتبة امیرالمؤمنین(ع) العامة فی النجف الاشرف***؛ ***فهرس المخطوطات الفارسیة فی مکتبة امیرالمؤمنین(ع) العامة فی النجف الاشرف***؛ ***فهرس المنتخب من مخطوطات تبریز***؛ ***فهرس المنتخب من مخطوطات لندن***؛ ***فهرس المنتقی من مخطوطات الحجاز***؛ ***فهرس کتب الحدیث فی مکتبة الامام الرضا(ع)***؛ ***فهرس کتب الفقهیّة فی مکتبة الامام الرضا(ع)***؛ ***فهرست کتابخانهٔ علامه طباطبایی*** دانشگاه شیراز؛ ***فی رحاب نهج‌البلاغة*** (کتابنامه نهج‌البلاغه)؛ ***قید الاوابد و جمع الشوارد***؛ ***ما ینبغی نشره من التراث*** (معرفی کتاب‌های ارزندهٔ مخطوط)؛ ***مخطوطات اللغة العربیة***؛ ***مستدرک الذریعة***؛ ***معجم اعلام الشیعة***؛ ***مکتبة العلامة الحلی*** (که خلاصهٔ آن در مقدمهٔ ارشاد الذهان به چاپ رسیده است)؛ ***نتائج الاسفار*** (چاپ نشده). کتاب‌هایی که به قلم ایشان تصحیح شد، از این قرار است: ***فهرست منتخب‌الدین رازی***؛ ***الاربعون المنتقیٰ من مناقب المرتضی***؛ ***ترجمة الحسن و الحسین(ع) من کتاب الطبقات لابن سعد***؛ ***مقتل امیرالمؤمنین(ع)***؛ ***الحسین(ع) و السنة*** (مجموعهٔ سه بخش از آثار اسلامی پیرامون امام حسین (ع)؛ ***ترجمة امیرالمؤمنین(ع) من تاریخ ابن عساکر***؛ ***طریق حدیث من کنت مولاه فعلّی مولاه*** (حافظ ذهبی)؛ ***عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر*** (سلمی شافعی دمشقی)؛ ***فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین*** (حموی جوینی)؛ ***فهرست تصانیف کراجکی*** (آماده چاپ)؛ ***فهرست شیخ طوسی***؛ ***فهرست شیخ منتخب‌الدین الاربعون المنتقی من مناقب المرتضی*** (ابوالخیر طالقانی قزوینی)؛ ***مطالب السئول*** (زیرچاپ)؛ ***مناقب امیرالمؤمنین(ع)*** (احمد بن حنبل).

آیت‌الله طباطبایی یزدی در شب هفتم ماه رمضان ۱۳۷۴ به‌سبب مشکل قلبی و ریوی دار فانی را وداع گفت. پیکر ایشان در صحن حرم حضرت معصومه(س) مدفون است.

منابع: گنج پنهان، شرح احوال و آثار علامه مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی / حسن انصاری. صدرائی خوئی، علی، «خزان در گلشن تحقیق»، میراث جاویدان، س.۳، ش.۱۱ و ۱۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۴)، ص.۱۶۲ ــ ۱۶۷. انصاری قمی، ناصرالدین، «درگذشت حجةالاسلام و المسلمین طباطبائی یزدی»، کلک، ش ۷۱ ــ ۷۲ (بهمن و اسفند ۱۳۷۴)، ص.۵۷۰ ــ ۵۷۳. *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* / فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی،

مرضیه هدایت.

۵۷ طبسی، محمد رضا، آیت‌الله

مجتهد، فقیه، استاد

تولد ۱۲۸۲ (۱۸ شعبان ۱۳۲۲ ق.)، مشهد.
درگذشت ۲۸ آذر ۱۳۶۳.

آیت‌الله محمدرضا طبسی، فرزند عباس بن علی بن الحسن بن عبدالله بن الطبسی الخراسانی معروف به «مروج»، سطوح اولیه را نزد عبدالجواد ادیب نیشابوری(ادیب اول) و سیدمحمد حسین شهرستانی و سیدمحمد باقر مدرس و سید مرتضی یزدی فرا گرفت. پس از آن به قم رفت و فقه و اصول را از آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و سیدعلی یثربی کاشانی استفاده نمود و حکمت و معقول را نزد علی اکبر حکیم یزدی و آیت‌الله محمد علی شاه‌آبادی خواند و مدت هفت سال از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی استفاده نمود. پس از مدتی به نجف اشرف مهاجرت کرد و در آنجا در محضر آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و به‌ویژه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله محمد حسین نایینی به فراگیری بیشتر علوم فقهی و اصول و تفسیر و کلام پرداخت. ایشان تا زمان فوت آیت‌الله اصفهانی در سال ۱۳۶۵ ق. از اعضای رئیسه مجلس استفتاء ایشان بود. بعد از رحلت ایشان خود به تدریس و تألیف کتاب اشتغال ورزید. ایشان دارای اجازه اجتهاد از میرزا نایینی، آقا ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و آیت‌الله سید حسین بروجردی بود.

آیت‌الله محمدرضا طبسی تا ذی‌القعده ۱۳۹۱ ق. در نجف اشرف به وظایف دینی خود اشتغال داشت ولی به سبب فشارهای دولت عراق با ده‌ها هزار نفر ایرانی دیگر مقیم عراق به ایران رانده شد و در قم ساکن شد و به تألیف و مباحثات علمی اشتغال ورزید.

برخی از تألیفات چاپ شده یا خطی وی که در مجموع بیش از پنجاه مجلد است به این شرح است: ***اثبات الرجعة*** (نجف، ۱۳۴۵ ق.)؛ ***الشیعه و الرجعة*** (دو جلد در احوالات حضرت حجت (عج) که مکرر طبع شده است؛ ۱۳۷۴ ــ ۱۳۷۵ ق.)؛ ***تنبیه الامة فی اثبات الرجعة*** (نجف، ۱۳۵۴ ق.)؛ ***درر الاخبار فیما یتعلق بحال الاحتضار*** (نجف)؛ ***ذرایع البیان فی عوارض اللسان*** (دو جزء، چاپ شده در نجف)؛ ***المنیة فی تحقیق حکم الشارب و اللحیة*** (نجف، ۱۳۵۹ ق.؛ این کتاب در سال ۱۳۳۵ در تهران نیز به چاپ رسید)؛ ***الدر الثمین فی التختم بالیمین*** (چاپ شده در بیروت، ترجمه این کتاب تحت نام ***گوهر وزین*** با ترجمه خود وی در قم چاپ شد)؛ ***حاشیه طریق النجاة***؛ ***النجعة فی الرجعة*** (سید محسن نواب رضوی لکهنوی، ترجمه از فارسی به عربی، نجف، ۱۳۵۵ ق.)؛ ***عقد الفرائد فی اصول العقاید*** (سید علینقی بن ابوالحسن لکهنوی، ترجمهٔ نقد الفرائد، ۱۳۴۹ ق.)؛ ***مصباح الظلام فی هدایة الانام*** (۱۳۴۶ ق.)؛ ***القول الفصیح فی اصول الدین الصحیح***؛ ***تبصرة المتعلمین فی اصول الدین***؛ ***ذخیرة الصالحین فی شرح تبصرةالمتعلمین*** (هشت جلد، چاپ نشده است)؛ ***حاشیه وسیلة النجاة*** (چاپ نشده است)؛ ***حاشیه انیس المقلدین***؛ ***حاشیه‌ای بر تبصره علامه من اوله الی آخره***؛ ***منیة الراغب فی ایمان ابیطالب***.

منابع: گنجینهٔ دانشمندان، جلد دوم/ شیخ محمد شریف رازی، ص.۱۹۳ ــ ۱۹۶. «به یاد آیت‌الله شیخ محمد رضا طبسی»، کیهان فرهنگی، ش.۱۱ (بهمن ۱۳۶۳)، ص.۳۵. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/* خانبابا مشار، جلد سوم، ص.۱۷۶ ــ ۱۷۷. *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان/* فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

غروی علیاری، علی، آیت‌الله‌العظمی ۵۷/۱

عالم علوم دینی

تولد ۱۲ رمضان ۱۳۱۹ ق.
درگذشت ۱ اردیبهشت ۱۳۷۶، تبریز.

آیت‌الله‌العظمی علی غروی علیاری تبریزی، فرزند آیت‌الله میرزا محسن از شاگردان آخوند خراسانی و صاحب رساله‌های متعدد اصولی و فقهی بود. ایشان پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و فرّاگیری خواندن و نوشتن، به تحصیل علوم دینی روی آورد و نزد جدش آیت‌الله شیخ محمد حسن به فراگیری مقدمات و ادبیات و سطوح فقه و اصول و عقاید و کلام پرداخت. پس از تکمیل سطوح عالیه، در بیست و دو سالگی عازم حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف شد و در مدرسهٔ بخارایی سکونت ورزید و سالیان بسیار در محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، میرزای نایینی، شیخ اسدالله زنجانی، آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، سید محمد حجت، سید ابو تراب خوانساری، حاج میرزا علی ایروانی، شیخ ابوالحسن مشکینی، میرزا احمد آشتیانی و جمال السالکین آقا سید علی قاضی به تحصیل فنون، اخلاق، فقه، اصول، کلام، رجال، عرفان، حکمت و فلسفه تا سال ۱۳۵۰ ق. پرداخت. وی در جوانی به دریافت اجازات متعدد روایی و اجتهادی از اساتید معظمش نایل آمد. ایشان در سال ۱۳۵۰ ق. به درخواست جدش آیت‌الله شیخ محمد حسن علیاری به تبریز بازگشت و به تحقیق، تدریس، تألیف، اقامهٔ جماعت و پرورش شاگردان اشتغال ورزید.

از آیت‌الله‌العظمی غروی علیاری تبریزی نوشتارهای فراوانی به جای مانده است که عبارتند از: چهارده جلد *تقریرات* درس فقه آیت‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی در منجزات مریض (چاپ شده)، رهن، وصیت، وقف، رضاع، نکاح، صلح، خیارات، اجاره، قضاء، شروط، مسقطات خیار، غضب، زکات؛ دو جلد *تقریرات* درس فقه آیت‌الله العظمی میرزای نایینی در صلات، بیع، خیارات؛ دو جلد *تقریرات* درس فقه آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در طهارت و صلات؛ دو جلد *تقریرات* درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای در صلات و بیع؛ *تقریرات* درس فقه آیت‌الله میرزا علی ایروانی؛ دو جلد *تقریرات* درس فقه آیت‌الله شیخ اسدالله زنجانی در خلل صلاة و منجزات مریض؛ ***توضیح المسائل***؛ ***شرح عروة‌الوثقی*** (از طهارت تا وصیت) در پنج جلد؛ ***شرح استدلالی ملحقات عروة‌الوثقی***؛ ده جلد رساله‌های فقهی در صلح، عدم شرطیت رجوع در مسافر، محاذاة الرجل و المرأة فی الصلاة، جواز نقل المیت بعد الدفن، ربا، نماز جمعه، منجسیة المتنجس، لباس مشکوک، حرمان زوجه از عقار، الفروع السنیة، فروع تقلید؛ ***شرح وسیلة النجاة*** (سه جلد)؛ ***کتاب الطهارة***؛ ***کتاب الصوم***؛ ***کتاب الحج***؛ ***مناسک حج*** (دو جلد)؛ ***شرح تبصرة المتعلمین***؛ ***شرح مبسوط مکاسب***؛ ***علل الشرایع و الاحکام***؛ ***شرح فوائد الاصول***؛ ***شرح کفایة الاصول***؛ ***رساله در ترتب***؛ ***رساله در وضع***؛ ***رساله در ملازمهٔ حکم عقل و شرع***؛ ***قاعده من ملک*** (و قواعد دیگر)؛ هفت جلد کتاب *تقریرات* درس اصول آیات عظام: میرزای نائینی (مباحث الفاظ)، آقا ضیاءالدین عراقی (دورهٔ کامل و قاعدهٔ لاضرر)، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای (مباحث عقلیه و تعادل و تراجیح)، شیخ اسدالله زنجانی و میرزا علی ایروانی (اجتماع امر و نهی)؛ ***اصول عقاید***؛ ***رسالة فی الرجعة***؛ ***تفسیر قرآن*** (دوازده جلد)؛ ***مفردات قرآن***؛ ***شرح دعای صباح***؛ ***شرح دعای کمیل***؛ ***شرح دعای سمات***؛ ***شرح دعای افتتاح***؛ ***شرح دعای ابوحمزهٔ ثمالی***؛ ***شرح دعای زیارت جامعهٔ کبیره***؛ ***حل مشکلات الاخبار***؛ ***شرح اربعین حدیث***؛ ***شرح***

احادیث پیامبر اکرم؛ شرح احادیث امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه؛ منهاج الرشاد؛ المواعظ؛ النهجة فی احوال الحجة (ع)؛ الکواکب الحسینیة؛ تقریرات درس آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری؛ ***حاشیه بر رجال وحید بهبهانی.***

آیت‌الله‌العظمی غروی علیاری تبریزی در تاریخ دوشنبه اول اردیبهشت ۱۳۷۶ (۱۳ ذیحجة ۱۴۱۷ ق.) در نود و هشت سالگی به‌دورد حیات گفت و پیکرش پس از تشییع در تبریز، به قم انتقال داده شد و پس از تشییع مجدد و نماز حضرت آیت‌الله بهجت بر آن، در صحن حضرت فاطمهٔ معصومه (س) (بقعهٔ آیت‌الله داماد) به خاک سپرده شد.

منبع: انصاری قمی، ناصرالدین، «درگذشت حضرت آیت‌الله العظمی غروی علیاری»، آینهٔ پژوهش، س.۸، ش.۴۳ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵)، ص.۱۰۹ ـ ۱۱۱.

فانی اصفهانی، علی، آیت‌الله ۵۸

عالم دینی

تولد ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ ق.، اصفهان.

درگذشت ۸ خرداد ۱۳۶۸.

آیت‌الله سید علی فانی اصفهانی در سال ۱۳۴۲ ق. شروع به تحصیل مقدمات نمود و سطوح و خارج فقه و اول را در محضر برخی علمای اصفهان بدین ترتیب خوانده است: قوانین را نزد افرادی چون محمد حکیم خراسانی و ***فرائد شیخ‌الانصاری*** را خدمت آیت‌الله مرتضی خراسانی و دو جزء کفایه و قسمتی از خارج را خدمت آیت‌الله سید محمد نجف‌آبادی و خارج اصول و فقه و فلسفه و کلام و تفسیر را خدمت آیت‌الله‌العظمی سید علی نجف‌آبادی؛ سپس به نجف مهاجرت کرد و به تدریس فقه و اصول پرداخت. در ماه رجب ۱۳۹۳ ق. پس از سی و یک سال توقف در نجف اشرف به ایران مراجعت و دارالمؤمنین قم اقامت گزید و به تدریس خارج فقه و اصول مشغول شد.

از جمله تألیفات ایشان است: تقریرات دورهٔ کامله اصول که جزیی از آن را در جبر و اختیار به نام ***المختار فی الجبر و الاختیار*** در سال ۱۳۷۵ ق. به طبع رسانید و علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی آن را در ***الذریعه*** ذکر کرده است؛ ***شرح شرایع در فقه*** (دوازده جزء در طهارت و صلوة که جزء اول طهارت آن در سال ۱۳۸۲ ق. و جزء دوم آن در سال ۱۳۸۵ ق. به طبع رسید)؛ ***زکوة و خمس و صوم و اجاره و وصایا و اجرة بر واجبات و قرعه و منجزات مریض و مکاسب شیخنا الانصاری تا بحث فضولی***؛ حاشیه بر ***وسیلة النجاة*** آیت‌الله‌العظمی اصفهانی و ***حاشیه بر صراط النجاة*** در سال ۱۳۸۰ ق. طبع شد؛ ***قبسات العقول*** فارسی در شرح ***اربعین حدیث از اصول و فروع*** (۱۳۷۵ ق.، علامه تهرانی در ***الذریعة*** از آن یاد کرده است)؛ ترجمهٔ ***نصایح‌الهدی*** (آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، ۱۳۷۰ ق.، اصفهان)؛ ***رسالهٔ توضیح المسائل فارسی*** (۱۳۸۲ ق.)؛ ***رسالهٔ توضیح المسائل عربی*** (۱۳۸۴ ق.)؛ ترجمهٔ ***تقویم المحسنین فیض*** (۱۳۶۸ ق. با قرآن به چاپ رسید)؛ ***مناسک حج عربی*** (۱۳۸۴ ق.)؛ ***دستور حج و عمره*** (۱۳۸۵ ق.)؛ ***تعلیقة بر عروة‌الوثقی*** (۱۳۴۹، ایران)؛ رساله‌های متعدد دیگر در موضوعات مختلف که از آن‌هاست: ***رساله در علم امام (ع)***؛ ***دیوانی در مواعظ و حکم و مدایح و مراثی اهل بیت***؛ ***توضیح‌المسائل*** به زبان اردو و ***مناسک حج*** به زبان اردو؛ ***فوائد رجالیه***؛ رساله‌ای در کلام به نام ***بالمعارف العلویة***؛ رساله‌ای در تحقیق عدم تحریف قرآن موسوم به ***غایة‌البیان فی عدم تحریف القرآن***؛ رساله‌ای در ***امر به معروف و نهی از منکر***؛ رساله‌ای در ***معاصی کبیره***؛ رساله‌ای در ***ذباحه***؛

رساله‌ای در ***جوائز سلطان***؛ رساله‌ای در ***معاملات الربویه***؛ رساله‌ای در ***احکام خراج***؛ رساله‌ای در ***تفسیر سورهٔ جمعه***؛ رساله‌ای در ***تفسیر سورهٔ فاتحه***؛ رساله‌ای در ***مقدمات التفسیر***؛ رساله‌ای در ***بداء***.

منابع: گنجینهٔ دانشمندان، جلد دوم/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۲۱۰ ـ ۲۱۲. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/* خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۳۳۰.

۵۸/۱ قاضی زاهدی، علی، آیت‌الله

عالم علوم دینی

تولد ۱۳۰۶ (۱۳۴۶ ق.)، گلپایگان.
درگذشت ۱۹ آذر ۱۳۷۵، گلپایگان.

آیت‌الله علی قاضی زاهدی فرزند آیت‌الله رضا قاضی زاهدی و جدش آیت‌الله ابوالقاسم داماد آیت‌الله‌العظمی آخوند ملا زین‌العابدین گلپایگانی، بود. آیت‌الله قاضی زاهدی پس از دوران کودکی و نوجوانی و اتمام آموزش متوسطه، به علوم دینی روی آورد و مقدمات و بخشی از ادبیات و سطوح را نزد پدرش و دیگر علمای گلپایگان فرا گرفت. سپس به حوزهٔ علمیهٔ قم آمد و باقیماندهٔ سطوح را نزد آیات عظام گلپایگانی، نجفی مرعشی و خوانساری آموخت و پس از آن به درس خارج آیات ثلاثه حوزهٔ علمیهٔ قم آقایان سید محمد تقی خوانساری، سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و سید صدرالدین و به جز آنان، در درس آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی هم حاضر شد و بهره برد. سپس در درس آیت‌الله‌العظمی بروجردی شرکت جست و از محضر ایشان بحث‌های متعدد فقهی و اصولی را استفاده کرد. سال ۱۳۷۸ ق. بود که به اصرار گروهی از مردم شهرش، به تألیف، تدریس، اقامهٔ جماعت و راهنمایی مؤمنان پرداخت. یکی از ویژگی‌های آن مرحوم، تبلیغ از راه وعظ و منبر و تفسیر قرآن پس از نمازهای جماعت خویش بود که از این رهگذر موفق شد سه بار تمام قرآن را تفسیر نماید.

تألیفات وی عبارتند از: ***زبدهٔ التفاسیر*** (جلد اول)؛ ***تفسیر سوره لقمان و سجده***؛ ***قصص قرآن مجید***؛ ***زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام***؛ (دو جلد)؛ ***چهل حدیث***؛ ***راهنمای متوسلین و مستشفعین***؛ ***ریاض یا مجموعه دلفریب***؛ ***شرح لغات بدیعی***؛ دیوان اشعار فارسی به‌نام ***بدر و هلال***.

کتاب‌هایی که به چاپ نرسیده‌اند عبارتند از: ***تقریرات درس فقه و اصول آیت‌الله‌العظمی بروجردی***؛ جلد دوم ***زبدة‌التفاسیر***؛ ***تلخیص الکلام فی تفسیر سورة الانعام***؛ ***تفسیر سورة المائدة***؛ ***تفسیر سورة الاعراف***؛ ***الهدایة الی تواریخ الهداة السادة***؛ ***زندگی چهارده معصوم*** علیه‌السلام به نظم عربی؛ ***ارجوزه یا جنگ زاهد***؛ ***هزار مسأله در علوم ریاضی***؛ ***صیغ العقود***؛ ***رساله در علوم غریبه***؛ جلد دوم و سوم ***بدر و هلال***.

آیت‌الله قاضی زاهدی پس از پشت سر نهادن یک دورهٔ بیماری، در روز نوزدهم آذر ۱۳۷۵ در هفتاد سالگی به‌درود حیات گفت. پیکر ایشان به قم انتقال یافت و در قبرستان شیخان به خاک آرمید.

منبع: «درگذشت آیت‌الله قاضی زاهدی»، آینهٔ پژوهش، س.۷، ش.۴۱ (آذر و دی ۱۳۷۵)، ص.۱۱۸.

۵۹ قاضی طباطبایی، محمد علی، آیت‌الله

عالم ربانی

تولد ۱۲۸۹ (۱۳۳۱ ق.)، تبریز.[۱]
شهادت ۱۰ آبان ۱۳۵۸، تبریز.

۱. در برخی منابع تاریخ تولد وی ۱۳۳۳ قمری و در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** ۱۲۹۱ شمسی آمده است

آیت‌الله محمد علی قاضی طباطبایی، فرزند سید باقر از علمای آذربایجان، تحصیلات مقدماتی علوم دینی در مدرسهٔ طالبیه تبریز و نیز نزد پدر و عمویش اسدالله قاضی طباطبایی گذراند.

ایشان در سال ۱۳۴۷ ق. مقارن با قیام مردم تبریز به سبب شرکت در مبارزات به دستور رضا شاه به همراه پدرش از تبریز اخراج گردید؛ مدت دو ماه در تهران سکنی گزید و پس از آن محل تبعید آنها به مشهد تعویض گردید و پس از یک سال اقامت در مشهد به آذربایجان مراجعت نمود و به بحث و خدمات دینی دیگر مشغول شد. وی در سال ۱۳۵۹ ق. برای تکمیل درس خود به قم رفت و از محضر اساتید حوزهٔ علمیهٔ قم استفاده برد، از جمله فلسفه و خارج علم اصول را از امام خمینی (ره) فرا گرفت. پس از آن تکمیل متون فقه و اصول و علم و علم درایه و رجال را نزد آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای فرا گرفت. در همین زمان مدتی نزد آیت‌الله سید حسن صدر به تحصیل پرداخت.

آیت‌الله محمد علی قاضی طباطبایی با تکمیل سطوح در قم، در سال ۱۳۲۷ عازم حوزهٔ علمیهٔ نجف گردید. پس از سه سال تحصیل نزد آیت‌الله حکیم، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، علامه محمد حسین کاشف الغطاء، آیت‌الله میرزا باقر زنجانی و آیت‌الله حسن بجنوردی به ایران بازگشت به تبریز رفت.

در تبریز، در کنار فعالیت تحقیق و تألیف و امامت دو مسجد، به فعالیت سیاسی به‌ویژه در فاصلهٔ ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۱ در تبریز به فعالیت علیه رژیم پرداخت. فعالیت‌های سیاسی وی همزمان با قیام مردم در سال ۱۳۴۲ ابعاد دیگری یافت. در سیزدهم آبان همان سال به‌عنوان رهبر نهضت مذهبی در آذربایجان دستگیر و ابتدا به پادگان زرهی تهران فرستاده شد و سپس در زندان قزل‌قلعهٔ تهران به مدت دو ماه و نیم زندانی گردید. پس از آن به سلطنت‌آباد تهران منتقل شد. پس از چند روز با ضمانت برادرش آزاد شد که آزادی وی با قید ممنوع‌الملاقات توأم بود و مأموران ساواک در اجرای این امر نظارت داشتند. پس از چهار ماه به قم می‌روند تا امام خمینی (ره) را در این هنگام آزاد شده بود ملاقات کند.

وی پس از دیدار با امام خمینی به مشهد رفت و از آن جا که هنوز در تبعید بود بی‌اجازهٔ رژیم تهران را ترک گفت و به تبریز رفت در تبریز مورد استقبال مردم قرار گرفت و به همین سبب همان شب در منزلش دستگیر و به سلطنت‌آباد تهران منتقل شد. بعد از مدتی با وساطت آیت‌الله سید محمد هادی میلانی آزاد شد. سپس به تبریز مراجعت کرد اما این آزادی وی مدت زیادی طول نکشید زیرا پس از چند روز اقامت در تبریز دستگیر شد و به تهران منتقل گردید. در تهران به سبب کسالت مدت شش ماه در بیمارستان مهر بستری و در عین حال تحت مراقبت شبانه روزی ساواک بود. پس از مرخصی از بیمارستان در یازدهم آذر ۱۳۴۳ پس از یک سال تبعید و دستگیری‌های مکرر به عراق تبعید شد.

مدت تبعید در نجف فرصتی پیش آورد تا بیشتر به تحصیل بپردازد و همچنین در این مدت با امام خمینی که مدتی قبل از ایشان به عراق تبعید گردیده بود ارتباط نزدیک داشته باشد. آیت‌الله قاضی طباطبایی پس از یک سال و نیم[1] اقامت اجباری در عراق به ایران و تبریز مراجعت نمود اما مبارزهٔ خود را علیه نظام پهلوی به‌ویژه در مساجد مقبره و شعبان تبریز ادامه داد تا اینکه در روز عید فطر سال ۱۳۴۷، یعنی سی‌ام آذر، به جرم مخالفت با رژیم و اظهار مطلبی علیه رژیم اشغالگر قدس دستگیر و به بافت

۱. در برخی منابع این مدت یازده ماه آمده است.

کرمان به مدت شش ماه تبعید گردید.[۱] پس از پایان مدت تبعید از مراجعت آیت‌الله قاضی جلوگیری و مجدداً در تیر ۱۳۴۸ به زنجان تبعید شد. اما وی بدون توجه به دستور تبعید به سوی تبریز رفت که در روز یازدهم تیر به بوستان‌آباد در شصت کیلومتری تبریز رسیده بود که رژیم خبردار شد و ایشان را به زنجان باز گرداند. محل استقرار ایشان در زنجان منزل امام جمعهٔ وقت بود. ایشان همچنان در زنجان تحت نظارت ساواک قرار داشت. مدت تبعید ایشان در زنجان فقط چهار ماه طول کشید و با وساطت علمای بزرگ از تبعید آزاد و در تاریخ بیست و نه آبان ۱۳۴۸ به تهران و سپس در تاریخ ششم آذر ۱۳۴۸ به تبریز مراجعت کرد. در تبریز در کنار تدریس و تألیف همچنان به مبارزه ادامه داد و در عین حال دائماً تحت نظر ساواک قرار داشت. در این سال‌ها منزل وی یکی از محل‌های توزیع بیانیه‌ها، نوارها و رساله‌های امام بود. در سال ۱۳۵۶ در تظاهراتی در بیست و نه بهمن به مناسبت چهلم شهدای نوزده دی قم برگزار شد که در آن رهبری آیت‌الله قاضی و نفوذ وی در میان راهپیمایان آشکار بود. ایشان در مدت یک سال پیش از انقلاب فعالیت‌های مستمری علیه رژیم پهلوی داشت.

با پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی رهبر انقلاب به امامت جمعهٔ تبریز منصوب و به‌عنوان نمایندهٔ حضرت امام(ره) در تبریز انتخاب شد.

عنوان‌های برخی از نوشته‌های ایشان به این شرح است: ***الاجتهاد والتقلید*** (عربی، خطی)؛ ***الفوائد*** (فقهی و تاریخی)؛ ***خاندان عبدالوهاب*** (فارسی، خطی)؛ ***کتاب فی علم‌الکلام*** (عربی، خطی)؛ ***فصل‌الخطاب فی تحقیق اهل‌الکتاب*** (عربی، خطی)؛ ***السعاده فی‌الاهتمام علی‌الزیارة*** (عربی، خطی)؛ ***اجوبة الشبهات الواهیه*** (فارسی، خطی)؛ ***رسالة فی اثبات وجودالامام (ع) فی کل زمان*** (عربی، خطی)؛ ***سفرنامهٔ بافت*** (فارسی، خطی)؛ ***المباحث الاصولیه*** (عربی، خطی) ؛ حاشیه بر ***رسائل و مکاسب*** شیخ مرتضی انصاری و ***کفایة الاصول*** محمد کاظم بن حسین آخوند خراسانی؛ تقریرات ***اصول*** آیت‌الله سیدمحمد حجت کوه‌کمره‌ای؛ ***تاریخ قضاء در اسلام***؛ ***صدقات امیرالمؤمنین و صدیقهٔ طاهره علیهماالسلام***؛ ***حدیقة الصالحین***؛ ***رساله در دلالت آیهٔ تطهیر بر اهل بیت*** (علیهم‌السلام)؛ ***رساله در اوقات نماز***؛ ***رساله در نماز جمعه***؛ ***رساله در مباهله***؛ ***رسالة فی مسألةالترتب***؛ تعلیقات بر کتاب ***فردوس اعلی*** تألیف شیخ کاشف الغطاء (عربی و مطبوع)؛ ***تحقیق در بارهٔ روز اربعین حضرت سیدالشهداء(ع)*** (فارسی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب ***انوار نعمانیة*** تألیف آیت‌الله جزایری (عربی و مطبوع)؛ مقدمهٔ مفصل، تعلیقات و مؤخره بر ***تفسیر جوامع‌الجامع*** (عربی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب ***اسلام صراط مستقیم*** (فارسی و مطبوع)؛ ***آثار تاریخی آیت‌الله طباطبایی حکیم قدس سره*** (فارسی و مطبوع)؛ تعلیقات بر کتاب ***کنزالعرفان*** (عربی و خطی)؛ مقدمه بر کتاب ***صحائف‌الابرار*** کاشف الغطاء (ره)؛ مقدمه بر ***تنقیح‌الاصول*** مرحوم متوفی؛ مقدمه بر کتاب ***مرآت‌الصلوة***؛ پیشگفتار بر ***علم امام*** علامه طباطبایی؛ مقدمه بر کتاب ***معجزه و شرایط آن*** تألیف محمد آصفی؛ مقدمه بر کتاب ***جنة‌المأوی*** اثر کاشف‌الغطاء؛ ***اللوامع‌الالهیة فی المباحث‌الکلامیة*** اثر علامهٔ حلی؛ مقدمه، تصحیح و تعلیق بر ***انیس‌الموحدین*** اثر علامه حاج مهدی نراقی؛ ***تحقیق در ارث زن در دارایی شوهر*** (تنظیم از بیانات ایشان) به کوشش محمد آصفی؛ علم الامام(ع) به زبان

---

۱. رییس سازمان اطلاعات و امنیت کشور در ۱۶ دی ۱۳۴۷ طی نامه‌ای آیت‌الله را کاملاً ممنوع‌الملاقات اعلام کردند. اما ایشان در این مدت اقامت در بافت همچنان به فعالیت خود ادامه داد و به افشای چهرهٔ رژیم به‌ویژه در جراید کشورهای لبنان، سوریه و عراق ادامه دادند (مقالات ایشان با پیک‌های مخفی ارسال می‌شد).

عربی (ترجمه به فارسی از محمد آصفی)؛ مقدمه بر ***العقائدالوثنیه فی‌الدیانةالنصرانیه*** اثـر مـحمد طـاهر التنّیر، چاپ بیروت (این کتاب در سـال ۱۳۹۱ ق. در تهران افست گردید)؛ ترجـمهٔ ***مسائل قـندهاریة*** (اثـر شیخ محمد حسین کاشف‌الغطاء)؛ مقالات مـتعدد و کثیر در مجلات عربی در صیدا (لبنان).

اجازه روایت ایشان را افراد زیر امضا نموده‌انـد: آیت‌الله مرتضی چهرگانی؛ پدر ایشان، آیت‌الله محمد باقر قاضی طباطبایی؛ بانو عـلویهٔ هـاشمیه؛ آیت‌الله سـید مـحمد حـجت کـوه‌کـمره‌ای؛ آیت‌الله سـید صدرالدیـن صـدر مـوسوی؛ عـلامه مـحمد حسـین کاشف الغطاء؛ آیت‌الله سید محسن طباطبایی حکیم؛ آیت‌الله سید محمد جواد طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله سید محمد هادی میلانی؛ امام خمینی (ره)؛ علامه آیت‌الله حسن بـجنوردی؛ آیت‌الله العـظمی خـویی؛ آیت‌الله العظمی گلپایگانی؛ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی؛ آیت‌الله محمد حسـینی شـاهرودی؛ آیت‌الله عـبدالنـبی عـراقـی؛ عـلامه سـید مـحمد حسـین طباطبایی تبریزی؛ آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی.

آیت‌الله قاضی طباطبایی در دهـم آبـان ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان ترور شد و به شهادت رسید و در مسجد مقبره به خاک سپرده شد.

منابع: «ستارهٔ تبریز آیت الله قـاضی طـباطبایی»، یـاد ایـام، ماهنامهٔ ادارهٔ کل تـبلیغات دولت، س ۲، ش ۸ (آبـان ۱۳۷۴)، ص ۸۳. ***مـجلس‌نشین قـدس، یـادوارهٔ پـیشگام شـهدای محراب، آیت‌الله قاضی طباطبایی/*** نویسنده شعردوست، بـا مقدمه‌ای از حجت‌الاسلام سید حسین مـوسوی تـبریزی. ***علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی/*** م. جرفادقانی، چاپ اوّل. ***شهدای روحانیت شیعه در یک‌صد سالهٔ اخیر، جلد اوّل/*** علی ربانی خلخالی، چاپ اوّل، ص ۳۶۲ ـ ۳۶۳. ***مؤلفین کتب چاپی فـارسی و عـربی/*** خـانبابا مشـار، جـلد چـهارم، ص ۳۴۴ ـ ۳۴۵.

کمره‌ای، خلیل، آیت‌الله ۶۰

عالم ربانی

تولد ۱۲۷۶ (۱۳۱۷ ق.)، کَمَره از توابع اراک.
درگذشت ۱۹ مهر ۱۳۶۳، تهران.

آیت‌الله خلیل کمره‌ای بعد از تحصیل علوم ابتدایی و مقدماتی برای کسب علوم عالی‌تر به خوانسار رفت و نزد آخوند ملا محمد بیدهندی مقدمات و متون علم قـرائت قـرآن را فـرا گـرفت. بـا فـوت مـلا مـحمد بیدهندی به نزد سید علی اکبر بیدهندی و سید احمد جاده‌ای رفت و به تحصیل علوم پرداخت شد.

در سال ۱۳۳۷ ق. به حوزهٔ علمیهٔ اراک (مدرسهٔ سپهدار) که توسط آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی تأسیس گردیده بود ملحق شد و جزو اوّلین شاگردان حوزهٔ علمیهٔ وی بود. سه سال تمام فقه و اصول را نزد شیخ عبدالغنی و شـیخ عـباس ادریس‌آبـادی و مقداری حکمت و فلسفه را نزد سید محمد بروجردی و درس خارج را در سال ۱۳۴۰ ق. نزد آیت‌الله العظمی حائری یزدی تلمذ نمود.

در سال ۱۳۳۹ ق. از حوزهٔ علمیهٔ اراک به همراه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزهٔ علمیهٔ قم، به قم منتقل شد و در آنجا سـاکـن شـد و بـه تحصیل سطوح و فقه و اصـول پـرداخت. در درس خارج آیت‌الله عبدالکریم حائری یـزدی نـیز حـاضر می‌شد و معقول را نیز نزد آقامیرزا علی‌اکـبر یـزدی معروف به «حکـیم» تـلمذ مـی‌نمود. پس از وفـات آقامیرزا علی‌اکبر حکیم، الهیات به معنی اخص اسفار را با حضرت امام خمینی (ره) مذاکرهٔ بینابین داشتند و همچنین مقداری خارج فقه جـواهـر را بـا حـضرت امام (ره) و آیت‌الله میرزا عـبدالله تـبریزی مـذاکـره می‌نمود.

اسـاتید دیگـر وی عـبارتند از: آیت‌الله مـلکی تبریزی و آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله محدّث قمی و علامه عـاملی. آیت‌الله کـمره‌ای سـپس در قـم بـه

تدریس سطوح و تفسیر و فلسفه پرداخت.

آیت‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۴۱ ق.، به‌سبب مخالفت با کشف حجاب، به دستور رضا شاه دستگیر و زندانی شد و سپس در تهران نفی بلد گردید. در سال ۱۳۷۱ ق. در کراچی به ریاست مؤتمر اسلامی انتخاب گردید و بار دیگر در سال ۱۳۷۹ ق. در مؤتمر اسلامی اردن شرکت کرد. در پایان مؤتمر به اشارهٔ آیت‌الله سید حسین بروجردی همراه آیت‌الله مرتضی طالقانی برای تشکر از شیخ محمود شلتوت، مفتی اهل سنت و رییس جامع‌الازهر، در بارهٔ فتوای ایشان در به رسمیت شناختن مذهب تشیع، به قاهره رفت و با شیخ شلتوت دیدار و گفتگو کرد. در سال ۱۳۸۵ ق. در مکه در مؤتمر عالم اسلامی شرکت کرد و به ریاست مؤتمر برگزیده شد.

آیت‌الله کمره‌ای در سال ۱۳۴۹ در هزارهٔ شیخ طوسی در مشهد در بارهٔ مقام علمی شیخ طوسی ایراد کرد.

آیت‌الله کمره‌ای در شروع انقلاب اسلامی همگام با مردم حرکت نمود و در راهپیمایی تاسوعای ۱۳۵۷ به اتفاق آیت‌الله طالقانی شرکت جست. پس از حملهٔ عراق به ایران با نوشتن مقالهٔ «عرب این ننگ را به کجا می‌بری؟»، در روزنامهٔ «اطلاعات»، به حمایت از موضع بحق ایران برخاست.

آیت‌الله کمره‌ای در دورهٔ دکترای دانشکدهٔ الهیات دانشگاه‌تهران تدریس می‌نمود.

از آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: *تفسیر سورهٔ نور* (در دو جلد)؛ *عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن* (در تراجم شهدای کربلا، چهار جلد)؛ *شرح نهج‌البلاغه*؛ *نهج‌البلاغه السماء و العالم* آسمان و جهان؛ *نهج‌البلاغه و جنگ*؛ *ملکه اسلام فاطمهٔ زهرا*؛ *نوید اسلام*؛ *ندای اذان و احادیث استحباب آن*؛ *مادر و وظیفهٔ زن در اسلام*؛ *فتح مکه*؛ *غروب آفتاب در اندلس*؛ *اسرار حج*؛ *قبلهٔ اسلام کعبه یا مسجد الحرام*؛ یک دوره کامل *تفسیر قرآن*؛ *افق وحی*؛ *افق اعلی*، *نگاهی به چهرهٔ محمد(ص) و علی(ع)*؛ *علی و الزهراء*، *سرچشمهٔ آب حیات*؛ ترجمهٔ *قصیدةالنبی (ص)*؛ *پیام امیرالمؤمنین به سلاطین اهل قبله*؛ *کتابی به قلم امیرالمؤمنین (ع)*؛ *نامهٔ کودک در مسجد*؛ *محنت اسلام*؛ *چند مرحله از زندگانی امام حسین (ع)*؛ *تاج مأمون الرشید*؛ *مجلس مباحثهٔ امام رضا (ع) با عمران صابی*؛ *فلسفهٔ غیبت امام زمان (عج)*؛ *امامزاده عبدالله (ع) در ری*؛ *شرح حال محمد بن بکر*؛ *پیام ایران به نجد و حجاز و مصر*؛ *امناءالهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری*؛ *خواب دیدن ائمهٔ اطهار (ع)*؛ *بیت المقدس و تحول قبله*؛ *آفاق قبله*؛ *پنج رساله در حج و قبله*؛ *کلید امن جهان*؛ *کلید امن دنیا*؛ *رسالهٔ مناسک و مسائل حج و عمره*؛ *ندایی از سرزمین بیت‌المقدس*؛ *اجتماع پیرامون خانهٔ مقدس*؛ *دروس متون احادیث*؛ *الحدیث*؛ تصحیح *تفسیر دانشگاه* (به فارسی)؛ *کتاب مادر*؛ مقدمهٔ *مواقع النجوم*؛ تحشیه *رساله لقاءالله*؛ تصحیح و تحشیه *مراقبات السنه*؛ *من روح الفرج بعد الشدة* (به عربی)؛ *آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام*؛ *علی (ع) و آل محمد (ص)*؛ *آل رسول‌الله*؛ *رابطهٔ عالم اسلامی (به زبان فارسی) در جواب علمای کردستان*؛ *رابطهٔ عالم اسلامی قبس من ولاء علی (ع)* به زبان عربی؛ *آراء ائمه الشیعه فی الغلاة*؛ *نهیب پیغمبر (ص) به ملوک و امراء و فقهاء از خیف منی*. آثاری که آمادهٔ طبع است: جلد پنجم *عنصر شجاع* ؛ جلد دوم *قبلهٔ اسلام*؛ جلد دوم *افق اعلی*؛ تفسیر تعدادی از سوره‌های قرآن؛ جلد دوم *سرچشمهٔ آب حیات*؛ جلد دوم *افق وحی*؛ جلد دوم *دروس متون احادیث*؛ *پیام بلال حبشی مولای رسول خدا (ص) از بام کعبه به سیاهان جهان*؛ ترجمهٔ کتاب علی *مفترق‌الطرق*.

منابع: «آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای»، نشر دانش، س. ۴، ش. ۶ (مهر و آبان ۱۳۶۳)، ص. ۷۴. *آثار الحجة یا تاریخ و*

دایرةالمعارف حوزهٔ علمیهٔ قم، جلد دوّم/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۲۵۰ـ ۲۵۴. *گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوّم/* گردآورنده احمد گلچین معانی، ص. ۵۶۶. *گنجینهٔ دانشمندان، جلد چهارم/* شیخ محمد شریف رازی، ص. ۵۳۵ـ ۵۴۰.

گلپایگانی، محمد رضا، آیت‌الله العظمی ۶۱

مرجع تقلید، فقیه، عالم روحانی

تولد ۱۲۷۷ (۸ ذی‌القعده ۱۳۱۶ ق.)، قریه گوگد گلپایگان.

درگذشت ۱۸ آذر ۱۳۷۲ (۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۱۴ ق.).

آیت‌الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی، فرزند سید محمد باقر از علمای گلپایگان، بود. نه ساله بود که پدرش از دنیا رفت. وی پس از فوت پدر به تحصیل علوم متداوله و به‌ویژه علوم دینی پرداخت و پس از تحصیلات مقدماتی و تکمیل مقداری از سطوح را نزد علمای آن دیار، در اوایل سال ۱۳۳۶ ق. به شهر اراک که به مناسبت اقامت آیت‌الله العظمی حائری یزدی در آن شهر مرکزیت یافته بود، مهاجرت کرد و پس از تکمیل سطوح در سال ۱۳۳۷ ق. در کلاس‌های فقه و اصول آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی شرکت کرد. در شعبان ۱۳۴۰ ق. آیت‌الله العظمی حائری به قم رفت و به تأسیس حوزهٔ علمیه مبادرت کرد و شخصاً از آیت‌الله گلپایگانی دعوت نمود و ایشان در شوال همان سال به قم عزیمت و تدریس سطوح را آغاز کردند. پس از فوت آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، آیت‌الله گلپایگانی به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت. در سال‌های آخر عمرش که درس خارج وی در مسجد اعظم قم تشکیل می‌شد، نزدیک به هشتصد تن از فضلاء، علما و طلاب در آن کلاس شرکت می‌جستند.

بعد از فوت آیت‌الله سید حسین بروجردی که سرپرستی حوزهٔ علمیه به عهدهٔ آیت‌الله العظمی گلپایگانی و علمای دیگر قرار گرفت و جمعیت طلاب رو به افزایش گذارد. وی مدارس خیابان تهران، خیابان چهارمندان و خیابان صفائیه را تأسیس نمود که در این مدارس گذشته از دروس قدیمه عربی و نحو و منطق و غیره دروس جدید ادبیات فارسی و علوم روز هم به انضمام دروس اخلاق و عقاید و تفسیر تدریس می‌شد.

آثار به جای مانده از وی همچون مساجد و مدارس و بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها و مراکز تبلیغی خارج از کشور بسیار بوده است. مهم‌ترین آنها مدرسهٔ عظیم و مجهز به دستگاه کامپیوتر در قم، مرکز تبلیغی لندن، مسجد جامع گلپایگان و بیمارستان در قم بوده است.

از جمله کتاب‌ها و مکتوبات برگرفته از تقریرات درسی وی، می‌توان از کتاب‌های زیر نام برد: ***مختصر الاحکام؛ مناسک؛ بلغةالطالب فی التعلیق علی المکاسب*** (تقریرات درس خارج فقه بر اساس ***بیع مکاسب شیخ*** (انصاری) که فقط بخش اندکی از آن تقریر شده است)؛ ***کتاب القضاء*** (دو جلد تقریرات درس خارج فقه در باب قضاء)؛ ***کتاب الشهادات*** (تقریرات درس خارج فقط در باب شهادات)؛ ***کتاب الحج*** (دو جلد تقریرات درس خارج فقه در مسألهٔ ولایت فقیه)؛ ***الدر المنضود فی احکام الحدود*** (تقریر درس خارج فقه در باب حدود)؛ ***نائج الافکار فی نجاسة الکفار*** (تقریر درس خارج فقه در مسألهٔ نجاست کفار)؛ ***کتاب الطهار*** (تقریر درس خارج فقه در باب طهارت).

منابع: رجال قم و بحثی در تاریخ آن/ سید محمد مقدس‌زاده، ص. ۱۵۲. *گنجینهٔ دانشمندان، جلد دوم/* شیخ محمد شریف رازی، ص. ۳۱ـ ۳۶. *گنجینهٔ دانشمندان، جلد یکم/* شیخ محمد شریف رازی، ص. ۶۱ـ ۶۲. *آثار الحجة یا تاریخ و دایرةالمعارف حوزهٔ علمیهٔ قم، جلد دوّم/* شیخ

محمد شریف رازی، ص. ۷۱ ـ ۷۲. *مجلس‌نشین قدس، یادوارهٔ پیشگام شهدای محراب، آیت‌الله قاضی طباطبایی* / شعردوست ص. ۹۲. واعظزادهٔ خراسانی، محمد، «ضایعهٔ درگذشت آیت‌الله العظمی گلپایگانی، مرجع عالیقدر جهان تشیع قدس‌الله سره الشریف»، مشکوة، ش. ۴۰ (پائیز ۱۳۷۲)، ص. ۱۷۰ ـ ۱۸۳. «رحلت آیت‌الله گلپایگانی»، کلک، ش. ۴۵ و ۴۶ (آذر و دی ۱۳۷۲)، ص. ۳۱۴. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۱۹۵ ـ ۱۹۶.

۶۱/۱ گلسرخی کاشانی، غلامرضا، حجت‌الاسلام

عالم روحانی

تولد ۱۳۱۱، کاشان.

درگذشت ۱۳۶۹.

حجت‌الاسلام غلامرضا گلسرخی کاشانی دروس مقدماتی و متوسطه را در کاشان گذراند. سپس وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد. به فداییان اسلام پیوست و هیچگاه اقدامات سیاسی را بیرون از رسالت خود نمی‌دانست تا آنکه در جلسات فداییان اسلام شرکت می‌جست و با شهید سید مجتبی نواب‌صفوی سر و سری داشت. در این عرصه به جرم دخالت در سیاست بارها مورد توبیخ قرار گرفت تا آنجا که شهریه‌اش قطع گردید. از وی مقالات متعددی در نشریات خصوصاً در مجلهٔ «مکتب اسلام» منتشر گردیده است. «شرح وی بر عهدنامهٔ مالک اشتر» از جلمه مقالات اوست. حجت‌الاسلام گلسرخی کاشانی صاحب کتابی است به‌نام: *بازیگران قرون: برهه‌ای از تاریخ در قالب یک داستان* (قم، ۱۳۶۰).

منبع: آینهٔ پژوهش، س. ۱، ش. ۳ (مهر و آبان ۱۳۶۹)، ص. ۱۰۶.

۶۲ محسنی ملایری، محمد باقر، آیت‌الله

عالم دینی

تولد ۱۳۲۴ ق.، نجف اشرف.

درگذشت ۲۲ مهر ۱۳۷۴، تهران.

آیت‌الله محمد باقر محسنی ملایری پس از گذراندن دورهٔ مقدمات و سطح حوزه نزد اساتیدی همچون آیت‌الله خراسانی، حاج شیخ حسن قرسی، آیت‌الله آقازاده خراسانی، ابوالقاسم قمی، میرزا مهدی اصفهانی و حاج آقا بزرگ حکیم‌الهی در حکمت و فلسفه تلمذ نمود. با تأسیس حوزهٔ علمیهٔ قم، به این شهر هجرت کرد و در محضر آیات عظام حائری یزدی و بروجردی به تحصیل پرداخت و به درجهٔ اجتهاد نایل آمد. وی دارای چهارده اجازهٔ اجتهاد از مراجع مسلم از جمله آیت‌الله اصفهانی بود.

آیت‌الله محسنی ملایری در رسیدگی به امور مردم اهتمام داشت و احداث حوزهٔ علمیهٔ باقریه، حسینیه و کتابخانه‌ای در ملایر از اموال شخصی خود و تعیین موقوفات برای آن را می‌توان از خدمات اجتماعی وی دانست.

از آثار قلمی ایشان گذشته از تقریر و تلخیص مطالب مستفاد از اساتید، رساله‌ای به نام *تطبیق الادیان* را می‌توان نام برد.

آیت‌الله محمد باقر محسنی ملایری در سن نود و دو سالگی پس از یک دوره بیماری و بر اثر سکتهٔ قلبی در بیمارستان ساسان درگذشت.

منابع: «آیت‌الله شیخ محمد باقر ملایری به رحمت ایزدی پیوست»، کیهان، ش. ۱۵۴۷۱ (۲۳ مهر ۱۳۷۴)، ص. ۲. «آیت‌الله محسنی ملایری دار فانی را وداع گفت»، اطلاعات، ش. ۲۰۶۰۲ (۲۳ مهر ۱۳۷۴)، ص. ۲.

۶۳ محلاتی، بهاءالدین، آیت‌الله

عالم دینی

تولد رجب ۱۲۷۵ (۱۳۱۳ ق.)، نجف.
درگذشت ۲۷ مرداد ۱۳۶۰، شیراز.

آیت‌الله بهاءالدین محلاتی، فرزند جعفر محلاتی، در همان کودکی مادر خود را از دست داد و در مدرسه‌ای به نام شریعت تحت نظارت آیت‌الله میرزا ابراهیم محلاتی و به سرپرستی آقا شیخ محمد حسین حیات، به مدت شش سال بسیاری از علوم مقدماتی را آموخت. پس از تحصیلات ابتدایی و دروس مقدماتی به مدت هشت سال نزد پدر خود و آیت‌الله میرزا محمد صادق مجتهد شیرازی سطوح فقه و اصول و در محضر علامه سیداسماعیل کازرونی حکمت و فلسفه را فرا گرفت.

در بیست سالگی قصد عزیمت به حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف را داشت و چون در بحبوحهٔ جنگ جهانی اول، عراق هم مانند ایران صحنهٔ تاخت و تاز نیروهای انگلیسی قرار گرفت، مراجع نجف برای بیرون راندن متجاوزان حکم جهاد صادر کردند. در پی این فتوا، پدرش و او نیز رهبری حرکت را بر عهده گرفته و لباس رزم بر تن کرد و همراه با ۷۰۰ مجاهد، به طرف برازجان حرکت کردند. این مبارزه ادامه داشت تا انگلیسی‌ها مجبور به عقب‌نشینی شدند. در سال ۱۳۴۲ ق. رهسپار نجف شد و مدت چند سال به تحصیل پرداخت. سپس از سوی محقق عراقی و محقق شیرازی برای وی اجازهٔ اجتهاد صادر شد. برخی از استادان ایشان در حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف عبارتند از: آیات عظام محمد حسین نایینی، ضیاءالدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی و شیخ محمد کاظم شیرازی.

پس از رسیدن به مقام اجتهاد، در سال ۱۳۴۹ ق. به شیراز برگشت. در سال ۱۳۴۹ ق. به ساماندهی حوزهٔ علمیهٔ شیراز، تدریس و دیگر مناصب روحانی خویش پرداخت. با درگذشت پدرش در ۱۳۵۸ ق. رسماً ریاست حوزهٔ علمیهٔ شیراز را عهده‌دار شد. وی همچنین در مسجد مولا نیز به وعظ و سخنرانی می‌پرداخت. از دیگر اقدامات آیت‌الله محلاتی تشکیل جلسات منظم بحث و بررسی اصول عقاید بود که در حدود سال‌های ۱۳۳۸ ـ ۱۳۳۹ و با شرکت دانشگاهیان و فرهنگیان، در شب‌های دوشنبه و پنجشنبه برگزار می‌شد. بعدها این گردهمایی نام «انجمن دین و دانش» به خود گرفت و آن درس‌ها به نام راهنمای حق، به‌عنوان یازدهمین نشریهٔ انجمن منتشر شد.

تا قبل از وفات آیت‌الله سید حسین بروجردی، آیت‌الله محلاتی از چاپ و نشر رسالهٔ عملیه خودداری می‌ورزید و مردم را به مراجع قم و نجف ارجاع می‌داد. اما پس از وفات آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله حکیم، توضیح‌المسائل خود را منتشر کرد. آیت‌الله محلاتی به غیر از تقریرات درس فقه و اصول استادان خود و رساله‌های فتوایی مانند ***رسالهٔ عملیه***، ***مناسک حج*** و ***حاشیهٔ عروةالوثقی***، نوشتارهای دیگری مانند ***اصول عقاید*** (شیراز، ۱۳۲۵)؛ ***راهنمای حق*** (تهران، جلد اول، چاپ دوم، ۱۳۲۹) و ***خطبات جانسوز*** (شیراز، ۱۳۳۸) را تألیف کردند. آیت‌الله محلاتی به تأسیس بنیادهای عام‌المنفعه و مؤسسه‌های خیریه اهتمام می‌ورزید که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است: درمانگاه خیریهٔ حضرت ولی‌عصر (۱۳۴۶، شیراز)؛ مؤسسه خیریهٔ قائمیه (۱۳۵۴)؛ کوی امام علی (شیراز).

منابع: انصاری قمی، ناصرالدین، «آیت‌الله حاج شیخ بهاءالدین محلاتی»، مسجد، ش. ۱۶، ص. ۷۵. *گنجینهٔ دانشمندان*، *جلد پنجم*/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۴۵۸ ـ ۴۵۹. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*/ خانبابا مشار، ج. ۲، ص. ۱۲۶ ـ ۱۲۷.

۶۴ محلاتی، ذبیح‌الله، علامه

فقیه، محقق

تولد ۱۲۷۱ (۱۳۱۰ ق.)، محلات.[۱]
درگذشت اسفند ۱۳۶۴.

علامه حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی مقدمات تحصیل را نزد شیخ عبدالحسین کبیر در محلات به‌پایان رسانید. سپس همراه با مادرش عازم نجف اشرف شد و در آنجا از محضر رجال علم و حدیث و دِرایه سود برد و در درس خارج اساتیدی چون شیخ مرتضی طالقانی، عبدالرحمان قزوینی، آیت‌الله عبدالحسین رشتی، آیت‌الله اصطهباناتی، حجت‌الاسلام سید محمد فیروزآبادی، آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری، شیخ محمد جواد بلاغی، فاضل نیشابوری، شیخ صادق بروجردی، آیت‌الله نایینی، آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید حسن صدر شرکت کرد. وی با اتمام تحصیلات، پس از یازده سال اقامت در نجف اشرف به سامرا رفت. در آنجا نزد آیت‌الله میرزا محمد تهرانی و آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی باقی ماند و به تدریس در حوزهٔ سامرا و مدرسهٔ میرزای شیرازی پرداخت. در همین شهر است که به فعالیت تحقیقاتی نیز پرداخت که حاصل آن دو اثر است به نام‌های ***مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء*** در دوازده جلد به زبان عربی (سه جلد آن در تهران به چاپ رسیده است) و ***الکلمة التامه فی تراجم اکابر العامه*** به فارسی در پنج جلد. دورهٔ اقامت وی در شهر سامرا نزدیک به بیست و پنج سال به طول انجامید. وی در سال ۱۳۲۷ به تهران بازگشت.

از جمله آثار قلمی ایشان است: دایرةالمعارف شش جلدی ***ریاحین الشریعه*** (به فارسی و حاوی شرح حال بانوان دانشمند شیعه در زمینهٔ علم و ادب و مذهب در تاریخ اسلام)؛ ***الحق المبین*** (در قضاوت‌های امیرالمؤمنین؛ این کتاب به کرات به چاپ رسیده است)؛ ***اختران تابناک*** (در دو جلد)؛ ***فرسان الهیجاء*** (در ترجمه سیدالشهدا به ترتیب حروف در دو جلد)؛ ***قرة العین فی حقوق الوالدین***؛ ***وقایع الایام*** (دو جلد)؛ ***لطایف الحکایات*** یا داستان‌های آموزنده (مشتمل بر ۳۰۳ حکایت در ۵۷۶ صفحه در دو جلد)؛ ***کشف الاشتباه*** (در کجروی‌های اصحاب خانقاه)؛ ***کشف الهاویه*** (در احوال و مظالم معاویه)؛ ***کشف حقیقت*** (مشتمل بر فتاوای اهل سنت و در شرح حال بزرگان اهل سنت ابوحنیفه و مالک و شافعی و حنبلی)؛ ***کشف الغرور*** (در مفاسد بی‌حجابی و زیان آن)؛ ***کشف المغیبات*** (مشتمل بر اخبار غیبیه امیرالمؤمنین(ع))؛ ***کشف الغاشیه*** (در زندگانی و هویت ام المؤمنین عایشه)؛ ***کشف البنیان*** (در ترجمه عثمان بن عفان)؛ ***کشف العثار*** (در مفاسد شراب و قمار)؛ ***کشف الاکاذیب*** (در عجز خلیفهٔ دوم از پاسخ به مسائل)؛ ***کشف الخفاء*** (در خصوص تذکرة الاولیاء)؛ ***کشف المنافع*** (در منافع و خواص حیوانات، نباتات و جمادات)؛ ***کشف بیماری*** (در خصوص صحیح بخاری)؛ ***کشف زردشتی از طریقهٔ «زردشتی»***؛ ***کشف التهمه***؛ ***مطلوب الراغب*** (در احکام ریش و شارب)؛ ***السیوف البارقه*** (در رد صوفیه)؛ ***نار الله الموقده علی الکافرین*** (یا جنگ‌های امیرالمؤمنین)؛ ***قلائد النحور*** (در حوادث ایام و شهور مشتمل بر وقایع دوازده ماه در هشت جلد)؛ ***مجالس الواعظین*** (در چهار جلد)؛ ***شمس الضحی*** (در نقل و تحویل سر مبارک سیدالشهداء)؛ ***شرافة الاسخیاء و رذالة البخلاء***؛ ***ضرب شمشیر بر منکر خطبه غدیر***؛ ***طعن سنان*** (در مناقشات احکام القرآن سید ابوالفضل برقعی)؛ ***المعالی*** (در احیاء العلوم غزالی)؛ ***امثال القرآن***؛ ***بیاض*** (در اشعار متفرقه)؛ ***خیر الکلام*** (دو جلد در خصوص سید احمد کسروی)؛ ***صندوق النفایس***؛ ***کشکول***؛ ***مجموعهٔ کبیری***

---

۱. در برخی از منابع تاریخ تولد علامه ذبیح‌الله محلاتی ۱۲۷۴ ذکر شده است.

(عربی و فارسی)؛ ***نعم النصیر*** (ترجمهٔ بعضی از قسمت‌های کتاب الغدیر).

منابع: اختران فروزان ری و طهران یا تذکرة المقابر فی احوال المفاخر/ حاج شیخ محمد شریف رازی، ص.۱۹۸ــ۱۹۹. کیهان فرهنگی. *فرهنگ داستانویسان ایران*/ حسن عابدینی، ص.۱۴۱. «زندگینامه مرحوم علامه حاج شیخ ذبیح‌الله محلاتی»، گزارشنامهٔ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ش.۱۲ و ۱۳ (آبان و آذر ۱۳۷۵)، ص.۲۶ــ۲۹.

۶۵ محمدی لائینی، حسین، آیت‌الله

عالم دینی

تولد ۱۳۰۳ (حدود ۱۳۴۴ ق.)، روستای ملامحمد هزار جریب، از توابع بهشهر.

درگذشت ۱۶ مهر ۱۳۷۲ (۲۱ ربیع الثانی ۱۴۱۴)، قم.

آیت‌الله حسین محمدی لائینی هشت ساله بود که پدرش را که در حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف تحصیل می‌کرد از دست داد و تحت سرپرستی مادرش دروس ابتدایی را فرا گرفت. سپس به حوزهٔ علمیهٔ آیت‌الله کوهستانی رفت و در آنجا به یادگیری علوم اسلامی پرداخت، رسائل و مکاسب را نزد آن مرد بیاموخت. پس از آن برای تکمیل دانش خود به حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف شتافت و مدت دوازده سال از درس کفایهٔ آیت‌الله حسن یزدی و خارج فقه آیت‌الله سید محمود شاهرودی و اصول آیت‌الله هاشم آملی (دو دوره) بهره گرفت و با اخذ اجازات متعدد اجتهاد از مراجع نجف به زادگاه خویش بازگشت و به دعوت آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی مدت‌ها به تدریس در حوزهٔ علمیهٔ وی پرداخت. او در مبارزات مردم در انقلاب اسلامی شرکت داشت و پس از پیروزی انقلاب، دو بار از سوی مردم به نمایندگی استان مازندران در مجلس خبرگان انتخاب گردید و تا پایان عمر بر این سمت بود.

آیت‌الله حسین محمدی لائینی سرانجام پس از بیماری، در هفتاد سالگی در عصر جمعه شانزدهم مهر ۱۳۷۲ (بیست و یکم ربیع الثانی ۱۴۱۴ ق.) درگذشت و پس از تشییع در نکا و قم، در صحن حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

منبع: «درگذشت مرحوم آیت‌الله محمد لائینی»، آینهٔ پژوهش، س.۴، ش.۲۱ (مهر و آبان ۱۳۷۲)، ص.۱۰۵.

۶۶ مدرس گرجی، عبدالله، ملا

عالم دینی

تولد ۸ ذیقعدهٔ ۱۳۱۳ ق.

درگذشت ۵ بهمن ۱۳۶۳، سنندج.

ملا عبدالله مدرس گرجی، فرزند عبدالکریم مدرس گرجی، تحصیلات مقدماتی را نزد برادرش محمد شروع و بعدها در محضر ملا عبدالعظیم مجتهد و چند تن دیگر از علمای کردستان به پایان رساند و به دریافت اجازه موفق شد که این اجازات و مدارک او بعدها به تصویب و تأیید وزارت معارف و اوقاف نیز رسید. او تا پایان عمر مرتباً به تدریس و تحشیه و تألیف و مطالعه و یادداشت نکات علمی و ادبی و نیز امامت و ارشاد مردم سنندج در مسجد ملاویسی مشغول بود. وی در تصوف و عرفان نیز دارای مقام بود.

ملا عبدالله مدرس گرجی در تمام رشته‌های علمی و ادبی و دینی از صرف و نحو و منطق و کلام و تفسیر و حدیث و غیره وارد بود و آنها را تدریس می‌فرمود. فهرست آثار وی به این شرح است: رساله‌ای در ***ابطال جواز الصلاة فی‌الحضر بلا وجود عذر و المطر*** به عربی؛ رساله‌ای در منطق به فارسی

با تفریظ ملا خالد مفتی‌زاده و ملا عبدالمجید اصولی؛ رساله‌ای در پیام به برادران دینی و خطاب به عموم مسلمانان جهان به فارسی که به تفریظ سید عبدالعزیز شیخ‌الاسلام کردستان و ادیب حبیب‌الله کاشتری رسیده است؛ ***کشف الغوایه*** در رد شبهات؛ رساله‌ای به فارسی در ***حساب و جبر***؛ رساله‌ای به فارسی دربارهٔ ***وجوب حجاب در اسلام***؛ رساله‌ای در ***مناسک حج*** ؛ ***مولودنامهٔ کردی***؛ ***تحقیق النسخ*** در رد معترضین نصاری؛ و چند کتاب دیگر.

منابع : دانشمندان کُرد در خدمت علم و دین / عبدالکریم مدرس، ترجمهٔ احمد خواری نسب، چاپ اول، ص. ۵۳۲. *تاریخ مشاهیر کرد عُرفا، عُلما، اُدبا، شُعراء، جلد دوم /* بابا مردوخ روحانی «شیوا»، ص. ۴۸۰.

مدرس یزدی، مهدی، آیت‌الله　　۶۶/۱

عالم علوم دینی

تولد ۱۲۸۷، یزد.

درگذشت ۱۸ شهریور ۱۳۷۱.

آیت‌الله مدرس یزدی تحصیلات مقدماتی را در یزد سپری کرد و در سیزده سالگی وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد. پس از تکمیل تحصیلات حوزوی راهی نجف اشرف گردید و چندین سال در عتبات عالیات به تعلیم و تربیت پرداخت. سپس مجدداً به قم مراجعت فرمود و در این شهر به تدریس خارج فقه و اصول و اقامهٔ نماز جماعت مشغول شد. پس از چند سالی بنا به اصرار جمعی از مردم، به تهران آمد و در محلهٔ امامزاده یحیی رحل اقامت گزید. اقامتشان در این محله متجاوز از نیم قرن طول کشید که در این مدت علاوه بر اقامه جماعت در تعدادی از مساجد محل به تدریس خارج فقه و اصول در مدارس علمیه، سپهسالار(مروی قدیم)، حاج ابوالحسن و...پرداخت.

آیت‌الله مدرس یزدی از مراجع عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آقا حسین طباطبایی بروجردی، آقا سید محمد تقی خوانساری گواهی اجتهاد داشت.

از ایشان رسائل و تقریرات زیادی به جای مانده به‌استثنای ***دیوان شعر*** شامل مباحث علمی پیرامون فقه و اصول می‌باشد. حواشی بر کتب شریف ***عروةالوثقی***، ***رسائل*** و ***مکاسب*** نیز از دستاوردهای زندگانی حضرت علامه می‌باشد.

آیت‌الله حاج شیخ مهدی مدرس یزدی پس از هشتاد و سه سال زندگی دار فانی را وداع گفت.

منبع : «درگذشت آیت‌الله مدرس یزدی»، آینهٔ پژوهش، س. ۳، ش. ۱۵ (مهر و آبان ۱۳۷۱)، ص. ۱۱۴ ـ ۱۱۵.

مدنی، اسدالله، آیت‌الله　　۶۷

عالم دینی

تولد ۱۲۹۳، دهخوارقان (آذر شهر)، از توابع تبریز.[۱]

شهادت ۲۰ شهریور ۱۳۶۰، تبریز.

آیت‌الله سید اسدالله مدنی، فرزند آقامیرعلی، در سن شانزده سالگی پدر خود را از دست داد و چون پیش از این مادرش را نیز از دست داده بود، به ناچار سرپرستی سه کودک و نامادری‌اش را عهده‌دار شد. چندی بعد وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد و پس از گذراندن دورهٔ سطح نزد آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی و آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی، حدود چهار سال به تحصیل درس فلسفه در محضر امام خمینی (ره) پرداخت و همچنین در جلسات درس آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله سید

۱. در *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* تاریخ تولد آیت‌الله سید اسدالله مدنی ۱۲۹۲ درج شده است.

محمد تقی خوانساری شرکت کرد. استادان دیگر او آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی بودند.

مبارزات سیاسی خود را نیز از همان دوران طلبگی علیه رژیم پهلوی آغاز کرد و به علت مخالفت با کاپیتولاسیون از قم به ممسنی نورآباد تبعید شد و پس از تبعید در سال ۱۳۶۳ ق. به زیارت خانهٔ خدا رفت و پس از اتمام حج بی‌درنگ به نجف عزیمت و تحصیل و تدریس خود را در آنجا شروع کرد و در درس‌های آیت‌الله خویی شرکت نموده و روزانه چندین جلسه درس از کفایه، رسائل، مکاسب و لمعه را برای طلاب تدریس می‌نمود. در نجف در فعالیت‌های عمرانی و مذهبی و نیز در راهپیمایی‌ها و سایر مسائل ایران پیش قدم بود. در بیست و یکم بهمن ۱۳۵۷ که تعدادی از تانک‌های دشمن از کرمانشاه به تهران عازم بودند، وی به اتفاق سی هزار جمعیت با دست خالی کفن‌پوش به مقابله با آن‌ها پرداختند و با دادن تعدادی شهید و مجروح موفق می‌شوند تانک‌ها را از حرکت بازداشته و سربازان را که تعدادشان ۵۰۰ نفر بود خلع سلاح نمایند و تمام آنها را در منزل خود تغییر لباس داده و پذیرایی می‌کند و به آنها می‌گوید که: بروید به امید خدا هر موقع انقلاب پیروز شد خودتان را معرفی کنید.» بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و پس از رحلت آخوند ملاعلی معصومی، آیت‌الله مدنی دوباره بعد از اقامت کوتاهی در قم راهی همدان شد. در انتخابات مجلس خبرگان شرکت نمود و از سوی مردم همدان به مجلس راه یافت و در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقش داشت. وی همچنین امامت جمعه و نمایندگی امام خمینی (ره) را در همدان ـ طبق حکم بیست و یکم مهر ۱۳۵۸ ایشان ـ به‌عهده داشت. بعد از شهادت آیت‌الله محمد علی قاضی طباطبایی به حکم رهبری، امام جماعت شهر تبریز شد. نقش آیت‌الله مدنی در ادارهٔ امور استان آذربایجان و جریان حزب خلق مسلمان که توانسته بود قدرتی در تبریز برای خود دست و پا کند، مهم بود. وی با هم‌یاری مردم آنها را از صحنهٔ سیاست منطقه بیرون کرد. به همین سبب چندین بار به وی سوءقصد شد.

از جمله خدمات ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود: احداث مهدیه، صندوق قرض‌الحسنه و درمانگاه در مهدیه همدان؛ بنای حسینیه و احداث حمام و مسجد و مدرسه و کتابخانه و قرض‌الحسنه‌ای در دره مراد بیک؛ راه‌اندازی صندوق قرض‌الحسنه در قصرشیرین؛ اداره حوزهٔ علمیهٔ کمالیهٔ خرم آباد؛ احداث هجده دستگاه خانه در یکی از روستاهای بوئین زهرا؛ ساختن مسجد بزرگی در نورآباد ممسنی. او در جبهه‌های دفاع مقدس هم حضور داشت (همچنین در جریان شکستن حصر سوسنگرد).

آیت‌الله مدنی روز بیستم شهریور ۱۳۶۰ بعد از نماز جمعه تبریز به شهادت رسید و پیکرش را در جوار حرم حضرت معصومه (س) به‌خاک سپردند.

منابع: *شهید مدنی، جلوهٔ اخلاص*/ سعید عباس‌زاده. *گنجینهٔ دانشمندان، جلد پنجم*/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۲۳ ــ ۲۴. *شهدای روحانیت شیعه در یک‌صد سالهٔ اخیر، جلد اوّل*/ علی ربانی خلخالی، چاپ اوّل، ص. ۵۷۱ ــ ۵۷۲. «اولین شهید محراب آیت‌الله حاج اسدالله مدنی»، فصلنامهٔ همدان، س. ۱، ش. ۱ (بهار ۱۳۷۴). ص. ۵۷.

عالم دینی

تولد ۲۳ محرم ۱۳۲۱ ق.، کاشان.[۱]

۱. تاریخ تولد آیت‌الله مدنی کاشانی در کتاب *فهرست مستند*

درگذشت ۶ تیر ۱۳۷۱.

آیت‌الله رضا مدنی کاشانی، فرزند عبدالرسول کاشانی، از همان اوان کودکی تا حدود بیست سالگی در زادگاه خود کاشان به تحصیل علوم دینی پرداخت و در این سال‌ها از محضر کسانی چون پدرش آیت‌الله محمد عبدالرسول مدنی و جدش آیت‌الله ملا حبیب‌الله شریف بهره برد. با آمدن آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به قم، ایشان نیز به قم رفت و در حوزهٔ درس آیت‌الله حائری یزدی راه یافت. طولی نکشید به مقام اجتهاد دست یافت. وی در سال ۱۳۵۹ ق. بر حسب دستور پدر خود و درخواست برخی از اهالی کاشان به وطن خود بازگشت. از آثار اوست: ***توضیح التقریرات فی بحث الخیارات*** (عربی، شرح بر خیارات متأجر شیخ مرتضی انصاری، تقریر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، جزء اول)؛ ***الدرة المضیئة فی احکام انیة الذهب و الفضة***؛ ***رساله در حجاب زنان***؛ ***فرائض المقلدین*** (۱۳۷۶ ق.)؛ ***کتاب ربا***؛ ***کشف الاستار عن حکم المغرب و الاستتار*** (۱۳۷۵ ق.)؛ ***کشف الحقایق عن الرد علی الزندیق و المنافق*** (دو جلد، ۱۳۷۱ ــ ۱۳۷۳ ق.)؛ ***منتخب الرسائل***، ***رسالهٔ عملیه***.

منابع: راستگو، محمد، «در بارهٔ آیت‌الله حاج آقا رضا مدنی کاشانی»، کیهان (۷ تیر ۱۳۷۱)، ص. ۶. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۱۹۸ ــ ۱۹۹.

مرادی، فیض‌الله، ملا ۶۹

عالم دینی

تولد ۱۰ مهر ۱۲۹۰، قریهٔ بیساران از قراء ژاورودسنندج.

درگذشت ۲۸ تیر ۱۳۶۴، سنندج.

ملا فیض‌الله مرادی، فرزند ابوالمحمد، دوران کودکی را تا ده سالگی در کشاورزی به پدرش کمک می‌کرد و چون علاقه‌مند به تحصیل علم گردید قرآن را نزد ملا شریف بیسارانی ختم کرد و رساله‌ها و کتب کوچک مقدماتی فارسی را نیز تمام نمود. آنگاه عزم سفر کرد و ابتدا در محضر سید عنایت‌الله مدرس صرف و نحو را فرا گرفت. پس از چندی به قریهٔ اویهنگ رفت و نزد ملا محمد صادق امامت تحصیل خود را دنبال کرد. بعد به قرای نژمار و بالک، از توابع مریوان، رفت و از محضر مدرسان آنجا نیز مدت‌ها کسب فیض نمود و به سطوح بالا رسید، سپس به قریه چنگنیان واقع در منطقه شارباژیر سلیمانیهٔ عراق رفت و در محضر ملاعارف تعلم نمود. بعد به شهر سلیمانیه وارد شد و در مسجد کاک احمد شیخ در حضور ملا عبدالله مشغول به فراگیری شد. پس از گذشت هشت سال دوری از خانواده به ایران بازگشت و برای تکمیل علم خود نزد علامهٔ ملا عبدالعظیم مجتهد به تحصیل پرداخت تا سرانجام اجازه وی توسط ملا محمد مدرس گرجی صادر شد. در این هنگام به زادگاهش بیساران مراجعت نمود و یک سال در بیساران و نه سال قریهٔ کیلانه به تدریس مشغول بود. بعد از آن به قریه سراب قامیش نقل مکان کرد و قریب بیست سال نیز در این قریه به امامت و تدریس و امر کشاورزی مشغول بود. در سال ۱۳۵۰ به سنندج آمد و در آنجا رحل اقامت افکند و تا دم مرگ بیش از چهارده سال دیگر در مسجد سید مصطفی به تدریس و امامت مشغول بود.

پیکر ملا فیض‌اله مرادی پس از فوتش در سال ۱۳۶۴ در آبادی سراب قامیش به خاک سپرده شد.

منابع: تاریخ مشاهیر کرد عُرفا، عُلما، اُدبا، شُعراء، جلد دوم/ بابا مردوخ روحانی «شیوا»، ص. ۴۸۰. ***دانشمندان کرد در خدمت علم و دین***/ عبدالکریم مدرس، ترجمهٔ احمد

اسامی مشاهیر و مؤلفان ۱۲۸۲ آمده است.

حواری نسب، ص. ۵۵۶.

مرعشی‌نجفی، شهاب‌الدین، آیت‌الله‌العظمی ۷۰

مرجع تقلید، محقق، عالم دینی

تولد ۱۲۷۶ (۲۰ صفر ۱۳۱۵ ق.)، نجف اشرف.[۱] درگذشت ۷ شهریور ۱۳۶۹ (۷ صفر ۱۴۱۲ ق.)، قم.

آیت‌الله‌العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، فرزند سید شمس‌الدین، آموزش‌های اولیه خود را نزد پدر و جده‌اش آغاز کرد. پس از این در حوزه‌های درس اساتید شرکت کرد. دروس مقدماتی را نزد پدر، شیخ مرتضی طالقانی، شیخ محمدحسین سدهی اصفهانی نجفی، شیخ شمس‌الدین شکوئی قفقازی، سید محمد کاظم خرم‌آبادی نجفی، میرزا محمود معلم و نیز جدهٔ خود بی‌بی شمس شرف بیگم طباطبایی فرا گرفت. وی تجوید و قرائت قرآن را از میرزا ابوالحسن مشکینی نجفی، پدرش سید شمس‌الدین مرعشی نجفی، سید آقا شوشتری، شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی و شیخ نورالدین بکتاشی شافعی آموخت. علم انساب را از پدر خود و از سید محمدرضا موسوی بحرانی و سیدمحمد مهدی غریقی صائغ و تفسیر قرآن را از پدر و از شیخ محمد حسین شیرازی، سید هبةالدین شهرستانی و سیدابراهیم رفاعی شافعی بغدادی و فقه و اصول را از پدر خود و از شیخ مرتضی طالقانی، سیدمحمدرضا مرعشی رفسنجانی، شیخ غلامعلی قمی، ابوالحسن مشکینی نجفی، سید آقا شوشتری، میرزا حبیب‌الله اشتهاردی، میرزا محمد تهرانی، میرزا محمدعلی کاظمینی، شیخ عبدالحسین رشتی، میرزا آقا سید ابراهیم اصطهباناتی، شیخ موسی کرمانشاهی، شیخ نعمت‌الله لاریجانی، سید علی طباطبایی یزدی، شیخ محمدحسین شیرازی، میرزا محمود شیرازی، سید جعفر بحرالعلوم، سید محمد کاظم خرم‌آبادی و عباس خلیلی و علوم ریاضی و هیئت را از شیخ عبدالکریم بوشهری، سید ابوالقاسم موسوی خوانساری، دکتر عندلیب‌زاده، میرزا محمود اهری، محمد محلاتی، شیخ عبدالحمید رشتی، احمد منجم، سید محمد کاظم عصار، جمال‌الدین کرباسی و علم طب را از پدر و از محمدعلی خان مؤیدالاطباء و علم رجال و درایه و حدیث را از پدر و از سید ابوتراب خوانساری، شیخ عبدالله مامقانی، شیخ محمد حرزالدین نجفی، میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی و میرزا ابوالهدی کرباسی؛ فقه و اصول استدلالی را از آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سید احمد بهبهانی، شیخ احمد کاشف الغطاء، شیخ علی اصغر ختایی تبریزی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ علی بن باقر نجفی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، شیخ عبدالنبی نوری، سید ابراهیم اصطهباناتی، حسین نجم‌آبادی، آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی، سید علی یثربی کاشانی و محمدرضا مسجدشاهی فرا گرفت. آنگاه در شهرهای سامرا و کاظمین مدت سه سال فقه و حدیث و رجال را از آیت‌الله سید حسن صدر و اصول را نزد آیت‌الله شیخ مهدی خالصی آموخت و بعد از مراجعت به نجف اشرف علم کلام را نزد آیت‌الله شیخ محمد جواد بلاغی، شیخ محمد اسماعیل محلاتی، سید هبةالدین شهرستانی، علی اکبر یزدی، پدر خود و دیگران آموخت.

آیت‌الله مرعشی موفق به دریافت بیش از چهار صد اجازهٔ روایتی و تعدادی اجازات اجتهاد و اجازات

---

۱. در برخی از منابع تاریخ تولد وی را ۲۲ صفر ۱۳۱۸ نوشته‌اند که ظاهراً درست نیست. زیرا پدر بزرگوارش (آیت‌الله سیدشمس‌الدین مرعشی) اولاً در پشت یک جلد کلام‌الله مجید ثانیاً در یادداشت‌های خویش راجع به خاندان مرعشی، به خط خود تولد او را ۲۰ صفرالمظفر ۱۳۱۵ ثبت کرده است.

نفسی از مشایخ دیگر گردید که اجازات کتبی وی در کتاب ***المسلسلات فی الاجازات*** آمده است.

آیت‌الله مرعشی نجفی در بیست و یکم محرم ۱۳۴۲ از نجف به ایران آمد و پس از سفری به مشهد و تهران و شهر ری، به قم سفر کرد و به سبب درخواست آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی در قم ساکن شد و مدتی هم در جلسات درس ایشان و حوزه‌های درس آیت‌الله حاج شیخ مهدی حکمی قمی، آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و علی اکبر مدرس یزدی، معروف به حکیم الهی و دیگر علما شرکت کرد.

آیت‌الله مرعشی نجفی از زمان ورود به قم، در کنار آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به تحکیم پایه‌های حوزهٔ نوپای قم پرداخت. ورود وی به ایران و قم مصادف بود با آغاز زمامداری رضا شاه بود که با مظاهر اسلام و تشیع به مبارزه برخاسته بود. او در مقابل فشارها و ضربات رضا شاه علیه حوزه و روحانیت مردانه ایستاد و جلسات درس او منظم بین شش تا هفت جلسهٔ درس در مدرسهٔ فیضیه، صحن و حرم حضرت معصومه (س) برقرار می‌شد. به این ترتیب وی را می‌توان یکی از مؤسسان حوزهٔ علمیهٔ قم به شمار آورد که تا هنگام رحلت آیت‌الله حائری یزدی، همگام با ایشان فعالیت کرد. پس از رحلت آیت‌الله حائری یزدی نیز در جهت حفظ و بقای حوزه کوشش کرد. در آن زمان حلقه‌های دروس خارج فقه و اصول خود را تشکیل داد.

آیت‌الله مرعشی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در ۱۳۸۰ ق. جزو معدود مجتهدانی بود که به‌عنوان مرجعیت شیعه انتخاب گردید و از آن پس به‌عنوان یکی از ارکان اصلی حوزه و جهان تشیع درآمد و به سهم خویش در ادارهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم شرکت نمود. وی بیشتر از هفتاد سال به تدریس در حوزهٔ علمیهٔ قم مشغول بود.

آثار و تألیفات وی به این شرح است: ***تعلیقات احقاق الحق*** قاضی نورالله مرعشی شوشتری شهید که بیست و هفت جلد آن منتشر شده و تا پنجاه جلد می‌رسد؛ ***مشجرات آل رسول‌الله الاکرام (ص)***؛ ***شرح و حاشیه بر عمدةالطالب*** (در چند مجلد)؛ ***طبقات النسابین***؛ ***الهدایة فی معاضل الکفایة***؛ ***حواشی رسائل شیخ مرتضی انصاری***؛ ***المسلسلات فی الاجازات***؛ ***مسارح الافکار فی مطارح الانظار*** (حاشیه بر تقریرات شیخ انصاری)؛ ***المعول فی امر المطول***؛ ***الوقت و القبلة***؛ ***الرد علی مدّعی التحریف***؛ ***مصطلحات فقهیّه***؛ ***الغایة القوی***؛ ***سلوة الحزین و مونس الکئیب***؛ ***المشاهد و المزارات***؛ ***القصاص عَلیٰ صوء القرآن و السنته*** (به قلم عادل علوی، ۱۳۷۴).

از خدمات فرهنگی آیت‌الله مرعشی نجفی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ساختن مدارس علوم دینی و تعمیر آنها در قم مدارس مهدیه در خیابان باجک، مؤمنیه در خیابان چهارمردان، شهابیه در خیابان امام خمینی، مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق قم)؛ ساخت و تعمیر و بازسازی مساجد در ایران و جهان؛ ساخت و تعمیر بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان کامکار در قم، درمانگاهی در بیمارستان نکویی قم، آسایشگاه معلولین در قم، ساختمان بخش قلب بیمارستان نکویی، مرکز توانبخشی بهزیستی واقع در میدان امام خمینی قم که دارالشفای آل محمد (ص) نیز نامیده می‌شود؛ تأسیس کتابخانه، با خرید قطعه زمینی به مساحت ۱۵۰۰ متر مربع مقابل مدرسهٔ مرعشیه در خیابان آیت‌الله مرعشی (ارم سابق) کتابخانه‌ای با زیربنای ۳۵۰۰ متر در پنج طبقه ساخته شد که در نیمهٔ شعبان ۱۳۴۹ با حدود ۱۶۰۰۰ جلد کتاب چاپی و خطی افتتاح گردید. بعدها طبق حکم حضرت امام (ره) دولت قطعه زمینی در کنار کتابخانه با مساحت ۲۴۰۰ مترمربع فراهم و در اختیار تولیت

کتابخانه قرار داد. در توسعهٔ جدید ۱۶۰۰۰ مترمربع زیربنا در هفت طبقه با ظرفیت سه میلیون جلد کتاب چاپی و بیش از ۱۲۰۰۰۰ جلد کتاب خطی ملحوظ شده است.

این کتابخانه (تا سال ۱۳۷۴) نزدیک به ۵۰۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی، ۲۵۰۰۰ مجلد با ۵۰۰۰۰ عنوان نسخهٔ خطی، بیش از ۲۰۰۰۰ جلد کتاب چاپی به زبان‌های لاتین، نزدیک به ۵۰۰۰ جلد نسخه عکسی، حدود ۸۰۰۰ میکروفیلم و بیش از هزار عنوان روزنامه و نشریه دارد. همچنین مجهز به دستگاه‌های مدرن آتش‌نشانی، مبارزه با آفات طبیعی، دستگاه‌های قرنطینه و آفت‌زدایی است.

آیت‌الله مرعشی نجفی پیش از فوت چند بار در بیمارستان‌های قم و تهران بستری شد و دو بار هم برای درمان به خارج از کشور یعنی اسپانیا و انگلستان مسافرت نمود. اما سرانجام در شامگاه روز چهارشنبه هفتم ماه صفر ۱۴۱۲ برابر با هفتم شهریور ماه ۱۳۶۹ در سن نود و شش سالگی، پس از اقامهٔ آخرین نماز جماعت در صحن حضرت فاطمهٔ معصومه(س) و بازگشت به منزل گرفتار حمله و سکتهٔ قلبی شد و درگذشت. پیکر وی در کتابخانهٔ عمومی خود ایشان دفن گردید.

منابع: بر ستیغ نور/گوشه‌هایی از زندگی وصیتنامه الهی ـ اخلاقی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)/ علی رفیعی (علا مرودشتی)، چاپ اوّل. *گنجینهٔ دانشمندان، جلد یکم/* شیخ محمد شریف رازی، ص.۵۱ـ۵۹ و ص.۲۱۱ـ۲۱۹. *گنجینهٔ دانشمندان، جلد دوم/* شیخ محمد شریف رازی، ص.۳۷ـ۵۲ و ۲۶۰ـ۲۶۱. *مجلس‌نشین قدس، یادوارهٔ پیشگام شهدای محراب، آیت‌الله قاضی طباطبایی/* شعردوست، با مقدمه‌ای از حجت‌الاسلام سید حسین موسوی تبریزی، چاپ اوّل، ص.۵۳ـ۵۶ و ص.۲۱۲ـ۲۱۵. *آثار الحجة یا تاریخ و دایرةالمعارف حوزهٔ علمیهٔ قم دینی ـ تاریخی ـ رجالی ـ ادبی ـ اجتماعی؛ جلد دوم/* شیخ محمد شریف رازی، ص.۴۶ـ۵۳. *گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوم/* احمد گلچین معانی، ص.۶۹۵ـ۷۰۲. *فرازهایی از وصیت‌نامهٔ الهی ـ اخلاقی.*

مرندی، علی اکبر، آیت‌الله　　۷۱

عالم دینی

تولد ۱۲۷۳، مرند.

درگذشت ۱۳۷۳.

آیت‌الله علی اکبر مرندی مقدمات دروس را نزد پدر خود فراگرفت و در بیست و دو سالگی برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و پس از بیست و سه سال تحصیل در نجف و رسیدن به درجهٔ اجتهاد به مرند مراجعت و ضمن اقامهٔ نماز در مسجد قیام مرند، به تدریس علوم دینی نیز اشتغال ورزید. رسیدگی به مسائل دینی اهالی مرند نیز از اهم وظایف وی بود. وی در عرفان نیز مقام والایی داشته است.

منبع: کیهان فرهنگی، س.۱۱، ش.۲، ص.۵۰.

مستنبط، نصرالله، آیت‌الله　　۷۲

عالم دینی

تولد ۱۳۲۷ ق.، تبریز.

درگذشت اردیبهشت ۱۳۶۴.

آیت‌الله سید نصرالله مستنبط تا حدود بیست سالگی سطح را تماماً و مقداری از خارج فقه را در تبریز خواند و در حدود ۱۳۴۷ ق. به قم رفت و مدت شش سال در آنجا دورهٔ خارج صلوة آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی و خارج مکاسب و خارج اصول آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای را پشت سر گذاشت و

با اجازه اجتهاد از قم مراجعت و در حدود سال ۱۳۵۳ ق. در نجف اشرف ساکن شد و در بحث اصول و فقه آیت‌الله ضیاءالدین عراقی شرکت کرد، در بحث حج و کتاب طهارة نیز از درس آیت‌الله اصفهانی استفاده نمود و بعد از دو ماه از ورود به نجف از محضر آیات عظام آیت‌الله اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی مفتخر با اخذ اجتهاد گردید و بعد از فوت این دو استاد تا سال ۱۳۴۷ ق. مشغول به تدریس خارج فقه و اصول و کلام بود. تألیفات و آثار وی به قرار ذیل است: ***معارف‌الاسلام در اصول عقاید***؛ ***رساله در لباس مشکوک***؛ ***رساله در تقیه***؛ ***رساله در قاعده فراغ و تجاوز***؛ ***رساله در فروع علم اجمالی***؛ ***رساله لاضرر***؛ ***رساله من ادرک***؛ ***رساله در تعاقب ایدی بغیر***.

*منابع: **آثار الحجة یا تاریخ و دایرةالمعارف حوزهٔ علمیهٔ قم، جلد دوّم**/ شیخ محمد شریف رازی، ص.۳۶۸. **گنجینهٔ دانشمندان، جلد نهم**/ شیخ محمد شریف رازی.*

۷۲/۱ مطهری، احمد، حجت‌الاسلام

عالم دینی

تولد ۱۳۱۷، ساوه.

درگذشت ۱۳۶۹.

حجت‌الاسلام احمد مطهری پس از گذراندن دورهٔ مقدماتی دروس حوزه در ساوه، روانه حوزهٔ علمیهٔ قم گردید و دورهٔ سطح را در آنجا به پایان رسانید. سپس در درس خارج آیات عظام بروجردی، امام خمینی، خویی و شاهرودی در قم و نجف اشرف حضور به هم رسانید. ایشان سالها با مؤسسهٔ راه حق در قم همکاری می‌کرد و در ساوه اقدام به تأسیس حوزهٔ علمیهٔ ولی‌عصر و کتابخانه و دیگر مؤسسات عام المنفعه نمود.

از آثار اوست: ***آداب همزیستی و معاشرت*** (قم، ۱۳۶۹)؛ ***احکام قضائی: مستندات ابواب قضا، قصاص، حدود و دیات تحریر الوسیله امام خمینی*** (ترجمه هاشم نوری؛ با مقدمه ناصر میبدی؛ چهار جلد)؛ ترجمه فارسی ***مستند التحریر الوسیله حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی مد ظله العالی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران*** (ترجمه هاشم نوری)؛ ***جهاد در راه خداوند و ابعاد گونا گون آن*** (قم، ۱۳۶۴)؛ ***رابطه دوستی و محبت*** (قم، ۱۳۶۷)؛ ***زمامداری امام مجتبی علیه السلام*** (قم، ۱۳۶۳).

منبع: آینهٔ پژوهش، س. ۱، ش. ۵، بهمن و اسفند ۱۳۶۹، ص. ۱۱۵.

۷۳ مطهری، مرتضی، آیت‌الله

عالم دینی، محقق، استاد

تولد ۱۲۹۹، قریه فریمان (مشهد).[۱]

شهادت ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله مرتضی مطهری در سن سیزده سالگی به حوزهٔ علمیهٔ مشهد رفت. اولین استاد وی در آنجا مهدی شهیدی رضوی مدرس فلسفهٔ الهی بود. پس از چهار سال تحصیل در آن حوزه، به حوزهٔ علمیهٔ قم رفت. وی تا سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ به آموختن ادبیات، منطق، سطوح متوسط و عالی، فقه و اصول پرداخت؛ سطوح نهایی فرائد و مکاسب و کفایه از اساتیدی چون آیت‌الله محقق داماد و امام خمینی (ره) فرا گرفت. دوازده سال در درس اخلاق امام شرکت کرد؛ منظومهٔ حاجی ملا هادی سبزواری و اسفار ملاصدرای شیرازی و تفسیر را در محضر

۱. در برخی منابع تاریخ تولد وی ۱۲۹۸ ذکر شده است، اما در *فهرست اسامی مشاهیر و مؤلفان* ۱۲۹۹ درج شده است.

امام خمینی و مهدی آشتیانی و علامهٔ طباطبایی خواند. خارج فقه و اصول را نزد آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله سید علی یثربی کاشانی و امام خمینی (ره) و آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله سید حسن صدر فرا گرفت. مرتضی مطهری بعد از پانزده سال تحصیل در حوزهٔ علمیهٔ قم عازم تهران شد و پس از مدتی تدریس خصوصی به تدریس در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی و نیز مدرسهٔ علمیهٔ مروی و حوزهٔ علمیهٔ قم پرداخت. ابتدا به تدریس ادبیات و در اواخر به تدریس شرح منظومه، منطق (شرح مطالع) کلام (شرح تجرید) و گاهی به تدریس مکاسب و کفایه مشغول بود.

در پانزده خرداد ۱۳۴۲ آیت‌الله مطهری به دلیل سخنرانی ضد شاه و سازماندهی نهضت در تهران، توسط ساواک بازداشت و حدود دو ماه در زندان شهربانی به‌سر برد. بنیانگذاری حسینیهٔ ارشاد و فعالیت در این مؤسسه، سخنرانی در انجمن‌های اسلامی پزشکان و مهندسان و نیز سخنرانی در مساجد مختلف و همچنین ادارهٔ مسجد الجواد برای مدتی حدود سه سال، مهم‌ترین فعالیت‌های استاد را پس از ورود ایشان به تهران را تشکیل می‌دهد.

پس از اوجگیری نهضت اسلامی ایران، آیت‌الله مطهری در سال ۱۳۵۷ برای دیدار با امام خمینی (ره) عازم پاریس شد. در این دیدار نخستین هستهٔ شورای انقلاب اسلامی شکل گرفت. سرانجام دو ماه و نیم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مطهری در حالی که ریاست شورای انقلاب اسلامی را به عهده داشت، توسط گروه فرقان به شهادت رسید.

از آیت‌الله مطهری آثاری به یادگار مانده است که از آن جمله‌اند: مقدمه و شرح بر ***اصول و روش رئالیسم*** (پنج جلد)؛ ***خدمات متقابل اسلام و ایران***؛ ***عدل الهی***؛ ***نظام حقوق زن در اسلام***؛ ***علل گرایش به مادیگری***؛ ***مسئلهٔ حجاب***؛ ***نهضت‌های اسلامی در صد سالهٔ اخیر***؛ ***مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی*** (شش جلد شامل انسان و ایمان، وحی و نبوت، انسان در قرآن، جامعه و تاریخ، انسان و سرنوشت، زندگی جاوید یا حیات اخروی)؛ ***پیرامون انقلاب اسلامی***؛ ***سیری در نهج‌البلاغه***؛ ***آشنایی با علوم اسلامی*** (چهار جلد شامل اصول فقه و فقه، کلام و عرفان، منطق و فلسفه، حکمت عملی)؛ ***شرح منظومهٔ حاج ملا هادی سبزواری*** (این کتاب در اولین دورهٔ کتاب سال به‌عنوان کتاب برگزیدهٔ رشتهٔ فلسفه و حکمت انتخاب شد)؛ ***جاذبه و دافعهٔ حضرت علی (ع)***؛ ***شرح مبسوط منظومه*** (این کتاب در نهمین دورهٔ کتاب سال به‌عنوان کتاب برگزیدهٔ رشتهٔ فلسفه اسلامی انتخاب شد)؛ ***نقدی بر مارکسیسم***؛ ***جهان‌بینی توحیدی***؛ ***اسلام و مقتضیات زمان*** (دو جلد)؛ ***امامت و رهبری***؛ ***جهاد***؛ ***داستان راستان***؛ ***سیری در سیرهٔ نبوی***؛ ***ختم نبوت***؛ ***پیامبر امی***؛ ***ولاءها و ولایت‌ها***؛ ***جاذبه و دافعه علی (ع)***؛ ***عرفان حافظ***؛ ***آشنایی با قرآن*** (پنج جلد)؛ ***تعلیم و تربیت در اسلام***؛ ***فلسفهٔ اخلاق***؛ ***ده گفتار***؛ ***بیست گفتار***؛ ***گفتارهای معنوی***؛ ***پیرامون جمهوری اسلامی***؛ ***اخلاق جنسی***؛ ***پاسخ‌های استاد***؛ ***امدادهای غیبی در زندگی بشر***؛ ***حق و باطل (به ضمیمهٔ: احیای تفکر اسلامی)***؛ ***تکامل اجتماعی انسان***؛ ***مسألهٔ ربا به ضمیمهٔ بیمه***؛ ***سیری در سیرهٔ ائمه اطهار علیهم السلام***؛ ***مسئلهٔ شناخت***؛ ***انسان کامل***؛ ***نظری به نظام اقتصادی اسلام***؛ ***فلسفهٔ تاریخ*** (۱)؛ ***فطرت***؛ ***خاتمیت***؛ ***توحید***؛ ***نبوت***؛ ***معاد***؛ ***حکمت‌ها و اندرزها***؛ ***طرح‌های رسالت پیرامون خدمت و زمامداری***.

آیت‌الله مطهری در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ در تهران به شهادت رسید و پیکر وی در حرم حضرت معصومه (ص) نزدیک آرامگاه آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی به خاک سپرده شد.

منابع: شهدای روحانیت شیعه در یک‌صد سالهٔ اخیر،

جلد اوّل / علی ربانی خلخالی، چاپ اوّل، ص.۳۴۵ــ۳۵۲. *گزارش نخستین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران*. فهرست انتشارات صدرا (برای تنظیم فهرست آثار شهید مطهری). *یادنامهٔ استاد شهید مطهری، کتاب اوّل / زیر نظر* دکتر عبدالکریم سروش. *گنجینهٔ دانشمندان، جلد ششم /* شیخ محمد شریف رازی، ص.۱۱۸. *علمای خراسان و نهج‌البلاغه / عزیزالله عطاردی*، ص.۳۵ــ۳۶. *آثار آل قلم، منتخب یازده قرن نظم و نثر فارسی / حمید گروگان*، ص.۳۰۸. آزاد مکی، تقی، «استاد مطهری و جامعه‌شناسی»، کیهان فرهنگی، س.۱۲، ش.۱۲۱ (خرداد و تیر ۱۳۷۴)، ص.۳۲ــ۳۵. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی /* خانبابا مشار، جلد ششم، ص.۱۵۱ــ۱۵۲.

۷۴ مظاهری نجفی، مرتضی، آیت‌الله

عالم دینی

تولد ۱۲۷۷ (۲ جمادی‌الاولی ۱۳۱۶ ق.)، اصفهان.
درگذشت ۱۹ تیر ۱۳۶۸، اصفهان.

آیت‌الله مرتضی مظاهری نجفی، فرزند محمد حسن مظاهری، مقدمات و سطوح را در اصفهان نزد محمد حسین فشارکی و سید ابوالقاسم دهکردی و ملا عبدالکریم جزی و آیت‌الله سید محمد صادق احمدآبادی و اساتید دیگر آموخت و در سال ۱۳۴۰ ق. به نجف مهاجرت نمود و از مراجع عظام آن حوزه چون آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله نایینی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری و آیت‌الله محمد جواد بلاغی استفاده نمود تا به مرحلهٔ اجتهاد ارتقا یافت. آنگاه به اصفهان آمد و در مسجد شیخ لطف‌الله اقامهٔ جماعت می‌نمود. آثار ایشان به این شرح هستند: ***نمایة‌المأمول*** در شرح کفایة‌الاصول در دو جلد؛ ***رسائل استدلالیه در مسائل الفقیه*** (رسائلی به این شرح: رسالهٔ عدالت؛ رساله در احکام صلح؛ رساله در مکاسب محرمه؛ رساله در خلل صلوة؛ رساله در خیار بیع؛ رساله در احکام بیع؛ رساله در قضاء و شهادات؛ رساله در حکم لباس مشکوک؛ رساله در احکام غصب؛ رساله در حکم کسی که بمیرد و بر او دین باشد؛ رساله در منجزات مریض؛ رساله در احکام ستر و ساتر؛ رساله در احکام شکوک در نماز؛ رساله در حکم بیع صاع من صبره؛ رساله در علم درایه و رجال)؛ ***کتاب المعارف الرجالی*** در مقدمات علم رجال؛ ***کتاب الفوائدالعزریه*** در متفرقات؛ ***کتاب مقتبس‌الیاقوت*** در فضل سکوت؛ ***کتاب الحجة علی ذوی‌النهی فی حرمة حلق‌اللحی***؛ ***نصیحت‌نامه***؛ ***تقویم شرعی***؛ ***قلع‌الغیبة***؛ ***احسن اللغه***.

منابع: گنجینهٔ دانشمندان، جلد سوم / شیخ محمد شریف رازی، ص.۱۰۷ــ۱۰۸. «درگذشت مرتضی مظاهری»، کیهان فرهنگی، س.۶، ش.۴ (تیر ۱۳۶۸)، ص.۴۴.

۷۵ مفتح، محمد، آیت‌الله، دکتر

استاد، محقق، فیلسوف، فقیه

تولد ۱۳۰۷، همدان.
درگذشت ۲۷ آذر ۱۳۵۸، تهران.

آیت‌الله دکتر محمد مفتح، فرزند شیخ محمود از مدرسان فارسی و عربی در حوزهٔ علمیهٔ همدان، پس از آن‌که مقدمات علوم عربی و فقه و بخشی از منطق را نزد پدر و اساتید حوزه همدان و در محضر آخوند علی همدانی آموخت در سال ۱۳۲۲ به قم هجرت کرد و در حجره‌ای در مدرسهٔ دارالشفاء اقامت گزید. در آنجا رسائل و مکاسب و کفایه را در طول سال‌های ۱۳۲۲ ــ ۱۳۲۴ نزد امام خمینی (ره)، آیت‌الله کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله بروجردی، علامهٔ طباطبایی، آیت‌الله مجاهد تبریزی، آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله نجفی فرا گرفت؛ عرفان و دروس خارج فقه و اصول

را نیز در عالی‌ترین سطح نزد امام خمینی تلمذ نمود. در کنار فراگیری علوم دینی، در دانشگاه نیز به تحصیل مشغول شد و در حالی که سطوح عالیهٔ فقه و اصول را می‌گذراند موفق شد در رشتهٔ فلسفه به اخذ درجهٔ دکتری نایل آید. پایان‌نامهٔ وی در مقطع دکتری تحقیقی در بارهٔ نهج‌البلاغه بود. آنگاه شروع به تدریس کتاب منظومه حاج ملاهادی سبزواری پرداخت.

آیت‌الله محمد مفتح با همکاری آیت‌الله دکتر سید محمد حسین بهشتی و آیت‌الله سید علی خامنه‌ای اقدام به تأسیس کانون دانش‌آموزان و فرهنگیان در قم نمود که اوّلین مجتمع اسلامی پر تحرک بود. آیت‌الله مفتح در روزهایی که امام خمینی در تبعید بود برای حفظ و ادارهٔ حوزهٔ علمیه بنیان جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم را نهاد. دکتر مفتح هنگامی که امام خمینی در عراق به سر می‌برد و نیز وقتی که به پاریس رفت، با ایشان در ارتباط بود و مسائل و حوادث ایران را به نحوی به اطلاع ایشان می‌رسانید. یکی از مراکزی که آیت‌الله مفتح در آن فعالیت داشت حسینیهٔ ارشاد بود. بعد از بسته شدن حسینیهٔ ارشاد توسط ساواک، امامت مسجد قبا را پذیرفت.

ورود آیت‌الله مفتح به تهران در حقیقت ورود جدی به مبارزه بود و او در این دوره در کنار هم‌فکرانش از تهدیدات رژیم پهلوی در امان نماند. در سال ۱۳۵۴ دستگیر، زندانی و سپس به زاهدان تبعید شد. در بازگشت از تبعید همچنان به مبارزه ادامه داد. در سال ۱۳۵۴ وقتی شنید رژیم اسرائیل حملاتی را علیه مردم لبنان آغاز کرده، کمک‌هایی را از اهالی تهران جمع کرد و خود به لبنان برد.

در سال ۱۳۴۹ ساواک برای مدتی وی را از رفتن به قم منع کرد و قصد داشت با دعوت ایشان به دانشگاه برای تدریس، وی را از حوزه دور کند. او نیز همکاری با استاد مطهری را که در آن موقع در دانشکده الهیات بود پذیرفت.

تأسیس مجمعی تحت عنوان «جلسات علمی اسلام‌شناسی» از جمله فعالیت‌های ایشان بود. این مجمع کتاب‌هایی (تألیف و ترجمه سیزده جلد کتاب) را در زمینه‌های گوناگون اسلامشناسی با مقدمهٔ دکتر مفتح به چاپ رساند. این مجمع پس از مدتی توسط ساواک تعطیل گردید.

وی در اولین ساعات حکومت نظامی روز هفده شهریور ۱۳۵۷ دستگیر و زندانی شد؛ وی با اوجگیری انقلاب اسلامی و به هنگام گشوده شدن درهای زندان با همت مردم از زندان آزاد گردید. در نماز عید فطر سال ۱۳۵۷ سخنرانی پرشوری نمود و بعد از آن مجدداً دستگیر و روانهٔ زندان شد. اما دوباره آزاد شد و شاهد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ بود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عمدهٔ فعالیت آیت‌الله مفتح حول محور تدریس در حوزه و دانشگاه و ایجاد پیوند بین این دو قشر کشور متمرکز بود. از جمله مسئولیت‌های ایشان می‌توان به این موارد اشاره نمود: ریاست دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی تهران؛ حضور در جامعهٔ روحانیت تهران؛ عضو ستاد برگزاری استقبال از امام خمینی؛ سرپرستِ کمیتهٔ انقلاب اسلامی منطقهٔ چهار تهران؛ عضو شورای گسترش آموزش عالی کشور؛ عهده‌دار برگزاری نماز جماعت در مسجد دانشگاه تهران.

از جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود:

ترجمه بعضی از مجلدات ***مجمع‌البیان***. (جلد اوّل و دوّم به قلم آیت‌الله مفتح و آیت‌الله حسین نوری و جلد سوم با ترجمهٔ خود وی به فارسی برگردانده شده است.)؛ حاشیه براسفار ملاصدرا (چاپ نشده است)؛ ***روش اندیشه، شرح منظومهٔ منطق و رسالهٔ تاریخ منطق***

(۱۳۳۶، جلد اوّل. جلد دوم در فلسفهٔ الهی تدوین نشد)؛ ***حکمت الهی و نهج‌البلاغه*** (پایان‌نامهٔ تحصیلی دورهٔ دکترای آیت‌الله مفتح)؛ ***آیات اصول اعتقادی قرآن***؛ ***نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم*** (۱۳۶۱)؛ ***ویژگی‌های زعامت و رهبری***؛ مقالات (سلسله مقالات «نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم» در مجلهٔ «مکتب اسلام» سال چهارم؛ همچنین مقالاتی در «مکتب تشیع» و «معارف جعفری»)؛ مقدمه‌نویسی بر آثار دیگران (کتاب‌هایی نظیر ***مصاحبه‌ای در بارهٔ خرافه و نیرنگ***، تألیف سید کاظم ارفع؛ ***زیارت خرافه است یا حقیقت***، نوشتهٔ غلامحسین رحیمی؛ ***جهان‌بینی و جهان‌داری علی (ع)***، تألیف سید ابراهیم سید علوی؛ ***به سوی اسلام یا آئین کلیسا***، نوشتهٔ حجت‌الاسلام مصطفی زمانی؛ ***ره‌آوردهای استعمار***، مهدی طارمی؛ ***اسلام پیشرو نهضت‌ها***، نوشتهٔ محمد مصطفوی کرمانی و غلامحسین حقانی تهرانی؛ ***دعا عامل پیشرفت یا رکود؟***، نوشتهٔ محمد مصطفوی کرمانی؛ ***اسلام و حقوق کارگران بردگان استعمار***، ترجمه و نگارش سید جعفر شیخ‌الاسلام)؛ ***مکتب اخلاقی و تربیتی امام صادق (ع)***.

آیت‌الله مفتح صبح روز بیست و هفتم آذر ۱۳۵۸ توسط گروه فرقان به هنگام خروج از اتومبیل جلوی در ورودی دانشکدهٔ الهیات به همراه دو محافظش (پاسداران جواد بهمنی و اصغر نعمتی) به رگبار بسته شد و هر سه به شهادت رسیدند. پیکر ایشان به صحن حضرت معصومه (ع) در قم انتقال یافت و در حجرهٔ ۲۳ صحن به خاک سپرده شد. به حرمت تلاش‌های ایشان، روز شهادتش «روز وحدت حوزه و دانشگاه» نام نهاده شد.

منابع: یادنامه، ماهنامهٔ ادارهٔ کل تبلیغات دولت (آذر ۱۳۷۴)، ص. ۱۱۰. «شهید مفتح، منادی وحدت»، یاد ایام، ماهنامهٔ ادارهٔ کل تبلیغات دولت، (آذر ۱۳۷۳)، ص. ۱۲۰ ـ ۱۲۲. ***شهید مفتح، تکبیر وحدت***/ غلامرضا گلی زواره. ***شهدای روحانیت شیعه در یک‌صد سالهٔ اخیر، جلد اوّل***/ علی ربانی خلخالی، چاپ اوّل، ص. ۳۸۱ ـ ۳۸۳.

مفتی، خالد، ملا ۷۶

مفتی اهل سنت

تولد ۱۲۹۰.

درگذشت ۱۳۵۹، کرمانشاه.

ملا خالد مفتی، فرزند ملا عبدالله دشی مفتی کردستان، دروس پایه و ابتدایی را در سنین کودکی در محضر پدر و برادران خود تمام کرد. وی همچنان به تحصیلات خود ادامه داد تا بالاخره در سلیمانیه عراق به اخذ اجازه افتاء و تدریس موفق شد. پس از فوت پدر مدتی در سنندج تحت نظر برادر ارشد خود ملا محمود مفتی و به دستیاری او به تدریس مشغول بود. اما بعدها در جوانی به منظور تکمیل معلومات خود به سلیمانیه و حلبچهٔ عراق رفت. و چون مادرش از خانوادهٔ سراج‌الدین بود مورد توجه شیخ علی حسام‌الدین قرار گرفت و مدتی در قریهٔ باغه‌کون مدرس بود؛ بعدها رسماً از طرف دولت عراق در خانقاه و مسجد قصبهٔ خورمال امام و مدرس شد. سپس به سنندج بازگشت و در مسجد وزیر به امامت و تدریس مشغول گردید و نیز قضاوت ارتش را بر عهده گرفت و همچنین برای سربازان و افسران وعظ می‌نمود. پس از فوت برادرش ملا محمود مفتی در ۱۳۳۸ از طرف دولت وقت تصدی افتاء کردستان به او واگذار گردید و مفتی کردستان شد. و نیز به‌جای برادر مدرس جامع دارالاحسان و قاضی شرع وزارت دادگستری گردید.

ملا مفتی خالد در فقه و حدیث و تفسیر مخصوصاً علوم ریاضی قدیم از قبیل هیئت و اصطرلاب و علم ربع دایره و علم فرائض مهارت

داشت. استاد زبان فارسی و عربی و انواع لهجه‌های کردی به‌ویژه اورامی بود و به زبان اورامی شعر می‌سرود، چنان‌که قصیدهٔ «برده» را به شعر اورامی درآورد.

ملا مفتی خالد در سال ۱۳۵۹ در هفتاد سالگی در کرمانشاه درگذشت. پیکر وی در جوار مرقد اویس‌القرنی نزدیک ماهی‌دشت به خاک سپرده شد.

منبع : دانشمندان کرد در خدمت علم و دین/ عبدالکریم مدرس، ترجمهٔ احمد حواری نسب، ص.۵۰۸.

منتظری، محمد علی، حجت‌الاسلام ۷۷

عالم دینی

تولد بهمن ۱۳۲۳، نجف آباد.

شهادت ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام محمد علی منتظری نجف‌آبادی درس و کار را توأماً آغاز کرد. در ابتدا، برای امرار معاش و کمک به وضع مادی خانواده، اول در کار کشاورزی و سپس به‌عنوان کارگری ساده در یک کارگاه کوچک ریخته‌گری قاشق و چنگال، مشغول کار شد، گاه نیز به کار کشاورزی می‌پرداخت. از طرف دیگر توانست تا سیزده سالگی کلاس پنجم را به پایان برساند. سپس راهی مدرسهٔ علمیه شد و به فراگیری علوم اسلامی در محضر استادانی چون آیت‌الله محقق داماد، آیت‌الله حسینعلی منتظری، آیت‌الله علی مشکینی اردبیلی، آیت‌الله جنتی، و بعدها امام خمینی (ره)، و دیگر اساتید حوزهٔ علمیهٔ قم و نجف پرداخت. وی عمدهٔ آموزش‌های خود را از آیت‌الله منتظری فرا گرفت، به‌گونه‌ای که قسمت اعظمی از دروس خود، به‌ویژه دروس «سطح» و تا اندازه‌ای «خارج» را پیش پدرش آموخت. علاوه بر این علوم، همراه پدرش به مسافرت‌ها و دیدار با علما می‌رفت. وی همچنین با اقتصاد اسلامی آشنایی کامل یافت و در این رشته استاد گشت. وی در زمینهٔ حکومت اسلامی هم مطالعاتی داشت. موضوع نخستین درسش برای طلاب در تابستان سال ۱۳۴۸، حکومت اسلامی بود و درس اقتصاد اسلامی را نیز در تابستان سال ۱۳۴۹ تا بهار سال ۱۳۵۰ تدریس می‌کرد.

حجت‌الاسلام منتظری از سال ۱۳۴۱ وارد عرصهٔ فعالیت‌های سیاسی گشت. در این سال از نوشتن اعلامیه شروع کرد و بعد به مسائل تشکیلاتی و ساختن افراد برای مبارزه پرداخت. در پانزده خرداد ۱۳۴۲ به پخش اعلامیه‌های گوناگون به‌وسیلهٔ دستگاهی ساده که خود ساخته بود، پرداخت. اولین بار در تهران هنگام شعار علیه رژیم در مجلسی، دستگیر شد و روانهٔ زندان گردید. این بازداشت چندان دوام نیافت و به‌زودی آزاد گردید. وی پس از این مسافرت‌هایی به شهرستان‌ها به منظورهای تبلیغ سیاسی داشت، دسته‌های کوچکی از افراد جوان و متدین ایجاد کرد؛ و در عین حال شروع به خواندن زبان انگلیسی و مطالعهٔ مکتب‌ها و نهضت‌ها و تحولات کشورهای دیگر پرداخت. وی در اول فروردین سال ۱۳۴۵ همراه عده‌ای دیگر از طلاب حوزهٔ علمیهٔ قم، هنگام پخش اعلامیه‌های ضد رژیم در صحن حضرت معصومه (س) دستگیر و روانهٔ بازداشتگاه شد. بعد از سه روز وی را تحویل زندان قزل‌قلعه دادند. وی تا پانزده روز به‌شدت شکنجه شد و مدت سه سال در زندان به‌سر برد. و در اواخر سال ۱۳۴۷ از زندان آزاد شد. به وی گفته بودند حق اقامت در شهر قم را ندارد. اما وی اهمیتی نداد و به قم رفت. از جمله فعالیت‌های این دورهٔ وی این بود که در سال‌های ۱۳۴۸ ـ ۱۳۴۹ در با همکاری عده‌ای از جوانان نجف‌آباد کتابخانه‌ای سیار تأسیس کرد. او کلاس‌هایی برای طلاب جوان

مدرسهٔ علمیهٔ نجف‌آباد ترتیب داد. اما ساواک هم مدرسهٔ علمیهٔ نجف‌آباد و هم کتابخانهٔ موجود در آن را تعطیل نمود. کار کتابخانهٔ سیار هم به تعطیلی کشید. در همان سال‌ها به تکثیر و توزیع اعلامیه‌های امام خمینی و دیگر علما مشغول بود. در این دوره همچنین به فکر فعالیت‌های تشکیلاتی و در پی انجام اقدامات مسلحانه بود. هنوز در این امر پیشرفتی نکرده بود که در سال ۱۳۵۰ شناسایی شد و مجبور به فرار گشت، به پاکستان و سپس به عراق و بعد کشورهای عربی و سپس به افغانستان و بعد از آن به اروپا رفت. و در این سفرها به افشاگری در بارهٔ رژیم می‌پرداخت. در پاکستان در شهر کویته بود. با شخصیت‌های پاکستانی ملاقات‌هایی داشت، از جمله با مولانا ابوالاعلی مودودی در ارتباط بود. مسافرت‌هایی به افغانستان نیز داشت. پس از مدتی از کویت به کراچی رفت و با سازمان آزادیبخش فلسطین (فتح) در پاکستان آشنا شد. این آشنایی به برقراری رابطه‌ای محکم و طولانی انجامید. پس از دو سال سرگردانی در پاکستان و عراق، سرانجام در سال ۱۳۵۲ به عراق رسید. در عراق، ضمن شرکت در درس امام خمینی (ره)، به مبارزات خود ادامه داد. چون با اوضاع افغانستان آشنا بود، به جمع انقلابیون مسلمان افغانی پیوست، راهی افغانستان شد و به مبارزهٔ خود در آنجا ادامه داد. مدتی نیز در زندان آن کشور بود.

حجت‌الاسلام محمد منتظری در عراق همراه عده‌ای از طلاب قسمتی از برنامه‌های فارسی رادیو بغداد را به دست گرفت و از آن علیه رژیم فعالیت می‌کرد. همچنین در عراق به مبارزان ایرانی تعلیمات چریکی آموزش می‌داد. با بهبود روابط ایران و عراق، راهی کشورهای دیگر عرب زبان شد. او با ابتکارات جالب به جعل گذرنامه می‌پرداخت. او در کشورهای خلیج فارس، عراق و سوریه و لبنان و افغانستان در حرکت بود و کتاب و نوار و نشریه پخش می‌نمود و به افراد آموزش‌های نظامی می‌داد. او بارها در عراق، لبنان، سوریه و کلیهٔ کشورهای خلیج به زندان افتاد و شکنجه‌ها دید. ایشان در لبنان و سوریه در کنار رزمندگان فلسطینی قرار داشت و در دو جنگ لبنان شرکت داشت. انقلابیون منطقه به ایشان لقب «ابواحمد» داده بودند. وی همچنین تشکیلات «روحانیت مبارز خارج از کشور» را پایه‌ریزی کرد. در سال ۱۳۵۶ به هنگام شهادت فرزند امام خمینی، تظاهرات گسترده‌ای را در لندن برپا نمود. ضمناً در همان سال در بیروت به مناسبت چهلم فقدان دکتر علی شریعتی مجلس ختمی در بیروت برپا کرد. در تابستان ۱۳۵۶ در کلیسای سنت مری پاریس به یاری روحانیت و دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی خارج از کشور سمینار و تحصن بزرگی را شکل داد که در آن خواستار آن بودند که عده‌ای از زندانیان آزاد شوند.

در سال ۱۳۵۷ محمد به طور ناشناس به ایران آمد. سپس در دی ماه ۱۳۵۷ که همراه پدرش برای دیدار امام خمینی به پاریس رفته بود، از طریق سوریه و عراق به کشور بازگشت. در ایران پس از انقلاب اسلامی به فعالیت پرداخت. او چون معتقد به فعالیت در سطح جهان بود، از همان بدو تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برنامه‌ای برای تداوم فعالیت‌هایش داشت (تأسیس واحد نهضت‌های آزادیبخش). وی همچنین تشکیلاتی برای مسلمانان جهان تأسیس نمود به نام «سازمان انقلابی توده‌های جمهوری‌های اسلامی (ساتجا)» و خود رهبری آن را به عهده داشت. وی همچنین دست به انتشار نشریه‌ای به نام «شهید» زد که چهار شماره بیشتر منتشر نشد. سپس دست به انتشار روزنامه‌ای به نام «پیام شهید» زد که این هم چندان طولانی نکشید. سرانجام در دوم شهریور ماه ۱۳۵۸ دادستان

انقلاب اسلامی آن زمان طی حکمی دستور توقیف این روزنامه را داد. وی دلیل این کار را کوشش در تضعیف دولت بیان کرد. وی برای کمک به مردم لبنان، دست به تشکیل سپاهی از جوانان زد و این گروه را پس از تعلیم آموزش‌های نظامی و جنگ‌های چریکی، برای جنگ با اسرائیل روانه جنوب لبنان ساخت. اعزام این افراد سر و صدای بسیاری در محافل داخل و خارج کرد. در لبنان مسئلهٔ ورود حجت‌الاسلام منتظری بسیار پر سر و صدا شد.

در جریان انتخابات اولین مجلس شورای اسلامی از نجف‌آباد نامزد انتخاباتی می‌شود و با آوردن ۹۵ درصد آرا به مجلس شورای اسلامی راه می‌یابد. در مجلس شورا عضو کمیسیون خارجه بود. و در هیئت بررسی شکنجه در ایران نمایندهٔ امام بود. وی همچنین نمایندهٔ مجلس در شورای عالی دفاع بود. از وی مقاله‌هایی در نشریات و جراید به جا مانده است.

حجت‌الاسلام محمد منتظری در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ به‌سبب انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

منابع: *یادنامهٔ شهید محمد منتظری، مجموعه‌ای از گفتارهای سیاسی و اعتقادی؛ همراه با زندگینامهٔ شهید محمد منتظری* / مصطفی ایزدی، چاپ اوّل. هاشمی، سید مهدی، «شخصیت فرهنگی حجت‌الاسلام شهید محمد منتظری»، کیهان فرهنگی، س.۲، ش.۴ (تیر ۱۳۶۴)، ص.۳۵ــ۳۷. *نگرشی به اولین دوره مجلس شورای اسلامی* / روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ص.۳۲۸.

۷۷/۱ موحد ابطحی، مرتضی، آیت‌الله

عالم علوم دینی

تولد ۱۳۲۳ ق.، اصفهان.

درگذشت ۱۳ آذر ۱۳۷۱ (نهم جمادی‌الثانی ۱۴۱۳).

آیت‌الله سید مرتضی موحد ابطحی در سن نوجوانی در محضر آقایان استاد جلال‌الدین همایی، میرزا احمد شهیدی، میرزا محمد تقی موسوی، احمدآبادی، (صاحب مکیال المکارم و پدر همسر خویش) و آقا سید محمد درچه‌ای به آموختن دروس سطح مشغول شد. پس از اتمام سطح به درس خارج حضرات آیات سید محمد و سید علی نجف‌آبادی، شیخ محمدرضا مسجدشاهی شتافت و مبانی فقهی و اصولی خویش را تکمیل نمود و همزمان از محضر آقا شیخ محمود مفید (حکمت و کلام)، شیخ محمد باقر قزوینی (هیئت) و میرزا ابوالقاسم طبیب (طب سنتی) فرا گرفت.

آیت‌الله موحد ابطحی پس از تحصیلات، رو به تدریس آورد و در مدرسهٔ صدر به تدریس دورهٔ سطح پرداخت و دهها شاگرد تربیت نمود. وی از حضرات آیات شیخ آقا بزرگ تهرانی، محدث قمی، سید محمد تقی موسوی احمدآبادی و مرعشی نجفی اجازهٔ روایت و از آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، بروجردی و ملا محمد حسین فشارکی اجازهٔ امور حسبیه را دریافت نمود.

از آثار ایشان می‌توان ***دیوان اشعار***، رساله‌های گوناگون در حدیث، تاریخ، کلام، ادعیه و احراز، طب و زیارت را نام برد.

آیت‌الله موحد ابطحی در نود سالگی، در سیزدهم آذر ۱۳۷۱ دار فانی را وداع گفت.

منبع: «درگذشت آیت‌الله سید مرتضی موحد ابطحی»، آینهٔ پژوهش، س.۲، ش.۱۶ (آذر و دی ۱۳۷۱)، ص.۱۱۶ــ۱۱۷.

۷۸ موسوی خوانساری، احمد، آیت‌الله

فقیه

تولد ۱۳۰۹ ق.، خوانسار.

درگذشت ۲۹ دی ۱۳۶۳.

آیت‌الله سید احمد موسوی خوانساری، فرزند علامه سید میرزا یوسف موسوی، پس از طی مقدمات از محضر برادر خود، محمد حسن و آیت‌الله سید علی‌اکبر خوانساری به اصفهان مسافرت کرد و از محضر آیت‌الله محمد صادق اصفهانی و آیت‌الله عبدالکریم گزی و آیت‌الله محمد علی تویسرکانی بهره‌مند شد. آنگاه به نجف اشرف مهاجرت نمود و یک سال از محضر آیت‌الله خراسانی و چندین سال از علامه طباطبایی یزدی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی استفاده نمود و در سال ۱۳۳۶ ق. به ایران مراجعت و به اراک آمد و از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بهره‌مند شد. در سال ۱۳۴۲ ق. به قم رفت و تا سال ۱۳۶۹ ق. به تدریس پرداخت.

در سال ۱۳۶۹ ق.، با فوت حجةالاسلام یحیی سجادی تهرانی، به درخواست بازاریان تهران از آیت‌الله سید حسین بروجردی، وی به تهران آمد و در مسجد حاج سید عزیزالله بازار تهران اقامهٔ جماعت و تدریس فقه نمود. آثار علمی وی به این شرح است: ***شرح مختصر النافع*** (در چند جلد که پنج جلد آن به‌طبع رسیده است)؛ ***حاشیه بر عروةالوثقی***؛ ***توضیح‌المسائل***؛ ***مناسک حج***؛ ***العقائد الحقه*** (به زبان عربی، ۱۳۹۹ ق.). وی از صدقات جاریه به ساخت مساجد و تعمیر مدارس علمی و بنای حسینیه‌ها و درمانگاه‌ها و غیره پرداخت.

منابع: نور علم. ***آثار الحجة یا تاریخ و دایرةالمعارف حوزهٔ علمیهٔ قم دینی ـ تاریخی ـ رجالی ـ ادبی ـ اجتماعی؛ جلد دوم***/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۲۴۰ ـ ۲۴۱. ***گنجینهٔ دانشمندان، جلد یکم***/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۳۲۶. ***گنجینهٔ دانشمندان، جلد دوم***/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۹ ـ ۱۲. ***گنجینهٔ دانشمندان، جلد پنجم***/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۵۳ ـ ۵۴.

موسوی شاهرودی، حسین، آیت‌الله ۷۹

عالم دینی

تولد ۱۲۷۲، یکی از روستاهای شاهرود.

درگذشت آبان ۱۳۶۸، مشهد.

آیت‌الله حسین موسوی شاهرودی علوم مقدماتی را در شاهرود و حوزهٔ علمیهٔ مشهد مقدس فرا گرفت و سپس به نجف اشرف عزیمت نمود. پس از اقامت در این شهر و استفاده از محضر اساتیدی چون آیات عظام اصفهانی و ضیاءالدین عراقی و به‌ویژه آیت‌الله سید محمود شاهرودی به وطن بازگشت و در حوزهٔ علمیهٔ مشهد به تدریس پرداخت. وی سال‌ها در مشهد به اقامهٔ جماعت و ترویج دین و تدریس پرداخت. وی در زمانی که در نجف اشرف بود، تقریرات دروس اساتید خود را تألیف و به رشتهٔ تحریر آورد. از ایشان تألیفاتی در فقه و اصول و تفسیر به یادگار مانده است.

منابع: «درگذشت آیت الله حاج آقا حسین موسوی شاهرودی»، کیهان فرهنگی، س. ۶، ش. ۸ (آبان ۱۳۶۸)، ص. ۴۸. ***گنجینهٔ دانشمندان، جلد هفتم***/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۱۲۹.

موسوی علوی خوانساری، حسین، آیت‌الله ۸۰

محقق، استاد، عالم دینی

تولد ۱۲۷۸، خوانسار.

درگذشت ۱۳۶۸.

آیت‌الله سید حسین موسوی علوی خوانساری در اوان کودکی پدرش را از دست داد و تحت سرپرستی جد بزرگوارش سید علی مجتهد پرورش یافت. دوران مقدماتی درس را در زادگاهش و سطوح وسطی را در اصفهان طی نمود و سپس برای تحصیلات به نجف اشرف رفت و از محضر علمایی همچون آیت‌الله

نایینی، آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و اساتید دیگر بهره برد و پس از پایان دوران تحصیل به زادگاهش بازگشت و به سرپرستی حوزهٔ علمیهٔ خوانسار همت گماشت. آثار ایشان عبارتند از: دورهٔ تقریرات اصول نایینی؛ رسالهٔ تحقیقی در ***صلوة مسافر*** (تقریر آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، ۱۳۷۳)؛ خارج کفایه تقریرات آخوند خراسانی؛ فقه سید محمد کاظم یزدی.

منبع: «درگذشت سید حسن موسوی علوی خوانساری»، کیهان فرهنگی، س. ۶، ش. ۴ (تیر ۱۳۶۸)، ص. ۴۴.

مهدوی شاهرودی، عبدالله، آیت‌الله　۸۱

عالم دینی

تولد ۱۳۲۱ ق.، شاهرود.

درگذشت ۱۳۵۸.

آیت‌الله عبدالله مهدوی شاهرودی پس از دوران تحصیلات مقدماتی خود در شاهرود عازم مشهد گردید و در محضر اساتید به سطوح اشتغال ورزید. در سال ۱۳۴۰ ق. به شاهرود مراجعت و در مدت یک سال توقف در شاهرود از محضر پدرش استفاده کرده و پس از آن به قم رفت و از محضر آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی و نایینی استفاده نمود. مدت دو سال نیز از محضر آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بهره‌مند شد و سپس به نجف رفت و از درس آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله محقق نایینی بهره‌مند گردید. در سال ۱۳۵۰ بعد از فوت پدرش به شاهرود رفت و به تدریس فقه و اصول و انجام وظایف پرداخت. در سال ۱۳۳۷ ق. به علت کسالت و خستگی به تهران آمد و در مسجد مشیرالسلطنه در خیابان مولوی به اقامهٔ جماعت و خدمات دینی اشتغال ورزید. آثار ایشان در مقدمهٔ کتاب ***راهنمای دین*** پدر گرامیشان آمده است.

منبع: ***گنجینهٔ دانشمندان، جلد چهارم***/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۵۷۳ ـ ۵۷۴.

مهدوی لاهیجانی، مهدی، آیت‌الله　۸۱/۱

عالم علوم دینی

تولد نیمهٔ ماه شعبان ۱۳۱۳، نجف اشرف.

درگذشت ۲۹ مرداد ۱۳۷۱.

آیت‌الله مهدی مهدوی لاهیجانی، پس از خواندن دروس مقدمات و سطوح، در محضر بزرگان حوزهٔ نجف، چون حضرات آیات عظام میرزای نایینی، آقا ضیاء عراقی، سیدابوالحسن اصفهانی، شیخ محمدجواد بلاغی، شیخ شعبان گیلانی، شیخ عبدالحسین رشتی و دیگران فقه، اصول، کلام، حکمت، هیئت و ریاضیات را بیاموخت. آنگاه پس از اخذ اجازات متعدد از بزرگان نامبرده، برای ترویج دین و بسط دانش به لاهیجان بازگشت و به تربیت فضلاء، اقامهٔ جماعت، رهبری فکری مردم، بنای مساجد و مدارس همت گماشت. یکی از خدمات ایشان تأسیس حوزهٔ علمیهٔ لاهیجان و بازسازی مدرسهٔ دینی جامع لاهیجان بود.

آیتِ‌الله مهدوی به هنگام دستگیری و زندانی شدن حضرت امام (ره) در سال ۱۳۴۲، در اعتراض به رژیم و حمایت از مرجعیت امام خمینی با همراهی آیت‌الله حاج سیدمحمود ضیابری و آیت‌الله حاج سیدحسن بحرالعلوم به تهران مهاجرت نمود. ایشان با شروع حرکت توفندهٔ مردم در جهت محو رژیم ستمشاهی از هرگونه پشتیبانی و همیاری ملت دریغ نورزید و حتی با کهولت سن در تظاهرات شرکت می‌کرد.

از اجازات ایشان علاوه بر اجازات اساتیدش،

می‌توان از اجازات حضرت آیات عظام بروجردی، حکیم، شاهرودی، میرزا احمد آشتیانی، سید جمال‌الدین گلپایگانی، میرزا آقا اصطهباناتی و سید عبدالهادی شیرازی نام برد.

منبع: «درگذشت آیت‌الله مهدوی لاهیجانی»، آینهٔ پژوهش، س.۳، ش.۱۵ (مهر و آبان ۱۳۷۱)، ص.۱۱۳.

۸۱/۲ میرجهانی، محمد حسن، آیت‌الله

عالم علوم دینی

تولد ذی‌القعده ۱۳۱۹، روستای محمد آباد اصفهان. درگذشت ۲۵ آذر ۱۳۷۱ (۲۱ جمادی‌الثانی ۱۴۱۳)، اصفهان.

آیت‌الله سید محمد حسن میرجهانی طباطبایی اصفهانی پنج ساله بود که به مکتب رفت و تا هفت سالگی، قرآن، خواندن و نوشتن و برخی از کتابهای فارسی را فراگرفت و پس از آن به آموختن ادبیات عرب پرداخت و سپس برای ادامهٔ تحصیل به اصفهان رفت و در مدرسهٔ صدر نزد معلم حبیب‌آبادی (صاحب ***مکارم الآثار***) و اساتید دیگر چون آیت‌الله سید ابوالقاسم دهکردی و آیت‌الله حاج شیخ محمد علی فتحی دزفولی، به تکمیل معلومات خود پرداخت و با اتمام سطوح عالی به محضر حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد مسجد شاهی (صاحب ***نقد فلسفهٔ داروین***) و آخوند ملا محمد حسین شتافت و مبانی فقهی و اصولی را فرا گرفت.

آیت‌الله میرجهانی طباطبایی در سال ۱۳۴۶ به نجف اشرف رفت. در آنجا به استفاده از محضر حضرات آیات عظام، آقاضیاء عراقی، سیدابوالحسن اصفهانی و شیخ عبدالله مامقانی پرداخت در سلک خواص اصحاب آیت‌الله اصفهانی در آمد. پس از سالی چند، برای ترویج دین به ایران بازگشت، به اصفهان و پس از فوت پدرش به مشهد رفت و چندی پس از آن به تهران آمد و به اقامهٔ جماعت، تألیف و تصنیف و وعظ و ارشاد اشتغال ورزید.

برخی از آثارش عبارتنداز: ***مصباح البلاغه*** (مستدرک نهج‌البلاغه؛ در دو جلد)؛ ***کنوزالحکم و فنون‌الکلم*** (خطبه‌ها و سخنان امام مجتبی ع)؛ ***روایح النسمات*** (شرح دعای سمات)؛ ***نوائب الدهور*** (در علایم ظهور در چهار جلد)؛ ***ولایت کلیه*** (در دو جلد)؛ ***الوامع التور فی علایم الظهور*** (به عربی)؛ ***دیوان اشعار***؛ ***گنجینه سرور***؛ ***گنج رایگان*** (در علوم غریبه)؛ ***سعادت ابدی***؛ ***الدر المکنون*** (در تاریخ ائمه اطهار به عربی)؛ ***احکام رضاع***؛ ***رساله در نجوم و فلکیات***؛ ***شهاب ثاقب***؛ ***الجنة العاصمة*** (زندگانی حضرت فاطمه س)؛ ***مقامات الکبریه*** (زندگانی حضرت علی اکبر)؛ ***مقلاد الجنان*** (ادعیه و زیارات)؛ ***ذخیرة المعاد*** (ادعیه و آداب ساعات)؛ ***انساب سادات***؛ ***تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن***؛ ***البکاء علی الحسین***؛ ***سبیکة الذهب***.

آیت‌الله محمد حسن میرجهانی طباطبایی پس از نود و چهار سال زندگی سرانجام در روز چهارشنبه بیست و پنجم آذر ۱۳۷۱ (بیست و یکم جمادی‌الثانی ۱۴۱۳ ق.) به‌درود حیات گفت و در مسجد جامع اصفهان، در جوار مقبرهٔ علامهٔ مجلسی، به خاک خفت.

منبع: «درگذشت آیت‌الله سید محمد حسن میرجهانی»، آینهٔ پژوهش، س.۲، ش.۱۶ (آذر و دی ۱۳۷۱)، ص.۱۱۷.

۸۲ میرخانی، احمد، آیت‌الله

عالم دینی

تولد ۱۲۹۰ (۱۳۳۵ ق.)، تهران.

درگذشت ۲ آبان ۱۳۷۲ (۹ جمادی الاولی ۱۴۱۴ ق.).

آیت‌الله حاج سید احمد میرخانی پس از طی دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری خواندن و نوشتن و قرآن به شوق تحصیل علوم دینی، به یادگیری ادبیات و سطح پرداخت. پس از آن به حوزهٔ علمیهٔ قم آمد و از محضر آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی مکاسب و کافیه را فراگرفت و سپس به درس خارج آیات عظام کوه‌کمره‌ای و خوانساری حاضر شد. با ورود آیت‌الله بروجردی به قم، تنها به درس ایشان رفت و تا پایان عمر آن استاد از بحث‌های فقهی و اصولی او استفاده نمود و پس از وفات وی، به تهران آمد و به خدمات دینی، از جمله اقامهٔ جماعت در مسجد ولی عصر، اعزام مبلغ به اطراف تهران، تألیف و نشر کتب دینی (که زندگانی برخی امامان و ترجمهٔ برخی از مجلدات ***بحارالانوار*** از جملهٔ آنهاست)، ساخت مساجد و حوزهٔ علمیه، اقامهٔ مجالس دینی در عصرهای جمعه و راهنمایی و ارشاد جوانان و تشکیل مجالس دعای ندبه در صحن مطهر حضرت عبدالعظیم(ع) اشتغال ورزید. از آثار قلمی ایشان یا کتابهایی که خوشنویسی کرده‌اند می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: ***آیات الاحکام*** (در دو جلد)؛ ***سیر حدیث در اسلام***؛ ***شرح زیارت عاشورا*** (تألیف با خط فریبا مقصودی کرمانشاهی)؛ ***تاریخ اجتهاد و تقلید*** (تهران، ۱۳۷۲)؛ ***قرآن کریم با ترجمهٔ فارسی*** (مهدی الهی قمشه‌ای، با خط احمد میرخانی؛ تهران، ۱۳۷۴)؛ ***کلیات مفاتیح الجنان*** (به خط احمد میرخانی)؛ ***سوره مبارکه انعام به انضمام: دعای شریفه توسل، کمیل، ندبه و گنج عرض*** (مترجم مهدی الهی قمشه‌ای با خط احمد میرخانی).

منابع: «درگذشت آیت‌الله میرخانی»، کلک، ش. ۴۵ـ۴۶ (آذر و دی ۱۳۷۲)، ص. ۳۱۴. «درگذشت حضرت آیت‌الله میرخانی»، آینهٔ پژوهش، ش. ۲۱ (مهر و آبان ۱۳۷۲)، ص. ۱۰۴.

نجفی عاملی، محمد حسین، آیت‌الله ۸۲/۱

عالم دینی

تولد حدود ۱۳۲۱ ق.، نجف اشرف.

درگذشت ۲۳ فروردین ۱۳۶۸ (۳ رمضان ۱۴۰۹ ق.).

آیت‌الله علامه شیخ محمد حسین نجفی عاملی دوران کودکی را در نجف همراه با پدر سپری کرد و سپس در معیت خانواده به ایران مراجعت و بعد از مدت کوتاهی در همان آغاز جوانی برای ادامهٔ تحصیل به نجف عزیمت نمود. حدود سی سال در نجف اشرف در خدمت اساتید فقه و اجتهاد و علوم و معارف دین به تحصیل پرداخت.

آیت‌الله نجفی عاملی مدت بیست سال از محضر آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی و آقا میرزا حسین نایینی و آقا ضیاءالدین عراقی و آقا شیخ محمد حسین غروی استفاده برده است و به درجهٔ اجتهاد مفتخر گردید.

ایشان در معقول از محضر آقا شیخ مرتضی طالقانی و آقا حسین بادکوبه‌ای و در علم رجال و حدیث از محضر آقا شیخ علی زاهد قمی بهره برد. سایر علوم دین و سطوح عالیه را از محضر اساتیدی چون آیات آقا شیخ عبدالحسین رشتی، آقا میرزا علی ایروانی صاحب حاشیه، آقا میرزا ابوالحسن مشکینی، آقا شیخ محمد حسین تهرانی، آقا شیخ شعبان رشتی و سایر آیات نجف اشرف استفاده نمود. پیش از تشرف به نجف اشرف مقداری از سطوح عالیه را از محضر پدر خود و نیز آیت‌الله سید حسن مدرس در تهران بهره‌مند شد.

آیت‌الله نجفی عاملی در طول اقامت خود در نجحف به تدریس و تربیت طلاب علوم دینی مشغول بود. بعد از گذشت دو سال از رحلت استاد خود یعنی آیت‌الله العظمی اصفهانی به ایران عزیمت نمود و در تهران اقامت گزید.

از ایشان تألیفاتی در موضوعات مختلف به

صورت مخطوط باقی مانده است.

ایشان در عصر روز سوم ماه رمضان سال ۱۴۰۹ مطابق با بیست و سوم فروردین سال ۱۳۶۸ با داشتن عمری قریب به نود سال دار فانی را وداع گفت. طبق وصیت او پیکر ایشان به مشهد منتقل شد و در جوار حضرت امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.

منبع: «... تا به سرچشمه خورشید»، کیهان، ش.۱۵۸۳۷ (۲۳ دی ۱۳۷۵)، ص.۶

۸۳ نجفی کاشانی، علی، آیت‌الله

محقق، عالم دینی

تولد ۱۳۰۰ (۱۱ شعبان ۱۳۳۹ق.)، محلهٔ محتشم کاشان.

درگذشت ۲۳ مرداد ۱۳۶۵، کاشان.

آیت‌الله علی نجفی کاشانی، فرزند آیت‌الله مهدی نجفی از علمای کاشان، در بیست و دو سالگی برای کسب علم به نجف اشرف رفت. تمام دورهٔ سطح و خارج خود را در مدت ده سال گذراند و به درجهٔ اجتهاد نایل آمد. اندکی از ورودش به نجف نگذشته بود که در کنار کسب علم و تحصیل، به تدریس علوم حوزوی نیز مشغول شد. پس از آن‌که مکاسب و کفایه را نزد آیت‌الله حسن یزدی به پایان رسانید، و در درس خارج مراجع نجف به‌ویژه از محضر آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید عبدالهادی شیرازی و آیت‌الله خویی بهره‌ها گرفت، پس از ده سال اقامت در نجف عازم ایران شد. پس از توقف کوتاهی در کاشان و مسافرتی به مشهد و اصفهان و بازگشت به کاشان، بار دیگر دو سالی راهی نجف شد و سپس به واسطهٔ کسالت مزاج و حوادث دیگر به ایران بازگشت. بعد از ورود به ایران سه سالی در قم مشغول تدریس شد. وی در قم از مدرسین بلندپایهٔ سطوح عالی حوزه بود و در «مدرسهٔ بزرگ آخوند» حجره داشت و همان‌جا تدریس می‌کرد. اما به دلایلی به شهر خود بازگشت و به اقامه جماعت و تدریس پرداخت. از همان آغاز ورودش به کاشان، علاوه بر تدریس خصوصی درس‌های حوزوی، تفسیر ***قرآن*** را به‌عنوان وظیفهٔ اصلی خود قرار داد. در ابتدا، این جلسه‌ها به تفسیر موضوعی و بحث‌های پراکندهٔ اخلاقی می‌گذشت اما بعد از چند مسافرت به مشهد مقدس، تصمیم گرفت که ***قرآن*** را از آغاز تا انجام تفسیر کند و در ضمن آن برای مردم به بحث‌های اخلاقی و اجتماعی و تفسیر موضوعی نیز بپردازد. این نوع تفسیر تا یک سال قبل از درگذشتش (یعنی تا سال ۱۳۶۴) ادامه داشت. در حدود این سی و چند سال دو مرتبه ***قرآن*** را از ابتدا تا انتها تفسیر کرد. دورهٔ دوم تفسیری وی هیجده سال طول کشید. ایشان نه تنها در فقه، اصول، رجال، درایه، کلام، ادبیات، معانی بیان و تجدید و تفسیر متبحر بود، بلکه در علم هیئت و نجوم قدیم هم ید طولانی داشت و آنها را تدریس می‌کرد.

تألیفات و آثار آیت‌الله نجفی کاشانی به این شرح هستند: ***برداشتی از نماز***؛ ***پیرامون شراب***؛ ***لنگرهای زمین مولودی اندر خانهٔ کعبه***؛ ***بعثت محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت***؛ ***زمان چیست و چگونه می‌گذرد***؛ ***صدق، بزرگترین فضیلت***؛ ***سرانجام کافر***؛ ***یک خرق عادت شگفت یا معجزه‌ای بزرگ***؛ ***اشتباه عمدی***؛ ***افسانه‌ها یا کرامت‌های خیالی*** (سه جلد). امّا نوشته‌هایی که از ایشان به طبع نرسیده است: ***فضایل ثلثه*** (سه رساله آماده چاپ در مورد سلمان، ابوذر، مقداد)؛ ***ملتقطات*** (یادداشت‌های پراکندهٔ ایشان در نحو، عروض، نجوم، فقه، اخلاق و عرفان و نیز نقد چند کتاب از نویسندگان معاصر و جواب سئوال‌هایی که از ایشان پیرامون مسائل مختلف مطرح می‌شده است)؛ ***رساله‌ای در فضیلت نماز***؛

رساله‌ای در فضیلت علم؛ ***رساله‌ای در فضل قرآن*** (قرآن چه کتابی است)؛ ***رساله‌ای در مورد امام زمان (ع)***؛ رساله‌ای تحت عنوان ***حق کاوی***؛ رساله‌ای تحت عنوان ***اینجا و آنجا***؛ رساله‌ای تحت عنوان ***دین راست، آسان، هموار***؛ ***تفسیر سورهٔ کهف*** (به عربی)؛ ***تفسیر سورهٔ مریم*** (به عربی)؛ ***تفسیر سورهٔ طه*** (به عربی)؛ ***تفسیر سورهٔ انبیاء*** (به عربی)؛ ***تفسیر سورهٔ حج*** (به عربی)؛ ***تفسیر سورهٔ عم*** (ناقص است)؛ دفتری مفصل مشتمل بر مجموعه‌ای از احادیث موضوع‌بندی شده که به ترتیب الفبا تنظیم شده است؛ حواشی و تعلیقات ایشان بر کتب روایی، کلامی، تفسیر، فقه و اصول و ...؛ از استاد همچنین نوارهای بسیاری در تفسیر سوره‌های قرآن به‌جا مانده است.

آیت‌الله نجفی کاشانی عصر روز پنجشنبه بیست و سوم مرداد ۱۳۶۵ مصادف با شب عرفه در کاشان فوت کرد.

منابع: کیهان فرهنگی، س. ۳، ش. ۶ (شهریور ۱۳۶۵)، ص. ۵۶. ***گنجینهٔ دانشمندان، جلد ششم***/ شیخ محمد شریف رازی، ص. ۲۵۶ ـ ۲۵۷. دوانی، علی، «به یاد آیت‌الله استاد نجفی کاشانی»، کیهان فرهنگی، س. ۴، ش. ۶ (شهریور ۱۳۶۶)، ص. ۳۳ ـ ۳۴.

نقشبندی، عبدالله، ملا　۸۴

فقیه

تولد ۱۳۰۰ ق.، هرمزگان.

درگذشت ۲۵ دی ۱۳۶۶.

ملا عبدالله بن شیخ حسن کوهجی بستکی نقشبندی به سال ۱۳۰۰ ق. در روستای کوهج از توابع بستک هرمزگان متولد شد. وی تحصیلات مقدماتی خود را در مدرسهٔ علمی کوهج گذراند و سپس به مدینه و جامع‌الازهر مصر روی آورد و در آن دیار به شیخ عبدالله النقشبندی الفارسی معروف شد.

مدتی استاد دانشگاه جامع الازهر بود. تألیفات متعددی دارد که اغلب به عربی است. ***المنهاج*** یکی از کتب فقهی است که به زبان عربی است که شیخ عبدالله بر آن شرحی تحت عنوان ***زاد المحتاج شرح المنهاج*** نوشته است. کتاب دیگرش ***سلم الواعظین*** است.

منبع: حبیبی، احمد (بستک)، «عبدالله نقشبندی»، س. ۱۴، ص. ۴۰۳.

نمازی شاهرودی، علی، آیت‌الله　۸۵

محقق، عالم دینی

تولد ۱۲۹۴ ق.، شاهرود.

درگذشت ۲۸ مرداد ۱۳۶۴، (دوم ذیحجه سال ۱۴۰۵ ق.).

آیت‌الله علی نمازی شاهرودی، فرزند آیت‌الله محمد نمازی شاهرودی، مقدمات و سطوح عالی را در شاهرود نزد پدر و دیگر اساتید فرا گرفت. سپس رهسپار مشهد شد. در آنجا مدارج عالیهٔ فقه و اصول را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت به گونه‌ای که در بیست و دو سالگی شروع به تقریر فقه استدلالی نمود.

مدتی نیز به حوزهٔ نجف اشرف رفت و در آنجا به تحصیل فقه و مبانی اصول پرداخت. سپس به ایران بازگشت و در مشهد مقیم شد. ایشان همچنین به علم ریاضی و تاریخ و نیز خطاطی آشنایی داشت و به‌ویژه کتاب‌هایش را به خط خودش می‌نوشت. آیت‌الله نمازی به زبان عربی مسلط بود و با زبان فرانسوی هم آشنایی داشت. وی طب سنتی و گیاه‌شناسی و علوم غریبه را خوب می‌دانست. ضمناً به روش‌های مباحثه و مناظره نیز مسلط بود. فعالیت

عمده و اساسی ایشان پیرامون احادیث و رجال حدیث بحارالانوار اختصاص داشت.

آثار ایشان عبارتند از: ***مستدرک سفینه البحار*** (در ده جلد)؛ ***الاحتجاج بالتاج علی اصحاب اللجاج*** (الهادی)؛ ***الاعلام الهادیه فی اعتبار الکتب الاربعه***؛ ***ابواب رحمت*** (جلد اول، مشهد، ۱۳۳۷ ق.؛ قم، ۱۳۶۲)؛ ***تاریخ فلسفه و تصوف*** (یا مناظرهٔ دکتر با سیاح پیاده، جلد اول، ۱۳۷۷ ق.)؛ ***مناسک حج***؛ ***رسالهٔ تفویض***؛ ***رسالهٔ علم غیب امام (ع)***؛ ***اصول دین***؛ ***رسالهٔ نورالانوار***؛ ***ارکان دین***؛ ***زندگانی حبیب بن مظاهر اسدی***؛ ***تاریخچهٔ مجالس روضه‌خوانی و عزاداری سید مظلومان (ع)***؛ ***قرآن و عترت در اسلام***.

آثار علمی خطی چاپ نشدهٔ وی به این شرح هستند: ***مستطرفات المعالی***؛ ***مستدرکات علم رجال*** (پانزده جلد)؛ ***روضات النظرات***؛ مجموعهٔ ***نفیسه در طب***؛ ***معرفةالاشیاء*** (گیاه‌شناسی)؛ ***مطرف الهیه***؛ حواشی بر بعضی کتب مانند: حاشیه بر ***تفسیر برهان***، حاشیه بر ***رجال*** ممقانی، حاشیه بر ***رجال*** آیت‌الله خویی، حاشیه بر ***رجال*** شیخ طوسی و تصحیح آن، حاشیه بر کتاب ***جواهر*** در فقه تألیف محمد حسن نجفی، حاشیه بر کتاب ***وقایع المشهور***، حاشیه بر کتاب ***بحارالانوار*** آیت‌الله غروی، حاشیه بر رسالهٔ شریف رجبیه محدث بیرجندی و حواشی دیگر.

منابع: زندگانی علامهٔ بزرگوار آیت‌الله حاج شیخ علی نمازی شاهرودی / حسن نمازی. مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی / خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۴۳۷.

عالم دینی

تولد ۱۳۰۵، مشهد.

درگذشت ۱۵ آبان ۱۳۷۱، مشهد.

آیت‌الله مهدی نوغانی[۱]، فرزند میرزا علی اکبر نوغانی مؤلف «سه مقالهٔ نوغانی» و «دو مقالهٔ نوغانی»، پس از تحصیل دورهٔ ابتدایی، به حوزهٔ علمیهٔ خراسان پیوست و در مدرسهٔ نواب به تحصیل اشتغال یافت. استادان آیت‌الله نوغانی به شرح زیر بودند: آیت‌الله علی اکبر نوغانی؛ آیت‌الله عبدالجواد ادیب نیشابوری (ادیب اول)؛ آیت‌الله محمد تقی ادیب ثانی؛ آیت‌الله احمد مدرس؛ آیت‌الله هاشم قزوینی؛ آیت‌الله مهدی اصفهانی خراسانی؛ آیت‌الله سید محمد هادی میلانی.

در تابستان سال ۱۳۳۳ آیت‌الله میلانی به مشهد رفت و ابتدا حدود یک سال در منزل آیت‌الله مهدی نوغانی اقامت گزید و از ایشان مدت چهارده سال از دروس آیت‌الله میلانی بهره برد و مراتب علمی‌اش مورد تأیید آیت‌الله میلانی قرار گرفت. همچنین به دستور وی امامت جماعت مسجد فاضل را پذیرفت. آیت‌الله نوغانی خود نیز به تدریس و تربیت طلاب اشتغال ورزید و کتاب‌های ***المعالم الاصول*** و ***مکاسب*** شیخ مرتضی انصاری را درس می‌داد و در کار تدریس جدیت داشت. وی مدت بیست و دو سال تفسیر تدریس می‌کرد و در این مدت یک بار تفسیر تمام ***قرآن*** تدریس شد و بار دوم تا آیهٔ دهم از سورهٔ «انبیاء» تفسیر شد؛ از جمله فعالیت‌های دیگر ایشان تدریس ***نهج‌البلاغه***، اقامهٔ مجالس عزاداری و ذکر مصیبت و قرائت دعای کمیل، تصدی مدیریت چند مدرسهٔ علمیه و از جمله مدرسهٔ باقریه، ایجاد صندوق قرض‌الحسنهٔ «جاوید» و مشارکت در تأسیس مؤسسهٔ خیریهٔ حضرت ولی عصر «ع» (انصارالحجة) بود. آیت‌الله نوغانی در مبارزات علیه نظام پهلوی نیز مشارکت فعال داشت و اعلامیه‌هایی

۱. در برخی از منابع نام خانوادگی ایشان به صورت «نوقانی» ضبط شده است.

که صادر می‌شد، امضا می‌کرد. از نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ وارد این مبارزات شد و در حرکت انقلاب خراسان سهم مؤثری داشت. وی همچنین سفرهایی به کشورهای خارجی (و از جمله کویت) برای تبلیغ اسلام داشت.

منابع: کیهان فرهنگی، س.۱۰، ش.۹، ص.۵۳. *گنجینهٔ دانشمندان، جلد دوم*/ شیخ محمد شریف رازی، ص.۴۲۰ ـ ۴۲۱. *گنجینهٔ دانشمندان، جلد هفتم*/ شیخ محمد شریف رازی، ص.۱۸۹. «درگذشت آیت‌الله حاج شیخ مهدی نوغانی»، آینهٔ پژوهش، س.۳، ش.۱۶ (آذر و دی ۱۳۷۱)، ص.۱۱۶.

۸۶/۱ واصف، شیخ محمد، آیت‌الله

عالم علوم دینی

درگذشت ۲ آبان ۱۳۷۵.

محمد بن ابی‌القاسم الجیلانی معروف به شیخ محمد واصف لاهیجی ـ در فقه، اصول، فلسفه، منطق، کلام، درایه، ریاضی و فیزیک استاد بود لذا اکثر علوم را به‌نظم کشید. وی بیش از هفتصد اثر از خود به جای گذاشت که بالغ بر دویست اثر از آنها به طبع رسیده از جمله: ***دیوان اشعار***؛ ***حضرت رقیه (س)*** (در حالات حضرت)؛ ***بیت الاحزان عاشقان*** (در موضوع حسن و عشق و غصه...)؛ ***راهنمای میراث***؛ ***رسالة الانسان*** (بهداشت صورت)؛ ***ارجوزة القیامة*** (بحث معاد)؛ ***دروس العقائد***؛ ***دلیل‌البقاء*** (خواص بقاء از نظر اسلام؛ طب‌النب(ص)؛ ***اسرار الشهادة***؛ ***باب‌الولایه***؛ ***مناجات نامه***؛ ***چهارده معصوم (ص)***؛ ***تاریخ الائمه (ع)***؛ ***زکاة در اسلام*** و...کتاب ***احراق لانه‌های فساد*** (۱۳۳۱). باقی آنها به صورت خطی مضبوط است. واصف لاهیجی مسایل ریاضی ارث را در کتاب میراث خود حل نمود و مبتکر میراث شجری است. وی کتابی در رضاع دارد و رضاع و حج شجری است را مطابق با مذاهب پنجگانه تدوین نمود. او علم و هنر را درهم آمیخت. علامه واصف لاهیجی در سرودن اشعار علمی به زبان عربی تسلط داشت و برخی از علما او را عرب‌زبان می‌پنداشتند زیرا در نظم کشیدن مسائل علمی به زبان عربی مهارت فوق‌العاده‌ای داشت؛ کتابهای ***شواهدالعقاید***، ***دلیل البکا***، ***الحب***، ***شواهد الولایه*** و...نموداری از گفتار فوق است. کتاب ***الفیة علی هامش علم الامام (ع)*** را در اثبات علم حضوری امام به زبان عربی به رشتهٔ تحریر درآورد.

آیت‌الله واصف لاهیجی در زمان آیت‌الله بروجردی به اذن آن بزرگوار با همکاری روحانیت محترم منطقه، بیمارستان ولی عصر(ع) را بنا نمود.

منبع: قلندری، حمید، «درگذشت آیت‌الله قاضی زاهدی»، آینهٔ پژوهش، س.۷، ش.۴۱ (آذر و دی ۱۳۷۵)، ص.۱۱۹ ـ ۱۲۰.

۸۶/۲ وجدانی فخر، آیت‌الله

عالم علوم دینی

تولد ۱۳۱۰.

درگذشت ۲۸ مرداد ۱۳۷۵، تهران.

آیت‌الله وجدانی فخر از شاگردان علامه طباطبایی و حضرت امام(ره) بود و حدود چهل و هشت سال به تدریس سطوح مختلف علوم حوزوی در قم اشتغال داشت. از جمله خدمات وی تدریس بیست و دو دوره شرح لمعه بود که مورد استقبال طلاب قرار می‌گرفت.

از آثار فقهی ایشان می‌توان به کتاب ***جواهر الفخریه*** (در شرح لمعه) اشاره نمود که در پانزده جلد به چاپ رسیده است. اثر دیگر ایشان ***الایضاح فی الطلاق و النکاح: مباحث تحقیقی در بارهٔ صیغه‌های نکاح و طلاق*** (قم، ۱۳۷۰) نام دارد.

آیت‌الله وجدانی فخر در شصت و پنج سالگی در تهران در بیمارستان خاتم‌الانبیا دار فانی را وداع گفت و پیکر ایشان در حرم مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

منابع: «آیت‌الله وجدانی فخر از استادان برجستهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم دار فانی را وداع گفت»، اطلاعات، ش. ۲۰۸۴۰ (۲۸ مرداد ۱۳۷۵)، ص. ۳. «پیکر مرحوم آیت‌الله وجدانی فخر در قم به خاک سپرده شد»، اطلاعات، ش. ۲۰۸۴۱ (۲۹ مرداد ۱۳۷۵)، ص. ۳.

وشنوی، قوام‌الدین محمد، آیت‌الله ۸۶/۳

عالم علوم دینی

تولد ۱۳۲۵ ق.، روستای «وشنوه»، نزدیک قم.
درگذشت ۱۷ خرداد ۱۳۷۶، قم.

آیت‌الله حاج شیخ قوام‌الدین محمد وشنوی قمی پس از پشت سر نهادن دوران کودکی و نوجوانی و فراگیری مقدمات و ادبیات فارسی، رهسپار حوزهٔ علمیهٔ قم شد و به تحصیل علوم دینی پرداخت. سپس در سال ۱۳۴۷ ق. به نجف اشرف رفت و به تکمیل ادبیات و فراگیری مطوّل نزد آیت‌الله شیخ مرتضی طالقانی و شرح لمعه نزد آیت‌الله حاج سید ابوالقاسم روحانی قمی اشتغال جست و در سال ۱۳۴۸ ق. به قم بازگشت و سطوح فقه و اصول (رسائل، مکاسب و کفایه) را نزد آیت‌الله العظمی عبدالکریم حایری یزدی و همزمان با آن در درس خارج اصول آیت‌الله محمد علی حایری قمی حاضر شد و پس از وفات آیت‌الله حایری در درسهای حضرات آیات سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و سید محمد تقی خوانساری شرکت کرد.

با ورود آیت‌الله‌العظمی بروجردی به قم در سال ۱۳۲۴ یکسره به درس فقه و اصول آن فقیه بزرگ حاضر شد. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی، به حلقهٔ درس آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی پیوست و بیش از سی سال در کنار ایشان بود.

آیت‌الله وشنوی قمی در کنار سالیان فراوان تحصیل، به تألیف کتابهای بسیاری روی آورد و در علوم مختلف چون حدیث، تاریخ، تراجم و رجال اهل سنت و فقه مهارت کسب نمود. بیش از سی سال به اقامهٔ جماعت در یکی از مساجد قم پرداخت.

برخی از تألیفات وی که به چاپ رسیده‌اند، عبارتنداز:

حیاة‌النبی و سیرته (سه جلد)؛ ***حدیث‌الثقلین: اهل‌البیت و آیة‌المباهلة***؛ ***النور الساطع فی احوال مولانا الامام الصادق (ع)*** (این کتاب به‌نام ***نور درخشان*** به فارسی ترجمه شده است)؛ ***الحدیث المتواتر فی غزوة خیبر***؛ ***اصحاب رسول‌الثقلین فی‌حرب الصفین***؛ ***فضایل امیرالمؤمنین علی(ع) من کتاب المسند*** (احمد بن حنبل)؛ ***الحجاب فی‌الاسلام*** (به فارسی ترجمه شده است). کتابهای دیگری نیز با راهنمایی و نظارت ایشان به رشته تحریر در آمده است، نظیر ***تحلیلی از زندگی امام جواد (ع)***؛ ***تحلیلی از زندگی امام علی‌النقی (ع)***؛ ***تحلیلی از زندگی امام حسن عسگری (ع)***؛ ***وظیفه مردم در عصر غیبت امام زمان (ع)***؛ ***شناخت هلاککننده‌ها و نجات‌دهنده‌ها از قرآن***؛ ***رسالة فی لباس المصلی***؛ ***رساله پیرامون حجاب***؛ ***کلمات امیرالمؤنین علی (ع)*** (هزار کلمه همراه با ترجمه فارسی)؛ ***مصباح المسند لمسند احمد بن حنبل***؛ ***مصباح الغایة الکتاب اسد الغابة*** (عزالدین ابولحسن علی بن محمد جزری)؛ ***مصباح الاستیعاب و الاصابة***؛ ***نخبة‌المقال فی تهذیب کتاب الاموال*** (ابی عبید)؛ ***تلخیص ریاض النضرة*** (محب‌الدین طبری)؛ ***تلخیص کنوز الحقایق***؛ ***تهذیب کتاب الخراج*** (ابویوسف قاضی)؛ ***الفضایل المستخرجة من المعجم الصغیر*** (حافظ طبرانی)؛ ***مکارم‌الاخلاق*** (به املا ایشان و نگارش آقای عباس اخلاقی)؛ ***الاربعین***

حدیثاً من الائمة الاطهار (ع)؛ ***مقتل الحسین (ع)*** (ناتمام)؛ ***تفسیر القرآن الکریم*** (ناتمام)؛ ***رسالة فی ذکریا بن آدم الاشعری***؛ ***رسالة فی حدیث طلب العلم فریضة علی کل مسلم***؛ ***رسالة فی اثبات استحبات القنوت فی الصلاة عندالعامة***؛ ***حاشیه بر احقاق الحق***؛ ***الاحادیث النبویه (ص)***؛ ***کتب النبی (ص) الی الملوک***؛ یازده فهرست برای کتابهای مخلوط.

آیت‌الله وشنوی قمی روز هفدهم خرداد ۱۳۷۶ چشم از جهان فرو بست. پیکرش در صحن حرم حضرت فاطمه معصومه (س) به خاک سپرده شد.

منبع: انصاری قمی، ناصرالدین، «درگذشت حجت‌الاسلام و المسلمین وشنوی قمی»، آینهٔ پژوهش، س.۸، ش.۴۴ (خرداد و تیر ۱۳۷۵)، ص.۱۰۲ ـ ۱۰۳.

هاشمی سنجانی، علی، حجت‌الاسلام　۸۷

فقیه

تولد ۱۲۹۰، سنجان.

شهادت ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

حجت‌الاسلام علی هاشمی سنجانی، فرزند محمود، تا خارج فقه و اصول به تحصیل حوزوی پرداخت. در اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی، نمایندهٔ مردم اراک بود.

از جمله آثار ایشان است: ***تقریرات فقهی***؛ جزواتی در زمینه‌های اخلاق و وعظ؛ سروده‌ها و اشعار وی به مناسبت‌های مختلف.

حجت‌الاسلام هاشمی سنجانی در جریان بمب‌گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید و پیکرش در قم به خاک سپرده شد.

منبع: ***نگرشی به اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی***/ ص.۳۲۹.

هاشمی‌نژاد، عبدالکریم، حجت‌الاسلام　۸۸

عالم دینی

تولد ۱۳۱۱، بهشهر.

شهادت ۷ مهر ۱۳۶۰، مشهد.

حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در سال ۱۳۱۱ در بهشهر مازندران در فراش محله (از پدرش سید حسن، و مادرش ساره) دیده به‌جهان گشود. از سن نه سالگی به درس عربی اشتغال داشت. در سال ۱۳۲۵، در چهارده سالگی به تحصیل در حوزهٔ آیت‌الله کوهستانی، در شهرک کوهستان در شش کیلومتری بهشهر پرداخت و مقدمات را در آنجا فرا گرفت. در سال ۱۳۲۹ وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شد و دروس سطح را پشت سر گذاشت و در درس خارج اصول فقه امام خمینی (ره) و درس خارج فقه آیت‌الله بروجردی حاضر می‌شد. در بیست و دو سالگی به نجف اشرف رفت ولی با فراهم نبودن شرایط تحصیل از جمله ضعف جسمی بار دیگر پس از یک سال اقامت در عراق به‌سوی ایران برای اقامت در قم حرکت کرد. در سال ۱۳۳۷ اولین اثر قلمی خود را به‌نام ***مناظرهٔ دکتر و پیر*** به سبک داستانی عرضه داشت. این کتاب ماجرای سفر چند نفر است که در یک قطار به بحث می‌پردازند و نویسنده در لابلای آن به بیان ارزش‌های اسلامی می‌پردازد. وی در حوزهٔ علمیهٔ قم به سطح اجتهاد نایل آمد. اساتید دیگر ایشان در قم عبارت بودند از: آیت‌الله کاشانی (فریدالاسلام)، حضرات آیات عظام صدوقی، محقق داماد و سید رضا صدر و مجاهدی. در سال‌های ۱۳۳۹ـ۱۳۴۰ به مشهد رفت. پس از مدتی در آنجا به تدریس (کفایه و رسائل و مکاسب) در حوزهٔ علمیهٔ مشهد پرداخت. در مشهد در درس آیت‌الله سید محمد هادی میلانی و آیت‌الله مجتبی قزوینی نیز حاضر می‌شد. وی همچنین در مجالس سخنرانی در مشهد حضور می‌یافت و برای حاضران سخنرانی

مـی‌کرد. از جـمله فـعالیت‌های فـرهنگی ایشـان همکاری با مجلهٔ «مکتب اسلام» بوده است.

در نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ دستگیر و چهل و یک روز در زندان شهربانی محبوس شد؛ در حادثهٔ مسجد فیل مشهد به سبب سخنرانی در این مسجد و اعتراض به طرح لوایح ششگانهٔ شاهنشاهی و حمله به انتخابات در نوزده مهر ۱۳۴۲، به مدت سه مـاه حبس انفرادی در زندانی در داخل لشکر ۷۷ خراسان محکوم شد؛ سـپس از سـخنرانـی در شـهر مشـهد ممنوع شد. لذا با خانواده مشهد را به سوی اصفهان ترک کرد. سپس همراه خانواده به شـیراز رفت. امـا مأموران ساواک وی را بـرای سـومین بـار دسـتگیر کردند و با اتومبیل به اصفهان برده و تحویل ساواک اصفهان دادند. چندی روزی در ساختمان ساواک در یک اطاق انفرادی نگه داشتند و بعد او را به زندان عمومی منتقل کردند. وی دو ماهی در اسارت بود. با رهایی از زندان راهی مشهد شد؛ وی همچنین اقدام به ایجاد کانون بحث و انتقاد دینی در مشهد از سال ۱۳۴۳ لغایت ۱۳۵۰ نـمود. در سـال ۱۳۵۰ هـم در جلسه‌ای کـه جـمعه شب هـر هـفته در شـهرستان قوچان تشکیل می‌شد حضور می‌یافت. این جلسات تا مدت‌ها ادامه داشت؛ در ایام شهادت فاطمهٔ زهرا در سال ۱۳۵۳ علی رغم ممنوعیت منبر رفتن، وی در مجلسی در منزل خـود، زمـینه‌سازی نـمود و بـا رضایت اساتید دیگر حوزهٔ علمیهٔ مشهد، فردای آن روز، یعنی روز شنبه بیست و چهارم خرداد ۱۳۵۳ با حضور طلاب و مردم، راهپیمایی در خیابان‌های شهر مشهد به راه انداخت. به همین سبب ساواک بـرای چهارمین بار وی را دستگیر و روانهٔ زندان سـاخت. وی تا اوایل سـال ۱۳۵۶ در زنـدان بـه‌سر بـرد. در هـمین زمـان بـه سـبب امـضای اطـلاعیه‌ای، وی به‌همراه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و حجت‌الاسلام واعظ طبسی برای پنجمین بار دستگیر و روانه زندان شد. اما تظاهرات مـردم بـه سـوی مـنزل حـضرت آیت‌الله شیرازی باعث شد ایشـان پس از بـیست و چهار ساعت آزاد شوند.

حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد در بـهمن ۱۳۵۷ بـه تهران آمد. سپس به قائم‌شهر رفت و روز بیست و دوم بهمن در حال سخنرانی بود که خبر تصرف رادیو و تلویزیون و تصرف پادگان‌ها به وی رسـید. او بـه مشهد رفت و در حفظ نظم شهر تلاش بسیار کرد. با گذشت چند ماهی از پیروزی انـقلاب اسـلامی، در خرداد ۱۳۵۸ با قبول ریاست هیئت ایرانی، در اوّلین سفر خارجی به سـه کشـور لیـبی و سـوریه و اردن حرکت کرد. در لیبی، با معمرالقذافی، رییس جمهوری لیبی دیدار نمود و مسائل مربوط به افغانستان و عراق را مورد بحث قرار داد؛ در بهمن ۱۳۵۹ هم‌زمان بـا سالگرد پیروزی انقلاب اسـلامی، از طـرف شـورای عالی تبلیغات اسلامی به دو کشور ژاپن و بنگلادش سفر کرد؛ وی با رأی مردم استان مازندران به مجلس خبرگان راه یافت. در دوران جنگ یکی دو نوبت به همراه حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای به مناطق جنگی رفت.

تألیـــفات ایشـــان عـــلاوه بـــر مـــقالات و سـخنرانـی‌هایشان، عـبارتند از: ***اصـول پـنجگانه اعتقادی و اصول دین؛ پاسخ ما به مشکلات جوانـان؛*** تقریرات اصول آیت‌الله شیخ علی کاشانی به عـربی (چاپ نشده است)؛ ***درسی که حسین (ع) به انسـان‌ها آموخت؛ راه سوم بین کمونیزم و سرمایه‌داری؛ رسالت انقلابی امام حسین (ع)؛ رهبران راستین؛ زهـرا (س): ضرورت تشکیلات؛ غروب آفتاب در اندلس؛ قرآن و کتاب‌های دیگر آسمانی؛ کـمونیسم از دیـدگاه نـظام اقتصادی و اجتماعی اسلام؛ مبارزه با جهل و مادیت؛ مسائل عصر ما؛ مشکلات جنسی و چارهٔ آن در اسلام؛ مشکلات مذهبی روز؛ مکتب مقاومت؛ مناظرهٔ دکتر و پیر؛ ولایت فقیه؛ هستی بخش.***

حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در هفتم مهر ماه ۱۳۶۰، رأس ساعت هشت صبح، بعد از اتمام کلاس درس معارف الهی، در حال خروج از محل حزب جمهوری اسلامی در مشهد توسط منافقین به شهادت رسید. پیکر ایشان در مشهد در دارالزهد حرم مطهر امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

منابع: *شهید هاشمی‌نژاد، فریاد فضیلت* / مرتضی بذرافشان. «شهید هاشمی‌نژاد به روایت اسناد ساواک»، کیهان، س. ۵۳، ش. ۱۵۷۵۰ (۸ مهر ۱۳۷۵)، ص. ۶. *گنجینهٔ دانشمندان، جلد دوم* / شیخ محمد شریف رازی، ص. ۴۲۱ ـ ۴۲۳. *شهدای روحانیت شیعه در یک‌صد سالهٔ اخیر، جلد اوّل* / علی ربانی خلخالی، ص. ۵۷۵ ـ ۵۷۶. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۹۳۰.

۸۸/۱ هشترودی، جواد، حجت‌الاسلام

عالم علوم دینی

تولد ۱۳۱۵، تبریز.

درگذشت ۱۳۷۲.

حجت‌الاسلام سید جواد هشترودی در دوازده سالگی به تحصیل علوم دینی اشتغال ورزید و در مدرسه طالبیه تبریز و سپس در قم از محضر برخی اساتید بنام آن زمان کسب فیض نمود.

حجت‌الاسلام هشترودی در ایام تحصیل به علت فشار مالی، روزها کارگری می‌کرد و شبها به تحصیل می‌پرداخت و به علت بیماری پدر و فقر مالی پس از چندین سال تحصیل به تبریز برگشت و در سال ۱۳۴۲ پس از واقعه پانزده خرداد به تهران آمد و به عنوان یکی از سخنرانان برجستهٔ محافل علمی و مذهبی شناخته شد و نیز به دلیل فعالیتهای انقلابی و سخنرانیهای سیاسی چندین بار به زندان افتاد.

از آثار ایشان است: ***برانگیخته؛ امام علی (ع) پیشوا و پشتیبان مرزهای عقیده؛ استعمار در سرزمینهای توحید؛ زن مسلمان و خودآرایی؛ تاریخ انقلاب داغستان و شخصیت شامل***؛ ترجمهٔ یک جلد از ***محجة‌البیضاء*** (اثر فیض کاشانی).

حجت‌الاسلام هشترودی پس از بازگشت از سفر حج در پنجاه و هفت سالگی به سبب ناراحتی قلبی دار فانی را وداع گفت.

منبع: «درگذشت حجت‌الاسلام هشترودی»، آینهٔ پژوهش، س. ۴، ش. ۲۰ (مرداد و شهریور ۱۳۷۲).

۸۹ همدانی، علی، آیت‌الله

عالم دینی

تولد ۱۳۱۳ ق.، یکی از قصبات همدان.

وفات ۱۴۰۱ ق.، همدان.

آیت‌الله علی همدانی مشهور به «علی معصومی همدانی» و «آخوند ملا علی» در جوانی قریب ده سال از حضور اساتید همدان و آیات عظام و مدرسین تهران استفاده نمود و پس از خاتمه سطوح فقه و اصول رهسپار حوزهٔ علمیهٔ قم گردید. وی متجاوز از یازده سال در محضر آیت‌الله العظمی حائری یزدی و اساتید دیگر قم به تحصیل پرداخت و به درجهٔ اجتهاد و مقام استادی رسید.

آیت‌الله علی همدانی سپس در سال ۱۳۵۵ ق. به همدان رفت و در مدرسهٔ کوچک همدان که بعدها به «مدرسهٔ آخوند» معروف گردید با سمت مدرسی به تدریس مشغول شد و از آن سال سرپرستی این حوزهٔ علمیه را در همدان عهده‌دار بود. وی در کنار تدریس به کار تحقیق و خدمات دیگر اجتماعی و از جمله تأسیس کتابخانه‌ای در همدان به نام «کتابخانهٔ غرب» مشغول بود. از جمله آثار تحقیقی وی می‌توان

به‌عنوان‌های زیر اشاره کرد که هیچ یک طبع نشده‌اند: ***اجتهاد و تقلید***؛ ***حبط و تکفیر***؛ ***شرح یا حاشیهٔ عروة الوثقی***؛ ***رساله‌ای در حالات ابوبصیر***؛ ***رساله‌ای در کلام قدسی***؛ ***رساله در قاعدهٔ لاضرر***؛ ***اسرار نماز***؛ ***رساله‌ای در لباس مشکوک***؛ ***رساله‌ای در سیر و سلوک***؛ حاشیه بر ***انیس التجار***.

*منابع: **بزرگان و سخن‌سرایان همدان**، جلد دوّم/* دکتر مهدی درخشان، ص. ۲۴۲ ـ ۲۴۳. ***علمای بزرگ شعیه از کلینی تا خمینی/*** م. جرفادقانی چاپ اوّل، ص. ۴۳۷ ـ ۴۳۸.

فصل سوم: گروه ادبیات

۹۰ آذر یغمایی، محمود

شاعر

تولد ۱۲۹۳، دهستان گرمه از توابع خور بیابانک.
درگذشت ۳ اردیبهشت ۱۳۷۱، گرگان.

محمد آذر یغمایی در کودکی به سمنان رفت و در آنجا به تحصیل پرداخت. پس از پایان تحصیلات ابتدایی در سمنان، به تهران رفت و پس از دریافت دیپلم در ادارهٔ کل آموزش و پرورش استخدام شد. وی بعدها موفق شد که از دانشگاه تهران در رشتهٔ ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل شود. در همان سال امتیاز روزنامه‌ای به نام «مسلک» کسب نمود. در سال ۱۳۱۸ کتاب داستانی تحت عنوان **پریوش** انتشار داد. مقالاتی هم می‌نوشت که در روزنامه‌ها و مجله‌های «اقدام»، «پیک ایران»، «توفیق ادبی»، «یغما» و روزنامه‌ها و مجلات دیگر چاپ می‌کرد. وی بعد از اخذ لیسانس در سال ۱۳۲۹ به ریاست آموزش و پرورش بم منصوب گردید و سپس در بهبهان، سمنان، شاهرود، بابل، زنجان و تنکابن به ریاست آموزش و پرورش رسید. در سال ۱۳۴۴ در مقام اولین مدیر کل آموزش و پرورش استان ایلام به آن منطقه عزیمت کرد و پس از دو سال دوباره به تهران منتقل شد و بعد از چند سال خدمت فرهنگی و تدریس در دانشکدهٔ ادبیات و زبان‌های خارجه با سابقهٔ سی و دو سال بازنشسته گردید.

در سال ۱۳۵۲ **کویرنامه** را سرود که خلاصه‌ای از آن را ایرج افشار در یادنامهٔ حبیب یغمایی به چاپ رساند. این کتاب در واقع سفرنامه‌ای منظوم از جندق به شاهرود و گرگان و ساری است.

محمود آذر یغمایی در سال ۱۳۷۱ درگذشت و پیکرش طبق وصیت خود او در گرمه در جوار معصومزاده و در کنار آرامگاه پدرش به خاک سپردند.

منبع: از یغما تا شکیب / مرتضی یغمایی «شکیب»، ص. ۱۶۲ ـ ۱۶۴.

۹۱ آذری کنگاوری، ابوالحسن

شاعر، نویسنده، ادیب

تولد ۱۲۹۷، کنگاور.
درگذشت ۱۰ دی ۱۳۶۵.

ابوالحسن آذری کنگاوری تحصیلات قدیمه داشت. کارمند وزارت کشور شد و سلسله مراتب بخشداری و استانداری را تا ریاست دفتر استانداری همدان طی کرد. در دههٔ سوم، روزنامه‌ای در کنگاور دایر ساخت. بیشتر مقالات او که طنزآمیز و انتقادی بود، در جراید همدان چاپ می‌شد. وی سال‌ها عضو انجمن ادبی همدان بود. ابوالحسن آذری کنگاوری دیوان گزیدهٔ خود را خوشنویسی کرده است.

در طنزنویسی پیرو فریدون توللی بود. به تقلید او کتاب به عنوان ***التوازین فی تفسیر حالات آن و این*** نوشت. دو کتاب دیگر او یکی به نام ***فرهنگ مردم کنگاور*** که برای چاپ به مرکز مردم‌شناسی ایران سپرده شده است و دیگری ***تاریخ کنگاور*** یا معبد ناهید (=قصر اللصوص قدیم) است. نوشته‌های دیگری از جمله یکی در باب «عدد هفت» از او برجاست.

منبع: اذکایی، پرویز، «ابوالحسن آذری کنگاوری»، آینده، س ۱۲، ص ۸۲۵.

آموزگار کرمانی، محمد جواد ۹۲

شاعر

درگذشت خرداد ۱۳۶۱، تهران.

محمد جواد آموزگار کرمانی ملقب به «ظفر علی» از سال ۱۳۰۶ به خدمت دولت در آمد و با سمت دبیری دبیرستان پهلوی کرمان مشغول خدمت گردید. در سال ۱۳۱۸ دبیری دبیرستان بانوان نیز به ایشان سپرده شد و در سال ۱۳۲۱، به سمت بازرس آموزشگاه‌های کرمان را یافت. از سال ۱۳۲۵ عده‌دار تدریس عربی در دبیرستان‌های کرمان شد و تا چند سال پیش از فوت که به مقام بازنشستگی رسید، در همین سمت خدمت می‌کرد. وی از عارفان سلسلهٔ سلطانعلیشاهی بود و در سال ۱۳۴۶ از طرف رضا علیشاه گنابادی قطب سلسلهٔ صفی‌علیشاهی به مقام «شیخی» این سلسله نایل آمد و به‌عنوان «ظفر علی» نامیده می‌شد.

منبع: *ستارگان کرمان* / دکتر حسین بهزادی اندوهجردی، ص ۶۰ـ۶۳.

آهی، مهری ۹۳

مدرس، ادیب

تولد تهران.

درگذشت اسفند ۱۳۶۶.

مهری آهی، فرزند مجید، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسهٔ ژاندارک تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۰ در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳۱۱ پدرش به سفارت کبیر ایران در اتحاد جماهیر شوروی منصوب گردید و مهری آهی همراه پدر عازم روسیه شد و مدت سه سال در دانشگاه لومونوسوف مسکو به تحصیل زبان و ادبیات روسی پرداخت. پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۲۷ برای ادامهٔ تحصیل خود در این رشته به انگلستان و فرانسه رفت و مدت هفت سال به تحصیل پرداخت و به اخذ دکتری در رشتهٔ زبان و ادبیات روسی نایل آمد. پس از مراجعت به ایران به تدریس زبان و ادبیات روسی در دانشکدهٔ ادبیات تهران و ادبیات تطبیقی مشغول شد و به ریاست مرکز زبان‌های خارجی دانشگاه تهران منصوب گردید. وی همچنین با زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و ادبیات این زبان‌ها آشنایی داشت.

مهری آهی، علاوه بر تدریس به فعالیت‌های دیگری نیز می‌پرداخت. وی از اعضای مؤسس جمعیت راه‌نو، شورای کتاب کودک، انجمن کتاب و شورای‌عالی جمعیت زنان ایران بود و از همین رو در برخی کنفرانس‌های بین‌المللی به نمایندگی از ایران حضور داشت. در سال ۱۳۳۶ در کنفرانسی که در مسکو از طرف سازمان ملل متحد تشکیل شد، شرکت جست.

در سال ۱۳۳۸ از طرف کمیتهٔ ارتباطات برای شرکت در سمینار زنان و کودکان به نیویورک دعوت شد و سپس بنا به دعوت سازمان ملل در کنفرانس

جمعیت‌های غیردولتی شرکت نمود و نیز چهار دوره به‌عنوان نمایندهٔ ایران در کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد منصوب گردید و همچنین به نمایندگی ایران در دو همایش مربوط به حقوق بشر به مغولستان و مانیل اعزام شد. در سال ۱۳۴۳ جزو هیئت نمایندگی ایران برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و نمایندگی ایران در کمیسیون سوم (کمیسیون امور اجتماعی و اقتصادی) انتخاب شد و انجام وظیفه نمود. در همین سال بنا بر دعوت دانشگاه هاروارد در سمینار تابستانی آن شرکت کرد.

از ترجمه‌های وی می‌توان به این آثار اشاره نمود: مجموعه‌ای از ***قصه‌های آندرسن*** (مجموعه قصه، ۱۳۲۰)؛ ***پدران و پسران*** (اثر ایوان تورگنیف، ۱۳۳۴)؛ ***قهرمان عصر ما*** (اثر لرمانتف، ۱۳۳۶)؛ ***جنایت و مکافات*** (اثر فئودر داستایوسکی)؛ ***قهرمان کوچک*** (اثر نویسندگان خارجی، ۱۳۴۱). وی همچنین کتاب داستان کودکان ***هرکس خانه‌ای دارد*** را به رشتهٔ تحریر در آورد.

منابع: *دائرةالمعارف یا فرهنگ دانش و هنر* / چاپ هشتم، ص. ۱۰۷. *کارنامهٔ زنان مشهور ایران* / ص. ۲۲۰ـ۲۲۲. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۴۷۰ـ۴۷۱. «مهری آهی»، *آینده*، س. ۱۴، ص. ۸۰. *زنان داستانویس در ایران* / محمد باقر نجف‌زاده بارفروش، ص. ۲۷۰.

آیت‌اللهی، سید احمد ۹۴

شاعر، مؤلف

تولد ۱۲ ذی‌الحجهٔ ۱۳۳۵ ق..

درگذشت ۷ بهمن ۱۳۶۸.

حجت‌الاسلام سید احمد آیت‌اللهی، فرزند سید محمد، پس از فراگیری علوم قدیم و جدید در سال ۱۳۱۵ موفق به اخذ دیپلم در رشتهٔ تجارت گردید. پس از فوت پدر به سردفتری اسناد رسمی (سردفتر ۳۲ شهرستان یزد) اشتغال ورزید.

از جمله تألیفات آیت‌اللهی می‌توان به این آثار اشاره کرد: ***راه بهشت یا تفسیر سورهٔ الحمد و قل هو الله***؛ ***گنجینهٔ جواهر***؛ ***ازدواج***؛ ***به‌سوی قرآن***. وی همچنین شعر هم می‌سرود.

حجت‌الاسلام سید احمد آیت‌اللهی در هفتم بهمن ماه ۱۳۶۸ به‌درود حیات گفت.

منابع: *تذکرهٔ شعرای یزد* / عباس فتوحی یزدی، چاپ دوم، ص. ۳۵۴. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد اول، ص. ۳۲۷ـ۳۲۸.

اتابکی (زهره)، منصوره ۹۵

شاعر، خواننده

تولد ۱۲۹۸، تهران.[۱]

درگذشت مرداد ۱۳۶۳.

منصورهٔ اتابکی در کودکی پدر خود را از دست داد و زیر نظر مادر خود به تحصیل پرداخت. از دوران نوجوانی گاه و بی‌گاه اشعاری می‌سرود. سید فخرالدین هاشمی، معروف به «طلوعی عراقی» یا «فخر طلوعی» شاعر معاصر، به تشویق او پرداخت و او را ترغیب به شعر و هنر می‌نمود. منصورهٔ اتابکی برای فراگیری موسیقی از محضر چندین استادان حاضر شد اما تنها در خدمت استاد احمد عبادی بود که مراحل مختلف نواختن تار را طی کرد. منصورهٔ اتابکی در رشتهٔ بانکداری به تحصیل پرداخت و در بانک ملی ایران به کار مشغول شد. گفته می‌شود که وی در اوایل سال‌های ۱۳۳۰ در گوشه‌ای معتکف شد و به عبادت پرداخت. نام وی در کتاب ***زنان شاعر ایران*** ذکر شده است.

۱. در کتاب ***گلزار جاویدان*** تاریخ تولد وی ۱۳۰۱ آمده است.

منصورهٔ اتابکی در مرداد ۱۳۶۳ چشم از جهان فرو بست.

منابع: سیمای هنرمندان ایران (موسیقی، تئاتر و سینما) / به کوشش و گزینش حبیب‌الله نصیری فرد، جلد اوّل، ص. ۱۶۳ ــ ۱۵۹. *زنان شاعر ایران* / گردآورنده مهری شاه‌حسینی (شادمانی)، ص. ۵۵. *گلزار جاویدان، جلد اول* / محمود هدایت، ص. ۵۸۰.

احمدی بختیاری، عبدالحسین ۹۶

شاعر، مترجم

تولد ۱۲۸۰، چهارمحال بختیاری.[۱]
درگذشت ۲۲ اسفند ۱۳۶۱.

عبدالحسین احمدی بختیاری فرزند ابوالفتح ملقب به سیف‌السلطنهٔ بختیاری و نوادهٔ حسینقلی خان ایلخانی بختیاری است. تحصیلات مقدماتی را در آموزشگاه‌های اصفهان به پایان رسانید و علوم ادبی و عربی را آموخت. آنگاه برای تکمیل تحصیلات به تهران رفت و با زبان‌های فرانسوی و انگلیسی آشنایی یافت. وی همچنین از آغاز جوانی به سرودن شعر پرداخت. اشعار وی در مجله‌های «مهر»، «ارمغان» و «آرمان» به طبع رسیده است.

احمدی در سال ۱۳۰۵ به‌عنوان مترجم به خدمت وزارت دارایی در آمد و در سمت معاونت دایرهٔ عملیات فعالیت می‌کرد. سپس به وزارت دادگستری منتقل شد و پس از طی مدارج اداری به مستشاری دیوان عالی تمیز منصوب شد و پس از چند سالی به وزارت دارایی انتقال یافت و از اعضای هیئت رییسهٔ بانک ملی ایران گردید.

احمدی در سال ۱۳۲۸ در کنفرانس بین‌المللی کار به ژنو رفت و چندی نیز ریاست صندوق تعاون و بیمهٔ کارگران را عهده‌دار شد.

وی در طول فعالیتش در دستگاه‌های دولتی موفق شد که برخی از آثار نویسندگان خارجی را ترجمه نماید؛ از آن جمله است ترجمهٔ کتاب **شاتودوشیون** اثر لرد بایرون و بخش‌هایی از نوشته‌های آلفونس دو لامارتین، ژان راسین و پیر کرنی (از فرانسوی به فارسی).

منابع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد اوّل / سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۷۰. *گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوّم* / گردآورنده احمد گلچین معانی، ص. ۶۵ ــ ۷۳. «به یاد عبدالحسین احمدی بختیاری»، آینده، س. ۱۰، ص. ۲۴۳. *گلزار جاویدان، جلد اول* / محمود هدایت، ص. ۷۵ ــ ۷۶.

اخوان ثالث، مهدی ۹۷

شاعر

تولد ۱۳۰۷، توس مشهد.
درگذشت ۴ شهریور ۱۳۶۹، تهران.

مهدی اخوان ثالث که «م. امید» تخلص می‌نمود، فرزند علی، تحصیلات ابتدایی و هنرستان صنعتی را در مشهد به پایان برد.

مهدی اخوان ثالث از سال ۱۳۲۳ کار شاعری خود را آغاز کرد و به سرودن شعر پرداخت و بر اثر تشویق و راهنمایی‌های استاد مدرسه‌اش، پرویز کاویان، شوق بیشتری به شعر پیدا کرد و نخستین شعری که سرود در زمینهٔ توحید و یکتایی خداوند بود و اولین جایزه‌ای که بر اثر سرودن همان شعر دریافت کرد، کتاب **مسالک المحسنین** تألیف طالبوف بود که افتخار الحکمای شاهرودی (مسنّن) به او داد و همین امر سبب گردید که در طریق شعر و شاعری پیش رود و توجه اساتید شعر و ادب خراسان را به

۱. تاریخ تولد وی در *سخنوران نامی معاصر ایران* ۱۲۸۲ آمده است.

خود معطوف دارد و به عضویت انجمن ادبی مشهد (انجمن ادبی محمود فرخ خراسانی) در آید و تخلص «امید» را نیز استاد نصرت (منشی‌باشی) شاعر خراسانی برایش برگزید.

در سال ۱۳۲۷[۱] ساکن تهران شد و به خدمت آموزش و پرورش درآمد و به دبیری پرداخت و پس از چندی به سمت مأمور در وزارت اطلاعات[۲] مشغول همکاری شد و وظیفه‌اش نظارت بر برنامه‌های ادبی بود. وی همچنین به کار صدابرگردانی (دوبله) فیلم‌های مستند و نویسندگی در مطبوعات در موضوعات ادبی و هنری و شاعری و همکاری با رادیو مشغول بود. چندی نیز به موسیقی روی آورد و تار می‌نواخت و در دستگاه‌های ایرانی تمرین می‌کرد، اما به سبب مخالفت پدرش از کار موسیقی دست کشید. ضمناً چند ماهی نیز به زندان افتاد و به قول خودش «برای همیشه از سیاست کناره گرفت» و تنها به کارهای ادبی پرداخت.

وی در سرودن شعر به سبک کلاسیک در قصیده‌سرایی (به شیوهٔ اساتید کهن خراسان و خاصه منوچهری) و غزلسرایی (*ارغنون* از جمله فعالیت‌های این دورهٔ اوست) و نیز به سبک نو (به شیوهٔ نیما، مانند مجموعهٔ *زمستان*) طبع‌آزمایی کرد.

مهدی اخوان ثالث در اواخر عمر خود به عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های تهران و تربیت معلم و شهید بهشتی تدریس می‌کرد.

از جمله آثار ایشان می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره کرد: *ارغنون* (مجموعه شعر، ۱۳۳۰)؛ *زمستان* (مجموعه شعر، ۱۳۳۵)؛ *آخر شاهنامه* (مجموعه شعر، چاپ اوّل، ۱۳۳۸، چاپ دهم، ۱۳۷۰)؛ *از این اوستا* (مجموعه شعر، ۱۳۴۵)؛ *پاییز در زندان* (پس از سال ۱۳۴۵)؛ *منظومهٔ شکار* (۱۳۴۵)؛ *بهترین امید* (گزیدهٔ اشعار و مقالات، ۱۳۴۸)؛ *عاشقانه‌ها و کبود* (۱۳۴۸)؛ *برگزیدهٔ شعرها* (۱۳۴۹)؛ *دوزخ اما سرد*، *مجموعه مقالات* (جلد اول ۱۳۵۰)؛ *نقیضه و نقیضه‌سازان*، *بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج* (۱۳۵۷)؛ *مرد جن زده* (مجموعه داستانی، چاپ دوم، ۱۳۵۷)؛ *در حیاط کوچک پاییز*،... (مجموعه شعر)؛ *حریم سایه‌های سبز* (مقاله؛ زیر نظر مرتضی کافی، ۱۳۷۳)؛ *عطا و لقای نیما یوشیج* (۱۳۶۱)؛ *درخت پیر و جنگل* (کتاب قصه برای کودکان)؛ *ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم* (۱۳۶۸)؛ *گزینهٔ اشعار*؛ *زندگی می‌گوید امّا باید زیست*؛ *ادب الرفیع*؛ *منظومهٔ سواحلی*؛ *نوعی وزن در شعر فارسی*.

مهدی اخوان ثالث سرانجام در سال ۱۳۶۹ در تهران به‌درود حیات گفت و پیکرش را به مشهد انتقال دادند و در جوار آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی در باغ توس به‌خاک سپردند.

منابع: «به یاد مهدی اخوان ثالث (۱۳۰۷ ـ ۱۳۶۹). فصلنامهٔ هنر، ش. ۱۹، ص. ۲۵۴ ـ ۲۵۵؛ *مردان موسیقی سنتی و نوین ایران* / حبیب‌الله نصیری‌فر، جلد سوّم، ص. ۴۱۵. *تذکرهٔ شعرای یزد* / عباس فتوحی یزدی. مؤسسه انتشارات یزد، چاپ دوم، ص. ۴۰۴. *فرهنگ داستان‌نویسان ایران* / حسن عابدینی، ص. ۳۱. *چهرهٔ مطبوعات معاصر* / غلامحسین صالحیار. ص. ۵۷. *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد اوّل* / سید محمد باقر برقعی، ص. ۳۵۳ ـ ۳۵۴. *دیدار با شاعران (شامل شرح حال و اشعار برگزیدهٔ چهل تن از شاعران معاصر ایران)* / علی اکبر دلفی، ص. ۱۰ ـ ۱۲. *چشمهٔ روشن، دیداری با شاعران* (مقالهٔ «زمستان امید») / دکتر غلامحسین یوسفی، ص. ۷۳۳ ـ ۷۴۰. *خلوت انس* / مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، ص. ۳۷ ـ ۳۸. *ادبیات دورهٔ بیداری و معاصر* / دکتر محمد استعلامی. ص. ۳۵۲. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد پنجم، ص. ۱۵۰.

---

۱. این تاریخ در کتاب *سخنوران نامی معاصر ایران* ۱۳۲۳ درج شده است.

۲. وزارت اطلاعات (۱۳۴۲ ـ ۱۳۵۳) در سال ۱۳۵۳ به وزارت اطلاعات و جهانگردی و در سال ۱۳۵۷ به وزارت ارشاد ملی و یک سال بعد به وزارت ارشاد اسلامی و سرانجام به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تغییر نام داد.

شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد دوم/ حسنعلی محمدی، ص. ۵۸۳ ـ ۵۹۸.

۹۸ ادیب طوسی، محمد امین

مدرس، ادیب، محقق

تولد ۱۲۸۳[1]، مشهد (محلهٔ نوغان).

درگذشت ۵ خرداد ۱۳۶۱، تهران.

محمد امین طوسی، معروف به ادیب طوسی، فرزند شیخ محمد حسین گیلانی در شهر مشهد به تحصیل پرداخت و در مکتب‌های قدیم و مدارس علوم دینی به کسب علم و دانش مشغول شد و علوم ادبی را از ادیب نیشابوری و حکمت و فلسفه را از آقابزرگ حکیم آموخت و مدتی نیز در سبزوار نزد حاج ملا هادی سبزواری به فراگیری اصول فلسفهٔ اشراق پرداخت. وی در سال ۱۳۴۲ ق. به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل زبان انگلیسی و تدریس ادبیات مشغول شد و بعد از سه سال اقامت به مشهد بازگشت و در مدارس آنجا به تحصیل پرداخت. پس از آن نیز در مدرسه‌های تهران و یزد و تبریز به تدریس مشغول شد.

ادیب طوسی سفرهایی به هندوستان و عربستان سعودی و ترکستان و مصر و سوریه و ترکیه نمود. از آن پس که به ایران مراجعت کرد به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و چندی در ادارهٔ کل نگارش وزارت فرهنگ به خدمت پرداخت و سال‌ها نیز در دانشگاه تبریز به تدریس در دانشکدهٔ ادبیات مشغول بود و در ضمن مدیریت نشریهٔ «دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تبریز» را به عهده داشت. پس از آن که بازنشسته گردید در اواخر عمر به تهران آمد و در این شهر اقامت گزید.

از جمله آثار وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ***آموزش و پرورش از نظر غزالی*** (تبریز، ۱۳۲۰)؛ ***ایام کودکی*** (نظم، تهران، ۱۳۱۲)؛ ***بودا در هند***؛ ***پیام فردوسی*** (نظم، تهران، ۱۳۱۳)؛ ***تاریخ دیسی ایران قدیم*** (در دو دوره)؛ ***تخت سلیمان***؛ ***دستور زبان و معانی و بیان و بدیع فارسی***؛ ***رابطه اوزان شعر یا ترانه‌های محلی ایران*** (تبریز، ۱۳۳۲)؛ ***فرهنگ لغات ادبی تبریز*** (دو جلد، ۱۳۴۹)؛ ***فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع)*** (تبریز، دو جلد، ۱۳۴۳)؛ ***فرهنگ لغات لهجه‌های محلی ایران***؛ ***فقه اللغة فارسی***؛ ***لغات آذری***؛ تلخیص ***مثنوی***؛ ***مهرشاه و میهن*** (نظم، تبریز، ۱۳۲۰)؛ ***نقد الادب*** (بغداد). وی همچنین مجلهٔ «ماهتاب» (نشریهٔ انجمن ادبی آذربایجان) و نیز داستان‌هایی چند را منتشر ساخت. از جملهٔ این داستان‌ها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: ***انتقام عشق*** (سه جلد، تبریز، ۱۳۱۷ ـ ۱۳۱۹)؛ ***مرد عجیب***؛ ***جوکی در جنگل***؛ ***دخمه‌های سیاه یا کلبهٔ بدبختان*** (تبریز، ۱۳۲۰)؛ ***شبح مخوف***؛ ***درویش گمنام***.

منابع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد اوّل/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۲۳۰. *سیمای شاعران/* حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۳۲. *گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوّم/* احمد گلچین معانی، ص. ۴۳۳ ـ ۴۴۰. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/* خانبابا مشار، جلد اول، ص. ۶۸۵ ـ ۶۸۷. *سالنامهٔ دانشکدهٔ ادبیات تبریز/*ص. ۴۴ (به نقل از "مشار"). «محمد امین ادیب طوسی»، آینده، س. ۱۳، ص. ۱۹۸ ـ ۱۹۹. *گلزار جاویدان، جلد اول /* محمود هدایت، ص. ۸۵.

۹۹ ارسلان، حسین

شاعر

تولد ۲۵ بهمن ۱۳۲۴، یزد.

شهادت ۲۰ آذر ۱۳۶۴، هورالعظیم.

---

۱. در *کتابشناسی آذربایجان* و نیز *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* تاریخ تولد وی ۱۲۸۱ آمده است.

حسین ارسلان در سال ۱۳۴۶ بعد از اتمام تحصیلات مقدماتی به عنوان سپاهی دانش در قریه «گلپایگان طالقان» مأمور به خدمت شد و یک سال از دوران خدمت را در جوار آیت‌الله محمود طالقانی سپری کرد. پس از پایان مأموریت در شهرستان رفسنجان به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و به لحاظ سوابق پیشین و آشنایی با روحانیت، مأمور «بخش اطلاعیه‌ها و نوارهای مذهبی» شد. اندیشه‌های درونی او را به سرودن شعر واداشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به پی‌ریزی و تشکیل کانون اسلامی شعرا و ادبای ادارهٔ ارشاد اسلامی رفسنجان همت گماشت و از اعضای فعال و عضو هیئت مدیره این کانون گردید. وی در شعر «رخشا» تخلص می‌کرد.

حسین ارسلان در یازدهم آذر ۱۳۶۴ عازم جبهه‌های دفاع مقدس شد و در تاریخ بیستم همین ماه در هورالعظیم به شهادت رسید.

منابع: شهیدان شاعر / زیر نظر نصرالله مردانی، ص ۱۴۷. *یادهای سبز* / به کوشش علیرضا قزوه، ص ۴۰.

اظهر، سید رضا ۱۰۰

شاعر

تولد ۱۳۰۱، یزد.

درگذشت ۱۳۶۵.

سیدرضا اظهر فرزند سید مرتضی که «روشن» تخلص می‌نمود به تجارت مشغول بود. از وی کتابی به نام ***اندیشهٔ روشن*** به چاپ رسیده است.

سید رضا اظهر در سال ۱۳۶۵ درگذشت.

منبع: تذکرهٔ شعرای یزد / عباس فتوحی یزدی، ص ۱۸۸.

افسری کرمانی، عباس ۱۰۱

شاعر

تولد ۱۲۸۵، کرمان.

درگذشت ۲ شهریور ۱۳۶۰، کرمان.

عباس افسری کرمانی، فرزندزادهٔ میرزا مهدی‌قلی خان افسر کرمانی، شاعر قرن سیزدهم هجری است که ***دیوان اشعارش*** به چاپ رسیده است. پدر او ابوالقاسم تنها فرزند افسر کرمانی بوده است. افسری کرمانی تحصیلات و معارف را در همان شهر فرا گرفت. در کرمان به تجارت اشتغال ورزید. سال‌ها با اغلب روزنامه‌ها و نشریه‌های آن روزگار همکاری داشت. عباس افسری کرمانی از اعضای انجمن ادبی کرمان بود.

منبع: «میرزا عباس افسری کرمانی»، فصلنامه فرهنگ و ادب کرمان، س ۲ (بهار ۱۳۷۴)، ص ۲۵.

افشار یزدی، محمود ۱۰۲

شاعر، محقق، ادیب

تولد ۱۲۷۲ (=۱۳۱۳ ق.)، یزد.

درگذشت ۲۸ آذر ۱۳۶۲، تهران.

دکتر محمود افشار یزدی، فرزند محمد صادق، در سن سیزده سالگی مادر خود را از دست داد و به این سبب برای تحصیل به نزد عمویش در هند اعزام شد و این شخص که سالیان دراز ریاست انجمن ایرانیان مقیم بمبئی با او بود در آن شهر به ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی در هندوستان مشغول بود. محمود افشار یزدی در هند مقدمات علوم جدید و زبان انگلیسی را فرا گرفت و پس از سه سال به تهران آمد و در مدرسهٔ علوم سیاسی به تحصیل پرداخت. اما به قصد ادامهٔ تحصیل در نوزده سالگی راهی اروپا شد و در سوییس از دانشکدهٔ علوم سیاسی

دانشگاه لوزان درجهٔ دکتری دریافت کرد. چون ایام اقامت وی در اروپا مقارن با ختم جنگ بین‌الملل اول بود و موضوع قرارداد ۱۹۱۹ مطرح بود در جراید سوییس مقالاتی در دفاع از حقوق ایران نوشت؛ همچنین مقالاتی دربارهٔ زبان فارسی و ایران در جراید سوییس از وی به یادگار مانده است. وی پس از به پایان رساندن دورهٔ دکتری در سال ۱۳۴۰ ق. به ایران بازگشت. چندی در مدرسهٔ علوم سیاسی به تدریس تاریخ دیپلماسی ایران پرداخت و در مدرسهٔ نظام نیز به تدریس اشتغال داشت. سپس به ریاست مدرسهٔ عالی تجارت که تازه تأسیس شده بود انتخاب شد و اساس مدرسهٔ مزبور را پی‌ریزی کرد. مدتی نیز در وزارت مالیه و عدلیه به خدمت اشتغال داشت تا به سمت مستشاری دیوان کشور رسید. آخرین موقعیت اداری او معاونت وزارت فرهنگ بود. از آن پس از خدمت دولتی کناره گرفت.

دکتر محمود افشار یزدی از سال ۱۳۰۰ وارد عرصهٔ مطبوعات شد. در سال ۱۳۰۴ مجلهٔ «آینده» را تأسیس کرد که ابتدا دو سال (۲۴ شماره) و سپس از سال ۱۳۲۲، شانزده شمارهٔ آن طبع گردید و سپس پسرش ایرج افشار به نشر آن ادامه داد. از کارهای دیگر وی ایجاد موقوفهٔ دکتر محمود افشار در شمیران تهران است که مؤسسهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا در همانجا مستقر شد. ***دفتر اشعار*** دکتر محمود افشار در سال ۱۳۶۲ از طرف موقوفهٔ فوق چاپ شده است. فهرست آثار او به شرح زیر است: مجلهٔ «آینده»، چهار دوره؛ ***روزنامهٔ خاطرات اعتماد السلطنه*** (۱۳۴۵)؛ ***گفتار ادبی*** (در دو جلد)؛ ***گنجینهٔ مقالات*** (مقالات سیاسی یا سیاستنامهٔ جدید، جلد یک، ۱۳۶۸)؛ ***سیاست اروپا در ایران*** (۱۹۲۱، آلمان، گفته شده که این کتاب را به زبان فرانسوی نوشته است)؛ ***افغان‌نامه*** (در سه جلد)؛ ***تاریخچهٔ سیاست روسیه در ایران***. مقاله‌های وی در جراید «آفتاب»، «رعد»، «ایران»، «ستارهٔ جهان»، «شفق سرخ»، «شیرکوه» و «کوشش» و روزنامه‌های دیگر سال‌های ۱۳۰۳ـ۱۳۰۶ منتشر شده است. مقاله‌هایی نیز برای روزنامه‌های «حبل‌المتین» (کلکته) و «شمس» (استانبول) نوشته است. به مناسبت یادبود دومین سال درگذشتش، چهار مجلد کتاب به نام ***ناموارهٔ دکتر محمود افشار*** شامل مقاله‌های تحقیقی منتشر شد.

*منابع: **تذکرهٔ شعرای یزد**/* عباس فتوحی یزدی، ص. ۱۴۷. ***فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز**/* عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۵۱ـ۵۲. ***تذکرهٔ شعرای معاصر ایران، جلد دوم**/* سید عبدالحمید خلخالی، ص. ۳۰. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر**/* غلامحسین صالحیار، ص. ۴ـ۵. ***سیمای شاعران**/* حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۲۸. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/* خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۸.

مدرس

درگذشت ۱۳۶۳.

احمد افشار شیرازی در انجمن ادبی که در دبیرستان فیروز بهرام تشکیل می‌شد، حضور می‌یافت. همچنین در جلسات انجمن ایرانشناسی که ابراهیم پورداود تأسیس کرده بود، نیز حاضر می‌شد. وی کتابشناس بود و چندین بار برای گذران زندگی مجبور شد که بخش‌هایی از کتابخانهٔ خود را به کتابخانه‌های مجلس شورای ملی، مجلس سنا و دانشگاه تهران و کتابخانه دانشگاه شیراز بفروشد. از او دو اثر به یادگار مانده است: یکی از آنها گردآوری و چاپ نوشته‌هایش راجع به ***مانی و مانویت*** است که به تشویق و راهنمایی سید حسن تقی‌زاده از میان متون فارسی و عربی جمع کرد. دیگری تجدید طبع *از*

پرویز تا چنگیز (تألیف سید حسن تقی‌زاده، تهران، ۱۳۳۵) است؛ چاپ این کتاب از سال ۱۳۳۸ تا سال ۱۳۴۹ به طول کشید زیرا افشار شیرازی اصرار داشت که کتاب معرب به چاپ برسد.

دورهٔ خدمت دولتی افشار شیرازی به تدریس ادبیات و زبان فارسی و عربی در دبیرستان‌ها (شیراز و تهران) و سپس در دانشگاه‌های کشور (تهران و شیراز) گذشت. وی به زبان عربی تسلط داشت.

منبع: افشار، ایرج، «درگذشت احمد افشار شیرازی»، آینده، س. ۱۱، ص. ۳۸۹ ـ ۳۹۱.

الوند شهمیرزادی، احمد ۱۰۴

شاعر، نویسنده، روزنامه‌نگار

تولد ۱۳۱۴.

درگذشت ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۸، تهران.

احمد الوند عضو اتاق بازرگانی و رییس اداره انتشارات اتاق بازرگانی و صنایع و معادن بود و در عین حال با مجلات و نشریات از جمله مجله‌های «بامشاد» و «فردوسی» همکاری داشت و در سال‌های ۱۳۴۸ یا ۱۳۴۹ سردبیر مجلهٔ «خوشه» بود و تا زمان تعطیلی آن، این نشریه را اداره می‌کرد. الوند شعر می‌گفت و به نویسندگی و به‌خصوص به طنزنویسی می‌پرداخت. در اکثر اشعار وی رگه‌هایی از طنز دیده می‌شود.

منبع: شاهانی، خسرو، «احمد الوند»، آینده، س. ۱۵، ص. ۶۲۰.

امیربختیاری، جمشید ۱۰۵

شاعر، محقق

تولد ۱۲۹۵.

درگذشت ۱۳۶۵.

جمشید امیربختیاری فرزند یوسف خان امیرجاهد بختیاری از شاعران معاصر است. تحصیلات خود را در مدارس اصفهان انجام داد و به تهران کوچید. تا چند سال پیش از درگذشت در تهران زندگی می‌کرد. وی مؤلف کتابی است به نام ***مرواریدها و خزف‌ها*** که در سال ۱۳۴۳ درباره مقایسهٔ شعر وثوق‌الدوله با اشعار دیگر شاعران معاصر تألیف و منتشر کرده است.

منبع: ***فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز*** / عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۱۴۸.

امیرپور امرائی، اسداله ۱۰۶

شاعر، روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۸۵، لرستان.

درگذشت ۱۳۶۵، لرستان.

اسداله امیرپور امرائی تحصیلات منظم نداشت. از جوانی توان بینایی‌اش را به مقدار زیاد از دست داد. وی با روزنامه‌ها و مجلات همکاری داشت و مجلات «توفیق» و «چلنگر» را با فرستادن اشعار فکاهی یاری می‌داد.

اسداله امیرپور امرائی به دنبال یک بیماری در زادگاهش درگذشت.

منبع: «اسداله امیرپور امرائی»، آینده، س. ۱۲، ص. ۸۲۴.

امیری فیروزکوهی، سید عبدالکریم ۱۰۷

شاعر

تولد ۱۲۸۸، فرح‌آباد فیروزکوه.[۱]

۱. در کتاب ***گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در***

درگذشت ۱۸ مهر ۱۳۶۳، تهران.

سید عبدالکریم[۱] امیری فیروزکوهی متخلص به «امیر»، فرزند سید مصطفی قلی منتظم‌الدوله، در هفت سالگی با پدرش به تهران آمد و پرستاریش به عهدهٔ نامادری‌اش سپرده شد. ابتدا به مدرسهٔ سیروس رفت. در همین سال پدرش درگذشت. لذا مادرش از روستا به تهران آمد و در کنار نامادری سرپرستی وی را به عهده گرفت. «امیر» سپس در مدارس ثروت و کالج آمریکایی تحصیلات خود را به پایان رساند. پس از آن نزد محمد حسین وحید دستگردی، مدیر مجلهٔ «ارمغان» و رییس «انجمن ادبی حکیم نظامی» و دیگر ادیبان تهران به تعلیم فنون ادب و علم کلام مقدمات حکمت همت گماشت و دیری نگذشت که با سرودن غزل‌های ناب به سبک هندی (اصفهانی) به جمع شعرا پیوست. سید کریم امیری فیروزکوهی به‌تدریج در انواع فنون شعری از غزل و قصیده مهارت یافت. ایشان در انجمن ادبی ایران نیز حضور داشت.

امیری فیروزکوهی در سال ۱۳۰۸ به عضویت در ادارهٔ کل ثبت اسناد و املاک در آمد. مدتی هم نزد سید حسین مجتهد کاشانی که تصدی دفتری از اسناد رسمی درجه اول را بر عهده داشت، کار می‌کرد. در سال ۱۳۱۱ عهده‌دار خدمت در ادارهٔ ثبت اسناد تهران شد و در سال ۱۳۱۹ خدمت را ترک گفت. ده سالی هم از سال ۱۳۲۶ تا سال ۱۳۳۶ متصدی دفتر اسناد رسمی بود. وی سال‌ها از محل درآمد املاک موروثی خود در فیروزکوه و تهران زندگی می‌کرد.

همچنین در جوانی به شوق فراگیری معارف اسلامی به نزد شیخ عبدالنبی مجتهدکجوری و سیدحسین مجتهد کاشانی ملقب به «ضوءالرشد» رفت و علوم اسلامی (فقه و اصول و حکمت و فلسفه و معارف اسلامی) را نزد آنان آموخت. زبان عربی را نیز در مدت کوتاهی آموخت.

زمینهٔ اصلی کار او غزل و قصیده و از حامیان و پیروان سبک هندی بود. غزلیات «امیر» که دو ثلث آثارش را شامل می‌شود، در عین حال که دارای استحکام آثار اساتید کهن است لطافت شعر دورهٔ صفوی و سبک هندی و مضامین بکر و خاص اندیشه این استاد را همراه دارد. امیری فیروزکوهی اشعاری هم به زبان عربی داشت که بعضی از آنها در روزنامهٔ «اقدام» چاپ شده است.

از جمله آثار وی می‌توان به تصحیح ***دیوان صائب*** و مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشت و نیز مقاله‌هایی در مجلات ادبی کشور در زمینهٔ شعر و ادب و زبان و همچنین ترجمه‌ای از ***نفس‌المهموم*** آقا شیخ عباس محدث قمی و ترجمهٔ ***مکاتیب نهج‌البلاغه*** اشاره کرد. از وی رساله‌ای فلسفی نیز به نام «وجیزةٌ فی علم النبی» در مجلهٔ «جاویدان خرد» (شمارهٔ بهار سال ۱۳۵۴) منتشر شده است. دیوان وی به کوشش دخترش ــ دکتر امیربانوی امیری فیروزکوهی (مصفا) ــ در سال ۱۳۵۴ در تهران به چاپ رسید. وی علاوه بر دیوان شعر، دو کتاب با نام‌های ***عفاف‌نامه در لزوم حجاب*** (۱۳۱۳) و ***احقاق الحق*** از خود به یادگار گذاشته است.

پیکر امیری فیروز کوهی در صحن شرقی امامزاده طاهر (ع) واقع در حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد.

منابع: «سیّد الشّعراء استاد امیری فیروزکوهی»، نشر دانش، س ۴، ش ۶ (مهر و آبان ۱۳۶۳)، ص ۷۵. «شاعر سخن‌سنج و

دوران جنگ جهانی دوم (گردآورنده: احمد گلچین معانی) آمده است که وی در سال ۱۲۸۹ و در ارجمند فیروزکوه به دنیا آمده است. بقیهٔ منابع تاریخ و محل تولد او را همان‌طور که در متن آمده است، آورده‌اند. البته تاریخ تولد وی در کتاب ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** نیز ۱۲۸۹ ذکر شده است.

۱. در برخی از منابع نام وی امیر و در برخی دیگر عبدالکریم آمده است.

ادیب زمانهٔ ما درگذشت»، فصلنامهٔ هنر، ش. ۷ (زمستان ۱۳۶۳)، ص. ۲۴۲ ـ ۲۵۲. *فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز* / عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۶۴ ـ ۶۵. *تذکرهٔ شعرای معاصر ایران* / سید عبدالحمید خلخالی، ص. ۱۰. *دیدار با شاعران* / تهیه و تنظیم علی اکبر دلفی، ص. ۳۴ و ۳۵ و ۳۶. *چشمهٔ روشن، دیداری با شاعران* / دکتر غلامحسین یوسفی، ص. ۵۸۴ـ۶۰۶. *خلوت انس* / مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، ص. ۵۷ و ۵۶. *آثار آل قلم، منتخب یازده قرن نظم و نثر فارسی* / حمید گروگان، ص. ۳۲۹. *سیمای شاعران* / حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۳۴. *اختران فروزان ری و طهران یا تذکرة المقابر فی احوال المفاخر* / حاج شیخ محمد شریف رازی، ص. ۲۶۷. *گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوّم* / احمد گلچین معانی، ص. ۹۷ ـ ۱۲۶. *دیوان امیری فیروزکوهی* / ج ۱، تدوین و شرح و تعلیق دکتر امیربانوی مصفا. ابراهیمی، مینا. «سرشار از روح و لبریز از عاطفه»، کیهان (۲۵ مهر ۱۳۷۴)، ص. ۷. *مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی* / خانبابا مشار، جلد پنجم، ص. ۶۱ ـ ۶۲. *شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد دوم* / حسنعلی محمدی، ص. ۴۴۸ ـ ۴۶۱. *گلزار جاویدان، جلد اول* / محمود هدایت، ص. ۱۵۴.

انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم ۱۰۸

شاعر، محقق، ادیب

تولد ۱۳۰۰، شیراز.

درگذشت ۲۵ شهریور ۱۳۷۲، تهران.

سید ابوالقاسم انجوی شیرازی فرزند سید صدرالعلماء خلیل دورهٔ دبستان خود را در شیراز خواند و برای تکمیل تحصیلات خود به تهران آمد. در آنجا دورهٔ لیسانس را به پایان رسانید و در سال ۱۳۲۹ به سوییس رفت و تحصیلات خود را در رشتهٔ علوم سیاسی و اجتماعی در ژنو تکمیل نمود. در سال ۱۳۲۷ امتیاز نشر هفته‌نامهٔ «آتشبار» را در تهران گرفت و با همراهی ایرج زندپور تا سال ۱۳۳۲ چند شماره نشر داد. روزنامهٔ مزبور انتقادی و اجتماعی بود و چون بعضی از مقالاتش مطبوع طبع دولت وقت واقع نشد، برای همین توقیف شد و انجوی نیز دستگیر و به جزیرهٔ خارک تبعید گشت و یک سال در آن جزیره و دو سال در تهران زندانی بود. کتابی به نام **سفینهٔ غزل** با مقدمهٔ دکتر محسن هشترودی تألیف و چاپ کرده است که شامل منتخب اشعار شعرا متقدم و معاصر است. در اردیبهشت ۱۳۳۷، کتاب دیگری از تألیفات او به نام **مکتب شمس** که تحقیقی است در بارهٔ غزلیات مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و شامل منتخبی از غزلیات مزبور است تألیف و چاپ کرده است. کتاب دیگر او چاپ جدیدی از دیوان حافظ به نام **دیوان خواجه حافظ شیرازی** بود که در سال ۱۳۴۵ منتشر شد.

وی از چهل سالگی تصمیم گرفت که به کار گردآوری اسناد و حفظ و نگاه‌داری روایات و میراث فرهنگی مردم بپردازد. از سال ۱۳۴۱ نیز برنامه‌ای از رادیو آغاز شد که برای مدت تقریباً بیست سال ثابت باقی ماند. انجوی در این برنامه تلاش داشت تا به گردآوری فرهنگ مردم بپردازد. ابتدا این برنامه به مدت یک ربع ساعت در هفته و تحت نام «احساس و اندیشه» پخش می‌شد. پس از تغییر عنوان‌های مکرر، سرانجام این برنامه «سفینهٔ فرهنگ مردم» نام گرفت و در اواخر سه ساعت تمام به آن اختصاص داده شده بود. این برنامه تا بهار ۱۳۵۸ ادامه داشت تا سرانجام انجوی بازنشسته شد. انجوی شیرازی برای چاپ این مطالب گردآوری شده اقدام کرد و تعداد ده جلد آن تحت نام **گنجینهٔ فرهنگ مردم** به چاپ رسید. نام این ده جلد به این شرح است: ***تمثیل و مثل*** ۱ (۱۳۵۲)؛ ***جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان*** ۱ (۱۳۵۲)؛ ***قصه‌های ایرانی*** ۱ (۱۳۵۲)؛ ***بازی‌های نمایشی*** (۱۳۵۲)؛ ***قصه‌های ایرانی*** ۲ (۱۳۵۳)؛ ***جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان*** ۲ (۱۳۵۴)؛ ***مردم و***

شاهنامه (۱۳۵۴)؛ ***قصه‌های ایرانی ۳*** (۱۳۵۵)؛ ***مردم و فردوسی*** (۱۳۵۵)؛ ***مردم و قهرمانان شاهنامه*** (۱۳۵۷).

فعالیت مستمر انجوی در این زمینه باعث شد که وی به فکر تأسیس مرکز فرهنگ مردم بیافتد که در مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران تأسیس گردید.

ابوالقاسم انجوی شیرازی در سن هفتاد و دو سالگی در بیمارستان آبان (تهران) درگذشت و در ابن‌بابویه تهران به خاک سپرده شد.

منابع: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، جلد اوّل، از آتشی تا پیامی/ محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت»، ص. ۳۴۰ ــ ۳۴۱. کلک، ش. ۴۳ ــ ۴۴ (مهر و آبان ۱۳۷۲) (ویژه‌نامه). ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/*** خانبابا مشار، جلد اول، ص. ۲۳۰ ــ ۲۳۱. مارزلف، اولریش، «انجوی شیرازی و گنجینهٔ فرهنگ مردم ایران»، ترجمهٔ کیکاووس جهانداری، کلک، ش. ۵۴ (شهریور ۱۳۷۳)، ص. ۳۰۵ ــ ۳۱۱.

محقق، شاعر

تولد ۱۲۹۰ (=۱۳۱۹ ق.)، قم.

درگذشت ۱۳۶۲.

شیخ محمد علی انصاری، فرزند شیخ محمد حسین، خواندن و نوشتن را در مکتب آموخت. پس از فوت پدر متکفل عایلهٔ پدر گردید، ناگزیر برای کسب معاش در بازار به کار پرداخت و چون دارای حافظه‌ای نیرومند بود، پس از فراغت از کار روزانه در مدرسهٔ رضویهٔ قم به تحصیل صرف و نحو نزد شیخ عبدالله اشتهاردی مشغول شد و تا کتاب ***صمدیه*** پیش رفت و صرف و نحو را فرا گرفت، همچنین به مطالعهٔ کتب و دیوان‌های شعر پرداخت.

انصاری شاعری است که بیش از پنجاه هزار بیت شعر سروده و بیشتر اشعارش در مراثی و مدایح اهل بیت(ع) و علما و مراجع عظام است. آثار و تألیفاتش بدین شرح است: ***نهج‌البلاغه منظوم*** (حدود سی هزار بیت، ۱۳۶۷ ــ ۱۳۶۹ ق.)؛ ***غررالحکم و دررالکلم (ترجمهٔ مجموعه کلمات قصار حضرت علی (ع))*** (اثر عبدالواحد آمدی، ۱۳۳۷)؛ ***پیغمبر شناخته شده؛ دفاع از حسین شهید در رد کتاب شهید جاوید؛ دفاع از اسلام و روحانیت رد بر دکتر علی شریعتی؛ پاسخ به بداندیشان در رد بر مردوخ کردستانی؛ آیینهٔ دل؛ آیین جهانداری؛ دیوان اشعار؛ آذرستان؛ خزائن المراثی یا شورهای فروزان*** (شعر، تهران، ۱۳۶۵ ق.)؛ ***دریای نور، وصایای رسول (ص) به اباذر*** (شعر، قم، ۱۳۶۷ ق.).

منابع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد اوّل/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۴۰۱. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/*** خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۱۹۲. ***آثار الحجة یا تاریخ و دایرةالمعارف حوزهٔ علمیهٔ قم دینی ـ تاریخی ـ رجالی ـ ادبی ـ اجتماعی/*** شیخ محمد شریف رازی، جلد دوم، ص. ۱۴۴.

محقق زبان‌های باستانی

تولد ۱۲۸۳، تکاب آذربایجان.

درگذشت آذر ۱۳۶۱.

مراد اورنگ، فرزند علی‌اکبر، بازنشستهٔ ارتش بود. از وی آثاری در بارهٔ فرهنگ ایران باستان به یادگار مانده است که از آن جمله است: ***بررسی یسنا*** (ترجمه و تفسیر اوستا، بخش یکم، تهران، ۱۳۳۹؛ بخش دوم ــ هات ۹ ــ تهران، ۱۳۴۰؛ بخش سوم ــ هات ۱۰ ــ تهران)؛ ***جشن‌های ایران باستان*** (تهران، ۱۳۳۶)؛ ***سددر*** (منتخبی از گفتارهای زند و پازند، تهران، ۱۳۳۷)؛ ***سوشیانت*** (داستان هوشیدر و هوشیدرماه و سوشیانت، تهران، ۱۳۴۲)؛ ***فرهنگ***

اورنگ (تهران، ۱۳۳۷)؛ ***گزارش گاتاها*** (سرودهای زرتشت، تهران، ۱۳۴۱)؛ ***هم‌بستگی در اوستا*** (ترجمه و گزارش واژهٔ اوستانی: خوات و دته، تهران، ۱۳۴۱)؛ ***یکتاپرستی در ایران باستان*** (تهران، ۱۳۳۴).

*منابع: **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/* خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۱۲۲ ـ ۱۲۳. «مراد اورنگ»، آینده، س. ۱۰، ص. ۴۰۳.

شاعر

تولد ۲۰ بهمن ۱۳۰۸، بروجرد.
درگذشت ۱۷ اردیبهشت ۱۳۷۰، تهران.

محمدرضا رحمانی یاراحمدی مشهور به مهرداد اوستا که در شعر «اوستا» تخلص می‌کرد، از ده سالگی به سرودن شعر پرداخت و نخستین شعری را که سرود در سوگ امام حسین (ع) بود. بعد از پایان دورهٔ دبستان در سال ۱۳۲۱، برای تحصیلات متوسطه به تهران آمد و پس از تحصیل در یکی از دبیرستان‌های شبانه، در سال ۱۳۲۷ دیپلم ادبی گرفت. در همان سال همکاری با آموزش و پرورش را (به عنوان مسئول سامان دادن به کتابخانه‌های موجود در این وزارتخانه و تأسیس کتابخانه‌هایی در شهرستان‌ها، اصلاح متون و مقالات و کتب ادبی این وزارتخانه، تدریس در چند دبیرستان) آغاز و هم‌زمان وارد دانشگاه شد و در سال ۱۳۳۰ از دانشکدهٔ معقول و منقول (دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی تهران) موفق به دریافت مدرک کارشناسی شد و سپس به ادامهٔ تحصیل در رشتهٔ فلسفهٔ تحلیلی در دانشگاه تهران پرداخت و کارشناسی ارشد خود را در همین رشته گرفت. در شهریور ۱۳۳۲ به سبب طرفداری از دکتر محمد مصدق، مخالفت با شاه و سخنرانی‌های انقلابی در جریان کودتای ۲۸ مرداد دستگیر و به مدت هفت ماه زندانی شد. ضمناً همان سال اوستا به تصحیح و چاپ ***دیوان سلمان ساوجی*** اقدام نمود. در سال ۱۳۳۳ ***رساله‌ای در فلسفه، منطق و روان‌شناسی و اخلاق*** را منتشر ساخت و شروع به تدریس در دانشگاه تهران نمود. سپس کتاب فلسفی ***عقل و اشراق*** و پس از آن ***رسائل خیام (نوروزنامه ـ رسالهٔ وجود)*** را با مقدمه و تحقیق در زندگی خیام تحقیق و منتشر کرد.

در سال ۱۳۳۵ با سباستین مونه، فیلسوف و شرق‌شناس فرانسوی، آشنا شد و نزد ایشان شروع به تحصیل فلسفهٔ تکمیلی نمود و در مقابل، عرفان مشرق‌زمین و آثار عرفای اسلامی از جمله مولوی و عطار نیشابوری را به مونه درس می‌داد. این ارتباط تا سال ۱۳۳۹ ادامه داشت. در این سال اولین مجموعه شعر خود را به نام ***از کاروان رفته*** را منتشر ساخت. سال‌ها بعد ***پالیزبان***، ***حماسهٔ آرش*** و ***از امروز تا هرگز*** را منتشر ساخت. در تابستان ۱۳۴۶ برای نخستین بار برای مدت یک ماه به کشورهای فرانسه، انگلستان و ایتالیا سفر کرد. دو سال بعد کتاب ***اشک و سرنوشت*** که گزیده‌ای از شاهکارهای ادبی جهان است و سپس ***روش تحقیق در دستور زبان فارسی و شیوهٔ نگارش*** را منتشر کرد. در سال ۱۳۴۹ برای بار دوم به اروپا سفر کرد و در مدت اقامت یک ماهه‌اش در فرانسه و سوییس با ژان پل سارتر ارتباط برقرار کرد. این ارتباط چندین سال ادامه داشته است. در تیر ۱۳۵۱ مجموعهٔ شعر ***شراب خانگی ترس محتسب خورده*** را به رشتهٔ تحریر در آورد که در همان سال کتاب توقیف شد. در خرداد ۱۳۵۲ کتاب انتقادی ***تیرانا*** را منتشر کرد که این کتاب هم توقیف شد. ضمناً به سبب طرح پاره‌ای از مسائل و از جمله ذکر نام حضرت امام خمینی (ره) در این کتاب مدت یک سال ممنوع القلم گردید. در تابستان ۱۳۵۶ به فرانسه و

سوییس رفت و با سید محمد علی جمالزاده در ژنو دیداری داشت. در شهریور ۱۳۵۹ نیز یک ماهی در فرانسه اقامت گزید و در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی این کشور سخنرانی‌هایی نمود. با شروع جنگ تحمیلی بارها در جبهه‌ها و مناطق جنگی حضور داشت. در سال ۱۳۶۰ مجموعهٔ شعر ***امام حماسه‌ای دیگر*** را منتشر ساخت. در زمستان سال ۱۳۶۲ جهت معالجهٔ بیماری قلبی و بازگردانیدن چند کتاب ارزشمند خطی به کشور که در سال‌های انقلاب به فرانسه منتقل شده بود، برای مدت یک ماه به فرانسه رفت. در زمستان ۱۳۶۷ به پاکستان رفت و چندین سخنرانی در بارهٔ شخصیت حافظ و آثار او ایراد نمود. ضمناً مجتمع هنر و ادبیات دفاع مقدس طی مراسمی در تالار وحدت در سال ۱۳۶۷ لوح دست‌خط زرین حضرت امام (ره) و دیپلم افتخار و سکهٔ یادبود مجتمع را به مهرداد اوستا به عنوان برگزیدهٔ بخش شعر اهدا نمود. در سال ۱۳۶۹ نیز دوباره به پاکستان سفر کرد در مراسم بزرگداشت خلیل‌الله خلیلی، قصیده‌سرای افغانی، سخنرانی نمود. استاد اوستا، طی سال‌های تدریس در مراکزی چون دانشگاه‌های تهران، ملی، مدارس عالی ترجمه و پارس، دانشکدهٔ هنرهای تزیینی، دانشگاه تربیت مدرس، مجتمع عالی هنر، رشته‌های ادبیات فارسی، فلسفه، تاریخ هنر، فلسفهٔ تاریخ هنر، تاریخ اجتماعی هنر، روش تحقیق هنر در اروپا، روش تحقیق هنر در شرق، ادبیات جهان، ادبیات نمایشی، زیبایی‌شناسی، روش تحقیق در زیبایی‌شناسی، به تدریس تاریخ موسیقی اشتغال داشت. آخرین سال‌های تدریس استاد ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ بود که در دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران تاریخ موسیقی تدریس می‌کرد. وی همچنین مشاور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود.

استاد اوستا با اینکه بیشتر به قصیده‌سرایی متمایل بود در زمینه‌های دیگر شعر همانند غزل، مثنوی، دوبیتی‌های پیوسته، رباعی و غیره نیز تسلط داشت. از نظر قالب به شیوهٔ شعرای خراسانی و بیشتر پیرو ناصرخسرو، خاقانی و مسعود سعد بود و در اندیشه‌های شاعرانه‌اش غالباً دقایق فلسفی و تفکرات حکیمانه را می‌پروراند. وی معتقد بود که «یک هنرمند باید فرزند زمان خود باشد و اگر احیاناً خود نیازمندی‌های زیادی از نظر مادی ندارد باید آنقدر روحیهٔ حساس و تأثیرپذیری داشته باشد که دردها و نیازمندی‌های اکثریت مردم را درک کند و آینهٔ گویای رنج و شادی مردم زمان باشد.»

فهرست آثارش (هر چند برخی از کتاب‌هایی که در زیر آمده در هیچ کتابخانه‌ای یافت نشد، معهذا عنوان آن در اینجا درج شد) به این شرح است: ***از امروز تا هرگز*** (نثر داستانی، ۱۳۴۵)؛ ***از کاروان رفته*** (شعر، ۱۳۳۹)؛ ***اشک و سرنوشت*** (قطعه‌های ادبی، ترجمه، شعر)؛ ***امام، حماسه‌ای دیگر*** (۱۳۶۸)؛ ***پالیزبان*** (شعر، ۱۳۴۲)؛ ***پرنیان*** (شعر)؛ ***تحلیل فلسفی و علمی پیرامون اسطوره‌های ملل***؛ ***تحلیل فلسفی و علمی پیرامون اصول ادیان***؛ ***رسائل خیام، نوروزنامه ــ رسالهٔ وجود*** (تصحیح، مقدمه و تحقیق در زندگی خیام)؛ تصحیح دیوان ***سلمان ساوجی***؛ تصحیح و تحقیق ***کلیات شیخ سعدی***؛ ***تعریف و توجیه انسان***؛ ***تیرانا*** (نثر انتقادی، ۱۳۵۲)؛ ***حماسهٔ آرش*** (شعر، ۱۳۴۴)؛ ***راما*** (شعر، ۱۳۷۰)؛ ***رساله‌ای در منطق، فلسفه، روانشناسی و اخلاق***؛ ***روش تحقیق در تاریخ هنر***؛ ***روش تحقیق در تحولات فکری و فلسفی در اروپا و آسیا***؛ ***روش تحقیق در دستور زبان و شیوهٔ نگارش*** (۱۳۴۸)؛ ***روش تحقیق در زیبایی‌شناسی***؛ ***روش تحقیق در بیان فلسفی اسطوره‌ها***؛ ***روش تحقیق در بیان دین و اخلاق***؛ ***سرود ناتمام*** (مجموعه شعر از عبدالله صالحی سمنانی، با دیباچه‌ای از استاد اوستا، ۱۳۵۳)؛ ***سیر مکاتب هنری در ایران***؛ ***شراب خانگی ترس***

محتسب خورده (شعر، ۱۳۵۱)؛ ***عدالت، حکومت، جامعه؛ عقل و اشراق؛ کارنامهٔ شعر معاصر پارسی؛ لحن‌شناسی*** (پیرامون آثار و افکار بزرگان سخن ایران)؛ ***مجموعهٔ مقالات؛ مقدمه‌ای بر دیوان حافظ؛ مکاتب فلسفی در آسیا؛ مکاتب فلسفی در اروپا؛ مکاتب هنری در اروپا؛ مکاتب هنری در شرق؛ منطق حماسی مهابهارات؛ منطق کلام حافظ؛ منطق کلام فردوسی؛ نامه‌ها؛ نقد و بررسی آثار سنائی.***

استاد مهرداد اوستا سرانجام روز هفدهم اردیبهشت ۱۳۷۰ به هنگام اشتغال به تصحیح شعر و تعلیم، در تالار وحدت ــ شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ــ در ساعت ۱/۳۰ بعد از ظهر به سبب سکتهٔ قلبی درگذشت و فردای آن روز پیکر وی در بهشت زهرا در مقبرهٔ مشاهیر فرهنگ، ادب و هنر ایران در کنار مجتبی مینوی و مشایخ فریدنی (حجرهٔ ۹۵۳) به خاک سپرده شد.

منابع: *یادنامهٔ استاد مهرداد اوستا* / به کوشش محمد حسین رحمانی و هیأت نظارت تاریخ و فرهنگ معاصر. «مهرداد اوستا؛ باز آفرینی چکامه»، اطلاعات، ش. ۲۰۲۸۷ (شهریور ۱۳۷۳)، ص. ۶. *تذکرهٔ شعرای معاصر دههٔ اوّل انقلاب معاصر، جلد اوّل* / دکتر مصطفی اولیائی، ص. ۱۳۶. *تذکرهٔ شعرای معاصر ایران، جلد دوّم* / سید عبدالحمید خلخالی، ص. ۴۶. *سیمای شاعران* / حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۴۲. «کتابشناسی اوستا»، امین صدیقی، کیهان هوایی، شمارهٔ ۹۸۵ (۲۱ خرداد ۱۳۷۱). *یادهای سبز* / علیرضا قزوه، ص. ۱۱ ــ ۲۲. *دیدار با شاعران* / علی اکبر دلفی، ص. ۲۳۲ ــ ۲۳۳. *فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت* / به کوشش محمد باقر نجف‌زاده بارفروش، «م. روجا»، ص. ۵۵ ــ ۵۹. *خلوت انس* / مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، ص. ۷۳ ــ ۷۴. *افسوس بی‌سخن (۱)، یادنامهٔ مهرداد اوستا* / هادی سعیدی کیاسری. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۴۶۳. *شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد دوم* / حسنعلی محمدی، ص. ۶۱۷ ــ ۶۲۳.

۱۱۴ اوهب، محمدتقی

شاعر

تولد ۱۳۱۸ ق.، یزد.

درگذشت ۷ شوال ۱۴۰۷.

محمد تقی اوهب ابتدا مقدمات و صرف و نحو ادبیات عرب و فارسی را آموخت. علاوه بر امامت جماعت، با نطق و خطابت راه‌گشای مردم بود. گاهی هم به زبان فارسی و هم به زبان عربی شعر می‌سرود و در اشعار خود نخست «سالک» تخلص می‌نمود و بعداً متخلص به «اوهب» گشت.

منبع: تذکرهٔ شعرای یزد / عباس فتوحی یزدی، ص. ۲۸۱

۱۱۳ باران‌پور، آرش

شاعر

تولد ۱۳۲۹، حصار ایذه (خوزستان).

درگذشت ۴ آذر ۱۳۷۱، جادهٔ اهواز.

ولی احمد (آرش) باران‌پور از سال‌های نخست انقلاب اسلامی همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد. این همکاری تا آخرین لحظات زندگی ادامه داشت. اکثر اشعار او در قالب آزاد بوده است. وی هیچگاه اقدام به چاپ مجموعه‌ای از اشعار خود نکرد. در سال‌های دفاع مقدس، شاعر عشق و حماسه بود.

پیش از انقلاب اسلامی، کارمند شرکت نفت در مسجد سلیمان بود و از کسانی بود که در اعتصابات شرکت نفت شرکت جست و دستگیر و به زندان کارون اهواز برده شد و یکی دو ماه بعد با پیروزی انقلاب آزاد شد. آرش فقط مدت دو ماه و نیم در شرکت نفت مشغول به کار بود. پس از آن، مغازه‌ای برای تعمیر رادیو و تلویزیون باز کرد و شروع به کار کرد. اما مدتی بعد هم این شغل را رها کرد و به دنبال

کتابفروشی (بساط خیابانی) رفت و سپس چهار ماه پیش از فوت دوباره به شرکت نفت بازگشت.

باران پور سرانجام در روز چهارشنبه چهارم آذر ۱۳۷۱ هنگام شرکت در کنگرهٔ شعر بسیج در بوشهر به دیار باقی شتافت.

منابع: «آرش باران پور»، کیهان فرهنگی، (دی ماه ۱۳۷۱)، ص. ۴۲. شعر، س. ۱، ش. ۱ (فروردین ۱۳۷۲)، ص. ۸۰. *یادهای سبز* / به کوشش علیرضا قزوه، ص. ۱۰۱ ــ ۱۱۷.

باقرمنش، سید رضا ۱۱۴

شاعر

تولد ۱۳۰۳، قم.

درگذشت ۲۹ آذر ۱۳۶۲.

سید رضا باقرمنش متخلص به «ثابت»، فرزند سید باقر، تحصیلات ابتدایی را پشت سر گذاشت. نه ساله بود که پدرش درگذشت و مسئولیت زندگی بر دوشش افتاد، ناگزیر ترک تحصیل کرد و به دنبال کار رفت تا درآمدی کسب کند و معیشت خانواده‌اش را تأمین نماید. بدین جهت چندی در انبار شرکت نفت قم کار کرد و مدتی نیز در یکی از دفاتر اسناد رسمی مشغول کار شد.

باقرمنش در سال ۱۳۲۹ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به عنوان آموزگار در مدرسه‌ها به تدریس اشتغال ورزید و ضمن خدمت آموزشی توانست به تحصیل پردازد و دورهٔ اوّل متوسطه را به اتمام رساند، اما دیگر قادر به ادامهٔ تحصیل نگردید. وی در آموزش و پرورش مدتی به عنوان کارپرداز خدمت کرد و چندی نیز در کارگزینی انجام وظیفه نمود و چند سالی نیز مدرسهٔ ملی رودکی را در اختیار داشت که بعداً به ادارهٔ آموزش و پرورش واگذار کرد و پس از فراغت کار اداری امور حسابداری پیمانکاری نادری را اداره می‌کرد و در سال ۱۳۵۹ بازنشسته گردید و چند سال آخر عمر را در شرکت راه و ساختمان دیجم به شغل حسابداری اشتغال داشت.

باقرمنش از آغاز جوانی به سرودن شعر پرداخت و اشعارش در روزنامه‌های محلی «استوار» و «سرچشمه» و «پیکار مردان» به چاپ می‌رسید و اشعار انتقادی‌اش را برای روزنامهٔ «چلنگر» می‌فرستاد.

سید رضا باقرمنش در بیست و نهم آذر ۱۳۶۲ درگذشت و در امامزاده ابراهیم به خاک سپرده شد.

منبع: *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد دوّم* / سید محمد باقر برقعی، ص. ۹۵۹.

بحرالعلومی، حسین ۱۱۵

ادیب

تولد ۱۲۹۶.

درگذشت ۲۶ آبان ۱۳۶۸.

حسین بحرالعلومی سال‌ها در دبیرستان‌ها و سپس در دانشگاه تدریس می‌کرد. استاد ادبیات دانشگاه تهران و اصفهان بود. رسالهٔ دکترایِ او تصحیح *دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی* بود و توفیق یافت آن را به چاپ برساند. کار دیگر او تدوین و تألیف کتاب *انجمن آثار ملی* است. وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌های «کارنامهٔ انجمن آثار ملی»، «تماشا»، «فرهنگ و هنر» و «پشوتن» می‌نوشت. وی در هفتمین کنگرهٔ تحقیقات ایرانی، مقاله‌ای تحت عنوان «تحقیقی در احوال و آثار پیرهرات» ارائه داد.

منابع: «دکتر حسین بحرالعلومی»، آینده، س. ۱۵، ص. ۶۱۶. *کارنامهٔ تحقیقات ایرانی در سال ۲۵۳۵* / محمد زهری، ص. ۸۶.

بوستان، مجدالعلی ۱۱۶

محقق، روزنامه‌نگار

تولد ۱۷ ذیقعده ۱۳۱۷ ق.
درگذشت ۲ اسفند ۱۳۶۴.

مجدالعلی بوستان، فرزند شیخ حسن، فارسی و مقدمات عربی را نزد آخوند ملا احمد کدکنی فرا گرفت. در سال ۱۳۳۳ ق. (مطابق با ۱۲۹۳ و ۱۲۹۴) در مشهد نزد میرزا حسین تهران‌طبیب (ساکن سر قبر میر در محلهٔ نوغان) به آموختن زبان فرانسوی پرداخت. از سال ۱۳۰۳ که به تهران آمد از درس آقا میرزا مهدی آشتیانی و شیخ ضیاءالدین دری اصفهانی استفاده نمود.

بوستان به کار معلمی در مدارس جدید خراسان اشتغال داشت. از سال ۱۳۰۶ در تشکیلات جدید عدلیه مشغول به کار شد و سرانجام در شهریور ۱۳۴۷ از کار بازنشسته شد. ابتدا مدعی‌العموم شهرستان ملایر بود و در پایان مستشار دیوان عالی کشور.

وی مقاله‌هایی را در موضوعات مختلف اجتماعی و ادبی برای روزنامه‌های «مهر منیر»، «سعادت بشر»، «بهار»، «چمن»، «فکر آزاد» و «خورشید» که در خراسان منتشر می‌شد، می‌نوشت. وی سپس به انتشار روزنامهٔ «بوستان» در خراسان اقدام کرد. از سال ۱۳۰۷ به بعد در انجمن ادبی ایران و انجمن فرهنگستان ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی حضور می‌یافت. وی همچنین در تصحیح ***دیوان بابا طاهر عریان*** با اتفاق محمد حسین وحید دستگردی و عبرت مصاحبی نایینی و محمود عرفان همکاری داشت. تألیفات وی عبارت است از: ***رسالهٔ خرافات***؛ ***دستور شرق*** (کتاب دستور فارسی که برای مدارس ابتدایی خراسان نوشته شد و چندین بار به چاپ رسید)؛ ***پند نامهٔ منظوم*** (نصیحت مادر به دختر؛ چاپ سنگی در تهران، ۱۳۰۶)؛ ***تذکرهٔ منتهیان*** (جلد دوم طریقهٔ ترجمه). آثاری نیز از وی به چاپ نرسید: ***اوهام خواص*** «غلط‌های مشهور»؛ ***ترجمهٔ احوال بزرگان***؛ ***شرح حال شیخ علاءالدوله سمنانی***؛ ***سید حسن مشکان طبسی*** (شرح حال)؛ ***یادداشت‌های قضایی و مقالات ادبی***.

بوستان از زمانی که به تهران آمد با وحید دستگردی مدیر مجلهٔ «ارمغان» آشنا شد. این آشنایی منتهی به همکاری بوستان در نشر مجلهٔ «ارمغان» شد. وی گاه نوشته‌های خود را با امضاهای «پونه»، «بیابانی»، «عمید جلال»، «بندهٔ خدا» و «عبد خدا» منتشر می‌ساخت.

مجدالعلی بوستان به هنگام اقامت در خراسان از هواداران کلنل محمد تقی‌خان پسیان بود. وقتی که برای مدت سه سال رییس دادگستری سمنان بود به سبب تماس با تبعیدشدگان زمان رضا شاه، تحت تعقیب قرار گرفت و برای مدتی به حالت بازداشت تحت نظر بود. در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق به‌سبب وضع خاص و حساس شهر محلات به‌هنگام انتخابات، از سوی ایشان مأمور نظارت در انتخابات محلات شد که چون طرفداران شهاب خسروانی وجود او را مخل دخالت‌های خود در صندوق‌ها تشخیص دادند، به دادگستری که محل اقامت او نیز بود، حمله بردند و قصد جان او را کردند. ناچار بنا به توصیهٔ فرماندهٔ ژاندارمری و شهربانی ضمن مراقبت ویژه او را از محلات بیرون آورده و راهی تهران کردند.

منابع: بوستان، بهمن، «مجدالعلی بوستان»، آینده، س ۱۲، ص ۲۹۳ ــ ۲۹۵. ***زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ ــ ۱۳۲۰ هـ ش.)***، ***جلد دوم***/ حسن مرسلوند، ص ۸۴ ــ ۸۵.

بهار، مهرداد ۱۱۷

مدرس، محقق

تولد ۱۳۰۸.

درگذشت ۲۲ آبان ۱۳۷۳، تهران.

مهرداد بهار فرزند محمد تقی بهار (ملک الشعرا) بود. بهار از سال ۱۳۲۶ به عرصهٔ فعالیت‌های سیاسی وارد شد و به حزب توده پیوست. در سال ۱۳۳۰ مهرداد بهار به عنوان یکی از دانشجویان فعال دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران مسئول بخش تشکیلات سازمان دانشجویان شد و همین سال به اتفاق دوستان، بر اعضای شورای عالی دانشگاه شورید. پس از این واقعه، از دانشگاه اخراج شد. اوایل پاییز همین سال پدرش، ملک‌الشعرا، چشم از جهان فرو بست. بهار پس از اخراج از دانشگاه تهران دستگیر و در زندان قصر محبوس شد. پس از چندی از زندان آزاد شد و باز هم به فعالیت پرداخت. پس از وقایع ۲۸ مرداد دوباره دستگیر و تا ۱۳۳۴ در زندان‌های قصر، فلک‌الافلاک و سرانجام قزل قلعه زندانی شد. پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۳۴ دوباره به دانشکدهٔ ادبیات رفت و در این سال‌ها با خلیل ملکی نیز آشنا شد و از اندیشه‌های او متأثر شد. بهار در فروردین ۱۳۳۸ برای ادامهٔ تحصیلات به انگلستان رفت و در دانشکدهٔ شرق‌شناسی دانشگاه لندن تحصیلات خود را ادامه داد. در انگلستان نخستین فدراسیون دانشجویان مبارز را بنیاد نهاد و چندی بعد عضو رهبری کنفدراسیون دانشجویان خارج از کشور شد که علیه رژیم پهلوی مبارزه می‌کرد. در سال ۱۳۴۲ در کنفرانس دوسلدرف سخنرانی کرد. در آن هنگام، حزب توده بر آن بود که چپ‌ها را از جبههٔ ملی جدا کند. بهار و برخی از اعضای رهبری کنفدراسیون از دستور رهبری حزب سرباز زدند. بهار با سخنرانی خود با این سیاست حزب توده مخالفت کرد و رسماً از حزب اخراج شد.

بهار از ۱۳۴۴ به کلی از فعالیت‌های سیاسی کناره گرفت و به وطن بازگشت. این بار به پژوهش در فرهنگ ایران باستان پرداخت. در سال ۱۳۴۴ دکتر محمد مقدم درخواست کرد که بهار در دانشگاه استخدام شود. اما به سبب اینکه نمی‌خواست با ساواک همکاری کند، از استخدام در دانشگاه تهران محروم ماند.

وی ده سال در بنیاد فرهنگ ایران و فرهنگستان زبان ایران به کار پژوهش پرداخت و مدیریت گروه اساطیر را به عهده داشت. کتاب ***اساطیر ایران*** یادگار این دوران است. وی بعدها در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران و دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی و چند دانشکدهٔ دیگر تدریس می‌کرد.

حاصل عمر وی مقاله‌ها و کتاب‌هایی است که از جملهٔ مهم‌ترین آنها، کتاب ***اساطیر ایران*** (۱۳۵۲، چاپ دوم آن با عنوان ***پژوهشی در اساطیر ایران*** در سال ۱۳۶۲ به چاپ رسیده است)؛ ***واژنامهٔ بندهش*** (پهلوی ــ فارسی، ۱۳۴۵)؛ ***واژه‌نامهٔ گزیده‌های زاداسپرم*** (۱۳۵۱)؛ ***در بارهٔ قیام ژاندارمری خراسان به رهبری کلنل پسیان*** (۱۳۶۹)؛ ***رستم و دیو سفید*** (۱۳۷۰)؛ ***سخنی چند در بارهٔ شاهنامه*** (۱۳۷۲)؛ ***رستم و سهراب*** (۱۳۷۳)؛ ***جستاری چند در فرهنگ ایران*** (مجموعه مقاله‌ها، ۱۳۷۳)؛ ***جمشید شاه*** (۱۳۴۶)؛ ***بستور*** (۱۳۴۷)؛ ***بُندهش*** (فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹)؛ ***تخت جمشید*** (با همکاری نصراله کسرائیان، ۱۳۷۲)؛ ***ادبیات مانوی*** (با دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور). مقاله‌های وی در نشریات «بنیاد فرهنگ ایران»، «پژوهشنامهٔ فرهنگستان زبان ایران»، «فرهنگ و زندگی»، «سخن»، «اندیشهٔ آزاد»، «چیستا»، «ادبستان»، «آینده»، «چاووش» و «آدینه» به چاپ رسیده است.

پیکر مهرداد بهار در بهشت‌زهرا در قطعهٔ ۸۸ (ویژهٔ هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

منابع: «یاد بهار در خزان»، جهان کتاب، س ۱، ش ۳، ص ۱۵. «بهار جاودانه دکتر مهرداد بهار»، آدینه، س ۹۷ (دی ۱۳۷۳)، ص ۶۲. «به یاد بهار...، بخشی از سخنرانی امان‌الله قریشی، به مناسبت گرامی‌داشت یکمین سال درگذشت استاد زنده‌یاد مهرداد بهار»، گزارشنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ش ۲ (آبان و آذر ۱۳۷۴)، ص ۳۰ ـ ۳۱. «کتابشناسی دکتر مهرداد بهار»، کلک، ش ۵۴ (شهریور ۱۳۷۳)، ص ۱۶۶ ـ ۱۶۹.

بهروزی، علی نقی ۱۱۸

شاعر، محقق

تولد ۱۲۸۱ (۱۳۲۳ ق.)، کازرون.[۱]

درگذشت ۱۴ فروردین ۱۳۶۲، شیراز.

علی نقی بهروزی متخلص به «بهروزی»، فرزند بهرور، پس از اخذ دیپلم در بوشهر و فراگیری ادبیات و زبان انگلیسی، به سال ۱۳۰۲ به بحرین رفت و دو سال به مدیریت و آموزگاری مدرسهٔ اتحادیهٔ ایرانیان اشتغال ورزید و بعد خدمت خود را در سمت‌های معلمی و نظامت و مدیریت در بوشهر و شیراز ادامه داد. وی در سال ۱۳۳۷ بازنشسته شد. با این وجود معلمی در دبیرستان ابن سینا را ادامه داد. وی همچنین دارای گواهینامهٔ زبان انگلیسی از دانشگاه کمبریج بود. علاوه بر انگلیسی، با عربی نیز آشنا بود و به دریافت نشان‌های درجه یک و دو علمی نایل آمد.

در سال ۱۳۰۵ با روزنامهٔ «تخت جمشید» همکاری کرد و بعد به عضویت در هیئت تحریریه روزنامه‌های «عصر آزادی»، «پیغام»، «پارس» و «بهار ایران» درآمد. در عین حال مقالاتی در مجلات «گل‌های رنگارنگ»، «ارمغان»، «یادگار» و «یعما» انتشار می‌داد. او در سال ۱۳۲۵ امتیاز روزنامهٔ «دستاویز» را گرفت و چند شماره در شیراز منتشر کرد. وی همچنین عضو «انجمن قلم» و عضو مشورتی روزنامهٔ «اطلاعات» در استان فارس بود و به‌عنوان شاعر در «انجمن ادبی فارس» حضور می‌یافت و یکی از بنیانگذاران «کانون دانش پارس» بود و تا روزهای آخر عمر در جلسات آن شرکت می‌کرد.

از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۸ به سمت سرپرست کتابخانهٔ حافظیه مشغول کار بود. از تیر سال ۱۳۵۸ به سرپرستی کتابخانهٔ حضرت احمد [illegible] موسی شاهچراغ شیراز اشتغال داشت.

فهرست آثار او به شرح زیر است: ***جشن‌های ایزدی***، ***تاریخ اعیاد ملی*** (شیراز، ۱۳۲۴)؛ ***سدهٔ وفات قاآنی*** (شیراز، ۱۳۳۳)؛ ***شرح کامل حالات حکیم قاآنی*** (شیراز، ۱۳۳۴، نشریهٔ سه کانون دانش پارس)؛ ***شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور*** (شیراز، ۱۳۳۳)؛ تصحیح ***دیوان رحمت کازرونی*** (شیراز، ۱۳۳۴)؛ تصحیح ***دیوان مظفر شیرازی*** (با همکاری و بازنگری دیگران، شیراز، ۱۳۳۷)؛ ***لطایف و ظرایف ادبی*** (شیراز، ۱۳۴۲)؛ ***آثار محلی فارس***؛ ***جامع عتیق شیراز یا قدیمی‌ترین مسجد فارس*** (شیراز، ۱۳۴۰)؛ ***فارسنامهٔ ابن‌بلخی*** (شیراز، ۱۳۴۳)؛ ***تاریخچهٔ شهر شیراز و اماکن تاریخی*** (تهران، ۱۳۴۷)؛ ***واژه‌ها و مثل‌های شیرازی و کازرونی*** (تهران، ۱۳۴۸)؛ ***بناهای تاریخی و آثار هنری جلگهٔ شیراز*** (شیراز، ۱۳۴۹)؛ ***تاریخچهٔ مسجد جامع عتیق شیراز*** (شیراز، ۱۳۴۹)؛ ***تاریخچهٔ مسجد جامع سلطانی وکیل*** (شیراز، ۱۳۵۰)؛ ***فهرست کتب خطی کتابخانهٔ ملی فارس*** (دو جلد با همکاری آقای محمد صادق فقیری، شیراز، ۱۳۵۱)؛ ***نوادر تاریخی*** (جلد اوّل، ۱۳۵۳)؛ ***حافظ را بشناسید*** (شیراز، ۱۳۵۵)؛ ***سعدی را بشناسید*** (شیراز، ۱۳۵۵)؛ ***افتخارات ایران***؛ ***شرح حال و اشعار ناخدا عباس دریانورد*** (شیراز،

---

۱. در کتاب ***انجمن‌های ادبی شیراز*** تألیف حسن امداد، تاریخ تولد علی‌نقی بهروزی، ۱۲۸۴ و در کتاب ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** ۱۲۸۳ آمده است.

۱۳۵۶)؛ *تاریخچهٔ کتابخانه‌ها و مطبوعات و چاپخانهٔ فارس* (شیراز، ۱۳۵۶)؛ *فهرست کتب خطی کتابخانهٔ آستان حضرت احمد بن موسی شاهچراغ* (دو جلد، شیراز، ۱۳۶۰)؛ *تاریخچهٔ ده‌سالهٔ کانون فرهنگیان پارس* (شیراز، ۱۳۳۳)؛ *اشعار نغز*؛ *گلشکر*.

علی نقی بهروزی سرانجام به سال ۱۳۶۲ در شیراز زندگی را به‌درود گفت و در دارالرحمه شیراز به خاک سپرده شد.

منابع: فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۹۷. *چهرهٔ مطبوعات معاصر*/ غلامحسین صالحیار، ص. ۱۸۵. *تاریخ نویسندگان پارس، جلد دوم*/ دکتر مریم میرهادی، ص. ۱۷ ـ ۱۸. *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، جلد چهارم، از موقر بوشهری تا یوسفی شیرازی*/ محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت»، ص. ۹۳۶. *انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)*/ حسن امداد، ص. ۴۱۲ ـ ۴۱۳. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*/ خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۶۰۳ ـ ۶۰۴. رعناحسینی، کرامت، «یادبود نویسندگان»، آینده، س. ۹، ص. ۲۷۰ ـ ۲۷۲. *زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ ـ ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد دوم، (ب ـ ث)*/ حسن مرسلوند، ص. ۱۱۹ ـ ۱۲۰.

بهمنی، اردشیر ۱۱۹

محقق، مدرس، ادیب

تولد ۱۳۲۳، بهار همدان.

درگذشت ۸ فروردین ۱۳۷۴، تهران.

اردشیر بهمنی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در همدان گذراند و در سال‌های بعد از دانشسرای عالی تهران به درجهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات پارسی و سپس به اخذ فوق لیسانس ادبیات نائل گردید. مدت ۲۷ سال به تدریس در نقاط مختلف کشور از جمله کرمانشاه، تهران، ارومیه و همدان مشغول بود. دو کتاب به نام‌های *دستور زبان فارسی* (۱۳۶۴) و *رتبت دانش حافظ* (۱۳۵۵) از وی به چاپ رسیده است. همچنین از وی مقاله‌هایی در بارهٔ ادبیات فارسی در مجله‌های «ارمغان»، «یغما»، «وحید»، «گلچرخ اطلاعات»، «کیهان فرهنگی» و «نهیب غرب» به چاپ رسیده است.

اردشیر بهمنی به علت خونریزی معده و ناراحتی کلیه بعد از تحمل درد بسیار درگذشت.

منبع: «به یاد مرحوم اردشیر بهمنی»، روزگار وصل، س. ۳، ش. ۱۸ و ۱۹ (پاییز ۱۳۷۴)، ص. ۶۴.

بیانی، مهدی ۱۲۰

محقق، مؤلف

تولد ۱۲۸۵.

درگذشت ۱۳۶۴.

مهدی بیانی در مجله‌های «پیام نوین»، «پیام نو»، «راهنمای کتاب» و «ایرانشهر» مقالاتی به طبع رسانده است. از آثار اوست: *آثار و احوال میرعماد* (تهران، ۱۳۳۱)؛ *تذکرهٔ حسینی، شرح احوال میرعماد*؛ *مرقع گلشن*؛ *سه رساله و چهار شرح احوال*؛ *سراط السطور سلطان علی مشهدی*؛ *مواد الخطوط میر علی هروی*؛ *آداب المشق میرعماد الحسنی با آثاری از خوشنویسان بزرگ* (تهران، ۱۳۶۸)؛ *خط فارسی* (بخشی از جلد یکم *مرزهای دانش*، ۱۳۳۹)؛ *احوال و آثار خوشنویسان* (چهار جلد، تهران ۱۳۴۵)؛ *راهنمای نمایشگاه خطوط خوش کتابخانهٔ سلطنتی* (تهران، ۱۳۳۹)؛ *فهرست نمایشگاه خطوط خوش نستعلیق کتابخانهٔ ملی* (تهران، ۱۳۲۸)؛ *مجموعه دکتر مهدی بیانی* (تهران، ۱۳۶۳).

منبع: *کتابشناسی خط و خوشنویسی*/ناهید حبیبی آزاد، ص. ۱۲۹، ۷۰.

بی‌ریای گیلانی (کهن)، محمد ۱۲۱

شاعر

تولد ۱۲۹۷، بندر انزلی (پهلوی سابق)).[۱]
درگذشت ۱۶ تیر ۱۳۷۳، نیشابور.

محمد بی‌ریای گیلانی (کهن) متخلص به «شیدا» در کنار فراگیری زبان عربی، تاریخ، معارف اسلامی و صناعات ادبی نزد سیدمحمد تائب، علیرضا معتمد دماوندی، وهاب‌زادهٔ حدیدی و یارمحمد خان افشار (مشهور به سردار کل)، به هنرهایی چون شعر، نقاشی، موسیقی، نمایشنامه‌نویسی، عکاسی، تندیس‌تراشی و ... روی آورد. بعدها واژهٔ «کهن» را در نام خود به «گیلانی» تغییر داد و آنگاه «شیدا» را برای تخلص شعری خود برگزید.

شیدا بیش از بیست هزار بیت شعر سروده است. از آثار اوست: دفتر نخست ***نیمروز عاشورا*** (به کوشش جواد محقق نیشابوری)؛ ***نیلوفر مرداب*** (گزیده‌ای از غزلیات وی، ۱۳۷۳). او همچنین «انجمن سخن نیشابور» را پایه‌گذاری نمود.

پیکر وی در جوار مزار عطار نیشابوری در آرامگاه خود به خاک سپرده شد.

منابع: «درگذشت شیدا»، [در بارهٔ محمد بی‌ریای کهن (گیلانی)] ، کیهان فرهنگی، س. ۱۱، ش. ۵ (مرداد ۱۳۷۳)، ص. ۷۰. ***گیلان در قلمرو شعر و ادب***/ ابراهیم فخرایی، ص. ۲۲۹ ـ ۲۳۲.

بیضایی، نعمت‌الله ۱۲۲

شاعر

تولد ۱۲۸۳، آران کاشان.
درگذشت مرداد ۱۳۶۵، تهران.

نعمت‌الله بیضایی متخلص به «ذکایی»، فرزند میرزا محمدرضا، متخلص به «ابن روح» و برادر ادیب بیضایی و نوهٔ ملا محمد آرانی متخلص به «روح الامین»، در سال ۱۲۸۳ در قصبهٔ آران کاشان دیده به جهان گشود و تا سال ۱۳۰۶ در آن قصبه به سر برد. تحصیلات ابتدایی و قسمتی از علوم قدیم را در آران آموخت و قواعد و فنون ادب را نزد برادرش ادیب بیضایی فرا گرفت. سپس به عنوان آموزگار و نظامت دبستان معرفت آران به خدمت اشتغال ورزید. در اسفند سال ۱۳۰۶ در تهران اقامت گزید. ضمن گذراندن دورهٔ متوسطه در تهران و پس از سه سال معلمی در مدرسهٔ تربیت بنین تهران، در سال ۱۳۱۰ در ادارهٔ کل ثبت اسناد و املاک مشغول به‌کار گردید. ضمن اشتغال دورهٔ مدرسهٔ عالی قضایی وزارت دادگستری را نیز گذراند و به اخذ تصدیق‌نامهٔ مربوطه نایل آمد. وی در ادارهٔ کل ثبت در مشاغلی در شهرستان‌ها و تهران خدمت کرد و پس از ۳۲ سال خدمت در سال ۱۳۴۲ بازنشسته گردید.

در سال ۱۳۲۲ اقدام به تأسیس «انجمن ادبی تهران» نمود و تا سال ۱۳۵۷ که این انجمن دایر بود، هفته‌ای یک روز در منزلش تشکیل می‌شد. تعداد اشعار نعمت‌الله بیضایی در حدود پنج‌هزار بیت در انواع قصیده، غزل و مثنوی است.

از آثار او می‌توان به عناوین زیر اشاره نمود: ***اندرزنامهٔ ادیب بیضائی یا ۴۴ تعلیم***؛ ***خوابنامهٔ منظوم*** اثر ادیب بیضایی؛ ***طلیعهٔ آثار انجمن ادبی تهران***؛ ***چهل و هشت تن از شعرای معاصر***؛ ***مجموعهٔ آثار رامسین*** (مهدی موافق)؛ ***علم بدیع و قافیه وانواع شعر***؛ ***تذکره خوان نعمت شامل شرح احوال و اشعار ۸۶ تن شاعر معاصر*** (۱۳۴۸)؛ ***نقد الشعرا*** (۱۳۶۴)؛ ***ید البیضاء*** (دیوان اشعار، ۱۳۵۷)؛ و نیز دو کتاب دیگر، یکی در علم بدیع و کتابی در حقوق بین‌الملل که این دو در

۱. در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد محمد بی‌ریای گیلانی ۱۲۹۸ ذکر شده است.

مجلهٔ «اخگر» به چاپ رسیده‌اند. وی مطالبی نیز در مجلهٔ «ارمغان» به چاپ رسانده است.

منابع: تذکرهٔ شعرای معاصر ایران، جلد دوّم/ سید عبدالحمید خلخالی، ص. ۹۹؛ *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد دوّم/* سید محمد باقر برقعی، صفحهٔ ۱۴۰۲. *فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز /* عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۲۱۵؛ *خلوت انس/* مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، صفحات ۱۶۷ و ۱۶۸. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی /* خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۶۲۶ـ۶۲۷. «نعمت‌الله ذکایی بیضایی کاشانی»، آینده، س. ۱۲، ص. ۴۷۳ـ۴۷۴. *گلزار جاویدان، جلد اول /* محمود هدایت، ص. ۵۲۲.

بینش، تقی ۱۲۳

مدرس، محقق، مصحح

تولد ۱۳۰۰، مشهد.

درگذشت اسفند ۱۳۷۴، تهران.[۱]

تقی بینش، فرزند علیرضا رکن‌التولیه (از خاندان نقیب)، پس از تحصیلات مقدماتی، تحصیلات عالیه خویش را در فیزیک، ادبیات و موسیقی عالی و نظری تداوم بخشید. پس از فراغت از تحصیل به مطالعه و پژوهش در زمینهٔ معارف اسلامی و ادب فارسی پرداخت و از محضر اساتیدی چون دکتر علی اکبر فیاض، استاد محمد تقی مدرس رضوی و ادیب هروی استفاده برد.

تقی بینش صاحب مقالات و رسالاتی است که در نشریات مختلف به چاپ رسیده‌اند. او مدیریت نشریهٔ «فرهنگ خراسان» را نیز بر عهده داشت.

وی همچنین نزد استاد علی اکبر شهنازی و سلیمان روح‌افزا به فراگیری موسیقی علمی و نظری پرداخت. از جمله فعالیت‌های تقی بینش، نسخه‌شناسی موسیقی بوده است.

از جمله آثار تقی بینش تصحیح کتب مختلف در زمینهٔ نظم و نثر فارسی و ادب عربی است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ***کتاب المصادر زوزنی*** (دو جلد)؛ ***دیوان ظهیرالدین فاریابی***؛ ***دیوان شمس طبسی***؛ ***دیوان نظام‌الدین قمر اصفهانی***؛ ***شمارنامهٔ حاسب طبری***؛ کتاب ***نتیجه‌الدوله***؛ کتاب ***الابناء فی تاریخ الخلفاء عمرانی*** (عربی)؛ تصحیح ***مقاصد الالحان*** و ***جامع الالحان*** عبدالقادر مراغه‌ای (کتاب ***جامع الالحان*** برندهٔ جایزهٔ ششمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی شده است)؛ ***رسالهٔ بنایی*** به اتفاق دکتر داریوش صفوت؛ «شرح ادوار» عبدالقادر مراغه‌ای همراه با متن عربی «الادوار» صفی‌الدین ارموی؛ سه رسالهٔ فارسی در بارهٔ موسیقی؛ بخش موسیقی ***دانشنامهٔ علایی*** ابن سینا؛ ***کنز التحف***؛ ترجمهٔ ***رسالهٔ موسیقی اخوان الصفا*** و تألیف کتاب ***تاریخ مختصر موسیقی ایران***. مقالاتی از وی نیز در مجلات ادبی به چاپ رسیده است.

تقی بینش در دانشگاه تهران، دانشگاه هنر و مجتمع آموزش عالی سوره تدریس می‌نمود و با ***دایرةالمعارف بزرگ اسلامی***، ***دانشنامهٔ جهان اسلام***، ***دانشنامهٔ ایرانیکا*** و فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی همکاری داشت.

منابع: «درگذشت دکتر تقی بینش»، کیهان فرهنگی، س. ۱۳، ش. ۱۲۶، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵)، ص. ۶۸ و جدانی، بهروز، «شرح زندگی و خدمات علمی شادروان تقی بینش»، میراث فرهنگی، ش. ۱۵ (تابستان ۱۳۷۵)، ص. ۶۰ـ۶۳ و «یادی از مرحوم تقی بینش»، آهنگ (ویژه‌نامه جشنواره سراسری موسیقی فجر)، ش. ۳ (۲۳ بهمن ۱۳۷۵)، ص. ۶ و *گلزار جاویدان، جلد اول /* محمود هدایت، ص. ۲۴۰.

۱. در *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* تاریخ درگذشت تقی بینش ۱۳۷۵ درج شده است.

شاعر

تولد ۱۲۸۸، تویسرکان.

درگذشت ۲ فروردین ۱۳۶۹، تهران.

عبدالرحمن پارسا تویسرکانی متخلص به «پارسا»، فرزند شیخ محمد رحیم رستگار (از نیای پارسا مجنون تویسرکانی)، علوم ابتدایی و متوسطه را در تویسرکان و مازندران و تهران (فارغ‌التحصیل دارالمعلمین مرکزی) به پایان رسانید. سپس به تکمیل معلومات خود نزد استادان فن به تحصیل پرداخت.

پس از پایان تحصیلات، چندی به شغل آموزگاری در دبیرستان‌های تهران و مدرسهٔ عالی سپهسالار پرداخت. مدتی نیز رییس تحقیق امنیهٔ غرب بود؛ سپس به شرکت بیمهٔ ایران رفت و تا زمان بازنشستگی (در سمت‌های مختلف و از جمله ریاست روابط عمومی شرکت، مسئولیت مجلهٔ «بیمه» و فعالیت در ادارهٔ انتشارات و مطبوعات بیمهٔ ایران) در این شرکت کار می‌کرد. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۹ منشی و نایب رییس انجمن ادبی ایران بود. مدتی نیز رییس انجمن ادبی ایران بود. علاوه بر اینها عضو دائمی و عضو هیئت مدیره فرهنگستان ایران نیز بود. پس از کودتای ۱۳۳۲ نیز مدت یک سال مشاور مطبوعاتی سپهبد اردشیر زاهدی (نخست‌وزیر) بود.

فعالیت مطبوعاتی‌اش را از سال ۱۳۰۹ آغاز کرد. ضمن خدمت مطبوعاتی خود، سردبیری مجلهٔ «معارف» و روزنامهٔ «کرمانشاه» را به‌عهده داشت. با نام‌های «گل‌آقا»، «همشهری» و «شیخ ابوالپشم» نیز مطالب خود را امضا می‌کرد. وی به مناسبت‌هایی نشان‌های ۲۸ مرداد و تاجگذاری دریافت داشت و به کشورهای عربستان سعودی و کویت و بحرین و قطر و عراق نیز سفر کرد.

پارسا شاعری را از دوران جوانی آغاز کرد. شاعری غزلسرا بود و به ساختن قطعه و رباعی نیز می‌پرداخت. یکی از کارهای پارسا به نظم درآوردن حکایت‌ها و مثل‌های اقوام مختلف دنیاست که قسمتی از آنها در مجلهٔ «گوهر» از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ به چاپ رسیده است. دیوان اشعار او که در حدود ده هزار بیت است هر چند به چاپ نرسیده ولی بیشتر اشعارش در جراید کشور به‌ویژه در مجله‌های «ارمغان» و «وحید» و «گوهر» و در مجله‌های کشورهای پارسی زبان افغانستان و پاکستان منتشر شده است. همچنین قطعه‌هایی از آثار منظم وی به‌وسیلهٔ پرفسور ایلسکی به زبان روسی و پرفسور مولوی به زبان انگلیسی ترجمه گردیده است.

فهرست تألیفات او به شرح زیر است: تصحیح و چاپ ***دیوان شاهزاده افسر سبزواری***؛ تصحیح و چاپ ***دیوان رضی‌الدین آریتمانی***؛ تصحیح ***دیوان عنصری***؛ ***تاریخ تویسرکان***؛ ***فهرست کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار تهران***؛ تصحیح مقدمه و چاپ ***قیصرنامهٔ ادیب پیشاوری***؛ ***رساله در شرح حال خاقانی*** و ***رساله در معرفت النفس*** و مقاله‌های انتقادی و اجتماعی در روزنامه‌ها و مجله‌های فارسی؛ مقدمه بر کتاب‌های مختلف از جمله کتاب ***رجال قم و بحثی در تاریخ آن***. کتابی نیز در بارهٔ تاریخ تویسرکان تألیف کرده است که به چاپ نرسید.

منابع: «عبدالرحمن پارسا تویسرکانی»، کیهان فرهنگی، س ۷، ش ۲ (اردیبهشت ۱۳۶۹)، ص ۵۲. ***تذکرهٔ شعرای معاصر ایران، جلد دوّم***/ سید عبدالحمید خلخالی، ص ۶۰ـ۶۲. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر***/ غلامحسین صالحیار، ص ۶۸. ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد دوّم***/ سید محمد باقر برقعی، ص ۷۰۸. ***دیدار با شاعران***/ تهیه و تنظیم علی اکبر دلفی، ص ۶۴ـ۶۵. ***سیمای شاعران***/ حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص ۶۴. «عبدالرحمن پارسا تویسرکانی»، آینده، س ۱۵، ص ۸۴۰. ***گلزار جاویدان، جلد اول*** / محمود هدایت، ص ۲۴۲.

پاینده، ابوالقاسم ۱۲۵

روزنامه‌نگار، داستانسرا، مترجم

تولد ۱۲۹۲، نجف‌آباد.[۱]

درگذشت ۱۸ مرداد ۱۳۶۳.

ابوالقاسم نجف‌آبادی مشهور به ابوالقاسم پاینده، فرزند رضا، در اصفهان از سال ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۹ به تحصیل علوم قدیم (صرف و نحو عربی، فقه اسلامی و فلسفهٔ یونان) پرداخت.

خدمت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۰۸ در روزنامهٔ «عرفان» (اصفهان) آغاز کرد. از سال ۱۳۱۱ به تهران آمد و روزنامه‌نگاری را ادامه داد و مدت‌ها با روزنامه‌های «شفق سرخ» و «ایران» همکاری داشت، مدتی نیز مدیر مجلهٔ «تعلیم و تربیت» بود. در سال ۱۳۲۱ مجلهٔ «صبا» را بنیاد نهاد و تا سال ۱۳۳۰ انتشار داد. ضمناً با مجلات دیگر از جمله مجلهٔ «معارف اسلامی» نیز همکاری می‌کرد.

ابوالقاسم پاینده در سال ۱۳۳۶ به سبب ترجمهٔ ***قرآن مجید*** به دریافت جایزه نایل آمده است. از ترجمه‌های دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***التنبیه و الاشراف*** (علی بن حسین مسعودی؛ ۱۳۴۹)؛ ***تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک*** (اثر محمد بن جریر طبری در شانزده جلد، ۱۳۵۲)؛ ***اسرار نیک‌بختی*** (اوریزان ماردن، ۱۳۳۳)؛ ***تاریخ سیاسی اسلام از آغاز ظهور تا انقراض دولت اموی*** (دکتر حسن ابراهیم حسن، سه جلد، ۱۳۱۸)؛ ***چرا فرانسه شکست خورد*** (آندره موروآ، ۱۳۱۹)؛ ***در آغوش خوشبختی*** (لرد آوی بوری، ۱۳۱۳)؛ ***در جستجوی خوشبختی*** (لرد آوی بوری، ۱۳۱۳)؛ ***زندگانی محمد (ص)*** (دکتر محمد حسنین هیکل، دو جلد، ۱۳۱۷)؛ ***مروج الذهب*** (از مسعودی، دو جلد، ۱۳۴۴)؛ ***تاریخ عرب*** (از فیلیپ حتی، دو جلد، تبریز، ۱۳۴۴)؛ ***نهج الفصاحه*** (کلمات قصار حضرت رسول، جلد اول: ۱۳۲۶)؛ ***سخنان محمد (ص)*** (کلمات قصار با ترجمه، ۱۳۱۸)؛ ***عشق و زناشویی*** (نیکلا حداد، ۱۳۳۵).

در سال ۱۳۲۶ به ریاست ادارهٔ تبلیغات برگزیده شد و در دورهٔ دوّم مجلس مؤسسان نامزد نجف‌آباد بود.

ابوالقاسم پاینده داستان هم می‌نوشت. داستان‌هایش ترکیبی از خاطره و موعظه‌اند و بیشتر به انتقاد از زندگی اداری در سال‌های پیش از ۱۳۲۰ اختصاص دارند. در چند داستان نیز به نشان دادن جنبه‌های مضحک زندگی روستایی و خاطرات دوران کودکی می‌پردازد. از جمله آثار داستان وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: رمان ***قاتل*** (اصفهان، ۱۳۱۳)؛ ***در سینمای زندگی*** (مجموعه داستان، ۱۳۳۷)؛ ***دفاع از ملانصرالدین*** (۱۳۴۷)؛ ***جناب آقای دکتر ریش*** (۱۳۴۸)؛ ***مرده‌کشان جوزان و هفده داستان دیگر*** (۱۳۵۷)؛ ***داستان‌های برگزیده*** (۱۳۵۲)؛ و ***ظلمات عدالت*** (۱۳۵۴). از آثار دیگر او می‌توان به ***دستور نوشتن*** (اصفهان، ۱۳۰۹) و ***تمدن اسلام*** (از مجلدات ***تاریخ ویل دورانت***) اشاره نمود.

*منابع: **چهرهٔ مطبوعات معاصر**/ غلامحسین صالحیار، ص. ۹. **فرهنگ داستان‌نویسان ایران**/ حسن عابدینی، ص. ۴۸. **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/ خانبابا مشار، جلد اول، ص. ۲۳۲ ـ ۲۳۴. «ابوالقاسم پاینده»، آینده، س. ۱۰، ص. ۷۵۸ ـ ۷۵۹. **تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد چهارم**/ ص. ۱۵.*

پرتوی آملی، مهدی ۱۲۶

مؤلف

تولد ۱۲۹۶، آمل.

درگذشت خرداد ۱۳۶۸.

---

۱. تاریخ تولد ابوالقاسم پاینده در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** ۱۲۸۷ آمده است.

مهدی پرتوی آملی تحصیلات ابتدایی خود را در آن شهر و دورهٔ متوسطه را در بابل و ساری و تحصیلات عالیه را در دانشسرای عالی تهران در رشتهٔ تاریخ و جغرافیا به پایان رساند و از شهریور ۱۳۱۶ در دبیرستان پهلوی ساری به تدریس مشغول شد و سپس به نظامت و ریاست دبیرستان منصوب گردید. مدت پنج سال در این سمت خدمت کرد و بعد ریاست فرهنگ شهرهای بابل و انزلی و چند بخش فرهنگ تهران را به عهده داشت. او چندی نیز به تدریس پرداخت و مدت ده سال رایزنی فرهنگی در عراق را بر عهده داشت. تألیفات چاپ شدهٔ او عبارتند از: ***فرهنگ عوام آمل***؛ ***ریشه‌های تاریخی امثال و حکم*** (دو جلد).

منبع: شایان، رضا، «مهدی پرتوی آملی»، آینده، س ۱۵، ص ۶۲۲.

۱۲۷ پزشکی شیرازی، کاظم

شاعر، روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۹۲، شیراز.

درگذشت ۸ آذر ۱۳۶۴، تهران.

کاظم پزشکی شیرازی فرزند محمد تقی حکیم پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در شیراز در مدارس رحمت و شعاعیه ابتدا در شهرداری شیراز به کار مشغول شد. سپس به استخدام وزارت دارایی در آمد و در ادارهٔ دارایی شهرستان‌ها از جمله ادارهٔ دارایی مشهد خدمت کرد. بعد به تهران منتقل شد. از سال ۱۳۲۱ در دورهٔ جدید روزنامهٔ انتقادی «خورشید ایران» با بهاءالدین حسام‌زاده پازارگاد به همکاری پرداخت و اشعار و مقاله‌های خود را در آن روزنامه منتشر کرد و مقاله‌هایی ضد دولت انگلستان که ایران را اشغال کرده بود نوشت. به همین علت دستگیر و زندانی شد. پس از آزادی از زندان به شیراز منتقل شد. در سال ۱۳۲۳ امتیاز روزنامهٔ «آیینهٔ پارس» را گرفت و تا سال ۱۳۲۵ مرتب هفته‌ای سه شماره از آن را منتشر کرد. در این روزنامه، به سیاست استعماری انگلیس می‌تاخت ولی به علت بروز غائلهٔ جنوب و طغیان قشقایی‌ها در شهریور ۱۳۲۵ روزنامه تعطیل شد و پزشکی به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر زیست. در سال ۱۳۳۹ به سمت نمایندگی مردم لار در مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی همچنین در سازمان امور اداری و استخدامی کشور کار می‌کرد.

از پانزده سالگی به سرودن شعر و مقاله‌نویسی در روزنامه‌ها پرداخت. در بیست سالگی نامه‌ای نوشت و اشعاری سرود و برای ملک‌الشعرای بهار که در اصفهان به حال تبعید به‌سر می‌برد، فرستاد. بهار در جواب او قصیده‌ای گفت که از خط و شعر و ادب او تمجید کرده است. وی پیش از شهریور ۱۳۲۰ در انجمن سالار شرکت داشت و پس از آن تا زمانی که در شیراز بود، در انجمن ادب فارس و در تهران هم در «شب‌های شیراز» معدل شرکت می‌کرد. پزشکی در سال‌های آخر عمر به شیراز می‌آمد و در انجمن‌های کانون دانش و صدر شرکت می‌جست و اشعار خود را می‌خواند.

او در سال ۱۳۴۳ اشعار بلند طنزآمیزی به صورت مسمط با ترجیع «کلوخ‌انداز را پاداش سنگ است» در بارهٔ قتل حسنعلی منصور، نخست وزیر وقت، سرود و در آن وکلای دو مجلس را به باد تمسخر گرفت. این اشعار[1] در محافل ادبی تهران دست به دست می‌گشت و چون نسخ تکثیر شده بود، پزشکی مدتی تحت تعقیب ساواک بود و به او دستور

۱. تمام اشعار این مسمط در مجلهٔ «سپید و سیاه» شمارهٔ ۱۱۱۱ مورخ ۱۳۵۸/۰۴/۰۱ درج شده است.

داده شده بود که از نوشتن مقالات و سرودن اشعار خودداری نماید. اشعار پزشکی ساده و روان است و آنچه می‌اندیشید به زبان شعر بیان می‌کرد. هر چند طبع او بیشتر مایل به غزلسرایی بود ولی در گفتن قصاید و قطعات و به خصوص رباعیات نیز از خود مهارت نشان داده است.

پزشکی مدت چهل سال مقالات سیاسی و اجتماعی خود را در روزنامه‌های «عصر آزادی» و «پارس» منتشر می‌کرد. اشعار او در روزنامه‌های شیراز: «اقیانوس»، «پارس» و «بهار شیراز» و روزنامه‌ها و مجلات تهران: «خورشید ایران»، «کیهان»، «گوهر»، «یغما»، «وحید» و «خاطرات وحید» انتشار می‌یافت.

پزشکی در بامداد جمعه هشتم آذر ۱۳۶۴ به سبب بیماری سرطان در تهران درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

منابع: فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۱۱۶. *تاریخ نویسندگان پارس، جلد دوم/* دکتر مریم میرهادی. *انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)/* حسن امداد، ص. ۳۴۰ـ۳۴۴. «کاظم پزشکی شیرازی»، آینده، س. ۱۲، ص. ۱۲۰ـ۱۲۱. امداد، حسن، «کاظم پزشکی»، آینده، س. ۱۳، ص. ۲۰۰ـ۲۰۲. *تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد دوم/* ص. ۲۵۵ـ۲۵۶.

پیرغیبی، پروین ۱۲۸

شاعر

تولد ۱۲۸۲، شیراز.

درگذشت چهارم شهریور ۱۳۶۱، شیراز.

بتول مارشال پروین پیر غیبی متخلص به «پروین»، فرزند قراخان ارسنجانی، پس از فرا گرفتن مقدمات علوم و فنون ادب، به تأسیس دبستان دوشیزگان همت گماشت. سال‌ها مدیر آن دبستان بود. در سال ۱۳۲۸ امتیاز روزنامهٔ «ستارهٔ جنوب» را گرفت و چند سال آن را منتشر می‌کرد.

پروین سال‌ها در انجمن ادب فارس و انجمن قلم و جلسات کانون دانش پارس شرکت می‌کرد و به مناسبت‌هایی شعرهایی می‌سرود.

پیکر پروین پیرغیبی در جوار آرامگاه شاه داعی الی الله به خاک سپرده شد.

منبع: انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)/ حسن امداد، ص. ۴۳۰.

پیمان یغمایی، علی محمد ۱۲۹

شاعر

تولد ۱۲۷۵، سمنان.

درگذشت ۲ مرداد ۱۳۶۱، سمنان.

علی محمد پیمان یغمائی، فرزند عبدالله موثق دفتر و نبیرهٔ یغمای جندقی از شاعران معاصر، بود. پس از تحصیلات متداول زمان در سال ۱۲۹۸ وارد خدمت دولتی گردید و مدت سی و سه سال خدمت کرد تا بازنشسته شد. ***دیوان اشعارش*** در سال ۱۳۳۴ به چاپ رسید. قسمتی از دیوان مذکور شامل دستور زبان فارسی و اشعاری است که به آن زبان سروده است. برگزیدهٔ اشعار او به خط خودش نیز در سال ۱۳۵۵ در دویست صفحه چاپ شده است. نوشته‌هایش در مجله‌های «یغما»، «راهنمای کتاب» و «ارمغان» طبع شده است. به سعدی علاقه داشت و نقدی مفصل بر کتاب ***قلمرو سعدی*** علی دشتی نوشت.

منابع: فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۱۲۳ـ۱۲۴. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/* خانبابا مشار، جلد چهارم،

ص. ۵۸۴ ـ ۵۸۵. «پیمان یغمائی»، آینده، س. ۸، ص. ۶۴۸.

۱۳۰ ترجانی‌زاده، احمد

مدرس، محقق

تولد ۱۳۱۹ ق.، مهاباد.

درگذشت اوایل آبان ۱۳۵۹ (۱۴۰۱ ق.)، در تبریز.

احمد ترجانی‌زاده، فرزند ملا حسین فرزند ملا علی قزلجی ترجانی، خواندن را در کودکی آموخت و تا هشت سالگی توانست ***قرآن مجید*** را ختم کند. سپس به خواندن کتب مقدماتی فارسی و مشق خط پرداخت. بعد از آن تحت مراقبت و سرپرستی پدرش به تحصیل مقدمات عربی و ایساغوجی منطق و حاشیهٔ ملا عبدالله یزدی بر ***تهذیب الکلام*** شیخ مهاجر و ***مختصر*** تفتازانی و قسمتی از ***مفتاح العلوم*** سکاکی را در محضر برادر خود ملا محمد قزلجی فرا گرفت. سپس به فراگیری کتب مربوط به اصول فقه و هیأت و ادبیات عرب مشغول بود و تا سن بیست و یک سالگی نزد اساتید این علوم به شاگردی پرداخت. بعد از آن، مدتی مشغول فراگیری حساب و هندسه جدید و قسمتی از جبر و مقابله و فیزیک و شیمی و زبان انگلیسی و فرانسوی بود. از سن بیست و دو سالگی تا سی و چهار سالگی جز تدریس و تعلیم طلاب علوم دینی شغل دیگری نداشت.

احمد ترجانی‌زاده به سال ۱۳۱۵ به استخدام وزارت معارف در آمد و مدت شش سال تمام ضمن انجام خدمت، وقت خود را به مطالعهٔ کتب قدیم و جدید ادبیات فارسی گذراند. ترجانی‌زاده یک سال در ادارهٔ فرهنگ ارومیه و چهار سال در مشهد یک سال در آذربایجان شرقی و سپس تا خردادماه سال ۱۳۲۷ در تهران شغل دبیری و دانشیاری داشت. مدتی هم به نام بازرس عالی وزارتی و زمانی به عنوان «خطیب سیار فرهنگ» انجام وظیفه کرد. پس از آن به سمت استادی دانشگاه تبریز منصوب شد و تا سال‌های آخر عمر، استاد دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه بود. پس از بازنشستگی، از تبریز به تهران آمد. وی به شعر مسلط بود، دیوان شعری از او منتشر شده است و مثنوی ***دختر ترسا*** در یک صد و سیزده بیت از جمله آثار شعری اوست.

آثار و تألیفات ترجانی‌زاده به این شرح هستند: ***تاریخ ادبیات عرب از دورهٔ جاهلیت تا عصر حاضر*** (به فارسی، چاپ تبریز، ۱۳۴۸)؛ ***شرحی بر سبعه معلقه*** (به فارسی)؛ ***الاستاذ الاجلّ سعدی الشیرازی*** (به عربی که به سال ۱۳۲۹ در معداللغات الشرقیه دانشگاه فؤاد قاهره برای دانشجویان و طلاب مصری به صورت خطابه ایراد کرده است، چاپ دانشکدهٔ ادبیات تبریز)؛ ***داستان منظوم مکتبدار بصره*** (به فارسی، ۱۳۴۲)؛ ***علوم معانی و بیان*** (به فارسی)؛ کتابی در مسائل و احکام فقهی؛ ***رساله‌ای در رد معتقدین اقانیم ثلثه***؛ ***آداب المناظره***؛ ***دیوان اشعار***؛ ***رسالة الحذف***؛ ***تفسیر جزء عم***؛ ***یاد ایران گذشته***؛ ***چکامهٔ کاخ ادب***؛ مقدمه بر ***دیوان*** استاد شهریار؛ و درج مقالاتی در نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات تبریز.

منابع: تاریخ مشاهیر کرد عُرفا، عُلما، اُدبا، شُعراء، جلد دوم/ بابا مردوخ روحانی «شیوا»، ص. ۴۲۲. *یاد یاران (گلگشت یاد یاران)/* دکتر مهدی روشن ضمیر، ص. ۷۷ ـ ۸۵.

۱۳۱ تفضلی، احمد

زبان‌شناس، روزنامه‌نگار

تولد ۱۶ آذر ۱۳۱۶، اصفهان.

درگذشت ۲۴ دی ۱۳۷۵، تهران.

احمد تفضلی، فرزند اسماعیل، فارغ‌التحصیل رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران بود. وی سپس در رشتهٔ فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران در

دانشگاه لندن در انگلستان به تحصیل پرداخت و موفق شد کارشناسی ارشد و دکترای خود را در همین رشته کسب نماید. وی استاد دانشگاه تهران و عضو پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.

آثار وی عبارتند از: تألیف ***واژه‌نامهٔ مینوی خرد***؛ ترجمهٔ ***مینوی خرد***؛ تألیف ***شناخت اساطیر ایران*** (با همکاری دکتر ژاله آموزگار یگانه؛ چاپ سوم، ۱۳۷۳)؛ ترجمهٔ ***نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌یی ایرانیان*** (اثر آرتور کریستن سن، دو جلد، ترجمه با همکاری دکتر ژاله آموزگار یگانه؛ این کتاب در هشتمین دورهٔ کتاب سال در سال ۱۳۶۹ در موضوع تاریخ و جغرافیا در بخش ترجمه برندهٔ جایزهٔ کتاب سال شده است)؛ ***گزیده‌های زاداسپرم*** (به فرانسوی، با همکاری دکتر فیلیپ ژینیو، پاریس، ۱۹۹۳؛ این کتاب برندهٔ سومین دورهٔ جایزهٔ جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شده است). از وی مقاله‌هایی در مجلات «سخن»، «دانشکدهٔ ادبیات تهران»، «دانشکدهٔ ادبیات تبریز»، «راهنمای کتاب» و «کلک» به چاپ رسیده است.

دکتر تفضلی در دی ۱۳۷۵ درگذشت و پیکرش در بهشت زهرا در قطعه ۸۸ به خاک سپرده شد.

*منابع: **کارنامهٔ تحقیقات ایرانی در سال ۲۵۳۵*** / محمد زهری، ص. ۴۳. ***برگزیدگان فرهنگی، هنری و ادبی جمهوری اسلامی ایران*** / مریم آقا شیخ محمد و سعید نوری نشاط. گزارش سومین دورهٔ اهداء جایزهٔ جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (تهیه شده توسط مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).*

داستان‌نویس، شاعر

تولد ۱۲۹۳.

درگذشت ۱۳۶۹.

جهانگیر تفضلی دورهٔ دانشسرای عالی را در رشتهٔ ادبیات گذراند و پس از شهریور ۱۳۲۰ به نویسندگی سیاسی پرداخت و اغلب با نام‌های مستعار «مازیار»، «آسمان»، «نگین»، «رامین» در روزنامه‌ها و مخصوصاً روزنامه «پیکار» (ناشر افکار حزب پیکار) مقاله می‌نوشت. پس از آن در سال ۱۳۲۲ اجازهٔ انتشار روزنامهٔ «ایران ما» را همراه با غلامعلی پرویزی گرفت. بعدها همراه قوام‌السلطنه به مسکو رفت و چندی معاون عبدالحسین هژیر (در دورهٔ نخست وزیری) شد. در دورهٔ مصدق پیرو آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی شده بود. پس از آن به ریاست ادارهٔ تبلیغات و سرپرستی دانشجویان در اروپا و وکالت مجلس شورای ملی و وزارت و سفارت (افغانستان و الجزایر) رسید. کتاب‌هایی که از وی چاپ شده ***بر روی شن‌های ساحل*** (داستان) و ***هایده*** (داستان) و ***زهره*** (شعر) است.

*منابع: **فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانهٔ ملی ایران*** / بیژن سرتیپ‌زاده با همکاری کبری خداپرست، ص. ۴۹۰. «جهانگیر تفضلی»، آینده، س. ۱۷، ص. ۱۹۲.*

روزنامه‌نگار

درگذشت ۸ بهمن ۱۳۷۰.

محمد علی توفیق، فرزند حسن، از سال ۱۳۱۸ عهده‌دار ادامه انتشار هفته‌نامهٔ فکاهی «توفیق» شد. وی کارمند بانک ملی نیز بود. این هفته‌نامه حدود چهارده سال به مدیریت وی انتشار یافت، به‌ویژه زمانی که رضا شاه از ایران رفت و قلم آزاد شد. توفیق با اینکه به هیچ حزب یا جمعیتی بستگی نداشت، از تندروترین جراید به شمار می‌رفت. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، محمدعلی توفیق بازداشت

شد و به قلعهٔ فلک الافلاک تبعید گردید. مدتی بیش از یک سال در آنجا بود تا به تهران منتقل گردید و مدت کوتاهی هم در تهران زندانی بود تا آزاد شد. پس از آزادی دیگر به فعالیت سیاسی روی نیاورد.

منبع: حالت، ابوالقاسم، «محمد علی توفیق»، آینده، س ۱۸، ص ۲۵۱ ـ ۲۵۲.

۱۳۴ تولایی، محمد

شاعر

تولد ۱۲۷۵، کاشان.
درگذشت ۱۳۵۸، کاشان.

محمد تولایی، فرزند علی، معروف به استاد باباعلی، متخلص به «تولایی» خواندن و نوشتن و *قرآن* را در مکتب‌خانه‌ها فرا گرفت و مقدمات صرف و نحو را نزد ملا محمد حسن نحوی آموخت و علم تجوید *قرآن* را از محضر ملا محمد جعفر قاری معروف به ادیب و محمد حسین قرائتی و ملا عبدالرسول مدنی تلمذ کرد و در این رهگذر تبحّر یافت و به عنوان استاد تعلیم *قرآن* و تجوید آن شناخته گردید.

محمد تولایی در قالب‌های قصیده و غزل و قطعه و مثنوی شعر می‌گفت و اشعار او متضمن مضامین اخلاقی و مدایح و مراثی معصومین (ع) بود.

وی سرانجام در سال ۱۳۵۸ چشم از جهان فرو بست و در دارالسلام شهر خود به خاک سپرده شد.

منبع: *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد دوم*/ سید محمد باقر برقعی، ص ۹۳۸ ـ ۹۳۹.

۱۳۵ توللی، فریدون

شاعر، روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۹۸، شیراز.[۱]
درگذشت ۹ خرداد ۱۳۶۴، شیراز.

فریدون توللی، فرزند جلال، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شیراز به پایان برد. سپس در تهران تحصیلات عالی خود در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران در رشتهٔ باستان‌شناسی ادامه داد و موفق به اخذ لیسانس شد. پس از این که مدتی در ادارهٔ ثبت اشتغال داشت به ادارهٔ باستان‌شناسی منتقل گردید و به سمت ریاست حفریات استان فارس منصوب گردید. پس از آن به‌عنوان مشاور دانشگاه شیراز برگزیده شد.

توللی فعالیت ادبی خود را از سال ۱۳۲۰ شروع کرد. از آغاز جوانی اشعاری ساخته بود که بعد از یافتن سبک ویژه و شیوهٔ دلخواه خود، آنها را از میان برد و از سال ۱۳۲۱ بود که خود را به عنوان شاعر شناساند. وی هم در سبک کهن و هم در شیوهٔ نو شعر سروده است. عقاید و نظریه‌های خود را نیز در حکایت‌هایی به سبک مغلق‌نویسان زمان‌های قدیم به صورت مسجع و مقفی به نظم و نثر نگاشته است. توللی در باب شعر نو عقیده داشت که شعر نو شعری است که درک نو داشته باشد اما بر اصول و قواعد مسلم شعر متکی باشد و جز در آنجا که قالب شعر تحمل کشیدن درک نو را نداشته باشد شکستن قالب‌ها و قواعد اصیل را جایز نمی‌شمارد.

توللی از لحاظ روزنامه‌نگاری، نویسنده‌ای پر کار بود. مقاله‌های او در روزنامه‌های «فروردین»، «سروش»، «اقیانوس»، «دنا» و «بهار ایران» چاپ شیراز و «کهکشان» و «شرق میانه»، «ایران ما» چاپ تهران منتشر می‌شد. تمام مقاله‌ها و اشعار

۱. حسن امداد و حبیب‌الله نصیری فرد در کتاب‌های خود تاریخ تولد فریدون توللی را ۱۲۹۶ ذکر کرده‌اند. همچنین در کتاب *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* نیز همین تاریخ برای تولد توللی درج شده است.

روزنامهٔ «صدای شیراز» از سال ۱۳۲۸ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به قلم اوست. اشعار و نوشته‌های او علاوه بر جراید یاد شده در مجلات «یغما»، «سخن»، «راهنمای کتاب»، «وحید»، «خاطرات وحید» و مجلات دیگر تهران درج شده است.

فهرست آثار وی به شرح زیر است: **رها** (مجموعه شعر، نخستین مجموعه اشعار نو، با دیباچه‌ای در شناخت شعر نو، ۱۳۳۰)؛ ***التفاضیل*** (نظم و نثر، شامل قطعات طنزآمیز با شیوهٔ نثر کهن)؛ ***کاروان*** (در شیوهٔ کهن، مجموعه‌ای از دیگر از قطعات طنزآمیز و انتقادات سیاسی و اجتماعی)؛ **نافه** (اشعاری در شیوهٔ شعر نو، ۱۳۴۱)؛ **پویه** (مجموعه شعر به غزل و قصیده، اندیشهٔ نو در قالب کهن)؛ **شگرف** (مجموعه‌ای از غزلیات و قصاید، اندیشهٔ نو در قالب کهن)؛ **بازگشت** (مجموعه‌ای از غزلیات و قصاید)؛ ***رسالهٔ عنعنیه***؛ رسالهٔ پژوهشی به نام «مینیاتور در ایران». برخی از آثار وی به زبان‌های دیگر ترجمه شده است.

پیکر او در محوطهٔ آرامگاه حافظ در مقبرهٔ خانوادگی‌اش به خاک سپرده شد.

منابع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران/ حبیب‌الله نصیری‌فر، جلد سوم ص. ۴۴۴. *تذکرهٔ شعرای معاصر ایران*/ سید عبدالحمید خلخالی، ص. ۹۶. *فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز*/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۴۴۱. *انجمن‌های ادبی شیراز* (از اواخر قرن دهم تا به امروز)/ حسن امداد، ص. ۴۸۷ــ۴۸۹ (برای مجموعه آثار توللی). *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد دوّم*/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۹۴۲ــ۹۴۳. *دیدار با شاعران*/ علی اکبر دلفی، ص. ۸۲ــ۸۳. *چشمهٔ روشن، دیداری با شاعران*/ دکتر غلامحسین یوسفی، ص. ۶۰۷ــ۶۱۴ (در بارهٔ قطعهٔ «باستان‌شناسی») از سروده‌های توللی در مقاله‌ای تحت نام «از ژرفنای خاک»). *سیمای شاعران*/ حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۷۰. *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس*/ محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت»، جلد دوم: ص. ۵۵ــ۵۶؛ و نیز جلد چهارم: ص. ۹۴۷. *ادبیات دورهٔ بیداری معاصر*/ دکتر محمد استعلامی، ص. ۳۷۵. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*/ خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۸۲۹ــ۸۳۰. *شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد دوم*/ حسنعلی محمدی، ص. ۵۱۲ــ۵۱۷. *گلزار جاویدان، جلد اول*/ محمود هدایت، ص. ۲۹۰ــ۲۹۱.

۱۳۶ ثنایی، محمود

شاعر

تولد ۱۳۰۳، اصفهان.[۱]

درگذشت ۱۳۵۹، تهران.

محمود ثنایی متخلص به «شهر آشوب»، فرزند یکی از علمای ارومیه، پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه و تحصیلات قدیمه به آموزگاری (در وزارت آموزش و پرورش) در تهران و شهرستان‌ها مشغول شد. در ضمن با جراید کشور همکاری داشت. از سال ۱۳۲۳ در تهران مقیم شد و سال‌ها مدیر مدرسهٔ خواجه نصیر طوسی بود. از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ در رادیو ایران به کار ترانه‌سازی مشغول بود. در سال ۱۳۵۳ چند بار در انجمن ادبی گوهر که به مدیریت عبدالرفیع حقیقت شرکت کرد و چند غزل از سروده‌های خود را خواند. وی در غزل و ترانه‌سازی و بذله‌گویی و کاریکاتورسازی مهارت داشت. هر چند بخشی از آثارش در دیوانش به‌طبع رسیده است اما نتوانست بقیهٔ اشعار خود را به چاپ رساند. مجموعهٔ اشعار وی با مقدمهٔ غلامحسین رضانژاد متخلص به «نوشین» چاپ و منتشر شده است. بخشی از سروده‌های او در مجموعهٔ **شبگیر** نیز انتشار یافته

۱. محمود ثنایی در بارهٔ تاریخ ولادت خود در مجلد سوم ***سخنوران نامی*** نوشته است که: «پیری هستم ۳۳ ساله و جوانی رنج‌کشیده که در سال ۱۳۰۳ خورشیدی چشم به جهان گشوده‌ام». با وجود این، در کلیهٔ منابع و حتی کتاب فوق، سال تولد وی ۱۳۰۱ نقل شده است.

است.

منابع: *فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز*/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص.۳۲۳. *تذکره شعرای آذربایجان*/ محمود سهیم، ص. ۴۴۵. *خلوت انس* / مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، ص. ۲۴۵. *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم*/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۲۰۸۱.

۱۳۷ جلالی گوران، احمد

شاعر

تولد ۱۲۸۹، کرمانشاه.

درگذشت ۶ اردیبهشت ۱۳۷۲، کرمانشاه.

احمد جلالی گوران، فرزند آقاخان که در شعر «مهجور» تخلص می‌کرد، تحصیلات مقدماتی را در مدرسهٔ اسلامیه همان شهر به پایان رسانید و در خارج از محیط مدرسه، نزد افاضل شهر خود به کسب دانش پرداخت و با فنون ادب و رموز شعر آشنا گردید.

«مهجور» از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت و به [illegible] غزل و قصیده شعر می‌گفت. در بیست سالگی به آموختن تار نزد پدر و سپس نزد یحیی زرین‌پنجه پرداخت و با چند دستگاه موسیقی اصیل ایرانی آشنا شد.

جلالی هنگام تأسیس ادارهٔ دامپزشکی در کرمانشاه به‌وسیلهٔ دکتر اندریات آلمانی در آن اداره استخدام شد و به خدمت پرداخت. پس از چندی به شهرداری رفت و بالاخره در سال ۱۳۳۷ پس از تأسیس ادارهٔ رادیو به خدمت آن دستگاه درآمد و سرانجام بازنشسته گردید.

منابع: *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد پنجم*/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۳۴۷۲. عاطفی، یدالله، «مهجور کرمانشاهی»، آینده، س. ۱۹، ص. ۵۲۷.

۱۳۸ جلیل‌زادگان، قدیر

شاعر

تولد ۱۳۱۰، اردبیل.

درگذشت ۱ خرداد ۱۳۷۱، اردبیل.

قدیر جلیل زادگان متخلص به «انور اردبیلی» در کوچهٔ اصغریه در اردبیل دیده به جهان گشود. «انور اردبیلی» در مرثیه‌سرایی استاد بود. از وی ده کتاب در رثای شهیدان کربلا و ائمه معصومین به چاپ رسیده است.

منبع: واحدی، ابادر، «سه بزرگ از دنیای شعر اردبیل»، تماشای زندگی، دورهٔ جدید، ش. ۱ و ۲ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴)، ص. ۸۰ـ۸۱.

۱۳۹ جلیلی کرمانشاهی، محمدحسین

شاعر، ادیب

تولد ۱۲۹۸، کرمانشاه.[1]

درگذشت ۳۰ آبان ۱۳۵۸.

محمدحسین جلیلی کرمانشاهی متخلص به «بیدار»، فرزند آیت‌الله هادی کرمانشاهی رییس حوزهٔ علمیه کرمانشاه، ابتدا چند سالی در مدارس همان شهر به تحصیل علوم جدید اشتغال داشت و به اقتضای خانوادگی نزد پدر و علامه حیدر قلی‌خان سردار کابلی و آزاد همدانی به تحصیل علوم مذهبی اسلامی پرداخت و ادبیات عرب و حدیث و فلسفه و فقه را فرا گرفت و سپس برای تکمیل مطالعات خود در سال ۱۳۱۸ به تهران آمد و در دانشکدهٔ علوم معقول و منقول ثبت نام نمود و این رشته را تا اخذ لیسانس از آن دانشکده در سال ۱۳۲۲ ادامه داد. پس از آن به

۱. در کتاب *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* تاریخ تولد محمد حسین جلیلی کرمانشاهی ۱۲۹۷ آمده است.

کرمانشاه بازگشت. ابتدا در یکی از شعب بانک ملی ایران به کار پرداخت اما بعد از مدتی استعفا داد. به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به تدریس ادبیات در دبیرستان‌ها اشتغال ورزید.

از آثار اوست: ***کرمانشاهان باستان*** (با همکاری دکتر مسعود گلزاری)؛ ***ابکار الافکار***؛ ***تاریخ ایل و طایفهٔ زنگنه***؛ ***تاریخچهٔ اوقاف در کرمانشاه***؛ ***تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا مشروطیت***؛ ***یک دوره صرف و نحو و دستور زبان فارسی***؛ ***ترجمهٔ زبدةالنّصرة و نخبةالعصرة***، تألیف بنداری اصفهانی که در سال ۱۳۶۵ به نام ***تاریخ سلسلهٔ سلجوقی*** از طرف انتشارات بنیاد فرهنگ ایران طبع و نشر شد. ***دیوان اشعار***ش را یدالله عاطفی جمع‌آوری و با مقدمهٔ غلامرضا کیوان سمیعی به چاپ رسانید و چند اثر دیگر که به چاپ نرسیده است.

محمد حسین جلیلی کرمانشاهی در سال ۱۳۵۸ به بیماری سرطان مثانه به‌درود حیات گفت و در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.

منابع: تذکرهٔ شعرای معاصر ایران، جلد دوم/ سید عبدالحمید خلخالی، ص. ۵۶ـ۵۸. *تاریخ مشاهیر کرد عُرفا، عُلما، اُدبا، شُعراء، جلد دوم/* بابا مردوخ روحانی «شیوا»، ص. ۴۲۲. *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد اوّل/* سید محمد باقر برقعی، ص. ۶۴۵.

جمالی، جمال‌الدین ۱۴۰

شاعر

تولد ۱۳۱۰ ق.، شیراز.

درگذشت ۱۳۶۵، شیراز.

جمال‌الدین جمالی متخلص به «جمال» و گاه «جمالی»، فرزند محمد علی، از جوانی به شعر گفتن پرداخت. از شانزده سالگی به تحصیل مقدمات ادبیات فارسی و عربی اشتغال ورزید. چون جوانی او مصادف با انقلابات مشروطیت و بعد جنگ‌های جهانگیر اوّل و قیام تنگستانی‌ها علیه انگلیسی‌ها و زد و خوردهای داخلی شیراز بود، قصاید و غزلیات و قطعاتی که ناشی از شور وطن‌دوستی بود، سرود که در جراید محلی شیراز و در کتاب‌های آن دوران، از جمله در کتاب ***دلیران تنگستانی*** به چاپ رسیده است. انتشار این قبیل اشعار موجب دستگیری و تعقیب از سوی کنسولگری انگلستان در شیراز و حامیان اجانب گردید. «جمال» سی سال آخر عمر را با افکار و عقاید عرفانی روزگار گذرانید و در انزوا به‌سر برد. گزیده‌ای از دیوان او به نام ***جلوهٔ جمال*** به سال ۱۳۶۲ ق. در شیراز به چاپ رسید.

جمال‌الدین جمالی تا سال ۱۳۱۴ در اغلب انجمن‌های ادبی از جمله انجمن فرصت و سالار و فارس شرکت می‌کرد. وی در نود و هفت سالگی در شیراز فوت کرد.

منبع: انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)/ حسن امداد، ص. ۳۰۰.

جمالی اسدآبادی، صفات‌الله ۱۴۱

شاعر، مؤلف

تولد ۱۲۷۱، اسدآباد همدان.

درگذشت ۱۳۶۱.

صفات‌الله جمالی اسدآبادی، متخلص به «صفا»، فرزند لطف‌الله محزون و خواهرزادهٔ سید جمال‌الدین اسدآبادی، پس از فراگیری خواندن و نوشتن در مکتب، علوم مقدماتی را در زادگاهش و کرمانشاه نزد سید هادی روح‌القدس و محسن فقیه اسدآبادی فرا گرفت.

صفات‌الله جمالی اسدآبادی از آن پس در دستگاه محمد حسن خان افشار به خدمت پرداخت و مدت

ده سال در قریهٔ حسام‌آباد واقع در چهارده کیلومتری بخش اسدآباد خدمت کرد. چون طرز رفتار و سلوک مستبدانهٔ مالکین با طبقهٔ کشاورزان غیر عادلانه و خودسرانه بود نتوانست تحمل کند و ناگزیر ترک خدمت کرد. آنگاه در سال ۱۳۰۴ به استخدام فرهنگ درآمد و مدت سی سال در اسدآباد و همدان با سمت آموزگاری و بازرسی آموزشگاه‌ها به خدمت پرداخت و در مهر ماه سال ۱۳۳۵ بازنشسته شد.

«صفا» از شاعران و نویسندگانی است که اشعار و مقالاتش در دوره‌های مجلهٔ «ارمغان» به چاپ می‌رسید. از آثار اوست: ***اسناد و مدارک ایرانی بودن سید جمال‌الدین اسدآبادی***؛ ***رسالهٔ راهنمای رستگاری***؛ ***رساله‌ای منظوم از دعای روزهای ماه رمضان***؛ ***شرح حال شعرای اسدآباد***؛ و کتابی در بارهٔ وضع اقتصادی اسدآباد. وی در سال ۱۳۳۵ ***دیوان*** پدرش محزون را به طبع رسانید.

منبع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد چهارم/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۲۲۸۷.

جواهری، سید محمد ۱۴۲

شاعر

تولد ۱۲۷۵، مشهد.

درگذشت ۱۳۶۰.

سید محمد جواهری متخلص به «فرخ»، فرزند سید احمد جواهری متخلص به «دانا» از ادبیان و دانشمندان خراسان، علوم مقدماتی را در مدارس قدیمهٔ آن شهر و فنون ادب را از محضر شیخ محمد حسین سبزواری و پدر خود آموخت. از همان کودکی قریحهٔ شاعری در وی بیدار شد و در هشت سالگی به نظم شعر پرداخت.

سید محمد جواهری دو دوره از طرف مردم قوچان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و چند سالی تصدی امور آستان قدس رضوی را داشت و چندی نیز کفالت استانداری خراسان را عهده‌دار بود. از آن پس از مشاغل سیاسی و اداری فاصله گرفت و انزوا و گوشه‌گیری برگزید.

«فرخ» مسافرت‌هایی در داخل و خارج از کشور نمود و در سال ۱۳۲۳ به دعوت دولت ازبکستان با سمت ریاست هیئتی برای شرکت در جشن بیست و پنجمین سال تأسیس ازبکستان به تاشکند رفت.

«فرخ» در اواخر عمر بیشتر به مطالعهٔ دواوین شعرا و تذکره‌ها می‌پرداخت و ***تذکرهٔ سفینهٔ فرخ*** (در دو مجلد) از کارهای اوست و نیز تصحیح و چاپ ***مجمل فصیحی*** (در سه مجلد) به کوشش او صورت گرفت. دیوانش شامل چهار هزار بیت شعر به چاپ رسید و هنگامی که فرخ به هفتادمین سال عمر خود رسید، کتاب یادبودی حاوی اشعار شعرا در ستایش او چاپ و منتشر شد. «انجمن ادبی خراسان» نیز سال‌ها به ریاست او اداره شد.

منبع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد چهارم/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۲۶۱۸ـ۲۶۱۹.

جهانشاهی قاجار، ایرج ۱۴۳

ویراستار

تولد ۱۳۰۵، تهران.[۱]

درگذشت ۲۹ تیر ۱۳۷۰، تهران.

ایرج جهانشاهی قاجار تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرهای ملایر و اهواز انجام داد. سپس به دریافت لیسانس جغرافیا و تعلیم و تربیت از دانشکدهٔ

۱. در برخی منابع، تاریخ تولد ایرج جهانشاهی قاجار اسفند ۱۳۰۶ ذکر شده است. در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** نیز همین سال درج شده است.

ادبیات دانشسرای عالی نایل آمد. در سال ۱۳۳۸ از مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران درجه فوق لیسانس گرفت و دورهٔ یک‌ساله‌ای را در رشتهٔ آموزش بزرگسالان در دانشگاه منچستر انگلستان گذراند. همچنین در دوره‌های کوتاه مدتی در کشورهای آمریکا، پاکستان و تایلند در بارهٔ ادبیات کودکان به مطالعه پرداخت و از سال ۱۳۲۴ به عنوان معلم در آموزش و پرورش مشغول به کار شد. سپس مدتی نیز به دبیری و ریاست دبیرستانی رسید.

از جمله فعالیت‌های وی، تأسیس مرکز تهیه خواندنی‌های نوسوادان بود که بعدها به مرکز انتشارات آموزشی تغییر نام داد. نشر مجله‌های «پیک کودک»، «پیک معلم و خانواده»، «پیک نوآموز»، «پیک دانش‌آموز»، «پیک نوجوانان»، «پیک جوانان» از ابتکارات او بود. چندی هم مدیریت مجلهٔ «آموزش و پرورش» را بر عهده داشت. از سال ۱۳۵۷ سرپرستی شورای ویراستاری ***فرهنگنامه کودکان و نوجوانان*** را در شورای کتاب کودک به‌عهده گرفت. در سال ۱۳۶۱ همکاری خود را به‌عنوان مشاور گزینش و تألیف و ترجمه و ویرایش کتاب‌های ادبیات کودکان و نوجوانان با انتشارات فاطمی و واژه آغاز کرد و تا آخرین لحظات زندگی نسبت به تهیهٔ آثاری برای کودکان و نوجوانان فعال بود. کتاب‌های ***بخوانیم و بنویسیم*** هم یادگار اوست. تألیفات او عبارتند از: ***گل‌های وحشی*** (۱۳۲۵)؛ ***شاخ‌های ملوس*** (۱۳۴۵)؛ ***ازوپ در کلاس درس*** (۱۳۶۱)؛ ***قلم موی جادو*** (۱۳۶۲)؛ ***چشم چشم دو ابرو*** (۱۳۶۳)؛ ***بازی‌های ورزشی*** (۱۳۶۳)؛ ***قصه‌های من و بابام*** (کتاب برگزیدهٔ شورای کتاب کودک در ۱۳۶۲).

منابع: «ایرج جهانشاهی»، آینده، س ۱۷، ص ۶۰۱؛ ***یادنامه ایرج جهانشاهی قاجار (به مناسبت سالگرد درگذشت ایرج جهانشاهی)***/ شورای کتاب کودک.

شاعر، مترجم

تولد ۱۲۹۸، تهران.[۱]

درگذشت ۳ آبان ۱۳۷۱، تهران.

ابوالقاسم حالت (با نام اصلی ابوالقاسم عبدالله فرد) متخلص به «حالت»، فرزند محمدتقی حالت، تحصیلات خود را در تهران از دبیرستان مروی به پایان رسانید. از سال ۱۳۱۴ به شاعری پرداخت و در انجمن‌های ادبی و از جمله انجمن ادبی ایران راه یافت. در سال ۱۳۱۷ در هفته‌نامهٔ «توفیق» که تازه فکاهی شده بود با مدیر آن، حسین توفیق، همکاری کرد (از نخستین شمارهٔ روزنامه فکاهی توفیق تا مدت پنج سال متوالی سردبیری این مجله فکاهی را به عهده وی بود) و این همکاری را تا آخرین شمارهٔ «توفیق» که به مدیریت حسن توفیق انتشار می‌یافت، ادامه داد. در مدت این همکاری، بحر طویل‌های وی به امضای «هدهد میرزا» و اشعارش به امضاهای «خروس لاری»، «شوخ»، «فاضل‌مآب» و «ابوالعینک» در توفیق به چاپ می‌رسید.

بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ علاوه بر هفته‌نامهٔ «توفیق» با هیئت تحریریهٔ برخی از جراید دیگر نیز همکاری می‌کرد. در هفته‌نامه‌های «امید»، «قیام ایران»، «خواندنیها» و «خبردار»، آثاری فکاهی به نثر و نظم داشت. در مجلهٔ «تهران مصور» نیز با امضای «فاضل‌مآب» قطعاتی را سرود.

ولی اشعاری که برای درج در هفته‌نامهٔ «آیین اسلام» می‌ساخت همه جدی (غیرفکاهی) بود که از تاریخ شانزدهم فروردین ۱۳۲۳ به بعد هر هفته پنج رباعی که ترجمهٔ منظوم کلمات قصار حضرت علی (ع) بود، همچنین یک قصیدهٔ اخلاقی و عرفانی

۱. در کتاب ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد ابوالقاسم حالت ۱۲۹۴ درج شده است.

از وی در آن هفته‌نامه دیده می‌شد. بیشتر قصاید او در همکاری با هفته‌نامهٔ مذکور سروده شده است.

از جمله مشغولیت‌های دیگر وی ترانه‌سازی بود. در واقع با سرودن ترانه‌های فکاهی از اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوره انتقاد می‌کرد. این ترانه‌های به عنوان پیش‌پرده در تماشاخانهٔ تهران به‌وسیلهٔ مجید محسنی، حمید قنبری، جمشید شیبانی و در تماشاخانهٔ گهر به وسیلهٔ عزت‌الله انتظامی اجرا می‌شد.

در انجام کارهای هنری جامعهٔ باربد نیز که به مدیریت اسماعیل مهرتاش اداره می‌شد، شرکت داشت. در بهار سال ۱۳۲۵ آثار فکاهی خود را در دو جلد تحت عنوان ***فکاهیات حالت*** منتشر کرد. در همین سال به نخستین «کنگرهٔ نویسندگان ایران» دعوت شد که به ریاست ملک‌الشعرای بهار تشکیل شده بود. این کنگره از چهارم تا دوازدهم تیر ۱۳۲۵ ادامه داشت و در این کنگره دو شعر جدی قرائت کرد: قصیده‌ای تحت عنوان «ستمگر و ستمکش» و یک مثنوی به نام «توپ فوتبال».

ابوالقاسم حالت در سال ۱۳۲۵ بنا به دعوت شرکت «اورگرین پیکچر»[1] به هندوستان سفر کرد و در بمبئی به کار صدابرگردانی فیلم پرداخت و مدتی نتوانست در کار تصنیف‌سازی فعال باشد. تا این که مهدی خالدی به همراه گروهی برای ضبط صفحه از ایران به بمبئی رفتند و حالت به عنوان یادگار برای این هیئت ایرانی تصنیف «شیرین» را ساخت و علی زاهدی آن را اجرا کرد. ابوالقاسم حالت، در بهار سال ۱۳۲۷ به ایران بازگشت و در آن هنگام، سرپرستی ادارهٔ کل انتشارات رادیو تهران با ابوالقاسم پاینده بود که از وی دعوت به عمل آورد تا برای رادیو تهران تصنیف بسازد و پس از یک ماه که با رادیو همکاری کرد، چون به استخدام شرکت نفت درآمده بود، عازم آبادان شد و این همکاری قطع گردید. وی سپس به عضویت در هیئت تحریریه مجلهٔ «اخبار هفته» منتشره در آبادان در آمد. بیشتر اشعار جدید و داستان‌هایش در این مجله طبع شده است.

پس از ملی شدن صنعت نفت و متوقف شدن صدور آن به مدت سه سال، حالت در این فاصله به تحصیل زبان فرانسوی پرداخت و به دنبال آن کتاب ***شبح در کوچه میکل آنژ*** از فرانسوی ترجمه و در مجلهٔ «تهران مصور» به چاپ رسانید.

حالت در اواسط سال ۱۳۲۷ به تهران منتقل شد و در ادارهٔ روابط عمومی شرکت نفت انجام وظیفه نمود و مدیریت مجلهٔ «صنعت نفت» را به عهده گرفت و در عین حال همکاری خود را با مطبوعات همچنان حفظ کرد تا در سال ۱۳۵۳ بازنشسته گردید. وی همچنین با مجلهٔ فکاهی «گل آقا» همکاری داشت.

حالت در آغاز انقلاب اسلامی، سرود جمهوری اسلامی را ساخت و در نوزدهم آبان ۱۳۷۰ طی مراسمی که در تالار باشگاه بانک ملی برای بزرگداشت او برگزار شد از وی تجلیل به عمل آمد.

ابوالقاسم حالت در رشتهٔ زبان و ادبیات تحصیلات عالی کرد و به سه زبان عربی و انگلیسی و فرانسوی تسلط داشت و چندین کتاب از نویسندگان انگلیسی و فرانسوی را ترجمه کرد. برخی آثاری که از وی طبع و نشر شده بدین شرح است: ***دیوان حالت*** (شامل قطعات، مثنویات، قصاید، غزلیات و رباعیات)؛ ***کلیات سعدی*** (با ترجمهٔ اشعار عربی آن به فارسی)؛ ***تذکرهٔ شاهان شاعر***؛ ***گلزار خنده*** (مشتمل بر اشعار فکاهی که از نیمهٔ سال ۱۳۱۷ تا آخر سال ۱۳۱۸ سروده شده)؛ ***فکاهیات حالت*** (دو جلد)؛ ***دیوان خروس لاری*** (شامل اشعار طنزآمیز)؛ ***دیوان ابوالعینک***؛ ***دیوان شوخ***؛ ***بحر طویل‌های هدهد***

---

۱. Evergreen Picture

میرزا؛ ***عیالوار***؛ ***رقص کوسه*** (شامل بیست داستان کوتاه)؛ ***مقالات طنزآمیز***؛ ***فروغ بینش یا سخنان حضرت محمد (ص)*** (با ترجمهٔ فارسی و انگلیسی و رباعیات فارسی)؛ ***راه رستگاری یا سخنان حسین بن علی (ع)*** (با ترجمهٔ فارسی و انگلیسی و رباعیات فارسی)؛ ***کلمات قصار حضرت علی (ع)*** (این کتاب مختصری از ***شکوفه‌های خرد*** است، با ترجمهٔ به فارسی و انگلیسی و رباعیات فارسی، ۱۳۳۳)؛ ***کلمات قصار حسین بن علی (ع)*** (این کتاب چاپ دوّم ***راه رستگاری*** است)؛ ترجمهٔ ***تاریخ کامل ابن اثیر***؛ ***تاریخ فتوحات مغول*** (نوشتهٔ ج.ج. ساندرز)؛ ***تاریخ تجارت*** (اثر اریک ن. سیمونز)؛ ***ناپلئون در تبعید*** (خاطرات ژنرال برتران، استنساخ و تنظیم یادداشت‌نگاری از پل فلوریو دولانگل)؛ ***زندگی من*** (اثر مارک تواین)؛ ***زندگی بر روی می‌سی‌سی‌پی*** (اثر مارک تواین)؛ ***پیشروان موشک‌سازی*** (تألیف بریل ویلیامز و ساموئل اشتاین)؛ ***بهار زندگی*** (اثر کلاویس هاستی کارول، ۱۳۳۷)؛ ***جادوگر شهر زمرد*** (نوشتهٔ ال. فرانک باوم)؛ ***بازگشت به شهر زمرد*** (نوشتهٔ ال. فرانک باوم)؛ ***مینوتوس مشاور نرون*** (نوشتهٔ میکا والتاری)؛ ***پسر ایرانی: سرگذشت واقعی داریوش سوم و اسکندر*** (نوشتهٔ ماری رنولت)؛ ***فرعون*** (نوشتهٔ الویز جارویز مک گرد)؛ ***شبح در کوچه میکل آنژ*** (ترجمه از فرانسوی به فارسی)؛ ***پروانه و شبنم*** (شامل قصاید ادبی به سبک سنایی، ۱۳۳۶)؛ ***رقص کوسه*** (شامل بیست داستان کوتاه، ۱۳۳۳).

ابوالقاسم حالت بر اثر سکتهٔ قلبی دار فانی را وداع گفت.

منابع: تذکرهٔ شعرای معاصر ایران/ سید عبدالحمید خلخالی، ص. ۱۱۰ــ۱۱۱. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر/*** غلامحسین صالحیار، ص. ۷۸. ***خلوت انس/*** مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، ص. ۱۴۱ ــ ۱۴۲. ***دیدار با شاعران (شامل شرح حال و اشعار برگزیدهٔ چهل تن از شاعران معاصر ایران/*** تهیه و تنظیم علی اکبر دلفی، ص. ۹۰ــ۹۱. ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد دوم/*** سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۰۵۶ ــ ۱۰۵۴. ***سیمای شاعران/*** حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۹۸. ***فرهنگ داستان‌نویسان ایران/*** حسن عابدینی، ص. ۶۶. ***گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوم/*** گردآورنده احمد گلچین معانی، ص. ۲۱۶ ــ ۲۱۹. ***مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد سوم/*** حبیب‌الله نصیری‌فر، ص. ۴۵۱ ــ ۴۵۷. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/*** خانبابا مشار، جلد اول، ص. ۲۳۷ ــ ۲۳۸. ***شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد دوم/*** حسنعلی محمدی، ص. ۴۷۰ ــ ۴۷۸.

۱۴۵ حبیب‌اللهی، ابوالقاسم

شاعر، مدرس

تولد ۱۲۸۱، مشهد.[۱]

درگذشت ۲۸ آذر ۱۳۵۹، مشهد.

سید ابوالقاسم حبیب‌اللهی متخلص به «نوید» یا «نوید خراسانی» (مشهور به «شهیدی») فرزند آقا میرزا محمد و نوهٔ سید حبیب‌الله مجتهد خراسانی (دیوان ناقص ایشان چند سالی است منتشر شده) است. وی علوم قدیم را در مشهد فراگرفت و صرف و نحو و معانی بیان و منطق را نزد ادیب نیشابوری و سید حسنَ مشکان طبسی آموخت و در سال ۱۳۰۱ همراه پدر خود به عراق و سوریه و لبنان مسافرت کرد؛ سپس به کشور بازگشت. اشعار او غالباً قطعاتی است که در معانی فلسفی و اخلاقی گفته شده، در میان اشعار وی که متجاوز از سه هزار بیت است، غزل دیده نمی‌شود یا اگر تغزلی باشد، نادر است. ابوالقاسم حبیب‌اللهی در سال‌های آخر عمر به عنوان استاد نیمه وقت زبان عربی در دانشگاه مشهد

۱. در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد ابوالقاسم حبیب‌اللهی ۱۲۸۰ درج شده است.

تدریس کرد. وی از مؤسسان و از اعضای انجمن ادبی خراسان (۱۳۰۱) بود.

منابع: تذکرهٔ شعرای معاصر ایران، جلد دوم/ سید عبدالحمید خلخالی، چاپ اوّل، ص. ۳۸۲ــ ۳۸۴. *فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/* عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۵۸۱. *گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوم/* گردآورنده احمد گلچین معانی، ص. ۷۲۸. «ابوالقاسم حبیب‌اللهی (نوید)»، آینده، س. ۶، ص. ۹۳۰ــ ۹۳۱. *زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ــ۱۳۲۰ هـ ش.)/* حسن مرسلوند، جلد سوم، ص. ۷۶ــ ۷۷.

شاعر

تولد ۱۳۲۲ ق.، شیراز.

درگذشت ۳۰ بهمن ۱۳۶۶.

ضیاءالدین حدائق معروف به «ابن یوسف»، فرزند آیت‌الله یوسف حدائق، پس از تحصیل مقدمات علوم در مدارس جدید و مدرسهٔ علمیهٔ منصوریه، به سال ۱۳۴۵ ق. برای تکمیل علوم معقول و منقول به اصفهان، قم، تهران و مشهد رفت و مدت پانزده سال در تهران اقامت گزید و با گرفتن لیسانس دانشکدهٔ معقول و منقول، در مدرسهٔ عالی سپهسالار و مدرسه خان مروی به تدریس پرداخت. او از علمای تهران اجازه گرفت، سپس به عتبات عالیات رفت و از علمای آنجا نیز موفق به اخذ اجازهٔ اجتهاد شد. سپس به شیراز مراجعت کرد. وی در جلسات کانون دانش پارس و انجمن صدر شرکت می‌جست. آثار چاپ شدهٔ او عبارتند از: ***رساله‌ای در بارهٔ نهج‌البلاغه؛ رساله صدرالدین شیرازی؛ فهرست کتب خطی کتابخانهٔ مجلس شورای ملی*** (یک جلد)؛ ***فهرست کتب خطی کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار*** (دو جلد)؛ ***کتاب النظائر و المقتبسات؛ گمشده‌ها «در مصاریعی که مثل سائر شده»***.

«ابن یوسف» در آرامگاه حضرت امامزاده ابراهیم مدفون است.

منابع: انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)/ حسن امداد، چاپ اوّل، ص. ۴۷۸. *زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ــ۱۳۲۰ هـ ش.)/* حسن مرسلوند، جلد سوم، ص. ۸۴. *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس/* محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت»، جلد دوم. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/* خانبابا مشار، جلد سوم.

شاعر

تولد اسفند ۱۳۳۰، تهران.

شهادت ۷ مهر ۱۳۶۰، دارخوین.

مجید حداد عادل بعد از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۴۸ پس از اخذ دیپلم ریاضی وارد دانشگاه صنعتی شریف شد و در رشتهٔ مهندسی متالورژی به تحصیل پرداخت. در سال‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ به‌سبب فعالیت‌های مذهبی و سیاسی به زندان افتاد. در سال ۱۳۵۳ از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. دورهٔ سربازی را در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ در شیراز و مشهد گذراند. در سال ۱۳۵۷ برای گذراندن یک دورهٔ مدیریت به انگلستان رفت. با پیروزی انقلاب اسلامی درس و تحصیل را رها کرد و به ایران بازگشت. وی تا زمان شهادت در مشاغل زیر را دارا بود: مسئولیت در دفتر نخست وزیری، مسئولیت بخش فرهنگی جهاد سازندگی، نظارت بر انتشار مجلهٔ «جهاد سازندگی»، عضویت در شورای مدیریت تولید رادیو، همکاری با شورای عالی دفاع، معاونت سیاسی ــ اداری استانداری کرمانشاه، سرپرستی استانداری کرمانشاه.

مجید حداد عادل در جریان سرپرستی یک گروه خبرنگاران خارجی اعزامی به جبهه، در عصر روز سه شنبه هفتم مهر ۱۳۶۰ در جبههٔ دارخوین بر اثر اصابت ترکش کاتیوشا از ناحیه سر مجروح شد و به شهادت رسید.

منبع: *شهیدان شاعر* / به کوشش مرکز پژوهش‌های فرهنگی بنیاد شهید، زیر نظر نصرالله مردانی، ص. ۲۰۹.

۱۴۸ حزین بروجردی، حسین

شاعر

تولد ۱۲۸۷ (رمضان ۱۳۲۷ ق.)، بروجرد.

درگذشت ۱۸ بهمن ۱۳۷۴، بروجرد.

حسین حزین بروجردی، فرزند ملاحسین مشهور به «مداح»، در محله‌ای موسوم به باغ پستهٔ بروجرد به دنیا آمد و دوران کودکی خود را نزد مادرش با آموختن عم جز گذرانید و در همان سنین، کتاب ***لیلی و مجنون*** را حفظ کرد. سپس نزد ملاحسن به تحصیل پرداخت. در جوانی پیشهٔ بنایی را در پیش گرفت و مقارن با تلاش در جهت امرار معاش، شروع به سرودن شعر نمود. وی به دفعات پای پیاده به زیارت آستان امیرالمؤمنین و حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) رفت. استاد حزین بارها و بارها اشعارش را که در مدح ائمه اطهار سروده بود و در محضر آیت‌الله العظمی سید حسین بروجردی قرائت کرده است. از مهم‌ترین اقداماتی که حزین در فن تاریخ‌نویسی در طول حیات خویش انجام داد، جمع‌آوری زندگی بسیاری از بزرگان و شعرای شهر بروجرد و انتشار آن به عنوان دورنمایی از شهرستان بروجرد به نام ***تذکرهٔ حسین حزین*** بود. از دیگر آثار وی می‌توان به ***سوز و گداز*** (شعر، بروجرد، ۱۳۲۸)؛ ***مرصد الاسرار در وقایع کربلا*** (بروجرد ۱۳۳۳) اشاره نمود. آثار چاپ نشدهٔ ایشان به این شرح هستند: ***دیوان قصاید ادبی و اخلاقی*** (در حدود سه هزار بیت)؛ ***دیوان غزلیات قدیم***، ***مفردات***، ***ترجیعات***، ***ترکیبات و رباعیات*** (نزدیک به پانزده هزار بیت)؛ ***دیوان غزلیات جدید*** (نزدیک به هزار بیت)؛ ***چکامه‌های پارسی سره*** (در هزار بیت)؛ ***دیوان مدایح و مراثی ائمهٔ اطهار*** (در هفت هزار بیت)؛ ***متفرقات حزین***؛ ***خزانه حزین***؛ ***پیشه‌وران دانشمند و سراینده*** (منثور)؛ ***مثنوی راز و نیاز***؛ ***مثنوی آتش عشق***؛ ***منظومه معراجیه***؛ ***سرگذشت حسین حزین*** (تاریخی، جغرافی، ادبی، مسافرت‌ها، پیش‌آمدها)؛ ***گلچین حزین بروجردی به ترتیب حروف تهجی***؛ ***مثنوی تابش خورشید ازل*** (دو جلد)؛ ***ساقی‌نامه یا آیینهٔ عبرت***؛ ***نامه‌اندرزهای پارسی سره‌نثری***.

پیکر حسین حزین در قبرستان قدیمی بروجرد (جهان‌آباد بروجرد) به خاک سپرده شد.

منابع: «درگذشت استاد حسین حزین»، کیهان فرهنگی، س. ۱۳، ش. ۱۲۶، (فروردین؛ اردیبهشت ۱۳۷۵)، ص. ۶۵ *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۷۲۸ ـ ۷۲۹. ساکت، اکرم السادات، «به یاد استاد حسین حزین»، گزارشنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ش. ۵ (فروردین ۱۳۷۵)، ص. ۱۸ ـ ۲۱.

۱۴۹ حسینی، حسین

شاعر

تولد ۱۲۹۶، قم.

درگذشت ۱۳۷۰، قم.

حسین حسینی متخلص به «حسینی» پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در پانزده سالگی پدر خود را از دست داد و لذا از نوجوانی مشغول به کار شد. وی تحصیلات متوسطه را ضمن یک شغل آزاد به پایان رسانید و ضمناً به فراگیری علوم قدیمه نیز پرداخت و در سال ۱۳۱۹ به تهران آمد و در سال ۱۳۲۱ در

بانک ملی ایران استخدام شد.

حسین حسینی پس از چند سال توقف در تهران به زادگاه خود منتقل گردید و همانجا در بانک ملی مشغول به کار شد تا بازنشسته گردید.

در تهران با جراید همکاری داشت و اشعارش با امضای مستعار «خروس اخته» در روزنامه‌های «توفیق»، «نسیم شمال» و «کانون شعرا» به چاپ رسید. وی در آغازِ شاعری به جنبه‌های فکاهی و مسائل اجتماعی می‌پرداخت. حسین حسینی در جوانی با کمک چند تن از شاعران به تشکیل «انجمن ادبی قم» به ریاست محمود تندری متخلص به «شیوا» همت گماشت و پس از فوت تندری انجمن را در منزل خود تشکیل داد. از آثار او سه مجموعهٔ شعر به نام‌های ***اشک ملت***، ***سیاست روز و سمبولی از شعر و ادب معاصر*** به چاپ رسیده است.

حسین حسینی در سال ۱۳۷۰ در قم درگذشت و پیکرش در قبرستان نو قم به خاک سپرده شد.

*منبع: **سخنوران نامی معاصر ایران**، جلد دوّم/* سید محمد باقر برقعی، ص ۱۱۴۶ـ۱۱۴۷.

حسینی داور، سید کاظم ۱۵۰

شاعر

تولد ۱۳۰۰، همدان.

درگذشت ۱۳۷۱.

سید کاظم حسینی داور معروف به «روح‌الامین» و متخلص به «داور»، فرزند سید محمد علی، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش همدان به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۹ از دانشسرای مقدماتی همدان فارغ‌التحصیل شد، آنگاه به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و مدتی مدیر دبستان‌های باباطاهر و علویان شهر خود بود. چندی نیز در تهران در دبیرستان مروی و دارالفنون به تدریس اشتغال داشت.

سید کاظم حسینی در جریان مبارزات سیاسی زمان دکتر محمد مصدق به فعالیت‌ها پرداخت. نخستین اشعار وی متعلق به سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ بود؛ در سال‌های نوجوانی در منزل پدرش که محل تجمع شاعران و ادبای همدان بود، حضور می‌یافت و از محضر آنها استفاده می‌کرد و به این ترتیب با فنون شعر آشنا گردید. دیوان اشعارش متجاوز از سی هزار بیت است که قسمتی از آن در سال ۱۳۲۵ به نام ***روان الوند*** چاپ شد و در سال ۱۳۳۷ اثر دیگری از او به نام ***روی پل تجریش*** در همدان طبع و نشر گردید.

سید کاظم حسینی داور فنون شعر را از آزاد همدانی و مفتون کبریایی آموخت و از اعضای انجمن ادبی آن شهر به شمار می‌آمد.

*منبع: **سخنوران نامی معاصر ایران**، جلد دوّم/* سید محمد باقر برقعی، ص ۱۳۴۸.

حسینی راویز، سید عبدالله ۱۵۱

شاعر

تولد ۱۳۰۵، یزد.

درگذشت ۸ آذر ۱۳۶۷، کرج.

سید عبدالله حسینی، فرزند سید حسن، در شهرستان رفسنجان بزرگ شد و پس از پایان تحصیلات به استخدام ادارهٔ ثبت کل درآمد و در شهرهای رفسنجان، کرمانشاه، یزد و آمل خدمت کرد و پس از بازنشستگی مقیم تهران شد.

وی علاقه به سرودن اشعار فکاهی و طنزگونه داشت ولی هیچگاه به فکر تدوین آثار خود نبود.

سال‌ها پیش اشعاری از وی در مطبوعات و از جمله «توفیق» چاپ شد. پیش از فوت کلیهٔ اشعار چاپ شده و نشده‌اش را که شامل مثنوی‌ها و منظومه‌های فکاهی کوتاه و بلند بود، به خط خویش نگاشت و به دوست کرمانی خود غلامرضا ایرانی سپرد.

منبع: دریاگشت، محمد رسول، «سید عبدالله حسینی راویز»، آینده، س ۱۵، ص ۱۳۹.

۱۵۲ حکمت، علی اصغر

مورخ، شاعر، مترجم

تولد ۱۲۷۱ (۱۳۱۰ ق.)، شیراز.

درگذشت ۳ شهریور ۱۳۵۹، تهران.

علی اصغر حکمت فرزند احمد علی مستوفی (حشمت الممالک شیرازی) بود. اجداد وی از علمای شیراز بودند و از طرف مادر نیز نوهٔ حسن فسایی نویسندهٔ کتاب ***فارسنامه ناصری*** بود و جد او سید علیخان کبیر صاحب ***شرح صحیفه*** نام داشت.

علی اصغر حکمت تحصیلات علوم قدیم (مقدمات علوم و ادبیات فارسی و عربی) را در شیراز (در مدرسهٔ علمیه و منصوریه) فرا گرفت. سپس در تهران در دبیرستان کالج آمریکایی به تحصیل ادامه داد. در تاریخ ۱۳۳۷ ق. در وزارت معارف مشغول به کار شد. در سال ۱۳۴۶ ق. به وزارت دادگستری انتقال یافت و در سال ۱۳۰۹ به منظور تکمیل تحصیلات خود به فرانسه و انگلستان عزیمت کرد و از دانشگاه سُربُن پاریس در رشتهٔ ادبیات فارغ‌التحصیل گردید و به تهران بازگشت.

مشاغل و فعالیت‌های وی به این شرح است: رییس بازرسی وزارت معارف، ۱۲۹۹؛ رییس ادارهٔ کل معارف، ۱۳۰۷؛ مأمور مطالعات در تعلیم و تربیت و قوانین ثبت اسناد در اروپا، ۱۳۰۰ ــ ۱۳۱۲ (بازگشت به تهران در شهریور ۱۳۱۲)؛ کفیل وزارت معارف، ۱۳۱۲؛ وزیر فرهنگ، ۱۳۱۳ ــ ۱۳۱۷؛ رییس دانشگاه تهران، ۱۳۱۴ ــ ۱۳۱۷؛ وزیر کشور، ۱۳۱۸؛ وزیر بهداری، ۱۳۲۰؛ وزیر دادگستری، ۱۳۲۲؛ رییس کمیسیون ملی یونسکو در ایران از سال ۱۳۲۵؛ وزیر مشاور، ۱۳۲۶ و ۱۳۳۲؛ وزیر امور خارجه، ۱۳۲۷ ــ ۱۳۲۸؛ استاد کرسی تاریخ مذاهب و ادبیات ایران در دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۹؛ رییس هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس‌عمومی یونسکو منعقد در فلورانس (۱۹۵۰) و دهلی‌نو (۱۹۵۶)؛ سفیر کبیر ایران در هند، ۱۳۳۲ ــ ۱۳۳۶؛ وزیر مختار در تایلند، ۱۳۳۵؛ وزیر امور خارجه، ۱۳۳۷ ــ ۱۳۳۸؛ رییس هیئت مدیرهٔ انجمن آثار ملی، ۱۳۲۴ ــ ۱۳۳۳؛ رییس هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی و ریاست انجمن، ۱۳۴۴؛ از نخستین اعضای فرهنگستان ایران؛ بنیانگذاری مجلهٔ «تعلیم و تربیت» (این مجله از انتشارات وزارت فرهنگ بود و شمارهٔ اول آن در فروردین ۱۳۰۴ منتشر شد)؛ حکمت در بیست و یکم خرداد ۱۳۵۱ کتابخانهٔ شخصی خود را شامل پنج‌هزار جلد کتاب چاپی، تعداد زیادی نسخ خطی و مجموعه‌های روزنامه‌ها (از زمان ناصرالدین شاه تا زمان معاصر) و مجموعه‌های کتاب‌های تفسیر و کتاب‌های مربوط به قرآن (از عربی و فارسی و انگلیسی) و تعدادی مرقعات) به کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران اهدا کرد که در مخزنی به نام او نگاهداری می‌شود؛ شرکت در جلسات کانون دانش پارس (به هنگامی که وی برای تدریس و سخنرانی در دانشکدهٔ ادبیات به شیراز می‌آمد، به پیشنهاد علی سامی ریاست افتخاری کانون دانش به او واگذار شد)؛ شرکت گاهبیگاه در جلسات «شب‌های شیراز» در تهران.

از جمله نشان‌های اوست: نشان درجهٔ اول وزارت فرهنگ، ۱۲۹۹؛ نشان لژیون دونور از دولت

فرانسه؛ نشان درجهٔ اوّل همایون، ۱۳۲۵؛ نشان درجهٔ اوّل نیل از دولت مصر، ۱۳۱۸؛ نشان درجهٔ اوّل الکوکب‌الاردنی از دولت هاشمی اردن، ۱۳۲۸؛ نشان درجهٔ اوّل سردار اعلا از دولت افغانستان، ۱۳۲۹؛ نشان رسمی درجهٔ اوّل از دولت‌های هلند، دانمارک، انگلستان، ژاپن و ایتالیا.

فهرست آثار او به شرح زیر است: ***امثال قرآن مجید*** (فصلی از تاریخ قرآن کریم؛ ۱۳۳۳)؛ ***حروف مقطعهٔ قرآنیه یا فواتح صدور و فصلی از تاریخ قرآن*** (۱۳۳۱، نشریهٔ مجلهٔ «مهر»)؛ ***تفاسیر بوعلی سینا از قرآن مجید***؛ تصحیح و تحشیهٔ ***کشف الاسرار و عدةالابرار*** خواجه رشیدالدین میبدی معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری؛ ***سعدی تا جامی*** (ترجمهٔ جلد سوم دورهٔ تاریخ ادبیات ادوارد براون؛ در منبع دیگر به این صورت از آن یاد شده است: ترجمهٔ جلد سوم ***تاریخ ادبی ایران*** و در منبع دیگری آمده است: چهارمین جلد از تاریخ ادبیات ایران؛ ۱۳۲۷)؛ ***شادباش نوروزی*** (مجموعهٔ اشعار، ۱۳۲۶)؛ ***پارسی نغز*** (مجموعه آثار پارسی سره از نویسندگان ایران قدیم و جدید، ۱۳۲۳)؛ ***امین و مأمون*** (ترجمه عربی آثار جرجی زیدان)؛ ***پنج حکایت از شکسپیر*** (دو جلد؛ لاهور، ۱۹۵۷ م.)؛ ***پنج درام از شکسپیر*** (دو جلد؛ تهران، ۱۳۳۳)؛ ***دوستداران وطن***؛ ***تقویم معارف*** از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۷ (تصحیح و تحشیه)؛ ***جام جهان نما***؛ ***رسالهٔ قضایای عامه «در علوم طبیعی»*** ترجمه از انگلیسی؛ ***رساله در باب علیشیر نوایی*** (۱۳۲۶)؛ ***ایران در فرهنگ جهان*** (۱۳۲۶)؛ ***شعر معاصر***؛ ***رستاخیز*** (اثر لئون تولستوی، ۱۳۳۹)؛ ***راه زندگی*** (اثر نیکلا حداد مصری، ۱۳۴۶ ق.)؛ ***شرح حال و منتخب جامی*** (ظاهراً همین کتاب با نام ***زندگی جامی شاعر ایرانی*** در سال ۱۳۲۰ هم به چاپ رسیده است)؛ ***مطالعاتی در باب حافظ*** (با عنوان دیگری: ***درسی از دیوان حافظ*** نیز به چاپ رسیده است، ۱۳۱۹ ــ ۱۲۲۰)؛ ***مطالعهٔ تطبیقی رومئو و ژولیت با لیلی و مجنون نظامی*** (۱۳۱۷)؛ مقدمه و تحشیه و تصحیح ***مجالس النفائس*** علیشیر نوایی؛ رساله در احوال «اثر» پرشکفتی شاعر معروف فارسی؛ ***نقش فارسی بر احجار هند*** (کلکته، ۱۹۵۷ م.؛ چاپ دوم، تهران، ۱۳۳۸)؛ ***شکونتلا یا انگشتر گمشده*** (کالیداس، ترجمه، بمبئی، ۱۳۳۶)؛ ***نه گفتار در تاریخ ادیان*** (شیراز، نشریهٔ دانشگاه؛ تهران، ۱۳۴۱)؛ ***الواح بابل*** (اثر ادوار شی‌یر، ۱۳۴۱)؛ ***اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب*** (۱۳۴۰، چاپ دوم)؛ ***اصول فن مناظره*** (۱۳۱۶)؛ ***افسانهٔ دلپذیر*** (اثر ویلیام شکسپیر، ۱۳۲۱)؛ ***الف لیله و لیله*** (مقدمه کتاب به قلم حکمت، ۱۳۱۵) ؛***گلزار حکمت*** جلد اوّل؛ مجلهٔ «تعلیم و تربیت»، مجلهٔ رسمی وزارت معارف از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۵. ***سخن حکمت*** شامل سه هزار و پانصد بیت از اشعار حکمت با مقدمهٔ سید حسن سادات ناصری به خط نستعلیق ابراهیم بوذری؛ ***سرزمین هند*** (۱۳۳۷، نشریهٔ ۵۱۵ دانشگاه تهران)؛ ***تاریخ ادیان***؛ ***دیوان جامی*** (با مقدمه و تصحیح و اهتمام ایشان). گذشته از این مجموعه مقالاتی که به قلم وی در مجلات مختلف ایران منتشر شده و همه شامل مباحث ادبی و تاریخی است.

علی اصغر حکمت روز دوشنبه سوم شهریور ۱۳۵۹ برابر چهاردهم شوال ۱۴۰۰ ق. در تهران وفات یافت و در شیراز در مقبرهٔ خانوادگی در حضرت عبدالعظیم «باغ طوطی» به خاک سپرده شد.

منابع: دائرةالمعارف مصور زرین/ چاپ ۱۳۶۰. *فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/* عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۱۷۳ ــ ۱۷۴. *تذکرهٔ شعرای معاصر ایران، جلد دوم/* سید عبدالحمید خلخالی، چاپ اوّل، ص. ۷۶. *خدمتگزاران عالم کتاب و معرفی برخی از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی/* ص. ۶ــ۷. *سیمای شاعران/* حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۹۶. *انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)/* حسن امداد، چاپ اوّل،

ص. ۳۸۹ـ۳۹۲. ***وزرای آموزش و پرورش ایران*** / احمد عبدالله‌پور، چاپ دوّم، ص. ۱۱۹ـ۱۲۰. ***شخصیت‌های نامی ایران*** / محمد رضا زهتابی، ص. ۱۶۳ و ۱۶۴. ***گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوّم*** / گردآورنده احمد گلچین معانی، ص. ۲۲۰ ـ ۲۲۳. ***دانشمندان و سخن‌سرایان فارس*** / محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت»، جلد دوم، ص. ۲۹۵ ـ ۳۰۴. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۴۵۶ ـ ۴۶۰. ***تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد دوم*** / محمد صدرهاشمی، ص. ۱۲۸ ـ ۱۳۲. ***شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد اول*** / حسنعلی محمدی، ص. ۲۷۹ ـ ۲۸۴.

۱۵۳ حمیدی شیرازی، مهدی

ادیب، مدرس، شاعر

تولد ۱۲۹۳، شیراز.

درگذشت ۲۳ تیر ۱۳۶۵، تهران.

مهدی حمیدی شیرازی، فرزند سید محمد حسن ثقةالاسلام شیرازی، شاعر و از بازرگانان و رجال شیراز و نیز نمایندهٔ شیراز در دورهٔ اول مجلس شورای ملی، بود. سه ساله بود که پدرش زندگی را به‌درود گفت و تحت نظر مادر خود که شاعر بود تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شیراز به پایان آورد. در سال ۱۳۱۳ به تهران آمد و در دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران به تحصیل زبان و ادبیات فارسی پرداخت. پس از دریافت درجهٔ لیسانس و پس از آن که خدمت نظام خود را در دانشکدهٔ افسری انجام داد، از سال ۱۳۱۷ به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و در دبیرستان‌های تهران به سمت دبیری انتخاب شد.[۱] حمیدی بعد از شهریور ۱۳۲۰ قصاید غرا و حماسه مانندی در بارهٔ وقایع جاری مملکت گفت و در آنها به اشغالگران بیگانه و سیاست‌پیشگان طَرفدار آنان و جدایی‌طلبان آذربایجان انتقاد نمود. این اشعار در جراید منتشر شد و مورد توجه آذربایجانی‌ها قرار گرفت. تلگراف‌ها و نامه‌های تشکرآمیز به عنوان او در روزنامه‌ها و مجلات درج کردند و وی را «شاعری ملی» نامیدند. حمیدی در سال ۱۳۲۴ قصیدهٔ «مصاحبه با نیما پیشوای نوپردازان» را انتشار داد.

در سال ۱۳۲۵ از دانشگاه تهران در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی به اخذ درجهٔ دکتری با رسالهٔ «شعر فارسی در قرن سیزدهم» نایل آمد. پس از آن در دانشگاه معقول و منقول (الهیات) به تدریس ادبیات اشتغال ورزید تا بازنشسته شد. وی همچنین در دبیرستان‌های مرکز به تدریس علوم ادب اشتغال داشت.

آثار وی به شرح زیر هستند: ***از یاد رفته***؛ ***عصیان*** (مجموعه شعر، ۱۳۲۱)؛ ***جاودانگی درویش*** (۱۳۳۷)؛ ***زبدهٔ شاهنامهٔ فردوسی***؛ ***شعر در عصر قاجار*** (۱۳۶۴)؛ ***گمشدهٔ من*** (مجموعه شعر، ۱۳۳۷)؛ ***فنون شعر و کالبدهای پولادین آن*** (۱۳۶۳)؛ ***دریای گوهر*** (سه مجلد، مجموعه‌ای از بهترین آثار نویسندگان و مترجمان معاصر؛ ۱۳۳۳)؛ ***شعر فارسی در قرن سیزدهم***؛ ***عروض حمیدی*** (۱۳۴۲)؛ ***بهشت سخن*** (دو جلد؛ جلد اول: شعرای پنج قرن اول، چاپ دوم، ۱۳۳۷)؛ ***عطار در آثار گزیدهٔ او و گزیده آثار او*** (۱۳۴۷)؛ ***شکوفه‌ها یا نغمه‌های جدید*** (۱۳۱۷)؛ ***سال‌های سیاه*** (بیشتر شامل اشعار وطنی، سیاسی و انتقادی؛ ۱۳۲۵)؛ ***پس از یک سال*** (مجموعه شعر، شیراز، ۱۳۱۹)؛ ***فنون و انواع شعر فارسی***؛ ***ده فرمان*** (۱۳۴۴)؛ ***طلسم شکسته*** (۱۳۳۴)؛ ***زمزمهٔ بهشت*** (اثر کنستین دینالد، مجموعهٔ شعر؛ ۱۳۳۳)؛ ***اشک معشوق*** (شامل

۱. در منبع دیگری آمده است که وی پس از گذراندن سه سال دورهٔ دانشسرای عالی، در سال ۱۳۱۶ با در دست داشتن ورقهٔ لیسانس عازم زادگاه خودش شیراز شد. در شیراز سال ۱۳۱۷ وارد خدمت فرهنگ شد و در دبیرستان‌های دخترانهٔ شیراز به تدریس ادبیات پرداخت.

کتاب‌های عشق، انتقام، عصیان، رستاخیز، از یاد رفته؛ چاپ دوم، ۱۳۲۴)؛ ***عشق دربدر*** (سه مجلد: ثریا، گلباز، شیخ زنگله‌پا؛ ۱۳۱۹)؛ ***شاعر در آسمان*** (۱۳۲۱)؛ ***سبکسری‌های قلم***؛ ***فرشتگان زمین*** (۱۳۲۱)؛ ***ماه و شش پنی*** (ترجمه از کتاب سامرست موآم؛ ۱۳۳۹)؛ ***شاهکارهای فردوسی*** (منتخبی از شاهنامه؛ ۱۳۳۰).

مهدی حمیدی شیرازی در سال ۱۳۶۵ در تهران درگذشت. پیکرش به شیراز منتقل گردید و در حافظیه به خاک سپرده شد.

منابع: کیهان فرهنگی، س. ۱، ش. ۵ (مرداد ۱۳۶۳)، ص. ۴۴. آهی، حسین، «دکتر مهدی حمیدی درگذشت»، کیهان فرهنگی، س. ۳، ش. ۴ (تیر ۱۳۶۵)، ص. ۳۹. ***مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد سوم***/ حبیب‌الله نصیری‌فر، چاپ سوم، ص. ۴۵۸. ***چهره‌های آشنا***/ جلال میزبان، جلد اوّل، ص. ۳۸. ***فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز***/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۱۷۶. ***تذکرهٔ شعرای معاصر ایران***/ سید عبدالحمید خلخالی، چاپ اوّل، ص. ۱۳۸ـ۱۵۲. ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد دوّم***/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۱۹۴ـ۱۱۹۵. ***دیدار با شاعران*** (شامل شرح حال و اشعار برگزیدهٔ چهل تن از شاعران معاصر ایران)/تهیه و تنظیم علی اکبر دلفی، ص. ۱۰۰ـ۱۰۲. ***چشمهٔ روشن، دیداری با شاعران***/ دکتر غلامحسین یوسفی، چاپ سوّم، ص. ۶۱۵ـ۶۲۴ (مقاله‌ای به نام «عشق جاویدان» در بارهٔ شعر «گل ناز» حمیدی شیرازی). ***سیمای شاعران***/ حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۱۰۰. ***انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)***/ حسن امداد، چاپ اوّل، ص. ۳۹۲ـ۳۹۶. ***گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوّم***/ گردآورنده احمد گلچین معانی، ص. ۲۲۴ ـ ۲۳۰. ***دانشمندان و سخن‌سرایان فارس***/ محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت»، جلد دوم، ص. ۴۷۶ ـ ۴۸۵. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۳۹۱ ـ ۳۹۴. ***شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد دوم***/ حسنعلی محمدی، ص. ۴۷۹ ـ ۴۹۱. «فهرست تألیفات دکتر حمیدی»، ***آینده***، س. ۱۲، ص. ۶۶۳.

۱۵۴ خالقی، محمد

شاعر

تولد ۱۳۰۸، یکی از روستاهای زنجان.

درگذشت ۱۳۵۹.

محمد خالقی متخلص به «سروش» تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زنجان به پایان رسانید. وی همچنین از محضر پدر خود شیخ محمد علی استفاده نمود. از اوان جوانی در آموزش و پرورش در زنجان و تهران خدمت کرد و تا پایان عمر خود به این سمت اشتغال داشت.

محمد خالقی انواع خط به‌خصوص نستعلیق را استادانه می‌نوشت و شعر نیز می‌سرود.

محمد خالقی به سبب ابتلا به سرطان حنجره درگذشت.

منبع: ***خلوت انس***/ مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، چاپ اوّل، ص. ۲۲۴.

۱۵۵ خدیو جم، سید حسین

مترجم، محقق

تولد ۱۳۰۶، مشهد.

درگذشت ۲۵ مهر ۱۳۶۵، مشهد.

سید حسین خدیو جم، فرزند سید علی (از مردم اشکذر یزد) یزدی‌الاصل، پس از گذراندن دورهٔ ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۳۳۰ موفق به اخذ دیپلم ادبی و در سال ۱۳۳۸ لیسانس خود را در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه مشهد گرفت و از دانشگاه سن ژوزف بیروت در رشتهٔ ادبیات عرب[1] به اخذ درجهٔ دکتری نایل گردید.

---

۱. در منبع دیگری آمده است که وی در رشتهٔ تاریخ علوم دکتری دارد.

وی مدت‌ها در دبیرستان‌های شهر زادگاهش به تدریس اشتغال داشت. سپس به تهران منتقل گردید و در پژوهشکدهٔ فرهنگ ایران[۱] به تدریس پرداخت. پس از آن به عنوان محقق در کتابخانهٔ ملی و بنیاد فرهنگ مشغول به کار شد. مدتی نیز رایزن فرهنگی ایران در افغانستان بود.

سید حسین خدیوجم سال‌هایی از عمر خود را به تحقیق و مطالعه در کتابخانه‌های مختلف دنیا، به‌ویژه کشورهای عربی گذراند.

از استاد خدیوجم بیش از سی جلد کتاب در زمینهٔ تحقیق و تصحیح و ترجمه به جا مانده است. وی از محققان آثار غزالی در ایران بود و مهم‌ترین اثرش در این باره تصحیح و ترجمهٔ ***احیاء علوم‌الدین*** غزالی است در هشت جلد که برای آن پانزده سال عمر صرف نمود.

از آثار اوست: تصحیح ***کیمیای سعادت*** (در دو جلد)، ***جواهر القرآن*** و ***وجد و سماع*** (از امام محمد غزالی)؛ تصحیح ***حقایق الاخبار ناصری*** (تألیف محمد جعفر خورموجی)؛ ***احیاء علوم الدین غزالی*** (ترجمهٔ مؤیدالدین محمد خوارزمی، در هشت مجلد، ۱۳۵۱ ــ ۱۳۵۹)؛ ترجمهٔ ***احصاء العلوم*** (ابونصر فارابی، ۱۳۴۸)؛ ترجمهٔ ***آن روزها*** (ترجمهٔ کتاب ***الایام*** اثر طه حسین، ۱۳۴۸)؛ ***عقاید فلسفی ابوالعلاء فیلسوف معره*** (از عمر فروخ، ۱۳۴۲)؛ ***هم‌آهنگی مردم*** (از احمد بن ابی یعقوب اسحاق یعقوبی، ۱۳۴۳)؛ ***استخراج آب‌های پنهانی*** (از ابوبکر محمد بن الحسن الحاسب الکرجی، ۱۳۴۵)؛ ***روز مادر*** (با همکاری مهستی بحرینی، ۱۳۴۲)؛ ***گفت و شنودی فلسفی در زندان ابوالعلاء معری*** (از طه حسین، ۱۳۴۴)؛ کوشش در چاپ کتاب ***روضهٔ خلد*** (از مجدالدین خوافی و به تصحیح مهدی فرخ، ۱۳۴۵)؛ ***کتاب از نظر شاعران و نویسندگان*** (۱۳۴۵)؛ ***روش صحیح نسخه‌های خطی*** (از صلاح‌الدین المنجد، ۱۳۴۶)؛ ***مفاتیح العلوم*** (از ابوعبدالله محمد بن یوسف کاتب خوارزمی، ۱۳۴۶)؛ ***جبر و مقابله*** (از محمد بن موسی خوارزمی (۱۳۴۸)؛ ***مسیر طالبی یا سفرنامهٔ ابوطالب خان اصفهانی*** (۱۳۵۲)؛ ***معجم شاهنامه*** (تألیف محمد بن الرضا بن محمد العلوی الطوسی، ۱۳۵۳)؛ ***واژه‌نامهٔ حافظ*** (۱۳۵۹)؛ وی همچنین در چاپ کتاب ***هفتاد سالگی فرخ*** در سال ۱۳۴۴ با مجتبی مینوی همکاری داشت.

خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۴۰ آغاز کرد و با نشریه‌های «سخن»، «نگین» و «راهنمای کتاب» همکاری داشت. به عربی، انگلیسی و تا حدودی فرانسوی نیز آشنا بود و به بیشتر کشورهای اروپایی و عربی و شمال آفریقا سفر کرد.

حسین خدیو جم در مشهد درگذشت و پیکرش در کنار بقعه‌ای که مشهور به گور غزالی است به خاک سپرده شد.

منابع: کیهان فرهنگی، س.۳، ش.۷ (مهر ۱۳۶۵)، ص. ۴۲. «حسین خدیوجم»، آینده، س.۱۲، ص. ۸۱۹ــ۸۲۲. *تذکرهٔ شعرای یزد* / عباس فتوحی یزدی، چاپ دوم، ص. ۴۱۵. *چهرهٔ مطبوعات معاصر* / غلامحسین صالحیار، ص. ۱۵۴.

۱. این پژوهشکده در سال ۱۳۴۹ تأسیس می‌شود و ده سال بعد در سال ۱۳۵۹ در مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی ادغام می‌شود. در سال ۱۳۶۳ این مجتمع به دانشگاه علامه طباطبایی می‌پیوندد.

شاعر

تولد ۱۳۰۸، اصفهان.

درگذشت ۱۹ مرداد ۱۳۶۰، تهران.

مصطفی خلیفه سلطانی مشهور به «خلیل سامانی» متخلص به «موج»، فرزند شکرالله، پس از پایان

تحصیلات ابتدایی و متوسطه (با گرفتن دیپلم ادبی) در اصفهان به کارهایی چاپی و مطبوعاتی پرداخت.

آثار وی از سال ۱۳۲۴ در جراید اصفهان از قبیل «نقش جهان»، «پرخاش»، «آژنگ»، «حیات اصفهان» و همچنین در مجلهٔ «چهره‌نما» چاپ مصر انتشار یافت. از سال ۱۳۲۵ در انجمن ادبی اصفهان که به ریاست میرزا عباس شیدا تشکیل می‌شد شرکت می‌کرد و در سال‌های بعد عضو انجمن ادبی کمال‌الدین اصفهانی بود، از آن پس به تهران عزیمت کرد و رحل اقامت افکند.

«موج» از سال ۱۳۲۷ به سرودن اشعار اجتماعی پرداخت و آثارش در نشریه‌های «به سوی آینده»، «مصلحت»، «انتقاد»، «چلنگر»، «شب‌چراغ»، «جوانان دموکرات»، «فردای پیروز» و نظایر آن منتشر گردید و در سال‌های بعد با مجلهٔ «امید ایران» همکاری می‌کرد و آثار خود را با امضاهای مستعار (م ـ خ)، (ح و میم)، (میم ح)، (خ سین)، (خ ـ سام)، (مغ)، (مصطفی)، (میمخا)، (م ـ ن)، (مخ)، (جان هرو) و خلیل سامانی در مطبوعات انتشار داد.

وی در بهمن ۱۳۲۷ به زندان افتاد و تا پایان سال ۱۳۳۰ در زندان بود. مصطفی خلیفه سلطانی پس از رهایی از زندانِ اصفهان به تهران آمد.

در سال ۱۳۳۰ همراه با قیام سی‌تیر که مجسمهٔ شاه را در پارک شهر سرنگون کردند، سامانی شعری با ردیف «ای مجسمه» سرود و در روزنامهٔ «افراشته» چاپ کرد. از این زمان تا مرداد ۱۳۳۲ همچنان فعالیت مطبوعاتی خود را ادامه داد. وی ستون‌های اختصاصی داشت: «ناخنک از آثار دیگران»، ستونی بود که هر هفته «موج» در آن اثر معروفی از شاعری معروف را تضمین می‌کرد و مسایل سیاسی روز را با زبان طنز مطرح می‌ساخت. «کوچه باغ سیاسی» نیز ستون دیگری بود که هر هفته مسایل روز را در آن طرح می‌کرد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به‌تدریج فعالیت مطبوعاتی خود را دوباره شروع کرد. در این دوران گاهی با نام «برج» مطالب خود را امضا می‌نمود. طی این مدت با نشریه‌هایی از جمله «امید ایران»، «خواندنیها»، «یغما» و «ارمغان» همکاری داشت. در مجلهٔ «امید ایران» در سال‌های ۱۳۳۵ یا ۱۳۳۶ کار تنظیم ضمیمه از شعرهای شاعران جوان را بر عهده داشت. در همین خلال در ادارهٔ برق تهران استخدام شد و در سال‌های آخر خدمت رییس کتابخانهٔ شرکت برق منطقه‌ای تهران بود. کار انتشار نشریهٔ «باغ صائب» مدت ۲۲ سال یعنی تا سال مرگ وی در ۲۶۹ شماره با در برداشتن آثار بیش از پانصد شاعر ادامه یافت. مدت‌ها نیز مسئولیت قسمت ادبی هفته‌نامهٔ «نقش جهان» را که به مدیریت محمد میرصادقی در تهران انتشار می‌یافت به عهده داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با همکاری چند تن از دوستان شاعرش به انتشار روزنامهٔ فکاهی «دوره‌گرد» پرداخت. این روزنامه بیش از شش شماره منتشر نشد.

«موج» در قالب‌های متنوع کار کرده است، اما در طنز نیز سال‌ها کار کرده است. «موج» در غزل پیرو شیوهٔ صائب تبریزی است.

کتاب‌های زیر را نیز تألیف و چاپ کرد: ***گویندگان***، آثار ۲۸ شاعر؛ ***اقتراح مطروحهٔ انجمن ادبی صائب***؛ ***دویست شاعر*** (در سه جلد و آثار ششصد شاعر)؛ داستان منظوم ***رنگ‌ها*** (تقدیم به چهارمین فستیوال جهانی جوانان، تیر ۱۳۳۲)؛ داستان منظوم ***بیژن و منیژه*** (مهر ۱۳۳۳)؛ داستان ***ملانصرالدین در انگلستان*** (منظوم، تیر ۱۳۳۴)؛ ***یتیم*** (مجموعهٔ قطعات)؛ ***عید*** (منتخب اشعار عاشقانه، اسفند ۱۳۳۵)؛ ***شب شاعر*** (مجموعه شعر، مهر ۱۳۳۶)؛ ***فریاد زندگی*** (مجموعهٔ شعر، مهر ۱۳۳۶)؛ ***پنجاه و سه مثنوی*** (خرداد ۱۳۵۵)؛ ***در زیر تیغ دژخیم*** (مجموعهٔ شعر،

بهمن ۱۳۵۸)؛ ***شعرنامهٔ دوره‌گرد*** (با همکاری گروهی از شعرا: ۱۳۵۷ ــ ۱۳۵۸).

ضمناً مجموعه اشعار «موج» به خط تاجیکی از سوی انتشارات «عرفان» در تاجیکستان با ویرایش شاعر تاجیک، میر سعید میر شکر، به چاپ رسیده است.

مصطفی خلیفه سلطانی سرانجام در نوزدهم مرداد سال ۱۳۶۰ به‌سبب حملهٔ قلبی در تهران زندگی را به‌درود گفت. آرامگاه وی در امامزاده عبدالله واقع است.

*منابع: **فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز**/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۵۳۵. **چهرهٔ مطبوعات معاصر**/ غلامحسین صالحیار، ص. ۱۵۷. **سخنوران نامی معاصر ایران، جلد پنجم**/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۳۴۴۰ـ۳۴۴۱. **سیمای شاعران**/ حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۳۵۶. **خلوت انس**/ مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، چاپ اول، ص. ۳۹۳ ــ ۳۹۴. **یادنامهٔ موج (خلیل سامانی)**/ به کوشش سپیدهٔ سامانی، چاپ اول.*

خلیلیان، علی ۱۵۷

شاعر

تولد ۱۲۷۸ (۱۳۱۷ ق.)، اصفهان.[۱]

درگذشت ۱۳۷۱، اصفهان.

علی خلیلیان متخلص به «رجاء» یا «رجاء اصفهانی»، فرزند عبدالمحمود، در کودکی به مکتب رفت و خواندن و نوشتن و تعلیم قرآن را فرا گرفت. آنگاه به کار بافندگی پارچه و خرید و فروش ریسمان اشتغال ورزید و از این رهگذر معیشت کرد.

خلیلیان از سی سالگی به شعر و شاعری پرداخت و در انجمن‌های ادبی شهر خود، مانند: انجمن ادبی شیدا، انجمن ادبی کمال، انجمن ادبی سعدی و انجمن ادبی صائب شرکت جست و از محضر اساتید شعر و ادب چون «شیدا»، «صغیر اصفهانی»، «گلزار»، «غمگین»، «شکیب» و «فایض» کسب فیض کرد.

«رجاء» شاعری مذهبی بود و اشعارش بیشتر اندرزگونه و در مدح ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام است. از آثار اوست: ***مناقب‌الائمه، مثنوی‌نامه، دیوان اشعار، گلچین رجاء زفره.***

«رجاء» در سال ۱۳۷۱ چشم از جهان فرو بست و در باغ رضوان در قطعهٔ مقبرةالشعرای اصفهان به خاک سپرده شد.

*منابع: **سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوم**/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۴۸۱. **زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ــ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد سوم، (ج ــ ژ)**/ حسن مرسلوند، ص. ۱۵۵.*

خوشدل تهرانی، علی‌اکبر ۱۵۸

شاعر

تولد ۹ تیر ۱۲۹۳ (۸ شوال ۱۳۳۲ ق.)، تهران.

درگذشت ۲ مهر ۱۳۶۵، تهران.

علی اکبر خوشدل، فرزند حاج رحیم صلح‌خواه، تحصیلات متوسطه را در مدرسهٔ ثروت (ایرانشهر) به پایان آورد و علوم قدیمه را از صرف و نحو و فقه و اصول و معانی بیان و بدیع را در مدرسهٔ مروی به انجام رسانید. یک دوره کتاب ***مطول*** تفتازانی و ***مغنی*** ابن هشام را در محضر آقا شیخ علی رشتی به انجام آورد و همچنین روزگاری را در اصفهان و شیراز به تحصیل حکمت و منطق پرداخت.

علی اکبر خوشدل در غزل و قصیده و قطعه و مثنوی شعر می‌سرود و در غزل به شیوهٔ صائب معتقد بود. ***دیوان*** کامل وی، چند روزی پیش از وفاتش در ۸۲۰ صفحه منتشر شد. از آثار دیگر اوست: ***دیوان***

۱. در برخی از منابع تاریخ تولد علی خلیلیان ۱۲۷۶ آمده است.

غزلیات (جزء اول، ۱۳۵۶ ق.)؛ دیوان منتخبات (۱۳۳۲)؛ ***عمدة الاسرار*** (مجموعه شعر، ۱۳۵۶ ق.)؛ ***گلشن خوشدل*** (مجموعه شعر، ۱۳۶۵ ق.).

پیکر علی اکبر خوشدل در آستانهٔ شیخ صدوق (ابن‌بابویه) به خاک سپرده شد.

منابع: حسین آهی، «استاد خوشدل تهرانی درگذشت»، کیهان فرهنگی، س. ۷، ش. ۷ (مهر ۱۳۶۵)، ص. ۴۱ ـ ۴۲. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۵۰۵.

۱۵۹ خیام‌پور، عبدالرسول

ادیب

تولد ۱۲۷۷، (۱۳۱۶ ق.) تبریز.
درگذشت ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، تهران[۱].

عبدالرسول خیام‌پور، فرزند محمد تاهباز، پس از تحصیلات مقدماتی به تهران عازم و در سال ۱۳۰۶ به اخذ گواهینامه از دورهٔ ادبی مدرسهٔ دارالفنون نایل آمد. پس از سه سال خدمت دبیری در دبیرستان شاهپور اهواز در تهران وارد دانشسرای عالی شد و در فلسفه و ادبیات لیسانس گرفت. چون در امتحانات رشتهٔ مزبور درجهٔ اول را حائز شد، به دریافت یک قطعه نشان علمی درجهٔ اول نایل گردید. پس از آن به سمت دبیری منصوب گردید و بعداً عهده‌دار مشاغل زیر شد: متصدی و مدیر دفتر دانشکدهٔ معقول و منقول؛ مدیر دبستان ایرانیان در استانبول از سال ۱۳۱۶ الی ۱۳۲۵ (در این مسافرت پس از چهار سال تحصیل در دانشکدهٔ ادبیات از شعبهٔ ترمولوژی استانبول لیسانسیه شد و در تیر ۱۳۲۵ به ایران بازگشت)؛ معلم دستور ادبی و فلسفه در رشت؛ استاد رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی در دانشکدهٔ ادبیات تبریز از مهر ۱۳۲۶؛ وی همچنین به معاونت دانشکدهٔ ادبیات رسید. وی در خرداد ۱۳۲۹ نیز به ریاست کتابخانهٔ دانشکده نیز منصوب شد. در پانزدهم تیر ۱۳۴۸ بازنشسته شد و با توجه به موقعیت علمی ایشان، به پیشنهاد دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی و تصویب دانشگاه تبریز از تاریخ دهم دی ۱۳۴۸ به مقام استادی ممتاز نایل آمد.

دکتر عبدالرسول خیام‌پور در شهریور ۱۳۴۹ به تهران نقل مکان کرد و از آن پس به جز یک سالی که در یکی از مدارس عالی تهران به تدریس اشتغال داشت، تمام وقت خود را صرف تکمیل کتاب ***فرهنگ سخنوران*** (تبریز، ۱۳۴۰؛ تهران، ۱۳۶۸، ۱۳۷۲) کرد و در سال‌های آخر عمر به علت بیماری از هر گونه فعالیت فرهنگی نیز محروم شد.

فهرست آثار چاپ شدهٔ وی به شرح زیر است: ***مجمع‌الخواص*** (به قلم صادق افشار، ترجمه از ترکی جغتایی به فارسی، ۱۳۲۷)؛ ***رسالهٔ عربی برای فارسی*** (اقتباس و ترجمه از المنجد، ۱۳۳۶)؛ ***دستور زبان فارسی*** (۱۳۳۳؛ این کتاب بکرات به چاپ رسیده است)؛ ***یوسف و زلیخا*** (۱۳۳۹)؛ ***فرهنگ سخنوران*** (۱۳۴۰)؛ ***نگارستان دارا*** (تألیف عبدالرزاق دنبلی، ۱۳۴۲)؛ ***ریاض‌الوفاق*** (تألیف ذوالفقار علی، ۱۳۴۳)؛ ***تذکرهٔ اختر*** (تألیف احمد گرجی، ۱۳۴۳)؛ ***مصطبه خراب*** (به قلم احمد قاجار، ۱۳۴۴)؛ ***حدیقهٔ امان‌اللّهی*** (نوشتهٔ میرزا عبدالله سنندجی، ۱۳۴۴)؛ ***تذکرهٔ روضة‌السلاطین*** (به قلم محمد بن امیری فخری هروی، ۱۳۴۵)؛ ***سفینة المحمود*** (نوشتهٔ محمود میرزا قاجار، ۱۳۴۶)؛ جزوه‌ای تحت نام ***شیوهٔ انتقاد در مجلهٔ راهنمای کتاب*** (آذر ۱۳۳۹)؛ ***حالات اسم در فارسی امروزی*** (۱۳۳۲)؛ ***خاقانی شروانی*** (۱۳۲۷). وی همچنین سلسله مقالاتی تحت عنوان «غلط مشهور» تحریر کرده است که در سیزده شماره از شماره‌های سال اول و دوم نشریهٔ «دانشکدهٔ

۱. در برخی منابع تاریخ فوت وی ۷ فروردین ۱۳۵۸ ذکر شده است.

ادبیات تبریز» به چاپ رسیده است.

منابع: یاد یاران (گلگشت یاد یاران) / دکتر مهدی روشن ضمیر، ص. ۳۱۱ـ۳۱۷. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۸۴۷ـ۸۴۹. ***چهره‌های آشنا*** / حسین قریشی، ص.۲۱۳. ***زندگینامه رجال و مشاهیر ایران، جلد دوم*** / حسن مرسلوند، ص.۲۴۷ـ۲۴۸.

مدرس

تولد ۱۲۹۷، همدان.

درگذشت ۱۳۷۲، تهران.

مهدی درخشان بعد از اتمام تحصیلات متوسطه و اخذ مدارک کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۳۲، موفق به اخذ مدرک دکتری در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۴ گردید. وی پس از گذراندن رتبه‌های استادیاری و دانشیاری دانشگاه تهران، در سال ۱۳۴۹ به مرتبهٔ استادی به دانشگاه تهران ارتقا یافت. دکتر درخشان در تمام دوران خدمت خود به تحقیق و تدریس در دانشگاه‌های تهران و آنکارا پرداخت و دانشجویانی را تربیت نمود. از وی یازده جلد کتاب در زمینه‌های زبان فارسی، بزرگان و سخن‌سرایان و معارف اسلامی به یادگار مانده است. همچنین از ایشان حدود سی مقاله به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجلات داخلی (ماهنامه‌های «آموزش و پرورش» و «کیهان فرهنگی»، نشریهٔ «دانشکده ادبیات و علوم انسانی»، روزنامه‌های «کیهان» و «اطلاعات») و خارجی در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است. از جمله کتاب‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تصحیح ***دیوان ناصر بخارایی؛ دیوان اشعار کسایی مروزی؛ در بارهٔ زبان فارسی؛ بزرگان و سخنسرایان همدان*** (جلد اول، ۱۳۴۱؛ این کتاب به صورت دو جلدی در سال ۱۳۷۴ چاپ شده است).

منابع: مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی / خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۳۹۷. «دکتر مهدی درخشان»، آینده، س. ۱۹، ص. ۸۴۲.

مؤلف

تولد ۱۲۷۴، کربلا.[۱]

درگذشت دی ۱۳۶۰.

علی دشتی، فرزند شیخ عبدالحسین دشتستانی، ابتدا در مدرسهٔ حسینی ایرانیان در کربلا به تحصیل مشغول شد و در سال ۱۲۹۸ به ایران آمد. ابتدا در بوشهر بود و سپس به شیراز رفت. به‌واسطهٔ نوشتن مقاله‌ای در روزنامهٔ «فارس»، مجبور شد به منزل عبدالحسین میرزا فرمانفرما (والی فارس) پناه جوید. به اصفهان رفت و از آنجا راهی تهران شد. در آنجا ابتدا روزنامهٔ «شفق سرخ» را به سردبیری مایل تویسرکانی در تهران منتشر می‌کرد (اولین شمارهٔ آن در تاریخ یازدهم اسفند ۱۳۰۰ چاپ شد). هر چند این روزنامه پس از چندی تعطیل شد ولی اولین بار با انتشار آن بود که به کار نویسندگی پرداخت و مدتی با امضای مستعار «نویسندهٔ مجهول» داستان‌ها و مقالاتی در روزنامه‌ها و مجله‌ها و از جمله «بهار» انتشار داد که اغلب آن داستان‌ها و مقالات اجتماعی به صورت کتاب در آمده و جداگانه طبع شده است.

۱. در ***گلزار معانی*** تاریخ تولد ایشان ۱۲۷۳ آمده است. در مقالهٔ جریدهٔ «آینده» نیز محل تولد وی «دشستان» ذکر شده است. ضمناً در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** نیز تاریخ تولد علی دشتی به این صورت درج شده است: «۱۲۷۲؟».

علی دشتی چند دوره نمایندهٔ مجلس شورای ملی و مجلس سنا از شهرهای بوشهر و تهران بود. در هنگام نمایندگی مجلس، چند بار به زندان افکنده شد. هنگام به قدرت رسیدن رضا شاه مدتی در محبس بود و به کرمانشاه تبعید شد و کتاب *ایام محبس* را در همین زندان نوشته است.

در این دوران دشتی بیشتر منزوی و به نوشتن مشغول بود. پس از شهریور ۱۳۲۰ بار دیگر به نمایندگی مجلس شورای ملی رسید. وی همچنین مدتی سفیر کبیر ایران در مصر بود. آثار داستانی‌اش منعکس‌کنندهٔ آرزوهای طبقات مرفه ایران است. *ایام محبس* (۱۳۰۱) خاطرات حبس کوتاه‌مدت او در زمان کودتای ۱۲۹۹ است. در مجموعه داستان‌های **فتنه** (۱۳۲۲)، **هندو** (۱۳۳۱)، **جادو** (۱۳۳۰) به زندگی زنان ثروتمند با رنگ و لعاب‌های روانشناسانه می‌پردازد. تحقیقاتی نیز در مورد ادبیات کلاسیک ایران داشت. کتاب‌های دیگر او در این زمینه عبارتند از: **سایه** (مجموعه مقالات ادبی و اجتماعی، ۱۳۲۵)؛ ***سیری در دیوان شمس*** (۱۳۳۷)؛ ***نقشی از حافظ*** (۱۳۳۶)؛ ***دمی با خیام*** (این کتاب توسط الول ساتن به انگلیسی ترجمه و نشر شده است)؛ ***در قلمروی سعدی*** (۱۳۳۹)؛ ***شاعری دیر آشنا*** (۱۳۴۰). از آثار دیگر او می‌توان از این عنوان‌ها نام برد: ***اعتماد به نفس*** (اثر ساموئل اسمایلز، ترجمه از متن عربی، ۱۳۰۵)؛ ***راز تفوق انگلوساکسون***[1] (اثر ادمون فرانسوی، ترجمه از متن عربی، ۱۳۰۳)؛ ***تطور ملل*** (ترجمه از فرانسوی، ۱۳۰۲)؛ ***نوامیس روحیهٔ تطور ملل*** (گوستاو لوبون، ترجمه از متن عربی، ۱۳۰۲)؛ ***پاریس ۶ ــ پلنگ*** (۱۳۳۰)؛ ***نگاهی به صائب*** (۱۳۵۳)؛ ***پردهٔ پندار*** (کتابی در بارهٔ تصوف، ۱۳۵۳)؛ ***عقلا بر خلاف عقل*** (بیشتر کتاب در بارهٔ امام محمد غزالی است، ۱۳۵۴)؛ ***در دیار صوفیان*** (دنبالهٔ پردهٔ پندار، ۱۳۵۴)؛ ***کاخ ابداع، اندیشه‌های گوناگون حافظ*** (۱۳۵۵)؛ ***پنجاه و پنج*** (۱۳۵۵).

منابع: فرهنگ داستان‌نویسان ایران/ حسن عابدینی، ص. ۷۹. ***چهره‌های آشنا، شامل شرح حال و آثار چهل تن از هنرمندان برجستهٔ ایران از شش شعبهٔ هنرهای مستظرفه***/ جلال میزبان، جلد اوّل، ص. ۶. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر***/ غلامحسین صالحیار، ص. ۱۹. ***سیر سخن، شامل شرح احوال معروف‌ترین نویسندگان و شاعران ایران***/ احمد احدی، حسین رزمجو، ص. ۲۲۳ ــ ۲۲۴. ***گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوّم***/ گردآورنده احمد گلچین معانی، ص. ۲۵۹ ــ ۲۶۳. ***دانشمندان و سخن‌سرایان فارس***/ محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت»، جلد دوم، ص. ۵۴۶ ــ ۵۴۹. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۲۳۳ ــ ۲۳۶. ***تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد سوم***/ محمد صدرهاشمی، ص. ــ ۷۹. «علی دشتی»، آینده، س. ۷، ص. ۹۳۷ ــ ۹۳۸. تولایی تهرانی، مهرزاد، «جستاری در افکار و اندیشه‌های علی دشتی»، کیهان فرهنگی، س. ۴، ش. ۱۳۵ (شهریور ۱۳۷۶)، ص. ۴۰ ــ ۴۳.

دولت آبادی، حسام‌الدین ۱۶۲

شاعر

تولد ۱۲۸۲ (۱۳۲۱ ق.)، تهران[2].

درگذشت اسفند ۱۳۶۴، تهران.

حسام‌الدین دولت‌آبادی با نام اصلی عبدالحسین متخلص به «حسام»، فرزند حاجی میرزا مهدی نوهٔ حاجی میرزا هادی مجتهد بود. وی تحصیلات خود را در تهران و اصفهان به پایان رسانید و وارد خدمت

---

۱. در کتاب *دانشمندان و سخن‌سرایان فارس*، جلد دوم، نام این اثر به این صورت آمده است: ***سر تفوق انگلوساکسون***؛ در منابع دیگر به این صورت درج گردیده است: ***تفوق انگلوساکسون مربوط به چیست***.

۲. در *سخنوران نامی معاصر ایران* و در مقالهٔ مجلهٔ «آینده» آمده است که حسام‌الدین دولت‌آبادی متولد اصفهان است.

دولتی گردید. مدتی در اصفهان ریاست ادارهٔ اوقاف و زمانی مدیریت دبیرستان صارمیه را بر عهده داشت. در دورهٔ چهاردهم و هیجدهم مجلس شورای ملی نمایندهٔ اصفهان بود و چندی نیز شهردار تهران بود.

«حسام» بعدها بازنشسته شد. نمونهٔ اشعار او **نگین سخن** آمده است.

حسام‌الدین دولت‌آبادی در اسفند سال ۱۳۶۴ در تهران زندگی را به‌درود گفت.

منابع : فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۱۶۸. *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد دوّم/* سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۱۲۶. «حسام‌الدین دولت‌آبادی»، آینده، س. ۱۳، ص. ۲۸۱.

۱۶۳ دهگان، ابراهیم

ادیب، محقق

تولد ۱۳۰۷ ق.، روستای مرزجران اراک.

درگذشت ۲۵ مرداد ۱۳۶۳.

ابراهیم دهگان، فرزند غلامعلی، در سال‌های کودکی نوشتن و خواندن را در مکتب‌خانهٔ روستا فرا گرفت و تا اوایل جوانی به کشت و کار مشغول بود. تا حدود جنگ بین‌الملل اول در آن روستا زندگی کرد تا اینکه در آغاز جنگ به سربازی رفت. سپس به مدرسهٔ آقا ضیاءالدین اراک رفت و در سلک طلاب وارد گردید و تا سال ۱۳۴۷ ق. به تحصیلات خود ادامه داد و بعد از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۷ به کار تعلیم اشتغال داشت. در ضمن به کار تحقیق نیز پرداخت و مطالبی تدوین نمود که پاره‌ای از آنها چاپ شده است. در سال ۱۳۰۷ به خدمت فرهنگ درآمد و به کار آموزش روی آورد. رشتهٔ تحصیلی وی، علوم قدیمه بود که آن را در محضر استادانی چون آیت‌الله ضیاءالدین اراکی و آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی فرا گرفته بود. اما احاطهٔ او در رشته‌هایی چون تاریخ، جغرافیا، ادبیات فارسی و عربی، لغت‌شناسی و دیگر رشته‌های علوم انسانی، صرفاً به واسطهٔ مطالعهٔ شخصی خودش بود و نزد استادی تعلیم ندیده بود. وی کمابیش در این رشته‌ها صاحب بیست جلد تألیف بود. زمینهٔ کار وی بیشتر تاریخ و جغرافیا بود و بیشتر آثاری که از او به یادگار مانده است در همین زمینه است. وی همچنین به گردآوری کتب خطی اهتمام می‌ورزید. وقتی درگذشت، فرزندانش کتاب‌های وی را که حدود ۲۵۰۰ جلد کتاب چاپی و کمابیش ۲۵۰ جلد نسخهٔ دستنویس خطی نفیس بود به کتابخانهٔ ملی اراک اهدا کردند. عمده‌ترین تألیفات وی به این شرح است: ***تاریخ اراک*** (دو جلد، اراک، جلد اول، ۱۳۲۹، جلد دوم، ۱۳۳۰)؛ تصحیح و تحشیهٔ ***عباسنامه*** (تألیف محمد طاهر قزوینی، اراک، ۱۳۲۹)؛ ***نور مبین*** (در تاریخ مهاجرت مؤلف، از حجت‌الاسلام نورالدین عراقی، ترجمه از عربی به فارسی یا الحاقات؛ اراک، ۱۳۳۲)؛ تصحیح و تحشیه ***تاریخ صفویان*** (اقتباس از خلاصة‌التواریخ و تاریخ ملاکمال، اراک، ۱۳۳۲)؛ تصحیح و تحشیه ***تاریخ الدخانیه*** (یا قرارداد رژی، از شیخ حسن کربلایی، ۱۳۳۳)؛ ***ملخص تاریخ نو*** (از سلطان یعقوب خان انجدانی معاصر عباس میرزا، اراک، ۱۳۳۲)؛ جمع‌آوری رباعیات بابا طاهر عریان؛ ***تاریخ ارمنستان*** (از موسی خورون، ترجمه آواساپیان، نگارش ابراهیم دهگان، اراک، ۱۳۳۱)؛ ***گزارش‌نامه یا فقه‌اللغهٔ اسامی امکنه*** (در مطلع کتاب گرجنامه یا تاریخ آستانه، اراک، ۱۳۴۲)؛ ***سازمان فرهنگ اراک و شرح حال ده تن از مردان نامی اراک*** (اراک، ۱۳۳۹)؛ ***کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک*** (تاریخ انجدان، سادات اسمعیلیه و فهرست‌وار وقایع شهرستان اراک از ۱۲۷۱ تا به عصر حاضر، اراک، ۱۳۴۵).

برخی از مطالب به چاپ نرسیدهٔ وی به این شرح هستند: ***اشعار محلی اراک***؛ ***گندآوران اراک***؛

چشمه‌های اراک (بخشی از آن در مجلهٔ «روشندل» به مدیریت دکتر محمد خزائلی به چاپ رسیده است)؛ **کیسهٔ کرفه** (شامل هزار مطلب علمی، ادبی، لغوی، اجتماعی، تاریخی و جغرافیایی).

منابع: «درگذشت استاد ابراهیم دهگان»، راه دانش، ش. ۲ ـ ۱، ش. مسلسل ۱ (بهار و تابستان ۱۳۷۴)، ص. ۳۵۷ ـ ۳۶۵. «ابراهیم دهگان»، آینده، س. ۱۰، ص. ۶۱۰ ـ ۶۱۱.

شاعر

تولد دی ۱۳۰۳، همدان.

درگذشت ۶ بهمن ۱۳۶۹.[۱]

مهدی دیجوریان متخلص به «دیجور»، فرزند حسین، از پنج سالگی چند ماهی به مکتب‌خانه رفت و پس از فراگیری مقدمات به دبستان محمودیه و پس از آن به دبستان شرافت رفت و تا سوم متوسطه را در دبیرستان زنگنه طی کرد. از آن سال از ادامهٔ تحصیل بازماند و به کار در بازار پرداخت ولی همواره به ادبیات فارسی به‌خصوص به شعر علاقه داشت و به مطالعهٔ دیوان‌های شاعران اهتمام ورزید.

از سال ۱۳۳۰ به نظم شعر پرداخت و در محافل ادبی شرکت جست و از مصاحبت شخصیت‌های ادبی و استادان شعر و ادب شهر خود کسب فیض کرد، به‌ویژه از محضر سید حسن مدنی صفاءالحق (صفای همدانی) بهره‌ها اندوخت. وی از فعالان انجمن ادبی میلاد همدان بود. دیجور بیشتر غزل می‌گفت و در شعر سبک هندی را برگزید و شعر صائب را بیشتر از اساتید دیگر می‌پسندید.

از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: تدوین غزلیات مرحوم سید حسن مدنی: *صفا الحق* (غزلیاتی در سبک هندی)؛ تدوین و نگارش چند مقاله دربارهٔ حافظ.

منابع: «تنها خداست که می‌ماند، به یاد شاعر دردمند دامنه‌های الوند، استاد مهدی دیجوریان»، ایران، س. ۲، ش. ۲۹۷ (۱۴ بهمن ۱۳۷۴)، ص. ۱۲. ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد دوّم***/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۳۹۶. ***خلوت انس***/ مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، چاپ اوّل، ص. ۱۶۳ ـ ۱۶۴. ***بزرگان و سخن‌سرایان همدان، جلد دوّم***/ دکتر مهدی درخشان، ص. ۲۹۷.

شاعر

تولد ۱۲۸۹، استهبان.

درگذشت ۵ دی ۱۳۶۷، تهران.

حبیب‌الله ذوالقدر متخلص به «تابناک» پس از گذراندن دوران ابتدایی و متوسطه به معلمی در شیراز پرداخت و سال‌ها در ادارهٔ فرهنگ خدمت کرد و همچنین مدتی معاون محمد رضا حقیقی در امور اوقاف بود.

ذوالقدر دارای طبع شعر بود و بیشتر به «اخوانیات» و سرودن شعرهای وطنی و ملی علاقه‌مند بود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ به روزنامه‌نگاری پرداخت. ابتدا سردبیری روزنامهٔ «جهان‌نما» را به عهده داشت. در سال ۱۳۲۸ امتیاز روزنامهٔ «شبیخون» را گرفت و مدتی آن را انتشار داد. مدتی نیز در کار انتشار روزنامهٔ «هنگامهٔ امروز» بود. با این که بارها دستگیر شد ولی به فعالیت خود در جریان ملی شدن صنعت نفت ادامه داد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از طرف فرمانداری نظامی مورد تعقیب بود و پس از مدتی دستگیر شد و به

۱. در کتاب ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد دوّم*** تاریخ درگذشت وی ۱۳۷۰ ذکر شده است.

زندان افتاد. با آزاد شدن از زندان، به تهران آمد. بار دیگر در سال ۱۳۴۱ با عده‌ای از هم‌فکرانش دستگیر شد و به زندان افتاد. حبیب‌الله ذوالقدر در جلسات شب‌های شیراز شرکت می‌کرد.

منابع : انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)/ حسن امداد، چاپ اوّل، ص. ۳۸۵ـ۳۸۷. افشار، ایرج، «حبیب‌الله ذوالقدر (تابناک)»، آینده، س. ۱۵، ص. ۶۱۲ـ ۶۱۴.

رزاقی، تقی ۱۶۶

شاعر

تولد ۱۲۹۶، قم.

درگذشت ۱۳۶۹، تهران.

تقی رزاقی، فرزند حاج مهدی کاشانی، تحصیلات ابتدایی را در دبستان رضاییه قم آغاز کرد و در سال ۱۳۰۹ پایان‌نامهٔ دورهٔ ابتدایی را گرفت و تحصیلات متوسطه را در خراسان به انجام رسانید و زبان انگلیسی را نزد پرفسور مولوی هندی فرا گرفت.

رزاقی از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۴ کارمند شرکت چاپخانهٔ خراسان بود. از آن پس به زادگاه خود بازگشت و دفتریار دفتر رسمی شماره یک قم شد و در سال ۱۳۱۶ که شرکت چاپخانهٔ قم را به سرمایه دایی و پسرعموی خود و سه نفر دیگر دایر کرد، خود مدیریت آن را به عهده گرفت. در سال ۱۳۱۷ به خدمت نظام وظیفه رفت و در تیرماه ۱۳۱۹ در بانک کارگشایی استخدام شد و از آن جا به بانک ملی ایران منتقل گردید و در شعبهٔ تجریش مشغول به کار شد.

رزاقی از شعرایی است که با تنی از شعرای جوان، انجمن ادبی قم را به ریاست محمود تندری، متخلص به «شیوا» تشکیل دادند و این انجمن تا زمان حیات تندری همچنان پا بر جا بود و ***دیوان تندری*** به سعی و کوشش وی چاپ و نشر شد.

رزاقی شاعری توانا بود و در ساختن انواع شعر فعالیت می‌کرد، به‌خصوص در سرودن ماده تاریخ توانایی نشان داده است. در سال ۱۳۱۶ ترجیع‌بند هاتف اصفهانی را تخمیس کرد و به نام ***یکتانامه*** طبع و نشر شد.

منابع : سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۵۱۸. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۲۱۹ ـ ۲۲۰.

رستگار، محمد ابراهیم ۱۶۷

شاعر

تولد ۱۳۰۶، کازرون.

درگذشت ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۹، آمریکا.

محمد ابراهیم رستگار، فرزند محمد، دوره‌های ابتدایی و متوسطه را در کازرون و شیراز و تحصیلات عالیه را در انگلستان در رشتهٔ نفت گذرانید و پس از بازگشت به ایران چند سال در شرکت نفت آبادان کار کرد و سپس سال‌ها تا زمان بازنشستگی عضو عالی‌رتبهٔ آن شرکت در کارخانهٔ کود شیمیایی فارس بود.

محمد ابراهیم رستگار از بنیانگذاران و دبیر انجمن ادبی هدایت بود و مدت سی سال انجمن را اداره می‌کرد. وی در اواخر فروردین ۱۳۶۹ برای دیدار فرزندان خود به آمریکا رفت و در ۳۰ اردیبهشت همان سال درگذشت.

کالبد وی به شیراز منتقل و در دارالرحمه به خاک سپرده شد.

منبع : انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)/ حسن امداد، چاپ اوّل، ص. ۵۲۰ ـ ۵۲۲.

۱۶۸ رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم

شاعر، محقق

تولد ۱۲۸۴.

درگذشت مهر ۱۳۶۶، تهران.

ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی متخلص به «نزهت» بود. از تألیفات اوست: ***آتشکدهٔ اردستان*** (سه جلد، تهران، ۱۳۳۶ ـ ۱۳۵۲)؛ ***تاریخ خط و خطاطان*** (۱۳۴۵)؛ ***آثار ملی اصفهان*** (۱۳۵۲). از آثار دیگر او که به چاپ نرسیده‌اند عبارتند از: ***فرهنگ اصفهان***؛ ***زبان‌ها و لهجه‌های اصفهان***؛ ***تذکرهٔ هجوسرایان***؛ ***ره‌آورد طوس***؛ ***تصحیح دیوان وفا***.

منابع: «ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی»، آینده، س ۱۴، ص ۷۸ ـ ۷۹. ***کتابشناسی زبان و خط*** / محمد گلبن، ص ۱۱۹. ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** /فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

۱۶۹ روحانی، سید غلامرضا

شاعر

تولد ۲۱ اردیبهشت ۱۲۷۶ (۱۰ ذیحجه ۱۳۱۴ ق.)، مشهد.[۱]

درگذشت ۱۳۶۰، تهران.

سید غلامرضا روحانی متخلص به «روحانی»، فرزند سید شکرالله متخلص به «آزادی»، پس از فرا گرفتن علوم متداوله عصر به خدمت دولت درآمد. چندی در شهرداری تهران به خدمت پرداخت و مدتی نیز در ادارهٔ غله و نان تبریز به خدمت اشتغال داشت، سپس به وزارت دارایی منتقل شد و در مشاغل مختلف در شهرستان‌ها و تهران انجام وظیفه کرد تا این که در سال ۱۳۳۳ بازنشسته گردید.

روحانی از دوازده سالگی به سرودن شعر پرداخت و در شعر به جنبهٔ فکاهی آن بیشتر توجه کرد به انتقاد از نقایص امور اجتماعی پرداخت و با سرودن اشعار طنزآمیز در مسیر بیداری مردم حرکت نمود و بیشتر اشعارش را با امضای مستعار «اجنه» یا «اجنه‌زاده» و یا اسامی دیگری از این قبیل انتشار داد. اشعارش در آغاز در روزنامهٔ فکاهی «امید» که به مدیریت کاظم اتحاد اداره می‌شد به چاپ می‌رسید، آنگاه آثارش به طور گسترده در روزنامه‌ها و مجله‌ها طبع گردید و کلیات اشعارش به نام ***اجنه*** مکرر به چاپ رسید. از آثار دیگر اوست: ***سروده‌های روحانی*** (مجموعه شعر، ۱۳۱۰)؛ ***فکاهیات معاصر*** (مجموعه شعر، ۱۳۱۳).

کلیات اشعار وی در چهار قسمت و بالغ بر نه هزار بیت است. قسمت اول، غزلیات عشقی و قطعات اخلاقی و قصاید اجتماعی به‌طور جدی و فکاهی است که در مجلهٔ «ارمغان» اغلب درج گردیده است؛ قسمت دوم، فکاهیات وی است که به سبکی خاص و اسلوبی ساده سروده شده است، از آن جمله کتابی است موسوم به ***اداره‌نامه*** که به وضعیت اداره‌ها می‌پردازد؛ قسمت سوم فکاهیات مطابق با فهم عامه با طرز و اسلوبی خاص مخلوط با اصطلاحات محلی و زبان شکسته بازاری که مجموعه آن موسوم است به ***اراجیف الاجنه*** و در صفحات جراید فکاهی تهران از قبیل «امید» و «گل زرد» و غیره مندرج است؛ قسمت چهارم ترانه‌هاست که اغلب در صفحات گرامافون ضبط است و قطعاتی دیگر که برای اُپرت‌ها ساخته شده و در تماشاخانه‌ها به معرض نمایش گذارده شده است.

منابع: ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم*** / سید محمد باقر برقعی، ص ۱۵۹۳. ***گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوّم*** / گردآورنده احمد گلچین معانی، ص ۳۰۵ ـ ۳۱۴. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و***

---

۱. در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد سید غلامرضا روحانی ۱۲۷۵ درج شده است.

عربی / خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۷۰۰ـ۷۰۱. *شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد اول* / حسنعلی محمدی، ص. ۳۱۳ـ۳۱۸. «سید غلامرضا روحانی»، آینده، س. ۱۱، ص. ۷۳۶ـ۷۳۷.

۱۷۰ ریاضی هروی، نصرت‌الزمان

محقق

تولد ۱۳۱۹، مشهد.

درگذشت ۲ تیر ۱۳۶۷، مشهد.

نصرت‌الزمان ریاضی هروی پس از پایان تحصیلات دانشگاهی از سال ۱۳۴۲ در دبیرستان‌های خراسان به تحصیل زبان و ادبیات فارسی پرداخت و بیست و شش سال به کار معلمی پرداخت.

نصرت‌الزمان ریاضی هروی در سال ۱۳۶۵ فرهنگ فارسی ***تحفة الاحباب*** را با همکاری همسرش فریدون تقی‌زادهٔ طوسی همراه با تعلیقات منتشر ساخت و گزیده‌ای از کتاب ***تجارب الامم*** منسوب به حمدالله مستوفی را از یگانه کتابخانهٔ ایاصوفیه آمادهٔ چاپ ساخته بود. سه مجموعه حاوی خاطرات و نیز چندین مقاله در باب دستور زبان فارسی در نشریه‌های استان خراسان از وی به چاپ رسیده است.

منبع: «یادبود نویسندگان؛ نصرت الزمان هروی»، آینده، س. ۱۴، ش. ۶ـ۸ (شهریور ـ آبان ۱۳۶۷)، ص. ۷۱۱.

۱۷۱ ریاضی یزدی، سید محمد علی

شاعر

تولد ۱۲۹۰، یزد.

درگذشت ۲۹ اسفند ۱۳۶۲، تهران.

سید محمد علی ریاضی یزدی متخلص به «ریاضی»، فرزند سید ابراهیم یزدی، تحصیلات ابتدایی را در یزد به پایان رسانید. سپس به تحصیل علوم دینیه پرداخت. در هفده سالگی به اصفهان سفر نمود و بعد از یک سال توقف در اصفهان در امتحانات سیکل اوّل موفق شده و پس از آن وارد خدمت نظام گردید. بعد از اتمام دورهٔ خدمت نظامش به تهران مسافرت نمود و در امتحانات سیکل دوّم شرکت کرد و وارد دانشکدهٔ معقول و منقول گردید. پس از اخذ لیسانس و گذراندن دورهٔ علوم تربیتی صاحب جمع اموال دانشکدهٔ پزشکی می‌شود. وی در مدایح و مناقب آل عصمت و در سرودن انواع شعر از قصیده و غزل استاد بوده است، اما بیشتر به مثنوی تمایل داشته است. در محافل ادبی و مذهبی به «شاعر آل‌الله» معروف بوده است. در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ در جلسات انجمن ادبی گوهر شرکت می‌جست و اشعار خود را می‌خواند که بیشتر آنها در مجلهٔ «گوهر» به چاپ رسیده است. نمونهٔ اشعار وی در ***نگین سخن*** آمده است.

ریاضی یزدی در سن هفتاد و دو سالگی درگذشت و در ابن‌بابویه به خاک سپرده شد.

منابع: ***فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز*** / عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۲۴۹. آهی، حسین، «***در سالمرگ استاد محمد علی ریاضی***»، ***کیهان فرهنگی***، ش. ۱ (فروردین ۱۳۶۳)، ص. ۴۳. ***تذکرهٔ شعرای یزد*** / عباس فتوحی یزدی، ص. ۱۳۸ـ۱۳۹. ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم*** / سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۶۳۳. ***خلوت انس*** / مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، ص. ۱۹۸ ـ ۱۹۹. ***زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ـ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد سوم*** / حسن مرسلوند، ص. ۳۵۵ ـ ۳۵۶.

۱۷۲ ریحان یزدی، علیرضا

مدرس

درگذشت زمستان ۱۳۶۷، تهران.

سید علیرضا ریحان یزدی دبیر دبیرستان‌ها بود و سپس به دانشگاه منتقل شد و تدریس زبان عربی را عهده‌دار بود و به استادی دانشگاه رسید. چندی به ریاست ادارهٔ اوقاف منصوب شد. از تألیفات اوست: ***احوال و آثار محمد بن جریر طبری*** (۱۳۳۵)؛ ***اصول الصرف*** (دو جلد)؛ ***اصول النحو*** (۱۳۴۰)؛ ترجمهٔ ***تعبیر رؤیا*** (از ابن سینا، ۱۳۱۶)؛ ***نظامی شاعر داستانسرا*** (۱۳۳۷)؛ ***ماجرای تغییر خط*** (۱۳۳۸)؛ و چند رساله و کتاب دیگر از جمله رساله‌ای در تاریخچهٔ اوقاف و رساله‌ای در روابط ایران و هند. وی همچنین مقاله‌هایی برای روزنامه‌ها و مجلات و از جمله «وحید» و «کیهان» و «یغما» می‌نوشت.

منبع: «علیرضا ریحان یزدی»، آینده، س ۱۵، ص ۱۳۶.

۱۷۳ زارعی، احمد

شاعر

تولد ۱۳۳۶، مشهد.

درگذشت ۱۹ دی ۱۳۷۲، تهران.

احمد زارعی دانشجوی کارشناسی ارشد رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی بود. از جمله آثار وی می‌توان به **چه عطر شگفتی** و ***یادواره*** اشاره کرد. وی همچنین در راه‌اندازی مجلات فرهنگی و برگزاری کنگره‌های شعر جنگ فعالیت داشت.

احمد زارعی در دی ماه ۱۳۷۲ در تهران در بیمارستان شریعتی جان سپرد.

منبع: *یادهای سبز (یادی از شاعران سفر کرده: مهرداد اوستا، سپیدهٔ کاشانی، سلمان هراتی، احمد زارعی، آرش باران‌پور، رخشا و بندی سیرجانی)* / به کوشش علیرضا قزوه، چاپ اوّل، ص ۶۵ـ ۱۰۰.

۱۷۴ زنگنه، عزت‌الله

شاعر، داستان‌پرداز

تولد ۱۳۱۶، کرمانشاه.

درگذشت خرداد ۱۳۵۸، کرمانشاه.

عزت‌الله زنگنه دورهٔ تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمانشاه به پایان رسانید. آنگاه رهسپار تهران شد و از دانشگاه تهران درجهٔ لیسانس در رشتهٔ ادبیات فارسی را دریافت نمود. پس از چند سال تدریس در دبیرستان‌ها به وزارت فرهنگ و هنر منتقل شد و با رادیو و تلویزیون همکاری خود را آغاز کرد و برای مجلهٔ «تماشا» مطلب می‌نوشت.

زنگنه در بیست سالگی نخستین شعرش در مجلهٔ «پیام نوین» چاپ گردید و از این زمان با مطبوعات همکاری می‌کرد، قصه می‌نوشت و شعر می‌سرود، در خرداد ۱۳۴۷ برندهٔ جایزهٔ اول مسابقات هنری دانشگاه تهران شد.

مجموعه‌های شعری که از زنگنه به چاپ رسید، به شرح زیر است: **دلگیر**؛ **بعثت در بعد پنجم**؛ **تلاوت در آستانهٔ باران**؛ **فرامیر وداع**؛ **گلشن یادبودها**؛ **آخ اگر بهار بیاد**؛ **چیزهای زمستانی**؛ **پشت دروازه‌های خورشید**. همچنین چند قصه و داستان به نام‌های: **پا به پای سکوت**؛ **مسافر**؛ **سنفونی مرگ**؛ **غروب در پاییز** از او چاپ و منتشر شده است.

پیکر عزت‌الله زنگنه در زادگاه‌اش مدفون است.

منبع: *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم* / سید محمد باقر برقعی، ص ۱۶۶۱.

۱۷۵ زهری، محمد

شاعر، محقق

تولد مرداد ۱۳۰۵، روستایی از توابع شهسوار.

درگذشت ۱۵ اسفند ۱۳۷۳، تهران.

محمد زهری، فرزند عبدالله (ضیغم‌الممالک)، در کودکی همراه خانواده به تهران آمد ولی تحصیلات ابتدایی خود را در شیراز و تهران پشت سر گذاشت. در سال ۱۳۳۳ در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران لیسانس گرفت و دورهٔ دکترایِ همین رشته را نیز به‌پایان برد. او در سمت دبیری ادبیات فارسی در دبیرستان‌ها، کارمندی سازمان برنامه، مشاورت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و کتابداری و نیز معاونت کتابخانهٔ ملی ایران خدمت کرد. زهری کار هنری خود را در رشتهٔ داستان و مقاله برای مطبوعات و فکاهی‌سرایی در «توفیق» آغاز کرد و اولین مجموعه خود را در سال ۱۳۳۴ منتشر کرد. او علاوه بر شش دفتر شعر، سیزده جلد کتابشناسی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۱ را نیز انتشار داد. بدین ترتیب زهری نه تنها در زمینهٔ شعر و ادبیات فارسی، بلکه در قلمرو کتابداری و کتابشناسی نیز فعال بود.

از آثار دیگر اوست: ***جزیره*** (۱۳۳۴)؛ ***گلایه*** (مجموعه شعر، ۱۳۴۵)؛ ***شبنامه*** (یک شعر بلند، ۱۳۴۷)؛ ***و تتمه*** (مجموعه شعر، ۱۳۴۸)؛ ***برگزیده شعرهای محمد زهری با اظهارنظرهایی از شاعران و نویسندگان*** (۱۳۴۸)؛ ***و مشت در جیب*** (۱۳۵۱)؛ ***کارنامهٔ تحقیقات ایرانی در سال ۲۵۳۵*** (با همکاری خسرو سلیمی و هرمز عبداللهی، ۱۳۵۶).

محمد زهری در بیمارستان آسیا درگذشت و پیکرش در بهشت‌زهرا به خاک سپرده شد.

منابع: روزگار وصل، س. ۲ و ۳، ش. ۱۵، ص. ۶۲. ***تذکرهٔ شعرای معاصر ایران، جلد دوم***/ سید عبدالحمید خلخالی، چاپ اول، ص. ۱۳۱ـ۱۳۴. ***دیدار با شاعران (شامل شرح حال و اشعار برگزیدهٔ چهل تن از شاعران معاصر ایران)***/ تهیه و تنظیم علی اکبر دلفی، ص. ۱۴۰ ـ ۱۴۱. ***سیمای شاعران***/ حسین حماسیان، ص. ۱۴۸. ***دایرةالمعارف یا فرهنگ دانش و هنر***/ مجموعه نویسندگان، ص. ۸۸.

ادیب و محقق

تولد ۱ اردیبهشت ۱۳۰۴، تهران.[۱]

درگذشت ۱۴ بهمن ۱۳۶۸، کابل (افغانستان).

سید حسن سادات ناصری پس از اخذ دیپلم متوسطه از دبیرستان شرف در تهران، به ترتیب دورهٔ لیسانس تاریخ و فوق‌لیسانس ادبیات فارسی را در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به پایان برد. در سال ۱۳۲۸ به دورهٔ دکترایِ ادبیات فارسی راه یافت و پایان‌نامهٔ خود را با عنوان «ارتباط افکار حافظ و مولانا» به راهنمایی بدیع‌الزمان فروزانفر اختیار کرد و در سال ۱۳۴۸ از آن دفاع نمود. بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ در شهر قم به معلمی اشتغال داشت و همانجا در محضر برخی از اساتید حوزهٔ علمیهٔ قم مستفیض شد. در سال ۱۳۴۵ رسماً به عضویت در هیئت علمی در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران درآمد. وی همچنین به اقتضای طبع شعر می‌سرود. ضمناً فعالیت مطبوعاتی‌اش را از سال ۱۳۲۵ از طریق همکاری با نشریاتی از جمله مجلات «وحید»، «یغما»، «ارمغان» و «آموزش و پرورش» آغاز کرد.

آثار دکتر سید حسن سادات ناصری به شرح زیر است: ***بدیع و قافیه***، برای دبیرستان‌ها (در نظام قدیم آموزشی، با همکاری دکتر محمد خزائلی، ۱۳۳۴)؛ شرکت در هیئت مؤلفانِ یک سلسله کتب درسی دبیرستانی (در نظام قدیم آموزشی) که عبارتند از: ***قرائت و دستور زبان فارسی*** و همچنین ***فارسی و دستور زبان*** برای سال‌های اول تا سوم دبیرستان؛ ***گل‌های ادب*** (برای پنج سال اول دبیرستان‌ها، با

۱. در کتاب ***فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز*** و ***کتابشناسی آذربایجان*** و ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** سال تولد وی ۱۳۰۵ ذکر شده است.

همکاری دکتر خزائلی، بدیع‌الزمان کردستانی، دکتر هدایت نیرسینا، میرمیرانی)؛ تصحیح، تحشیه و تعلیق تذکرهٔ ***آتشکده آذر*** (از لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، در هفت مجلد که سه جلد آن منتشر شده است، به ترتیب: بخش نخست در ۱۳۳۶، بخش دوم در ۱۳۳۸ و بخش سوم در ۱۳۴۰)؛ اهتمام در طبع اشعار علی اصغر حکمت به نام ***سخن حکمت***؛ تصحیح و طبع ***دیوان ملا محمد رفیع واعظ قزوینی***، (۱۳۵۹)؛ تألیف دو کتاب درسی برای دبیرستان (در نظام جدید آموزشی) به نام‌های ***فنون و صنایع ادبی***، برای سال دوم رشتهٔ فرهنگ و ادب (۱۳۶۳) و ***قافیه و صنایع معنوی*** برای سال سوم رشتهٔ فرهنگ و ادب (۱۳۶۲)؛ تصحیح و طبع ***دیوان لطفعلی بیگ آذر بیگدلی***، با همکاری دکتر غلامحسین بیگدلی؛ تصحیح ***نهج‌البلاغه***؛ اهتمام به چاپ ***قرآن کریم***؛ تصحیح ***دیوان محتشم کاشانی***؛ تصحیح ***دیوان حافظ***؛ تألیف کتاب ***سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران*** در دورهٔ اسلامی (یک مجلد آن از آ تا س در سال ۱۳۵۳ منتشر شد)؛ ***صناعات ادبی*** در دو مجلد؛ تصحیح و چاپ ***دیوان کامل صائب تبریزی*** در ده مجلد؛ همچنین چند اثر دیگر از وی اعم از زیر چاپ یا آماده چاپ هست، از جمله تصحیح و طبع ***قصص الخاقانی***، اثر ابن داود قلی ولیقی شاملو، تألیف کتاب ***هزار سال تفسیر فارسی***، تصحیح و تحشیهٔ بخش‌های چاپ نشده ***آتشکدهٔ آذر*** (از بخش چهارم به بعد)؛ ***ارتباط افکار حافظ و مولوی***.

در سفری که سید حسن سادات ناصری به دعوت مقامات فرهنگی کشور افغانستان، برای بازدید مراکز فرهنگی و بررسی چگونگی وضع آموزش و پژوهش زبان و ادب فارسی در آن کشور، در هفتم بهمن ۱۳۶۸ به همراه هیئتی عازم افغانستان شد، روز شنبه چهاردهم بهمن ۱۳۶۸ در حدود ساعت ۷/۵ بعدازظهر در اثنای ضیافت شامی که از سوی کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران به افتخار هیئت مذکور برپا شده بود، ناگهان و بی هیچ سابقهٔ قبلی دچار حملهٔ قلبی گردید و جان سپرد. پیکر وی در ابن‌بابویه تهران به خاک سپرده شد.

منابع: کیهان فرهنگی، س. ۶، ش. ۱۱، ص. ۵۰. «دکتر سیدحسن سادات ناصری، محقق و ادیب معاصر درگذشت»، ادبستان، ش. ۲ (بهمن ۱۳۶۸)، ص. ۶۰. ***فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز***/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۲۵۹ــ۲۶۰. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر***/ غلامحسین صالحیار، ص. ۱۵۷. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۵۶۷ــ۵۶۸. ***کتابشناسی آذربایجان***/ ناهید حبیبی آزاد. «دکتر حسن سادات ناصری»، آینده، س. ۱۵، ص. ۸۴۰ــ۸۴۱.

۱۷۷ ساعدی، غلامحسین

داستان‌پرداز، فیلمنامه‌نویس، نمایشنامه‌نویس، مترجم

تولد ۱۳۱۱، تبریز.[۱]

درگذشت ۲ آذر ۱۳۶۴، پاریس.

غلامحسین ساعدی فارغ‌التحصیل دکترایِ پزشکی از دانشگاه تهران است. از سال ۱۳۳۶ شروع به نمایشنامه‌نویسی با نام مستعار «گوهرمراد» نمود. فهرست نمایشنامه‌هایی که از وی به چاپ رسیده‌اند، چنین است: ***کار بافک‌ها در سنگر*** (۱۳۳۹)؛ ***کلاته گل*** (۱۳۴۰)؛ ***عروسی*** (۱۳۴۱)؛ ***ده لال بازی*** (ده نمایش پانتومیم، ۱۳۴۲)؛ ***چوب بدست‌های ورزیل*** (۱۳۴۵)؛ ***در انتظار*** (نمایش پانتومیم، تیر ۱۳۴۴)؛ ***بهترین بابای دنیا*** (۱۳۴۵)؛ ***پنج نمایشنامه از انقلاب مشروطیت*** (۱۳۴۷؛ ۱۳۵۳؛ ۱۳۵۴)؛ ***آی بی کلاه، آی با کلاه***

۱. در ***کتابشناسی آذربایجان*** و ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد غلامحسین ساعدی ۱۳۱۴ ذکر شده است.

(۱۳۴۶)؛ ***خانهٔ روشنی*** (پنج نمایشنامه، ۱۳۴۶)؛ ***دیکته و زاویه*** (دو نمایشنامه، ۱۳۴۷)؛ ***پروار بندان*** (۱۳۴۸)؛ ***وای بر مغلوب*** (۱۳۴۹)؛ ***ما نمی‌شنویم*** (سه نمایشنامه، ۱۳۴۹)؛ ***جانشین*** (۱۳۴۹)؛ ***چشم در برابر چشم*** (۱۳۵۰)؛ ***عاقبت قلم‌فرسایی*** (دو نمایشنامه، ۱۳۵۴)؛ ***رگ و ریشهٔ دربدری*** (۱۳۵۶)؛ ***ماه عسل*** (۱۳۵۷)؛ ***اتللو در سرزمین عجایب***؛ ***شب هول***؛ ***بازگشت*** (در پاریس). نمایشنامه‌هایی نیز از وی در مجلات به چاپ رسیده است: «خیاط افسون شده» («آدینه» آبان ۱۳۶۷)؛ «لیلاج‌ها» («سخن» آذر ۱۳۳۶)؛ «قاصدک‌ها» («صدف» فروردین ۱۳۳۷).

علاوه بر تحقیقات ساعدی برای مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی در سال‌های ۱۳۴۲ الی ۱۳۴۵ (نظیر ***خیاو یا مشکین شهر***، ***کعبهٔ ییلاقات شاهسون*** ــ ۱۳۴۴) و مطالبی که برای روزنامه‌ها و مجلات می‌نوشت، ترجمه‌هایی از وی به جا مانده است؛ از آن جمله است: ***شناخت خویشتن*** (آرتور جرسلید، ترجمه با همکاری محمدنقی براهنی، ۱۳۴۲)؛ ***قلب، بیماری‌های قلبی و فشارخون*** (هـ بله کسلی، ترجمه با همکاری محمد علی نقشینه، ۱۳۴۲)؛ ***آمریکا، آمریکا*** (الیا کازان، با همکاری با محمدنقی براهنی، ۱۳۴۳). از آثار دیگر وی چاپ جلد سوم ***کتاب زمان*** بود که زیر نظر غلامحسین ساعدی صورت گرفت و به مباحث نمایش و تئاتر اختصاص داشت؛ همچنین شش جلد ***کتاب النبا*** به همت وی به چاپ رسید.

غلامحسین ساعدی فیلمنامه نیز می‌نوشت. از جمله فیلمنامه‌هایی که از وی به چاپ رسیده است می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***فصل گستاخی*** (۱۳۴۹)؛ ***گاو*** (۱۳۵۰)؛ ***عافیت‌گاه*** (۱۳۶۸). وی از سال ۱۳۴۸ فعالیت خود را در سینما آغاز کرد و فیلم «گاو» را ساخت. عمدهٔ فیلم‌های وی به این شرح هستند: «آرامش در حضور دیگران» (با همکاری ناصر تقوایی، ۱۳۵۲)؛ «دایره مینا» (با همکاری داریوش مهرجویی، ۱۳۵۷)؛ «بنفشه‌زار» (بر اساس نمایشنامه چوب‌دست‌های ورزیل، ۱۳۶۳، نمایش داده نشد)؛ «فصل گستاخی، ما نمی‌شنویم (ناتمام...).

عنوان‌های داستان‌هایی که از وی به چاپ رسیده‌اند به این شرح هستند: ***اهل هوا*** (۱۳۴۶)؛ ***ایلخچی*** (۱۳۴۲؛ ۱۳۵۷)؛ ***بام‌ها و زیربام‌ها*** (۱۳۴۰)؛ ***پیگمالیون*** (۱۳۳۵)؛ ***ترس و لرز*** (شش داستان پیوسته، ۱۳۴۷)؛ ***توپ*** (۱۳۴۸)؛ ***خانه‌های شهرری*** (۱۳۳۴)؛ ***خیاویا مشکین شهر*** (۱۳۴۵)؛ ***داستان دوستان*** (۱۳۴۰)؛ ***دندیل*** (چهار داستان، ۱۳۴۷)؛ ***ساندویچ*** (۱۳۶۸)؛ ***شب‌نشینی باشکوه*** (دوازده داستان؛ ۱۳۳۶)؛ ***شب بازی تمام شد*** (جلد یک، ۱۳۵۲)؛ ***عاقبت قلم‌فرسایی*** (۱۳۵۴)؛ ***عزاداران بیل*** (هشت داستان پیوسته، ۱۳۴۳)؛ ***کاربافک‌ها در سنگر*** (۱۳۳۹)؛ ***گمشدهٔ لب دریا*** (۱۳۴۹)؛ ***گور و گهواره*** (سه داستان، ۱۳۴۵)؛ ***مهدی دیگر*** (۱۳۴۶)؛ ***واهمه‌های بی‌نام و نشان*** (چهار داستان، ۱۳۴۶). ضمناً داستان‌های: «صداخونه»، «پادگان خاکستری»، «پیگمالیون»، «مرغ انجیر»، «شبان فریبک»، «خانهٔ برف» و «قدرت تازه» نیز در مجلات «کلک» و «سخن» و «صدف» و «کتاب هفته» و «اندیشه و هنر» از وی به چاپ رسیده است.

غلامحسین ساعدی در سال ۱۳۵۹ به فرانسه رفت و تا هنگام مرگ در پاریس بود. پیکرش در قبرستان پاریس (پرلاشز) مدفون است.

منابع: *فرهنگ سینمای ایران* / جمال امید، ص ۱۳۲ ــ ۱۴۳. دهباشی، علی. «کتابشناسی آثار غلامحسین ساعدی». *کلک*، ش ۹ (آذر ۱۳۶۹)، ص ۱۲۷. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / حانبابا مشار، جلد چهارم، ص ۶۷۶. *کتابشناسی تئاتر* / لاله تقیان، ص ۱۱۶ ــ ۱۱۸. «غلامحسین ساعدی»، آینده، س ۱۲، ص ۱۱۷.

۱۷۸ ساهر، حبیب

شاعر

درگذشت آذر ۱۳۶۴.

حبیب ساهر مدرس ادبیات در قزوین بود. وی سرودن شعر را پیش از سال ۱۲۹۶ شروع کرد. آثار زیر از اوست: ***اشعار جدید*** (اردبیل، ۱۳۲۷)؛ ***افسانهٔ شب*** (مجموعه شعر، تبریز، ۱۳۲۰)؛ ***خوشه‌ها*** (مجموعه شعر، قزوین، ۱۳۳۴)؛ ***سایه‌ها*** (مجموعه شعر، تبریز)؛ ***شقایق*** (تذکرهٔ شعراء، ۱۳۲۲).

*منبع: **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/* خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۴۷۲. «حبیب ساهر»، آینده، س. ۱۲، ص ۱۲۰.

۱۷۹ سپهری، سهراب

شاعر، نقاش

تولد ۱۵ مهر ۱۳۰۷، کاشان.[۱]

درگذشت ۳ اردیبهشت ۱۳۵۹، تهران.

سهراب سپهری پس از طی تحصیلات شش سالهٔ ابتدایی در دبستان خیام کاشان (۱۳۱۹) و متوسطه در دبیرستان پهلوی کاشان (خرداد ۱۳۲۲) و به پایان رساندن دورهٔ دو سالهٔ دانشسرای مقدماتی پسران (خرداد ۱۳۴۴)، در آذر ۱۳۲۵ به استخدام ادارهٔ فرهنگ کاشان در آمد. در شهریور ۱۳۲۷ در امتحانات ششم ادبی شرکت نمود و دیپلم دورهٔ دبیرستان خود را دریافت نمود. سپس به تهران آمد و در دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و همزمان به استخدام شرکت نفت در تهران در آمد که پس از هشت ماه کار استعفا داد. سپهری در سال ۱۳۳۰ نخستین مجموعهٔ شعر نیمایی خود را به نام **مرگ رنگ** انتشار داد. در سال ۱۳۳۲ از دانشکدهٔ هنرهای زیبا فارغ‌التحصیل شد و به دریافت نشان درجهٔ اوّل علمی نیز نایل آمد. در همین سال در چند نمایشگاه نقاشی در تهران شرکت نمود و نیز دومین مجموعه اشعار خود را با عنوان ***زندگی خواب‌ها*** منتشر کرد. آنگاه به تأسیس کارگاه نقاشی همت گماشت. در آذر ۱۳۳۳ در ادارهٔ کل هنرهای زیبا (فرهنگ و هنر) در قسمت موزه‌ها شروع به کار کرد و در ضمن در هنرستان‌های هنرهای زیبا نیز به تدریس می‌پرداخت. در مهر ۱۳۳۴ ترجمهٔ اشعاری ژاپنی از وی در مجلهٔ «سخن» به چاپ رسید. در مرداد ۱۳۳۶ از راه زمینی به کشورهای اروپایی سفر کرد و به پاریس و لندن رفت. ضمناً در مدرسهٔ هنرهای زیبای پاریس در رشتهٔ لیتوگرافی نام‌نویسی نمود. وی همچنین کارهای هنری خود را در نمایشگاه‌ها به معرض نمایش گذاشت. حضور در نمایشگاه‌های نقاشی همچنان تا پایان عمر وی ادامه داشت. وی سفرهای دیگری به کشورهای جهان نمود. از آن جمله است سفر به ایتالیا (وی از پاریس به ایتالیا می‌رود)؛ سفر به ژاپن (توکیو در مرداد ۱۳۳۹) برای آموختن فنون حکاکی روی چوب که موفق به بازدید از شهرها و مراکز هنری ژاپن نیز می‌شود؛ سفر به هندوستان (۱۳۴۰)؛ سفر مجدد به هندوستان (۱۳۴۲، بازدید از بمبئی، بنارس، دهلی، اگره، غارهای آجانتا، کشمیر)؛ سفر به پاکستان (۱۳۴۲، تماشای لاهور و پیشاور)؛ سفر به افغانستان (۱۳۴۲، اقامت در کابل)؛ سفر به اروپا (۱۳۴۴، مونیخ و لندن)؛ سفر به اروپا (۱۳۴۵، فرانسه، اسپانیا، هلند، ایتالیا، اتریش)؛ سفر به امریکا و اقامت در لانگ آیلند (۱۳۴۹ و شرکت در یک نمایشگاه گروهی و سپس سفر به نیویورک)؛ سفر به پاریس و اقامت در «کوی بین‌المللی هنرها» (۱۳۵۲)؛

---

۱. این تاریخ تولد به نقل از کتاب ***یادمان سهراب سپهری*** است. اما لازم است اشاره شود که در کتاب ***سخنوران نامی معاصر ایران*** و نیز در کتاب ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***، تاریخ تولد وی چهارم دی ۱۳۰۷ در شهر قم ذکر شده است.

سفر به یونان و مصر (۱۳۵۳).

سهراب سپهری مدتی در ادارهٔ کل اطلاعات وزارت کشاورزی با سمت سرپرست سازمان سمعی و بصری در سال ۱۳۳۷ مشغول به کار شد. از مهر ۱۳۴۰ نیز شروع به تدریس هنرکدهٔ هنرهای تزیینی تهران‌نمود. در اسفند همین سال بود که از کلیهٔ مشاغل دولتی به‌کلی کناره‌گیری کرد.

از جمله نمایشگاه‌های نقاشی که یا سهراب سپهری در آنها حضور داشت، یا نمایشگاه انفرادی وی بودند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اوّلین دوسالانهٔ تهران (فروردین ۱۳۳۷)؛ دوسالانهٔ ونیز (خرداد ۱۳۳۷)؛ دوسالانهٔ دوم تهران (فروردین ۱۳۳۹، برندهٔ جایزهٔ اول هنرهای زیبا)؛ نمایشگاه انفرادی در تالار عباسی تهران (اردیبهشت ۱۳۴۰)؛ نمایشگاه انفرادی در تالار فرهنگ تهران (خرداد ۱۳۴۱، دی ۱۳۴۱)؛ نمایشگاه گروهی در گالری گیل گمش (تهران، ۱۳۴۲)؛ نمایشگاه انفرادی در استودیو فیلم گلستان (تهران، تیر ۱۳۴۲)؛ دوسالانهٔ سان پاولو (برزیل، ۱۳۴۲)؛ نمایشگاه گروهی هنر معاصر ایران (موزه بندر لوهاور، فرانسه، ۱۳۴۲)؛ نمایشگاه گروهی گالری نیالا (تهران، ۱۳۴۲)؛ نمایشگاه انفرادی در گالری صبا (تهران، ۱۳۴۲)؛ نمایشگاه گروهی در گالری بورگز (تهران، ۱۳۴۴)؛ نمایشگاه انفرادی در گالری بورگز (تهران، ۱۳۴۴)؛ نمایشگاه انفرادی در گالری سیحون (تهران، بهمن ۱۳۴۶)؛ نمایشگاه گروهی در گالری مس تهران (۱۳۴۷)؛ نمایشگاه جشنوارهٔ روایان (فرانسه، ۱۳۴۷)؛ نمایشگاه هنر معاصر ایران در باغ مؤسسهٔ گوته (تهران، خرداد ۱۳۴۷)؛ نمایشگاه دانشگاه شیراز (شهریور ۱۳۴۷)؛ جشنوارهٔ بین‌المللی نقاشی در فرانسه (وی در این جشنواره به اخذ امتیاز مخصوص نایل آمد، ۱۳۴۸)؛ نمایشگاه گروهی در بریج همپتن آمریکا (۱۳۴۹)؛ نمایشگاه انفرادی در گالری بنسن نیویورک (۱۳۵۰)؛ نمایشگاه انفرادی در گالری لیتو (تهران، ۱۳۵۰)؛ نمایشگاه انفرادی در گالری سیروس (پاریس، ۱۳۵۱)؛ این نمایشگاه در همین سال به گالری سیحون تهران انتقال یافت)؛ اوّلین نمایشگاه هنری بین‌المللی تهران (دی ۱۳۵۳)؛ نمایشگاه انفرادی در گالری سیحون (۱۳۵۴)؛ نمایشگاه هنر معاصر ایران در «بازار هنر» (بال، سوییس، خرداد ۱۳۵۵)؛ نمایشگاه انفرادی در گالری سیحون (۱۳۵۷).

سهراب در آغاز کار شاعری زیر تأثیر شعرهای نیما بود و این تأثیر در **مرگ رنگ** به‌خوبی مشهود است و در آثار بعدی او کم‌کم کارش شکل می‌گیرد و شعرش با دیگر شاعران هم‌دورهٔ خویش متمایز می‌گردد. از جمله مجموعه شعرهای دیگر سهراب سپهری می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***آوار آفتاب*** (۱۳۴۰)؛ ***شرق اندوه*** (۱۳۴۰)؛ ***حجم سبز*** (۱۳۴۶)؛ ***هشت کتاب*** (۱۳۵۶). برخی از اشعار وی در سال‌های ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ در فصلنامهٔ «آرش» به چاپ رسید.

سهراب سپهری در اردیبهشت سال ۱۳۵۸ در بیمارستان پارس تهران به‌سبب سرطان درگذشت. طبق وصیت خودش، پیکر وی در صحن شرقی امامزاده علیمحمد باقر (ع) در قریه مشهد اردهال در کاشان (این صحن معروف به صحن سردار است) به خاک سپرده شد.

منابع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۸۲۷ ـ ۱۸۲۶. ***فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/*** عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۲۶۸. ***یادمان سهراب سپهری/*** زیر نظر محمدرضا لاهوتی و به کوشش ناصر بزرگمهر و یاری محمد وجدانی، چاپ اوّل. ***چشمهٔ روشن، دیداری با شاعران/*** دکتر غلامحسین یوسفی، چاپ سوّم، ص. ۵۵۸ ـ ۵۶۷. ***خلوت انس/*** مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، چاپ اوّل، ص. ۲۰۵ ـ ۲۱۳. ***سهراب سپهری، رضا مافی/*** گردآوری و تنظیم مرکز هنرهای تجسمی. ***آثار آل قلم، منتخب یازده قرن نظم و نثر***

فارسی / حمید گروگان، چاپ اول، ص. ۳۱۶. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۳۷۱ ـ ۳۷۲. تجویدی، اکبر، «سهراب سپهری و نمایشگاه آثار او»، سخن، دورهٔ ۱۳، ش. ۲ (خرداد ۱۳۴۱)، ص. ۲۴۳ ـ ۲۵۰. ***شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد دوم*** / حسنعلی محمدی، ص. ۵۹۹ ـ ۶۰۵.

سپهری، علی‌اکبر ۱۸۰

شاعر

تولد ۱۳۰۹، همدان.

درگذشت ۱۳۶۵، همدان.

علی اکبر سپهری متخلص به «فرخ»، فرزند محمد باقر، در محلهٔ کوغزالان همدان چشم به جهان گشود و خواندن و نوشتن را نزد پدرش و در مکتب آموخت. از آن پس به شغل کفاشی اشتغال ورزید. در اواخر عمر از این شغل بیرون آمد و به کار زرگری پرداخت.

سپهری شاعری درویش مسلک بود و در میان انواع شعر قالب غزل را برگزید. وی بیشتر از سی هزار بیت شعر سروده است.

سپهری در سال ۱۳۶۵ درگذشت و در گورستان عمومی همدان (باغ بهشت) به خاک سپرده شد.

منبع: ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد چهارم*** / سید محمد باقر برقعی، ص. ۲۶۲۴.

ستارزاده، عصمت ۱۸۱

محقق، مترجم

تولد ۱۲۹۰، تبریز.

درگذشت ۳ مرداد ۱۳۷۲، تهران.

عصمت ستارزاده دوران تحصیلات ابتدایی را در دارالمعلمات تبریز (که بعدها دانشسرای مقدماتی نامیده شد) طی نمود. کلاس ششم ادبی را به طور متفرقه امتحان داد. سپس در رشتهٔ ادبیات در دانشگاه تهران به تحصیل ادامه داد. در سال ۱۳۳۲ موفق به اخذ لیسانس شد.

وی همچنین از سال ۱۳۱۶ به عنوان معلم به وزارت فرهنگ پیوست. در مدت سی و دو سال خدمت در این وزارتخانه، مراتب مختلف را در فرهنگ از قبیل نظامت، مدیریت، کفالت دانشسرای مقدماتی و دبیری را در شهرهای تبریز، اراک، اصفهان و تهران پشت سر گذاشت. در سال ۱۳۴۴ با مدرک دکترایِ زبان و ادبیات فارسی و با رساله «شعرای ترک مقلد نظامی» به راهنمایی دکتر نفیسی فارغ‌التحصیل شد.

دکتر ستارزاده با توجه به آشنایی‌اش با زبان ترکی اسلامبولی، شروع به ترجمه آثار از این زبان پرداخت. برای تحقیق در این زمینه بارها به شهرهای مختلف ترکیه سفر کرد و با مراجعه به کتابخانه‌های مهم داخلی، به نسخه‌های مهم و مورد علاقهٔ خود دست یافت. نخستین کتاب وی ترجمهٔ ***شرح سودی بر حافظ*** است در چهار مجلد (این کتاب در سال ۱۳۵۰ به‌عنوان بهترین کتاب سال انتخاب شد) و کتاب بعدی ترجمهٔ ***شرح کبیر انقروی بر مثنوی*** در شش جلد است. از ایشان چند کتابِ منتشر نشده باقی مانده است، از آن جمله است: ***تفسیر سودی بر گلستان سعدی***.

منابع: «درگذشت دکتر عصمت ستارزاده»، کلک، ش. ۴۲ (شهریور ۱۳۷۲)، ص. ۲۵۱. «شروح ترکی حافظ و مولانا، در گفت و گو با دکتر عصمت ستارزاده»، کیهان فرهنگی، س. ۶، ش. ۵ (مرداد ۱۳۶۸)، ص. ۱ ـ ۵. «درگذشت دکتر عصمت ستارزاده»، آینهٔ پژوهش، س. ۴، ش. ۲۰ (مرداد و شهریور ۱۳۷۲)، ص. ۱۱۹.

سجادی، ضیاءالدین ۱۸۲

محقق، ادیب

تولد ۱۲۹۸، مشهد.

درگذشت ۳ مرداد ۱۳۷۵، تهران.

ضیاءالدین سجادی، فرزند حاج سید مصطفی سرابی، تحصیلات مقدماتی، دبیرستان و دانشسرای مقدماتی را در زادگاهش گذراند و سپس در کلاس‌های دبستان و اول دبیرستان به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۲۴ با کسب رتبهٔ نخست، موفق به گرفتن درجهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای عالی شد. در سال ۱۳۳۴ دکترایِ این رشته را از دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران گرفت. در سال ۱۳۳۵ به خدمت آن دانشگاه در آمد. در دوران خدمتش در مراکز مختلف آموزش عالی تدریس کرد و پس از بیست و سه سال خدمت در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد. وی عضو شورای نویسندگان برنامه‌های انتشارات رادیو بود و تهیه و اجرای برنامه‌های ادبی و مذهبی در رادیو ایران را به عهده داشت. به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و عربی نیز آشنا بود. از آثارش: تصحیح و تعلیق ***دیوان خاقانی شروانی*** (تهران، ۱۳۳۸)؛ تصحیح و تعلیقات ***مجموعه نامه‌های خاقانی شروانی*** (تهران، ۱۳۴۶)؛ ***شرح قصیدهٔ مسیحیت*** (از شمس‌الدین محمود لاهیجانی، تهران، ۱۳۵۱)؛ در ***مکتب استاد*** (گفتارهایی در بارهٔ زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۴۵)؛ ***کوی سرخاب تبریز و مقبرةالشعراء*** (تهران، ۱۳۵۴)؛ ***سخنان گزیده در باره فردوسی و شاهنامه*** (تهران، ۱۳۵۴)؛ ***انسان در قرآن کریم*** (تهران، ۱۳۶۰)؛ ***شرح احوال و آثار ابن عمید*** (تهران، ۱۳۶۶)؛ ***تصحیح و شرح مثنوی ختم الغرائب خاقانی*** (تهران، ۱۳۴۳)؛ ***دیباچه‌نگاری در ده قرن*** (تهران، ۱۳۷۲)؛ ***مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف*** (تهران، ۱۳۷۲)؛ ***گزیده اشعار خاقانی*** (همراه با شرح، تهران، ۱۳۵۲)؛ ***گزیده اشعار سنایی با مقدمه و توضیحات*** (تهران، ۱۳۴۸)؛ ***مباحث لغوی و دستوری فرهنگ لغات قرآن*** (تهران، ۱۳۵۸)؛ ***سیری در اندیشه و شناخت*** (تهران، ۱۳۶۶). وی با همکاری مؤلفان دیگر، یک دوره کتاب فارسی و دستور و تاریخ ادبیات فارسی را به رشتهٔ تحریر در آورد (تهران، ۱۳۳۵)؛ مبحث شرح حال شاعران در کتاب‌های ***کارنامهٔ بزرگان ایران*** (۱۳۴۰) و ***فرهنگ امیرکبیر*** نیز از دیگر کارهای اوست. وی همچنین مقاله‌هایی در موضوع‌های ادبی، تاریخی و مذهبی در مجله‌ها و نشریات مختلف و از جمله در نشریهٔ «دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تهران» به چاپ رسانید. آخرین اثری که از وی منتشر شد، دو جلد ***فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی شروانی*** است.

دکتر سید ضیاءالدین سجادی بر اثر یک عارضهٔ قلبی در سن هفتاد و هفت سالگی در بیمارستان دی در تهران درگذشت و پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

منابع: کتابشناسی خط و خوشنویسی / ناهید حبیبی آزاد، ص. ۲۲۷. «یادی از استاد ضیاءالدین سجادی»، کلک، ش. ۷۶ ــ ۷۹ (تیر و مرداد ۱۳۷۵)، ص. ۷۹۱ ــ ۷۹۳. «پیکر استاد فرزانه دکتر سید ضیاءالدین سجادی به خاک سپرده شد»، اطلاعات، ش. ۲۰۸۲۲ (۶ مرداد ۱۳۷۵)، ص. ۲.

سرتیپ‌پور، جهانگیر ۱۸۳

محقق

تولد ۱۲۸۲، رشت.

درگذشت ۷ آذر ۱۳۷۱، تهران.

جهانگیر سرتیپ‌پور در جوانی به نهضت جنگل پیوست. در سال ۱۳۰۱ به منظور تعلیم و ترویج هنر تئاتر، جمعیت ادبی و هنری آزاد ایران را تشکیل داد و نمایشنامه‌های اخلاقی و تاریخی چون «عاقبت

وخیم»، «کاوه آهنگر»، «انتقام»، «آخرین روز بابل» و «اُپرت فردوسی» را نوشت و با جمعی از هنرمندان گیلانی در رشت و تهران به روی صحنه آورد و درآمد حاصل از اجرای نمایشنامه‌های مذکور را برای خرید خرید زمین جهت تأسیس بیمارستان پورسینای رشت و احداث ساختمان زایشگاه رشت اختصاص داد. سرتیپ‌پور مبارزات سیاسی و مجاهدات میهنی خود را از همگامی با میرزا کوچک‌خان جنگلی آغاز کرد. وی هنگام اشغال آذربایجان به‌وسیلهٔ فرقهٔ دموکرات آذربایجان نهضت مقاومت گیلان را تشکیل داد و موجبات اتحاد عشایر گیلان و شاهسون را فراهم نمود و موقعی که ارتش فرقهٔ دموکرات به طرف طوالش پیش آمدند، قوای نهضت مقاومت گیلان با حملات مسلحانه در مقابل آنها ایستادگی کردند. وی در هنگام طرح لایحهٔ کاپیتولاسیون توسط دولت حسنعلی منصور به مخالفت پرداخت و در مجلس شورای ملی علیه آن سخن گرفت. آثاری که از وی به چاپ رسیده است به این شرح است: ***مجموعهٔ ترانه‌های گیلکی به‌نام ریحان؛ نشانی‌ها و یادگارهای گذشتهٔ دور گیلان و مازندران؛ ویژگی‌های دستوری زبان گیلکی؛ نام‌ها و نامدارها.*** کتاب‌های دیگری که از وی به جا مانده که به چاپ نرسیده است به این شرح هستند: ***ریشه‌یابی زبان گیلکی؛ آداب و رسوم گیلان؛ بازی‌های سنتی گیلان؛ دفتر خاطراتش*** که متضمن تاریخ هفتاد سالهٔ گیلان و ایران است.

جهانگیر سرتیپ‌پور در سال ۱۳۷۱ درگذشت. پیکر وی در جوار مرقد میرزا کوچک خان جنگلی در رشت به خاک سپرده شد.

منبع: آسانه‌ای، مهدی، «جهانگیر سرتیپ‌پور»، ایده، س ۱۸، ص ۴۹۹ ـ ۵۰۰.

۱۸۵ سمیعیان، یحیی

روزنامه‌نگار، شاعر

تولد ۱۲۷۵ (۱۳۱۳ ق.)، تهران.

درگذشت ۱ اسفند ۱۳۶۳، تهران.

یحیی سمیعیان متخلص به «ریحان»، اصفهانی‌الاصل، فرزند محمدباقر پس از تحصیلات متداول زمان خود در وزارت مالیه به کار مشغول شد. در سال ۱۲۹۵ با همکاری دو تن از دوستان خود (ابوالقاسم ذره و عبدالحسین حسابی) به نشر مجلهٔ ادبی و فکاهی و اجتماعی «گل زرد» همت گماشت که در سال ۱۳۳۶ ق. تأسیس و شمارهٔ اول آن در شعبان سال مذکور منتشر گردید (پانزده روز یک بار). در سال ۱۳۰۱ هنگام زمامداری سید ضیاءالدین طباطبایی به نشر روزنامهٔ سیاسی دیگر به نام «نوروز» اقدام کرد و چون خود دارای افکار آزادیخواهی بود و مقاله‌ها و اشعارش نیز در همین زمینه نشر می‌شد به دستور سید ضیاء او را به تیمارستان تهران بردند. به همین جهت از آن پس از روزنامه‌نگاری دست کشید و همچنان در وزارت مالیه (دارایی) به خدمت ادامه داد. بعدها داستان به تیمارستان رفتن خود را در روزنامهٔ «نوبهار» زیر عنوان «یک شب در دارالمجانین» نگاشت و از آن پس به آمریکا سفر کرد و مدت سی سال در آنجا زیست. آثار وی در «شفق سرخ»، «ایران» و «نوبهار» نیز به چاپ رسیده است. همچنین منتخبی از اشعارش به نام ***باغچهٔ ریحان*** طبع شده است. چاپ سوم ***دیوان اشعارش*** به سال ۱۳۵۴ در تهران منتشر شد.

یحیی سمیعیان سرانجام به ایران مراجعت کرد و تنها در تهران ساکن بود. وی اواخر سال ۱۳۶۳ زندگی را به‌درود گفت.

منابع: فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/

عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۲۴۹ ــ ۲۵۰. *فرهنگ داستان‌نویسان ایران* / حسن عابدینی، ص. ۹۳. *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم* / سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۶۴۴. افشار، ایرج، «یحیی ریحان (سمیعیان)»، آینده، س. ۱۱، ص. ۳۹۲ ــ ۳۹۳. *تاریخ جراید و مجلات* / جلد چهارم، ص. ۱۵۷.

سهیلی، مهدی ۱۸۶

شاعر

تولد ۷ تیر ۱۳۰۳، تهران.
درگذشت ۱۸ مرداد ۱۳۶۶، تهران.

مهدی سهیلی، فرزند غلامرضا، طی تحصیلات جدید، علوم قدیمه و صرف و نحو عربی را نیز آموخت؛ در ایام تحصیل گاه‌گاه اشعاری جدی و فکاهی می‌سرود و از پیش از شهریور ۱۳۲۰ با مطبوعات همکاری داشت، اما از ۱۳۲۲ به بعد کار مطبوعاتی از جمله مشاغل او شد. در آغاز شاعری با روزنامه‌های فکاهی تهران همکاری کرد و چندی نیز امتیاز روزنامهٔ فکاهی «متلک» را گرفت و انتشار داد. چندی نیز روزنامهٔ «نوشخند» را تحصیل امتیاز کرد و به نشر آن پرداخت. وی در جراید مختلف از جمله «توفیق»، «اطلاعات»، «اطلاعات هفتگی»، «سپید و سیاه»، «روشنفکر»، «تهران مصور» و «زن روز» شعر و مطلب می‌نوشت و صدها امضای مستعار داشت که از آن جمله است: «نمکدون»، «نمکپاش»، «بذله‌گو»، «هاردی»، «الاحقر شیخ مهدی سهیل‌الدین»، «شازده پسر»، «فکلی پسر»، «لوطی پسر»، «چاقالو»، «متلک‌گو»، «شبیه‌الاعراب»، «جاهل‌العلماء»، «زهرخند»، «شیرین»، «بی‌خیال»، «کثیرالاضلاع»، «نوشخند»، «نیشخند»، «خواجه سهیل‌الملک»، «آمهدی خان»، «ضعیف الاقویا»، «شاه داماد»، «بازاری» و غیره.

سهیلی نه تنها نویسندهٔ مقالات فکاهی بود، بلکه همچنین نمایشنامه‌های انتقادی نیز می‌نوشت و حدود ده نمایشنامه نوشت که در رادیو تهران اجرا شد و از جمله می‌توان به «ساعتی در چلوکبابی» اشاره نمود.

هر چند سهیلی در شعر به جنبه‌های فکاهی و انتقادی می‌پرداخت، در سرودن انواع شعر جدی و ادبی نیز توانا بود. در میان شعرای متأخر به ابوتراب جلی ارادت خاصی داشت.

از آثار اوست: ***دو قطره اشک*** (۱۳۳۱)؛ ***فکاهیات سهیلی*** (جلد اول، ۱۳۳۲)؛ ***خوشمزگی‌ها*** (در دو جلد)؛ ***نمکپاش*** (جلد دوم فکاهیات، ۱۳۳۳)؛ ***مادر حوا*** (۱۳۳۳)؛ ***خیام و سهیلی*** (مجموعه شعر)؛ ***زنگ تفریح*** (۱۳۳۴)؛ ***الاراجیف*** (۱۳۴۰)؛ ***چوب دو سرطلا*** (۱۳۳۵) و ***دزد ناشی که به کاهدان زد*** (۱۳۳۵)؛ ترجمه ***سخنان حسین بن علی (ع)*** (۱۳۳۵)؛ ***کاروانی از شعر*** (در متن دیگر عنوان این کتاب به صورت ***کاروانی از شعر و موسیقی*** آمده است؛ در ده مجلد)، ***گنجینهٔ سهیلی*** (در سه جلد)؛ ***مشاعره***؛ ***شاهکارهای سعدی***؛ ***بزم شاعران***؛ ***سردبیر گیج*** (داستان، ۱۳۴۱)؛ ***خاطرات یک سگ*** (داستان، ۱۳۴۳)؛ ***یک آسمان ستاره***؛ ***اولین غم و آخرین نگاه***؛ ***اشک مهتاب***؛ ***نگاهی در سکوت***؛ ***در خاطر منی***؛ ***بیا با هم بگرییم***؛ ***سرود قرن***؛ ***چه‌کنم دلم از سنگ نیست***؛ ***چشمان تو در آیینهٔ اشک***؛ ***بوی بهار می‌دهد***؛ ***لحظه‌ها و صحنه‌ها***؛ ***پرواز در آسمان شعر***؛ ***سالنامهٔ امیرکبیر*** (سال اول و سال دوم، ۱۳۳۴ ــ ۱۳۳۵) و ... کتاب ***هزار خوشهٔ عقیق*** وی ناتمام ماند.

وی همچنین در عرصهٔ سینما نیز فعالیت داشت. وی با نوشتن فیلمنامهٔ «شاباجی خانم» از سال ۱۳۳۷ کار خود را آغاز کرد. عمدهٔ فیلم‌های وی به این شرح هستند: «عروس فراری» (۱۳۳۷)؛ «دوقلو» (۱۳۳۸)؛ «کلاه مخملی» (۱۳۴۱)؛ «ابرام در

پاریس» (۱۳۴۳)؛ «بده در راه خدا» (۱۳۵۰).

فعالیت هنری از سال ۱۳۲۹ در رادیو ایران (نویسنده نمایش‌های انتقادی و طنزآمیز) آغاز کرد؛ در مدت همکاری‌اش با رادیو، نویسنده و مجری برنامه‌های رادیویی از جمله: «مشاعره»، «بزم شاعران»، «کاروانی از شعر و موسیقی»، «دریچه به جهان روشنایی» و سرپرست برنامهٔ «بزم شاعران» بود.

مهدی سهیلی به سبب سکتهٔ مغزی در تهران درگذشت.

منابع: تذکرهٔ شعرای معاصر ایران، جلد دوّم/ سید عبدالحمید خلخالی، چاپ اول، ص. ۱۵۸ ـ ۱۶۴. *فرهنگ داستان‌نویسان ایران/* حسن عابدینی، ص. ۹۳. *چهرهٔ مطبوعات معاصر/* غلامحسین صالحیار، ص. ۹۶. *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم/* سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۸۴۹. *شخصیت‌های نامی ایران/* محمد رضا زهتابی، ص. ۲۵۷. *دیدار با شاعران (شامل شرح حال و اشعار برگزیدهٔ چهل تن از شاعران معاصر ایران)/* تهیه و تنظیم علی اکبر دلفی، ص. ۱۴۶ ـ ۱۴۸. *شخصیت‌های نامی ایران/* محمد رضا زهتابی، ص. ۲۵۷. *فرهنگ سینمای ایران/* جمال امید، ص. ۱۴۰. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/* خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۴۰۲ ـ ۴۰۴. «یادی از درگذشتگان»، آدینه، ش. ۱۶ (۱ آبان ۱۳۶۶)، ص. ۵. *شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد دوم/* حسنعلی محمدی، ص. ۵۲۵ ـ ۵۳۵.

سهیلی خوانساری، احمد ۱۸۷

محقق، ادیب، شاعر

تولد ۱۲۹۱، تهران.[۱]

درگذشت ۸ مرداد ۱۳۷۳.

احمد سهیلی خوانساری، فرزند غلامرضا، پس از پایان تحصیلات، بیشتر اوقات خود را صرف تحقیق و پژوهش در متون کهن ادب پارسی کرد. وی سال‌ها ریاست کتابخانهٔ ملک را به عهده داشت.

علاوه بر این تحقیقات ولی غزل نیز می‌سرود. ضمناً به تصحیح متون کهن فارسی و دیوان‌های شاعران ایران نیز می‌پرداخت.

از جمله آثاری که به قلم وی تنظیم شده یا به همت وی تصحیح شده است می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: ***دیوان خواجوی کرمانی؛ دیوان بابافغانی شیرازی؛ دیوان حکیم صفای اصفهانی؛ شهنامهٔ نادری؛ خسرونامهٔ عطار؛ دیوان جلوه؛ ذیل عالم‌آرای عباسی؛ شاهنامهٔ نادری محمد علی فردوسی ثانی؛ محمود و ایاز*** (۱۳۳۲)؛ ***کمال هنر*** (احوال و آثار محمد غفاری ـ کمال الملک)؛ ***حصار نای*** (شرح احوال مسعود سعد سلمان).

منابع: «مرگ غزل‌سرای معاصر»، روزگار وصل، س. ۱، ش. ۱۰ (مهر ۱۳۷۳)، ص. ۴. *گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوّم/* گردآورنده احمد گلچین معانی، ص. ۳۵۱ ـ ۳۶۱. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/* خانبابا مشار، جلد اول، ص. ۴۰۶ ـ ۴۰۷. *گلزار جاویدان، مجلد دوم/* محمود هدایت، ص. ۶۵۸.

شاکر، عباس ۱۸۸

شاعر

تولد ۱۲۹۲.

درگذشت ۱۳۶۸.

عباس شاکر متخلص به «شاکر»، فرزند جعفر، تحصیلاتش را در مدارس قدیم به پایان برد. وی طبعی روان داشت و شعر می‌سرود.

منبع: تذکرهٔ شعرای یزد/ عباس فتوحی یزدی. مؤسسه

---

۱. در *گلزار معانی*، سال ولادت وی ۱۲۹۰ برابر با ذیحجهٔ ۱۳۳۰ ق. ذکر شده است. در *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* نیز ۱۲۹۱ با یک علامت سئوال درج شده است (۱۲۹۱؟).

انتشارات یزد، چاپ دوم ۱۳۷۳، از آغاز تا عصر حاضر. ص ۵۲۷.

شاهرودی، اسماعیل ۱۸۹

شاعر

تولد ۱۳۰۴، دامغان قومس.(۱)
درگذشت ۴ آذر ۱۳۶۰.

اسماعیل شاهرودی متخلص به «آینده» و «بیدار» تحصیلات ابتدایی را در همین شهر و دورهٔ متوسطه را در شاهرود به پایان رساند. پس از آن در تهران مدتی آموزگار و کارمند ادارات فرهنگی بود و در ضمن در دانشکدهٔ هنرهای زیبا، در رشتهٔ نقاشی تحصیل می‌کرد. شاهرودی پس از دریافت لیسانس دبیر و دبیرستان‌های تهران شد و پس از آن مدتی با مؤسسهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا همکاری کرد. فعالیت دیگر او همکاری با دکتر محمد معین در تدوین لغات هنری ***فرهنگ معین*** بود. وی همچنین با برخی از مجلات ادبی هفتگی به عنوان نویسندهٔ ستون‌های انتقاد هنری همکاری داشت. مدتی نیز سردبیر بخش هنری روزنامهٔ «اطلاعات» بود. وی همچنین تحقیقاتی در زمینهٔ فولکلور فارسی انجام داد. شاهرودی همچنین در تهران به‌عنوان کارمند کمیسیون ملی یونسکو فعالیت می‌کرد.

اسماعیل شاهرودی شاعری نوپرداز بود. چند مجموعهٔ شعر نیز از وی به جا مانده است؛ از جمله آثار وی است: ***آخرین نبرد*** (با مقدمه‌ای از نیما یوشیج، ۱۳۳۰)؛ ***آی میقات‌نشین*** (۱۳۵۱)؛ ***آینده*** (۱۳۴۶)؛ ***چند کیلومتر و نیمی از واقعیت*** (مجموعه داستان، ۱۳۰۵)؛ ***م و می در سا*** (۱۳۴۹)؛ ***هر سوی راه راه راه راه*** (۱۳۵۰)؛ تصحیح ***رباعیات باباطاهر عریان همدانی*** از روی نسخهٔ وحید دستگردی به خط عباس مستوفی الممالکی؛ ***داستان‌های شیرین ایرانی*** (با ویراستاری اکرم محرابی، سه جلد)؛ ***لطیفه‌های شیرین***؛ تصحیح ***گلستان سعدی*** با خوشنویسی غلامعلی محبی‌نژاد (۱۳۷۳)؛ ***نمونه‌هایی از انشاء و نامه‌نگاری برای مبتدی***؛ ***نمونه‌هایی از انشاء و نامه‌نگاری***.

اسماعیل شاهرودی در سال‌های آخر عمر خود دچار اختلالات روانی گردید و در یکی از آسایشگاه‌های تهران بستری شد و سرانجام در سال ۱۳۶۰ به‌درود حیات گفت.

منابع: «خاطرهٔ زنده‌یاد اسماعیل شاهرودی را گرامی می‌داریم»، کلک، ص ۱۳۰. ***تذکرهٔ شعرای دامغان*** / محمد علی طاهریا، ص ۱۱۵. ***فرهنگ داستان‌نویسان ایران*** / حسن عابدینی، ص ۹۶ـ۹۷. ***تذکرهٔ شعرای معاصر ایران، جلد دوم*** / سید عبدالحمید خلخالی، ص ۱۷۰ـ۱۷۱. ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد اول*** / سید محمد باقر برقعی، ص ۱۴۱. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد اول، ص ۵۹۶ـ۵۹۷. ***شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد دوم*** / حسنعلی محمدی، ص ۵۵۰ـ۵۵۴.

شجره، سید حسین ۱۹۰

شاعر

تولد ۱۲۷۹ (۱۳۱۷ ق.)، قریه سامان چهارمحال.(۲)
درگذشت ۲۷ فروردین ۱۳۶۱.

سیدحسین شجره، فرزند سید عبدالرسول واعظ،

۱. در کتاب ***فرهنگ داستان‌نویسان ایران*** تاریخ تولد وی ۱۳۰۵ آمده است و تاریخ درگذشت وی نیز ۱۳۶۲ آمده است، اما در کتاب ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** تاریخ تولد وی ۱۳۰۶ آمده است.

۲. در کتاب ***زندگینامه رجال و مشاهیر ایران*** به نقل از کتاب ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** تاریخ و محل تولد وی ۱۲۷۸ در اصفهان ذکر شده است. همین تاریخ در کتاب ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** هم برای تاریخ تولد سید حسین شجره ذکر شده است.

تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان فرا گرفت و تحصیلات عالی را در کالج آمریکایی تهران (البرز) به پایان برد. همچنین دورهٔ دانشکدهٔ حقوق را گذراند و به شغل دبیری و قضاوت پرداخت. مدت‌ها در قهفرخ ساکن بوده و به آموزش و پرورش کودکان و نونهالان اشتغال داشت؛ بعداً به اصفهان و از آن پس به تهران منتقل شد و در خدمت وزارت دارایی داخل گردید. در زمانی که ساکن بختیاری بود «ناهید» تخلص می‌نمود (چنانچه در کتاب ***تذکرهٔ شعرای چهارمحال و جنگ بهترین اشعار*** به همین تخلص مذکور است). در اصفهان «شیوا» تلخیص می‌کرد (چنانچه در کتاب ***نامهٔ سخنوران***، از او به همین تخلص یاد شده است). وی در همه نوع شعر می‌گفت اما طبعش بیشتر به سرودن مثنوی و قصیده مایل بود. اشعار و مقاله‌های او در جراید کشور چاپ و نشر شده است.

از آثار اوست: ***تحقیق در رباعیات خیام فیتز جرالد*** (کریستین سن، ۱۳۲۰)؛ رساله‌ای در ***تعبیر رؤیا و روانشناسی امروز***؛ ***شخصیت مولوی*** (۱۳۱۶)؛ ***روانشناسی***؛ ***علم معانی***؛ ***دوست یابی***؛ ترجمهٔ ***رسالهٔ وجودیه خیام***؛ ترجمه ***رسالهٔ کون خیام***؛ ***علم معاش*** (۱۳۲۲)؛ ***مقدمه بر جغرافیای اقتصادی*** (۱۳۲۸)؛ ***قوای روحی و آیین فرمانروایی*** (چاپ دوم، ۱۳۳۴). علاوه بر اینها، کتابی در بارهٔ ادبیات ایران در ازمنهٔ قبل از اسلام و تا قرن هفتم هجری که در روزنامهٔ «ایران»، تحت عنوان «گلزار ایران» به چاپ رسید و همچنین مقالاتی زیر عنوان «در محفل انس چه شنیدم» که در روزنامهٔ «کیهان» طبع گردید.

منابع: تذکرهٔ شعرای معاصر اصفهان/ سیدمصلح الدین مهدوی، ص. ۲۹۵. *فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز*/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۳۲۹. *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم*/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۹۱۷. *زندگینامه رجال و مشاهیر ایران (۴)*/ حسن مرسلوند، ص. ۱۱۰. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۷۶۰ ــ ۷۶۱. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، «سید حسین شجره»، آینده، س. ۸، ص. ۲۸۱ ــ ۲۸۳.

۱۹۱ شرفکندی، عبدالرحمان

شاعر، مترجم، ادیب، محقق

تولد ۱۳۰۰ (ششم شعبان ۱۳۳۹ ق.)، شرفکند مهاباد. درگذشت ۲ اسفند ۱۳۶۹، کرج.

عبدالرحمان شرفکندی مشهور و متخلص به «هه‌ژار» است. پدر وی از علمای عصر خود بود. او برای نخستین بار در روستای شرفکند (بین مهاباد ــ بوکان) اقدام به تأسیس و تدریس علوم شریعت اسلامی به زبان کردی نمود و طلبه‌های دارالعلوم خود را به نوشتن و خواندن متون کردی به ویژه علوم اسلامی و تعلیمات دینی به زبان کردی ترغیب کرد. عبدالرحمن شرفکندی دوران کودکی را در خدمت پدر خود به تحصیل علوم دینی سپری کرد. در سال ۱۳۱۷ هفده سال بیش نداشت که پدرش در ۶۵ سالگی دار فانی را وداع گفت و مسئولیت خانواده را بر دوش وی نهاد. شرفکندی برای امرار معاش و تأمین مایحتاج زندگی خانواده ناچار به کار کشاورزی روی آورد و در کنار تلاش روزانه برزگری، همچنان به تحصیل نیز می‌پرداخت و در ضمن به مطالعهٔ آثار شعرای کرد و فارس نیز اشتغال داشت. در اوایل دههٔ ۱۳۲۰، در کردستان سازمانی به نام «کومه‌له‌ی ژیانه وه‌ی کوردستان» (سازمان احیای کردستان) که بعدها به «ژ ــ ک» مشهور شد، به‌وجود آمد. این سازمان در سال ۱۳۲۲ اقدام به تأسیس و نشر مجلهٔ کردی زبان «نیشتمان» (میهن) نمود. «هه‌ژار» از نخستین شمارهٔ با این مجله همکاری داشت و نام وی همواره مانند یکی از فعالان کمیتهٔ انتشاراتی این مجله به چشم می‌خورد.

وی با جراید دیگر کردی نیز همکاری داشت، همچنین نوشته‌های وی نه تنها در جراید حزبی بلکه در ماهنامهٔ «کوهستان» که در تهران از سوی یکی از اکراد به نام اسماعیل اردلان منتشر می‌شد، به چاپ می‌رسید. در دوران زمامداری حزب دمکرات و به وجود آمدن جمهوری کردستان نیز از سوی رهبران وقت جمهوری کردستان «هه‌ژار» به لقب «شاعر ملی کرد» مفتخر شد. پس از تسلط قوای حکومت وقت بر منطقهٔ مهاباد، «هه‌ژار» آواره شد و از مهاباد به سوی سقز گریخت تا بلکه از راه بانه و پنجوین خود را به کردستان عراق برساند. اما در سقز شناسایی و دستگیر شد و در راه انتقال به زندان بوکان با پیش آمدن فرصتی از چنگ مأموران گریخت و سرانجام خود را به کردستان عراق رساند. آنجا در منزل شیخ لطیف فرزند شیخ محمود حفیدزاده سکنی گزید و سپس به بغداد عزیمت و در آن شهر به کارهایی چون عکاسی و روزنامه‌نگاری پرداخت. در همان ایام بر اثر ابتلاء به بیماری سل (در سال ۱۹۴۸ م.) برای معالجه راهی لبنان شد و در بیمارستان مسلولین واقع در جبل لبنان بستری گردید. دو سال و اندی در بیمارستان ماند تا رفته رفته حالش رو به بهبود گذاشت. به هنگام بازگشت از لبنان، مدتی در منزل یکی از اکراد سوریه ماند و در آنجا ضمن فراگیری لهجه کردی کرمانجی، اقدام به برگردانیدن کتاب ***مهم وزین*** اثر شاعر کرد، احمدخانی، به لهجهٔ سورانی نمود.

«هه‌ژار» پس از اقامت دو ساله در سوریه راهی مصر شد. از آنجا به شوروی رفت و در باکو به عضویت در آکادمی علوم آذربایجان شوروی در آمد و بخشی از سروده‌ها و اشعارش به ترکی در آن دیار انتشار یافت. پس از مدتی اقامت در شوروی از راه بلغارستان بار دیگر به کردستان عراق بازگشت و تا زمان کودتای ژنرال عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ م. وی همچنان در بغداد به حرفهٔ عکاسی مشغول بود. پس از کودتای قاسم و برگشت مصطفی بارزانی، «هه‌ژار» به وی پیوست و به جنگ با عراق پرداخت. از سال ۱۹۷۱ م. که قرارداد متارکهٔ جنگ بین عراق و رهبری جنبش کرد به امضا رسید، «هه‌ژار» به بغداد برگشت و به عضویت در آکادمی علوم کُرد در آمد و به خدمات ادبی و فرهنگی پرداخت. دوران آسایش «هه‌ژار» چندان طولانی نبود. آتش جنگی دیگر شعله‌ور شد «هه‌ژار» دیگر بار با بارزانی همراه شد و سرانجام پس از حوادث سال ۱۹۷۵ م. با بارزانی به ایران برگشت و در عظیمیهٔ کرج ساکن گردید.

«هه‌ژار» با استاد «هیمن» در ایجاد و تأسیس مرکز نشر فرهنگ و ادب کُرد، انتشارات صلاح‌الدین ایوبی و نشر مجلهٔ کُردی «سروه» فعالیت داشت.

برخی از آثار عبدالرحمان شرفکندی به این شرح هستند: ***بوکوردستان*** (به راه کردستان؛ دیوان شعر)؛ ***آله کوک*** (دیوان شعر)؛ ***به تی سه ره مه‌ر***؛ ***خه بیامی*** (ترجمهٔ ***رباعیات حکیم عمر خیام*** به کردی)؛ ***شه رح دیوان مه لای جزیری*** (تفسیر اشعار دیوان ملا جزیری به شیوهٔ سورانی)؛ ***شه ره قنامه‌ی کوردی*** (ترجمهٔ ***شرفنامه*** بدلیسی به کردی)؛ ***مه م وزین خانی*** (برگردان کتاب شعر ***مه م وزین*** احمد خانی به کردی سورانی)؛ ***هوزی له یَیر کراوی گاوان*** (***عشیره فراموش شده گاوان***، ترجمه از عربی به کُردی)؛ ***قانون ابن سینا*** (در شش جلد، ترجمه از عربی به فارسی)؛ ***عیرفان به راهبه‌ری ئازادی*** (ترجمهٔ ***عرفان در مقابل آزادی*** از دکتر علی شریعتی)؛ ***دایه باوه‌کی خراوه***؛ ***فه رهه نگی فارسی به کوردی*** (ترجمهٔ فرهنگ دو جلدی عمید)؛ ***فه رهه نگی کوردی به فارسی*** (***فرهنگ کردی ــ فارسی*** در دو جلد)؛ ***وشه‌ی کوردی له عه ره بی دا*** (لغات کردی در زبان عربی)؛ ***ئاله کوک*** (منتشره از سوی انجمن فرهنگی شوروی)؛ منظومهٔ ***سه‌ره‌مه‌ر*** (به تقلید سگ

و مهتاب، چاپ سوریه ۱۹۵۷ـ م.)؛ ترجمهٔ ***تاریخ سلیمانیه*** (از عربی به فارسی)؛ ترجمهٔ ***روابط فرهنگی مصر و ایران*** (از عربی به فارسی)؛ ترجمهٔ ***یک درکنار صفرهای بی‌پایان*** (تألیف دکتر علی شریعتی، از فارسی به کردی)؛ ترجمهٔ ***پدر مادر ما متهیم*** (تألیف دکتر شریعتی، از فارسی به کردی)؛ ترجمهٔ ***آری اینچنین بود برادر*** (تألیف دکتر شریعتی، از فارسی به کردی).

از وی چند اثر چاپ نشده نیز باقی مانده است، مانند: ترجمهٔ ***قرآن به زبان کُردی***، ترجمهٔ ***تاریخ اردلان*** به کُردی، ***نامداران کُرد*** و خاطرات او.

عبدالرحمان شرفکندی سرانجام در تقریباً هفتاد سالگی در تاریخ اول اسفند ۱۳۶۹ در کرج درگذشت. پیکر وی در گورستان «بداق سلطان» شهر مهاباد در کنار استاد هیمن به خاک سپرده شد.

منابع: شریفی، احمد. «به یاد عبدالرحمن شرفکندی (هه‌ژار)»، کلک، ش. ۱۳ (فروردین ۱۳۷۰)، ص. ۲۵۲ـ۲۵۵. *دانشمندان کرد در خدمت علم و دین*/ عبدالکریم مدرس، ترجمهٔ احمد حواری نسب، ص. ۶۰۵ـ۶۰۷.

شرقی، فضل‌الله ۱۹۳

شاعر، روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۷۵، شیراز.[۱]

درگذشت شهریور ۱۳۶۱.

فضل‌الله شرقی، فرزند شیخ محمد جعفر، پس از طی ایام کودکی در محضر اساتید وقت، مقدمات و ادبیات فارسی و عربی را آموخت. سپس در سال ۱۲۹۸ به خدمت وزارت معارف وارد شد و در دبیرستان حیات ناظم و معلم شد و تا سال ۱۳۱۲ به این سمت باقی ماند. در آن سال از این کار استعفا کرد و خود آموزشگاهی را به نام «ابن سینا» افتتاح کرد که در مقام مدیریت آن فعالیت می‌کرد.

شرقی از سال ۱۳۱۵ به بعد علاوه بر تعلیم و تدریس از راه نشر و مدیریت روزنامهٔ «عصر آزادی» که صاحب امتیازش جواد آزادی بود، وارد مطبوعات شد. وی چند سالی مدیریت آن روزنامه را به‌عهده داشت. سپس به مدت سی و هشت سال مدیریت روزنامهٔ «پارس» را در شیراز بر عهده داشت و هفته‌ای دو و گاه سه بار آن را در هشت صفحه منتشر می‌کرد. این روزنامه به موضوعات علمی، ادبی، عرفانی و اجتماعی می‌پرداخت و شرح احوال رجال و بزرگان فارس در آن چاپ می‌شد. وی همچنین چند به بار به نمایندگی انجمن شهر شیراز و عضویت در شورای فرهنگ فارس و ریاست انجمن خانه و مدرسه و عضویت در شیر و خورشید سرخ انتخاب شد.

فضل‌الله شرقی با این که عضو هیچ یک از انجمن‌های ادبی نبود ولی گاهی در بعضی از جلسات آن انجمن‌ها شرکت می‌جست و اشعار شاعران عضو انجمن‌های ادب فارس و کانون دانش را در صفحهٔ آخر روزنامهٔ «پارس» چاپ می‌کرد.

وی مدت پنجاه سال هم ریاست دبستان و دبیرستان ملی ابن سینا را داشت.

پیکر وی در جوار آرامگاه شاه داعی الی الله به خاک سپرده شد.

منابع: ***انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)***/ حسن امداد، چاپ اوّل، ص. ۴۴۴ـ۴۴۵. ***دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، جلد سوم***/ محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت»، ص. ۲۴۵ـ۲۴۶. ***چهره‌های آشنا***/ حسین قریشی، ص. ۳۲۴ـ۳۲۵. ***یادنامه سالروز شادروان فضل‌الله شرقی، مرد قلم و قدم***/ عزیز شرقی. ***فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانهٔ ملی ایران***/ بیژن سرتیپ‌زاده با همکاری کبری خداپرست، ص. ۶۲ـ۶۳ و ۱۴۹.

۱. در کتاب ***چهره‌های آشنا*** تاریخ تولد وی ۱۲۷۷ آمده است.

۱۹۳ شریفی، محمدعلی

شاعر

تولد ۱۲۹۰، بوشهر.
درگذشت ۱۳۶۲، تهران.

محمدعلی شریفی فرزند حاج حسن دشتی است که در بحرین به تجارت اشتغال داشت و ریاست جمعیت ایرانیان مقیم بحرین نیز با او بود و نیز مدرسه‌ای در همان جا برای تعلیم و تربیت اطفال ایران تأسیس کرد و آموزگاران ایرانی را از بوشهر به بحرین برد. وی بیش از شش سال نداشت که پدرش زندگی را به‌درود گفت؛ ناگزیر به بوشهر مراجعت کرد و به تحصیل پرداخت. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۰۸ وارد خدمت ادارهٔ گمرک وزارت مالیه گردید و مشاغلی در زاهدان و آبادان و تهران یافت تا بازنشسته گردید.

شریفی از سال ۱۳۱۴ به شعر و شاعری پرداخت و در سرودن انواع شعر طبع‌آزمایی نمود و در تهران با مجامع ادبی ارتباط برقرار کرد و اشعارش در برخی از مجلات به چاپ رسید.

شریفی مجموعه‌ای از اشعار شعرای معاصر را به خط خودشان به‌نام ***یادگار اهل سخن*** گردآوری نمود و دیوان اشعارش نیز به‌نام ***با یار آشنا سخن آشنا*** به طبع رسید (هر دو کتاب پس از فوتش منتشر شدند).

منابع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۹۳۲. *فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/* عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۳۰۹ـ۳۱۰.

۱۹۴ شفیعی، محمود

مدرس

تولد ۳۱ تیر ۱۲۹۳، فرخشهر (قهفرخ).
درگذشت آذر ۱۳۷۲، تهران.

محمود شفیعی، متخلص به «کیوان»، دروس ابتدایی و متوسطه را در فرخشهر و اصفهان فرا گرفت و برای ادامه تحصیلات به تهران آمد و تا پایان عمر هم در تهران زندگی کرد. وی به اخذ درجهٔ لیسانس در حقوق و درجهٔ دکتری در ادبیات فارسی نایل آمد. چند سالی در بانک ملی ایران به خدمت مشغول بود. سپس در دانشگاه‌های ملی، اراک و اصفهان و مدرسهٔ عالی پارس به تدریس ادبیات مشغول شد.

از آثار اوست: ***شاهنامه و دستور*** (برندهٔ جایزهٔ بهترین کتاب سال ۱۳۴۶)؛ ***دانش و خرد***؛ ***شیوهٔ خط و دستور زبان فارسی***. وی اهل شعر و شاعری هم بود.

منبع: کلک، ش. ۴۵ ـ ۴۶ (آذر و دی ۱۳۷۲)، ص. ۳۱۵ ـ ۳۱۶.

۱۹۵ شمس استهباناتی، محمد

شاعر

تولد ۱۲۸۸، استهبان.
درگذشت ۲۳ تیر ۱۳۵۸، شیراز.

محمد شمس استهباناتی معروف به ملاآقا شمس‌الواعظین، فرزند محمد باقر، پس از تحصیلات مقدماتی و کسب فنون ادب به وعظ در منبر مساجد پرداخت. شمس از اوان جوانی شعر می‌گفت و به نام خانوادگی خود «شمس» تخلص می‌کرد و چون از اعضای پیوستهٔ انجمن ادبی حافظ بود، در جلسات آن شرکت می‌جست. شمس غزل می‌گفت و مضامین اشعارش اغلب در مناقب پیامبر و ائمهٔ (ع) است. دو مجموعه از اشعارش یکی به نام ***شاهکار عشق یا شور عاشورا*** که به شکل مثنوی و به سال ۱۳۴۶ در شیراز و دیگری به نام ***منظومهٔ شمس یا جلوهٔ ابدیت*** به سال ۱۳۴۹ در شیراز به چاپ رسید و شامل مثنویات، قصاید، مستزادها و مسمطات طولانی با اوزان مختلف است. وی همچنین اشعار

دیگری به‌خصوص دفتری با گویش محلی تنظیم کرده که چاپ نشده است.

پیکر وی در آستانهٔ سید علاءالدین حسین به خاک سپرده شد.

منبع: *انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)*/ حسن امداد، چاپ اول، ص ۵۴۲ ـ ۵۴۳.

شهدی لنگرودی، محمد ۱۹۶

شاعر

تولد ۱۳۰۹، لنگرود.

درگذشت ۲۴ دی ۱۳۷۱، مشهد.

محمد شهدی لنگرودی، فرزند محمد حسین معروف به شیخ قناد، پس از اتمام تحصیلاتش در دبیرستان علوی به دبیری و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان روی آورد و از همان زمان همکاری خود را با ادارهٔ رادیو و تلویزیون مرکز رشت آغاز کرد.

نخستین مجموعهٔ شعر خود را به نام **شباهنگ** و با مقدمهٔ سید عبدالکریم امیری فیروزکوهی در سال ۱۳۳۸ به چاپ رساند.

در انواع شعر کار کرد تا در غزل‌سرایی مهارت یافت و سبکی را اتخاذ کرد که بین سبک هندی و عراقی است که در حقیقت نه هندی است نه عراقی و شاید بتوان گفت که هم هندی است و هم عراقی. سروده‌هایش در اغلب مجلات پایتخت و روزنامه‌های محلی به چاپ رسیده است.

شهدی لنگرودی در سال ۱۳۷۱ درگذشت. آرامگاه وی در لنگرود قرار دارد.

منبع: *گیلان در قلمرو شعر و ادب*/ ابراهیم فخرایی، چاپ اول، ص ۲۱۳. شعر، س ۱، ش ۱ (فروردین ۱۳۷۲)، ص ۸۰.

شهریار، محمد حسین ۱۹۷

شاعر

تولد ۱۲۸۲، تبریز.[۱]

درگذشت ۲۶ شهریور ۱۳۶۷، تبریز.

سید محمد حسین بهجت متخلص به «شهریار» در خانوادهٔ حاج میرزا آقا خشکنابی، اهل ادب و از سادات و وکلای تبریز، چشم به جهان گشود. ایام کودکی او مقارن با جنبش آزادیخواهان مشروطیت به رهبری ستارخان و باقرخان در تبریز بود و به همین سبب به همراه خانواده‌اش به زادگاه اجدادی یعنی قریهٔ خشکناب کوچید. شهریار دوران کودکی خود را در روستاهای «قیش قورشاق» و «شنگل‌آباد» که در دامنهٔ کوه حیدربابا واقع شده‌اند، گذراند و همیشه از این سال‌ها به‌عنوان بهترین و شیرین‌ترین دوران عمرش یاد می‌کند.

در کودکی با قرآن مجید و دیوان حافظ آشنا شد؛ گلستان سعدی و نصاب‌الصبیان را در مکتبخانهٔ همان روستا نزد پدرش آموخت و پس از اتمام تحصیل علوم حوزه‌ای، سیکل متوسطه را در مدرسهٔ متحده و فیوضات تبریز به‌پایان برد. در سال ۱۳۰۰ برای تکمیل تحصیلات متوسطه به تهران آمد و پس از اتمام تحصیلات متوسطه در مدرسهٔ دارالفنون وارد مدرسهٔ طب شد و پس از پنج سال تحصیل در پی یک جریان عاطفی بدون اخذ دکتری، تهران و دانشکده را ترک گفت و در خراسان وارد خدمت دولت شد. وی در فاصلهٔ سال‌های ۱۳۱۰ الی ۱۳۱۴ در اداره‌های ثبت اسناد مشهد و نیشابور به کار اشتغال ورزید. در نیشابور با کمال‌الملک رفت و آمد داشت و شعر «زیارت کمال‌الملک» را به همین سبب

۱. تاریخ تولد شهریار را در منابع مختلف بین ۱۲۸۲ الی ۱۲۸۵ نوشته‌اند. همچنین در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد وی را ۱۲۸۵ آمده است.

سرود.

در سال ۱۳۱۴، به تهران بازگشت و در بانک کشاورزی به کار اشتغال ورزید. در سال ۱۳۱۹ یعنی سه سال پس از مرگ پدر به زادگاهش تبریز رفت و در این شهر ماندگار شد.

شهریار در سال ۱۳۵۷ هم‌زمان با اوج‌گیری نهضت اسلامی ایران به صفوف مردم پیوست و از آن زمان تا آخرین لحظهٔ عمر با زبان شعر این نهضت را همراهی کرد و مجموعهٔ ***نغمه‌های خون*** حاصل این دوران است. از استاد شهریار به زبان‌های فارسی و ترکی آذری آثار شعری به یادگار مانده است که از جمله می‌توان به مناجات «علی ای همای رحمت»، «ای وای مادرم»، «بیاد پدر»، «پیام به انیشتن»، «بهشت گمشده»، «دختر گل‌فروش»، «دو مرغ بهشتی» (به زبان فارسی) و منظومهٔ ***حیدربابا*** (به زبان آذری که گفته می‌شود به هفتاد و شش زبان ترجمه شده است) اشاره نمود.

شهریار در سال ۱۳۶۷ در مراسم مجتمع هنر و ادبیات دفاع مقدس به دریافت لوح دست‌خط زرین حضرت امام (ره)، دیپلم افتخار و سکهٔ یادبود مجتمع، به‌عنوان برگزیدهٔ شعر نایل آمد.

شهریار در سرودن انواع شعر، خصوصاً غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، دوبیتی و رباعی استاد است و بیشتر آثار او که در قالب‌های سنتی شعر فارسی به رشتهٔ نظم کشیده شده است. از جمله آثار اوست: ***کلیات دیوان*** (چهار جلد، ۱۳۳۶)؛ ***روح پروانه*** (۱۳۰۹)؛ ***صدای خدا*** (۱۳۲۰)؛ ***قهرمانان استالینگراد*** (به زبان فارسی)؛ ***حالا چرا*** (۱۳۲۸)؛ ***منتخبی از دیوان شهریار*** (۱۳۳۳)؛ ***منتخبی از غزلیات شهریار*** (۱۳۳۶) و جزوه‌هایی با عنوان‌های ***سهندیم*** و ***حیدربابا*** به زبان ترکی آذربایجانی؛ استاد شهریار در قالب‌های تازهٔ نیمایی و شعر نو نیز طبع‌آزمایی نموده و اشعاری چون: «دو مرغ بهشتی»، «پیام به انیشتن»، «مومیایی»، «ای وای مادرم» و ... را سروده است. استاد در غزلی با عنوان «شاعر افسانه» ارادت خود را به نیما نشان می‌دهد. در اوایل «بهجت» تخلص می‌کرد ولی بعدها به تفأل از دیوان حافظ، «شهریار» تخلص می‌کند.

محمدحسین شهریار، علاوه بر شعر و شاعری، از موسیقی بهره‌ور بود و با نواختن سه‌تار و گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی ایرانی آشنایی داشت و اشعاری در بارهٔ موسیقی و هنرمندان این رشته سروده است.

پیکر استاد شهریار در مقبرةالشهدا به خاک سپرده شد.

منابع: *آشنایی با نامداران علم و ادب و هنر و تاریخ* / ابراهیم فایقی، ص. ۷ـ۱۳. ***آثار آل قلم، منتخب یازده قرن نظم و نثر فارسی*** / حمید گروگان، چاپ اوّل، ص. ۳۳۹. ***سیمای شاعران*** / حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۱۹۰. ***ادبیات دورهٔ بیداری معاصر*** / نمونه‌ها با تحلیل از دکتر محمد استعلامی، ص. ۴۰۱. ***گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوّم*** / احمد گلچین معانی، ص. ۴۱۶ـ۴۲۴. ***شخصیت‌های نامی ایران*** / محمد رضا زهتابی، ص. ۲۶۶ـ۲۶۷. «شهریار عشق»، روزگار وصل، س. ۱، ش. ۱۰ (مهر ۱۳۷۳)، ص. ۴۸. ***مردان موسیقی سنتی و نوین ایران*** / حبیب‌الله نصیری‌فر، جلد سوّم. ص. ۴۸۲. ***تذکرهٔ شعرای معاصر دههٔ اوّل انقلاب معاصر، جلد اوّل*** / دکتر مصطفی اولیائی. ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم*** / سیدِ محمد باقر برقعی، ص. ۲۱۰۷. ***دیدار با شاعران (شامل شرح حال و اشعار برگزیدهٔ چهل تن از شاعران معاصر ایران)*** / تهیه و تنظیم علی اکبر دلفی، ص. ۱۷۰ـ۱۷۵. ***چشمهٔ روشن، دیداری با شاعران*** / دکتر غلامحسین یوسفی، ص. ۶۳۵ـ۶۴۲. ***فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت*** / به کوشش محمد باقر نجف‌زاده بارفروش، «م. روجا»، ص. ۱۶۲ـ۱۶۵. ***خلوت انس*** / مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، چاپ اوّل، ص. ۲۵۶ـ۲۵۷. ***شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد دوم*** / حسنعلی محمدی، ص. ۶۵۳ـ۶۷۹

شهریاری، اسدالله ۱۹۸

شاعر طنزپرداز، مترجم

تولد ۱۲۹۹، کرمانشاه.

درگذشت ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۲.

اسدالله شهریاری متخلص به «شایان» در کودکی به اتفاق خانوادهٔ خود راهی مشهد شد و همانجا ساکن گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مشهد به پایان رسانید. آنگاه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به شغل آموزگاری مشغول شد. اشعار وی در این زمان در روزنامه‌های مشهد و تهران به چاپ می‌رسید. سپس در تهران، در دانشکدهٔ حقوق به تحصیل پرداخت، اما پس از یک سال انصراف داد و به دانشکدهٔ ادبیات راه یافت. تحصیلات خود را در آن دانشکده به پایان رسانید و در دبیرستان‌ها به عنوان دبیر ادبیات به تدریس پرداخت.

شهریاری در آن هنگام با مطبوعات و از جمله با مجلهٔ «توفیق» همکاری داشت و بیشتر آثار خود را با امضاهای مستعار: «شبکور»، «شایان»، «ش ـ ترسو»، «مشارالیه»، «حسنعلی جعفر»، «فسقلی»، «موشکاف»، «جلّت»، «خنده‌رو»، «شهریار اسداللهی»، «ایشان»، «یره (خراسانی) شوان (کرمانشاهی)»، «یارو»، «آقا معلم»، «معلم‌الاطفال»، «اسد»، «سرخلوتیان»، «قناس‌الشعرا» و غیره انتشار می‌داد. در دوران دکتر محمد مصدق امتیاز روزنامهٔ فکاهی «ما» را گرفت و مدتی نیز به انتشار این روزنامه مشغول شد. وقتی به‌واسطهٔ چاپ یک کاریکاتور روزنامه‌اش توقیف گردید، بلافاصله روزنامهٔ دیگری به نام «شیطان» منتشر کرد. با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روزنامهٔ او تعطیل شد. چندی بعد برای تجدید پروانهٔ انتشار پیگیری کرد ولی دستگیر و به مدت شش ماه در لشکر زرهی زندانی شد. در زندان به کار نگارش احوال و افکار عرفی شیرازی مشغول گردید که در سال ۱۳۳۴ با مقدمهٔ سید عبدالکریم امیری فیروزکوهی منتشر شد. پس از خلاصی از زندان به جمع‌آوری تمبر پرداخت و در خیابان امیریه نزدیک خیابان فرهنگ در مغازهٔ کوچکی اوقات فراغت را به کار خرید و فروش تمبر می‌گذراند. در سال ۱۳۴۶ کتاب جیبی ***تمبرشناسی*** را منتشر ساخت.

وی بیش از بیست سال با رادیو ایران همکاری داشت و مطالب و برنامهٔ فکاهی «صبح جمعه با رادیو» را می‌نوشت. وی علاوه بر همکاری با روزنامهٔ فکاهی «توفیق» در جراید دیگر تهران سلسله مقالات تحقیقی و ادبی می‌نوشت و در اعیاد مذهبی و روزهای سوگواری هم شعرهایی در این زمینه‌ها می‌سرود که از رادیو پخش می‌شد. وی همچنین نویسندهٔ نمایشنامه‌های پلیسی «کارآگاه جانی دالر» در رادیو بود. وی پس از بازنشستگی از خدمت دولت، کتابفروشی کوچکی در چهارراه کیوان، خیابان آذربایجان تهران به‌عنوان سرگرمی تأسیس کرد و دائماً مشغول به ترجمهٔ مطالب مطبوعات قدیمی کشورهای عربی بود.

از آثار اوست: ***ساده‌ترین راهنمای زبان فارسی*** (۱۳۳۴)؛ ***کنت مونت کریستو؛ در راه پیروزی*** (رمان تاریخی، ۱۳۲۰)؛ ***نغمه‌های صحرا*** (اشعار به لهجه مشهدی «خراسانی» ـ کردی ـ تهرانی، ۱۳۶۲)؛ ***احوال و افکار و منتخبات عرفی شیرازی*** (۱۳۳۴)؛ ***تمبرشناسی*** (۱۳۴۶)؛ ***نخستین سالنامهٔ فکاهی در ایران*** (یک جلد)؛ ***نخستین ماهنامهٔ فکاهی در ایران*** (یک دوره)؛ ***زبان مادری*** (دستور، انشاء، املا، ۱۳۵۲)؛ ***دیوان رحمت*** (اشعار مرحوم پدرش، ۱۳۵۵)؛ ***سرگرمی‌ها*** (۱۳۵۶)؛ ***کاروان خنده*** (۱۳۶۲)؛ ***کارآگاه جانی دالر*** (پلیسی، ۱۳۶۲)؛ ***دری وری*** (اشعار فکاهی، ۱۳۶۲)؛ ***دنیا می‌خندد*** (۱۳۶۲)؛ ***آیین نگارش*** (۱۳۶۵)؛ ***نه ماه و نه روز*** (مسائل آبستنی، ۱۳۶۵)؛ ***ارواح و اشباح*** (۱۳۶۵)؛ ***همه بخندیم*** (۱۳۶۹)؛ ***تنظیم خانواده***

(۱۳۶۹)؛ ***وامق و عذرا*** (متن قرن دوازدهم، ۱۳۶۹)؛ ***سرگذشت‌ها*** (۱۳۷۰)؛ ***لکه‌های ننگ بر دامان تاریخ***.

وی شاعری غزل‌سرا و فکاهی‌ساز بود، اما شهرتش بیشتر برای فکاهی‌سرایی اوست.

منابع: خلوت انس / مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، ص. ۲۷۰. *چهرهٔ مطبوعات معاصر* /غلامحسین صالحیار، ص. ۱۰۰ ـ ۱۰۱. *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم*/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۹۰۴. *دیدار با شاعران (شامل شرح حال و اشعار برگزیدهٔ چهل تن از شاعران معاصر ایران)*/ تهیه و تنظیم علی اکبر دلفی، ص. ۱۷۸ ـ ۱۷۹. دریاگشت، محمد رسول، «اسدالله شهریاری»، آینده، س. ۱۹، ص. ۵۲۲ ـ ۵۲۴.

شهری، عباس ۱۹۹

شاعر

تولد ۱۲۸۹، تهران.

درگذشت ۱۳۶۹.

عباس شهری، فرزند اسماعیل، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. پس از گذرانیدن دورهٔ دبیرستان وارد دانشکدهٔ کشاورزی شد و به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۰۸ از آن دانشکده فارغ‌التحصیل گردید و به دریافت لیسانس توفیق یافت. آنگاه به استخدام وزارت کشاورزی درآمد و در سمت‌های مختلفی انجام وظیفه کرد.

عباس شهری در سرودن شعر به مثنوی بیشتر توجه کرد و در حقیقت، هنر او در سرودن مثنوی بود که اغلب دارای جنبه‌های اخلاقی و تربیتی بود. بنا به نقل ***تذکرهٔ منظوم رشحهٔ اصفهانی***، شهری تذکرهٔ منظومی در احوال شعرای زمان خود تألیف کرد. اثر دیگر او ***نتیجهٔ سوء ازدواج*** است.

منابع: دیدار با شاعران (شامل شرح حال و اشعار برگزیدهٔ چهل تن از شاعران معاصر ایران) / تهیه و تنظیم علی اکبر دلفی، ص. ۱۶۴. *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم*/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۲۱۰۲. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۶۵۹.

شیبانی، منوچهر ۲۰۰

شاعر، نقاش

تولد ۱۳۰۳، تهران.

درگذشت آذر ۱۳۷۰.

منوچهر شیبانی، پس از آن که علوم ابتدایی و متوسطه را به پایان رسانید در دبیرستان‌های تهران به تدریس پرداخت و چون به نقاشی علاقه داشت به هنرکدهٔ نقاشی وارد شد و به فراگرفتن این هنر همت گماشت و آثارش مورد توجه هنرمندان ایرانی و خارجی قرار گرفت و سفرهایی به خارج کشور کرد، از آن جمله به ایتالیا رفت تا بتواند هنر نقاشی خود را تکمیل کند.

نخستین مجموعهٔ شعری که از او منتشر شد، به نام ***جرقه*** (۱۳۲۴) بود که شامل شعرهایش از سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸ است. در این مجموعه، شاعر سی و پنج قطعه شعر به سبک نیما ارائه داده بود. از آثار دیگر اوست: ***سراب‌های کویری***؛ ***آتشکدهٔ خاموش***؛ ***میترا و رام***.

منابع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۲۱۲۰. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۳۱۳ ـ ۳۱۴. آدینه، «نمایشگاه نقاشی منوچهر شیبانی، حسین کاظمی»، فردوسی، ش. ۲۱۶ (آبان ۱۳۳۴)، ص. ۱۰ و ۲۵. «با منوچهر شیبانی آشنا شوید»، عبرت، دورهٔ ۶، ش. ۳ (فروردین ۱۳۴۰)، ص. ۶۴ ـ ۶۶. «منوچهر شیبانی و آثارش»، تماشا، دورهٔ ۱، ش. ۱ (اسفند ۱۳۴۹)، ص. ۵۷ ـ ۵۸. «گفت و گویی با منوچهر شیبانی، شاعر و نقاش»، فردوسی، ش. ۲۵۷ (شهریور ۱۳۳۵)، ص. ۱۲.

شیخ‌الاسلامی مکری، سید محمد امین ۲۰۱

شاعر، مؤلف

تولد بهار ۱۳۰۰، لاچین، یکی از روستاهای مهاباد.
درگذشت ۲۹ فروردین ۱۳۶۵.

سید محمد امین شیخ‌الاسلامی مکری متخلص به «هیمن»، فرزند سید حسن، پس از یادگیری قرآن مجید و کتب مقدماتی فارسی و عربی، به مهاباد رفت و مدت چهار سال در خانقاه و مدرسه جد مادریش شیخ یوسف برهان تحصیلات علوم دینی خود را ادامه داد. در همان ایام با «هه‌ژار» که در آن جا به سر می‌برد، هم‌درس و هم‌صحبت شد. بعدها به دستور پدرش به آبادی «کولیجه» راه یافت و مدت چندسالی نزد ملا احمد فوزی مدرس آن جا درس خواند. در سال ۱۳۱۷ به خانهٔ پدری در آبادی «شیلان آوی» بازگشت. روزها کشاورزی می‌کرد و هر سال چند بار به شهر مهاباد می‌آمد؛ در این مسافرت‌ها با رجال شعر و ادب آشنا شد و در جلسات ادبی جوانان آن دیار شرکت جست و اندک اندک مورد توجه قاضی محمد قرار گرفت.

«هیمن» در این ایام جوانی شروع به سرودن شعر نمود. وی در این چنان پیش رفت که در سنین بالا به وی لقب «شاعر وطنی» دادند. هیمن در سال ۱۳۲۳ به عضویت شورای نویسندگان نشریهٔ «نیشتمان» در آمد که به‌طور مخفیانه از سوی جمعی از ادبا و شعرای کُرد علیه رژیم پهلوی انتشار می‌یافت. در سال ۱۳۴۴ پدرش دار فانی را وداع گفت و دو سال بعد از آن مادرش درگذشت. به سال ۱۳۴۷ به علت مشاهدهٔ ستم‌های اعمال شده به کردها، خانه و زندگی را ترک گفت و سال‌ها در بلاد غربت متواری و آواره بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به وطن بازگشت و خدمات ادبی و اجتماعی و فرهنگی خود را از سرگرفت که از جملهٔ آنها انتشار مجلهٔ «سروه» به زبان کردی است که در شهر ارومیه چاپ و توزیع می‌گردد. استاد هیمن پس از ۶۵ سال زندگی، بر اثر سکتهٔ قلبی در بیست و نهم فروردین ۱۳۶۵ درگذشت. آثار چاپ شدهٔ وی به این شرح است: ***تاریک و روون*** (دیوان شعر)؛ ***ناله‌ی جودایی*** (شعر)؛ ***پاشه روک*** (مجموعهٔ مقالات و اشعار)؛ ***بازنویس تحفهٔ مظفریه*** (از رسم الخط لاتینی به کردی)؛ ***ته‌لای دمدم***؛ ***شازاده وگه‌دا***؛ ***هه واری خالی***.

سید محمد امین شیخ اسلامی در سن شصت و پنج سالگی بر اثر سکتهٔ قلبی درگذشت.

منبع: تاریخ مشاهیر کرد عُرفا، عُلما، اُدبا، شُعراء، جلد دوم/ بابا مردوخ روحانی «شیوا»، ص. ۴۸۲. کیهان سال، دورهٔ جدید، ش. ۱، ج. ۱، هنر و ادبیات، ص. ۲۳.

شیرازی، عزیز ۲۰۲

شاعر

تولد ۱۳۰۷، شیراز.
درگذشت ۲۵ آبان ۱۳۶۸.

عزیز شیرازی سال‌ها در اروپا و آمریکا به تحصیل حقوق سیاسی پرداخت. پس از بازگشت به ایران به خدمت دولت مشغول شد و در انجمن شب‌های شیراز شرکت می‌کرد. دکتر شیرازی در خانهٔ خود هر دو هفته‌ای یک بار انجمن ادبی تکمیل می‌داد که تعدادی شاعران نظیر مهدی حمیدی شیرازی، کاظم پزشکی و حبیب‌الله ذوالقدر متخلص به «تابناک» در آن شرکت می‌کردند.

کالبد وی در شیراز در جوار آرامگاه شاه داعی الی الله به خاک سپردند.

منبع: انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)/ حسن امداد، چاپ اوّل، ص. ۳۹۷.

۲۰۳ صادقی، بهرام

داستان‌نویس

تولد ۱۳۱۵، نجف‌آباد اصفهان.

درگذشت ۱۶ دی ۱۳۶۳، تهران.

بهرام صادقی تحصیلات ابتدایی را در دبستان‌های منوچهری و دهقان نجف‌آباد انجام داده است. تحصیلات دبیرستانی را در دبیرستان ادب اصفهان به پایان رساند و از آن پس وارد دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۶ دکترای طب گرفت.

وی در طول دههٔ ۱۳۳۰ مشغول داستان‌نویسی شد. کارهای اصلی خود را در سال‌های ۱۳۳۵ ـ ۱۳۴۱ نوشت. از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***رمان ملکوت*** («کیهان هفته»، ۱۳۴۱)، مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه با نام ***سنگر و قمقمه‌های خالی*** (۱۳۴۹).

صادقی در سال ۱۳۳۷ یک چند جزو هیئت نویسندگان مجلهٔ «صدف» بود. داستان‌های کوتاه او در مجله‌های ادبی و ماهنامه‌های مختلف نظیر «سخن»، «صدف»، «فردوسی»، «جگن» و «جهان نو» چاپ شده است.

وی اهل شعر نیز بود. شعرهای او از همان ابتدا با نام مستعار «صهبا مقداری» چاپ شده است. «صهبا مقداری» از حروف درهم ریخته بهرام صادقی پدید آمده است. فعالیت وی در زمینهٔ شعر دو دوره متفاوت و مشخص داشته است. دورهٔ اول شامل اشعار اجتماعی و سیاسی و معطوف به حوادث اجتماعی روز بوده است و این گونه اشعار همه در مجله «امید ایران» (دورهٔ نخست) و بعضی مجموعه‌های شعر منتشر شده است. دورهٔ دوم شامل اشعاری است با محتوی و زمینه‌های متنوع، و اشعار این دوره بیشتر در کتاب «کتاب هفته»، «فردوسی»، «سخن» و «صدف» چاپ شده است.

*منابع: **فرهنگ داستان‌نویسان ایران** /حسن عابدینی، ص. ۱۰۵. **طنزآوران امروز ایران** / بیژن اسدی‌پور، عمران صلاحی، چاپ سوم، ص. ۲۵۸.*

۲۰۴ صالحی سمنانی، عبدالله

شاعر

تولد ۱۲۸۵، سمنان.

درگذشت خرداد ۱۳۶۲.

عبدالله صالحی سمنانی که در شعر به نام‌های «صالحی» و «آشنا» تخلص می‌کرد، تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش به پایان برد. سپس به تهران آمد و ساکن این شهر شد و در وزارت کشاورزی استخدام گردید.

حماسهٔ کاوهٔ آهنگر از نخستین آثار شعری اوست که در شیوهٔ مثنوی سروده است. ***سرود ناتمام*** مجموعه‌یی از آثار او است که در سال ۱۳۵۳ چاپ شده است.

*منابع: **خلوت انس** / مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، چاپ اوّل، ص. ۲۷۳. سالور، رضاقلی (شهرام)، «وفات دو شاعر»، آینده، س. ۹، ص. ۴۸۸.*

۲۰۵ صدرایی، ابوالقاسم

محقق، نویسنده

تولد ۱۲۸۱، تبریز.

درگذشت ۱۳۶۲، تبریز.

ابوالقاسم صدرایی در مدرسه‌های اتحاد نوبر، فیوضات، تمدن و محمدیه تحصیل نمود. در سال ۱۳۰۰ وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و در کلاس‌های متوسطه تبریز به تدریس اشتغال داشت. تا سال ۱۳۱۶ در دارالمعلمین تبریز و دبیرستان

فردوسی و دارالمعلمات تبریز و سپس به دبیری دانشسرای ایراندخت و شاهدخت انجام وظیفه نمود. در سال ۱۳۲۵، به ریاست دانشسرای دختران تبریز منتقل و سه سال بعد به ریاست دایرهٔ تبلیغات و انطباعات ادارهٔ فرهنگ تبریز انتقال یافت و ضمناً در دانشسرای پسران و دبیرستان فردوسی نیز معلم بود. وی مدت پانزده سال سردبیری و مدیریت و کفالت روزنامهٔ «تبریز» را به‌عهد داشت و همچنین در این بین سردبیری روزنامهٔ «آریا» و سردبیری و مدیریت روزنامهٔ «صدای آذربایجان» را دارا بود. طبع شعری هم داشت و اشعاری هم می‌سرود. از آثار وی است ***املاء فارسی نو*** (تبریز، ۱۳۱۵)؛ ***انگشتر الماس*** (دو جلد)؛ ***تاریخ ایران*** (تبریز، ۱۳۴۷ ق.)؛ ***تاریخ فرهنگ آذربایجان*** (دو جلد، تبریز، ۱۳۳۲ ـ ۱۳۳۴)؛ ***ترش و شیرین*** (تبریز، ۱۳۱۹)؛ ***تفریحات علمی*** (دو جلد)؛ ***جغرافیا*** (دورهٔ اول، ۱۳۴۳ ق.)؛ ***دختران سپهر*** (چهار جلد، تبریز)؛ ***دستور نگارش، املاء*** (تبریز، ۱۳۱۹)؛ ***دستور نویسندگی*** (تبریز، برای کلاس پنجم و ششم؛ ۱۳۳۳)؛ ***شهر کامرانی*** (تبریز)؛ ***نوای دل*** (مجموعه شعر، تبریز، ۱۳۲۳)؛ ***نوشتن*** (مجموعهٔ بیست داستان ادبی، با مشارکت مهدی روشن‌ضمیر، عبدالعلی کارنگ، تبریز، ۱۳۳۶).

*منابع: **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۷۰۱ ـ ۷۰۴ (به نقل از شرح حال ۶۳ نفر از فرهنگیان آذربایجان، تاریخ جراید و مجلات، جلد ۲ و ۴، ص. ۱۰۲ و ۱۴۱). ***یاد یاران (گلگشت یاد یاران)*** / دکتر مهدی روشن ضمیر، ص. ۸۷ ـ ۹۴.

صدقیانی، محمد تقی (امیر) ۲۰۶

مدرس، مترجم

تولد ۱۳۰۲، سبزوار.

درگذشت ۱۳۶۲.

محمد تقی (امیر) صدقیانی پس از طی دورهٔ تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۲۵ موفق به دریافت دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی از آن دانشگاه گردید. وی از سال ۱۳۲۵ با سمت دبیر تاریخ و ادبیات انگلیسی در ادارهٔ فرهنگ خراسان استخدام شد. سپس از سال ۱۳۳۱ در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه مشهد و از سال ۱۳۴۷ در دانشگاه تهران به تدریس زبان انگلیسی پرداخت.

از جمله آثار وی است: ترجمهٔ کتاب ***شیوه‌های نقد ادبی*** (با همکاری غلامحسین یوسفی، این کتاب برگزیدهٔ ششمین دورهٔ کتاب سال شد)؛ جزوه‌های گرامر انگلیسی.

منبع: گزارش ششمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران.

صفاری، فتح‌الله ۲۰۷

شاعر

تولد ۱۲۸۸، لاهیجان.[۱]

درگذشت ۱۳۶۱، ساری.

فتح‌الله صفاری، فرزند میرزا موسی‌خان، معروف به «منشی»، در کودکی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی مادرش قرار گرفت. وی پس از فرا گرفتن علوم مقدماتی، چندی نیز به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. از آن پس در آموزشگاه اختصاصی وزارت پست و تلگراف ثبت نام نمود و پس از گذراندن دورهٔ تخصصی و اخذ گواهینامه به استخدام آن وزارتخانه درآمد و آخرین موقعیت شغلی او در ساری، معاونت ادارهٔ پست و تلگراف بود. وی سرانجام پس از سی و دو سال خدمت بازنشسته گردید.

۱. در کتاب ***سخنوران نامی***، محل تولد وی رشت آمده است.

فتح‌الله صفاری اوقات خود را پس از دوران بازنشستگی بیشتر به مطالعهٔ کتاب و سرودن شعر می‌گذراند و سال‌ها در انجمن ادبی شهر ساری با سمت منشی و پس از آن ریاست انجمن خدمت کرد. آثارش در جراید و مجلات «باغ صائب»، «کتاب برگ سبز» و «ارمغان» انتشار یافته است. دیوانش متجاوز از پنج هزار بیت است که به چاپ نرسیده و نیز کتابی به نام ***شکوفه‌هایی از ادبیات مازندران*** تألیف کرد و شامل سروده‌های شعرای مازندران به زبان فارسی و محلی بود. وی بیشتر غزل می‌سرود.

فتح‌الله صفاری در سال ۱۳۶۱ در ساری به‌درود زندگی گفت.

*منابع: **سخنوران نامی معاصر ایران، جلد چهارم**/* سید محمد باقر برقعی، ص. ۲۳۲۹. ***گیلان در قلمرو شعر و ادب***/ ابراهیم فخرائی، چاپ اوّل، ص. ۲۶۵.

شاعر

تولد ۲ دی ۱۳۲۶، سیرجان.

شهادت ۲۰ آذر ۱۳۶۴، هورالعظیم.

ماشاءالله صفاری متخلص به «بندی سیرجانی» از اوان کودکی در مکتب‌خانه‌ای که مادرش مدرس آن بود با ***قرآن*** و کتب مذهبی و ادبی از جمله ***دیوان حافظ*** و ***دیوان صحبت لاری*** آشنا شد، به‌طوری که قبل از ورود به مدرسه، آیاتی از ***قرآن*** و ابیاتی از ***دیوان حافظ*** را حفظ کرده بود. خود نیز در این دوران شعر می‌گفت و دیگران یادداشت می‌کردند. او بیشتر فی‌البداهه شعر می‌گفت و کتابی بنام ***سرقت‌نامه*** به رشته تحریر درآورده است. صفاری در سال ۱۳۵۴ با معرفی دو تن از شاعران کرمانی به انجمن خواجوی کرمانی راه یافت.

ماشاءالله صفاری در زمان اوج‌گیری انقلاب اسلامی در پی آشنایی با شهید نصیری در مبارزه بر علیه رژیم پهلوی مصمم‌تر شد و با اشعار خود نقش به‌سزایی در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی داشت. سرانجام ایشان همراه با شعرای دیگر استان کرمان به تاریخ یازدهم آذر ۱۳۶۴ با کاروان تبلیغی عازم جبهه‌های دفاع مقدس شد و در تاریخ بیستم آذر ۱۳۶۴ در هورالعظیم به شهادت رسید.

*منابع: **شهیدان شاعر**/* به کوشش مرکز پژوهش‌های فرهنگی بنیاد شهید، زیر نظر نصرالله مردانی، ص. ۱۸۵. ***یادهای سبز (یادی از شاعران سفر کرده: مهرداد اوستا، سپیدهٔ کاشانی، سلمان هراتی، احمد زارعی، آرش باران‌پور، رخشا و بندی سیرجانی)***/ به کوشش علیرضا قزوه، چاپ اوّل، ص. ۳۸. ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان***/ فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

شاعر

تولد ۱۳۱۴، همدان.

درگذشت شهریور ۱۳۷۲، تهران.

اسماعیل صفریان متخلص به «نافذ همدانی» در نوجوانی به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر به سر برد. «نافذ همدانی» به کسب و تجارت ــ در بازار تهران ــ اشتغال داشت. وی همچنین اهل شعر و شاعری بود و کتابخانه‌ای کوچک داشت و از مطالعهٔ آثار ادبی بهره می‌برد. وی از همان دوران جوانی به بعد با استادانی چون مهرداد اوستا، کیوان سمیعی، محمد رضا حکیمی و مشفق کاشانی ارتباط داشت و در انجمن‌ها و محافل ادبی شرکت می‌کرد. آنچه می‌سرود در قالب غزل، قصیده و مثنوی بود. از این شاعر مجموعه‌ای شعر به یادگار بر جای مانده است.

اسماعیل صفریان در شهریور ۱۳۷۲ درگذشت و

در کنار مهرداد اوستا، مجتبی مینوی، کیوان سمیعی و محمد حسین مشایخ فریدنی به خاک سپرده شد (بهشت زهرا، حجرهٔ ۹۵۳).

منبع: *یادنامهٔ استاد مهرداد اوستا (ضمیمهٔ فصلنامهٔ «تاریخ و فرهنگ معاصر»)*/ به کوشش محمد حسین رحمانی با همکاری هیئت نظارت «تاریخ و فرهنگ معاصر»، ص ۳۶۸.

ضیاءالدینی، محمد جمیل ۲۱۰

شاعر

تولد ۱۳۰۴ (۱۳۴۴ ق.)، سنندج.

درگذشت ۱۳ اسفند ۱۳۶۲، سنندج.

شیخ محمدجمیل ضیاءالدینی، فرزند شیخ محمد شریف بن شیخ محمد سلیم «سالم» بن شیخ احمد مردوخی، در دو سالگی پدرش را از دست داد و تحت تربیت و تعلیم عمویش شیخ احمد ضیاءالدینی قرار گرفت و تحصیلات خود را در مکتب‌ها و مدرسه‌های دینی تا حدی به انجام رسانید و پس از آن به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و تا زمان بازنشستگی مشغول به تدریس بود.

محمد جمیل ضیاءالدینی به ادبیات عشق می‌ورزید و خود نیز از ذوق شعری برخوردار بود و «جمیل» تخلص می‌کرد.

منبع: *تاریخ مشاهیر کرد عُرفا، عُلما، اُدبا، شُعراء، جلد دوم*/ بابا مردوخ روحانی «شیوا»، ص ۴۵۲

طاهایی میبدی، سید محمد ۲۱۲

شاعر

درگذشت ۱۳۶۲.

سید محمد طاهایی میبدی صاحب کتابی است به نام ***جلوهٔ محبوب*** یا ***دیوان مجذوب***، شامل اشعار عرفانی است که به سال ۱۳۵۲ با مقدمهٔ محمود شاهرخی در تهران به چاپ رسیده است.

منبع: *تذکرهٔ شعرای یزد*/ عباس فتوحی یزدی، چاپ دوم، ص ۲۹۹.

طاهری، هوشنگ ۲۱۳

مدرس، مترجم، منتقد

تولد ۱۳۱۳، اهواز.

درگذشت ۲۱ اسفند ۱۳۶۹، تهران.

هوشنگ طاهری دارای مدارج دکترایِ تاریخ هنر از اتریش، مهندسی اقتصاد کشاورزی از آلمان و تحصیل موسیقی در کنسرواتوار وین بود. در سال ۱۳۴۶ به ایران آمد و در زمینهٔ هنر و ادب، به نقد، پژوهش و آموزش پرداخت. با مطبوعات همکاری داشت. ابتدا دبیر هنری مجلهٔ «سخن» بود. سپس سردبیر آن شد. طاهری در دانشگاه شهید بهشتی، دانشکدهٔ هنرهای دراماتیک، دانشکدهٔ صدا و سیما و مجتمع دانشگاهی هنر در رشتهٔ سینما تدریس می‌کرد.

او از پیشگامان ترجمهٔ فیلمنامه‌های آثار مدرن سینما بود. از آثار اوست: ***رئالیسم در ادبیات هنر*** (از ژان پل سارتر)؛ ***هنر اسلامی*** (از ارنست کونل)؛ ***خاکستر و الماس*** (از یرژی آندره‌یوسکی)؛ ***داستان‌های نوین آلمانی***؛ ***تاریخ سینمای هنری*** (نوشتهٔ اولریش گرگور و انو پاتالاس؛ برندهٔ جایزه بهترین کتاب سال در رشتهٔ هنر، ۱۳۷۰)؛ ***توت‌فرنگی‌های وحشی*** (اینگمار برگمن) ***زندگی*** (اکیرا کوروساوا)؛ ***صحرای سرخ*** (میکل آنجلو آنتونیونی)؛ ***ام M ـ قاتل*** (فرتیس لانگ)؛ ***مهر هفتم*** (اینگمار برگمن)؛ ***ویریدیانا*** (لوئیس بونوئل)؛

هنر اسلامی (ارنست کوئل)؛ ***همچون در یک آینه*** (اینگمار برگمن)؛ ***هیروشیما، عشق من*** (آلن رنه مارگریت دوراس).

طاهری سال‌ها ویلون می‌نواخت و نقاشی را می‌ستود؛ مجموعه‌ای نفیس از تابلوها و کتاب‌های نقاشی را گرد آورده بود. اهل شعر و داستان بود. شعرهایی سروده بود و آنها را برای دوستان می‌خواند. همچنین نقدهایی بر فیلم‌های سینمایی نوشته بود. در بارهٔ سینما مطالبی برای مجلات یا روزنامه‌ها ترجمه می‌کرد یا تألیف می‌نمود. ضمناً در تلویزیون برنامهٔ «سینما» را تهیه و اجرا می‌کرد. وی از جشنوارهٔ سوم سینمای آزاد به بعد یکی از داوران سینمای آزاد بود.

هوشنگ طاهری در تهران در بزرگراه آیت‌الله صدر بر اثر تصادف درگذشت. پیکر وی در آرامگاه خانوادگی‌اش در امامزاده عبدالله به خاک سپرده شد.

منابع: «درگذشت دکتر هوشنگ طاهری»، کلک، ش. ۱۳ (فروردین ۱۳۷۰)، ۲۵۶. «هوشنگ طاهری، روحت شاد». کلک، ش. ۱۳ (فروردین ۱۳۷۰)، ص. ۲۴۳. «بزرگداشت هوشنگ طاهری»، فیلم، ش. ۱۰۵ (اردیبهشت ۱۳۷۰)، ص. ۲۵. ***فرهنگ سینمای ایران*** / حمید شعاعی، ص. ۴۲۵. «دکتر هوشنگ طاهری»، آینده، س. ۱۷، ص. ۱۹۱ ـ ۱۹۲.

۲۱۴ طاهری عراقی، احمد

مدرس، محقق

تولد ۱ اسفند ۱۳۲۲، اراک.

درگذشت ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۰، تهران.[۱]

احمد طاهری عراقی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۳۴۴ موفق به اخذ دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۴۵ شروع به کار در بنیاد فرهنگ ایران نمود. پس از طی دورهٔ نظام وظیفه، در مرکز خدمات کتابداری مشغول به کار شد و در سال ۱۳۵۱ برای تحقیق در رده‌بندی کتب علوم اسلامی ابتدا عازم مشهد و سپس مصر شد. وی تا سال ۱۳۴۸ با این مرکز همکاری داشت.

در سال ۱۳۵۶ به دانشگاه ادینبورو انگلستان وارد شد و تحصیلات عالیهٔ خود را در همانجا ادامه داد. ضمناً در این دانشگاه به تدریس ***مثنوی*** مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و ***دیوان حافظ*** نیز مشغول بود. در سال ۱۳۶۱، موفق به اخذ درجهٔ دکتری در رشتهٔ ادبیات عرب شد و دو سال بعد در مهر ۱۳۶۳ به ایران بازگشت و با بنیاد دایرةالمعارف اسلامی شروع به همکاری نمود. در این مدت وی در انتشار هشت شماره از نشریهٔ «تحقیقات اسلامی» (در پنج دفتر) همکاری داشت. از سال ۱۳۶۴، نیز شروع به تدریس متون ادیان و عرفان در دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران نمود. ضمناً ایشان در سرپرستی انتشار نخستین جزوهٔ ***دانشنامهٔ جهان اسلام*** (حرف ب، جزوهٔ اول) به‌عهده داشت و مقدمات چندین جزوهٔ دیگر را نیز فراهم آورد.

از جمله آثار وی، علاوه بر مقاله‌های وی که در «نامهٔ انجمن کتابداران ایران» و «نشر دانش» و «معارف» و «مقالات و بررسیها» و مقاله‌های وی که در ***دانشنامهٔ جهان اسلام*** («ب در زبان عربی» و «ب در عرفان اسلامی») به چاپ رسیده‌اند، می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود: ***رده‌بندی دهدهی دیویی: اسلام*** (۱۳۵۳؛ ۱۳۶۳)؛ ***ردهٔ BP: اسلام (علوم دینی اسلام در نظام رده‌بندی کتابخانهٔ کنگره)*** (۱۳۵۸)؛ مقدمه و حواشی و تصحیح ***رسالهٔ قدسیه، از کلمات بهاءالدین نقشبند*** (از خواجه احمد پارسا، ۱۳۵۴)؛ ***رده‌بندی دهدهی دیویی: زبان‌های ایرانی*** (۱۳۵۰؛

۱. در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ درگذشت وی ۱۳۷۲ ذکر شده است.

۱۳۶۶)؛ *رده‌بندی دهدهی دیوئی: ادبیات ایرانی* (۱۳۵۱؛ ۱۳۶۳)؛ همکاری در تصحیح *نصیحة الملوک غزالی* (به تصحیح جلال‌الدین همایی، ۱۳۵۴).

منبع: ویژه‌نامهٔ دکتر احمد طاهری عراقی، تحقیقات اسلامی، س. ۶، ش. ۱ و ۲ (۱۳۷۰)، ص. ۱ ـ ۴۷۶.

طاهریا (سمنانی)، محمد علی ۲۱۵

طنزپرداز، شاعر

تولد ۱۵ آذر ۱۳۰۸، سمنان.

درگذشت تیر ۱۳۶۶، سمنان.

محمدعلی طاهریا، متخلص به «طاهر»، معروف به طاهر سمنانی، فرزند حاجی طاهرخان، پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سمنان در وزارت فرهنگ به کار مشغول گردید و سال‌ها به عنوان آموزگار در دامغان و سمنان به تدریس اشتغال داشت. وی همچنین از عارفان طریقه نعمت‌الهی سلطانعلیشاهی بود. در سال‌های آخر خدمت، رییس ادارهٔ آموزش و پرورش سنگسر سمنان شد. در سال ۱۳۵۸ از خدمت برکنار گردید و تا پایان عمر در سمنان به مطالعه و دستگیری درویشان نعمت‌اللهی گنابادی اشتغال داشت.

در زمینهٔ شعر، در ابتدای جوانی به سرودن شعر سمنانی علاقه‌مند بود و چند شعر به گویش سمنانی از او منتشر شده است. سپس به کارهای طنز و فکاهی روی آورد. اشعار فکاهی وی در مطبوعات طنز تهران با امضاهای «قرتی الشعرا» و «طاهریا» به چاپ می‌رسید. پس از این بود که به سوی تصوف گرایش یافت و به تحقیق در آثار عرفانی و تحقیقی پرداخت.

فهرست آثار وی به شرح زیر است: *بخوان و بخند* (۱۳۳۷)؛ *ترانه‌ها و فولکلور دامغان* (۱۳۴۴)؛ *تذکرهٔ شعرای دامغان* (۱۳۳۷)؛ *شجرهٔ خانوادهٔ طاهری سمنان* (۱۳۴۷)؛ *دروازه هزار سال شاهنشاهی و اروند رود* (۱۳۴۷)؛ *ایران، جهان باستان و کوروش کبیر* (۱۳۴۹)؛ *زندگی شجاع لشکر دامغانی و قتل امیر اعظم* (۱۳۴۹) و برخی رساله‌های دیگر.

محمد علی طاهریا سرانجام به سال ۱۳۶۶ در سمنان زندگی را به‌درود گفت.

منابع: *فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز* / عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۳۶۸ (شرح احوال و نمونهٔ اشعار او در *تاریخ قومس* و *تاریخ سمنان* تألیف رفیع). *تذکرهٔ شعرای دامغان* / محمد علی طاهریا، ص. ۱۶۲. نوح، نصرت‌الله، «محمد علی طاهریا (سمنانی)»، *آینده*، س. ۱۳، ص. ۵۳۵ ـ ۵۳۶.

طباطبایی، سید محمد ۲۱۶

محقق، مورخ، ادیب، شاعر

تولد ۲۶ خرداد ۱۲۸۱، قریه گزلاازقراء سفلای اردستان (زواره).

درگذشت ۲۷ مرداد ۱۳۷۱.

سید محمد طباطبایی، متخلص به «محیط» مشهور به محیط طباطبایی زواره، فرزند سید ابراهیم طباطبایی متخلص به «فنا»، از شش سالگی در مکتب حاج حسن زواره در قصبهٔ زوارهٔ اردستان به تحصیل مشغول شد و در سال ۱۲۹۷ وارد مدرسهٔ لطفعلی‌خان ترشیزی شد و قریب یک سال نیز در مدرسهٔ کاسه‌گران اصفهان به فراگیری دروس نو و تحصیل زبان فرانسوی پرداخت و پس از گذراندن دورهٔ آموزش به زواره بازگشت و در مدرسهٔ ابتدایی سادات به تدریس پرداخت. آنگاه در سال ۱۳۰۲ به تهران آمد و دورهٔ ادبی را در دارالفنون به پایان رساند و سپس در مدرسهٔ حقوق سرگرم تحصیل شد و علم

حقوق را فرا گرفت. سپس به استخدام وزارت معارف در آمد و سال‌ها در دبیرستان‌ها و از جمله در دارالفنون و مؤسسه‌ها و دانشگاه‌های کشور به تدریس اشتغال داشت و در کنگره‌هایی نیز شرکت کرد. در طی این سال‌ها بارها از مقام علمی وی تجلیل به عمل آمد. از جمله، دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۵۵ به پاس تلاش‌های ارزشمندش به او درجهٔ دکترایِ افتخاری اعطا کرد. وی همچنین عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود. در سال ۱۳۲۸ نیز به سمت رایزن فرهنگی در جنوب و غرب آسیا مأموریت یافت و در سال ۱۳۳۸ بازنشسته گردید.

خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۰۰ به‌صورت نویسندهٔ آزاد مطبوعات آغاز نمود. وی مطالبش را با نام مستعار «سیمرغ» امضا می‌کرد. همچنین با نشریات هم همکاری می‌نمود و مدت‌ها مدیریت مجله‌های «دولت»، «آموزش و پرورش» و «موسیقی» را به‌عهده داشت. وی همچنین مجلهٔ «محیط» را دایر نمود.

دکتر طباطبایی به زبان‌های عربی، فرانسوی، انگلیسی، پهلوی، سغدی، خوارزمی، اوستایی و سریانی نیز آشنایی داشت. وی سال‌ها به سرودن شعر می‌پرداخت. در سال ۱۳۵۸ به مناسبت پنجاهمین سال فعالیت‌های تحقیقی و فرهنگی استاد طباطبایی، کتابی به‌نام ***محیط ادب*** شامل سی مقالهٔ تحقیقی از محققان به کوشش حبیب یغمایی و سید جعفر شهیدی و دکتر باستانی پاریزی و ایرج افشار از طرف هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور در تهران منتشر گردید.

محیط طباطبایی در طول عمر خود، بیش از چهل کتاب و دو هزار مقاله و رساله و شش‌صد خطابه و سخنرانی (فهرست سخنرانی‌های او از رادیو ایران از شهریور ۱۳۳۸ تا مرداد ۱۳۵۷ در مجلهٔ «آینده»، سال نوزدهم صفحهٔ ۲۴۳ آمده است) دارد. برخی از آثار وی عبارتند از: ***تاریخ اعزام محصل به اروپا؛ دوران نادر؛ زندگی محمد زکریای رازی؛ تاریخ تحول نثر فارسی در قرن سیزدهم؛ تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران؛ نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین؛ آثار میرزا ملکم خان؛ شرح حال فردوسی؛ جغرافیای نو؛ راهنمای تاگور شاعر و فیلسوف هندی؛*** تصحیح و مقدمهٔ ***دیوان حافظ؛*** تصحیح و مقدمهٔ ***گلستان سعدی؛ خیام یا خیامی؛ تطور حکومت در ایران بعد از اسلام؛ آنچه در بارهٔ حافظ باید دانست.***

دکتر طباطبایی سرانجام در سال ۱۳۷۱ در پی یک بیماری قلبی چشم از جهان فرو بست.

منابع: «استاد محیط طباطبایی به سرای باقی شتافت»، کیهان فرهنگی، س. ۹، ش. ۶ (شهریور ۱۳۷۱)، ص. ۵۵. روزگار وصل، س. ۱، ش. ۸ و ۹ (مرداد و شهریور ۱۳۷۳)، ص. ۶۴. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر***/ غلامحسین صالحیار، ص. ۳۷. ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد پنجم***/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۳۱۹۸ ـ ۳۱۹۹. «مراسم اولین سالگرد درگذشت استاد محیط طباطبایی برگزار شد»، کلمه، ش. ۶ (۱۳۷۲)، ص. ۶۳. «گرامی‌داشت سومین سالگرد درگذشت استاد محیط طباطبایی»، گزارشنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ش. ۲ (آبان و آذر ۱۳۷۴)، ص. ۳۲ ـ ۳۷.

ادیب، محقق

تولد ۱۲۸۱ (۱۳۱۵ ق.)، اردکان (قریهٔ گزلازقرا، سفلای اردستان).

درگذشت ۱۳ مهر ۱۳۷۲، تهران.

سید محمود طباطبایی اردکانی دارای درجهٔ کارشناسی در رشتهٔ فرهنگ اسلامی از دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۳ است. وی سپس به تحصیلات خود ادامه داد و در رشتهٔ فرهنگ اسلامی در سال

۱۳۴۷ موفق به اخذ دکتری شد.

وی از سال ۱۳۵۳ عضو هیئت علمی دانشگاه ابوریحان بیرونی شد. در دانشگاه علامهٔ طباطبایی (در رشتهٔ ادبیات) و دانشگاه تهران نیز تدریس می‌کرد. سرپرستی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامهٔ طباطبایی نیز به‌عهده وی بود.

از آثار ایشان است: ***فرهنگ جامع اردکان***؛ ***بررسی گویه و ویژگی‌های فرهنگی زبان اردکانی***؛ ***تاریخ تحلیلی اسلام***؛ ***گزیده و شرح تاریخ بلعمی***.

دکتر طباطبایی اردکانی هنگام تدریس در کلاس درس دار فانی را وداع گفت.

منابع: «درگذشت دکتر سید محمود طباطبایی اردکانی»، کیهان فرهنگی، س. ۱۰، ش. ۸ (آبان ۱۳۷۲)، ص. ۹۴. کلک، ش. ۴۵ و ۴۶، ص. ۳۱۵. «درگذشت دکتر طباطبایی اردکانی»، آینهٔ پژوهش، س. ۴، ش. ۲۱ (مهر و آبان ۱۳۷۲)، ص. ۱۰۴.

۲۱۸ عفیفی، رحیم

مدرس، محقق

تولد ۱۳۰۲ (۲۲ رمضان ۱۳۴۵ ق.)، شیراز.

درگذشت ۱۳۷۵.

رحیم عفیفی در دو سالگی پدرش را از دست داد و دایی او عبدالله عفیفی (از آزادیخواهان خطهٔ فارس) سرپرستی او را به‌عهده گرفت. تحصیلات ابتدایی و دورهٔ اول متوسطه را در شیراز و دورهٔ دوم را در دبیرستان کشاورزی کرج گذرانید و در خرداد ۱۳۲۰ دیپلم پنج ساله کشاورزی را به دست آورد و در ادارهٔ کشاورزی شیراز مشغول به کار شد. در همین اوقات دایی او دو روزنامه یکی به نام «فروردین» در نیمهٔ دوم ۱۳۲۰ و دیگری به نام «سروش» در نیمهٔ دوم سال ۱۳۲۱ در شیراز انتشار داد که ادارهٔ امور داخلی آنها به عهدهٔ وی بود. پس از مرگ دایی در سال ۱۳۲۷ تحصیلات خود را دنبال نمود و با گرفتن دیپلم ادبی در شیراز به تهران منتقل شد و در رشتهٔ ادبیات فارسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد. در نتیجه در سال ۱۳۳۱ به درجهٔ لیسانس و در سال ۱۳۳۵ فوق‌لیسانس و در سال ۱۳۳۸ به درجهٔ دکترایِ ادبیات فارسی نایل آمد و در سال ۱۳۳۹ پس از گذراندن مقررات مربوط، به سمت دانشیار زبان پهلوی در دانشگاه مشهد انتخاب شد.

وی در سال ۱۳۳۸ در سازمان نوبنیاد جنگلبانی ایران مسئول ادارهٔ آموزش و انتشارات و تبلیغات بود و مدیریت ماهنامه‌ای به نام نشریهٔ «جنگل‌ها» را که مجله‌ای فنی بود به‌عهده داشت و با همهٔ کمبودهای آن زمان به‌طور مرتب مدت پنج سال آن را انتشار داد و سرپرستی دو دوره کلاس کمک‌مهندسی و جنگلبانی را عهده‌دار بود و در سال ۱۳۳۶ نیز مدتی سرپرستی ادارهٔ انتشارات وزارت کشاورزی به وی محول شد.

در سال تحصیلی ۱۳۳۹ ــ ۱۳۴۰ وی در دانشگاه مشهد به تدریس زبان‌های پیش از اسلام (پهلوی، فارسی باستان، اوستایی) و زبانشناسی و فرهنگ ایران باستان پرداخت. در سال ۱۳۴۱ به عضویت شورای انتشارات دانشگاه برگزیده شد و از طرف شورای مذکور به سمت مدیر عامل سازمان چاپ دانشگاه انتخاب گردید تا برای تأسیس مؤسسه چاپ اقدام نماید. وی همچنین چند دور مدیر گروه آموزشی زبانشناسی و زبان‌های پیش از اسلام را عهده‌دار بود و برای تأسیس دوره‌های فوق‌لیسانس و دکترایِ زبانشناسی در دانشگاه مشهد آیین‌نامه‌های لازم را تهیه نمود و به تصویب رساند. در سال ۱۳۴۲ به‌منظور بازدید از مؤسسه‌های فرهنگی و دانشگاهی کشورهای همسایه مسافرتی به اتفاق دانشجویان به کشورهای افغانستان، پاکستان و هندوستان نمود و در سال ۱۳۴۶ با استفاده از بورس تحقیقاتی دانشگاه

مدت یک سال در کشورهای فرانسه و انگلستان سرگرم مطالعات علمی و تحقیقاتی بود. در کنار تدریس، به تحقیق می‌پرداخت و به‌تدریج سی و اند گفتار از متون پهلوی را به فارسی ترجمه و با شرح و تفسیر در مدت چهارده سال در مجله «دانشکدهٔ ادبیات مشهد» به چاپ رسانید. کتاب ***ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آیین مزدیستی*** را با شرح و تفسیر و واژه‌نامه در سال ۱۳۴۲ به چاپ رسانید و در سال ۱۳۴۳ ***ارداویرافنامه منظوم زرتشت بهرام پژدو*** گوینده قرن هفتم هجری را انتشار داد. اثر دیگر عفیفی ***هوشیدران*** (متن پهلوی و ترجمه فارسی، ۱۳۴۵) است. وی همچنین کتاب ***فرهنگ جهانگیری*** با شرح و حواشی و شواهد گوناگون در سه جلد و ۳۴۰۰ صفحه در سال ۱۳۵۱ ـ ۱۳۵۴ انتشار داد. این کتاب برندهٔ جایزهٔ مسافرت تحقیقاتی دانشگاه مشهد به مدت پنجاه روز به اروپا و آمریکا گردید. وی در برخی از کنگره‌ها حضور می‌یافت و سخنرانی‌هایی در بارهٔ فردوسی و دقیقی ایراد می‌کرد که متن آنها جداگانه به چاپ رسیده است. برخی از مقاله‌های ایشان در مجلهٔ «دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد» منتشر شده است.

پس از تشکیل شورای دانشگاه مشهد از طرف شورای دانشکدهٔ ادبیات به عضویت شورای دانشگاه و نیز شورای آموزشی دانشگاه و شورای تحقیقات دانشگاه برگزیده شد و نمایندگی دانشکدهٔ ادبیات در هیئت ممیزه دانشگاه نیز به وی محول گردید.

در مهر ۱۳۵۸ تقاضای بازنشستگی کرد. در اردیبهشت سال ۱۳۵۹ از مشهد به تهران آمد. در این دوره کار تحقیق و مطالعه در آثار ادب فارسی را دنبال نمود. از آثار این دوره فعالیت اوست: تصحیح کتاب ***بهمن‌نامه*** (از آثار اواخر قرن پنجم هجری)؛ ***مثلها و حکمتها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری*** (۱۳۷۱)؛ ***فرهنگنامه شعری*** (شامل ترکیبات، کنایات، اصطلاحات و آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری در سه جلد)؛ ***اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی***؛ ***واژه‌نامه پهلوی به فارسی***.

منابع: محمدی، محمدرضا، «یادی از استاد رحیم عفیفی»، کلک، ش. ۷۶ ـ ۷۹، (تیر و مرداد ۱۳۷۵)، ص. ۷۵۸ ـ ۷۶۳.
فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان/ فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

مؤلف، محقق

تولد ۱۲۸۱، تهران.

درگذشت ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹، تهران.

سید عبدالعلی علوی که در شعر «پرتو» تخلص می‌کرد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسهٔ اقدسیه به پایان برد؛ از آن پس به دارلمعلمین (دانشسرای عالی) وارد گردید و به تحصیل پرداخت و به اخذ لیسانس توفیق یافت و علوم عقلیه را نزد اساتید فن آموخت.

پرتو علوی در سال ۱۳۰۰ به عراق و از آن جا به مصر سفر کرد و مدت دو سال در دانشگاه الازهر مصر به تحصیل علوم نقلی پرداخت و از آن جا رهسپارِ اروپا شد و در برلین وارد مدرسهٔ عالی کشاورزی گردید، امّا نتوانست به تحصیل ادامه دهد. ناگزیر به ایران مراجعت کرد و در وزارت دادگستری مشغول کار شد و چندی نیز در راه‌آهن به کار پرداخت.

پرتو از سال ۱۳۱۸ به هنرسرای عالی انتقال یافت و به تدریس ادبیات و زبان خارجه مشغول شد و پس از سالی چند بازنشسته گردید و چون با زبان‌های عربی و آلمانی و انگلیسی آشنایی داشت، به عنوان مترجم رسمی وزارت دادگستری انجام وظیفه می‌کرد و در ضمن تألیفاتی نیز از وی به یادگار

مانده که از آن جمله است: ***زندگی علی‌بن ابی‌طالب(ع)*** (ترجمه از عربی)؛ ***راست و نو***؛ ***دستور زبان آلمانی*** (به فارسی)؛ ***بانگ جرس (شرح مشکلات دیوان حافظ)*** و چند اثر دیگر.

در سال‌های ملی شدن صنعت نفت به مبارزه علیه شرکت‌های استعماری پیوست و در این راه به زندان افکنده شد. در شعر بیشتر به جنبه‌های اجتماعی آن می‌پرداخت.

منبع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد دوم، سید محمد باقر برقعی، ص. ۷۲۹.

عمید، حسن ۲۲۰

فرهنگ‌نویس

درگذشت شهریور ۱۳۵۸.

حسن عمید عضو انجمن ادبی و از نویسندگان نشریهٔ «خراسان» و مدیر «سالنامهٔ خراسان» و روزنامهٔ «طوس» بود.

از آثار اوست: ***اسرار مانیتیسم؛ بر خرابه‌های تخت جمشید*** (۱۳۱۰)؛ ***سالنامهٔ خراسان*** (سال چهارم، ۱۳۱۶؛ سال پنجم، ۱۳۱۷)؛ ***غلط‌های فاحش فرهنگ‌های فارسی***؛ ***فرهنگ عمید*** (دو جلد، ۱۳۴۲)؛ ***نیکوکاران*** (بخش اول، مشهد، ۱۳۱۵)؛ ***فرهنگ نو*** (۱۳۰۸، ۱۳۳۳)؛ ***فرهنگ کوچک عمید***؛ ***فرهنگ مفصل عمید***؛ ***فرهنگ برگزیده عمید***؛ ***فرهنگ جیبی عمید*** (۱۳۳۵)؛ ***فرهنگ دبیرستانی عمید***؛ ***فرهنگ تاریخ و جغرافیای عمید*** (۱۳۴۷)؛ ***طب جدید***.

منابع: مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/ خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۶۱۵ـ۶۱۶ (به نقل از سالنامهٔ خراسان ۱۳۱۶ ص. ۱۲۶). ***فرهنگ فارسی عمید، دو جلد***/ (مقدمهٔ جلد اول حاوی مطالبی در بارهٔ حسن عمید است).

عنقا، محمدصادق ۲۲۱

شاعر

تولد ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت ۱۳۶۰، کرج.

محمدصادق عنقا، متخلص به «عنقا»، فرزند میر قطب‌الدین محمد پسر جلال‌الدین علی میرابوالفضل عنقا (اویسی)، پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه از دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران موفق به دریافت لیسانس شد. سپس در وزارت دارایی به کار مشغول گردید و تا بازنشستگی مشاغل مختلفی را بر عهده داشت. وی از شاعران صوفی مشرب معاصر است و بیشتر در بارهٔ تصوف و عرفان تحقیق کرده است. از جمله آثار وی در این زمینه می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: **چنته** (شعر با شرح فارسی و عربی)؛ ***کواکب ادبی*** (مجموعه اشعار، ۱۳۱۵)؛ ***نیروان*** (رساله‌ای پیرو رسالهٔ غربت غربیه شهاب‌الدین سهروردی بر کتاب **حی ابن‌یقظان** ابن طفیل)؛ ***آواز خدایان*** (این کتاب به زبان انگلیسی و فرانسوی نیز ترجمه شده است)؛ ***مزامیر حق*** (مجموعه اشعار عرفانی)؛ منظومهٔ ***گلزار امید***؛ ***اصول فقر و تصوف***؛ ***سرالحجر*** (در صنعت)؛ ***عشق و سرنوشت***؛ ***پدیده‌های فکر***؛ ***دیوان قصاید و غزلیات***؛ از آثار دیگر او ***تذکرهٔ سیر خرقه*** در تراجم اویسی‌مشرب‌ها از اویس تا قطب‌الدین محمد است.

در سال‌های آخر عمر در کرج خانقاهی داشت. سرانجام به سال ۱۳۶۰ زندگی را به‌درود گفت.

منابع: فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۴۰۶ـ۴۰۷. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۴۹۶ـ۴۹۷. ***چهره‌های آشنا***/ حسین قریشی، ص. ۴۱۴.

غبرایی، فرهاد ۲۲۲

مترجم

تولد ۱۶ بهمن ۱۳۲۸، لنگرود.
درگذشت ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۳، لنگرود.

فرهاد غبرایی دارای دیپلم طبیعی (تابستان ۱۳۴۸) از یکی از دبیرستان‌های کرمانشاه بود. سپس در شیراز به تحصیل زبان انگلیسی پرداخت و در سال ۱۳۵۲ از این رشته فارغ‌التحصیل شد. پس از گذراندن خدمت سربازی در بهار ۱۳۵۵ به فرانسه سفر کرد و در پاریس در زمینهٔ کارگردانی سینما به مطالعاتی پرداخت. تا سال ۱۳۵۸ در فرانسه بود و با گروه‌های نمایشی همکاری داشت. سپس به ایران بازگشت و نخستین ترجمهٔ خود را در سال ۱۳۵۹ منتشر نمود. وی همچنین در زمینهٔ داستان‌نویسی نیز فعالیت داشت و اولین داستان وی به نام ***آب و خاک*** در سال ۱۳۵۹ منتشر شد.

فرهاد غبرایی در آذر ۱۳۶۹ به نوشهر نقل مکان نمود. در سال ۱۳۷۲ با دریافت بورسی از وزارت فرهنگ فرانسه در نشست بین‌المللی مترجمان ادبی در آرل فرانسه شرکت جست.

از جمله آثار ترجمهٔ وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: ***شهر شیطان زرد*** (ماکسیم گورکی، ۱۳۵۹)؛ ***شکست*** (امیل زولا، ۱۳۶۰)؛ ***آخرین نفر*** (الکساندر فادایف، ۱۳۶۱)؛ ***آسوموار*** (امیل زولا، ۱۳۶۱)؛ ***معجزه در باد و باران*** (شوراتز بار، ۱۳۶۱)؛ ***جزیره*** (روبر مرل، ۱۳۶۲)؛ ***کولا برونیون*** (رومن رولان، ۱۳۶۳)؛ ***چهار مجموعه*** (پابلو نرودا، ۱۳۶۳)؛ ***سفر به انتهای شب*** (لویی فردینان سلین، ۱۳۶۴)؛ ***پایان جهان*** (پابلو نرودا، ۱۳۶۳)؛ ***نقد و بررسی آندره وایدا*** (۱۳۶۶)؛ ***حریم*** (ویلیام فاکنر، ۱۳۶۷)؛ ***زندگی بتهوون*** (رومن رولان، ۱۳۶۷)؛ ***جشن بیکران*** (ارنست همینگوی، ۱۳۶۸)؛ ***کودک سیاه*** (کامارالی، ۱۳۶۹)؛ ***خانوادهٔ پاسکوال دوآرته*** (کاملیو خوسه سلا، ۱۳۶۹)؛ ***فلینی از نگاه فلینی*** (۱۳۷۱)؛ ***یادداشت‌های مالته و ریلز بریگه*** (راینر ماریا ریلکه، ۱۳۷۱، ظاهراً این اثر ناتمام مانده است)؛ ***پیامبران نور*** (نهال تجدد، ۱۳۷۲، ظاهراً این اثر ناتمام مانده است).

فرهاد غبرایی چندین داستان و چند نمایشنامه و فیلمنامه نیز نوشته است؛ از آن جمله می‌توان به رمان ***ایختیاندر*** اشاره نمود. از جمله آثار تألیفی ایشان نیز می‌توان از این کتاب نام برد: ***گرایش‌های نوین در هنرهای بصری*** (۱۳۶۹).

فرهاد غبرایی در تاریخ یازدهم اردیبهشت ۱۳۷۳ به سبب تصادف اتومبیل در جادهٔ بین تنکابن و چالوس درگذشت و پیکر وی در لنگرود به خاک سپرده شد.

منابع: «فرهاد غبرایی»، تکاپو، دورهٔ نو، ش ۱۰، (۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۳)، ص ۴۸. «گرامی‌داشت یادِ غبرایی»، آدینه، ش ۱۱۰ (خرداد ۱۳۷۵). *زندگینامهٔ برندگان جایزهٔ نوبل ادبیات* / مریم آقا شیخ محمد و سعید نوری نشاط، بخش کتابشناسی.

فاطمی، عبدالله ۲۲۳

شاعر

تولد ۱۳۰۶، بروجرد.
درگذشت ۱۴ آبان ۱۳۷۰.

عبدالله فاطمی، متخلص به «الفت»، تحصیلات ابتدایی و دورهٔ متوسطه را در بروجرد به پایان رسانید. از آن پس برای ادامهٔ تحصیل رهسپار تهران شد و به تحصیل پرداخت، اما به عللی نتوانست به تحصیل خود ادامه دهد و نیمهٔ راه متوقف ماند. آنگاه پس از چندی به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و به کار اشتغال ورزید.

الفت شعر و شاعری را از دورهٔ تحصیل در دبیرستان آغاز کرد و در سرودن انواع شعر طبع

آزمایی کرد، اما طبعش بیشتر به غزل‌سرایی مایل بود. از آثار اوست: ***افقِ الفت*** (مجموعهٔ غزلیات)؛ ***مثنوی در مکنون*** (شرح حال سیزده تن از عرفا، منظوم) و دو مثنوی ***خورشید و ماه؛ پریشان و پدرام***.

منبع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد اوّل/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۳۳۱.

فتاحی، محمد رضا ۲۲۴

شاعر

تولد ۱۳۳۷، اسلام‌آباد غرب.

شهادت ۲۴ دی ۱۳۶۶، جبهه دفاع مقدس.

محمد رضا فتاحی بعد از اتمام تحصیلات متوسطه، در سال ۱۳۵۶ در رشتهٔ پزشکی دانشگاه مشهد پذیرفته شد. پس از انقلاب فرهنگی با توجه به وقفه‌ای که در امر تحصیل وی روی داده بود، در سال ۱۳۶۵ موفق به اخذ دانشنامهٔ دکتری در رشتهٔ پزشکی شد. وی از جمله افرادی بود که در سازماندهی تظاهرات و جنبش دانشجویی سهم داشت، در دورهٔ انقلاب فرهنگی در جهاد سازندگی حضور داشت و در ایجاد و توسعهٔ کمیتهٔ بهداشت و درمان در سطح روستاهای استان کرمانشاه تلاش می‌کرد. همچنین در راه‌اندازی و گسترش نهضت سوادآموزی در سطح استان فعالیت داشت. سپس به جبهه‌های دفاع مقدس رفت و پس از هیجده ماه خدمت به‌عنوان پزشک در عملیات ظفر پنج در منطقهٔ کردستان در حین انجام وظیفه به شهادت رسید. از وی اشعاری به یادگار مانده است.

منبع: شهیدان شاعر/ به کوشش مرکز پژوهش‌های فرهنگی بنیاد شهید، زیر نظر نصرالله مردانی، ص. ۹۷.

فتی، محمد علی ۲۲۵

شاعر

تولد ۱۳۰۱، تبریز.

درگذشت ۱۳۶۵.

محمد علی فتی، فرزند محمود، که تخلص شعری خود را از نام خانوادگی‌اش گرفته است، تحصیلات مقدماتی را در تبریز به پایان رسانید. آنگاه به استخدام وزارت راه و ترابری در آمد و در شهرستان‌های مختلف کرمان و بندرعباس و شیراز و اصفهان و یزد و تهران مأموریت یافت و مشاغلی را به عهده داشت.

فتی از پانزده سالگی به سرودن شعر پرداخت و فنون ادب را از محضر مولانا یتیم، شاعر آذربایجانی آموخت و در اغلب انجمن‌های ادبی تهران عضو بود و به شهرستان‌هایی که مأموریت می‌یافت در مجامع ادبی آن شرکت می‌جست.

از جمله آثار او می‌توان به این کتاب اشاره کرد: ***تحفهٔ سرمدی*** (مجموعه‌ای از اشعار شعرای معاصر در مدایح و مراثی ائمهٔ اطهار (ع)، ۱۳۴۷).

محمد علی فتی در سال ۱۳۶۵ پس از یک بیماری ممتد به‌درود حیات گفت.

منبع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد چهارم/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۲۵۸۸.

فرجیان، مرتضی ۲۲۶

شاعر، طنزپرداز

تولد چهاردهم مرداد ۱۳۱۳، تهران.

درگذشت ۲۳ فروردین ۱۳۷۴، تهران.

مرتضی فرجیان علاوه بر طنزپردازی و تربیت طنزپردازان جوان و تصحیح اشعار شاعران جوان، دبیر بازنشستهٔ وزارت آموزش و پرورش بود و طی

سال‌های پیش از فوت، بیشترین لحظات عمرش با «گل آقا» گذشت. وی سردبیر مجلهٔ «گل آقا» بود. نخستین شعر طنز مرتضی فرجیان در سال ۱۳۲۷ در روزنامهٔ فکاهی «توفیق» چاپ شد. اما آغاز همکاری مستمر او با آن روزنامه از سال ۱۳۴۲ بود که زمان توقیف «توفیق» بی‌وقفه ادامه یافت. اگرچه فرجیان بیشتر به شاعری شهرت دارد، اما در نثر هم قلمی توانا داشت. آثار او با نام‌های مستعار «شاگرد تنبل»، «فینگلی»، «سید میرزا»، «گل توپی»، «هدی کوچولو»، «هاله»، «ابوشنبلیله»، «خان داداش» و... در جراید به چاپ رسیده است. علاوه بر «گل آقا»، سرپرستی جلسات هفتگی شورای نویسندگان چندین نشریهٔ طنز دیگر را نیز به‌عهده داشت.

آثار او به شرح زیرند: ***خنده بر هر درد بی‌درمان دواست***؛ ***دیوان فینگلی*** (با مقدمهٔ ابوالقاسم حالت)؛ ***لطفاً لبخند بزنید***؛ ***طنزسرایان ایران از مشروطیت تا انقلاب*** (سه جلد، با همکاری محمدباقر نجف‌زادهٔ بارفروش)؛ ***بیا با هم بخندیم***.

منابع: «مرتضی فرجیان، عمری در خدمت طنزپردازان جوان»، سروش، ش. ۷۷۱ (۱۶ دی ۱۳۷۴)، ص. ۲۶. «یادآر ز شمع مرده یاد آر»، سالنامهٔ گل‌آقا، س. ۵ (۱۳۷۴)، ص. ۱۶۴ ـ ۱۶۵.

فرخ خراسانی، سید محمود ۲۲۷

شاعر

تولد ۱۲۷۶ (۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۴ ق.)، مشهد.[۱] درگذشت ۲ اردیبهشت ۱۳۶۰، مشهد.

سیدمحمود فرخ خراسانی متخلص به «فرخ»، فرزند سید احمد جواهری متخلص به «دانا»، مقدمات فارسی و عربی را در مدارس قدیمه (مکتبی در مجاورت منزلشان) آموخت؛ الفبای قرآن را فرا گرفت و کتاب‌های ***موش و گربه*** و ***حسنین*** و ***عاق والدین*** و ***حسین کرد*** و ***نصاب الصبیان*** و ***گلستان سعدی*** را خواند، امثله و صرف میر را در یکی از حجره‌های صحن نو از آخوند مکتب‌داری به‌نام ادیب‌التولیه آموخت. فنون ادب را (انموذج و هدایة و مغنی و مطول) از محضر شیخ محمدحسین سبزواری و پدر خود (کتاب ***گوهرمراد*** را پیش پدرش خواند) فرا گرفت؛ در هشت سالگی به نظم شعر پرداخت. بیشتر اشعار وی به سبک خراسانی است.

سال‌ها تصدی امور آستان قدس رضوی را بر عهده داشت و چندی نیز کفیل استانداری خراسان بود. وی در همان حال عضویت هیئت مدیرهٔ کارخانهٔ نخ‌ریسی و برق خسروی را نیز داشت. ضمناً در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم مجلس شورای ملی نمایندهٔ قوچان بود. در سال‌های آخر عمر در مشهد انزوا گزید و به تأسیس انجمن ادبی فرخ اقدام کرد. در سال ۱۳۵۳ دانشگاه مشهد به محمود فرخ مقام استادی افتخاری دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی آن دانشگاه را اعطاء کرد.

فهرست آثار وی به شرح زیر است: تصحیح و چاپ ***تاریخ مجمل فصیحی خوافی*** (سه جلد، ۱۳۳۹)؛ ***مناظرات و اخوانیات***؛ ***سفینهٔ فرخ*** (دو جلد، ۱۳۳۲)؛ ***دیوان اشعار*** (شامل چهار هزار بیت که به چاپ نرسیده است)؛ ***روضهٔ خلد*** (۱۳۴۵)؛ ***مثنوی فروزنده و منتخب آثار و شرح احوال استاد منشی‌باشی نصرت*** (۱۳۳۱)؛ ***خلاصهٔ احوال و منتخب آثار اوحدی اصفهانی معروف به مراغه‌ای و مثنوی منطق العشاق یا ده نامهٔ احدی*** (۱۳۳۵). از فرخ چند مقالهٔ تحقیقی و ادبی در مجله‌های «آینده»، «یغما»، «فرهنگ خراسان» و «یادگار» طبع شده است.

منابع: *فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز*/

۱. در کتاب *تذکره شعرای معاصر* تاریخ تولد وی ۱۲۷۵ آمده است.

عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۴۲۸. ***هفتاد سالگی فرخ*** / مجتبی مینوی. ***تذکرهٔ شعرای معاصر ایران*** / سید عبدالحمید خلخالی، چاپ اول، ص. ۳۰۷ ـ ۳۲۰. ***دانشوران خراسان*** / غلامرضا ریاضی، ص. ۲۳۱. ***کارنامهٔ بزرگداشت بزرگان علم و ادب ایران*** / تألیف رحمت‌الله ابریشمی، با همکاری علیرضا نخاولی، ص. ۳۰۴ ـ ۳۰۵. ***چشمهٔ روشن، دیداری با شاعران*** / دکتر غلامحسین یوسفی، چاپ سوم، ص. ۵۶۸ ـ ۵۷۵. ***خلوت انس*** / مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، چاپ اول، ص. ۲۸۹. ***گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوّم*** / احمد گلچین معانی، ص. ۵۲۱ ـ ۵۲۲. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۷۱ ـ ۷۲. «محمود فرخ»، آینده، س. ۷، ص. ۲۴۲ ـ ۲۴۳. ***گلزار جاویدان، مجلد دوم*** / محمود هدایت، ص. ۱۰۳۶ ـ ۱۰۳۷.

۲۲۸ فرزاد، مسعود

شاعر، نویسنده، مترجم

تولد ۱۲۸۵، سنندج.[۱]

درگذشت ۴ مهر ۱۳۶۰، لندن.

مسعود فرزاد متخلص به «فرزاد»، فرزند حبیب‌الله فرزاد (انتخاب‌الملک یا انتخاب‌الدوله)، اصفهانی‌الاصل و رییس دارایی و گمرک کردستان بود. با انتقال پدرش از کردستان به تهران توانست تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس تربیت و دارالفنون تهران به پایان رسانید. بعد از گرفتن دیپلم از مدرسهٔ آمریکایی در وزارت دارایی به عنوان مترجم استخدام شد. سپس با قبولی در کنکور اعزام محصلین به اروپا، به انگلستان رفت و در دانشگاه لندن به تحصیل علم اقتصاد و ادبیات همت گذاشت و پس از بازگشت به ایران به خدمت وزارت امور خارجه در آمد. فرزاد مدتی هم به تدریس زبان انگلیسی در دانشکدهٔ افسری و دارالفنون پرداخت و در اوایل جنگ جهانی دوم از طرف بنگاه سخن‌پراکنی بی‌بی‌سی انگلستان برای بخش ادبی آنجا انتخاب شد و استخدام گردید و چندین سال به این شغل در رادیو لندن مشغول به کار بود. اما در اوایل ملی شدن صنعت نفت چون حاضر نشد مقاله‌های ضدّ ملی را در رادیو بخواند، از آن بنگاه مستعفی گردید و مترجم سفارت ایران در لندن شد و تا مدت‌ها به همین شغل اشتغال داشت. بعدها در ایران مدت هشت سال در رادیو کار می‌کرد. سپس در سال ۱۳۴۶ به شیراز رفت و در دانشگاه آن شهر به تدریس «عروض» پرداخت. وی موفق شد که تحقیقات خود را در بارهٔ حافظ در ده جلد تحت نام ***تصحیح انتقادی دیوان حافظ*** به چاپ برساند و به دانشگاه شیراز اهداء نماید و از سوی دانشگاه شیراز دکتراي افتخاری به وی اعطاء شد.

از یازده سالگی به سرودن شعر پرداخت. از آثار منظوم او می‌توان از این عنوان‌ها یاد کرد: ***وقتی که شاعر بودم*** (تهران، ۱۳۲۱)؛ ***کوه تنهایی*** (تهران، ۱۳۲۶)؛ ***گل غم*** (لندن، ۱۹۴۶)؛ ***بزم درد*** (تهران، ۱۳۳۲)؛ ***لبخند بدرود*** (شیراز، ۱۳۵۵)؛ ***چامه***؛ ***دیوان اشعار***. در شیراز از سال ۱۳۴۶ در برخی جلسات کانون دانش پارس و انجمن هدایت شرکت می‌کرد. از تألیفات وی به زبان انگلیسی باید به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***وزن رباعی***؛ ***ترجمهٔ غزل‌های حافظ***؛ ***مردی که فکر می‌کند***؛ ترجمهٔ انگلیسی ***موش و گربه***؛ ***تفسیری دربارهٔ دولغت از متن شکسپیر***؛ ***شعر انگلیسی***؛ ***الفباء و املاء جهانی***؛ ***نقد ادبیات فارسی***. وی از دوستان صادق هدایت بود و کتاب ***وغ وغ ساهاب*** را این دو نویسنده با همکاری هم نوشتند. از فعالیت‌های دیگر اوست: ترجمهٔ ***رؤیا در نیمه شب تابستان*** (۱۳۳۵) و ***هملت*** (از آثار ویلیام شکسپیر،

۱. در *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* تاریخ تولد مسعود فرزاد ۱۲۸۴ آمده است.

۱۳۳۳)؛ ترجمهٔ ***کوهولین رستم ایرلندی*** (از ویلیام باتلر ییتز)؛ ***آمون تیلاد*** (ادکار آلن پو)؛ ***اسب سواری*** (ویلیام کاپر)؛ ***بریان خوک*** (چارلز لام)؛ ***پز عالی*** (هنری)؛ ***داروی محبت*** (هنری)؛ ***مرغ حق*** (داستان)؛ ***رؤیای ستاره*** (چارلز دیکنز)؛ ***ریکی تیکی تاوی*** (ردیار کیپلینگ)؛ ***سروچه می‌گفت*** (هانز اندرسن)؛ ***قلب رازگو*** (ادگار آلن پو)؛ ***قوش*** (هانری لانگنه‌لو)؛ ***ماسک مرگ سرخ*** (ادگار آلن پو)؛ ***محبوس شیلان*** (لرد بایرون، ترجمه با مشارکت جواد شیخ‌الاسلامی، ۱۳۳۳)؛ ***مرتد*** (۱۳۳۳)؛ ***ماهالابه*** (ترجمه)؛ ***معلم کم‌آزار***؛ ***مهربانی شوم***؛ ***نی‌زن پاره‌پوش*** (رابرت برونینگ)؛ ***یعنی که مصاحبه***؛ آماده ساختن پنجاه داستان ***مثنوی مولوی*** به صورت نمایشنامه که از رادیو پخش شد؛ ***تحقیقات در بارهٔ خیام***؛ ***تحقیقات در بارهٔ مولوی***؛ ***تحقیقات در بارهٔ فردوسی***؛ ***دل شیدای حافظ*** (تهران، ۱۳۱۳)؛ ***تحقیقات در عروض فارسی***؛ ***سیل بجنورد***؛ ***حافظ ــ گزارش از نیمه راه*** (این کتاب پس از فوت فرزاد به چاپ رسید)؛ نوشتن مقالاتی پیرامون مسائل مختلف ادبی در مجلات کشور از جمله «مهر»، «یغما»، «فرهنگ و هنر»، «تماشا»، «تلاش» «اطلاعات» و «کیهان».

فرزاد در سال ۱۳۵۵ دچار سکتهٔ ناقص شد و برای معالجه به لندن رفت. پس از بهبودی نسبی به شیراز بازگشت. او در چهارم مهر ۱۳۶۰ برابر با ششم سپتامبر ۱۹۸۱ در لندن درگذشت.

منابع: ***دایرةالمعارف زرین*** / چاپ ۱۳۶۰. ***دائرةالمعارف یا فرهنگ دانش و هنر*** / پرویز اسدی‌زاده، سعید محمودی، عطاءالله بهمنش، داریوش محمدخانی، مسعود واثقی، ابوالقاسم شیخ‌الاسلامی، فریدون معلمی، منوچهر اشرف الکتابی، چاپ هشتم، ص ۱۱۱. ***تذکرهٔ شعرای معاصر ایران*** / سید عبدالحمید خلخالی، چاپ اوّل، ص ۳۲۲ـ۳۲۴. ***فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز*** / عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص ۴۳۲ ــ ۴۳۲. ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد چهارم*** / سید محمد باقر برقعی، ص ۲۶۳۸ ــ ۲۶۳۹. ***سیمای شاعران*** / حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص ۲۹۰. ***سیر سخن، شامل شرح احوال معروف‌ترین نویسندگان و شاعران ایران*** / احمد احدی، حسین رزمجو، ص ۳۴۱. ***انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)*** / حسن امداد، ص ۴۵۵ ــ ۴۵۷. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد ششم، ص ۱۸۲ ــ ۱۸۵. مهران، مجید، «یادی دیگر از مسعود فرزاد»، آینده، س ۹، ص ۸۱۷ ــ ۸۱۸. گنجی، محمد حسن، «در بارهٔ مسعود فرزاد»، آینده، س ۸، ص ۶۲. «درگذشت مسعود فرزاد»، آینده، س ۷، ص ۵۸۸ ــ ۵۹۱ (در این مقاله، فهرستی از مقالات تحقیقاتی و نیز نوشته‌های فرزاد به زبان انگلیسی آمده است).

۲۳۹ فردوشی، بهرام

محقق، مترجم

تولد ۱۳۰۶، ارومیه.[۱]

درگذشت ۱ خرداد ۱۳۷۱، آمریکا (سانفرانسیسکو).

بهرام فره‌وشی، فرزند علی‌محمد فره‌وشی (مترجم همایون) که رییس ادارهٔ فرهنگ ارومیه بود، در سال ۱۳۲۳ از دانشسرای مقدماتی اصفهان فارغ‌التحصیل شد. آنگاه ضمن تدریس در دبستان‌های تهران ابتدا در رشتهٔ زبان‌های خارجی و سپس در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران لیسانس گرفت. در همان سال‌ها هفته‌ای چند روز در محضر سید محمد فرزان حاضر می‌شد و به همراه امیر حسن یزدگردی، محمد اسماعیل رضوانی و اقبال یغمایی به مباحثه و تحقیق در دقایق و مشکلات متون فارسی می‌پرداخت. چندی بعد به پاریس رفت و به اخذ درجهٔ دکتری در رشتهٔ زبان‌ها و فرهنگ باستانی ایران از مدرسهٔ تتبعات عالیهٔ دانشگاه پاریس نایل گردید و در این مدت از محضر استادان بزرگ پرفسور

۱. تاریخ تولد بهرام فره‌وشی در کتاب ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** ۱۳۰۴ آمده است.

دومناش و پرفسور بنونیست بهره‌مند شد. پس از بازگشت به ایران به دانشیاری در دانشکدهٔ ادبیات انتخاب گردید. و از آن به بعد وقت خود را به تدریس در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران و تحقیق در رشتهٔ تخصصی و تألیف کتاب‌های خود پرداخت. در وهلهٔ اول اوقات خود را صرف نشر آثار ابراهیم پورداود که به سبب پیری نیازمند همکار جوان‌تری بود، کرد و بخش دوم ***گاتها*** (شامل یادداشت‌های ابراهیم پورداود) را در سال ۱۳۳۶، ***سینا*** را در ۱۳۴۰، ***ویسپر*** را در ۱۳۴۳ منتشر ساخت. آنگاه ***فرهنگ پهلوی به فارسی*** که حاصل بیست سال بررسی متون پهلوی بود در ۱۳۴۶، و ***فرهنگ فارسی به پهلوی*** را در سال ۱۳۵۲ به چاپ رسانید. آخرین اثر او ***ایرانویچ*** شامل ۲۹ مقاله در بارهٔ ایران باستان در اسفند ۱۳۶۵ منتشر گردید. از آثار دیگر اوست: ***ترانه‌های شرقی*** (فرانتس توسن، ۱۳۳۶)؛ ***روبنسن کروزئه*** (دانیل دفو، ۱۳۳۴). وی همچنین مدتی برنامهٔ «فرهنگ ایران زمین» را در سازمان رادیو و تلویزیون اداره می‌کرد. از کارهای دیگر او اهتمامی است که در چاپ کتاب ***ایران، کلده و شوش*** اثر مادام دیولافوا به ترجمهٔ پدرش انجام داد که در سال ۱۳۶۵ منتشر شد. از وی مقالاتی در مجلات مختلف از جمله «بررسیهای تاریخی» و «یغما» به چاپ رسیده است.

دکتر فره‌وشی گرفتار سرطان بود. در اوایل آذر ۱۳۷۰ برای معالجه به آمریکا رفت. در فرودگاه سانفرانسیسکو دچار سکته شد و به اغما رفت. او را به بیمارستان رساندند و پس از چند روز پزشکان شیمی درمانی را آغاز کردند. با ابتلاء به ذات‌الریه سرانجام روز جمعه اول خرداد ۱۳۷۱ زندگی را به‌درود گفت.

منابع: «بهرام فره‌وشی هم رفت»، کلک، ش. ۲۷، (خرداد ۱۳۷۱)، ص. ۲۵۷. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۱۳۳ ـ ۱۳۴. افشار، ایرج، «دکتر بهرام فره‌وشی»، آینده، س. ۱۸، ص. ۴۹۷ ـ ۴۹۸.

۲۳۰ فصیحی، حسین

شاعر

تولد ۱۲۹۰، شیراز.

درگذشت ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۳، شیراز.

حسین فصیحی، متخلص به «شیفته»، فرزند حاج فصیح‌الملک شوریده، از نوجوانی که مشغول تحصیل در مدارس بود، به شعر گفتن پرداخت و فنون ادب را از پدر آموخت و تخلص خود را با توجه به شعر «شوریده»، «شیفته» گذاشت. وی مدتی کوتاه در یکی از ادارات دولتی به کار پرداخت ولی به‌زودی آن را رها کرد و به کار زراعت اشتغال ورزید که تا آخر عمر از آن روزگار می‌گذرانید. «شیفته» در سرودن انواع شعر توانا بود. طبع او بیشتر مایل به غزل‌سرایی بود و در ساختن مادهٔ تاریخ مهارت به‌سزایی داشت. «شیفته» در انجمن‌های ادب فارس و کانون دانش از اعضای فعال و پیوسته بود. اشعارش در روزنامه‌های «پارس»، «استخر»، «بهار ایران»، «اجتماع ملی»، «کشکول» و «افق شیراز» به چاپ می‌رسید و دیوانش در حدود ده هزار بیت شعر دارد که به چاپ نرسیده است.

حسین فصیحی در اردیبهشت سال ۱۳۶۳ در شیراز درگذشت و در مقبرهٔ خانوادگی در باغ حافظیه به خاک سپرده شد.

منابع: ***انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)***/ حسن امداد، چاپ اوّل، ص. ۴۴۷ ـ ۴۴۸. بهروزی، علی‌نقی، «حسین فصیحی (شیفته)»، آینده، س. ۷، ص. ۵۶۹. ***دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، جلد اوّل، از آتشی تا پیامی***/ محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت»، ص. ۳۹۲ ـ ۴۰۰.

شاعر

تولد ۱۳۴۵، فسا.

شهادت ۲۳ خرداد ۱۳۶۷، جبهه‌های دفاع مقدس.

علیرضا فیروزی از همان اوان کودکی به فعالیت‌های هنری علاقه داشت و به نقاشی چهره‌های شهداء و سرودن شعر پرداخت. با آغاز دفاع مقدس، به جبهه‌های نبرد رفت و علاوه بر حضور در جبهه‌ها در تبلیغات جبهه نیز فعال بود. تا اینکه در عملیات والفجر هشت، از ناحیهٔ دست مجروح گردید که پس از ماه‌ها مداوا و چندین عمل جراحی، سرانجام منجر به قطع دست چپ وی شد. با این وجود علاوه بر همکاری با انجمن اسلامی دبیرستان و عضویت در پایگاه مقاومت بسیج در جبهه‌های جنگ نیز حضور داشت تا این که در سال ۱۳۶۶ در کنکور سراسری در رشتهٔ پزشکی پذیرفته شد. پس از دو ماه حضور در دانشگاه و فعالیت در انجمن اسلامی به سوی جبهه‌ها عزیمت کرد و در زمینه‌های مختلف تبلیغی به فعالیت پرداخت. در همان زمان بود که به نقاشی چهره‌های فرماندهان شهید پرداخت که در دروازهٔ ورودی شهرستان فسا نصب گردید. وی در مسابقات جانبازان کل کشور در زمینه‌های شعر و گرافیک مقام‌های اول و دوم را احراز نمود. در سال ۱۳۶۷ در عملیات بیت‌المقدس هفت شرکت نمود و سرانجام به تاریخ بیست و سوم خرداد ۱۳۶۷ به شهادت رسید.

از علیرضا فیروزی اشعاری به جای مانده است.

منابع: شهیدان شاعر / به کوشش مرکز پژوهش‌های فرهنگی بنیاد شهید، زیر نظر نصرالله مردانی، ص. ۴۵. *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* / فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

مترجم

تولد ۱۳۱۵.

درگذشت ۱۸ آذر ۱۳۶۹.

مقصود فیض مرندی فارغ‌التحصیل رشتهٔ نمایشنامه‌نویسی از دانشکدهٔ هنرهای دراماتیک است. وی از سال ۱۳۴۱ شروع به همکاری با مطبوعات نمود و به نوشتن داستان‌های فکاهی و ترجمهٔ آثار ناظم‌حکمت و عزیزنسین از زبان ترکی پرداخت. در روزنامهٔ «توفیق» هم با امضای «دیلاق» مطالبی را به چاپ می‌رساند. او همچنین با مجله‌های «سپید و سیاه»، «خواندنیها»، «کاریکاتور»، «اطلاعات هفتگی»، «تهران مصور»، «امید ایران» و برخی نشریه‌های دیگر همکاری می‌کرد.

مرندی دبیر زبان آموزش و پرورش و کارشناس تئاتر کرمانشاه بود و سال‌ها به عنوان معاون هنرستان موسیقی، مجتمع دانشگاهی هنر خدمت کرد. وی در سال ۱۳۶۳ بازنشسته شد.

از ترجمه‌های او می‌توان از ***خانهٔ آن مرحوم*** و ***آدم عوضی*** (دو نمایشنامه از ناظم حکمت) و کتاب‌های عزیز نسین نظیر ***میهمانان خارجی***، ***مرگ مشکوک***، ***پس‌اندازِ کارمند***، ***یک خارجی در استانبول***، ***جاسنجاقی***، ***مهمان آمریکایی*** و ***پروندهٔ اداری*** نام برد. او ترجمه‌های مشترکی هم با همسرش پروین صمیمی داشت: ***وظیفهٔ ملی***؛ ***اجاره‌نشین***؛ ***زنده باد وطن***؛ ***شهردار نمونه***؛ ***دم بریده***.

مقصود فیض مرندی روز هیجدهم آذر سال ۱۳۶۹ به علت سکتهٔ قلبی درگذشت.

منبع: «مترجم زبان ترکی درگذشت»، [در سوگ مقصود فیض مرندی]. گردون، س. ۱، ش. ۶ (۱۵ بهمن ۱۳۶۹)، ص. ۵.

قاضی طباطبایی، سید حسن ۲۳۳

ادیب، مدرس

تولد ۱۲۹۵.

درگذشت ۱۸ اسفند ۱۳۶۴، تهران.

سید حسن قاضی طباطبایی از سال ۱۳۳۴ متصدی کرسی زبان عربی در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تبریز شد. وی بیش از چهل سال به تدریس در دبیرستان‌ها و دانشگاه تبریز مشغول بود و مقالات تحقیقی و انتقادی وی در نشریهٔ «دانشکدهٔ ادبیات تبریز» و «کتابخانهٔ ملی تبریز» چاپ می‌شد. از جمله آثار اوست: تعلیقات و حواشی ***تجارب‌السلف*** (۱۳۵۱) و ***تجربة‌الاحرار و تسلیة‌الابرار*** (اثر عبدالرزاق بیک دنبلی در دو جلد، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰).

منابع: یاد یاران (گلگشت یاد یاران)/ دکتر مهدی روشن ضمیر، ص ۹۶ ـ ۱۰۴. «درگذشت حسن قاضی طباطبایی»، آینده، س ۱۲، ص ۲۸۸ ـ ۲۸۹.

قدسی‌نژاد، غلامرضا ۲۳۴

شاعر، مدرس

تولد ۱۳۰۴، مشهد.

درگذشت ۲۱ آذر ۱۳۶۸، مشهد.

غلامرضا میرزاجانی متخلص به «قدسی» که بعدها نام خود را به غلامرضا قدسی‌نژاد[۱] تغییر داد، مشهور به غلامرضا قدسی مشهدی، پس از اتمام تحصیلات ابتدایی به تحصیل علوم قدیمه پرداخت و در دروس ادبی ادیب نیشابوری ثانی (شیخ محمد تقی راموز) شرکت جست و فقه و اصول را نزد آقا سید هاشم قزوینی تلمذ نمود و گواهینامهٔ مدرسی نیز کسب کرد و چندی نیز در دانشکدهٔ معقول و منقول به تحصیل پرداخت. از آن پس خود در مهدیه بعضی از متون ادبی را تدریس نمود که به علل سیاسی از کار او جلوگیری به عمل آمد.

در کنار تحصیل نیز از شانزده سالگی به سرودن شعر پرداخت و در انجمن‌های ادبی شرکت می‌جست. پس از مدتی نیز با همکاری دوستانش به تأسیس انجمن ادبی فردوسی مشهد اقدام نمود. قدسی‌نژاد با شعر کلاسیک آغاز کرد و در طول عمر خویش هیچگاه به آزمون دیگر شیوه‌ها دست نزد و همچنان دلبستهٔ «غزل» ماند. بیشتر به سبک هندی غزل می‌گفت. ضمن آنکه به عنوان مدرس ادبیات فارسی و عربی نیز در دانشگاه مشهد سال‌ها به تدریس مشغول بود. وی سفرهایی نیز به کشورهای عربستان سعودی، سوریه، عراق و هندوستان کرد که انگیزهٔ سفر او به هندوستان یافتن دیوان اشعار جدش «محمد خان قدسی» سخنسرای روزگار خویش بود.

قدسی فعالیت سیاسی خود را از زمان حکومت دکتر مصدق آغاز کرد و با زبان شعر از نهضت ملی ایران حمایت نمود و حتی برای جلب روستاییان و شرکتشان در انتخابات مجلس شورای ملی و دادن رأی به کاندیداهای مردمی اشعاری به لهجهٔ مشهدی می‌سرود و برای آنان می‌خواند. پس از کودتای بیست و هشتم مرداد سال ۱۳۳۲ قدسی مبارزهٔ سیاسی و مذهبی خود را ادامه داد، در جریان نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ به مبارزه با رژیم پهلوی پرداخت و به همین واسطه در سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۵۰ (مرتبهٔ دوم جمعاً چهار سال در زندان‌های

۱. وی نوادهٔ حاج محمد جان قدسی، شاعر دورهٔ صفویه است که در سمت خزانه‌دار آستان قدس رضوی خدمت می‌کرد و در سال ۱۲۰۴ در عهد شاه جهان به هند سفر کرد و در همانجا درگذشت و علت انتخاب نام خانوادگی قدسی به میرزاجانی به همین مناسبت بود، اما وی در سال‌های آخر عمر، نام‌خانوادگی خود را به قدسی‌نژاد تغییر داد.

مشهد و قزل قلعه و اوین به‌سر برد) دستگیر و زندانی شد.

پس از رهایی از زندان در سال ۱۳۵۵ در دفتر نشر فرهنگ اسلامی تهران به ترجمه و تصحیح کتب اشتغال ورزید و پس از پیروزی انقلاب اسلامی یک سال در سمت مدیریت کل ادارهٔ اوقاف و سال بعد به عنوان مدیر کل ادارهٔ فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان خدمت کرد. پس از آن از شغل اداری دست کشید و چون به زبان و ادبیات عربی تسلط داشت در سال‌های پیش از فوت در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه مشهد و در یکی دو دانشکدهٔ دیگر ادبیات فارسی تدریس می‌کرد.

از آثار او، کتاب ***یاران پیامبر*** طبع و نشر شد. ***دیوان اشعار***ش از طرف ادارهٔ کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان و به همت محمد قهرمان در سال ۱۳۷۰ منتشر شد. از آثار دیگر اوست: ***شعر امروز خراسان؛ غزل معاصر ایران***.

«قدسی» روز بیست و یکم آذر ۱۳۶۸ به سبب بیماری قلبی درگذشت و در یکی از غرفه‌های صحن نو حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

منابع: کیهان فرهنگی، س.۶، ش.۹ (آذر ۱۳۶۸)، ص. ۴۴. *نسیمی از دیار خراسان* /انتشارات کتابستان. ***نغمه‌های قدسی (مجموعه اشعار استاد شادروان غلامرضا قدسی)*** /با مقدمهٔ زنده‌یاد استاد مهرداد اوستا. ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد چهارم*** / سید محمد باقر برقعی، ص. ۲۷۹۵ ـ ۲۷۹۶. ***سیمای شاعران*** / حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۳۰۶. ادبستان، ش. ۱ (دی ۱۳۶۸). «غلامرضا قدسی»، آینده، س. ۱۵، ص. ۸۳۸.

قریشی، سید ضیاء ۲۳۵

شاعر

تولد ۱۲۹۹، یزد.

درگذشت ۱۰ آبان ۱۳۷۰.

سید ضیاء قریشی، فرزند میرزا حسین، پس از اتمام تحصیلات دبستانی و دبیرستانی در یزد به تهران عزیمت کرد و به تحصیل در رشتهٔ دامپزشکی پرداخت. پس از فراغت از تحصیل به استخدام ادارهٔ کل دامپزشکی درآمد. در سال ۱۳۲۱ در ادارهٔ کل دامپزشکی کشور برای خدمت در یزد استخدام گشت و در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد. او عضو انجمن ادبی کتابخانهٔ وزیری بود. قریشی طبعی روان داشت و در اشعار خود «ضیاء» تخلص می‌نمود.

منبع: تذکرهٔ شعرای یزد، از آغاز تا عصر حاضر / عباس فتوحی یزدی، چاپ دوم، ص. ۴۲۵.

قریشی‌زاده، سید بدرالدین ۲۳۶

شاعر

تولد ۴ خرداد ۱۳۰۱، کرمانشاه.

درگذشت ۱۰ آذر ۱۳۷۲، کرمانشاه.

سید بدرالدین قریشی‌زاده که در شعر تخلص «فاخر» را برگزید، فرزند سید کریم، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمانشاه به پایان برد و تا اخذ دیپلم پیش رفت. از آن پس به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به عنوان دبیر ادبیات در دبیرستان‌ها به تدریس پرداخت و پس از سی سال خدمت آموزشی بازنشسته گردید.

شعر را در جوانی شروع کرد و در مجالس ادبی شرکت می‌نمود تا اینکه در سال ۱۳۴۱ در کرمانشاه با کمک برادرش جلیل قریشی‌زاده (وفا) که او نیز شاعر بود و چند تن از دوستان شاعرش، «انجمن ادبی سخن» را تأسیس کرد و مدت دو سال تمام نشریه‌ای ماهانه به نام «انجمن ادبی سخن» مربوط به شعرای معاصر کرمانشاه و همچنین شرح احوال و آثار شعرای

درگذشته را منتشر کرد. انتشار جزوات انجمن تا آخر سال ۱۳۴۳ ادامه داشت.

منبع: *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد چهارم*/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۲۵۸۳.

۲۳۷ قمشه‌یی، مصطفی

شاعر

تولد بهمن ۱۳۱۳، تهران.
درگذشت ۳۰ اردیبهشت ۱۳۶۵، تهران.

مصطفی قمشه‌یی، متخلص به «مژده»، دارای دیپلم ادبی بود و در وزارت دارایی مشغول به کار بود. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۳۴ آغاز کرد و طی آن مدتی مسئول صفحهٔ ادبی مجلهٔ «آشفته» بود. با مجلات «ارمغان»، «اطلاعات هفتگی» و «سپید و سیاه» نیز همکاری داشت. از تألیفات او می‌توان از ***تغزل‌های قصیده‌سرایان از رودکی تا بهار*** و تصحیح ***دیوان غنی کشمیری*** نام برد. وی از پانزده سالگی در انجمن‌های ادبی تهران به خصوص انجمن ادبی ایران که به سرپرستی محمد علی ناصح تشکیل می‌شد راه یافت و چندی نیز دبیر انجمن ادبی تهران بود. از انواع شعر، وی بیشتر به غزل علاقه داشت.

منابع: *فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز*/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص ۵۱۶. *چهرهٔ مطبوعات معاصر*/ غلامحسین صالحیار، ص. ۱۶۳. *خلوت انس*/ مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، چاپ اوّل، ص ۲۴۲.

۲۳۸ قوکاسیان، هراند

مترجم

تولد ۱۳۰۶، جلفای اصفهان.
درگذشت ۱۹ خرداد ۱۳۷۵.

هراند قوکاسیان پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در اصفهان، از دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. وی با تخصص بیهوشی در اصفهان شروع به کار کرد و در دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه اصفهان به تدریس اشتغال ورزید. در سال ۱۳۴۵ در کنار تدریس در دانشکدهٔ پزشکی در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه اصفهان در رشتهٔ نوبنیاد زبان و ادبیات ارمنی نیز به تدریس ادبیات ارمنی مشغول گشت.

وی با مجلات «سخن»، «ارمغان»، «صائب»، «نگین» و «هور» همکاری می‌کرد. او با «جُنگ اصفهان» نیز همکاری داشت و با همکاری محمد حقوقی در ترجمهٔ اشعار شاعران نوپرداز ارمنی در مطبوعات ارمنی‌زبان کوشش نمود. وی اشعار مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو (بامداد) و فروغ فرخزاد را به زبان ارمنی ترجمه کرد.

هراند قوکاسیان کتاب ***آنوش*** را که برگزیده‌ای از شعر شاعران ارمنی‌زبان است در سال ۱۳۴۸ و به مناسبت صدمین سالگرد تولد هوانس تومانیان شاعر ملی ارامنه ترجمه و منتشر نمود. در کتاب ***آنوش*** او به معرفی شاعرانی که در واقعهٔ ۱۹۱۵ به شهادت رسیدند و شاعران معروف ارمنستان شرقی و شاعران برگزیده ارمنستان غربی پرداخت.

دکتر قوکاسیان در سال ۱۳۴۹ دومین کتاب خود را به نام ***گرونک*** که حاوی ترجمهٔ اشعار شاعران ارمنی‌زبان که خارج از ارمنستان بودند و به‌خصوص شاعران ارمنی‌زبان ایرانی مانند گالوست خاننس، آشوت اصلان دِو، آرماند و ارشاویر مگرونچ و ... پرداخت.

آخرین کتاب چاپ شده دکتر هراند قوکاسیان به نام ***گل‌های آفتاب‌گردان*** در سال ۱۳۵۵ چاپ گردید که ترجمهٔ کارهای منثور آرام مورادیان است.

هراند قوکاسیان به اشعار زوریک میرزایانس

علاقه داشت و در نظر داشت که که مجموعه‌ای از اشعار میرزایانس را در کتاب جداگانه‌ای چاپ کند.

هراند قوکاسیان به علت ناراحتی قلبی در سال ۱۳۶۵ در تهران درگذشت.

منبع: «درگذشت دکتر هراند قوکاسیان»، کلک، ش. ۷۳ ـ ۷۵، (فروردین ـ خرداد ۱۳۷۵)، ص. ۴۳۳ ـ ۴۳۴.

قهرمانی، مظفر ۲۳۹

شاعر، محقق

تولد ۱۲۹۶.

درگذشت ۲۴ خرداد ۱۳۷۰، شیراز.

مظفر قهرمانی، فرزند نصراله معین دفتر، و نویسندهٔ کتاب ***از باورد تا ابیورد خراسان تا ابتورد یا ابوالورد فارس*** در استخدام وزارت کشور بود. وی در سمت شهردار برازجان و کازرون و دره‌گز ابیورد خراسان به کار مشغول بود. وی همچنین کتابی به‌نام ***اوضاع و احوال عشایر فارس از آغاز قاجاریه تا انقراض سلسله پهلوی*** تألیف کرد.

مظفر قهرمانی گاهی شعر می‌گفت و تخلصش «مظفر» بود.

منبع: امداد، حسن، «مظفر قهرمانی»، آینده، س. ۱۷، ص. ۸۷۹.

کارنگ، عبدالعلی ۲۴۰

محقق

درگذشت ۱۳۵۸.

عبدالعلی کارنگ سال‌های خدمت دولتی را در وزارت معارف گذارنید. وی عضو شورای هیئت مدیره کتابخانهٔ ملی شهر تبریز بود. آخرین کار او تصحیح قسمت مربوط به آذربایجان ***وقف‌نامهٔ ربع شیدی*** است که به چاپ رسید. وی مقاله‌هایی برای مجله‌های ادبی و تاریخی تهران و تبریز و از جمله «یغما» نوشته است. از آثار اوست: ***تاتی و هرزنی*** (۱۳۳۳)؛ ***خلخالی یک لهجه از آذری*** (۱۳۳۴)؛ ***ادبیات پارسی (مدرسه‌ای)*** (با همکاری علی اکبر صبا و علی لک دیزجی، ۱۳۳۴)؛ ***تاریخ تبریز*** (تألیف ولادیمیر فدوروویچ مینورسکی، ۱۳۳۷)؛ ***دستور زبان فارسی*** (با همکاری علی اکبر صبا و عزیز دولت‌آبادی و چند تن دیگر، ۱۳۳۷)؛ ***دستور زبان کنونی آذربایجان*** (۱۳۴۰)؛ ***راز*** (مجموعه شعر، ۱۳۴۳)؛ ***خاطراتی از شرق*** (اثر دوروتی اسمیت، ۱۳۴۴)؛ ***سفرنامهٔ کارری*** (اثر جملی کارری؛ ترجمه با همکاری عباس نخجوانی، ۱۳۴۸)؛ ***آثار باستانی آذربایجان*** (دو جلد، ۱۳۵۱)؛ ***وقف‌نامهٔ ربع شیدی*** (تصحیح قسمت تبریز، ۱۳۵۷).

از وی مقالاتی در مجلات و نشریات «آرش»، «معلم امروز»، «کتابخانهٔ ملی تبریز»، «سرو»، «دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تبریز»، «جهان اخلاق»، «تاریخ و فرهنگ ایران» و «بررسی‌های تاریخی» منتشر شده است.

منابع: «عبدالعلی کارنگ»، آینده، س. ۵، ص. ۹۴۷ ـ ۹۴۸. *کتابشناسی آذربایجان* / ناهید حبیبی آزاد.

کاشانی، سپیده ۲۴۱

شاعر

تولد مرداد ۱۳۱۵، کاشان.

درگذشت ۲۶ بهمن ۱۳۷۱، انگلستان.

سرور اعظم باکوچی مشهور به سپیدهٔ کاشانی فرزند حسین تحصیلات ابتدایی را در دبیرستان «هفده دی» و متوسطه را در دبیرستان «شاهدخت» کاشان

به پایان رسانید. در شانزده سالگی به تهران مهاجرت کرد. اولین مجموعهٔ شعرش «*پروانه‌های شب*» را پیش از انقلاب در سال ۱۳۵۲ به چاپ سپرد ولی هرگز فرصت نیافت تا تلاش‌های این سالیان را نیز گرد آورد. وی عضو شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. دو کتاب دیگرش به‌نام *سخن آشنا* و *هزار دامن گل سرخ* پس از فوت وی به چاپ رسید.

وی مدتی ادارهٔ صفحات ادبی مجلهٔ زن روز را به‌عهده داشت که بعدها به‌واسطهٔ مسئولیت‌های زیاد از آن کناره گرفت. وی همچنین در حوزهٔ اندیشه و هنر اسلامی سازمان تبلیغات اسلامی فعالیت داشت، عضو رسمی شورای شعر از سال ۱۳۶۰ بود و با مطبوعات هم همکاری می‌کرد. در صدا و سیما نیز با نوشتن چندین متن تلویزیونی و عضویت در شورای عالی شعر و ادب مشغول به کار بود.

وی از یک بیماری کبدی رنج می‌برد و در یکی از بیمارستان‌های انگلستان به سرای جاوید شتافت. پیکر وی در بهشت زهرا مدفون است.

منابع: «سپیدهٔ کاشانی هم رفت»، شعر، س ۱، ش ۱ (فروردین ۱۳۷۲)، ص ۸۰. «درگذشت شاعرهٔ معاصر، سپیدهٔ کاشانی»، کیهان فرهنگی، س ۹، ش ۱۲ (اسفند ۱۳۷۱)، ص ۵۳. *تذکرهٔ شعرای معاصر دههٔ اول انقلاب معاصر، جلد اول* / دکتر مصطفی اولیائی، ص ۲۲۴ ـ ۲۲۶. *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوم* / سید محمد باقر برقعی، ص ۱۷۳۶ ـ ۱۷۳۷. *یادهای سبز (یادی از شاعران سفر کرده: مهرداد اوستا، سپیدهٔ کاشانی، سلمان هراتی، احمد زارعی، آرش باران‌پور، رخشا و بندی سیرجانی)* / علیرضا قزوه، چاپ اول، ص ۲۳ ـ ۳۱. *زنان شاعر ایران* / مهری شاه‌حسینی (شادمانی)، چاپ اول، ص ۷۳۱ ـ ۷۳۷. *فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت* / محمد باقر نجف‌زاده بارفروش، «م. روجا»، ص ۲۳۰. *سخن آشنا، مجموعه اشعار سپیدهٔ کاشانی* / دفتر مطالعات فرهنگی بانوان مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ویراستهٔ حمید اجتماعی جندقی.

کاشانی، محمدکیوان ۲۴۲

شاعر

تولد ۱۲۹۸، کاشان.

درگذشت ۱۳۶۶، تهران.

محمد کیوان کاشانی، فرزند محمدتقی، پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه از دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران دانشنامهٔ مهندسی ساختمان را گرفت. سپس به کار مهندسی ساختمان و سد پرداخت. سال‌ها مدیر عامل شرکت ساختمانی اتکو و عضو هیئت مدیره شرکت مؤلفان و مترجمان ایران بود. ساختمان سد کرج و سپیدرود از جمله فعالیت‌های مهندسان مشاور شرکت ساختمانی اتکو است. در سال‌های آخر عمر در تهران به مطالعه مشغول بود.

محمد کیوان کاشانی اهل شعر بود و اشعاری از وی به یادگار مانده است.

منبع: *فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز* / عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص ۴۸۱.

کامکار پارسی، محمد ۲۴۲/۱

محقق، ادیب

تولد ۱۲۷۴، فسا.

درگذشت ۲ شهریور ۱۳۶۲، تهران.

محمد کامکار پارسی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدارس فسا و شیراز وارد دانشسرای عالی شد و به اخذ درجهٔ لیسانس نایل آمد. سپس از دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران موفق به اخذ درجهٔ دکترای زبان و ادبیات فارسی گردید. دکتر کامکار سال‌ها با عنوان دبیری و ریاست دبیرستان، ریاست فرهنگ شهرستان‌های مختلف، ریاست خانهٔ فرهنگ ایران در دهلی‌نو و بمبئی و

استاد ادبیات فارسی دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور مشغول به فعالیت بود. از وی اشعار و مقاله‌هایی در روزنامه‌ها و مجلات ادبی به چاپ رسیده است.

منبع: حاکمی، اسماعیل، «درگذشت دکتر محمد کامکار پارسی»، آینده، س. ۹، ص. ۸۲۷.

کتابی، بدرالدین ۲۴۳

مترجم، مؤلف

تولد ۱۲۹۱ (۹ شوال ۱۳۳۰ ق.)، اصفهان.
درگذشت ۱۳۶۶.

بدرالدین کتابی متخلص به «امید» ابتدا در مدارس قدیم اصفهان و یک سال در مشهد به تحصیلات قدیم از ادبیات و منطق و فقه و اصول پرداخت و منظومهٔ حاج ملاهادی سبزواری نزد حکیم همدانی و آقا شیخ محمد خراسانی فرا گرفت. در سال ۱۳۱۳ موفق به اخذ دیپلم شد. سپس وارد دانشگاه گردید. در سال ۱۳۱۶ موفق به اخذ درجهٔ لیسانس در رشتهٔ فلسفه و علوم تربیتی گردید. وی برای ادامهٔ تحصیلات در اروپا برگزیده شد. وی با دو زبان عربی و فرانسوی آشنایی داشت.

پس از فراغت از تحصیل در دانشسرای عالی به زادگاه خود اصفهان بازگشت. ابتدا به دبیری دبیرستان‌ها اشتغال ورزید و سپس ریاست دبیرستان ادب اصفهان را عهده‌دار گردید و مدتی نیز معاونت و کفالت ادارهٔ کل فرهنگ استان را به‌عهده داشت. وی همچنین در بنیانگذاری دانشکدهٔ ادبیات اصفهان به سال ۱۳۳۷ و نیز تأسیس کتابخانهٔ آن نقش داشت و خود سال‌ها در آن دانشکده به تدریس فلسفه، روان‌شناسی، منطق نظری و عملی، ادبیات فارسی و متون فلسفی به زبان فرانسوی می‌پرداخت.

از آثار و تألیفات اوست: **هیپنوتیسم در دسترس همه** (این کتاب که احتمالا اولین اثر او است نخست در روزنامهٔ «اصفهان» و سپس جداگانه به طبع رسیده است)؛ سفرنامهٔ ***به‌سوی اصفهان*** (اثر پی‌یر لوتی، ترجمه از فرانسوی، اصفهان)؛ ترجمهٔ ***فروغ خاور*** (شرح حال و آیین رهبانیت بودا، اثر هرمان الدنبرگ، اصفهان، سه جلد، ۱۳۳۰ ـ ۱۳۳۲)؛ ***پیرامون سیرهٔ نبوی*** (عنوان عربی آن علی هامش السیره، اثر دکتر طه حسین، سه جلد، ۱۳۳۵)؛ ترجمهٔ ***اخلاق*** (اثر دکتر پیر ژانه، ترجمه از فرانسوی، اصفهان، ۱۳۳۱)؛ ترجمه رسالهٔ «آداب المتعلمین» با مقدمهٔ کوتاهی راجع به عدم صحت انتساب آن به خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۳۶، ضمیمهٔ «سالنامهٔ دبیرستان ادب»، اصفهان)، مقالات وی در مجلات زیر چاپ می‌شد: «سالنامهٔ دبیرستان ادب اصفهان»، «آئینهٔ پزشکی» و نشریهٔ «ادارهٔ فرهنگ استان دهم، اصفهان».

منابع: شعبانی، رضا، «شادروان بدرالدین کتابی، انسانی منبعث از تربیت اسلامی»، کیهان فرهنگی، س. ۴، ش. ۶ (شهریور ۱۳۶۶)، ص. ۳۴ ـ ۳۷. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۹۶ ـ ۹۷.

کسری، لیلا ۲۴۴

شاعر

تولد ۷ فروردین ۱۳۱۸، تهران.
درگذشت ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۸ (۱۹ می ۱۹۸۹ م.)، کالیفرنیا.

لیلا کسری (افشار)، فرزند محمد کسری متخلص به «الهام»، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. سپس از کینگز کالج انگلستان در رشتهٔ علوم اداری (دورهٔ کامل منشیگری و کتاب‌داری) فارغ‌التحصیل شد. پس از بازگشت به میهن، در شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران

مشغول به کار شد. او همچنین به کار نویسندگی به‌ویژه نمایشنامه‌های رادیویی پرداخت.

از سال ۱۳۳۵ خدمت مطبوعاتی را آغاز کرد و عضو هیئت تحریریه مجلهٔ «اطلاعات بانوان» و مجلهٔ «روشنفکر» بود و با «امید ایران» نیز همکاری داشت. وی از شاعران نوپرداز است. اولین مجموعه شعرش را به‌نام ***یک پاییز و دو بهار*** در زمانی که صاحب دو فرزند بود، نشر نمود. مجموعه ***فصل مطرح نیست*** (این کتاب برندهٔ جایزهٔ تلویزیونی در سال ۱۳۴۸ شد) و ***جشنوارهٔ اینسوی پل*** را در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ منتشر کرد. وی به ترانه‌سرایی نیز می‌پرداخت.

لیلا کسری زمانی که سومین پسرش به دنیا آمد، به سرطان دچار شد. به‌دفعات در انگلستان و آمریکا تحت عمل جراحی قرار گرفت. اما سرانجام در روز بیست و نهم اردیبهشت ۱۳۶۸ ساعت چهار بامداد در منزل خود در ایالت کالیفرنیا دار فانی را وداع گفت.

منابع: فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۴۷۲. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر/*** غلامحسین صالحیار، ص. ۱۲۰ ـ ۱۲۱. ***زنان شاعر ایران/*** مهری شاه‌حسینی (شادمانی)، چاپ اوّل، ص. ۷۷۷ ـ ۷۷۸. ***سیمای شاعران/*** حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۳۱۴. «لیلی کسری به "جشنوارهٔ آن سوی پل" پرواز کرد»، دنیای سخن، ش. ۲۸ (مرداد، شهریور ۱۳۶۸)، ص. ۴ ـ ۵. ***گلزار جاویدان، مجلد سوم/*** محمود هدایت، ص. ۱۲۱۷. مجموعه اطلاعات موجود در اینترنت که توسط محمدرضا سرکشیک تنظیم شده بود حاوی زندگینامه‌ای که به قلم خود لیلا کسری بود.

مترجم، نویسنده، روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۹۹، تهران.

درگذشت ۱۶ بهمن ۱۳۷۲.

علی اکبر کسمایی پس از گذراندن دورهٔ مقدماتی و کسب مدرک لیسانس در رشتهٔ ادبیات، تحصیلات خود را در رشتهٔ معقول و منقول پی گرفت.

خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۶ با مؤسسهٔ «اطلاعات» آغاز کرد. مدتی نیز نمایندگی و نویسندگی روزنامهٔ «اطلاعات» را در مصر بر عهده گرفت. کسمایی از پایه‌گذاران مجلهٔ «اطلاعات هفتگی» بود و طی خدمت مطبوعاتی خود با روزنامه‌ها و مجلات (و از جمله «جوانان») به‌عنوان نویسنده و منتقد همکاری داشت. مدتی سردبیریِ روزنامهٔ «امید» و زمانی نیز سردبیری مجلات «صبا» و «وحید» را به عهده داشت. مدت‌ها نیز برنامه‌های مختلف رادیو ایران، از جمله «برنامهٔ جوانان» را اداره می‌کرد. در ترجمه هم دستی داشت. علاوه بر آن چندی رییس ادارهٔ انتشارات هواپیمایی ملی و پس از آن رایزن مطبوعاتی ایران در قاهره بود. در سال ۱۳۲۲ به‌سبب تألیف کتاب ***آئین کامیابی*** به‌عنوان بهترین کتاب سال به دریافت جایزهٔ سلطنتی نایل آمده است. از دیگر تألیفات کسمایی می‌توان از ***جهنم دره؛ قرن دیوانه؛ عشق بزرگان؛ گل‌های وحشی؛ روانشناسی در خدمت بشر***؛ و ***نیشخندهای آناتول فرانس*** (ترجمه) نام برد.

منابع: «درگذشت استاد علی اکبر کسمایی»، کیهان فرهنگی، س. ۱۰، ش. ۱۱ (بهمن ۱۳۷۲)، ص. ۶۱. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر/*** غلامحسین صالحیار، ص. ۱۲۱. ***کتابشناسی جوانان/*** مریم رعیت‌آبادی، شهرزاد طاهری لطفی، نوشین عمرانی.

شاعر

تولد ۱۲۹۹، کرمانشاه.

درگذشت اسفند ۱۳۵۷.

کریم کوهساری متخلص به «تمکین»، فرزند محمود، دوران کودکی را به جای آن که به مدرسه رود به کارگاه رفت و برای امرار معاش به کارگری پرداخت. بالاخره در چهارده سالگی به مکتب راه برد و مدت یک سال به خواندن و نوشتن و فراگیری *قرآن* و *نصاب‌الصبیان* پرداخت، آنگاه خود را به مدرسه رسانید و با امتحان ورودی در کلاس سوم پذیرفته شد و مدت دو سال به تحصیل ادامه داد و تا کلاس چهارم پیش رفت، اما به علت عدم بضاعت مالی ترک دبستان کرد. آنگاه در ادارهٔ پست و تلگراف به استخدام درآمد و مدت سی سال خدمت کرد.

وی به سرودن شعر علاقه داشت و در جلسات انجمن ادبی کرمانشاه شرکت می‌کرد. در ابتدا «غمگین» تخلص کرد اما به درخواست سید عبدالکریم غیرت، شاعر و خوشنویس کرمانشاهی تخلص خود را به «تمکین» تغییر داد. کریم کوهساری غزل می‌گفت و علاوه بر شعر فارسی در سرودن غزل‌های کردی نیز مهارت داشت. *دیوان اشعارش* در سال ۱۳۶۹ به کوشش فرشید یوسفی به چاپ رسید.

منبع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد دوّم/ سید محمد باقر برقعی، ص ۹۱۲.

کیا (خانلری)، زهرا ۲۴۷

مترجم، محقق

تولد ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت اسفند ۱۳۶۹.

زهرا کیا (خانلری)، فرزند هادی نوری نوادهٔ حاج شیخ فضل‌الله نوری، تحصیلات دبستانی را در مدرسهٔ ناموس به پایان رسانید و تحصیلات دبیرستانی را در دارالمعلمات مرکزی (دانشسرای مقدماتی) انجام داد و بلافاصله در سن هفده سالگی به تدریس در مدارس ملی و دولتی پرداخت و خود برای گذراندن امتحانات دورهٔ کامل متوسطه با پسران آماده کرد و اجازه آن را نیز از وزارت معارف دریافت نمود و در سال ۱۳۱۴ پس از گذراندن امتحان ورودی در رشتهٔ ادبیات فارسی دانشکدهٔ ادبیات تهران که در آن زمان دانشسرای عالی نامیده می‌شد قبول شد و در سال ۱۳۱۸ به اخذ لیسانس نایل آمد و سپس ضمن خدمت دولتی در رشتهٔ دکترایِ زبان و ادبیات فارسی که تازه تأسیس شده بود ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۲۳ با گذراندن رسالهٔ خود در بارهٔ «سبک ادبی تواریخ ایران بعد از اسلام تا قرن نهم» به اخذ دکتری نایل آمد.

پس از چند سال تدریس در دبیرستان به ریاست دبیرستان نوربخش (رضا شاه کبیر سابق) منصوب شد و چند سال بعد به سمت دانشیاری و پس از آن به مقام استادی دانشکدهٔ ادبیات نایل آمد.

در سال ۱۳۲۰ با پرویز ناتل خانلری همکلاسی رشتهٔ دکترایِ خود ازدواج کرد و با کمک هم مجله «سخن» را در سال ۱۳۲۲ منتشر کردند و در این ایام در شورای زنان با دکتر فاطمه سیاح و عده‌ای دیگر به فعالیت‌های اجتماعی پرداخت و به سمت منشی هیئت مدیرهٔ شورا منصوب شد. زهرا خانلری پس از مرگ دردناک پسر هشت ساله‌اش از هر گونه فعالیت اجتماعی دست برداشت و تنها به کارهای ادبی خود ادامه داد.

او از هفده سالگی بنابر ذوق شخصی به مطالعه و نوشتن مقالات در جراید روز پرداخت و در همان ایام دو داستان به نام *پروین و پرویز* و *ژاله یا رهبر دوشیزگان* (۱۳۱۵) نوشت و چنان که ذکر شد در مجلهٔ «سخن» به داستان‌نویسی و ترجمهٔ مقالات پرداخت. در سال ۱۳۳۹ برای مطالعه در بارهٔ کتب درسی به کشورهای فرانسه و انگلستان سفر کرد و در

بازگشت در سازمان کتاب‌های درسی با عده‌ای از همکارانش دست به تغییر در کتاب‌های درسی مدارس زد و کار را از اولین کتاب دبستانی آغاز نمود و به‌کلی سبک کتاب‌های گذشته را عوض و کتاب‌های تازه را به سبک جدید با در نظر گرفتن محیط و زبان کشور خود تألیف کرد و برای آموزگاران نیز روش تدریس نوشت تا با سهولت بتوانند کتاب‌های تازه را تدریس نمایند و این همکاری را تا کتاب فارسی اول دبیرستان ادامه داد و کتاب‌های پنجم و ششم دبیرستان را شخصاً نوشت و این کتاب‌ها از سال ۱۳۴۱ به تدریج به صورت کتاب‌های رسمی در سراسر کشور تدریس شد. و چون همیشه در ضمن تدریس در دبیرستان و دانشگاه به این نکته برمی‌خورد که شاگردان از داستان‌های منظوم و معروف ادبی زبان فارسی به‌کلی بی‌اطلاع‌اند و هرگز فرصت خواندن آنها را ندارند بنابراین درصد برآمد که این داستان‌ها را خلاصه کند و به لباس نثر درآورد. این مجموعه که با شیوهٔ خاصی نوشته شد به نام ***داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی*** (۱۳۳۷) منتشر و دوباره تجدید چاپ شد و برندهٔ جایزهٔ یونسکو در ایران شد.

از آثار دیگر اوست: ***پروین و پرویز*** (داستان)؛ ***ژاله یا رهبر دوشیزگان*** (داستان، ۱۳۱۵)؛ ***راهنمای ادبیات فارسی***، ***فرهنگ اعلام***، ***اصطلاحات*** (۱۳۴۱)؛ ***فرهنگ ادبیات فارسی*** (۱۳۴۸)؛ ***نمونه فارسی در سلسله شاهکارهای ادبیات فارسی***؛ ***داستان حسنک از تاریخ بیهقی*** (۱۳۵۱)؛ ***برگزیدهٔ قابوسنامه*** (تصحیح از قدیمی‌ترین نسخ، ۱۳۵۲)؛ ***کتاب‌های فارسی و دستور در سلسله کتاب‌های درسی***؛ ***افسانه سیمرغ*** (از منطق الطیر عطار) برای کودکان؛ ترجمهٔ ***شب‌های روشن*** (اثر فئودر داستایوسکی، ۱۳۲۴)؛ ***رنج‌های جوانی ورتر*** (اثر آندره موروآ، ۱۳۲۲)؛ ***بیست داستان*** (از پیراندللو، ۱۳۳۵)؛ ***آقای رییس جمهور*** (اثر میگل انخل آستوریاس، ۱۳۴۸)؛ ***سه داستان حماسی فارسی برای گنجینهٔ ادبیات کودکان***؛ ***نمونه غزل فارسی*** (۱۳۴۳)؛ ***دنیای خیال*** (اثر آندره موروآ، ۱۳۴۹)؛ ***توروتومیو*** (۱۳۵۱)؛ ***پاپ سبز*** (۱۳۶۰).

منابع: اینجا ایران، من زن؛ یاد و نام زنان ایرانی در رشته‌های علوم انسانی و هنر/ دکتر سهیلا شهشهانی، ژیلا هدایی، فهیمهٔ سپهر صادقیان. *کارنامهٔ زنان مشهور ایران (از قبل از اسلام تا عصر حاضر، در علم، ادب، سیاست، مذهب، هنر، تعلیم و تربیت)/* فخری قویمی (خشایار وزیری)، ص. ۲۱۷ـ ۲۲۰. ***فرهنگ داستان‌نویسان ایران/*** حسن عابدینی، ص. ۷۱. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/*** خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۲۴۹ ـ ۲۵۰.

کیوان سمیعی، غلامرضا ۲۴۷/۱

محقق، شاعر

تولد ۱۲۹۲، کرمانشاه.

درگذشت ۴ مرداد ۱۳۷۲، تهران.

غلامرضا کیوان سمیعی متخلص به «کیوان»، فرزند محمد صادق، تحصیلات ابتدایی را در دبستان نصرت در کرمانشاه به پایان برد. در کنار درس‌های دبستانی به فراگیری علوم عربی و قرآنی نزد برخی استادان کرمانشاه از جمله میرزا باقر توحیدی و شیخ عزیزالله واعظ پرداخت. سپس به دبیرستان رفت و همچنان پس از فراغت از مدرسه به فرا گرفتن علوم عربیه پرداخت و شرح سیوطی بر الفیه ابن مالک و حاشیه ملا عبدالله بر تهذیب در منطق و شرح جامی بر کافیه ابن حاجب در نحو و معالم‌الاصول و جلد اول قوانین‌الاصول در علم اصول و اکثر شرح لمعه را در فقه، نزد حاج آقا محمد میبدی تلمذ کرد و در خلال دروس دبیرستانی و علوم عربیه شب‌ها به تحصیل در رشتهٔ ریاضیات و زبان انگلیسی پرداخت. در نوزده سالگی پس از طی دورهٔ دبیرستان به قم رفت و به

فراگیری علوم اسلامی ادامه داد. رسائل را نزد آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و مبداء و معاد ملاصدرا را نزد آیت‌الله محمد علی شاه‌آبادی خواند و سپس به مشهد رفت و در محضر شیخ محمد تقی راموز مشهور به ادیب نیشابوری (ثانی) درس مطول را خواند. از استادان دیگر وی آقا بزرگ عسگری و آقا میرزا مهدی بودند.

آنگاه به تهران آمد و علم کلام را از شریعت سنگلجی آموخت و در تهران با مجامع ادبی و ادیبان رفت و آمد داشت و با شیخ عبدالله حایری (رحمت علیشاه) و شیخ عباسعلی کیوان قزوینی به مشرب عرفان آشنا شد و شرح قیصری بر فصوص‌الحکم را فرا گرفت.

آنگاه به زادگاه خود بازگشت و چندی نیز از محضر حیدر قلی‌خان سردار کابلی جامع معقول و منقول و ریاضیات کسب فیض کرد و به دنبال معیشت چندی به تجارت پرداخت. سرانجام به استخدام بانک کشاورزی در آمد و سال‌ها امور حقوقی بانک را عهده‌دار بود و پس از سی سال خدمت در سال ۱۳۵۲ بازنشسته شد.

علاوه بر مقالات کیوان سمیعی در مجله‌های «دعوت اسلامی» (نخستین مقالهٔ وی در سال ۱۳۰۹ در همین مجله به چاپ رسید)، «شفق سرخ»، «کرمانشاه»، «وحید» و روزنامهٔ «کیهان»، از جمله آثار وی است: ***زندگانی سردار کابلی مشتمل بر حوادث افغانستان در قرن نوزدهم میلادی*** (۱۳۶۱)؛ مقدمه‌ای بر ***شرح گلشن راز*** (شیخ محمد لاهیجی، ۱۳۳۷)؛ رساله در ***شرح احوال طبیب اصفهانی*** (۱۳۴۷)؛ ***تحقیقات ادبی یا سخنانی پیرامون شعر و شاعری*** (۱۳۶۱)؛ کتاب چند جلدی ***اوراق پراکنده*** (مجموعه مقاله‌ها، ۱۳۶۶)؛ مقدمه بر ***قبله‌شناسی*** (تصنیف سردار کابلی، ۱۳۲۴)؛ مقدمه بر ***اوصاف الاشراف خواجه نصیر طوسی*** (۱۳۳۶)؛ مقدمه بر ***تذکرهٔ مختصر شعرای کرمانشاه*** (تألیف باقر شاکری، ۱۳۳۷)؛ مقدمه بر ***خاکنشینان عشق*** (تألیف فرشید یوسفی، ۱۳۶۴)؛ مقدمه‌ای بر ***تحقیق در مسائل فقهی*** (تألیف دکتر سید حسن صفوی ۱۳۴۹)؛ مقدمه‌ای بر ***دیوان آزاد همدانی*** (۱۳۵۶)؛ تصحیح ***دیوان صابر همدانی*** در دو قسمت با مقدمه مشروح؛ مقدمه‌ای بر ***دیوان هادی رنجی*** (به اهتمام غلامحسین تهرانی، ۱۳۴۱)؛ مقدمه‌ای بر ***دیوان کسی‌فر*** (۱۳۴۲)؛ ***راز دل*** (مجموعه شعر، به اهتمام محمد علی سلطانی ۱۳۶۳)، مقدمه بر ***مناظرات*** ترجمهٔ ***المراجعات*** (تألیف سید شرف‌الدین عاملی با ترجمهٔ سردار کابلی، ۱۳۲۴)؛ ***رسالهٔ تاریخ فلسفه***؛ مقدمهٔ ***تحفة الاجله*** سردار کابلی؛ ***شاهکارهای هنری***؛ ***تاریخ و کیفیت روزه در ادیان***؛ ***علت شهرت سیدجمال الدین اسدآبادی***؛ ***ترجمه حال کیوان قزوینی***؛ ***مبادی عرفان و تصوف***؛ وی کتابخانهٔ شخصی خود را به دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه رازی کرمانشاه اهدا کرد.

استاد غلامرضا کیوان سمیعی در پی سرطان حنجره درگذشت و در قطعهٔ مقبرةالشعرا، حجرهٔ ۹۵۳ بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

منابع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد پنجم/ سید محمد باقر برقعی.ــ قم: نشر خرم، ۱۳۷۳ــ از ۲۸۹۱ الی ۳۵۳۶ص. صفحهٔ ۳۰۱۷ ـ ۳۰۱۸. «درگذشت استاد کیوان سمیعی»، کلک، شمارهٔ ۴۲، (شهریور ۱۳۷۲). «با استاد کیوان سمیعی، پژوهندهٔ آثار ادبی و عرفانی»، کیهان فرهنگی، س. ۳، ش. ۸ (آبان ۱۳۶۵)، ص. ۳ ــ ۹. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/*** خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۷۰۹ ــ ۷۱۰. «گزارش مربوط به دومین سالگرد بزرگداشت مرحوم استاد کیوان سمیعی»، گزارشنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ش. ۲ (آبان و آذر ۱۳۷۴)، ص. ۳۲ ــ ۳۷.

۲۴۸ گرکانی، فضل‌الله

شاعر، نویسنده

تولد ۱۲۹۵، تهران.

درگذشت ۱۳۶۰.

فضل‌الله گرکانی، فرزند میرزا محمدتقی مجتهد کرگانی، پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۱۴ به دانشسرای عالی وارد شد و در رشتهٔ زبان و ادبیات فرانسوی لیسانس گرفت. سپس در وزارت دارایی به کار مشغول شد و مشاغلی را عهده‌دار شد تا بازنشسته گردید. مجموعه‌ای از اشعار خود را به نام ***امواج یک روح متلاطم*** (۱۳۲۳) منتشر کرده است. اثر دیگر او ***منتخبی از دیوان شمس تبریزی*** (با همکاری دکتر سید صادق گوهرین، ۱۳۳۲) است. در شعر گاهی «بهری» و زمانی «صالح» و هنگامی «شمیده» تخلص نموده است.

*منابع: **فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز**/* عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص ۴۸۳ ـ ۴۸۴. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/* خانبابا مشار، جلد چهارم، ص ۸۷۰. ***چهره‌های آشنا**/* حسین قریشی، ص ۴۹۸ ـ ۴۹۹.

۲۴۹ گرکانی، امیر فریدون

مترجم، محقق

تولد ۱۳۰۲.

درگذشت آذر ۱۳۵۸.

امیر فریدون گرگانی، مترجم و محقق، سال‌ها در زمینهٔ ادبیات و فرهنگ مشترک هند و پاکستان مطالعه کرده بود و از شیفتگان عرفان مشرق زمین است.

از آثار اوست: ***سدهرتها*** (هرمان هسه، ۱۳۴۱)؛ ***میهن من، کنگو*** (پاتریس لومومبا، ۱۳۴۲)؛ ***نمایشنامه‌های قربانی، پستخانه، مرتاض، مالینی و شاه، ملکه*** (رابیندرانات تاگور، ۱۳۴۰)؛ ***میهمانی کوکتیل*** (۱۳۵۴).

*منابع: **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/* خانبابا مشار، جلد چهارم، ص ۸۳۸ ـ ۸۳۹. ***برندگان جایزهٔ نوبل ادبیات**/* مریم آقا شیخ محمد، سعید نوری نشاط، ص ۳۱۸ و ۳۲۸ و ۳۶۶. اطلاعات، ۲۰ آذر ۱۳۵۸، شمارهٔ ۱۶۰۲۳، صفحهٔ ۳. (در بارهٔ امیر فریدون گرگانی).

۲۵۰ گلشن کردستانی، سید محمود

شاعر

تولد ۱۳۰۹، سنندج.

درگذشت ۱۱ دی ۱۳۷۱.

سید محمود گلشن کردستانی، از نواده‌های سید محمد نفیت‌السادات «گلشن»، تحصیلات ابتدایی را در سنندج پشت سر گذاشت؛ تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رساند. از آن پس به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و ضمن خدمات فرهنگی و آموزشی به تحصیل خود در شیراز ادامه داد و از دانشکدهٔ ادبیات در رشتهٔ ادبیات فارسی به دریافت لیسانس توفیق یافت، آنگاه مأمور تدریس در دبیرستان‌های شیراز و همدان و تهران و مؤسسات عالی گردید و مدت بیست و پنج سال به کار تدریس اشتغال داشت. هشت سال آخر خدمت را به عنوان کارشناس مسئول برنامه‌ریزی زبان و ادب پارسی در دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی مشغول بود.

گلشن از سال ۱۳۳۰ به سرودن شعر پرداخت. هنگام خدمت نظام برای سرودن شعری به کرمان تبعید شد. سال ۱۳۳۳ به محافل ادبی تهران راه یافت و در انجمن به ریاست محمد علی ناصح شرکت می‌جست. آثار منظوم وی در روزنامه‌های کردستان نظیر «ندای غرب»، «زاگرس» و «سنندج» چاپ می‌شد و مطبوعات ادبی پایتخت نیز آثار او را

به طور متفرق طبع می‌کردند. وی پس از انقلاب اسلامی با شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صدای جمهوری اسلامی همکاری داشت. وی بیشتر غزل می‌سرود. گفته می‌شود که حدود چهار هزار بیت شعر سروده است. گلشن با چند انجمن ادبی از جمله انجمن ادبی صائب ارتباط نزدیک داشت و آثارش در نشریهٔ انجمن به چاپ می‌رسید.

گلشن کردستانی دارای تألیفات و کتاب‌هایی است. از گلشن چند مجموعه شعر با نام‌های ***بهار*** و ***گلبانگ*** و ***تندر*** و ***طوفان*** به یادگار مانده است. همچنین منتخبی از آثار دورهٔ تحصیلی و اوان شاعری خود را در تهران به اسم ***نوبهار*** منتشر کرد.

سید محمود گلشن کردستانی بعد از تحمل یک دورهٔ بیماری قلبی چند ساله درگذشت.

منابع: شعر، س. ۱، ش. ۱ (فروردین ۱۳۷۲)، ص. ۸۰. «استاد گلشن کردستانی شاعر معاصر درگذشت»، کیهان (۱۲ دی ۱۳۷۱)، ص. ۱۸. ***تذکرهٔ شعرای معاصر ایران، جلد دوّم/*** سید عبدالحمید خلخالی، ص. ۳۰۳. ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد پنجم/*** سید محمد باقر برقعی، ص. ۳۰۷۳. ***دیدار با شاعران (شامل شرح حال و اشعار برگزیدهٔ چهل تن از شاعران معاصر ایران)/*** علی اکبر دلفی، ص. ۱۹۴ ـ ۱۹۵. ***خلوت انس/*** مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، ص. ۳۲۱. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/*** خانبابا مشار، جلد پنجم، ص. ۱۱۴ ـ ۱۱۵. ***گلزار جاویدان، مجلد سوم/*** محمود هدایت، ص. ۱۱۹۹ ـ ۱۱۲۰.

گنجه‌ای، رضا ۲۵۱

روزنامه‌نگار، مدرس

تولد ۱۲۹۷، تبریز.

درگذشت ۱۵ شهریور ۱۳۷۴، ژنو.

رضا گنجه‌ای، فرزند علینقی گنجه‌ای از رهبران مشروطه‌خواهان تبریز، پس از تحصیلات اولیه در زادگاهش تبریز در مدرسهٔ حکمت، دورهٔ مدرسهٔ صنعتی را در آلمان گذراند. پس از بازگشت به ایران، به استخدام ادارهٔ راه‌آهن در آمد. وی بعدها رییس راه آهن شد، مدتی معاون وزارت پست و تلگراف بود و ضمن تدریس در دانشگاه، ریاست دانشکدهٔ فنی را نیز به‌عهده داشت.

روزنامه‌نگاری را از دوران تحصیل آغاز نمود و در مدرسهٔ ابتدایی «حکمت» تبریز، روزنامهٔ دستنویسی به نام «وطن» می‌نوشت و می‌پراکند. نخستین شمارهٔ «بابا شمل» در فروردین ۱۳۲۲ منتشر شد. انتشار این دوره تا مهرماه ۱۳۲۴ که رضا گنجه‌ای به خارج سفر کرد، ادامه داشت. وی پس از بازگشت به ایران «بابا شمل» را از نو منتشر ساخت ولی این دوره نیز به درازا نکشید (پاییز ـ زمستان ۱۳۲۶). بیشتر مطالب ۲۷۳ شمارهٔ «بابا شمل» را خود نوشت و در تعیین دیگر مطالب اعم از موضوع اشعار و کاریکاتورها نیز نقش مؤثری داشت. بخشی از مطالب وی با امضای «مهندس اقتصاد چاپ» می‌شد و گاهی نیز شعر می‌گفت و با نام مستعار «دُنب المهندسین» چاپ می‌کرد. همکاران گنجه‌ای در سرودن اشعار فکاهی نشریه عبارت بودند از: رهی معیری (با نام مستعار زاغچه)، مهندس فزونی (با نام مستعار «مهندس الشعرا»)، ابراهیم صهبا (با نام‌های مستعار «شیخ سرنا» و «ابرام سرپا») و احمد گلچین معانی. کاریکاتورهای «بابا شمل» نیز کار بهرام داوری و بنی‌سلیمان بود.

منابع: «در رثای زنده یاد رضا گنجه‌ایی مدیر مجلهٔ باباشمل»، کلک، ش. ۷۰ ـ ۶۸ (آبان و دی ۱۳۷۴)، ص. ۳۳۹. «درگذشت "بابا شمل"»، جهان کتاب، س. ۱، ش. ۱ (نیمهٔ دوم مهر ۱۳۷۴)، ص. ۱۶.

گوهرین، سید صادق ۲۵۲

ادیب، محقق

تولد ۱۲۹۳.

درگذشت ۶ آذر ۱۳۷۴، تهران.

سید صادق گوهرین صرف و نحو عربی را در مدرسه‌های قدیم فرا گرفت و پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در رشته‌های ادبیات فارسی و فلسفه از دانشسرای عالی لیسانس گرفت. وی ضمن تدریس در دبیرستان‌ها در دورهٔ دکترایِ فارسی نیز به تحصیل پرداخت و «لغات مثنوی» را موضوع پایان‌نامهٔ خود قرار داد. این رساله که به چاپ رسید، مهم‌ترین اثر گوهرین است. او در کنار تدریس در دانشکده‌های ادبیات دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی چند کتاب نیز تألیف و تصحیح کرد.

از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***حجةالحق ابوعلی سینا*** (۱۳۳۱)؛ ***پیر چنگی؛ حکایاتی از مثنوی*** (۱۳۳۴)؛ ***فرهنگِ لغات و تعبیرات مثنوی*** (این اثر به تفاریق میان سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۵ منتشر شده است)؛ ***تصحیحِ اسرارنامه شیخ عطار*** (۱۳۳۸)؛ ***تصحیحِ منطق‌الطیر شیخ عطّار*** (۱۳۴۲)؛ ***داستانِ بهرام گور*** (از شاهنامه فردوسی؛ ۱۳۴۳)؛ ***شیخ صنعان*** (از منطق‌الطیر؛ ۱۳۴۴)؛ ***شرح اصطلاحات تصوف*** (۱۳۶۷). وی مقاله‌هایی نیز در مجله‌های «مردم» و «ستارهٔ صلح» و «راهنمای کتاب» به چاپ رسانده است.

منابع: جهان کتاب، س. ۱، ش. ۶ ص. ۱۵. «درگذشت استاد گوهرین»، کیهان فرهنگی، س. ۱۲، ش. ۱۲۴، ص. ۶۵ ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۵۰۰.

لسان، حسین ۲۵۲/۱

مدرس

تولد ۱۳۰۴.

درگذشت ۱۱ دی ۱۳۶۹.

حسین لسان دانشیار دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران بود که در سن نزدیک به شصت سالگی درگذشت. ***برگزیدهٔ اشعار مسعود سعد سلمان*** را منتشر کرد و تصحیح ***دیوان عمادی شهریاری*** را به پایان برده و به چاپ نزدیک ساخته بود.

منابع: «دکتر حسین لسان»، آینده، س. ۱۷، ص. ۱۹۳. ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان***/ فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

لنکرانی، شریف ۲۵۳

مترجم

تولد ۱۳۱۰، تهران.

درگذشت ۳ بهمن ۱۳۶۶، لندن.

شریف لنکرانی از مترجمانی است که بیشتر به ترجمهٔ نوشته‌های فلسفی و رمان‌ها و نمایشنامه‌های آلمانی می‌پردازد. علاقهٔ خاصی به ترجمهٔ آثار برشت داشت. از ترجمه‌های اوست: ***آبروی از دست رفتهٔ کاترینا بلوم*** (هاینریش بل، ۱۳۵۷)؛ ***آدم آدم است*** (از برتولت برشت، به همراه دو نمایشنامه دیگر، ۱۳۴۷)؛ ***اپرای سه‌پولی و صعود و سقوط شهر ماهاگونی*** (برتولت برشت، ۱۳۵۹)؛ ***ترس و نکبت رایش سوم*** (برتولت برشت، ۱۳۴۴)؛ ***سال دو هزار*** (کتابی در زمینهٔ اقتصادی)؛ ***عقاید یک دلقک*** (هاینریش بل، ۱۳۴۹)؛ ***عکس دسته‌جمعی با خانم***؛ ***ننه دلاور*** (برشت)؛ ***وقتی برای زندگی، وقتی برای مرگ*** (رمارک).

منابع: «شریف لنکرانی»، آینده، س. ۱۴، ص. ۷۸. ***کتابشناسی تئاتر***/ لاله تقیان، ص. ۱۵۵. ***برندگان جایزهٔ***

نوبل ادبیات / مریم آقا شیخ محمد و سعید نوری نشاط، ص. ۳۲۳ـ ۳۲۴.

۲۵۴ مبشری، اسدالله

شاعر، مترجم

تولد ۱۲۸۹، تهران.[۱]

درگذشت ۲۱ مهر ۱۳۶۹، تهران.

دکتر اسدالله مبشری، فرزند ابوالقاسم، تحصیلات حقوقی خود را در دانشگاه تهران و سپس فرانسه به پایان رسانید. سال‌ها در وزارت دادگستری مقام‌های قضایی را تصدی می‌کرد. در دولت مهندس مهدی بازرگان وزیر دادگستری بود. وی غزل نیکو می‌سرایید و طبعی روان داشت.

از آثار اوست: ***اسلام و موسیقی*** (۱۳۲۳)؛ ***پرتگاه مبشری*** (مجموعه شعر، تهران، ۱۳۱۰؛ تبریز، ۱۳۱۲)؛ ***روش نویسندگی*** (تهران، ۱۳۳۳)؛ ***عبقریه محمد*** (عباس محمود عقاد، ترجمه، جلد اول، ۱۳۲۷؛ جلد دوم، ۱۳۳۲)؛ ***منظومهٔ شب*** (مجموعه شعر، زنجان، ۱۳۱۶).

منابع: *سیمای شاعران* / حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۳۵۰. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد اول، ص. ۵۴۶ـ ۵۴۷.

۲۵۵ مجاهد، محمد حسین

روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۷۷.

درگذشت ۱۳۷۰، شیراز.

محمد حسین مجاهد از سال ۱۳۰۹ هفته‌نامهٔ «بهار ایران» را در شیراز منتشر کرد (شمارهٔ اول آن در پانزدهم آذر ۱۳۰۹ منتشر شد) و تا سال ۱۳۵۷ به مدت چهل و هشت سال آن را به‌طور مداوم انتشار داد و همواره در صفحهٔ آخر آن روزنامه اشعار شاعران عضو انجمن ادب فارس و هم‌چنین انجمن‌های ادبی دیگر را چاپ می‌کرد. مجاهد علاوه بر امتیاز روزنامهٔ «بهار ایران» امتیاز مجلهٔ «پارس قدیم» را نیز در سال ۱۳۱۳ دریافت نمود ولی گویا مجلهٔ مزبور در آن تاریخ منتشر نشده و در سال ۱۳۲۱ در شیراز منتشر گردید. وی به سال ۱۳۷۰ در شیراز درگذشت.

منابع: *انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)* / حسن امداد، چاپ اول، ص. ۳۶۴. *تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد دوم* / محمد صدرهاشمی، ص. ۳۰ـ ۳۱ و ۴۸. *فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانهٔ ملی ایران* / بیژن سرتیپ‌زاده با همکاری کبری خداپرست، ص. ۵۹.

۲۵۶ مجتهدزاده، محمد

ادیب، شاعر

تولد ۱۳۰۰، یزد.

درگذشت ۲۲ خرداد ۱۳۷۳، کرمان.

محمد مجتهدزاده، متخلص به «رسته»، تحصیلات متوسطه را در مشهد به پایان رساند و دانشنامهٔ دکترایِ خود را از دانشکدهٔ پزشکی اصفهان دریافت کرد. وی مدت سی سال در استخدام وزارت بهداری بود و به مداوای بیماران پرداخت. در دوران بازنشستگی نیز به مداوای بیماران بنیاد جانبازان مشغول بود.

به سبب علاقه به مسائل عرفانی و مطالعاتش در این رشته، همواره دیدگاه‌هایش را در قالب سخنرانی‌های مذهبی ـ علمی در رادیو کرمان ابراز

۱. در *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* تاریخ تولد دکتر اسدالله مبشری ۱۲۸۸ درج شده است.

می‌داشت و شعر نیز می‌سرود. بیشتر اشعار وی در مضامین اجتمایی و اندرزگونه است. برخی از اشعارش نیز در باب خاندان عصمت و طهارت است.

منبع: «رسته از عالم ناسوت محمد مجتهدزاده درگذشت»، گاهنامه فرهنگ و ادب، ش ۴ (تابستان ۱۳۷۳)، ص ۵۰.

۲۵۷. محجوب، محمد جعفر

محقق، ادیب، نویسنده، مترجم

تولد ۱۳۰۳، محله سرچشمه تهران.

درگذشت ۲۷ بهمن ۱۳۷۴، کالیفرنیای آمریکا.

محمد جعفر محجوب تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس تهران گذرانید. سپس به دانشکدهٔ حقوق رفت و به تحصیل علوم سیاسی پرداخت. در سال ۱۳۲۶ به دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران راه یافت و دورهٔ دکترایِ آن را به سال ۱۳۳۵ به پایان آورد. رسالهٔ دکترایِ محجوب با عنوان ***سبک خراسانی در شعر*** در سال ۱۳۴۵ در کتابی با همین عنوان منتشر شد. وی پس از تحصیل شروع به تدریس نمود.

محجوب خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۷ آغاز کرد و با مجلهٔ «سخن» و چند نشریهٔ علمی و ادبی دیگر همکاری داشت.

از ترجمه‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: ***خاطرات خانهٔ مردگان*** (فئودر داستایوسکی، ۱۳۳۵)؛ ***داستان‌های دریای جنوب*** (جک لندن، ۱۳۳۰)؛ ***سگ سیرک***؛ ***از خودگذشتگی زنان*** (جک لندن، ۱۳۳۵)؛ ***دخمه‌نشینان***؛ ***انتقام مروارید*** (جان اشتاین بک، ۱۳۲۸)؛ ***مروارید*** (جان اشتاین بک، ۱۳۴۰)؛ ***جزیرهٔ وحشت*** (جک لندن، ترجمه با مشارکت جهانگیر بهروز، ۱۳۳۰)؛ ***پسر گرگ*** (جک لندن، ۱۳۳۰)؛ ***آتش*** (هانری باربوس، ۱۳۳۰).

از جمله تصحیحات و حاشیه‌نویسی‌های وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: ***دیوان حکیم قاآنی شیرازی***؛ ***ویس و رامین*** فخرالدین اسعد گرگانی؛ ***دیوان سروش اصفهانی***؛ ***طرائق الحقایق*** تألیف نایب الصدر شیرازی؛ ***فتوت‌نامه سلطانی*** تألیف واعظ کاشانی سبزواری؛ ***شاهنامه*** فردوسی؛ ***دیوان ایرج میرزا*** و ...

آثار وی در پژوهش و نقد و نظریات ادبی به شرح زیر است: ***انتخاب و انطباق منابع فارسی برای تدوینِ کتاب‌های کودکان و نوجوانان***؛ ***آفرین فردوسی***؛ ***چند رساله دربارهٔ فتوت و جوانمردی در ایران و فرهنگِ عامه***؛ ***فن نگارش یا راهنمای انشاء*** (با همکاری دکتر علی اکبر فرزام‌پور، ۱۳۳۳)؛ ***در بارهٔ کلیله و دمنه***.

دکتر محمد جعفر محجوب در ۲۷ بهمن ۱۳۷۴ در سن هفتاد و یک سالگی در پی ابتلا به سرطان درگذشت.

منابع: «درگذشت محمد جعفر محجوب»، آدینه، ش ۱۰۸/۱۰۹، ص ۷. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر***/ غلامحسین صالحیار، ص ۱۶۴. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد دوم، ص ۳۳۳ ــ ۳۳۴. ***کتابشناسی جوانان***/ مریم رعیت‌آبادی، شهرزاد طاهری لطفی، نوشین عمرانی.

۲۵۸. محدث ارموی، سید جلال الدین

محقق، مصحح

تولد ۲ آذر ۱۲۸۳ (۱۳ رمضان ۱۳۲۳ ق.)، ارومیه.[۱]

درگذشت ۵ آبان ۱۳۵۸.

سید جلال‌الدین محدث ارموی، فرزند قاسم حسینی،

۱. در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد سید جلال‌الدین محدث ارموی ۱۲۸۴ ذکر شده است.

پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در زادگاه خود و فراگیری ادبیات فارسی، به تکمیل معلومات خود پرداخت و علوم اسلامی را در محضر اساتیدی همچون شیخ علی ولدیانی فرا گرفت و با آن که پزشکان او را از خواندن زیاد نهی می‌کردند ولی او به مطالعه ادامه می‌داد تا جایی که آیت‌الله سید حسین عرب باغی با این که وی در صنف روحانیت نبود لقب «محدث» را به وی اعطا فرمود. سپس برای تکمیل معلومات خود، به جانب مشهد حرکت کرد و در بین راه به شبستر وارد شد و در این حال سرپرستی حوزهٔ علمیهٔ آنجا را که به وی پیشنهاد شده بود رد کرد. پس از آن چهار سال در مشهد به تحصیل علم مشغول بود تا اینکه قتل عام مردم توسط حکومت رضا شاه پیش آمد و چند شبی را در زندان به‌سر برد و پس از آن عازم تهران شد تا از آنجا روانهٔ حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف شود. ولی بعداً به استخدام وزارت فرهنگ در آمد. برای تدریس به تبریز رفت و در سال ۱۳۲۰ به هنگام ورود روس‌ها به آذربایجان، وی به تهران عزیمت کرد و با سمت رییس «بخش مخطوطات کتابخانهٔ ملی ایران» به خدمت خود ادامه داد. در سال ۱۳۲۲ ازدواج نمود. وی به دعوت دانشکدهٔ معقول و منقول به آن دانشکده رفت تا در سال ۱۳۴۷ بازنشسته شد. لازم به ذکر است که وی همچنین کلاس‌های دورهٔ دبیرستان و دانشگاه را گذرانده بود و دکترای الهیات در رشتهٔ علوم منقول را نیز گرفته بود. علامهٔ ارموی بعد از بازنشستگی تا آخر عمر به تألیف کتاب مشغول بود.

فهرست آثار وی به این شرح است: تصحیح ***میزان‌الملل*** (تألیف علی بخش میرزا قاجار)؛ تصحیح ***الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المحرقة*** (به زبان عربی، تألیف قاضی نورالله شوشتری)؛ تألیف ***فیض‌الاله فی ترجمة القاضی نورالله*** (در شرح احوال قاضی شوشتری و خاندانش)؛ تصحیح ***اسرار الصلوة*** ترجمهٔ ***التنبیهات العلیة علی وظائف الصلوة القلبیة*** (تألیف زین‌الدین شهید ثانی، ترجمهٔ محمد صالح بن محمد صادق واعظ، ۱۳۶۸ ق.)؛ تصحیح ***دیوان الحاج میرزا ابوالفضل الطهرانی*** (شعر عربی، با مقدمه‌ای در خدمات ایرانیان)؛ تصحیح ***التفضیل*** (تألیف أبوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی)؛ تصحیح ***التعریف بوجوب حق الوالدین*** (تألیف أبوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی)؛ تصحیح ***المحاسن برقی*** (دو جلد، تألیف ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی)؛ تصحیح ***النقض*** (تصنیف عبدالجلیل قزوینی رازی، ۱۳۳۱)؛ تصحیح ***زادالسالک*** (تألیف محمد بن مرتضی ملقب به فیض کاشانی، ۱۳۳۱)؛ استخراج فهرست کتاب ***التدوین فی ذکر اخبار قزوین*** (تألیف عبدالکریم بن محمد رافعی)؛ تصحیح ***دیوان قوامی رازی*** (۱۳۳۴)؛ تصحیح ***نجاتیه*** (تألیف شیخ ابومحمد بسطامی)؛ تصحیح ***دیوان سید فضل‌الله راوندی کاشانی***؛ تألیف ***مقدمهٔ نقض و تعلیقات آن***؛ تألیف ***کلید نقض یا فهرست بعض مثالب النواصب***، همراه با فهرست ***مقدمهٔ نقض و تعلیقات آن***؛ تصحیح ***آثار الوزراء*** (تألیف سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی)؛ تصحیح ***تفسیر گازر*** موسوم به ***جلاء الاذهان و جلاءالحزان*** (تألیف ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی)؛ تصحیح ***نسائم الاسحار من لطائم الخبار*** (در تاریخ وزراء، تألیف ناصرالدین منشی کرمانی)؛ تصحیح ***مفتاح التحقیق*** (تألیف شیخ محمد علی معزی دزفولی)؛ تصحیح ***نقاوة الاصابة فیمن أجمعت علیه العصابة*** (تصنیف حاج میرزا ابوالفضل طهرانی)؛ ***تصحیح شش رسالهٔ فارسی*** (تألیف مولی محمد طاهر قمی)؛ تصحیح ***شرح فارسی غررالحکم و دررالکلم*** (تألیف عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، شرح از جمال‌الدین محمد خوانساری)؛ تصحیح ***تفسیر شریف لاهیجی*** (تألیف بهاءالدین محمد بن شیخعلی شریف لاهیجی)؛ تصحیح ***رسالهٔ طینت*** (از جمال‌الدین

محمد خوانساری)؛ تصحیح ***شرح فارسی کلمات قصار پیغمبر خاتم (ص)*** (شرح شهاب‌الاخبار، تألیف قاضی قضاعی)؛ اهتمام و طبع ***رجال برقی*** (از احمد بن محمد بن خالد برقی)؛ شرح فارسی ***مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة*** (از عبدالرزاق گیلانی، در دو جلد)؛ تصحیح ***الرسالة العلیة فی الاحادیث النبویة*** (تألیف کمال‌الدین حسین کاشفی)؛ اهتمام و طبع سه رساله در علم رجال (۱.توضیح الاشتباه و الاشکال؛ ۲.رسالة فی معرفة الصحابة؛ ۳.رجال قاین، به تصحیح سید کاظم موسوی)؛ اهتمام و طبع ***الفصول الفخریة فی اصول البریة*** (تألیف نسابهٔ معروف جمال‌الدین احمد بن عنبه مؤلف عمدةالمطالب به تصحیح سید کاظم موسوی)؛ تصحیح ***شرح المائة کلمة لامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع)*** (تألیف کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی)؛ تصحیح ***شرح المائة کلمة لامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)*** (تألیف عبدالوهاب)؛ تصحیح ***مطلوب کل طالب من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)*** (تألیف رشیدالدین وطواط)؛ تصحیح ***الاصول الاصلیة*** (تألیف مولی محمد محسن فیض کاشانی)؛ تصحیح ***الحق المبین فی تحقیق کیفیة التفقه فی الدین*** (تألیف مولی محمد محسن فیض کاشانی)؛ تصحیح ***الایضاح*** (تصنیف علم‌الدین فضل بن شاذان نیشابوری)؛ تصحیح ***فردوس*** (در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، تألیف علاءالملک مرعشی شوشتری)؛ تصحیح ***حکمت اسلام*** (تألیف محمد صالح بن محمد باقر قزوینی)؛ تصحیح ***الغارات*** (تألیف ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی)؛ تصحیح ***الدلائل البرهانیة فی تصحیح الحضرة الغرویة*** (تألیف علامه جمال‌الدین أبی منصور حسن بن مطهر حلی)؛ تألیف ***تعلیقات نقض*** (دو جلد)؛ تألیف ***کشف الکربة فی شرح دعاء الندبة***؛ تصحیح ***فهرست شیخ منتجب‌الدین رازی***؛ تصحیح ***الاربعین من الاربعین عن الاربعین*** شیخ منتجب‌الدین رازی.

سید جلال‌الدین محدث ارموی ساعت دو بامداد شنبه پنجم آبان ۱۳۵۸ به علت سکتهٔ قلبی درگذشت و پیکر وی در جوار آرامگاه شیخ ابوالفتح رازی در صحن امامزاده حمزه به خاک سپرده شد.

منابع : «درگذشت استاد میر جلال‌الدین محدث ارموی»، کیهان فرهنگی، س. ۲، ش. ۸ (آبان ۱۳۶۴)، ص. ۳۷. ***اختران فروزان ری و طهران یا تذکرة المقابر فی احوال المفاخر /*** حاج شیخ محمد شریف رازی، ص. ۲۱۰. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی /*** خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۳۶۵ــ۳۶۷. «زندگینامهٔ زنده‌یاد استاد فقید دکتر سید جلال‌الدین محدث ارموی»، گزارشنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ش. ۱۵ (بهمن و اسفند ۱۳۷۵)، ص. ۱۵ ــ ۱۷. زندگینامه فوق به رؤیت دکتر علی محدث، فرزند ارشد مرحوم محدث ارموی رسید و ایشان تصحیحاتی را مشخص نمودند که اعمال گردید.

محلاتی، صدرالدین ۳۵۹

مؤلف، محقق، شاعر

تولد ۱۲۸۴، شیراز.

درگذشت ۷ اسفند ۱۳۵۹، شیراز.

صدرالدین محلاتی، متخلص به «صدر»، فرزند آیت‌الله میرزا ابوالفضل محلاتی پس از تحصیل مقدمات، به عتبات عالیات رفت و مدتی در آنجا از محضر استادان استفاده نمود و به شیراز بازگشت. چندی در اصفهان و قم به ادامهٔ تحصیلات علوم دینیه پرداخت و موفق به کسب جواز اجتهاد شد. سپس به شیراز مراجعه کرد و سال‌ها رییس دفترخانهٔ اسناد رسمی شماره یک بود. از بدو تأسیس دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه شیراز به دعوت دکتر لطفعلی صورتگر به تدریس زبان عربی و ادبیات اشتغال ورزید و تا اواخر عمر، استاد آن دانشکده بود. صدرالدین علاوه بر تحقیق و نویسندگی، شعر هم

می‌گفت و چون اهل عرفان بود، اشعارش مضامین عرفانی داشت. طبع او بیشتر به غزلسرایی مایل بود.

از سال ۱۳۲۴ صبح‌های جمعه در خانهٔ خود انجمن ادب تشکیل می‌داد و عده‌ای از شاعران و نویسندگان و شعردوستان در آن شرکت می‌کردند. مباحث اعضای انجمن در بارهٔ مسائل ادبی، تفسیر، شعرخوانی و تصحیح اشعار بود. وی یکی از مؤسسان کانون دانش پارس است.

همیشه مقالات علمی و ادبی وی در جریدهٔ «پارس» منتشر می‌شد. از وی آثاری به چاپ رسید که از آن جمله است: ***دارالعلم شیراز*** (۱۳۳۳)؛ ***تفسیر سورهٔ والعصر*** (۱۳۳۸)؛ ***شأن نزول آیات قرآن*** (۱۳۳۴)؛ ***مناسک حج***؛ ***اسرار حج***؛ ***مکتب عرفان سعدی***؛ ***مقدمهٔ تاریخ ادب عرب***؛ ***ولایت فارس در زمان خلفاء*** (۱۳۳۴). تألیفاتی که از او باقی مانده ولی به چاپ نرسیده‌اند به این شرح است: ***مبانی عرفان قرآن***؛ ***تصوف و عرفان سعدی***؛ ***تاریخ مکه***؛ ***تاریخ اسلام یا محمد*** (در دو جلد)؛ ***تاریخ ادب*** (در دو جلد)؛ ***شأن نزول آیات قرآن*** (جلد دوم)؛ ***اثبات وجود خدا***.

او در هفتم اسفند ۱۳۵۹ در سن هفتاد سالگی در شیراز درگذشت و در جوار آرامگاه حضرت علی بن حمزه در مقبرهٔ خانوادگی در کنار مزار پدرش، به خاک سپرده شد.

*منابع: **انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)*** / حسن امداد، چاپ اوّل، ص ۴۷۵ـ۴۷۷. ***تاریخ نویسندگان پارس*** / دکتر مریم میرهادی، جلد دوّم، ص ۳۳. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد سوم، ص ۵۴۰.

محمدی، سید علی ۲۵۹/۱

شاعر

تولد ۱۲۷۷، خراشا.

درگذشت ۱۳۶۷.

سید علی معروف به «آخوند میرزاعلی» فرزند میرزا محمد، در مکتب آخوند میرزا هدایت به تحصیل پرداخت و عربی را نزد میرزا محمد آموخت. وی با شخصیت‌هایی چون سید رضا هاشمیان و عارف بجنوردی هم‌درس و هم مباحثه بود و این هر سه از محضر پدربزرگشان «حاج میر خداداد» که اهل علم و خطاطی بود، بهره بردند. آخوند میرزا علی، مکتب‌داری را برگزید و به امر آموزش قرآن و سواد فارسی به شاگردان پرداخت. او ضمن راهنمایی و ارشاد مردم و پاسخ دادن به مسائل دینی به ادارهٔ مساجد و موقوفات و نظارت در مصرف مخارج اهتمام می‌ورزید، امّا حرفهٔ اصلی او ساعت سازی و صحافی بود و خط را نیز زیبا می‌نگاشت. او به تنظیم و کتابت مجالس تعزیه‌خوانی همت گماشت و مجالس مختلف را به صورت جداگانه مکتوب ساخت که در خراشا در ایام ماه محرم هنوز هم اجرا می‌شود. اجرای یکی از مجالس عاشورا که او تنظیم کرده بود، ده ساعت به درازا می‌کشد. وی کارگردانی شبیه‌خوانی‌ها را نیز به عهده داشت. آخوند میرزا علی از ۴۰ سالگی به سرودن شعر روی آورد و آیات قرآن، روایت اهل بیت و حوادث تاریخی را به نظم کشید. وی در مجالس مذهبی خراشا سروده‌های خود را در اعیاد و وفیات قرائت می‌کرد و میرزا شکرالله فخرطه اشعار او را با صدای دلپذیر خود در مراسم به آواز می‌خواند. از سید علی محمدی دو دفتر شعر و چند جزوه در دست است. دفتری از مثنوی نیز مفقود شده است. آخوند میرزا علی در سال ۱۳۶۷ به سرای باقی شتافت.

منبع : دانشوران بجنورد، آشنایی با احوال و آثار یک‌صد و بیست تن از بزرگان علم و ادب و هنر شهرستان بجنورد / علی‌اکبر عباسیان، احسان سیدی‌زاده، صفحهٔ ۱۳۲ـ۱۳۳ (زندگی‌نامهٔ دست‌نویس به قلم آقای حاج اسماعیل محمدی و آقای حاج حسین محمدی مدرس تربیت معلم.).

۲۶۰ محمودی، سید مسعود

شاعر، داستان‌سرا

تولد ۱۳۱۹، نهاوند.

درگذشت آبان ۱۳۷۰.

سید مسعود محمودی، فرزند سید مرتضی، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در نهاوند و کرمانشاه و تهران به پایان رسانید. از آن پس به استخدام وزارت آموزش و پرورش در آمد و به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت. در خلال خدمت آموزشی موفق شد به تحصیل ادامه دهد و در دو رشتهٔ زبان انگلیسی و ادبیات فارسی مدرک لیسانس دریافت دارد.

محمودی از سال ۱۳۴۱ با مطبوعات همکاری خود را شروع و برای چند نشریه مقاله می‌نوشت و در سال ۱۳۶۲ که بازنشسته گردید رسماً همکار روزنامهٔ «اطلاعات» شد و جزو هیئت تحریریهٔ آن روزنامه در آمد و در نخستین سال همکاری صفحهٔ «جوانه‌های اندیشه» را در روزنامه گشود و آن صفحه را تا زنده بود، زنده نگاه داشت.

محمودی علاوه بر تهیهٔ گزارش‌های فرهنگی و اجتماعی و حوادث، برای کودکان قصه می‌نوشت و سرود می‌ساخت. محمودی شعر و شاعری را از دوران تحصیل در دبیرستان آغاز کرد و اشعارش در روزنامه‌ها به چاپ می‌رسید.

سید مسعود محمودی سرانجام در یازدهم آبان ۱۳۷۰ به علت بیماری سرطان درگذشت. از آثار چاپ شدهٔ اوست : ***ترانه‌های زندگی؛ قصهٔ کوچ چلچله؛ زندگی، زندگی؛ ماهی آبدوزک؛ کتاب زندگی.***

منبع : سخنوران نامی معاصر ایران، جلد پنجم / سید محمد باقر برقعی، ص. ۳۲۹۰.

۲۶۱ مدرس، سید علی‌رضا

شاعر، عالم دینی

تولد ۱۳۳۰ ق.، یزد.

درگذشت ۱۳۶۷.

سید علی‌رضا مدرس متخلص به «ریحان یزدی»، فرزند سید محمد مدرس، از تربیت‌شدگان حوزهٔ درس عبدالکریم مهرجردی یزدی و یکی از روحانیون یزد بوده است. وی صاحب تألیفاتی چون ***بازرگانی محمد (ص)*** و ***درس انشاء*** و ***آینهٔ دانشوران*** است. وی شعر نیز سروده است.

منبع : تذکرهٔ شعرای یزد / عباس فتوحی یزدی، چاپ دوم، ص. ۳۳۸.

۲۶۲ مدرس رضوی، سید محمد تقی

پژوهشگر

تولد ۱۲۷۴ (۱۳۱۳ ق.)، مشهد.

درگذشت ۲۸ تیر ۱۳۶۵.

سید محمد تقی مدرس رضوی خراسانی تحصیلات ابتدایی را در مدارس جدید مشهد فرا گرفت و سپس به آموختن علوم قدیمه نزد اساتید آن زمان پرداخت. در سال ۱۳۳۸ ق. به تهران آمد و به تکمیل تحصیلات قدیم و جدید در مدرسهٔ عالی سپهسالار

و مدرسهٔ آلیانس پرداخت. وی پس از مدتی از فوت پدرش که مدرس آستان قدس رضوی بود، به مدرسی نایل آمد و بعدها به عضویت معارف در آمده و در مدارس مشهد و از سال ۱۳۱۰ در مدارس تهران به تدریس اشتغال یافت. پس از تأسیس دانشگاه به استادی در دانشکدهٔ معقول و منقول و دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی انتخاب گردید.

از آثار اوست: تصحیح *آثار علوی یا کائنات جو* (ابوحاتم مظفر اسفزاری، ۱۳۱۹)؛ *احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی* (۱۳۳۴)؛ *احوال و آثار ملک الشعرای بهار* (به اهتمام عبدالحمید عرفانی)؛ *اساس الاقتباس* (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۶)؛ *بیست باب در معرفت اسطرلاب* (به اهتمام، ۱۳۳۵)؛ *تاریخ بخارا* (به اهتمام، ۱۳۱۷)؛ *تعلیقات حدیقة الحقیقة* (۱۳۴۴)؛ *تنسوخ‌نامهٔ ایلخانی* (از خواجه نصیر طوسی، ۱۳۴۸)؛ *حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة* (حکیم سنایی، به اهتمام، دو جلد، ۱۳۳۰)؛ تصحیح *دیوان حکیم سنائی* (۱۳۲۰)؛ تصحیح *دیوان سید حسن غزنوی* (۱۳۲۸)؛ تصحیح *دیوان انوری ابیوردی* (دو جلد، ۱۳۳۶ ـ ۱۳۴۰)؛ *شجرهٔ طیبه* (تألیف محمد باقر رضوی؛ تکمله و تصحیح و تهیهٔ مشجرات؛ ۱۳۴۸)؛ *شرح مشکلات دیوان انوری* (از ابوالحسن حسینی فراهانی، ۱۳۴۰)؛ *مثنوی‌های حکیم سنایی* (۱۳۴۸)؛ *مجمل التواریخ* (دربارهٔ تاریخ زندیه؛ از ابوالحسن گلستانه، ۱۳۱۹)؛ تصحیح *مجموعه رسائل خواجه نصیر طوسی* (شش رساله، ۱۳۳۵)؛ تصحیح *المعجم فی معاییر اشعار العجم* (اثر نظامی عروضی، از روی نسخهٔ تصحیح محمد قزوینی، ۱۳۳۶)؛ ترجمهٔ *میزان الحکمه* (اثر عبدالرحمن خازنی؛ متن قدیمی؛ ۱۳۴۶)؛ *یادبود هفتصدمین سال خواجه نصیر طوسی* (۱۳۳۵، با مقدمه موسی عمید). *تاریخ شهر مشهد* نام کتاب دیگری است که در سال ۱۳۱۳ به مناسبت ساختمان آرامگاه فردوسی تألیف شد.

منابع: *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۲۵۴ ـ ۲۵۵. «فهرست آثار محمد تقی مدرس رضوی»، آینده، س. ۱۲، ص. ۸۲۸ ـ ۸۲۹. *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* / فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

۲۶۳ مدنی، بدرالدین

مترجم

درگذشت ۱۳۶۷، تهران.

بدرالدین مدنی در سال‌های آخر عمر در بارهٔ زندگی و آثار سعدی کار و تحقیق می‌کرد. او به زبان فرانسوی آشنایی داشت و به نوشته‌های رومن رولان علاقه‌مند بود و چندین نمایشنامه از جمله *روبسپیر* (۱۳۶۰) را به فارسی برگرداند: از آن جمله است: *آیرت* (رومن رولان)؛ *آن زمان فرا خواهد رسید* (رومن رولان، ۱۳۵۷)؛ *پیروزی عقل* (نمایشنامه‌ای اثر رومن رولان، ۱۳۶۰)؛ *تراژدی‌های ایمان* (مجموعه چند نمایشنامه از رومن رولان، ۱۳۶۴)؛ *تردستی‌های اسکاپن* (مولیر، ۱۳۶۵)؛ *گرگ‌ها* (رومن رولان، ۱۳۵۵=۲۵۳۵)؛ تحقیقی مقدماتی در بارهٔ داستان‌های شاهنامه با عنوان *دریچه‌ای بر کاخ بلند و گزندناپذیر شاهنامه*. بدرالدین مدنی کتابی نیز در بارهٔ رومن رولان در سال ۱۳۶۳ تحت عنوان *رومن رولان: زندگی و آثار* منتشر نمود.

منابع: امین مؤید، م.، «بدرالدین مدنی»، آینده، س. ۱۵، ص. ۶۲۰. *برندگان جایزهٔ نوبل ادبیات* / مریم آقا شیخ محمد و سعید نوری نشاط، ص. ۳۳۴ ـ ۳۳۵. *کتابشناسی تئاتر* / لاله تقیان، ص. ۱۷۰ ـ ۱۷۱ و ۱۹۷.

۲۶۴ مزارعی، فخرالدین

شاعر، مترجم

تولد ۱۳۰۹، شیراز.[۱]

درگذشت بهمن ۱۳۶۵، آمریکا.

سید فخرالدین مزارعی متخلص به «آرزو»، فرزند سید محمد از علمای شیراز، بود. فخرالدین در کودکی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی مادرش قرار گرفت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود به پایان برد و برای ادامهٔ تحصیل به تهران آمد و در دانشسرای عالی در رشتهٔ زبان و ادبیات انگلیسی به تحصیل پرداخت و به دریافت لیسانس توفیق یافت و در همین رشته از دانشگاه تهران فوق‌لیسانس گرفت. آنگاه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دبیرستان‌ها به تدریس پرداخت و چندی نیز به دانشگاه مکاتبه‌ای انتقال یافت و در بخش زبان و ادبیات انگلیسی به کار پرداخت. مدتی نیز با روزنامهٔ «کیهان» و مجلهٔ «کیهان بچه‌ها» همکاری داشت و در زمینهٔ ترجمهٔ مقالات و داستان‌های کودکان آثاری از خود به یادگار گذاشت.

مزارعی در سال ۱۳۵۵ به قصد تکمیل تحصیلات به کشور آمریکا سفر کرد و نخست در دانشگاه اوکلاهما و پس از آن در دانشگاه سن دیه‌گو، به تحصیل دورهٔ دکترایِ زبان و ادبیات انگلیسی پرداخت و فارغ‌التحصیل گردید و رسالهٔ خود را در بارهٔ «مفهوم رندی در شعر حافظ» به زبان انگلیسی نوشت.

دکتر مزارعی در آذر سال ۱۳۶۲ به ایران بازگشت و کار تدریس در دانشگاه تهران و دانشکدهٔ ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه علامهٔ طباطبایی را عهددار شد و در تابستان ۱۳۶۴ به قصد معالجه و تکمیل مطالعات به آمریکا سفر کرد.

آخرین مجموعه شعر مزارعی به نام ***سرود آرزو*** با مقدمه و نظارت دکتر اصغر دادبه پس از مرگش در تابستان ۱۳۶۹ انتشار یافت. این کتاب مجموعه‌ای است از غزل‌ها، قطعه‌ها، قصیده‌های کوتاه، مثنوی‌ها، مکاتبه‌های شاعرانه، دوبیتی‌های پیوسته، تضمین‌ها و ترکیب‌ها و شعرهای آزادی وی است.

دکتر مزارعی سرانجام در بهمن ماه ۱۳۶۵ به علت سکتهٔ قلبی در آمریکا درگذشت.

منابع: ***انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)*** / حسن امداد، ص ۳۹۹ـ۴۰۲. ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد اوّل*** / سید محمد باقر برقعی، ص ۷۳ـ۷۲. ***شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد دوم*** / حسنعلی محمدی، ص ۶۳۱ـ۶۳۶. آینده، س ۱۲، ص ۸۳۳.

۲۶۵ مستوفی، اسماعیل

شاعر

تولد ۱۲۹۰، شیراز.

درگذشت ۲۲ آذر ۱۳۶۴، شیراز.

اسماعیل مستوفی متخلص به «اشرف»، فرزند میرزا حبیب‌الله، دورهٔ اول متوسطه را در شیراز گذرانید و دورهٔ دوم را در کالج آمریکایی تهران به پایان رسانید. او از سال ۱۳۱۳ وارد خدمت دولتی شد و در ادارهٔ ثبت احوال و شرکت نفت، شعبهٔ شیراز و بالاخره سالیان دراز در شهرداری شیراز به کار مشغول بود.

اسماعیل مستوفی شعر می‌سرود. مقالات ادبی در روزنامه‌ها و مجلات از او به چاپ می‌رسید. از سال ۱۳۱۵ در انجمن ادب فارس شرکت مستمر داشت و پس از مدتی به دبیری آن انجمن برگزیده شد و هفته‌ای دو بار تنظیم صورت جلسات و مکتوب

---

۱. در کتاب‌های ***شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد دوم*** و نیز ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد وی ۱۳۱۰ ذکر شده است.

نمودن اشعار ضبط‌شده در جلسات که خوانده می‌شد، را به عهده داشت.

در سال ۱۳۲۴ که رییس انجمن ادب فارس به تـهران مـهاجرت کـرد، جـلسات انـجمن در مـنزل مستوفی تشکیل می‌شد. از جمله فعالیت‌های او در انجمن، تصحیح آثار شاعران بود. فهرست آثاری که به کوشش او در انجمن تصحیح شده‌اند، به قرار زیر است: تصحیح ***کلیات شیخ اجل سعدی*** کـه مـدت چهار سال به طول انجامید و نسخهٔ تصحیح شده آن در خاندان مستوفی باقی مانده و به چـاپ نـرسیده است؛ ***نـغمات مـوزون***، شـامل غـزلیات و تـغزلات هم‌وزن و قافیه از سعدی و حـافظ بـه تـتبع او کـه قسمتی از آن متوالیاً در روزنامهٔ «استخر» چاپ شیراز انتشار یافته است؛ تصحیح ***پریشان قاآنی*** که به سال ۱۳۳۸ در شیراز به وسیلهٔ او به چاپ رسـیده است؛ تصحیح و چاپ ***لیلی و مجنون مکتبی*** به سال ۱۳۴۳؛ تصحیح و تفسیر و تحشیه ***دیوان ظهیر فاریابی*** که به چاپ نرسیده است. تا زمـانی کـه مسـتوفی در قـید حیات بود، جلسات انجمن ادب تشکیل می‌شد.

اسماعیل مستوفی در بامداد جمعه بیست و دوم آذر ۱۳۶۴ درگذشت و در جوار آرامگاه شاه داعی الی الله رخ در نقاب خاک کشید.

منبع: انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهـم تـا بـه امروز) / حسن امداد، ص. ۳۳۶ـ۳۳۸.

مشایخ فریدنی، محمد حسین ۲۶۶

محقق

تولد ۱۲۹۱ (۱۳۳۳ ق.)، محلهٔ عودلاجان تهران.
درگذشت ۱۳ آذر ۱۳۶۹، در نزدیکی بمبئی.

محمد حسین مشایخ فریدنی، فرزند محمد باقر (از علمای معقول و مـنقول و از مـدرسان تـهران)، در محضر پدر خود مقدمات علوم دینی را فراگرفت و در کنار آن به تحصیل علوم جدید در دبستان ترقی و سپس دبیرستان پهلوی نیز همت گماشت. در سال ۱۳۰۹ بعد از اتمام دورهٔ اول متوسطه وارد دورهٔ ادبی دارالفنون شد. از اساتید این دورهٔ درس وی می‌توان به افرادی چون حبیب یغمایی، جلال‌الدین همایی، نصرالله فلسفی، شیخ محمد حسـین فـاضل تـونی، احمد بهمنیار و علی اکبر سیاسی اشاره کرد. ایشان در همین دوره، تحصیلات حوزوی را تا پایان لمـعتین نزد پدرشان تلمذ کرد. فریدنی در سال ۱۳۱۲ بعد از تأسیس دانشکدهٔ علوم معقول و منقول در امـتحان ورودی آن دانشکده پذیرفته شد؛ در سال ۱۳۱۴ بعد از اتـمام دوره، گـواهـینامهٔ مـدرسی دریـافت کـرد. هم‌زمان با تحصیل در دانشکدهٔ معقول و منقول در دانشکدهٔ ادبیات هم ثبت‌نام نمود و در سال ۱۳۱۴ به اخذ درجهٔ لیسانس نایل آمد و در سـال ۱۳۱۸ وارد دورهٔ دکترایِ ادبیات شـد. اسـتادان وی در آن دوره ملک‌الشعرای بهار، فاضل تونی، سید محمد تـدین، بدیع‌الزمان فروزانفر و علی اصغر حکمت بـودند. در پاکستان کـرسی زبـان فـارسی دانشگـاه کـراچـی را تأسیس کـرد و در دانشگـاه‌های پـنجاب، پـیشاور و حیدرآباد و داکا به عـنوان اسـتاد مـیهمان تـدریس می‌کرد. در دانشگاه لاهور پاکستان مـوفق بـه اخـذ درجهٔ دکترایِ افتخاری و کسب مقام استادی در رشتهٔ حقوق شد.

دکتر فریدنی در طول خدمات فرهنگی خود در سـمت‌های مـختلفی اشـتغال داشت، نـظیر: دبـیر دبیرستان‌های تهران؛ بازرس و سرپرست فرهنگ و اوقاف قم، کاشان، ساوه، محلات و گلپایگان؛ رایزن فرهنگی ایران در پاکستان، هند، عراق و عـربستان سعودی؛ استاد دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی؛ مأمور تأسیس دانشگاه کردستان و غیره. آثار وی علاوه بر تحریر مقالات در مجلات کشور، عبارتند از: تألیف

نوای شاعر فردا (روایت تازه‌ای از ***اسرار خودی و رموز بی‌خودی*** اقبال لاهوری؛ وی از جمله کسانی بود که با اندیشه‌های این متفکر آشنا بود)؛ رساله‌ای در شرح نظرات سیاسی امیرالمؤمنین (ع)؛ ***گزیدهٔ أغانی*** (ترجمهٔ ***الاغانی***، در دو جلد، این کتاب برگزیدهٔ هشتمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد)؛ تألیف ***آفتاب در آئینه*** (سیرهٔ امیر المؤمنین (ع) به روایت اهل سنت). وی همچنین در سال‌های آخر عمر با ***دایرةالمعارف تشیع*** و ***دانشنامهٔ جهانِ اسلام*** همکاری داشت و مقاله‌هایی را برای این دو اثر تألیف کرده است. مقاله‌هایی نیز در «کیهان فرهنگی» و «نشر دانش» و «آینده» از او به چاپ رسیده است. دکتر مشایخ فریدنی به دریافت نشان‌های درجهٔ دوم همایونی، درجه دوم سپاس، نشان ارانژناسو از هلند و نشان کوکب از اردن نایل آمده است. وی عضو آکادمی عرب نیز بود.

دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی روز سیزدهم آذر سال ۱۳۶۹ در سن هفتاد و هشت سالگی بر اثر حملهٔ قلبی درگذشت. این حادثه در حالی رخ داد که وی یک هیئت علمی بین‌المللی را در یک کشتی مطالعاتی برای بررسی راه آبی «جادهٔ ابریشم» همراهی می‌کرد. پیکر وی در بهشت زهرا در حجرهٔ ۹۵۳ به خاک سپرده شد.

منابع: گزارش هشتمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران. «دکتر مشایخ فریدنی به دیدار دوست شتافت»، ادبستان، ش. ۱۲ (آذر ۱۳۶۹)، ص. ۸۶. «دکتر محمد حسین مشایخ فریدنی»، نشر دانش، س. ۱۱، ش. ۱ (آذر و دی ۱۳۶۹)، ص. ۷۷. «محمد حسین مشایخ فریدنی»، آینده، س. ۱۶، ص. ۸۶۷. *چهره‌های آشنا* / حسین قریشی، ص. ۶۴۰ـ ۶۴۱.

مترجم

تولد ۱۲۸۴، تهران.

درگذشت ۲۰ بهمن ۱۳۶۸، تهران.

رضا مشایخی (فرهاد) پس از اتمام تحصیلات در دارالفنون و گذراندن مسابقهٔ علمی وزارت فوائد عامه در سال ۱۳۰۵ به منظور تحصیل در رشتهٔ مهندسی راه و ساختمان به بلژیک اعزام شد و دورهٔ چهارسالهٔ دانشگاه کان را با موفقیت گذراند. از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۵ در وزارت طرق و شوارع و و از آن سال در وزارت راه و ترابری (نام جدید همان وزارتخانه) تا سال ۱۳۴۲ خدمت کرد و به معاونت اداری و فنی و پارلمانی وزارت راه و ریاست شورای عالی راه‌آهن رسید.

وی چندی در دانشکدهٔ فنی تدریس کرد و از سال ۱۳۲۶ که ساختمان خطوط آهن آذربایجان و خراسان شروع شد، به سمت رییس و مدیر کل ادارهٔ ساختمان وزارت راه منصوب شد و حدود نه سال سرمهندس این خطوط بود.

مهندس رضا مشایخی در اوقات فراغت به ترجمهٔ آثار برگزیدهٔ بزرگان می‌پرداخت. ذوق و علاقهٔ دیگرش کشاورزی و عمران و آبادی بود. فهرست آثار وی به شرح زیر است: ***ماری آنتوانت*** (استفان زوایک، ۱۳۲۳)؛ ***ماری استوارت*** (استفان زوایک)؛ ***زیگموند فروید*** (استفان زوایک)؛ ***سه استاد سخن*** (در بارهٔ فئودر داستایوسکی، اونوره دو بالزاک و چارلز دیکنز؛ اثر استفان زوایک)؛ ***کلئوپاترا*** (آرتور ویگال)؛ ***تاریخ اکتشافات جغرافیایی*** (اوریان اولسن، ۱۳۴۳)؛ ***تصویر دوریان‌گری*** (اسکار وایلد)؛ ***اعترافات*** (ژان ژاک روسو)؛ ***جمهوریت*** (افلاطون، با تفسیر و حواشی، ۱۳۳۴)؛ ***حیات مردان نامی*** (پلوتارک، چهار جلد، ۱۳۳۷ ــ ۱۳۴۳)؛ ***جریان‌های بزرگ تاریخ معاصر*** (ژاک پیرن، شش جلد، ۱۳۵۷)؛ ***کوروش‌نامه***

(گزنفون، ۱۳۴۲)؛ ***اندیشه‌ها و رسالات*** (بلز پاسکال با تفسیر لئون برونسویک، ۱۳۵۱)؛ ***آخرین نبرد*** (نلیوس راین)؛ ***اسلام، دین و امت*** (لویی گارده، ۱۳۵۲)؛ ***اخلاق نیکوماک*** (ارسطو، با ملحقات در بارهٔ اخلاق و غرب)؛ ***علم و مذهب*** (برتراند راسل، ۱۳۵۵)؛ ***تقریرات ناپلئون*** (کنت دولاسکاز، ۱۳۶۳).

از ایشان ترجمه‌های دیگری نیز آمادهٔ چاپ بود، مانند: ***سفرنامهٔ مارکوپولو***، ***جهان سوم در بن‌بست از بروک***، ***تحول*** از هانری برگسون، ***تاریخ و تمدن*** از مجموعهٔ یونسکو، ***تمدن ایرانی*** به سرپرستی هانری ماسه.

منبع: هاشمی، علی، «رضا مشایخی (فرهاد)»، آینده، س ۱۶، ص ۸۶۳ـ۸۶۴.

مشتاق، شاهمراد ۲۶۸

شاعر

تولد ۱۳۰۰، کرمانشاه.

درگذشت اواخر پاییز ۱۳۶۲، کرمانشاه.

شاهمراد مشتاق مشهور و متخلص به «شامی» سه ساله بود که به علت بیماری آبله از هر دو چشم نابینا شد. در خردسالی مادرش درگذشت و در سن سیزده سالگی پدرش را نیز از دست داد و به این ترتیب تحت سرپرستی فردی به نام امان‌الله معتضدی قرار گرفت. «شامی» که هرگز به مکتب نرفت و درسی نیاموخت، به فراگیری شعرهای شعرای کرد پرداخت و اشعار بسیاری را حفظ کرد. بعدها متوجه شد که خود می‌تواند شعر بگوید. در جوانی به دستفروشی پرداخت و زندگی محقری برای خود تشکیل داد. «شامی» اشعار زیادی داشت و چون کسی نبود که آنها را برایش بنویسد به گفتهٔ خودش، یا آنها را فراموش کرد یا از بین رفته است. دیوان مختصری از این شاعر در پاییز سال ۱۳۶۲ در تهران به چاپ رسید اما چند روز پیش از آن که دیوانش از طبع خارج شود، بر اثر بیماری مزمنی در کرمانشاه جان سپرد.

منبع: *تاریخ مشاهیر کرد عُرفا، عُلما، اُدبا، شُعراء*، جلد دوم/ بابا مردوخ روحانی «شیوا»، ص ۴۵۸.

مشکور، محمد جواد ۲۶۹

محقق، ادیب، زبانشناس

تولد ۱۲۹۷، محلهٔ سنگلج تهران.

درگذشت ۲۵ فروردین ۱۳۷۴، تهران.

محمد جواد مشکور، فرزند حاج شیخ علاءالدین، تحصیلات ابتدایی را در مدرسهٔ تمدن و تحصیلات متوسطه را در مدرسهٔ دارالفنون گذراند. سپس وارد دانشسرای عالی و دانشکدهٔ معقول و منقول شد و در سال ۱۳۱۸ موفق به اخذ درجهٔ کارشناسی در ادبیات فارسی و ادبیات عرب شد. مدتی به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت و چند سالی به خدمت در وزارت دارایی مشغول شد. مشکور چندی نیز نزد دایی‌های خود شریعت سنگلجی و محمد مهدی سنگلجی به تحصیل علم پرداخت. همچنین از محضر اُستادانی چون علامهٔ سید محمد حسین طباطبایی، علامهٔ محمد بن عبدالوهاب قزوینی، مهدی آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، احمد بهمنیار، ملک‌الشعرای بهار و عباس اقبال بهره برد. همچنین به تحصیل و تحقیق در زبان‌های باستانی پرداخت. وی از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۳۸ به تدریس تاریخ ایران قدیم و زبان پهلوی در دانشگاه تبریز مشغول بود. در سال ۱۳۳۲ به پاریس عزیمت کرد و در سال ۱۳۳۶ به اخذ درجهٔ دکتری در تاریخ اسلام و فرق آن نایل شد. مدت شش سال سردبیر مجلهٔ عربی

«الاخاء» بود. در سال ۱۳۴۴ به خدمت تمام وقت دانشسرای عالی درآمد و در کنار آن در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی و دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نیز به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۵۳ به‌عنوان رایزن فرهنگی ایران عازم سوریه شد و در ضمن به تدریس تاریخ فرق اسلامی به خصوص فرقه‌های شیعه و تاریخ زبان‌های سامی در دانشگاه دمشق پرداخت. دکتر مشکور در مهر سال ۱۳۵۸ پس از قریب چهل سال خدمت دانشگاهی بازنشسته شد ولی همچنان به کار تدریس و تحقیق مشغول بود. برخی از آثار ایشان به این شرح هستند: ***کلمات محمد (ص)*** (متن عربی و ترجمه، ۱۳۱۸)؛ ***تاریخ اوستا و ادبیات دینی پهلوی*** (۱۳۲۵)؛ ***تاریخ ایران باستان به روایت ابن عبری*** (یوسف بنیان، ترجمه، ۱۳۲۶)؛ ***تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمهٔ الفرق بین الفرق*** (ابومنصور عبدالقاهر بغدادی، ترجمه)؛ ***النکت الاعتقادیة*** (شیخ مفید محمد بن محمد النعمان، ترجمه، تبریز، ۱۳۳۳)؛ ***تاریخ مردم اورارتو*** (کشف یک سنگ، تهران، ۱۳۳۲)؛ ***تاریخ اورارتو و سنگ‌نبشته‌های اورارتی در آذربایجان*** (۱۳۴۵)؛ ***تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان*** (۱۳۴۷)؛ ***تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری*** (۱۳۵۲)؛ ***نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن*** (۱۳۴۹)؛ ترجمه ***تاریخ طبری قسمت مربوط به ایران*** (ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، ۱۳۳۷)؛ ***دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی*** (۱۳۳۸)؛ ***فرق الشیعة یا مقالات الامامیة و الفرق و اسماؤها و صنوفها*** (۱۳۲۵)؛ ***کارنامهٔ اردشیر بابکان*** (۱۳۲۹)؛ ***مجوس در کتب مقدس سامی*** (۱۳۲۵)؛ ***هفتاد و سه ملت یا اعتقادات مذاهب*** (۱۳۳۷)؛ ***گفتاری در بارهٔ دینکرد*** (۱۳۲۵)؛ ***ایران در عهد باستان*** (۱۳۴۳)؛ تصحیح ***منطق الطیر*** عطار؛ ***اخبار سلاجقه روم*** (۱۳۵۰)؛ ***سیر اندیشه‌های دینی در ایران*** (۱۳۵۵)؛ ***تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری*** (۱۳۵۷)؛ ***فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*** (۱۳۵۷)؛ ***جغرافیای تاریخی ایران قدیم*** (۱۳۷۱).

دکتر جواد مشکور چهل و شش عنوان کتاب دارد و بیش از صد مقاله در زمینهٔ ادبیات، تاریخ، ادیان و مذاهب، زبان‌شناسی به زبان‌های فارسی و عربی و فرانسوی نوشته است. برخی از مقاله‌های او در «معماری ایران»، «هنر و مردم»، «وحید»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «زمین و زمان»، «سخن»، «بررسی‌های تاریخی»، «معارف اسلامی»، «دانش» و «باستانشناسی و هنر ایران». وی همچنین در کتاب ***مجموعه خطابه‌های تحقیقی*** که در سال ۱۳۵۰ منتشر شد، دارای مقاله بود.

پیکر محمد جواد مشکور در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (ویژه هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

منابع: «مراسم بزرگداشت استاد دکتر محمد جواد مشکور در پژوهشگاه»، کلک، ش. ۴۸ـ۴۷ (بهمن و اسفند ۱۳۷۲)، ص. ۲۷۷. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۴۲۳ـ۴۲۵.

مشیری، حمید ۲۷۰

شاعر

تولد ۱۳۰۶، شیراز.

درگذشت بهمن ۱۳۶۵.

حمید مشیری، فرزند قدرت‌اله، گاهی شعر می‌گفت و در انجمن صدر شرکت می‌کرد و پس از وفات صدرالدین محلاتی آن انجمن در خانهٔ وی تا بهمن ۱۳۶۵ دایر بود. مشیری در سرودن انواع شعر طبع آزمایی کرده و طبعش بیشتر مایل به غزلسرایی بود. اشعارش گاهی توصیفی و مضامین آنها با شوخ

طبعی در بارهٔ مسائل روز همراه است. از فعالیت‌های او یکی چاپ و انتشار دیوان پدر همسرش ***دیوان ناصرالدین سالار*** در پانصد صفحه و دیگری چاپ و انتشار دیوان دایی‌اش ***دیوان صدرالدین محلاتی*** بنیانگذار انجمن صدر است.

حمید مشیری هنگامی که در جلسهٔ بزرگداشت دکتر داور، شعری در رثای او می‌خواند، ناگهان سکته کرد و درگذشت.

*منابع : **انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)**/ حسن امداد، ص. ۴۸۰. امداد، حسن، «حمید مشیری»، آینده، س. ۱۳، ص. ۳۴۷.*

۲۷۱ مشیری، قدرت‌الله

شاعر

تولد ۱۲۸۱، شیراز.

درگذشت ۱۳۶۲، شیراز.

قدرت‌الله مشیری سال‌ها متولی املاک مشیر بود و با کشاورزی روزگار می‌گذرانید. مشیری شاعر و اهل مطالعه و از اعضای انجمن صدر بود. او در سرودن انواع شعر طبع‌آزمایی کرده و بیشتر به غزلسرایی می‌پرداخت. مشیری به زبان عربی آشنایی داشت و دو جلد کتاب ***زندگی محمد علی پاشای کبیر*** (اثر مولباخ آلمانی، ترجمهٔ نسیب افندی به عربی، ۱۳۱۷) و دیگر ***دستور رستگاری*** (۱۳۲۱) را از عربی به فارسی ترجمه کرد و انتشار داد.

*منابع : **انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)**/ حسن امداد، ص. ۴۸۱. **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/ خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۹۱۴.*

۲۷۲ مصطفوی، حسین

شاعر

تولد ۱۳۰۱ ق.، همدان.

درگذشت ۱۳۷۰.

حسین مصطفوی، متخلص به «آذر»، تحصیلات ابتدایی و دورهٔ متوسطه را در همدان و دورهٔ دوم متوسطه را در تهران به پایان رسانید. آنگاه به زادگاه خود بازگشت و به استخدام وزارت دارایی درآمد و به خدمت اشتغال ورزید و مشاغل چندی از جمله ریاست بر نظارت کل مالیات بر درآمد را عهده‌دار بود.

حسن مصطفوی از همان اوان تحصیل در دبیرستان، به انجمن ادبی همدان راه یافت و با تشویق آزاد همدانی، رییس انجمن، به کار شعر و شاعری پرداخت و یکی از اعضای ثابت انجمن به شمار می‌رفت. وی در سال ۱۳۳۱ در مسابقهٔ شعری به نام «مرگ سرباز» شرکت جست و در میان شرکت‌کنندگان در این مسابقه برنده شناخته شد و به دریافت جایزه از طرف مقامات ارتشی نایل گردید و بار دیگر در هنگام برگزاری جشن هزارهٔ بوعلی سینا قطعه شعری از طرف انجمن آثار ملی بین شعرا و گویندگان به مسابقه گذارده شد و در این میان قطعه شعر او بهتر از همه شناخته شد و در مراسم افتتاح مجسمهٔ بوعلی‌سینا قرائت گردید.

*منابع : **سخنوران نامی معاصر ایران، جلد اوّل**/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۴۰. **بزرگان و سخن‌سرایان همدان، جلد دوّم**/ دکتر مهدی درخشان، ص. ۳۹۵.*

۲۷۳ معالی، محمدرضا

شاعر

تولد ۱۳۰۸، کوچصفهان.

درگذشت ۱ دی ۱۳۶۸، رشت.

محمدرضا معالی که در شعر با نام خانوادگی «معالی» و گاهی با «فروغ» تخلص می‌کرد، فرزند محمد طاهر ابوالمعالی، در زادگاه خود به تحصیل پرداخت و از دبیرستان اتحادیه (ابوالمعالی) فارغ‌التحصیل شد. از آن پس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و پس از سال‌ها تدریس و خدمات فرهنگی بازنشسته شد، پس از بازنشستگی، تصدی کتابخانهٔ شهید بهشتی رشت به او محول شد.

محمد رضا معالی از آغاز جوانی به شعر و شاعری پرداخت و در انواع شعر طبع‌آزمایی کرد، اما بیشتر به غزلسرایی رغبت نشان داد. از آثار او سه مجموعه شعر به جا مانده به نام‌های ***گلدشت بی‌فروغ***، ***گل‌های داودی***، ***ده قطره اشک*** که تا کنون منتشر نشده است.

محمدرضا معالی در اول دی ماه ۱۳۶۸ درگذشت و در زادگاهش به خاک سپرده شد.

*منبع: **سخنوران نامی معاصر ایران، جلد پنجم**/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۳۳۴۹.*

۲۷۴ معینیان، علی اصغر

مصحح، شاعر

تولد ۱۲۹۳، لاسگرد سمنان.[۱]

درگذشت اسفند ۱۳۵۸، تهران.

علی‌اصغر معینیان لاسگردی، فرزند محمدمهدی معین‌الشریعه لاسگردی، تحصیلات ابتدایی را در سمنان و دورهٔ متوسطه را در تهران به پایان رسانید. آنگاه در وزارت دارایی به کار مشغول گردید. بعد از دو سال به وزارت فرهنگ منتقل شد. در حین خدمت ابتدا در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی و بعد در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران تحصیلات خود را ادامه داد و پس از طی مدارج تحصیلی به دریافت دانشنامهٔ دکتری در ادبیات پارسی نایل گردید. در مدت خدمت در وزارت فرهنگ مشاغل مختلفی یافت تا بازنشسته شد.

از آثار وی تصحیح و چاپ کتاب ***رشحات عین الحیات*** تألیف مولانا فخرالدین علی پسر حسین واعظ کاشفی صوفی نقشبندی اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است که در سال ۱۳۵۶ چاپ و منتشر شد؛ کتاب دیگرش داستان ***تاجداران تیره‌بخت*** (۱۳۲۳) نام دارد. دیوان اشعارش نیز تحت عنوان ***در راه پیروزی*** منتشر شد.

*منابع: **فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز**/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۵۲۷. **فرهنگ داستان‌نویسان ایران**/ حسن عابدینی، ص. ۱۵۲. **سخنوران نامی معاصر ایران، جلد پنجم**/ سید محمد باقر برقعی. شماره صحفه استخراج شود. **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/ خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۴۷۵ ـ ۴۷۷.*

۲۷۵ مقتدری، محمد تقی

نویسنده، روزنامه‌نگار

تولد ۱۸ فروردین ۱۲۹۱، شیراز.

درگذشت بهار ۱۳۶۵.

محمد تقی مقتدری، فرزند فضل‌الله، تحصیلات خود را در دانشگاه تهران در رشتهٔ حقوق و علوم سیاسی و دانشگاه دهلی در رشتهٔ علوم بین‌المللی به پایان رسانید و به دریافت درجهٔ دکتری نایل آمد.

وی مدت‌ها بازرس کلاس‌های آموزش سالمندان وزارت فرهنگ بود. مدتی رییس دفتر

---

۱. در کتاب ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** تاریخ تولد وی ۱۲۹۱ و در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** ۱۲۹۰ آمده است.

حسابداری وزارت کشور و سپس رییس دفتر معاون وزارت کشور بود. سپس به معاونت ادارهٔ دفتر وزارتی وزارت کشور رسید. پس از آن مدتی منشی مخصوص وزارتی بود. از سمت‌های دیگر او عبارتند از: بازرس ویژهٔ وزارت پیشه و هنر؛ مدیر روزنامهٔ «آیین»؛ مشاور اتاق بازرگانی تهران؛ وکیل دعاوی و مشاور حقوقی و وکیل مدافع وزارت فرهنگ و بانک صنعتی ایران؛ مشاور ادارهٔ اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه؛ مستشار سفارت ایران در کابل؛ مستشار سفارت ایران در کراچی؛ همچنین کاردار فرهنگی در سفارت‌های ایران در هندوستان و پاکستان و کویت.

از آثار اوست: ***ضرب‌المثل‌های فارسی در افغانستان؛ فرهنگ مقتدری؛ سخنان شاهانه؛ زندگی و آثار و عقاید تاگور؛ نیایش «گیتانجلی»*** (اثر رابیندرانات تاگور، ترجمه به فارسی، ۱۳۴۲)؛ ***بازگشت به میهن؛ تصوف و روش سخت‌کوشی*** (نوشتهٔ اقبال لاهوری، کابل، ۱۳۳۳)؛ ***اتحاد اسلامی از نظر علامه اقبال؛ اقبال شاعر و متفکر اسلام؛ فیتز جرالد یا خیام انگلیسی؛ تحقیق در بارهٔ طلاق از نظر حقوق تطبیقی؛ دوبیتی‌های فارسی در افغانستان؛ اوضاع ایران قبل از مشروطیت؛ قانون اساسی ایران و تحولات آن؛ دودمان راگو*** (ترجمهٔ راگوانش اثر کالیداس نویسندهٔ هندی)؛ ***شرح حال و زندگی بچه سقایی که به پادشاهی افغانستان رسید؛ اقتصاد ملی و رهبری دولت؛ تحقیق در بارهٔ احوال و آثار حکیم عمر خیام؛ تحقیق در بارهٔ مخلص کاشی و تصحیح دیوان او؛ در جستجوی برادر*** (سر هـ د. هاکارد، ترجمه، ۱۳۳۴)؛ ***فلسفه اقبال؛ تاریخ دانشکدهٔ علوم سیاسی و حقوق***؛ رساله در شرح مسافرت و پناهندگی همایون شاه امپراتور هند به ایران؛ رساله در اختلاف استعمال لغات فارسی در ایران و افغانستان؛ رساله در آثار و معرفی کالیداس هندی.

منابع: ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/*** خانبابا مشار، جلد دوم، ص.۲۵۸. ***چهره‌های آشنا/*** حسین قریشی، ص.۵۴۴. ***برندگان جایزه نوبل ادبیات/*** سعید نوری نشاط، مریم آقا شیخ محمد، ص.۳۳۹. «دکتر محمد تقی مقتدری»، آینده، س.۱۲، ص.۶۶۳ـ۶۶۴.

منبری، محمد ۲۷۶

شاعر

تولد ۱۲۹۲، سنندج.

درگذشت ۴ شهریور ۱۳۷۰، تهران.

محمد منبری، فرزند ملا محمد منبری از اهالی روستای نِیَر یکی از روستاهای ژاورود کردستان، بود. منبری چهار ساله بود که پدر خود را از دست داد و سرپرستی او را مادرش به عهده گرفت و آموزش فرزند را در علوم قدیم پی گرفت. در سال ۱۳۱۱ با سمت استوار پزشکیار وارد خدمت ارتش گردید و پس از گذراندن خدمت نظام و فرا گرفتن دورهٔ دو سالهٔ پزشکیاری به علت کمبود پزشک در آن زمان به عنوان پزشک در نقاط مرزی به‌خصوص مناطق جنگلی محلی و عشایری کردستان انجام وظیفه کرد.

منبری در سال ۱۳۱۹ به سبب آزادی‌خواهی و حق‌طلبی توسط فرماندهان نظامی که ناروایی‌ها و ستم‌هایی در باره‌اش معمول داشتند، ناگزیر از ارتش استعفا کرد و برای یافتن کار عازم تهران گردید و با همان سمت پزشکیاری به استخدام ادارهٔ راه‌آهن در آمد و به مناطق جنوب و لرستان اعزام شد و سرانجام در سال ۱۳۴۲ در چهل و هشت سالگی با سی سال سابقهٔ خدمت بازنشسته گردید.

محمد منبری از ذوق شعری نیز بی‌بهره نبود و دستی در شعر و شاعری داشت. اشعار وی در مجلات مختلف به چاپ رسیده است.

منبری پس از بازنشستگی در همان سال به

اتفاق خانواده‌اش به تهران مهاجرت کرد و در سال ۱۳۵۲ به سمت صندوقدار یک شرکت خصوصی مشغول به کار شد.

محمد منبری در سال ۱۳۶۲ دچار حملهٔ قلبی گردید و پس از چندین نوبت که در بیمارستان بستری شد، سرانجام پس از هشت سال بیماری در چهارم شهریور ماه ۱۳۷۰ درگذشت.

منبع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد پنجم/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۳۳۸۳.

منزوی اردبیلی، رحیم ۲۷۷

شاعر

تولد ۱۳۱۶، اردبیل (کوچه سیدآباد).

درگذشت ۹ مرداد ۱۳۷۱، تهران.

رحیم منزوی اردبیلی متخلص به «منزوی» از کودکی در دکان دواتگری و حلبی‌سازی پدرش مشغول کار بود و در این فن مهارت یافت. پدرش نیز در مراسم‌های شبیه‌خوانی و تعزیه‌گردانی شرکت می‌جست. اما به گفتهٔ خودش آنچه وی را به شاعری واداشت مرگ مادری بود که در نه سالگی ازدواج کرد و در هیجده سالگی وفات کرد. منزوی در شعر از «تاج‌الشعرا» پیروی می‌کرد.

از رحیم منزوی اردبیلی هشت کتاب در زمان حیاتش منتشر شده بود. از جمله آنها می‌توان به کتاب ***صدسینه‌زن*** (اردبیل، ۱۳۷۲) اشاره نمود. کتاب دیگرش به نام ***صد مرثیه*** پس از وفات وی در اردبیل انتشار یافت.

منزوی در روز جمعه نهم مرداد ۱۳۷۱ در تهران درگذشت و پیکرش به اردبیل منتقل گردید و در بهشت فاطمه به خاک سپرده شد.

منابع: تماشای زندگی، ش. ۱ و ۲ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴)، ص. ۸۱ *کتابشناسی آذربایجان/* ناهید حبیبی آزاد.

منشی کاشانی، محمود ۲۷۸

محقق، شاعر

تولد ۱۳۰۲، کاشان.

درگذشت ۳۰ دی ۱۳۶۴، تهران.

محمود منشی کاشانی متخلص به «محمود»، فرزند حسینعلی منشی کاشانی که از ادبا و شعرای کاشان بود، تحصیلات خود را در کاشان و سپس در تهران به انجام رسانید. از آن پس به تحصیل علوم ادبیه و عربیه پرداخت و از محضر استادانی چون ناصری کاشانی و خالصی‌زاده و میرزا مجدالدین نراقی و میرزا اسماعیل یزدانی سبزواری و پدرش کسب دانش کرد. از سال ۱۳۲۳ به تهران مهاجرت کرد و همکاری با مطبوعات را آغاز نمود و آثار ادبی و تحقیقی او در مجله‌های ادبی به چاپ رساند. در این ایام در کار چاپ و انتشار آثار بزرگان در مؤسسهٔ تالار کتاب اشتغال داشت. منشی از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۶۱ وارد فرهنگستان شد و به عنوان استاد هنرستان عالی مشغول کار گردید و در موضوع «ریتم شعر فارسی» تدریس کرد و در ضمن سرپرستی مجلهٔ «هفت هنر» را عهده‌دار بود.

منشی در قالب قصیده، بیشتر شعر می‌گفت. کتاب‌های ***سلام بر حسین (ع)*** (این اثر به شکل پاورقی در روزنامهٔ «کیهان» به چاپ رسیده است) و ***صادق آل محمد (ص)*** (این کتاب برندهٔ جایزهٔ سلطنتی شده است) از نمونه‌های تحقیق و از آثار منثور او به شمار می‌آیند. آثار دیگر او عبارتند از: ***معیارشناسی در شعر فارسی***؛ ***کاشان و ادبیات***؛ ***گمشدگان***؛ مجموعهٔ شعری به‌نام ***دفتر شعر دری*** (با تصحیح و توضیح و مقدمه غلامحسین رضانژاد «نوشین»)؛ ***واژه‌نامهٔ بسامدی شعرهای شهید بلخی و***

چند اثر دیگر. منشی، در تصحیح متون فرهنگی، کتابشناسی، تاریخ، تاریخ ادبیات، نقدشعر، ترسل و زبانشناسی، دارای آثار و مقالاتی است.

منابع: «درگذشت محمود منشی و اسماعیل وطن‌پرست»، کیهان فرهنگی، س. ۲، ش. ۱۱ (بهمن ۱۳۶۴)، ص. ۳۸. *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد پنجم* / سید محمد باقر برقعی، ص. ۳۱۸۵ـ۳۱۸۶. *خلوت انس* / مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، ص. ۳۸۰. نیکوهمت، احمد، «درگذشت محمود منشی کاشانی»، آینده، س. ۱۲، ص. ۱۲۵.

۲۷۹ منصوری، ذبیح‌الله

مترجم، روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۸۸، رشت.[۱]

درگذشت ۱۸ خرداد ۱۳۶۵.

ذبیح‌الله حکیم‌الهی رشتی مشهور به ذبیح‌الله منصوری، فرزند انتخاب‌الدوله از رجال رشت، بود. پس از گذراندن دورهٔ ابتدایی به همراه پدرش برای ادامه تحصیلات عازم فرانسه شد و زبان فرانسوی را در آنجا فرا گرفت و پس از مراجعت به ایران به کار ترجمه پرداخت.

منصوری نویسنده و مترجمی فعال بود و بیش از صد و پنجاه کتاب و قریب به هزار مقاله ــ که اغلب آنها در مجلهٔ «خواندنیها» منتشر می‌شد ــ از خود به یادگار گذاشت. او در مدت شصت سال فعالیت قلمی خود آثار فراوانی از زبان‌های انگلیسی و فرانسوی و عربی ترجمه کرد. بعضی از آثار او نه ترجمهٔ مستقیم بلکه اقتباس و تحریر تازه و مفصل‌تری از متن اصلی بود. وی در دوران روزنامه‌نویسی خویش با مجلاتی نظیر «کوشش»، «ایران ما»، «داد»، «ترقی»، «تهران مصور»، «روشنفکر»، «سپید و سیاه» همکاری داشت.

دامنهٔ فعالیت منصوری گسترده بود و شامل زمینه‌های گوناگونی از جمله رمان پلیسی (بیشتر آثار آگاتا کریستی)، رمان تاریخی (بیشتر از آثار الکساندر دوما و موریس دو کبرا) و زندگینامه (***خداوند علم و شمشیر، محمد (ص) پیغمبری که از نو باید شناخت، عایشه بعد از پیغمبر، مغز متفکر جهان شیعه، امام حسین (ع) و ایران، آثار و احوال ملاصدرا***، ...) و آثار تاریخی (***خداوند الموت: حسن صباح*** (نوشتهٔ پل آمیر)، ***خواجهٔ تاجدار، سلیمان خان قانونی و شاه طهماسب، عارف دیهیم‌دار، شاه جنگ ایرانیان در چالدران و ایران*** (اثر اشتن متز و جون بارک؛ چاپ‌های متعدد: ۱۳۵۵، ۱۳۵۷، ۱۳۶۸) و مفصل‌تر از همه ***خاطرات چرچیل*** در هفت مجلد) می‌گردید.

از جمله آثار دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***آخرین گانگستر*** (دیوید لاین)؛ ***آقایان قضات! قاتل حقیقی را پیدا کنید*** (رالف گولدمان)؛ ***آوارگی من*** (موریس دوکبرا، ۱۳۲۰)؛ ***آواره‌ها*** (موریس دوکبرا)؛ ***ابن سینا، نابغه‌ای از شرق*** (اقتباس، ۱۳۷۴)؛ ***ابوشاکر، یک داستان علمی و تحقیقی؛ استالین تزار سرخ*** (ایزاک دوتشر)؛ ***اسرار هفت‌گانه*** (لسلی شارتریس)؛ ***امام حسین (ع) و ایران*** (کورت فریشلر)؛ ***امشب نوع بشر محو می‌شود*** (کریستف پولنی)؛ ***انتقام‌گربه*** (آرتور شنیت زللر، ۱۳۲۸)؛ ***انسان*** (آرتور شنیت زللر)؛ ***ایران و بابر*** (ویلیام ارسکین)؛ ***بازرس دلباخته*** (جی درتیلر، ۱۳۳۶)؛ ***بازرسی من*** (رالف گولدمان)؛ ***بازی با آتش*** (لسلی شارتریس)؛ ***پلیس بیدار است*** (رالف گولدمان)؛ ***پلیس چه می‌کند*** (لسلی شارتریس)؛ ***پنج و ده دقیقه*** (آگاتا کریستی)؛ ***تاریخ و تحول نظم و نثر پارسی*** (۱۳۳۱)؛ ***تازه مسلمان***؛ ***تولستوی*** (استفان زوایک، ۱۳۲۷)؛ ***توطئه در آسمان*** (شارل بروک)؛ ***جدال تبه‌کاران در پاریس به***

---

۱. تاریخ تولد ذبیح‌الله منصوری در *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* ۱۲۸۴ درج شده است.

انضمام خانهٔ مرموز (روبر دوما، ۱۳۷۳)؛ **جراح دیوانه** (ژارگن توروالد)؛ **جنایتکاران لندن** (آگاتا کریستی)؛ **جنگ پنهانی سهمگین** (سرد جینالدهالد، ۱۳۳۱)؛ **چگونه یک تبهکار آمریکایی شدم** (جیمز هادلی چیز، ۱۳۳۹)؛ **خاطراتی از یک امپراطور؛ خدا در آسمان**؛ **دختر فقیر** (واندر مرش، ۱۳۳۴)؛ **در پیشگاه امام صادق (ع)** (محمد صحفی)؛ **در صحنه زندگی و تأثیر** (موریس دوکبرا)؛ **دزد جوانمرد** (لسلی شارتریس)؛ **دست‌های قاتل** (چهار داستان پلیسی)؛ **دلاوران گمنام ایران در جنگ با روسیه** (ژان یونیر)؛ **دوشیزه متهم** (لیونگستن)؛ **دون کیشوت** (سروانتس، ۱۳۳۵)؛ **ده تبهکار بهت‌آور** (آگاتا کریستی)؛ **رابین هود** (السکاندر دوما)؛ **زندگی و سرانجام ماری آنتوانت** (پیر نزلف، ۱۳۳۷)؛ **ژان والژان** (ویکتور هوگو)؛ **ژوزف بالامو** (الکساندر دوما)؛ **سارق نامرئی** (ویلی فرانتز، ۱۳۷۳)؛ **سرانجام شوم یک امپراتور** (پیر نزلف)؛ **سرزمین جاوید** (ماریژان موله، هرتزفلد، گریشمن، چهار جلد)؛ **سرنوشت یک امپراتور** (پیر نزلف)؛ **سقوط پاریس** (ایلیا ارنبورک)؛ **سقوط قسطنطنیه** (میکا والتاری، دو جلد)؛ **سه تفنگدار** (السکاندر دوما)؛ **سه سال در ایران، سیاحت‌نامهٔ کنت دو گوبینو؛ سینوهه پزشک مخصوص فرعون** (میکا والتاری)؛ **شعاع زرد** (هرمان لاندن)؛ **شعاع وحشت** (هرمان لاندن)؛ **شهر وحشی** (موریس دوکبرا)؛ **صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا** (هانری کُربَن)؛ **عبور قدغن است** (بارینگتون)؛ **عجایب آمریکا** (موریس دوکبرا)؛ **عجایب سرزمین طلا و الماس** (ژوزف لتر)؛ **عشق‌بازی‌های کازانوا** (ژاک کازانووا دو سیتالت، ۱۳۳۴)؛ **عشق ننگین در نظر قضات** (سوزان نرمان)؛ **عشق یک جاسوسه** (ژان بومار)؛ **غرش طوفان** (السکاندر دوما)؛ **غزالی در بغداد** (ادوارد توماس)؛ **فراموشخانه یا فراماسونری در جهان (فراماسونری چیست و فراماسون کیست؟)**؛ **فرزند نیل** (هاوارد فاوست، دو جلد)؛ **فرمانده بعد از خدا** (پیر لافون)؛ **فتنه** (رمان تاریخی اثر لانتیاک)؛ **قبل از طوفان** (السکاندر دوما)؛ **قتل در باشگاه** (دورتی ساترس، ۱۳۲۳)؛ **قتل در ساحل دجله** (آگاتا کریستی)؛ **قلب پاک** (واندر مرش، ۱۳۳۷)؛ **قهرمان هندوچین؛ قهرمانان تمدن** (ژوزف کاتلر (و) هیم جاف، ۱۳۳۴)؛ **کاشف مانیتیسم** (استفان زوایک، ۱۳۲۷)؛ **کشتی بالدار** (آگاتا کریستی)؛ **کفش‌های سربازی سنگین است** (فونبور)؛ **کنت مونت کریستو** (السکاندر دوما)؛ **کنیز ملکهٔ مصر** (میکل پیرامو، دو جلد)؛ **گاز نوظهور** (فرانک کینگ)؛ **گاو صندوق مرگ** (فرانک کینگ، ۱۳۲۲)؛ **گروه آهنین** (الکساندر دوما)؛ **گریز** (لسلی شارتریس)؛ **گلوله کوچک** (دورتی ساتریس، ۱۳۳۱)؛ **لب‌های ناشناس** (هوچین سون)؛ **مأموریت ضد جاسوسی من** (پریستلی)؛ **ما سه مرد بی‌بضاعتیم که خواهان ثروت می‌باشیم** (الکساندر دوما)؛ **ماری آنتوانت** (پیر نزلف)؛ **ماژلان** (استفان زوایک)؛ **ماشین خواندن افکار** (آندره موروآ)؛ **ماکسیم گورکی** (استفان زوایک، ۱۳۲۶)؛ **محبوس سنت هلن، یا سرگذشت ناپلئون** (اوکتاو اوبری)؛ **مردی بالای دار؛ مرگ آرام** (جیمز هاردلی چیز)؛ **مشاهداتی شنیدنی من در آمریکا** (موریس دوکبرا، ۱۳۱۹)؛ **ملکه باکره** (لانتیاک، ۱۳۳۳)؛ **منم تیمور جهانگشا** (مارسل بریون)؛ **موئیگان دوپاری** (السکاندر دوما)؛ **ناپلئون و حمله به انگلستان** (پل شاک، ۱۳۱۵)؛ **نامه‌های روزولت به چرچیل؛ نخستین مردی که دور کرهٔ زمین گردش کرد** (استفان زوایک، ۱۳۲۳)؛ **نورنبورک** (ایلیا ارنبورک)؛ **نوستراداموس و اهرام مصر: جادوگر مرموز** (میشل زواگو)؛ **هفت خواهران تنی** (آنتونی سسمون)؛ **هنگامی که از حوادث آینده با خبر هستیم** (ژاک اسپیتز)؛ **یک خانم نجیب** (موریس دوکبرا)؛ **یک راز شگفت‌انگیز** (شارل بروک)؛ **یک سال در میان ایرانیان** (ادوارد براون، دو جلد، ۱۳۳۰)؛ **یوسف در آیینهٔ تاریخ**

(توماس مان).

ذبیح‌الله منصوری نخستین کسی بود که آثار موریس مترلینک نویسنده و متفکر بلژیکی را به فارسی ترجمه کرد که ماحصل این فعالیت، کتابهای زیر بود: ***افکار مترلینک؛ افکار کوچک و دنیای بزرگ؛ اندیشه‌های یک مغز بزرگ؛ جهان بزرگ و انسان؛ خداوند بزرگ و من؛ دروازه بزرگ؛ دنیای دیگر؛ راز بزرگ؛ موریانه؛ زندگانی مورچگان؛ زنبور عسل.***

وی روز هیجدهم خردادماه ۱۳۶۵ بر اثر ناراحتی قلبی در سن هفتاد و هفت سالگی در گذشت.

*منابع: **چهرهٔ مطبوعات معاصر**/* غلامحسین صالحیار، ص. ۱۳۵. «درگذشت نویسنده»، کیهان فرهنگی، س. ۳، ش. ۳ (خرداد ۱۳۶۵)، ص. ۳۷. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/* خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۸۸ـ۹۵. افشار، ایرج، «ذبیح‌الله منصوری (حکیم‌الهی)»، آینده، س. ۱۲، ص. ۲۸۲ـ۲۸۵.

منصوری، منصور ۲۸۰

شاعر، نقاش

تولد ۱۲۹۰.

درگذشت شهریور ۱۳۶۹، نیویورک.

منصور منصوری، نوهٔ حسن فسایی صاحب ***فارسنامه***، خود شاعر و نقاش بود و سه تار را خوب می‌نواخت و به خطاطی علاقه‌مند بود. از آثار اوست: ***این است زندگی، گنج رنج، پند پدر.*** وی در جلسات کانون دانش پارس در شیراز شرکت می‌کرد.

*منابع: **انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)**/* حسن امداد، ص. ۴۷۲. مجلهٔ آینده، س. ۱۶، ش. ۵ـ۸. «درگذشتگان دیگر»، آینده، س. ۱۶، ص. ۶۰۷

موسوی آرانی، سید شهاب‌الدین ۲۸۱

شاعر

تولد ۱۳۰۴، آران کاشان.

درگذشت ۱۴ دی ۱۳۶۸، کاشان.

سید شهاب‌الدین موسوی آرانی، فرزند سید علی اکبر، خواندن و نوشتن را در مکتب‌های زادگاهش فرا گرفت؛ پس از پایان تحصیلات ابتدایی به تهران آمد و در بنگاهی خصوصی به شغل حسابداری مشغول شد.

موسوی آرانی همچنین در چند انجمن ادبی نظیر انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی تهران و انجمن ادبی کلبهٔ سعد و انجمن ادبی صائب عضویت یافت و از محمد علی ناصح بیشترین فیض را برد و با فنون شعر و رموز آن آشنا گردید و در ضمن از مصاحبت با شاعرانی چون سید عبدالکریم امیری فیروزکوهی و مهرداد اوستا و سید حسن سادات ناصری و ادیب برومند و مشفق کاشانی و ذکایی بیضایی بهره جست. وی برای مدتی در تهران دبیر یکی از انجمن‌های ادبی بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به کاشان کوچید و توانست ادارهٔ شعبه‌ای از انجمن ادبی بنیاد پانزده خرداد را به عهده گیرد و مدت چند سال مسئول انجمن مذکور بود و جوانان مبتدی را در کلاس‌های هفتگی انجمن فن شعر می‌آموخت. در ضمن نسبت به احیای مجدد «انجمن ادبی آران» و «بیدگل» که سال‌ها به همت حجت الاسلام تشکر و دیگران اداره می‌شد و دچار وقفه گردیده بود، همت گماشت.

*منابع: **سخنوران نامی معاصر ایران، جلد پنجم**/* سید محمد باقر برقعی، ص. ۳۴۴۵ـ۳۴۴۶. «مرگ کارگر غزلسرا»، ادبستان، س. ۱، ش. ۳ (اسفند ۱۳۶۸)، ص. ۶۵

۲۸۲ مهدوی، مرتضی

مورخ، محقق، شاعر

تولد ۱۲۸۵.

درگذشت ۱۱ شهریور ۱۳۷۴، کرمانشاه.

مرتضی مهدوی مؤسس انجمن شاعران کرمانشاه بود.

از جمله آثار به جا مانده از وی، می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***تاریخ کرمانشاه؛ نهضت اسلامی در غرب ایران*** (نشریهٔ هیئت علمیهٔ کرمانشاه)؛ ***شرح احوال حکیم ابوالقاسم فردوسی؛ کجروی‌گری در پاسخ اهرمن*** (جلد اول، ۱۳۲۴).

منابع: «مؤسس انجمن ادبی شاعران کرمانشاه درگذشت»، ایران (۱۴ شهریور ۱۳۷۴). ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۱۵۴.

۲۸۳ میرعلایی، احمد

مترجم

تولد ۱۳۲۱، اصفهان.

درگذشت ۲ آبان ۱۳۷۴، اصفهان.

احمد میرعلایی، فرزند علی میرعلایی، در سال ۱۳۴۲ از دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه اصفهان در رشتهٔ زبان انگلیسی لیسانس و در سال ۱۳۴۶ از دانشگاه لیدز انگلستان فوق لیسانس گرفت. سپس به تدریس ادبیات انگلیسی و فارسی در دانشگاه‌های اصفهان، هنرهای دراماتیک، صنعتی اصفهان، هنر، آزاد و کراچی به صورت متناوب از ۱۳۴۶ پرداخت. از جمله مشاغل وی می‌توان به ویراستاری ادبیات انگلیسی در مؤسسهٔ انتشارات فرانکلین (۱۳۴۸ ـ ۱۳۵۱)، سردبیری «کتاب امروز»، «فرهنگ و زندگی»، «آیندگان ادبی» و «جُنگ اصفهان» (۱۳۴۶ ـ ۱۳۵۵) و سرپرستی خانهٔ فرهنگ ایران در دهلی‌نو (۱۳۵۵ ـ ۱۳۵۷) و کراچی (۱۳۵۷ ـ ۱۳۵۹) اشاره نمود.

احمد میرعلایی آثاری را به زبان فارسی ترجمه کرد. از آن جمله است: ***شیاطین*** (نمایشنامه، اثر جان وایتینگ، ۱۳۴۸)؛ ***ویرانه‌های مدور*** (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۴۹)؛ ***سنگ آفتاب*** (شعر، اثر اکتاویو پاز، ۱۳۵۰)؛ ***چیتی چیتی بنگ بنگ*** (کودکان، یان فلمینگ، ۱۳۵۰)؛ ***فارستر*** (نقد آثار؛ اثر مور، ۱۳۵۰)؛ ***الف و داستان‌های دیگر*** (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۵۱)؛ ***عرفان مولوی*** (اثر عبدالحکیم خلیفه، ترجمه با همکاری دکتر احمد محمدی، ۱۳۵۲)؛ ***اسب عالی*** (اثر جین مریل، ۱۳۵۲)؛ ***در بارهٔ ادبیات*** (اکتاویو پاز و دیگران، ۱۳۵۳)؛ ***هزار توها*** (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۵۵)؛ ***خدای عقرب*** (ویلیام گلدینگ، ۱۳۵۵)؛ ***ژان پل سارتر*** (اثر هانری پیر، ترجمه با همکاری ابوالحسن نجفی، ۱۳۵۵)؛ ***کنسول افتخاری*** (گراهام گرین، ۱۳۵۶)؛ ***طوق طلا*** (مجموعه داستان، اثر فارستر، ۱۳۵۶)؛ ***کودکان آب و گل*** (نقد ادبی، اثر اکتاویو پاز، ۱۳۶۱)؛ ***تمدن مجروح*** (وی. اس. نایپول، ۱۳۶۲)؛ ***کلاه کلمنتیس*** (میلان کوندرا، ۱۳۶۲)؛ ***از چشم غربی*** (جوزف کنراد، ۱۳۶۳)؛ ***عامل انسانی*** (گراهام گرین، ۱۳۶۵)؛ ***مرگ و پرگار*** (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۶۴)؛ ***باغ گذرگاه‌های هزار پیچ*** (خورخه لوئیس بورخس، ۱۳۶۸)؛ ***بیلی‌باد ملوان*** (هرمان ملویل، ۱۳۶۹). از وی همچنین ترجمهٔ مقالات، داستان‌ها، اشعاری در مجلات دیگری چون «سخن»، «نگین»، «الفبا»، «رودکی»، «کتاب جمعه»، «آدینه»، «دنیای سخن»، «گردون»، «کلک» و «لیتری ریویوو» چاپ شده است. آثار منتشر نشدهٔ وی به این شرح هستند: **ملکوت** (بهرام صادقی، ترجمه به انگلیسی)؛ **پشت شیشه، پشت مه** (علی خدایی، ترجمه به انگلیسی)؛ ***باران‌های عیش ما*** (رضا فرخفال، ترجمه به انگلیسی)؛ **ژوستین، جی.** (اثر

دارل لارنس)؛ ***بالتازار*** (اثر دارل لارنس)؛ **شور** (جانت وینترسون)؛ ***دیر راهبان*** (فرارا دوکاسترو)؛ ***حضورهای واقعی*** (جرج استانیر).

منابع: «به یاد احمد میرعلائی»، کلک، ش. ۶۸ـ۷۰ (آبان و دی ۱۳۷۴)، ص. ۴۰۸. گردون، ش. ۶ (۱۵ بهمن ۱۳۶۹). مترجم، س. ۲، ش. ۷ (پاییز ۱۳۷۱). جهان کتاب، س. ۱، ش. ۳ (نیمهٔ دوم آبان ۱۳۷۴)، ص. ۱۵.

۲۸۴ ناتل خانلری، پرویز

ادیب، مترجم، شاعر

تولد اسفند ۱۲۹۲، (نور) مازندران.[۱]

درگذشت ۱ شهریور ۱۳۶۹.

پرویز ناتل خانلری (وی کلمهٔ ناتل را به پیشنهاد نیما یوشیج، به نام خانوادگی‌اش افزود)، فرزند میرزا ابوالحسن‌خان، تحصیلات متوسطه را در مدرسهٔ دارالفنون و تحصیلات عالیه را در دانشسرای عالی و دانشگاه تهران به پایان رسانید. سپس به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و به تدریس ادبیات فارسی در دبیرستان‌های رشت و تهران پرداخت. پس از مدتی در دورهٔ دکترایِ ادبیات و همچنین به عنوان ریاست ادارهٔ انتشارات و روابط دانشگاه تهران برگزیده شد و در ضمن به ریاست دبیرخانهٔ دانشگاه تهران نیز منصوب شد. در سال ۱۳۲۲ از دانشگاه تهران درجهٔ دکترایِ زبان و ادبیات فارسی گرفت. رسالهٔ دکترایِ وی «تحقیق انتقادی در عروض فارسی» نام داشت. پس از این به سمت دانشیاری دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران انتخاب شد. دکتر خانلری در سال‌های ۱۳۲۴ ــ ۱۳۲۶ به فرانسه رفت و در مؤسسهٔ زبانشناسی پاریس به تحقیق و پژوهش پرداخت. سخنرانی دکتر خانلری در مدرسهٔ زبان‌های شرقی پاریس در بارهٔ حافظ در کتاب ***روح ایران*** چاپ و منتشر شد. زمانی که به ایران بازگشت، با سمت استادی دانشگاه به تدریس تاریخ و زبان فارسی به کار پرداخت و ضمن تدریس، به کار تألیف و ترجمه و نشر آثاری همت گماشت و چندی در مقام معاونت وزارت کشور و مدتی در سمت وزیر فرهنگ به خدمت مشغول گردید (در هیئت دولت اوّل اسدالله اعلم از تاریخ بیست و هشتم تیر ۱۳۴۱؛ در هیئت دولت دوّم اسدالله اعلم در تاریخ بیست و نهم بهمن ۱۳۴۱؛ در ترمیم بعدی هیئت دولت اعلم در تاریخ چهاردهم مهر ۱۳۴۲؛ این هیئت دولت تا روز هفدهم اسفند ۱۳۴۲ ادامه داشت)؛ و دو دوره نیز به عنوان سناتور انتصابی برگزیده شد. وی همچنین مدیر عامل سازمان پیکار با بی‌سوادی و رییس فرهنگستان ادب و هنر نیز بوده است.

دکتر خانلری از دوران تحصیل دبیرستان، همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد و در سال چهارم متوسطه بود که اشعار و نوشته‌هایش در مجلهٔ «مهر» انتشار می‌یافت و در سال دوم دانشکده با گروه ربعه (صادق هدایت، مجتبی مینوی، بزرگ علوی و مسعود فرزاد) آشنا گردید. دکتر خانلری از سال ۱۳۲۲ دست به انتشار مجلهٔ «سخن» زد. مجلهٔ ابتدا به نام دکتر ذبیح‌الله صفا بود، اما از شمارهٔ دوم، چون خانلری به سن سی سالگی رسیده بود، خودش توانست امتیاز مجلهٔ «سخن» را بگیرد و به نام خودش منتشر نماید. این مجله تا سال ۱۳۵۷ و در بیست و هفت مجلد چاپ گردید.

تأسیس بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۴۴ یکی دیگر از اقدامات وی بود که با همکاری عده‌ای از پژوهشگران آغاز به کار کرد و در مدت فعالیتش بیش از سیصد عنوان کتاب حاصل کار بنیاد بود که به‌وسیلهٔ انتشارات بنیاد چاپ و نشر گردید و چهل

۱. در دو کتاب *سخنوران نامی معاصر* و *شعر معاصر ایران* از بهار تا شهریار آمده است که وی در تهران متولد شد.

عنوان کتاب نیز زیر چاپ بود که با وقوع انقلاب اسلامی، این بنیاد با یازده مؤسسهٔ فرهنگی دیگر ادغام شد و مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی به‌وجود آمد.

اشعار خانلری که در واقع به شیوهٔ کلاسیک‌نو سروده است راه میانهٔ شعر کهن و شعر نو فارسی است. از جمله اشعار وی می‌توان به «عقاب» اشاره کرد که جایگاه خاصی در آثار منظوم دارد. ***دیوان اشعار خانلری*** نیز به چاپ رسیده است

آثار ترجمه شده وی به این شرح است: ***اعتراف*** (گی دوموپاسان)؛ ***تریستیان و ایزوت*** (ژوزف بدیه، ۱۳۳۴)؛ ***مست*** (گی دوموپاسان)؛ ***مطرب*** (هانری موردو)؛ ***معجزهٔ سرما و گرما*** (هانری موردو)؛ ***مکافات*** (فردریک بوتیه)؛ ***پدر*** (فرانسوا کوبه)؛ ***پدرکش*** (گی دوموپاسان)؛ ***دختر سلطان*** (پوشکین، ۱۳۰۹)؛ ***نوراهب*** (لونتوف)؛ ***چند نامه به شاعری جوان*** (راینر ماریا ریلکه، ۱۳۲۰)؛ ***بابک*** (ولتر به ضمیمهٔ سال چهارم «سخن» منتشر شده در سال ۱۳۳۳)؛ ***در یکی از شب‌های بهار*** (گی دوموپاسان)؛ ***دستمال*** (ژوزف مونته)؛ ***دو خانواده*** (مادام وی)؛ ***سفید و سیاه*** (ولتر)؛ ***سناخریب*** (فرانسوا کوبه)؛ ***شرم*** (فرانسوا کوبه)؛ ***طوفان*** (ویلیام شکسپیر)؛ ***قصر خیالی*** (شارل کوبون)؛ ***قلب هیالمار*** (لکنت دو لیل)؛ ***کریستن*** (لکنت دو لیل)؛ ***لیزیماک*** (منتسکیو)؛ ***شاهکارهای هنر ایران*** (آرتور ایهام پوپ، ۱۳۳۸). آثار تحقیقی و تألیفی خانلری به این شرح هستند: ***روانشناسی و تطبیق آن با اصول پرورش*** (۱۳۱۶، این کتاب با رعایت برنامه درسی برای دانشسراها نوشته شده است)؛ ***تحقیق انتقادی در عروض و قافیه و چگونگی تحول اوزان غزل*** (۱۳۲۷)؛ ***وزن شعر فارسی*** (۱۳۳۷)؛ ***مخارج الحروف یا اسباب حدوث الحروف*** از ابن سینا (۱۳۳۳)؛ ***غزل‌های خواجه حافظ شیرازی*** (۱۳۳۷)؛ ***ماه در مرداب*** (مجموعهٔ شعر، ۱۳۴۳)؛ ***چند نکته در تصحیح دیوان حافظ*** (۱۳۳۸)؛ ***سمک عیار*** (از فرامرز ارجانی، داستانی در ده جلد، ۱۳۳۸)؛ ***ترانه‌ها***، ***منتخب رباعیات شاعران مشهور*** (۱۳۴۳)؛ ***زبان‌شناسی و زبان فارسی*** (مجموعه مقالات، ۱۳۴۳)؛ ***فرهنگ و اجتماع*** (مجموعه مقالات، ۱۳۴۵)؛ ***شعر و هنر*** (مجموعه مقالات، ۱۳۴۸)؛ ***تاریخ زبان فارسی*** (در پنج مجلد، ۱۳۴۸)؛ ***دستور زبان فارسی*** (۱۳۵۱)؛ ***دستور تاریخی زبان فارسی*** (به کوشش عفت مستشارنیا)؛ ***فرهنگ تاریخی زبان فارسی*** (۱۳۵۷)؛ ***دیوان حافظ*** (۱۳۵۹)؛ ***داستان‌های بیدپای*** (ترجمهٔ محمد بن عبدالجبار بخاری با همکاری محمد روشن، ۱۳۶۱)؛ ***پیر چنگی*** (با مشارکت دکتر ذبیح‌الله صفا، ۱۳۳۴)؛ ***تاریخ هنر***؛ ***شهر سمک*** (۱۳۶۲)؛ ***هفتاد سخن*** (در دو مجلد، مجموعهٔ مقالات، ۱۳۶۸)؛ ***زبان‌شناسی و زبان فارسی*** (مجموعه مقالات، ۱۳۴۳). وی همچنین در مجموعهٔ شاهکارهای ادبیات فارسی آثاری را انتخاب و در تلخیص و تحشیه آنها نقش داشته است: از میان آنها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***یوسف و زلیخا*** از تفسیر تربت جام؛ ***رستم و سهراب*** از شاهنامه، سفرنامهٔ ناصرخسرو. از جمله فعالیت‌های وی برای تدوین کتب درسی، می‌توان این موارد را ذکر نمود: کتاب‌های ***تاریخ ایران*** (پیش از اسلام) در دو جلد و ***دستور زبان فارسی*** برای تدریس در مدارس از تألیفات سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ اوست.

منابع: سیر سخن، شامل شرح احوال معروف‌ترین نویسندگان و شاعران ایران/ احمد احدی، حسین رزمجو، ص. ۳۴۸ ــ ۳۴۹. *وزرای آموزش و پرورش ایران، وزرای معارف ایران/* احمد عبدالله‌پور، چاپ دوم، ص. ۲۰۱ ــ ۲۰۲. *چهره‌هایی از پیشروان هنر و ادبیات معاصر ایران/* فرهنگسرای نیاوران، ص. ۱۸ ــ ۱۹. *تذکرهٔ شعرای معاصر ایران/* سید عبدالحمید خلخالی، ص. ۱۵۴ ــ ۱۶۴. *دانشمندان و رجال مازندران/* اسمعیل مهجور، و به کوشش مهندس هدایت‌الله مهجور، ص. ۳۳ ــ ۳۴. *چهرهٔ مطبوعات معاصر/* غلامحسین صالحیار، ص. ۴۳. *سخنوران نامی*

معاصر ایران، جلد دوم/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۲۵۴ـ۱۲۵۷. *دیدار با شاعران (شامل شرح حال و اشعار برگزیدهٔ چهل تن از شاعران معاصر ایران)*/ تهیه و تنظیم علی اکبر دلفی، ص. ۱۱۲ـ۱۱۴. *چشمهٔ روشن، دیداری با شاعران*/ غلامحسین یوسفی، چاپ سوم، ص. ۶۷۶ـ۶۸۹. *سیمای شاعران*/ حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۱۱۰. *ادبیات دورهٔ بیداری معاصر*/ محمد استعلامی، ص. ۳۷۸. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*/ خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۱۶۷ـ۱۷۰. *شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد دوم*/ حسنعلی محمدی، ص. ۴۶۲ـ۴۶۹.

۲۸۵ ناصح، محمد علی

ادیب، شاعر

تولد ۱۲۷۸ (۱۰ ذی‌القعده ۱۳۱۶ ق.)، تهران.

درگذشت ۱۸ تیر ۱۳۶۵، تهران.

محمد علی ناصح متخلص به «ناصح»، فرزند محمد صادق تاجر اصفهانی، تحصیلات خود را در مدارس جدید فرا گرفت. سپس به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و منطق و فقه و اصول و دوره‌ای از حکمت را نزد استادان مانند سید منصور و محمد حسین وحید دستگردی مدیر مجلهٔ «ارمغان» و رضا نایینی و حبیب‌الله مظفری و آیت‌الله ابوالحسن شعرانی آموخت و با دو زبان فرانسوی و عربی آشنایی پیدا کرد. در سال ۱۳۰۰ وارد خدمت وزارت فرهنگ شد و سال‌ها به‌سمت دبیر دبیرستان‌های تهران به تدریس اشتغال داشت تا بازنشسته شد. ناصح از سال ۱۲۹۷ که «انجمن ادبی ایران» به همت وحید دستگردی در تهران تأسیس و تشکیل یافت از اعضای آن بود. انجمن مزبور سال‌ها در منزل محمد هاشم میرزا افسر سبزواری و به ریاست او تشکیل می‌شد. پس از مرگ افسر این انجمن به منزل ناصح انتقال یافت و تا پایان عمر او همچنان دایر بود. فهرست آثار وی به شرح زیر است: ترجمهٔ ***سیره جلالی*** (تألیف ذوالبیانین نورالدین محمد زیدری نسوی صاحب ***نفثة‌المصدور*** و منشی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه، تهران، ۱۳۲۴)؛ تصحیح و چاپ ***دیوان ادیب صابر ترمذی*** (تهران، ۱۳۳۴)؛ تصحیح و چاپ ***دیوان ابوالفرج رونی***؛ ***رساله در شرح حال صاحب بن عباد***؛ ***شرح بوستان شیخ اجل سعدی شیرازی*** (به نثر، تهران، ۱۳۵۴)؛ ***شرح حال خاقانی شروانی***؛ ترجمه ***رسالهٔ اندرز ابن سعید*** (۱۳۱۴). بخشی از ***دیوان اشعار***ش در سال ۱۳۴۴ با مقدمهٔ خلیل خطیب رهبر چاپ و منتشر شده است.

منابع: فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۵۴۵. «محمد علی ناصح»، آینده، س. ۱۲، ص. ۸۲۳. *تذکرهٔ شعرای معاصر ایران*/ سید عبدالحمید خلخالی، ص. ۳۷۵. *سیمای شاعران*/ حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۳۸۰. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*/ خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۴۲۷ـ۴۲۸. *گلزار جاویدان، مجلد سوم*/ محمود هدایت، ص. ۱۲۸۳.

۲۸۶ ناطق، ناصح

شاعر، محقق، مترجم

تولد ۱۲۸۴، تبریز.

درگذشت ۲۵ مهر ۱۳۶۴، تهران.

ناصح ناطق فرزند جواد (از آزادیخواهان تبریز در دورهٔ مشروطیت) تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز به پایان رسانید. سپس به عزم ادامهٔ تحصیل در خارج از کشور، در امتحانات اعزام دانشجو به اروپا شرکت کرد، پذیرفته شد و به فرانسه رفت و در آنجا به اخذ درجهٔ مهندسی در رشتهٔ راه و ساختمان نائل آمد. پس از بازگشت به ایران مدتی در وزارت راه خدمت کرد و متجاوز از هشت سال مدیریت کل

ساختمان راه‌آهن و یک چند نیز عضو شورای عالی سازمان برنامه و بودجه بود. وی از اعضای مؤسس شرکت مؤلفان و مترجمان ایران بود و از سال ۱۳۵۶ تا پایان عمر ریاست هیئت مدیرهٔ شرکت را بر عهده داشت. وی در زمینهٔ زبان فارسی و معادل‌یابی برای واژه‌های فنی و علمی فعالیت بسیار داشت و در این راه با غلامحسین مصاحب و دیگران همکاری داشت. وی یکی از مؤسسین جمعیت آذربایجان بود.

ناصح ناطق پس از شهریور ۱۳۲۰ به همراه گروهی از ایرانی‌ها، به عنوان دوستدار آلمان‌ها به زندان متفقین گرفتار شد و مدت‌ها در اراک زندانی بود.

فهرست آثار وی به شرح زیر است: ***بحثی دربارهٔ زندگی مانی و پیام او*** (تهران، ۱۳۵۷)؛ ترجمهٔ کتاب ***آدمک حصیری*** (اثر آناتول فرانس، ۱۳۵۱)؛ ترجمهٔ بخش اوّل جلد چهارم ***تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر*** (۱۳۵۳)؛ «دربارهٔ زبان آذربایجان» (بخشی از کتاب ***مجموعه سخنرانی‌های کانون فرهنگی ایران جوان***، ۱۳۵۱)؛ ترجمهٔ نمایشنامهٔ ***آنژلیکا***؛ ترجمهٔ ***جنایت سیلوستربونارد*** (آناتول فرانس، ۱۳۲۷)؛ ترجمهٔ ***دختر کلمانتین*** (آناتول فرانس، ۱۳۳۰)؛ ***شاهزاده خانم بابل*** (ولتر، ۱۳۳۹)؛ ***زبان آذربایجان و وحدت ملی ایران*** (تهران، ۱۳۵۸)؛ ***ایران از نگاه گوبینو***. مقالاتی از وی در مجلات و روزنامه‌های مختلف و از جمله در «راهنمای کتاب» و «یغما» به چاپ رسیده است.

*منابع: **فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز**/* عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۵۵۱ـ۵۵۲. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/* خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۴۹۷ـ۴۹۸. افشار، ایرج، «ناصح ناطق»، آینده، س. ۱۱، ص. ۷۲۸ـ۷۳۲. افشار، ایرج، «سالگرد درگذشت ناطق»، آینده، س. ۱۲، ص. ۴۷۵. ***زندگینامهٔ برندگان جایزهٔ نوبل ادبیات**/* مریم آقا شیخ محمد و سعید نوری نشاط، بخش کتابشناسی فارسی. ***کتابشناسی آذربایجان**/* ناهید حبیبی آزاد (برای آن دسته از آثارش در بارهٔ آذربایجان).

نبهی، عبدالرحیم ۲۸۷

شاعر، مدرس

تولد ۱۲۹۳، کرمان.

درگذشت ۱۳۷۳.

عبدالرحیم نبهی، فرزند حسین، متخلص به «ثابت کرمانی»، در کرمان در محلهٔ مسجد ملک دیده به جهان گشود. پس از تکمیل دورهٔ ابتدایی و متوسطه در موطن خود در محضر پدر و طی آموزشهایی در مکتب به تهران آمد و تحصیلات خود را ادامه داد و در رشتهٔ فلسفه و علوم تربیتی از دانشسرای عالی به اخذ لیسانس موفق شد. در سال ۱۳۱۰ به وزارت فرهنگ داخل شد و عهده‌دار مشاغل زیر گردید: آموزگار، ناظم دبیرستان، مدیر دبستان، ناظم و رییس دبیرستان، رییس بخش فرهنگی در تهران، دبیر دبیرستان‌ها. وی سرانجام موفق به اخذ درجهٔ دکتری گردید و در دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران تدریس می‌نمود. از آثار اوست: ***علم اخلاق*** (۱۳۳۰، این کتاب مکرر به چاپ رسیده است). برخی از اشعار وی در کتاب ***ستارگان کرمان*** آمده است.

*منابع: **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/* خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۸۳۰ـ۸۳۱ (به نقل از سالنامهٔ دبیرستان علمیه سال تحصیلی ۱۳۳۴ـ۱۳۳۵، ص. ۷۹). ***ستارگان کرمان***، ص. ۱۴۲.

نجاتی، محمد علی ۲۸۸

مترجم، شاعر

تولد ۱۲۸۱.

درگذشت ۶ آذر ۱۳۷۳.

محمد علی نجاتی از اوان نوجوانی به عضویت انجمن‌های ادبی ایران و حکیم نظامی به سرپرستی وحید دستگردی در آمد. وی مدتی مدیریت مجلهٔ ادبی «ارمغان» را به عهده گرفت. بعدها که به خدمت ارتش در آمد، مدت ده سال سردبیری مجلهٔ «ژاندارمری» را بر عهده داشت. آثار ادبی نجاتی اعم از شعر و مقاله در اغلب مجلات ادبی از جمله «یغما»، «ارمغان» و «گوهر» منتشر شده است. نجاتی در طنز نیز آثار منظومی دارد و غیر از مقالات و تحقیقات ادبی، کتاب ***عجایب المقدور فی اخبار تیمور*** اثر شرفشاه توسط وی ترجمه شده است. شایان ذکر است که این کتاب به عنوان بهترین کتاب سال نیز شناخته شده است.

منبع: «محمد علی نجاتی شاعر و مترجم معاصر درگذشت»، کلک، ش. ۵۶ ـ ۵۷ (مهر و آبان ۱۳۷۳)، ص. ۴۱۰.

نعمت‌اللهی، احمد ۲۸۹

شاعر

تولد ۱۲۸۵، قم.

درگذشت آبان ۱۳۷۱.

احمد نعمت‌اللهی، متخلص به «شهره»، فرزند علی اکبر، علوم جدید و قدیم را در زادگاه خود فرا گرفت؛ از جوانی به مطالعه و تحقیق در بارهٔ طریقت‌ها و مذاهب مختلف پرداخت و در هر طریقتی داخل شد و با رسم و راه و افکارشان آشنایی یافت و در بیست سالگی نتیجهٔ مطالعات خود را در این زمینه به رشتهٔ تحریر کشید و آن را به نام ***اندرزنامه*** موسوم ساخت که طبع و نشر نشده است.

احمد نعمت‌اللهی شاعری است واقع‌گرا که در سال ۱۳۲۲ مجموعه‌ای از اشعار اجتماعی خود را به نام ***نسرین و آزاد یا نمونه‌ای از مبارزهٔ کارگران و دهقانان*** (قم، ۱۳۲۳) انتشار داد و بعد مجموعهٔ دیگری به نام ***عالم انتقام*** (قم، ۱۳۲۳) از او به چاپ رسید و آخرین اثر منظومی که از او طبع و نشر شد ***اندیشه‌های من یا دامنه‌های خیال*** نام دارد. وی حافظ ***قرآن*** مجید بود.

وی در جوانی به استخدام وزارت پست و تلگراف درآمد و سال‌ها در قم به خدمت پرداخت و سرانجام بازنشسته شد و اوقات خود را بیشتر به مطالعه می‌گذرانید. احمد نعمت‌اللهی سرانجام در آبان ۱۳۷۱ درگذشت.

منابع: *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم* / سید محمد باقر برقعی، ص. ۲۰۹۶. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد اول، ص. ۴۸۸.

نیستانی، منوچهر ۲۹۰

شاعر، نویسنده

تولد ۱۳۱۵، کرمان.

درگذشت ۲۷ اسفند ۱۳۶۰.

منوچهر نیستانی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در کرمان به تدریس مشغول شد؛ بعدها در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به کار پرداخت. وی صفحهٔ کودکان در مجلهٔ «امید ایران» با عنوان "بچه‌های امروز" و با امضای مستعار «بهمنش» در سال‌های ۱۳۳۵ یا ۱۳۳۶ می‌نوشت. در سال ۱۳۵۷ بازنشسته شد و سرانجام در اسفند سال ۱۳۶۰ زندگی را به‌درود گفت. فهرست آثار وی به شرح زیر است: ***جوانه*** (مجموعه شعر، ۱۳۳۳)؛ ***خراب*** (مجموعه شعر، ۱۳۳۷)؛ ***خارستان*** (از ادیب قاسمی کرمانی، ۱۳۳۷)؛ ***روانشناسی و دشواری‌های تربیتی*** (تألیف دو نفر بانوی آمریکایی، ۱۳۳۷)؛ ***گل اومد بهار اومد*** (برای کودکان، ۱۳۴۷)؛ ***دیروز، خط***

فاصله (مجموعه شعر، ۱۳۵۰).

منابع: فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۵۸۷. *یادنامهٔ موج (خلیل سامانی)/* به کوشش سپیدهٔ سامانی، چاپ اوّل، ص. ۲۴۶. *کتابشناسی نگارگری ایران/* محمد گلبن، ص. ۸. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/* خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۳۲۱. «منوچهر نیستانی»، آینده، س. ۸، ص. ۲۸۳.

واعظ یزدی، عبدالله ۲۹۱

شاعر، محقق

تولد ۱۲۸۷، مهرجرد یزد.

درگذشت ۱۳۷۰.

عبدالله واعظ یزدی متخلص به «شهودی»، فرزند غلامرضا از وعاظ و گویندگان، بود. او عمر خود را در تحصیل علوم اهل بیت (ع) و تبلیغ معارف اسلام صرف کرد. تألیفاتش عبارتند از: ***رساله‌ای در منطق به فارسی***؛ رساله‌ای در رد فلاسفه و صوفیه که دو جلد آن به نام ***معارف القرآن*** به چاپ رسید؛ ***رساله‌ای در مطالب متفرقه***؛ و اشعاری که تمام آنها خطی و به چاپ نرسیده است.

منبع: تذکرهٔ شعرای یزد/ عباس فتوحی یزدی، چاپ دوم، ص. ۳۶۲.

وحیدزاده، محمود ۲۹۲

شاعر

تولد ۱۲۸۸، قریهٔ (دستگرد) اصفهان.(۱)

درگذشت ۸ اردیبهشت ۱۳۵۸، تهران.

محمود وحیدزاده متخلص به «نسیم دستگردی»، فرزند محمدحسین وحید دستگردی مؤسس مجلهٔ ادبی «ارمغان» از شاعران معاصر، بود. تحصیلات ابتدایی را در دستگرد و اصفهان و دورهٔ متوسطه را در تهران به پایان رسانید. سپس در دارالمعلمین مرکزی (دانشسرای عالی) در رشتهٔ فلسفه و ادبیات به اخذ لیسانس توفیق یافت و به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و در دبیرستان‌های تهران و دانشکدهٔ افسری به تدریس پرداخت. به علاوه از محضر پدر نیز بهره‌ها جست و در انجمن ادبی ایران و حکیم نظامی که به همت پدرش تأسیس شده بود از محضر دیگر استادان شعر و ادب پارسی استفاده کرد. از جمله فعالیت‌های وی ادامهٔ انتشار مجلهٔ ادبی «ارمغان» بعد از فوت وحید دستگردی است که از سال ۱۳۲۱ تا پایان سال ۱۳۵۷ به همت وی انجام گرفت و بیست و پنج دوره بر بیست و دو دوره گذشتهٔ «ارمغان» افزوده شد. وی انجمن ادبی حکیم نظامی را نیز در منزل خویش برقرار داشت.

از تألیفات وی می‌توان از تصحیح ***دیوان محمودخان صبا*** (ملک‌الشعرای کاشانی)؛ ***سرگذشت منظوم اردشیر بابکان***؛ ***کلیات دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی*** نام برد.

پیکر وحیدزاده در ضلع شمالی امامزاده عبدالله در شهر ری در جوار قبر پدرش به خاک سپرده شد.

منابع: فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۵۶۰. *چهرهٔ مطبوعات معاصر/* غلامحسین صالحیار، ص. ۴۶.

ورزی، ابوالحسن ۲۹۳

شاعر

تولد دی ۱۲۹۳، تهران.

درگذشت مهر ۱۳۶۸، تهران.

---

۱. در *چهره مطبوعات معاصر* تاریخ تولد وی ۱۲۸۵ ذکر شده است.

ابوالحسن ورزی، فرزند حسین فلاح‌زاده، تا پنجم ابتدایی در دبستان‌های شرف مظفری و ادب درس خواند ولی سال ششم ابتدایی را در گرگان و دورهٔ اوّل دبیرستان را در شهرستان ساری و دورهٔ دوم دبیرستان را در مدرسهٔ امیرکبیر (دارالفنون) به پایان رساند. وی فارغ‌التحصیل رشتهٔ حقوق قضایی از دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۵ بود. پس از گذراندن دورهٔ افسری وظیفه که محل مأموریتش در شیراز بود، مجدداً از طرف وزارت دادگستری با سمت دادیاری دادسرای شهرستان شیراز به آن شهر بازگشت. از زمانی که مشغول تحصیل در دارالفنون بود، گذشته از برنامهٔ روزانه، مقدمات زبان عربی و صرف و نحو و منطق و فلسفه را در خارج نزد یکی از اساتید زمان یعنی شیخ ضیاءالدین دری اصفهانی و مدرسان دیگر فراگرفت. هنگام تحصیل در دانشکدهٔ حقوق به منظور فراگرفتن ادبیات عرب و حکمت شرق در دانشکدهٔ معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم نام‌نویسی کرد و در خارج از محیط دانشکده هم به تحصیل پرداخت. در شیراز هم جامع المقدمات و مغنی و مطول تفتازانی و شرح منظومهٔ سبزواری و مقداری از اسفار اربعه را نزد میرزا علی حکیم ادامه داد. اشتغال در دادگستری با روحیه‌اش سازگار نبود و به همین دلیل از این شغل استعفا نمود و به تهران بازگشت. در تهران وی را دعوت به همکاری در نخست وزیری کردند که در آنجا مشغول به کار شد (در سمت بازرس نخست‌وزیر) و پس از چندی مشاغل زیر را عهده‌دار گردید: رییس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت فلاحتی خراسان؛ مدیرکل مالی شهرداری تهران؛ رییس هیئت مدیره شرکت چای گیلان؛ عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان دکتر محمد مصدق؛ عضو هیئت مدیره شرکت فرش ایران؛ بازرس سازمان بازرسی کل کشور در وزارت دادگستری. از آن پس بنا به تقاضای خودش بازنشسته شد.

از کودکی با تار و ویلون و سه تار آشنا شد و اساتیدی چون موسی و مرتضی نی‌داود به وی تعلیم دادند. گفتن شعر را از سن یازده سالگی شروع کرد و هدایت و تشویق پدرش موجب پیشرفت وی در شعر شد. از سال ۱۳۱۵ در انجمن‌های ادبی رفت و آمد می‌کرد. در یکی از جلسات ادبی با فصیح‌الزمان رضوانی، شاعر شیرازی، آشنا شد و او تخلص «طالع» را برایش انتخاب نمود ولی او هیچ‌وقت خود را مقید به قید تخلص نکرد. نخستین مجموعهٔ غزلیات او در سال ۱۳۵۸ به نام ***سخن عشق*** منتشر گردید. گذشته از غزل در انواع شعر فارسی از قبیل قصیده، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مخمس، مسدس، مثنوی، رباعی و دوبیتی طبع‌آزمایی نمود. از وی منظومه‌های عشقی و عرفانی و اجتماعی و حماسی و وطنی و مذهبی (در مدح و رثای) ائمه اطهار (ع) به جا مانده است. ***صدای آشنا*** و ***ترانه‌های درد*** دو نمونه از منظومه‌های یاد شده است (این دو منظومه در یک کتاب در سال ۱۳۶۸ منتشر شد). کتاب دیگر او ***پرتو راز*** نام دارد که در مورد زندگانی پیامبر اسلام است که به اتفاق غلامحسین جواهری وجدی سروده شده است.

آثاری که از وی ترجمه شده از این قرار است: دو کتاب از آندره موروآ به‌نام‌های: ***بررسی‌های ادبی*** و ***هفت صورت عشق*** و کتاب دیگری به نام ***نغمه‌پرداز نامرد*** (اثر فئودر داستایوسکی) که در روزنامهٔ «ایران ما» به چاپ رسید.

منابع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد سوم/ حبیب‌الله نصیری‌فر، چاپ سوم ص. ۵۲۷ ـ ۵۵۷. چهره‌های آشنا، شامل شرح حال و آثار چهل تن از هنرمندان برجستهٔ ایران از شش شعبهٔ هنرهای مستظرفه/ جلال میزبان، جلد اوّل، ص. ۶۴. دیدار با شاعران (شامل شرح

حال و اشعار برگزیدهٔ چهل تن از شاعران معاصر ایران) / علی اکبر دلفی، ص. ۲۷۰ــ ۲۷۴. ***چشمهٔ روشن، دیداری با شاعران*** / دکتر غلامحسین یوسفی، چاپ سوم، ص. ۶۹۰ــ ۷۰۱. ***خلوت انس*** / مشفق کاشانی (عباس کی‌منش)، ص. ۴۴۸. ***سیمای شاعران*** / حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۳۹۸. ***صدای آشنا و ترانه‌های درد*** / ابوالحسن ورزی، مقدمه (ص. ۵ــ ۱۵). ***شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد دوم*** / حسنعلی محمدی، ص. ۴۹۲ــ ۴۹۵.

۲۹۴ وزین‌پور، نادر

ادیب

تولد ۱۱ فروردین ۱۳۰۵.

درگذشت ۲۶ خرداد ۱۳۷۵.

نادر وزین‌پور در جوانی با چاپ مقاله‌های ادبی در نشریات آن زمان به عرصهٔ فرهنگ وارد شد. نخستین کتاب وی ***سایهٔ امید*** مجموعه‌ای از داستان است که در سال ۱۳۳۲ منتشر شد. پس از اخذ لیسانس برای شرکت در دورهٔ آموزش زبان انگلیسی به آمریکا سفر کرد و گواهی تدریس زبان انگلیسی را از مراجع علمی آمریکا دریافت کرد. وی موفق شد که در سال ۱۳۴۵ دکترایِ خود را از دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران اخذ نماید. پایان‌نامهٔ دکترایِ وی «بررسی صرف افعال در زبان ترکی و مقایسه با افعال فارسی نام داشت.

ترجمهٔ کتاب ***انفجار جمعیت*** از جمله آثاری است که ایشان به فارسی برگردانده‌اند. دکتر وزین‌پور مدتی در مدیریت گروه ادبی دانشگاه تربیت مدرس به خدمت مشغول بود. دو کتاب ***برگزیدهٔ قصاید حکیم ناصر خسرو قبادیانی*** و ***شرح یوسف و زلیخای هفت اورنگ جامی*** را در مجموعه شاهکارهای ادبی فارسی منتشر کرد. در سال ۱۳۵۶ کتاب ***دستور زبان فارسی*** را برای دانشجویان تألیف نمود. از آثار دیگر ایشان می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد: ***آفتاب معنوی*** (گزیده چهل داستان از مثنوی)؛ ***بر سمند سخن؛ مدح، داغ ننگ بر سیمای ادب فارسی***؛ ***برگزیده و شرح ناصرخسرو***؛ ***سفرنامهٔ ناصر خسرو*** (۱۳۵۰)؛ ***عشق‌های نافرجام*** (توضیح و تفسیر منظومه‌های عاشقانهٔ کهن ادب فارسی مانند لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد و ... که ناتمام مانده است)؛ ***ساختمان فعل در زبان ترکی از دیدگاه زبانشناسی*** (۱۳۴۸)؛ مقاله‌هایی نیز از وی در مجله‌های ادبی در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۶۰ منتشر شده است.

منابع : داودی، سیمین‌دخت، «به یاد استاد نادر وزین‌پور»، کلک، ش. ۷۶ــ ۷۹ (تیر و مرداد ۱۳۷۵)، ص. ۸۰۶ــ ۸۰۷. ***کتابشناسی آذربایجان*** / ناهید حبیبی آزاد.

۲۹۵ وصال شیرازی، عبدالوهاب

ادیب، محقق، شاعر

تولد ۱۳۰۲، شیراز.

درگذشت ۲۳ دی ۱۳۷۳.

عبدالوهاب وصال شیرازی متخلص به «نورانی»، فرزند میرزا علی وصال متخلص به «روحانی» فرزند میرزا عبدالوهاب متخلص به «یزدانی» فرزند میرزا محمد شفیع متخلص به «وصال» شاعر دورهٔ قاجار، بود. از دوران کودکی در مکتب پدر خود بیش از آنچه در مدرسه می‌توان آموخت و اصول علم و ادب را فرا گرفت؛ تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شیراز به پایان رسانید و برای ادامهٔ تحصیل به تهران رفت و با ورود به دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۳ و طی مراحل مختلف، موفق به اخذ دکترایِ زبان و ادبیات فارسی از دانشکدهٔ ادبیات شد. موضوع رسالهٔ دکترایِ وی «طرز شعر در نیمهٔ اوّل قرن دهم» بود. از سال ۱۳۳۵ مدت سی سال در بخش زبان و ادبیات

فارسی دانشگاه شیراز به تدریس پرداخت و از همین مرکز علمی با درجهٔ استادی بازنشسته شد و از این پس دوره‌های فوق‌لیسانس و دکترایِ زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها به تدریس پرداخت. از جمله کارهای ادبی وی تصحیح و تحشیهٔ او بر متون کلاسیک است که از میان آنها باید از: تصحیح ***مصیبت‌نامهٔ*** عطار (۱۳۳۸)؛ ***هزار مزار*** (۱۳۶۴، کتاب ***ملتمس‌الاحیاء*** معروف به ***هزار مزار*** تألیف عیسی بن جنید که ترجمهٔ ***شدالازار*** است)؛ ***فوائدالسلوک*** (همراه با دکتر جلالی نایینی) نام برد. از وی همچنین دیوان شعری به یادگار مانده است.

وی بیش از سی سال عضو پیوستهٔ انجمن ادب فارس بود و از اوایل تشکیل «کانون دانش پارس» به‌عضویت آن در آمد و در جلسه‌های آن شرکت مستمر داشت.

منابع : انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز) / حسن امداد، ص. ۴۱۸ ــ ۴۱۹. روزگار وصل، س. ۲ و ۳، ش. ۱۵، ص. ۶۲. ***تذکرهٔ شعرای معاصر ایران، جلد دوّم*** / سید عبدالحمید خلخالی، چاپ اوّل، ص. ۳۸۶ ــ ۳۸۷. ***دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، جلد چهارم، از موقر بوشهری تا یوسفی شیرازی*** / محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت»، ص. ۷۳۷. ***گلزار جاویدان، جلد اول*** / محمود هدایت، ص. ۵۰۹ ــ ۵۱۰.

وکیل، محمد صالح ۲۹۶

شاعر

تولد ۱۳۰۷ ش، سنندج.

درگذشت اوایل تیر ۱۳۶۱

محمدصالح وکیل متخلص به «صالح» فرزند محمدخان وکیل‌الملک در سنندج تحصیلات ابتدایی و متوسطه را به پایان رسانید و در سال ۱۳۲۸ به تهران رفت و در دانشکده‌های ادبیات و حقوق به تحصیلات عالیه پرداخت و در ۱۳۳۱ موفق به اخذ لیسانس شد. وکیل از آغاز جوانی شعر گفتن آغاز کرد و نخستین سروده‌هایش که ترجمه‌ای بوده است از فرانسوی به فارسی در مجلهٔ «گل‌های رنگارنگ» به چاپ رسید. به سال ۱۳۳۲ وارد خدمت دولتی شد و تدریس ادبیات فارسی و تعلیمات دینی را در دبیرستان‌های کرمانشاه به عهده گرفت و در سال ۱۳۳۵ به سنندج انتقال یافت و از آن تاریخ تا اواخر حیات در دبیرستان‌های این شهر خدمات فرهنگی و ادبی خود را ادامه داد. دیوان اشعارش به نام ***شکوفه‌های جاودان*** چاپ نشده است. چند اثر دیگر از او به جا مانده است از جمله: ***از رودکی تا بهار***؛ ***تاریخ هندوستان از قرن هجدهم تا آغاز استقلال آن*** (۱۳۵۲)؛ ***سیری در تاریخ فلسفه و فرهنگ*** (۱۳۵۳)؛ ***رساله‌ای دربارهٔ دستور زبان فارسی***.

منبع : سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم / سید محمد باقر برقعی، ص. ۲۲۲۲.

وکیلی، عبدالحسین ۲۹۷

شاعر

تولد ۱۲۸۵، قم.

درگذشت ۱۳۶۵، قم.

عبدالحسین وکیلی متخلص به «آهی»، فرزند محمدتقی، از آنجا که در کودکی علاقه‌ای به تحصیل نداشت، برای کار راهی بازار شد ولی برادرش وی را با ضرب و شتم نزد میرزا احمد صفایی برد و پس از چندی به مدرسهٔ جهانگیرخان روانه کرد؛ پس از رنج بسیار، سرانجام به درس علاقه‌مند شد و پس از اتمام دورهٔ سطح به درس خارج قدم گذاشت و اساتید وی در این دوره آیت‌الله حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله شریعتمداری

بودند.

وکیلی در سرودن شعر فارسی و عربی مهارت داشت و آثاری از خود به جا گذاشت که تمامی آنها منظوم است، از جمله یک دوره مختصر فقه به نام ***لئالی‌الفقهاء***، ***لوح القلم*** و ***تخمیص الکواکب الدریه فی مدح خیرالبریه*** که به چاپ رسیده‌اند، اما دیوان اشعارش متجاوز از یک هزار و پانصد بیت در مدایح و مراثی اهل بیت (ع) است که به چاپ نرسیده است.

عبدالحسین وکیلی در سال ۱۳۶۵ درگذشت و در صحن حضرت علی بن جعفر (ع) در قم به خاک سپرده شد.

منبع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد اوّل/ سید محمد باقر برقعی، ص ۱۲۷ ـ ۱۲۶.

۲۹۸ هدایت، محمود

شاعر، نقاش

تولد ۱۸ اردیبهشت ۱۲۷۶ (۴ ذی‌الحجه ۱۳۱۴ ق.)، تهران.

درگذشت ۱۳۶۸.

محمود هدایت، فرزند هدایت‌قلی‌خان هدایت اعتضاد الملک، تحصیلات ابتدایی و متوسطه و عالیه را در مدارس علمیه و دارالفنون و دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران به پایان رساند و چون از جوانی به تحصیل علوم ادبیه و فنون نقاشی و موسیقی رغبت داشت، نزد کمال‌الملک آموختن رموز نقاشی را آغاز کرد. پس از پایان دوران تحصیل، در سال ۱۳۰۲، وارد وزارت دادگستری شد. در طول پنجاه سال خدمت جز چند سالی که در خارج از دادگستری به ریاست شعبهٔ دوم دیوان دادرسی دارایی و فرمانداری تبریز و دو بار معاونت نخست‌وزیر سپری گردید، بقیه به مترجمی و دادیاری دادسرای تهران و بازپرسی و مستشاری شعبهٔ اول استیناف تهران و مدیریت کل ثبت و ریاست ادارات بازرسی و دفتر وزارتی و دادیاری و مستشاری دیوان عالی کشور و ریاست شعبهٔ پنجم دیوان مزبور و ریاست دادگاه عالی تجدیدنظر انتظامی قضات مصروف شد. در آبان ۱۳۳۴ نیز یک قطعه نشان تاج و در نوزدهم آذر ۱۳۴۸ یک قطعه نشان درجه اوّل حقوق بشر و در ختم دوران خدمت که ۱۳۵۱ است یک قطعه نشان درجه اول عدالت دریافت کرد. ضمناً در سال ۱۳۳۱ نیز به دعوت سازمان ملل متحد چند ماهی در نخست وزیری و شورای دولتی کشور فرانسه به کارآموزی پرداخت.

آثار ترجمه وی به این شرح هستند: ***مهاجرت‌های خارجی و علل و آثار آن در ایران*** (۱۳۶۵)؛ ***مسافرت به ایران به‌معیت سفیر کبیر روسیه*** (موریس فون دوکوتزبوئه؛ ۱۳۴۸)؛ ***مسافرت به ارمنستان و ایران*** (پی‌یر آمده امیلین پروب‌ژوبر، منشی السنهٔ شرقی ناپلئون بناپارت)؛ ***سفرنامهٔ عبدالکریم در رکاب نادرشاه***؛ ***کلیات راجع به تاریخ سیاسی اروپا*** (ارنست لاویس)؛ ***مردم‌گریز*** (مولیر)؛ ***شاهنامهٔ ثعالبی نیشابوری*** (ترجمه از عربی)؛ ***گلزار جاویدان*** (سه جلد، مشتمل بر اشعار و شرح حال شش هزار شاعر پارسی‌گوی از ایرانی و غیرایرانی، ۱۳۵۳)؛ دو رساله مختصر در بارهٔ «حقوق اساسی» و «اصول محاکمات حقوقی» و چند منظومهٔ به‌نام ***آب حیات*** و ***درفش ایران*** و ***حقایق عریان*** از اشعار اوست.

منابع: گلزار جاویدان، مجلد سوم/ ص ۱۷۸۰ ـ ۱۷۸۲. «محمود هدایت»، آینده، س ۱۶، ص ۶۰۲.

۲۹۹ هراتی، سلمان

شاعر

تولد پاییز ۱۳۳۸، مرزدشت تنکابن.

درگذشت ۱۲ آبان ۱۳۶۵، جاده تنکابن به لنگرود.

سلمان هراتی در چهار ماهگی مادرش و در دو سالگی پدرش را از دست داد. برای اینکه درس بخواند، در مغازه‌ای شاگردی می‌کرد. در دانشسرای راهنمایی تحصیلی پذیرفته شد و پس از دو سال تحصیل در رشتهٔ هنر فوق دیپلم گرفت. از سال ۱۳۶۲ معلم روستاهای گیلان (لنگرود) بود.

از سال ۱۳۵۲ سرودن شعر را آغاز نمود. وی به شیوهٔ نیمایی و گاه به سبک سپهری شعر می‌سرود؛ از وی غزل‌هایی نیز به یادگار مانده است. از جمله آثارش است: ***از آسمان سبز*** (۱۳۶۴)؛ ***دری به خانهٔ خورشید*** (۱۳۶۸)؛ ***از این ستاره تا آن ستاره*** (مجموعه شعر ویژهٔ نوجوانان، ۱۳۶۷).

در سال ۱۳۶۷ از طرف مجتمع هنر و ادبیات دفاع مقدس به‌عنوان برگزیده شعر انتخاب شد و برندهٔ لوح دست‌خط زرین حضرت امام (ره)، دیپلم افتخار و سکهٔ یادبود مجتمع اعلام گردید.

سلمان هراتی در دوازدهم آبان ۱۳۶۵ در یک سانحهٔ رانندگی در جادهٔ تنکابن به لنگرود درگذشت.

منابع: یادهای سبز (یادی از شاعران سفر کرده: مهرداد اوستا، سپیدهٔ کاشانی، سلمان هراتی، احمد زارعی، آرش باران‌پور، رخشا و بندی سیرجانی)/ علیرضا قزوه، ص. ۴۵ـ۶۴. فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت/ محمد باقر نجف‌زاده بارفروش، «م. روجا»، ص. ۳۳۱. شاعران مازندران از آغاز تا امروز/ محمد باقر نجف‌زاده بارفروش، «م. روجا»، ذیل نام سلمان هراتی. آثار آل قلم، منتخب یازده قرن نظم و نثر فارسی/ حمید گروگان، ص. ۳۳۲. سرود مرد غریب: یادنامه زنده‌یاد سلمان هراتی/ به اهتمام ضیاءالدین شفیعی.

هروی، حسینعلی ۳۰۰

محقق، مترجم، مدرس

تولد ۱۲۹۷.

درگذشت ۶ اردیبهشت ۱۳۷۲، تهران.

حسینعلی هروی فارغ‌التحصیل دورهٔ لیسانس زبان‌های خارجی از دانشسرای عالی بود. وی همچنین از دانشگاه الهیات موفق به اخذ درجهٔ دکتری شد. وی در دانشکدهٔ ادبیات به تدریس زبان فرانسوی می‌پرداخت. آثار وی به شرح زیر هستند: ترجمهٔ ***فرهنگ البسه*** (به‌قلم «دُزی»)؛ ***زندگینامهٔ داستایوسکی*** (اثر هانری تروا)؛ ترجمهٔ ***تاریخ بزرگ جهان*** (یکی از مجلدهای آن)؛ ***زندگی پوشکین***؛ ***حافظ‌پژوهی*** (چهار جلد)؛ مقاله‌های ادبی و نقدهایی در بارهٔ آثار دیگران در بارهٔ دیوان حافظ که به همت دکتر عنایت‌الله مجیدی به چاپ رسید.

دکتر هروی به سبب بیماری ریوی در تهران درگذشت و بنا به وصیت خود در شهر گرگان در جوار بستگان خود به خاک سپرده شد.

منابع: «در سوگ دوست از دست رفته»، کلک، ش. ۳۸ (اردیبهشت ۱۳۶۸)، ص. ۱۵۲. نشر دانش، خرداد ۱۳۷۲، ص. ۷۵.

همایی، جلال‌الدین ۳۰۱

محقق، ادیب، شاعر

تولد ۱۳ دی ۱۲۷۸ (۱ رمضان ۱۳۱۷ ق.)، اصفهان.

درگذشت ۲۸ تیر ۱۳۵۹، تهران.

جلال‌الدین همایی متخلص به «سنا» و «هما»، فرزند ابوالقاسم محمد نصیر متخلص به «طرب» فرزند همای شیرازی اصفهانی (از دانشمندان و سخنوران و سخن‌شناسان و استادان معاصر)، تحصیلات را ابتدا نزد پدر و سپس ابوالقاسم عراقی آغاز کرد و به فراگیری علوم ابتدایی و مقدمات و صرف و نحو عربی و منطق و معانی بیان پرداخت. سپس در مدرسهٔ حقایق و سپس در مدرسهٔ قدسیه و

مدت بیست سال در مدرسهٔ نیماورد اصفهان حجره‌نشینی نمود.

سیوطی و مغنی و الفیه و شرح لمعه و مطول را نزد استادانی چون آقا سیدمحمدباقر درچه‌ای، آیت‌الله شیخ علی یزدی، آقا شیخ محمد کاشانی و ادبیات عرب را نزد سید محمد کاظم کروندی و اساتیدی دیگری چون عبدالکریم گزی و فقه و اصول را نزد سید محمد صادق خاتون‌آبادی و آقا سیدمهدی درچه‌ای آموخت؛ وی سرانجام اِجازهٔ اجتهاد دریافت کرد. در علوم عقلی، استاد وی محمد خراسانی معروف به حکیم بود که شرح شمسیه و اسفار ملاصدرای شیرازی و شفای ابن سینا و دو دوره فلسفه و اشراق را نزد وی و اسداله حکیم خواند. استادان دیگر او در معقول و نجوم و هیئت و ریاضی جدید و اسطرلاب و استخراج تقویم سیدعلی جناب و در طب محمد حکیم و میرزا علی‌آقا و ابوالقاسم ناصر و حکمت احمدآبادی بودند. هیئت مسطحه استدلالی و نجوم را نزد آیت‌الله رحیم ارباب تلمذ نمود.

وی سپس به تدریس در مدارس اصفهان مشغول شد. از سال ۱۳۰۲ به خدمت وزارت فرهنگ درآمد. چندی در دبیرستان‌های تبریز به تدریس اشتغال داشت، آنگاه به تهران آمد. ابتدا در دبیرستان دارالفنون به تدریس مشغول شد؛ هفته‌ای چند ساعت هم در دبیرستان شرف تدریس می‌کرد و همچنین در دبیرستان نظام و دانشکدهٔ افسری نیز تدریس داشت. سپس در دانشگاه ادبیات و دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران به عنوان استاد در دورهٔ فوق لیسانس و دکتری به تدریس پرداخت. تا سال ۱۳۴۵ بنا به درخواست خود بازنشسته شد و تا آخر عمر در تهران زیست و با وجود بیماری همواره به کار مطالعه و تحقیق و تألیف مشغول بود.

استاد همایی عضو فرهنگستان ایران و نیز انجمن تحقیق در ادبیات و زبان‌های خارجی بود و با مؤسسهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا همکاری داشت. از جمله همایش‌ها و مراسم‌هایی که استاد در آنها شرکت نموده، می‌توان به این موارد اشاره نمود: شرکت در انجمن‌های ادبی، شرکت در کنگرهٔ فردوسی (۱۳۱۳)، شرکت در نخستین کنگرهٔ نویسندگان (تیر ۱۳۲۵)، شرکت در کنگرهٔ ابن‌سینا (اردیبهشت ۱۳۳۳)، سفر به بیروت (۱۳۳۴) جهت افتتاح کرسی زبان فارسی در دانشگاه بیروت، شرکت در مجلس یادبود احمد بهمنیار (۱۲ آبان ۱۳۳۴)، شرکت در کنگرهٔ هفتصدمین سال درگذشت مولوی (آبان ۱۳۳۶)، سخنرانی در برنامهٔ مرزهای دانش در رادیو ایران، شرکت در مجلس بزرگداشت استاد ابوالحسن فروغی (بهمن ۱۳۳۸)، شرکت در مجلس بزرگداشت رودکی (دی ۱۳۳۷)، شرکت در مجلس بزرگداشت استاد بدیع‌الزمان فروزانفر (۲۹ اردیبهشت ۱۳۴۹)، شرکت در مجلس بزرگداشت دکتر محمد معین (۱۳ تیر ۱۳۵۰)، شرکت در کنگرهٔ ابوریحان بیرونی (۱۳۵۲).

استاد همایی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. قصاید عربی او در برخی از مجلات و جراید ادبی دیده شده است. وی شعر فارسی را به سبک قدیم می‌سرود و در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت.

علاوه بر مقاله‌های وی در مجلات و روزنامه‌های «ارمغان»، «اطلاعات»، «ایران‌شناسی»، «تعلیم و تربیت»، «تماشا»، «جاویدان خرد»، «جوانان رستاخیز»، «دانشکدهٔ ادبیات»، «دانشکدهٔ ادبیات اصفهان»، «رادیو ایران»، «سالنامهٔ آریان»، «سالنامهٔ شرق»، «سخن»، «مرزهای دانش»، «معارف اسلامی»، «مهر»، «وحید» و «یغما»، از آثار تألیف وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: ***خیامی نامه*** (در تجزیه و تحلیل آثار علمی و ادبی

حکیم عمر خیام، جلد اول، ۱۳۴۶)؛ ***تاریخ ادبیات ایران*** (تبریز، ۱۳۰۸ ـ ۱۳۰۹؛ در سال ۱۳۰۸، برای تألیف این کتاب جلال‌الدین همایی به نشان علمی درجه دوم نایل آمد)؛ ***غزالی‌نامه*** (شرح حال و آثار و عقاید و افکار ادبی و مذهبی و فلسفی و عرفانی امام ابوحامد غزالی، ۱۳۱۷)؛ ***اسرار و آثار واقعهٔ کربلا*** (چاپ دوم، ۱۳۵۷)؛ ***فنون بلاغت و صناعات ادبی*** (۱۳۵۴)؛ ***رساله در بارهٔ شرح احوال شعرای اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده***؛ ***صناعات ادبی*** (یک کتاب برای سطح دانشگاه‌ها و یک کتاب برای سطح دبیرستان‌ها)؛ ***تاریخ اصفهان***؛ ***تحقیق در احوال خواندمیر مؤلف حبیب‌السّیر و میرخواند صاحب روضة الصّفا***؛ ***مولانا چه می‌گوید*** (دو مجلد، جلد اول ۱۳۵۴، جلد دوم، ۱۳۵۵)؛ ***طلبهٔ عطار و نسیم گلستان***؛ ***سیر مثنوی مولوی (داستان قلعهٔ ذات‌الصّور)***؛ ***مقام حافظ***؛ ***طرب‌خانه*** (۱۳۴۲)؛ ***شرح احوال سروش اصفهانی*** (این رساله در مقدمه دیوان شاعر که به‌وسیلهٔ محمد جعفر محجوب تصحیح شده، منتشر کرده است، از صفحهٔ ۱ الی صفحهٔ ۹۰)؛ ***صرف و نحو و قرائت عربی*** (سه جلد)؛ ***رسالهٔ تحقیقی در احوالات مولانا***؛ ***منتخب اشعار***؛ ***دورهٔ کتاب درسی فارسی ـ دستور و تاریخ ادبیات***؛ ***دستور کلاس‌های پنجم و ششم ابتدایی***؛ ***دستور زبان*** (با مشارکت چهار استاد دیگر، دو جزء، ۱۳۲۸ ـ ۱۳۲۹)؛ ***رسالهٔ تحقیقی دربارهٔ دستور زبان فارسی***؛ ***سه جلد کتاب فارسی دبیرستانی***؛ ***دستور زبان فارسی دورهٔ ابتدایی***؛ ***تاریخ علوم اسلامی*** (تقریرات همایی در دورهٔ دکترای ادبیات فارسی دانشگاه تهران، ۱۳۴۸)؛ ***تصوف در اسلام*** (نگاهی به عرفان شیخ ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۶۲)؛ ***دیوان سنا*** (دیوان اشعار همایی به اهتمام دکتر ماهدخت بانو همایی، جلد اول، خرداد ۱۳۶۴).

از جمله آثاری که به تصحیح و تحشیه آنها اقدام نمود می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***دانشنامه*** (۱. دیوان غبار، ۲. غزلیات سنا، ۳. دیوان زرگر اصفهانی، ۴. غزلیات دیوانهٔ قمثه، ۵. دیوان نیاز جوشقانی؛ اصفهان، ۱۳۴۲، به اهتمام همایی)؛ ***نصیحة‌الملوک*** (امام محمد غزالی، ۱۳۱۶)؛ ***التفهیم لاوائل صناعة التنجیم*** (ابوریحان بیرونی، ۱۳۱۶)؛ ***مصباح الهدایة و مفتاح‌الکفایة*** (عزیزالدین محمود کاشانی، ۱۳۲۵)؛ ***دیوان طرب*** (۱۳۴۲)؛ ***مختاری‌نامه*** (عثمان مختاری، ۱۳۶۱)؛ ***دیوان حکیم مختاری غزنوی***؛ ***مثنوی ولدنامه*** (بهاءالدین ولد، ۱۳۱۶)؛ ***منتخب اخلاق ناصری*** (تألیف خواجه نصیر طوسی، ۱۳۲۰)؛ ***مقدمهٔ اخلاق ناصری*** (۱۳۳۵)؛ ***نصیحة‌الملوک*** (امام محمد غزالی)؛ ***کنوزالمغربین در علوم غریبه*** (منسوب به حکیم ابوعلی سینا)؛ ***معیارالعقول*** (۱۳۳۱)؛ ***رسالهٔ شعوبیه***؛ ***برگزیدهٔ دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا)*** (۱۳۴۳)؛ ***رساله اصفهانی پاسدار***؛ ***مجموعه شعر سرود عشق*** (۱۳۷۳).

استاد همایی در پایان شب ششم ماه رمضان ۱۴۰۰ ق. مطابق با بیست و هشتم تیر ۱۳۵۹ درگذشت و در تکیهٔ لسان‌الارض در اصفهان به خاک سپرده شد.

منابع: *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد سوّم* / سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۸۰۷. *دیدار با شاعران (شامل شرح حال و اشعار برگزیدهٔ چهل تن از شاعران معاصر ایران)* / علی اکبر دلفی، ص. ۲۷۶ ـ ۲۷۹. *چشمهٔ روشن، دیداری با شاعران* / دکتر غلامحسین یوسفی، چاپ سوّم، ص. ۵۵۳ ـ ۵۵۷. *آثار آل قلم، منتخب یازده قرن نظم و نثر فارسی* / حمید گروگان، چاپ اوّل، ص. ۳۱۲. *سیمای شاعران* / حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۱۶۳. *گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوّم* / احمد گلچین معانی، ص. ۳۴۴ ـ ۳۵۰. *کارنامهٔ همایی* / عبدالله نصری. *همایی‌نامه* / زیر نظر مهدی محقق. «به یاد استاد علامه جلال‌الدین همائی»، کیهان فرهنگی، س. ۱، ش. ۴ (تیر ۱۳۶۱)، ص. ۳۸ ـ ۳۹. *شرح حال رجال و مشاهیر نامی ایران* / مصطفی صدرالدین صدری، چاپ سوم، ص. ۵۰۷ ـ ۵۱۲. *فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا*

امروز / عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۲۸۶ـ۲۸۷. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۳۷۰ـ۳۷۲. *شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، جلد اول* / حسنعلی محمدی، ص. ۳۱۹ـ۳۳۳. *چهره‌های آشنا* / حسین قریشی، ص. ۶۶۵ـ۶۶۶

یحیوی، عباسقلی ۳۰۲

شاعر

تولد ۱۲۸۰، اردبیل.
درگذشت ۲۶ آبان ۱۳۵۸.

عباسقلی یحیوی متخلص به «احقر» ملقب به «تاج الشعرای اردبیل» در شش سالگی راهی مکتب شد و در محضر میرزا عزیز سواد خواندن و نوشتن و قرآن و فقه و حدیث و تاریخ اسلام و ایران را فرا گرفت و با علم بیان، فلسفه و ادبیات عربی و فارسی و آثار شعرای فارسی زبان آشنا شد. از نوجوانی به سرودن شعر پرداخت و «احقر» تخلص می‌نمود. وجه مرثیه‌سرایی و حماسه‌پردازی و وصف حماسی صحنه‌های کربلا در اشعار او به‌وضوح مشاهده می‌شود.

از او چهار کتاب با عناوین ***بساط کربلا***؛ ***اسرار عاشورا***؛ ***پرچم عزا***؛ ***آخرین آثار*** به چاپ رسیده است.

پیکر عباسقلی یحیوی در بهشت فاطمه در اردبیل به خاک سپرده شده است.

منبع: تماشای زندگی، ش. ۱ و ۲ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴)، ص. ۸۰.

یزدگردی، امیر حسن ۳۰۳

ادیب، محقق، مدرس

تولد ۱۳۰۶، تهران.
درگذشت ۴ فروردین ۱۳۶۵، تهران.

امیر حسین یزدگردی در سال ۱۳۲۹ از دانشسرای عالی درجهٔ لیسانس و سال ۱۳۳۶ از دانشگاه تهران دکترای ادبیات فارسی دریافت داشت. از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۴ در وزارت آموزش و پرورش شهرستان قم و پس از آن، تا سال ۱۳۵۹، در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به تدریس مشغول بود. او در عین حال آثار چندی را برای چاپ آماده کرد که از آن جمله است: مقاله و تصحیح ***دیوان ظهیر فاریابی*** و حواشی بر ***دیوان حافظ*** و ***مرزبان‌نامه*** و ***جهانگشای جوینی*** و ***راحة‌الصدور راوندی*** (که به چاپ نرسیده است)؛ تصحیح و تعلیق ***نفثة المصدور*** (شهاب الدین محمد زیدری، ۱۳۴۳)؛ ***حواصیل و بوتیمار*** (این کتاب در یازدهمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برندهٔ رشتهٔ تاریخ و نقد در بخش ادبیات شده است)؛ مساعدت در زمینهٔ تحشیه به مجتبی مینوی برای تصحیح ***کلیله و دمنه***؛ همچنین بدیع‌الزمان فروزانفر از همکاری او در تصحیح بعضی از مجلدات ***دیوان کبیر مولانا*** یاد کرده است.

منابع: *گزارش یازدهمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران*. «درگذشت امیر حسین یزدگردی»، کیهان فرهنگی، س. ۳، ش. ۱ (فروردین ۱۳۶۵)، ص. ۳۷. «دکتر امیر حسین یزدگردی»، آینده، س. ۱۲، ص. ۲۷۷ـ۲۸۰.

یغما، حیدر ۳۰۴

شاعر

تولد ۲۰ دی ۱۳۰۲، دهکدهٔ صومعه، از توابع نیشابور.
درگذشت ۲ اسفند ۱۳۶۶، نیشابور.

حیدر یغما در سنین نوجوانی به کار خشتمالی پرداخت و به سبب دایرهٔ علاقه به شعر و شاعری به حفظ کردن اشعار شعرا پرداخت. او پس از انجام خدمت

نظام وظیفه به دهستان خود در حومه نیشابور بازمی‌گردد و همانجا به کار گل و خشت‌مالی می‌پردازد.

وی در سی سالگی از طریق رفتن به جلسات آموزش *قرآن* به سوادآموزی پرداخت و طی مدت شش ماه قرآن را فراگرفت و در خلال همین مدت به فراگیری خواندن و نوشتن فارسی نیز کمر همت بست.

در سال ۱۳۴۹ اشعار مذهبی خود را در کتابی موسوم به *اشک عاشورا* به چاپ رساند و در همان سال نیز مجموعهٔ *رباعیات* خود را منتشر کرد.

یغما اشعار خود را غالباً در قالب‌های غزل، مثنوی و قصیده می‌سرود. پس از انقلاب اسلامی کتابی تحت عنوان *سیری در غزلیات حیدر یغما* با مقدمهٔ عباس خیرآبادی توسط ادارهٔ فرهنگ و ارشاد اسلامی نیشابور در سال ۱۳۶۵ به چاپ رسید.

پیکر وی را در زمین وسیعی که بین آرامگاه خیام و عطار است، به خاک سپردند.

منابع: کیهان فرهنگی، س ۴، ش ۱۲، (اسفند ۱۳۶۶)، ص ۵۳. «حیدر یغما (نیشابوری)»، آینده، س ۱۴، ص ۴۰۴ـ۴۰۵. «حیدر یغمای نیشابوری»، آینده، س ۱۵، ص ۸۳۶ـ۸۳۷.

۳۰۵ یغمایی، حبیب

شاعر، محقق، مدرس

تولد ۱۲۸۰ (۱۳۱۶ ق.)، خور بیابانک جندق.
درگذشت ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۳، تهران، فخرآباد.

حبیب یغمایی متخلص به «حبیب»، فرزند اسدالله منتخب‌السادات خوری نوهٔ دختری یغمای جندقی شاعر دورهٔ قاجاریه بود. تحصیلات ابتدایی را در مدرسهٔ سعادت ناظمیه دامغان به پایان رسانید و در سال ۱۳۰۰ وارد تهران شد و در مدرسهٔ دارالشفاء اقامت گزید و در مدرسهٔ آلیانس به تحصیل پرداخت. تحصیلات عالی را در دارالمعلمین مرکزی (تهران) به پایان رسانید. در سال ۱۳۰۲ به عضویت انجمن ادبی ایران در آمد و از سال پس از آن با روزنامهٔ «طوفان» به سردبیری محمد فرخی همکاری ادبی نمود. پس از یک سال تحصیل در مدرسهٔ حقوق و علوم سیاسی در سال ۱۳۰۶، به خور بازگشت و ریاست ادارهٔ ثبت احوال آنجا را بر عهده داشت. در سال ۱۳۰۸ ریاست معارف و اوقاف سمنان را به‌عهده گرفت. پس از بازگشت به تهران در سال ۱۳۰۹ به تعلیم و تدریس ادبیات فارسی در هنرستان دولتی و دارالفنون و دیگر دبیرستان‌های تهران اشتغال داشت؛ در همین سال، در تألیف *سخنوران ایران در عصر حاضر* (چاپ کلکته، دو جلد) با محمد اسحق همکاری نمود. سپس به عضویت ادارهٔ انطباعات وزارت معارف در آمد و با محمد علی فروغی در تصحیح و چاپ *کلیات سعدی* و *منتخب شاهنامه* (برای دبیرستان‌ها) همکاری نمود. وی تا سال ۱۳۲۱ در این اداره مشغول به فعالیت بود. در سال ۱۳۲۲ به سردبیری «نامهٔ فرهنگستان» رسید و ده شماره آن را در مدت پنج سال منتشر نمود. در سال ۱۳۲۷ به سمت مدیر مجلهٔ «آموزش و پرورش» که نشریهٔ وزارت فرهنگ بود، خدمت فرهنگی خود را ادامه داد (دوره‌های چهارده و پانزده و بیست و سه را منتشر نمود) و سال‌ها در مقام ریاست ادارهٔ کل نگارش و موقعیت‌های فرهنگی دیگر انجام وظیفه کرد. همچنین سی و یک دوره مجلهٔ ماهانهٔ «یغما» از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۵۷ در ۳۷۲ شماره به مدیریت و سرپرستی وی در تهران چاپ و منتشر شد.[۱] اشعار وی بالغ بر دو هزار بیت

۱. *فهرست موضوعی مجلهٔ یغما* به همت شیرین معراجی توسط مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران به چاپ رسیده است.

قصیده و غزل و قطعه و غیره است که گزیده‌اش به نام **سرنوشت** (۱۳۵۱) چاپ شده است. از سال ۱۳۴۱ تدریس در دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلم) و مدرسهٔ عالی ادبیات و زبان‌های خارجی را آغاز نمود. در سال ۱۳۵۵ به دریافت درجهٔ دکترایِ افتخاری در رشتهٔ ادبیات و علوم انسانی از دانشگاه تهران نائل آمد. از سال ۱۳۵۷ که «یغما» تعطیل شد، به بازآفرینی و بازنویسی خاطراتش روی آورد و سال‌های پیش از درگذشت، تنها به سرودنِ شعر و خاطراتش می‌پرداخت. از جمله آثار یغمایی است: تصحیح ***دیوان سعدی*** (با همکاری ذکاءالملک فروغی)؛ ترجمهٔ ***تفسیر طبری*** (در هفت مجلد؛ ۱۳۳۹ ـ ۱۳۴۴)؛ ***شرح حال یغما و منتخب اشعار یغما جندقی*** (۱۳۰۴)؛ ***دخمه ارغون*** (داستان تاریخی، ۱۳۱۲)؛ ***گرشاسب‌نامه اسدی طوسی*** (۱۳۱۵)؛ ***جغرافیای جندق و بیابانک*** (با شرح حال یغمای جندقی و مقدمهٔ عباس اقبال آشتیانی، ۱۳۰۴)؛ ***رساله در علم قافیه*** (برای تدریس در دارالفنون، ۱۳۱۵)؛ ***قصیده معروف خاقانی***؛ تصحیح و چاپ ***کلیات دیوان یغمای جندقی***؛ ***نمونهٔ نظم و نثر فارسی*** (از آثار اساتید متقدم، جنگ خطی قرن هفتم هجری با مقدمهٔ ایرج افشار، ۱۳۴۳)؛ ***قصص الانبیاء*** (از ابواسحاق نیشابوری، ۱۳۴۰)؛ ***فردوسی و شاهنامهٔ او*** (مجموعه مقالات سید حسن تقی‌زاده در بارهٔ ***شاهنامه*** و مقدمهٔ ***شاهنامه*** به تصحیح محمد قزوینی و تحقیق در بارهٔ ***شاهنامه*** نوشتهٔ حبیب یغمایی، ۱۳۴۹)؛ ***یادنامهٔ تقی‌زاده*** (۱۳۴۹)؛ ***کاروان فرهنگی از پاکستان به ایران*** (مجموعه شعر، ۱۳۳۲)؛ اهتمام در چاپ ***مناجات حضرت امیر به‌خط قوام‌السلطنه*** (۱۳۲۶)؛ ***واحه جندق و بیابانک یا کویرنشینان مرکزی*** (به نقل از مجلهٔ «مردم‌شناسی»، ۱۳۳۷)؛ ***نامه‌های طبیب نادرشاه*** (ترجمهٔ دکتر علی اصغر حریری، ۱۳۴۰)؛ ***نامهٔ مینوی*** (مجموعه مقالات به پاس پنجاه سال خدمات مجتبی مینوی، با همکاری ایرج افشار، ۱۳۵۰)؛ ***مقالات فروغی در بارهٔ شاهنامه و فردوسی*** (۱۳۵۱)؛ ***عامری‌نامه*** (مجموعه مقالات تقدیم به علیمحمد عامری، مشتمل بر هیجده مقاله تحقیقی و تاریخی، ۱۳۵۳)؛ ***مقالات فروغی*** (جلد اول، ۱۳۵۳؛ جلد دوم، ۱۳۵۳)؛ ***فردوسی در شاهنامه*** (۱۳۵۴) ***شهر پیامبر*** (به اهتمام سید محمد علی صفیر، ۱۳۵۴).

پیکرش را طبق وصیتش به دهکدهٔ خور منتقل کردند و در آنجا به خاک سپردند.

منابع: سیر سخن، شامل شرح احوال معروف‌ترین نویسندگان و شاعران ایران / احمد احدی، حسین رزمجو، ص. ۲۸۴ ـ ۲۸۵. «یادنامهٔ حبیب یغمائی»، فصلنامهٔ هنر، ش. ۶ (تابستان و پاییز ۱۳۶۳)، ص. ۵۰ ـ ۵۳. *تذکرهٔ شعرای یزد* / عباس فتوحی یزدی، ص. ۱۴۹ ـ ۱۵۰. *فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز* / عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۱۶۱ـ۱۶۲. *فرهنگ داستان‌نویسان ایران* / حسن عابدینی، ص. ۱۷۱. *چهرهٔ مطبوعات معاصر* / غلامحسین صالحیار، ص. ۴۹. *سخنوران نامی معاصر ایران، جلد دوّم* / سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۰۸۱ ـ ۱۰۸۲. *چشمهٔ روشن، دیداری با شاعران* / دکتر غلامحسین یوسفی، چاپ سوّم، ص. ۵۷۶ ـ ۵۸۳. *سیمای شاعران* / حسین حماسیان (صابر کرمانی)، ص. ۴۱۶. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۴۷۵ ـ ۴۷۶. «زندگینامه و فهرست‌نامهٔ آثار حبیب یغمایی»، آینده، س. ۱۰، ص. ۲۸۰ ـ ۲۸۴. *از یغما تا شکیب* / مرتضی یغمایی «شکیب»، ص. ۱۰۷ ـ ۱۱۱.

۳۰۶ یگانه، بهادر

شاعر

تولد ۱۳۰۱، قزوین.

درگذشت ۱۳۶۳، تهران.

بهادر یگانه متخلص به «یگانه» پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در وزارت کشور به کار

مشغول شد. بعدها ابتدا به دانشکدهٔ حقوق رفت و از این دانشکده فارغ‌التحصیل گردید. اما پس از مدتی به دانشکدهٔ ادبیات روی آورد و تا درجهٔ دکتری پیش رفت. سال‌ها در استانداری فارس خدمت کرد. در سال ۱۳۴۳ از شیراز به تهران آمد و در کار ترانه‌سرایی و برنامهٔ گل‌ها با رادیو و شورای موسیقی آن به همکاری پرداخت. این کار را تا سال ۱۳۵۷ ادامه داد. مقدمهٔ ***دیوان علی اشتری*** متخلص به «فرهاد» به قلم اوست.

منابع: دیدار با شاعران (شامل شرح حال و اشعار برگزیدهٔ چهل تن از شاعران معاصر ایران) / علی اکبر دلفی، ص. ۴۰ــ۴۱. ***فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز*** / عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۶۳۱. پرویز ـ نوایی، عبدالحسین، «بهادر یگانه»، آینده، س. ۱۰، ص. ۷۵۴ــ۷۵۸.

۳۰۷ یمینی شریف، عباس

شاعر، داستان‌پرداز

تولد ۱۲۹۸، تهران.

درگذشت ۲۸ آذر ۱۳۶۸، تهران.

عباس یمینی شریف متخلص به «یمینی» در سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ در دانشسرای مقدماتی تهران تحصیل کرد. در سال ۱۳۱۹ که به دانشسرای عالی راه یافت علاقه به شعر گفتن و داستان‌نویسی برای کودکان در او بیشتر شد. در سال ۱۳۲۲ دو شعر تحت عنوان «ستاره» و «ماده غاز» از وی در شماره‌های چهارم و نهم مجلهٔ «سخن» به طبع رسید. در سال ۱۳۲۳ در اوّلین شمارهٔ مجلهٔ «بازی کودکان» شعرهایش به چاپ رسید و پس از مدتی نیز یمینی شریف به سردبیری آن انتخاب شد. در سال ۱۳۲۴ برخی اشعارش وارد کتاب‌های ابتدایی اراک و پس از آن وارد کتاب‌های اوّل و دوم و سوم کلیهٔ دبستان‌ها شد. عباس یمینی شریف در سال ۱۳۲۸ به مدیریت مجلات «دانش‌آموز» و «شیر و خورشید» که دو نشریهٔ وزارت فرهنگ برای کودکان و نوجوانان بود، منصوب شد. در ششم دی ۱۳۳۵ اوّلین شمارهٔ مجلهٔ «کیهان بچه‌ها» منتشر شد. وی به عنوان مدیر این نشریه تا سال ۱۳۵۸ به انتشار آن ادامه داد. در «تهران مصور کوچولوها» تأسیس ۱۳۳۶ و ضمناً اشعار ایشان در چند مجلهٔ دیگر که برای کودکان منتشر می‌شد به چاپ می‌رسید.

عباس یمینی شریف چه در دانشسرای مقدماتی تهران و چه در دانشسرای عالی دانشکدهٔ ادبیات و چه در تیچرز کالج کلمبیا، رشتهٔ تحصیلاتش همیشه آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بود. در تیچرز کالج کلمبیا علاوه بر رشتهٔ آموزش و پرورش، به تحصیل در رشتهٔ ادبیات کودکان نیز پرداخت.

بعدها نیز به سردبیری و مدیریت چهار مجله برای کودکان و نوجوانان رسید. در سال ۱۳۳۴ امتیاز مدرسهٔ «روش نو» را به کمک همسرش از وزارت فرهنگ دریافت کرد که بیش از بیست و پنج سال ادارهٔ مدرسه را به عهده داشت. در سال ۱۳۳۶ باشگاه بچه‌ها را تأسیس کرد. در سال ۱۳۴۱ با همکاری عده‌ای از فرهنگیان با سابقه به تأسیس مؤسسهٔ فرهنگی و غیرانتفاعی شورای کتاب کودک پرداخت و از سال تأسیس عضویت در هیئت مدیره و خزانه‌داری شورا را تقبل کرد؛ در سال ۱۳۵۰ به همت وی جایزهٔ نقدی یمینی شریف تأسیس شد و از آن تاریخ به بعد هر ساله به بهترین اثر چاپ شده در حوزهٔ ادبیات کودکان تعلق گرفت. در سال ۱۳۵۷ با عده‌ای دیگر به تأسیس انجمن پژوهش‌های آموزشی همت گماشت.

یمینی شریف در زمینهٔ ادبیات کودکان صاحب آثار گوناگونی است که از این میان می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود: ***آواز فرشتگان یا شعر کودکان*** (۱۳۲۵)؛ ***قصه‌های شیرین*** (مجموعه شعر،

۱۳۲۶)؛ ***گربه‌های شیپورزن*** (مجموعه شعر، ۱۳۴۴)؛ ***دوکدخدا*** (۱۳۲۹)؛ ***برق و حریق*** (ترجمه)؛ ***روی زمین و زیر زمین*** (گیاه‌شناسی برای کودکان، اثر اریاوبر. ا.، ۱۳۳۶)؛ ***دنیاگردی جمشید و مهشید*** (۱۳۲۲)؛ ***بازی با الفبا***؛ ***جزیرهٔ مرجان*** (اثر پلنتین، ۱۳۳۷)؛ ***داستان عروسک*** (با همکاری اسماعیل والی‌زاده، ۱۳۳۷)؛ ***بیژن و شیرین*** (ترجمه با همکاری دیگران)؛ ***کتاب اول دبستان***؛ ***فری به آسمان می‌رود***؛ ***آوای نوگلان***؛ ***پرویز و آیینه***؛ ***در میان ابرها***؛ ***گل‌های گویا*** (۱۳۵۰)؛ ***پوری و لباس‌های او***؛ ***همسایهٔ عجیب***؛ ***باغ نغمه‌ها*** (۱۳۵۲)؛ ***آه ایران عزیز***؛ ***دستمال گلدار و گنج بی‌صاحب***؛ ***داستان خرو و خرکچی***؛ ***کتاب توکا***؛ ***خانهٔ بابا علی***؛ ***شعر با الفبا*** (۱۳۶۳)؛ ***سیاهک و سفیدک***؛ ***نیم قرن در باغ شعر کودکان***؛ ***فارسی زبان ایرانی***؛ ***پلنگ یکه‌تاز*** (۱۳۷۳).

عباس یمینی شریف در سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۴۵ موفق به دریافت جایزهٔ سلطنتی بهترین کتاب کودکان و در سال ۱۳۴۶ نیز نایل به دریافت جایزهٔ بین‌المللی یونسکو به مناسبت تألیف بهترین کتاب سال در ایران شده است.

منابع: ***چهرهٔ مطبوعات معاصر***/ غلامحسین صالحیار، ص. ۵۰. «خاموشی نغمه‌سرای کودکان»، کیهان فرهنگی، س. ۶، ش. ۹ (آذر ۱۳۶۸)، ص. ۴۴. ادبستان، ش. ۱ (دی ۱۳۶۸). ***فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز***/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۶۳۱ـ۶۳۲. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۶۸۸ـ۶۸۹. «عباس یمینی شریف»، آدینه، س. ۱۵، ص. ۸۳۸. حداد، حسین، «فرهنگ شاعران کودک و نوجوان در ایران، قبل و بعد از انقلاب»، با همکاری مریم حدیدی و علی اکبر صلواتیان، پژوهشنامهٔ ادبیات کودک و نوجوان، س. ۱، ش. ۱ (تابستان ۱۳۷۴)، ص. ۹۰ـ۱۰۵ (نگ: ص. ۱۰۵).

۳۰۸ یوسفی، غلامحسین

مدرس، محقق، ادیب

تولد ۱۳۰۶، مشهد.

درگذشت ۱۴ آذر ۱۳۶۹، تهران.

غلامحسین یوسفی دورهٔ تحصیلات دبستان و دبیرستان را در مشهد به پایان برد و در سال ۱۳۲۵ وارد دانشگاه شد و از سال ۱۳۲۸ در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی فارغ‌التحصیل گردید. وی در سال ۱۳۳۰ هم‌زمان با دریافت درجهٔ دکتری در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی، به دریافت درجهٔ لیسانس در رشتهٔ حقوق قضایی و علوم سیاسی نایل آمد.

دکتر یوسفی ابتدا به عنوان دبیر دبیرستان‌های مشهد و سپس به عنوان دانشیار و بعدها در سمت استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد به تدریس اشتغال داشته است. وی یک سال سرپرست تربیت معلم خراسان و مدت چندین سال نیز سرپرست گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی بوده است. مطالعه و تحقیق در کشورهای فرانسه و انگلستان و تحقیق و تدریس در آمریکا و کوشش در ایجاد چاپخانهٔ دانشگاه از دیگر فعالیت‌های فرهنگی نامبرده است. از جمله آثار تألیف، تصحیح و ترجمهٔ وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: تألیف: ***تمرین فارسی برای کلاس اول دبستان*** (با همکاری عبدالحسین پازوکی، اکبر قندهاریان، غلامرضا قهرمان، ۱۳۳۳)؛ ***فرخی سیستانی، بحثی در شرح احوال، روزگار و شعر او*** (۱۳۴۱، کتاب برگزیدهٔ سال ۱۳۴۱ انجمن کتاب)؛ ***ابومسلم، سردار خراسان*** (۱۳۴۵)؛ ***نامهٔ اهل خراسان*** (مجموعهٔ مقالات، ۱۳۴۷)؛ ***دیداری با اهل قلم*** (دو جلد، ۱۳۵۵، ۱۳۵۷)؛ ***برگ‌هایی در آغوش باد*** (مجموعه مقالات، دو جلد. ۱۳۵۶)؛ ***کاغذ زر*** (یادداشت‌هایی ادبی و تاریخی، ۱۳۶۳)؛ ***روان‌های روشن*** (۱۳۶۳)؛ ***چشمهٔ روشن*** (۱۳۶۹). تصحیح و ترجمه: ***قابوس‌نامه*** (۱۳۴۵)؛

قابوس‌نامهٔ درسی (۱۳۴۵)؛ ***التصفیه فی احوال المتصوفه*** (۱۳۴۷)؛ ترجمهٔ ***تقویم الصحه ابن بطلان*** (۱۳۵۰)؛ ***لطائف الحکمه ارموی*** (۱۳۵۱)؛ ***گزیدهٔ قابوس‌نامه*** (۱۳۵۳، این کتاب با نام ***درس زندگی: گزیدهٔ قابوس‌نامه*** نیز منتشر شده است)؛ ***بوستان سعدی*** (۱۳۵۹)؛ ***ملخص اللغات خطیب کرمانی*** (با همکاری دکتر محمد دبیرسیاقی، ۱۳۶۲)؛ ***گلستان سعدی*** (۱۳۶۸)؛ ***داستان من و شعر*** (نزار قبانی، با همکاری دکتر یوسف آبکار، ۱۳۵۶)؛ ***هدف ادبیات، اسلوب عالی و فضایل ادبی*** (دیوید دیچز، با همکاری محمدتقی صدقیانی)؛ ***اما من شما را دوست می‌داشتم*** (ژیلبر سبرون، با همکاری دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، ۱۳۶۲)؛ ***انسان‌دوستی در اسلام*** (مارسل بوازار، با همکاری دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، ۱۳۶۲)؛ ***تحقیق در بارهٔ سعدی*** (هانری ماسه، با همکاری دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، ۱۳۶۴)؛ ***شیوه‌های نقد ادبی*** (دیوید دیچز، با همکاری محمدتقی صدقیانی، ۱۳۶۶، برگزیدهٔ ششمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)؛ ***برگزیده‌ای از شعر عربی معاصر*** (اثر دکتر مصطفی بدوی، ترجمه از عربی با همکاری دکتر یوسف آبکار؛ تهران، ۱۳۶۹)؛ ***چشم‌اندازی از ادبیات و هنر*** (ره ولک و دیگران، ترجمه از زبان انگلیسی، با همکاری محمد تقی امیر صدقیانی، ۱۳۶۹).

دکتر یوسفی در چهاردهم آذر ۱۳۶۹ درگذشت؛ پیکر ایشان به مشهد منتقل شد و در جوار حرم حضرت رضا (ع) به‌خاک سپرده شد.

منابع: ***گزارش ششمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران***. «دکتر غلامحسین یوسفی»، نشر دانش، س. ۱۱، ش. ۱ (آذر و دی ۱۳۶۹)، ص. ۷۷. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۶۹۱ــ۶۹۲

فصل چهارم: گروه علوم نظری

۳۰۹ آبادانی، فرهاد

مدرس

درگذشت ۱ فروردین ۱۳۵۹.

فرهاد آبادانی تحصیلات خود را در دانشگاه‌های هند به پایان رسانید و پس از آن استاد زبان‌های ایرانی و فرهنگ پیش از اسلام در دانشگاه اصفهان گشت. مقاله‌های او در زمینهٔ فرهنگ پیش از اسلام و تاریخ ایران باستان در مجله‌های تحقیقی و بیشتر در مجله‌های «هوخت»، «مهر»، «نامهٔ سخنوران سپاهان»، «باستان‌شناسی» و «فرهنگ و هنر» چاپ شده است. وی در کتاب ***گوشه‌ای از فرهنگ ایران باستان*** مقاله‌ای در بارهٔ کتیبهٔ داریوش دارد.

فرهاد آبادانی همچنین برای دومین کنگرهٔ تحقیقات ایرانی مقاله‌ای را به رشتهٔ تحریر در آورد.

منبع: «دکتر فرهاد آبادانی»، آینده، س. ۶، ص. ۳۰۵.

۳۱۰ آرین‌پور، یحیی

محقق، مترجم، مورخ

تولد ۱۲۷۹، تبریز[۱].

درگذشت ۲۴ آبان ۱۳۶۴، تهران.

یحیی آرین‌پور تحصیلات خود را از مکتب‌خانه و سپس در دبستان تمدن تبریز آغاز نمود. علوم متوسطه را در دبیرستان محمدیهٔ همان شهر ادامه داد. آموزگاران وی در دبیرستان محمدیه ابوالقاسم فیوضات، تقی رفعت، سید احمد کسروی بودند. از همان زمان قصیده‌گویی و غزل‌گویی را با تخلص «دانش» آغاز کرد. بعدها برخی از قطعه‌ها و ترجمه‌های شعری او در مجله‌های «سخن» و «یغما» به شکل پراکنده به چاپ رسید.

در اواسط سال ۱۲۹۸ که در کلاس ششم دبیرستان تحصیل می‌کرد، شش شماره از مجلهٔ «ادب» را انتشار داد؛ شش شمارهٔ دیگر آن مجله تحت نظر اسماعیل امیرخیزی منتشر شد. در اواسط سال ۱۲۹۹ وارد خدمت وزارت دارایی در تبریز شد و تا مرداد ۱۳۳۲، یعنی مدت سی و سه سال پیاپی در آن وزارتخانه مشاغلی داشت. زبان روسی را در آموزشگاهی در تبریز فرا گرفت و با زبان‌های

---

۱. خود می‌گوید که «روز و ماه و حتی سال تولدم را به‌درستی نمی‌دانم. آنچه از این بابت در شناسنامه‌ام آمده راه به جایی نمی‌برد، زیرا مستند به بیاضی و یادداشت پشت جلد کتابی نیست. همین قدر می‌دانم که در دوران نهضت مشروطه‌خواهی چشم به جهان گشوده و نخستین سال‌های کودکی را در نایرهٔ انقلاب خونین آذربایجان گذرانده‌ام و هم اکنون صفیر گلوله‌های ستارخان سردار ملی و دیگر مجاهدان غیور تبریز در گوشم طنین‌انداز است.» به نقل از «زندگینامهٔ یحیی آرین‌پور به قلم خود او». در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد یحیی آرین‌پور ۱۲۸۶ درج شده است.

انگلیسی و فرانسوی نیز آشنا بود. پس از بازنشستگی به‌عنوان مترجم در راه آهن دولتی ایران مشغول به کار شد و هم‌زمان به تحقیقات علمی خود ادامه داد. در سال ۱۳۴۶، کتاب ***ناصر خسرو و اسماعیلیان*** تألیف ایران‌شناس روس (برتلس) را ترجمه کرد. کتاب دیگر او ***خاطرات سیمونیچ، وزیر مختار روس*** بود. اما اثر دیگر او ***از صبا تا نیما*** نام دارد (۱۳۵۰) که تاریخ یک قرن و نیم (سدهٔ سیزدهم و نیمهٔ اوّل سدهٔ چهاردهم هجری) ادب ایران است. وی سرانجام پس از یک سال بیماری جانکاه جان سپرد و در بهشت زهرا مدفون گردید.

منابع: «مؤلف از صبا تا نیما درگذشت»، کیهان فرهنگی، س ۲، ش ۹ (آذر ۱۳۶۴)، ص ۳۶؛ «زندگینامهٔ یحیی آرین‌پور به قلم خود او» (از نامهٔ نصرةالله فتحی به محمد قاضی به نقل از کتاب امروز، دفتر دوم، اسفند ۱۳۵۰)، جهان کتاب، س ۱، ش ۱ (نیمهٔ دوم مهر ۱۳۷۴)، ص ۱۴. «یحیی آرین‌پور»، آینده، س ۱۲، ص ۱۱۵ ـ ۱۱۶.

۳۱۱ آموزگار اصطهباناتی، حبیب‌الله

روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۷۰، تهران.[۱]

درگذشت فروردین ۱۳۵۹.

حبیب‌الله آموزگار اصطهباناتی، فرزند محمد حسین اصطهباناتی، تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس تهران پشت سر گذاشت و سپس به دارالفنون وارد شد و پس از فراغت از تحصیل به استخدام وزارت فرهنگ در آمد. وی مدتی ریاست مدرسهٔ دولتی ادب و پس از آن ریاست معارف فارس و ریاست تعلیمات ولایات را به‌عهده داشت. در زمان داور به وزارت عدلیه منتقل شد و به مشاغل مختلفی از عضویت استیناف و ثبت کل و بازرسی قضایی دست یافت. وی همچنین مدتی مستشار دیوان کشور بود.

حبیب‌الله آموزگار اصطهباناتی مدتی نیز در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران تدریس نمود. مدتی در وزارت دادگستری در سمت‌های مختلف مشغول به کار بود. سال‌ها در مجلس سنا به عنوان نماینده منصوب شده بود و در کابینهٔ حسین علاء که در ۲۹ اسفند سال ۱۳۳۰ تشکیل شد به‌عنوان وزیر فرهنگ معرفی گردید. این کابینه بر اثر تظاهرات مردم و اعتصابات ادارات و بازار به منظور ملی شدن صنعت نفت دیری نپایید و در دهم اردیبهشت سال ۱۳۳۱ سقوط کرد. حبیب‌الله آموزگار در دورهٔ چهارم مجلس شورای ملی نیز نماینده بود.

آموزگار در تهران به عرصهٔ مطبوعاتی وارد شد و به سردبیری روزنامهٔ «آفتاب» و روزنامهٔ «صدای ایران» و همچنین به مدیریت مجله‌های «رهنما» و «علم و اخلاق» رسید. آموزگار مدتی نیز صاحب امتیاز روزنامهٔ «جهان آینده» بود.

علاوه بر تألیف برخی از کتب درسی، از آثار وی که قسمتی به صورت تألیف و قسمتی دیگر به صورت ترجمه است، می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره کرد: ***آموزش و پرورش*** (۱۳۱۶)؛ ***ابومسلم خراسانی*** (جرجی زیدان، ترجمه با همکاری عبدالحسین میرزا، سه جلد)؛ ***اصلاحات اجتماعی*** (۱۳۰۷)؛ ***تاریخ اسلامی*** (۱۳۳۴)؛ ***جهان و روح آفرینش*** (۱۳۳۳)؛ ***رهنمای تربیت یا اصول تعلیم*** (اثر عمربیک مصری، ترجمهٔ کتاب هدایةالمدرس، تألیف و ترجمه، ۱۳۰۱)؛ ***زن در جامعه*** (۱۳۱۱)؛ ***عالم ارواح*** (تلخیص و ترجمه از کتاب ***الارواح*** طنطاوی، ۱۳۰۷)؛ ***صرف عربی***؛ ***عمدة النحو*** (نحو عربی)؛ ***فرهنگ فارسی آموزگار*** (چاپ اول: ۱۳۳۶)؛ ***منطق آموزگار***

۱. تاریخ تولد حبیب‌الله آموزگار در ***چهرهٔ مطبوعات ایران*** و ***تاریخ جراید و مجلات ایران*** ۱۲۶۹ آمده است. ضمناً در کتاب ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** محل تولد وی اصطهبانات فارس آمده است.

(۱۳۰۱)؛ ***لغت عربی به فارسی آموزگار***؛ ***فلسفه روحی*** (۱۳۰۸)؛ ***ملکهٔ اسلام***.

*منابع : **وزرای آموزش و پرورش ایران** /* احمد عبدالله‌پور، ص. ۱۷۳ــ۱۷۴. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر** /* غلامحسین صالحیار، ص. ۱۴۹. ***زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ــ۱۳۲۰ هـ.ش.)، جلد اول، آ ــ الف** /* حسن مرسل‌وند، ص. ۵۲ ــ ۵۳. ***سخن‌سرایان و دانشمندان فارس، جلد یک** /* رکن‌زاده (آدمیت). ***تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد ۴** /* محمد صدر هاشمی، ص. ۳۸ ــ ۳۹. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی** /* خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۴۸۲ ــ ۴۸۴. ***رجال بدون ماسک** /* ص. ۴۵.*

آیت، سید حسن　۳۱۲

مدرس

تولد ۱۳۱۷، نجف‌آباد.

شهادت ۱۴ مرداد ۱۳۶۰، تهران.

سید حسن آیت، فرزند سید محمدرضاء تا خارج فقه و اصول تحصیلات حوزوی داشت. وی همچنین لیسانس حقوق، ادبیات و روزنامه‌نگاری داشت، و درجهٔ فوق‌لیسانس علوم اجتماعی نیز را کسب کرده بود. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در دبیرستان‌ها و برخی از مراکز دانشگاهی به تدریس مشغول بود. وی پس از پیروزی انقلاب به نمایندگی مجلس خبرگان رسید. وی سپس به نمایندگی اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی از شهر تهران رسید. مقالاتی از وی در موضوعات تاریخی، سیاسی و اعتقادی در مجله‌ها و روزنامه‌ها به چاپ رسید.

سید حسن آیت در چهاردهم مرداد ۱۳۶۰ به دست منافقین در جلوی درب منزلش شهید شد. پیکر وی در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

از آثار وی است: ***چهره حقیقی مصدق‌السلطنه*** (۱۳۶۰). ***درسهایی از تاریخ سیاسی ایران*** (۱۳۶۳).

*منبع : **نگرشی به اولین دوره مجلس شورای اسلامی** /* روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ص. ۳۱۴.

استخری، احسان‌الله علی　۳۱۳

محقق

تولد ۱۳۵۳ ق.، شیراز.

درگذشت آذر ۱۳۶۵.

احسان‌الله علی استخری فرزند کمال در شیراز متولد شده است. نسبش با شش واسطه از امهات به سید قطب‌الدین محمد صاحب ***فصل‌الخطاب*** و از وی طبق نسب‌نامه به امام زین‌العابدین (ع) می‌پیوندد و علاوه بر انتساب به برخی از مشایخ اولیاء از جهت والدین سلسله نیاکانش تا امامقلی‌خان ابن‌اللهوردیخان سپهسالار عصر صفویه متصل است.

احسان‌الله علی استخری در تحصیل علوم متعلق به باطن از خدمت جمعی از علماء عامل و اولیاء عارف استفاده برد و از دانشکدهٔ معقول و منقول نیز به دریافت دکتری توفیق یافت. وی سپس به تدریس در دانشسرای عالی پرداخت.

از آثار اوست: ***اصول تصوف*** (۱۳۳۷).

*منابع : **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی** /* خانبابا مشار، جلد اول، ص. ۳۱۲ــ۳۱۳ (به نقل از ***دانشمندان و سخنسرایان فارس***، ج۱، ص. ۱۹۰). آینده، س. ۱۲، ص. ۸۳۳.

اسدی، علی　۳۱۴

محقق، مترجم

تولد ۱۳۱۴.

درگذشت ۱۳۷۰.

علی اسدی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و

متوسطه، در بانک مشغول به کار شد. بعد از مدتی، به شعبهٔ بانک فرانکفورت آلمان منتقل شد و همانجا مشغول به تحصیل شد. وی برای ادامه تحصیلات به استراسبورگ و از آنجا به دانشگاه سُربُن در فرانسه رفته و موفق به دریافت دکترایِ جامعه‌شناسی گردید.

دکتر علی اسدی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۴ مدیر مرکز سنجش افکار و تحقیقات اجتماعی سازمان صدا و سیما و در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ سرپرست دانشکدهٔ علوم ارتباطات و توسعهٔ ایران بود.

از جمله آثار ترجمه و تألیف دکتر اسدی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: ترجمهٔ ***مجموعه روش*** (نوشتهٔ ادگار مورن)؛ ***سرمشق گمشده*** (مقدمه‌ای بر روش ۱ و ۲ و ۳)، ***روش ۲*** (طبیعت طبیعت)، ***روش ۳*** (شناخت شناخت)؛ ***افکار عمومی و ارتباطات*** (تألیف)؛ ***بررسی محتوایی فیلم‌های تلویزیونی*** (۱۳۵۳)؛ ***نقش رسانه‌ها در پشتیبانی توسعهٔ فرهنگی*** (با همکاری هرمز مهرداد، ۱۳۵۵)؛ ***مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی رسانه‌های همگانی*** (تألیف، ۱۳۵۸)؛ ***قدرت تلویزیون*** (ترجمه، ۱۳۶۴)؛ ***زوال تمدن سوداگری*** (ترجمه، ۱۳۶۴)؛ ***ژاپن کشور شماره یک*** (با همکاری شهیندخت خوارزمی؛ ترجمه، ۱۳۶۴)؛ ***جهان در آستانهٔ قرن ۲۱*** (ترجمه، ۱۳۶۷). از وی مقالاتی نیز در نشریاتی چون «فرهنگ و زندگی»، «خواندنیها» و «جوانان» به چاپ رسیده است.

دکتر علی اسدی به سه زبان انگلیسی، آلمانی، و فرانسوی تسلط داشت. وی هنگام مرگ مشغول ترجمه جلد اوّل ***روش (جان جان)*** بود.

دکتر علی اسدی به سبب نارسایی کلیه درگذشت.

منابع: «درگذشت دکتر علی اسدی، محقق، مترجم و نویسنده»، *کیهان فرهنگی*، س ۸، ش ۷ (دی ۱۳۷۰)، ص ۶۱. ***کتابشناسی جوانان*** / مریم رعیت‌آبادی، شهرزاد طاهری لطفی، نوشین عمرانی. ***کتابشناسی آذربایجان*** / ناهید حبیبی آزاد.

۳۱۵ اسراری، علی‌نقی

محقق

تولد ۱۳۲۵، تهران.

درگذشت ۲۶ آبان ۱۳۷۱.

علی‌نقی اسراری پس از اتمام تحصیلات متوسطه، به‌منظور ادامهٔ تحصیل عازم کشور آمریکا شد و بعد از طی مدارج علمی در سال ۱۳۵۲ موفق به اخذ دکتری در رشتهٔ تعلیم و تربیت گردید و سپس به ایران بازگشت و با رتبهٔ استادیاری در دانشگاه تربیت معلم مشغول به خدمت شد و در سال ۱۳۵۷ به مرتبهٔ دانشیاری ارتقا یافت.

دکتر علی‌نقی اسراری در سال ۱۳۷۰ مسئولیت معاونت دانشکدهٔ علوم تربیتی را پذیرفت. از وی دو کتاب به نام‌های ***مبانی اقتصاد آموزش و پرورش*** و ***مبانی برنامه‌ریزی درسی*** چاپ شده است. وی همچنین مقاله‌هایی را برای طبع در مجله‌های علمی داخل کشور به رشتهٔ تحریر در آورد.

منبع: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور، جلد سوم / محسن تهرانی‌زاده.

۳۱۶ افشار نادری، نادر

مدرس، محقق

درگذشت ۹ تیر ۱۳۵۸.

نادر افشار نادری مدیر بخش عشایرشناسی مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی و مدتی رییس آن مؤسسه بود. وی همچنین چندی عهده‌دار ریاست دانشکدهٔ علوم اجتماعی و بالاخره مؤسس و مدیر مؤسسهٔ روستاشناسی بود و در دانشکدهٔ علوم

اجتماعی نیز تدریس می‌کرد.

نادر افشار نادری مدت‌ها به تحقیقات در زمینهٔ عشایر جنوب ایران مشغول بود. از جمله آثار وی تهیه گزارش «مسائل و نیازهای کودکان و نوجوانان» برای سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۰) بوده است.

منابع: «وفات دکتر نادر افشار نادری»، آینده، س. ۵، ص. ۱۸۶. *کتابشناسی جوانان* / مریم رعیت‌آبادی، شهرزاد طاهری لطفی، نوشین عمرانی.

امامی، سید حسن　۳۱۷

محقق

تولد ۱۲۸۳.

درگذشت مرداد ۱۳۵۸، اروپا.

سید حسن امامی، فرزند ابوالقاسم، تحصیلات خود را در سوییس به پایان رسانید و به درجهٔ دکترایِ حقوق نایل گردید. پس از مراجعت به ایران وارد وزارت دادگستری شد و به ریاست دادگاه‌ها منصوب گردید و در ضمن در دانشکدهٔ حقوق به سمت استاد تاریخ عمومی و ثبت اسناد اشتغال داشت. بعد از وفاتِ عمویِ خود که امام جمعهٔ تهران بود، به‌جای وی به این سمت تعیین شد و به اقامهٔ نماز جماعت و وظایف این شغل اشتغال داشت. بعداً به ریاست مجلس شورای ملی نایل آمد و پس از چندی بالاجبار از شغل نمایندگی مستعفی و به اروپا مسافرت نمود.

از آثار اوست: ***حقوق مدنی ایران*** (در شش مجلد)؛ ***شرح قانون ثبت اسناد و املاک*** (۱۳۲۰).

منابع: «سید حسن امامی»، آینده، س. ۵، ص. ۴۰۶. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۵۱۱ـ۵۱۲ (به نقل از *پارلمان ایران* / به‌قلم دهناد).

انصاری، عبدالحسین مسعود　۳۱۸

مؤلف

تولد ۱۲۷۵.

درگذشت ۹ بهمن ۱۳۶۲.

عبدالحسین خان مسعود انصاری ملقب به «مدیرالدوله»، فرزند علیقلی مشاور الممالک، در مدرسهٔ علوم سیاسی تهران (۱۳۳۹ ق.) و دانشگاه مسکو به تحصیل علوم سیاسی و حقوقی پرداخت و درس عملی سیاست و رفتار دیپلماتیک را تا حدودی از پدرش که در وزارت امور خارجه سابقهٔ خدمت داشت، فرا گرفت. نزدیک پنجاه سال در وزارت امور خارجه بود. در سوئد، هلند، افغانستان، اتحاد جماهیر شوروی (دو بار)، پاکستان و هندوستان وزیر مختار بود. در هندوستان، افغانستان و پاکستان و شوروی (برای تاجیکستان و قفقاز) رایزن فرهنگی بود. وی در سال ۱۳۴۱ بازنشسته شد. مدتی نیز در گیلان، اصفهان و فارس منصب استانداری داشت.

«مدیر الدوله» انصاری صاحب دو کتاب زیر است: ***زندگانی من*** (شش جلد)؛ ***نگاهی به تاریخ معاصر ایران و جهان*** (تهران، ۱۳۴۹ ـ ۱۳۵۴).

منبع: «عبدالحسین مسعود انصاری (مدیرالدوله)»، آینده، س. ۱۰، ص. ۴۱ـ۴۴.

انصاری، هرمز　۳۱۹

محقق

تولد ۱۳۱۱، انزلی.

درگذشت ۶ خرداد ۱۳۶۵، اصفهان.

هرمز انصاری، فرزند سهام انصاری، پس از طی مدارس ابتدایی و متوسطه در اصفهان، از سال ۱۳۳۰ به ترتیب در دانشگاه‌های هامبورگ و کلن و برلین و فریبورگ به تحصیل حقوق و علوم سیاسی

پرداخت. وی در سال ۱۳۳۶ از مدرسهٔ عالی سیاسی برلین فارغ‌التحصیل شد. دو سال بعد در دانشگاه فریبورگ در بارهٔ «سازمان وزارت خارجهٔ آمریکا» به تحقیق پرداخت. در سال ۱۳۳۹ به ایران بازگشت و مدتی کار مترجمی را در شرکت‌های خارجی به عهده گرفت تا اینکه در مهر ۱۳۴۰ به آمریکا رفت و علوم مدیریت بازرگانی را آموخت. در بازگشت از آمریکا در مونیخ اقامت گزید و در آن شهر به‌موازات فعالیت‌های بازرگانی و روزنامه‌نگاری مخصوصاً با ماهنامهٔ «کاوه» (بین سال‌های ۱۳۴۲ الی ۱۳۴۶) مطالعات تازه‌ای را در مؤسسهٔ تحقیقات سیاسی دانشگاه مونیخ آغاز کرد. در سال ۱۳۴۳ پژوهشی پیرامون «منابع قانون اساسی آمریکا» انجام داد و در همان سال کتاب ***اصطلاحات آلمانی ــ فارسی*** را به چاپ رسانید. پس از تدوین رسالهٔ دکترایِ خود به نام «روابط ایران و آلمان بعد از جنگ بین‌الملل» به زبان آلمانی و انتشار آن از دانشگاه مونیخ به دریافت دکترایِ علوم سیاسی نایل آمد. این کتاب در آلمان هم به چاپ رسید. در بازگشت به ایران به شهرداری ناحیهٔ اصفهان منصوب شد (۱۳۴۷). در شهریور ۱۳۴۹ به عنوان مشاور برنامه‌ریزی به خدمت دانشگاه اصفهان در آمد و از مهر ۱۳۵۰ با سمت استادیاری به تدریس مسائل اقتصاد سیاسی پرداخت. در اسفند ۱۳۵۰ پژوهشی در بارهٔ «مشکلات ترافیک اصفهان و راه سامان بخشیدن به آن» را به پیش برد. در تابستان ۱۳۵۱ کتاب ***دیپلمات و روابط دیپلماتیک*** را منتشر ساخت. در همان سال در دانشگاه اصفهان به سمت مدیریت گروه علوم اجتماعی برگزیده شد و دو اثر تحقیقی دیگر از طرف دانشگاه به نام ***قانون شهرداری‌های ایران*** و ***مطالعاتی در باره انقلاب اداری ایران*** بر اساس و الگوی اصفهان انتشار داد.

آخرین اثر هرمز انصاری ***جامعه‌شناسی شهر اصفهان*** است که در زمان حیات توفیق انتشارش نصیب او نشد.

منبع: انصاری، نوذر، «دکتر هرمز انصاری»، آینده، س. ۱۲، ص. ۶۵۵ـ۶۶۶

۳۲۰ بابیوردی، حسین

محقق

تولد ۱۲۸۷، اهر.

درگذشت ۸ اسفند ۱۳۶۶، تهران.

حسین بابیوردی پس از طی دورهٔ تحصیلات ابتدایی به‌عنوان اولین سرباز وظیفهٔ قراچه داغ در سال ۱۳۰۷ خدمت نظام را در تبریز آغاز کرد و به تدریج مدارج مختلف خدمت از سربازی تا سرهنگی را گذراند و در سال ۱۳۳۷ بازنشسته گردید.

مقاله‌های او در مجلات «بررسیهای تاریخی»، «وحید»، «یغما»، «ارتش» و «ژاندارمری» منتشر شده و از تألیفات او ***تاریخ ارسباران*** (۱۳۴۱) و ***تاریخ پناهندگان ایران*** به چاپ رسیده است. ***تاریخ ارسباران*** حاوی تاریخچهٔ خانوادهٔ بابیوردی و قرانیی مربوط به آنها از سال ۹۰۰ق. تا عصر حاضر است.

منابع: «حسین بابیوردی»، آینده، س. ۱۴، ص. ۴۰۳ـ۴۰۴. *کتابشناسی آذربایجان* / ناهید حبیبی آزاد.

۳۲۱ بازرگان، مهدی

محقق، نویسنده، استاد

تولد ۱۲۸۶، تهران.

درگذشت ۳۰ دی ۱۳۷۳، سوییس.

مهدی بازرگان، فرزند حاج عباسقلی آقا تبریزی بازرگان طهرانی، در سال ۱۳۰۷ با نخستین گروه

دانشجویان ایرانی به اروپا رفت و در رشته‌های مهندسی ماشین و مهندسی نساجی از فرانسه فارغ‌التحصیل شد؛ پس از بازگشت به ایران، در همان رشتهٔ تخصصی خود در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. در سال ۱۳۲۰ با پای گذاشتن در کانون اسلام به فعالیت‌های سیاسی و دینی رو آورد. از سال ۱۳۱۴ (تا ۱۳۳۰) در دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران بر کرسی استادی نشست و از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۱ هم‌زمان ریاست این دانشگاه را نیز به عهده داشت. وی زمان دولت **دکتر محمد مصدق** به عنوان رییس هیئت مدیرهٔ موقت شرکت ملی نفت و سپس به عنوان مدیر عامل سازمان آب تهران به فعالیت می‌پرداخت.

مهندس مهدی بازرگان نخستین بار در سال ۱۳۳۴ گرفتار زندان شد و پس از آزادی، در بهمن ۱۳۴۱ دوباره دستگیر و به ده سال زندان محکوم شد. پس از آزادی از بند، در آبان سال ۱۳۴۶ به کار در شرکت‌های مهندسی روی آورد تا آنکه بار دیگر در شهریور سال ۱۳۵۷ دستگیر شد. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی (ره) به عضویت شورای انقلاب درآمد و زمانی کوتاه پس از آن به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت منصوب شد، اما با تسلیم استعفانامهٔ خود در اعتراض به اشغال سفارت آمریکا از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از سمت نخست وزیری کنار رفت.

وی در گذر عمر خود با گروه‌هایی چون «کانون اسلام»، «کانون مهندسی ایران»، «انجمن اسلامی مهندسین»، «جامعهٔ تعلیمات اسلامی» و «مؤسسهٔ دین و اخلاق» در زمینه‌های مذهبی همکاری بسیار داشت.

فهرستی از آثار وی به شرح زیر است: ***مطهرات در اسلام*** (چاپ دوم، ۱۳۳۳)؛ ***سیر تحول در قرآن***؛ ***راه طی شده*** (۱۳۲۷؛ این کتاب به‌دفعات به چاپ رسیده است)؛ ***اسلام یا کمونیسم***؛ ***عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان*** (۱۳۳۵)؛ ***بررسی نظریهٔ اریک فروم***؛ ***بی‌نهایت کوچکها***؛ ***مذهب در اروپا***؛ ***یادداشت‌هایی از سفر حج***؛ ***از خداپرستی تا خودپرستی***؛ ***اسلام و جوانان*** (۱۳۴۱)؛ ***انسان و خدا*** (۱۳۳۹)؛ ***بازی جوانان با سیاست***؛ ***ترمودینامیک صنعتی*** (۲ جلد، ۱۳۳۱ ـ۱۳۳۳)؛ ***حکومت واحد جهانی*** (۱۳۴۲)؛ ***خداپرستی و افکار روز***؛ ***خودجوشی***؛ ***ضریب و تبادل مادیات و معنویات***؛ ***مرز میان دین و سیاست***؛ ***مسئلهٔ وحی***.

پیکر مهندس مهدی بازرگان بنا بر وصیت خودش در قم به خاک سپرده شد.

منابع: «درگذشت مهندس مهدی بازرگان»، کیهان فرهنگی، س. ۱۱، ش. ۱۱ و ۱۲ (بهمن و اسفند ۱۳۷۳)، ص. ۵۸. ***زندگینامهٔ سیاسی مهندس بازرگان*** / سعید برزین. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۳۷۲ ـ ۳۷۴.

مترجم

تولد ۱۳۱۱.

درگذشت مهر ۱۳۷۰.

بهزاد باشی فارغ‌التحصیل رشتهٔ علوم سیاسی از دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران بود. در جوانی به زندان افتاد و موسیقی را پیش خود و پدرش (پیش از زندان) و در زندان‌های کودتای ۱۳۳۲ آموخت و با موسیقی کلاسیک به همین ترتیب آشنا شده بود.

فعالیت مطبوعاتی وی از سال ۱۳۳۵ آغاز شد و حدود سی سال به طول انجامید. مدتی مترجم بخش خارجی روزنامهٔ «کیهان» و سردبیر اخبار خارجی خبرگزاری پارس بود. علاوه بر چندین نشریه دیگر و سازمان رادیو و تلویزیون هم همکاری داشته

است. بهزاد باشی ده سال آخر عمر را بر ترجمهٔ کتاب پنج جلدی ***تاریخ جامع موسیقی*** که حجم آن بیش از چهار هزار صفحه است، صرف کرد که در سه جلد در سال ۱۳۶۹ منتشر شد. از ترجمه‌های دیگر وی می‌توان از: ***یوهان سباستیان باخ*** (آلبرت شوایتزر)؛ ***زندگی‌نامه سوکارنو***؛ ***خاطرات مک میلان***؛ ***خاطرات سارا چرچیل***؛ ***از استالین تا خروشچف***؛ ***تاریخچهٔ سینما***؛ ***تاریخچهٔ هواپیما***؛ ***تاریخ موسیقی***؛ ***زندگی شومان*** (نوشتهٔ جون شیسل)؛ ***آمریکای بزرگ و حقوق بشر***؛ ***جامعهٔ فئودالی***؛ ***خنیاگری و موسیقی ایرانی***؛ ***سلفای موسیقی ایران*** نام برد که همه آنها را از انگلیسی ترجمه کرده است.

*منابع: **گزارش نهمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران*** [برگزار شده در دههٔ فجر ۱۳۷۰]/ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ادارهٔ کل مراکز و روابط فرهنگی، دههٔ فجر [بهمن] ۱۳۷۱. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر*** / غلامحسین صالحیار، ص. ۶۳. فانی، کامران، «به یاد بهزاد باشی»، کلک، ش. ۵۶ـ۵۷ (مهر و آبان ۱۳۷۳)، ص. ۴۰۴ـ۴۰۷.

۳۲۳ بدیعی، ربیع

مدرس، جغرافیدان

تولد ۱۳۰۰.

درگذشت ۲۷ دی ۱۳۷۱.

ربیع بدیعی پس از دریافت لیسانس تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تهران به فرانسه رفت و در رشتهٔ جغرافیا درجهٔ دکتری گرفت. پس از بازگشت به تدریس پرداخت. وی مدت‌ها مدیریت گروه جغرافیای دانشگاه تهران را بر عهده داشت. از تألیفات وی ***جغرافیای مفصل ایران*** به چاپ رسیده است.

منابع: آینده، س. ۱۸، ص. ۲۵۶. و نیز س. ۱۹، ص. ۲۴۱.

۳۲۴ برکشلی، مهدی

مدرس، موسیقیدان

تولد ۱۲۹۱، تهران.

درگذشت ۱۹ دی ۱۳۶۶.

مهدی برکشلی تحصیلات ابتدایی را در دبستان توفیق و تحصیلات متوسطه را در دارالمعلمین مرکزی (سابق) و دبیرستان شرف در ۱۳۰۹ به پایان رسانید و تحصیلات دورهٔ لیسانس فیزیک و شیمی را در دانشسرای عالی (سابق) که بعداً به دانشگاه تهران تغییر نام یافت در سال ۱۳۱۲ تمام کرد و از همان تاریخ به تدریس ادامه داد. مدت‌ها تدریس فیزیک و شیمی را در دوره‌های دوم متوسطه دبیرستان‌های دارالفنون و ثروت را به عهده داشت. در آن سال‌ها فرصتی پیش آمد که در میان معلمینی که برای آشنایی با روش‌های جدید تعلیم و تربیت به خارج از کشور اعزام می‌شدند، به فرانسه برود. در پاریس علاوه بر مطالعات تعلیم و تربیت در مرکز بین‌المللی مطالعات تعلیم و تربیت در سور، در دانشگاه سرُبُن هم نام‌نویسی کرد و موفق شد دکترایِ دولتی در علوم را از این دانشگاه بگیرد و بعد هم چند سال در مرکز تحقیقات علمی فرانسه CNRS در رشته‌های تخصصی آکوستیک شامل آکوستیک ساختمانی، آکوستیک فیزیولوژیک و آکوستیک موسیقی به فعالیت پرداخت و با گرفتن دکترایِ تخصصی از دانشگاه اکس‌مارسی به ایران باز گشت. دکتر برکشلی همچنین دارای دیپلم عالی مدرسهٔ عالی موسیقی در رشتهٔ موسیقی عملی بود.

به سبب ارتباط مستقیم رشتهٔ موسیقی و رشتهٔ فیزیک، به شناخت خصوصیات موسیقی سنتی ایران و تاریخ آن، مطالعات و تحقیقاتی بر مبنای تألیفات و نوشته‌های فارابی، ابن سینا، صفی‌الدین و دیگر فلاسفهٔ ایران پرداخت و نتیجهٔ تحقیقات وی در مجله‌های داخلی و خارجی و نیز به صورت کتاب به

چاپ رسید. وقتی به تهران برگشت، به عنوان بازرس تعلیماتی وزارت فرهنگ (که بعداً به وزارت آموزش و پرورش تغییر نام یافت) شروع به کار کرد و سپس برای طرح‌ریزی ادارهٔ هنرهای زیبا مأموریت یافت و چند سالی در آنجا مشغول به کار بود.

پس از آن در دانشگاه تهران در گروه فیزیک دانشکدهٔ علوم به تدریس دروسی مانند حرارت، مکانیک، الکترومگنتیک، فیزیک جدید، آکوستیک و سایر رشته‌ها اشتغال ورزید و سرانجام به سمت مدیر گروه فیزیک دانشگاه تهران انتخاب شد.

از جمله فعالیت‌های دکتر برکشلی می‌توان به تأسیس گروه موسیقی و گروه تئاتر در دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران و تأسیس مؤسسهٔ تحقیقات موسیقی‌شناسی در فرهنگستان ادب و هنر، تأسیس کمیتهٔ ملی موسیقی یونسکو اشاره کرد. وی علاوه مقاله‌های تحقیقی در مجله‌های مختلف، و نیز تدوین کتاب‌های درسی فیزیک و شیمی در دورهٔ متوسطه و کتاب‌های درسی دانشگاهی از قبیل ***حرارت***؛ ***مکانیک***؛ ***فیزیک جدید***؛ ***آکوستیک*** و چند کتاب دیگر، کتاب ***شرح ردیف موسیقی سنتی ایران*** (گردآوری به همت موسی معروفی، ۱۳۴۲) را نیز به رشتهٔ تحریر در آورده است. خلاصه‌ای از این کتاب در ***دانشنامهٔ پلیاد*** به زبان فرانسوی به چاپ رسیده است. کتاب‌های دیگر او ***گام‌ها و دستگاه‌های موسیقی ایران*** و ***موسیقی دورهٔ ساسانی*** (فارسی و فرانسوی، تهران، ۱۳۲۶، نشریهٔ ۲۴ دانشگاه) نام دارد.

منابع: برکشلی، مهدی، «فرهنگ و تمدن حقایق متمایز، متن سخنرانی استاد فقید دکتر مهدی برکشلی، به یاد نخستین سال خاموشی شادروان دکتر مهدی برکشلی»، *کیهان فرهنگی*، س. ۵، ش. ۱۰ (دی ۱۳۶۷)، ص. ۳۶ـ۳۸. بولتن دهمین جشنواره موسیقی‌فجر، ش. ۲. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۳۷۶ ـ ۳۷۷.

مدرس، مؤلف، مترجم

تولد آذر ۱۲۸۹، تهران.

درگذشت ۲۷ آبان ۱۳۶۵، آمریکا.

منوچهر بزرگمهر، فرزند میرزا یوسف خان ملقب به علیم‌السلطنه از پزشکانی بود که دورهٔ طب را در فرانسه گذرانده بود. بزرگمهر تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدرسهٔ آمریکایی تهران به پایان برد و بعد از آن که دو سال در مدرسهٔ حقوق به تحصیل پرداخت به سال ۱۳۱۱ برای ادامهٔ تحصیل به انگلستان رفت و پس از اخذ درجهٔ لیسانس حقوق از دانشگاه بیرمنگام به ایران بازگشت. ابتدا در وزارت معارف مشغول به کار شد. پس از خدمت نظام وظیفه، در وزارت امور خارجه مشغول به کار شد. در سال ۱۳۱۸ به استخدام شرکت بیمه در آمد. در سال ۱۳۱۹ به مشهد منتقل شد؛ مدتی در راه‌آهن مشغول به کار شد. سرانجام در شرکت نفت (ابتدا در آبادان از سال ۱۳۲۱ الی ۱۳۳۳ و سپس در تهران تا سال ۱۳۴۵) اشتغال یافت. وی بین سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۵۵ مشاور حقوقی کنسرسیوم بود. وی از سال ۱۳۴۱ الی ۱۳۴۵ نیز در دانشگاه تدریس می‌نمود.

وی از ابتدای جوانی به ادبیات فارسی و عربی و انگلیسی علاقه‌مند بود. پیش از سفر به اروپا ***گلستان*** و ***کلیله و دمنه*** را نزد علیمحمد خان عامری و ***مرزبان‌نامه*** را به فارسی و ***مدارج القرائه*** و ***مبادی‌العربیه*** را به عربی و ***جواهرالادب*** را به انگلیسی نزد شاهزاده فرهی آموخت. در مقدمات علوم اسلامی از قبیل منطق و معانی بیان و مختصری از فقه و اصول نیز از استادانی مانند شیخ محمد سنگلجی و آقا میرزا محمود شهابی و بدیع‌الزمان فروزانفر و شیخ علی بابافیروزکوهی استفاده کرد.

پس از مراجعت از اروپا، چنانکه خود در بیان

احوال خود گفته است: "مدتی تلمذ متروک شد". در ۱۳۲۶ مجدداً در آبادان نزد استادی به نام سید موسی، قدری فقه خواند و در ۱۳۲۸ در تهران نزد عرفان که خود از شاگردان میرزا احمد آشتیانی بود، ***شرح الفیه*** و در ۱۳۳۲ در مدرسهٔ نوربخش بروجرد نزد شیخ علی جواهری مقدرای ***مطول*** خواند. پس از مراجعت از خوزستان در ۱۳۳۵ ***شرح هدایه میبدی*** و قدری از ***شرح منظومه*** را از عرفان آموخت و در همان سال‌ها در کلاس درس ***مطول*** همایی در دانشگاه شرکت کرد.

بزرگمهر با آنکه در فلسفهٔ غربی تحصیل نکرده بود به مطالعهٔ کتاب‌های فلسفی غربی و ترجمهٔ آنها پرداخت. تحصیل در انگلستان و آشنایی به زبان انگلیسی، بزرگمهر را به مطالعه و ترجمهٔ آثار فیلسوفان تجربی مذهب انگلیسی و فلاسفهٔ جدید غرب سوق داد و از این رهگذر تعدادی کتاب فلسفی به قلم او به زبان فارسی درآمد. این کتاب‌ها و آثار دیگر که فلسفه محور اصلی آنها را تشکیل می‌دهد عبارتند از: **پوپر** (بریان مگی)؛ ***تحلیل ذهن*** (برتراند راسل)؛ ***رساله در اصول علم انسانی*** (جرج برکلی)؛ ***رساله در بارهٔ فهم انسانی*** (اثر جان لاک، تهران، ۱۳۳۵)؛ ***زبان، حقیقت، منطق*** (ا. اچ. آیر)؛ ***ژان پل سارتر*** (موریس کریستن)؛ ***سه گفت و شنود*** (جرج برکلی)؛ ***فلسفه چیست؟*** (مجموعهٔ مقاله‌های منتشر شده در مجلهٔ «سخن» و بعضی نشریات دیگر)؛ ***فلسفهٔ تحلیلی منطقی*** (مجموعهٔ مقاله‌های منتشر شده در مجلهٔ «سخن» که قسمتی از آنها به نقد کتاب ***کاوش‌های عقل نظری*** تألیف مهدی حائری یزدی اختصاص دارد)؛ ***فلسفهٔ نظری*** (منتخبات از فلسفهٔ اروپایی، دو جلد)؛ ***کارناپ*** (آرن نائس)؛ ***کانت*** (فردریک کاپلستون)؛ ***گذشته‌های فلسفی فلاسفه تجربی انگلستان*** (لاک و برکلی)؛ ***مسائل فلسفه*** (برتراند راسل)؛ ***مسائل و نظریات فلسفه*** (ک. آژدوکیویچ)؛ ***منطق سمبلیک***؛ ***ویتگنشتاین*** (یوستوس هارت‌ناک).

از بزرگمهر در سال‌های جوانی و قبل از آنکه به ترجمه و تألیف کتب فلسفی روی آورد، چند کتاب دیگر نیز به نام‌های زیر به جا مانده است: ***از بیرون گود*** (۱۳۲۸)، ***دیگ جوش قلندر*** (۱۳۳۰)؛ ***عرفان نو*** (۱۳۲۲) و ***مرقعات صاحبدل*** که مجموعه مقاله‌های منتشره در روزنامهٔ «پند» است (۱۳۲۴) (نام مستعار مطبوعاتی وی «صاحبدل» بود).

علاوه بر این ترجمه‌ها و تألیفات، بزرگمهر چندین سال در دورهٔ فوق‌لیسانس و دکترای فلسفهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، به تدریس درسهایی مانند فلسفهٔ تجربی، تفسیر متون فلسفی به زبان‌های اروپایی، منطق جدید و فلسفهٔ تحلیل منطقی اشتغال داشت و در بعضی دانشکده‌های دیگر نیز تدریس می‌کرد.

منوچهر بزرگمهر همچنین در جلسات درس هفتگی در فلسفهٔ تطبیقی که از سال ۱۳۵۲ الی ۱۳۵۷ ادامه داشت، با حضور استاد مرتضی مطهری و حمید عنایت (و به پیشنهاد او) شرکت می‌جست. این جلسات بعدها به مجلس درس منظومه بدل شد و دو جلد ***شرح مبسوط منظومه*** از آن حلقهٔ درس و بحث باقی مانده است.

منابع: غلامعلی حداد عادل، «مترجم آثار فلسفی درگذشت»، کیهان فرهنگی، س ۳، ش ۱۰ (دی ۱۳۶۵)، ص ۴۲ ـ ۴۳. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر***/ غلامحسین صالحیار، ص ۱۵۲. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد ششم، ص ۳۰۵ ـ ۳۰۶. «منوچهر بزرگمهر»، آینده، س ۱۲، ص ۸۳۱ ـ ۸۳۲. «بزرگداشت منوچهر بزرگمهر»، کلک، ش ۸۳ ـ ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص ۳۰۳ ـ ۳۱۸.

۳۲۶ بهنام، عیسی

باستان‌شناس، مترجم، مدرس

تولد ۱۲۸۵، در محلهٔ عودلاجان تهران.
درگذشت ۹ آذر ۱۳۶۳،

عیسی بهنام پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در تهران در سال ۱۳۰۸ در نخستین گروه دانشجویان اعزامی برای ادامهٔ تحصیل در رشتهٔ باستان‌شناسی به فرانسه رفت و در طی هشت سال در مدرسهٔ لوور، دانشکدهٔ ادبیات مؤسسهٔ هنر و باستان‌شناسی فرانسه به تحصیل پرداخت. سپس به ایران بازگشت. در سال ۱۳۱۹ به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به جای اشمیت، ریاست هیئت علمی تخت جمشید را به‌عهده گرفت و تدریس در دانشگاه تازه تأسیس تهران را از سال ۱۳۲۰ آغاز کرد و رشتهٔ باستان‌شناسی را پایه‌گذاری کرد. وی مدت بیست و سه سال به تدریس در دانشگاه پرداخت. همچنین نشان‌های علمی از دانشگاه‌های بین‌المللی دریافت کرده است.

عیسی بهنام در برگزاری نمایشگاه‌های آثار ایران در پاریس و نمایشگاه جهانی بروکسل و مسکو در شناساندن تاریخ و فرهنگ ایران نقش بسیاری داشته است. از فعالیت‌های دیگر وی، تأسیس موزهٔ مردمشناسی بود. چندی هم منشیگری و مترجمی سفارت افغانستان در تهران را عهده‌دار بود.

از جمله تألیفات وی می‌توان به این آثار اشاره کرد: ***تاریخ صنایع و تمدن مردم فلات ایران پیش از تاریخ*** (۱۳۲۰)؛ ***راهنمای موزهٔ ایران باستان*** (به فرانسه و فارسی)؛ ***راهنمای آثار باستانی پاسارگاد*** (به فرانسه و فارسی)؛ ***تمدن ایران پیش از شروع تاریخ***؛ ***تمدن ایرانی*** (اثر چند تن از خاورشناسان فرانسوی؛ ۱۳۴۶)؛ ***تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی*** (۱۳۲۷).

همچنین مقاله‌هایی برای مجله‌های «دانشکدهٔ ادبیات»، «هنر و مردم»، «سخن»، «پیام نوین»، «هنر و زندگی»، «ژورنال دو تهران» (به زبان فرانسوی) و «معماری ایران» به رشتهٔ تحریر در آورده است.

از آثار ترجمهٔ عیسی بهنام می‌توان به این عناوین اشاره کرد: ***تمدن ایرانی*** (مجموعهٔ مقالات خاورشناسان معاصر فرانسوی، ۱۳۳۷)؛ ***هنر ایران، ماد و هخامنشی*** (از رمان گریشمن، ۱۳۴۶)؛ ***باستان‌شناسی ایران باستان*** (از لویی واندنبرگ، ۱۳۴۵)؛ ***خانوادهٔ رومانوف***؛ ***کاروانسراهای ایران***.

منابع: «دکتر عیسی بهنام، پیر باستانشناسی درگذشت»، کیهان فرهنگی، س. ۱، ش. ۹ (آذر ۱۳۶۳)، ص. ۴۴. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۶۴۶ـ۶۴۷. ***تمدن ایرانی***/ عیسی بهنام، مقدمه. «عیسی بهنام»، آینده، س. ۱۰، ص. ۷۶۰ـ۷۶۱. ***کتابشناسی آذربایجان***/ ناهید حبیبی آزاد.

۳۲۷ پاشا صالح، علی

مدرس

تولد ۵ بهمن ۱۲۸۰، کاشان.
درگذشت ۲ بهمن ۱۳۶۹، تهران.

علی پاشا صالح، فرزند میرزا حسن خان مبصرالممالک کاشانی، پس از گذرانیدن دورهٔ مکتب و مدرسهٔ ابتدایی در کاشان، تحصیلات متوسطه را در مدرسهٔ آمریکایی تهران ادامه داد. سپس در مدرسه‌های تجارت و نظام به تدریس پرداخت. چندی هم رییس دارالترجمهٔ وزارت مالیه و پس از آن به دعوت علی اصغر حکمت سرپرست ادارهٔ کل انطباعات وزارت معارف بود.

از زمانی که دانشگاه تهران تأسیس شد، در دانشکدهٔ حقوق به تدریس متون حقوقی به زبان انگلیسی پرداخت. از کارهای با ارزش او در این دوره ترجمهٔ متن قانون اساسی ایران به زبان انگلیسی

بود. ضمناً در مؤسسه وعظ و خطابهٔ دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی تدریس آیین سخنوری و فن خطابه را بر عهده داشت.

آثار زیر از اوست: ***اصول تربیت جسمانی و حفظ الصحه*** (ترجمه، ۱۳۰۶)؛ ***آثار ایران*** (ویرایش مجلدی که سید محمد تقی مصطفوی ترجمه کرد، ۱۳۱۶)؛ ***آداب مناظره*** (۱۳۱۷)؛ ***آثار ایران*** (دفتر سوم، ۱۳۱۸)؛ کتاب ***انگلیسی*** دبیرستانی با همکاری عبدالله فریار (شش جلد، ۱۳۱۹)؛ ***تاریخ ادبی ایران*** (تألیف ادوارد براون، جلد اول، ۱۳۲۳؛ جلد دوم، ۱۳۵۸)؛ ***سرگذشت قانون*** (مباحثی از تاریخ حقوق، ۱۳۳۵)؛ ***آداب سخن ــ اصول فن خطابه*** (۱۳۳۷)؛ ***قوهٔ مقننه و قوهٔ قضاییه ــ نظری به تاریخ حقوق ایران*** (۱۳۴۳). در سال‌های پایانی عمر به نگارش فرهنگ حقوقی پرداخت.

منبع: «علی پاشا صالح»، آینده، س ۱۷، ص ۱۷۳ ــ ۱۷۶.

پرویز، عباس　　۳۲۸

مورخ، محقق

تولد ۱۲۸۶.

درگذشت ۲۰ آذر ۱۳۶۶.

عباس پرویز، فرزند حسین پرویز (آزادیخواه عضو حزب دمکرات از سال ۱۳۲۷ ق. به بعد و از مؤسسان و مدیر کتابخانهٔ طهران)، چندی در فرانسه تحصیل کرد. پس از بازگشت به ایران در سمت معلمی دبیرستان‌ها سال‌های دراز تدریس کرد و کتاب‌های درسی نوشت. وی از سال ۱۳۵۱ به مدت یک سال در مؤسسهٔ انتشارات دانشگاه تهران به ویراستاری مشغول بود. فهرست تألیفات وی به شرح زیر است: ***تاریخ اروپا در قرون وسطی*** (۱۳۱۶)؛ ***تاریخ اروپا در قرون هفدهم و هیجدهم*** (برای پنجم ادبی، ۱۳۱۶)؛ ***تاریخ ایران در قرون نوزدهم و بیستم*** (۱۳۱۶)؛ ***تاریخ دو هزار و پانصد سالهٔ ایران*** (۱۳۴۳)؛ ***جغرافیای اقتصادی ایران و انگلیس و فرانسه و آلمان*** (۱۳۱۸)؛ ***از طاهریان تا مغول*** (۱۳۲۰)؛ ***فهرست تاریخ ایران*** (۱۳۲۶)؛ ***تاریخ دیالمه و غزنویان*** (۱۳۳۶)؛ ***تاریخ ایران بعد از اسلام تا عصر حاضر***؛ ***تاریخ روابط ایران با اروپاییان در دوران سلطنت صفویه و قاجاریه***؛ ***تاریخ عمومی و اروپا از قرون وسطی تا پایان جنگ بین‌المللی اول***؛ ***جغرافیای اقتصادی عمومی ایران*** (برای سال ششم ادبی)؛ ***از عرب تا دیالمه***؛ ***تاریخ تمدن جدید دنیا و ایران***؛ ***سلاجقه و خوارزمشاهیان***؛ ***قیام ایرانیان در راه تجدید مجد و عظمت ایران***؛ ***کلیات جغرافیا*** (با همکاری نصرالله فلسفی و علی‌اصغر شمیم). مقاله‌هایی از وی در نشریهٔ «بررسیهای تاریخی» به چاپ رسیده است.

منابع: «عباس پرویز»، آینده، س ۱۴، ص ۷۵. ***کتابشناسی آذربایجان*** / ناهید حبیبی آزاد.

پورحسینی، سید ابوالقاسم　　۳۲۹

مدرس، مترجم

تولد ۱۲۹۹، کرمان.

درگذشت ۲۷ آذر ۱۳۶۵، شهداد.

سید ابوالقاسم پورحسینی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان برد. آنگاه به تهران آمد و در سال ۱۳۲۲ از دانشگاه تهران در رشتهٔ فلسفه فارغ‌التحصیل شد و به زادگاه خود بازگشت و با شغل دبیری کار فرهنگی خود را آغاز نمود. وی در طول چهل سال خدمت فرهنگی مشاغلی متعدد چون نظامت دانشسرای مقدماتی کرمان، ریاست دانشسرای کرمان و فرهنگ شهداد و رفسنجان، معاونت استان کرمان و ... برعهده‌اش

بود. طی پانزده سال خدمت فرهنگی در استان کرمان حدود ۱۲۲ مدرسهٔ ابتدایی در این شهر احداث کرد. در سال ۱۳۳۷ به تهران بازگشت و در وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد و پس از چندی به ریاست دبیرخانهٔ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران منصوب شد (۱۳۴۲ ـ ۱۳۶۲) و در ضمن به تدریس در این دانشکده نیز می‌پرداخت.

در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تهران در رشتهٔ فلسفه دکتری گرفت. در طی اقامتش در کرمان روزنامهٔ «روح‌القدس» را پی‌افکند و سه سال متوالی آن را منتشر نمود و دو نشریه را در دانشسرای مقدماتی کرمان فراهم ساخت. مقالات و اشعار او در روزنامه‌های «استقامت»، «صدای کرمان» و «بیداری» چاپ می‌شد.

دکتر پورحسینی شعر نیز می‌گفت و غزلیات، دوبیتی‌ها و قصایدی از او به یادگار مانده است و تخلص او «واصل» بود. وی از سال ۱۳۳۵ به بعد در هیئت مدیرهٔ انجمن ادبی عضویت داشته است.

فهرست آثار دکتر پورحسینی به شرح زیر است: ترجمهٔ ***اخلاق نیکوماخوس*** ارسطو به فارسی و تطبیق آن با کتاب ***تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*** *(= الطهاره)* مسکویه؛ ترجمهٔ رسالهٔ ***سلامان و آبسال*** ابن سینا؛ ***فراسوی تناقض***؛ ***افلاطون***؛ ***مشارب عمدهٔ اخلاقی***؛ ***فلسفهٔ اپیکور***؛ ***فلسفهٔ رواقی***؛ ***فلسفه اخلاق شرح نمط نهم اشارات***؛ ***فیثاغورثیان***، از انتشارات مجلهٔ «دانشکدهٔ ادبیات»؛ ***رواقیون***، رساله‌ای در بارهٔ فلسفهٔ اخلاقی ابن حکماء؛ کتب و آثار خطی مسکویه به صورت مقاله در مجلهٔ «معارف اسلامی»؛ ترجمهٔ اشعار در مجلهٔ «یغما». آثار ترجمه نشدهٔ وی عبارتند از ***فرهنگ لغات و اصطلاحات کرمان***؛ ***فلسفه بعد از سقراط***؛ ***سقراط***؛ ***هراکلیتوس***؛ ***فلسفهٔ یاسپرس***؛ ***سلسله مقالات عرفانی***؛ ***مردمی و نامردمی‌ها***.

پیکر دکتر پورحسینی بنابر وصیت خود در جوار مرقد امامزاده زید به خاک سپرده شد.

منابع: «درگذشت استاد فلسفه»، کیهان فرهنگی، س ۳، ش ۱۰ (دی ۱۳۶۵)، ص ۴۲ ـــ ۴۳. ***ستارگان کرمان***/ ص ۱۲۴ ـ ۱۲۶. «ابوالقاسم پورحسینی»، آینده، س ۱۲، ص ۸۳۳. «یادی از دکتر پورحسینی»، کلک، شمارهٔ ۸۳ ـ ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص ۶۳۷ ـ ۶۳۸.

۳۳۰ تفضلی، محمود

محقق

تولد ۱۲۹۷، مشهد.

درگذشت ۴ مهر ۱۳۶۳، جادهٔ مشهد.

محمود تفضلی، فرزند مصدق‌السلطان، بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطهٔ خود در زادگاهش، تحصیلات عالی را در دانشسرای عالی تهران در رشتهٔ باستان‌شناسی دنبال کرد. در امتحانات نهایی دورهٔ لیسانس با احراز رتبهٔ اول موفق به دریافت مدال درجهٔ یک علمی (مدال طلا) گردید و سال‌ها در دبیرستان‌های تهران (دبیرستان البرز و دبیرستان‌های دیگر) با سمت دبیری به تدریس مشغول بود. وی همچنین مدتی در موزهٔ ایران‌باستان کار می‌کرد.

محمود تفضلی با نام مستعار «گرسنه» نیز مطالب خود را امضا می‌کرده است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۱ آغاز کرده و مدت‌ها با روزنامه‌های «نبرد» و «ایران ما» همکاری داشته و زمانی نیز صاحب امتیاز روزنامهٔ «تلاش» بود. وی همچنین مدتی به مدیریت «نامهٔ موسیقی» برگمارده شد و هفت شماره از آن مجله را منتشر ساخت.

تفضلی در کشورهای نپال، ترکیه، یونان و خصوصاً هندوستان تجاربی اندوخته بود. وی به انتخاب وزارت فرهنگ و هنر به رایزنی فرهنگی به ترکیه و هندوستان رفت و چندین سال در این

کشورها اقامت داشت. به‌ویژه به علت تعلق خاطری که به فرهنگ هندوستان داشت، در راه شناسایی ادب این کشور تلاش بسیار کرد. از وی ترجمه‌های ارزنده‌ای به‌جای مانده است که از آن جمله است: ***اندیشه‌های نهرو*** (ترجمه از انگلیسی؛ ۱۳۴۰)؛ ***نگاهی به تاریخ جهان*** (سه جلد، ترجمه از انگلیسی، تألیف جواهر لعل نهرو؛ ۱۳۳۷ ــ ۱۳۳۹)؛ ***روابط ایران و هند*** (اثر جواهر لعل نهرو، ترجمه از انگلیسی، ۱۳۳۸، نشریهٔ سفارت هند)؛ ***ایتر پرسیکوم، گزارش سفارتی به دربار شاه‌عباس اول*** (از ژرژ تکتاندر فن دریابل، ۱۳۵۱)؛ ***مرآت الممالک، سفرنامه‌ای به خلیج فارس...*** (از سید علی کاتبی، با همکاری علی گنجدلی، ۱۳۵۵)؛ ***کودتا، نفت، مصدق*** (ترجمه و گردآوری، ۱۳۵۹)؛ ***نامه‌های پدری به دخترش*** (اثر جواهر لعل نهرو، ترجمه از انگلیسی، ۱۳۴۱)؛ ***کشف هند*** (دو جلد، ترجمه از انگلیسی، تألیف جواهر لعل نهرو، ۱۳۵۱)؛ ***همه مردم برادرند*** (ترجمه از انگلیسی، تألیف مهاتما گاندی، ۱۳۴۸)؛ ***حقیقت من*** (ترجمه از انگلیسی، تألیف ایندیرا گاندی، ۱۳۶۲)؛ ***زندگانی بتهوون*** (اثر رومن رولان، ترجمه از فرانسه؛ ۱۳۲۸)؛ ***اتوبیوگرافی فرانکلین*** (اثر بنجامین فرانکلین، ۱۳۴۲)؛ ***زندگانی من*** (اثر جواهر لعل نهرو؛ با مقدمهٔ دکتر تاراچند؛ ۱۳۳۵)؛ ***زندگانی یوهان سباستیان باخ*** (نشریهٔ شمارهٔ شش ادارهٔ موسیقی کشور، ۱۳۲۹)؛ ***سفری به مسکو*** (چاپ دوم، ۱۳۳۲)؛ ***شاندور پتوفی شاعر انقلاب مجار*** (ترجمه با مشارکت انکلا بارانی، ۱۳۳۱)؛ ***گفت و شنود با آقای نهرو*** (۱۳۳۸)؛ ***مجموعه در بارهٔ مهاتما گاندی پدر ملت هند*** (۱۳۳۷)؛ ***مجموعهٔ اشعار در توحید و حقانیت دین مبین اسلام*** (۱۳۳۵)؛ ***نامه‌های تیرباران شده‌ها*** (۱۳۳۰)؛ ***شوپن یا شاعر*** (از گی دوپورتاس، ۱۳۳۶)؛ ***دوستی، دوستی*** (یادداشت‌های یک شرکت‌کننده در جشنوارهٔ برلین، ۱۳۳۱)؛ ***هفت شاهی*** (شامل داستان‌های: «یک فاجعه»؛ «آخور چوبی»؛ «یکبار سیر شدن»؛ «تحصیل مجانی در دبیرستان»؛ «بیچاره‌ها»؛ اثر زیگموند مورتیس، ۱۳۳۱)؛ ***هند ۱۹۵۹م.*** (۱۳۳۷، نشریهٔ اطلاعات سفارت هند).

تفضلی در آستانهٔ وفاتش به‌عنوان مشاور فرهنگی مؤسسهٔ جدیدالتأسیس چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی برگزیده شده بود.

محمود تفضلی بر اثر تصادف در جاده مشهد در چهارم مهر ۱۳۶۳ به دار باقی شتافت.

منابع: چهرهٔ مطبوعات معاصر / غلامحسین صالحیار، ص. ۱۲. «محمود تفضلی»، نشر دانش، س. ۴، ش. ۶ (مهر و آبان ۱۳۶۳)، ص. ۷۵. «محمود تفضلی، مترجم و نویسندهٔ نامدار درگذشت»، کیهان فرهنگی، س. ۱، ش. ۷ (مهر ۱۳۶۳)، ص. ۳۸. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۱۸ ــ ۲۰. «محمود تفضلی»، آینده، س. ۱۰، ص. ۷۵۹ ــ ۷۶۰.

جاوید کبیری، غلامحسین ۳۳۰/۱

مدرس، محقق کتابداری

تولد ۱۳۲۳، مشهد.

درگذشت ۳ آبان ۱۳۷۴، مشهد.

غلامحسین جاوید کبیری در سال ۱۳۵۱ موفق به اخذ درجهٔ لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه مشهد گردید و در ادامهٔ آن به اخذ درجهٔ فوق لیسانس کتابداری از دانشگاه تهران نایل آمد. سوابق خدمت حرفه‌ای او با شروع فهرست‌نویسی در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه صنعتی شریف (آریامهر سابق)، از سال ۱۳۵۱ الی ۱۳۵۴، آغاز شد. سپس به سمت سرپرست کتابخانهٔ مرکز تحقیقات هسته‌ای سازمان انرژی اتمی ایران (۱۳۵۴ ــ ۱۳۶۱) منصوب گردید.

در سال ۱۳۶۳ به سمت ریاست کتابخانهٔ مرکزی

و مرکز اسناد دانشگاه فردوسی مشهد انتخاب شد. با کوشش و فعالیت‌های وی و دیگر همکارانش نظام فهرست‌نویسی متمرکز در کتابخانه‌های دانشگاه مشهد به اجرا درآمد و از آن پس سازماندهی و آماده‌سازی کل مجموعهٔ کتب فارسی، عربی و لاتین کتابخانه‌های دانشگاه مشهد در کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد انجام گرفت. از دیگر فعالیت‌های پژوهشی او تدوین طرح فهرستگان کتاب‌های فهرست‌شده در دانشگاه مشهد بود که با سرپرستی و نظارت وی و کوشش همکارانش اولین جلد آن در سال ۱۳۶۲ منتشر شد. سپس دو جلد دیگر نیز به زیور طبع آراسته شد.

از سال ۱۳۶۴ فعالیت‌های آموزشی ایشان به عنوان مدرس و سپس مربی گروه کتابداری آغاز شد و تا پایان عمر به انجام خدمات آموزشی اشتغال داشت.

از غلامحسین جاوید کبیری آثاری بر جای مانده است: ***طرح تشکیلات کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه مشهد*** (مشهد، ۱۳۶۲)؛ ***طرح پیشنهادی برای ایجاد مرکز هماهنگی و تهیه مدارک (کتب و مجلات)*** (با همکاری حسن جاویدی و رحمت‌الله فتاحی؛ مشهد، ۱۳۶۲)؛ ***صورت کتاب‌های فهرست‌شده در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد ده ساله ۱۳۵۲ ـ ۱۳۶۲)*** (با همکاری محمد جوان خندان، محمد علی خاکساری، محمدرضا شائچیان، ملیحه ناظم، نقیب نقوی؛ مشهد، ۱۳۶۲)؛ نظارت بر ***بررسی اجمالی مسائل کتابخانه‌های دانشگاه مشهد*** (گروه تحقیق: حسن جاویدی، رحمت‌الله فتاحی، مهری پریرخ؛ مشهد، ۱۳۶۳)؛ ***پیرامون نقش آموزشی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه فردوسی مشهد*** (با همکاری رحمت‌الله فتاحی؛ مشهد، ۱۳۶۳)؛ ***فهرست توصیفی انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد از بدو تأسیس تا مهر ۱۳۶۲*** (با همکاری محمد علی خاکساری و رحمت‌الله فتاحی؛ ۱۳۶۴)؛ ***صورت کتاب‌های فهرست‌شده در کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد دو ساله ۱۳۶۲ ـ ۱۳۶۴)*** (با همکاری حسن جاویدی، محمد علی خاکساری، رحمت‌الله فتاحی، عاطفه عطرچی و ملیحه ناظم؛ ۱۳۶۵)؛ نظارت بر تحقیق کتاب ***فهرست پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، جلد اول*** (مشهد، ۱۳۶۷)؛ ***صورت کتاب‌های فهرست‌شده در کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد سه ساله ۱۳۶۴ ـ ۱۳۶۷)*** (با همکاری رحمت‌الله فتاحی، محمد علی خاکساری، حسن جاویدی، ملیحه ناظم و محمد بنکدار؛ مشهد، ۱۳۶۹).

غلامحسین جاوید کبیری به سبب حملهٔ قلبی در سوم آبان ۱۳۷۴ دار فانی را وداع گفت.

منبع: «یاد همکاری فقید»، پیام کتابخانه، س. ۵، ش. اول و دوم، ص. ۱۴۴.

۳۳۱ جزایری، سید شمس‌الدین

مدرس، مؤلف

تولد ۱۲۹۲، تهران.[۱]

درگذشت اواخر مهر ۱۳۶۹.

سید شمس‌الدین جزایری، فرزند سید حسن شوشتری، تحصیلات ابتدایی خود را در تهران به پایان رساند و سپس وارد مدرسهٔ دارالفنون گردید. پس از فراغت از تحصیل از دارالفنون به اروپا رفت و در رشتهٔ حقوق بین‌الملل تحصیل و به درجهٔ دکتری نایل گشت. رسالهٔ وی در مقطع دکتری ***بحران اقتصادی و تأثیرات آن بر ایران*** نام داشت که در

۱. تاریخ تولد سید شمس‌الدین جزایری در کتاب ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** ۱۲۸۳ درج شده است.

پاریس در سال ۱۹۳۸ به چاپ رسید.

دکتر شمس‌الدین جزایری پس از مراجعت به ایران به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و در دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. وی در سال ۱۳۲۹ به‌عنوان وزیر فرهنگ دولت رزم‌آرا معرفی شد (که از ۶ تیر الی ۱۷ بهمن همان سال وزیر فرهنگ بود). وی همچنین در دورهٔ هیجدهم قانونگذاری نیز به مجلس شورای ملی راه یافت.

دکتر شمس‌الدین جزایری بیشتر اوقات زندگی خود را به تدریس دروس مالیه، اقتصاد سیاسی، حقوق کار و بیمه‌های اجتماعی در دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران گذرانید و تألیفاتی نیز دارد که عبارتند از ***اقتصاد اجتماعی*** (تهران، ۱۳۳۵، نشریهٔ ۳۵۶ دانشگاه)؛ ***حقوق کار و بیمه‌های اجتماعی***؛ ***قوانین مالیه و محاسبات عمومی و مطالعهٔ بودجه از ابتدای مشروطیت تابحال*** (تهران، ۱۳۳۵، نشریهٔ ۳۲۳ دانشگاه).[۱]

منابع: وزرای آموزش و پرورش ایران، وزرای معارف ایران/ احمد عبدالله‌پور، ص. ۱۷۰ـ۱۷۱. «دکتر سید شمس‌الدین جزایری»، نشر دانش، س. ۱۰، ش. ۶ (مهر و آبان ۱۳۶۹)، ص. ۸۱. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/* خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۴۴۳.

۳۳۲ جعفرپور، ابراهیم

مدرس، جغرافیادان

تولد ۱۳۱۷.

درگذشت ۸ آبان ۱۳۶۸، تهران.

ابراهیم جعفرپور، فرزند قهرمان، فارغ‌التحصیل دانشگاه تبریز در رشتهٔ جغرافیا بود. وی از دانشگاه استانبول (۱۹۷۱) در همین رشته فارغ‌التحصیل شد و سپس به‌عنوان استاد میهمان از دانشگاه تهران به دانشگاه دورهام در انگلستان رفت.

ابراهیم جعفرپور دارای تخصص جغرافیای طبیعی (اقلیم‌شناسی) بود. از سال ۱۳۵۲ در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و دروس مختلفی از جمله هواشناسی، اقلیم‌شناسی، اقالیم ایران، کاربرد اقلیم‌شناسی در برنامهٔ ناحیه‌ای، روش‌های اقلیم‌شناسی، جغرافیای کشورهای همجوار، جغرافیای زیستی، شناخت و فلسفهٔ جغرافیا را درس می‌داد.

دکتر جعفرپور در همایش‌های داخلی و بین‌المللی جغرافیا نیز شرکت داشته است: یازدهمین جلسهٔ گروه کارشناسان سازمان ملل متحد برای نام‌های جغرافیایی (مهر ۱۳۶۳، ژنو)؛ سمینار بین‌المللی جغرافیای جمهوری اسلامی ایران (۱۶ الی ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴، تهران)؛ پنجمین کنگرهٔ جغرافیدانان ایران.

وی همچنین در سال ۱۳۶۰ به‌عنوان عضو هیئت رئیسهٔ انجمن جغرافیدانان ایران تعیین شد.

از جمله تألیفات ابراهیم جعفرپور می‌توان به این دو عنوان اشاره نمود: ***جغرافیای قدرت‌های بزرگ اقتصادی*** (آلمان فدرال و فرانسه) و ***پژوهش‌های اقلیمی در غرب ایران***. وی همچنین مقاله‌هایی به زبان فارسی و انگلیسی در «مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی»، «مجلهٔ جغرافیا»، «نشریهٔ مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران» و «نشریهٔ انجمن جغرافیدانان ایران» به رشتهٔ تحریر در آورد.

ابراهیم جعفرپور به سبب سکتهٔ قلبی درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

---

۱. در کتاب ***وزرای آموزش و پرورش ایران، وزرای معارف ایران*** این کتاب تحت دو عنوان مجزا: ***قوانین مالیه و محاسبات عمومی*** ـ و کتاب بعدی ***مطالعهٔ بودجه از ابتدای مشروطیت*** تاکنون آمده است.

منبع: *جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی*/ تألیف دکتر محمد حسن گنجی، ص. ۶۱۷.

۳۳۳ جلالی، فتح‌الله

مدرس

تولد ۱۲۸۵، تفرش.

درگذشت اردیبهشت ۱۳۶۹.

فتح‌الله جلالی، فرزند شمس‌الدین فطن‌الملک تفرشی، تحصیلات ابتدایی را در مدرسهٔ آلمانی‌ها گذراند و دورهٔ متوسطه را در مدرسهٔ آمریکایی‌ها تا کلاس دهم تمام کرد و در سال ۱۳۰۳ برای تکمیل تحصیلات به اروپا سفر نمود. در آلمان پس از اتمام دبیرستان موفق به اخذ دیپلم متوسطه شد و مدت هشت سال در دانشگاه‌های ماربورگ، هامبورگ، مونیخ و برلین مشغول تحصیل در علوم اقتصاد و حقوق بود. در سال ۱۳۱۲ به اخذ مدرک رسمی لیسانس حقوق نایل گردید و سپس شروع به نوشتن رسالهٔ دکترایِ خود در بارهٔ حقوق اساسی نمود. در سال ۱۳۱۳ پس از دادن امتحانات و دفاع از رسالهٔ خود موفق به اخذ دکتری در علم حقوق شد. وی بعداً مدت یک‌سال در دانشگاه سیاسی برلین به ادامه تحصیل پرداخت.

در سال ۱۳۱۵ به ایران مراجعت کرد و پس از خاتمه دورهٔ نظام وظیفه در وزارت امور خارجه وارد خدمت شد. مدت بیست و سه سال در خدمت دولت بود و مشاغل عمدهٔ وی به شرح زیر هستند: عضو ادارهٔ عهود و عقود جامعه ملل در وزارت امور خارجه؛ رییس ادارهٔ سیاسی وزارت کشور؛ معاون مدیر کل امور شهرداری‌ها در وزارت کشور؛ فرماندار خرمشهر و آبادان؛ مستشار حقوقی وزارت دارایی؛ مدیر کل وزارت دارایی؛ مدیر کل وزارت خواروبار؛ خزانه‌دار کل وزارت دارایی؛ مدیر کل وزارت کار؛ عضو هیئت نظارت سازمان برنامه از طرف مجلس شورای ملی و مجلس سنا؛ وزیر کشور؛ رییس هیئت مدیره سازمان اتحادیه شهرداری‌های ایران؛ استاد دانشگاه ملی، دانشکدهٔ بانکداری و علوم مالی و اقتصادی رشته‌های حکومت و تاریخ عقاید اقتصادی.

وی مدت دوازده سال در اروپا بود و دو مرتبه به انگلستان و یک‌بار به آمریکا و ژاپن و هند و پاکستان سفر کرد. وی همچنین صاحب نشان صلیب درجه یک از دولت فدرال آلمان و صلیب طلا درجه یک (شوالیه) از رییس جمهوری ایتالیا و نشان علمی از وزارت فرهنگ است.

وی مقالاتی در مجلهٔ حقوقی وزارت دادگستری نوشت و دو کتاب در بارهٔ ***تاریخ زندگی فردریک کبیر*** و ***تاریخ روابط ایران و شوروی*** ترجمه کرد و یک کتاب در باره عقاید اقتصادی تهیه نمود که به چاپ نرسید.

منابع: ***چهره‌های آشنا***/ حسین قریشی، ص. ۱۶۱ ـ ۱۶۲. «درگذشت فتح‌الله جلالی»، آینده، س. ۱۶، ش. ۱ ـ ۴ (فروردین و تیر ۱۳۶۹) ص. ۲۸۶.

۳۳۴ جلالی، مهدی

مؤلف، محقق

تولد ۱۲۸۷، تهران.

درگذشت تیر ۱۳۶۵.

مهدی جلالی پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۳۱۲ از دانشسرای عالی در رشتهٔ تاریخ و جغرافیا فارغ‌التحصیل شد. سپس به آمریکا رفت و توانست از دانشگاه کلمبیای آمریکا در رشتهٔ روانشناسی به اخذ درجهٔ دکتری نایل آید. رسالهٔ پایان‌نامهٔ او «آموزش و پرورش در ایران» عنوان دارد. پس از بازگشت به ایران، به سمت دانشیاری علوم پرورشی در دانشسرای عالی و دانشکدهٔ ادبیات

برگزیده شد. وی چندی نیز رییس مؤسسهٔ زبانشناسی بود. از خدمات دیگر او تأسیس مدرسهٔ پیشرو بود.

عنوان‌های زیر آثار مهدی جلالی را تشکیل می‌دهند: ***آموزش تاریخ*** (۱۳۳۴)؛ ***آموزش جنسی اطفال*** (اثر لسترکر کندال، ۱۳۳۶)؛ ***راهنمای جنسی قبل از دورهٔ آموزشگاهی***؛ ***روانشناسی پرورشی*** (۱۳۲۸)؛ ***روانشناسی کودک*** (یا تحقیق در کردار انسان و روانشناسی عملی و کودک و توارث و رشد، ۱۳۲۸، نشریهٔ شمارهٔ ۴۵ دانشگاه)؛ ***مقدمهٔ روانشناسی*** (قسمت اول، ۱۳۳۵؛ نشریهٔ شمارهٔ ۳۱۶ دانشگاه؛ و نیز نشریهٔ شمارهٔ ۵۱۶ دانشگاه)؛ ***هنر آموزش و پرورش*** (۱۳۴۰).

*منابع: **جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی*** / تألیف دکتر محمد حسن گنجی، ص. ۳۸ و ۵۱ و ۲۴۰ ـ ۲۴۱. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۳۸۴ ـ ۳۸۷. «دکتر مهدی جلالی»، آینده، س. ۱۲، ص. ۴۷۳. ***زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران*** (۱۲۹۹ـ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد سوم / حسن مرسلوند، ص. ۱۶ ـ ۱۷.

۳۳۵ جناب‌زاده، محمد

روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۷۶، اصفهان.

درگذشت آذر ۱۳۷۰.

محمد جناب‌زاده بخشی از تحصیلات خود را در مدارس قدیمه و نزد پدرش فرا گرفت. سپس در مدرسهٔ کمالیه و مدرسهٔ ادب داخل شد و در تهران نیز در دارالفنون به تحصیل پرداخت. در آغاز وارد شغل آموزگاری در مدارس ابتدایی و متوسطهٔ اقدسیه شد. در سال ۱۳۰۶ وارد وزارت دادگستری شد ولی شغل قضایی را نپذیرفت. مراحل خدمات اداری را در ثبت اسناد و املاک پیموده و سپس رییس ادارهٔ تبلیغات وزارت دادگستری شد (۱۳۳۶).

در سال ۱۲۹۹ از وزارت معارف پروانهٔ انتشار مجلهٔ هفتگی «صحیفهٔ آسمانی» را گرفته و پس از انتشار پنج شماره با سید شکرالله صفوی مدیر روزنامهٔ «کوشش» در نگارش مقاله‌های اساسی آن تا سال ۱۳۱۰ صرف وقت می‌نمود. در سال ۱۳۲۱ مجدداً «صحیفهٔ آسمانی» را انتشار داد و شمارهٔ ۱۷ آن مصادف با وقایع ۱۷ آذر گردید و در نتیجهٔ الغاء امتیاز تمام جراید سرمایهٔ مصرف‌شده از دست رفت. در سال ۱۳۲۲ امتیاز «ندای آسمانی» را تحصیل و به طور هفتگی منتشر شد و تا بیستم آذر بیشتر دوام نیافت و در سال ۱۳۲۸ مدت پنج ماه مجدداً به انتشار آن پرداخت. سپس مجلهٔ ادبی و علمی «ندای آسمانی» را منتشر می‌کند. جناب‌زاده در مجلهٔ «تعلیم و تربیت» مقاله‌هایی در مقولهٔ تربیت داشته است.

از آثار اوست: ***اوراق پراکنده*** (قطعات ادبی، فلسفی، اجتماعی، دینی، ۱۳۱۲)؛ ***بسوی خدا، جهان‌بینی از نظر فلسفهٔ علمی*** (۱۳۳۲)؛ ***تعلیم و تربیت در نظر سعدی*** (۱۳۱۷)؛ ***توحید تمدن شرق و غرب*** (۱۳۲۷)؛ ***دادرسی تاریخ*** (۱۳۳۷)؛ ***رهبر زندگی برای جوانان و دختران*** (۱۳۳۴)؛ ***راهنمای دانش درس طبیعت و وظایف انجمن‌های همکاری خانه و مدرسه*** (۱۳۲۹)؛ ***بررسی تازه در آموزش و پرورش*** (۱۳۱۹)؛ ***زن در نظر تاریخ*** (۱۳۳۵)؛ ***سیر تمدن و لزوم سازش علم و ایمان*** (۱۳۳۸)؛ ***عشق و پارسایی*** (۱۳۳۶)؛ ***مفاسد رباخواری*** (۱۳۳۳).

*منابع: **چهرهٔ مطبوعات معاصر*** / غلامحسین صالحیار، ص. ۱۳. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد پنجم، ص. ۳۶۱ ـ ۳۶۴. ***تاریخ جراید و مجلات، جلد سوم*** / ص. ۱۴۸.

۳۳۶ جواهر کلام، عبدالعزیز

مؤلف، محقق

تولد ۱۲۷۰.

درگذشت مرداد ۱۳۶۵.

از آثار اوست: ***آثار الشیعة*** (چهار جلد، ۱۳۴۲ به بعد)؛ ***تاریخ طهران*** (۱۳۲۵)؛ ***بازدید کتابخانه‌های هندوستان*** (۱۳۲۶)؛ ***جواهر الاثار*** (ترجمهٔ مثنوی، پنج جلد، ۱۳۳۶ به بعد)؛ ***دائرةالمعارف الامامیة*** (شش دفتر، ۱۳۳۶ ــ ۱۳۳۹)؛ ***فهرست کتابخانهٔ معارف*** (نسخه‌های خطی، دو جلد، ۱۳۱۳ ــ ۱۳۱۴)؛ ***کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام تا این عصر*** (۱۳۱۱).

منبع: «عبدالعزیز جواهر کلام»، آینده، س. ۱۲، ص. ۴۷۴.

۳۳۷ جهانبگلو، امیر حسین

مترجم، مدرس، مؤلف

تولد ۲۵ بهمن ۱۳۰۲، تهران.[۱]

درگذشت ۲۰ خرداد ۱۳۷۰، تهران.

امیرحسین جهانبگلو از دبیرستان شرف فارغ‌التحصیل شد. ابتدا در وزارت دارایی مشغول به کار شد و ده سال بعد از دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید، و چهار سال بعد از آن برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. در سال ۱۳۲۸ از دانشگاه سُربُن پاریس لیسانس فلسفه و منطق دریافت کرد و سه سال بعد با درجهٔ دکترایِ اقتصاد از همین دانشگاه به تهران بازگشت و در همان وزارت دارایی به کار مشغول شد. دکتر امیرحسین جهانبگلو بعد از این تاریخ سمت‌های مختلفی را در ادارات و وزارت‌خانه‌های گوناگون به عهده داشت. از آن جمله وزارت دارایی، شرکت نفت و سازمان اوپک، شرکت گاز و غیره. دکتر امیر جهانبگلو بیشتر عمر خود را از سال ۱۳۵۰ به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت. از جمله آثار ترجمه‌شده وی، می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: ***غول‌های غلات*** (دن مورگان)؛ ***سیاست از نظر افلاطون*** (الکساندر کویره)؛ ***ضربهٔ آینده*** (الوین تافلر)؛ ***تاریخ اجتماعی دورهٔ مغول*** (بخش سوم تاریخ غازانخان و مقدمهٔ ***جامع التواریخ*** و رسالهٔ اول از کتاب ***اللطائف***، ۱۳۳۷)؛ ***سپیده‌دم*** (مانوئل روبلس)؛ ***فن صحنه‌سازی تئاتر*** (لئون موسیناک، ۱۳۳۵)؛ ***مردی که زیر زمین زندگی می‌کرد*** (ریچارد وایت، ۱۳۳۵).

منابع: «یک یادنامهٔ متفاوت»، کلک، شمارهٔ ۴۵ ــ ۴۶ (آذر و دی ۱۳۷۲)، ص. ۱۰۳. *خرد و آزادی، یادنامهٔ دکتر امیر حسین جهانبگلو* / به کوشش کریم امامی و عبدالحسین آزرنگ. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۷۲۱ ــ ۷۲۲.

۳۳۸ چمران، مصطفی

عارف، سیاستمدار

تولد ۱۳۱۱، تهران (محلهٔ سرپولک).

شهادت ۳۱ خرداد ۱۳۶۰، جبههٔ سوسنگرد.

مصطفی چمران تحصیلات خود را در مدرسهٔ انتصاریه، نزدیک پامنار آغاز کرد و در دارالفنون و البرز دوران متوسطه را گذراند، در دانشکدهٔ فنی ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۳۶ در رشتهٔ الکترومکانیک فارغ‌التحصیل شد و یک سال به تدریس در دانشکدهٔ فنی پرداخت. در سال ۱۳۳۷ با استفاده از بورس تحصیلی شاگردان ممتاز به آمریکا اعزام شد و پس از تحقیقات علمی از دانشگاه برکلی کالیفرنیا موفق به اخذ دکترایِ الکترونیک و فیزیک پلاسما گردید. از پانزده سالگی در درس تفسیر قرآن آیت‌الله طالقانی

۱. در کتاب ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد امیر حسین جهانبگلو ۱۳۰۳ درج شده است.

در مسجد هدایت و در درس فلسفه و منطق استاد مرتضی مطهری و بعضی اساتید دیگر شرکت می‌کرد؛ از اولین اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران بود. در مبارزات سیاسی دوران دکتر محمد مصدق از مجلس چهاردهم تا ملی شدن صنعت نفت شرکت داشت؛ بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا زمان مهاجرت از ایران به مبارزه پرداخت. در آمریکا با همکاری بعضی از دوستانش، برای اولین بار انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را پایه‌ریزی کرد. از مؤسسان انجمن دانشجویان ایرانی در کالیفرنیا و از فعالان انجمن دانشجویان ایرانی در آمریکا، به‌شمار می‌رفت که به دلیل این فعالیت‌های سیاسی، بورس تحصیلی‌اش از سوی دولت قطع شد. پس از قیام پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ رهسپار مصر شد و مدت دو سال در زمان عبدالناصر، در مصر دوره‌های چریکی پارتیزانی را آموخت و سپس مسئولیت تعلیم چریکی مبارزان ایرانی به عهدهٔ او واگذار شد. بعد از فوت جمال عبدالناصر به ایجاد پایگاهی مستقل برای تعلیم مبارزان ایرانی در لبنان پرداخت. او به کمک امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان، سازمان «امل» پی‌ریزی نمود. دکتر چمران با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بعد از ۲۳ سال به ایران باز گشت. تربیت اولین گروه‌های پاسداران انقلاب در سعدآباد از جمله نخستین فعالیت‌های وی بود. سپس در شغل معاونت نخست‌وزیر در امور انقلاب به فعالیت ادامه داد. در جریان رخدادهای کردستان در سال ۱۳۵۸، فرماندهی منطقهٔ پاوه به عهدهٔ دکتر چمران بود. پس از این جریان، از طرف امام خمینی «ره» به وزارت دفاع منصوب گردید. دکتر مصطفی چمران در اولین دور انتخابات مجلس شورای اسلامی از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد. سپس به نمایندگی امام خمینی «ره» در شورای عالی دفاع منصوب شد و مأموریت یافت که به‌طور مرتب گزارش کار ارتش را ارایه نماید. دکتر چمران بعد از حملهٔ ارتش عراق به مرزهای ایران وبا اجازه امام به همراهی آیت‌الله خامنه‌ای به اهواز رفت. شب بعد از ورود، اولین حملهٔ چریکی را علیه تانک‌های عراقی که تا چند کیلومتری شهر در حال سقوط اهواز پیشروی کرده بودند، آغاز کرد. او با کمک گروهی از رزمندگان ستاد جنگ‌های نامنظم را در اهواز تشکیل داد. ایجاد واحد مهندسی برای این ستاد یکی از برنامه‌های دیگر چمران بود که به کمک آن، جاده‌های نظامی در نقاط مختلف ساخته شد و با نصب پمپ‌های آب کنار رود کارون و احداث یک کانال به طول حدود بیست کیلومتر و عرض یک صد متر در مدتی حدود یک ماه، آب کارون را به طرف تانک‌ها دشمن روانه ساخت که مجبور شدند چند کیلومتر عقب‌نشینی کنند و سدی مقابل خود بسازند و با این عمل فکر تسخیر اهواز راه برای همیشه از سر به دور بدارند. یکی از کارهای مهم چمران از همان روزهای اول، ایجاد هماهنگی بین ارتش، سپاه پاسداران و نیروهای داوطلب بود. دکتر چمران برنامهٔ عملیاتی مشترک از جانب جادهٔ اهواز ــ سوسنگرد برای یورش به سوسنگرد سازماندهی نمود. در جریان این حمله، از دو قسمت پای چپ زخمی شد؛ وی پس از آزاد سازی شهر سوسنگرد در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در دهلاویه به شهادت رسید.

از مصطفی چمران دست‌نوشته‌هایی بر جای مانده است. همچنین مقالاتی به قلم او در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ رسانده است.

منابع: زندگینامه شهید دکتر مصطفی چمران/ بنیاد شهید چمران. *آثار آل قلم، منتخب یازده قرن نظم و نثر فارسی/* حمید گروگان، ص. ۳۲۰. *نگرشی به اولین دوره مجلس شورای اسلامی/* روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ص. ۳۱۷.

حائری، عبدالهادی ۳۳۹

مدرس، مورخ

تولد ۱۳۱۴، قم.

درگذشت ۲۳ تیر ۱۳۷۲، مشهد.

عبدالهادی حائری، فرزند میرزا احمد حائری (و نوهٔ دختری آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی بنیانگذار حوزهٔ علمیهٔ قم)، پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، لیسانس خود را در رشتهٔ الهیات از دانشگاه تهران گرفت. پس از آن چند سال در ادارهٔ بهداشت مشهد مشغول به کار بود. در همان دوران بود که وی کتابی تحت عنوان *ابن مقفع* که به قلم حنا الفاخوری عرب نوشته شده بود و از زبان عربی به فارسی ترجمه و توسط انتشارات زوار چاپ کرد. در سال ۱۳۴۳ با کسب یک بورس دانشگاهی به کانادا رفت.

عبدالهادی حائری در دانشگاه مگیل کانادا مقاطع فوق لیسانس و دکتری را در رشتهٔ اسلام و خاورشناسی گذراند و علاوه بر دو سال تدریس در این دانشگاه، مدت چهار سال در دانشگاه کالیفرنیا در برکلی به تدریس و تحقیق مشغول شد و در کنفرانس‌ها و کنگره‌های بین‌المللی از جمله در بلژیک، کانادا، آمریکا، مکزیک و آلمان نتایج تحقیقات خود را در قالب مقاله‌های مختلف ارائه داد.

دکتر حائری در سال ۱۳۵۷ به ایران آمد و با عنوان دانشیار در گروه تاریخ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد به تدریس تاریخ دو سدهٔ اخیر ایران، خاورمیانه و دیگر سرزمین‌های اسلامی پرداخت.

تخصص اصلی دکتر حائری در زمینهٔ انقلاب مشروطیت و نقش علمای شیعه در آن بود که نتیجهٔ تحقیقاتش در این زمینه در قالب کتاب ***تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*** به دو زبان انگلیسی و فارسی منتشر شد.

از آثار دیگر دکتر حائری می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویهٔ تمدن بورژوازی غرب؛ تاریخ جنبش‌ها و تکاپوهای فراماسونری در کشورهای اسلامی؛ ایران و جهان اسلام: پژوهش‌هایی تاریخی پیرامون چهره‌ها، اندیشه‌ها و جنبش‌ها؛ نقشی از نیم قرن تکاپو*** (خاطرات ایشان). مقاله‌های وی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در مجله‌های گوناگون و از جمله در فصلنامهٔ «مطالعات تاریخی» به چاپ رسیده است.

کتاب ***نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویهٔ تمدن بورژوازی غرب*** در هفتمین دورهٔ کتاب سال کشور برندهٔ جایزه شد.

منابع: «بیاد دکتر عبدالهادی حائری»، کلک، ش. ۴۱ (مرداد ۱۳۷۲)، ص. ۲۴۸ـ۲۴۹. علی اصغر محمدخانی، «به مناسبت یکمین سالگرد درگذشت دکتر عبدالهادی حائری، پژوهشگر برجستهٔ تاریخ»، کیهان (۲۷ تیر ۱۳۷۳)، ص. ۶. *شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور*، جلد اول/ یادنامه‌ها.

حافظیان مشهدی، سید ابوالحسن ۳۴۰

عارف

تولد ۱۲۸۲، مشهد.

درگذشت ۱۳۶۰، مشهد.

سید ابوالحسن حافظیان مشهدی ابتدا به فرا گرفتن ادبیات و ریاضی و طب قدیم و نجوم و هیئت و فقه و اخلاق پرداخت، لیکن به‌زودی وارد ریاضت و تحصیل علوم غریبه گشت.

حافظیان، در حوزهٔ مشهد با آیت‌الله مجتبی قزوینی آشنا شد و از طریق ایشان بود که با ذکر مقامات و کرامات و علوم سید موسی زرآبادی، وی را متوجهٔ ایشان کرد. و همین باعث شد تا حافظیان به راهنمایی و همراهی مجتبی قزوینی در سال ۱۳۴۸ ق. به قزوین مسافرت کند و به محضر سید

برسد و به کسب مراحلی نایل آید.

سید ابوالحسن حافظیان سال‌ها در یکی از حجره‌های فوقانی صحن عتیق رضوی (صحن انقلاب) ــ حجره‌های رو به قبله، در سمت شمال شرقی ــ به عبادت و ریاضت اشتغال داشت. از آثار ایشان، یکی ***لوح محفوظ*** است و دیگری کتابی در شرح آن و نیز لوح ***جنةالاسماء*** که با دقت و زیبایی نوشته است.

همچنین ضریح مبارک حضرت امام رضا (ع) از آثار حافظیان است. ایشان سال‌ها پیش، به فکر تعویض ضریح قبلی ــ که فرسوده شده بود ــ افتاد، و پس از اتمام ساختن ضریح، به وسیلهٔ هنرمندان اصفهانی و مشهدی، و انتقال ضریح سابق به موزهٔ آستان قدس، ضریح جدید نصب گردید و به روز نیمهٔ شعبان سال ۱۳۷۹ ق.، از آن پرده‌برداری شد.

منبع: حکیمی، محمد رضا، «مکتب تفکیک؛ سید ابوالحسن حافظیان مشهدی»، کیهان فرهنگی، س. ۹، ش. ۱۲ (اسفند ۱۳۷۱)، ص. ۳۶.

۳۴۱ حجازی، حسین

روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۷۹، ملایر.

درگذشت ۲ خرداد ۱۳۵۹، تهران.

حسین حجازی تحصیل‌کردهٔ بیروت بود. دوران خدمات اداری او در وزارت راه گذشت. در آنجا مدت سه چهار سال سردبیری «نامهٔ راه» را بر عهده داشت و در آن مجله نوشته‌های ادبی و اجتماعی را از نشریات خارجی ترجمه و نشر می‌کرد. پس از آن از سال ۱۳۲۳ به چاپ و نشر مجلهٔ «جهان نو» پرداخت. صاحب امتیاز مجله و گرداننده و پخش‌کنندهٔ آن خودش بود. «جهان نو» مدت سیزده سال منتشر شد. در قسمتی از سال‌های اول انتشار آن، مرتضی کیوان سردبیر آن بود. سپس امین عالیمرد با وی همکاری می‌کرد.

«جهان نو» عاقبت در سال ۱۳۳۳ از انتشار باز ماند. تا اینکه مجدداً در سال ۱۳۴۵ به قطع وزیری و به طور ماهانه تجدید انتشار یافت.

حسین حجازی در چند سال اواخر عمر کتابخانهٔ شهرداری تهران را تأسیس کرد. از ترجمه‌های مستقل او که به چاپ رسیده است عناوین زیر هستند: ***بزرگترین شخصیت در تاریخ بشریت*** (م. زمیر)؛ ***انسان آینده*** (لئونارد داروین، ۱۳۲۱)؛ **عصمت *عروس می‌شود*** (نوشته گرین ویشرپین، ۱۳۴۱).

منبع: «حسین حجازی»، آینده، س. ۵، ص. ۹۲۲ ــ ۹۲۵.

۳۴۲ حسیبی، کاظم

محقق

تولد ۱۲۸۵

درگذشت آبان ۱۳۶۹، تهران.

کاظم حسیبی پس از تحصیلات متوسطه، مدرسهٔ علوم سیاسی تهران را برای ادامهٔ تحصیل برگزید و در سال ۱۳۰۷ جزو محصلین اعزامی به فرانسه رفت. رشته‌های مهندسی راه آهن و ذوب آهن و مس را گذرانید و چون به ایران آمد در دانشگاه جنگ و دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. چندی هم در ادارهٔ معادن و بنگاه آبیاری و بانک صنعتی کار می‌کرد. در دورهٔ هفدهم از تهران به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در تمام دوران فعالیت‌های سیاسی دکتر محمد مصدق از او پیروی می‌کرد. او از اعضای فعال حزب ایران بود و در ملی شدن صنعت نفت فعالیت داشت. چند خطابه و رساله هم در همین موضوع از او چاپ شده است. رساله‌ای

هم در بارهٔ خط و رسم‌**الخط** به چاپ رسانید و در آن از تغییر خط طرفداری کرد. رسالهٔ مذکور ***چگونه خط را باید اصلاح کرد*** نام دارد (آذر ۱۳۴۵).

منبع: «مهندس کاظم حسیبی»، آینده، س. ۱۶، ص. ۸۶۶.

۳۴۳ حسین‌زاده، منصور

محقق، روزنامه‌نگار

تولد ۴ بهمن ۱۳۲۰، بجنورد.

درگذشت ۴ بهمن ۱۳۶۸، تهران.

منصور حسین‌زاده تحصیلات عالی خود را در دانشکدهٔ علوم ارتباطات اجتماعی به پایان رسانید. مدتی در مدارس شهرستان بجنورد به آموزگاری پرداخت. در سال ۱۳۳۵ برای معالجه بیماری کلیوی و پیوند کلیه راهی آمریکا شد و پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشت و در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مشغول به کار شد. از سال ۱۳۶۲ در روزنامهٔ «کیهان» مشغول شد و به کار روزنامه‌نگاری پرداخت. به عنوان یک روزنامه‌نگار و محقق با سرویس فرهنگی ـ هنری روزنامهٔ «کیهان»، «کیهان بچه‌ها»، «کیهان فرهنگی» و «کیهان علمی» همکاری داشت و نتایج بخشی از مطالعات تحقیقی خود را نیز در شماره‌های مختلف «کیهان سال» ارائه کرد.

در آبان ماه ۱۳۶۸ به عنوان مأمور از روزنامهٔ «کیهان» به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل شد تا به تلاش‌های مستمر خود برای نشریه‌ای تخصصی در زمینهٔ روزنامه‌نگاری عینیت بخشد. وی در واقع بانی نشر فصلنامهٔ مطالعاتی و تحقیقاتی در وسایل ارتباط جمعی به‌نام «رسانه» شد که از سوی مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها پس از فوت وی از سال ۱۳۶۹ انتشار یافت.

از جمله آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان*** (این کتاب در دهمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به عنوان کتاب برگزیده اعلام شد) و چاپ «قصهٔ انسانها» در «کیهان بچه‌ها».

منابع: گزارش دهمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران. «منصور حسین‌زاده یادی از یک محقق»، رویش غنچه ۲، ویژه‌نامهٔ دوّمین سمینار ادبیات کودکان و نوجوانان، ص. ۵.

۳۴۴ حکمت، علیرضا

محقق

درگذشت ۱۳۶۶، تهران.

علیرضا حکمت از خاندان حکمت شیرازی، تحصیلات خود را در شیراز و تهران به پایان رسانید. در پی حوادث دوران پیشه‌وری به شوروی پناهنده شد. در آنجا در دانشگاه مسکو به تحصیل پرداخت و در رشتهٔ ادبیات به اخذ درجهٔ دکتری نایل آمد و رسالهٔ پایان‌نامهٔ خود را در بارهٔ «شعر ابن‌یمین فریومدی» نوشت.

حدود سال ۱۳۵۰ بود که توانست از دولت ایران اجازهٔ بازگشت بگیرد و چون به کشور آمد به خدمت در وزارت علوم و آموزش عالی پرداخت.

علیرضا حکمت پس از بازگشت کتابی در بارهٔ ***تاریخ آموزش و پرورش در ایران باستان*** نوشت.

منبع: «دکتر علیرضا حکمت»، آینده، س. ۱۳، ص. ۵۳۲.

۳۴۵ حکمت، محمد علی

مدرس

تولد ۱۲۸۹، شیراز.

درگذشت اردیبهشت ۱۳۷۲، پاریس.

محمد علی حکمت، فرزند احمد علی حشمت‌الممالک، در شیراز در مدارس جدید و سپس در تهران در دارالفنون تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را پشت سر گذاشته بود و سپس در فرانسه در دانشگاه تولوز و پاریس به تحصیل حقوق پرداخته بود. وی همچنین دیپلم مدرسهٔ عالی مطالعات حقوق بین‌الملل پاریس را داشت. رسالهٔ دکترایِ وی در بارهٔ روابط عثمانی و ایران بود.

از سال ۱۳۲۳ دانشیار دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۴۹ بازنشسته گردید. در سال ۱۳۵۰ برای معالجه به پاریس رفت. از سال ۱۳۶۱ الی ۱۳۷۲ با دفتر خدمات حقوقی پاریس همکاری می‌کرد. از آثار اوست: ***حقوق عام ملل*** (۱۳۳۱)؛ ترجمهٔ ***تاریخ دیپلماسی*** (تألیف زیر نظر استاد روسی ولادیمیر پوتمکین، ۱۳۳۲)؛ ترجمهٔ ***حقوق بین ملل عمومی*** (تألیف شارل روس، دو جلد، ۱۳۴۷)؛ ترجمهٔ ***بنیادهای بین مللی*** (اثر فرانسوای کلود آلبر کلیبار، ۱۳۴۵، چاپ نشده)؛ تقریرات درس در دورهٔ دکترایِ دانشکدهٔ حقوق: فن دیپلماسی؛ تقریرات درس در دورهٔ فوق لیسانس رشد و تکامل دیپلماسی؛ مقاله‌هایی از وی در «نشریهٔ وزارت امور خارجه» و «مجلهٔ حقوقی» منتشر شده است. از آثار دیگر اوست: تحقیق و تألیف «شرایط اجازهٔ اجرای احکام در فرانسه» و ترجمه و تلخیص «حقوق بین ملل رشد و توسعه» و ترجمهٔ «رویهٔ قضایی و عقیدهٔ علمی (دکترین)»؛ تدوین رساله‌ای در باب قطع روابط دیپلماتیک و حفظ منافع اتباع خارجی؛ و سرانجام تحقیقی در تعارض قوانین.

منبع: اشراق، محمد کریم، «دکتر محمد علی حکمت»، آینده، س ۱۹، ص ۸۳۷ ـ ۸۳۹.

۳۴۶ حمدی، برهان الدین

مدرس، شاعر، محقق

تولد ۲۴ ذیقعدهٔ سال ۱۳۲۳ ق. (۱۲۸۲)، سنندج[۱]. درگذشت ۱۲ آذر ۱۳۶۶.

شیخ برهان‌الدین حمدی فرزند حاج شیخ عبدالحمید عرفان پس از ختم قرآن و خواندن کتاب‌های اخلاقی، دینی و ادبی فارسی، مقدمات علوم (صرف و نحو) را نزد پدر فرا گرفت و سپس در محضر اساتیدی چون ملا صادق منبری، شیخ حبیب‌الله کاشتری (ادبیات عرب) و ملا عبدالعظیم مجتهد (علم حکمت و کلام) به تحصیل علوم پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۱۲ به دریافت اجازهٔ فتوا و اجتهاد و تدریس علوم اسلامی نایل گردید (این اجازه از طرف ملا محمد صادق نیری صادر شد و دو استاد دیگرش ملا عبدالعظیم کاشتری و شیخ حبیب‌الله کاشتری آن را تأیید کردند). وی ابتدا در مسجد رشید قلعه بیگی (نزدیک بازار والی سنندج) به تدریس علوم اسلامی پرداخت. در سال ۱۳۱۵ به خدمت آموزش و پرورش درآمد و پس از سی و سه سال خدمت به سال ۱۳۴۸ بازنشسته شد. در این مدت ایشان در دبیرستان‌ها و دانشسراها مدرس ادبیات فارسی و عربی بودند. مدتی نیز ریاست دبیرستان شاهپور سِنندج (شهید قصری فعلی) را که در آن زمان تنها دبیرستان شش کلاسهٔ سنندج بود بر عهده داشت. وی همچنین اصول کلامی چون مواقف قاضی عضدالدین ایجی و شرح میر سید شریف جرجانی و بحث در تفسیر جلالین و بیضاوی را تدریس می‌کرد. بعدها قریب سه سال به ریاست ادارهٔ اوقاف کردستان منصوب شد. پس از رسیدن به بازنشستگی به دعوت هیئت امنای دانشگاه رازی در دانشکدهٔ تربیت دبیر سنندج به عنوان استاد فارسی

۱. در منبع دیگری ۱۲۸۴ آمده است.

برگزیده و مشغول گردید. ایشان کتابخانهٔ خود را که شامل تعداد بسیاری از کتب نفیس خطی و چاپی بود به کتابخانهٔ شهر سنندج واگذار نمود. ترجمه‌ها و تألیفات ایشان به این شرح هستند: ترجمهٔ ***مشکوة‌الانوار*** امام محمد غزالی؛ ترجمهٔ ***رسالة‌الطیر*** ابن‌سینا شامل رسالات «فلسفهٔ نماز» و کتاب ***مرآت‌الفلسفه*** در یک جلد به نام ***فلاسفه و خداشناسی***؛ ***مرآت الفلسفه طنطاوی***؛ ترجمهٔ ***رسالهٔ حی بن یقضان*** ابن سینا، شیخ اشراق و ابن طفیل؛ ترجمه ***عقاید*** نسفی؛ ترجمه ***مستطاب الاربعین فی اصول‌الدین*** امام محمد غزالی. آثار چاپ نشدهٔ وی عبارتند از: ترجمه ***قصائد سه گانه***: لامیهٔ العرب شنفری و لامیة العجم طغرایی و لامیةالکرد عرفان از: حاج شیخ عبدالحمید (پدر برهان‌الدین حمدی)؛ ترجمه قصیدهٔ «بانت سعاد کعب ابن زهیر» و چند رسالهٔ دیگر...

شیخ برهان‌الدین حمدی روز دوشنبه دوازدهم آذر ۱۳۶۶ به سبب بیماری معده و روده و ضیق‌النفس جان سپرد. جنازهٔ وی در قبرستان تایلهٔ سنندج در جوار اقوامش دفن گردیده است.

منابع: «درگذشت استاد شیخ برهان الدین حمدی»، کیهان فرهنگی، س. ۴، ش. ۱۰ (دی ۱۳۶۶)، ص. ۵۲. *دانشمندان کرد در خدمت علم و دین* / عبدالکریم مدرس، ترجمهٔ احمد حواری نسب، ص. ۵۰۰.

خراسانی، هادی　۳۴۷

مؤلف

تولد ۱۲۸۷، مشهد.[۱]

درگذشت ۲۹ خرداد ۱۳۶۴.

هادی خراسانی، فرزند محمد حاج میرزا حبیب‌الله خراسانی، پس از انجام تحصیلات مقدماتی در مشهد در چهارده سالگی عازم بیروت گردید و در کالج آمریکایی آنجا مدت پنج سال به ادامهٔ تحصیل پرداخت و در نوزده سالگی به فرانسه مسافرت نمود. وارد دانشگاه پاریس گردید و دورهٔ لیسانس و سپس دورهٔ دکترایِ حقوق و اقتصاد و علوم سیاسی را طی نمود. در سال ۱۳۱۶ به ایران مراجعت و پس از انجام خدمت نظام وظیفه در سال ۱۳۱۸ در وزارت دارایی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۲۷ به سازمان برنامه منتقل و بعدها به سمت رییس اقتصادی بانک اعتبارات صنعتی سازمان برنامه انجام وظیفه نمود.

آثار وی به این شرح است: ***پرسش و پاسخ از کتاب دانش*** (ترجمه از انگلیسی با همکاری احمد بیرشک، تهران، ۱۳۳۵)؛ ***پیدایش و تحول دمکراسی در آمریکا*** (تهران، ۱۳۲۷ با مقدمهٔ دکتر قاسم‌زاده)؛ ***من خیانت را انتخاب کردم*** (تهران، ۱۳۲۸).

منبع: *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۷۱۹ ـ ۷۲۰.

خلج اسعدی، مرتضی　۳۴۸

مدرس

تولد ۱۰ خرداد ۱۳۳۱، تهران.

درگذشت ۱۲ مهر ۱۳۷۵، تهران.

مرتضی خلج اسعدی، فرزند حسین، پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در تهران به سال ۱۳۴۹ در رشتهٔ ریاضی موفق به اخذ دیپلم شد. در مهر همان سال در رشتهٔ اقتصاد بین‌الملل مدرسهٔ عالی بازرگانی تهران پذیرفته شد. پس از اخذ کارشناسی در رشتهٔ روابط بین‌الملل مرکز عالی مطالعات بین‌المللی دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران نیز موفق به اخذ کارشناسی ارشد شد. رسالهٔ

۱. در *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* تاریخ تولد هادی خراسانی ۱۲۸۸ درج شده است.

فارغ‌التحصیلی وی تحت عنوان «بررسی روابط بازرگانی ایران با کشورهای عرب خاورمیانه در دهۀ ۱۳۴۴ الی ۱۳۵۴» بعدها به صورت کتاب به چاپ رسید.

وی در سال‌های تحصیل دورۀ کارشناسی ارشد خود با گروه سیاست و حکومت در خاورمیانه همکاری داشت. کتاب ***مجموعه‌ها*** (۱۳۵۵) نخستین کتابی بود که از وی منتشر شد. فعالیت‌های وی در زمینۀ تحقیق و ترجمه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی نیز ادامه داشت. از سال ۱۳۵۹ همکاری خود را با کمیتۀ تألیف و ترجمۀ ستاد انقلاب فرهنگی (که بعدها به مرکز نشر دانشگاهی تبدیل شد) برای تألیف و تدوین دائرةالمعارفی در معرفی کشورهای مسلمان آغاز کرد. این همکاری از سال ۱۳۶۲ به صورت موظف در آمد. وی علاوه بر تألیف و تدوین مجلدات مختلف ***دائرةالمعارف جهان اسلام*** در بسیاری از زمینه‌های دیگر، همچون مقاله‌نویسی و ویرایش در «نشر دانش» نیز فعالیت داشت. علاوه بر «نشر دانش»، ایشان مقاله‌هایی در «کیهان فرهنگی»، «نامۀ فرهنگ»، «حکمت»، «جانب غربی»، «معارف اسلامی»، «نگاه نو» و «کلک» نیز داشته است. وی از همان ابتدای تأسیس ***دائرةالمعارف تشیع*** و ***دانشنامۀ جهان اسلام*** از نزدیک و فعالانه به تألیف و ترجمۀ مقالات بسیاری برای این دو دائرةالمعارف اشتغال داشت.

در سال ۱۳۷۰ یک سال به صورت حضوری با سمت ویراستار نشریۀ ***دانشنامۀ جهان اسلام*** تحت عنوان «تحقیقات اسلامی» همکاری کرد. پس از پذیرفتۀ شدن در دورۀ دکتری در رشتۀ تاریخ و تمدن ملل مسلمان دانشکدۀ الهیات و معارف دانشگاه تهران از مهر ۱۳۶۸ تدریس در دانشگاه تهران را نیز آغاز کرد. در سال ۱۳۶۹ موفق به عضویت در هیئت علمی دانشگاه تهران شد و دو سال بعد در سال ۱۳۷۱ دکترایِ خود را در رشتۀ تاریخ تمدن ملل اسلامی از این دانشگاه دریافت کرد. از آثار اوست: ***گذر به سوسیالیسم*** (پل سوئیزی و شارل بتلهایم، تهران)؛ ***رودزیا*** (مارتین لونی، ۱۳۵۶)؛ ***دولت حاکم، آی.تی.تی.*** (آنتونی سمپسون، ۱۳۵۸)؛ ***سوسیالیسم در شیلی*** (رژی دبره، ۱۳۵۸)؛ ***انقلاب اسلامی در ایران*** (حامد الگار، با همکاری حسن چیذری، ۱۳۶۰)؛ ***تروریسم مقدس اسرائیل*** (لیویا روکاچ، ۱۳۶۵)؛ ***دایرةالمعارف جهان اسلام*** (جلد اول، ۱۳۶۶؛ جلد دوم، ۱۳۶۹)؛ ***بیت المقدس*** (۱۳۶۷)؛ ***افغانستان*** (ماری کلیفورد، ۱۳۶۸)؛ ***آرمان‌ها و واقعیت‌ها*** (عبدالسلام، با همکاری دکتر نفری، ۱۳۶۹)؛ ***فلسفۀ سیاسی*** (آنتونی کوئینتن، ۱۳۷۱)؛ ***ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن*** (رودی متی؛ نیکی کدی، ۱۳۷۱)؛ ***جوان مسلمان و دنیای متجدد*** (دکتر سید حسین نصر، ۱۳۷۴)؛ ***ایران، اسلام، تجدد*** (مجموعه مقالات تحقیقی)؛ ***جنگ‌های صلیبی و آغاز مطالعات اسلام‌شناسی*** (رسالۀ دکتری)؛ ***اتم‌ها و مولکول‌ها*** (ترجمه)؛ ***پیروزی بر سرطان*** (اثر گرک اندرسن). ***دایرةالمعارف جهان اسلام*** یک بار در سال ۱۳۷۰ و بار دیگر در سال ۱۳۷۳ به ترتیب به‌عنوان کتاب سال دانشگاهی و کتاب برگزیدۀ سیاسی از سوی شورای عالی انتشارات دانشگاه تهران در بخش ترجمه، تحت عنوان کتاب ممتاز برگزیده شد. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی نیز در مرداد ۱۳۷۵ مراسمی به پاس قدردانی از فعالیت‌های فرهنگی وی برگزار کرده است.

دکتر مرتضی خلج اسعدی پس از تحمل بیش از یک سال بیماری سرطان معده در بیمارستان سجاد درگذشت. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعۀ ۸۸ (ویژۀ هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

منابع: «روز وصال رفت و برآمد شب فراق، به یاد مرحوم دکتر مرتضی اسعدی»، کیهان فرهنگی، س. ۱۳، ش. ۱۲۹ (مهر و

آبان ۱۳۷۵)، ص. ۷۷. «زندگینامه دکتر مرتضی اسعدی»، گزارشنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ش. ۱۰ (شهریور ۱۳۷۵)، ص. ۷. خرمشاهی، بهاءالدین، «آن یار کزو خانهٔ ما رشک پری بود»، کلک، ش. ۷۶ ـ ۷۹ (تیر و مرداد ۱۳۷۵)، ص. ۸۲۷ ـ ۸۳۲.

خلیلی‌فر، حسین ۳۴۹

محقق

تولد ۱۲۹۹.

درگذشت ۱۶ فروردین ۱۳۵۹، تهران.

حسین خلیلی‌فر، فرزند شیخ ابراهیم خلیلی از وعاظ گیلان و از همرزمان میرزا کوچک خان جنگلی، بود. حسین خلیلی‌فر تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رشت به پایان رسانید و جهت ادامه تحصیل در دانشسرای مقدماتی کشاورزی کرج ثبت نام نمود و پس از اتمام دورهٔ دانشسرا با اخذ مدال علمی حائز رتبهٔ اول گردید و سپس تحصیلات خود را در رشته تاریخ و جغرافیا در دانشسرای عالی ادامه داد و در سال ۱۳۲۲ موفق به اخذ لیسانس در رشته تاریخ و جغرافیا گردید.

از مهر ماه سال ۱۳۲۳ از طرف وزارت فرهنگ وقت به دبیری دبیرستان‌های اهواز منصوب و شروع به کار نمود. در سال ۱۳۲۵ به ریاست فرهنگ خرمشهر منصوب گشت و پس از پنج سال خدمت در آن شهرستان به تهران منتقل شد و مسئولیت ادارهٔ تألیف و ترجمه در ادارهٔ کل نگارش را به عهده گرفت.

در سال ۱۳۳۰ همزمان با اوج‌گیری مبارزات ملی برای با انتشار مجلهٔ «دانستنیها» گام‌های مؤثری در تنویر افکار عمومی برداشت.

به موازات فعالیت‌های سیاسی در امور آموزشی و تألیف کتاب‌های درسی و شرکت در مجامع بین‌المللی مخصوصاً در رشتهٔ جغرافیا آثار ارزنده‌ای را از خود به یادگار گذاشته است. وی همچنین در نخستین کنگرهٔ جغرافیدانان ایران شرکت داشت.

آثار خلیلی‌فر به شرح زیر است: ترجمهٔ کتاب ***اکتشاف دریاها*** (از رنه لگندره)؛ تألیف کتاب ***جغرافیا از قدیم تا امروز*** (۱۳۳۰)؛ انتشار «سالنامهٔ فرهنگ خرمشهر» از ۱۳۲۴ به مدت پنج سال؛ انتشار مجلهٔ «دانستنیها» از سال ۱۳۳۰ که خود صاحب امتیاز آن بوده است؛ کتاب ***جغرافیای*** کلاس‌های چهارم و پنجم ابتدایی؛ کتاب ***جغرافیای*** سه سالهٔ راهنمایی تحصیلی؛ مشارکت در تألیف کتاب‌های دورهٔ دبیرستان؛ تألیف ***جغرافیا*** برای دانشسراها و کلاس‌های تربیت معلم.

حسین خلیلی‌فر صبح روز شانزدهم فروردین ۱۳۵۹ پس از یک دورهٔ طولانی بیماری درگذشت.

منابع: «یادی از همکار قدیمی»، رشد آموزش جغرافیا، س. ۵، ش. ۱۷ (بهار ۱۳۶۸)، ص. ۲۸. ***جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی***، تألیف دکتر محمد حسن گنجی.

خواجویان، محمد کاظم ۳۵۰

مدرس

تولد ۱۳۱۷، مشهد.

درگذشت ۱۳ آبان ۱۳۷۲، مشهد.

محمد کاظم خواجویان پس از گذراندن دوره‌های ابتدایی و متوسطهٔ تحصیل، به دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی مشهد راه یافت و در سال ۱۳۴۱ به دریافت دانشنامهٔ لیسانس تاریخ از آن دانشکده نایل آمد. پس از آن، با سمت دبیری به کار در وزارت آموزش و پرورش پرداخت و مدتی در آبادهٔ فارس تدریس کرد و چندی بعد برای ادامهٔ تحصیل به فرانسه رفت و طی سال‌های ۱۳۵۴ ـ ۱۳۵۶

دوره‌های فوق‌لیسانس و دکترایِ رشتهٔ مطالعات اسلامی را به پایان برد.

دکتر خواجویان از سال تحصیلی ۱۳۵۶ ـ ۱۳۵۷ به تدریس در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد پرداخت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد منتقل شد و چندی پس از آن ریاست دانشکدهٔ ادبیات این دانشگاه را پذیرفت. دکتر خواجویان نزدیک به نه سال در این سمت باقی بود و پس از آن نیز تا درگذشت، در سمت معاون دانشجویی دانشگاه مشهد انجام وظیفه کرد. هم‌زمان با آن، عضویت هیئت امنای دانشگاه‌های شمال شرق کشور را داشت و به‌ویژه سرپرستی شورای برنامه‌ریزی گروه تاریخ وزارت فرهنگ و آموزش عالی را نیز عهده‌دار بود. این شورا اقداماتی برای بهبود کیفیت وضع مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری انجام داد.

دکتر محمد کاظم خواجویان درس‌های تاریخ صدر اسلام، تاریخ تشیع و تاریخ ائمه را در بخش تاریخ دانشکدهٔ ادبیات مشهد تدریس می‌کرد و ضمناً به امور اجرایی ـ اداری دانشگاه فردوسی مشهد نیز می‌رسید. وی همچنین از نخستین سال‌های فعالیت کانون نشر حقایق اسلامی در مشهد زیر نظر استاد محمد تقی شریعتی به فعالیت‌های مذهبی در این کانون پرداخت. عضویت در هیئت مدیرهٔ «انصار الحجه» (مؤسسهٔ خیریه‌ای که برای رسیدگی به وضع یتیمان فعالیت داشت)، فعالیت در انجمن حمایت از زندانیان مشهد، عضویت در هیئت امنای ادارهٔ اوقاف مشهد از دیگر فعالیت‌هایِ اجتماعی دکتر خواجویان بود.

دکتر خواجویان در زمان ریاست خویش در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، کوشش بسیار کرد تا فضای علمی ـ پژوهشی دانشکده را سرزنده نگاه دارد. بسیاری از پژوهشگران به تشویق و یاری وی به کارهای پژوهشی پرداختند. وی همچنین نشریه‌ای تخصصی در زمینهٔ پژوهش‌های تاریخی بنیاد گذارد که از سال ۱۳۶۸ با نام «فصلنامهٔ مطالعات تاریخی» منتشر شد. مقالات پژوهشی وی در این فصلنامه و نیز مجلهٔ «دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی» مشهد به چاپ رسیده است.

دکتر خواجویان در بارهٔ تاریخ تشیع پژوهشی انجام داد که بنا بود در سلسلهٔ انتشارات سازمان «سمت» (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها) چاپ گردد.

دکتر محمد کاظم خواجویان در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۷۲ در مشهد به علت سکتهٔ قلبی درگذشت.

منبع: «چه سنگین می‌رسد آواز اندوه»، [در سوگ دکتر محمد کاظم خواجویان] ، کیهان فرهنگی، س. ۱۰، ش. ۸ (آبان ماه ۱۳۷۲)، ص. ۹۳.

محقق

تولد اسفند ۱۲۷۹، شیراز.

درگذشت فروردین ۱۳۷۰.

ابراهیم خواجه‌نوری چون پدرش را در یک سالگی از دست داد زیر نظر برادر بزرگش ابوتراب نظم‌الدوله تربیت شد. تحصیلات مقدماتی را در تهران آموخت. در روزگار جوانی روزنامهٔ «نامهٔ جوانان» را منتشر کرد ولی پس از چاپ اولین شماره به زندان افتاد و چهار ماه زندانی بود و اتفاقاً همان وقت بود که میرزادهٔ عشقی هم محبوس بود.

پس از آن به اروپا رفت و مدت هشت سال در بروکسل درس خواند و در حقوق و علوم اداری دیپلم گرفت و پس از بازگشت به ایران ابتدا مدیر مدرسهٔ

عالی پست و تلگراف شد و سپس به وکالت دعاوی مشغول گردید.

پس از شهریور ۱۳۲۰ وارد سیاست شد. یکی از تأسیس‌کنندگان حزب عدالت بود. روزنامهٔ این حزب نامش «ندای عدالت» بود و خواجه نوری صاحب امتیاز و یکی از نویسندگان آن بود. این روزنامه به مدت یک‌سال و نیم منتشر می‌شد. (۴۰۸ شماره در تهران، پنج بار در هفته؛ ۱۳۲۳ ـ ۱۳۲۴). در همین دوران نگارش ***بازیگران عصر طلایی*** را شروع کرد. جزوه‌هایی بود در شرح حال معروف‌ترین رجال سیاسی دورهٔ احمد شاه قاجار و رضا خان. وی چندی معاون نخست‌وزیر (در چهار دولت) بود و سپس سناتور شد. ظاهراً چون با لایحهٔ تشکیل سازمان امنیت مخالفت کرده بود، پس از دورهٔ اول دیگر انتخاب نشد. به رشتهٔ روانشناسی و مباحث اجتماعی مخصوصاً روانکاوی دل‌بستگی داشت. وی در چندین کمیته و شورا عضویت داشت.

از تألیفات اوست: ***اولیس برخورد*** (۱۳۳۹)؛ ***بازیگران عصر طلایی*** (۱۳۲۲)؛ ***چرا انگلستان خفته بود*** (ترجمه از کتاب جان اف. کندی، ۱۳۴۵)؛ ***رموز روانی مدیریت*** (۱۳۴۷)؛ ***روانکاوی*** (۱۳۳۶)؛ ***سیمای شجاعان*** (ترجمه از جان اف. کندی، ۱۳۴۰)؛ ***شگفتی‌های جهان درون*** (۱۳۴۶)؛ ***عقاید للهآقا***؛ ***مردان خود ساخته***؛ ***مکتوب*** (۱۳۳۴)؛ ***زندانی باغ فردوس***.

منابع: «ابراهیم خواجه‌نوری»، آینده، س ۱۷، ص ۸۷۶ ـ ۸۷۷. دایرةالمعارف یا فرهنگ دانش و هنر/ مجموعه نویسندگان، ص ۹۴. ***فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانهٔ ملی ایران***/ بیژن سرتیپ‌زاده با همکاری کبری خداپرست، ص ۱۹۹.

۳۵۲ خواجه‌نوری، عباسقلی

مدرس، محقق

تولد ۴ تیر ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت فروردین ۱۳۷۳، تهران، بیمارستان پارس.

عباسقلی خواجه نوری پس از گذراندن دورهٔ ابتدایی و متوسطه وارد دانشکدهٔ کشاورزی که در آن تاریخ زیر نظر وزارت کشاورزی اداره می‌شد، شد و در سال ۱۳۱۶ دورهٔ مهندسی کشاورزی را به پایان رسانید. وی پس از پایان دورهٔ سربازی در سال ۱۳۱۸ مشغول به کار شد و به ترتیب زیر مشاغل مختلفی را عهده دار شد: همکار و معاون مهندس عطایی در مؤسسهٔ اصلاح و ازدیاد بذر، نهال و گل؛ معلم زراعت دانشسرای کشاورزی؛ کارشناس ادارهٔ اصلاح نباتات ادارهٔ کل کشاورزی (بعداً تبدیل به وزارت کشاورزی شد)؛ رییس ادارهٔ آمار جیره‌بندی وزارت دارایی؛ رییس ادارهٔ آمار کشاورزی و اجتماعی سازمان برنامه؛ رییس ادارهٔ آمارشناسی ادارهٔ آمار عمومی.

سپس برای ادامهٔ تحصیل به خارج از کشور سفر کرد و در سال ۱۳۳۲ از دانشگاه کارولینای شمالی فوق لیسانس آمار گرفت و در سال ۱۳۳۵ موفق به اخذ درجهٔ دکترایِ آمار از دانشکدهٔ علوم دانشگاه پاریس گردید. وی سپس در یوگسلاوی مشغول تدریس علم آمار شد. سپس در سال ۱۳۳۶ بنا به دعوت مهندس عطایی برای دانشیاری آمار و تحقیق در دانشکدهٔ کشاورزی کرج به ایران آمد. پس از پنج سال به مقام استادی ارتقا یافت و در سال ۱۳۵۸ نیز بازنشسته شد.

دکتر خواجه‌نوری علاوه بر تدریس در دانشگاه مشاغل زیر را نیز عهده‌دار گردید: مشاور شرکت سهامی بیمه ایران؛ مشاور سازمان بیمه‌های اجتماعی؛ مشاور وزارت کار و امور اجتماعی؛ مشاور آمار عمومی؛ عضو شورایِ عالیِ آمار؛ عضو هیئت اجرایی آزمون‌شناسی؛ رییس و استاد مؤسسهٔ

آموزش عالی آمار.

دکتر خواجه‌نوری در دوران بازنشستگی خود در دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس تدریس می‌کرد. دروسی که وی تدریس می‌کرد عبارت بودند از: روش تحقیق، روش‌های مقدماتی آمار، آمارگیری نمونه‌ای، نظریهٔ آمارگیری نمونه‌ای، آمار پیشرفته، بیومتری، طرح آزمایشات، آمار ریاضی، منطق، جبر ماتریس، اقتصادسنجی، جامعه‌شناسی، اقتصاد مکانیزاسیون کشاورزی و زراعت.

از دکتر خواجه‌نوری تعدادی کتاب دانشگاهی، چند کتاب غیردانشگاهی و مقاله‌هایی چند به‌جا مانده است که کتاب‌های دانشگاهی ایشان عبارتند از: ***نکاتی چند در بارهٔ روش‌های تحقیق***؛ ***روش تحقیق؛ روش‌های مقدماتی آمار***؛ ***احتمالات مقدماتی***؛ ***جبر ماتریس***؛ ***منطق***؛ ***آمار ریاضی*** (دو جلد)؛ ***آمارگیری نمونه‌ای مقدماتی*** (دو جلد)؛ ***آمار پیشرفته و بیومتری***. از جمله آثار دیگر وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***رمز نفوذ در دیگران*** (اثر دیل کارنگی، ترجمه، ۱۳۲۷)؛ ***سعادت***؛ ***آمارگیری نمونه از دهات طهران و دماوند*** (۱۳۲۸، سازمان برنامه).

*منابع: **روش تحقیق**/* تألیف دکتر عباسقلی خواجه‌نوری، چاپ چهارم. *مؤلفین کتب **چاپی فارسی و عربی**/* خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۶۹۷. *جهره‌های آشنا/* حسین قریشی، ص. ۲۱۰.

داناسرشت، علی اکبر　۳۵۳

محقق

تولد ۱۲۹۰، تهران.

درگذشت ۲۵ فروردین ۱۳۶۸.

علی اکبر داناسرشت (صیرفی)، فرزند حاج علینقی و نوهٔ حاج علیقلی صرافباشی زنجانی، بود. سال‌های کودکی و دوران تحصیل اولیهٔ علی اکبر داناسرشت مقارن با جنگ اول جهانی بود. پس چندی خانواده‌اش به شهر زنجان کوچید. در آنجا به مدرسه ابتدایی ـ معروف به اسعدیه به سرپرستی مترجم همایون ـ رفت تا وقتی که دوباره به تهران آمد. در این سال‌ها همچنین به یادگیری قرآن کریم و زبان عربی پرداخت. سپس با احساس نیاز به فراگیری علم جدید به علوم ریاضی روی آورد و نزد اساتیدی چون سید حسن مشکان طبسی و سید جلال تهرانی به تحصیل این علوم پرداخت و از آن زمان تا پایان عمر به تحقیق در این زمینه‌ها اشتغال داشت.

علی اکبر داناسرشت در طی عمر خود آثاری را ترجمه کرد که از میان آنها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***روانشناسی یا علم‌النفس شفاء*** (ترجمهٔ جلد ششم ***شفاء***، چاپ دوم، ۱۳۳۰)؛ ***رسالة‌الغفران یا بهشت و دوزخ معری*** (ابوالعلاء معری، ۱۳۲۴)؛ ***تحقیق ماللهند، قسمت فلسفه*** (ابوریحان بیرونی، ۱۳۳۴)؛ ***بر سنگ سفید*** (آناتول فرانس، ۱۳۲۶)؛ ***آثار الباقیه*** (ابوریحان بیرونی، ۱۳۲۱). از آثار دیگر اوست: ***تاریخ فلاسفهٔ اسلام*** (۱۳۱۵)؛ ***افکار سهروردی و ملاصدرا یا خلاصه‌ای از حکمة‌الاشراق و اسفار***.

دانا سرشت بر اثر سکتهٔ مغزی درگذشت.

منابع: «استاد اکبر داناسرشت درگذشت»، کیهان فرهنگی، س. ۶، ش. ۱ (فروردین ۱۳۶۸)، ص. ۱۷. «استاد اکبر داناسرشت و ریاضیات از بیرونی تا معاصران»، کیهان فرهنگی، س. ۲، ش. ۵ (مرداد ۱۳۶۴)، ص. ۳ـ۱۴.

دانش‌پژوه، محمد تقی　۳۵۴

استاد، محقق

تولد ۳۰ فروردین ۱۲۹۰، آمل.

درگذشت ۲۷ آذر ۱۳۷۵، تهران.

محمد تقی دانش‌پژوه، فرزند میرزا احمد، مدرک

لیسانس خود را از دانشکدهٔ معقول و منقول دریافت کرد. در سال ۱۳۳۲ به ریاست کتابخانهٔ مرکزی آن دانشگاه منصوب گردید و در سال ۱۳۴۳ مشاور فنی کتابخانهٔ مرکزی و در سال ۱۳۲۶ عضو کمیتهٔ علمی آن شد.

استاد در سال ۱۳۴۸ به مقام دانشیاری نیمه وقت دانشکدهٔ الهیات و در سال ۱۳۴۹ به مقام دانشیاری تمام وقت دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران ارتقا یافت.

استاد برای کسب اطلاعات کتابشناسی و نسخه‌شناسی به کشورهای عراق، عربستان سعودی، شوروی، ترکیه، انگلستان، فرانسه و آمریکا سفر کرد و در کنگره‌های علمی در سطح ملی و بین‌المللی فعالانه شرکت جست و نتایج تحقیقات علمی خود را به اهل علم عرضه داشت و سرانجام در سال ۱۳۵۵ بازنشسته شد. وی عضو پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.

دکتر دانش‌پژوه علاوه بر فعالیت‌های علمی و فرهنگی، سال‌ها در مقام استادی، در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری، به تدریس می‌پرداخت. حاصل یک عمر تلاش وی حدود ۳۴۰ مقاله تألیف تحقیقی است که در مجله‌های مختلف و از جمله «هنر و مردم» و «یغما» و «سخن» و «وحید»، «راهنمای کتاب»، نشریهٔ «دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تبریز» و «معارف اسلامی») به چاپ رسیده‌اند.

از آثار اوست: ***آثار درویش طبسی***؛ ***آثار علوی***؛ ***اخلاق محتشمی***؛ ترجمهٔ ***ادب الوجیز و تولی و تبری از خواجه طوسی***؛ ***اسرار شهریاری***؛ ***الاقطاب القطبیه***؛ تصحیح ***التواریخ رشیدی***؛ ***المنطقیات الفارابی*** (جلد سوم)؛ تصحیح ***النهایه و ترجمه آن***؛ ***بحر الفوائد***؛ ***تاریخ اسماعیلیه کاشانی***؛ ***تاریخ الوزراء قمی***؛ ***تاریخ‌نگاری فلسفه***؛ ***تبصره مساوی***؛ ***تحفه***؛ ***جامع التواریخ***؛ ***جامع الحکمهٔ کاشانی***؛ ***جاویدان خرد***؛ ***چند نسخه خصوصی دیگر***؛ ***حل مشکلات رسالهٔ معینیه*** (نشریهٔ ۳۰۴ دانشگاه)؛ ***دفتر ۱۱ و ۱۲ نشریه دانشگاه تهران***؛ ***ذخیره شهاب الاخبار***؛ ***رسالهٔ المعینیة*** (عربی، نشریهٔ ۳۰۰ دانشگاه)؛ ***رسالهٔ امامت خواجهٔ طوسی*** (عربی، نشریهٔ ۳۰۲ دانشگاه)؛ ***روزبهان نامه***؛ تصحیح ***زبدة التواریخ کاشانی***؛ ***سوانح الافکار رشیدی*** (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳۷)؛ ***سه گفتار خواجه طوسی*** (نشریهٔ ۲۹۶ دانشگاه)؛ ترجمه ***شرایع*** (جلد چهارم)؛ شرح ***شهاب الاخبار***؛ ***طب ابن هندو***؛ ***فرمان مالک اشتر***؛ ***فرهنگ ایران زمین*** (با مشارکت منوچهر ستوده، مصطفی مقربی، عباس زریاب‌خویی، ایرج افشار)؛ ***فصول خواجهٔ طوسی*** (نشریهٔ ۲۹۸ دانشگاه، به اهتمام وی)؛ ***شرح فصوص***؛ ***فلسفهٔ اشراق (حیات النفوس)***؛ ***فهرست کتاب‌های خطی کتابخانهٔ مجلس سنا*** (۱۳۵۶، جلد یکم)؛ ***فهرست کتاب‌های خطی کتابخانهٔ ملی ملک وابسته به آستان قدس رضوی*** (با همکاری محمد باقر حجتی؛ احمد منزوی، تهران، ۱۳۵۲ ـ ۱۳۵۴، دو جلد)؛ ***فهرست کتب اهدایی مشکوة به دانشگاه*** (در نشریه‌های مختلف)؛ ***فهرست ملی ملل (جلد نهم)***؛ ***فهرست موسیقی***؛ ***فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ آستانهٔ مقدسهٔ قم*** (۱۳۵۵)؛ ***فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ آستانهٔ امامزاده عبدالعظیم*** (۱۳۴۶، جلد پنجم)؛ ***فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دانشکدهٔ ادبیات*** (مجموعه امام جمعه کرمان، اهدایی احمد جوادی، ۱۳۴۴؛ به‌جای شمارهٔ اوّل سال سیزدهم مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات)؛ ***فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دانشکدهٔ ادبیات*** (مجموعه وقفی اصغر مهدوی، ۱۳۴۱)؛ ***فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دانشکدهٔ ادبیات*** (مجموعه وقفی علی اصغر حکمت، ۱۳۴۱؛ ضمیمهٔ سال دهم مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات)؛ ***فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران***

(محمد باقر حجتی با تحقیق و نظارت دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵ ـ ۱۳۴۸)؛ ***فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران*** (۱۳۴۰)؛ ***فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دانشکدهٔ هنرهای زیبای کشور*** (با همکاری یحیی ذکاء، ۱۳۴۲، جلد سوم)؛ ***فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ سازمان لغت‌نامهٔ دهخدا*** (۱۳۴۲)؛ ***فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مجلس سنا*** (۱۳۴۱؛ مستخرج از دفتر دوّم نشریهٔ کتابخانهٔ دانشگاه تهران)؛ ***فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار*** (تهران، ۱۳۱۵ ـ ۱۳۴۶، پنج جلد)؛ ***فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ ملی تبریز*** (۱۳۴۸ و ۱۳۵۰، جلد چهارم)؛ ***کسر اصنام الجاهلیهٔ صدرای شیرازی***؛ ***مجموعهٔ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های شهرستان‌های ایران*** (۱۳۵۱ ـ ۱۳۵۳، سه جلد)؛ ***مرقع‌سازی و جنگ‌سازی*** (مشهد، ۱۳۶۰)؛ ترجمهٔ ***مصادقةالاخوان ابن بابویه*** (۱۳۲۵)؛ ***معتقد الامامیه***؛ ***منطق ابن مقفع***؛ ***میکروفیلم دانشگاه تهران (جلد یکم)***؛ ***نسخه‌های خطی کتابخانهٔ ملی رشت*** (۱۳۴۶، جلد پنجم)؛ ***نسخه‌های خطی نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران*** (۱۳۳۹ ـ ۱۳۵۸، ۱۰ جلد، گاهنامه)؛ ترجمهٔ ***نکت اعتقادیه شیخ مفید***؛ ***نکت الاعتقادیه*** (شیخ مفید، ۱۳۲۴)؛ ***نوادر التبادر***؛ ***وزارت در عهد سلاجقه از عباس اقبال***؛ ***یک پرده از زندگی شاه تهماسب***؛ ***یواقیت العلوم***.

وی در تهران درگذشت و کالبد وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (قطعهٔ خاص هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

*منابع: **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۲۱۷ ـ ۲۱۹. کیهان، ش ۱۵۸۱۸ (۲۹ آذر ۱۳۷۵)، ص. ۲. ***کتابشناسی خط و خوشنویسی*** (چاپ نشده)/ محمد علی محراب بیگی و فاطمه امیر خانی، سعید نوری نشاط و مریم آقا شیخ محمد. ***کتابشناسی زبان و خط*** / محمد گلبن. «زندگانی استاد دانش‌پژوه»، گزارشنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ش. ۷ (خرداد ۱۳۷۵)، ص. ۴. ستوده، منوچهر، «من و محمد تقی دانش‌پژوه»، کلک، شمارهٔ ۸۳ ـ ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص. ۵۹۵ ـ ۶۰۴.

۳۵۵ داوری آشتیانی، حسین

محقق

تولد ۱۳۲۲.

درگذشت ۳ آبان ۱۳۷۲، تهران.

حسین داوری آشتیانی استادیار پژوهشکدهٔ زبانشناسی بود. از وی کتابی به نام ***ویژگیهای املایی دست‌نویس تفسیر قرآن پاک*** در ۱۷۶ صفحه (تهران، ۱۳۵۷) به یاد مانده است.

حسین داوری آشتیانی روز سوم آبان ۱۳۷۲ در مسیر عزیمت به محل کارش درگذشت.

منابع: امیرفریار، فرخ، «آشنای غریب»، کلک، ش. ۴۳ ـ ۴۴ (۱۳۷۲)، ص. ۱۲۲. واحد کامپیوتر کتابخانهٔ ملی ایران (سی‌تیر).

۳۵۶ رائین، اسماعیل

نویسنده، روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۹۸، بوشهر.

درگذشت ۹ دی ۱۳۵۸.

اسماعیل رائین پس از گرفتن دیپلم ادبی، به تحصیل در دورهٔ روزنامه‌نگاری چهار سالهٔ دانشگاه تهران پرداخت. وی همچنین فارغ‌التحصیل مدرسهٔ پست و تلگراف بود و در رشتهٔ رادیو و بی‌سیم نیز از آمریکا دیپلم مکاتبه‌ای گرفت. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۸ با نوشتن مقالاتی در روزنامهٔ «خلیج ایران» در بوشهر آغاز کرد و از سال ۱۳۲۰ به‌طور تمام وقت و

دائمی به کار در مطبوعات پرداخت. ضمن فعالیت مطبوعاتی خود در نشریه‌های «کیهان»، «اطلاعات»، «آتش»، «ایران»، «خراسان»، «تهران مصور»، «روشنفکر» و «فردوسی» به‌عنوان نویسنده و خبرنگار کار کرد. به زبان انگلیسی آشنا بود و به بسیاری از کشورهای اروپایی سفر نمود. تألیفات وی نزدیک به بیست کتاب است. از آثار اوست: تصحیح و مقدمهٔ *اختناق ایران* (تألیف مورگان شوستر، ترجمهٔ ابوالحسن موسوی شیرازی، ۱۳۴۵)؛ *اسناد و خاطره‌های حیدر خان عمو اوغلی* (۱۳۵۸)؛ *انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت* (ترجمه و تألیف، ۱۳۴۵)؛ *انشعاب در بهائیت* (۱۳۵۷)؛ *اولین چاپخانه در ایران* (۱۳۴۷)؛ *ایرانیان ارمنی* (۱۳۴۹)؛ *پسران صولت قشقایی* (۱۳۳۳)؛ *حقوق‌بگیران انگلیس در ایران* (۱۲۴۷)؛ *حیدر خان عمواوغلی* (۱۳۵۲)؛ *در کرانه‌های کارون و شط العرب و اسناد تاریخی حاکمیت ایران* (۱۳۳۰)؛ *دریانوردی ایرانیان* (دو جلد، ۱۳۵۰)؛ *دلالان بین‌المللی نفت*؛ *سفرنامهٔ میرزا صالح شیرازی* (۱۳۴۷)؛ *فراموش‌خانه و فراماسونری در ایران* (سه جلد، ۱۳۴۷)؛ *قیام جنگل، یادداشت‌های میرزا اسمعیل جنگلی* (۱۳۵۷)؛ *میرزا ملکم خان، زندگی و کوشش‌های او* (۱۳۴۹)؛ *یپرم خان سردار* (۱۳۵۰). وی از اعضای پایه‌گذار اتحادیهٔ نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات بود و چندین دورهٔ ریاست هیئت مدیره و عضویت در هیئت‌های اجرایی این اتحادیهٔ را به‌عهده داشت. اسماعیل رائین گاهی مطالب خود را در روزنامه‌ها و مجله‌ها با نام مستعار «بهمن» امضا می‌کرد.

منابع: *چهرهٔ مطبوعات معاصر* / غلامحسین صالحیار، ص. ۸۵ــ۸۶. «اسماعیل رایین»، آینده، س. ۶، ص. ۹۵۳ــ۹۵۴. *کتابشناسی آذربایجان* / ناهید حبیبی آزاد.

۳۵۸ رامیار، محمود

نویسنده، استاد

تولد ۱۳۰۱، مشهد.

درگذشت ۲۰ شهریور ۱۳۶۳، انگلستان.

محمود رامیار تحصیلات خود را تا پایان دورهٔ متوسطه در مشهد به‌پایان رسانید و سپس برای ادامهٔ تحصیل به تهران عزیمت کرد و در مدرسهٔ سپهسالار قدیم تحصیلات خود را در فقه و اصول ادامه داد. در مدت اقامت در تهران موفق به اخذ دکترایِ حقوق از دانشگاه تهران شد. وی مدتی نیز در فرانسه به تحقیق و تحصیل مشغول بود. آخرین مرحله از تحقیقات ایشان نزد پروفسور مونتگمری وات در دانشگاه ادینبورگ بود که این دوره را نیز با درجهٔ دکتری به پایان رسانید. پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۳۴۹ به مشهد بازگشت و به عنوان استاد و رییس دانشکدهٔ الهیات دانشگاه مشهد به تحصیل و تحقق پرداخت. از جمله خدمات وی تأسیس چاپخانهٔ دانشگاه مشهد بود. وی در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد.

آثار دکتر محمود رامیار عبارتند از: *تاریخ قرآن*؛ *کشف الآیات قرآن مجید*؛ *در آستانهٔ سالزاد پیامبر (ص)*؛ ترجمهٔ کتاب *در آستانهٔ قرآن* (ترجمه از کتاب بلاشر فرانسوی، ۱۳۵۸)؛ *فهرست شیخ طوسی* (۱۳۵۱)؛ *تاریخ نبوت مسیح (ع)*. آخرین اثر استاد تفسیری از قرآن بود که به انجام نرسید.

کتاب *تاریخ قرآن* وی در دومین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شد.

منابع: گزارش دومین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران. «درگذشت دکتر محمود رامیار»، کیهان فرهنگی، س. ۱، ش. ۶ (شهریور ۱۳۶۳)، ص. ۴۰. «محمود رامیار»، آینده، س. ۱۰، ص. ۷۶۱.

۳۵۹ رجب‌بیگی، مهدی

مؤلف

تولد ۱۳۳۶، دامغان.

شهادت ۵ مهر ۱۳۶۰، تهران.

مهدی رجب‌بیگی دوران کودکی را در تهران سپری کرد. در سال ۱۳۵۴ وارد دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران شد و در رشتهٔ مهندسی راه و ساختمان به تحصیل مشغول گشت. از همان اوایل به فعالیت‌های صنفی ــ سیاسی روی آورد. در اواخر سال اول از طرف دانشجویان به عضویتِ شورای دانشجویی دانشگاه انتخاب شد و این مسئولیت را تا سال ۱۳۵۸ و آغاز انقلاب فرهنگی ادامه داد.

مهدی رجب‌بیگی جزو دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بود. وی همچنین مسئول دفتر تحقیقات اجتماعی دفتر مرکزی جهاد سازندگی بود. از آثار اوست: ***می‌رویم تا خط امام بماند...***.

منبع: می‌رویم تا خط امام بماند ...، ص ۱ ــ ۱۹.

۳۶۰ رجبی طرخورانی، محمد

محقق، مترجم

تولد ۱۳۳۱، تفرش.

درگذشت اسفند ۱۳۷۲.

محمد رجبی طرخورانی تحصیلات مقدماتی را در تفرش به پایان رسانید و در سال ۱۳۵۰ وارد دانشگاه شد و در سال ۱۳۵۶ در مقطع کارشناسی ارشد رشتهٔ ریاضی از دانشکدهٔ علوم دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید و سپس به عنوان مربی در همان دانشگاه شروع به خدمت نمود. با آغاز دورهٔ دکترایِ ریاضی در کشور در سال ۱۳۶۷ در این دوره در دانشگاه تهران پذیرفته شد و ضمن انجام خدمات آموزشی در سال ۱۳۷۲ موفق به اخذ درجهٔ دکتری گردید.

برخی از آثار وی به این شرح هستند: ***آشنایی با ریاضیات جدید؛ جبر و آنالیز؛ حدود و پیوستگی***؛ ترجمهٔ کتاب ***جبر خطی*** (کتاب برگزیدهٔ دوازدهمین دورهٔ کتاب سال ۱۳۷۳ در موضوع علوم خالص، در قسمت ریاضیات، کتاب‌های ترجمه شده).

دکتر محمد طرخورانی در اسفند ۱۳۷۲ بر اثر ابتلا به نوعی بیماری خونی درگذشت.

منبع: گزارش دوازدهمین دورهٔ کتاب سال.

۳۶۱ رضوانی، محمد اسماعیل

مورخ، محقق، مدرس

تولد ۱۰ اردیبهشت ۱۳۰۰، قریهٔ خراشاد (۲۴ کیلومتری شمال شرقی بیرجند).

درگذشت ۵ فروردین ۱۳۷۵، تهران.

محمد اسماعیل رضوانی، فرزند جعفر، تحصیلات خود را از مکتب‌خانهٔ خراشاد آغاز نمود. سپس در مدرسهٔ طلاب در بیرجند و پس از آن در مدرسهٔ تدین به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۲ از دبیرستان فارغ‌التحصیل شد و به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و در سمت مدیر دبستان دقیقی خراشاد به خدمت پرداخت. بعد از ده سال در دبیرستان شوکتی بیرجند به تدریس مشغول شد. پس از آن به تهران آمد و ضمن تدریس در دبیرستان فرخی، توانست دورهٔ لیسانس (۱۳۲۸ ــــ ۱۳۳۲) و فوق لیسانس و دکتری (۱۳۳۶ ــ ۱۳۴۱) را طی کند. وی مدت‌ها در دانشگاه ملی و دانشگاه تهران به تدریس مشغول بود. در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد و تا پایان عمر به تحقیق و پژوهش در زمینهٔ تاریخ ایران پرداخت. وی در سال‌های آخر عمر در چند واحد از واحدهای دانشگاه

آزاد اسلامی، دانشگاه الزهراء تربیت مدرس تدریس می‌کرد. از جمله مسئولیت‌های علمی او، مشاورت عالی پژوهشکدهٔ اسناد سازمان اسناد ملی ایران، مشاورت مؤسسهٔ پژوهش و مطالعات فرهنگی، مدیریت گروه تاریخ بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، عضویت در شوراها و هیئت‌های مختلف از جمله شورای احیای میراث مکتوب کتابخانهٔ ملی ایران و هیئت داوران جشنوارهٔ مطبوعات (دورهٔ اول و دوم) بود.

از جمله آثار دکتر محمد اسماعیل رضوانی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***زمینی که روی آن زندگی می‌کنیم*** (۱۳۴۲)؛ ***انقلاب مشروطیت ایران*** (۱۳۴۵)؛ ***زندگی امام هشتم حضرت رضا (ع)*** (۱۳۴۹)؛ ***اعلان‌ها و اعلامیه‌های دورهٔ قاجار*** (۱۳۴۹)؛ ***تعلیقات نامهٔ تنسر*** (با همکاری مجتبی مینوی، ۱۳۵۴)؛ تصحیح ***تاریخ منتظم ناصری*** (سه جلد، ۱۳۶۲ ـــ ۱۳۶۷)؛ ***سفرنامهٔ ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگستان*** (۱۳۷۱)؛ ***روزنامهٔ خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان*** (با همکاری فاطمه قاضیها، سه جلد، ۱۳۷۱ ـ ۱۳۷۳)؛ ***عالم آرای عباسی***؛ ***یادداشت‌های امین‌الدوله***؛ وی همچنین چند جلد کتاب درسی نیز تألیف نموده است، از آن جمله یک دوره ***تاریخ و جغرافیا*** و ***تعلیمات اجتماعی*** دبیرستان و یک دورهٔ کامل ***تاریخ و جغرافیا*** برای دانشسرای مقدماتی و کلاس‌های تربیتی آموزش و پرورش و نیز کتاب درسی ***تاریخ سیاسی ایران*** برای دانشجویان دانشکدهٔ افسری. ایشان همچنین برای روزنامه‌هایی که تجدید چاپ شده‌اند، مقدمه نوشته است، از جمله برای دورهٔ روزنامهٔ «وقایع اتفاقیه»، «ایران»، «دانش»، «مدرسهٔ دارالفنون تبریز»، «ملت سنیه ایران (روزنامهٔ ملتی)». مقاله‌هایی از ایشان نیز در موضوع‌های تاریخ و جغرافیا در مجله‌ها و روزنامه‌های مختلف نظیر «یغما»، «راهنمای کتاب»، «کیهان»، «سالنامهٔ کشور ایران»، «دانشکدهٔ ادبیات»، «بررسی‌های تاریخی»، «تاریخ و فرهنگ ایران»، «تحقیقات روزنامه‌نگاری»، «جامعهٔ نوین»، «تاریخ»، «آینده»، «خواندنی‌های تاریخی»، «بندر و دریا»، «خواندنی‌های قرن»، «کلک»، «پیام کتابخانه»، «گنجینهٔ اسناد»، «تحصیل»، «تاریخ معاصر ایران»، «کیهان فرهنگی» و «تحقیقات اسلامی» به چاپ رسیده است.

پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شده است.

منابع: «درگذشته‌گان بهاز»، آدینه، ش. ۱۱۰ (خرداد ۱۳۷۵). قاسمی، سید فرید، «رضوان خدا بر او باد!»، کلک، ش. ۷۱ ـــ ۷۲ (بهمن و اسفند ۱۳۷۴)، ص. ۶۰۰ ـــ ۶۱۰. «گفتگوی با دکتر محمد اسماعیل رضوانی»، کیهان فرهنگی، س.۵، ش. ۱۰ (دی ۱۳۶۷). اطلاعات، ش. ۲۰۷۳۲ (۱۵ فروردین ۱۳۷۵)، ص. ۲.

۳۶۲ رقابی، حیدر

استاد، شاعر

تولد ۲۴ آذر ۱۳۱۰، تهران.

درگذشت آذر ۱۳۶۶، تهران.

حیدر رقابی متخلص به «هاله» پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه در تهران از دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران لیسانس گرفت. در دوران تحصیل دبیرستانی به شاعری روی آورد. در جوانی به جوانان جبههٔ ملی پیوست و در جریان نهضت ملی شدن نفت از سرایندگان پر شود بود. سپس بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ راهی خارج از کشور شد و در آلمان و آمریکا به تحصیل فلسفه پرداخت و به اخذ درجهٔ دکتری نایل شد. در دانشگاه‌های آمریکا، از جمله دانشگاه کلمبیا، سن خوزه و برکلی چهارده سال

در سمت استادی به تدریس مشغول بود و هم چنین سال‌ها در تأسیس و ایجاد دانشگاه دیویس سرخ‌پوستان کوشید و مدیریت برنامه‌ریزی آن را بر عهده داشت و درآمد یکی از تألیفات خود به نام ***فلسفهٔ دنیای سوم*** را به آن دانشگاه اختصاص داد. دکتر حیدر رقابی به زبان‌های آلمانی و انگلیسی تسلط کامل داشت و نزدیک به سی جلد کتاب به سه زبان در زمینه‌های علمی و ادبی منتشر ساخت. چندین جلد کتاب دانشگاهی نیز از او باقی مانده است که تا هنگام فوتش چاپ نشدند. او علاوه بر درجات علمی و فرهنگی در زمینه‌های ورزشی نیز فعال بود و در جوانی به کسب عنوان قهرمانی در رشته‌های کشتی، شنا و شمشیربازی نایل آمد.

دکتر حیدر رقابی پس از پیروزی انقلاب اسلامی راهی ایران شد و مدت هشت سال در دانشگاه تهران در مقام استادی فلسفه به تدریس پرداخت. او که در شعر «هاله» تخلص می‌کرد، چندین مجموعه شعر به نام‌های ***آسمان اشک*** (۱۳۲۹)، ***خاطرات میگون***، ***شاعر شهر شما*** (۱۳۴۸)، ***شهرزاد*** (۱۳۳۲) از خود به یادگار گذاشت و ***شقایق‌ها*** آخرین آنها به شمار می‌رود. از آثار دیگر اوست: ***پرچم رنگ***، ***دومین بخش اشعار ملی*** (۱۳۲۰)؛ ***یادی از پدرم*** (۱۳۳۸).

منابع: «درگذشت دکتر حیدر رقابی»، کیهان فرهنگی، س. ۴، ش. ۱۰ (دی ۱۳۶۶)، ص. ۵۲ــ۵۳. ***فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز***/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۶۱۱. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۹۳۷. «دکتر حیدر رقابی»، آینده، س. ۱۴، ص. ۷۶ــ۷۷.

۳۶۳ روحانی، شیخ اسماعیل

شاعر، محقق، عالم

تولد ۱۲۹۹[1]، قریهٔ کاشتر سنندج.

درگذشت ۲۷ دی ۱۳۶۷، تهران.

شیخ اسماعیل روحانی مشهور به بابا مردوخ متخلص به «شیوا» فرزند شیخ حبیب‌الله بود که نزد پدرش به تحصیل علم پرداخت. سپس برای تحصیل راه سفر در پیش گرفت و در محضر ملا محمد مدرس گرجی و بدیع‌الزمان مهی سنندجی به شاگردی پرداخت.

شیخ اسماعیل روحانی پس از اتمام تحصیل علوم قدیم در جوانی به خدمت آموزش و پرورش در آمد و به تعلیم و تدریس در دبیرستان‌های سنندج پرداخت تا به اخذ لیسانس از دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران توفیق یافت و نزد اساتیدی چون بدیع‌الزمان فروزانفر و محمد شهابی تحصیل علوم جدید را به پایان برد. استاد بابا مردوخ پس از اتمام تحصیلات خود به کردستان بازگشت و به تدریس در مدارس این استان پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۵۸ بازنشسته شد.

استاد مردوخ سال‌های آخر عمر را در تهران گذرانید. وی در ادبیات فارسی و عربی تبحر داشت و در شعر (به هر دو زبان) دارای طبعی روان بود.

از وی شانزده اثر در زمینه‌های مختلف فقه، تفسیر، ریاضی، منطق، عروض، قافیه و ... به جا مانده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به ***تاریخ مشاهیر کرد*** اشاره کرد. از جمله آثار وی می‌توان به ***شیوهٔ مسلمانی*** و ***شرح حال مشاهیر کُرد*** اشاره کرد؛ ***دیوان اشعار***ش نیز که شامل مجموعهٔ سروده‌های اوست در زمان حیات جمع‌آوری شد ولی تا هنگام چاپ نگردید. قابل ذکر است که وی دورهٔ کامل ***تعلیمات دینی*** مخصوص اهل تسنن را برای تمام کلاس‌های دبستان‌ها و دبیرستان‌ها با نثری ساده تألیف و تحریر نموده است که مدت‌ها در مناطق سنی‌نشین ایران تدریس می‌شود.

---

۱. در برخی منابع تاریخ تولد وی ۱۳۰۱ و در برخی دیگر ۱۳۰۲ آمده است.

استاد مردوخ مبتلا به سرطان شد و پس از دو سال سرانجام در تاریخ بیست و هفتم دی ۱۳۶۷ در تهران درگذشت. پیکر او در سنندج به خاک سپرده شد.

منابع: دانشمندان کُرد در خدمت علم و دین/ عبدالکریم مُدرس، ترجمهٔ احمد خواری نسب، چاپ اول، ص. ۴۹۴ـ۴۹۵. «درگذشت استاد بابا مردوخ روحانی»، کیهان فرهنگی، س. ۵، ش. ۱۱ (بهمن ۱۳۶۷)، ص. ۵۷.

روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۷۲، نجف.[۱]

درگذشت: ۱۲ تیر ۱۳۶۸، تهران.

زین‌العابدین رهنما، فرزند شیخ العراقین مازندرانی، در رشته‌های علوم ادبی، فلسفی و اصول فقه اسلامی تحصیل نمود. خدمت مطبوعاتی خود را قبل از سال ۱۲۹۹ آغاز کرد و در این مدت مدیر و سردبیر روزنامهٔ «ایران»، مجلهٔ «راهنما» و روزنامهٔ «راهنما» بود. چندین دوره به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. در دورهٔ رضا شاه مدتی خانه‌نشین و بعداً به خارج از کشور تبعید گردید. پس از حوادث شهریور ۱۳۲۰ به ایران بازگشت. در تهران می‌زیست، تا به سفارت ایران در فرانسه و سپس به سفارت سوریه و لبنان انتخاب گردید. وی همچنین مدتی وزیر کشور و مدتی نیز معاون نخست‌وزیر بود. به فرانسوی و انگلیسی و عربی و ترکی آشنا بود و به دریافت نشان درجهٔ اوّل «همایون» نایل آمد. به آمریکا و کشورهای اروپایی و آفریقایی و آسیایی سفر کرد و از تألیفات وی می‌توان از کتاب‌های *پیامبر* (داستان تاریخی ـ مذهبی، ۱۳۱۶؛ خلاصه‌ای از این کتاب به زبان فرانسوی ترجمه شده است)؛ *امام حسین*؛ داستان اجتماعی *ژاله*؛ *ترجمهٔ و تفسیر قرآن* (چهار جلد)؛ ترجمهٔ *حقوق در اسلام* (تألیف دکتر مجید خدوری) و ترجمهٔ *قانون در خاورمیانه* نام برد.

منابع: چهرهٔ مطبوعات معاصر/ غلامحسین صالحیار، ص. ۲۱. *فرهنگ داستان‌نویسان ایران/* حسن عابدینی، ص. ۸۷. *تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد ۱/* محمد صدرهاشمی، ص. ۳۱۵. «زین‌العابدین رهنما»، آینده، س. ۱۵، ص. ۶۱۴ـ۶۱۵. *زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ـ۱۳۲۰ هـ. ش.)، جلد سوم/* حسن مرسلوند، ص. ۳۴۷ـ۳۴۹.

استاد

تولد ۱۲۸۶، کرمان.

درگذشت ۱۸ اسفند ۱۳۶۷.

عباس ریاضی کرمانی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه، تحصیلات دانشگاهی را در دارالمعلمین عالی تهران و سپس در فرانسه ادامه داد و پس از اخذ مدرک دکترایِ نجوم از دانشگاه سُربُن به کشور مراجعت نمود. دکتر عباس ریاضی کرمانی از سال ۱۳۱۷ در دانشکدهٔ علوم دانشگاه تهران و دانشسرای عالی به تدریس پرداخت و به مقام استادی کرسی نجوم در دانشگاه تهران نایل آمد. وی از سال ۱۳۲۵ اقدام به استخراج تقویم رسمی ایران کرد و تا سال ۱۳۶۹ روز شمار ایرانی را محاسبه کرد. از جمله تألیفات او کتاب‌های *هیئت و نجوم*، *مقدمه بر نجوم عالی* و *مثلثات کروی* را می‌توان نام برد.

عباس ریاضی کرمانی به سبب کهولت سن در سال ۱۳۶۷ درگذشت.

منابع: کیهان فرهنگی، س. ۵، ش. ۱۲ (اسفند ۱۳۶۷)،

۱. در برخی از منابع تاریخ تولد زین‌العابدین رهنما ۱۲۷۳ آمده است.

ص. ۵۸. «دکتر عباس ریاضی کرمانی»، آینده، س. ۱۵، ص. ۱۳۵.

۳۶۶ ریاضی، محمود

محقق، مترجم

تولد ۱۳۱۲، دره‌گز.

درگذشت ۲۰ مهر ۱۳۷۳، در سانحه هوایی.

محمود ریاضی دورهٔ ابتدایی و چند سالی از دورهٔ متوسطه را در دره‌گز طی کرد و سپس به مشهد آمد و دورهٔ متوسطه را در آنجا به پایان رسانید. این امر هم‌زمان با ملی شدن صنعت نفت بود. وی وارد مبارزات سیاسی شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مدتی به دانشکدهٔ افسری رفت و سپس وارد دانشکده فنی شد. در سال ۱۳۴۱ فارغ‌التحصیل شد. وی مطالعات خود را ادامه داد و در صنعت برق کارشناس شد.

محمود ریاضی در این اواخر شروع به ترجمهٔ ***داستان تمدن جهان از آغاز تا سال ۱۹۹۰*** نوشتهٔ جی.ام. رابرتس کرده بود. ترجمهٔ متن اصلی کتاب پایان یافته بود. وی مشغول پانویس‌های کتاب بود که اجل امانش نداد.

در سال ۱۳۴۹ او و دکتر کاظم سامی و سایر همفکرانش اقدام به تأسیس انتشارات چاپخش کردند. محمود ریاضی همچنین با مؤسسات نشر دیگر نیز همکاری داشت.

فهرست آثار ترجمه و تألیف شده وی به این شرح هستند: ***ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ*** (تألیف پل کندی)؛ ***روسیه، غرب و چین*** (ایزاک دویچر)؛ ***زندگی سیاسی استالین*** (ایزاک دویچر، با همکاری علی اسلامی)؛ ***سیری در بلوغ*** (ایزاک دویچر)؛ ***پایگاه‌های استراتژیک امپریالیسم*** (عظیم حسین)؛ ***سلاح اقتصادی استعمار جدید*** (بانوف، با همکاری نظام‌الدین قهاری)؛ ***چشم‌اندازهایی بر آزادی و برابری در جهان سوم*** (سی. جی. ویرافاتری)؛ ***انقلاب ناتمام روسیه*** (ایزاک دویچر)؛ ***نظری به درون شیلی آینده*** (ادوارد بوراشتاین)؛ ***اروپا و عقب‌ماندگی آسیا*** (دو جلد، والتر رادفی)؛ ***آمریکا و جهان سوم*** (جان س. گیزلینگ)؛ ***موسولینی*** (دنیس مک اسمیت)؛ ***بحران انرژی*** (مایکل تانزر)؛ ***روانشناسی عشق ورزیدن*** (اینیاس لپ، با همکاری دکتر کاظم سامی)؛ ***تحلیلی کوتاه از امپریالیسم*** (تألیف)؛ ***فاصله عقب‌ماندگی*** (جی. بی. کرن)؛ ***اسطوره‌های انقلابی در جهان سوم*** (ژرار شالیان)؛ ***چه‌کسی جیمی کارتر را اداره می‌کند؛ ظلمت در نیمروز*** (آرتور کویستلر، با همکاری علی اسلامی)؛ ***اقتصاد تسلیحاتی و جنگ*** (آندره گوندر فرانک).

منبع: یکرنگیان، رضا، «محمود ریاضی، قلمش را بر زمین گذاشت»، کلک، ش. ۵۴ (شهریور ۱۳۷۳)، ص. ۳۱۳ ـ ۳۱۴.

۳۶۷ زریاب خویی، عباس

مترجم، استاد، نویسنده، محقق

تولد ۲۲ تیر ۱۲۹۸، خوی.

درگذشت ۱۴ بهمن ۱۳۷۳.

عباس زریاب‌خویی، فرزند علی، تحصیلات مقدماتی علوم جدید و قدیم را در شهر خوی به پایان رساند و برای ادامهٔ تحصیل در سال ۱۳۱۶ به شهر قم عزیمت نمود و سال‌ها از محضر اساتیدی چون حضرت امام خمینی (ره)، آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای، آیت‌الله سید محمد تقی خوانساری و آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی استفاده نمود.

دکتر زریاب خویی بعد از رسیدن به درجهٔ اجتهاد برای تکمیل تحصیلات خویش وارد دانشگاه الهیات

شد و پس از اخذ درجهٔ لیسانس، به آلمان رفت و در رشتهٔ تاریخ و فلسفه از دانشگاه «ماینز» به اخذ درجهٔ دکتری نایل آمد. همچنین به فراخوان دانشگاه «برکلی» آمریکا پاسخ مثبت داد و مدتی به همکاری با کارشناسان زبان‌های ایرانی و زبان فولکلوریک پرداخت.

دکتر عباس زریاب‌خویی پیش از انقلاب استاد رشتهٔ تاریخ و رییس گروه تاریخ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بود. وی به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و ترکی عثمانی و اسلامبولی آگاه بود. وی سال‌های متمادی در دانشگاه‌های مختلف به تدریس اشتغال داشت و مدتی نیز با ***دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*** و ***دائرةالمعارف مصاحب*** و ***بنیاد دائرةالمعارف*** همکاری داشت و مقالاتی را به رشتهٔ تحریر در آورد. آثار مهم ایشان عبارتند از: ترجمهٔ ***تاریخ فلسفه*** (ویل دورانت، ۱۳۳۵)؛ ترجمهٔ ***لذات فلسفه*** (ویل دورانت)؛ ترجمهٔ ***تاریخ ساسانیان*** (نولد که)؛ تألیف ***بزم آورد***؛ تألیف ***آئینهٔ جام***؛ تحقیق و تصحیح کتاب ***الصیدنه فی الطب*** اثر ابوریحان بیرونی (این کتاب در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب برگزیدهٔ سال انتخاب شد)؛ تألیف ***تاریخ بنیادی***؛ ***آیینهٔ جام*** (شرح مشکلات دیوان حافظ، این کتاب در سال ۱۳۶۹ عنوان کتاب برگزیدهٔ سال را از آن خود ساخت)؛ ***سیرهٔ رسول اکرم (ص)***؛ تهذیب و تلخیص ***روضة الصفا***. کتاب‌هایی که استاد در حال نشر داشت، عبارتند بودند از ترجمهٔ ***دریای جان*** اثر هلموت ریتر و ترجمهٔ کتابی که قرار بود به‌مناسبت کنگرهٔ جهانی بزرگداشت عطار نیشابوری منتشر شود.

پیکر دکتر زریاب خویی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (ویژهٔ هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

منابع: «خاموشی دکتر عباس زریاب‌خویی»، کیهان فرهنگی، س. ۱۱، ش. ۱۱ ـ ۱۲ (بهمن و اسفند ۱۳۷۳)، ص. ۵۹. گزارش هشتمین و دهمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۶۵۴.

۳۶۸ زرین‌کوب، حمید

محقق، استاد

تولد ۱ فروردین ۱۳۱۵، بروجرد.
درگذشت ۲۵ مرداد ۱۳۶۶[۱].

حمید زرین‌کوب تحصیلات مقدماتی را در بروجرد به پایان آورد. سپس وارد دانشسرای مقدماتی در تهران شد. پس از اخذ دیپلم به بروجرد بازگشت و از سال ۱۳۳۴ شغل معلمی را آغاز کرد. پس از چندی برای ادامهٔ تحصیل به دانشگاه مشهد رفت و در سال ۱۳۴۱ موفق به دریافت مدرک لیسانس در رشتهٔ ادبیات فارسی شد. در بازگشت به تهران، به کار معلمی پرداخت و تا پایان عمر همچنان به تعلیم و تربیت ادامه داد. تحصیلات فوق لیسانس و دکترایِ ادبیات فارسی را در تهران (۱۳۴۸) به پایان رسانید و رسالهٔ دکترایِ خود را در باب «صنعت بدیع و سیر تکاملی تشبیه در زبان فارسی» عرضه کرد (۱۳۵۲). در سال ۱۳۵۲ از جانب دانشگاه مشهد به عنوان سردبیر مجلهٔ «دانشکدهٔ ادبیات» انتخاب گردید. در همان سال‌ها زرین‌کوب جهت تحقیق و مطالعه به آمریکا سفر کرد و در دانشگاه جرج تاون یک چند در مسائل مربوط به نقد ادبی به مطالعه پرداخت. وی بیست سال آخر عمر خود را به تدریس در دانشگاه تهران و دانشگاه مشهد در تدریس تاریخ ادبیات، سبک‌شناسی نظم و نثر و تعلیم و تحقیق در باب

۱. در در مجلهٔ «آدینه» در بخش «یادی از درگذشتگان» تاریخ فوت وی ۲۸ شهریور ۱۳۶۶ ذکر شده است.

ادبیات معاصر پرداخت. در سال‌های آخر عمر به علوم بلاغت علاقه‌مند شد و به تحقیق در کتاب‌های تفسیر و معانی و بیان پرداخت. وی در این زمینه مقالاتی هم تهیه کرد که ظاهراً می‌خواست آن را همراه با بحثی در باب تاریخ قرآن و بلاغت منتشر سازد ولی عمر او کفاف نداد. از آثار وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***چشم‌انداز شعر نو فارسی*** (شامل مقدمه‌ای بر شعرنو، تحقیقی در بارهٔ شاعران نوپرداز معاصر، ۱۳۵۸) و ***دیوان مجمر اصفهانی***؛ ***قلندرنامه خطیب فارسی*** (شامل سیرت جمال‌الدین ساوجی با مقدمه و تعلیقاتی شامل تصحیح و توضیح لغات و تعبیرات، ۱۳۶۲)؛ ***فرهنگ لغات و اصطلاحات ادبی و بلاغت و بدیع*** (در حال نشر)؛ جلد دوم ***چشم‌انداز شعر معاصر*** (بحث در بارهٔ شاعران معاصر که به شیوه سنتی شعر می‌سروده‌اند، این کتاب برای چاپ آماده بود)؛ تحقیقات وی درباب تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی نظم و نثر (آماده نشر). همچنین به درخواست وزارت آموزش و پرورش کتابی در باب ***نقد ادبی*** تدوین کرد که چندین سال در برنامهٔ درسی دبیرستان‌ها تدریس می‌شد. همچنین کتابی به‌نام ***نقد ادبی*** در سال ۱۳۷۱ (پس از فوت وی) توسط دانشگاه پیام نور به چاپ رسیده است. هنگام وفات نیز به‌کار تنظیم کتاب خود در باب سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی قبل از عهد مغول اشتغال داشت. مقالات تحقیقی وی نیز در مجلهٔ «دانشکدهٔ ادبیات مشهد» به چاپ رسیده است.

دکتر حمید زرین‌کوب به زبان عربی و متون ادبی آن آشنایی کافی داشت. از زبان انگلیسی قسمتی از کتاب ***ادبیات عرب*** تألیف الکساندر گیپ را ترجمه کرده بود که به سبب نشر ترجمه‌ای از آن، از ادامه کار منصرف شد.

دکتر حمید زرکوب بر اثر سکتهٔ قلبی درگذشت.

منابع: آریان، قمر، «به یاد شادروان دکتر حمید زرین‌کوب»، کیهان فرهنگی، س. ۴، ش. ۷، (مهر ۱۳۶۶)، ص. ۵۵ ـ ۵۶. «یادی از درگذشتگان»، آدینه، ش. ۱۶ (۱ آبان ۱۳۶۶)، ص. ۵. «دکتر حمید زرین‌کوب»، آینده، س. ۱۳، ص. ۵۳۲ ـ ۵۳۳. زرین‌کوب، روزبه، «به یادِ... حکم‌گزاری از مُلک ادب»، کلک، ش. ۵۳ (مرداد ۱۳۷۳)، ص. ۲۴۰ ـ ۲۴۴.

مترجم

تولد ۱۳۳۴.

درگذشت ۱۳۷۳.

ساعد زمان از زبان فرانسوی به فارسی ترجمه می‌کرد. بیشتر آثارش در انتشارات ققنوس به چاپ رسیده است. از آثار اوست: ***بهداشت و زیبایی پوست: درمان طبیعی و گیاه درمانی بیماریهای پوستی*** (اثر جی.سی. مارشینا؛ تهران، ۱۳۷۳)؛ ***بهداشت و زیبایی مو: مراقبتها و درمان طبیعی برای مو و پوست سر*** (اثر ژان لوک داریگل؛ تهران، ۱۳۷۳)؛ ***بیست تست برای شناخت خود*** (میشل و فرانسواز گوکلن؛ تهران، ۱۳۷۴)؛ ***تأثیر از فاصله*** (پل ژاگو؛ تهران، ۱۳۷۲)؛ ***چگونه بر ترس و اضطراب خود غلبه کنیم: راهنمای عملی برای بازیابی اعتماد به نفس و آرامش*** (ژرژ باربارن؛ تهران، ۱۳۷۴؛ پیش از این تاریخ، این کتاب تحت عنوان مشابهی در سال ۱۳۷۳ منتشر شد)؛ ***چگونه بهتر بخوابیم*** (پیر فلوشر؛ تهران، ۱۳۷۴؛ پیش از این تاریخ، این کتاب تحت عنوان مشابهی در سال ۱۳۷۱ منتشر شد)؛ ***یازده تست برای شناخت دیگران*** (میشل و فرانسواز گوکلن؛ تهران، ۱۳۷۴)؛ ***چگونه حافظه برتر داشته باشیم*** (روبرت توکه؛ تهران، ۱۳۷۳)؛ ***چگونه خود را با غذا درمان کنیم ـ راهنمای عملی رژیم غذایی خانواده‌ها*** (ایو جی. شارل و ژان لوک داریگل؛ تهران، ۱۳۷۴؛ پیش از این تاریخ، این کتاب تحت عنوان مشابهی در سال ۱۳۷۱

منتشر شد)؛ ***در انتظار کودکی هستم*** (لورانس پرنو؛ تهران، ۱۳۷۰؛ ۱۳۷۳)؛ ***درمان خجالت در سه هفته*** (ژان شارتیه؛ ۱۳۷۱؛ ۱۳۷۳)؛ ***درمان طبیعی بیماریهای تنفسی*** (آندره پاسبک؛ تهران، ۱۳۷۲؛ ۱۳۷۴)؛ ***درمان طبیعی بیماریهای چشم*** (آندره پاسبک؛ تهران، ۱۳۷۳)؛ ***درمان طبیعی بیماریهای گردش خون*** (آندره پاسبک؛ تهران، ۱۳۶۸؛ ۱۳۷۴)؛ ***درمان طبیعی بیماریهای گوارشی*** (آندره پاسبک؛ تهران، ۱۳۷۲؛ ۱۳۷۴)؛ ***درمان طبیعی یبوست*** (ژان لوک داریگل؛ تهران، ۱۳۶۹)؛ ***رنگها: برای سلامتی شما؛ روش عملی رنگ‌درمانی با استفاده از خواص درمانی رنگها*** (ژرارد اد؛ تهران، ۱۳۶۹)؛ ***فلزات: برای سلامتی شما؛ استفاده از خواص فیزیکی، شیمیایی و مغناطیسی فلزات نظیر دستبندهای مسی و هومئوپاتی...*** (ژرژ فور؛ تهران، ۱۳۶۹)؛ ***کاربرد عملی طب فشاری*** (ژرارد اد؛ تهران، ۱۳۶۸؛ ۱۳۷۵)؛ ***گیاهان دارویی*** (ژان ولاگ و ژیری استدولار؛ تهران، ۱۳۷۰)؛ ***ویتامینها و ویتامین درمانی*** (کلود بینه؛ تهران، ۱۳۷۳)؛ ***یاد بگیریم چگونه بر خود مسلط شویم*** (ار. اسیرینگر؛ تهران ۱۳۶۹).

منبع: کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران.

۳۶۹ سامی، علی

باستان‌شناس، ایران‌شناس

تولد ۱۲۸۹ (۱۳۲۸ ق.)، شیراز.

درگذشت ۲۲ مرداد ۱۳۶۸، شیراز.

علی سامی، فرزند آقا بزرگ، از شاعران و نقاشان شیراز و صاحب کتاب ***مقامات معنوی*** (۱۳۲۹) است. علی سامی پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدرسهٔ شعاعیه، در سال ۱۳۰۸ به استخدام آموزش و پرورش در آمد. بین سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۳ به سمت آموزگار و سپس به‌عنوان دبیر تاریخ و جغرافیا در مدارس شیراز مشغول تدریس شد و پس از آن به مدیری مدرسه و تصدی دانشسرای مقدماتی پسران در ۱۳۱۴ ارتقا یافت؛ از سال ۱۳۱۵ نیز به تعمیرات ابنیهٔ تاریخی شیراز پرداخت. در همین زمان، آرامگاه حافظ ساخته شد و موزهٔ پارس و آرامگاه خواجوی کرمانی و مسجد جامع عقیق مرمت شدند.

پس از خروج هیئت علمی دانشگاه شیکاگو که حفاری علمی تخت جمشید را به عهده داشت، از سال ۱۳۲۱ به سمت ریاست بنگاه علمی تخت جمشید منصوب شد. در همین مدت کاوش‌های علمی پاسارگاد و تپه‌های ماقبل تاریخ اطراف مرودشت انجام گرفت. ایشان در سال ۱۳۲۶، علاوه بر ریاست بنگاه علمی تخت جمشید به سمت ریاست ادارهٔ باستان‌شناسی فارس منصوب شد و تدریس در دانشگاه را نیز آغاز کرد که تا سال ۱۳۴۹ ادامه داشت.

علی سامی عضو چند مجمع علمی و فرهنگی و اجتماعی بود که اهم آنها عبارتند از: سردبیر روزنامهٔ «عدل» (شیراز)، رییس شورای نویسندگان رادیو شیراز، عضو پایه‌گذار سندیکای نویسندگان و خبرنگاران استان فارس، عضو کنگرهٔ خاورشناسان، عضو انجمن آسیایی پاریس، عضو کنگرهٔ ایران‌شناسی، عضو کنگرهٔ خاورشناسی تاجیکستان، دبیر و عضو انجمن قلم شیراز، رییس و دبیر کانون دانش پارس (این کانون در سال ۱۳۳۱ به همت خود وی بنیاد نهاده شد)، دبیر و عضو انجمن آثار ملی فارس، عضو شورای عالی حفاظت آثار باستانی، عضو و رییس هیئت امنا در آستانهٔ حضرت احمد بن موسی (شاه چراغ)؛ عضو کمیسیون ترجمه و تألیف دانشگاه شیراز، عضو و رییس کمیتهٔ دائمی دانشکدهٔ ادبیات شیراز؛ عضو هیئت مدیره بنگاه حمایت زندانیان شیراز (از سال ۱۳۴۳)؛ عضو و دبیر شورای

عالی جهانگردی.

علی سامی دارای درجهٔ دکتراي افتخاری از کشور هندوستان (دانشگاه آزاد آسیایی) بود و نشان‌های همایون درجه ۴ و مدال درجه ۱ و سپاس درجه ۲ (به سبب فعالیت‌های مطبوعاتی) به وی داده شده بود.

دکتر علی سامی بیش از سی جلد کتاب نوشت که مهمترین آنها عبارتند از: ***آثار تاریخی جلگهٔ مرودشت*** (۱۳۳۱)؛ ***پارس در عهد باستان*** (ضمیمهٔ نشریهٔ شمارهٔ سه «کانون دانش پارس»، ۱۳۳۳)؛ ***پارسکده*** (۱۳۵۰)؛ ***پاسارگاد یا قدیمی‌ترین پایتخت کشور شاهنشاهی ایران*** (۱۳۳۰، این کتاب بعداً در سال ۱۳۷۵ تحت نام ***پاسارگاد، پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی "ذوالقرنین"*** به کوشش و بازنگری دکتر غلامرضا وطن‌دوست از سوی بنیاد فارس‌شناسی به چاپ رسید)؛ ***تاریخ پارس در عهد باستان*** (۱۳۳۴)؛ ***تاریخ پیدایش خط و تحول آن در شرق باستان و ترجمهٔ کتیبه‌های میخی و پهلوی*** (۱۳۲۹)؛ ***تمدن ساسانی*** (جلد اول، ۱۳۴۲)؛ ***تمدن ساسانی*** (جلد دوم، ۱۳۴۴)؛ ***تمدن هخامنشی*** (جلد اول، ۱۳۴۱)؛ ***تمدن هخامنشی*** (جلد دوم، ۱۳۴۳)؛ ***تمدن هخامنشی*** (جلد سوم، ۱۳۴۸)؛ ***روزها و یادها*** (جلد اول، ۱۳۶۰)؛ ***روزها و یادها*** (جلد دوم، ۱۳۶۲)؛ ***شرح آثار باستانی تخت جمشید*** (با همکاری سید محمد تقی مصطفوی، ۱۳۳۵)؛ ***شرح آثار تاریخی شیراز*** (به زبان انگلیسی، ترجمهٔ نارمن شارپ، ۱۳۳۵)؛ ***شرح آثار تخت جمشید*** (به زبان انگلیسی، با ترجمهٔ رالف نارمن شارپ، ۱۳۳۵ که نه بار تجدید چاپ شد)؛ ***شرح کاوش‌های پاسارگاد*** (به زبان انگلیسی، ترجمهٔ شارپ، ۱۳۳۵)؛ ***شیراز، دیار سعدی و حافظ؛ شیراز: شرح مفصل آثار باستانی و سیر فرهنگ و هنر در ادوار گوناگون*** (۱۳۳۷)؛ ***شیراز شهر جاویدان*** (۱۳۶۳)؛ ***شیراز شهر گل و بلبل؛ تاریخچهٔ شیراز و شرح آثار باستانی شیراز*** (۱۳۳۷)؛ ***گزارش‌های باستان‌شناسی*** (جلد دوم، ۱۳۳۱)؛ ***گزارش‌های باستان‌شناسی*** (جلد چهارم، ۱۳۳۸)؛ ***گزارش کاوش‌های علمی پاسارگاد*** (ضمیمهٔ جلد اول گزارش‌های باستان‌شناسی، ۱۳۲۹)؛ ***مقام دانش در ایران باستان*** (۱۳۳۳)؛ ***نقش ایران در فرهنگ اسلامی*** (۱۳۶۵).

از وی همچنین مقالاتی در مجلهٔ «دانشکدهٔ ادبیات»، «مهر»، «هنر و مردم»، «فروغ تربیت»، «اطلاعات ماهانه»، «بررسی‌های تاریخی» و روزنامه‌های «بهار ایران»، «عدل»، «گلستان» و «پارس» شیراز به چاپ رسیده است.

آثار دیگری که علی سامی به رشتهٔ تحریر در آورده است ولی به چاپ نرسیده‌اند به این شرح هستند: جلد چهارم ***تمدن هخامنشی***، جلد سوم و چهارم ***تمدن ساسانی***، ***تمدن قدیم فلات ایران*** و ***تمدن پیش از هخامنشی***، ***تاریخ تمدن جهان***، ***بهار جاویدان*** مشتمل بر یک سلسله مقالات ادبی و تحقیقات باستان‌شناسی در ایران.

از اشیای کشف شده توسط علی سامی، تعدادی در موزهٔ ملی ایران (ایران باستان)، قسمت مربوط به هخامنشیان نگه‌داری می‌شود که از آن جمله است: سر شاهزادهٔ هخامنشی از سنگ لاجورد و بشقاب سنگی به خط آرامی.

منابع: فتوحی قیام، منصور. «یادی از یک باستان‌شناس، علی سامی»، موزه‌ها، ش. ۹ و ۱۰ (شهریور ۱۳۶۹)، ص. ۹۴ ـ ۹۶. ***انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)***/ حسن امداد، چاپ اول، ص. ۴۰۶ ـ ۴۰۸. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر***/ غلامحسین صالحیار، ص. ۲۱۱. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۲۶۳ ـــ ۲۶۵. ***چهره‌های آشنا***/ حسین قریشی، ص. ۲۸۳ ـ ۲۸۴. امداد، حسن، «علی سامی»، آینده، س. ۱۵، ص. ۶۰۲ ـ ۶۰۴. ***دانشمندان و سخن‌سرایان فارس***، جلد سوم/ محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت»، ص. ۵۰ ـ ۵۱.

پاسارگاد، پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی/ علی سامی، به کوشش و بازنگری دکتر غلامرضا وطن‌دوست. *یادنامهٔ شادروان استاد علی سامی*/ ناصر امامی. *نامگانی استاد علی سامی*/ محمود طاووسی، ج. یک.

۳۷۰ سامی، کاظم

نویسنده، روزنامه‌نگار، سیاستمدار

تولد ۱۳۱۳، مشهد.[۱]

درگذشت ۲ آذر ۱۳۶۷، تهران.

کاظم سامی، فرزند غلامرضا، دارای تخصص روانپزشکی و دکترایِ پزشکی بود. وی در سال ۱۳۳۰ با آشنایی با عده‌ای که در حزب ایران فعالیت می‌کردند و خود را «خداپرستان سوسیالیست» می‌نامیدند (اینان از سال‌های پیش تحت عنوان نهضت فعالیت می‌کردند و به دلایل سیاسی در سال‌های بعد با حزب ایران در آمیخته بود) به حزب ایران پیوست. اما مدتی بعد از آنها جدا شد. از اواخر بهمن ماه ۱۳۳۱ فعالیت خود را با دوستانش در جمعیت آزادی مردم ایران متمرکز ساخت.

در آستانه ورود به دانشگاه بود که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روی داد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در نهضت مقاومت خراسان به فعالیت پرداخت و هم چنان به کار معلمی و فعالیت دانشجویی خویش ادامه داد. وقتی سال بعد به تهران به دانشکدهٔ پزشکی منتقل شد، فعالیت‌های خویش را در نهضت مقاومت در تهران آغاز کرد. در این راه با گروه‌های مختلف آشنایی یافت. سامی در سال تحصیلی ۱۳۳۷ ـ ۱۳۳۸ قبل از آنکه فعالیت جبههٔ ملی دوم آغاز شود، از دانشکده پزشکی تهران فارغ التحصیل شد؛ سامی مسئولیت هدایت و گردآوری و ارتباط دانشجویان خارج از کشور در جبههٔ ملی بود. در همین زمان او تصمیم گرفت علاوه بر فعالیت‌های خود نشریه‌ای انتشار دهد. بدین ترتیب به انتشار نشریهٔ ماهانه‌ای به نام «پیکار اندیشه» پرداخت که دومین شمارهٔ آن نشریه در چاپخانه به همراه خودش توقیف شد.

سامی در ضمن فعالیت‌های جبههٔ ملی دوم در این سال‌ها از ۱۳۴۱ از حزب مردم ایران کناره‌گیری کرد. از سال ۱۳۴۱ سامی فعالیت‌های پنهانی خود را آغاز کرد و بعد از فعالیت‌های سه ساله‌اش، در تابستان ۱۳۴۴ با عده‌ای دیگر، دستگیر و زندانی شد. بعد از آزادی از زندان به انتشار مجلهٔ «تازه‌های روان‌پزشکی» پرداخت. وی همچنین به تدریس و تألیف روی آورد و کتبی در زمینه‌های پزشکی و روانپزشکی و مسائل اجتماعی و سیاسی به چاپ رساند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وزیر بهداری دولت موقت و سرپرست هلال احمر شد. وی به نمایندگی از مردم تهران در اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی حضور داشت.

دکتر سامی روز چهارشنبه دوم آذر ۱۳۶۷ در مطب شخصی‌اش به قتل رسید.

منابع: سحابی، عزت‌الله، «زنده‌یاد دکتر کاظم سامی، قربانی مظلوم توطئه»، کیهان فرهنگی، س. ۵ ش. ۹ (آذر ۱۳۶۷)، ص. ۶۴ـ۶۵. *یادنامه اولین سالگرد شهادت دکتر کاظم سامی با نوشته‌هایی از دوستان و همفکرانش*/ تدوین از رسول دارمهر. *نگرشی به اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی*/ ص. ۲۴۲ و ۲۴۳.

۱. در برخی منابع تاریخ تولد وی ۱۳۱۴ ذکر شده است.

سبزواری (عربشاهی)، سید محمد باقر ۳۷۱

مدرس، مصحح، مؤلف

تولد ۱۳۳۵ ق..[۱]

درگذشت ۴ خرداد ۱۳۶۳.

سید محمد باقر سبزواری (عربشاهی) استاد دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی بود. از آثار اوست: ***تلخیص البیان عن مجازات القرآن*** (از سید رضی، تهران، ۱۳۳۰)؛ ***الرسالة الکمالیة فی الحقائق الالهیة*** (از امام فخر رازی، تهران، ۱۳۳۵)؛ ***النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی*** (از شیخ طوسی) و ترجمه قدیم از ناشناس در دو جلد (تهران، ۱۳۳۷)؛ ***سرمایهٔ سخن*** (با همکاری محمد ابراهیم آیتی (تهران، ۱۳۳۹)؛ ***چهارده رساله از امام فخر رازی و دیگران*** (تهران، ۱۳۳۲)؛ ***لطائف الاقوال*** (از رشید وطواط، تهران، ۱۳۵۶).

منبع: «سید محمد باقر سبزواری (عربشاهی)»، آینده، س. ۱۰، ص. ۴۰۳.

سعیدی رضوانی، عباس ۳۷۲

محقق، استاد

تولد ۱۳۰۶، مشهد.

درگذشت ۳۰ مرداد ۱۳۷۱.

عباس سعیدی رضوانی، پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در رشتهٔ جغرافیا در دانشگاه تهران ادامهٔ تحصیل داد. سپس در سال ۱۳۳۶ از دانشگاه ویسکانسین در همین رشته فوق‌لیسانس گرفت و سپس در فرانسه درجهٔ دکترایِ خود را در رشتهٔ جغرافیا از دانشگاه سُربُن اخذ کرد.

عباس سعیدی پس از گرفتن لیسانس به خدمت آموزش و پرورش در آمد و ضمن تدریس عهده‌دار مقامات اداری گوناگون بود که ریاست تربیت معلم استان خراسان از آن جمله است. از سال ۱۳۳۶ شروع به تدریس مواد مختلف درسی جغرافیا در دانشگاه مشهد پرداخت و سرانجام به همان دانشکده انتقال یافت. در سال ۱۳۵۸ به ریاست کتابخانهٔ آستان قدس رضوی منصوب شد و در ۱۳۶۲ مدیر عامل مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی گردید.

علاوه بر مقالات تألیفی و ترجمه در مجلهٔ «دانشکدهٔ ادبیات مشهد» از سال ۱۳۴۴، کتاب‌هایی را تألیف کرده است که از آن جمله است: ***جغرافیای ژاپن، سرخس دیروز و امروز، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی***، مجموعهٔ کامل کتب ***تاریخ و جغرافیا*** برای دانش‌آموزان دبیرستانی و اثری به زبان انگلیسی.

دکتر عباس سعیدی رضوانی روز جمعه سی مرداد ۱۳۷۱ بر اثر سکتهٔ قلبی در شصت و پنج سالگی درگذشت.

منابع: «درگذشت استاد عباس سعیدی»، مترجم، س. ۲، ش. ۶ (تابستان ۱۳۷۱). ***جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی***/ تألیف دکتر محمد حسن گنجی، ص. ۵۳۸ـ۵۳۹. «دکتر عباس سعیدی رضوانی»، آینده، س. ۱۹، ص. ۲۳۸.

۱. در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد محمد باقر سبزواری عربشاهی ۱۲۸۵ آمده است.

۳۷۴ سعیدی، سید غلامرضا

نویسنده، مترجم، محقق

تولد ۱۲۷۴ (۱۳۱۴ ق.)، قریه نوزاد شهرستان بیرجند. درگذشت ۲۲ آذر ۱۳۶۷، بیرجند.

سید غلامرضا سعیدی پس از طی دورهٔ مکتبخانه قریه، در نخستین دوره مدرسه شوکتیهٔ بیرجند شرکت جست و تحصیلاتش را در آن مؤسسه عملی (شامل علوم قدیم و جدید و زبان فرانسوی) به پایان رسانید. زبان انگلیسی را نیز در خارج از کشور فرا گرفت. وی با افکار سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده و مصطفی رافعی آشنا شد و سفری نیز به هندوستان داشت؛ در آنجا به تحصیل پرداخت و با افکار اقبال لاهوری آشنا شد. وی با مجلهٔ «فروغ علم» نیز همکاری و هم‌قلمی داشت.

برخی از آثار ترجمه و تألیف سید غلامرضا سعیدی به شرح زیر است: ***اسلام سد راه جاهلیت*** (ابوالاعلی مودودی، ۱۳۵۰)؛ ***اسلام و جاهلیت*** (۱۳۳۳)؛ ***اقبال‌شناسی*** (۱۳۳۸)؛ ***اندیشه‌های اقبال لاهوری*** (به کوشش و مقدمه هادی خسروشاهی، ۱۳۷۰)؛ ***اولین قانون اساسی مکتوب در جهان*** (محمد حمیداله، ۱۳۳۶)؛ ***بزرگترین مرد تاریخ جهان یا نجات‌دهندهٔ بشر*** (مؤلف، ۱۳۴۴)؛ ***بیست و چهار ساعت آخر زندگی جمال عبدالناصر*** (محمد حسنین هیکل، ۱۳۵۰)؛ ***بینش اخلاق از نظر اسلام*** (ابوالاعلی مودودی، ۱۳۵۰)؛ ***پاکسازی سکولاریزم یا مبارزه با سیستم حکومت دنیوی روشنفکران*** (۱۳۶۸)؛ ***پاکستان*** (۱۳۲۶)؛ ***پیشرفت سریع در اسلام*** (۱۳۳۷)؛ ***جنگ و صلح در قانون اسلام*** (مجید خدوری، ۱۳۳۵)؛ ***خداشناسی، طریق نجات*** (ابوالاعلی مودودی، ۱۳۴۶)؛ ***خط جمود برای جهان اسلام و ایران*** (تألیف، ۱۳۵۱)؛ ***داستان‌هایی از زندگانی پیغمبر ما*** (احمد ممتاز پاکستانی، ۱۳۴۶)؛ ***در باره عایشه همسر پیغمبر*** (نوشته ابوت، ۱۳۴۴)؛ ***رسول اکرم در میدان جنگ*** (۱۳۳۶)؛ ***زندگانی محمد (ص)*** (۱۳۴۰)؛ ***عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن*** (جان دیون پورت، ۱۳۴۴)؛ ***عمار یاسر*** (تألیف شرف‌الدین صدرالدین)؛ ***فریاد فلسطین*** (ترجمه، ۱۳۵۰)؛ ***فلسفه و تربیت*** (محمد فاضل الجمالی، ۱۳۳۷)؛ ***کمونیسم و اخلاق*** (مؤلف، ۱۳۵۲)؛ ***گفتاری چند در مسایل رشد اقتصادی*** (آندره پیاتیه، ۱۳۴۵)؛ ***مبادی اسلام و فلسفه احکام*** (ابوالاعلی مودودی، ۱۳۴۳)؛ ***نظام بودجه‌ای و منطقه‌ای کردن بودجهٔ عمرانی در فرانسه*** (مؤلف، ۱۳۴۶)؛ ***نقش اسلام در برابر غرب*** (مریم جمیله، ۱۳۴۸).

منابع: فرهنگ داستان‌نویسان ایران/ حسن عابدینی، ص. ۹۴. «سید غلامرضا سعیدی»، آینده، س. ۱۵، ص. ۱۳۵. *عمار یاسر/* صدرالدین شرف‌الدین، ترجمهٔ سید غلامرضا سعیدی (مقدمهٔ آن حاوی شرح حال ایشان است). برگه‌دان کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران.

۳۷۵ سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر

نویسنده

تولد ۱۳۱۰، سیرجان.

درگذشت آذر ۱۳۷۳، تهران.

علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، فرزند محمدعلی، پس از پایان تحصیلات ابتدایی در سیرجان و کرمان به منظور ادامهٔ تحصیل به تهران آمد و در رشتهٔ ادبیات فارسی از دانشسرای عالی تهران لیسانس و از دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران فوق‌لیسانس دریافت داشت. سپس به تدریس مشغول گردید. از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ در *لغت‌نامهٔ دهخدا* مشغول به کار بود. حرف «ن» لغت‌نامهٔ مذکور به‌طور کامل و قسمتی از حرف «م» (دو جلد) به‌وسیلهٔ او تهیه و تنظیم شده است. سال‌ها در بنیاد فرهنگ ایران با دکتر پرویز ناتل خانلری همکاری داشت. از سال ۱۳۵۸ از کار کناره گرفت. برخی از آثار وی به شرح زیر است: تصحیح و چاپ *تاریخ بیداری ایرانیان* (تألیف ناظم‌الاسلام کرمانی)؛ *آخرین شراره‌ها* (مجموعه شعر، ۱۳۳۴)؛ *بی‌نوا*؛ *دو قربانی دیگر* (مجموعه شعر)؛ *وقایع اتفاقیه* (گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در اواخر دورهٔ قاجاریه)؛ *یادداشت‌ها* (به‌قلم صدرالدین عینی)؛ *با فرهنگ لغت‌های تاجیکی*؛ *شیرین سخنان گمنام* (آثار دوازده نفر از شعرای سیرجان، ۱۳۲۹)؛ *تذکرهٔ شاعران سیرجان*؛ *سوز و ساز* (مجموعهٔ شعر، ۱۳۳۰)؛ *افسانه‌ها* (داستان منظوم)؛ *خاکستر* (مجموعهٔ شعر)؛ *زیرخاکستر* (مجموعهٔ شعر)؛ *آشوب یادها* (مجموعهٔ مقالات)؛ چاپ *ذخیرهٔ خوارزمشاهی* (با مقدمه؛ تصحیح و چاپ)؛ *بدایع الوقایع* (تألیف واصفی هروی در دو مجلد)؛ *در آستین مرقع* (شامل مجموعه مقالات در مجله‌های ادبی تهران).

منابع: فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۲۸۰ـ۲۸۱. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/* خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۵۱۷ـ۵۱۸. *ستارگان کرمان/* ص. ۲۲۳ـ۲۲۹.

۳۷۶ سعیدی، محمد

مترجم، مؤلف

تولد ۱۲۸۶، تهران.[۱]

درگذشت ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۱.

محمد سعیدی، فرزند محمد علی، تحصیلات مقدماتی را در مدرسهٔ تربیت و سپس زبان و ادبیات انگلیسی را در کالج آمریکایی تهران و علوم قدیمه را نزد استادان فن آموخت. نخستین مقاله‌های او در روزنامهٔ «شفق سرخ» چاپ شد. در مجله‌های «آینده» و «مهر» و غیره مقاله می‌نوشت. مدت سه سال مجله «راه نو» را انتشار داد و مدتی نیز بر انتشار مجلهٔ «ایران آباد» نظارت داشته است. به سمت‌های سناتوری، کفالت وزارت راه، معاونت نخست‌وزیر و سرپرستی انتشارات و رادیو رسید. علاوه بر مقاله‌های وی در مطبوعات، آثاری را ترجمه کرده است. از جمله ترجمه‌های او است: ***آخرین روز یک محکوم*** (ویکتور هوگو، ۱۳۰۶)؛ ***اخلاق روحی*** (ساموئل اسمایلز، ۱۳۰۸)؛ ***انسان در تکاپوی تمدن*** (ادوین پالو، ۱۳۳۵؛ این کتاب به این نام نیز منتشر شده است: ***تاریخ جهان یا انسان در تکاپوی تمدن***)؛ ***ایفی‌ژنی*** (گوته)؛ ***بادبزن خانم و بندر مرسالومه***؛ ***اهمیت ارنست بودن*** (اسکار وایلد، ۱۳۳۶)؛ ***تاریخ عرب*** (فیلیپ حتی، ۱۳۳۶)؛ ***جنگ‌های ایران و روم*** (پروکوپیوس، ۱۳۱۱)؛ ***چهار نمایشنامه*** ــ الکترا، زنان تراخیس، فیلوکتتس، آژاکس ــ (سوفوکل، ۱۳۳۵)؛ ***خطابهٔ ویکتور هوگو بر سر قبر ولتر*** (۱۳۳۳)؛ ***خلیج فارس از قدیمی‌ترین ازمنه تا قرن بیستم میلادی*** (سرهنگ سرآرنولد ویلسون، ۱۳۱۰)؛ ***راز آفرینش انسان*** (ا. گریسی موریس، ۱۳۳۴)؛ ***زیر درختان زیرفون*** (آلفونس کار، ۱۳۳۵)؛ ***سه نمایشنامه*** ــ اودیپوس شاه، اودیپوس در کولولوس، آنتی‌گون (سوفوکل، ۱۳۳۴)؛ ***فروید: شرح حال*** (استفان تسوایک، ترجمه به‌نام مستعار)؛ ***کریستف کلمب*** (ساموئل الیوت موریس، ۱۳۳۸)؛ ***لرد کرزن*** (۱۳۲۲)؛ ***ماکدولین یا در سایهٔ درختان زیرفون*** (ترجمه از عربی متن آلفونس کار، ۱۳۰۶)؛ ***مقالات اجتماعی*** (آرتور بریزیان، ۱۳۲۲)؛ ***هلن، هیپولیت، ارنست، ایون*** (اوریپید، ۱۳۳۸)؛ ***سالومه و هلن***؛ و آثار دیگری از تری‌پید و افلاطون. از جمله تألیفات وی می‌توان به این دو عنوان اشاره نمود: ***امیرکبیر*** (۱۳۳۵)؛ ***خاطرات سفر آمریکا*** (۱۳۳۶).

وی به دریافت نشان همایون و چندین نشان دیگر نایل آمده است.

*منابع: **دائرةالمعارف یا فرهنگ دانش و هنر**/* پرویز اسدی‌زاده، سعید محمودی، عطاءالله بهمنش، داریوش محمدخانی، مسعود واثقی، ابوالقاسم شیخ‌الاسلامی، فریدون معلمی، منوچهر اشرف الکتابی، چاپ هشتم، ص. ۱۱۰. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر**/* غلامحسین صالحیار، ص. ۲۳. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/* خانبابا مشار، جلد پنجم، ص. ۵۰۰ـ۵۰۴. ***چهره‌های آشنا**/* حسین قریشی، ص. ۲۹۷. «یادبود مؤلفان: محمد سعیدی»، آینده، س. ۸، ص. ۵۷. ***زندگینامه رجال و مشاهیر ایران**/* جلد چهارم، حسن مرسلوند، ص. ۵۷ ـ ۵۸.

۳۷۷ سلطان القرایی، جعفر

محقق، مورخ

تولد ۱۲۷۵، تبریز.[۲]

درگذشت زمستان ۱۳۶۷، تبریز.

جعفر سلطان‌القرایی در آغاز نزد پدر خود شیخ ابوالقاسم و برادر خود حاج میرزا جواد، از علمای زمان، درس خواند. سپس از محضر میرزا ابوالقاسم

---

۱. در کتاب ***چهرهٔ مطبوعات معاصر*** تاریخ تولد وی ۱۲۸۷ آمده است.

۲. در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد جعفر سلطان‌القرایی ۱۲۸۳ درج شده است.

انگجی و حاج میرزا علی اصغر ملک استفاده برد. وی با مطالعه مستمر و دقت در کتب خطی و نشست و برخاست با ادبا و شاعران، کارشناس شناخت نسخه‌های خطی و تشخیص اسناد و اوراق هنری و تاریخی شد. با حوادث آذربایجان به تهران هجرت کرد و چند سالی در تهران ماند و به کسب و کار مشغول بود.

از تألیفات وی، تصحیح و تعلیق دو جلد ***روضات الجنان*** و ***جنات الجنان*** حافظ حسن کربلایی تبریزی (۱۳۴۴ ـ ۱۳۴۹) است. اثر دیگر سلطان‌القرایی تصحیح و تعلیق ***المحافل*** است. ضمناً سال‌ها با نشریهٔ «دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تبریز» همکاری داشت.

منابع: ***یاد یاران (گلگشت یاد یاران)***/ دکتر مهدی روشن ضمیر، ص. ۲۷۴ ـ ۲۸۵. افشار، ایرج، «جعفر سلطان‌القرایی»، آینده، س. ۱۵، ص. ۶۰۸ ـ ۶۱۰.

۳۷۸ سمسار، محمد احمد

محقق

تولد ۱۲۷۴، تبریز.

درگذشت اوایل فروردین ۱۳۶۰، آمریکا.

محمد احمد سمسار تحصیلات خود را در استانبول به پایان برد و سپس به آمریکا رفت و در آنجا ماند و سال‌ها به تدریس ترکی در دانشگاه‌های آن کشور پرداخت.

از تألیفات او ***فهرست نسخ خطی عربی و فارسی و ترکی***، مجموعهٔ جان فردریک لوئیس موجود در کتابخانهٔ آزاد فیلادلفیا است که در سال ۱۹۳۷ در فیلادلفیا انتشار یافته است. در این فهرست یک صد و چهل و نه نسخهٔ فارسی معرفی شده است. دیگر مقدمه‌ای است که بر کتاب ***طوطی‌نامهٔ*** ضیاءنخشی نوشت. البته ترجمهٔ انگلیسی ***طوطی‌نامه*** هم از محمد احمد سمسار است.

منبع: «محمد احمد سمسار»، آینده، س. ۷، ص. ۳۳۱.

۳۷۹ سنجابی، کریم

استاد، محقق

تولد ۱۲۸۵، کرمانشاه.[۱]

درگذشت تیر ۱۳۷۴، آمریکا.

کریم سنجابی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در زادگاهش، در دارالفنون ادامه تحصیل داد و سپس از دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید. آنگاه برای ادامهٔ تحصیل به فرانسه رفت و در رشتهٔ حقوق اقتصاد[۲] دکتری (رسالهٔ او به زبان فرانسوی در بارهٔ اصلاحات ارضی بود که در سال ۱۳۱۳ نوشته شده است) گرفت. پس از بازگشت به ایران (پس از اخذ مدرک دکتری) در دانشکدهٔ حقوق به تدریس پرداخت و سال‌ها استاد رشتهٔ حقوق اداری بود.

دکتر کریم سنجابی در دورهٔ ۲۶ مجلس شورای ملی از طرف مردم کرمانشاه به نمایندگی مجلس انتخاب شد. دکتر محمد مصدق در روز ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۳۰ هیئت دولت خود را تشکیل داد و به مجلس شورای ملی معرفی نمود. دکتر کریم

---

۱. در کتاب ***وزرای آموزش و پرورش ایران*** تاریخ تولد او ۱۲۸۹ و در کتاب ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** ۱۲۸۳ آمده است.

۲. در منبع دیگر آمده است که پس از پایان تحصیلات دارالفنون، در مسابقات اعزام دانشجو به خارج از کشور موفق شد و همراه با ۱۲۰ نفر دیگر به اروپا اعزام شد که ایشان در فرانسه به تحصیل حقوق قضایی مشغول شدند. سپس به ایران مراجعت نمود. پس از مراجعت به استخدام دولت درآمد و مشغول به کار شد. ولی دوباره به فرانسه مراجعت و دکترای حقوق قضایی خود را از آنجا دریافت نمود.

سنجابی در این کابینه به وزارت فرهنگ منسوب شد. این هیئت دولت مدت نه ماه بر سر کار بود. دکتر مصدق در ۵ دی همان سال به ترمیم هیئت دولت اقدام و دکتر محمود حسابی به جای دکتر سنجابی وارد هیئت دولت شد. دکتر کریم سنجابی از اعضای جبههٔ ملی بود. در خلع ید از شرکت نفت سابق و ملی شدن صنعت نفت فعالیت داشت. پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ همراه با دیگران دستگیر و بازداشت شد. علاوه بر این دستگیری، وی چند بار دیگر نیز به زندان افتاد. وی در ابتدای دورهٔ دوم فعالیت خود حزب میهن را تأسیس کرد و بعد به همراهی چند تن دیگر حزب ایران را به‌وجود آورد.

از جمله آثار او کتابی است به نام ***امیدها و ناامیدی‌ها*** (لندن، ۱۳۶۹) که حاوی خاطرات اوست. از آثار دیگر او است: ***جزوهٔ اقتصاد سال اول دانشکدهٔ حقوق*** (۱۳۲۱)؛ ***حقوق اداری*** (۱۳۳۴).

در اوج تظاهرات مردم در انقلاب اسلامی به دکتر کریم سنجابی پیشنهاد تشکیل هیئت دولت و عضویت در هیئت دولت و ریاست شورای سلطنت داده شد که از پذیرش آنها خودداری کرد. در همان زمان کریم سنجابی دستگیر و به زندان افتاد که در آذر سال ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد و به تجدید حیات جبههٔ ملی اقدام کرد. پس از انقلاب اسلامی، دکتر کریم سنجابی در دولت موقت مهندس مهدی بازرگان مدتی عهده‌دار وزارت امور خارجه بود.

منابع: «دکتر کریم سنجابی درگذشت»، نشر دانش، س. ۱۵، ش. ۴ (خرداد و تیر ۱۳۷۴)، ص. ۷۳. ***وزرای آموزش و پرورش ایران؛ وزرای معارف ایران*** / احمد عبدالله‌پور، چاپ دوم، ص. ۱۷۶ ـ ۱۷۷. ***مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی*** / خانبابا مشار، جلد پنجم، ص. ۶۵ ـ ۶۶.

۳۸۰ سنگلجی، شیخ محمد

محقق، استاد، عالم علوم دینی

تولد ۱۲۷۶.

درگذشت مهر ۱۳۵۹.

شیخ محمد سنگلجی، فرزند رضا قلی سنگلجی (از روحانیون تهران)، سال‌های درازی با سمت استادی در دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی به تدریس فقه اسلامی اشتغال داشت و متن درسش ***شرایع‌الاسلام*** بود. کانونی هم به نام رواق تأسیس کرد که در آنجا به تفسیر قرآن می‌پرداخت. تألیفات عمدهٔ او عبارتند از: ***مصباح المیزان در منطق*** (تهران، ۱۳۴۷ ق.)؛ ***دلائل السداد فی القواعد الفقه و الاجتهاد*** (تهران، ۱۳۱۳)؛ ***قانون رضاع در اسلام*** (تهران، ۱۳۱۵)؛ ***مقاصد الوصول*** (۱۳۱۷)؛ ***کلیات عقود و ایقاعات*** (تهران، ۱۳۲۴)؛ ***تفسیر سورهٔ حمد*** (تهران، ۱۳۲۵)؛ ***آیین دادرسی در اسلام*** (تهران، ۱۳۲۹)؛ ***عالم معنی*** (تهران، ۱۳۳۱)؛ ***چهار رساله در وصیت، میراث، بیع فضولی، جمله‌ای از قواعد فقه*** (تهران، ۱۳۳۳)؛ ***فضا در اسلام*** (۱۳۳۸)؛ ***سیری اجمالی در منطق و فلسفهٔ الهی*** (تهران، ۱۳۵۵).

منابع: «شیخ محمد سنگلجی»، آینده، س. ۵، ص. ۹۱۵ ـ ۹۱۶. ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** افرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

۳۸۱ سیار، عبدالله

کارشناس فن چاپ

تولد ۱۲۷۴، تهران.

درگذشت ۱۳۷۳، تهران.

سید عبدالله سیار، فرزند عباسقلی خان، پس از تحصیلات مقدماتی وارد دارالفنون گردید و در سال

۱۲۹۶ دورهٔ آن مدرسه را به پایان رسانید. سپس وارد خدمات فرهنگی شد و مأمور خراسان شد. بالاخره وارد وزارت پست و تلگراف شد و به خدمت مشغول شد. وی از نخستین اعضای انجمن ادبی مشهد بود و مقاله‌ای در بارهٔ تاریخچهٔ تشکیل آنجا نوشت که در *ناموارهٔ* دکتر محمود افشار به چاپ رسید.

از آثار اوست: *اسرار مانیتیسم* (۱۳۰۷؛ این کتاب در سال ۱۳۶۲ با عنوانی شبیه به همین عنوان ــ *مانیه‌تیسم* ــ به‌چاپ رسیده است)؛ *مغناطیس شخصی؛ هیپنوتیسم و تربیت نفس؛ قوای مخفیه اسرار و شگفتیهای وجود انسان* (۱۳۶۲)؛ *ارواح؛ وجود و بقای روح* (تهران، ۱۳۶۷)؛ *حل المسائل هزار و یک مسئلهٔ حساب و هندسه* (۱۳۱۱)؛ *هزار و یک مسئلهٔ حساب و هندسه* (۱۳۱۸)؛ *هفت‌صد مسائل حساب و هندسه* (۱۳۱۱).

سید عبدالله سیار به سبب سکته در تهران درگذشت.

منابع: *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۹۶۷ـ۹۶۸. «درگذشت سید عبدالله سیار»، کلک، ش. ۵۶ـ۵۷ (مهر و آبان ۱۳۷۳)، ص. ۴۱۱. *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* / فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

سیار، غلامعلی　۳۸۲

مترجم

تولد ۱۳۰۲، مشهد.

درگذشت ۱۲ دی ۱۳۷۲، تهران.

غلامعلی سیار، فرزند سید عبدالله، پس از خاتمهٔ تحصیلات متوسطهٔ دارالفنون در سال ۱۳۲۳ به فرانسه رفت. هفت و سال و نیم در آن کشور بود و از دانشگاه پاریس به اخذ درجهٔ دکتری در رشتهٔ حقوق نایل آمد. پس از بازگشت به ایران به خدمات اداری در وزارت کار و امور اجتماعی و تدریس در دانشگاه تبریز پرداخت. سپس به وزارت امور خارجه منتقل گردید و مدارج متعددی را در آن وزارتخانه طی کرد. آخرین سمت وی سرکنسولی ایران در برلین غربی بود. در مرکز با مقام رایزنی درجهٔ یک ریاست ادارهٔ دوم سیاسی (مربوط به کشورهای شوروی سابق و اروپای شرقی) را بر عهده داشت (پیش از سال ۱۳۵۷). دکتر سیار از مترجمین بود. آثاری چون *گرسنه* اثر کنوت هامسون نروژی، *ودکا کولا* از شارل لوونس کانادایی، *امپراطوری گسسته* از هلن کاردانکوس فرانسوی، *یک سیاره و چهار پنج دنیا* از اکتاویو پاز مکزیکی، جلد پنجم *تاریخ عمومی جهان* از کارل گریبرگ سوئدی و *رمانتیسم در فرانسه* از فیلیپ وان تیژم فرانسوی را به فارسی ترجمه کرد. آخرین کتابی که در بستر بیماری ترجمه می‌کرد *چهره آسیا* تألیف رنه گروسه خاورشناس فرانسوی بود.

سیار به‌جز ترجمه به داستان‌نویسی و مقاله‌پردازی هم می‌پرداخت و در مجلات ادبی تهران یک رشته داستان‌های کوتاه و نقد ادبی منتشر کرده است.

منبع: مهران، مجید، «غلامعلی سیار»، آینده، س. ۱۹، ص. ۵۱۹ـ۵۲۲.

سیاسی، علی‌اکبر　۳۸۳

محقق، مؤلف، رییس دانشگاه تهران

تولد ۱۲۷۳ (۱۳۱۳ ق.)، تهران.[۱]

درگذشت ۴ خرداد ۱۳۶۹، بیمارستان جم تهران.

علی اکبر سیاسی، فرزند محمد حسن، پس از اتمام

۱. در *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* تاریخ تولد علی‌اکبر سیاسی ۱۲۷۴ ذکر شده است.

تحصیلات در مدارس خرد و سلطانی و دانشکدهٔ علوم سیاسی تهران، در روزگار احمد شاه قاجار در امتحانات اعزام دانشجو شرکت کرد، شاگرد اول شد و برای ادامهٔ تحصیل به اروپا رفت و در فرانسه به اخذ درجهٔ دکترایِ ادبیات از دانشگاه سُربُن نایل شد (موضوع پایان‌نامهٔ وی «ایران در برخورد با غرب» بود). طی تحصیل در فرانسه، رسالهٔ دکترایِ وی مورد توجه فرهنگستان علوم فرانسه قرار گرفت و یکی از جوایز آن فرهنگستان در سال ۱۹۳۲ م. به وی اعطاء شد.

علی اکبر سیاسی تحت تأثیر جریان‌های فکری و اجتماعی ناشی از زندگی در اروپا با چند تن از دوستانش که در فرنگ تحصیل کرده بودند حزب ایران جوان را تأسیس کرد. دکتر سیاسی یکی از اعضای هیئت عاملهٔ حزب و از نویسندگان روزنامهٔ هفتگی «ایران جوان» بود. وی پس از بازگشت از سفر اول اروپا به تدریس در سه مدرسهٔ دارالفنون، نظام، علوم سیاسی پرداخت. در همین دوران مترجمی سفارت فرانسه در تهران را هم به عهده داشت. در آن مدرسه‌ها، در آغاز کار، زبان فرانسوی و سپس روانشناسی تدریس می‌کرد. در همان هنگام با مجلهٔ «آینده» نیز همکاری داشت.

علی اکبر سیاسی پس از تأسیس دانشگاه تهران به استادی این رشته نایل آمد. بعدها که انجمن روانشناسان ایران تأسیس شد به ریاست آن انجمن برگزیده شد و نیز رییس مؤسسهٔ روانشناسی دانشگاه تهران بود. دکتر سیاسی مدت دوازده سال ریاست انتخابی دانشگاه تهران را به عهده داشت. انتشارات دانشگاه تهران در دورهٔ ریاست و در سال‌های آغازین کار او تأسیس شد و دکتر پرویز ناتل خانلری طراح و مجری امور آن شد. او همچنین ریاست انجمن ایرانی و فلسفه و علوم انسانی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو را بر عهده گرفت و در مقام رییس کانون ایران جوان نیز کوشید تا مجموعه سخنرانی‌های فرهنگی و پژوهشی ایراد شده در آن دو مؤسسه به چاپ برساند.

دکتر سیاسی ریاست دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی و نیز دانشسرای عالی تا پیش از جدا شدن آن ــ که بیش از بیست سال طول کشید ــ بر عهده داشت. تأسیس مجلهٔ «دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی» نیز از فعالیت‌های او بود. وی وزیر فرهنگ احمد قوام و علی سهیلی، وزیر مشاور در هیئت دولت مرتضی قلی بیات (سپهام‌السلطان)، وزیر فرهنگ در هیئت دولت ابراهیم حکیمی و وزیر امور خارجه در هیئت دولت ساعد بود. در هیئتی که برای امضای منشور سازمان ملل متحد به سانفرانسیسکو اعزام شد عضو بود. در پایه‌گذاری امور یونسکو همکاری داشت و یکی دو بار به نمایندگی ایران در اجلاسیه‌های آن مؤسسهٔ جهانی شرکت کرد. عضو شورای تبلیغات و عضو فرهنگستان ایران و شورای عالی فرهنگ و جز اینها بود. دکتر سیاسی، ده سال پایانی عمر را در اروپا و امریکا زندگی می‌کرد.

علاوه بر مقالات وی در نشریات داخل و خارج، از آثار وی است: ***اصول روانشناسی*** (۱۳۱۷)؛ ***روانشناسی پرورشی*** (۱۳۲۰، این کتاب بکرات بین بیست تا سی با به چاپ رسیده است)؛ ***علم‌النفس ابن‌سینا و تطبیق آن با روان‌شناسی جدید*** (۱۳۳۳)؛ نمایشنامه‌های ***عشق و وطن***؛ ***ماهیار یک قربانی دیگر***؛ ***عشق و تجدد***؛ ***ایران در تماس با مغرب زمین*** (به زبان فرانسوی)؛ ***دو ماه در پاریس یا از یونسکو تا برلین*** (۱۳۲۹)؛ ***روانشناسی جدید*** (۱۳۳۳)؛ ***علم اخلاق (نظری و عملی)*** (۱۳۳۶)؛ ***منطق و روش‌شناسی*** (۱۳۳۶، چند بار چاپ شده است)؛ ***مبانی فلسفه*** (۱۳۳۶)؛ ***علم‌النفس یا روانشناسی از لحاظ تربیت*** (۱۳۳۷، چند بار چاپ شده است)؛ ***منطق و فلسفه*** (۱۳۳۷، چند بار چاپ شده است)؛ ***هوش و خرد***

(۱۳۴۱، چاپ‌های مکرر دارد)؛ ***روانشناسی جنایی*** (۱۳۴۲)؛ ***گزارش یک زندگی*** (جلد اول، لندن، ۱۳۳۶).

منابع: «درگذشتگان: دکتر علی اکبر سیاسی»، کیهان فرهنگی، س. ۷، ش. ۳ (خرداد ۱۳۶۹)، ص. ۵۰. *دایرةالمعارف زرین*، چاپ ۱۳۶۰. «درگذشت دکتر علی اکبر سیاسی»، آینده، س. ۱۶، (فروردین، تیر، ۱۳۶۹)، ص. ۲۸۳. *یاد یاران (گلگشت یاد یاران)* / دکتر مهدی روشن ضمیر، ص. ۳۴۵ ـ ۳۵۰. *وزرای آموزش و پرورش ایران / وزرای معارف ایران* / احمد عبدالله‌پور، ص. ۱۳۲ ـ ۱۳۳. *چهره‌های آشنا* / حسین قریشی، ص. ۳۱۰ ـ ۳۱۱.

۳۸۴ سید یونسی، میر ودود

نسخه‌شناس، محقق

درگذشت ۱۸ دی ۱۳۵۹.

میر ودود سید یونسی رییس کتابخانهٔ ملی تبریز بود. از جمله فعالیت‌های او تصحیح کتاب ***روضة الکتاب و حدیقة الکتاب*** تألیف ابوبکر بن الزکی المتطبب القونیوی الملقب بالصدر است که به اهتمام وی در سال ۱۳۴۹ در تبریز نشر شده است. مقاله‌هایی به قلم وی در نشریه‌های «کتابخانهٔ ملی تبریز» و «دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز» به چاپ رسیده است. از آثار اوست: ***فهرست کتابخانه ملی تبریز: کتب خطی اهدایی مرحوم حاج محمد نخجوانی*** (سه جلد، تبریز، ۱۳۴۸؛ ۱۳۵۳؛ ۱۳۶۲). انتشار دو ***دیوان صائب*** (یکی در سال ۱۳۵۶ و یکی در سال ۱۳۵۷) و ***گنجینهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی*** (۱۳۴۷) از جمله فعالیت‌های دیگر سید یونسی بود.

منابع: «میرودود سید یونسی»، آینده، س. ۷، ص. ۱۵۴. تبریزی، حمید، «میر ودود سید یونسی»، آینده، س. ۶، ص. ۹۳۱ ـ ۹۳۲.

۳۸۵ سیفی فمی تفرشی، مرتضی

محقق

تولد اسفند ۱۳۰۹، فم در تفرش.

درگذشت ۹ تیر ۱۳۷۲، تهران.

مرتضی سیفی فمی تفرشی تحصیلات دبیرستانی را در تهران به پایان رساند و در مهر ۱۳۳۰ وارد دانشکدهٔ افسری شهربانی شد. در سال ۱۳۴۵ در رشتهٔ زبان انگلیسی و در سال ۱۳۵۱ در رشتهٔ علوم تربیتی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و برای دریافت درجهٔ فوق لیسانس، موضوع «جامعه، پلیس و تعلیم و تربیت» را برگزید.

مرتضی سیفی فمی تفرشی به بررسی مسایل جغرافیای تاریخی علاقه‌مند بود. وی پس از انقلاب با درجهٔ سرهنگی بازنشسته شد و فرصتی یافت تا به خواندن و پژوهیدن بیشتر روی بیاورد.

از آثار اوست: ***سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان؛ نظم و نظمیه در دورهٔ قاجاریه؛ پلیس خفیه ایران با مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخچهٔ شهربانی ۱۲۲۹ ـ ۱۳۲۰؛ نگاهی به ایران*** (با همکاری فخرالدین حسینی تنکابنی)؛ ترجمهٔ ***تاریخ ایران*** (نوشتهٔ سرجان مالکم با همکاری ابراهیم زندپور)؛ ***تهران در آیینهٔ زمان ـ بخش اول؛ مروری بر جغرافیای تاریخی ساوه***. از جمله کتاب‌هایی که وی برای چاپ آماده ساخت می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***نگاهی به جنگ‌های جهانی اول و دوم در تاریخ مدنیت اروپا؛ مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخچهٔ شهربانی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۲؛ تهران در آیینهٔ زمان ـ بخش دوم؛ مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخچهٔ شهربانی از ۱۳۴۲ تا انقلاب اسلامی ایران***.

مرتضی سیفی فمی بر اثر سکتهٔ قلبی درگذشت.

منبع: کلک، ش. ۴۳ و ۴۴ (مهر و آبان ۱۳۷۲).

۳۸۶ شاهچراغی، سید حسن

محقق

تولد ۱۳۳۱، دامغان.

درگذشت ۱ اسفند ۱۳۶۴، حادثه انفجار هواپیما.

سید حسن شاهچراغی، فرزند سید مسیح، تا خارج فقه و اصول به تحصیل پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ریاست دفتر دادستانی کل انقلاب و نمایندگی دادستان کل انقلاب در هیئت بررسی عملکرد بنیاد مستضعفان بود. همچنین در اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی نمایندهٔ مردم دامغان بود. وی مدتی نیز سرپرست مؤسسهٔ «کیهان» بود. از جمله فعالیت‌های تحقیقی وی، تقریرات و تحقیقاتی فقهی و فلسفی در زمینهٔ ***نهج‌البلاغه*** بود.

منبع: نگرشی بر اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی/ ص. ۲۴۶ و ۲۴۷.

۳۸۷ شایگان، سید علی

شاعر، حقوقدان، محقق

تولد ۱۲۸۱، شیراز.(۱)

درگذشت ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۰، آمریکا.

سیدعلی شایگان، فرزند حاج سید هاشم، پس از انجام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در مدرسه‌های شریعت و شعاعیه شیراز، و نیز فراگیری ادبیات فارسی و زبان عربی در مدارس قدیمه، در مدرسهٔ علوم سیاسی تهران به تحصیل پرداخت و لیسانس حقوق گرفت. سپس در سال ۱۳۰۶ با دانشجویان دورهٔ اول به پاریس رفت و تحصیلات خود را در رشتهٔ حقوق در آنجا به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۲ موفق به دریافت دکترایِ حقوق شد. پس از بازگشت به ایران در دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. سال‌ها معاون دانشکدهٔ حقوق بود. بعدها وی کرسی استادی حقوق مدنی را در دانشگاه تهران احراز نمود. سپس به معاونت وزارت فرهنگ رسید و مدتی در کابینهٔ قوام‌السلطنه به عنوان وزیر فرهنگ بود، همچنین در دورهٔ هفدهم مجلس شورای ملی نماینده تهران شد. وی از بنیان‌گذاران جبههٔ ملی به شمار می‌آمد. پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به زندان افتاد و سرانجام پس از آزادی از زندان به آمریکا رفت و همان‌جا ساکن شد و در ضمن در دانشگاه‌های آنجا نیز تدریس می‌کرد. در سال ۱۳۵۸ برای مدتی کوتاه به ایران آمد سپس به آمریکا مراجعت کرد.

در جوانی مدتی به معلمی پرداخت و زمانی که در شیراز بود در انجمن ادبی سالار شرکت می‌جست. گاهی شعر می‌گفت. اشعارش حاوی مضامین وطن‌دوستی و تشویق به تحصیل دانش و به مبارزه با جهل و بی‌سوادی است.

فهرست آثار شایگان به شرح زیر است. ***حقوق مدنی ایران*** (چند بار تجدید چاپ شده است)؛ ترجمهٔ کتاب ***امیدهای نو در جهانی که در حال تغییر است*** (تألیف برتراند راسل، از انگلیسی به فارسی، تهران، ۱۳۳۶). کتاب خاطرات او تا هنگام فوتش به طبع نرسیده بود.

سید علی شایگان سرانجام به سال ۱۳۶۰ در آمریکا درگذشت و پیکرش را برای دفن به ایران منتقل نمودند.

منابع: فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۳۰۴. *تاریخ نویسندگان پارس، جلد دوّم/* دکتر مریم میرهادی، ص. ۳۱. *انجمن‌های ادبی شیراز (از اواخر قرن دهم تا به امروز)/* حسن امداد، چاپ اوّل، ص. ۳۱۶ــ۳۱۷. *وزرای آموزش و پرورش ایران؛ وزرای معارف ایران/* احمد عبدالله‌پور، چاپ دوّم،

---

۱. تاریخ تولد وی در کتاب *وزرای آموزش و پرورش ایران* ۱۲۸۴ آمده است.

ص. ۱۵۵ ـ ۱۵۶. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۲۷۴ ـ ۲۷۵.

شرافت، سید محمد جواد ۳۸۸

محقق

تولد ۱۳۰۶، شوشتر.

شهادت ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران، دفتر حزب جمهوری اسلامی.

سید محمد جواد شرافت، فرزند سید بزرگ، تا مقطع مقدمات به تحصیل حوزوی پرداخت. وی لیسانس ادبیات فارسی داشت و در دانشسرای عالی مدیریت خوانده بود. پیش از انقلاب، به تدریس در دبیرستان‌ها و تدریس قرآن می‌پرداخت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، همچنان به تدریس در دبیرستان‌ها پرداخت. وی در عین حال مشاور وزیر آموزش و پرورش هم بود. در اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی، به نمایندگی از مردم شوشتر انتخاب شد.

از آثار اوست: ترجمهٔ ***زندگانی حضرت فاطمه زهراء (س)***؛ ترجمه ***مردگان با ما سخن می‌گویند*** به عربی.

پیکر سید محمد جواد شرافت در تهران در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

منبع: نگرشی به اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی / ص. ۳۲۱.

شکری، یدالله ۳۸۹

مدرس

تولد مهر ۱۳۲۳، رودسر (بازکول).

درگذشت ۹ آذر ۱۳۶۶، تهران.

یدالله شکری پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در رودسر و تهران، مدارج تحصیلات عالیه را در دانشگاه تهران در رشتهٔ ادبیات فارسی و دانشسرای تربیت معلم گذراند و از محضر استادانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، محمد معین، جلال‌الدین همایی، عبدالحمید بدیع‌الزمانی و احمد علی رجایی بهره‌مند گردید. در سال ۱۳۵۳ نیز پایان‌نامهٔ تحصیلی خود را در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از پژوهشکدهٔ فرهنگ ایران دریافت کرد. در سال ۱۳۶۱ موفق به دریافت درجهٔ دکتری در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران شد.

فعالیت علمی و تحقیقاتی او از همکاری با بنیاد فرهنگ ایران آغاز گردید. در سال ۱۳۵۲ در تدوین کتب درسی گروه ادبیات فارسی دانشکدهٔ مکاتبه‌ای ـ که خود از بنیان‌گذاران آن گروه بود ـ با استاد همایی و محمد پروین گنابادی همکاری کرد. در سال ۱۳۶۰ به عضویت هیئت مؤلفان لغت‌نامهٔ فارسی در آمد. او عضو هیئت علمی دانشگاه علامهٔ طباطبایی بود و هم‌زمان در دانشگاه‌های تربیت معلم، تربیت مدرس، شهید بهشتی و دانشکدهٔ صدا و سیما اشتغال به تدریس داشت. در مرکز نشر دانشگاهی نیز مسئول گروه ادبیات فارسی بود.

یدالله شکری در تدوین فرهنگ تاریخی زبان فارسی سهم ویژه‌ای داشت. آثار چاپ شدهٔ او عبارتند از: تصحیح ***عالم‌آرای صفوی***؛ ***منتخب تاریخ جهانگشا***؛ ***منتخب دیوان سراج‌الدین قمری***؛ ***گزیدهٔ تاریخ بیهقی***؛ ***گزیدهٔ دیوان سنایی***. ***دیوان کامل سراج‌الدین قمری*** (که رسالهٔ دکترای او بود) و کتاب ***فارسی و آیین نگارش (۲)*** از جمله عناوینی است که وی در دست چاپ داشت. هم‌چنین گردآوری فرهنگ و اصطلاحات عرفانی را نیز با همکاری جمعی از دانشجویان پژوهشگر خود آغاز کرده بود. مقالاتی از او در مجلهٔ «دانشگاه تربیت معلم» و

مجموعه مقالات کنگرهٔ تحقیقات ایرانی چاپ شده است.

منابع: «درگذشت استاد ادب»، کیهان فرهنگی، س. ۴، ش. ۱۰ (دی ۱۳۶۶)، ص. ۵۲. طباطبایی اردکانی، سید محمود، «دکتر یدالله شکری»، آینده، س. ۱۳، ص. ۷۳۵ـ۷۳۶.

شکیباپور، عنایت‌الله ۳۹۰

مؤلف، مترجم

تولد ۱۲۸۶.

درگذشت ۱۳۶۳.

عنایت‌الله شکیباپور در ادارهٔ حسابداری وزارت دارایی مشغول به کار بود. از آثار اوست: ***احتراق بمب*** (اثر موریس لبلان، دو جلد)؛ ***از جهان تا ابدیت*** (موریس مترلینک، ۱۳۴۰)؛ ***اعترافات*** (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ ***بیگانه*** (آلبر کامو، ۱۳۴۸)؛ ***پرندهٔ آبی*** (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ ***تبعید و حکومت وجدان*** (آلبر کامو)؛ ***تودهٔ طلا*** (اثر موریس لبلان، ۱۳۳۸)؛ ***جادوگر قرون وسطی*** (اثر ژول میشل، ۱۳۳۷)؛ ***اسکلت سبز*** (اثر ادوارد بروکر، ۱۳۳۵)؛ ***اصول نامه‌نگاری و انشاء*** (۱۳۳۹)؛ ***برگزیدهٔ لغات کلیله و دمنه*** (۱۳۳۹)؛ ***پرنس تالیران*** (ولاگور گایت، ۱۳۳۶)؛ ***ترانه‌های غم‌انگیز*** (اثر کنستانس)؛ ***جدال بی‌هدف*** (جان اشتاین بک)؛ ***جنایتکار مخوف*** (اثر پرنسون دوترای، ۱۳۳۹)؛ ***چگونه از خود دفاع کنیم*** (و. ه. کولینگریسچ، ۱۳۳۸)؛ ***حرمسرای خسرو پرویز*** (۱۳۳۵)؛ ***خانهٔ مرگ*** (موریس لبلان، ۱۳۳۹)؛ ***در اوج قدرت*** (بالزاک، ۱۳۴۰)؛ ***در برابر خدا*** (موریس مترلینک، ۱۳۴۴)؛ ***دلباخته***؛ ***دندان ببر*** (موریس لبلان، ۱۳۳۹)؛ ***دنیای دیگر*** (موریس مترلینک)؛ ***راز بزرگ*** (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ ***راه‌های اختیار*** (ژان پل سارتر، ۱۳۴۴)؛ ***زندگی زنبور عسل*** (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ ***زندانی بیگناه***؛ ***زنگ‌های ساعت*** (موریس لبلان، ۱۳۰۶)؛ ***ژاندارک*** (موریس مترلینک، ۱۳۳۳)؛ ***سایهٔ انسان‌ها*** (ژان پل سارتر)؛ ***سر تنگ بلور*** (موریس لبلان، ۱۳۳۸)؛ ***سنگ معجزه*** (موریس لبلان، ۱۳۰۶)؛ ***شادی‌ها و ناکامی*** (آلبر کامو، ۱۳۵۶)؛ ***طاعون*** (آلبر کامو، ۱۳۵۱)؛ ***عروس زندان*** (ژرژ ماری)؛ ***قصر مرموز*** (موریس لبلان، ۱۳۳۸)؛ ***قهرمان ونیز*** (میشل زاکو، سه جلد، ۱۳۳۳)؛ ***کف‌شناسی*** (۱۳۱۲)؛ ***گرازیلا یا سوز و گداز عشق*** (آلفونس دو لامارتین، ۱۳۴۰)؛ ***گلولهٔ خون*** (جیمز هادلی چیز، ۱۳۴۱)؛ ***گنجینهٔ ناچیز*** (موریس مترلینک، ۱۳۴۵)؛ ***مجادلهٔ آرسن لوپن و شرلوک هلمز*** (موریس لبلان، ۱۳۳۹)؛ ***محبوس سری*** (۱۳۳۵)؛ ***مرد خاکستری*** (پونسون دوترای، ۱۳۳۹)؛ ***مرگ و زندگی*** (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ ***مرگ و زندگی به ضمیمهٔ «اعجاز مریم مقدس»*** اثر کلودل (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ ***مکافات*** (موریس مترلینک، ۱۳۳۶)؛ ***هستی و نیستی***، ***پدیده‌شناسی عالم هستی*** (ژان پل سارتر)؛ ***۸۱۳ عملیات خارق‌العاده آرسن لوپن*** (موریس لبلان، دو جلد، ۱۳۳۴)؛ ***زهرا*** (ولتر، ۱۳۳۷)؛ ***مورچگان*** (موریس مترلینک، ۱۳۳۹)؛ ***نوسترا داموس از آیندهٔ جهان خبر می‌دهد*** (ادوارد م. پ.، ۱۳۳۵)؛ ***ورتر*** (گوته، ۱۳۳۵).

منابع: برندگان جایزهٔ نوبل ادبیات/ مریم آقا شیخ محمد، سعید نوری نشاط. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/* خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۶۴۰ـ۶۴۴.

شوقی، سیدعباس ۳۹۱

محقق، مؤلف

تولد همدان.

درگذشت اسفند ۱۳۶۷، لندن.

سید عباس شوقی از دبیرانی بود که سال‌های بسیار

به تدریس مشغول بود. وی عهده‌دار ریاست فرهنگ در برخی از شهرها بود و چندی هم در ادارهٔ نگارش وزارت فرهنگ خدمت می‌کرد و از هم‌قلمان مجله‌های «آموزش و پرورش»، «جهان نو» و «یغما» بود و برای آنها مقالاتی می‌نوشت. از تألیفات او ***دشت گرگان***؛ ترجمهٔ ***تاریخ فلسفه در اسلام*** (تألیف دبور)؛ ترجمهٔ ***آراء و عقاید*** (از گوستاو لوبون)؛ ترجمهٔ ***بنیاد انواع*** (از چارلز داروین)؛ ترجمهٔ ***در تربیت*** (از برتراند راسل، ۱۳۲۸) چاپ شده است.

منابع: «سید عباس شوقی»، آینده، س. ۱۵، ص. ۱۳۵. ***برندگان جایزه نوبل ادبیات/*** مریم آقا شیخ محمد و سعید نوری نشاط، ص. ۳۳۲.

۳۹۲ شهابی، علی اکبر

مترجم، مؤلف

تولد ۱۲۸۷.

درگذشت پاییز ۱۳۶۷.

علی اکبر شهابی مدتی دبیر دبیرستان‌ها بود و سپس به دانشگاه منتقل شد و تدریس زبان عربی را عهده‌دار بود و به استادی دانشگاه رسید. چندی به ریاست ادارهٔ اوقاف منصوب شد. از تألیفات اوست: ***احوال و آثار محمد بن جریر طبری*** (۱۳۳۵)؛ ***اصول الصرف*** (دو جلد)؛ ***اصول النحو*** (۱۳۴۰)؛ ترجمهٔ ***تعبیر رؤیا*** (از ابن‌سینا، ۱۳۱۶)؛ ***نظامی شاعر داستانسرا*** (۱۳۳۷)؛ ***ماجرای تغییر خط*** (۱۳۳۸)؛ و چند رساله و کتاب دیگر از جمله رساله‌ای در تاریخچهٔ اوقاف و رساله‌ای در روابط ایران و هند. وی همچنین مقاله‌هایی برای روزنامه‌ها و مجلات و از جمله «وحید»، «کیهان» و «یغما» می‌نوشت.

منابع: «علی اکبر شهابی»، آینده، س. ۱۵، ص. ۱۳۵ ـ ۱۳۶. ***کتابشناسی خط و خوشنویسی/*** ناهید حبیبی آزاد، ص. ۲۲۷.

۳۹۳ شهمردان، رشید

محقق

تولد ۱۲۸۴، یزد.

درگذشت ۲۱ آذر ۱۳۶۲، آمریکا.

رشید شهمردان سال‌هایی چند در هندوستان می‌زیست و از دانشمندان زردشتی‌شناس ایرانی‌نژاد (پارسیان) آن مرز و بوم بهرهٔ علمی برد. نوشته‌هایی از او به صورت کتاب به جا مانده است: ***دساتیر کتاب آسمانی نیست***؛ ***حرف راست***؛ ***تعلیمات زرتشت خرده اوستا به خط دین دبیره***؛ ***راماین*** (ترجمه از انگلیسی به فارسی)؛ مجلهٔ «جهان امروز»؛ ***پیامبر زرتشت***؛ ***دین‌نامه‌های (شمارهٔ ۱ و ۲ و ۳)***؛ ***فرزانگان زرتشتی***؛ ***خرده اوستا با آوانویسی و معنی***؛ ***فهرست کتاب‌های دینی موجود در کتابخانهٔ اردشیر یگانگی***؛ ***پرستشگاه‌های زرتشتیان***؛ ***دانستنی‌های آیین زرتشتی*** (ترجمه)؛ ***زرتشت و همزمانان او در ودا*** (ترجمه)؛ ***سال دینی زرتشتیان*** (ترجمه)؛ ***دین پایه زرتشتی*** (با همکاری دکتر حسین وحیدی)؛ تجدید چاپ ***خرده اوستا*** با آوانویسی (با همکاری دکتر حسین وحیدی)؛ ***تاریخ زرتشتیان از پایان دورهٔ ساسانیان تا به امروز***.

منبع: افشار، ایرج، «رشید شهمردان»، آینده، س. ۹، ص. ۸۲۶.

۳۹۴ شیبانی، موسی

ادیب

تولد ۱۲۷۰ (صفر ۱۳۰۹ ق.)، تهران.

درگذشت ۲ شهریور ۱۳۶۷.

موسی شیبانی ملقب به ذکاءالسلطنه در ده سالگی عازم بلژیک شد و در شهر نامور به تحصیل پرداخت.

سپس به فرانسه رفت و در مدرسهٔ هانری چهارم به ادامهٔ تحصیل پرداخت. در سال ۱۲۸۹ تحصیلات متوسطهٔ خود را به اتمام رساند. پس از آن وارد دانشکدهٔ حقوق دانشگاه پاریس شد و با گذراندن دورهٔ این دانشکده به دریافت لیسانس نایل آمد. سپس در مدرسهٔ عالی علوم سیاسی پاریس شروع به گذراندن دورهٔ دکتری کرد ولی شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۲۹۳ باعث شد تحصیل را رها کرده و به ایران مراجعت نماید.

پس از بازگشت به کشور وارد خدمت وزارت دارایی شد. در ضمن آن به تدریس اصول محاکمات، قوانین مالیه و بودجه در مدرسهٔ عالی علوم سیاسی وابسته به وزارت امور خارجه اشتغال داشت. پس از انحلال مدرسهٔ عالی سیاسی و تأسیس دانشگاه تهران به مدت نه سال (از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۴) در دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران تدریس کرد.

ذکاءالسلطنه در اوایل ورود به ایران همراه با تنی چند از تحصیلکردگان آن زمان نظیر دکتر محمد مصدق و نظام‌السلطنه مافی و امیر سهام‌الدین غفاری و یحیی دولت‌آبادی و نصرت‌الدوله فیروز، انجمن علمی را تشکیل داد و مجلهٔ وابسته به این انجمن را به نام «مجلهٔ علمی» را در سال ۱۲۹۳ منتشر کردند. مدیریت این انجمن با موسی شیبانی بود.

موسی شیبانی در سال ۱۳۲۸ بازنشسته شد و در دوم شهریور ۱۳۶۷ درگذشت.

منابع: *تاریخ جراید و مجلات ایران (۴)*/ صدرهاشمی. *زندگینامه رجال و مشاهیر ایران (۴)*/ حسن مرسلوند، ص. ۱۴۶ ــ ۱۴۷. «موسی شیبانی (ذکاءالملک)»، آینده، س. ۱۴، ص. ۷۰۹.

مترجم، مؤلف

تولد ۱۳۱۷، تهران.

درگذشت ۳۰ بهمن ۱۳۶۷.

فیروز شیروانلو تحصیلات متوسطهٔ خود را در مدرسهٔ البرز به پایان رساند و به انگلستان رفت و در دانشگاه لیدز در رشتهٔ جامعه‌شناسی هنر به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت به ایران، نخستین کارش طراحی و ویرایش کتاب در مؤسسهٔ انتشارات فرانکلین بود. در همان زمان بود که پس از یک دوره فعالیت سیاسی به زندان افتاد و پس از آزادی، «دفتر نشر و تبلیغات نگاره» را تأسیس کرد و تا سال ۱۳۵۷ مشاغلی را عهده‌دار بود. تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و فرهنگسرای نیاوران در نتیجهٔ فعالیت‌های وی مقدور شد. همچنین در تشکیل موزه‌های فرش، هنرهای معاصر، آبگینه و برگزاری نمایشگاه‌های متعددی از هنر گذشته و معاصر ایران، سهم داشت.

در کنار این فعالیت‌ها همچنان به کار ترجمه و تألیف آثاری در زمینه هنر و اجتماع و دو کتاب از ارنست فیشر مشغول بود. مجموعه‌ای از آثار وی به شرح زیر است: ***ابعاد هنر نگارگری در ایران***؛ ***اوستا*** (۱۳۵۷)؛ ***بررسی مسائل و نیازهای کودکان و نوجوانان*** (۱۳۵۰)؛ ***چهار محال و بختیاری*** (۱۳۵۶)؛ ***خاستگاه اجتماعی هنرها*** (مجموعه مقالات، ۱۳۵۷)؛ ***خاستگاه زبان دری*** (سهیل افنان)؛ ***شناخت، تفکر و زبان در روند تکامل اجتماعی*** (تألیف ارنست فیشر، ۱۳۵۰)؛ ***ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی*** (تألیف ارنست فیشر، ۱۳۴۸)؛ ***کارآسایی در جوامع صنعتی و سنتی***؛ ***گستره و محدوده‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*** (مجموعه مقالات، ۱۳۵۵)؛ ***مبانی مقابل فرهنگ، فراغت و کارآسایی***؛ ***مشارکت، تعهد و جوانان***؛ ***نگاهی به نگارگری در ایران*** (بازیل گری،

۱۳۵۴)؛ ***نهضت‌های فکری جوانان در متن فرهنگ جهانی***. وی مقاله‌هایی برای مجموعهٔ «دفتر زمانه» در سال‌های ۱۳۴۶ الی ۱۳۴۹ و نیز برای مجلهٔ «تماشا» از سال ۱۳۵۲ به بعد می‌نوشت یا ترجمه می‌کرد.

از نخستین کارهای او به هنگام بازگشت به ایران، شناساندن و ترویج طراحی کتاب بود. وی در زمینه ویرایش کتاب از متقدمان بود و توانست تحولی در زمینه تولید کتاب فیلم و نقاشی متحرک ویژه کودکان و نوجوانان پدید آورد.

منابع: «دومین سالگرد درگذشت فیروز شیروانلو»، گردون، س. ۱، ش. ۶ (۱۵ بهمن ۱۳۶۹)، ص. ۷. «فیروز شیروانلو درگذشت»، ماهنامهٔ سینمایی فیلم، س. ۷، ش. ۷۵ (ویژهٔ نوروز ۱۳۶۸)، ص. ۱۲. آغداشلو، آیدین، «فیروز شیروانلو»، آینده، س. ۱۵، ص. ۱۳۷. *یادنامهٔ فیروز شیروانلو* / مجموعه مقالات، ص. ۸ـ۹.

۳۹۶ صالح رشتی، صالح

ادیب

تولد ۱۳۱۱ ق.، رشت.

درگذشت ۱۱ فروردین ۱۳۵۹.

سید صالح صالح، فرزند سید عبدالوهاب صالح ضیاءبری، در سال ۱۳۲۲ ق. از عتبات به رشت مراجعت نمود. در آن وقت رشت از مراکز حوزهٔ علمیه بود و آقا سید عبدالوهاب نیز به جمع مدرسین حوزهٔ علمیه رشت پیوست. سید صالح به همراه پدرش پس از صدور فرمان مشروطیت و تأسیس انجمن‌های ملی و ایالتی جدید در رشت، در اکثر این انجمن‌ها سمت ریاست و نیابت ریاست را داشتند و فعالانه شرکت می‌کردند. در جریان استبداد صغیر به همراه پدرش، بیش از سه ماه در مشهد تبعید بود و پس از مراجعت به گیلان، ناگزیر به اقامت در ضیاءبر شد.

پس از التیماتوم روس در سال ۱۲۹۰، و پیاده شدن قوای روسی در انزلی، نکراسف کنسول روس دستور بر هم ریختن چاپخانه‌های جراید ملی را داد. مأموران وی در یورش و حمله به خانهٔ مجاهدین و علماء، به خانهٔ سید صالح ریختند و تمامی اوراق و اسناد و مکاتبات را به آتش کشیدند. در این واقعه تألیفات اجداد سید صالح از میان رفت و خود او را به همراه عده‌ای دستگیر و از راه پیله بازار به انزلی و از آنجا با کشتی به بادکوبه فرستادند و در زندان قزامات محبوس کردند.

در اوایل ماه صفر ۱۳۳۰ ق. برابر با بهمن ۱۲۹۰، زندانیان را به رشت آوردند و در کنسولگری روس زندانی کردند. سپس آنها در دادگاهی که از قزاقان ساخلوی رشت تشکیل شده بود، محاکمه کردند. در این محاکمه چند نفر به اعدام محکوم شدند که سید صالح نیز جزو آنها بود؛ ولی همان شب محکومیت، هیئتی برای تشکیل دادگاه و رسیدگی به موضوع به رشت آمد. حکم را نقض و هر یک را به نحوی محکوم به تبعید و زندان کردند.

در ۱۹ صفر همان سال (۱۲۹۰)، سید صالح به همراه پدرش از راه بادکوبه، راستوف، اودسا و دریای سیاه به استانبول فرستاده شدند و به مدت پنج سال به حال تبعید در خارج از ایران بودند. پس از دو ماه توقف در استانبول، به بیروت و دمشق رفتند.

در دورهٔ اول نهضت جنگل که اتحاد اسلام نامیده می‌شد و تا پایان جنگ جهانی اول ادامه داشت، سید صالح در تشکیلات قضایی آن بود. پس از انحلال سازمان اتحاد اسلام، و جنگل، دولت ایران تشکیلات قضایی جنگل را محترم شمرد و از جمله سید صالح را به خدمت قضایی پذیرفت.

سید صالح در سال ۱۲۹۷ رسماً وارد وزارت عدلیه شد و در اواخر حیات به ریاست شعبهٔ دیوان

عالی کشور رسید. در زمان سرپرستی ادارهٔ حقوق وزارت دادگستری، ***مجموعهٔ قوانین موضوعهٔ کشور*** را تدوین و به چاپ رساند.

ترجمه‌ها و مقاله‌های او در مطبوعات گیلان و تهران از قبیل مجلهٔ «فرهنگ»، مجلهٔ «فروغ»، و روزنامه‌های «بدر منیر» و «صورت» چاپ رشت و مجلهٔ «ماه نو» چاپ تهران، انتشار یافته است. سید صالح طبع شعر هم داشت و گاهی به فارسی و گیلکی اشعاری می‌سرود.

سید صالح صالح در یازدهم فروردین ۱۳۵۹ وفات یافت.

منابع: مجلهٔ آینده، س. ۷، ش. ۱ ـ ۲. *زندگینامه رجال و مشاهیر ایران (۴)*/ حسن مرسلوند، ص. ۱۷۵ ـ ۱۷۶. گلشنی، عبدالکریم، «سید صالح صالح رشتی»، آینده، س. ۷، ص. ۱۵۲ ـ ۱۵۴.

۳۹۷ صالحی، محمود

روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۹۰، اردبیل.

درگذشت ۱۳۷۲.

محمود صالحی در کودکی پدر خویش را از دست داد و حاج صالح، نیای او، تربیت و حمایت از وی را به عهده گرفت. وی تحصیلات ابتدایی خود را در شهرستان اردبیل انجام داد و برای ادامهٔ تحصیل خود به تهران آمد و علوم شرعیه را در سطح، در مدرسه مروی تهران به پایان رساند. آیت‌الله ابوالحسن شعرانی از استادان او بود.

محمود صالحی فعالیت مطبوعاتی خود را قبل از سال‌های سی آغاز کرد. امتیاز روزنامهٔ «بهار آذربایجان» در ۱۳۳۰ صادر شد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ «بهار آذربایجان» تعطیل شد. این نشریه پس از بیست و پنج سال تعطیلی، سرانجام پس از انقلاب اسلامی، مجدداً منتشر شد.

منبع: «تماشای زندگی»، دورهٔ جدید، ش. ۷ و ۸ (آبان و آذر ۱۳۷۲)، ص. ۶۳.

۳۹۸ صبار بیارانی، علی، ملا

مترجم

تولد ۱۲۹۵، بیساران (از قراء دهستان ژاورود، سنندج).[۱]

درگذشت اردیبهشت ۱۳۵۸.

علی بن احمد بن محمد مشهور به «صبار» پس از دوران کودکی به درس خواندن علاقه‌مند شد، لذا نزد ملای زادگاهش قرآن را فرا گرفت و کتب اخلاقی و دینی را آموخت. برای تکمیل معلومات به روستاهای مجاور (هویه و اویهنگ) که مرکز نشر دین و دارای مدرس و مدرسه بودند رفت. مدتی در محضر سید عنایت مدرس هویه و استادان دیگر مدارس ژاورود و اورمان استفاده نمود و مقدمات فقه و علوم صرف و نحو و منطق را آموخت. سرانجام به قصد تکمیل و تحصیل علوم به عراق رفت و به سلیمانیه وارد شد، و در مدرسهٔ مولانا خالد و مدارس دیگر این شهر مشغول درس گردید. بعد به کرکوک رفت و در مدرسهٔ خانقاه طالبانی مشغول تحصیل شد. پس از فراغت از تحصیل و دریافت شهادتنامه یا اجازهٔ افتاء و تدریس مدت‌ها در سلیمانیه و بغداد به خدمت دولتی مشغول گردید و به موازات کار و اشتغال زبان انگلیسی را یاد گرفت. در حدود ۱۳۲۵ به ایران بازگشت و در سنندج اقامت گزید. با گذراندن امتحان به دریافت دیپلم معقول و منقول نایل شد. در وزارت آموزش و پرورش استخدام گردید و در دبیرستان‌ها به تدریس

۱. در *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* تاریخ تولد ملا علی صبار بیارانی ۱۲۸۵ ذکر شده است.

زبان انگلیسی و فقه پرداخت. پس از بیست و پنج سال خدمت تدریس و تعلیم بالاخره در سال ۱۳۵۰ به بازنشستگی نایل شد. از آن به بعد به مطالعه و تحقیق و ترجمه و تألیف پرداخت؛ کتاب‌های ***التقریب*** (فتح القریب)؛ ***ده روز زندگانی حضرت محمد (ص)***؛ ***سفینة النجاة***؛ ***قصة الایمان***؛ ***فقه‌السنه***؛ ***فلسفهٔ علم قرآن*** و ***اسرائیلیات*** را ترجمه کرد که دو کتاب اول در زمان حیات مترجم چاپ گردید.

ملا علی صبار بیارانی در اردیبهشت ۱۳۵۸ در حالی که از بیماری آسم و تنگی‌نفس رنج می‌برد، جان سپرد.

منابع: دانشمندان کرد در خدمت علم و دین/ عبدالکریم مدرس، ترجمهٔ احمد حواری نسب، ص. ۵۴۹. *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان/* فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

صبا، محسن ۳۹۹

کتابشناس

تولد ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت ۲۳ فروردین ۱۳۷۱، سن‌دیه‌گو (آمریکا).

محسن صبا تحصیلات خود را به ترتیب در مدرسه‌های «فرانکو پرسان» و دارالفنون و سپس مدرسهٔ علوم سیاسی انجام داد. پس از آن همراه گروهی از محصلین اعزامی به فرانسه رفت و توانست دانشکدهٔ حقوق پاریس را بگذراند و درجهٔ دکتری دریافت کند. همچنین مدرسهٔ عالی شارت را در آن دیار ببیند و دیپلم آنجا را به دست بیاورد. مدرسهٔ شارت مخصوص تعلیمات مرتبط به آرشیو، بایگانی و کتابداری است و صبا نخستین ایرانی است که درجهٔ علمی از آنجا گرفته است.

کار علمی وی در پاریس که منجر به دریافت درجهٔ علمی و دکتری شد گردآوری فهرستی از کتاب‌ها و مقاله‌هایی بود که به زبان فرانسوی در بارهٔ ایران در سراسر جهان نشر شده بود. دکتر صبا برای به سرانجام رسانیدن این کار مدت‌ها در کتابخانه‌های فرانسه به جستجو پرداخت تا عاقبت ***کتابشناسی ایران در زبان فرانسه*** را به‌وجود آورد که در سال ۱۹۳۶ در پاریس به چاپ رسید. صبا پس از بازگشت به ایران نخست در بانک ملی ایران به کار پرداخت. از اقدامات مهم او پایه‌گذاری و مجموعه‌سازی کتابخانهٔ بانک ملی در سال ۱۳۱۶ است. دکتر صبا توانست ***فهرست کتابخانهٔ ملی*** را در سال ۱۳۲۴ به چاپ برساند. صبا مدت ده سال ریاست ادارهٔ آمار و بررسی‌های اقتصادی همان بانک را داشت و در این مدت بود که مجلهٔ «بانک ملی» زیر نظر او منتشر می‌شد که به مقاله‌های تخصصی آماری و اقتصادی اجتماعی اختصاص داشت. کم‌کم هم‌زمان با ادامهٔ کار در بانک، به تدریس در دانشگاه پرداخت و به استادی در دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی رسید، تا اینکه پس از سی سال تدریس بازنشسته شد.

وی کتابی در بارهٔ فن کتابداری در سال ۱۳۳۳ منتشر نمود. وی کتابی هم در بارهٔ بایگانی و کتاب دیگری در بارهٔ آمار اقتصادی نوشت. وی همچنین انجمن دوستداران کتاب را تأسیس نمود. دکتر صبا پس از تشکیل یونسکو نخستین کتابداری بود که به دعوت آن مؤسسهٔ سفری به اروپا رفت (سال ۱۳۳۲) و تحولات جدید کتابداری را پس از جنگ دید. گروه ملی کتابشناسی ایران وابسته به کمیسیون ملی یونسکو را با همکاری دکتر مهدی بیانی، محمد تقی دانش‌پژوه و ایرج افشار تأسیس نمود. دکتر صبا بر سه کتاب منتشره این گروه مقدمه دارد (***کتابشناسی فهرست‌های نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های دنیا*** از ایرج افشار؛ ***فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران*** از محمد تقی دانش‌پژوه و ***فهرست مقالات***

فارسی جلد اول از ایرج افشار). تأسیس کمیتهٔ بایگانی ملی وابسته به کمیسیون ملی یونسکو در سال ۱۳۳۸ کار دیگری بود که با همکاری دیگران انجام داد. از آثار اوست:

Bibliographie française de l'Iran, Paris 1935 (Tehran 1951; Tehran 1966). English Bibliography of Iran, 1965.Tehran,

فرهنگ بیان اندیشه‌ها (تهران، ۱۳۶۶)؛ ***صدای انسانی*** (از ژان کوکتو، تهران، ۱۳۳۸)؛ ***یکی بود یکی نبود*** (از فرانسیس دوکرواسه، انجمن دوستداران کتاب، ۱۳۳۸)؛ ***گل‌های حافظ*** (از هانری گی، با نقاشی‌های لیلی تقی‌پور)؛ ترجمه‌های کوتاه دیگر دارد که در فهرست‌های کتاب‌های چاپی تألیف خانبابا مشار به نام‌های ***آرلزین***، ***آنترمزو***، ***تیستین***، ***ستارگان***، ***گردش*** آمده است؛ ***مسافرت به ایران*** (از الکسیس سولتی‌کف دیمیتریویچ، تهران، ۱۳۳۶)؛ ***زیبایی‌های ایران*** (آندره دولیه دولند، تهران، ۱۳۵۵)؛ ***اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی و خصوصی تهران*** (۱۳۳۳)؛ ***اصول بایگانی*** (۱۳۳۳)؛ ***اصول آماری و کلیات آمار اقتصادی*** (۱۳۳۴).

منابع: «سوک‌های دیگر»، آینده، س. ۱۸، ص. ۲۵۶. افشار، ایرج، «یادی از دکتر محسن صبا»، آینده، س. ۱۹، ص. ۲۲۳ـ۲۳۰.

صدر، حسن　۴۰۰

محقق، روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۸۸ (۱۳۲۵ ق.)، اصفهان.

درگذشت مرداد ۱۳۶۴.

حسن صدر، فرزند صدرالمحدثین، از چهار سالگی در مدرسهٔ آلیانس اصفهان شروع به تحصیل نمود. در بیست و دو سالگی به تهران آمد و دورهٔ دوم متوسطه را در دارالفنون خواند. سپس دورهٔ سه ساله مدرسهٔ حقوق را طی کرد و در سال ۱۳۱۲ به سمت مستنطقی عدلیه وارد خدمت دولت شد. در سال ۱۳۱۹ از شغل دولتی کناره گرفت و وکالت عدلیه و امتیاز روزنامهٔ «قیام ملی» را گرفت. در رشتهٔ حقوق جزا از دانشگاه پاریس دکتری گرفته است. حسن صدر به دریافت نشان درجهٔ اوّل علمی نایل آمده است. از جمله تألیفات وی است: ***حقوق زن در اسلام و اروپا*** (۱۳۱۹)؛ ***مرد نامتناهی***، ***علی بن ابیطالب*** (۱۳۳۸)؛ ***تئوکلئتالیسم***؛ ***الجزایر و مردان مجاهد***؛ ***ویتنام جدید***؛ ***دفاع دکتر مصدق از نفت در زندان زرهی***.

منابع: ***چهرهٔ مطبوعات معاصر*** / غلامحسین صالحیار، ص. ۲۶. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۶۴۴ـ۶۴۶ «حسن صدر»، آینده، س. ۱۱، ص. ۷۳۶.

صدر دانش (حسامی)، ثریا　۴۰۱

نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار

درگذشت ۱۲ اردیبهشت ۱۳۷۲، تهران.

ثریا صدر دانش رشتهٔ اقتصاد را در فرانسه و بلژیک خوانده بود. از سال ۱۳۴۶، هنگامی که ۲۱ ساله بود، کار حرفه‌ای را در روزنامهٔ «کیهان» آغاز کرد و تا هنگامی که درگذشت، در این روزنامه به فعالیت مشغول بود. طی ۲۶ سال فعالیت، در اغلب زمینه‌های مطبوعاتی کار کرد و سال‌ها علاوه بر نوشتن نقد فیلم، مترجم و نویسندهٔ مطالب سینمایی بود که طی سال‌های آخر عمرش، این زمینه از فعالیت را در نشریات هفتگی «امید» و «بشیر» ادامه داد. ثریا صدردانش، در «کیهان» دبیر صفحهٔ «دانش و پژوهش» بود که طی سال‌ها مرتب مقاله می‌نوشت.

منبع: «ثریا صدردانش»، فیلم، س. ۱۱، ش. ۱۴۲ (خرداد ۱۳۷۲)، ص. ۲۴.

۴۰۲ صدیقی، غلامحسین

مدرس، جامعه‌شناس، محقق

تولد آذر ۱۲۸۴، تهران.

درگذشت ۹ اردیبهشت ۱۳۷۰.

غلامحسین صدیقی، فرزند حسین اعتضاد دفتر، تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در تهران در مدارس علمیه، آلیانس و دارالفنون گذراند و سپس در سال ۱۳۰۹ برای ادامه تحصیل جزو دومین گروه دانشجویان اعزامی به اروپا به فرانسه رفت. در آنجا پس از گذراندن دورهٔ دانشسرای سن‌کلو و دانشگاه پاریس به اخذ لیسانس و دکترایِ ادبیات در رشتهٔ فلسفه و جامعه‌شناسی نایل آمد. رسالهٔ دکترایِ او با عنوان ***جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری*** در سال ۱۹۳۸ (۱۳۱۷) به زبان فرانسوی در پاریس به چاپ رسید (این کتاب در سال ۱۳۷۲ در تهران به چاپ رسیده است). در سال ۱۳۱۶ به ایران بازگشت و با درجهٔ دانشیاری در دانشگاه تهران به تدریس تاریخ فلسفه قدیم و جامعه‌شناسی پرداخت؛ مدتی بعد هم به مقام استادی دانشکده‌های ادبیات و معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) نایل آمد. چندی نیز مدیرکل دانشگاه و چند دوره نمایندهٔ دانشکدهٔ ادبیات در شورای دانشگاه بود. او همچنین در تأسیس انجمن آثار ملی مؤثر بود، و بعدها به ریاست انجمن رسید. او عضو کمیسیون ملی یونسکو و کنگرهٔ هزارهٔ ابن سینا بود، و از سال ۱۳۲۶ الی ۱۳۲۹ در تنظیم مدخل‌های حروف «پ» و «ث» ***لغت‌نامهٔ دهخدا*** فعالیت کرد، در واقع او یکی از پنج نفری بود که همراه خان‌بابا بیانی، ذبیح‌الله صفا، محمد معین و عبدالحمید اعظمی زنگنه پس از تصویب ماده واحدهٔ مربوط به چاپ ***لغت‌نامه*** در چاپخانهٔ مجلس شورای ملی در اواخر ۱۳۲۴ به همکاری با دهخدا انتخاب شد.

وی در سال ۱۳۳۰ در هیئت دولت دکتر محمد مصدق به عنوان وزیر پست و تلگراف منصوب شد و پس از مدتی تا سال ۱۳۳۲ وزیر کشور این هیئت دولت بود. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دستگیر گردید، و مدت پانزده ماه در زندان بسر برد. اما پس از آزادی چهار بار دیگر هم به زندان افتاد.

از جمله فعالیت‌های وی در زمینهٔ فرهنگی تأسیس مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی در سال ۱۳۳۷ است. این مؤسسه در سال ۱۳۵۱ به دانشکدهٔ علوم اجتماعی تبدیل شد.

دکتر غلامحسین صدیقی همچنان در طول سال‌های عمر خود چندین بار نمایندهٔ ایران در کنفرانس‌های بین‌المللی تعلیم و تربیت و یونسکو انتخاب شد. تألیفات وی از این جمله است: ***از طائیس تا سقراط؛ گزارش سفر هند*** (۱۳۲۶)؛ چاپ متن عربی رساله ***سرگذشت ابن سینا*** و چند رساله دیگر منسوب به ابن سینا. وی همچنین مقدمه‌ای بر کتاب ***اصول حکومت آتن*** (تألیف ارسطو و با ترجمه و تحشیهٔ باستانی پاریزی) نوشته است.

دکتر غلامحسین صدیقی پس از تحمل یک دوره بیماری در نهم اردیبهشت ۱۳۷۰ درگذشت.

*منابع: **یادنامه دکتر غلامحسین صدیقی: فرزانه ایران زمین**/ پرویز ورجاوند. «دکتر غلامحسین صدیقی مبارز سیاسی سال‌های دور در تهران درگذشت»، سخنگو، ش. ۲ (اردیبهشت ۱۳۷۰)، ص. ۱۵. **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/ خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۶۷۹ـ۶۸۰. **فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان**/ فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.*

۴۰۳ صدیقی، مهدی

جغرافیدان، استاد

تولد ۱۳۱۳.

درگذشت ۱۳۶۱، پاریس.

مهدی صدیقی فارغ‌التحصیل جغرافیا از دانشگاه سُربُن (پاریس) است. از سال ۱۳۴۸ خدمت دانشگاهی خود را آغاز کرد، و به تدریس دروسی مانند جغرافیای ریاضی، جغرافیای انسانی، هواشناسی، زمین‌شناسی، ژئومورفولوژی، وَ تفسیر عکس پرداخت. وی بعدها به مدیریت گروه جغرافیای دانشگاه مشهد رسید. از جمله تألیفات وی می‌توان به این کتاب اشاره کرد: ***فوتوگرامتری و عکس‌های هوایی*** (۱۳۵۲). دکتر مهدی صدیقی همچنین مقالاتی برای مجلهٔ «دانشکدهٔ ادبیات مشهد» نوشت.

دکتر مهدی صدیقی در سال ۱۳۶۱ در پاریس در گذشت و پیکر وی به مشهد منتقل شد.

*منابع: **جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی*** / تألیف دکتر محمد حسن گنجی، ص ۵۴۲ ـ ۵۴۳. ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** / فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

۴۰۴ صناعی، محمود

استاد، مترجم، محقق، مؤلف

تولد ۱۲۹۷، اراک.[۱]

درگذشت شهریور ۱۳۶۴، لندن.

محمود صناعی که اشعار خود را با عنوان «هونر» (فرود) و «هونر» (م) منتشر می‌کرد، پس از پایان تحصیلات متوسطه در کالج آمریکایی تهران از دانشکدهٔ ادبیات و دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران در رشته‌های فلسفه و علوم تربیتی و ادبیات پارسی و حقوق لیسانس گرفت. پس از چند سال تدریس فلسفه و ادبیات فارسی در کالج آمریکایی تهران در سال ۱۳۲۴ برای تکمیل تحصیلات خود عازم انگلستان گردید و در دانشگاه لندن به تحصیل در رشتهٔ حقوق و فلسفه و روانشناسی مشغول شد و به دریافت درجهٔ دکتری در رشتهٔ روانشناسی نایل شد. در سال ۱۳۳۳ به عضویت انجمن بین‌المللی پسیکوآنالیز انتخاب گردید. مدتی به سمت رایزن فرهنگی ایران در انگلستان خدمت کرد. وی همچنین عضو هیئت نظارت تألیف ***تاریخ ایران*** در کمبریج بود. پس از بازگشت به ایران به عنوان استاد در دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد و به مقام‌های ریاست دانشسرای عالی تهران و معاونت وزارت فرهنگ نیز رسید.

دکتر محمود صناعی همچنین موفق به تأسیس و پایه‌گذاری مؤسسهٔ روانشناسی در دانشگاه تهران شد. وی در این مؤسسه کتابخانه‌ای حاوی کتاب‌های مربوطه و نشریات ادواری گرد آورد. او بیش از ده سال پیش از فوتش به انگلستان عزیمت کرد و در لندن ساکن شد.

علاوه بر مقاله‌هایی که در مجله‌های «ایران امروز»، «سخن»، «یغما»، «راهنمای کتاب» و «مهر» منتشر می‌کرد و مقاله‌هایی به زبان انگلیسی در مجله‌های جهانی منتشر می‌ساخت، فهرست آثار انتشار یافتهٔ وی به شرح زیر است: ***یادی از استاد*** (هرلدلسکی، ۱۳۳۲)؛ ترجمهٔ ***چهار رسالهٔ افلاطون*** (۱۳۳۶)؛ ***آزادی فرد و قدرت دولت***؛ ***آزادی و تربیت*** (۱۳۳۹)؛ ***اصول روانشناسی*** (نرمان ل. مان، چاپ دوم، ۱۳۴۲)؛ ***پنج رسالهٔ از افلاطون*** (۱۳۳۴)؛ ***در آزادی*** (جان استوارت میل).

دکتر محمود صناعی در شهریور ۱۳۶۴ در لندن

---

۱. در کتاب **سیر سخن** تاریخ تولد ۱۲۹۸ آمده است.

درگذشت.

منابع: فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز / عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۶۲۲ـ۶۲۳. *سیر سخن، شامل شرح احوال معروف‌ترین نویسندگان و شاعران ایران* / احمد احدی، حسین رزمجو، ص. ۳۵۸. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۴۷ـ۴۸. افشار، ایرج، «محمود صناعی»، آینده، س. ۱۱، ص. ۷۲۳ـ۷۳۵ و س ۱۲، ص. ۱۳۵ـ۱۳۶.

۴۰۵ ضیاءنور، فضل‌الله

استاد، عالم ربانی

تولد ۱۲۹۹، اصفهان.

درگذشت ۱۳۶۴ (۷ ربیع‌الاول ۱۴۰۶ ق.).

فضل‌الله ضیاءنور، فرزند حجت‌الاسلام حاج رضا ضیاءنور از واعظان اصفهان، از کودکی به فرا گیری علوم و معارف اسلامی پرداخت. پس از مدتی علوم و معارف اسلامی از قبیل ادبیات، منطق، فقه و اصول و مخصوصاً فلسفه و عرفان را پشت سر گذاشت. از جمله استادان وی می‌توان به این اسامی اشاره نمود: حاج میرزا علی واعظ شیرازی؛ آیت‌الله حاج میرزا محمد رضا کلباسی؛ حاج صدرالدین هاطلی کوپایی؛ حاج شیخ محمد حسین عالم نجف‌آبادی؛ آیت‌الله حاج‌آقا رحیم ارباب؛ آیت‌الله سید محمد رضا خراسانی؛ ملا محمد علی حبیب‌آبادی؛ حاج حسین خادمی؛ آیت‌الله حاج شیخ احمد فیاض؛ حاج شیخ محمود مفید.

استاد ضیاءنور ابتدا در کسوت روحانیت بود و علاوه بر تعلیم و تعلم، به منبر هم می‌رفت. در سال ۱۳۳۶ برای مطالعات جدید و علوم دانشگاهی و تدریس در دانشگاه و وزارت فرهنگ اصفهان نیز اقدام نمود. علاوه بر تدریس، به تحقیق در بارهٔ عرفان و تصوف اسلامی و شاعران ادب فارسی به‌ویژه مولانا و حافظ پرداخت و کتابی به نام ***وحدت وجود*** تهیه کرد که آمادهٔ چاپ است.

منابع: کتابی، دکتر محمد باقر، «به یاد استاد فضل‌الله ضیاءنور»، کیهان فرهنگی، س. ۳، ش. ۱۲ (اسفند ۱۳۶۵)، ص. ۳۸ـ۳۹. کیهان سال، دورهٔ جدید، ش. ۲۰، ج. ۱، بخش هنر و ادبیات، ص. ۲۳. ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** / فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

۴۰۶ طبری، احسان

محقق، شاعر، مؤلف

تولد ۱۲۹۵، ساری.[۱]

درگذشت ۹ اردیبهشت ۱۳۶۸، تهران.

احسان طبری، فرزند فخر طبری ملقب به فخرالعارفین، در شش سالگی به مکتب سید عبدالمجید رفت و قرآن را تعلیم گرفت و خواندن و نوشتن آموخت، نصاب الصبیان و کتاب‌های جودی و جوهری را نیز خواند. در هفت سالگی به مدرسهٔ احمدیه رفت و پس از پایان دورهٔ ابتدایی به علت تبعید پدرش به تهران به اتفاق مادرش به آن شهر عزیمت کرد و دورهٔ دبیرستان را هم به انجام رسانید، آنگاه به دانشکدهٔ حقوق راه یافت و فارغ‌التحصیل شد. در خلال تحصیل در دانشکدهٔ حقوق به فرا گرفتن علوم ادبیه و عربیه پرداخت و در مدرسهٔ سپهسالار نزد اساتید کسب دانش کرد و با فلسفه و علوم عقلی نیز آشنایی یافت.

در سنین جوانی به سبب آشنایی با تقی ارانی به مارکسیسم گروید و در سال ۱۳۱۶ همراه با ۵۲ تن دیگر به زندان رضا شاه افتاد و هم‌زمان با تبعید رضا

---

۱. در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد احسان طبری ۱۲۹۶ ذکر شده است.

شاه به جزیرهٔ موریس، از زندان رهایی یافت؛ سپس در فعالیت‌های حزب توده شرکت داشت، مدتی سردبیری روزنامهٔ «رهبر» به صاحب امتیازی ایرج اسکندری را در تهران به‌عهده داشت (۱۱ بهمن ۱۳۲۲ ــ ۱۳ آذر ۱۳۲۵)، پس از چندی به اراک تبعید شد و در سال ۱۳۲۵ در کنگرهٔ نویسندگان در تهران شرکت کرد. در پس ترور نافرجام شاه در سال ۱۳۲۷ و اعلام غیرقانونی بودن حزب توده، در سال ۱۳۲۸ به اعدام محکوم شد، ناگزیر از ایران خارج شد و به اتحاد جماهیر شوروی گریخت و در آکادمی مسکو به تحصیل پرداخت و فارغ‌التحصیل گردید و به مقام استادی رسید؛ در این مدت وی در رادیو مسکو کار می‌کرد و سرانجام پس از نه سال فعالیت در این کشور به آلمان شرقی رفت و در شهر لایپزیک اقامت گزید. در برلین دورهٔ آکادمی علوم اجتماعی را گذراند و به دریافت مقام علمی «دکتر هانیل» در فلسفه دست یافت و سال‌ها در دانشگاه‌های آلمان به تدریس اشتغال داشت. وی با زبان‌های عربی و پهلوی و روسی و آلمانی و انگلیسی و فرانسوی و ترکی آذری و ترکی اسلامبولی آشنایی داشت و تخصصش در زمینهٔ تاریخ فلسفه و ادبیات بود.

در سال ۱۳۵۷ هم‌زمان با اوج‌گیری قیام مردم و انقلاب اسلامی به ایران آمد و فعالیت‌های سیاسی خود را با بازگشایی حزب توده از سر گرفت. در سال ۱۳۶۲ بنا به تشخیص مصادر امور، فعالیت حزب توده مغایر مصالح جمهوری اسلامی شناخته و به اتفاق کادر رهبری حزب دستگیر و زندانی شد. وی در زندان به اشتباهات خود و حزب اعتراف کرد و کتاب ***کژراهه*** (خرداد ۱۳۶۶) را در این زمینه نوشت.

احسان طبری در روزهای پایانی عمر خود نیز مشغول به نگارش اثری موسوم به ***آورندگان اندیشهٔ خطا*** بود که حاوی کنکاشی است در اندیشه‌های احمد کسروی، صادق هدایت و سید حسن تقی‌زاده، اما این امر با بسته شدن کتاب عمر وی به سبب نارسایی کلیوی در سال ۱۳۶۸ به انجام نرسید و نیمه تمام ماند.

احسان طبری همچنین به داستان‌نویسی نیز می‌پرداخت. افسانه‌های تمثیلی وی با نثر شبه کلاسیک آن و با استفاده از اساطیر ایرانی و اروپایی در خدمت تبلیغ مرام سیاسی خاصی است. از جمله داستان‌های او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: ***شکنجه و امید*** (۱۳۲۶)؛ ***مجموعه‌ای از قطعات ادبی او*** و ***در دوزخ*** (۱۳۲۷)؛ ***خدایان از بندرسته*** (با امضای طباطبا که ظاهراً از اوست، ۱۳۳۱)؛ ***حماسهٔ گئومات*** (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، نمایشنامه تاریخی منظوم)؛ ***فرهاد چهارم*** (داستان، استکهلم، ۱۳۵۶=۱۹۷۷)؛ ***خانواده برومند*** (داستان)؛ ***چشمان قهرمان باز است*** (مجموعه داستان)؛ ***پنجامه*** (مجموعه داستان)؛ ***چهره خانه*** (داستان)؛ ***دههٔ نخستین*** (داستان)؛ ***راندهٔ ستم*** (داستان).

از احسان طبری سه مجموعهٔ شعر به نام‌های ***از میان ریگ‌ها*** و ***الماس‌ها*** و ***دریچهٔ پاییز*** و در سال ۱۳۶۰ مجموعهٔ شعری به نام ***ترانهٔ خوابگونه*** (مجموعه شعر نو) طبع و نشر کرد.

علاوه بر آثار فوق می‌توان به عنوان‌های دیگری نیز اشاره نمود: ***آنتی دورینگ*** (فردریک انگلس)؛ ***الفبای مبارزه*** (استکهلم، ۱۳۵۶=۱۹۷۷)؛ ***انسان و پراتیک اجتماعی و رفتار فردی وی*** (در زمینهٔ اخلاق)؛ ***ایران در دو سدهٔ واپسین*** (مجموعه‌ای از دو کتاب بنیاد آموزش انقلابی و بررسی‌ها در بارهٔ برخی از ...،۱۳۶۰)؛ ***برخی بررسی‌ها در بارهٔ جنبش‌ها و جهان‌بینی‌های اجتماعی در ایران*** (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی، ۱۳۴۸= ۱۹۷۰)؛ ***برخی مسائل حاد انقلاب ایران***؛ ***بررسی چند مسئلهٔ اجتماعی***؛ ***بررسی‌های اجتماعی و تاریخی***؛ ***بنیاد آموزش انقلابی*** (چاپ شده در کشورهای اروپای

شرقی، ۱۳۵۰=۱۹۷۱)؛ ***جامعهٔ ایران در دوران رضا شاه*** (یک تحلیل عمومی، چاپ شده در کشورهای اروپـــای شـــرقی، ۱۳۵۶=۱۹۷۷)؛ ***جـــامعه و جامعه‌شناسی؛ چهرهٔ یک انسان انقلابی*** (برخی از مسائل اخلاقی و انسان‌شناسی، ۱۳۶۰)؛ ***دانش و بینش (در زمینهٔ عرصه‌های نوین علمی)؛ دربارهٔ منطق عمل؛ دو مقاله دربارهٔ تبلیغات*** (۱۳۶۱)؛ ***دو هفته در اتـحاد جماهیر شوروی*** (با همکاری نورالدین کیانوری)؛ ***دوزخ شغالشاه؛ رؤیای چینی*** (۱۳۲۷)؛ ***رد تئوری همگرایی (سیاسی)؛ زایش و تکامل تئوری انقلابی؛ فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران از آغاز تمرکز قاجار تا آستانهٔ انقلاب مشروطیت*** (چـــاپ شـــده در کشـورهای اروپـای شـرقی، ۱۳۵۴=۱۹۷۵)؛ ***سفر جادو؛ سیمای یک انقلابی؛ شناخت و سنجش مارکسیسم*** (۱۳۶۸)؛ ***شمه‌ای در بارهٔ شناخت ایران و جهان؛ گفتگو با یک روشنفکر مأیوس*** (نمایشنامه)؛ ***نوشته‌های فلسفی و اجتماعی.***

منابع: سخنوران نامی معاصر ایران، جلد اوّل/ سید محمد باقر برقعی، ص. ۱۴۸ ـ ۱۵۰. «درگذشت احسان طبری»، کیهان فرهنگی، س. ۶، ش. ۲ (اردیبهشت ۱۳۶۸)، ص. ۵۶. *فرهنگ داستان‌نویسان ایران/* حسن عابدینی، ص. ۱۱۰. افشار، ایرج، «احسان طبری»، آینده، س. ۱۵، ص. ۵۹۴ ـ ۵۹۸. *فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانهٔ ملی ایران/* بیژن سرتیپ‌زاده با همکاری کبری خداپرست، ص. ۱۱۲.

۴۰۷ طهرانی، سید جلال‌الدین

محقق، مؤلف

تولد ۱۲۷۲، تهران.

درگذشت مرداد ۱۳۶۶، پاریس.

سید جلال‌الدین طهرانی، فرزند شیخ‌الاسلام حاج سید محمد علی طهرانی، در تهران به تحصیل علوم سنتی و قدیمی پرداخت. پس از آن به مشهد رفت و چون با علم نجوم آشنایی داشت و در استخراج تقویم بصیرت یافته بود، در آستان قدس رضوی منصب منجم‌باشی یافت. چند سالی تقویم‌های رقومی آستانه را منتشر می‌کرد.

پس از آن بـه تـهران بازگشت و در دستگاه مستوفی‌الممالک به فعالیت مشغول بود. در سال ۱۳۰۷، به انتشار «گاهنامه» را آغاز کرد. سالی یک جلد از آن منتشر می‌شد. از سال ۱۳۱۴ به سفر اروپا رفت و در بلژیک و فرانسه بـه تـحقیقات نجومی پرداخت. پس از مراجعت به ایران در سال ۱۳۲۵ به کارهای دولتی وارد شد. مشاغل وی به ایـن شـرح بـودند: مـعاونت نـخست‌وزیری، مشاورت وزارت، وزارت پست و تلگراف، نیابت تولیت آستان قـدس رضـوی، اسـتانداری خـراسـان، نـمایندهٔ ایـران در کنفرانس بین‌المللی رادیو، نمایندهٔ ایران در کنفرانس کار در ژنو، وزیر مختار ایران در بلژیک و سناتوری رسید. آخرین سمت او عضویت و ریـاست شـورای سلطنتی در سال ۱۳۵۷ بود که چـند صـباحی دوام داشت.

سال‌ها مدرس علوم معقول و کـارشناس عـلوم ریاضیات عالیه و نـجوم بـود. مـجموعه‌ای از کـتب خطی خود را به کتابخانهٔ آستان قدس رضوی وقف کرد. فهرستی از این نسخه‌های ریاضی و نجومی آن مجموعه توسط کتابخانه آستان قدس رضوی منتشر شده است. وی عضو آکادمی بین‌المللی تاریخ علوم نجوم و منجم رصدخانهٔ سلطنتی بلژیک و مـحقق دارالعلم بروکسل و عضو مـؤسس و دائـمی انـجمن نجومی فرانسه و عضو انجمن دولتـی تـاریخ عـلوم بلژیک بود.

از آثـار اوست: ***آثـار قـدیمهٔ فـارسی*** (۱۳۱۳)؛ ***اصفهان نـصف جـهان*** (۱۳۱۲)؛ ***تـاریخ جـهانگشای جوینی*** (سـه جـلد، از روی چـاپ مـحمد قـزوینی،

۱۳۱۲ ـ ۱۳۱۴)؛ ***تاریخ قم*** (حسین بن محمد قمی، به اهتمام، ۱۳۱۳)؛ ***تعلیمات دینی*** (برای مدارس، ۱۳۱۶)؛ ***جامع التواریخ*** (قسمت تاریخ هلاکو، رشیدالدین فضل‌الله همدانی، از روی چاپ بلوشه، ۱۳۱۴)؛ ***چهار مقالهٔ عروضی*** (۱۳۱۴)؛ ***حدود العالم من المشرق الی المغرب*** (از روی چاپ مسکو، ۱۳۱۲، به اهتمام)؛ ***رساله در صور فلکی*** (۱۳۱۳)؛ ***فارسنامهٔ ابن بلخی*** (۱۳۱۳، به اهتمام)؛ ***لب التواریخ*** (یحیی بن عبداللطیف قزوینی، به اهتمام)؛ ***محاسن اصفهان مافروخی*** (متن عربی، ۱۳۱۲)؛ ***الارشاد فی شرح حال صاحب بن عباد*** (عربی، ۱۳۱۲، به اهتمام)؛ ***هیئت*** (ترجمهٔ عبدالرحیم طالبوف، ۱۳۱۳).

*منابع: **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۳۵۹ ـ ۳۶۲. افشار، ایرج، «سید جلال‌الدین طهرانی»، آینده، س. ۱۳، ص. ۵۲۸ ـ ۵۳۱.

طهوری، عبدالغفار　۴۰۸

خادم نشر

درگذشت ۱۹ آذر ۱۳۷۴، تهران.

عبدالغفار طهوری کار خود را در کتابفروشی دانش آغاز کرد و سپس خود از سال ۱۳۳۱ دست به کار نشر کتاب زد. نخستین کتابی که منتشر کرد، ***فرهنگ فارسی*** تألیف محمد کیوان پورمکری (دکتر محمد مکری) بود. ***فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه*** به تصحیح ایرج افشار که در سال ۱۳۳۳ توسط انتشارات غفوری منتشر شد. وی کتابفروشی خود را نخست در مغازه‌ای در خیابان شاه‌آباد سابق باز کرد و پس از چندی به رو به روی دانشگاه تهران نقل مکان کرد.

از جمله فعالیت‌های وی چاپ صد و پنجاه جلد کتاب به نام ***مجموعه زبان و فرهنگ ایران*** بود. از آثار[1] دیگر او ***مختصری از شرح حال و منتخبی از اشعار دهخدا*** (۱۳۳۳) است. مجموعهٔ کتابفروشی او نیز بیشتر شامل کتاب‌های عرفان و ادبیات فارسی است.

عبدالغفار طهوری در پی سکتهٔ مغزی در سال ۱۳۷۴ در تهران درگذشت.

*منابع: اطلاعات (۲۰ آذر ۱۳۷۴)؛ جهان کتاب، س. ۱، ش. ۶، ص. ۱۶. **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۸۹۱. «خدمات انتشاراتی کتابخانهٔ طهوری»، آینده، س. ۸، ص. ۲۸۰.

عمادزاده اصفهانی، حسین　۴۰۹

مؤلف، محقق

تولد ۱۲۸۴ (۸ ذی‌الحجه ۱۳۲۵ ق.)، اصفهان.[1]

درگذشت ۱۲ فروردین ۱۳۶۹، تهران.

حسین عمادزادهٔ اصفهانی، فرزند حجت‌الاسلام احمد عمادالواعظین، در حوزهٔ اصفهان از علمای آن روز چون آیات عظام سیدعلی نجف‌آبادی، محمود مفید، علی واعظ شیرازی، محمد حکیم خراسانی، سیدصدرالدین کوهپایه‌ای، محمد رضا کلباسی کسب فیض کرد. وی دارای اجازهٔ روایتی از علمای آن زمان همچون آیات عظام سیدابوالحسن اصفهانی، شیخ‌آقابزرگ تهرانی، سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای، محمدرضا مظفر، سیدیونس اردبیلی بود.

حسین عمادزادهٔ اصفهانی دارای آثار بسیاری است که برخی از آنها به شرح زیر است: ***بستان الاداب*** (برای سال پنجم و ششم متوسطه، ۱۳۰۹)؛ ***جهان اسلام و اسلام در جهان***؛ ***ترجمه و تفسیر قرآن کریم***؛ ***تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم*** (۱۳۳۴)؛ ***تاریخ***

---

۱. در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد حسین عمادزاده اصفهانی ۱۲۸۵ آمده است.

مفصل اسلام (جلد اول، ۱۳۳۷)؛ *شرح خطبهٔ غدیر*؛ *زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام* (۱۳۲۸)؛ *تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزی است* (زندگانی حضرت سیدالشهداء، ۱۳۲۱)؛ *زندگانی حضرت ابوالفضل العباس (ع)*، *قمر بنی هاشم* (۱۳۲۱)؛ *زندگانی حضرت علی اکبر و علی اصغر* (۱۳۶۵ ق.)؛ *زندگانی زینب کبری* (شیخ جعفر نقدی، ترجمه، ۱۳۲۳)؛ *منتقم حقیقی مهدی قائم صاحب العصر و الزمان* (۱۳۲۳)؛ *زندگانی حضرت خامس آل عبا ابی عبدالله ــ سید الشهداء* (۱۳۷۴ ق.)؛ *زندگانی حضرت سجاد* (۱۳۳۸)؛ *زندگانی علی بن ابیطالب* (۱۳۳۱)؛ *زندگانی حضرت مجتبی* (۱۳۳۷)؛ *زندگانی حضرت علی بن موسی‌الرضا* (۱۳۳۵)؛ *رجال اسلام* (شامل شرح حال قریب بیست هزار نفر از رجال علمی و ادبی اسلام)؛ *تاریخ جغرافیایی کربلا* (۱۳۲۶)؛ *راهنمای حاج*، *تاریخ جغرافیایی مکه* (۱۳۲۷)؛ *صحیفهٔ کاملهٔ سجادیه زبور آل محمد* (۱۳۳۴)؛ *فاطمة الزهراء* (۱۳۳۶)؛ *مجموعهٔ زندگانی چهارده معصوم* (دو جلد، ۱۳۳۰ ــ ۱۳۳۱)؛ دوره‌های مجلهٔ «خرد».

وی علاوه بر تحقیق و تألیف و نیز تدریس در دانشگاه، مقالاتی نیز برای روزنامه‌ها و مجله‌ها می‌نوشت.

وی در سال ۱۳۱۵ در تهران ساکن شد و در پنجم ماه رمضان (دوازدهم فروردین سال ۱۳۶۹) درگذشت.

منابع: «حسین عمادزادهٔ اصفهانی»، کیهان فرهنگی، س. ۷، ش. ۳ (خرداد ۱۳۶۹)، ص. ۵۰. *رجال اصفهان یا تذکرة القبور* / آخوند ملا عبدالکریم جزی (با مقدمه و حواشی و ملحقات به قلم سید مصلح‌الدین مهدوی)، چاپ دوم، ص. (ز). *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۸۳۰ ــ ۸۳۱.

۴۱۰ عمید، موسی

استاد

تولد ۱۲۸۷، تبریز.

درگذشت ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۸.

موسی عمید علوم قدیمه را قسمتی در تبریز و قسمتی در تهران تحصیل کرد. سپس جزء محصلین اعزامی به اروپا رفت و در پاریس درجهٔ دکتری در حقوق و در سوییس در شهر ژنو درجهٔ دکتری در فلسفه از دانشگاه ژنو گرفت. پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۱۹ به استادی در دانشکده‌های حقوق و معقول و منقول منصوب شد. وی از سال ۱۳۳۰ تا زمان مرگ ریاست دانشکدهٔ حقوق را عهده داشت. در دانشکدهٔ حقوق، حقوق مدنی و در دانشکدهٔ علوم معقول و منقول، تاریخ فلسفه در اسلام را تدریس می‌کرد

از آثار اوست: *ارث*؛ *هبه و وصیت* (تقریرات درس حقوق مدنی، ۱۳۴۲، به کوشش عباس فرید).

منبع: *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۳۴۰ ــ ۳۴۱ (به نقل از «راهنمای کتاب»، س. ۶، ش. ۳، ص. ۲۴۷).

۴۱۱ عنایت، حمید

استاد، محقق

تولد ۱۳۱۱.

درگذشت ۳ مرداد ۱۳۶۱.

حمید عنایت فارغ‌التحصیل دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران و دارای درجهٔ کارشناسی ارشد و دکتری از دانشکدهٔ اقتصاد و علوم سیاسی لندن است.[1] بعد،

۱. در کتاب *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* آمده است که وی به تحصیل در رشتهٔ دکترای فلسفه در دانشگاه لندن پرداخته است.

یک سال در خارطوم به تدریس پرداخت تا اینکه به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران سمت دانشیاری یافت و سپس به مقام استادی رسید. از سال ۱۳۵۹ که دانشگاه آکسفورد مقام استادی در رشتهٔ عقاید سیاسی را به وی پیشنهاد کرد، مقیم آنجا شد.

خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۳۳ آغاز کرد و با مجلات ادبی و علمی همکاری داشت. به مناسبت انتشار کتاب ***سیاست ارسطو*** (۱۳۳۷) به دریافت جایزهٔ بهترین کتاب سال نایل آمد. از جمله کتب‌های دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: ***فلسفهٔ هگل*** (از ت. ستیس، تهران، ۱۳۴۸)؛ ***عقل در تاریخ*** (هگل)؛ ***تاریخ طبیعی دین*** (دیوید هیوم، ۱۳۴۸)؛ ***لووی استروس*** (ادموند لیچ، تهران، ۱۳۵۰)؛ ***اسلام و سوسیالیسم در مصر*** (تهران، ۱۳۵۰)؛ ***سیری در اندیشه‌های سیاسی عرب***؛ ***قیصر و مسیح*** (از دورهٔ تاریخ تمدن ویل دورانت، تهران، ۱۳۴۱)؛ ***بنیاد فلسفهٔ سیاسی در غرب، از هراکلیت تا هابز*** (تهران، ۱۳۴۹)؛ ***جهان از خود بیگانه*** (تهران، ۱۳۴۹)؛ ***اندیشهٔ سیاسی در اسلام معاصر*** (ترجمهٔ بهاءالدین خرمشاهی)؛ ***سه آهنگ‌ساز: موزار، برلیوز، واگنر*** (رومن رولان، ترجمه، تهران، ۱۳۳۴)؛ ***انتقام معجزه‌آسا*** (سه داستان از جرج برناد شاو، گی دوموپاسان، جک لندن، ترجمه؛ تهران، ۱۳۳۳).

منابع: چهرهٔ مطبوعات معاصر / غلامحسین صالحیار، ص. ۱۶۱ ــ ۱۶۲. شیخ‌الاسلامی، جواد، «به یاد حمید عنایت»، آینده، س. ۷، ش. ۷ (مهر ۱۳۶۱)، ص. ۳۷۵ ــ ۳۸۷. «حمید عنایت»، آینده، س. ۹، ص. ۲۷۲ ــ ۲۷۴. «چاپ تازهٔ آخرین اثر حمید عنایت به فارسی و انگلیسی»، کیهان فرهنگی، س. ۱، ش. ۱ (فروردین ۱۳۶۳)، ص. ۲۹ و ۳۰. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۹۶۶ ــــ ۹۶۷. «روح علمی»، آینده، س. ۸، ص. ۳۰۵ ــ ۳۰۷.

محقق

تولد ۱۲۹۸، خوانسار.

درگذشت ۳۱ مرداد ۱۳۷۵.

محمد حسن فاضلی خوانساری، فرزند آیت‌الله ملا محمد مهدی فاضل خوانساری، تحصیلات ابتدایی و علوم دینی را در شهرستان خوانسار نزد پدر و سایر علما به پایان رساند و موفق به اخذ اجازه روایی از آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی گردید و سپس به شغل سردفتری در شهرستان خوانسار مشغول و در سال ۱۳۲۵ به تهران هجرت و نزدیک به نیم قرن در کسوت سردفتری اسناد رسمی در تهران در خدمت مردم بودند. اهدای زمین دبیرستان پسرانه خوانسار اولین اقدام فرهنگ‌دوستی ایشان به وزارت فرهنگ سابق و جوانان خوانسار بود. ایشان در سمت ریاست هیئت امنای بقعهٔ متبرکه به هزینهٔ شخصی زمین‌ها و قسمتی از خانه‌های اطراف بقعه را خریداری و سه ماه قبل از فوت خود به مردم شهرستان خوانسار و ادارهٔ اوقاف اهدا نمود. از ابتدای جوانی به خرید و جمع‌آوری کتاب پرداخته و همواره در فکر احداث کتابخانهٔ عمومی در شهرستان خوانسار بود و سرانجام در سال ۱۳۶۶ کلیهٔ کتاب‌های کتابخانهٔ خود را که بالغ بر هفتاد هزار جلد کتب خطی و چاپ سنگی و چاپی و مجلات و نشریات و آثار و تابلوهای خطی بود، وقف عام نمود، و کتابخانه اهدایی خود را به پاس قدردانی از خدمات پدرش به نام حضرت آیت‌الله فاضل خوانساری نامگذاری نمود. دو جلد ***فهرست کتب خطی موجود در کتابخانهٔ آیت‌الله فاضل خوانساری*** با همت حجت‌الاسلام حسینی اشکوری و زیر نظر وی تهیه شده است. از آثار دیگر ایشان است: ***شرح حال آیت‌الله آقا حسین خوانساری***؛ ***مهبّط نور یا ولایات ثلاث*** (در بارهٔ رجال و شخصیت‌های سه شهر خوانسار، گلپایگان و خمین).

منبع: «یادی از دوستدار فرهنگ شهر خوانسار، مرحوم محمد حسن فاضلی خوانساری»، کلک، ش. ۷۶ ـ ۷۹، (تیر و مرداد ۱۳۷۵)، ص. ۷۷۰ ـ ۷۷۲.

۴۱۳ فاطمی، سید احمد

مدرس

درگذشت ۱۳۵۹.

سید احمد فاطمی، فرزند سید حیدر از نوادگان عبدالصمد، بود که مدتی در مدرسهٔ فیضیه قم به ادامهٔ تحصیل مشغول گردید. بعدها موفق به کسب درجهٔ دکتری از دانشگاه تهران شد و مدتی نیز در دانشکدهٔ الهیات مشهد مقدس سمت ریاست دانشکده و استادی را داشت. از آثار وی است: *اصول الفقه*.

سید احمد فاطمی سرانجام در سال ۱۳۵۹ دار فانی را وداع گفت.

منبع: *نگاهی به تاریخ اردکان ـ ج ۱ شهر اردکان* / علی سپهری اردکانی، ص. ۲۸۴.

۴۱۴ فخرایی، ابراهیم

محقق

تولد ۱۳۱۷ ق.، در محلهٔ آفخرا، رشت.

درگذشت ۱۶ بهمن ۱۳۶۶.

ابراهیم فخرایی، فرزند رضا بازرگان که نام خانوادگی قبلی‌اش رضازاده بود، در پنج سالگی به مکتب‌خانه شیخ محمد مجدالکتاب به نام «مجلس تعلیم مشق عمومی» در رشت رفت. پس از اتمام این مکتب، در مدرسهٔ اتفاق مشغول به تحصیل حساب و سیاق و مشق خط و قرآن و عربی و روسی و انگلیسی شد.

در شانزده سالگی از رشت به همراه یکی از بستگانش از طریق بادکوبه و استانبول عازم بیروت شد. با شروع جنگ جهانی اول، پیش از آن که به بیروت برسد، عازم شام گردید. در مدت هفده ماهی که در شام بود، در مدرسه‌ای که متعلق به کاتولیک‌های یونانی بود، به تحصیل مشغول شد. زبان عربی را در دمشق فرا گرفت. از راه حلب و بغداد و پس از زیارت عتبات عالیات به ایران بازگشت.

در تهران در مدرسهٔ سیروس مدت یک سال درس خواند. پس از سفری به رشت، در دارالفنون به تحصیل ادامه داد. مقداری از دروس طب را نزد دکتر مؤدب‌الدوله نفیسی فرا گرفت.

در بازگشت به رشت، با کمک برادرش، به خدمت میرزا کوچک‌خان جنگلی رفت. در آنجا مسئولیت تحریرات شخصی میرزا شد. مدتی نیز به‌عنوان امین مالیه به ضیاء فرستاده شد. سپس به کسما اعزام شد و در آنجا مسئول اداره فرهنگ نهضت جنگل بود. در دوران مسئولیتش، چندین مدرسه در صومعه‌سرا، فومن، ماسوله و شفت ساخت. شرح دورانی که وی با میرزا کوچک‌خان بوده است، در کتابی در بارهٔ زندگینامهٔ سردار جنگل به قلم خود وی آمده است. پس از نهضت جنگل، مدتی در اسارت بود. با اعلان عفو عمومی، به انزلی رفت و در آنجا مدیر مدرسهٔ شش کلاسه‌ای شد. اما با توجه به اینکه میزان حقوق خود و معلمینش پایین بود، دست به اعتصاب زدند؛ ملاقات با حسن ناصر، پیشکار دارایی گیلان فایده‌ای نداشت، و سرانجام باعث اخراج آنها شد. با این اتفاق، به رشت بازگشت، و در آنجا در سال ۱۳۰۲ امتیاز روزنامه‌ای به نام «پیام» را گرفت که پیش از انتشار روزنامه، با انتشار بیانیه‌ای به نام «طلیعه»، روزنامه توقیف شد و در نیامد.

سپس به همکاری با فردی به نام محمود طلوع پرداخت و روزنامهٔ «طلوع» را منتشر می‌کرد. مدتی به این ترتیب گذشت، تا به سبب نوشتن مقاله‌ای

علیه سرتیپ محمد حسین خان آیرم که نمایندهٔ تیپ مستقل در شمال بود، به زندان افتاد.

با عوض شدن رییس معارف گیلان، و بر سر کار آمدن تقی طایر، دوباره به فرهنگ بازگشت و شروع به تدریس در دبیرستان و کلاس ششم دبیرستان نمود. در این دوران برای روزنامه‌ها و مجله‌های «فکر جوان»، «صورت»، «فرهنگ» و «پرورش» مقاله می‌نوشت. ضمناً در هفتم دی ۱۳۰۴ امتیاز روزنامهٔ «رشت» را از شورای عالی معارف رشت گرفت ولی هرگز موفق به انتشار آن نشد. در سال ۱۳۰۶ مجله‌ای به نام «فروغ» دایر کرد که به مدت یک سال و دوازده شماره منتشر شد. در سال ۱۳۰۷، تعدادی جزوهٔ درسی برای دانش‌آموزان مدارس رشت به‌نام‌های ***گنجینهٔ ادب***، ***اخلاق***، ***تاریخ*** و ***تعلیمات مدنی*** نوشت و انتشار داد. در همین سال به سبب شرکت در یک اعتصاب، از فرهنگ اخراج شد و پس از مدتی نیز از شهر رشت نیز نفی بلد شد. به تهران آمد و پس از مدتی، مدیریت مدرسهٔ منوچهری را به‌عهده گرفت.

با شرکت در یک دورهٔ قضایی، وکیل گردید و به رشت بازگشت. اما پس از مدتی حکم امانت محدود صلح قزوین را به وی دادند و مجدداً از شهر رشت تبعید شد. از این زمان یعنی سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۳۳ که بازنشسته شد، یا به‌عنوان رییس دادگستری یا به‌عنوان بازرس و سمت‌های دیگر در شهرهای مختلف خدمت کرد.

در سال ۱۳۳۴، روزنامهٔ «فروغ» را به جای مجلهٔ «فروغ» منتشر کرد که فقط برای مدت یک سال دوام آورد. مدتی نیز به همراه دیگران حزب جنگل را در رشت تأسیس کرد که مدتی دبیر این حزب بود.

در دوران بازنشستگی به مطالعه و جمع‌آوری یادداشت‌هایش پرداخت و آثاری را منتشر کرد. از آن جمله است: ***گیلان در جنبش مشروطه*** (۱۳۵۲)؛ ***گیلان در قلمرو شعر و ادب*** (۱۳۵۶)؛ ***گیلان در گذرگاه زمان*** (۱۳۵۴)؛ ***از هر چمن گلی***؛ ***مشاهیر گیلان***؛ ***سردار جنگل*** (۱۳۴۴)؛ ***نمادی از یک زیست***. وی همچنین یک دوره ***تاریخ ایران*** برای سال سوم مدارس ابتدایی (کتاب درسی) در سال ۱۳۰۷ منتشر کرد. ضمناً کتاب ***ضرب‌المثل‌های گیلکی*** چاپ نشده است.

منابع: «استاد فخرایی، مسئول معارف و فرهنگ در تشکیلات سردار جنگل»، کیهان فرهنگی، س. ۱، ش. ۹ (آذر ۱۳۶۳)، ص. ۳ـ۱۶. دریاگشت، محمد رسول، «ابراهیم فخرایی»، آینده، س. ۱۴، ص. ۳۹۹ـ۴۰۲.

استاد

تولد ۱۲۹۱، یزد.

درگذشت ۲۵ مرداد ۱۳۷۳.

دکتر سید احمد فردید دارای درجهٔ دکتری از دانشگاه سُربُن در رشتهٔ فلسفه بود. استاد فلسفه و حکمت معنوی دانشگاه تهران بود و پس از بازنشستگی نیز چندین سال به آموزش و تدریس مبانی فلسفه در انجمن حکمت و فلسفه می‌پرداخت. وی بر واژه‌شناسی زبان‌های سانسکریت، لاتین، آلمانی، عبری، و عربی تسلط داشت و از برخی از زبان‌های دیگر نیز تا اندازه‌ای اطلاع داشت. وی از لحاظ فلسفی تحت تأثیر اندیشه‌های فلسفی مارتین هایدگر قرار داشت. نوارهای بخشی از کلاس‌های ایشان در بنیاد علامهٔ طباطبایی موجود است. مقالاتی از وی در مجلهٔ «سخن» به چاپ رسیده است.

از آثار وی است: ***روابط حکمت اشراق و فلسفهٔ ایران باستان*** (هانری کُربَن، ترجمه با همکاری عبدالحمید گلشن، ۱۳۲۵).

منابع: «درگذشت دکتر سید احمد فردید»، *کیهان فرهنگی*، س. ۱۱، ش. ۵ (مرداد ۱۳۷۳)، ص. ۷۰. «مرگ فیلسوف برجستهٔ ایرانی»، [در سوگ دکتر احمد فردید] ، *روزگار وصل*، س. ۱، ش. ۱۰ (مهر ۱۳۷۳)، ص. ۴. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*/ خانبابا مشار، جلد اول، ص. ۴۳۱. مصاحبهٔ شفاهی با آقای عبدالحی شماسی.

فرزانه، محسن　۴۱۶

نویسنده، روزنامه‌نگار

تولد ۱۷ مهر ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت دی ۱۳۷۴.

محسن فرزانه، فرزند اسماعیل فرزانه ملقب به «مکرم‌السلطنه»، بود. فارغ‌التحصیل رشتهٔ حقوق سیاسی و رسالهٔ پایان‌نامه‌اش در بارهٔ «ژورنالیزم» (روزنامه‌نگاری) بود. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۸ با روزنامهٔ «اطلاعات» آغاز کرد و در سال ۱۳۱۹ به عنوان اوّلین خبرنگار در رادیو تهران به فعالیت پرداخت. علاوه بر این با روزنامه‌های «آیندهٔ ایران»، «میهن‌پرستان»، «ایران»، «تجدد ایران»، «آزادگان»، «افکار ایران»، «صدای ایران»، «کیهان»، «نبرد»، «ایران ما»، «مرد امروز» و چند نشریهٔ دیگر همکاری داشت. از سال ۱۳۲۴ به وکالت در وزارت دادگستری پرداخت. وی به زبان فرانسوی آشنایی داشت.

از تألیفات وی می‌توان از *رستاخیز آسیا* (ترجمه، اثر رنه گروسه)؛ *آسیا بعد از جنگ و زندگی کلاسیک*؛ *جغرافیا و تاریخ بازیافتهٔ ایران*؛ *نام راستین آذربایجان*؛ *مازندران اصیل* (۱۳۷۳)؛ *قلت جمعیت اقتصاد ایران را تهدید می‌کند*؛ *لهستان امروزه*؛ *کمک ایران در راه پیروزی متفقین*؛ *مردی از نیشابور* (در شرح احوال عمر خیام) نام برد.

منابع: *چهرهٔ مطبوعات معاصر*/ غلامحسین صالحیار، ص. ۱۱۳. *چهره‌های آشنا*/ حسین قریشی، ص. ۴۲۵ـ۴۲۶. *کتابشناسی آذربایجان*/ ناهید حبیبی آزاد.

فرهنگیان (آستیم)، محمد　۴۱۷

ویراستار، مترجم

تولد ۱۳۲۱، کرمانشاه.

درگذشت ۱۳۶۵.

محمد فرهنگیان فعالیت‌های فرهنگی خود را با همکاری با مجلهٔ «خواندنیها» که در آن با نام مستعار «م.ـ مار» مقاله‌های انتقادی می‌نوشت، آغاز کرد. از سال ۱۳۴۵ به‌عنوان ویراستار با مؤسسهٔ فرانکلین شروع به کار کرد و هم‌زمان برای نشریاتی چون «آیندگان»، «فردوسی» و ماهنامهٔ «فرهنگ و زندگی» مقاله می‌نوشت. سپس به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رفت و به‌عنوان ویراستار به کار پرداخت. از آنجا به مرکز مطالعهٔ فرهنگ‌ها رفت و با سمت سازمانی ویراستار ارشد تا سال ۱۳۶۱ در آن مرکز فعالیت کرد.

محمد فرهنگیان در زمینهٔ ویرایش، ترجمه، نقد ادبی و هنری فعالیت داشت و از جمله کارهای او می‌توان از عنوان‌های زیر یاد کرد: *کتابی در نقد آسیا* (*در مقابل غرب* نوشتهٔ داریوش شایگان که منتشر نشد)؛ گزارشی در بارهٔ ابیانه و پژوهش و تحقیقی در بارهٔ سرگذشت و آثار تاریخی شهر امام از منطقهٔ دیلمستان در بلوک رامکوه و تحقیق و پژوهشی در بارهٔ لافت در جزیرهٔ قشم. وی این سه رساله را برای مرکز مطالعهٔ فرهنگ‌ها نوشت. همچنین گفتار تلویزیونی در بارهٔ پیرچک‌چکو ساختهٔ منوچهر عسگری را هم او تهیه نمود.

در زمینهٔ ترجمه می‌توان از کارهایی چون نمایشنامه *آسانسور مطبخ* از هارولد پینتر که چندین بار چاپ شده و کتاب *ویلیام تل* برای کودکان و

نوجوانان و همچنین از ترجمه‌های چاپ نشدهٔ وی از *چیستی علم* از چمرز و *آنک آن مرد* از نیچه را نام برد.

فرهنگیان ویرایش کتاب‌های زیادی را عهده‌دار بوده است؛ از آن جمله است: ***فلسفهٔ هگل*** (ترجمهٔ حمید عنایت)؛ ***فلسفهٔ ریاضی؛ حقیقت و ضرورت در ریاضیات؛ انواریهٔ سهروردی؛ کوه‌های سفید***؛ و ... که همگی به طبع رسیده‌اند.

منبع: عاقلی، سیامک، «محمد فرهنگیان»، آینده، س. ۱۳، ص. ۳۴۶ـ۳۴۷.

فریار، عبدالله　۴۱۸

مترجم

تولد ۱۲۸۹.

درگذشت مرداد ۱۳۶۳.

عبدالله فریار، فرزند میرزا آقا خان عصر انقلاب (وکیل مجلس از اردبیل در دوره‌های پنجم و ششم از خلخال)، بود که روزنامه‌ای به همین نام یعنی «عصر انقلاب»، منتشر می‌کرد. تحصیلات وی در ایران و آمریکا صورت گرفته است. وی قبل از مسافرت به آمریکا مدت ده سال در وزارت فرهنگ به معلمی و خدمات فرهنگی مشغول بود. در آمریکا به تکمیل تحصیلات خود در رشتهٔ آموزش و پرورش پرداخته و از دانشگاه کلمبیا فارغ‌التحصیل شد و در ضمن در دبیرخانهٔ سازمان ملل متحد کار می‌کرد. در موقعی که سازمان مزبور خواست ادارهٔ اطلاعات تأسیس کند، او را به ریاست آن انتخاب کرد.

از آثار اوست: *تاریخ صنایع ایران* (کریستی ویلسن، ۱۳۱۷)؛ ***دکتر جرج واشنگتن کارو*** (شرلی گراهام و جرج لیپکم، ۱۳۳۲)؛ *راهنمای صنایع ایران* (م. س. دیماند، ۱۳۳۶)؛ ***روش آموزش و پرورش در چند کشور، انگلستان و سوییس و مصر*** (ترجمه، ۱۳۲۰)؛ ***طرز ادارهٔ آموزشگاه*** (۱۳۱۷)؛ ***طوفان*** (جرج ر. استوارت)؛ ***فلسفهٔ تاریخ*** (امری نف، ۱۳۴۰)؛ ***کتاب انگلیسی*** (با مشارکت علی پاشا صالح، برای سال ششم دبیرستان‌ها، ۱۳۲۳)؛ ***تخت جمشید*** (رایش اشمیت، ترجمه با همکاری دیگران، ۱۳۴۲)؛ ***مردم‌شناسی ایران*** (هنری فیلد، ۱۳۴۳)؛ ***معماری اسلامی ایران در دورهٔ ایلخانان*** (دونالد ویلبر، ۱۳۴۶).

منابع: ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۹۷۹ـ۹۸۰ (به نقل از ***سالنامهٔ کشور ایران*** س. ۷، ص. ۵۰)؛ «دکتر عبدالله فریار»، آینده، س. ۱۰، ص. ۳۹۸.

فقیری، محمد صادق　۴۱۹

نسخه‌شناس

تولد ۱۳۱۹، شیراز.

درگذشت ۴ فروردین ۱۳۷۰، شیراز.

محمد صادق فقیری از دبیران دبیرستان‌های شیراز بود. از کارهای پژوهشی او همکاری در تألیف ***فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی پارس*** در دو جلد (۱۳۵۱) و همچنین دو جلد ***فهرست کتاب‌های خطی کتابخانهٔ حضرت احمد بن موسی «شاهچراغ»*** با علی نقی بهروزی بود. کتابشناسی فریدون توللی در مجلهٔ «آینده» نیز محصول فعالیت تحقیقی او بود. غلط‌گیری متن حروفچینی‌شده و تهیهٔ فهرست‌های کتاب ***انجمن‌های ادبی شیراز از اواخر قرن دهم به امروز*** در حدود شش صد صفحه به دست او انجام گرفته است.

فهرستی از کتاب‌ها و روزنامه‌های چاپ سنگی در چاپخانه‌های قدیمی شیراز در دست تألیف داشت که به بیماری مزمنی دچار شد و در بامداد چهارشنبه چهارم فروردین ۱۳۷۰ درگذشت.

منبع: امداد، حسن، «محمد صادق فقیری»، آینده، س ۱۷، ص ۸۷۹.

۴۲۰ فلاطوری، عبدالجواد

فیلسوف

تولد ۱۳۰۴ ق.، اصفهان.

درگذشت ۹ دی ۱۳۷۵.

عبدالجواد فلاطوری از نوادگان آخوند ملا اسماعیل اصفهانی، استاد فلسفهٔ حاجی سبزواری، است. فلاطوری از ابتدای جوانی علاوه بر تحصیلات دبیرستانی به کسب معارف اسلامی همت گماشت و در شهرهای اصفهان، تهران و مشهد در محضر استادانی نظیر محمد علی شاه‌آبادی، مهدی آشتیانی، آیت‌الله محمد تقی آملی، آیت‌الله خوانساری، محمد رضا کلباسی و آیت‌الله هادی کدکنی نیشابوری به شاگردی پرداخت.

در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ کتاب ***جواهر*** را با آیت‌الله محمد رضا کلباسی مباحثه کرد و از محضر وی به اخذ اجازهٔ روایت و گواهی درجهٔ اجتهاد نایل آمد.

فلاطوری در سال ۱۳۳۳ برای ادامهٔ تحصیل روانهٔ آلمان شد و در رشتهٔ فلسفه به تحصیل پرداخت. وی در رشتهٔ «کانت‌شناسی» به درجهٔ استادی رسید. همچنین در آلمان به تحصیل رشته‌های فلسفه، روان‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی، و تطبیق ادیان پرداخت. در همین ایام زبان‌های لاتین و یونانی را نیز فرا گرفت و پس از نوشتن مقالات و رسایل کوچک‌تری به نوشتن رسالهٔ استادی خود پرداخت و آن را در بارهٔ «دگرگونی بنیادی فلسفهٔ یونانی بر اثر طرز اندیشهٔ اسلامی» نگاشت و به درجهٔ استادی نایل آمد. دکتر فلاطوری استاد دانشگاه کلن آلمان در رشته‌های فلسفه (به شیوهٔ تطبیقی) و حقوق و کلام و علوم اسلامی و اسلام معاصر بود.

از جمله فعالیت‌های دکتر فلاطوری، تأسیس مرکز آکادمی کلن در سال ۱۳۵۶ بود که دست به اصلاح کتاب‌های درسی مدارس آلمان زد، و نواقص و کاستی‌های کتاب‌های درسی را در زمینه‌های اسلام و تاریخ اسلام اصلاح کرد و در این ارتباط شش کتاب تألیف شد که به عنوان مرجعی برای نویسندگان کتاب‌های درسی آلمان و دیگر کشورهای اروپا از قبیل فنلاند، فرانسه، پرتغال و اسپانیا شد و خود اروپایی‌ها بر اساس اقدامات و تألیفات استاد فلاطوری، مطالب کتاب‌های درسی خود را اصلاح و بازنویسی کردند.

دکتر فلاطوری برای این که مرکز آکادمی کلن به‌عنوان یک نهاد علمی جزء دانشگاه قرار بگیرد، آن را از شهر کلن به هامبورگ انتقال داد و از آن پس جزیی از دانشگاه هامبورگ شد. قصد وی این بود که در این مرکز آکادمی، دانشجوی علوم اسلامی تربیت کند و مدرک معتبر نیز بدهد.

دکتر فلاطوری در آلمان به عنوان یک مرجع اسلامی و دانشمند فلسفه و علوم اسلامی مطرح بود. هر زمان که مجلس اروپا در تجزیه و تحلیل و بیان مسایل اسلامی و تفاهم و همفکری و گفت و گوی بین پیروان ادیان اسلام و مسیحیت و یهودیت دچار مشکل می‌شدند، به وی مراجعه می‌کردند و نظرخواهی و راهنمایی می‌خواستند. وی برای ایجاد مباحثه، تفاهم، هم‌فکری، و همکاری بین پیروان ادیان مختلف تلاش می‌کرد. وی در برپایی اجلاسی که پیش از فوتش بین متفکران و اندیشمندان مسلمان، مسیحی و یهودی در یونان برگزار شد، مسئولیت داشت.

از آثار ترجمهٔ اوست: ***تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*** (تألیف برتولد اشپولر، تهران،

۱۳۴۹).

دکتر عبدالجواد فلاطوری روز یکشنبه نهم دی ۱۳۷۵ هنگام تدریس در کلاس درس بر اثر سکتهٔ قلبی درگذشت.

منابع: «فرازهایی از زندگانی استاد مرحوم دکتر عبدالجواد فلاطوری»، گزارشنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ش. ۱۷ (دی ۱۳۷۵)، ص. ۱۷ ـ ۱۸. محقق، مهدی، «... فلاطوری هم رفت»، کلک، ش. ۸۳ ـ ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص. ۵۸۹ ـ ۵۹۸.

۴۲۱ فلسفی، نصرالله

شاعر، نویسنده، محقق، مترجم

تولد ۱۲۸۰ (۱۳۲۸ ق.)، تهران.

درگذشت شهریور ۱۳۶۰.

نصرالله فلسفی، فرزند میرزا نصرالله‌خان سوادکوهی مستوفی (از مستوفیان دربار قاجار)، بود که اصل خانواده‌اش[۱] از سوادکوه قزوین است، شش روز پس از مرگ پدرش به‌دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در مدارس اقدسیه و آلیانس فرانسه و دارالفنون فرا گرفته و پس از تکمیل معلومات عالیه مدتی در وزارت پست و تلگراف مدیریت مجلهٔ رسمی این وزارتخانه، «پست و تلگراف»، را به‌عهده داشت. سپس به وزارت دادگستری (برای چند ماهی در سال ۱۳۰۷) و بعد به وزارت فرهنگ منتقل گردید و به تدریس تاریخ و جغرافیا و علوم ادبی نخست در دارالفنون و سایر مدارس متوسطه و سپس در دانشسرای عالی پرداخت و از آغاز تأسیس دانشگاه تهران به مقام استادی نایل آمد و در دانشکدهٔ ادبیات به تدریس تاریخ پیش از اسلام اشتغال ورزید. نصرالله فلسفی به زبان فرانسوی آشنا بود و آثار بسیاری را ترجمه نمود. وی سال‌ها در خارج از ایران به مطالعه و تحقیق و مأموریت‌های فرهنگی (رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا و اسپانیا ۱۳۳۵ ـ ۱۳۴۰) گذراند. نصرالله فلسفی در سال ۱۳۴۳ به‌درخواست خودش بازنشسته شد و در اروپا ساکن شد. وی همچنین مدتی نیز استاد مدعو در دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود.

مقالات تحقیقی نصرالله فلسفی در بارهٔ تاریخ و ادبیات ایران در مجلات تهران از «تعلیم و تربیت»، «مهر»، «سخن»، «شفق سرخ»، «اتحاد»، «مرز آزاد»، «اطلاعات»، «شرق»، «یغما»، «دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تبریز»، نشریهٔ «کتابخانهٔ ملی تبریز» و «وحید» به چاپ می‌رسید. از جمله کتاب‌های اوست: ***مجموعهٔ هشت مقاله تاریخی*** (۱۳۳۰)؛ ***زندگی شاه عباس کبیر*** (سه جلد، ۱۳۴۲؛ ۱۳۵۳؛ ۱۳۶۴)؛ ***تاریخ روابط اروپا و ایران در دوران صفوی*** (جلد اول، ۱۳۱۶)؛ ***تاریخ عمومی جهان در قرن‌های هفدهم تا بیستم میلادی*** (دو مجلد)؛ ***جغرافیای مفصل؛ جغرافیای ممالک بزرگ دنیا*** (۱۳۱۶)؛ ***جنگ چالدران*** (۱۳۳۲)؛ ***تاریخ غزنویان؛ اصول تعلیم و تربیت*** (۱۳۱۴)؛ ***شرح حال بزرگان*** (داریوش و انوشیروان)؛ ***تاریخ اروپا در قرن ۱۹ و ۲۰*** (۱۳۰۹)؛ ***دورهٔ کامل تاریخ ایران*** (پنج مجلد برای کلاس‌های مدرسه‌های متوسطه)؛ ***تاریخ ایران بعد از اسلام*** (۱۳۱۷)؛ ***تاریخ ایران پیش از اسلام*** (۱۳۱۷)؛ دوازده جلد کتاب‌های ***تاریخ و جغرافیا*** برای تدریس در دبیرستان‌ها با مشارکت علی‌اصغر شمیم؛ و ترجمه‌های: ***تاریخ تمدن قدیم*** (فوستل دوکولانژ، ۱۳۰۹)؛ ***تاریخ تمدن روم و یونان*** (فوستل دوکولانژ،

---

۱. مادر فلسفی دختر آقا علی حکیم زنوزی است که در فلسفه و حکمت عصر خود صاحب‌رأی و متولی و مدرس مدرسهٔ مروی تهران بود که تاریخ وفاتش را (آب الی مآبه) نوشته‌اند که به تاریخ حروف ابجد ۱۲۸۶ ق. است و پدرش ملاعبدالله زنوزی نیز از شاگردان ملا علی نوری بود که به درخواست فتحعلی‌شاه بجای معلمش برای تدریس حکمت در مدرسهٔ مروی به تهران آمده بود.

۱۳۱۹)؛ ***سرگذشت ورتر*** (گوته، ۱۳۰۵)؛ ***منتخب اشعار ویکتور هوگو*** (۱۳۳۵)؛ ***فرهنگ فلسفی ولتر***؛ ۱۳۳۷)؛ ***تاریخ انقلاب روسیه*** (۱۳۰۲)؛ ***تهران قدیم*** (نوشتهٔ فوستل دوکولانژ، ۱۳۰۹)؛ ***راز فلورانس***؛ ***منظومهٔ بیچارگان*** (از ویکتور هوگو، و به نظم پارسی، ۱۳۰۵)؛ ***داستان‌های کوتاه از نویسندگان بزرگ*** (۱۳۳۳)؛ ***اشعار منتخب شاعران رمانتیک فرانسه*** (۱۳۴۱)؛ و نیز ترجمهٔ داستان‌های ***هشتصد و سیزده*** (۱۳۰۲)، ***تودهٔ طلا*** (۱۳۰۴)، ***سرتنک بلور*** (۱۳۰۲)، ***دندان ببر*** (۱۳۰۲) (از آثار موریس لبلان)؛ ترجمهٔ ***تاریخچه سلطنت قباد و ظهور مزدک*** اثر کریستن سن (با مشارکت احمد بیرشک؛ ۱۳۰۶).

نصرالله فلسفی به روزنامه‌نگاری هم می‌پرداخت. فهرست مجلاتی که توسط وی منتشر شده است، به این شرح است: مدیریت داخلی مجله «آینده» (۱۳۰۴)؛ کفالت مجلهٔ «پست و تلگراف» (فقط سه شماره، ۱۳۰۴)؛ مجلهٔ «ایران» (نشریهٔ کلوپ بین‌المللی ایران برای تمبر و مجموعه‌های دیگر از سال ۱۳۰۱ الی ۱۳۱۱)؛ مجلهٔ «تعلیم و تربیت» (وابسته به وزارت معارف، ۱۳۱۳ ـ ۱۳۱۴)؛ «مهر» (از ۱۳۱۲ به مدت چهار سال، دورهٔ یک تا چهار)؛ مدیریت و سردبیری مجلهٔ هفتگی «امید» (۱۳۲۲، مدت سه سال)؛ همکاری فکری در نشر مجلهٔ «اطلاعات ماهانه» در سال‌های ۱۳۳۰ ـ ۱۳۳۴؛ مجله «ایرانیکا» به زبان ایتالیایی در دورهٔ رایزنی فرهنگی در ایتالیا.

فلسفی گاهی شعر می‌سرود و آثار منظومی از وی به یادگار مانده است، از آن جمله است منظومهٔ ***بیچارگان*** و قصاید و قطعات دیگر. مجموعه‌ای از اشعار وی در سال ۱۳۵۱ در تهران چاپ و منتشر شده است.

نصرالله فلسفی در سال ۱۳۵۴ عنوان «استاد ممتاز» دانشگاه تهران را یافت. سرانجام در سال ۱۳۶۰ یک ماه بعد از ورود به ایران زندگی را به‌درود گفت و در شهر ری به خاک سپرده شد.

منابع: تذکرهٔ شعرای معاصر ایران، جلد دوّم/ سید عبدالحمید خلخالی، چاپ اوّل، ص. ۲۵۸. ***فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز/*** عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۴۴۷ـ۴۴۸. ***سیر سخن، شامل شرح احوال معروف‌ترین نویسندگان و شاعران ایران/*** احمد احدی، حسین رزمجو، ص. ۳۳۲ ـ ۳۳۳. ***دانشمندان و رجال مازندران/*** اسمعیل مهجور و به کوشش مهندس هدایت‌الله مهجور، ص. ۶۵ـ۶۷. ***سخنوران نامی معاصر ایران، جلد چهارم/*** سید محمد باقر برقعی، ص. ۲۷۳۸ ـ ۲۷۳۹. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/*** خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۵۸۵ ـ ۵۸۹. ***گلزار جاویدان، مجلد دوم/*** محمود هدایت، ص. ۱۰۹۳. ***زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ـ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد پنجم، (غ ـ ل)/*** حسن مرسلوند، ص. ۱۲۵ ـ ۱۳۰. ***کتابشناسی آذربایجان/*** ناهید حبیبی آزاد.

محقق

تولد ۱۲۹۷.

درگذشت ۲۰ تیر ۱۳۶۰.

جهانگیر قائم‌مقامی تحصیلات خود را در رشتهٔ فنون نظامی تمام کرد. اما سراسر دوران خدمت ارتشی را در امور فرهنگی و تحقیقاتی گذراند و توانست دورهٔ دکترای تاریخ را در فرانسه بگذراند. وی مجلهٔ «بررسی‌های تاریخی» را در سال ۱۳۴۵ تأسیس نمود که خود مدت نه سال مدیر آن بود. این مجله تا سال ۱۳۵۷ منتشر می‌شد.

قائم‌مقامی نویسندگی و تحقیق را در مجلهٔ «یادگار» و به راهنمایی عباس اقبال آغاز کرد. مقالاتی که در «یادگار» انتشار داد، همه در مسائل تاریخی و طوایف ایران است. مقاله‌های دیگر او در

مجله‌های «بررسی‌های تاریخی»، «مهر»، «سخن»، «راهنمای کتاب» و «یغما» انتشار یافته است.

قائم‌مقامی نزدیک یک سال در پرتغال و اسپانیا به تحقیق در منابع تاریخی بایگانی‌ها پرداخت و توانست مجموعه‌ای معتبر گرد آورد. وی قسمتی از آن مطالب را چاپ کرده است. یک قسمت از تحقیق قائم‌مقامی در جمع‌آوری منشأت و مکتوبات قائم‌مقام فراهانی است. وی سه مجلد از نامه‌های قائم‌مقام فراهانی را چاپ کرده است. قائم‌مقامی از محققان تاریخ قاجاریه بود.

از آثار دیگر او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***تحولات سیاسی نظام ایران از قرن یازدهم هجری تا سال ۱۳۰۱ شمسی*** (۱۳۲۶)؛ ***سفرنامهٔ درمرگان*** (۱۳۳۵)؛ ***ناسخ التواریخ*** (قسمت قاجاریه، ۱۳۳۷)؛ ***منشئات قائم‌مقام*** (۱۳۳۷)؛ ***بحرین و مسائل خلیج فارس*** (۱۳۴۱)؛ ***یک صد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی*** (۱۳۴۸)؛ ***اسناد تاریخی وقایع مشروطهٔ ایران*** (نامه‌های ظهیرالدوله)؛ ***نیم قرن تمدن و فرهنگ ایران*** (۱۳۴۹)؛ ***مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*** (۱۳۵۰)؛ ***اسناد فارسی عربی و ترکی در آرشیو پرتغال در باره هرمز و خلیج فارس*** (دو جلد، ۱۳۵۴ ــ ۱۳۵۸)؛ ***ایران امروز*** (۱۳۵۴)؛ ***تاریخ ژاندارمری ایران*** (۱۳۵۵)؛ ***نامه‌های پراکندهٔ قائم‌مقام فراهانی، بخش یکم*** (نامه‌های مربوط به جنگ‌های ایران و روسیه، ۱۳۵۷)؛ ***نامه‌های سیاسی و تاریخی سیدالوزراء قائم‌مقام فراهانی*** (در بارهٔ معاهدهٔ صلح ترکمان‌چای و غرامات آن (۱۳۵۸).

منابع: مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/ خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۴۴۶ ــ ۴۴۷. «جهانگیر قائم‌مقامی»، آینده، س. ۷، ص. ۴۰۷ ــ ۴۰۸.

۴۲۳ قریشی، مهدی

مترجم، روزنامه‌نگار

تولد ۱۳۱۲.

درگذشت ۲۶ مرداد ۱۳۶۵.

مهدی قریشی دارای مدرک کارشناسی ارشد رشتهٔ تمدن و فرهنگ دورهٔ اسلامی از دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران بود.

او خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۴ شروع کرد و به‌طور آزاد برای مطبوعات مطلب می‌نوشت. طی فعالیت مطبوعاتی خود با روزنامه‌های «اطلاعات»، «پست تهران»، مجلهٔ «سینما»، «سایه‌ها»، «ستارهٔ سینما»، «سپید و سیاه» و ماهنامهٔ «مردم» به‌عنوان نویسنده و بیشتر در زمینهٔ مسائل هنری همکاری داشت و چندی نیز سردبیر «پست تهران سینمایی» بود.

وی پس از رها کردن فعالیت مطبوعاتی به ترتیب به عنوان کارشناسِ ادارهٔ هنرهای زیبا و معاون رییس ادارهٔ هنرهای دراماتیک مشغول به کار بود. آخرین سمت او بعد از وقوع انقلاب اسلامی، مدیریت کل ادارهٔ رایزنی‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر بود. مهدی قریشی در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد.

از تألیفات او می‌توان از ترجمهٔ **پشت پردهٔ یمن رنجدیده** نام برد.

مهدی قریشی بر اثر بیماری سرطان در بیست و ششم سال ۱۳۶۵ درگذشت.

منابع: چهرهٔ مطبوعات معاصر/ غلامحسین صالحیار، ص. ۱۱۷. «درگذشت یک نویسندهٔ قدیمی مطبوعات سینمایی، مهدی قریشی»، ماهنامهٔ سینمایی فیلم، س. ۴، ش. ۴۱ (مهر ۱۳۶۵)، ص. ۱۲.

کاتبی، حسینقلی ۴۲۴

محقق، روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۹۱، مراغه.

درگذشت ۲۱ دی ۱۳۶۹، تهران.

دکتر حسینقلی کاتبی، فرزند بهجت‌الممالک (رییس ادارهٔ پست و تلگراف مراغه)، در سال ۱۳۱۶ در رشتهٔ حقوق قضایی و سیاسی از دانشگاه لیسانس گرفت و در سال ۱۳۱۸ خدمت دولتی خود را با سمت مستنطق مستقل ــ که چندی بعد بازپرس ــ نامیده شد در شهرستان خوی آغاز کرد.

نخستین مقالهٔ وی زیر عنوان «لباس وطنی» در حالی که بیش از هیجده سال نداشت، در سال ۱۳۰۹ در روزنامهٔ «تبریز» انتشار یافت. کتاب ***شکوفه‌های ادب*** مجموعه‌ای از نوشته‌های ادبی دوران دانشجویی او بود. نوشتن مقاله‌ای با عنوان «آذربایجان و وحدت ملی ایران» که در شهریور ۱۳۲۱ یعنی درست یک سال بعد از اشغال کشور در تبریز به چاپ رسید، موجب گردید که ایشان به مدت یازده ماه و یازده روز از سوی نیروی انتظامی روس‌ها، در شهرهای تبریز، اراک و رشت زندانی شود. وی در سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ سمت سردبیری مجلهٔ «ماهتاب» نشریهٔ وابسته به انجمن ادبی آذربایجان به ریاست ادیب‌السلطنه سمیعی را بر عهده داشت و از سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۱ روزنامهٔ «فریاد» (دو شماره در هفته) را که در میان روزنامه‌های آن روز شهرستان‌ها هم‌طراز با روزنامهٔ «پارس» شیراز شمرده می‌شد، مستقلاً اداره می‌کرد.

کاتبی شغل وکالت را بر خدمت بر مسند قضا ترجیح داد. ابتدا در تبریز و بعد تا سال ۱۳۶۲ در تهران به وکالت دادگستری پرداخت. حتی با همکاری دو تن از حقوقدانان به نام‌های دکتر محمد علی موحد و دکتر احمد تهرانی به تأسیس انجمنی به نام کانون مشاورهٔ حقوقی همت گماشت. او در زمینهٔ حقوق و تجارت کتاب‌های سودمندی تألیف کرد و از بدو انتشار مجلهٔ «کانون وکلا» به سردبیری محمود سرشار، از نویسندگان مقالات دایمی آن مجله بود. ضمناً در کمیسیون‌های واژه‌گزینی حقوق، اقتصاد، و بازرگانی فرهنگستان زبان تا سال ۱۳۵۷ عضویت و فعالیت داشت.

دکتر کاتبی به سرودن شعر هم علاقه‌مند بود و تخلص خود را «جوشغون» انتخاب کرد. فهرست آثار چاپ شدهٔ وی به شرح زیر است: ***سی فصل در فن انشاء*** (تبریز، ۱۳۱۷)؛ ***آذربایجان و وحدت ملی ایران*** (تبریز، ۱۳۲۱)؛ ***سبک نگارش فارسی*** (تبریز، ۱۳۲۱)؛ ***اعلان حقوق بشر*** (تبریز، ۱۳۲۲)؛ ***حق و منشاء آن*** (تبریز، ۱۳۲۳)؛ ***شکوفه‌های ادب*** (تبریز، جلد اول، ۱۳۲۶؛ جلد دوم، ۱۳۳۲)؛ ***تاریخ مختصر نثر فارسی یا نگاهی به سبک‌شناسی*** (تبریز، ۱۳۲۷)؛ ***نویسندگان بزرگ معاصر*** (تبریز، جلد اول، ۱۳۲۸؛ تهران، جلد سوم، ۱۳۵۲)؛ ***ادب و ادبیات*** (تهران، ۱۳۵۶)؛ ***وکالت، مجموعه مقالات در فن وکالت و ...*** (تهران، ۱۳۵۷)؛ ***حقوق تجارت*** (برای تدریس در دانشگاه؛ تهران، جلد اول، ۱۳۴۸؛ جلد پانزدهم، ۱۳۶۷)؛ ***عقود و تعهدات*** (تهران، ۱۳۴۹)؛ ***حقوق و صنعت*** (به زبان فارسی و فرانسوی؛ تهران، ۱۳۵۹)؛ ***از لیبرالیسم تا سوسیالیسم*** (تهران، ۱۳۵۸)؛ ***فرهنگ حقوق*** (فرانسه به فارسی، تهران، جلد اول، ۱۳۳۷؛ جلد دوم، ۱۳۶۳)؛ ***زبان باستانی آذربایجان*** (تهران، ۱۳۶۳)؛ ***سلام به شهریار عزیز*** (تهران، ۱۳۴۳)؛ ***آذربایجان تابلوسی*** (تهران، ۱۳۵۸)؛ ***زبان‌های باستانی آذربایجان*** (این تحقیق در ***ناموارهٔ دکتر محمود افشار*** به‌صورت کتابی مستقل در ۱۳۵۹ به چاپ رسید).

منابع: «دکتر حسینقلی کاتبی»، آینده، س ۱۷، ص ۱۹۳ ــ ۱۹۵. ***کتابشناسی آذربایجان***/ ناهید حبیبی آزاد.

۴۲۵ کردبچه، حسین

روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۹۹.

درگذشت ۲۷ تیر ۱۳۶۷.

مهندس حسین کردبچه رشتهٔ شیمی را در دانشگاه تهران به پایان رسانید. وی چون علاقه به نویسندگی و ترجمه داشت، در روزنامهٔ «اطلاعات» به ترجمه و نویسندگی پرداخت و بیشتر مقاله‌ها و کتاب‌های تاریخی را از آلمانی و انگلیسی بهٔ فارسی برمی‌گرداند که در انتشارات اطلاعات چاپ می‌شد. وی در مدتی بیش از چهل سال در روزنامهٔ «اطلاعات» قلم می‌زد.

مهندس کردبچه مدت ده سال سردبیر روزنامهٔ «اطلاعات» و بیش‌تر از آن سردبیر «اطلاعات هفتگی» بود. دو جلد سفرنامهٔ ***سه سال در دربار صاحبقران*** (اثر هنریش کارل بورکشن، نام دیگر ***سفری به دربار سلطان صاحبقران***؛ ۱۳۶۷) و ***ایران و ایرانیان*** که قبلاً در روزنامهٔ «اطلاعات» چاپ شده بودند، به صورت کتاب نیز منتشر شد. از آثار چاپ شدهٔ دیگرش ***اصفهان خونین‌شاه صفی*** است.

منابع: نراقی، مهدی، «مهندس حسین کردبچه»، آینده، س. ۱۵، ص. ۱۳۹ ــ ۱۴۰. ***کتابشناسی آذربایجان***/ ناهید حبیبی آزاد.

۴۲۶ کریمان، حسین

محقق، استاد

تولد ۱۷ آبان ۱۲۹۲، حومهٔ تهران (رودبار قصران).

درگذشت ۳۰ آذر ۱۳۷۲.

حسین کریمان دارای کارشناسی در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشسرای‌عالی در سال ۱۳۳۲ بود. در سال ۱۳۲۴ برای فراگیری علوم دینی و معارف اسلامی به قم مهاجرت نمود. در سال ۱۳۳۵ در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران موفق به اخذ درجهٔ دکتری گردید.

از آن پس به تدریس و تحقیق در دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی پرداخت. در سال ۱۳۴۲ به کسب درجهٔ دانشیاری و در سال ۱۳۴۶ به مقام استادی رسید.

اهم تألیفات وی به شرح زیر است: ***فرهنگ‌نویسی در ایران و فرهنگ‌هایی که تاکنون نوشته شده است*** (۱۳۲۱-۱۳۲۲)؛ ***قم را بشناسید*** (۱۳۲۸) ؛ ***طبرسی و مجمع‌البیان***؛ ***ری باستان***؛ ***برخی از آثار بازمانده از ری قدیم*** (۱۳۵۰)؛ ***تهران در گذشته و حال*** (۱۳۵۵)؛ ***قصران*** (۱۳۵۶)؛ ***سیره و قیام زید بن علی*** (۱۳۶۴، این کتاب در چهارمین دورهٔ کتاب سال به عنوان کتاب برگزیده در رشتهٔ تاریخ اسلام انتخاب شد)؛ تصحیح و تعلیق ***دیوان شمس*** به اتفاق دکتر یزدگردی و با اشرف فروزانفر.

حسین کریمان در سن هشتاد سالگی به سبب سکتهٔ قلبی درگذشت.

منابع: ***نامهٔ کریمان، یادمان شادروان دکتر حسین کریمان*** (این کتاب شمارهٔ مخصوص پژوهشنامهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی است). «گزارش مراسم بزرگداشت زنده‌یاد دکتر حسین کریمان»، گزارشنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ش. ۱۵ (بهمن و اسفند ۱۳۷۵)، ص. ۱۹ ــ ۲۳.

۴۲۷ کریم‌پور، کریم

استاد، محقق

تولد ۱۳۱۵، چهارمحال بختیاری.

درگذشت ۱۳۶۳، فرانسه.

کریم کریم‌پور پس از طی دوران تحصیلی ابتدایی و دبیرستان در شهرکرد و اصفهان، لیسانس ادبیات

فارسی را از دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران گرفت و سپس برای ادامهٔ تحصیلات خود به خارج از کشور رفت و با اقامت پنج سال در انگلستان و سه سال در فرانسه دکترایِ تاریخ سیاسی را از دانشگاه سُربُن پاریس دریافت کرد و به ایران مراجعت نمود و نزدیک به دوازده سال در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به تدریس اشتغال داشت. آخرین سمت اداری او مدیر کل مطبوعات کشور بوده است.

وی علاوه بر زبان فارسی به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، عربی، آلمانی و اردو تسلط کامل داشت و مقالاتی به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی تحت عنوان «برداشتی تازه از سلسلهٔ صفویه و علل زوال آن سلسله» به رشتهٔ تحریر درآورده است که در مراجع مختلف دانشگاهی مورد توجه و استناد قرار گرفته‌اند.

کریم کریم‌پور در سال ۱۳۶۳ برای ادامهٔ تحقیقات علمی و دیدار خانواده‌اش به فرانسه رفت که در آن کشور دچار حادثه شد و زندگی را به درود گفت.

منبع: «به یاد یار، کریم کریم‌پور درگذشت»، دنیای سخن، ش. ۵۵ (خرداد و تیر ۱۳۷۲)، ص. ۵۸.

محقق، مؤلف

درگذشت اردیبهشت ۱۳۶۲.

بهمن کریمی، فرزند عبدالله میرزا، تحصیلات خود را در رشتهٔ تاریخ و جغرافیا انجام داد و سپس به تدریس پرداخت و سال‌های دراز در دبیرستان‌ها این خدمت را بر عهده داشت و در سمت‌های اداری هم در وزارت فرهنگ مشغول به کار بود.

فهرست تألیفات او به شرح زیر است: ***جامع التواریخ*** (اثر رشیدالدین فضل‌الله دو جلد، تهران، ۱۳۳۸)؛ ***تاریخ نیشابور*** (تهران، ۱۳۴۰)؛ ***شیرازنامه*** (تهران، ۱۳۱۵)؛ ***نظام التواریخ*** (قاضی بیضاوی، تهران، ۱۳۱۳)؛ ***ذیل ظفرنامه نظام الدین شامی*** (تهران، ۱۳۲۸)؛ ***یزدان شناخت*** (منسوب به عین‌القضاة، تهران، ۱۳۲۷)؛ ***معراج‌نامه*** (ابن سینا، رشت، ۱۳۱۲)؛ ***رسائل ملاحسن فیض*** (نه رساله)؛ ***جغرافیای تاریخی مفصل غرب ایران*** (تهران، ۱۳۱۶)؛ ***راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران*** (مختصری در باب طوایف، عشایر و آداب و اخلاق آنها؛ تهران، ۱۳۲۹)؛ ***راهنمای آثار تاریخی شیراز*** (۱۳۲۷)؛ ***خرابه‌های ری*** (۱۳۳۵)؛ ***میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام؛ آمریکا و تعلیم و تربیت***.

بهمن کریمی از زمرهٔ مؤلفان کتاب‌های درسی ***تاریخ و جغرافیا*** برای دوره‌های دبیرستانی بود و در این زمینه بیش از بیست تألیف مشترک با همکاران مؤلف خود داشت.

منبع: «بهمن کریمی»، آینده، س. ۹، ص. ۴۸۷ (در منبع آمده است که فهرست تألیفات وی بر اساس آنچه که آقای رضاقلی ساور (شهرام) تهیه کرده‌اند و با تلفیق با آنچه د. فهر خانبابا مشار ضبط گردیده، تنظیم شده است).

نویسنده، محقق، مترجم

تولد ۱۲۷۹، رشت.

درگذشت ۱۸ آذر ۱۳۶۵، تهران.

کریم کشاورز در مدرسهٔ کشاورزی رشت و بعدها در آلیانس فرانسه در تهران تحصیل کرد. وی فعالیت فرهنگی خود را با مقاله‌نویسی در روزنامه‌های رشت آغاز کرد و توانست در آن شهر انجمن فرهنگ رشت را دایر کند. احاطهٔ اصلی کشاورز به زبان روسی و فرانسوی بود. علاوه بر این به زبان گیلکی، ترکی،

انگلیسی و عربی آشنایی داشت. کشاورز بیش از هفتاد سال از عمر خود را به ترجمه و تألیف گذرانید و اصولاً گذران زندگی او از این راه بود.

کریم کشاورز از اعضای هیئت رئیسه «نخستین کنگرهٔ نویسندگان ایران» بود. داستان‌های مجموعهٔ ***فی مدة المعلوم*** (۱۳۵۵) حاصل دوران تبعید او در یزد (در سال‌های آخر حکومت رضا شاه) است. از آثار ترجمه اوست: ***آبیاری در ترکستان*** (بارتولد، ۱۳۵۰)؛ ***آشغالدونی*** (کارولینا ماریادژروس، ۱۳۵۱)؛ ***اِشکانیان*** (دیاکونوف، ۱۳۴۴)؛ ***افسانه‌های کردی*** (رودنکو، ۱۳۵۲)؛ ***امضای مرموز*** (ژرژ سیمنون، ۱۳۴۱)؛ ***باران سیاه*** (ماسودزی ایبوسه، ۱۳۵۶)؛ ***بازی مرگ*** (استانلی گاردنر، ۱۳۴۲)؛ ***بلا*** (میخائیل لرمانتوف، ۱۳۲۵)؛ ***تاریخ ماد*** (ایگور میخائیلوویچ دیاکونوف، ۱۳۴۵)؛ ***تاریکی گرتلی*** (پریستلی، ۱۳۲۴)؛ ***حسن صباح*** (برای نوجوانان؛ ۱۳۴۵)؛ ***چهارده ماه در خارک*** (۱۳۶۳)؛ ***خاطرات جنگ*** (شارل دوگل، ۱۳۴۲)؛ ***دشمنان*** (ماکسیم گورکی، ۱۳۲۶)؛ ***دوبروسکی*** (پوشکین، ۱۳۲۴)؛ ***دوران کودکی*** (ماکسیم گورکی، ۱۳۳۰)؛ ***رسالهٔ سلطانعلی مشهدی در خوشنویسی*** (۱۳۵۶)؛ ***روستائیان، روشنی‌ها، داستان مرد ناشناس*** (چخوف، ۱۳۲۳)؛ ***زارع شیکاگو*** (مارک تواین، از متن ترجمه‌شدهٔ فرانسه، ۱۳۲۹)؛ ***شبی در چهارراه*** (ژرژ سیمنون، ۱۳۴۱)؛ ***شهریار کوهسار*** (ادمون آبو، ۱۳۴۳)؛ ***عشق بی‌پیرایه*** (وانداوسیلوسکایا، ۱۳۴۶)؛ ***قربانعلی بک و نه داستان دیگر*** (محمد قلی‌زاده، ۱۳۵۵)؛ ***قهرمان دوران*** (میخائیل لرمانتوف، ۱۳۳۱)؛ ***کار دو طناب*** (ژرژ سیمنون، ۱۳۴۲)؛ ***کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران در عهد مغول*** (ایلیا پاولوویچ پطروشفسکی، ۱۳۴۱)؛ ***کودکی، نوباوگی، جوانی*** (تولستوی، ۱۳۴۵)؛ ***گزیدهٔ مقالات تحقیقی*** (بارتولد، ۱۳۵۸)؛ ***گیلان*** (برای جوانان، ۱۳۴۷)؛ ***لبخند بخت*** (گی دوموپاسان، ۱۳۴۱)؛ ***لنین*** (ماکسیم گورکی، ۱۳۲۳)؛ ***مقدمهٔ فقه اللغه ایرانی*** (ارانسکی، ۱۳۵۸)؛ ***موژیک‌ها*** (آنتوان پاولوویچ چخوف، ۱۳۲۳)؛ ***موضوع روسیه*** (کنستانتین سیمونوف، ۱۳۲۶)؛ ***نهضت سربداران در خراسان*** (پطروشفسکی، ۱۳۴۱)؛ ***وجدان گمشده*** (ترجمه داستان‌هایی از روسی، ۱۳۵۵)؛ ***هزار سال نثر فارسی*** (پنج جلد، ۱۳۴۵)؛ ***یادداشت‌های حسنک یزدی در سفر گیلان*** (۱۳۵۰).

منابع: فرهنگ داستان‌نویسان ایران/ حسن عابدینی، ص. ۱۳۰ـ۱۳۱. *کتابشناسی آذربایجان/* ناهید حبیبی آزاد. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/* خانبابا مشار، جلد پنجم، ص. ۷۱ ــ ۷۳. «فهرست تألیفات کریم کشاورز»، آینده، س. ۱۲، ص. ۸۳۰ ــ ۸۳۱. کیهان سال، دورهٔ جدید، ش. ۲۰، ج. ۱، بخش هنر و ادبیات، ص. ۲۴.

۴۳۰ کمالی‌نیا، محمد تقی

محقق

تولد ۱۳۲۳، قوچان.

درگذشت ۱ تیر ۱۳۶۰، تهران.

محمد تقی کمالی‌نیا فرزند غلامحسین تا سطح مقدمات به تحصیل حوزوی پرداخت. وی دارای مدرک فوق‌لیسانس فقه و مبانی حقوق اسلام از دانشکدهٔ ادبیات بود. ابتدا در دبیرستان‌ها تدریس می‌کرد. مدتی در راه‌آهن کارشناس امور اداری بود. سپس به وکالت در دادگستری پرداخت. بعد از انقلاب بازپرس دادسرای انقلاب اسلامی شد. در اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی نیز نمایندهٔ مردم قوچان بود.

از آثار اوست: ***اساسی‌ترین نیاز عصر ما***؛ ترجمهٔ ***ریشه‌های ضعف و عقب‌ماندگی مسلمین***؛ ترجمهٔ ***خدیجهٔ کبری***؛ مقالاتی هم در «مکتب اسلام» و روزنامه‌های منتشر شده پس از انقلاب اسلامی داشت.

کمالی‌نیا بر اثر سقوط آوار در گذشت و پیکر وی

در بهشت زهرا تهران به خاک سپرده شد.

منبع: نگرشی به اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی/ ص. ۳۳۰.

۴۳۱ کی، محمود

محقق

تولد ۱۲۹۹، تبریز.
درگذشت ۱۳۶۶، پاریس.(۱)

محمود کی از خاندان قائم مقام و جد بزرگ او یوسف صدرالاشرف برادرزادهٔ میرزا جعفرخان مشیرالدوله (مهندس باشی) بود. محمود کی در دبیرستان نظام و دانشکدهٔ افسری تحصیل کرد و به درجهٔ سرلشگری رسید. چهار سال وابستهٔ نظامی ایران در فرانسه بود. مدتی به تربت حیدریه تبعید شد. سرانجام در سال ۱۳۵۴ بازنشسته گردید. اهل قلم بود و به شعر و ادبیات و تاریخ علاقه داشت.

ترجمه‌های او ***سرگذشت مارشال نی***؛ ***یادداشت‌های ناپلئون جوان***؛ ***هنر جنگ*** اثر سون تزو است. مقالهٔ «نامه‌های وزیر مختار ایران در فرانسه به وزیر امور خارجه در زمان ناصرالدین شاه» در مجلهٔ «بررسی‌های تاریخی» منتشر شد. از آثار چاپ نشدهٔ او کتابی است به نام ***شاه مهبولستان*** اثر ژاک دمورگان باستان‌شناس فرانسوی. دمورگان این کتاب را با نام مستعار قره‌گوز افندی انتشار داده بود. این کتاب قرینه‌گونه‌ای است به کتاب معروف ***حاجی‌بابا اصفهانی*** جیمز موریه.

منبع: انوری، حسن، «محمود کی»، آینده، س. ۱۴، ص. ۴۰۲ـ۴۰۳.

۴۳۲ کی‌نیا، مهدی

استاد

تولد ۱۲۹۷، بابل.
درگذشت تیر ۱۳۷۴.

مهدی کی‌نیا، فرزند سید تقی اخوان نیاکی، تحصیلات ابتدایی را در دبستان نصرت پهلوی (آمل) و متوسطه را در دبیرستان شاهپور (بابل) گذراند. در سال ۱۳۱۹ از دانشسرای عالی لیسانس ریاضی گرفت اما از تحصیل باز نایستاد و در ۱۳۲۸ از دانشکدهٔ حقوق لیسانس قضایی گرفت، بعد برای ادامهٔ تحصیل به فرانسه رفت و پس از اخذ دکتری در حقوق قضایی در سال ۱۳۳۴ به ایران بازگشت.

زندگی شغلی مهدی کی‌نیا از دبیری دبیرستان‌ها آغاز شد. وی در مشاغل دیگری نظیر ریاست دبیرستان، نمایندگی فرهنگ، معاونت و ریاست ادارهٔ کارگزینی نیز فعالیت نمود. وی سرانجام به تدریس در دانشگاه پرداخت. مدتی نیز ریاست کتابخانهٔ دانشکدهٔ داروسازی را به عهده داشت. وی استاد دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی بود و همچنین مدتی عضو حزب ملیون و نیز عضو کانون مدیریت و جمعیت اتفاق ملی بود.

دکتر کی‌نیا صاحب تألیفات متعدد در رشته‌های مختلف حقوق به‌ویژه جرم‌شناسی است. او همچنین چندین کتاب حقوقی و جرم‌شناسی از زبان فرانسوی به فارسی ترجمه کرده است. دکتر کی‌نیا چندین سال در سمت مشاور حقوقی با مرکز نشر دانشگاهی همکاری داشت. از جمله آثار او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***علوم جنایی*** (دو جلد، ۱۳۴۵)؛ ***جامعه‌شناسی جنایی*** (۱۳۴۶)؛ ***مقررات استخدامی و مالی دانشگاه*** (۱۳۳۵، نشریهٔ شمارهٔ ۳۲۹ دانشگاه)؛

---

۱. تاریخ تولد محمود کی در *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* ۱۲۹۸ و تاریخ درگذشت وی ۱۳۶۲ درج شده است.

جرایم کارکنان دولت (فرانسه)؛ ***تفریحات علمی؛ مقدمهٔ حقوق بین‌الملل عمومی؛ حقوق معماری؛ تئوری کیفرها؛ پلیس جنایی.*** دکتر کی‌نیا همچنین مقالاتی در ماهنامه‌های «مکتب مام» و «جوانان» در خصوص جوانان نوشته است.

منابع: «دکتر مهدی کی‌نیا درگذشت»، نشر دانش، س. ۱۵، ش. ۴ (خرداد و تیر ۱۳۷۴)، ص. ۷۳. *کتابشناسی جوانان* / مریم رعیت‌آبادی، شهرزاد طاهری لطفی، نوشین عمرانی. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۴۲۹. *چهره‌های آشنا* / حسین قریشی، ص. ۴۹۸ ـ ۴۹۹.

۴۳۳ محمودی نوبر، محمود

مؤلف

تولد ۱۳۰۴، تبریز.

درگذشت ۲۷ دی ۱۳۷۲.

محمود محمودی نوبر، فرزند ربیع محمودی نوبر، از فضلا و خوشنویسان تبریز، نوهٔ محمود خان مستوفی والی تبریز مشهور به عماد الکتّاب بود. محمودی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر تبریز تمام کرد و سپس تحصیلات عالی خود را در رشتهٔ زبان و ادبیات فرانسه و انگلیسی در تهران ادامه داد. پس از دریافت مدرک لیسانس به تحصیل در رشتهٔ فلسفه و علوم تربیتی پرداخت و تا درجهٔ فوق‌لیسانس پیش رفت. پس از فراغت از تحصیل با سمت‌های مختلف در وزارت فرهنگ به تعلیم و تربیت نسل جوان پرداخت. پس از انتقال به تهران، علاوه بر تدریس و تعلیم و سایر فعالیت‌های فرهنگی، معاونت ادارهٔ کل نگارش وزارت فرهنگ را به عهده گرفت. در آن زمان ماهنامهٔ «آموزش و پرورش» و مجلهٔ «دانش‌آموز»، همراه با کتاب‌های ساده‌ای چون ***خواندنی‌ها*** و ***سرگرمی‌ها*** انتشار یافت. پس از تأسیس مرکز انتشارات آموزشی در سال ۱۳۴۴، سردبیر مجلهٔ «پیک معلم» و عضو شورای نویسندگان مجله‌های «پیک» شد و تا سال ۱۳۵۸ به کار خود ادامه داد. او در کار تهیه و تدوین دائرةالمعارف فارسی از همکاران دکتر غلامحسین مصاحب بود. کتاب ***درس معلم دانا*** که در سال ۱۳۴۴ انتشار یافت، نمونه‌ای از ترجمه‌های این دوران است. محمود محمودی از سال ۱۳۶۰ همراه ایرج جهانشاهی، هوشنگ شریف‌زاده و اسماعیل سعادت به طرح ***فرهنگنامهٔ کودکان و نوجوانان*** که مقدمات آن را در شورای کتاب کودک فراهم آورده بود پیوست. او گام به گام در شکل دادن به کار تدوین این فرهنگنامه در شورای ویراستاران همکاری کرد. نوشتن مقاله‌های آزمایشی را به عهده گرفت و به عنوان یکی از مسئولان در ویرایش یکایک مقاله‌ها شرکت داشت. از سال ۱۳۷۰ محمود محمودی سرویراستار فرهنگنامه بود و همهٔ جنبه‌های کار فرهنگنامه را زیرنظر گرفت و تا آخرین روز زندگی ادامه داد. او در همین مدت به چند کار اساسی دیگر نیز دست زد. همکاری در ترجمه و ویرایش مجموعهٔ ***نگاهی به تاریخ علم برای نوجوانان*** (نوشتهٔ آیزاک آسیموف، بیش از بیست جلد) است. کتاب‌های ***الکتریسیته***، ***انرژی هسته‌ای***، ***دینوزورها***، ***قارهٔ قطب جنوب***، ***نفت و زغال سنگ*** ترجمهٔ محمود محمودی است. کار دیگر او همکاری در ترجمه فرهنگ آثار بوده است؛ ویرایش چندین کتاب از جمله ***درون جهان سوم*** اثر پل هریسون، ترجمهٔ کتاب ***بخار*** اثر ریچارد. ن. فُرای، ***قاهره شهر هنر و تجارت***، اثر گاستون بیت از او بوده است.

محمود محمودی نوبر به دنبال عارضهٔ قلبی چشم از جهان فرو بست.

منبع: میرهادی، توران، «به یاد همکاری عالم و فروتن»، نگاه نو، ش. ۱۸ (بهمن و اسفند ۱۳۷۲)، ص. ۲۳۷.

۴۳۴ مدرسی چهاردهی، مرتضی

محقق

تولد ۱۲۹۰، نجف.[۱]

درگذشت اسفند ۱۳۷۵، تهران.

مرتضی مدرسی چهاردهی فرزند شیخ محمد مشهور به آیت‌الله‌زادهٔ چهاردهی در رشتهٔ فلسفه از دانشکدهٔ ادبیات درجهٔ لیسانس داشت و در علوم مذهبی نیز از حوزهٔ علمیهٔ نجف اشرف درجهٔ اجتهاد گرفته بود. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۱۵ آغاز کرد و با جراید و مجلات کشور از جمله «ارمغان»، «وحید»، «بررسی‌های تاریخی»، روزنامهٔ «پارس» و «مهر ایران» همکاری داشت و مدت‌ها رییس ادارهٔ کل مطبوعات وزارت کشور و نیز از اساتید دانشگاه تهران بود. وی همچنین به دریافت نشان درجهٔ پنجم تاج نایل آمد. نزدیک به بیست جلد کتاب تألیف دارد که چند جلد آن در بارهٔ سید جمال‌الدین اسدآبادی است. از جمله آثار وی است: ***آراء و معتقدات سید جمال‌الدین افغانی*** (۱۳۳۷)؛ ***تاریخ فلاسفهٔ اسلام*** (دو جلد، ۱۳۳۵ ـ ۱۳۳۷)؛ ***خاطرات سید جمال‌الدین افغانی*** (محمد پاشا مخزومی، ۱۳۲۸)؛ ***دانشنامه، مجموعهٔ مقالات و رسالات*** (شرح حال و آثار شیخ احمد احسائی به قلم مدرسی؛ قسمتی از شرح حال صاحب ابن عباد به قلم احمد بهمنیار)؛ ***زندگانی و فلسفهٔ اجتماعی و سیاسی سید جمال‌الدین افغانی*** (۱۳۳۴)؛ ***زندگانی و فلسفهٔ حاج ملاهادی سبزواری*** (۱۳۳۴)؛ ***سیاست‌نامه*** (از خواجه نظام‌الملک، از روی چاپ شفر، با یادداشت‌های محمد قزوینی، ۱۳۳۴)؛ ***سیمای بزرگان*** (شرح حال چهارده نفر؛ ۱۳۳۵)؛ ***شیخ احمد احسائی، شرح حال*** (۱۳۳۴)؛ ***شیخیگری و بابیگری از نظر فلسفهٔ تاریخ و اجتماع*** (۱۳۴۵)؛ ***صغری و کبری*** (از میر سید شریف جرجانی)؛ ***مثنوی هفت اورنگ جامی*** (۱۳۳۸)؛ ترجمهٔ ***مصائب النواصب*** (از قاضی نورالله شوشتری)؛ تصحیح ***معالم الاصول*** (ترجمهٔ آقا هادی مازندرانی)؛ ***نقش ایران در جهان عرب و بین‌النهرین***. آخرین اثر استاد مدرسی نوشته‌ای است که به‌عنوان مقالهٔ برتر هشتمین اجلاس وحدت اسلامی در سنندج برگزار شد.

استاد نورالدین مدرسی چهاردهی در سن هفتاد و پنج سالگی دار فانی را وداع گفت.

منابع: «مرتضی مدرسی چهاردهی»، آینده، س. ۱۳، ص. ۱۹۷ ـ ۱۹۸. ***چهرهٔ مطبوعات معاصر***/ غلامحسین صالحیار، ص. ۱۲۸. ***رجال قم و بحثی در تاریخ آن***/ سید محمد مقدس‌زاده، ص. الف. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۱۴۷ ـ ۱۴۹.

۴۳۵ مدنی، سید حسین

مترجم، روزنامه‌نگار، مؤلف

تولد ۱۲۶۰، همدان.[۲]

درگذشت ۱۳۶۷، همدان.

سیدحسین مدنی معروف به مترجم نظام، و از مجاهدان صدر مشروطیت فرزند دقیق‌الاشراف کردستانی، فارغ‌التحصیل دارالفنون بود. وی نخستین دانشجوی ایرانی است که با تصویب مجلس شورای ملی و به پاس خدمات مشروطه‌خواهی به آمریکا رفت و در دانشگاه والنارزو (در ایندیانا) تحصیل نمود. راز اولین رؤسای معارف همدان و نویسنده و مترجم صاحب اثر است.

مدتی روزنامهٔ «نجات ایران» را انتشار می‌داد و سپس به انتشار نشریات دیگری نظیر «جمالیه»، «پایتخت»، «اکباتان» و «مدنیت» دست زد. آثار و مقالات وی در جراید مذکور و نشریات دیگر درج

---

۱. در کتاب ***چهرهٔ مطبوعات معاصر*** تاریخ تولد وی ۱۳۰۰ آمده است.

۲. در برخی از منابع تاریخ تولد وی ۱۲۴۹ ذکر شده است.

شده است. از وزارت علوم به دریافت نشان علمی نایل آمده و در زمانی که ریاست دارالترجمه وزارت فرهنگ را برای مدتی طولانی عهده‌دار بود به کار ترجمهٔ آثار نویسندگانی چون گوستاو لوبون مشغول بود. مترجم نظام شعر هم می‌سرود و برای اغلب امور جاری و مطالب عادی و غیرعادی ماده تاریخ ساخته است (به این جهت نزد برخی به سازندهٔ مادهٔ تاریخ معروف است). اشعار وی بالغ به چند هزار بیت است که بیشتر به امور جاری و مسائل سیاسی می‌پردازد.

از فعالیت‌های دیگر وی تأسیس یتیم‌خانه‌ای در همدان و ایجاد مدرسه و کتابخانه در یزد و تشکیل انجمن‌های دینی و تبلیغ اسلامی است.

منابع: بزرگان و سخن‌سرایان همدان، جلد دوم/ دکتر مهدی درخشان، ص. ۳۹۴ـ۳۹۵. *مختصری پیرامون مشاهیر فرهنگی استان همدان/* ادارهٔ کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان. *چهرهٔ مطبوعات معاصر/* غلامحسین صالحیار، ص. ۳۷.

مترجم، مؤلف

تولد ۱۳۲۲ (دی)، رشت.

درگذشت اسفند ۱۳۶۵، آلمان.

دکتر رضا مدنی مقدم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را تا سال پنجم در شهر رشت گذراند. پس از اخذ دیپلم به سال ۱۳۴۲ در تهران، چهار سال به شغل آموزگاری در شهریار و اطراف کرج پرداخت. در سال ۱۳۴۷ به آلمان سفر کرد و در دانشگاه اشتوتگارت به تحصیل پرداخت. در سال ۱۹۷۹ به اخذ درجهٔ فوق لیسانس و مهندسی در رشتهٔ معماری نایل آمد و در ژوئیهٔ ۱۹۸۵ موفق به گذراندن درجهٔ دکترای معماری از دانشگاه مزبور گردید و کمی بعد به عنوان استادیار دانشکدهٔ معماری آن دانشگاه برگزیده شد.

تخصص وی گرچه در رشتهٔ معماری و مهندسی ساختمان بود اما به سبب علاقه‌اش به ایران و گیلان اوقات فراغت را به پژوهش و ترجمه و نگارش در زمینهٔ ایرانشناسی مشغول بود. از جمله عنوان‌هایی که از وی به چاپ رسیده است می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ***فرمانروایان گیلان*** (مجموعه چهار گفتار پیرامون تاریخ و جغرافیای گیلان، تألیف هـل. رابینو با همکاری م.پ.جکتاجی، رشت، ۱۳۶۴)؛ کتابی در بارهٔ معماری بومی گیلان به زبان آلمانی (این کتاب در واقع پایان‌نامهٔ دکترای وی بوده است که در اشتوتگارت به سال ۱۹۸۶ منتشر شد)؛ مقاله‌هایی که در ***یادگارنامهٔ ابراهیم فخرایی*** (تهران، ۱۳۶۳) و مجلهٔ «آینده» به چاپ رسیده است.

منابع: جکتاجی، م.پ.، «دکتر رضا مدنی»، آینده، س. ۱۳، ص. ۵۳۴ـ۵۳۵. میرمدنی، حمید، «دکتر رضا مدنی»، آینده، س. ۱۴، ص. ۸۲ـ۸۳.

محقق

تولد ۱۲۷۹، تهران.

درگذشت ۲۹ شهریور ۱۳۵۹.

خانبابا مشار پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه به خدمت وزارت دارایی درآمد و در ضمن نزد استادان وقت به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. در وزارت دارایی در ادارات تحدید کل و کارگزینی و مالیات بر درآمد و کلاس مالی عهده‌دار خدمت بود. پس از بیست و یک سال خدمت دولتی به میل خود بازنشسته شد و به امور کشاورزی پرداخت.

اثر برجستهٔ او ***مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی از آغاز چاپ تاکنون*** (شش جلد، ۱۳۴۰ـ۱۳۴۴) نام دارد. این کتاب در واقع ترکیبی است از دو کتاب

فهرست کتاب‌های چاپی فارسی و ***فهرست کتاب‌های چاپی عربی ایران از آغاز چاپ تا کنون*** است. وی همچنین یک متن قدیمی دینی را هم تصحیح کرد که ***الفصول المختاره من العیون و المحاسن معروف بمجالس*** (مجالس در مناظرات) تألیف شیخ مفید و ترجمهٔ آقا جمال خوانساری (تهران، ۱۳۳۹) است. این کتاب در سال ۱۳۶۳ به چاپ رسید.

منبع: «خانبابا مشار»، آینده، س. ۵، ص. ۹۱۲ ـ ۹۱۵.

مشکوة، سید محمد ۴۳۸

نسخه‌شناس

تولد ۱۳۱۹ ق. بیرجند.

درگذشت ۲ مهر ۱۳۵۹.

سید محمد مشکوة از مردم بیرجند و طلبهٔ درس خوانده در بیرجند (مدرسهٔ معصومیه) و قائن و مشهد بود. در اسفند ۱۲۹۹ به تهران آمد. وی توانست به استادی دانشگاه برسد و به تدریس فقه اسلامی بپردازد. از این رشته، تقریراتی از وی به چاپ رسیده است که جنبهٔ درسی داشت. مشکوة به‌جز تدریس در دانشگاه در مدرسهٔ عالی سپهسالار نیز به تدریس فلسفه اشتغال داشت.

مشکوة نزد عده‌ای از علمای زمان و اساتید حوزه‌های علمی مشهد و تهران درس خواند و به اخذ درجهٔ اجتهادی از آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله ضیاءالدین عراقی و آیت‌الله سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای و آیت‌الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی نایل شد. اما شهرت علمی او در معرفت کتابشناسی اوست. وی در سال ۱۳۳۹ کتب خطی کتابخانهٔ خود را به دانشگاه تهران بخشید و پایهٔ کتابخانهٔ مرکزی با این مجموعه گذاشته شد. ***فهرست کتابخانهٔ مشکوة*** در هفت جلد انتشار یافت (دو جلد توسط احمد منزوی و هفت جلد توسط محمد تقی دانش‌پژوه). از آثار اوست: ***کلمة التوحید لرفع الترديد*** (۱۳۰۵)؛ ***مشکوة الاسرار فی حل عقد الاسفار*** (۱۳۰۵)؛ ***روانشناسی*** (ترجمه رسالهٔ عشق ابن سینا؛ ترجمهٔ ضیاءالدین دری، تصحیح میرزا محمود شهابی، ۱۳۱۵)؛ ***الوجیزه*** (در درایة، از شیخ بهایی، ۱۳۱۶)؛ ***رگ‌شناسی یا رساله در نبض*** (ابن سینا، ۱۳۱۷)؛ ***فوائد الدرية*** (شامل چند رساله از ابن سینا، ۱۳۱۸)؛ ***درة الاخبار و لمعة الانوار*** (ترجمه تتمهٔ صوان الحکمة، ضمیمهٔ «مهر» سال پنجم، ۱۳۱۸)؛ ***وصیت‌نامهٔ محمد باقر مجلسی*** (ضمیمهٔ سالنامه، ۱۳۲۳)؛ ***درة التاج لغرة الدباج*** (تألیف قطب‌الدین شیرازی، جلد اول، ۱۳۲۰)؛ ***دانشنامه*** (قسمت طبیعیات، از ابن سینا، ۱۳۳۰)؛ ***دانشنامه*** (قسمت منطق، از ابن سینا، ۱۳۳۱)؛ بیع (از کتاب شرایع، ۱۳۳۲)؛ ***نمونهٔ مختصری از غزل و مثنوی و رباعی*** (گردآورنده اکرم مهین، به همت سید محمد مشکوة، ۱۳۳۶)؛ ***ارسطاطالیس حکیم، نخستین مقالهٔ مابعدالطبیعه موسوم به مقالة الالف الصغری*** (ترجمهٔ اسحق بن حنین با تفسیر یحیی بن عدی و تفسیر ابن رشد با تفسیر و تحقیق و مقدمه و ترجمهٔ سید محمد مشکوة، ۱۳۴۶)؛ ***فعلیت و امکان در عقد وضع و آراء فارابی و ابن سینا*** (۱۳۵۶).

منبع: «سید محمد مشکوة»، آینده، س. ۵، ص. ۹۱۸ ـ ۹۲۱.

مصطفوی، رحمت‌الله ۴۳۹

نویسنده، مترجم، روزنامه‌نگار

تولد ۱۲۹۹.[1]

درگذشت اردیبهشت ۱۳۶۴.

---

۱. در ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد وی ۱۲۹۸ آمده است.

رحمت‌الله مصطفوی، فرزند مصطفی، در کالج آمریکایی و سپس دارالفنون به تحصیل پرداخت. وی فارغ‌التحصیل رشتهٔ حقوق از دانشگاه تهران است و در رشتهٔ حقوق بین‌الملل و اقتصاد نیز از دانشگاه پاریس دکتری گرفته است. خدمت مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۲ با انتشار مجلهٔ «روشنفکر» آغاز کرده و مدت‌ها نیز معاون رادیو تهران، معاون خبرگزاری پارس و رییس ادارهٔ اطلاعات و مطبوعات وزارت امور خارجه بوده است. وی همچنین به دریافت نشان‌های همایون، تاجگذاری و جشن شاهنشاهی نایل آمده است. از آثار اوست: ***آذر*** (با مشارکت هاشمی)؛ ***انگلستان چگونه اداره می‌شود*** (ماک کالم)؛ ***رنگین کمان*** (۱۳۲۰)؛ ***خطاء؛ طهران دمکرات*** (۱۳۲۱)؛ ***غریبه*** (آلبر کامو)؛ ***لندن بزرگترین شهر دنیا*** (اثر ف. ه. لی)؛ ***معشوقه و دوست*** (۱۳۲۸).

*منابع: **چهرهٔ مطبوعات معاصر**/ غلامحسین صالحیار، ص ۴۰. **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/ خانبابا مشار، جلد سوم، ص ۱۰۹ ـ ۱۰۰. «رحمت مصطفوی»، آینده، س ۱۱، ص ۷۳۸.*

استاد، محقق

تولد ۱۳۰۱، روستای طرق (استان خراسان).
درگذشت ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۸.

سید جواد مصطفوی، فرزند سید محسن مصطفوی امام جماعت مسجد روستای «طرق»، در همان روستا راه مکتب‌خانه در پیش گرفت و سپس با گشایش مدرسه در آن سال به تحصیل در آن مدرسه پرداخت. کلاس دوم را به پایان برده بود که با خانواده‌اش به مشهد آمد و در سال ۱۳۲۱ تحصیلات حوزه‌ای خود را در مدرسهٔ «دودر» این شهر آغاز کرد. دروس سیوطی، حاشیه و مغنی را نزد محمد رضا دامغانی و سپس مطول را نزد ادیب نیشابوری آموخت و سپس در محضر سید احمد مدرس یزدی رسائل، مکاسب و شرح لمعه را به پایان برد. در سال ۱۳۲۱ به تهران سفر کرد و ضمن تدریس در مدرسهٔ مروی به تکمیل تحصیلات خود پرداخت، در این زمان وارد دانشکدهٔ الهیات شد و دورهٔ لیسانس، فوق‌لیسانس و دکترایِ خود را در همین دانشگاه گذراند و پس از اخذ مدرک به سال ۱۳۴۸ به موطن خویش بازگشت و رسماً به تدریس در دانشکدهٔ الهیات این شهر پرداخت. وی در طول عمر خود علاوه بر تدریس در دانشگاه، کتاب‌هایی را تألیف نمود که از این میان می‌توان به آثاری همچون: ***رابطهٔ نهج البلاغه با قرآن؛ ابعاد گستردهٔ اسلام یا دوازده مقالهٔ حقیقی؛ التطبیق بین السفینة و البحار؛ الکاشف عن الفاظ نهج‌البلاغه فی شروحه*** (عربی، ۱۳۷۹ ق.)؛ ***مفتاح الوسایل*** و ***بهشت خانواده*** اشاره نمود. وی علاوه بر این به ترجمه و شرح ***اصول کافی*** نیز همت گماشت.

دکتر سید جواد مصطفوی روز چهارشنبه بیستم اردیبهشت ۱۳۶۸ در سن شصت و هشت سالگی بر اثر عارضهٔ قلبی درگذشت.

*منابع: **یادمان مرحوم استاد دکتر سید جواد مصطفوی**. «درگذشت دکتر سید جواد مصطفوی»، کیهان فرهنگی، س ۶، ش ۲ (اردیبهشت ۱۳۶۸)، ص ۵۶. **علمای خراسان و نهج‌البلاغه**/ عزیزالله عطاردی، چاپ اوّل، ص ۳۶ ـ ۴۰.*

باستان‌شناس، محقق

تولد ۱۲۸۴[۱].

۱. تاریخ تولد وی در ***کتابشناسی آذربایجان*** ۱۲۸۷ قید شده است

درگذشت ۲۳ تیر ۱۳۵۹.

سید محمد تقی مصطفوی کاشانی، فرزند آقا سید محمود مصطفوی، تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان انتصاریه و متوسطه را در دبیرستان‌های ثروت و دارالفنون به پایان رسانید. سپس وارد دانشکدهٔ حقوق شد و موفق گردید در رشتهٔ حقوق به اخذ مدرک فوق لیسانس نایل آید.

از سال ۱۳۰۴ الی ۱۳۰۸ آموزگار دبستان‌های سنایی و ناصرخسرو و سیروس بود. سپس از مهر ۱۳۱۰ تا آبان ۱۳۳۷ در ادارهٔ عتیقات سابق که بعدها عنوان آن به ادارهٔ کل باستان‌شناسی تغییر یافت، مشغول به کار شد و به ترتیب سمت‌های ذیل را عهده‌دار گردید: بازرس فنی باستان‌شناسی؛ مأمور کاوش‌های علمی شوش و تخت جمشید؛ نمایندهٔ باستان‌شناسی در اصفهان؛ مأموریت‌های مختلف مربوط به تعمیرات آثار تاریخی؛ معاون باستان‌شناسی؛ رییس ادارهٔ کل باستان‌شناسی؛ مدیر کل باستان‌شناسی. وی همچنین برای شرکت در کنگره‌های بین‌المللی در بارهٔ باستان‌شناسی به برخی از کشورهای خارجی سفر کرد.

وی چند شماره از مجموعهٔ ایران باستان را از فرانسوی به فارسی ترجمه کرده است. از آثار اوست: ***آثار ایران*** (۱۳۱۸)؛ ***آستانهٔ حضرت عبدالعظیم*** (۱۳۳۰)؛ ***الواح گلی تخت جمشید*** (۱۳۲۹)؛ ***امانت‌داری خاک*** (۱۳۵۶)؛ ***انعکاس دیروز در آئینهٔ امروز***؛ ***بقعهٔ بی‌بی شهربانو*** (۱۳۳۴)؛ ***اقلیم پارس*** (این کتاب به انگلیسی هم ترجمه شده است، لندن، ۱۹۷۸)؛ ***تخت جمشید*** (با مشارکت علی سامی، ۱۳۳۰)؛ ***تخت جمشید*** (نوشتهٔ رایش اسمیت، ترجمه با همکاری با عبدالله فریار و دیگران، ۱۳۴۲)؛ ***سفارشنامهٔ انجمن آثار ملی*** (۱۳۴۴)؛ ***شرح اجمالی آثار تخت جمشید*** (۱۳۳۰)؛ ***گزارش‌های باستان‌شناسی*** (سه جلد، ۱۳۲۹ ــ ۱۳۳۵)؛ ***فرش‌ها و پارچه‌های عهد مخامنشی ایران*** (۱۳۳۴)؛ ***نگاهی به هنر معماری ایران*** (۱۳۴۶)؛ ***مگمتانه، آثار تاریخی همدان*** (۱۳۳۲).

منابع: مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/ خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۲۵۶ ــ ۲۵۷. *کتابشناسی نگارگری*/ محمد گلبن. *چهره‌های آشنا*/ حسین قریشی، ص. ۵۴۰ ــ ۵۴۱. «سید محمد تقی مصطفوی کاشانی»، آینده، س. ۷، ص. ۶۰۹ ــ ۶۱۲. *دایرةالمعارف فارسی، جلد دوم* (بخش دوم: م ــ ی)/ ص. ۲۷۹۳.

۴۴۲ مطیر، محمود

خادم نشر

تولد ۱۳۰۲، تهران.

درگذشت ۷ بهمن ۱۳۶۵، تهران.

محمود مطیر چاپ بهمن را در سال ۱۳۲۷ با چند گارسه و چند ماشین چاپ کوچک در گوشه‌ای از خانهٔ پدری خود (رو به روی کوچهٔ آبشار خیابان ری) تأسیس کرد. نزدیک به یک صد کتاب از مجموعه انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب در چاپخانهٔ بهمن صورت گرفت. «راهنمای کتاب» از اولین شمارهٔ آن تا آخرین شمارهٔ سال بیست و یکم در اسفند ۱۳۵۷ در همین چاپخانه چاپ می‌شد. کتاب‌های انجمن آثار ملی نیز درَ چاپخانهٔ بهمن به چاپ رسید. کارهای نظام پزشکی و بخشی از کارهای مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر را نیز چاپ بهمن انجام می‌داد. از فعالیت‌های دیگر این چاپخانه، چاپ مجلهٔ «یغما» برای مدت پانزده سال بود. مطیر در این کار کمک بسیاری به حبیب یغمایی می‌کرد. نمونه‌های غلط‌گیری را خود به منزل یغمایی می‌برد.

و در *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* ۱۲۸۱ ذکر شده است.

محمود مطیر بعدها از اعضای مؤثر اتحادیهٔ چاپخانه‌ها شد. همچنین یکی از پایه‌گذاران شرکت کتاب‌های درسی و شرکت انتشارات خوارزمی بود. به این ترتیب سرگذشت مطیر با گوشه‌ای از تاریخ چاپ و کتاب درسی ایران قرین شده است.

منبع: افشار، ایرج، «محمود مطیر»، آینده، س. ۱۲، ص. ۸۲۶ـ۸۲۸.

۴۴۲ معرفت، حسن

خادم نشر

تولد ۱۳۰۰.

درگذشت اوایل مهر ۱۳۶۰.

حسن معرفت، فرزند شیخ محمد تقی شیرازی، به تأسی از پدر خود کتابفروشی در شیراز افتتاح نمود. اما بعدها این کتابفروشی را به پدر خود واگذار نمود و به تهران آمد. ابتدا در خیابان ناصریه و بعداً در خیابان لاله‌زار کتابفروشی با مطبعه باز نمود، و به نشر کتاب اقدام کرد. از جمله وی اقدام به چاپ سلسله‌ای از کتب ترجمهٔ اروپایی به نام «صد کتاب از صد نویسندهٔ بزرگ» کرد. از آثار اوست: ***حافظ و سعدی در یک‌جا*** (۱۳۶۹ ق.)؛ ***روش ورزش با دمبل***؛ ***زبدهٔ غزلیات حافظ از روی نسخهٔ قزوینی***؛ ***زبدهٔ غزلیات سعدی از روی نسخهٔ قزوینی*** (۱۳۲۲)؛ ***فرفروزنگ*** (۱۳۶۹ ق.)؛ ***فرهنگ انگلیسی به فارسی*** (۱۳۳۰)؛ ***گلچین معرفت*** (مجموعه شعر)؛ ***گلچینی از شاهنامهٔ فردوسی***؛ ***مرغابی سیاه کوچولو***.

منابع: *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۵۲۹ـ۵۳۰. «اخبار: جواد مجابی»، آینده، س. ۷، ص. ۷۷۸.

۴۴۳ معزی (حسام‌الدوله)، نجفقلی

مورخ، مؤلف

تولد ۱۲۶۱، نجف.

درگذشت اردیبهشت ۱۳۵۹.

نجفقلی حسام‌الدوله معزی، فرزند ابراهیم میرزا، تحصیلات خود را در انگلستان به پایان برد و در وزارت مالیه عضو بود. وی در دورهٔ سوم مجلس شورای ملی از ملایر و محلات نماینده بود. از آثار اوست: ***تاریخ روابط سیاسی ایران با ممالک اروپایی***. وی به زبان‌های عربی و انگلیسی و فرانسوی آشنایی داشت. تألیفات دیگر او عبارتند از ***تاریخ راه‌سازی در ایران***؛ ***راز کامیابی ژاپن***؛ ***عالم حیوانات یا کلید دام و دد***؛ ***درهٔ نجفی*** (مشتمل بر سه فن عروض و قافیه و بدیع)؛ وی کتاب‌های دیگری را از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه و نشر کرده است: ***تاریخ آمریکا***؛ ***تاریخ انگلیس***؛ ***تاریخ روسیه***؛ ***زندگی پطر کبیر***؛ ***زندگی فردریک***؛ ***زندگی ژوزفین و ناپلئون***.

وی در سال ۱۳۵۴ تعداد ۱۲۵۷ جلد کتاب چاپی به زبان‌های فارسی و انگلیسی و فرانسوی به دانشگاه شیراز اهداء کرد که بدین مناسبت فهرست‌نامه‌ای برای کتب اهدایی وی منتشر گردید.

منابع: «حسام‌الدوله معزی»، آینده، س. ۶ ص. ۳۰۵. اقتداری، احمد، «نجفقلی میرزا حسام‌الدوله معزی»، آینده، س. ۶ ص. ۶۲۶ـ۶۲۹.

۴۴۵ مفتی‌زاده، محمد صدیق

استاد، محقق

تولد ۱۳۰۰ (۱۳۳۴ ق.)، قریه دشه از توابع اورامان.

درگذشت ۶ آذر ۱۳۶۳، تهران.

محمد صدیق مفتی‌زاده متخلص به «محزون»، فرزند ملا عبدالله دشی مفتی کردستان، در شش سالگی پدرش و در یازده سالگی مادرش را از دست می‌دهد. وی تحصیلاتش را در قریهٔ دشه و خانگاه و شهر سنندج شروع نمود، و در ۱۳۱۵ شروع به خواندن علوم اسلامی کرد و در محضر مدرسانی از مناطق مختلف عراق و نیز در مهاباد به درس خواندن مشغول شد. استادان وی عبارت بودند از: برادرش حاج ملا خالد مفتی، ملا سید عارف، ملا صالح تریفه، سید بابارسول اباعبیده (شهرزور عراق)، ملا باقر بالک، ملا محمود دره تفی، ملا علی حمامیان، ملا شیخ برهان (در مکریان)، ملا عراف بانه‌ای، ملا سید علی (در پنجوین)، ملا مصطفای حاج رسول، ملا عبدالله بیژویی (در سلیمانیه)، ملا عزیز شلی خانه‌ای در کرکوک، ملاصالح دیبه گه‌یی، ملا ابوبکر افندی هه‌ولیر، ملا عبدالکریم افندی (در رواندوز)، ملا صدیق صدیقی، ملا حسین مجدی (در مهاباد) و برادر دیگرش ملا محمود مفتی کردستان در سنندج که سرانجام اجازه نامهٔ خود را نیز از دست او گرفت. چندی بعد در سلیمانیه عراق استادان هیئت علمی و دینی اوقاف پس از امتحان اجازه‌نامه‌اش را مهر تأیید زدند. در تهران نیز شورای عالی وزارت آموزش و پرورش اجازهٔ افتاء و تدریس را به وی دادند. در سال ۱۳۲۳ در وزارت فرهنگ به عنوان معلم استخدام شد، و در دبیرستان‌های شهرهای مهاباد و سنندج و خرم‌آباد و تهران هر یک مدتی انجام وظیفه کرد. در سال ۱۳۲۷ در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دورهٔ لیسانس و دکتری را به اتمام رسانید و به دریافت دانشنامهٔ دکتری نایل شد و در دانشکدهٔ ادبیات نیز مدتی به مطالعهٔ علوم تربیتی و زبان‌شناسی پرداخت و به موازات آن در دبیرستان‌های تهران، ادبیات عربی و فارسی را تدریس می‌نمود. در سال ۱۳۴۹ در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران استاد زبان کُردی شد، در طی این مدت سردبیری روزنامهٔ «کردستان» را نیز به‌عهده داشت. وی سال‌ها از نویسندگان برنامهٔ رادیو کُردی تهران بود. در ۱۳۵۹ که دانشگاه تهران تعطیل گردید، در منزل به تحقیق مشغول گردید و تألیفات خود را کامل نمود. فعالیت‌های او در دورانی که در مقام سردبیری روزنامه فعالیت داشته به این شرح است: استخراج و جمع‌آوری قریب ۲۵۰ قطعه از اشعار سید عبدالرحیم تاوگوزی (مولوی کُردی) از بیاض‌های خطی و دست‌نویس قدیم و تحقیق و تعلیق مختصر در معانی آنها؛ جمع‌آوری و تصحیح بیشتر اشعار ولی دیوانه؛ مختصری تحقیق در ***دیوان ملا پریشان*** و چاپ بعضی از اشعار او؛ تصحیح و تحریر ***دیوان سید صالح کرمانشاهی***؛ تصحیح ***شیرین و فرهاد*** تألیف ملا ولدخان گوران؛ تصحیح بعضی از اشعار کنیزک و یازده رزم که قسمتی از شاهنامهٔ تألیف سرهنگ الماس‌خان که نوله‌یی است؛ سلسله گفتاری در مورد دستور زبان کُردی تحت عنوان ***چگونه بخوانیم و بنویسیم***؛ چند گفتار در مورد زندگی اجتماعات مختلف کُرد، و ایراد و انتقاد به بعضی از رسوم و عقاید خرافی کُردی تحت عنوان: ***در اجتماع چگونه زندگی کنیم***؛ تألیف و تصحیح ***دیوان ملا حامد آلیجانی***؛ تصحیح منظومهٔ جنگ سرد و جدال و مناظرهٔ بین آسمان و زمین سرودهٔ میرزا عبدالقادر پاوه‌یی؛ تصحیح ***جنگ‌نامهٔ گلوله و سار*** سرودهٔ میرزا عبدالقادر پاوه‌یی؛ جمع‌آوری و تصحیح آثار شعری بعضی از شعرای کُرد تحت عنوان ***از هر گلزار گلی***؛ چند قطعه شهر ملی و وطنی و عشقی و چند حکایت کوچک و متفرق که به شیوهٔ طنز به کُردی سروده شده است؛ سلسله گفتاری در فلسفهٔ آفرینش، تحت‌عنوان ***راه خداشناسی***؛ ***تاریخچهٔ حکومت‌های کُرد***؛ تصحیح و چاپ و انتشار مناجات خانای قبادی به نام ***هفت‌بند***؛ تمام این آثار و

مطالب و نوشته‌ها زیر عنوان و امضای «م.ص.م» که مختصر محمد صدیق مفتی‌زاده است. از کارهای دیگر او تصحیح و شرح ***دیوان ملا عبدالرحیم معدومی مولوی*** (چاپ نشده است) و دستور جامعی برای زبان کُردی (چاپ نشده است) است.

محمد صدیق مفتی‌زاده به لهجهٔ اورامی و سورانی شعر می‌گفت، اما به سرودن شعر فارسی کمتر علاقه نشان می‌داد، با این حال به فارسی نیز اشعاری سروده بود.

ایشان سرانجام در ششم آذر ۱۳۶۳ به سبب ابتلا به سرطان ریه در تهران درگذشت.

منابع: دانشمندان کرد در خدمت علم و دین/ عبدالکریم مدرس، ترجمهٔ احمد حواری نسب، ص. ۵۷۷. *تاریخ مشاهیر کرد عُرفا، عُلما، اُدبا، شُعراء، جلد دوم*/ بابا مردوخ روحانی «شیوا»، ص. ۷۵.

۴۴۶ مقدم، محمد

مدرس، ایرانشناس

تولد ۱۲۸۷، تهران.

درگذشت ۹ مهر ۱۳۷۵.

محمد مقدم پس از پایان رساندن دورهٔ دبیرستانی برای تحصیلات دانشگاهی به آمریکا رفت. در سال ۱۳۱۷ از دانشگاه پرینستون در رشتهٔ زبانشناسی دکترای خویش را دریافت کرد. از سال ۱۳۱۸ در دانشگاه تهران به تدریس اوستا و فارسی باستان پرداخت. در سال ۱۳۳۹ سفر دیگری به آمریکا کرد. دانشگاه یوتا وی را دعوت کرده بود تا کرسی تمدن ایران باستان را در عهده گیرد. یادگار این سفر ترجمهٔ کتاب پرفسور اومستد تحت عنوان ***تاریخ شاهنشاهی هخامنشی*** (۱۳۴۰) است. در سال ۱۳۴۳ گروه زبان‌شناسی همگانی و زبان‌های باستانی را در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی بنیاد گذاشت و تا سال ۱۳۴۷ مدیریت آن را بر عهده داشت.

وی هم‌زمان با تدریس در دانشکدهٔ ادبیات با همکاری ذبیح بهروز، دکتر صادق کیادست به انتشار نشریه‌ای به نام «ایران کوده» زد که مقاله‌های بسیاری در آن درج کرده است. علاوه بر این نشریه، مقاله‌هایی در مجلهٔ «دانشکدهٔ ادبیات» و مجلهٔ «اندیشه و هنر» از وی به چاپ رسیده است. وی همچنین مقاله‌هایی در باب شناسایی انواع خطوط و تاریخچه خط و خوشنویسی در مجلهٔ «فروهر» و «سالنامهٔ کشور ایران» نوشته است.

از جمله فعالیت‌های دکتر محمد مقدم، ابداع و سامان بخشیدن به واژه‌های مورد نیاز پارسی به شیوهٔ علمی زبانشناسی بود. وی این کوشش را از جزوهٔ «راهنمای فارسی باستان» آغاز کرد. از آثار اوست: ***بازگشت به الموت*** (تهران، ۱۳۱۴)؛ ***بانگ خروس*** (تهران، ۱۳۱۳)؛ ***برای آینده زبان فارسی*** (۱۳۵۵)؛ ***جستار در بارهٔ مهر و ناهید*** (۱۳۵۶)؛ ***چند نمونه از متن نوشته‌های فارسی باستان*** (تهران، ۱۳۶۳)؛ ***در یادنامهٔ جمشید*** (م. اونوالا، بمبئی، ۱۹۶۴ م.)؛ ***دریانوردی عرب در دریای هند*** (جوزف حورانی، تهران، ۱۳۳۸)؛ ***راز نیمه شب*** (تهران، ۱۳۱۳)؛ ***راهنمای ریشهٔ فعل‌های ایرانی*** (تهران، ۱۳۴۲)؛ ***رستم و سهراب از شاهنامه*** (تهران، ۱۳۱۳)؛ ***فهرست توصیفی مجموعه گرت*** (انگلیسی، پرینستون، ۱۹۳۹ م.)؛ و رسالهٔ «سرود بنیاد دین زردشت» و دو اثر انگلیسی: Organic alphabet (تهران، ۱۹۴۵ م.)؛ A Persian-Arabic Phonetic Equation (g=h).

دکتر محمد مقدم بر اثر سانحهٔ تصادف جان خود را از دست داد.

منابع: کلک، ش. ۵۶ــ۵۷ (مهر و آبان ۱۳۷۳)، ص. ۴۱۱ـ۴۱۲. «یادی از بنیانگذار زبانشناسی علمی در ایران»، کلک، ش. ۷۶ــ۷۹ (تیر و مرداد ۱۳۷۵)،

ص. ۸۰۸ـ۸۱۵. *کتابشناسی خط و خوشنویسی*/ناهید حبیبی آزاد، ص. ۲۳، ۲۴.

۴۴۷ منتظر قائم، حسن

روزنامه‌نگار

تولد ۱۳۳۲، فردوس.

درگذشت ۲۱ شهریور ۱۳۶۴.

حسن منتظر قائم در شش سالگی به ترک اجباری زادگاهش مجبور شد و به‌همراه خانواده به یکی از روستاهای اطراف یزد کوچید. در ده سالگی در جریان نهضت پانزده خرداد قرار گرفت و از همان زمان وارد عرصهٔ سیاست شد. در هفده سالگی به زندان افتاد. پس از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۳ «کیهان فرهنگی» را به صورت ضمیمه روزنامه «کیهان» منتشر کرد.

منبع: «آن لبخند منتشر، بیاد روانشاد حسن منتظر قائم، بنیانگذار کیهان فرهنگی»، کیهان فرهنگی، س. ۱۰، ش. ۱۰۰ (مرداد ۱۳۷۲)، ص. ۸ـ۹.

۴۴۸ منشی‌زاده، داود

محقق

تولد ۶ شهریور ۱۲۹۳، تهران.

درگذشت ۲۹ تیر ۱۳۶۸، اوپسالا.

داود منشی‌زاده، فرزند ابراهیم (میرزا ابراهیم‌خان منشی‌زاده از فعالان انقلاب مشروطیت بود و چون یکی از مؤسسان کمیتهٔ مجازات بود، تیرباران شد)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۰ با محصلین اعزامی رهسپار فرانسه شد و در سال ۱۳۱۶ از دانشگاه دیژن (فرانسه) به اخذ درجهٔ لیسانس ادبیات (فلسفه) نایل شد و در اواخر همان سال به آلمان رفت و در سال ۱۳۲۲ دکترای فلسفه و ادبیات خود را از دانشگاه برلین گرفت و در آلمان متأهل شد. در موقع سقوط برلین هفت روز به خاتمهٔ جنگ مانده مجروح شد و دو سال تمام در بیمارستان‌های پستدام و برلین و مونیخ به‌سر برد. در سال ۱۳۲۶ که دانشگاه مونیخ پس از جنگ افتتاح می‌شد، یک قسمت از تدریس ایرانشناسی به وی واگذار شد. در سال ۱۳۲۸ برای یک سال و چند ماه برای تدریس زبان فارسی با رتبهٔ استاد میهمان به دانشگاه اسکندریه مصر رفت و در سال ۱۳۳۰ به ایران مراجعت نمود و بلافاصله جمعیت سیاسی «سومکا» را تشکیل داد که مختصرشدهٔ حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران بود. سپس از ایران خارج شد و در دانشگاه اوپسالا به مقام استادی دانشگاه رسید و تدریس فرهنگ ایران زمین باستان را بر عهده داشت. وی در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد.

از آثار اوست: ***آسیا درکشمکش با اروپا (هون‌ها، ساسانیان)*** (از فرانتس آلتهایم، ۱۳۴۳)؛ ***انتلکتول و دیگری*** (خوزه اتکاای گاست، ۱۳۲۲)؛ ***پسر گمشده*** (آندره ژید، ۱۳۳۶)؛ ***پیکار با اهریمن*** (۱۳۳۰)؛ ***جهانداری پارسها*** (نوشته هـ هـ شدر، ۱۳۳۵)؛ ***خط سومکا*** (۱۳۳۳)؛ ***داریوش یکم پادشاه پارسها*** (پتریولیوس یونگه، ۱۳۳۴)؛ ***دربدر در پی بهشت*** (۱۳۳۲)؛ ***دوراندیشی در تکنیک*** (خوزه اتکاای گاست، ۱۳۳۲)؛ ***طغیان توده‌ها*** (خوزه اتکاای گاست، ۱۳۳۴)؛ ***کمونیسم و لیبرالیسم*** (۱۳۳۶)؛ ***گیل گمش کهنه‌ترین حماسهٔ بشری*** (گئورک بورکهارت ۱۳۳۴)؛ ***مایا دختر گریزآن کندو*** (والدمایر نسلس، ترجمه با امضای د.م.، ۱۳۳۲)؛ ***وهرود و ارنگ*** (پژوهشی از ژوزف مارکوات، ۱۳۶۸). از دکتر منشی‌زاده، مقاله‌های ادبی در مجلهٔ «یادگار» و مجلهٔ «دانش» به طبع رسیده است. وی همچنین آثاری به زبان آلمانی دارد.

منابع: *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*/ خانبابا مشار، جلد سوم، ص ۵۸ـ۶۱؛ «دکتر داود منشی‌زاده»، آینده، س ۱۵، ص ۶۰۰ـ۶۰۲؛

۴۴۹ موسوی، سید کاظم

استاد، محقق

تولد ۱۳۱۴، حسین‌آباد میامی از توابع شاهرود.
شهادت ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

سید کاظم موسوی، فرزند میرزا موسی، از شش سالگی به مکتب رفت. در حالی که قرآن را می‌آموخت سعی می‌کرد سوره‌های کوچک را نیز حفظ نماید. در همان دوران خواندن و نوشتن و بخشی از مقدمات درس‌های حوزه‌ای را نیز فراگرفت. در سیزده سالگی برای ادامهٔ تحصیل به مشهد رفت. جلدین شرح لمعه را نزد حاج میرزا محمود مدرس، رسائل و مطالب و کفایتین را نیز در خدمت آیت‌الله شیخ هاشم قزوینی خواند. درس خارج را ابتدا در محضر آیت‌الله شیخ آقا بزرگ جواد تهرانی فرا گرفت. و بعد از آمدن آیت‌الله سید محمد هادی میلانی در حلقه درس خارج نیز شرکت نمود و سپس اجاره را در حضورشان خواند. خلاصه درس را پس از خروج از محضر استاد به عربی می‌نوشت و با توجه به شیوه کتابتش به‌عنوان مقرر آیت‌الله میلانی پذیرفته شدند.

در اوایل رمضان سال ۱۳۳۶ اولین فرصت شغلی برایش پیش آمد و از وی به‌منظور همکاری با انتشارات کتب اسلامی دعوت شد. متعاقباً به تصحیح مجلد اول تا چهاردهم، و تحشیه و تصحیح و تخریج و مجلدات ۳۵ تا ۴۲ کتاب ***بحارالانوار*** مشغول شد. در کنار این وظیفه، تصحیح کتب دیگری از جمله ***ارشاد*** شیخ مفید، ***تفسیر مقتنیات الدور***، ***ادب‌النفس***، ***شواهد*** و ***مجمع‌البیان*** را عهده‌دار شد.

در سال ۱۳۴۰ با استاد رضا روزبه آشنا شد و دو سال بعد از طرف دبیرستان علوی دعوت به همکاری شد. این سال آغاز همکاری‌های فرهنگی وی با رضا روزبه بود که تا سال ۱۳۵۲ یعنی تاریخ وفات استاد ادامه داشت. یکی از نتایج این همکاری تألیف مجلدات اول و دوم ***عربی آسان*** بود. جلدهای سوم و چهارم و پنجم بعدها تهیه شد.

به موازات فعالیت‌های فرهنگی به تحصیلات دانشگاهی هم پرداخت و با طی مدارج لیسانس و فوق‌لیسانس در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۰ در رشتهٔ زبان و ادبیات عرب فارغ‌التحصیل شد.

در سال ۱۳۴۹ مسئولیت ادارهٔ انجمن اسلامشناسی بانوان را که به‌وسیلهٔ سید حسن شاهچراغی بنیانگذاری شده بود از طرف روزبه پذیرفت. در سال ۱۳۵۰ مدرسهٔ راهنمایی دخترانه روشنگر و پس از آن دبیرستان روشنگر را تأسیس کرد. علاوه بر فعالیت‌های یاد شده در سایر انجمن‌ها و کانون‌ها فعالیت علمی و اجتماعی داشته و دانشجویان را در بررسی و تتبع در بهره‌گیری از متون اسلامی و نیز در تهیه و تنظیم پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایشان یاری می‌نمود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌عنوان نمایندهٔ امام در وزارت آموزش و پرورش منصوب شدند. در زمان وزارت آقای محمد علی رجایی مشاور عالی وزارتخانه بودند و همزمان با کار مشاوره عضویت دادگاه تجدید نظر اداری، شورای انتخاب نشریه وزارت ارشاد اسلامی، شورای سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و شورای سازمان نوسازی توسعه و تجهیز مدارس را نیز دارا بودند. آخرین سمت اداری ایشان معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش بود.

سید کاظم موسوی در جریان بمب‌گذاری و

انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در تهران در سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

منبع: *یادنامهٔ شهدای ۷ تیر* / دفتر تحقیقات اجتماعی وزارت ارشاد اسلامی.

مهدوی، سید محمد حسین ۴۵۰

محقق، مؤلف

تولد ۱۲۹۴ (۱۵ محرم ۱۳۳۴ ق.)، اصفهان.
درگذشت ۴ تیر ۱۳۷۴.

سید محمد حسین مهدوی، ملقب به سید مصلح‌الدین مهدوی فرزند سید شهاب الدین نحوی (محمدتقی) از علمای روزگار، کمتر از شش سال داشت که پدرش وفات یافت. پس از مرگ پدر، مادرش سرپرستی مصلح‌الدین و برادرانش را عهده‌دار شد. زمانی که مدارس جدید در اصفهان تازه بنیان یافته بود، او را به مدرسهٔ اقدسیه ــ که زیر نظر آقا محمد حسین مشکوة زفره‌ای اداره می‌شد، فرستادند و یک سال بعد نیز به مدرسهٔ «گلبهار» منتقل گردید. سپس برای تحصیل علوم اسلامی و مسایل فقهی به حوزه‌های علمیه شتافت. سپس عازم تهران شد و در آنجا نیز در دانشسرای عالی چند سال کسب علم پرداخت. از دیگر اساتید او می‌توان از افراد زیر یاد کرد: محمد علی معلم حبیب‌آبادی (صاحب ***مکارم الآثار***)؛ محمد همامی؛ محمد باقر امامی؛ حسن قاضی عسکر داورپناه؛ محمد حسین فاضل تونی؛ سید محمد کاظم عصار و نیز سید حسن مدرس هاشمی (میرمحمد صادقی). وی همچنین از آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، آیت‌الله شیخ آقا بزرگ تهرانی، آیت‌الله محمد باقر کمره‌ای، آیت‌الله ضیاءالدین عراقی، آیت‌الله سیدعلی فانی، آیت‌الله محمد علی عراقی، آیت‌الله سید مصطفی صفایی خوانساری، آیت‌الله سید محمد شیرازی و حجةالاسلام سید محمد علی روضاتی اجازهٔ روایت احادیث اهل بیت را اخذ نمود. تألیفات وی بالغ بر هشتاد عنوان است که برخی از آنها طبع گردیده است. بسیاری از آنها نیز چاپ نشده است. غالب این آثار در بیان احوال و تأثیرات شخصیت‌های علمی و فرهنگی دنیای اسلام خاصه تشیع است که بیشتر آنان در اصفهان رشد و نمو داشته و یا آثاری در این شهر به‌جای گذاشته‌اند. ضمن اینکه وی تحقیقاتی در باب زندگانی برخی ائمه معصومین (ع) دارد. برخی از آثار وی عبارتند از: ***دانشمندان و بزرگان اصفهان***؛ ***زندگینامهٔ علامه محمد باقر مجلسی*** (دو جلد)؛ ***بیان المفاخر*** (در باب احوال سید حجةالاسلام شفتی در دو جلد)؛ ***شعرای معاصر اصفهان*** (۱۳۳۴)؛ ***اوضاع علمی، فرهنگی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر*** (سه جلد)؛ ***تاریخچهٔ شهر سامراء***؛ ***زندگینامه حضرتین عسکریین علیهماالسلام***؛ ***عطیةالجواد در زندگانی و کلمات قصار امام نهم (ع)***؛ یک دوره پنج جلدی تعلیمات دینی (جهت دبیرستان‌ها با مشارکت عده‌ای از فرهنگیان)؛ ***ارمغان اصفهان***؛ ***تاریخچهٔ محله خواجو***؛ ***تاریخچهٔ مدارس دینی اصفهان***؛ ***سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان***؛ ***شرح حال آقا شیخ محمدرضا نجفی***؛ ***شرح حال نه تن از خاندان حاجی کلباسی***؛ شرح حال حجةالاسلام شفتی ــ ضمیمهٔ روزنامه؛ شرح حال سیدکریم نیک‌زاد حسینی ــ ضمیمهٔ روزنامه؛ شرح حال حاج شیخ مرتضی مظاهری ــ ضمیمهٔ روزنامه؛ ***عطیةالجواد (ع)***؛ ***غایةالآمال و الامانی شرح حال علامه بحرانی***؛ ***مزارات اصفهان***؛ ***یادنامه سید بحرالعلوم میردامادی***.

منابع: «درگذشت استاد سیدمصلح الدین مهدوی»، کیهان فرهنگی، س ۱۳، ش ۱۲۶ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵)، ص ۶۵ «درگذشت استاد سیدمصلح الدین مهدوی»،

فصلنامهٔ فرهنگ اصفهان، س. ۱، ش. ۱ (پاییز ۱۳۷۴)، ص. ۹۵ـ۹۶. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۲۴۶.

۴۵۱ مهدوی، سید معزالدین

محقق

تولد ۱۲۷۸، اصفهان.

درگذشت بهمن ۱۳۵۹، تهران.

سید معزالدین مهدوی نجوم قدیمی را تحصیل و هم‌گام با علی‌اکبر داناسرشت مدت‌ها با سید جلال‌الدین طهرانی کار کرده است.

کار علمی او تصحیح ترجمه‌ای است از: ***صور الکواکب*** عبدالرحمن صوفی که به روایتی، آن ترجمه از خواجه نصیرالدین طوسی دانسته شده است. مهدوی تعلیقاتی هم بر آن افزوده است. این متن در سلسله انتشارات بنیاد فرهنگ ایران (۱۳۵۱) طبع شده است. تألیف دیگر مهدوی ***داستان‌هایی از پنجاه سال*** یا ***اوضاع اجتماعی نیم قرن اخیر*** (۱۳۴۸) است و در حقیقت خاطرات دوران زندگی تحصیلی و اداری و فرهنگی اوست.

سید معزالدین مهدوی در سن نزدیک به هشتاد سال قمری در تهران درگذشت.

منابع: «سید معزالدین مهدوی»، آینده، س. ۷، ص. ۳۳۰ـ۳۳۱. ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** / فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

۴۵۲ نراقی، حسن

محقق

تولد ۲۴ دی ۱۲۷۳، کاشان.

درگذشت ۲۴ دی ۱۳۶۸، تهران.

حسن نراقی پس از تحصیل در مدرسهٔ علمیهٔ کاشان به تهران آمد و امور فرهنگی و آموزشی را پیشه کرد. تألیفات او عبارتند از: ***تاریخ اجتماعی کاشان*** (۱۳۴۵)؛ ***آثار تاریخی شهرستان کاشان و نطنز*** (۱۳۴۸)؛ ***خاندان غفاری کاشان*** (۱۳۵۳)؛ ***کاشان در جنبش مشروطهٔ ایران*** (۱۳۵۵)؛ ***ادبیات مشروطیت*** (حاوی زندگی‌نامهٔ خاوری کاشانی؛ ۱۳۵۶)؛ تصحیح ***نخبة البیان*** (تألیف محمد مهدی نراقی؛ ۱۳۳۵)؛ تصحیح ***قرة العیون*** (تألیف محمد مهدی نراقی؛ ۱۳۵۷)؛ تصحیح ***اللمعة الالهیة (و) الکلمات الوجیزه*** (تألیف محمد مهدی نراقی؛ ۱۳۵۷)؛ تصحیح و طبع ***طاقدیس*** (مثنوی سرودهٔ احمد نراقی؛ ۱۳۶۲)؛ تصحیح و طبع ***مشکلات العلوم*** (تألیف محمد مهدی نراقی، ۱۳۶۷)؛ از وی مقاله‌هایی نیز در مجلهٔ «هنر و مردم» به طبع رسیده است.

حسن نراقی از پایه‌گذاران انجمن آثار ملی کاشان و از بنیادگذاران موزهٔ آن انجمن در باغ شاه فین بود.

حسن نراقی در تهران درگذشت و در مسجد آقابزرگ کاشان که مدرسهٔ ملا احمد نراقی بود به خاک سپرده شد.

منبع: «حسن نراقی»، آینده، س. ۱۵، ص. ۸۳۷.

۴۵۳ نصر، سید تقی

حقوق‌دان

تولد ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت آبان ۱۳۶۴، نیویورک.

پس از پایان بردن دورهٔ مدرسهٔ دارالفنون جزو دانشجویان اعزامی به فرانسه رفت و در رشتهٔ حقوق به اخذ درجهٔ دکتری نایل شد و رسالهٔ دکتریش را در بارهٔ «حقوق در عصر ساسانی» نوشت. ضمناً در فلسفه و علوم اجتماعی دارای درجهٔ لیسانس شد.

پس از بازگشت به ایران به استادی دانشکدهٔ حقوق پرداخت و بعد سفرهای متعدد به مأموریت اقتصادی و مالی و نمایندگی سازمان ملل متحد به آمریکا رفت و حدود بیست سال دورهٔ خدمت عمر اداری او در خارج از ایران گذشت. در دولت رزم‌آرا وزیر دارایی بود. مشاغل دیگر او عبارتند از: رییس ادارهٔ اقتصاد؛ مدیر عامل بانک کشاورزی؛ مشاور هیئت بازرگانی و اقتصادی در آمریکا؛ رییس اتاق بازرگانی ایران و آمریکا؛ متصدی بانک بین‌المللی آمریکا؛ نمایندهٔ ادارهٔ همکاری‌های فنی سازمان ملل در مصر؛ رییس سازمان برنامه.

در سال‌های آخر زندگی، به نگارش کتاب ***ادبیت ایران*** پرداخت که در دو جلد منتشر شد. آخرین جلد این کتاب را با نام ***ایران در برخورد با استعمارگران*** منتشر ساخت. از آثار دیگر اوست: ***دورهٔ مفصل علم اقتصاد*** (جلد اول).

*منابع: **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۲۶۱ ـ ۲۶۲. «دکتر تقی نصر»، آینده، س. ۱۲، ص. ۱۲۰.

نصیری، محمد ۴۵۳/۱

حقوق‌دان، استاد

تولد ۱۲۸۵، اصفهان.

درگذشت ۸ دی ۱۳۷۵.

محمد نصیری تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اصفهان به‌پایان برد. همزمان از تعلیمات دینی و فقه و اصول و ادبیات عرب نزد بستگان و استادان بهره‌ها برد. سپس به تهران آمد و از مدرسهٔ حقوق (که قبل از تشکیل دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی در دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ وجود داشت) فارغ‌التحصیل گردید. در سال ۱۳۰۹ جزء نخستین دانشجویان برگزیده و اعزامی دولت به کشور فرانسه رفت. ابتدا در دانشکدهٔ حقوق اکس (Aix) دورهٔ لیسانس حقوق را به اتمام رسانید و در دو رشتهٔ حقوق بین‌الملل خصوصی و اقتصاد از دانشگاه پاریس به سال ۱۳۱۶ موفق به اخذ درجهٔ دکتری گردید و به ایران بازگشت. مشاغل عمدهٔ وی عبارت بودند از: از ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۲ منصب قضا در دادگستری؛ از ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۵ رییس ادارهٔ کل تصفیهٔ املاک؛ در ۱۳۲۵ مدیر کل وزارت دارایی و رییس هیئت مدیرهٔ بیمهٔ ایران؛ مدیر کل بانک مرکزی ایران در دورهٔ نخست‌وزیری دکتر مصدق؛ استاد کرسی حقوق بین‌الملل خصوصی دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران؛ مدیریت گروه توسعهٔ ایران؛ ریاست دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴.

تألیفات عمدهٔ ایشان عبارتند از: ***حقوق بین‌الملل خصوصی*** (کلیات) و (تعارض قوانین) که اخیراً به همت برادرزاده‌اش مرتضی نصیری و آقای دکتر کاظمی یکی از دانشجویان سابق ایشان در یک مجلد چاپ شده است. این کتاب با وجود آنکه نخستین بار در سال ۱۳۳۴ قسمتی از آن (تابعیت و وضع اتباع بیگانه) به چاپ رسیده بود، هنوز هم جزء بهترین کتاب‌های حقوق بین‌الملل خصوصی است.

برخی عناوین دیگر عبارتند از: ***تاریخچهٔ سی سالهٔ بانک ملی ایران***؛ ***هبه در حقوق ایران*** (به زبان فرانسه)؛ تحقیق در زمینهٔ تابعیت شرکت‌ها؛ تحقیق در زمینهٔ قانون حاکم بر قراردادها؛ تحقیق در زمینهٔ قانون حاکم بر اموال شخصیه؛ تفسیر قراردادها؛ دروس دورهٔ دکترایِ حقوق.

محمد نصیری در سال ۱۳۷۵ از دنیا رفت.

منبع: قاضی، ابوالفضل، «یادی از دکتر محمد نصیری»، کلک، ش. ۸۳ ـ ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص. ۶۰۵ ـ ۶۱۱.

نمازی (شادمان)، فرنگیس　۴۵۴

مترجم

درگذشت شهریور ۱۳۶۲.

فرنگیس نمازی همسر دکتر فخرالدین شادمان، خواندن و نوشتن را در شیراز و هندوستان از معلم خانگی آموخت. تحصیلات متوسطهٔ را در دبیرستان مهرآیین شیراز و دبیرستان بهشت‌آیین اصفهان به پایان آورد و در امتحانات نهایی متوسطه به دریافت نشان درجهٔ دوم علمی از وزارت فرهنگ نایل شد. پس از آن به انگلستان رفت و یک سال در مدرسهٔ متوسطهٔ سنت مارتین این ذفیلد و سه سال در وستفیلد کالج آکسفورد به تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی و فرانسه پرداخت و پس از ده سال به ایران بازگشت. از آثار اوست: ***تحقیقات و مطالعات انگلیس‌ها در باب فارسی*** (دکتر آرتور ج. آربری، لندن، ۱۹۴۳ م.، رسالهٔ ایشان)؛ ***تراژدی قیصر*** (ویلیام شکسپیر، ۱۳۳۴)؛ ***تراژدی مکبث*** (ویلیام شکسپیر، ۱۳۴۰)؛ ***انحطاط و سقوط امپراتوری روم*** (نوشته ادوارد گیبون، ۱۳۵۴، سه جلد). از وی داستان «مادر» اثر سامرست موآم نیز در مجلهٔ «سخن» به چاپ رسید. وی همچنین مقاله‌ها و ترجمه‌هایی را در مجلهٔ «روزگار نو» ــ طبع انگلستان ــ انتشار می‌داد.

منابع: مؤلفین کتب ***چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۸۱۴ــ۸۱۵. «فرنگیس نمازی (شادمان)»، *آینده*، س. ۹، ص. ۱۶۸. ***فهرست مجلهٔ سخن*** / شهلا عالم مروستی، ص. ۱۹۰. ***دایرةالمعارف یا فرهنگ دانش و هنر*** / ص. ۱۱۰.

نوایی، محمود　۴۵۵

مترجم

درگذشت ۱۳۶۲.

محمود نوایی دارای درجهٔ تحصیلی مهندسی و مترجم زبان فرانسوی و نخستین مترجم آثار زیگموند فروید بود.

از آثار اوست: ***آیندهٔ یک توهم*** (زیگموند فروید)؛ ***ارزش علمی و عملی نظریات فروید***؛ ***بیگانگان در خانه*** (اثر ژرژ سیمنون)؛ ***بیولوژی و فلسفهٔ زندگی***؛ ***پنج درس پسیک‌آنالیز*** (زیگموند فروید، ۱۳۲۴)؛ ***خندان و گشاده‌رو باشید*** (پرفسور پل بنینسن فرانسوی، ۱۳۲۸)؛ ***روانکاوی و زندگی من*** (زیگموند فروید، ۱۳۲۴)؛ ***روش علمی تلقین بنفس*** (پل ب. ژاگو، ۱۳۲۵)؛ ***کاپیتال*** (تلخیص از کتاب کارل مارکس، ۱۳۲۳)؛ ***گرادیوا*** (اثر یوهانس ویلهلم ینسن که ***هذیان و رؤیا*** اثر زیگموند فروید به ضمیمه آن آمده است، ۱۳۴۰؛ ظاهراً ***هذیان و رؤیا*** به صورت مجزا هم به چاپ رسیده است)؛ ***مزد ترس*** (ژرژ آرنو، ۱۳۳۴)؛ ***نظریات فروید***. وی مشغول به تألیف کتابی به فرانسه در بارهٔ خیام بود که نیمه کاره ماند.

منابع: مؤلفین کتب ***چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۱۰۴ــ۱۰۵. نور، عبدالولی، «مهندس محمود نوایی»، *آینده*، س. ۹، ص. ۸۲۸. ***برندگان جایزهٔ نوبل ادبیات*** / مریم آقا شیخ محمد، سعید نوری نشاط، ص. ۳۶۹.

وجیه‌اللهی، ابوالقاسم　۴۵۶

مترجم

تولد ۱۲۹۸، تهران.

درگذشت ۲۸ دی ۱۳۶۶.

ابوالقاسم وجیه‌اللهی پس از اتمام تحصیلات خود در وزارت راه مشغول به کار شد. وجیه‌اللهی یکی از بنیانگذاران جامعهٔ تعلیمات اسلامی است، جامعه‌ای که تعلیم و تربیت نسل جوان را سرلوحهٔ کار خود قرار داده بود. تأسیس و توسعهٔ مدارس اسلامی ــ به ویژه مدارس اسلامی دخترانه ــ در تهران و شهرستان‌ها،

تشکیل سمینارهای مختلف در مدارس اسلامی سراسر کشور، دعوت از کسانی چون استاد شهید مرتضی مطهری، دکتر سید محمد حسین بهشتی، آیت‌الله محمد مفتح و آیت‌الله محمد جواد باهنر برای تدریس و سخنرانی، تأسیس دورهٔ فوق دیپلم، و تربیت معلم برای مدارس اسلامی، چاپ و نشر کتب اسلامی و ترجمه و نشر کتاب ***الغدیر*** و غیره... از جمله خدمات وجیه‌اللهی است.

وجیه‌اللهی در غروب روز دوشنبه ۲۸ دی ۱۳۶۶ بر اثر سکته قلبی درگذشت.

منبع: «درگذشت حاج ابوالقاسم وجیه اللهی»، کیهان فرهنگی، س. ۴، ش. ۱۱ (بهمن ۱۳۶۶)، ص. ۷۳.

۴۵۷ وحید مازندرانی، غلامعلی

مترجم، مورخ

تولد ۱۲۹۱، ساری.

درگذشت ۱۵ فروردین ۱۳۶۹.

غلامعلی وحید، فرزند مصطفی، در اوایل کودکی پدرش را از دست داد و پس از پایان دوره شش ساله ابتدایی در ساری به تهران رفت و متوسطه را در دارالفنون خواند و پس از فراغت از تحصیل دانشگاهی در وزارت امور خارجه وارد خدمت شد. شش سال در لندن در سفارت ایران کار می‌کرد. پس از آن در تهران نخست به معاونت و پس از آن به کفالت ادارهٔ عهود و امور حقوقی وزارت امور خارجه دست اندر کار شد. آنگاه در کشورهای آمریکا و هندوستان و انگلستان ریاست ادارهٔ پنجم سیاسی و سرکنسولی ایران در بمبئی و وزیر مختار ایران در لندن را عهده داشت و سپس در هندوستان و بعد از آن، اندونزی به سفارت ایران مشغول شد.

تألیفات عمده وی به این شرح است: ***اقتصاد ملی*** (۱۳۱۶)؛ ***ایران و قضیهٔ ایران*** (لرد کرزن)؛ ***بحثی چند در باره انقلابیون این عصر*** (اثر هرولد ج. لسکی، ۱۳۳۱)؛ ***تاریخ اروپا از انقلاب کبیر فرانسه تا هیتلر*** (هربرت فیشر، ۱۳۱۹ ـ ۱۳۲۴)؛ ***تاریخ ایران از ابتدای قرن ۱۹ تا سال ۱۸۵۸م.*** (رابرت کرنت والس، ۱۳۴۱)؛ ***تاریخ هرودت*** (۱۳۲۴)؛ ***تمدن غرب در شرق نزدیک*** (هانس کن، ۱۳۱۶)؛ ***خواستن توانستن است*** (امیل پش، ۱۳۱۳)؛ ***دیپلمات*** (ژول کامبون، ۱۳۲۴)؛ ***راهنمای عهود و عهدنامه‌های تاریخی ایران*** (۱۳۴۱)؛ ***رستاخیز*** (لئون تولستوی، ۱۳۱۲)؛ ***قرارداد ۱۹۰۷م. بین روس و انگلیس*** (۱۳۲۸)؛ ***مازندران و استرآباد*** (هـ ل. رابینو، ۱۳۲۷)؛ ***ممالک متحده آمریکا*** (۱۳۲۴)؛ ***موسولینی*** (۱۳۱۷)؛ ***هند یا سرزمین اشراق*** (۱۳۳۵)؛ ***هیتلر*** (۱۳۱۶).

منابع: *دانشمندان و رجال مازندران* / اسمعیل مهجور، هدایت‌الله مهجور، ص. ۹۱ ـ ۹۲. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۷۲۸ ـ ۷۳۰. «غلامعلی وحید مازندرانی»، آینده، س. ۱۶، ص. ۵۹۸. *چهره‌های آشنا* / به مدیریت حسین قریشی، ص. ۶۴۶ ـ ۶۴۷.

۴۵۸ وطن‌پرست، اسماعیل

مورخ، شاعر

تولد ۱۳۰۱، روستای آشناخور در الیگودرز.

درگذشت بهمن ۱۳۶۴.

اسماعیل وطن‌پرست، فرزند علی محمدخان، پس از فراگیری دروس مقدماتی به همراه خانوادهٔ خویش در شهر تهران اقامت گزید. وطن‌پرست در علوم تاریخ، تاریخ ادبیات، نقد و تصحیح متون تاریخی، تاریخ هنر و تاریخ فلسفه، دارای آثار و مقالاتی است. وی با اسناد و مدارک قاجار آشنایی داشت و در این زمینه کتاب‌های ***سیمای تاریک و روشن امیرکبیر***،

پشتوانه‌های معنوی مردم در طول تاریخ، ترجمهٔ احوال و بیان آثار وزیران قاجاریه، اسناد و مدارک اجتماعی سیاسی دوران قاجار، تاریخ چهارده سالهٔ محمد شاه قاجار و ***خلاصه‌ای از علم عروض*** را به یادگار گذاشته است. وی در انواع شعر طبع خویش آزمود و در غالب غزل و رباعی آثار بسیاری از خویش به جای گذاشته است.

از سال ۱۳۲۹ به کارهای مطبوعاتی پرداخت و مقاله‌های خود را به‌نام‌های مستعار «پرستو» و «هالو» در روزنامه‌های تهران منتشر می‌نمود.

*منابع: **چهرهٔ مطبوعات معاصر**/ غلامحسین صالحیار، ص. ۱۶۹ ــ ۱۷۰. «درگذشت محمود منشی و اسماعیل وطن‌پرست»، کیهان فرهنگی، س. ۲، ش. ۱۱ (بهمن ۱۳۶۴)، ص. ۳۸. **فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز**/ عبدالرفیع حقیقت (رفیع)، ص. ۶۰۳.*

۴۵۹ وهاب‌زاده، عظیم

محقق، مؤلف

تولد ۱۳۰۹، اردبیل.

درگذشت ۲۳ مرداد ۱۳۶۵.

عظیم وهاب‌زاده دورهٔ تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در زادگاه خود به پایان رساند. وی در سال ۱۳۳۰ به دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه تهران راه یافت و در سال ۱۳۴۲ موفق به دریافت دانشنامهٔ دکتری از دانشگاه مذکور گردید. وهاب‌زاده ابتدا در بیمارستان ازگل و سپس در بیمارستان روزبه به آموختن علم روان‌پزشکی پرداخت و با اندوخته‌های علمی خود، طی سال‌ها کار مداوم در بیمارستان ونک در بخش‌های روان‌پزشکی و اعتیاد به مداوای بیماران روانی شتافت. هم‌زمان در دانشگاه آزاد اسلامی ویراستاری کتاب‌های پزشکی را به عهده گرفت. وی در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی به کار آرام علمی اشتغال داشت و نام او با چند پژوهش بین‌المللی در زمینهٔ اعتیاد همراه است. وی پس از انقلاب به کار تدریس و تحقیق در انستیتو روان‌پزشکی تهران پرداخت و هم‌زمان در مرکز نشر دانشگاهی به ویراستاری کتاب‌های پزشکی اهتمام ورزید که ویراستاری ترجمهٔ کتاب ***مختصر روان‌پزشکی*** (برگزیدهٔ چهارمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران) که با تلاش گروهی از مترجمان فراهم گردید، یکی از یادگارهای اوست. از فعالیت‌های علمی و پژوهشی دیگر نامبرده عبارت است از: درج مقالاتی در زمینه‌های علوم رفتاری در مجلهٔ «بازتاب»؛ برنامه‌ریزی در طرح و تنظیم و انتشار ویژه‌نامهٔ «اعتیاد»؛ بنیانگذار نخستین کنگرهٔ نوروپسیکولوژی در ایران در اردیبهشت ۱۳۶۵.

دکتر وهاب زاده در تاریخ ۲۳ مرداد سال ۱۳۶۵ بر اثر ابتلاء به بیماری سرطان درگذشت.

*منبع: **گزارش چهارمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران**.*

۴۶۰ هدایتی، محمد علی

مدرس

تولد ۱۲۹۳.

درگذشت آذر ۱۳۶۵، ژنو.

محمد علی هدایتی، فرزند حاج سید احمد هدایتی، تحصیلات خود را در رشتهٔ حقوق به پایان برد. پس از مراجعت به ایران سال‌ها به تدریس حقوق مدنی در دانشکدهٔ حقوق اشتغال داشت. مدتی هم ریاست آن دانشکده را بر عهده گرفت. چندی هم نمایندهٔ مجلس شورای ملی و وزیر دادگستری بود.

از تألیفات چاپ شدهٔ او می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***آستانهٔ ری؛ آیین دادرسی کیفری*** (۱۳۴۲)

و چند تألیف حقوقی دیگر.

ضمناً خاندان هدایتی سال‌ها پیش از عصر صفوی و بنا به قرائنی از زمان سلاجقه امر تولیت حرم حضرت عبدالعظیم را متکفل بوده‌اند و او خود آخرین فرد از این خاندان بود که این سمت را عهده‌دار گشت و پس از چندی از این کار کناره گرفت.

محمد علی هدایتی به سبب سکتهٔ مغزی در سن هفتاد و دو سالگی در شهر ژنو درگذشت.

منابع: آینده، س. ۱۲، ص. ۸۳۳ عقیلی، عبدالله، «دکتر محمد علی هدایتی»، آینده، س. ۱۳، ص. ۳۵۰ ـ ۳۵۱.

۴۶۱ هومن، محمود

مدرس

تولد ۱۲۸۷، تهران.

درگذشت مهر ۱۳۵۹.

محمود هومن تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران انجام داد. تحصیلات عالیه و مهندسی را نیز در دانشکدهٔ صنعتی ایران و آلمان به پایان رسانید. در سال ۱۳۱۲ تدریس شیمی معدنی و اصول تجزیه‌های شیمیایی شعبهٔ مهندسی شیمی دانشکدهٔ صنعتی دانشگاه تهران را عهده‌دار گردید. از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۲ مدیریت شعبهٔ مهندسی شیمی و استادی اصول تجزیه‌های شیمیایی و شیمی معدنی به‌عهدهٔ وی واگذار شد. در سال ۱۳۲۷ برای تدریس فلسفه و تاریخ قرون اولیهٔ اسلامی به دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تبریز انتقال یافت. بعدها در دانشگاه تربیت مدرس نیز به تدریس فلسفه پرداخت.

از آثار اوست: ***از زندگانی چه می‌دانیم***؛ ***تاریخ فلسفه*** (۱۳۳۷)؛ ***حافظ چه می‌گوید*** (۱۳۱۷)؛ ***زیست یا زندگی*** (در بارهٔ فلسفه، ۱۳۲۴).

منابع: *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*/ خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۱۰۹ ـ ۱۱۰ (به نقل از سالنامهٔ دانشکدهٔ ادبیات تبریز، سال ۱۳۳۰، ص. ۶۱). «محمود هومن»، آینده، س. ۶ ص. ۹۳۳.

فصل پنجم: گروه علوم عملی

۴۶۲ آق‌اولی، محمود

مدرس

تولد ۱۳۰۰، تهران.

درگذشت اسفند ۱۳۷۱.

محمود آق‌اولی تحصیلات ابتدایی را در دبستان ترغیب و متوسطه را در دبیرستان ایران و آلمان به پایان برد و بعد برای ادامهٔ تحصیلات به دانشسرای عالی ــ شعبهٔ ریاضی ــ رفت و در سال ۱۳۲۳ به اخذ درجهٔ لیسانس در ریاضیات عالی نایل آمد. پس از پایان تحصیل مدتی به دبیری ریاضیات در مدرسهٔ ایران و آلمان پرداخت تا آن که در سال ۱۳۲۷ با شغل معاونت کتابخانهٔ دانشکدهٔ علوم اجتماعی تهران به خدمت مشغول شد. در سال ۱۳۳۰ در کنکور اعزام محقق به آلمان برای مدت یک سال شرکت کرد و چون زبان آلمانی می‌دانست در این کنکور شاگرد اول شد و به آلمان رفت. در این سفر با اساتید آلمانی و روش‌های جدید ریاضی آشنا گشت و پس از پایان دورهٔ یکساله به ایران آمد و در کتابخانهٔ دانشکدهٔ علوم به همان شغل قبلی خود به انجام وظیفه پرداخت. دو سال بعد در کنکور دیگری برای اعزام محقق به اروپا مجدداً شرکت نمود و مثل مانند دفعه پیش شاگرد اول شد و به اروپا رفت.

در سفر دوم او یک سال در آلمان به پژوهش و تحقیق پرداخت و بعد چون همسر و فرزندش در فرانسه بودند به پاریس رفت و از آنجا که در زبان فرانسوی نیز متبحر بود وارد دانشگاه پاریس شد و پس از چهار سال تحقیق در دانشگاه پاریس موفق به اخذ درجهٔ دکتری از آن دانشگاه در ریاضیات عالی گردید و به تهران آمد و به گروه ریاضی دانشکدهٔ علوم دانشگاه تهران پیوست و با شغل دانشیاری در آن دانشکده به تدریس پرداخت و ضمناً برای مدت چهار سال دیگر معاونت کتابخانهٔ آن دانشکده را مانند سابق بر عهده گرفت. دکتر آق‌اولی سال‌ها در دانشکدهٔ علوم تهران و دانشکده‌های ریاضی دیگر با تدریس ریاضیات انجام وظیفه می‌کرد تا آن که در سال ۱۳۵۹ با رتبهٔ ده استادی بازنشسته شد. از آثار اوست: ***حساب عددی؛ حساب دیفرانسیل و انتگرال؛ انتگرال‌های چندگانه و آنالیز برداری***. وی مقاله‌هایی را در بارهٔ مسائل ریاضی به رشته تحریر در آورده است.

منبع: انوار، عبدالله، «دکتر محمود آق‌اولی»، آینده، س.۱۹، ص.۵۲۶ـ۵۲۷.

۴۶۳ اجاری، هوشنگ

مدرس، پزشک

تولد ۱۳۱۳، رشت.

درگذشت ۲ مهر ۱۳۷۲، تهران.

دکتر هوشنگ احراری پس از گذراندن تحصیلات متوسطه در رشت، برای ادامهٔ تحصیلات در سال ۱۳۳۰ در رشتهٔ پزشکی وارد دانشگاه علوم پزشکی تهران شد. در سال ۱۳۳۶ موفق به دریافت دکترایِ پزشکی عمومی گردید. وی سپس در بخش جراحی بیمارستان هزار تختخوابی به عنوان رزیدنت مشغول به کار شد و پس از اخذ تخصص جراحی عمومی، در سال ۱۳۴۴ با استفاده از بورس تحصیلی جهت گذراندن دورهٔ فوق تخصص قلب و عروق عازم کشور سوئد گردید و در سال ۱۳۴۶ موفق به دریافت فوق تخصص قلب و عروق از دانشگاه استکهلم شد.

پس از بازگشت به ایران، توانست بخش جراحی عروق را در بیمارستان هزار تختخوابی تأسیس کند و در سال ۱۳۴۷ موفق به انجام نخستین پیوند مصنوعی آئورت در ایران شد.

دکتر احراری عضو آکادمی جراحان بزرگ آمریکا بود و بارها برای شرکت در کنگره‌های علمی در سراسر دنیا به کشورهای مختلف سفر کرد. از وی چند کتاب در زمینهٔ جراحی به یادگار مانده است که به عنوان نمونه می‌توان از کتاب ***جراحی عروق*** و ***سی‌ناکسین جراحی*** نام برد.

منبع: شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور، جلد دوم/ محسن تهرانی‌زاده، بخش یادنامه، و.

۴۶۴ ادیب، محمد حسین

استاد

تولد ۱۲۷۸، تهران.

درگذشت ۱۳۶۳.

محمد حسین ادیب، فرزند خانبابا دکتر ادیب‌الدوله (ناظم مدرسهٔ دارالفنون)، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران به پایان رسانید. پس از آن از مدرسهٔ عالی حقوق به دریافت گواهی‌نامه دیپلم و لیسانس نایل آمد و در رشتهٔ پزشکی نیز به تحصیل پرداخت و به سال ۱۳۰۵ به دریافت دانشنامهٔ دکتری توفیق یافت.

در همان سال برای ادامهٔ تحصیلات به اروپا عزیمت نمود و در دانشکدهٔ پزشکی پاریس به تحصیل مشغول شد.

پس از فراغت از تحصیل به اخذ دانشنامهٔ دکتری نایل آمد و علاوه بر این در رشتهٔ مالاریاشناسی ایتالیا و پزشکی مستعمراتی و بیماری‌های مجاری ادرار و جراحی عمومی و خصوصی و دورهٔ میکروب‌شناسی بنگاه پاستور پاریس و دورهٔ تکمیلی مامائی و در باب آئین‌نامه‌های بهداشتی و قرانتینتی در طب مستعمراتی و اندوسکوپی گواهی‌نامه دریافت نمود.

در مراجعت به ایران عهده‌دار مشاغل ذیل گردید: دبیر دبیرستان دارالفنون، کارمند بنگاه پاستور، استاد دانشکدهٔ پزشکی، رییس بخش بیماری‌های زنان در بیمارستان گوهرشاد حسابی؛ پزشکی قانونی وزارت دادگستری؛ معاون دانشکدهٔ پزشکی؛ کارمند کمیسیون پزشکی فرهنگستان؛ بازرس فنی بیمارستان‌های دانشکدهٔ پزشکی؛ کارشناس وزارت دادگستری؛ در سال ۱۳۱۹ به استادی کرسی پزشکی قانونی منصوب و پس از فوت دکتر حبیبی، استاد کرسی آسیب‌شناسی، تصدی کرسی مذکور نیز به‌عهدهٔ وی محول گردید. دکتر ادیب بعدها به وزارت بهداری نیز رسید.

دکتر محمد حسین ادیب همچنین در مباحث اجتماعی و ادبی نیز فعال بود و سخنرانی‌های وی در کانون ایران جوان در مجموعه سخنرانی‌های آن کانون چاپ شده است.

از آثار اوست: ***پزشکی قانونی*** (۱۳۲۹)؛ ***گروه‌های خون و توارث*** (۱۳۳۸).

*منابع: **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/* خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۶۹۵ـ۶۹۷ (به نقل از *راهنمای دانشگاه*، ج. ۲، ص. ۲). «دکتر محمد حسین ادیب»، آینده، س. ۱۲، ص. ۱۲۱.

۴۶۵ افضلی‌پور، علیرضا

مدرس

تولد ۱۲۹۴، تفرش.

درگذشت ۱۸ فروردین ۱۳۷۲.

علیرضا افضلی‌پور پس از اخذ گواهی‌نامهٔ متوسطه و دیپلم از مدرسهٔ آلیانس و دارالمعلمین مرکزی در سال ۱۳۰۷ جزو محصلین دولتی به اروپا عازم گشت و پس از چهار سال اقامت در نانسی و بردو، به اخذ تصدیق‌نامهٔ لیسانس در علوم و دیپلم تحصیلات عالیهٔ ریاضی موفق گردید و در ظرف دو سال در پاریس از دانشگاه سُربُن رسالهٔ دکترایِ خود را نوشته و در سال ۱۳۱۴ به اخذ درجهٔ دکتری نایل گردید و بلافاصله به ایران بازگشت و به سمت دانشیار علوم ریاضی در دانشسرای عالی انتخاب شد. وی سپس در دانشکدهٔ علوم آنالیز ریاضی به تدریس مشغول شد.

علیرضا افضلی‌پور بنیانگذار دانشگاه کرمان است و به همین مناسبت دانشکدهٔ پزشکی و پیراپزشکی به نام وی نامگذاری شد.

از آثار اوست: ***آنالیز ریاضی اصول نظریهٔ توابع متغیر مختلط*** (دو جلد، تهران، ۱۳۲۸، نشریهٔ شمارهٔ ۵۰ دانشگاه)؛ ***اصول روش‌های ریاضی و آمار*** (تهران، ۱۳۳۵، نشریهٔ شمارهٔ ۴۰۰ دانشگاه)؛ ***اصول نظریهٔ ریاضی احتمالی*** (تهران، ۱۳۳۵، نشریهٔ شمارهٔ ۳۲۱ دانشگاه)؛ ***حساب سال اول و دوم دبیرستان‌ها*** (با مشارکت ابوالقاسم نراقی، تهران، ۱۳۱۹)؛ ***روش‌های آماری در آموزش و پرورش*** (تهران، ۱۳۱۹).

دکتر علیرضا افضلی‌پور پس از یک بیماری طولانی در هفتاد و هشت سالگی در سال ۱۳۷۲ درگذشت.

*منابع: **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/* خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۱۳۰ ـ ۱۳۱. «درگذشت مؤسس دانشگاه کرمان، علیرضا افضلی‌پور»، نامهٔ فرهنگ، س. ۳، ش. ۱، ص. ۲۱۳.

۴۶۶ باستان، نصرت‌الله

مدرس، پزشک، ادیب

تولد ۱۲۸۲.

درگذشت آذر ۱۳۶۱.[1]

نصرت‌الله باستان تحصیلات مقدماتی خود را در مکتب و نزد میرزا علی اکبر و با خواندن عم جزء آغاز کرد. پس از مدتی مکتب را ترک گفت و به مدرسهٔ صفائیه و سپس به مدرسهٔ تربیت رفت. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی وارد دارالفنون شد (شرح این بخش در کتاب *افسانه زندگی* آمده است). سپس وارد خدمات دولتی شد و در نقلیه قشون مشغول به کار شد. در سال ۱۳۰۷ در میان اولین گروه محصلین اعزامی به اروپا رفت. در شهر بردو فرانسه مشغول به تحصیل شد و بالاخره پس از هفت سال اقامت در کشور فرانسه، و گذراندن دورهٔ دکترایِ دانشگاه پاریس در سال ۱۳۱۵ به تهران مراجعت کرد. در همان موقع در بیمارستان‌های سینا و شهرداری مشغول به چشم‌پزشکی شد. کتابی در شش صد صفحه تحت عنوان ***بیماری‌های چشم و درمان آن***

۱. در *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* تاریخ تولد دکتر نصرت‌الله باستان ۱۳۶۲ درج شده است.

نوشت. وزارت فرهنگ این کتاب را به چاپ رسانید. سپس به ریاست بخش چشم پزشکی بیمارستان وزیری منصوب شد و در سال ۱۳۲۸ به مقام استادی کرسی بالینی چشم‌پزشکی نایل آمد و در این سمت بعدها به بخشی از بیمارستان هزار تختخوابی (این بیمارستان به امام خمینی تغییر نام داده است) منتقل شد و از شرکای بیمارستان مهر در تهران شد. اثر دیگر دکتر باستان در زمینهٔ پزشکی ***نازایی و فرزندزیادی*** (۱۳۴۸) است.

دکتر باستان بخشی از کتاب ***افسانه زندگی*** یا ***خواب پریشان*** (۱۳۴۴) را به شرح گذشته و حکایت دوران مدرسه اختصاص داد و در بخش دیگر به خیال‌پردازی در بارهٔ آینده و مرگ پرداخت (اقتباسی از ***کمدی الهی*** دانته، نویسندهٔ ایتالیایی). کتاب دیگر او ***چل تیکه*** (۱۳۵۱) حاوی ۴۵ قطعه طنزآلود از ماجراهای زندگی خود اوست. از آثار دیگر اوست: ***اورام ملتحمه*** (۱۳۱۵)؛ ***بیماری‌های گوش و حلق و بینی و حنجره*** (با همکاری دکتر مصطفی بهشتی شیرازی، جلد اول، تهران، ۱۳۲۷)؛ ***تراخم*** (با همکاری دکتر حمید محسنین و دکتر سهراب داروگر، جلد اول، تهران، ۱۳۴۱)؛ ***چشم و بیماری‌های آن*** (تهران، ۱۳۳۵)؛ ***کیمیاپزشکی***. دکتر باستان در سال ۱۳۲۳ نیز نشریهٔ «باستان» را منتشر می‌کرد.

منابع: فرهنگ داستان‌نویسان ایران/ حسن عابدینی، ص.۴۲. *زندگینامهٔ مشاهیر رجال پزشکی معاصر ایران (۱)/* دکتر محمد مهدی موحدی، ص.۲۱۹ـ۳۲۱. *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/* خانبابا مشار، جلد ششم، ص.۵۶۲ـ۵۶۳. *زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ـ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد دوم، (ب ـ ث)/* حسن مرسلوند، ص.۱۰. «دکتر نصرت‌الله باستان»، آینده، ج.۸، ص.۸۳۸ـ۸۴۲.

بختیاری، عبدالله **۴۶۶/۱**

کارتوگراف

تولد ۱۳۰۶، تهران.

درگذشت ۱۵ آبان ۱۳۶۲، تهران.

عبدالله بختیاری دوران تحصیلی و شغلی خود را در تهران به پایان رسانید و به اخذ دیپلم نایل گشت. در سال ۱۳۲۷ در ادارهٔ فرهنگ وقت رسماً به سمت آموزگاری استخدام گشت و پس از گذشت سی سال، خدمات آموزشی در آن اداره به درجهٔ بازنشستگی نایل آمد.

عبدالله بختیاری در نوروز سال ۱۳۵۲ که سالهای پایانی خدمات آموزشی را سپری می‌کرد اقدام به تأسیس و بنیانگذاری سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی جهان (گیتاشناسی) نمود. محل تأسیس ابتدا در محل مسکونی وی در خیابان ایران کنونی بود.

وی ابتدا اقدام به تهیه و انتشار اولین نقشه از شهر تهران به متن انگلیسی نمود زیرا تعداد هتل‌ها و جهانگردان آن زمان قابل توجه بود و هر تازه‌واردی که به تهران وارد می‌شد اقدام به خرید یک نقشه می‌نمود. وی در آنها با علاقهٔ خاصی اقدام به تهیهٔ وسایل نقشه‌کشی به‌صورت سنتی و دستی می‌نمود.

دومین اثر بختیاری ترجمهٔ نقشهٔ انگلیسی به فارسی بود که با نام مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی جهان منتشر گشت (برای ثبت نام مؤسسه جهان اقداماتی انجام شد که به‌علت مغایرت و تکرار نام "جهان" موفق نگشت) و نام آن به سازمان گیتاشناسی از تاریخ سال ۱۳۵۶ به‌صورت رسمی تغییر یافت.

عبدالله بختیاری در سالهای نخست فعالیت خود بیست و یک نقشه را زیر نظر و با کوشش و راهنماییهای همیشگی خویش نسبت به فرزندان خود تهیه و منتشر نمود. در سال ۱۳۵۵ اطلس

آموزشی کامل گیتاشناسی را آغاز نمود و پس دو سال تلاش مستمر و هزینهٔ گزاف در اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ اولین *اطلس آموزشی* منتشر گشت. جایگاه اطلس فوق تاکنون در محافل علمی و آموزشی کشور از نظر کیفیت و دقت تهیه حفظ شده است. اطلس فوق سرآغازی برای فعالیتهای بیشتر و تدوین کتاب علمی و نقشه‌ها گشت. در همین زمان بود که کتابی دیگر تحت عنوان *گیتاشناسی کشورها* به چاپ رسید که نقطهٔ عطفی در تاریخ فعالیتهای فرهنگی این مؤسسه به‌شمار می‌رفت.

از مهمترین اقدامات دیگر عبدالله بختیاری در سال ۱۳۵۹ بود که برای اولین بار همکاری مشترکی با یک شرکت دانمارکی صورت پذیرفت. این اقدام شامل تهیه و ترجمهٔ کره‌های جغرافیایی به خط فارسی بود که شامل یک سری کره (طبیعی - سیاسی) در اندازه‌های مختلف با انواع پایه‌ها ساخته شد که به سرعت تعدادی محدود از آنها وارد شد و توزیع گشت.

در ابتدای سال ۱۳۶۲ بود قصد داشت که «نقشهٔ تهران بزرگ» در مقیاس ۱:۱۰،۰۰۰ در پانزده شیت چاپ نماید که متأسفانه بر اثر سکتهٔ مغزی درگذشت.

سازمان گیتاشناسی هم اکنون به دست فرزندان ایشان هدایت می‌شود.

منبع: برگرفته از شرح حالی که سعید بختیاری فرزند ارشد مرحوم محمد بختیاری در اختیار محققان کتاب گذاشت.

پاکروان، سید روح‌الله ۴۶۷

مدرس

تولد ۱۳۰۱، خوی.

درگذشت ۱ شهریور ۱۳۷۲، تهران.

سید روح‌الله پاکروان تحصیلات مقدماتی خود را تا کلاس دوم دبیرستان در زادگاه خود به انجام رساند و برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت نموده و موفق به اخذ دیپلم علمی گردید.

وی در سال ۱۳۲۹ به دریافت مدرک لیسانس در رشتهٔ فیتوپاتولوژی از انستیتوی آکرونومیک فرانسه گردید و در سال ۱۳۳۸ موفق به اخذ درجهٔ دکترایِ میکروبیولوژی از دانشگاه سُربُن فرانسه شد، و دورهٔ تخصصی خود را در رشتهٔ ایزوتوپ‌ها و اثرات آن بر میکروب‌ها در مرکز اتمی فرانسه در سال ۱۳۴۰ به پایان رساند.

دکتر سید روح‌الله پاک‌روان از نخستین کسانی بود که محیط‌های کشت میکروبی را در ایران با استفاده از امکانات محدود آن زمان تهیه نمود و شاگردان زیادی را نیز در این زمینه تربیت کرد.

منبع: *شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور*، جلد اول/ تهیه و تدوین محسن تهرانی‌زاده، ق.

پاک‌نژاد، سید رضا ۴۶۸

پزشک، مؤلف

تولد ۱۳۰۳، یزد.

شهادت ۷ تیر ۱۳۶۰، تهران.

سیدرضا پاک‌نژاد، فرزند سید ابوالقاسم، پس از اخذ دیپلم در رشتهٔ طبیعی، زمانی را به تجارت و روزگاری را به دبیری دبیرستان ایرانشهر یزد گذراند. از آن پس چون به علم پزشکی علاقه داشت تحصیلات خود را تا درجهٔ دکترایِ طب به پایان رسانید. وی پیش از انقلاب اسلامی، علاوه بر آموزگاری، ریاست بهداری و ریاست هیئت مدیرهٔ یک بیمارستان در یزد را بر عهده داشت. پس از انقلاب مدتی استاد دانشسرای عالی یزد بود. مشاغل دیگر او عبارتند بودند از: ریاست بهداری سازمان بیمه‌های اجتماعی؛ ریاست

هیئت مدیرهٔ گروه فرهنگی علوی در یزد و ریاست مرکز پزشکی شمارهٔ یک یزد.

دکتر پاک‌نژاد ذوق ادبی داشت و گاهی به سرودن اشعار می‌پرداخت. از تألیفاتش می‌توان به کتابهای ***اولین دانشگاه و آخرین پیامبرو*** ***تقویم قهقهرایی دوهزار سال*** اشاره نمود. وی همچنین مقاله‌های متعددی برای روزنامه‌ها و مجله‌ها به رشته تحریر درآورده است.

دکتر پاک‌نژاد در اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی به عنوان نمایندهٔ مردم یزد فعالیت داشت. وی در هفتم تیر ماه ۱۳۶۰ در حادثهٔ بمب‌گذاری حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید. مدفن وی در یزد قرار دارد.

منابع: تذکرهٔ شعرای یزد/ عباس فتوحی یزدی، ص.۱۷۵. *نگرشی به اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی*/ روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ص.۳۱۶.

۴۶۹ توسلی فرید، مهدی

پزشک جراح

تولد ۱۳۱۵.

درگذشت ۱۲ مهر ۱۳۷۲، آمریکا.

مهدی توسلی فرید در سال ۱۳۴۰ از دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و در سال ۱۳۴۱ ایران را به قصد ادامهٔ تحصیل در آمریکا ترک کرد. ابتدا در دانشگاه کمبریج ماسوچوست و سپس در کلرادو و شیکاگو در رشتهٔ طب داخلی و پاتولوژی دوره‌هایی را گذراند. در سال ۱۳۴۳ به ماسوچوست بازگشت و در بوستون در بیمارستان کارنی دورهٔ رزیدنتی را طی کرد. در سال ۱۳۴۵ کارش را در زمینهٔ تحقیقاتی هماتولوژی در مرکز پزشکی تافت در نیوانگلند پایه گذارد و مدتی هم در MIT در بخش بیولوژی کارآموزی و مطالعه کرد. در سال ۱۳۵۱ از تافت به کلینیک و مرکز تحقیقاتی اسکرپیس در لاهویا ــ کالیفرنیا منتقل شد و تا سال ۱۳۶۰ در این مرکز فعالیت می‌کرد. سال ۱۳۵۶ مدتی به‌عنوان استاد میهمان در بیمارستان بیستر[1] پاریس مشغول بود. در سال ۱۳۶۰ از سوی مرکز پزشکی .V.A به جکسون میسی‌سی‌پی برای کار دعوت شد و تا پایان عمر در آنجا فعال بود.

او از پیشگامان پیوند مغز استخوان است و کشفیات علمی وی راهگشای بسیاری از محققان کنونی خون‌شناسی در دنیاست. بیش از ۴۰۰ مقاله و سخنرانی علمی و تحقیقی نوشت که در نشریات علمی منتشر شد. شش کتاب در زمینهٔ کار تخصصی خود نوشت و در تصنیف چندین اثر علمی بیش از بیست فصل سهیم بود. دکتر توسلی فرید در نه نشریه علمی در شورای سردبیری عضو بود. از وی کتاب فارسی ***فقرعلوم*** در سال ۱۳۶۶ در ایران منتشر شد.

یکی از آخرین کارهای او مقاله‌ای بود که هفته قبل از درگذشتش در مجلهٔ پزشکی «Blood» انتشار یافت. وی به‌عنوان محقق میهمان و سخنران در بسیاری از کنفرانس‌های پزشکی در کشورهای مختلف حضور داشت. در سال ۱۳۷۱ از طرف دانشگاه شهید بهشتی برای شرکت و سخنرانی در کنفرانس خون شناسی دعوت شد که در آن حضور یافت.

پیکر دکتر مهدی توسلی فرید بنا به وصیتش در ایران به خاک سپرده شد.

منبع: شهاب، علی، «یاد دوست»، کلک، ش.۴۳ ــ ۴۴ (مهر و آبان ۱۳۷۲)، ص.۱۲۶ ــ ۱۲۷.

1. Hôpital Bicêtre

حسابی، محمود ۴۷۰

محقق، فیزیکدان

تولد ۱۲۸۱، تهران.

درگذشت ۱۲ شهریور ۱۳۷۱، ژنو.

محمود حسابی، فرزند عباس معزالسلطنه اهل تفرش، در سن چهار سالگی که سفارت ایران در بغداد به پدر بزرگ ایشان واگذار شده بود به همراه خانواده به آن شهر رفت. پس از دو سال اقامت در بغداد به همراه خانواده به دمشق رفت و پس از یک سال به شهر بیروت عزیمت نمود. در سن هفت سالگی در مدرسهٔ فرانسوی در بیروت به طور شبانه‌روزی مشغول به تحصیل شد.

محمود حسابی تحصیلات ابتدایی را در همان مدرسه به پایان رسانید. با آغاز دورهٔ متوسطه که مقارن با شروع جنگ جهانی اول بود مدرسهٔ فرانسویان در بیروت تعطیل شد و از آن پس در منزل از یک معلم خصوصی درس گرفت و از مادر زبان فارسی آموخت و از جمله قرآن، گلستان و بوستان سعدی و غزلیات حافظ و منشأت قائم مقام فراهانی را مطالعه نمود. وی پس از دو سال برای ادامهٔ تحصیل به مدرسهٔ آمریکایی بیروت وارد شد. ابتدا به دلیل عدم آشنایی به زبان انگلیسی وی را در کلاس اول ابتدایی ثبت نام کردند ولی در آخر سال تحصیلی، زبان انگلیسی را به‌خوبی فرا گرفت و در امتحانات عمومی مدرسه شرکت و مربیانش پذیرفتند که به کلاس پنجم ارتقا یابد. پس از آن در کالج امریکایی بیروت ثبت نام کرد. وی موفق شد که پس از اتمام کالج تحصیلات عالی خود را شروع کند. در سال ۱۲۹۹ لیسانس علوم و ادبیات خود را از آنجا دریافت کرد. سپس در دانشکدهٔ مهندسی بیروت به تحصیل مشغول شد و مدرک مهندسی راه و ساختمان خود را از آن مدرسه در سال ۱۳۰۱ دریافت کرد. وی همچنین به تحصیل علوم پزشکی و نجوم و ریاضی در دانشگاه آمریکایی بیروت پرداخت و در رشته‌های زیست‌شناسی و برق به تحصیل مشغول شد. وی سپس در سال ۱۳۰۵ در مدرسهٔ عالی معدن در پاریس مدرک خود را دریافت و در سال ۱۳۰۶ دکترای فیزیک خود را از دانشگاه سُربُن پاریس اخذ نمود. از جمله فعالیت‌های وی پیش از آن که به ایران باز گردد، می‌توان به این موارد اشاره کرد: تعیین نقشهٔ راه‌های لبنان، ۱۹۲۱ م.؛ انجام وظیفه به عنوان مهندس راه و ساختمان در ادارهٔ راه سوریه، ۱۳۰۲؛ مهندسی برق در راه‌آهن برقی دولتی فرانسه، ۱۳۰۴. دکتر حسابی در سال ۱۳۰۶ به ایران بازگشت و در ابتدا در وزارت فواید عامه از دی ماه همان سال استخدام گردید. از جمله فعالیت‌های وی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: تأسیس مدرسهٔ مهندسی وزارت راه و تدریس در آن در سال ۱۳۰۷، نقشه‌کشی و نقشه‌برداری راه‌های ساحلی ایران میان بنادر خلیج فارس از بوشهر تا بندر لنگه در سال ۱۳۰۷؛ تأسیس دارالمعلمین عالی (دانشسرای عالی) (۱۳۰۷)؛ ایجاد اوّلین ایستگاه هواشناسی (۱۳۱۰)؛ تأسیس اولین بیمارستان خصوصی ایران (گوهرشاد)، ۱۳۱۲؛ تهیه نقشه راه تهران به شمشک؛ نصب و راه‌اندازی اوّلین دستگاه رادیولوژی کشور (۱۳۱۰)؛ شروع واژه‌گزینی علمی (۱۳۱۲)؛ تأسیس و همکاری در قانونگذاری دانشگاه تهران (۱۳۱۳)؛ تأسیس دانشکدهٔ فنی (۱۳۱۳) و به‌عهده گیری ریاست آن تا سال ۱۳۱۵ و تدریس در آن؛ تأسیس دانشکدهٔ علوم (۱۳۲۱، وی خود ریاست آن را به‌عهده گرفت و به تدریس فیزیک در آن پرداخت)؛ تأسیس نخستین رصدخانهٔ برای پی‌گیری اطلاعات ارسالی از ماهواره‌ها در شیراز؛ تعیین ساعت ایران؛ تأسیس مؤسسهٔ ژئوفیزیک دانشگاه تهران؛ تأسیس مرکز اتمی ایران؛ پایه‌گذاری اولین مدارس عشایری، کردستان، ۱۳۳۰؛ اولین رییس هیئت مدیرهٔ خلع ید از شرکت نفت

انگلیس در دوران نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق؛ مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران؛ وزیر فرهنگ در دولت دکتر محمد مصدق؛ تدریس در دانشگاه تا سن نود سالگی؛ عضو دائمی شورای اتمی شیکاگو؛ عضو آکادمی علوم نیویورک؛ عضو پیوستهٔ شورای دانشگاه؛ عضو شورای عالی فرهنگ؛ عضو انجمن اصطلاحات علمی؛ رییس انجمن پژوهش فضای ایران (هنگام تشکیل آن)؛ رییس انجمن ژئوفیزیک ایران (هنگام تشکیل آن)؛ پایه‌گذاری انجمن موسیقی ایران؛ تشکیل فرهنگستان زبان ایران؛ تدوین قانون و تشکیل مؤسسهٔ استاندارد؛ تحقیق و مطالعات علمی در دانشگاه‌های جهان در کنار دانشمندانی نظیر پروفسور انیشتن، شرودینگر، بورن، فرمی و چند فیزیکدان دیگر و تبادل نظر با برتراند راسل و آندره ژید. وی تنها ایرانی شاگرد پروفسور آلبرت انیشتن بود و با زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و عربی آشنایی و نسبت به زبان‌های سانسکریت، یونانی، لاتین، پهلوی، اوستا، ترکی و ایتالیایی اشراف داشت؛ علاوه بر نگارش مقاله‌ها و رساله‌هایی و قرائت برخی از آنها در کنفرانس‌های بین‌المللی، از جمله تألیفات وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***حساسیت سلول‌های فتو الکتریک***؛ ***رساله راه ما*** به زبان فرانسوی، ۱۹۳۵ م.؛ ***نام‌های ایرانی*** (۱۳۲۹)؛ ***فیزیک جدید و فلسفهٔ ایران باستان*** (۱۳۴۳)؛ ***توانایی زبان فارسی*** (۱۳۵۰)؛ کتاب ***فیزیک*** دورهٔ اوّل متوسطه (۱۳۱۸)؛ ***دیدگانی فیزیک*** (مبحث تداخل و پراش نور؛ گردآورنده نیرهٔ حمزه و مهدی خاتمی، جلد اول، ۱۳۴۱، نشریهٔ ۷۲۴ دانشگاه)؛ ***الکترودینامیک***؛ ***فیزیک***؛ ***نگرهٔ کاهنربایی***؛ ***فیزیک حالت جامد***؛ ***دیدگانی کوانتیک***؛ ***دارالفنون امریکایی بیروت*** (بیروت، ۱۹۲۴ م.).

در سال ۱۳۶۶ در کنگرهٔ شصت سال فیزیک ایران، از خدمات دکتر حسابی به عنوان «پدر فیزیک نوین ایران» قدردانی شد؛ جوایز دیگر استاد عبارتند از: استاد ممتاز دانشگاه تهران، ۱۳۵۰؛ دریافت نشان افتخار «کومان دو لژیون دونور»، بالاترین نشان علمی فرانسه، به مناسبت ارائهٔ فرضیه بی‌نهایت بودن ذرات؛ نامزدی دکتر حسابی به عنوان مرد سال از سوی مؤسسهٔ زیست‌نگاری بین‌المللی (آمریکا).

پروفسور محمود حسابی در ۱۲ شهریور سال ۱۳۷۱ هنگام معالجهٔ بیماری قلب در بیمارستان دانشگاه ژنو به‌درود حیات گفت.

منابع: آبی، بیژن. «با دکتر محمود حسابی، پدر فیزیک نوین ایران»، اطلاعات علمی، س.۵، ش.۲۱ (۱۵ دی ۱۳۶۹)، ص.۲۷ ــ ۴۰. ***وزرای آموزش و پرورش ایران؛ وزرای معارف ایران***/ احمد عبدالله‌پور، چاپ دوم، ص.۱۷۹ ــ ۱۸۴. ***فرهنگ واژگان انگلیسی به فارسی***/ پژوهش و نگارش محمود حسابی، (حاوی زندگی‌نامهٔ دکتر محمود حسابی). ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد ششم، ص.۲۳ ــ ۲۴. ***زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ ــ ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد سوم، (ج ــ ژ)***/ حسن مرسلوند، ص.۶۰ ــ ۸۸. بروشور مشترک انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و دانشگاه تهران به مناسبت مراسم یادبود دکتر حسابی (۱۳۷۳/۶/۱۳).

مدرس

درگذشت ۳ آبان ۱۳۷۰.

محمد علی حفیظی پس از تشکیل سازمان نظام پزشکی ایران، به همراهی عده‌ای از استادان و صاحب‌نظران در تنظیم قانون نظام پزشکی شرکت کرد. در اولین دورهٔ انتخابات نظام پزشکی به عنوان نمایندهٔ تهران در سازمان مرکزی برگزیده شد و در همان دوره به عنوان سردبیر سازمان نظام پزشکی ایران از طرف منتخبین انتخاب گردید. دکتر حفیظی در همه انتخابات سازمان پزشکی شرکت می‌کرد.

دکتر حفیظی مدت هفده سال به عنوان سردبیر کل سازمان نظام پزشکی (از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۶۵) بود. از آثار اوست: ***راه‌های دانشکدهٔ پزشکی***. وی همچنین مدتی سردبیر «نامهٔ دانشکدهٔ پزشکی» بود.

دکتر حفیظی در سال ۱۳۴۲ به معاونت دانشکدهٔ پزشکی رسید و در سال ۱۳۴۵ به ریاست دانشکدهٔ پزشکی رسید.

منابع: «ثبت است بر جریده عالم...»، احمد جلیلی. کلک، ش. ۴۳ـ۴۴، ص. ۱۲۴ـ۱۲۳ (در بارهٔ استاد دکتر محمد علی حفیظی). بهادری، مسلم، «دکتر محمد علی حفیظی»، آینده، س. ۱۷، ص. ۸۷۰ـ۸۷۴.

۴۷۲ راد، احمد

مترجم

تولد ۱۳۱۵ ق..

درگذشت ۱۳ مرداد ۱۳۶۳، تهران.

احمد راد ملقب به بصیردیوان، فرزند حاج میرزا مصطفی، بود. چهارده ساله بود که پدرش درگذشت و ادارهٔ خواهر، مادر و برادر به عهدهٔ او گذاشته شد. او ناگزیر بود که هم درس بخواند و هم معلمی کند. تحصیلات خود را در مدرسهٔ علمیه در باغ نگارستان ـ سپس در مدرسهٔ آلیانس فرانسه طی نمود. به هنگام تحصیل در این مدرسه و تکمیل تحصیلات به شغل معلمی هم پرداخت و این شغل را پس از اتمام تحصیلات ادامه داد و در مدارس ملی به کار تدریس مشغول شد. پس از مدتی به خدمت وزارت معارف درآمد و مأموریت‌هایی را به شهرهای رشت، شیراز و مشهد عهده‌دار شد. در ضمن مأموریتِ رشت بود که تصمیم گرفت به جنگل کسما برود. در آنجا به سراغ میرزا کوچک‌خان جنگلی رفت و میرزا او را مأمور دریافت گمرک انزلی کرد. وی بدون چشم‌داشت به درآمد گمرک وظایف خود را انجام داد. پس از آن، به معلمی پرداخت. همچنین معاون و سپس رییس فرهنگ شهرستان‌ها، بازرس عالی وزارتی، رییس آموزش ابتدایی نیز شد. از سال ۱۳۱۷ تا سال ۱۳۵۸ که به‌علت ناتوانی خود کناره‌گیری کرد مستوفی مدرسهٔ شهید مطهری (سپهسالار سابق) بود.

احمد راد مقاله‌های بسیاری را از فرانسه ترجمه کرده است که بیشتر آنها در مجلهٔ «یغما» به چاپ رسیده است. برخی از عنوان‌های آنها به شرح زیر است: «زندگی شگفت‌انگیز موریانه»؛ «گردباد حیرت‌انگیز جهان»؛ «جهانی که در آن زندگی می‌کنیم»؛ «ساعت چند است»؛ «از هر خرمنی خوشه‌ای»؛ «از اتم چه می‌دانیم»؛ «انسان برتر از انسانها»؛ «کشف زبان حیوانات»؛ «از سنجاب تقلید نکنید»؛ «پیدایش حیات بر روی زمین»؛ «یک ماشین الکترونیک در مغز بشر»؛ «دستورهایی برای صد سال عمر کردن»؛ «پیروزی بزرگی در زیست‌شناسی»؛ «چرا جان کلن به خدا ایمان آورد»؛ «نسخه‌ای برای گوارا کردن زندگی»؛ «صد سال عمر کنید با نشاط جوانی»؛ «خواب دیدن از نظر علمی»؛ «زخم چگونه التیام می‌پذیرد»؛ «درسی که آموختم»؛ «آیا رمز وراثت کشف شده است»؛ «پیروزی‌های تازه در کشف اسرار مغز»؛ «آیا عمر آدمی به ۱۵۰ سال خواهد رسید»؛ «از حیوانات هواشناسی بیاموزیم»؛ «ترقی معجزه‌آسای ژاپن»؛ «خطرات فرود آمدن بر روی ماه»؛ «نیوتن»؛ «تعیین ارزش اصول اخلاقی هر نسل»؛ «تولد عیسی»؛ «آگهی دل از آینده»؛ «چرا با بینی نفس می‌کشید»؛ «حدود قوهٔ ادراک آدمی»؛ «ممکن است شما جوانتر از آن باشید». از احمد راد بیش از سی اثر به یادگار مانده است.

منابع: «احمد راد پیر فرهنگ درگذشت»، کیهان فرهنگی، ش. ۵ (مرداد ۱۳۶۴)، ص. ۳۶ـ۳۷. «احمد راد»، آینده، س. ۱۱، ص. ۷۳۶. *زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ـ۱۳۲۰)*

هـ ش.)، جلد سوم، (ج ـ ژ)/ حسن مرسلوند، ص. ۲۷۲ ـ ۲۸۹. «شرح احوال احمد راد»، س. ۲۱، ش. ۸ (آبان ۱۳۴۷)، ص. ۴۴۴ ـ ۴۵۰؛ ش. ۹ (آذر ۱۳۴۷)، ص. ۵۱۰ ـ ۵۱۴؛ ش. ۱۰ (دی ۱۳۴۷)، ص. ۵۸۵ ـ ۵۸۷.

۴۷۳ رزم‌آرا، حسینعلی

مؤلف، محقق

تولد ۱۲۷۲.

درگذشت اردیبهشت ۱۳۶۴.

حسینعلی رزم‌آرا، فرزند محمد، تحصیلات خود را در دبستان‌های رشیده، اقدسیه، الیانس فرانسه و دبیرستان نظام تهران گذراند. سپس از دانشکدهٔ علوم جغرافیایی فرانسه و دانشگاه جنگ تهران فارغ‌التحصیل شد. وی به زبان فرانسوی و انگلیسی و روسی آشنایی داشت.

حسینعلی رزم‌آرا از آبان ۱۳۲۷ تا مهر ۱۳۳۲ رییس دایرهٔ جغرافیایی ارتش بود. از جمله فعالیت‌های وی در دورهٔ ریاست می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: چاپ و انتشار ***راهنمای ایران*** (۱۳۳۰) ***راهنمای تهران*** (۱۳۳۲) و ***راهنمای همدان***؛ نقشه‌برداری از شهرری به مقیاس ۱:۲۰۰۰ و شهر رشت؛ عکس‌برداری هوایی و تهیه نقشه از منطقهٔ جنگی لاجیم و بستر زاینده رود؛ تهیهٔ نقشه‌های برجسته از ایران و آذربایجان و فلات ایران و تهران و دماوند و منجیل و قافلان کوه و همدان و الوند. و از همهٔ اینها مهم‌تر در زمینهٔ جغرافیا تهیه و چاپ ***فرهنگ جغرافیایی ایران*** در یازده جلد (یک جلد برای استان مرکزی و ده جلد برای ده استان آن روز کشور).

رزم‌آرا که قدیمی‌ترین افسر نقشه‌بردار ایران به شمار می‌رفت، با وجود آنکه نقشه‌برداری را با روش‌های قدیمی از وت، معلم آلمانی دارالفنون آموخته بود، در سال ۱۳۲۶ به مدت دو سال به اروپا رفت و در مؤسسهٔ جغرافیای ملی فرانسه به نوآموزی پرداخت و سخت تحت تأثیر روش‌های جدید فوتوگرافی (تبدیل عکس هوایی به نقشه) واقع شد به طوری که پنج افسر نقشه‌بردار مجرب را برای نوآموزی به همان مؤسسه فرستاد. او همچنین دو افسر دیگر را هم فرستاد که در برگشت به دایرهٔ جغرافیایی از لحاظ آموزش‌های لازم به کارمندان فنی کمک برسانند. در نتیجهٔ تلاش‌های مستمر ایشان بود که بالاخره در سال ۱۳۳۱ دو دستگاه مولتی پلکس و یک دستگاه چاپ نقشه در دایرهٔ جغرافیایی ارتش به کار افتاد و تبدیل عکس به نقشه که جهشی بزرگ در امر نقشه‌برداری به شمار می‌رفت عملاً امکان‌پذیر شد.

حسینعلی رزم‌آرا همچنین در دانشکدهٔ افسری آن زمان به تدریس نقشه‌برداری پرداخت. وی در سال ۱۳۵۲ در نخستین کنگرهٔ جغرافیدانان ایران حضور داشت.

از جمله تألیفات حسینعلی رزم‌آرا می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***مرآة البلدن یا تشریح طبی*** (۱۳۲۸)؛ ***نقشه‌برداری***؛ ***فرهنگ جغرافیایی ایران*** (با همکاری چند نفر، ده جلد، ۱۳۳۲)؛ ***راهنمای ایران*** (۱۳۳۰)؛ ***بوصلة القبلة، فتاوی و تفاریظ*** (۱۳۳۴)؛ ***بوصلة القبلة*** (فارسی و عربی؛ ترجمهٔ سید کاظم آذری به زبان عربی، ۱۳۳۵)؛ ***راهنمای شهر تهران*** (با همکاری چند نفر، ۱۳۳۰)؛ ***راهنمای همدان*** (با همکاری چند نفر، ۱۳۳۱)؛ ***طریقهٔ زندگی در جامعه***؛ ***فهرست نشریات دایرهٔ جغرافیایی ارتش*** (۱۳۳۸)؛ ***قبله‌نما*** (عربی، ترجمهٔ دکتر موسی حکمت به زبان عربی، ۱۳۳۲)؛ ***قبله‌نما*** (۱۳۳۲)؛ ***متد رزم‌آرا*** (۱۳۲۸)؛ ***نجوم برای همه*** (ماکسول راید، ۱۳۳۵).

اختراعات وی به این شرح هستند: دستگاه آموزش عملیات نقشه‌برداری؛ قبله‌نمای رزم‌آرا؛

سمت‌نمای نابینایان.

منابع: دایرةالمعارف زرین / چاپ ۱۳۶۰. *جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی* / تألیف دکتر محمد حسن گنجی، ص.۴۴۶ *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی* / خانبابا مشار، جلد دوم، ص.۹۳۰ـ۹۳۲. «حسینعلی رزم‌آرا»، آینده، س.۱۲، ص.۲۸۷.

۴۷۴ زارع، کیخسرو

معمار

تولد ۱۲۹۳، تهران.

درگذشت ۵ دی ۱۳۷۲، آلمان.

کیخسرو زارع در تهران در خانوادهٔ سنتی زرتشتی به دنیا آمد. موفقیت درسی او در دبیرستان باعث شد که موفق به دریافت بورس تحصیلی برای اروپا بشود. در پاییز ۱۳۱۲ عازم انگلستان شد. بعد از یک سال زندگی در لندن در خانهٔ یک کشیش مسیحی عازم شهر لیورپول شد تا معماری بخواند. در بازی‌های المپیک سال ۱۳۱۵ در برلین از دانشجویان ایرانی بود که به دعوت آلمان به برلین رفتند و در همان مسافرت مقدمات ادامهٔ تحصیل او در آلمان فراهم شد. در سال ۱۳۱۶ در دانشگاه برلین شروع به تحصیل کرد و در سال ۱۳۲۰، یعنی دو سال پس از آغاز جنگ جهانی دوم، فارغ‌التحصیل شد.

در طول جنگ جهانی دوم، در برلن به‌عنوان معمار (آرشیتکت) کار کرد و بعد از پایان جنگ در همان شهر یک شرکت مقاطعه‌کاری تأسیس کرد. ولی ایرانیانی که مجبور شده بودند جنگ را در آلمان بگذرانند مایل به بازگشت به ایران بودند و مهندس زارع در سال ۱۳۲۶ موفق به بازگشت به کشور شد.

در تهران به ریاست ادارهٔ ساختمان دانشگاه تهران منصوب شد. عملیات ساختمانی زایشگاه مادران و نوزادان شیر و خورشید سرخ را در جنوب تهران به پایان رساند و در ۱۳۳۹ برای شرکت در یک سمینار ساختمان‌های ضد زلزله به ژاپن رفت.

با تجربیات حاصله از این سمینار است که عملیات بازسازی ده‌رودک را که در زلزلهٔ ۱۳۴۱ خراب شده بود، اداره کرد. در زلزلهٔ سال ۱۳۶۹ این خانه‌ها خراب نشد و بدین‌واسطه مورد قدردانی کشاورزان واقع شد.

در نیمهٔ دوم دههٔ ۱۳۴۰، بیمارستان حمایت مادران و نوزادان رشت را ساخت. همچنین قسمت جدید بیمارستان میرزایی تهران و مسجد کارخانهٔ سیمان آبیک. در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به تدوین روزنامهٔ خاطرات پدرش پرداخت. سه جلد *خاطرات مرحوم اردشیر زارع* در مرکز زرتشتیان کرمان و بنیاد نیشابور تهران موجود است.

مهندس زارع در سال ۱۳۶۸ به فرزندانش در برلین ملحق شد. بیماری‌های وی باعث گردید در آلمان خانه‌نشین شود. برای تحمل این خانه‌نشینی به مکاتبه با افراد زیادی پرداخت. در نتیجهٔ این مکاتبه‌های با دکتر کروپ، رییس سمینار تاریخ خاور نزدیک دانشگاه هامبورگ آشنا می‌شود. این آشنایی به همکاری نزدیکی می‌انجامد که حاصل آن تأسیس موزهٔ ایران در آلمان بود. در نوروز سال ۱۳۷۲ این موزه افتتاح شد. اما مهندس زارع به دلیل ضعف ناشی از بیماری موفق نشد در جلسه حضور داشته باشد و در پنجم دی ۱۳۷۲ درگذشت.

منبع: «در بارهٔ شادروان کیخسرو زارع»، کلک، ش.۵۳ (مرداد ۱۳۷۳)، ص.۳۰۵.

۴۷۵ سامی‌راد، حسین

مدرس

تولد ۱۲۸۴، بجنورد.

درگذشت ۱۳۶۵، مشهد.

حسین سامی‌راد، فرزند اسماعیل خان، تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان برد و دورهٔ دبیرستان را در دارالفنون گذراند. در سال ۱۳۰۵ در میان نخستین گروه دانشجویان اعزامی به خارج از ایران، برای طی دورهٔ پزشکی و گرفتن تخصص به پاریس رهسپار گردید و پس از اخذ تخصص در رشتهٔ بیماری‌های کودکان و گذارندن دورهٔ «مالاریاشناسی» از ایتالیا به ایران بازگشت. در سال ۱۳۱۶ پس از پایان خدمت نظام، مأمور تأسیس بهداری خراسان گردید و همزمان با آغاز جنگ دوم جهانی، ریاست بیمارستان امام رضای مشهد را به عهده گرفت و برای جبران کمبود پزشک در خراسان و تأسیس آموزشگاه عالی بهداری که هستهٔ اولیهٔ دانشگاه فردوسی را تشکیل می‌داد، اقدام نمود. پس از تأسیس دانشکدهٔ پزشکی مشهد و دانشگاه فردوسی به مدت ۲۸ سال ضمن تدریس، ریاست مؤسسات علمی را نیز به عهده داشت. در سال ۱۳۴۲ به نمایندگی مردم مشهد به مجلس شورای ملی رفت و چون عنوان استادی دانشگاه تهران را یافته بود، در آن دانشگاه به تدریس پرداخت و در سال ۱۳۵۰ بازنشسته شد. از جمله مشاغل اجتماعی او می‌توان به این موارد اشاره نمود: ریاست جمعیت شیر و خورشید سرخ مشهد (۱۳۲۷ ـ ۱۳۳۹)؛ تأسیس درمانگاه خیریه رازی در مشهد (در زمان جنگ جهانی دوم)؛ ریاست جمعیت حمایت از جذامی‌های مشهد (تا پیش از آمدن به تهران)؛ عضویت در هیئت مدیره انجمن مبارزه با سل در مشهد؛ عضویت در هیئت مدیره انجمن تعاون بهداشتی در مشهد.

دکتر سامی راد تألیفاتی در زمینهٔ علوم پزشکی و تربیتی دارد و مقالاتی از وی در نشریات علمی کشورهای مختلف منتشر شده است. از جمله آثارش می‌توان از کتاب‌های زیر نام برد: ***راه پرورش کودکان*** (۱۳۲۲)؛ ***سلامتی و بیماری‌های کودکان*** (۱۳۳۴)؛ ***تشخیص برنکو پنومونی سلی و غیر سلی*** (به زبان فرانسوی، پایان‌نامهٔ تحصیلی).

منابع: دانشوران بجنورد، آشنایی با احوال و آثار یک‌صد و بیست تن از بزرگان علم و ادب و هنر شهرستان بجنورد / علی‌اکبر عباسیان، احسان سیدی‌زاده، چاپ اوّل، ص. ۱۰۲ ـ ۱۰۴ (با استفاده از اطلاعات شفاهی آقای وحید سامی). ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی /*** خانبابا مشار، جلد سوم، ص. ۲۸۷ ـ ۲۸۸. ***چهره‌های آشنا /*** حسین قریشی، ص. ۲۸۴ ـ ۲۸۵.

۴۷۶ سندگل، حسین

استاد، مؤلف

تولد ۱۳۲۰، روستای ادیره در زابل.

درگذشت ۱۶ شهریور ۱۳۷۲.

حسین سندگل تحصیلات ابتدایی را در روستا و دورهٔ متوسطه را در دبیرستان کشاورزی زابل و دانشسرای کشاورزی بمپور به پایان رساند. چند سال معلم روستا بود، تا اینکه موفق به اخذ دیپلم در رشته‌های طبیعی و ادبی شد. سپس به تهران آمد و از دانشسرای عالی این شهر مدرک لیسانس تربیت بدنی دریافت داشت. در سال ۱۳۵۰ به عنوان داور بین‌المللی دومیدانی در مسابقات المپیک مونیخ شرکت کرد. در سال ۱۳۵۱ جهت ادامهٔ تحصیل به آمریکا عزیمت کرد و طی نه سال موفق به اتمام دوره‌های فوق لیسانس تربیت‌بدنی، دکترای فیزیولوژی پزشکی و دکترای فیزیولوژی ورزش شد. مدت چهار سال، کرسی تدریس در دانشگاه اوهایو آمریکا را داشت و در سال ۱۳۵۹ به ایران بازگشت.

پس از ورود به ایران، مدتی به عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و سپس

به عنوان استاد و رییس گروه فیزیولوژی ـ فارماکولوژی و مدرس دورهٔ کارشناسی ارشد در دانشگاه علوم پزشکی کرمان مشغول به خدمت شد.

در سال ۱۳۷۰ به تهران منتقل شد. مشغول تدریس در دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران، قزوین، همدان، خرم‌آباد، ساری و زاهدان شد. در حالی که عضو مؤثر در کمیتهٔ ملی المپیک جمهوری اسلامی نیز بوده است.

از آثار اوست: ***فیزیولوژی انسانی*** (در سه مجلد، کتاب برگزیدهٔ یازدهمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲)؛ ***فیزیولوژی ورزش*** (در چهار مجلد)؛ ***فیزیولوژی پزشکی*** (در پنج مجلد)؛ او علاوه بر کتب فوق، چند کتاب نیز در زمینهٔ فیزیولوژی پیشرفته، با همکاری اعضای دیگر هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور، در دست تألیف داشت که مرگ مهلت این کار به وی نداد.

دکتر حسین سندگل در ۱۶ شهریور ۱۳۷۲ بر اثر سکتهٔ قلبی و سکتهٔ مغزی درگذشت و در زاهدان به خاک سپرده شد.

منبع: گزارش یازدهمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران.

دریافت فوق لیسانس آموزش علوم نایل آمد.

مشاغل فرهنگی وی عبارت بودند از: دبیر فیزیک، کارشناس مسئول بخش فیزیک سازمان کتاب‌های درسی؛ علاوه بر مسئولیت‌های مذکور در فرهنگنامهٔ کودکان و نوجوانان، مجلهٔ «دانشمند» و مجلهٔ «گنجینه» به ویراستاری و مشاورت اشتغال داشت.

علاوه بر مقاله‌های شریف‌زاده در نشریه‌های علمی، آثارش عبارتند از: تألیف کتاب‌های درسی ***علوم*** دورهٔ راهنمایی (سه جلد با همکاری دیگران)؛ تألیف کتاب‌های ***راهنمای تدریس علوم*** دورهٔ راهنمایی (سه جلد با همکاری دیگران)؛ تألیف ***فیزیک دانشسرای مقدماتی*** با همکاری دیگران؛ تألیف سه جلد ***فیزیک*** دورهٔ دبیرستان (نظام قدیم)؛ ترجمهٔ کتاب ***در قلمرو مکانیک (استاتیک و دینامیک)*** (دو جلد)؛ ترجمهٔ کتاب ***در جهان علم***؛ ترجمهٔ کتاب‌های ***طرح فیزیک هاروارد*** (شش جلد با همکاری دیگران، برگزیدهٔ هشتمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران)؛ ترجمه و ویرایش ***نگاهی به تاریخ علم*** (برای نوجوانان، با همکاری دیگران).

منبع: گزارش هشتمین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران.

مؤلف، مترجم

تولد ۱۳۱۷، مشهد.

درگذشت ۱۳۶۷.

هوشنگ شریف زاده گلپایگانی بعد از گذراندن دورهٔ ابتدایی و متوسطه وارد دانشگاه تربیت معلم شد و پس از پایان دورهٔ لیسانس برای ادامهٔ تحصیل به کشور انگلستان سفر کرد و از دانشگاه چلسی به

مترجم

تولد ۱۳۲۲.

درگذشت ۱۳۶۸.

دکتر محمد طباطبایی از کارشناسان رشتهٔ زبانشناسی بود که دکترایِ خود را از دانشگاه جرج تاون آمریکا گرفت و «واژگان دخیل فرانسه در فارسی» موضوع رسالهٔ او بود.

چندی معلم زبان انگلیسی و مترجم فنی بود و سپس به استادیاری زبان انگلیسی در چند دانشگاه رسید و سرپرست گروه فنی در مرکز نشر دانشگاهی بود.

محمد طباطبایی مقاله‌ها و ترجمه‌هایی در مجله‌های «سخن علمی»، «ویسمن»، «نقد آگاه»، «نشر دانش»، هفته‌نامهٔ «بامشاد» و «وحید» به چاپ رسانده است. از آثار اوست: ***فرهنگ اصطلاحات پزشکی*** (فارسی ـ انگلیسی ـ فرانسوی، دو جلد، ۱۳۵۲)؛ ***فرهنگ اصطلاحات صناعات ادبی*** (تهران، ۱۳۶۷)؛ ***فرهنگ اصطلاحات علمی*** (انگلیسی ـ فارسی، ۱۳۴۳)؛ ***فرهنگ اصطلاحات مدیریت*** (انگلیسی ـ فارسی و فارسی ـ انگلیسی، ۱۳۵۳)؛ وی کتاب ***فرهنگ اصطلاحات نجوم*** را در دست چاپ داشت که مرگ او را در ربود.

منابع: «دکتر محمد طباطبایی»، آیندهٔ، س.۱۵، ص.۸۳۸. مختاری، محمد علی، «دکتر محمد طباطبایی»، آینده، س.۱۷، ص.۱۹۵ ـ ۱۹۷.

فاطمی، تقی　　۴۷۹

ریاضیدان

تولد ۱۲۸۳، اصفهان.

درگذشت ۱۷ آذر ۱۳۷۴، مشهد.

تقی فاطمی، فرزند حسین، پس از مدتی تعلیم در منزل توسط معلم خصوصی، در دبیرستان صارمیه ادامه تحصیل داد. در سال ۱۳۰۰ در یزد به خدمت ادارهٔ فرهنگ در آمد و در سال ۱۳۰۶ با اولین دستهٔ محصلین از طرف وزارت جنگ برای ادامه تحصیل به فرانسه اعزام شد. وی که در امتحان مسابقهٔ اعزام رتبه اول را به دست آورده بود و می‌توانست به تمام رشته‌ها راه یابد، معلمی را انتخاب کرد و وارد رشتهٔ آموزش علوم ریاضی شد و در دانشسرای عالی پاریس (اِکُل نُرمال سوپریور[۱]) به تحصیل پرداخت.

تقی فاطمی در سال ۱۳۱۲ به ایران بازگشت و تا زمان بازنشستگی به تدریس ریاضیات مشغول بود. ابتدا در دبیرستان نظام تدریس می‌کرد ولی پس از مدتی به تدریس در دانشسرای عالی و مدت‌ها بعد در دانشگاه‌های تربیت معلم، تهران و مشهد پرداخت. وی در سال ۱۳۵۰ به عنوان دومین استاد ممتاز دانشگاه تهران مفتخر شد. در سال ۱۳۶۹ به عنوان استاد ریاضی ایران برگزیده شد و در بیست و دومین کنفرانس ریاضی کشور مورد تجلیل قرار گرفت.

تقی فاطمی برای دوره‌های مختلف دبستان و دبیرستان در مجموع بیست و شش جلد کتاب نوشته است. از آثار دیگر اوست: ***مثلثات*** (با مشارکت محمد وحید، ۱۳۲۲)؛ ***مکانیک استدلالی*** (۱۳۳۶)؛ کتابی هم در بارهٔ روش تدریس نوشته است.

منابع: اطلاعات، (۲۰ آذر ۱۳۷۴). «ویژه‌نامه پروفسور تقی فاطمی، پدر علوم ریاضی ایران»، کیهان علمی، س.۴، ش.۲ (اردیبهشت ۱۳۷۱)، ص.۲۹ ـ ۴۰. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی***/ خانبابا مشار، جلد دوم، ص.۲۳۰ ـ ۲۳۱.

فرزان، مسعود　　۴۸۰

ریاضیدان

تولد ۱۳۲۲، شهرکرد.

درگذشت ۲۵ آبان ۱۳۶۸، تهران.

مسعود فرزان دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در لرستان سپری کرد. سپس به دانشگاه تهران راه یافت و با اخذ درجهٔ لیسانس ریاضی از دانشکدهٔ علوم فارغ‌التحصیل شد و درجهٔ فوق لیسانس خود را از دانشگاه تربیت معلم دریافت کرد و سپس عازم کشور

۱. École Normale Superieur

انگلستان شد و دورهٔ دکتری را در رشتهٔ نظریهٔ مونوگراف گذراند و بعد از بازگشت به کشور در سال ۱۳۵۹، با شروع انقلاب فرهنگی به امر ترجمه و پس از آن به تدریس در دانشگاه پرداخت.

مهم‌ترین آثار دکتر فرزان عبارتند از: ترجمهٔ **جبر خطی**؛ ترجمهٔ **نخستین درس در جبر مجرد** (جان ب. فرالی؛ این کتاب در هفتمین دورهٔ کتاب سال در سال ۱۳۶۸ به عنوان اثر برتر انتخاب شده است)؛ ترجمهٔ ***جبر خطی مقدماتی*** (با همکاری دکتر علی اکبر عالم‌زاده).

منبع: هفتمین گزارش کتاب سال جمهوری اسلامی ایران.

۲۸۱ فرهاد معتمد، احمد

استاد

تولد ۱۲۸۱، تهران.

درگذشت ۱۳۵۸، تهران.

احمد فرهاد معتمد تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران در مدارس قاجار و دارالفنون به پایان رسانید. بدون اجازهٔ پدرش راهی رشت شد و از طریق دریای خزر عازم برلین شد و تحصیلات عالیه خود را در آنجا و سپس در هایدلبرگ در رشتهٔ پزشکی انجام داد و به سال ۱۳۰۷ از دانشگاه هایدلبرگ به دریافت دانشنامهٔ دکتری در پزشکی و اجازه‌نامهٔ رسمی طبابت در آلمان توفیق یافت. پس از این، به مدت چهار سال برای احراز تخصص در رشتهٔ رادیولوژی و شعب مربوط به آن در کلینیک دانشکدهٔ پزشکی فرانکور سورلومن کار کرد.

به سال ۱۳۱۲ به ایران مراجعت نمود و به سمت استاد رادیولوژی در دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه تهران منصوب شد.

دکتر فرهاد معتمد از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ به اروپا و آمریکا مسافرت کرد و در این مسافرت که در حدود مدت دو سال به طول انجامید با کلینیک‌های رادیولوژی اروپا و آمریکا و پیشرفت‌های صورت گرفته در این رشته آشنایی یافت. او پس از دکتر حبیب عدل از نخستین کسانی است که دستگاه رادیولوژی را برای کمک تشخیص بیماری‌ها به ایران آورد.

تألیفات ایشان به شرح زیر است: پایان‌نامهٔ دکتری در باب «تأخیر حرکت دیافراگم در حرکت قسمت‌های مختلف ریه»؛ **فیزیک پزشکی** (طبق برنامه‌ای که در دانشکدهٔ پزشکی تدریس می‌شود)؛ مقالات متعدد در باب رادیولوژی که در مجلات آلمانی انتشار یافته است.

دکتر احمد فرهاد معتمد بعداً از استادی کرسی فیزیک به استادی کرسی رادیولوژی تغییر سمت داد و به ریاست دانشگاه تهران و دانشکدهٔ پزشکی نیز رسید.

منبع: *زندگینامهٔ مشاهیر رجال پزشکی معاصر ایران (۱)*/ دکتر محمد مهدی موحدی، ص. ۱۴۳ـ۱۴۸.

۲۸۲ قلی‌زاده، احمد رضا

مؤلف، مترجم

تولد ۱۲۸۶.

درگذشت ۲۸ خرداد ۱۳۶۸، لس‌آنجلس.

احمد رضا قلی‌زاده تحصیلات خود را در مدرسه‌های ثریا و ادب و دانش به پایان رسانید و پس از آن به دارالمعلمین وارد شده و از دانشسرای عالی در رشتهٔ فیزیک و شیمی در مقطع کارشناسی فارغ‌التحصیل شد. علاوه بر تدریس در دبیرستان‌های انوشیروان دادگر و فیروز بهرام در دانشگاه نیز درس می‌داد.

از آثار اوست: ***آزمایش‌های علمی*** (ژوزف

لیمپتین، ۱۳۳۴)؛ **شیمی** (برای دورهٔ متوسطه، ۱۳۱۶ ــ ۱۳۱۷)؛ **شیمی آلی** (با مشارکت دکتر وارطانی، ۱۳۳۰، جلد سوم، ۱۳۱۶)؛ ***شیمی فنی خانه‌داری***؛ ***فیزیک*** (برای سال سوم دبیرستان‌ها، ۱۳۱۷؛ با مشارکت علی اصغر نوروزیان و هادی رهنما، جلد پنجم، چاپ یازدهم، ۱۳۳۳؛ جلد ششم، ۱۳۱۹)؛ ***ماشین‌های خانگی*** (ژوزف لیمپتین). وی همچنین در ترجمهٔ کتاب ***زندگینامهٔ علمی دانشوران*** همکاری داشت.

احمد رضا قلی‌زاده در خرداد ۱۳۶۸ در بیمارستانی در شهر لس‌آنجلس آمریکا درگذشت.

*منابع : **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد اول، ص. ۳۹۲ ــ ۳۹۳ (به نقل از سالنامهٔ دبیرستان انوشیروان دادگر تحصیلی ۱۳۲۸ ــ ۱۳۲۹)، ***راهنمای دانشکدهٔ پزشکی*** ج. ۲، ص. ۱۵۳). «درگذشتگان دیگر»، آینده س. ۱۵، ص. ۶۲۳.

۴۸۳ گل‌گلاب، حسین

استاد

تولد ۱۲۷۴، تهران.

درگذشت ۲۲ اسفند ۱۳۶۳، تهران.[۱]

حسین گل‌گلاب، فرزند میرزا مهدی خان مصورالملک (نقاش و عکاس دورهٔ قاجار)، تحصیلات ابتدایی را در مدرسهٔ علمیه و متوسطه را در دارالفنون به سال ۱۲۹۵ به پایان رسانید. از سال ۱۲۹۸ که تدریس علوم طبیعی مدرسهٔ دارالفنون را عهده‌دار شد تا سال ۱۳۰۷ دوازده جلد کتاب در رشتهٔ علوم طبیعی تألیف نمود. ضمناً در دانشکدهٔ حقوق به تحصیل پرداخت و به دریافت دانشنامهٔ لیسانس در رشتهٔ قضایی و علوم سیاسی در سال ۱۳۰۱ نایل آمد. به سال ۱۳۰۷ تصدی کارهای عملی گیاه‌شناسی در دانشکدهٔ پزشکی به عهدهٔ وی محول شد و از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳ در دبیرستان نظام و دانشکدهٔ پزشکی تدریس گیاه‌شناسی را بر عهده داشت. به سال ۱۳۱۴ که کلاس مقدمات طب به دانشسرای عالی انتقال یافت، به معاونت دانشسرای‌عالی و دانشکدهٔ علوم و ادبیات منصوب گردید و در همین سال طبق مقررات قانون دانشگاه به دریافت درجهٔ دکتری در رشتهٔ علوم نایل شد و به تدریس فیزیولوژی گیاهی در دانشسرای عالی و گیاه‌شناسی در دانشکدهٔ پزشکی پرداخت. در سازمان نوین دانشکده به استادی کرسی بیولوژی گیاهی و ریاست آزمایشگاه مربوطه انتخاب گردید.

دکتر گل‌گلاب در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۶ علاوه بر تدریس به معاونت دانشکدهٔ پزشکی منصوب شد و تا سال ۱۳۲۷ در این سمت خدمت کرد و از این پس از معاونت کناره‌گیری کرد و فقط به تدریس اشتغال ورزید. به سال ۱۳۱۴ به هنگام تشکیل فرهنگستان، به سبب تخصص در معادل‌یابی در رشته‌های علمی، به عضویت پیوستهٔ این مؤسسه برگزیده شد و در سال ۱۳۱۵ سردبیری فرهنگستان نیز به وی واگذار شد.

علاوه بر کتاب‌های متوسطه تألیفات دکتر گل‌گلاب به شرح زیر است: پایان‌نامهٔ دکتری راجع به «نباتات»ایران که خلاصهٔ آن در سال ۱۳۱۳ ه. چاپ رسید، در این پایان‌نامه شش هزار دیه که در ایران می‌روید توصیف شده است؛ ***گیا*** (راهنمای گیاهی)؛ ***گیاه‌شناسی*** (برای دانشجویان دانشکدهٔ پزشکی)؛ ***فرهنگ گیاهان معمولی و دارویی***؛ تدوین برخی از کتاب‌های درسی گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی، تشریح و فیزیولوژی حیوانی و شیمی برای دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها (از سال ۱۳۱۲ الی ۱۳۲۶)؛ ***تاریخ طبیعی*** (در قسمت‌های مختلف)؛ ***جغرافیا***

۱. در یکی از منابع تاریخ فوت وی ۱۳۶۵ آمده است.

(۱۳۱۰)؛ ***مشخصات جغرافیای طبیعی ایران*** (تألیف م. پتروف، ترجمه از روسی، ۱۳۳۶)؛ ترجمهٔ بیش از پنجاه قطعه نمایش کلاسیک برای هنرستان هنرپیشگی (برخی از این نمایشنامه‌ها در مجلات به چاپ رسیده است)؛ ترجمهٔ کامل «اپرای کارمن» به نظم فارسی که مطابق با آهنگ‌های اصلی است؛ ترجمهٔ کامل «اپرای فوست» به نظم فارسی مطابق با آهنگ‌های اصلی. وی موسیقی می‌دانست و سرود هم می‌ساخت. از جمله سرودهایی که ساخته است، می‌توان به این دو عنوان اشاره نمود: «ای ایران ای مرز پرگهر» و «آذربایجان».

منابع: زندگینامهٔ مشاهیر رجال پزشکی معاصر ایران (۱)/ دکتر محمد مهدی موحدی، چاپ اوّل، ص.۱۲۹ـ۱۳۲. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی/*** خانبابا مشار، جلد دوم، ص.۸۵۱ـ۸۵۲. افشار، ایرج، «درگذشت حسین گل‌گلاب»، آینده، س.۱۱، ص.۳۹۴. ***زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ـ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد پنجم، (غ ـ ل)/*** حسن مرسلوند، ص.۳۳۶. ***نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین /*** مهدی ستایشگر، جلد سوم، ص.۴۶۶.

گل‌گلاب، داریوش　۴۸۴

مترجم، محقق

تولد ۱۳۱۴، تهران.

درگذشت ۲۶ شهریور ۱۳۶۷، تهران.

داریوش گل‌گلاب، فرزند حسین گل‌گلاب، متخصص رادیولوژی و دانشیار دانشکدهٔ علوم پزشکی بود و علاوه بر این به عکاسی هم می‌پرداخت. وی سه کتاب در زمینهٔ عکاسی تألیف و منتشر کرد. کتاب‌های او عبارتند از: ***بررسی فنی عکاسی*** (دو جلد، رنگی، سیاه و سفید)؛ ترجمهٔ ***تاریخ عکاسی*** (تألیف جین کیم)؛ نظارت بر ترجمهٔ ***رادیوگرافی دستگاه ادرار*** توسط مهدی غفوری و محمود بنی‌یعقوب؛ ترجمه و تألیف ***اطلس سونوگرافی***.

داریوش گل‌گلاب به دلیل نارسایی قلبی در بیمارستان توس درگذشت و در بهشت زهرا قطعهٔ هشت به خاک سپرده شد.

منبع: افشار، ایرج، «یادبود نویسندگان؛ داریوش، گل‌گلاب»، آینده، س.۱۴، ش.۶ـ۸ (شهریور و آبان ۱۳۶۷)، ص.۷۱۰.

مجاب، فرج‌الله　۴۸۵

مدرس، محقق

تولد مرداد ۱۳۱۴، شیراز.

درگذشت ۱۴ بهمن ۱۳۷۵، شیراز.

فرج‌الله مجاب پس از طی تحصیلات موفق به اخذ درجه دکتری در رشتهٔ متالورژی از دانشگاه استراتاکلاید لندن شد. دکتر مجاب پس از طی تحصیلات به ایران بازگشت و در محافل علمی و تحقیقاتی به تدریس پرداخت. وی در شرکت ماشین‌سازی اراک، مرکز نوآوری‌های صنعتی، مدیریت طرح‌های صنعتی و مهندسین مشاور صنعتی ایران، دانشگاه ابوریحان، ادارهٔ فارغ‌التحصیلان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و دفتر نظارت سنجش و آموزش فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی داشت. در سال‌های ۱۳۶۳ الی ۱۳۷۵ در برنامه‌ریزی صنعت سنگین کشور و گسترش و نوسازی صنایع ایران نقش داشت. مجاب از سال ۱۳۷۳ در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به کار مشغول شد. آخرین فعالیت فرهنگی‌اش ترجمهٔ مقاله‌ای از «نیوزویک» بود که در فصلنامهٔ «مجلس و پژوهش» به چاپ رسید.

منبع: «در سوگ مجاب»، مجلس و پژوهش، س.۴، ش.۲۲ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۶)، ص.۲۴۷.

۴۸۶ مجتهدی، علی

محقق

تولد ۱۲۹۲، تبریز.
درگذشت ۱۳۶۶، تهران.

علی مجتهدی پس از پایان رسانیدن تحصیلات متوسطه در سال ۱۳۱۱ در میان محصلان اعزامی به اروپا رفت و در رشتهٔ مهندسی کشاورزی (اصلاح نباتات) به اخذ درجهٔ تخصصی نایل شد. پس از بازگشت در وزارت کشاورزی و دانشکدهٔ کشاورزی به خدمت گمارده شد و از بنیانگذاران مؤسسهٔ اصلاح و تهیهٔ نهال و بذر بود.

از تألیفات چاپ شدهٔ اوست: ***زراعت برنج و اصلاح آن***؛ ***باغداری مرکبات***؛ ***زراعت سویا***؛ ***زراعت آفتابگردان*** (با همکاری همکاران)؛ کتابی هم در بارهٔ کشت زیتون دارد که به چاپ نرسیده است. کتابی به نام ***فیزیولوژی برای همه*** ترجمه کرد که به هنگام مرگش در دست چاپ بود.

منبع: «مهندس علی مجتهدی»، آینده، س.۱۳، ص.۷۳۶.

۴۸۷ مشیری، محمد

محقق

تولد ۱۲۸۸، تبریز.
درگذشت تیر ۱۳۶۵.

محمد مشیری از خاندان میرزا جعفرخان مشیرالدوله بود. وی فارغ‌التحصیل دورهٔ پنجم دانشسرای پسران سال تحصیلی ۱۳۱۸ ـ ۱۳۱۹ است. دوران خدمت دولتی مشیری به مناسبت تحصیل در مدرسهٔ نظام در ارتش گذشت؛ ولی چندی بعد، پیش از سال ۱۳۲۳ از ارتش کناره گرفت. بنگاه آذر به همت او شکل گرفت و آثاری را منتشر می‌ساخت. اما دورهٔ کار بنگاه آذر دوام چندانی نداشت. با پیشامدهای سیاسی آذربایجان، برای مدت کوتاهی زندانی شد. سرانجام به همراه گروهی از افراد دیگر به کشورهای اروپای شرقی رفت و چون بازگشت، حوادث بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ پیش آمد و دگر بار زندانی شد.

بعدها به پرورش ماهی قزل‌آلا روی آورد و در کنار آن به کشاورزی و پرورش زنبور عسل هم پرداخت. سپس فروشگاهی به نام «آب و خاک» برای خرید و فروش تخم گیاهان و کود و اسباب کشاورزی باز کرد. در همین دوره رساله‌های عملی و آموزشی ساده‌ای در زمینهٔ سبزی‌کاری، باغچه‌داری، پرورش گل، پرورش مرکبات، گاوداری، مرغداری، نگهداری از زنبور عسل، پرندگان و سگ و گربه، تألیف و نشر کرد. رساله‌های او در مباحث کشاورزی و پرندگان عبارت است از: ***مرغداری***؛ ***روش انتخاب بهترین مرغان تخم‌گذار***؛ ***بوقلمون***؛ ***جوجهٔ یک روزه***؛ ***مرغ و خروس***؛ ***طوطی***؛ ***قرقاول***؛ ***قو***؛ ***مرغ عشق***؛ ***قناری***؛ ***کبوتر***؛ ***کلکسیون پرندگان***؛ ***گربه***؛ ***سگ*** (چهارده رسالهٔ مجزا)؛ ***کاکتوس***؛ ***نیلوفر آبی***؛ ***تغذیه و زندگی***؛ ***گلایل و گل مریم***؛ ***شمعدانی***؛ ***میخک***؛ ***رز و گل سرخ و نسترن*** (هفت رسالهٔ مجزا)؛ ***پرورش زنبور عسل***؛ ***پرورش درختان میوه***؛ ***روش نوین سبزی‌کاری*** (تهران، ۱۳۴۲)؛ ***سبزی‌کاری*** (چهار رسالهٔ مجزا).

کتاب‌های او در زمینهٔ تاریخ و ادب به شرح زیر است: ***کبریت، قوطی کبریت و برچسب آن در جهان و ایران از اختراع تا امروز*** (۱۳۴۴)؛ ***ارشاد الزراعه*** (تألیف قاسم بن یوسف هروی، ۱۳۴۶)؛ ***شرح مأموریت آجودانباشی*** (حسین خان نظام‌الدوله، در سفارت‌های اروپا به انضمام سفرنامهٔ او نوشتهٔ عبدالفتاح گرمرودی، ۱۳۴۷)؛ ***رسالهٔ تحقیقات سرحدیهٔ میرزا جعفر خان مشیرالدوله*** (۱۳۴۸)؛ ***رستم التواریخ*** (تألیف محمد هاشم آصف رستم‌الحکماء، ۱۳۴۸)؛ ***صدر التواریخ*** (تألیف محمد حسن خان

اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹)؛ ***راهنمای گردآوری سکه*** (۱۳۵۱)؛ ***سکه‌های شاه اسمعیل اول*** (۱۳۵۱)؛ ***کتابشناسی سکه‌ها و مهرها و طغراهای پادشاهان ایران*** (۱۳۵۲)؛ ***آلبوم سکه‌ها و نشان‌ها و مهرهای پادشاهان ایران*** (تألیف رابینو به زبان فرانسوی، ۱۳۵۳)؛ ***سکه‌های آقا محمدخان قاجار و پدرش محمد حسن‌خان قاجار*** (۱۳۵۳)؛ ***راهنمای خواندن انواع خطوط کوفی*** (۱۳۵۴)؛ ***نشان‌ها و مدال‌های ایران از آغاز سلطنت قاجاریه تا امروز*** (۱۳۵۴)؛ ***سکه و نشان دوران پهلوی*** (۱۳۵۴)؛ ***سفرنامهٔ ابراهیم صحافباشی تهرانی*** (۱۳۵۷)؛ ***دیوان البسه از نظام‌الدین محمود قاری یزدی*** (تجدید چاپ افست از روی چاپ میرزا حبیب اصفهانی).

*منابع: **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/* خانبابا مشار، جلد پنجم، ص.۸۱۷. «محمد مشیری»، آینده، س.۱۲، ص.۴۶۹ـ۴۷۳. ***کتابشناسی آذربایجان***/ ناهید حبیبی آزاد.

۴۸۸ مصاحب، غلامحسین

محقق، مؤلف

تولد ۱۲۸۹، تهران.

درگذشت ۲۴ مهر ۱۳۵۸.

غلامحسین مصاحب تحصیلات خود را در ایران، فرانسه و انگلستان انجام داد و در سال ۱۳۲۷ به اخذ درجهٔ دکتری از دانشگاه کمبریج در رشتهٔ ریاضیات نایل شد و به عضویت انجمن ریاضی‌دانان لندن و انجمن فلسفی کمبریج درآمد.

پس از پایان تحصیلات عالی، ضمن مشاغل اداری از تألیف و تدریس نیز غافل نماند و در سال ۱۳۴۵ مؤسسهٔ ریاضیات را در دانشگاه تربیت معلم تأسیس کرد و تا آخرین روز حیات خود به سمت استادی در آن مؤسسه اشتغال داشت.

تألیفات مصاحب این عنوان‌ها را در بر می‌گیرد: مجلهٔ «ریاضیات عالی و مقدماتی» (۱۳۰۹ ـ ۱۳۱۰، وی مؤسس این مجله بود و مدیریت آن را به‌عهده داشت، اولین شمارهٔ این مجله در تهران در اول آبان ۱۳۰۹ منتشر شد)؛ ***جبر و مقابلهٔ خیام*** (مشتمل بر متن عربی و ترجمهٔ فارسی رسالهٔ خیام در جبر و تاریخ ریاضیات، ۱۳۱۷)؛ یک رسالهٔ انگلیسی که در جلد چهل و ششم (مورخ سال ۱۹۵۰) مجلهٔ انجمن فلسفی کمبریج به طبع رسیده است؛ ***منطق صورت*** (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴)؛ ***دایرةالمعارف فارسی*** (جلد اول، ۱۳۴۵؛ بخش اول از جلد دوم، ۱۳۵۶)؛ ***آنالیز ریاضی*** (دو جلد، ۱۳۴۸)؛ ***تئوری مقدماتی اعداد*** (جلد اول در دو قسمت، ۱۳۵۳)؛ مجلد دوم ***تئوری مقدماتی اعداد*** (در سه قسمت، ۱۳۵۸، کتاب برگزیدهٔ نخستین دورهٔ کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در رشتهٔ ریاضیات)؛ ***حکیم عمر خیام بعنوان عالم جبر*** (انجمن آثار ملی، ۱۳۳۹)؛ ***علوم تفریحی*** (۱۳۰۸).

غلامحسین مصاحب در زمینهٔ لغت و پهنهٔ وسیع آن آزمایش‌ها کرد و مخصوصاً در مورد وضع واژه‌های جدید در قبال لغت‌ها و اصطلاح‌های خارجی فعالیت نمود، از آن جمله می‌توان ***فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی*** را که با همکاری تعدادی از محققان و کارشناسان در سال ۱۳۳۸ به چاپ رسانید نام برد.

*منابع: **چهرهٔ مطبوعات معاصر**/* غلامحسین صالحیار، ص.۳۹. دولت‌آبادی، هوشنگ، «یادی از دکتر غلامحسین مصاحب»، آینده، س.۸، ش.۸ (آبان ۱۳۶۱)، ص.۴۷۲ـ۴۷۶. اطلاعات، ش.۱۵۹۷۸، ص.۲. ***دایرةالمعارف فارسی، جلد دوم*** (بخش دوم: م ـ ی)/ ص.۲۷۸۵. ***تاریخ مجلات و جراید ایران، جلد دوم***/ ص.۳۳۸ـ۳۳۹.

۴۸۹ مصدق، غلامحسین

مدرس

تولد ۱۲۸۴، تهران.[۱]

درگذشت مهر ۱۳۶۹.

غلامحسین مصدق، فرزند محمد مصدق نخست وزیر سابق بود. تحصیلات خود را در مدرسهٔ سن‌لویی تهران و دروس متوسطه را در کشورهای فرانسه و سوییس و دورهٔ عالی را در دانشکدهٔ پزشکی لوزان و دورهٔ تخصصی را در همین دانشکده به پایان رسانیده است. از سال ۱۳۱۳ وارد دانشگاه تهران شد و به مقام استادی کرسی نایل آمد. مدتی در شیر و خورشید سرخ و بنگاه حمایت مادران خدمت کرد و مدتی نیز رییس بخش جراحی زنان بیمارستان پهلوی بود. در دوران حکومت دو سالهٔ پدرش، دائماً مراقب احوال او بود و تمام خاطرات آن سال‌ها را تحت نام ***درکنار پدرم، مصدق*** تحریر کرد که به چاپ رسید. از وی مقاله‌هایی نیز در مجلهٔ «آینده» به چاپ رسیده است.

از تألیفات دیگر غلامحسین مصدق ***امراض زنان*** به فارسی و کتابی در ***علل نازایی زن*** به زبان فرانسوی است.

منابع: چهره‌های آشنا / حسین قریشی، ص.۵۴۴. «غلامحسین مصدق»، آینده، س.۱۶، ص.۵۹۷ـ۵۹۸.

۴۹۰ نجومی، حبیب‌الله

استاد

تولد اسفند ۱۲۸۷، شیراز.

درگذشت ۲۴ شهریور ۱۳۶۶.

حبیب‌الله نجومی در خانواده‌ای به دنیا آمد که از طرف پدر بیشتر از از مشاهیر علم هیئت و نجوم بودند که تقریباً طی سه نسل به استخراج و چاپ تقویم همت گماشته بودند. حبیب‌الله نجومی خود از نه سالگی رموز نجوم را از پدر آموخت و در هیجده سالگی به استخراج و محاسبهٔ تقویم پرداخت. پس از درگذشت پدر، نجومی این کار را به تنهایی پی‌گرفت و در ۱۳۰۲ نخستین تقویم خود را انتشار داد.

حبیب‌الله نجومی ناشر ***سالنمای ایران*** در هفتاد و نه سالگی درگذشت.

منبع: «حبیب‌الله نجومی»، رویدادهای سال، کرونیک ۱۳۶۶، درگذشتگان سال ۱۳۶۶، ص.۱۴۹.

۴۹۱ یزدی‌زاده، محمود

مدرس

تولد ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت بهمن ۱۳۷۲، تهران.

محمود یزدی‌زاده تحصیلات خود را در دارالفنون در سال ۱۳۰۷ به پایان رسانید و در همان سال از طرف دولت به فرانسه روانه شد و دورهٔ دانشکدهٔ دامپزشکی پاریس را در دانشگاه آلفر به اتمام رسانید و پس از گذرانیدن درجهٔ دکتری در سال ۱۳۱۴ به ایران بازگشت و در بدو ورود مأمور تشکیلات دامپزشکی خراسان شد. در سال ۱۳۱۹ به ریاست بنگاه دامپروری حیدرآباد مشغول شد و سپس استاد بهداشت و اندام‌شناسی و دامپروری دانشکدهٔ دامپزشکی شد. وی تا سال ۱۳۲۸ مؤسسهٔ دامپروری حیدرآباد را اداره می‌کرد. دکتر یزدی‌زاده در سال ۱۳۴۴ بازنشسته شد. وی همچنین در تأسیس کارخانهٔ شیر پاستوریزه تهران نیز مشارکت داشت.

از آثار اوست: ***اندام‌شناسی اسب*** (۱۳۳۷، نشریهٔ

---

۱. در کتاب ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** تاریخ تولد ایشان ۱۲۸۵ آمده است.

۴۹۳ دانشگاه)؛ ***اصلاح گاو به‌وسیلهٔ انتخاب؛ پرورش گاوهای شیری؛ پرورش گوسفند.***

محمود یزدی‌زاده در بهمن ۱۳۷۲ در تهران درگذشت و پیکر وی در ابن‌باویه به خاک سپرده شد.

منبع: ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد ششم، ص. ۱۱۱ ـ ۱۱۲ (به نقل از سالنامهٔ دانشگاه، سال تحصیلی ۱۳۳۴ ـ ۱۳۳۵، ص. ۳۲۶). ***تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران*** / تألیف دکتر حسن تاجبخش. اطلاعات شفاهی بازماندگان وی.

فصل ششم: گروه هنر

۴۹۲ آبکار، کلارا

نگارگر

تولد ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت ۱ فروردین ۱۳۷۵، تهران.

کلارا آبکار در هنرستان بانوان تهران مکتب نگارگری اسلامی ـ ایرانی را نزد هادی تجویدی و علی درودی تحصیل کرد. در سال ۱۳۱۷، دیپلم رشتهٔ مینیاتور را از آن خود کرد. مضامین هنر آبکار در مینیاتور بیشتر برگرفته از ادبیات ایران است. وی در محضر حسین کاشی‌تراش به تعلیم طرح و رسم گره و گره‌چینی پرداخت. وی در سال ۱۳۲۰ از طرف وزارت پیشه و هنر، گواهی‌نامهٔ درجهٔ اول مینیاتور را به خود اختصاص داد و در سال ۱۳۶۸ گواهی‌نامهٔ درجه یک هنرمندی ـ معادل رتبهٔ استادی ـ را از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرد. در بهمن ۱۳۷۱ نمایشگاهی از مجموعه آثار آبکار در موزهٔ هنرهای ملی ایران برگزار شد و همین امر انگیزه‌ای شد تا به او پیشنهاد شود که آثارش را به سازمان میراث فرهنگی کشور اهداء کند. بعد از گذشت اندک زمانی در همان سال، وی خانه و آثارش را به سازمان میراث فرهنگی کشور اهداء کرد. بر اساس تصمیم این سازمان، خانهٔ مسکونی این هنرمند تبدیل به موزهٔ استاد آبکار شود، اما به دلیل کوچک بودن منزل، تصمیم بر این شد تا در مجموعهٔ کاخ موزه‌های سعدآباد موزه‌ای از آثار استاد برپا شود و خانهٔ مسکونی هنرمند به صورت کلاس‌های آموزشی برای اعتلای هنر نگارگری در آید. موزهٔ مینیاتور کلارا آبکار در هفتهٔ میراث فرهنگی و روز جهانی موزه (۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۳) افتتاح شد.

کلارا آبکار در اول فروردین ۱۳۷۵ درگذشت و در قبرستان ارامنه مدفون گردید.

منبع: (جزوه منتشر شده) به *مناسبت آغاز دومین سال افتتاح موزهٔ مینیاتور کلارا آبکار* (مجموعه متون آموزشی و اطلاع‌رسانی ـ ۲)/ تدوین نگارش فرامرز طالبی، معصومه صدرنیا.

۴۹۳ آزاد، علی

بازیگر تئاتر و سینما

تولد ۱۳۱۷، تهران.

درگذشت ۶ شهریور ۱۳۷۱، تهران.

علی آزاد با همکاری با گروه تئاتر ادارهٔ هنرهای دراماتیک از سال ۱۳۳۹ با نمایش «ویولن ساز کره‌مونا» بازی خود را شروع کرد. در سال ۱۳۴۱ وارد سینما شد و با بازی در فیلم «ساحل دور نیست» پیشهٔ بازیگری خود را در سینما پی گرفت. عمده فیلم‌هایی را که در آنها ایفای نقش کرده است، به شرح زیر است: «اهریمن زیبا» (۱۳۴۱)؛ «انتقام روح» (۱۳۴۱)؛ «ترس و تاریکی» (۱۳۴۲)؛ «تعقیب

خطرناک» (۱۳۴۳)؛ «بن بست» (۱۳۴۳)؛ «گردن کلفت» (۱۳۴۳)؛ «ببر رینگ» (۱۳۴۳)؛ «گل‌های گیلان» (۱۳۴۳)؛ «شکوفه‌های امید» (۱۳۴۳)؛ «زشت و زیبا» (۱۳۴۴)؛ «شیطان سفید» (۱۳۴۴)؛ «صیادان نمکزار» (۱۳۴۴)؛ «در دنیا بیگانه بودم» (۱۳۴۴)؛ «همه سر حریف» (۱۳۴۴)؛ «مزد خونین» (۱۳۴۴)؛ «کابوس» (۱۳۴۵)؛ «لیلاج» (۱۳۴۵)؛ «جهان پهلوان» (۱۳۴۵)؛ قفس طلایی» (۱۳۴۵)؛ «مومیایی» (۱۳۴۵)؛ «کلاه نمدی» (۱۳۴۵)؛ «ولگردان ساحل» (۱۳۴۵)؛ «فراری» (۱۳۴۶)؛ «قربانی سوم» (۱۳۴۶)؛ «در جستجوی تبهکاران» (۱۳۴۶)؛ «گل آقا» (۱۳۴۶)؛ «پنجهٔ آهنین» (۱۳۴۷)؛ «گردش روزگار» (۱۳۴۷)؛ «سکهٔ دورو» (۱۳۴۷)؛ «مرد صحرا» (۱۳۴۷)؛ «قمارباز» (۱۳۴۷)؛ «خشم کولی» (۱۳۴۷)؛ «نعرهٔ طوفان» (۱۳۴۸)؛ «سوگند سکوت» (۱۳۴۸)؛ «آخرین مبارزه» (۱۳۴۸)؛ «جدایی» (۱۳۴۸)؛ «گناه زیبایی» (۱۳۴۸)؛ «بابا کرم» (۱۳۴۹)؛ «فریاد انسان‌ها» (۱۳۴۹)؛ «یک جو غیرت» (۱۳۵۱)؛ «گریز از مرگ» (۱۳۵۲)؛ «شرور» (۱۳۵۲)؛ «محبوب بچه‌ها» (۱۳۵۲)؛ «گروگان» (۱۳۵۳)؛ «پلنگ در شب» (۱۳۵۴)؛ «سارق» (۱۳۵۴)؛ «مشکی» (۱۳۵۴)؛ «رقیب» (۱۳۵۴)؛ «زیبای پررو» (۱۳۵۴)؛ «غرور و تعصب» (۱۳۵۵)؛ «پاداش یک مرد» (۱۳۵۵)؛ «قادر» (۱۳۵۵)؛ «آتش جنوب» (۱۳۵۵)؛ «همراهان» (۱۳۵۶)؛ «هزار بار مردن» (۱۳۵۶)؛ «غربتی‌ها» (۱۳۵۶)؛ «طغیان‌گر» (۱۳۵۷)؛ «حکم تیر» (۱۳۵۸)؛ «لبهٔ تیغ» (۱۳۵۸)؛ مجموعهٔ تلویزیونی «غارتگران» (۱۳۵۶). وی در مجموعهٔ تلویزیونی «امام علی (ع)» نیز ایفای نقش کرده است.

منبع: *فرهنگ سینمای ایران* / جمال امید، ص. ۱۳ ـ ۱۴.

۴۹۴ آژیر، مهدی

صداپیشه

تولد ۱۳۲۰.

درگذشت ۱۶ اسفند ۱۳۶۶، تهران.

مهدی آژیر صداپیشگی را از سال ۱۳۴۰ سال در سن بیست سالگی آغاز کرد و این کار را در دو استودیوی دماوند و کاسپین پی گرفت و هم‌زمان به رادیو و تلویزیون راه پیدا کرد. در ابتدا کارمند ادارهٔ پست و تلگراف بود، اما به دلیل علاقه‌ای که به کار صداپیشگی (دوبله) داشت، استعفا داد و زندگی خود را مصروف همین حرفه نمود. آژیر اغلب در برنامهٔ کودک رادیو و تلویزیون و به جای شخصیت‌های عروسکی و کارتونی مانند «ساتورنن»، «شیلا» (در سندباد)، «تنسی تاکسیدو»، «نخودی»، «تقی آقا بزرگه» (در مجموعهٔ «پاکیزگی نشانهٔ ایمان است»)، «پدر هادی و هدی» و «پدر آنت» در مجموعهٔ «بچه‌های آلپ» صداگذاری می‌کرد. آژیر در سینما هم به جای تعدادی از بازیگران ایرانی و خارجی حرف زده است. وی نیمه شب شانزدهم اسفند ۱۳۶۶ در خانهٔ شخصی خود درگذشت.

منبع: فیلم، س. ۶، ش. ۶۷ (شهریور ۱۳۶۷)، ۱۵.

۴۹۵ آوینی، مرتضی

کارگردان، تهیه کننده

تولد ۱۳۲۶، شهرری.

شهادت ۱۹ فروردین ۱۳۷۲، منطقهٔ فکه.

سید مرتضی آوینی به سال ۱۳۵۴ در رشتهٔ معماری از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل گردید. سپس به ادامهٔ تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد همان رشته در دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران پرداخت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به جهاد سازندگی

پیوست و فیلم مستند «سیل خوزستان» را در سال ۱۳۵۸ و مجموعه‌های «شش روز در ترکمن صحرا» و «خان گزیده‌ها» را در سال ۱۳۵۹ برای گروه جهاد سازندگی صدا و سیما کارگردانی نمود. با آغاز جنگ تحمیلی، فیلم مستند «فتح خون» و یازده قسمت مجموعه «حقیقت» را کارگردانی و تدوین کرده است. از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۶۸ علاوه بر کارگردانی اکثر مجموعهٔ «روایت فتح» تدوین، نویسندگی متن و گویندگی کل این مجموعهٔ هفتاد قسمتی را بر عهده داشته است. از سال ۱۳۶۸ همراه با ادامهٔ فعالیت مستندسازی و تدوین، به نوشتن نقد سینمایی و مقالات نظری در بارهٔ سینما و تلویزیون پرداخت. از نیمهٔ دوم سال ۱۳۶۹ سردبیری ماهنامهٔ هنری «سوره» و ویژه‌نامه‌های سینمایی این نشریه را بر عهده داشته است. سرپرستی واحد تلویزیونی حوزهٔ هنری سازمان تبلیغات اسلامی از سال ۱۳۷۰ و دفتر مطالعات دینی هنر از دیگر وظایف او بوده است. وی سپس به کارگردانی مجموعه‌های جدید «روایت فتح» پرداخت.

از جمله آثار وی می‌توان به کتاب ***آینهٔ جادو*** (در بارهٔ رسانه‌های تصویری و به‌ویژه سینما) و ***احتراز روح*** و ***شرح تعابیر حضرت امام (ره)*** و ***فردایی دیگر (مجموعه مقالات)*** اشاره نمود.

سید مرتضی آوینی روز پنج‌شنبه ۱۹ فروردین ۱۳۷۲ هنگامی که برای تصویربرداری مجموعهٔ تلویزیونی «روایت فتح» به منطقهٔ فکه رفته بود، بر اثر انفجار یک مین عمل نشده به شهادت رسید.

منابع: «شهادت هنرمند بسیجی سید مرتضی آوینی»، کیهان فرهنگی، س. ۱۰، ش. ۱ (فروردین ۱۳۷۲)، ص. ۵۹. «راوی روایت فتح به شهادت رسید»، کلمه، س. ۱، ش. ۴ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۲)، ص. ۳ ـ ۴.

۴۹۶ احمدی گرگانی، مهدی

تهیه کننده

تولد ۱۳۲۵.

درگذشت ۲۴ تیر ۱۳۷۳.

مهدی احمدی گرگانی از سال ۱۳۴۵ مدیریت سینما برلیان را برعهده گرفت و سه سال بعد نیز سینما مرجان را اجاره کرد. در سال ۱۳۵۹ خانهٔ فیلم ایران را تأسیس کرد و نخستین فعالیت او پس از انقلاب اسلامی، تهیه‌کنندگی فیلم «دادا» بود. احمدی در مجموع، تهیه‌کنندگی سیزده فیلم ــ خواه مستقل یا با مشارکت دیگران ــ را بر عهده داشت که تعدادی از آنها عبارتند از: «تفنگدار»؛ «شب‌شکن»؛ «دستمزد»؛ «زرد قناری»؛ «عبور از غبار»؛ «بچه‌های طلاق»؛ «افسانهٔ آه»؛ «دیگه چه خبر؟».

منبع: «مهدی احمدی در ۴۸ سالگی درگذشت»، فیلم، س. ۱۲، ش. ۱۶۳ (شهریور ۱۳۷۳)، ص. ۱۹.

۴۹۷ ادیب خوانساری، اسماعیل

نوازنده، خواننده

تولد ۱۲۸۰ (= ۱۳۱۸ ق.)، خوانسار.

درگذشت ۶ فروردین ۱۳۶۱.

اسماعیل ادیب خوانساری، فرزند میرزا محمود، از روحانیون و خوشنویسان خوانسار بود. در کودکی به مکتب رفت و مقدمات زبان فارسی و عربی و مبانی دینی را تا سن چهارده سالگی پشت سر گذاشت. از آنجا که صوت خوشی داشت به توصیهٔ پدر، اکثراً مؤذنی مسجد شهر را به عهده می‌گرفت. از این سال به بعد به شعر و موسیقی علاقه‌مند گردید. به مطالعهٔ آثار شعرای فارسی زبان پرداخت. در هیجده سالگی به اصفهان رفت و مدت دو سال نزد سید عبدالرحیم اصفهانی معروف به سید رحیم گوشه‌ها و ردیف‌های

موسیقی ایرانی را آموخت. حدود سال ۱۳۰۰ به خدمت نایب اسدالله، استاد «نی» راه یافت. سپس به شیراز رفت و در آنجا دکان پیراهن‌دوزی باز نمود. ضمناً با سه تار و پیانو نیز آشنا شد. با تأسیس رادیو، از ادیب خوانساری دعوت شد که خواننده ثابت رادیو باشد و او هر هفته در رادیو حاضر می‌شد (از سال ۱۳۱۹) و به اتفاق اساتید موسیقی برنامه اجرا می‌کردند. در این سال‌ها ادیب به دادن کنسرت و ضبط آوازهایش بر صفحات گرامافون پرداخت. «جامعهٔ باربد» را با هدف داشتن مکانی برای اجرای کنسرت و نمایشنامه، با همکاری اسماعیل مهرتاش بنیاد گذاشت.

اسماعیل ادیب خوانساری سرانجام در بستر بیماری جان سپرد و پیکر وی در بهشت زهرا (قطعهٔ ۹۱، ردیف ۱۰۳، شمارهٔ ۴) به خاک سپرده شد.

منابع: چهره‌های موسیقی ایران / شاپور بهروزی. جلد اوّل، ص. ۴۵۳ ـ ۴۶۱. *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین، جلد سوم* / مهدی ستایشگر، ص. ۵۵ ـ ۵۶.

۴۹۸ ارچنگ، احمد

نگارگر

تولد ۱۲۹۳.

درگذشت

احمد ارچنگ، فرزند حاجی ملا محمد هرتمنی، از طراحان قالی و تذهیب بود و بیشتر کسانی که بعد از او در اصفهان به طراحی قالی و تذهیب اشتغال داشتند از شاگردان این استاد بوده‌اند.

بعد از اتمام کلاس پنجم دبستان، مدیر مدرسه وی را به کارگاه قالیبافی معرفی کرد. در آنجا قالیبافی و سپس نقشه‌خوانی را یاد گرفت. سپس مشغول ساختن نقشه‌های فرش شد. مشوق وی در این کار غلامحسین اسلیمی استاد قالیبافی بود که وی را برای رنگ‌آمیزی و نقطه‌چینی طرح‌های استاد نصرالله رفاییل (گچکار) به باغ ملی برد. در آنجا شخصیت‌هایی چون پوپ به دیدار کارش می‌آمدند. تشویق وی باعث شد که به کار از روی بناهای تاریخی روی آورد. سپس برای کارگاه مهدی خان حقیقی، کارگاه شورشی، کارگاه انصاری و کارگاه براسور (کاردار فرانسه) شروع به نقشه‌کشی کرد. اولین نقشه‌ای که طرح کرد، طرح گنبد مسجد امام (شاه سابق) بود. در سال‌های ۱۳۱۲ ـ ۱۳۱۳ از طرف شهرداری اصفهان، طراحی کاشی‌های میدان نقش جهان زیر نظر آندره گدار سرپرست باستان‌شناسی به مسابقه گذارده شد و وی در آن مسابقه اول شد. لذا طراحی پشت و بغل‌های میدان نیز به احمد ارچنگ واگذار گردید و به این ترتیب زمینهٔ مساعدی برای کار و تجربه روی طرح‌های مختلف ایرانی برایش به‌وجود آمد. از شاگردان وی می‌توان به عباس کرباسیون، اکبر مینایی‌یان و فرزندش اشاره نمود.

منابع: شیوهٔ تذهیب / اردشیر مجرد تاکستانی، ص. ۱۹۶. *طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش* / شیرین صور اسرافیل، ص. ۲۴۷ ـ ۲۵۸.

۴۹۹ اردکانی، تهمینه

کارگردان، فیلمنامه‌نویس

تولد ۱۳۳۹، تهران (قلهک شمیران).

درگذشت ۲۶ اسفند ۱۳۷۲، سقوط هواپیما.

تهمینه اردکانی فعالیت هنری خود را با عکاسی در جبهه‌های دفاع مقدس آغاز نمود. اوّلین فیلم کوتاه خود با همکاری شوهرش محمد رضا معززی به نام «بچه‌های بالاچلی» در سال ۱۳۶۲ ساخت. در سال

۱۳۶۳ به ساخت فیلم کوتاه «بورناز» پرداخت و سال بعد فیلم بلند داستانی «گلبهار» را کارگردانی نمود. وی در دوّمین جشنوارهٔ فیلم فجر (۱۳۶۲، تهران) توانست برای فیلم «بچه‌های بالاچلی»، به سبب برخورد صمیمی و انسانی آن، لوح زرین و تقدیر هیئت داوران برای بهترین فیلم شانزده میلیمتری را از آن خود نماید.

تهمینه اردکانی به سبب سقوط هواپیمایی که با آن از مسکو به تهران عازم بود، جان سپرد.

منبع: اینجا ایران، من زن؛ یاد و نام زنان ایرانی در رشته‌های علوم انسانی و هنر/ دکتر سهیلا شهشهانی، ژیلا هدایی، فهیمهٔ سپهر صادقیان.

ارکان، هاشم ۵۰۰

بازیگر

تولد ۱۳۲۱، یزد.

درگذشت ۱۶ آبان ۱۳۷۴.

هاشم ارکان فارغ‌التحصیل دانشکدهٔ هنرهای دراماتیک دانشگاه تهران بود. وی کار هنری خود را با نوشتن و بازیگری و کارگردانی برای تئاتر در یزد آغاز کرد. بعدها نمایش‌هایی را در تهران به روی صحنه آورد. از جملهٔ نمایش‌های او می‌توان به «کفتارها» اشاره کرد که هم در یزد و هم در تهران اجرا شد. در تلویزیون در مجموعه‌های تلویزیونی «دلیران تنگستان» (همایون شهنواز) و «سربداران» (محمد علی نجفی) ایفای نقش نمود. وی همچنین بازیگر تعدادی فیلم کوتاه از جمله «بأو» (فتحعلی اویسی)، «قلق» (پرویز امیرافشاری) و «کبوتر» (علی اصغر عسگریان) بود. عباس کیارستمی از او به عنوان بازیگر در دو فیلمش «لباس برای عروسی» (۱۳۵۵) و «گزارش» (۱۳۵۶) استفاده کرد. آخرین فیلمی که بازی کرد «سربلند» (فتحعلی اویسی) بود که پس از «روز واقعه» (شهرام اسدی) در آن ظاهر شد.

هاشم ارکان در ۵۳ سالگی به دلیل سکتهٔ قلبی درگذشت.

منبع: «درگذشت هاشم ارکان»، فیلم، س. ۱۳، ش. ۱۸۱ (بهمن ۱۳۷۴)، ص. ۱۸.

اسلامیان، حسین ۵۰۱

نگارگر

تولد ۱۲۹۰، اصفهان.

درگذشت ۲۱ فروردین ۱۳۶۰، تهران.

حسین اسلامیان، فرزند محمد قلمدان‌ساز بود که روزگار را به نقاشی و ساخت و تعمیر قلمدان و تابلوهای روغنی می‌گذراند. حسین اسلامیان در نه سالگی به کارگاه پدر رفت و به فراگیری نگارگری و بوم‌سازی و روغن‌کاری روی بوم پرداخت. در آستانهٔ دوازده سالگی، به طور رسمی به کارگاه پدرش راه یافت. بیست سالی به شاگردی و یادگیری ظرایف و دقایق هنر نگارگری در مکتب استاد میرزا امامی پرداخت.

استاد حسین اسلامیان در سی سالگی کارگاه کوچکی برای خود آماده کرد. از آن پس به طور مستقل به کار هنری پرداخت. در سال‌های اوج فعالیتش به سبب شنیدن سخنی در باب حرمت صورتگری دست از کار هنر کشید و به کشاورزی روی آورد. چند سال بعد، به فتوای مجتهدی بار دیگر به عرصهٔ هنر باز گشت. در سال ۱۳۲۶ راهی تهران شد و در سال ۱۳۳۴ به ادارهٔ هنرهای زیبا راه یافت.

حسین اسلامیان، در زمینهٔ نگارگری، تذهیب، تشعیر، سوخت (نوعی تجلید چرمین)، قلمدان‌سازی، نقاشی زیرلاکی و روغنی، میناکاری، جلدسازی و

ساخت انواع بوم مهارت داشت. یکی از آثار استاد، جلد آلبومی است که در مجموعهٔ موزهٔ هنرهای ملی ایران نگه‌داری می‌شود. تذهیب و نگارگری این جلد آلبوم به صورت نقاشی لاکی یا روغنی است. این اثر هنری، در پایان دههٔ ۱۳۳۰ و آغاز دههٔ ۱۳۴۰، در قطع ۲۲×۳۲ سانتیمتر آماده شده است. اثر دیگر استاد، جلد روغنی مُذهب با موضوع چوگان بازی است که در اندازهٔ ۲۷×۴۱ سانتیمتر در سال ۱۳۵۰ به اتمام رسید و در موزهٔ هنرهای ملی ایران نگه‌داری می‌شود. وی در این اثر بیست و چهار حالت مختلف از چهره‌پردازی را نشان داده است و برای تذهیب تابلو از نگاره‌های مختلف انسانی ــ حیوانی و گیاهی استفاده کرده است. برخی از آثار وی در موزهٔ هنرهای تزیینی حفظ و نگه‌داری می‌شود.

منابع: «یادی از هنرمندی فرزانه، استاد حسین اسلامیان»، موزه‌ها، ش. ۱۱ (پاییز ۱۳۷۰)، ص. ۶۰. *کتابشناسی نگارگری ایران* / محمد گلبن، چاپ اول، ص. ۸. *هنر نگارگری* (۱ و ۲) / محمد مهدی هراتی، اسماعیل رضا محمدی، ص. ۱۳۴. *شیوهٔ تذهیب* / اردشیر مجرد تاکستانی، ص. ۱۹۵.

۵۰۲ اسلامی، هادی

بازیگر تئاتر و سینما

تولد ۱۳۱۸، تهران (محلهٔ پامنار).

درگذشت ۷ مرداد ۱۳۷۲، تهران.

هادی اسلامی فعالیت هنری خود را از دورهٔ دبیرستان شروع کرد. سپس در دانشکدهٔ تئاتر به تحصیل پرداخت و با مدرک فوق دیپلم این رشته در سال ۱۳۴۲ فارغ‌التحصیل شد. در همان سال با بازی در نمایشنامهٔ «روسری قرمز»، به جرگهٔ هنرمندان حرفه‌ای تئاتر پیوست و در سال ۱۳۴۶ با اجرای نمایشنامهٔ «زیرگذر لوطی صالح» به‌عنوان نویسنده و کارگردان هم مطرح شد. وی در نمایش‌های دیگر زیر ایفای نقش کرده است: «دارالحکومه تهران»؛ «غریب»؛ «خر با بار نمک»؛ «مرد متوسط»؛ «یک اشتباه از خردمندترین آدم‌ها سر می‌زند»؛ «صیادان»؛ «سرباز لافزن». هادی اسلامی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی با بازی در فیلم «قدیس» در سال ۱۳۵۸ به سینما پیوست و از آن پس هر سال به عنوان بازیگر در فیلم‌ها ظاهر شد. فیلم‌هایی که در آنها ایفای نقش کرده است عبارتند از: «دست شیطان» (۱۳۶۰)؛ «موج طوفان» (۱۳۶۰)؛ «مرگ سفید» (۱۳۶۲)؛ «ملخ زدگان» (۱۳۶۳)؛ «مترسک» (۱۳۶۳)؛ «اتوبوس» (۱۳۶۴)؛ «آوار» (۱۳۶۴)؛ «معما» (۱۳۶۵)؛ «میهمانی خصوصی» (۱۳۶۵)؛ «قصهٔ زندگی» (۱۳۶۵)؛ «آشیانهٔ مهر» (۱۳۶۶)؛ «مقاومت» (۱۳۶۶)؛ «بهار در پاییز» (۱۳۶۶)؛ «جهیزیه برای رباب» (۱۳۶۶)؛ «سرب» (۱۳۶۷)؛ «شاخه‌های بید» (۱۳۶۷)؛ «خواستگاری»، «دل نمک»، «قطب مخوف»، «شتابزده»، «ساده لوح»، «مستأجر»، «طعمه»، «سهراب تا سهراب» و ....

هادی اسلامی در مجموعه‌های تلویزیونی مختلفی نیز ایفای نقش نمود، از جمله: مجموعهٔ تلویزیونی «سمک عیار» (۱۳۵۴) و مجموعهٔ «مرغ حق» (در نقش شهید مدرس). کارگردانی نمایش‌های «حاکم یک شبه»، «حسن سنتوری»، «محراب» و بازی در نمایش‌های «مروارید»، «آنتیگون»، «سنگ و سرنا»، «شاه می‌میرد»، «سوگ سیاوش» و .... از جمله فعالیت‌های دیگر هنری اوست.

هادی اسلامی در طرح ارزشیابی هنرمندان به کسب درجهٔ دکترایِ تئاتر نایل گردید. هادی اسلامی کلاس بازیگری را نزد استادش عباس جوانمرد و بعد خلیل موحد دیلمقانی گذراند و فن بیان را از مهین دیهیم آموخت. وی در چهارمین جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم فجر در سال ۱۳۶۴ در تهران برندهٔ جایزهٔ

بازیگری در بخش فیلم‌های بلند، به عنوان بهترین بازیگر مرد، برای فیلم «اتوبوس» شد.

منابع: «هادی اسلامی درگذشت»، فیلم و سینما، س.۲، ش.۱۵ (شهریور ۱۳۷۲)، ص.۱۳. «هادی اسلامی بازیگر نقش مرحوم شهید مدرس درگذشت»، کیهان، (مرداد ۱۳۷۲)، ص.۷. *فرهنگ سینمای ایران* / جمال امید، ص.۲۶.

اسماعیلی، توکل ۵۰۳

پیکره‌ساز

تولد ۱۳۰۲، قزوین.[۱]

درگذشت ۸ آبان ۱۳۷۳، تهران.

توکل اسماعیلی مشهور به «مش اسماعیل» با مستخدمی در کارگاه مجسمه‌سازی دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران (از سن بیست و پنج سالگی) توانست تجربه‌های مفیدی بیاندوزد. در مدت کوتاهی به درجه‌ای از مهارت رسید که بدون گواهینامه رسمی دانشگاهی به تعلیم دانشجویان در دانشگاه تهران مشغول شد. تندیس‌های ساخت اسماعیلی در پارک‌های بزرگ تهران دیده می‌شوند.

او در ردهٔ نخستین هنرمندانی است که آهن را در مجسمه‌سازی جانشین گل و رس و سنگ نمود. آثار مش اسماعیل در نمایشگاه‌های متعدد گالری‌های داخل کشور، گالری‌های سیحون، لیو، خانه آفتاب، قندریز، مهرشاه، تهران، کلاسیک و .. به نمایش درآمده است. از جمله آثار وی مجسمهٔ رستم و دیو سفید است که در ورزشگاه بزرگ آزادی نصب شده و تندیس فلزی سه ایرانی که پرچم جمهوری اسلامی را به دوش دارند (نصب شده در پارک آل احمد). وی بیش از صد و پنجاه اثر از خود به‌جای گذاشته است.

منبع: «مش اسماعیل هم رفت»، روزگار وصل، ش. ۱۳ ـ ۱۴، ص.۴۷.

اسماعیلی، حیدر ۵۰۴

نوازنده

تولد ۱۳۰۴، قزوین.

درگذشت ۲۱ مهر ۱۳۷۰.

حیدر اسماعیلی از دوران کودکی با نواختن فلوت آشنا شد. در دوران تحصیل در دبستان، از هشت سالگی خلیفهٔ کلاس موسیقی گردید. تا سال ۱۲۳۰ فلوت را سینه به سینه و بدون نت اجرا می‌کرد تا اینکه در این سال پس از آشنایی با عبدالله جهان‌پناه (ویولن‌نواز) و رحمت‌الله مهتدی (پیانونواز) همکاری خود را با ارکستر شماره هفت که رهبری آن با عبدالله جهان‌پناه بود آغاز نمود. مدت بیست و دو سال در کلاس جهان‌پناه واقع در تهران در چهارراه مخبرالدوله شاگردان بسیاری را تعلیم داد. علاوه بر ارکستر شمارهٔ هفت با بسیاری از ارکسترهای مختلف رادیو ایران همکاری داشت و این فعالیت تا سال ۱۳۴۹ ادامه داشت.

حیدر اسماعیلی به سبب سکته دار فانی را وداع گفت و در بهشت‌زهرا به خاک سپرده شد.

منبع: *مردان موسیقی سنتی و نوین ایران* / حبیب‌الله نصیری‌فر، ص.۱۲۸ ـ ۱۳۰.

افتاده، حسین ۵۰۵

نوازنده

تولد ۱۳۲۷، تهران.

درگذشت ۲۳ خرداد ۱۳۶۶.

حسین افتاده دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در هنرستان ملی موسیقی در زمان ریاست حسین

۱. چنان که در منبع آمده است، بنا به روایتی توکل اسماعیلی در سال ۱۳۰۰ چشم به دنیا گشوده است.

دهلوی پشت سر گذاشت و در رشتهٔ موسیقی زیر نظر منشی‌زاده تحصیل و موفق به اخذ کارشناسی گشت. وی در سال ۱۳۵۴ به استخدام رسمی سازمان رادیو تلویزیون درآمد، سپس به اصفهان منتقل و مدت‌ها به عنوان سرپرست کارگاه موسیقی کودکان و نوجوانان مرکز اصفهان خدمت کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تهران منتقل شد و در سال ۱۳۵۸ همکاری خود را با ارکستر بزرگ وزیری آغاز و در واحد موسیقی صدای جمهوری اسلامی ایران به عنوان نوازندهٔ ارکستر و کارشناسان ارشد موسیقی همکاری کرد.

منبع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران/ حبیب‌الله نصیری‌فر، جلد اول، ص. ۲۱۶ـ۲۱۷.

افتتاح، امیر ناصر ۵۰۶

نوازنده

تولد ۱۳۱۴، تهران.

درگذشت ۱۱ بهمن ۱۳۶۶، تهران.

امیرناصر افتتاح در اوایل نوجوانی نزد هوشنگ مهرورزان که از شاگردان استاد حسن تهرانی بود به فراگیری نواختن ضرب پرداخت. پس از فراگیری ضرب‌های مختلف و فارغ‌التحصیل شدن از مدرسهٔ رازی، در سال ۱۳۴۴ که به رادیو راه یافت و در «برنامهٔ گل‌ها» بنا به دعوت داود پیرنیا همکاری خود را آغاز کرد. افتتاح، بیشتر دوران عمر هنری خود را با اکبر گلپایگانی، خواننده این برنامه سپری کرد و در بسیاری از مسافرت‌های داخل و خارج کشور که از طرف رادیو برای شناساندن موسیقی کشور برپا می‌شد با او به کشورهای کویت، آلمان، آمریکا، انگلستان و بسیاری از شهرهای ایران نظیر شیراز، اصفهان، آبادان، اهواز، بندرعباس و استان‌های گیلان و مازندران همراهی و همکاری داشت.

از جمله شاگردان افتتاح می‌توان از محمد اسماعیلی، بهمن رجبی، آبتین اجلالی و امیربابک رکنی را نام برد.

امیر ناصر افتتاح در سال ۱۳۶۶ درگذشت و پیکر وی در امامزاده طاهر کرج به خاک سپرده شد.

منابع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران/ حبیب‌الله نصیری‌فر، جلد اول، ص. ۳۴۲ـ۳۴۴. *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین، جلد سوم/* مهدی ستایشگر، ص. ۶۲.

الطافی، حسین ۵۰۷

نگارگر

تولد ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت ۱۳۵۸، آمریکا.

حسین الطافی بعد از دوران تحصیل مقدماتی نزد استاد حسین بهزاد در مدرسهٔ کمالیه و دارالفنون به مدت سه ماه مشغول تعلیم گرفتن هنر نقاشی بود. الطافی در سال ۱۳۰۶، تابلوی نگارگری از فرش بهارستان در قطع ۶۰×۴۰ کشید. پس از پایان خدمت نظام به هنرستان عالی هنرهای ایرانی رفت و از آنجا در سال ۱۳۱۹ با دریافت لیسانس هنرهای زیبا فارغ‌التحصیل شد. آنگاه به آفرینش آثار هنری خود پرداخت و در کنار آن به مدت یازده سال در کانون کار و آموزش به تعلیم نگارگری اشتغال ورزید. در دی ماه ۱۳۳۴ کار تدریس در هنرستان‌های وابسته به مرکز هنرهای زیبا را آغاز کرد. آثار «گل و مرغ» وی در نمایشگاه‌هایی در داخل و خارج از کشور به نمایش در آمده است، از جمله در نمایشگاه جهانی سال ۱۹۵۸ در بروکسل به دریافت دیپلم افتخار و مدال نقره نایل آمد. آخرین نمایشگاه حسین الطافی در آمریکا برگزار شد.

حسین الطافی در خلق آثارش، به مکتب هرات و صفوی گرایش داشت. درخشندگی رنگ‌ها، لطافت در طراحی و قلم‌گیری و پردازهای یکدست از ویژگی‌های کلی آثار الطافی به شمار می‌آید. وی علاوه بر سبک هرات و صفوی، به شیوهٔ قاجار نیز توجه نشان می‌داد.

دو اثر حسین الطافی تابلوی نگارگری «لیلی و مجنون» ــ با الهام از میر سعید علی، نگارگر عصر صفویه ــ و «شبان و گوسفندان» (۱۳۱۶؛ تذهیب حاشیهٔ این نگارگری اثر محمد علی رهبری است؛ ۲۵×۲۹ سانتیمتر) در موزهٔ هنرهای ملی ایران نگهداری می‌شود. برخی از آثار دیگرش در مجموعه‌های خصوصی و تعدادی نیز در مجموعه‌های شخصی و خانوادگی فرزندش نگهداری می‌شود.

استاد الطافی در سال‌های آخر عمر خود به واسطهٔ پسرش که در کشور آمریکا به طبابت اشتغال داشت، راهی آن کشور شد. سرانجام در سال ۱۳۵۸ درگذشت و پیکرش در گورستان مسلمانان به خاک سپرده شد.

منابع: اطلاعات، ش. ۱۵۹۸۱ (۲۸ مهر ۱۳۵۸)، صفحهٔ آخر. «استاد حسین الطافی نگارگر مینیاتور و گل و مرغ»، فصلنامهٔ هنر، ش. ۲۴ (زمستان ۱۳۷۲ ــ بهار ۱۳۷۳)، ص. ۱۰۷ ــ ۱۰۴. افتخاری، سید محمود. «در حریم اهل دل»، دست‌ها ونقش‌ها، ش. ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۷۲)، ص. ۴۴ ــ ۴۶. *هنر نگارگری (۱ و ۲)*/ محمد مهدی هراتی، اسماعیل رضا محمدی، ص. ۱۰۰.

نگارگر

تولد ۱۲۶۰.

درگذشت ۱۳۶۵.

میرزا آقا امامی از استادان نقاشی، تذهیب و سوخت است. شاگردانی نیز در محضر وی تربیت شده‌اند. آثار وی در موزه‌های ایران و دنیا نگه‌داری می‌شود.

میرزا آقا امامی به دستور میرزا حسین صنیع همایون برای تعمیر مینیاتورهای کهنهٔ عهد صفوی در اصفهان مشغول کار شد. از وی آثار دیگری نیز بر جای مانده است، از جمله روی نقوش فرش هم کار می‌کرد. یکی از آثار میرزا آقا امامی در زمینهٔ طراحی فرش «مادر وطن» نام دارد.

منابع: *شیوهٔ تذهیب*/ اردشیر مجرد تاکستانی، ص. ۱۹۵. ادیب برومند، عبدالعلی، «میرزا آقا امامی، محمد مهدی امامی، معروف به میرزا آقا امامی»، مجلهٔ وحید، ش. ۲۰۶ (فروردین ۲۵۳۶)، ص. ۱۴ ــــ ۱۶ و ش. ۲۰۷ (اردیبهشت ۲۵۳۶)، ص. ۱۶ ــ ۱۹ و ۲۴ (در این نوشته دو تصویر از میرزا آقا آمده است.) *طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش*/ شیرین صور اسرافیل، ص. ۲۳۸.

بازیگر

تولد ۱۲۹۹، تهران.

درگذشت ۲۴ اسفند ۱۳۷۰، تهران.

حسین (هوشنگ) امیرفضلی، بازیگر رادیو، تئاتر، تلویزیون و سینما از نوجوانی به کارهای نمایشی علاقه‌مند شد و بازیگری تئاتر را به‌طور رسمی در سال ۱۳۲۲ با بازی در نمایش‌های «قربانی در مقدم ابوالهول» آغاز کرد. سال ۱۳۲۷ با بازی در یکی از نقش‌های «طوفان زندگی» ــ نخستین فیلم سینمای ایران پس از دورهٔ فترت ــ به سینما روی آورد. سپس در نمایش «نادر شاه و فتح هندوستان» شرکت نمود. از ابتدای تأسیس رادیو جزو بازیگران نمایش‌های زندهٔ رادیویی بود و خودش هم نمایش‌های فراوانی را کارگردانی کرد. در اوائل دههٔ ۱۳۴۰، سرپرست

گروه نمایش برنامهٔ کارگردان رادیو شد و در دههٔ ۱۳۳۰ و همزمان با رشد تولید فیلم در ایران سه فیلم «دزدان معدن» (۱۳۳۵)، «هالو» (۱۳۳۸) و «عشق و حماقت» (۱۳۴۰) را تهیه و کارگردانی کرد. کار تلویزیون را با بازی در مجموعهٔ «سر کار استوار» در سال ۱۳۴۶ شروع کرد که تا آخرین سال حیاتش هم فعالیت تلویزیونی او ادامه داشت. حاصل فعالیت وی در مقام بازیگر نزدیک به چهل فیلم سینمایی و شش مجموعهٔ تلویزیونی بود. از جمله نمایش‌های دیگری که در آنها ایفای نقش کرده است، می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: «ریشارد دارلینگتن»؛ «جلاد لندن»؛ «کارمند شریف»؛ «انکار»؛ «عاشق گیج»؛ «بازجویی».

عمدهٔ فیلم‌های امیرفضلی به این شرح هستند: «بی‌پناه» (۱۳۳۲)؛ «شاهین طوس» (۱۳۳۳)؛ «آغا محمد خان قاجار» (۱۳۳۳)؛ «بوالهوس» (۱۳۳۲)؛ «امیر ارسلان نامدار» (نسخهٔ اوّل، ۱۳۳۴)؛ «غروب عشق» (۱۳۳۴)؛ «دزدان معدن» (نویسنده، کارگردان، بازیگر، ۱۳۳۵)؛ «اتهام» (۱۳۳۵)؛ «یعقوب لیث» (۱۳۳۶)؛ «برهنهٔ خوشحال» (۱۳۳۶)؛ «قاصد بهشت» (۱۳۳۷)؛ «هالو» (نویسنده، کارگردان، تهیه‌کننده، بازیگر ۱۳۳۸)؛ «شیر فروش» (۱۳۳۹)؛ «کی به کیه» (۱۳۳۹)؛ «عشق و حماقت» (نویسنده، کارگردان، تهیه‌کننده، بازیگر ۱۳۴۰)؛ «دوستت دارم» (۱۳۴۲)؛ «اشک‌ها و خنده‌ها» (۱۳۴۳)؛ «امیر ارسلان نامدار» (نسخهٔ دوم، ۱۳۴۵)؛ «زیبای خطرناک» (۱۳۴۶)؛ «تهران می‌رقصد» (۱۳۴۸)؛ «دنیای پر امید» (۱۳۴۸)؛ «صمد و قالیچهٔ حضرت سلیمان» (۱۳۵۰)؛ «خیلی هم ممنون» (۱۳۵۱)؛ «فتنه چکمه‌پوش» (۱۳۵۱)؛ «اعجوبه‌ها» (۱۳۵۱)؛ «شهر آفتاب» (۱۳۵۱)؛ «صمد و سامی و لیلا و لی‌لی» (۱۳۵۱)؛ «صمد و فولاد زره دیو» (۱۳۵۱)؛ «صمد به مدرسه می‌رود» (۱۳۵۲)؛ «صمد آرتیست می‌شود» (۱۳۵۳)؛ «صمد خوشبخت می‌شود» (۱۳۵۴)؛ «گراند سینما» (۱۳۶۷).

مجموعه‌های تلویزیونی که در آنها ایفای نقش کرده است: «سرکار استوار» (۱۳۴۶/۴۹)؛ «اختاپوس» (۱۳۴۹)؛ «آدم به آدم» (۱۳۵۰)؛ «مأمور ما صمد در ماجراهای بالاتر از خطر» (۱۳۵۳)؛ «سایهٔ همسایه» (۱۳۶۵).

منابع: «حسین امیرفضلی درگذشت»، فیلم، ش. ۱۲۲ (اردیبهشت ۱۳۷۱)، ص. ۸. ***فرهنگ سینمای ایران***/ حمید شعاعی، ص. ۸۳. ***تاریخ سینمای ایران، ۱۲۷۹ـ۱۳۵۷***/ جمال امید. ***فرهنگ سینمای ایران***/ جمال امید، ص. ۳۴.

۵۰۹/۱ امیری فلاح، رجب علی

خواننده

تولد ۱۲۸۰، بندر انزلی (محلهٔ سنگاچین).

درگذشت ۱۶ آذر ۱۳۷۳.

رجب علی امیری فلاح تنها بازمانده از نسل خوانندگان پیشین بود. نخستین آوازش را در هفت سالگی در حضور مظفرالدین شاه قاجار اجرا کرد. ردیف را نزد محمد خان عطاالملکی معروف به «بلبل» یاد گرفت و از موسیقی‌دانان رشت نظیر حسین صوتی و یعقوب شهنازی و نیز ابوالحسن صبا، موسی معروفی، امیر قاسمی، نورعلی برومند و هرمزی بهره‌مند گردید. در جوانی با قمرالملوک وزیری و سلیمان امیرقاسمی آشنا شد. سال‌ها به کار صیادی در کنار دریا و سپس مستخدمی دولت گذراند.

رجب علی امیری فلاح در سن ۹۴ سالگی درگذشت.

منابع: میرعلی نقی، سید علیرضا، «جزس فریاد می‌دارد»، کلک، ش. ۸۳ ـ ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص. ۳۹۰ ـ ۳۹۸.

نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین، جلد سوم/ مهدی ستایشگر، ص. ۷۱.

۵۱۰ امین، حبیب‌الله

نقاش، طراح

تولد ۱۲۸۲، ارومیه.

درگذشت ۱۳۶۷، تبریز.

حبیب‌الله امین، فرزند امین امینی، بود. وی از هنرمندانی است که بر روی برخی از فرش‌های کاخ مرمر که در تبریز بافته می‌شد کار کرده است. از اسلایدهای باقیمانده از فرش‌های او چنین به‌نظر می‌رسد که بر طراحی سنتی تسلط داشته است. سبک کار وی طراحی سنتی بوده است و علاوه بر نقشینه‌های رایج این طرح‌ها، از نقش‌ها و نقشینه‌های دوران باستان نیز استفاده می‌کرد.

منبع: طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش/ شیرین صور اسرافیل، ص. ۳۷۵ ـ ۳۸۱.

۵۱۱ باقری، عبدالله

نگارگر (تذهیب و تشعیر)

تولد ۱۲۹۲، تهران[۱].

درگذشت ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، تهران.

عبدالله باقری (فرزانه‌پور) چون پدرش در اراک در مأموریت اداری بود، تحصیلات ابتدایی را در آنجا به پایان برد و سپس در سال ۱۳۰۵ به تهران آمد و در سیزده سالگی در هنرستان صنایع قدیمه و مستظرفه (هنرهای زیبای فعلی) که به همت حسین بهزاد پای گرفته بود، مشغول به تحصیل شد. در این هنرستان رسم بر این بود که هر کارآموزی نخست با تمام هنرها آشنا می‌شد و سپس در رشتهٔ تخصصی خود را انتخاب می‌کرد. عبدالله باقری نقش قالی و کاشی و هنر تذهیب را به‌عنوان هنرهای تخصصی خود برگزید. وفای کاشانی در آن هنگام استاد نقش قالی، هادی تجویدی استاد مینیاتور و علی درودی استاد تذهیب هنرستان بودند. استادان دیگر ایشان غلام حسین اسکندانی و حمید رهبری بودند. عبدالله باقری در کنار کار هنری، بلافاصله پس از پایان دورهٔ هنرستان (۱۳۱۹) خود به آموزش و تربیت شاگردان همت گذاشت و در هنرستان‌های کشور شروع به تدریس کرد. تعداد آثار وی به گفته‌ای به بیست هزار اثر می‌رسد که اکثراً تذهیب است و بسیاری از آنها را در موزه‌ای متعدد می‌توان دید. از جمله دوهزار اثر از کارهای وی را استاد طاهرزادهٔ بهزاد در همان زمان که رییس هنرستان بود، با خود به ترکیه برد و بسیاری از آنها امروزه در موزهٔ توپکاپی استانبول نگهداری می‌شود. استاد باقری مجموعاً بیست سال از عمر خود را به آموزش هنرآموزان و تدریس در هنرستان‌های مختلف، موزه‌ها و دانشگاه‌ها پرداخت که از آن میان می‌توان به هنرستان‌های دختران و پسران تهران و هنرستان تبریز نام برد و در اواخر عمر به علت کهولت سن و بیماری اغلب شاگردان خود را در منزل خود می‌پذیرفت. تعدادی از این نقش قالی‌ها در موزهٔ هنرهای ملی نگهداری می‌شد که بعدها به موزهٔ فرش ایران انتقال یافت و برخی از آنها به‌وسیله هنرمندان قالی‌باف روی قالی پیاده شدند. وی در هنر تذهیب شیوه‌ای نو پدید آورد و این هنر را که بیشتر برای زینت بخشیدن به کار یک خوشنویس یا شعر یک شاعر به کار می‌رفت، شخصیتی مستقل بخشید تا جایی که تذهیب بتواند خود به‌عنوان تابلویی قابل ارائه باشد. به‌طور کلی می‌توان گفت که

۱. در کتاب *آموزش هنر برای سال سوم راهنمایی* محل تولد وی اراک آمده است.

پس از دوران صفویه، به همت او و استاد نصرت‌الله یوسفی بود که تذهیب در ایران اصالت دیرین خود را بازیافت. آثار و طرح‌های استاد باقری یک بار در اردیبهشت ۱۳۶۵ و بار دیگر در اردیبهشت ۱۳۶۸ در موزهٔ فرش ایران در نمایشگاه‌هایی به معرض تماشا گذاشته شد.

از وی مجموعه‌ای به نام ***گلزار باقری*** (۱۳۶۶) حاوی تصاویر تعدادی از آثار قدیمی وی به همت شاگردان چاپ شده است. از آثار دیگر اوست: طراحی و نقاشی درها، دیوار و ستون‌های موزهٔ هنرهای ملی سابق؛ طراحی کاشی‌های گنبد کاخ مرمر که از روی گنبد مسجد شیخ لطف‌الله اقتباس شده است؛ تعداد تذهیب و حاشیه که در موزه‌های هنرهای ملی و هنرهای تزئینی نگه‌داری می‌شود که از جمله معروف‌ترین آن تابلو «گل و مرغ» است که در موزهٔ هنرهای معاصر نگه‌داری می‌شود؛ حاشیه و تذهیب «خدا را فراموش نکن» با خط «عبدالرسولی»؛ حاشیه و تذهیب «بسم‌الله الرحمن الرحیم» با خط «عبدالرسولی»؛ تذهیب کتاب ***حماسهٔ هیزم‌شکن*** اثر بسیج خلخالی؛ تذهیب و حاشیهٔ کتاب ***عمر خیام*** اسفندیاری؛ تذهیب چند ***قرآن*** که معروف‌ترین آنها قرآنی است با خط سید حسن میرخانی.

استاد عبدالله باقری پس از یک بیماری طولانی سرطان کبد، در سن ۷۶ سالگی در تهران به‌درود حیات گفت. پیکر وی در امامزاده ابن‌بابویه[1] در تهران به خاک سپرده شد.

منابع: «استاد باقری بزرگترین مُذَهب معاصرکشور درگذشت»، ابرار (۱۳۶۸/۷/۱). «به یاد استاد باقری؛ قالی را، مانند برگی از کتاب می‌شود خواند»، فرش ایران، س. ۵، ش. ۴۶ (مهر و آبان ۱۳۶۸)، ص. ۲۴. ***شیوهٔ تذهیب***/ اردشیر مجرد تاکستانی، ص. ۱۹۶. ***آموزش هنر*** (برای سال سوم راهنمایی)/ محمد مهدی هراتی، محمد علی کشاورز، جعفر پوررهنما، یدالله درخشانی، ص. ۹۷. آدینه، «استاد عبدالله باقری، استاد تذهیب‌کار»، مجلهٔ فردوسی، ش. ۲۲۱ (آذر ۱۳۶۴)، ص. ۲۵. ***طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش***/ شیرین صور اسرافیل، ص. ۴۳۷. بهروزی، کیخسرو، «عبدالله باقری»، آینده، س. ۱۶، ص. ۶۰۳ـ۶۰۴.

بدیع‌زاده، جواد ۵۱۲

موسیقیدان

تولد ۱۲۸۰، تهران.

درگذشت ۱۰ دی ۱۳۵۸، تهران.

جواد اناری که بعدها به «بدیع‌زاده» مشهور شد، فرزند بدیع‌المتکلمین از سادات کاشان، در محلهٔ پاچنار تهران چشم به جهان گشود. در جوانی به سبب صدای خوشی که داشت گاهی در مجالس دوستانه و محافل آشنایان شعرهای حافظ، سعدی و مولوی را زیرلب زمزمه می‌کرد. به پیشنهاد بنگاه هیزمستیرویُس و پلیفون به اتفاق ابوالحسن صبا و مرتضی محجوبی به بیروت رفت و به همراهی ساز این دو استاد آثاری به وجود آورد. یک سال بعد هم کمپانی دیگری به نام کمپانی ادئون برای ضبط صدایش به آلمان دعوتش نمود (۱۳۱۵). پس از مراجعت از آلمان به انگلستان رفت و در این سفر در حدود چهل صفحه از صدایش ضبط شد. بدیع‌زاده اوّلین خواننده‌ای است که ترانه‌هایش را خودش ساخته است. از آغاز تأسیس رادیو، شروع به فعالیت در رادیو نمود و با ارکسترهای رادیو همکاری داشت. ضمناً عضو شورای موسیقی رادیو بود. بدیع‌زاده در دوران جنگ جهانی دوم در تهران ماند. بعد از چندی همراه مهدی خالدی و علی زاهدی به هندوستان رفت و در آنجا نیز صفحاتی از صدایش ضبط شد.

---

۱. در «***فرش ایران***» گفته شده است که در امامزاده عبدالله به خاک سپرده شده است.

بدیع‌زاده از موسیقیدانانی است که آثار بسیاری از خود به یادگار گذاشت. به ردیف موسیقی ایرانی آشنا بود. نخستین صفحهٔ بدیع‌زاده در سال ۱۳۰۴ ضبط شد. تصنیف «شد خزان» وی با شعر رهی معیری در آلمان ضبط شد. بدیع‌زاده اولین کسی بود که آواز باباشملی یا کوچه باغی را که بعداً بیات تهران نام گرفت اجرا کرد.

منبع: *چهره‌های موسیقی ایران*/ شاپور بهروزی، جلد اول، ص. ۴۶۹.

۵۱۳ بدیع، محسن

تهیه کننده

تولد ۱۲۸۷، بصره.

درگذشت ۱۲ مرداد ۱۳۶۸.

محمد حسن بدیع یا محسن بدیع تا شانزده سالگی را به همراه پدرش که کنسول (نصرةالوزاره) ایران در بصره بود، در این شهر گذراند و پس از اخذ دیپلم جهت ادامهٔ تحصیل راهی اروپا شد. در سال ۱۳۰۶ به پاریس رفت و پس از یک سال با گرفتن بورسی راهی انگلستان شد و در لندن به تحصیل مهندسی "رادیو" پرداخت. سپس به پاریس برگشت و مدت هشت سال در آنجا کارگاهی تأسیس و اقدام به تعمیر دستگاه گیرندهٔ رادیو کرد. با گرفتن دیپلم مهندسی مکانیک و برق از پاریس به بصره بازگشت و هنگام شروع جنگ بین‌المللی دوم به ایران آمد. وی در سال ۱۳۲۱ به ایران بازگشت و پس از چندی برای نخستین بار به صداگذاری فیلم در ایران پرداخت. در سال ۱۳۲۷ موفق به ساختن دستگاه اپتیکال صداگذاری روی فیلم شد و صدای سر صحنهٔ فیلم «زندانی امیر» (اسماعیل کوشان) را در همین سال گرفت. در سال ۱۳۲۹ اقدام به تأسیس استودیو عقاب کرد. در سال ۱۳۳۰، فیلم «شکار خانگی» (علی دریابیگی) را تصویربرداری و تهیه کرد. وی همچنین سال‌ها در خیابان فردوسی، مغازهٔ رادیوسازی بدیع را نیز اداره می‌کرد.

با ساختن و نصب یک دستگاه خودکار ظهور فیلم (نخستین دستگاه اتوماتیک چاپ فیلم سیاه و سفید با یاری دکتر اسماعیل کوشان) در آن مکان آنجا را به یک لابراتوار تبدیل نمود. سپس با افتتاح استودیو فیلمبرداری بدیع به راه‌اندازی لابراتوار چاپ و ظهور فیلم به شکل مدرن‌تر پرداخت. در ادامه به تهیهٔ دو فیلم «ولگرد» و «آخرین شب» پرداخت. آخرین مرحله از تکمیل این سازمان سینمایی، تأسیس استودیوی صدا در سال ۱۳۳۶ بود.

در سال ۱۳۴۵ نخستین لابراتوار رنگی ایران را با سیستم ظهور آگفاکالر تأسیس کرد و پس از مدتی سیستم این لابراتوار را به ایستمن کالر کداک تغییر داد. بعدها مرکز خدمات صنایع فیلم ایران را تأسیس نمود.

از جمله کارهای مهندس بدیع که در زمان خود تازگی داشت، انجام تروکاژهای فیلم «شب‌نشینی در جهنم» (۱۳۳۵) بود که بخش عمدهٔ آن در لابراتوار انجام شد. فیلم‌های عمده‌ای که وی در تولیدشان نقش اساسی داشته عبارتند از: «شکار خانگی» (تهیه‌کننده با مشارکت جلیل غدیری، فیلمبردار، ۱۳۳۳)؛ «ولگرد» (تهیه کننده، ۱۳۳۳)؛ «میلیونر» (تصویربردار، ۱۳۳۳)؛ «فرزند گمراه» (تصویربردار با همکاری خانی، ۱۳۳۴)؛ «آخرین شب» (تهیه کننده و تصویربردار، ۱۳۳۴)؛ «شب‌نشینی در جهنم» (مسئول تروکاژ و امور فنی، ۱۳۳۶)؛ «ستاره‌ای چشمک زد» (تهیه کننده و کارگردان، ۱۳۴۲).

منابع: *فرهنگ سینمای ایران*/ جمال امید، ص. ۴۲. *فرهنگ سینمای ایران*/ حمید شعاعی، ص. ۱۰۴. «درگذشت مهندس بدیع، پیشگام امور فنی و لابراتوار فیلم در ایران»، فیلم،

س. ۷، ش. ۸۰ (شهریور ۱۳۶۸)، ص. ۷. «خاموشی یک خدمتگزار سینما»، کیهان فرهنگی، س. ۶، ش. ۶ (شهریور ۱۳۶۸)، ص. ۵۵. «گفتگو با محسن بدیع، از پیشگامان امور فنی و لابراتور فیلم در ایران»، فیلم، س. ۵، ش. ۵۱ (تیر ۱۳۶۶)، ص. ۲۵ ـ ۲۷ و ۷۷.

بدیعی، حبیب‌اله ۵۱۴

موسیقیدان، آهنگساز، نوازنده

تولد ۴ فروردین ۱۳۱۲، سوادکوه مازندران.

درگذشت ۱۳۷۱، تهران.

حبیب‌الله بدیعی، فرزند علی محمد، تا چهار سالگی در سوادکوه مازندران می‌زیست و سپس همراه خانواده به ساری آمد. دو سال اول ابتدایی را در ساری به دبستان رفت. سال سوم ابتدایی بود که به تهران منتقل و در مدرسهٔ پانزدهٔ بهمن تحصیلات خود را پی‌گیری کرد. از سال ۱۳۲۶ نزد دکتر لطف‌الله مفخم پایان (به مدت سه سال) مشق ویولن نمود و ردیف‌های ابوالحسن صبا را فرا گرفت. در سال ۱۳۲۹ در برنامهٔ موسیقی ارتش برای نخستین بار ساز سلو نواخت. در سال ۱۳۳۰ رسماً در ارکستر ابراهیم منصوری مشغول کار شد. ابراهیم منصوری در آن سال مدیر موسیقی رادیو بود و از ایشان دعوت کرد در رادیو تکنوازی کند (برنامه‌ای به مدت یک ربع که هر پانزده روز یک بار پخش می‌شد). در جنب این فعالیت هنری، در فیلم «ولگرد» که سال ۱۳۳۱ به روی پردهٔ سینماهای تهران درآمد، آوای حسین قوامی و شمس را با ویولن همراهی کرد. به مدت یک سال هم هفته‌ای دو روز نزد ابوالحسن صبا کار کرد و نت‌های استاد را که خارج از ردیف‌های به چاپ رسیدهٔ ایشان بود، زد.

سال ۱۳۳۳ یا ۱۳۳۴ بود که ارکستر کوچکی تشکیل داد که خوانندهٔ آن بانو شمس بود. این ارکستر تا آخر سال ۱۳۳۶ ادامه پیدا کرد و برنامه‌های آن شب‌های جمعه از رادیو پخش می‌شد. از سال ۱۳۳۷ در برنامهٔ گل‌ها نوازندگی می‌کرد ولی ابلاغ رسمی از سال ۱۳۳۸ به وی داده شد. بدیعی بیش از دویست آهنگ ساخت. در سال ۱۳۴۵ معاون ادارهٔ رادیو تهران و سپس معاون ادارهٔ موسیقی شد. در سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۱ رییس ادارهٔ موسیقی رادیو بود. در سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۸ عضو شورای واحد موسیقی که اعضای دیگر آن مرتضی حنانه، علی تجویدی، حسینعلی ملاح بودند. شش سال متوالی هم رهبری ارکستر باربد را به عهده داشت. در سال ۱۳۶۲ بازنشسته شد. در سال ۱۳۶۵ برای جراحی قلب به آمریکا رفت.

حبیب‌الله بدیعی در سال ۱۳۷۱ در تهران درگذشت. آرامگاه وی در امامزاده طاهر کرج قرار دارد.

منابع: *چهره‌های موسیقی ایران*/ شاپور بهروزی، جلد اول، ص. ۱۹۱. *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین، جلد سوم*/ مهدی ستایشگر، ص. ۵۵ ـ ۹۳.

بنان، غلامحسین ۵۱۵

خواننده

تولد اردیبهشت ۱۲۹۰، رشت[1].

درگذشت ۸ اسفند ۱۳۶۴، تهران.

غلامحسین بنان، فرزند کریم‌الدوله مستوفی (خوشنویس و موسیقیدان)، اوّلین آموزش هنری خود را با مرتضی نی‌داود گذراند. آواز و گوشه‌ها و دستگاه‌های موسیقی را نزد ضیاءالدین رسایی

۱. در مجلهٔ «آینده» و *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین*، محل تولد وی "تهران" ذکر شده است. همچنین در *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* تاریخ درگذشت استاد بنان ۱۳۶۵ درج شده است.

معروف به شیخ ضیاء آموخت. سپس برای تکمیل فن خود از محضر ناصر سیف استفاده کرد. سال ۱۳۲۰ به ادارهٔ موسیقی کشور رفت و روح‌الله خالقی وی را تشویق کرد که با رادیو همکاری کند. در سال ۱۳۲۱ وارد رادیو شد. بنان در برنامهٔ رادیویی «گل‌های جاویدان» و سپس در «گل‌های رنگارنگ»، «برگ سبز»، «یک شاخه گل» و «گل‌های صحرایی» شرکت داشت و حدود هفتاد برنامهٔ گل‌ها با صدای او ضبط و پخش شده است.

بنان خدمات دولتی را در وزارت خوار و بار آغاز کرد و چندی رییس دفتر وزیر خواربار بود. سال‌ها نیز سمت مشاور هنری وزارت فرهنگ و هنر را عهده‌دار بود. هم‌زمان اشتغال در رادیو با ارکستر بزرگ انجمن موسیقی ملی به‌رهبری روح‌الله خالقی همکاری داشت. بنان در هنرستان موسیقی سمت استادی آواز را داشت.

در سال ۱۳۳۶ به دنبال یک سانحه رانندگی چشم راست خود را از دست داد و در ۱۳۴۰ به عنوان اعتراض به هرج و مرج در موسیقی، خواندن را کنار گذاشت و سال‌های آخر عمر خود دچار بیماری جهاز هاضمه بود.

غلامحسین بنان هشتم اسفند ماه سال ۱۳۶۴ در تهران جان سپرد و پیکرش در امامزاده طاهر کرج به خاک سپرده شد.

منابع: چهره‌های آشنا، شامل شرح حال و آثار چهل تن از هنرمندان برجستهٔ ایران از شش شعبهٔ هنرهای مستظرفه / جلال میزبان. جلد اوّل، ص. ۱۵۶ ــ ۱۵۸. *چهره‌های موسیقی ایران /* شاپور بهروزی. جلد اوّل، چاپ دوّم. ص. ۴۷۵-۴۸۶. «غلامحسین بنان»، کیهان سال، جنگ هنر (اسفند ۱۳۶۴)، ص. ۳۲. مهران، مجید، «غلامحسین بنان»، آینده، س. ۱۲، ص. ۲۹۰ ــ ۲۹۲.

۵۱۶ بوذری، ابراهیم

خوشنویس، مدرس خوشنویسی

تولد ۱۲۷۴، طالقان.

درگذشت ۱ بهمن ۱۳۶۵، تهران.

ابراهیم بوذری، فرزند علی اصغر طالقانی، پس از فرا گرفتن علوم مرسوم زمان مانند ادبیات فارسی و عربی و فقه و اصول و غیره به مطالعهٔ رشتهٔ قضاء پرداخت و از محضر آیت‌الله خلیل کمره‌ای و آیت‌الله کاشانی و همچنین آیت‌الله شوشتری استفاده کرد و از آیت‌الله شوشتری اجازه در امور حسبیه گرفت و دارای مدرک اجتهاد شد.

دیری نگذشت که به عرصهٔ خوشنویسی وارد شد و نکات و دقایق اولیهٔ خط نستعلیق را در محضر زین‌العابدین ساعت‌ساز فرا گرفت و سپس از استاد حاج آقا محمد مشهور به عماد طاهری که از شاگردان میر حسین خوشنویس باشی بود استفاده برد و برای تکمیل این خط و همچنین برای آموختن خط ثلث، نزد استاد عبدالحمید ملک الکلامی مشهور به امیر الکتاب (متوفی ۱۳۲۸) به تلمذ پرداخت. وی چندی نیز جهت تکمیل خط نستعلیق در محضر استاد محمد حسین عماد الکتاب سیفی قزوینی (متوفی ۱۳۱۵) حضور یافت. سپس خط نسخ را در مکتب استاد محمد تقی کمال و آقا شیخ علی عبدالرسولی آموخت.

وی پس از سال‌ها خدمت در دستگاه‌های دولتی سرانجام در سال ۱۳۳۰ بازنشسته شد. وی مدت‌ها به فرمان‌نگاری و خوشنویسی احکام در مجلس شورای ملی و طی خدمتش در وزارت دادگستری به کارشناسی رسمی خطوط و امضای فارسی نیز اشتغال داشت. استاد بوذری به موسیقی نیز علاقه‌مند بود و از جمله اساتید وی در این زمینه اقبال آذر تعزیه‌خوان معروف به اقبال السلطان بودند. تجربه‌هایی از او در «ردیف»، «پرده»، «نوا» و آواهای

ایرانی به یاد مانده است.

بوذری جزء نخستین کسانی بود که بنیاد کلاس‌های آزاد و رایگان خوشنویسی را به وجود آورد و به همراه دیگر استادان (حسین میرخانی و علی اکبر کاوه) سرانجام انجمن خوشنویسان ایران را پایه‌گذاری کرد. او تا آخرین لحظات عمر خود در آن انجمن به عنوان مشاور شورای عالی با حفظ مقام استادی و نیز عضویت در شورای تعیین شایستگی مقام استادی به کار ادامه داد.

ابراهیم بوذری ابتدا به سبک میرحسین و بعداً به اسلوب ملک الکلامی و عمادالکتاب گرایش پیدا نمود و سرانجام دارای شیوه‌ای خاص خود گردید که به اسلوب مستقل بوذری معروف شد.

از آثار کتابت به جای مانده از وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***ملخص مثنوی***؛ منتخب ***دیوان سعد سلمان***؛ جلد اول ***جوامع الحکایات***؛ ***پارسی نغز***؛ ***تاریخچهٔ آب شیراز***؛ وقف‌نامه بیمارستان نمازی؛ وقف‌نامه موقوفات مسجد فخرالدوله؛ جزوه‌های قرآن چاپ معروف به حاج ضیاءالدین؛ ***ارمغان پاک***؛ ***دیوان حافظ***؛ کتب کلاسیک؛ کتیبه آرامگاه سعدی؛ کتیبه شاه خلیل‌الله در یزد؛ کتیبه رو به تهران دروازه شیراز به خط ثلث؛ یک دوره کتاب‌های درسی سال‌های مختلف دبستان و دبیرستان.

منابع: «استاد ابراهیم بوذری، هنرمند و خوشنویس»، کیهان فرهنگی، س. ۲، ش. ۴ (تیر ۱۳۶۴)، ص. ۴۸. «استاد هنر خوشنویسی درگذشت»، کیهان فرهنگی، س. ۳، ش. ۱۱ (بهمن ۱۳۶۵)، ص. ۴۰. ***چهره‌های موسیقی ایران***/ شاپور بهروزی، جلد اوّل. ویژه‌نامهٔ شمارهٔ چهار دومین کنگرهٔ خوشنویسان کشور، ویژهٔ استاد علی اکبر کاوه/ استاد نظام‌العلماء. «ابراهیم بوذری»، آینده، س. ۱۳، ص. ۱۹۹ ــ ۲۰۰. ***زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ــ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد دوم، (ب ــ ث)***/ حسن مرسلوند، ص. ۸۳.

طراح فرش، نگارگر

تولد ۱۲۸۴، اراک (در بخش بزچلو).
درگذشت ۱۳۶۵، پاریس.[۱]

عیسی بهادری در یکی از بخش‌های تابعهٔ اراک به نام بزچلو در مزرعهٔ خانوادگی به نام آقچه کهریز متولد شد. پس از پایان تحصیلات راهی تهران شد و در مدرسهٔ کمال‌الملک به کار طبیعت‌سازی مشغول شد. در سال ۱۳۱۵ در اصفهان، سرپرستی هنرستان جدیدالتأسیس را پذیرفت. استاد بهادری در خلق نقشه‌های فرش، ماهر بود. فرش «بشریت» او همراه با چند اثر دیگر در موزهٔ هنرهای ملی و همچنین موزهٔ هنرهای زیبای اصفهان و موزهٔ فرش ایران موجود است. طرح «تولد انسان» طرحی برای فرش است که در ادارهٔ فرهنگ و هنر (سابق) بافته شده است. این فرش در موزهٔ هنرهای ملی نگه‌داری می‌شود. یکی از تابلوهای او به نام «مجلس ابن سینا» در موزهٔ لوور پاریس می‌باشد. از ابتکارات او، استفادهٔ هنرمندانه از طرح‌های گل و برگ و پرنده، به جای اشکال هندسی بر روی «میز خاتم» (به‌صورت معرق) است. ترمیم کاشی دور مسجد شاه را که قسمتی از آن ریخته بود، از جمله فعالیت‌های اوست. از کارهای دیگر او، کاشی‌کاری نمای هنرستان هنرهای زیبا و طرح کاشی و گلدستهٔ حرم حضرت سیدالشهدا (ع) را می‌توان نام برد.

عیسی بهادری نشان‌های هنری از نمایشگاه‌های دنیا دریافت کرده است، از جمله دیپلم «دونور» و مدال طلا از نمایشگاه جهانی بروکسل و نشان علم و هنر از فرانسه.

عیسی بهادری در سال ۱۳۶۵ در فرانسه درگذشت و در گورستان پرلاشز پاریس به خاک

۱. در کتاب *شیوهٔ تذهیب* تاریخ مرگ وی ۱۳۶۲ آمده است.

سپرده شد.

منابع: بولتن اولین نمایشگاه دوسالانه نگارگری ایرانی اسلامی، موزهٔ هنرهای معاصر تهران، تابستان ۱۳۷۲. *شیوهٔ تذهیب* / اردشیر مجرد تاکستانی، ص.۱۹۶. سیف، هادی، «هنر سنتی رو به مرگ است»، رستاخیز، ش.۷۹۴ (۲۷ آذر ۲۵۳۶=۱۳۵۶)، ص.۱۰ـ۱۱. *طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش* / شیرین صور اسرافیل، ص.۲۲۰ـ۲۲۳.

بهارلو، سودابه ۵۱۸

نقاش، مینیاتوریست، نگارگر

تولد ۲۸ بهمن ۱۳۲۸، تهران.

درگذشت ۲۴ دی ۱۳۷۴، تهران.

سودابه بهارلو پس از فراغت از تحصیلات دبیرستانی به کار هنری پرداخت و در سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ از محضر استاد حسین بهزاد و در سال‌های ۱۳۶۴ الی ۱۳۶۸ در محضر استاد علی مطیع به فراگیری هنر نقاشی پرداخت. وی در نمایشگاه‌های زیر حضور داشته است: نمایشگاه کنگرهٔ ششصدمین سال حافظ (شیراز، ۱۳۶۷)؛ نمایشگاه ۲۲ بهمن (موزهٔ هنرهای معاصر، ۱۳۶۷؛ ۱۳۶۸)؛ نمایشگاه مشترک با هنرمندان چینی (موزهٔ هنرهای معاصر، ۱۳۶۸)؛ نمایشگاه روز زن (موزهٔ هنرهای معاصر، ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹؛ موزهٔ آزادی ۱۳۷۰)؛ نمایشگاه سیری در نگارهٔ ایران (موزهٔ هنرهای معاصر، ۱۳۶۹)؛ نمایشگاه کنگرهٔ فردوسی (دانشگاه تهران، ۱۳۶۹)؛ نمایشگاه به مناسبت زلزلهٔ زنجان و گیلان (موزهٔ هنرهای معاصر، ۱۳۶۹)؛ نمایشگاه تخصصی صادراتی هنری مینیاتور و تذهیب (نمایشگاه بین‌المللی تهران، ۱۳۷۰)؛ نمایشگاه اختصاصی جمهوری اسلامی ایران (مکزیک، ۱۳۷۰؛ لیبی، ۱۳۷۰؛ بیروت ۱۳۷۱؛ سوریه ۱۳۷۱؛ فلورانس؛ ۱۳۷۱)؛ نمایشگاه اولین دوسالانهٔ نقاشان ایران (موزهٔ هنرهای معاصر، ۱۳۷۰)؛ نمایشگاه گل و گیاه، بخش ویژه (نمایشگاه بین‌المللی تهران، ۱۳۷۲)؛ نمایشگاه تخصصی صادراتی نقاشی و مینیاتور (نمایشگاه بین‌المللی تهران، ۱۳۷۲).

سودابه بهارلو در سال ۱۳۷۴ درگذشت و پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ هنرمندان و نویسندگان (قطعهٔ شمارهٔ ۸۸) به خاک سپرده شد.

منبع: برشور معرفی سودابه بهارلو (همراه با زندگی‌نامهٔ وی به قلم نصرت‌الله کاسمی به تاریخ فروردین ۱۳۷۲).

بهاری، علی‌اصغر ۵۱۹

نوازنده، ردیف‌دان، مدرس

تولد ۱۲۸۴، تهران.

درگذشت خرداد ۱۳۷۴، تهران.

علی اصغر بهاری، فرزند محمدتقی خان، از کودکی با ساز پدر و نوای نی‌لبک عموی خود با موسیقی آشنا شد. ده ساله بود که پدر بزرگ وی را تعلیم کمانچه داد. بعد از مدتی پدرش فوت کرد. پدر بزرگ وی در تعلیمش تلاش بسیار کرد و لذا وی توانست در چهارده سالگی نوازندهٔ کمانچه شود. پس از مدتی عضو ارکستر ابراهیم‌خان منصوری شد. در این ارکستر ابراهیم خان منصوری ویولن می‌زد، حسن‌خان اصفهانی خوانندهٔ ارکستر بود، برادر او هم تار می‌نواخت و علی اصغر بهاری هم کمانچه می‌زد. تا زمان برچیده شدن این ارکستر در سال ۱۳۳۲ با این گروه همکاری داشت. بهاری پس از چندی در مشهد کلاس موسیقی افتتاح کرد. یک سال هم با حبیب سماعی، نوازندهٔ سنتور کار کرد و به تعلیم شاگردانی پرداخت. سپس به تهران آمد و توسط روح‌الله خالقی به هنرستان موسیقی جهت تعلیم

دعوت شد و در هنرستان شروع به همکاری نمود. وی با همکاری با مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران، شاگردانی بسیاری را تعلیم و تربیت نمود.

پس از آن مشیر همایون از وی دعوت کرد تا با رادیو همکاری نماید. وی دوشنبه‌ها با کمانچه تکنوازی می‌کرد. با این برنامه علی اصغر بهاری کمانچه را کنار سازهای معتبر دیگر مطرح کرد. وی مدتی نیز با تلویزیون همکاری داشت. مدتی بعد، رشتهٔ موسیقی دانشگاه تهران هم درس "تعلیم و شناخت کمانچه" را وارد دروس تحصیلی نمود و از بهاری برای تدریس و تعلیم این ساز دعوت شد.

در سال ۱۳۴۶ به‌واسطهٔ دعوتی از سوی رادیوی فرانسه برای اجرای تک‌نوازی به فرانسه رفت و با کمانچه یا به‌قول خودش با این ساز غریب و تنها در سالن دولاویل با بیش از سه هزار نفر جمعیت به اجرای برنامه پرداخت.

از جمله شاگردان ایشان می‌توان به داود گنجه‌ای، علی اکبر شکارچی، هادی منتظری، محمد مقدسی و مهدی آذرسینا اشاره نمود. از استاد بهاری آثار بسیاری در هم‌نوازی‌های گروهی و تک‌نوازی‌ها روی نوار مضبوط و باقی‌مانده است.

استاد بهاری در سال ۱۳۷۴ درگذشت و در امامزاده طاهر کرج به خاک سپرده شد.

منابع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران/ حبیب‌الله نصیری‌فر، ص. ۷۵ ـ ۷۳. افتخاری، سید محمود، «آن پنجهٔ کمانچه کش و ...»، فصلنامهٔ هنر، ش. ۲۴ (زمستان ۱۳۷۲)، بهار ۱۳۷۳)، ص ۱۳۷ ـ ۱۴۳. آدینه، ش. ۱۰۲ (تیر ۱۳۷۴)، ص. ۵. *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین، جلد سوم/* مهدی ستایشگر، ص. ۵۵ ـ ۵۶. اطلاعات شفاهی سرکار خانم معصومه (نسرین) بهاری برادرزادهٔ ایشان. *آثاری از استاد بهاری/* به کوشش مهدی آذرسینا.

بازیگر، کارگردان

تولد ۱۲۸۸، تهران.

درگذشت ۱۳۶۶.

صادق بهرامی، فرزند ابراهیم، پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه (دبیرستان شرف)، دورهٔ آموزشی وزارت دارایی را طی کرد. سپس از مدرسهٔ هنرستان هنرپیشگی تهران فارغ‌التحصیل شد. بازی در تئاتر را از سال ۱۳۰۱ با تشکیل گروه‌های تئاتر مدرسه‌های «شرف مظفری» و دارالفنون همراه حسین خیرخواه آغاز کرد، سپس در گروه تئاتر تهران در نمایش‌هایی به کارگردانی سید علی خان نصر، افراسیاب آزاد، میر سیف‌الدین کرمانشاهی، قسطانیان، هایک کاراکاش، رفیع حالتی، شمس ملک آرا، محمود ظهیرالدینی، طریان، غلامعلی فکری (معزالدیوان)، فضل‌الله بایگان، عبدالحسین نوشین، صمد صباحی بازی و شرکت کرد. از جمله نمایشنامه‌هایی که بهرامی در آنها شرکت داشت عبارتند از: «جزای روزگار»، «توپاز»، «دختران واخورده»، «بیگانه»، «برای شرف»، «مسافری از آن دنیا»، «ولپن»، «یوسف و زلیخا»، «حسن جنی»، «سه ملعون»، «قسمت»، «پیر کفتار»، «محمدعلی بیک»، «دکتر کارد و چنگال»، «بهلول»، «خسیس»، «مریض خیالی»، «انقلاب مشروطیت»، «طبیب اجباری»، «اوضاع اداری»، «بچه گدا»، «عروسی اعیان»، «مرگ موش».

صادق بهرامی از سال ۱۳۳۳ یکی از بازیگران نمایش‌هایی رادیویی بود که بسیاری از نمایشنامه‌ها را خود کارگردانی می‌کرد و یا داستان آنها را می‌نوشت.

صادق بهرامی از سال ۱۳۳۰ با فیلم «شکار خانگی» فعالیت خود را آغاز کرد. از جمله فیلم‌های وی می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره کرد: «شب‌های تهران» (بازیگر، نویسنده ۱۳۳۲)؛ «همسر مزاحم»

(۱۳۳۳)؛ «آغا محمد خان قاجار» (۱۳۳۳)؛ «مستشار جزیره» (۱۳۳۵)؛ «بهلول» (۱۳۳۶)؛ «همه گناهکاریم» (۱۳۳۷)؛ «شاباجی‌خانم» (کارگردان، ۱۳۳۷)؛ «حسن کچل» (۱۳۴۹)؛ «بدنام» (۱۳۵۰)؛ «راز درخت سنجد» (۱۳۵۰)؛ «ستارخان» (۱۳۵۱)؛ «مرد اجاره‌یی» (۱۳۵۱)؛ «خواستگار» (۱۳۵۱)؛ «بدکاران» (۱۳۵۳)؛ «آقا مهدی کله‌پز» (۱۳۵۲)؛ «اسرار گنج درهٔ جنّی» (۱۳۵۳)؛ «زنبورک» (۱۳۵۴) بازی کرد و در تلویزیون افزون بر برنامه‌های گوناگون، در مجموعه‌های تلویزیونی «اختاپوس» (۱۳۴۵/۴۹)، «آدم به آدم» (۱۳۵۰)، «سلطان صاحبقران» (۱۳۵۵/۵۶) و... عهده‌دار نقش‌های متفاوت بود.

صادق بهرامی پس از سی و چهار سال خدمت در وزارت دارایی بازنشسته شد. او در سال‌های واپسین زندگی به فراموشی دچار شده بود.

منابع: سیمای هنرمندان ایران (موسیقی، تئاتر و سینما) / به کوشش و گزینش حبیب‌الله نصیری فرد، جلد اوّل، ص. ۳۹۱ــ۳۸۹. *فرهنگ سینمای ایران* / حمید شعاعی، ص. ۱۱۵. *فرهنگ سینمای ایران* / جمال امید، ص. ۴۹. *چهره‌های آشنا* / ص. ۱۱۳.

بهروزان، اسدالله ۵۲۱

عکاس، مدرس

تولد ۱۳۰۸، شمیرانات.

درگذشت ۱۳۶۶، اتریش.

اسدالله بهروزان دورهٔ تحصیل مقدماتی را در دبستان و دبیرستان شرف پشت سر گذاشت و در دانشکدهٔ هنرهای زیبا تحصیلات دانشگاهی خود را در رشتهٔ نقاشی دنبال کرد اما نیمه‌کاره رها نمود و عازم آمریکا شد. در بازگشت در پایه‌گذاری دانشکدهٔ هنرهای تزئینی شرکت داشت و بعدها تا پایان عمر در آنجا و دانشکده‌های دیگر مشغول تدریس بود.

آثار هنری اسدالله بهروزان عکس‌هایی است که از مناظر طبیعی و آثار باستانی ایران برداشته است و نمونه‌هایی چند از آن به صورت پوستر توسط سازمان جلب سیاحان به چاپ رسیده است. وی مدتی نیز با آرتور پوپ همکاری داشت.

اسدالله بهروزان پیش از درگذشت در دانشگاه اصفهان تدریس می‌کرد. وی برای معالجهٔ چشم به اتریش رفت و همانجا درگذشت.

منابع: «یادی از درگذشتگان»، آدینه، ش. ۱۶ (۱ آبان ۱۳۶۶)، ص. ۵. «اسد بهروزان»، آینده، س. ۱۴، ص. ۴۰۵. (مجلهٔ زمان، ش. ۱۲).

بهشتی، هوشنگ ۵۲۲

بازیگر

تولد ۱۳۰۲، تهران.

درگذشت ۱۲ آبان ۱۳۷۰.

هوشنگ بهشتی فارغ‌التحصیل هنرستان هنرپیشگی تهران در سال ۱۳۲۰ بود. سپس دورهٔ دو سالهٔ مدرسهٔ تئاتر را در سال ۱۳۲۲ طی نمود و در سال ۱۳۵۰ در رشتهٔ سینما از دانشکدهٔ هنرهای دراماتیک فارغ‌التحصیل شد.

از سال ۱۳۲۳ بازی در تئاتر را آغاز کرد. نمایش‌های عمده‌ای که در آنها ایفای نقش کرده است، عبارتند از: «نافرمانی»؛ «میشل استروگوف»؛ «شفای بیمار»؛ «خانم گلفروش»؛ «عروسک پشت پرده»؛ «خانه عروسک»؛ «شوهرهای مریم‌خان»؛ «خسیس»؛ «خروس بی‌محل». از سال ۱۳۳۰ بازی در نمایش‌های رادیویی را شروع کرد. اوّلین حضورش جلوی دوربین سینما، بازی در فیلم «جدال با شیطان» (۱۳۳۱، حسین مدنی) بود و در طول

فعالیتش در بیش از پنجاه فیلم بازی کرد. آخرین حضورش ایفای نقش در مجموعهٔ تلویزیونی «این خانه دور است» بود که هنگام بازی در آن، دار فانی را وداع گفت. از فیلم‌های دیگر وی می‌توان به عناوین زیر اشاره نمود: «گرداب» (۱۳۳۲)؛ «سرنوشت در را می‌کوبد» (۱۳۳۳)؛ «کینه» (۱۳۳۳)، «پایان رنج‌ها» (۱۳۳۴)؛ «فرزند گمراه» (۱۳۳۴)؛ «مهتاب خونین» (۱۳۳۴)؛ «بازگشت به زندگی» (۱۳۳۶)؛ «دست تقدیر» (۱۳۳۸)؛ «گوهر لکه‌دار» (۱۳۳۸)؛ «بیم و امید» (۱۳۳۹)؛ «گرگ صحرا» (۱۳۴۰)؛ «لاشخورها» (۱۳۴۲)؛ «نیرنگ دختران» (۱۳۴۳)؛ «زندگی دوزخی» (بازیگر، تهیه‌کننده با مشارکت سعید نیوندی، ۱۳۴۳) «همه سر حریف» (۱۳۴۴)؛ «حاتم طلایی» (۱۳۴۵)؛ «جهان پهلوان» (۱۳۴۵)؛ «گدایان تهران» (۱۳۴۵)؛ «دروازهٔ تقدیر» (۱۳۴۶)؛ «ایمان» (۱۳۴۶)؛ «داش احمد» (۱۳۴۶)؛ «چرخ فلک» (۱۳۴۶)؛ «کوه زاد» (۱۳۴۶)؛ «نیم وجبی» (۱۳۴۶)؛ «ولگردها» (۱۳۴۶)؛ «معجزه» (۱۳۴۶)؛ «من شوهر می‌خواهم» (۱۳۴۷)؛ «دزد سیاهپوش» (۱۳۴۷)؛ «ستارهٔ هفت آسمون» (۱۳۴۷)؛ «تکخال» (۱۳۴۸)؛ «قاتلین هم می‌گریند» (۱۳۴۸)؛ «قلب‌های طلایی» (۱۳۴۸)؛ «پهلوان پهلوانان» (۱۳۴۸)؛ «دنیای پر امید» (۱۳۴۸)؛ «گناه مادر» (۱۳۴۸)؛ «اجل معلق» (۱۳۴۹)؛ «قسمت» (۱۳۴۹)؛ «پایان تاریکی» (۱۳۴۹)؛ «دنیا مال منه» (۱۳۵۰)؛ «مردافکن» (۱۳۵۰)؛ «مبارزه با شیطان» (۱۳۵۰)؛ «احمد چوپان» (۱۳۵۱)؛ «قربون هر چی خوشگله» (۱۳۵۲)؛ «فرار از بهشت» (۱۳۵۳)؛ «کمال‌الملک» (۱۳۶۲)؛ «میرزا کوچک خان» (۱۳۶۲)؛ «سردار جنگل» (۱۳۶۳)؛ «گال» (۱۳۶۵)؛ «شناسایی» (۱۳۶۶)؛ «پنجره» (۱۳۶۷)؛ «دو سرنوشت» (۱۳۶۸)؛ «دلشدگان» (۱۳۷۰)؛ «آتش درون» (۱۳۷۰).

اسامی مجموعه‌های تلویزیونی که وی در آنها ایفای نقش کرده است، به این شرح هستند: «تلخ و شیرین» (۱۳۵۵) «طلاق» (۱۳۵۶)؛ «غارتگران» (۱۳۵۶)؛ «امیرکبیر» (۱۳۶۵)؛ «کوچک جنگلی» (۱۳۶۵)؛ «این خانه دور است» (۱۳۷۰ ـ ۱۳۷۴)؛ «ماشاءالله پر شمشیر» (از مجموعهٔ مش خیرالله صندوقچهٔ اسرار، ۱۳۷۱).

منابع: «فرهنگ کوچک بازیگران ایران»، محمدرضا باباگلی، فیلم، ش.۱۸۸، ص.۱۰۴؛ ***فرهنگ سینمای ایران*** / حمید شعاعی، ص.۱۱۶؛ ***فرهنگ سینمای ایران*** / جمال امید، ص.۵۰ـ۵۱.

بهنام، رضا　۵۲۳

نوازنده

تولد ۱۳۱۷.

درگذشت ۱۳۵۹.

رضا بهنام از هنرمندان موسیقی در رشتهٔ ضرب بود و سال‌ها با افرادی چون پرویز یاحقی همکاری نزدیک داشت. از کارهای او ضرب مجموعهٔ تلویزیونی «پهلوانان» و فیلم «قیصر» بود. رضا بهنام در ۴۲ سالگی بر اثر بیماری سرطان درگذشت.

منبع: کیهان، (۱۱ خرداد ۱۳۵۹).

بی‌آزار، محسن　۵۲۴

نوازنده

تولد ۱۳۰۹، تهران.

درگذشت ۲۷ فروردین ۱۳۷۰.

محسن بی‌آزار، فرزند محمد حسین، سنتورنواز و آهنگساز رادیو تهران بود. نزد پدر و اساتید موسیقی با سازها آشنا شد. با توصیهٔ روح‌الله خالقی به رادیو

وارد شد. چند سال بعد با قصد تشکیل یک ارکستر نخستین آهنگ خود را برای داریوش رفیعی ساخت. وی همچنین عضو شورای موسیقی رادیو بود. از سال‌های ۱۳۴۰ کم‌کم از رسانه‌ها و مجامع عمومی دوری گرفت و ساز را برای شاگردان خود می‌نواخت. محسن بی‌آزار سال‌ها در لاله‌زار و برخی مراکز آموزشی تدریس سنتور می‌کرد.

منبع: «درگذشتگان موسیقی ایران: محسن بی‌آزار»، آینده، س ۱۷، ص ۶۰۵ـ۶۰۶.

بی‌بی‌شهربانویی، مسعود ۵۲۵

کارگردان

تولد ۱۳۳۳، بی‌بی شهربانو.
درگذشت ۳ تیر ۱۳۶۶.

مسعود بی‌بی‌شهربانویی تحصیلات خود را در سال ۱۳۵۱ در مدرسهٔ تلویزیون و سینما آغاز کرد و دو سال بعد با پایان دوره، به استخدام سازمان رادیو و تلویزیون ایران در آمد. چندی بعد برای ادامهٔ تحصیل وارد دانشکدهٔ هنرهای دراماتیک شد و در رشتهٔ کارگردانی لیسانس گرفت. او طی پانزده سال کار در تلویزیون با گروه‌های مختلفی در این سازمان کار کرد و فیلم‌هایی را کارگردانی نمود. فیلم «پهلوان توانا نیست» و مجموعهٔ مستند تلویزیونی «کنکاش» از آخرین کارهای او بود. این مجموعهٔ تلویزیونی قرار بود در سیزده قسمت ساخته شود اما عمر کارگردان فقط به ساخته شدن دو قسمت از آن کفاف داد.

منبع: «مرگ یک کارگردان تلویزیون مسعود بی‌بی شهربانویی»، فیلم، س ۵، ش ۵۲ (مرداد ۱۳۶۶)، ص ۲۱.

بیداریان نژاد، امیر ۵۲۶

نوازنده

تولد آبان ۱۳۱۱، تهران.
درگذشت اسفند ۱۳۷۴، تهران.

امیر بیداریان در تهران در محله سنگلج به دنیا آمد. پدرش از صدای خوشی برخوردار بود. امیر بیداریان کار خود را از ضرب شروع کرد. تا سن پانزده‌سالگی ابتدا نزد خود و سپس نزد مرشد نصرالله به تمرین پرداخت. در سال ۱۳۳۷ همکاری خود را در رادیو با ارکستری که رهبری آن با مشیر همایون شهردار بود و نوازندگان آن مجید وفادار، قاسم نیکپو، ابراهیم‌خان منصوری، حسین یاحقی و ... بودند آغاز کرد، سپس در ارکستر سازهای ملی به رهبری مهدی مفتاح، ارکستر بزرگ شما و رادیو به همکاری ادامه داد. امیر بیداریان در چند فیلم ایرانی نظیر «حسن کچل»، «زیر بازارچه»، «سعد و سعید» و ... همکاری داشت. از کارهای دیگر او تهیه یک نوار به اسم «آموزش ضرب» و یک کتاب به نام **ریتم به زبان نت** است. امیر بیداریان در چارچوب قراردادهای فرهنگی و هنری و شناساندن موسیقی اصیل و سنتی ایران، همراه احمد عبادی، محمد رضا شجریان، حسین ملک، اسدالله ملک، ایرج، وفایی و مجتبی میرزاده به کشورهای آلمان، هندوستان و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس مسافرت نمود و بعد از انقلاب اسلامی در وزارت ارشاد اسلامی به تدریس مشغول گردید. وی در کلاس خصوصی نیز به تعلیم شاگرد می‌پرداخت.

اولین برنامهٔ صحنه‌ای بیداریان در سال ۱۳۶۹ به مناسبت شب چهلم مهرداد اوستا بود که همراه با سید عبدالحسین مختاباد (آواز) و رضا مهدوی (سنتور) اجرا شد و به این ترتیب در صف هنرمندان حوزهٔ هنری سازمان تبلیغات اسلامی قرار گرفت.

امیر بیداریان‌نژاد در اسفند ۱۳۷۴ درگذشت و پیکرش در بهشت زهرا در قطعهٔ هنرمندان و

نویسندگان به خاک سپرده شده است.

منابع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد دوم/ ص.۱۳۶ـ۱۳۷. «بیداریان هم به خواب رفت»، اطلاعات هفتگی، ش. ۲۷۶۰ (خرداد و تیر ۱۳۷۵)، ص. ۴۲.

۵۲۷ بیگجه‌خانی، غلامحسین

نوازنده

تولد ۱۲۹۷، تبریز.

درگذشت فروردین ۱۳۶۶.

غلامحسین بیگجه‌خانی از همان اوان کودکی نزد پدر آموزش نواختن تار را فراگرفت. بیش از ده بهار از عمرش نگذشته بود که پدرش را از دست داد و لذا برای گذران زندگی شروع به کار کرد. بعدها نزد ابوالحسن اقبال آذر با ردیف‌های موسیقی سنتی ایرانی آشنا شد. چندی بعد که رادیو تبریز تأسیس شد، همکاری خود را با این رادیو شروع کرد و در حدود بیست و پنج سال سرپرستی ارکستر شمارهٔ یک رادیو تبریز به عهدهٔ وی بود و در ضمن موسیقی برنامهٔ کودک رادیو تبریز را مدت‌ها تهیه می‌کرد.

غلامحسین بیگجه‌خانی مدت چهار سال در مرکز حفظ و اشاعهٔ موسیقی سنتی ایران تدریس و همکاری داشته است و مدتی هم کارشناس موسیقی رادیو تلویزیون آذربایجان شرقی بود و تدریس تار را در کارگاه موسیقی کودکان و نوجوانان تبریز عهده‌دار بود.

منبع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران/ حبیب‌الله نصیری‌فر، جلد اول، ص. ۴۵۵ـ۴۵۶.

۵۲۸ بیوکی، محمدحسن

کتیبه‌نویس

تولد ۱۳۲۸ ق.، مشهد.

درگذشت ۱۳۶۳.

محمد حسن بیوکی معروف به رضوان مدت سی سال نزد پدر خود به فراگیری اصول کتیبه‌نویسی و خطاطی پرداخته است.

وی دارای آثاری در زمینه‌های خطاطی، طراحی، کتیبه‌نویسی و نقاشی است که نمونه‌هایی از آن در صحن‌ها و رواق‌های امام رضا(ع) و در دانشگاه رضوی مشهد وجود دارد.

رضوان پیش از این‌که به خدمت آستان قدس در آید در خیابان تهران واقع در مشهد با برادران پیراسته و ارژنگ نگارستانی تشکیل داده بودند و بیشتر در خانه‌ها کار می‌کردند ولی حدود چهل و هفت سال قبل به آستان قدس رضوی آمد و مشغول کار شد. در این مدت وی طرح‌ها و کتیبه‌هایی را طراحی کرد که برای مثال می‌توان از کتیبه‌های دارالذکر و سر در موزه و گنبد الله‌وردیان نام برد. وی همچنین در خط ثلث استاد بود.

رضوان علاوه بر خدمات خود در آستان قدس رضوی، کارهای هنری فراوانی در استان‌های اصفهان، فارس و خراسان انجام داده است.

منبع: کیهان فرهنگی، س. ۱، ش. ۹ (آذر ۱۳۶۳)، ص. ۴۳.

۵۲۹ پازوکی، فخری

بازیگر

درگذشت اوایل بهمن ۱۳۷۰.

فخری پازوکی در سال ۱۳۵۴ در فیلم «هم‌قسم» به کارگردانی مهدی رئیس فیروز بازی کرد. در سال‌های پس از انقلاب هم یکی از نقش‌های اصلی مجموعهٔ

تلویزیونی «شاه دزد» را برعهده گرفت. آخرین کار وی، مجموعهٔ تلویزیونی «آرایشگاه زیبا» بود.

منبع: «درگذشت دو بازیگر قدیمی»، فیلم، س. ۱۰، ش. ۱۲۰ (اسفند ۱۳۷۰)، ص. ۱۰۹.

۵۳۰ پاشایی، گیتی

آهنگساز

تولد

درگذشت ۱۷ اردیبهشت ۱۳۷۴، تهران.

گیتی پاشایی فعالیت هنری خود را از رادیو و تلویزیون دراواخر دههٔ ۱۳۴۰ آغاز کرد. در سال ۱۳۵۶ برای اولین و آخرین بار، بازیگری در سینما ــ در فیلم «سفر سنگ» ــ به کارگردانی مسعود کیمیایی را تجربه کرد. وی برای سه فیلم «تیغ و ابریشم» (۱۳۵۶)، «سرب» (۱۳۷۶) و «گروهبان» (۱۳۶۹) موسیقی متن ساخت که در این میان موسیقی «سرب» از فیلم‌های دیگر متمایز بود.

گیتی پاشایی پس از آنکه سال‌ها به سرطان دچار بود، سرانجام روز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۷۴ در تهران درگذشت.

منبع: مجلهٔ فیلم، س. ۱۳، ش. ۱۷۳ (خرداد ۱۳۷۴)، ص. ۱۳.

۵۳۱ پتگر، علی اصغر

نقاش

تولد ۱۲۹۲، تبریز.

درگذشت ۱۷ اردیبهشت ۱۳۷۱.

علی اصغر پتگر دوران مقدماتی نقاشی را نزد میرمصور ارژنگی گذراند. سپس به همراه برادرش، جعفر پتگر، بعد از به پایان رساندن تحصیلات متوسطه به تهران آمد و در هنرستان هنرهای مستظرفه (هنرهای زیبای کنونی) مشغول به تحصیل شد. در این هنرستان با آثار استاد کمال‌الملک آشنا شد و همچنین از حضور در کنار اساتیدی چون شیخ اسماعیل آشتیانی و علی محمد حیدریان بهره جست. پس از اخذ لیسانس تصمیم به تأسیس آموزشگاه آزاد هنر نقاشی گرفت. بدین ترتیب وی و برادرش نخستین آموزشگاه آزاد هنر نقاشی را در سال ۱۳۱۹ در تهران پایه‌گذاری کردند و تا پایان عمر به تدریس پرداختند. در خلال تدریس هنر نقاشی به خلاقیت هنری خود می‌پرداخت و آثار متعددی در شیوهٔ رئالیسم با سبک کلاسیک و همچنین قلم آزاد و امپرسیونیستی را آفرید و تدریجاً پایه‌گذار سبک و سیاق خاص خود شد.

علی اصغر پتگر همیشه موضوع آثارش را از میان مردم، کارگران، زحمتکشان، فروشندگان دوره‌گرد، رختشویان و پیشخدمت‌های خانه‌ها انتخاب می‌کرد. در این زمینه می‌توان از تابلوهای «محلهٔ گازران تبریز»، «روز رختشویی»، «قاری» و «درویش» یاد کرد. او همچنین به خلق مناظر و پرتره‌هایی پرداخته است که نزد برخی مجموعه‌داران موجود است.

آثار پتگر، در سال‌های ۱۳۲۴، ۱۳۴۳، ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ در نمایشگاه‌های مختلف به نمایش در آمد. گرچه از سال ۱۳۵۵ به بعد خاموشی اختیار کرد و فعالیت نمایشگاهی خود را متوقف کرد ولی همواره به نقاشی و تدریس مشغول بود؛ آخرین باری که برخی از آثارش به معرض نمایش گذاشته شد، در پاییز سال ۱۳۷۰ در موزهٔ هنرهای معاصر بود.

منابع: «علی اصغر پتگر استاد نقاشی درگذشت»، اطلاعات، ش. ۱۹۶۱۰ (۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۱)، ص. ۱۴. «پتگر در گذشت»، آدینه، ش. ۷۰ (اردیبهشت ۱۳۷۱)، ص. ۶. «درگذشت استاد علی اصغر پتگر»، دنیای سخن، ش. ۴۹ (اردیبهشت و

خرداد ۱۳۷۱)، ص. ۵. «استاد علی اصغر پتگر درگذشت»، کیهان فرهنگی، س. ۹، ش. ۴ (تیر ۱۳۷۱)، ص. ۴۹.

پزشکی‌نژاد، فریدون ۵۳۲

هنرمند صنایع دستی

تولد ۱۳۲۵، تهران.

درگذشت دی ۱۳۶۴.

فریدون پزشکی‌نژاد تحصیلات متوسطه خود را طی یک دورهٔ دو ساله در انستیتو تکنولوژی تهران در رشتهٔ کاشی پشت سر گذاشت. در سال ۱۳۵۲ به استخدام وزارت فرهنگ و آموزش عالی درآمد. طی دو سال دوره‌های تخصصی هنر کاشی‌سازی و ساخت را زیرنظر مهدی زواره‌ای فرا گرفت.

فریدون پزشکی‌نژاد به سبب سکتهٔ قلبی در دی ۱۳۶۴ درگذشت.

منبع: «فریدون پزشکی‌نژاد»، کیهان سال، (۱۳۶۴)، ص. ۳۲.

پلنگی، خسرو ۵۳۳

تصویربردار، کارگردان

تولد ۱۳۳۵، همدان.

درگذشت ۱۲ آبان ۱۳۷۳، تهران.

خسرو پلنگی در سال ۱۳۵۷ به انگلستان و سپس به فرانسه رفت و از سال ۱۳۵۹ فعالیت سینمایی خود را آغاز کرد. از جمله فیلم‌های مستند/ جنگی او می‌توان به «مویه کن جنوب» (۱۳۶۲) و «مجنون» (۱۳۶۳) اشاره کرد. وی همچنین تعدادی فیلم داستانی ساخت و به عنوان دستیار تصویربرداری در «آتش نهفته» (۱۳۶۲) شرکت داشت. خسرو پلنگی در زمینه تئاتر هم فعالیت داشت و نویسنده و کارگردان چهار نمایشنامه نیز است. از دیگر آثار به جا مانده از وی می‌توان ***مجموعهٔ شعر و قطعات ادبی و عرفانی*** و ***یادداشت‌هایی برای تنها دخترش*** نام برد.

خسرو پلنگی از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ تصویربردار واحد سینمایی بخش فرهنگی و هنری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیهٔ قم بود و در ضمن در رشته‌های تخصصی سینما در این واحد به تحصیل پرداخت و سپس به مدت سه سال به عنوان تصویربردار، در واحد سینمایی واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی همکاری کرد. پلنگی همچنین به تدریس تصویربرداری در انجمن سینمای جوانان ایران (مرکز)، انجمن سینمای جوانان قم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کردستان (سنندج)، سازمان تبلیغات اسلامی استان گیلان (رشت) و سازمان تبلیغات اسلامی مهاباد پرداخت.

خسرو پلنگی با دوربین هشت میلیمتری و ویدیویی خود مجموعه‌ای شامل حدود پنجاه ساعت فیلم مستند از جبهه‌ها و پشت جبهه طی سال‌های ۱۳۶۱ ـ ۱۳۶۶ ساخته است.

منبع: فیلم، سال ۱۲، ش. ۱۶۸ (دی ۱۳۷۳)، ص. ۱۶.

پورصناعی، حسن ۵۳۳/۱

هنرمند قلمکار

تولد ۱۲۹۰.

درگذشت ۴ دی ۱۳۷۵.

حسن پورصناعی کار هنری را از پنج سالگی در محضر پدرش مرحوم مشهدی عبدالخالق شروع کرد و در زمانی کوتاه در زمرهٔ یکی از بهترین طراحان و نقش‌پردازان در آمد. پرده‌ها، کتیبه‌ها، خیمه‌ها، سجاده‌ها و مجالسی بسیاری از وی به جای مانده است. آثار وی همواره زینت‌بخش حسینیه‌ها، تکایا و اماکن مذهبی شهرهای ایران بوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی از وی دعوت شد تا در دانشگاه به تدریس عملی هنرش بپردازد.

منبع: «یادمان استاد حسن پورصناعی در اصفهان»، کیهان، ش. ۱۵۸۳۲ (۱۷ دی ۱۳۷۵)، ص. ۱۱.

پیرامون، محسن ۵۳۴

نقاش، وصال

تولد ۱۲۸۸، تهران.

درگذشت مهر ۱۳۶۴.

در ۱۳ یا ۱۴ سالگی در کارگاه دایی خود (موسی خان) به رموز و فنون نقاشی آشنا شد. سپس از نقاشی به وصالی روی آورد. با تأسیس موزهٔ ایران باستان در سال ۱۳۱۶ پیرامون به عضویت ادارهٔ باستان شناسی موزهٔ ایران باستان درآمد. وی در سال ۱۳۴۹ از خدمت بازنشسته شد و عمر خود را وقف بازسازی اشیاء عتیقه کرد.

منبع: «محسن پیرامون»، کیهان سال، جنگ هنر، (مهر ۱۳۶۴)، ص. ۳۱.

پیلارام، فرامرز ۵۳۵

نقاش، خطاط

تولد ۱۳۱۶.

درگذشت پاییز ۱۳۶۲.

فرامرز پیلارام پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه وارد دانشکدهٔ هنرهای تزئینی شد و در سال ۱۳۴۷ موفق به دریافت درجهٔ فوق لیسانس در رشته‌های معماری داخلی و نقاشی گردید.

پیلارام فعالیت‌های هنری خود را در زمینهٔ نقاشی، با مکتب سقاخانه آغاز کرده و خط را به عنوان دست‌مایهٔ اصلی با نقاشی درهم می‌آمیزد. او برای دست‌یابی به این امر تحصیلات خود در زمینهٔ خط را در انجمن خوشنویسان به پایان می‌رساند و حتی برای مدتی در انجمن به تدریس می‌ورزد.

آثار پیلارام با شرکت در جشنواره‌های دوسالانهٔ اول و دوم تهران جوایزی دریافت می‌دارد. سپس با شرکت در گروه آزاد نقاشان و پیکره‌سازان به تجربه‌های تازه‌تری دست می‌یازد. او در این گروه حرکت‌های تازه‌ای را تجربه می‌کند. هنرهای سنتی ایران نظیر کاشیکاری از جمله عوامل تأثیرگذار بر شیوهٔ استفاده از رنگ و خط در تابلوهای پیلارام است. از ویژگی‌های دیگر آثار پیلارام اندازه‌های بزرگ تابلوهایش است. پیلارام همچنین پیکره‌سازی را در کنار نقاشی به خدمت می‌گیرد. از آثار او در این زمینه، اثری است به عرض ۲۵ متر و ارتفاعی حدود ۳ متر. این اثر با حرکت بر روی الوارهای صیقلی‌یافته ساخت شده است که در کل اندام خط نستعلیق را داراست.

منابع: «پیلارام شوریده زیبایی بود، بیاد پیلارام نقاش و خطاط معاصر»، فصلنامهٔ هنر، ش. ۵ ص. ۱۹۸ ـ ۲۰۷. *کتابشناسی نگارگری ایران* / محمد گلبن، ص. ۷. رضایی، علیرضا، «گفت و گویی با فرامرز پیلارام، نقاش فراتر از زمان خود باید باشد»، مجلهٔ رستاخیز، ش. ۵۳۷ (۱۷ بهمن ۲۵۳۵=۱۳۵۵)، ص. ۷ ـ ۸. فائضی، آذین، «من آدم ساده و بلندپروازی هستم، گفت و گویی با فرامرز پیلارام»، تلاش، دورهٔ ۱۰، ش. ۵۵ (بهمن ۱۳۵۴)، ص. ۲۴ ـ ۲۷. گلپاشین، کارمن، «فرامرز پیلارام و نقاشی‌های او»، فردوسی، ش. ۹۰۷ (اردیبهشت ۱۳۴۸)، ص. ۳۳.

تاج اصفهانی، جلال ۵۳۶

مدرس آواز ایرانی، موسیقیدان

تولد ۱۲۸۲، اصفهان.

درگذشت ۱۳ آذر ۱۳۶۰، اصفهان.

جلال تاج اصفهانی، فرزند شیخ اسماعیل واعظ اصفهان معروف به «تاج الواعظین»، تحصیلات ابتدایی را در مدرسهٔ علیّه پشت سر گذاشت. در همان کودکی چون همانند پدرش از صدای خوشی برخوردار بود، مشهور به «تاج‌زاده» شد. از نه سالگی تعلیم آواز را شروع کرد. ابتدا پیش پدرش با مقدمات و اصول ردیف‌ها آشنا شد و سپس پدر او را نزد سید عبدالرحیم اصفهانی برد و تاج مدتی از این استاد گوشه‌ها را یاد گرفت. پس از سید عبدالرحیم، پدر برای این‌که او را با گوشه‌های سازی در ردیف‌ها آشنا کند، تاج را به خدمت نایب اسدالله نی‌زن برد. تاج مدت طولانی در خدمت نایب اسدالله نکته‌ها و ظرایف آواز ایرانی را فرا گرفت. استادان دیگری که تاج اصفهانی برای تکمیل گوشه‌ها و ردیف‌ها به خدمت آنها رفت میرزا حسین ساعت‌ساز معروف به «خضوعی» و حبیب شاطر حاجی و عندلیب بودند. تاج پس از این دیگر در آواز سر آمد شد.

کسانی که با تاج هم‌آواز بوده‌اند عبارتند از: سید حسین طاهرزاده اصفهانی، سید اسماعیل خان قراب، قربانخواهی شاهی، اصغر تجلی، محمدعلی، حبیب شاطر حاجی، سید صادق شهاب. کسانی که با تاج ساز نواخته‌اند عبارتند از حسین اسماعیل‌زاده (کمانچه)، نایب اسدالله نی‌زن (نی)، شکری ادیب‌السلطنه (تار)، ابوالحسن صبا (سه تار، سنتور و ویولن)، مرتضی محجوبی (پیانو)، رضا محجوبی (ویولن)، حسین یاحقی (ویولن)، ارسلان درگاهی (تار و سه تار)، اکبرخان نوروزی (تار)، غلامرضاخان سارنگ (کمانچه)، شعبان خان شهناز، رضاخان باشی (تار)، سلیمان خان اصفهانی (کمانچه)، علی خان شهناز (تار)، حسین خان شهناز (تار)، حسن کسایی (نی)، جلیل شهناز (تار)، علی تجویدی.

با تأسیس رادیو، تاج به رادیو رفت. هر هفته در برنامهٔ رادیو اصفهان غزل‌های سعدی و حافظ و نیز حاج آقا حسام دولت‌آبادی را که از میان شعرا بیش از همه می‌پسندید، می‌خواند. این همکاری تا مدت‌ها ادامه داشت.

آرامگاه تاج در تخت فولاد اصفهان در تکیه سید العراقین قرار دارد.

منابع: چهره افروختگان خطهٔ زنده‌رود، یادی از فرهیختگان موسیقی اصفهان/ تهیه و تألیف حسین نیکونژاد، ص. ۲۵ ـ ۲۷. *یادنامهٔ تاج*/ به اهتمام منوچهر قدسی. شجریان، محمدرضا، «در سوگ تاج اصفهانی بزرگمرد آواز ایران»، کلک، ش. ۹ (آذر ۱۳۶۹)، ص. ۱۴۳. میرعلی نقی، سید علیرضا، «جَرَس فریاد می‌دارد»، کلک، ش. ۸۳ ـ ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص. ۳۹۰ ـ ۳۹۸. *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین، جلد سوم*/ مهدی ستایشگر، ص. ۱۲۵ ـ ۱۲۶.

بازیگر

تولد ۲۰ خرداد ۱۳۱۸، شیراز.

درگذشت زمستان ۱۳۷۰.

مهین تاج مغول کی‌سر، ملقب به «شهین»، از سال ۱۳۳۰ کار بازیگری تئاتر را با نمایش «قائم‌مقام» در تئاتر پارس شروع کرد.[۱] سپس در جامعهٔ باربد در نمایش «لیلی و مجنون» بازی کرد. مهم‌ترین کارهای تئاتری او «خسرو و شیرین» و «خاقان می‌رقصد». وی در بیش از شصت نمایش تئاتر بازی کرد.

مهین کی‌سر در سال ۱۳۳۲ با بازی در فیلم «گناهکار» وارد سینما شد و هم‌زمان به‌عنوان خواننده به رادیو رفت. وی طی مدت بیست سال، نزدیک به صد فیلم بازی کرد. آخرین فیلم وی به نام

۱. در منبع دیگری آمده است که وی در نمایش «بسوی تو» با شرکت صادق بهرامی و نادره مورین در سال ۱۳۳۰ بازی کرده است.

«رانده شده» در سال ۱۳۵۴ به نمایش درآمد.

فیلمهایی که وی در آنها اجرای نقش نمود، عبارتند از: «اتهام»؛ «بازگشت»؛ «بلبل مزرعه»؛ «صفر علی»؛ «جادو»؛ «اتهام»؛ «خورشید می‌درخشد»؛ «مادموازل خاله»؛ «نردبان ترقی»؛ «روزنهٔ امید»؛ «دو عروس برای سه برادر»؛ «آقا جنی‌شده»؛ «دو قلوها»؛ «اینهم یه جورشه»؛ «دوستان یکرنگ»؛ «آخرین هوس»؛ «دختری از اصفهان»؛ «مادر فداکار»؛ «آقای هفت رنگ»؛ «ترانه‌های روستایی»؛ «دختر ولگرد»؛ «افسانهٔ دهکده»؛ «جاهل محل»؛ «ستارهٔ صحرا»؛ «دختران با معرفت»؛ «ول معطلی»؛ «افق روشن»؛ «سه تا نخاله»؛ «مرد ده میلیون تومانی»؛ «پروفسور نخاله»؛ «سه قهرمان»؛ «کلید بهشت»؛ «قمارباز»؛ «شعله‌های خشم»؛ «چهار خواهر»؛ «عمو سبزی فروش»؛ «فراری»؛ «مردافکن»؛ «علی بی غم»؛ «شنگول و منگول»؛ «بارگاه شیطان»؛ و غیره...

منابع: «درگذشت دو بازیگر قدیمی»، فیلم، س. ۱۰، ش. ۱۲۰ (اسفند ۱۳۷۰)، ص. ۱۰۹. *فرهنگ سینمای ایران* / حمید شعاعی، ص. ۴۱۲ ـ ۴۱۳.

تاجیک، امان‌الله ۵۳۸

خواننده

تولد ۱۳۱۶، تهران.

درگذشت ۱۴ مهر ۱۳۶۶، تهران.

امان‌الله تاجیک، فرزند حیدر تاجیک، پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۳۵۳ به کلاس آزاد هنرستان موسیقی ملی رفت که در آن زمان ریاست آن با علی رهبری بود. مدت چهار سال و نیم در این هنرستان در کلاس عود شرکت جست و نواختن پیانو را هم در این هنرستان آموخت و موفق به دریافت دورهٔ چهارسالهٔ لیسانس رشتهٔ کارشناسی موسیقی ملی گردید. امان‌الله تاجیک چون کارمند سازمان مرکزی تعاون روستایی بود جهت مأموریت به اهواز رفت و در این شهر نخستین آهنگ خود را به نام «کارون» با عود تنها و آواز اجرا کرد. پس از آن حدود پنجاه آهنگ خواند. امان‌الله تاجیک حدود چهار سال با رادیو اهواز همکاری کرد و پس از پایان مأموریت اداری خود به تهران آمد و به فعالیت‌های هنری خود ادامه داد و در تهران نزد استاد صادقپور، هنر نقاشی را نیز فرا گرفت و آثاری را در این رشته از خود به‌جا گذاشت.

امان‌الله تاجیک در پنجاه سالگی به‌واسطهٔ سکتهٔ مغزی درگذشت و پیکر وی را در ردیف ۹۶ قطعهٔ چهارده بهشت زهرا به خاک سپردند.

منبع: سیمای هنرمندان ایران (موسیقی، تئاتر و سینما)/ حبیب‌الله نصیری فرد، جلد اوّل، ص. ۲۲۷ ـ ۲۲۳.

تجویدی، محمد ۵۳۹

نگارگر

تولد ۱۳۰۳، تهران.

درگذشت ۱۳۷۳.

محمد تجویدی، فرزند محمد هادی تجویدی، استاد نقاشی هنرهای زیبا و از شاگردان کمال‌الملک بود. وی پس از پایان تحصیلات متوسطه در هنرستان هنرهای زیبا به فرا گرفتن نقاشی پرداخت و موفق به دریافت درجهٔ لیسانس شد. سپس در امتحانات ورودی دانشگاه، به عنوان استاد هنرستان انتخاب شد. پس از فوت استاد حسین بهزاد، در سال ۱۳۴۲ تدریس و تعلیم در هنرستان را ترک و به خلق آثار هنری پرداخت. اندکی بعد، خود کارگاهی در خارج از محیط هنرهای زیبا ایجاد کرد و شخصاً به تربیت

شاگرد پرداخت.

محمد تجویدی حدود صد و بیست جلد کتاب از دیوان‌های شعرای ایران همچون سعدی، حافظ، باباطاهر عریان، فردوسی و دیگران را به تصویر کشیده است. از جملهٔ این آثار می‌توان به ***گل‌های رنگارنگ*** که منتخبی از غزلیات مولوی و عطار و فخرهراتی است اشاره نمود که در سال ۱۳۳۶ برای نخستین بار به چاپ رسید. وی طی سالیان متمادی به بسیاری از کشورهای جهان برای مطالعه در زمینهٔ هنر نقاشی سفر کرده است. تجویدی آثار برخی از شاعران معاصر را نیز در قالب‌های نو و امروزین و به سبک گرافیکی به تصویر درآورد. تجویدی تصاویر کتاب ***حماسهٔ میزم‌شکن*** اثر بسیج خلخالی را بهترین اثر خود می‌انگارد. وی در سفری به فرانسه آثارش را همراه با آثار سهراب سپهری در یک گالری به نمایش گذاشت.

محمد تجویدی در تهران درگذشت و پیکر وی در قطعهٔ ۸۸ بهشت زهرا مدفون گردید.

*منابع: **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی**/* خانبابا مشار، جلد پنجم، ص.۳۴۹. «نمایشگاه نقاشی‌های محمد تجویدی»، نقش و نگار، دورهٔ ۲، ش.۵ (بهار ۱۳۳۷)، ص.۴۵. *دایرةالمعارف یا فرهنگ دانش و هنر/* مجموعه مؤلفان، ص.۴۹۴.

۵۴۰ جزمی، حسین

حجار

تولد ۱۲۶۵ (۱۳۰۶ ق.)، بجنورد.

درگذشت ۱۳۶۷، بجنورد.

حسین جزمی از معماران و حجاران بجنورد بود که حرفهٔ نقاشی ساختمان و سنگ‌تراشی را در عشق‌آباد (شوروی سابق) آموخت. نقوش «رستم»، «سهراب» و «اسفندیار» در سردرِ مغازه‌های جنب مسجد جامع بجنورد و پل قدیم باباامان از جمله کارهای اوست.

حسین جزمی در سن صد و دوازده سالگی در بجنورد درگذشت.

*منابع: **دانشوران بجنورد، آشنایی با احوال و آثار یک‌صد و بیست تن از بزرگان علم و ادب و هنر شهرستان بجنورد**/* علی‌اکبر عباسیان، احسان سیدی‌زاده، ص.۵۶ (به نقل از اظهارات شفاهی علیرضا جزمی فرزند حسین جزمی).

۵۴۱ جعفری، محمد علی

بازیگر، کارگردان

تولد ۱۳۰۴، تهران.

درگذشت ۸ مهر ۱۳۶۵، تهران.

محمد علی جعفری پس از پایان تحصیلات ابتدایی به هنرستان صنعتی تهران رفت و هنگامی که در حال تحصیل در این هنرستان بود، به هنرستان هنرپیشگی تهران تغییر رشته داد و از این مدرسه در رشتهٔ بازیگری فارغ‌التحصیل گردید. وی از سال ۱۳۲۲ با شرکت در نمایشنامهٔ «مادام کاملیا» فعالیت‌های هنری خود را روی صحنهٔ تئاتر آغاز و پس از آن در تئاتر تهران در نمایش‌های «عروسک پشت پرده»، «شاهزاده توراندخت» و «رومئو و ژولیت» ظاهر شد. در سال ۱۳۲۳ با تأسیس تئاتر فرهنگ، جعفری به آنجا رفت و در نمایشنامه‌های «ولپن» و «برای شرف» بازی کرد و بالاخره به تئاتر فردوسی آمد و در نمایش «چراغ گاز» ایفای نقش نمود. بعد از چند سال تئاتر فردوسی تعطیل شد. پس از آن در تئاتر سعدی در نمایش‌های «بادبزن خانم ویندرمیر»، «چراغ گاز»، «شنل قرمز»، «از طبع خارج شد»، «اوژنی گرانده» و «مونتسرا» به روی صحنه رفت. وی همچنین در نمایش‌های «در سایه حرم»، «عروسک پشت پرده»، و «خسیس» به کارگردانی رفیع حالتی ایفای نقش نمود. در سال ۱۳۳۳ جعفری

گروهی تشکیل داد و چند نمایشنامه دیگر را برای صحنه آماده کرد که عبارتند از: «آخرین لحظه»، «پیچ خطرناک» و «آتش زیر خاکستر».

وی همچنین در نمایشنامه‌های زیر نیز بازی کرده است: «مکافات»، «والدین وحشتناک»، «شب بحرانی»، «مستنطق»، «دختر گل‌فروش»، «گربه روی شیروانی داغ»، «عروسی باقرخان»، «خاقان می‌رقصد» و «لمبک آب فروش».

محمدعلی جعفری در سال ۱۳۳۵ با شرکت در فیلم «مرجان» فعالیت سینمایی خود را آغاز کرد و پس از آن در فیلم‌های مختلف سینمایی به سمت بازیگر، کارگردان و تهیه‌کننده فعالیت داشت. فیلم‌هایی که جعفری در آنها به سمت بازیگر، کارگردان و تهیه‌کننده شرکت داشت عبارتند از: «مردی که رنج می‌برد» (کارگردان و بازیگر، ۱۳۳۶)؛ «آفت زندگی» (به کارگردانی سیامک یاسمی، ۱۳۳۹)؛ «عشق بزرگ» (کارگردان و بازیگر، ۱۳۴۰)؛ «الکلی» (کارگردان و بازیگر، ۱۳۵۰). وی همچنین تهیه‌کنندهٔ فیلم «کلبه‌ای آن سوی رودخانه» (۱۳۵۰) بود. فیلم‌های دیگر وی عبارتند از: «ساحل انتظار» (به کارگردانی سیامک یاسمی، ۱۳۴۲)، «دختر کوهستان» (بازیگر و کارگردان، ۱۳۴۲)، «لذت گناه» (بازیگر، ۱۳۴۳)، «سهامداران جنایت» (بازیگر، ناتمام، ۱۳۴۳)، «اشک‌ها و لبخندها» (به کارگردانی اسماعیل کوشان، ۱۳۴۳)، «نابغهٔ هفت ماهه» (به کارگردانی سیامک یاسمی، ۱۳۴۳)، «زشت و زیبا» (به کارگردانی رحیم روشنیان، ۱۳۴۴)، «مرفین» (بازیگر و کارگردان) شرکت کرد. محمدعلی جعفری در حدود سال ۱۳۴۶ به هنرمندان ادارهٔ تئاتر پیوست. در این اداره حاصل کار او چنین بود: بازی در نمایشنامهٔ «آی بی‌کلاه، آی باکلاه» (نوشتهٔ ساعدی، به کارگردانی جعفر والی، ۱۳۴۶)؛ بازی و کارگردانی نمایشنامه‌های «پروار بندان» (نوشتهٔ ساعدی، ۱۳۴۸)، «مرگ همسایه» و «مطبخ» (نوشتهٔ غلامعلی عرفان، به کارگردانی جعفر والی، ۱۳۵۲)، «خسیس» (اقتباس از مولیر، ۱۳۵۳)، «فصل یادها» (نوشتهٔ کوروس سلحشور، ۱۳۵۵). بنا به گفتهٔ خود او بیش از سی نمایشنامه را کارگردانی و در بیش از پنجاه نمایش به عنوان بازیگر ظاهر شده بود. جعفری در تلویزیون نیز فعالیت‌هایی داشته است. نمایشنامه‌های تلویزیونی او عبارتند از: «آخرین لحظه» (اثر ژان آنوی)، «برگ‌های خزان» (هانری دوودنوا)، «طناب» (پاتریک هامیلتون)، «پیچ خطرناک» (ج. ب. پرسلی)، «تله» (روبر توما با کارگردانی و بازی جعفری) و «ببر گراز دندان» (فریتس هوخ ولدر؛ به کارگردانی پرویز ممنون).

منابع: چهره‌های آشنا، شامل شرح حال و آثار چهل تن از هنرمندان برجستهٔ ایران از شش شعبهٔ هنرهای مستظرفه / جلال میزبان. جلد اوّل، ص. ۳۶ـ۳۴. *فرهنگ سینمای ایران* / جمال امید. *سیمای هنرمندان ایران (موسیقی، تئاتر و سینما)* / به کوشش و گزینش، حبیب‌الله نصیری فرد، جلد اوّل، ص. ۲۳۱ـ۲۲۵.

۵۴۴ جمالی، مسعود

نوازنده

تولد ۱۳۰۶، همدان.

درگذشت ۱۳۷۴، همدان.

مسعود جمالی دورهٔ کودکی و تحصیلات ابتدایی را تا نهم ابتدایی در اسدآباد طی نمود و مقدمات کار موسیقی را در همانجا شروع کرد. سپس به همدان آمد و در ادارهٔ ثبت احوال مشغول به کار شد. او در نواختن تار استاد مشخصی نداشت و این هنر را نزد خود آموخت. موسیقی را از رادیو می‌شنید و با تار می‌نواخت. وی همواره رادیو و صفحات گرامافون را بهترین معلم خود برمی‌شمرد.

پس از طی این دوره و آموختن مقدمات کار، برای یادگیری ردیف موسیقی و حالت گوشه‌ها از حسین قوامی استفاده بسیار برد.

وی که مدت‌ها از نوازندگی در رادیو پرهیز می‌کرد، در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ قطعاتی را به صورت ساز سلو به همراه تنبک در دو کنسرت به همت صدا و سیمای مرکز همدان شرکت جست. از آنجا که اساس نوازندگی جمالی بر بداهه‌نوازی و نغمه‌های آنی بود، از او اثر مکتوبی به صورت آهنگ به جای نماند ــ به جز یک پیش‌درآمد همایون و یک والس شوشتری که می‌توان آنها را به خط موسیقی نوشت ــ ولی نوارهای متعددی از او به‌جای مانده است که در آنها دستگاه‌ها و آوازهای مختلف را نواخته است.

جمالی پس از یک بیماری بسیار کوتاه، سرانجام عصر سه‌شنبه هفتم آذر ۱۳۷۴ بر اثر عارضهٔ قلبی دار فانی را وداع گفت. پیکر وی با حضور تعدادی از شاعران و هنرمندان همدان در قطعهٔ هنرمندان باغ بهشت به خاک سپرده شد.

منبع: زندی، حسین، «یادی از یک هنرمند فقید، استاد مسعود جمالی»، فصلنامهٔ فرهنگ همدان، س. ۲، ش. ۷ (پاییز ۱۳۷۵)، ص. ۶۲ــ۶۳.

۵۴۳ جنتی عطایی، ابوالقاسم

نمایشنامه‌نویس

تولد ۱۲۹۶، مشهد.

درگذشت ۱۹ خرداد ۱۳۷۲، پاریس.

ابوالقاسم جنتی عطایی، فرزند خلیل‌الله، دورهٔ ابتدایی و دبیرستان را در مشهد گذراند و در تهران نیز از مدرسهٔ تئاتر فارغ‌التحصیل شد. دکترای ادبیات تطبیقی را از دانشگاه سُربُن گرفت. سال‌ها مدرس تئاتر در هنرستان تئاتر و موسیقی بود و کارگردانی چندین نمایشنامه را بر عهده داشت.

خدمت مطبوعاتی خود را از سال ۱۳۱۴ آغاز کرد. با نشریات بسیاری از جمله «بررسی‌های تاریخی»، «اطلاعات ماهانه» و برخی مجلات هفتگی همکاری مستمر داشت. در سال ۱۳۳۶ جایزهٔ اول نمایشنامه‌نویسی وزارت فرهنگ و هنر نصیب او شد. از تألیفات او می‌توان از بیست و دو جلد کتاب و چندین نمایشنامه برای صحنه و رادیو را نام برد.

اولین کتاب او به نام ***یادگار اشک*** در سال ۱۳۱۶ به چاپ رسید. برخی از آثار چاپ شدهٔ ایشان به این شرح است: در بخش داستان و نمایشنامه: ***یادگار اشک***؛ ***چراغ*** (نمایشنامه رادیویی؛ فارسی و فرانسه)؛ نمایشنامهٔ ***مدارس***؛ نمایشنامه ***نکات اساسی نامه‌نگاری***؛ نمایشنامه ***سربازان جاوید*** (برندهٔ جایزهٔ اول نمایشنامه‌نویسی در سال ۱۳۳۶)؛ ***شیرمردی از خراسان*** (شامل هشت داستان و نمایشنامه کوتاه)؛ ***سیاه خوشبختی***؛ ***ستاره و رمضان***؛ ***در راه وطن*** (شامل پنج نمایشنامه کوتاه). در بخش زندگی‌نامه‌نویسی: ***زندگی و آثار کمال (شهرزاد)***؛ ***نیما یوشیج (کیست ــ چیست؟)***؛ ***میرسیف‌الدین کرمانشاهی***؛ ***نیما و زندگی و آثار او***. در بخش تصنیف: ***سخنان بزرگان***؛ ***بنیاد نمایش در ایران***. در بخش ترجمه: ***تاریخ تئاتر در جهان***. در بخش تحشیه: ***ارزش احساسات*** (اثر نیما یوشیج)؛ ***شب هزار و یکم*** (اثر رضا ــ کمال ــ شهرزاد)؛ ***مانلی*** (اثر نیما یوشیج). اثر منتشر نشده: ***مثنوی گزند دلبستگی***.

منبع: جنتی عطایی، مصطفی، «دکتر ابوالقاسم جنتی عطایی»، آینده، س. ۱۷، ص. ۸۴۱ــ۸۴۲.

۵۴۴ جهانبگلو، منوچهر

موسیقیدان

تولد ۲۱ مرداد ۱۳۰۵، تهران.

درگذشت ۱۵ آذر ۱۳۶۹، تهران.

منوچهر جهانبگلو در سن چهارده سالگی بنا به خواست پدرش به خدمت حبیب سماعی رفت تا نزد او به فراگیری سنتور بپردازد و تا زمانی که استاد سماعی در قید حیات بود وی نزد او می‌رفت و کسب فیض می‌کرد. پس از فوت استاد نزد استاد ابوالحسن صبا به هنرستان ملی موسیقی رفت و نزد این استاد، سنتورنوازی را آموخت. وی برای ادامهٔ تحصیل در سال ۱۳۳۸ به وین رفت و مطالعاتی در رشتهٔ موسیقی در آن دیار به عمل آورد و پس از بازگشت به ایران، همکاری خود را با رادیو آغاز کرد و در «برنامهٔ استادان» به تکنوازی پرداخت. اوّلین نوشته‌هایش در مجلهٔ «نیرو و راستی»، ارگان باشگاه ورزشی نیرو و راستی که به سرپرستی دکتر منوچهر مهران و همسرش منیر مهران اداره می‌شد چاپ شد. ضمن همکاری با همین نشریه بود که وی به ورزش کوهنوردی علاقه‌مند شد و قلل و کوه‌های مرتفعی را فتح کرد. وی در سال ۱۳۴۱ که در بوئین‌زهرا زلزله آمده بود، همراه غلامرضا تختی به جمع‌آوری اعانه پرداخت و در بازسازی مناطق زلزله زده شرکت نمود. وی در سال ۱۳۴۳ هنگامی که عضو هیئت تحریریهٔ روزنامه «کیهان ورزشی» بود آرم روزنامهٔ «کیهان» را بر قلهٔ دماوند نصب کرد. از وی مقالات متعددی در روزنامه‌های «کیهان» و «اطلاعات» و مجلات «اطلاعات هفتگی»، «اطلاعات جوانان»، «فردوسی» و فصلنامهٔ «آهنگ» و غیره..به چاپ رسید و کتاب ***آموزش مقدماتی سنتور*** نیز با همکاری دکتر اسدالله حجازی تدوین نمود که توسط انجمن موسیقی ایران انتشار یافت. از دیگر آثار او، باید از کتاب‌های: ***دورهٔ دوّم آموزش سنتور***، ***ردیف سنتور*** (آوازهای ایرانی)، ***تکنیک‌های مضرابی برای سنتور*** نام برد.

جهانبگلو سنتور را به شیوهٔ حبیب سماعی همراه با به‌کارگیری ابداعات و فنون خاص خود می‌نواخت.

منوچهر جهانبگلو در سن شصت و دو سالگی بر اثر حملهٔ قلبی درگذشت.

منابع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران/ حبیب‌الله نصیری‌فر، جلد سوم، ص. ۲۱۰ــ۲۱۴. «دکتر منوچهر جهانبگلو، استاد موسیقی»، نشر دانش، س. ۱۱، ش. ۱ (آذر و دی ۱۳۶۹)، ص. ۷۸. میرعلی نقی، سید علیرضا، «جَرَس فریاد می‌دارد»، کلک، ش. ۸۳ــ ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص. ۳۹۰ـ۳۹۸.

۵۴۵ چاهیچی، جواد

سازنده ساز

تولد ۱۳۰۳، اصفهان.

درگذشت ۲۳ شهریور ۱۳۷۲، اصفهان.

سید جواد چاهیچی، فرزند سید ابوالقاسم، فارغ‌التحصیل هنرستان صنعتی اصفهان بود و مدت بیست و هفت سال در همان هنرستان به عنوان استاد و هنرآموز درودگری و صنایع دستی اشتغال به کار داشت. جواد چاهیچی در ساختن سازهای سنتی مهارت داشت و مجموعه سازهای سنتی از او به یادگار مانده است. در سال ۱۳۷۰ در جشنوارهٔ هنری ایران در دوسلدورف شرکت کرد و نمایشگاهی از سازهای سنتی ایران را به معرض تماشا گذاشت. از آثار دیگر وی، می‌توان به ساختن تزئینات چوبی هتل‌های عباسی اصفهان، کینگز تهران، رستوران شهرزاد اصفهان و در آمریکا در رستوران عباسی شهر ــنیویورک اشاره کرد. نمونه‌های از آثار وی را به بسیاری از کشورهای خارج برده‌اند.

استادان وی در کارهای هنری چوبی، لئون،

علمدار، ضیاء و غلامرضا قربانی بوده‌اند. جواد چاهیچی به چوب و طرز خشک کردن آن و معایب و بیماری انواع چوب‌ها شناخت داشت. وی در ابتدای جوانی اقدام به ساختن ساز ویولن کرد که این کار را ادامه نداد و خود در این باره می‌گوید: «چون چوب مخصوص این کار در اختیارم نبود و بعضی مشکلات دیگری هم در سر راهم بود، از ادامهٔ ساختن ویولن منصرف شدم». سیدجواد چاهیچی از سال ۱۳۵۹ بنا به توصیهٔ حسن کسایی سازندهٔ برنامه‌های گل‌ها اقدام به ساختن سازهای ویولن، سه‌تار، تار، سنتور، کمانچه، قیچک و ضرب نمود. مشوق وی در این راه بنا به گفتهٔ خودش احمد عبادی، حسن کسایی، جلیل شهناز، ابراهیم قنبری و حسین مسعود بوده‌اند و خود را شاگرد حسن مسعود می‌دانست. سیدجواد چاهیچی برای سازهای خود، ساخته‌های سازندگان برجستهٔ هر ساز را الگو قرار می‌داد. برای مثال ساختن تار از روی کارهای استاد فرج‌الله، یحیی اوّل، یحیی دوّم، عباس صنعت، جعفر صنعت، رمضان شاهرخ، خاچیک (از ارامنه تار ساز اصفهان)، گلی اصفهانی (معروف به آقا گلی)، عباس ملکوم و آمبارسّون؛ ساز سه‌تار را از روی کارهای محمد عشقی نوایی، سید جلال سه تارساز ، مفتح السلطان، نریمان، علی محمد صفایی و کمانچه را از روی ساخت کارهای هنرمندان منطقهٔ خرم‌آباد، بختیاری و کمانچه‌هایی که در تهران ساخته شده است و سنتور را از روی کارهای مهدی ناظمی انتخاب کرده است.

منابع: کلک، ش. ۴۳ـ۴۴ (مهر و آبان ۱۳۷۲)، ص. ۱۴۱. *سیمای هنرمندان ایران (موسیقی، تئاتر و سینما)*/ به کوشش و گزینش، حبیب‌الله نصیری فرد، جلد اوّل، ص. ۲۶۳ ـ ۲۵۹.

۵۴۶ چهره‌آزاد، رقیه

بازیگر

تولد ۱۲۸۶، تهران.

درگذشت ۱۰ دی ۱۳۷۳، تهران.

رقیه فخرالملوک توکلی یا رقیه چهره‌آزاد بازیگری را ابتدا با جمعیت باربد شروع نمود و سپس مدتی با تئاتر هند و پس از آن با هنرمندان گروه هنر ملی همکاری داشت و در نمایش‌های: «لیلی و مجنون»، «عدالت»، «تأثیر زن در اجتماع»، «خانهٔ برنارد آلبا»، «عاشق بازنشسته»، «خان تاتار»، «عشاق و بقیهٔ غریبه‌ها»، «سایه»، «قائم‌مقام»، «مرگ موش یا نوش جان آقا»، «دشمن مردم»، «سلطان مار»، «روسری قرمز»، «عروسی»، «ازدواج به سبک ایتالیایی» و «فرفره‌ها» در نقش‌های مختلف بازی کرد و سپس در رادیو و نمایشنامه‌های آن نیز فعالیت و همکاری نمود. در سال ۱۳۳۷ با بازی در فیلم «توفان زندگی» به سینما راه یافت. در سال ۱۳۶۸ با بازی نقش مادر در فیلم «مادر» به کارگردانی علی حاتمی به نقطهٔ اوج فعالیت‌های سینمایی‌اش رسید. وی در هشتمین جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم فجر در سال ۱۳۶۸ جایزهٔ بازیگری نقش اول زن را برای بازی در فیلم «مادر» از آن خود نمود.

از جمله فیلم‌هایی که در آنها ایفای نقش کرده است می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: «دستکش سفید» (۱۳۳۰)، «آقا جنی شده» (۱۳۳۸)، «بچه ننه» (۱۳۳۹)، «عروسک پشت پرده» (۱۳۳۹)، «کی به کیه» (۱۳۳۹)، «آهنگ دهکده» (۱۳۴۰)، «دختر همسایه» (۱۳۴۰)، «طلای سفید» (۱۳۴۱)، «عروس فرنگی» (۱۳۴۳)، «دختر ولگرد» (۱۳۴۳)، «رگبار» (۱۳۵۱)؛ «سوته‌دلان» (۱۳۵۶)، «زنده باد...» (۱۳۵۹)؛ «دلشدگان» (۱۳۷۰)؛ «سه مرد عامی» (کارگردان: سیامک تقی پور، ۱۳۷۲)، «زمین آسمانی» (به کارگردانی محمد علی نجفی، ۱۳۷۳).

مجموعه‌های تلویزیونی که چهره‌آزاد در آنها ایفای نقش کرده است عبارتند از: «مرد اول» (۱۳۵۴)؛ «تخت ابونصر» (۱۳۵۵)؛ «هزار دستان» (۱۳۵۷ ـ ۱۳۶۶).

رقیه چهره‌آزاد وی در تهران درگذشت و پیکر وی در قطعهٔ هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

منابع: سیمای هنرمندان ایران (موسیقی، تئاتر و سینما)/ حبیب‌الله نصیری فرد، جلد اوّل، ص. ۳۹۷. *فرهنگ سینمای ایران/* جمال امید. *اینجا ایران، من زن؛ یاد و نام زنان ایرانی در رشته‌های علوم انسانی و هنر/* دکتر سهیلا شهشهانی، ژیلا هدایی، فهیمهٔ سپهر صادقیان، ص. ۱۴۲ ـ ۱۴۳.

حاتمی، شاپور ۵۴۷

نوازنده

تولد ۱۳۲۳.

درگذشت ۱۳۶۹.

شاپور حاتمی در سیزده سالگی که محصل دبستان نظام بود شروع به ساز زدن نمود. از شانزده سالگی نزد عبدالحسین شهنازی به تمرین می‌پرداخت. بعد از شهنازی ردیف‌های آواز ایرانی را نزد دایی خود عبداله خان دوامی شروع کرد و به تمام گوشه‌های ایرانی وارد شد. بعد از اتمام دبیرستان به تحصیل در دانشگاه پلیس پرداخت و سپس در شهربانی استخدام شد. در سال ۱۳۵۲ با درجه سرهنگی بازنشسته شد. خدمت هنری را از رادیو ژاندارمری شروع کرد و بعد از دو سال بنا به دعوت مهدی خالدی به عضویت ارکستر وی در آمد. این همکاری حدود هفده سال ادامه یافت. نوازندگی سلوی روزهای یکشنبه بعدازظهر رادیو به عهده وی بود و مدت پنج سال روزهای شنبه شب نوازندگی سلوی تلویزیون را به عهده داشت. از آهنگ‌های ساخت ایشان ترانهٔ «به یاد دوست» است.

شاپور حاتمی بنا به دعوت داود پیرنیا برای همکاری با «برنامهٔ گل‌ها» دعوت شد و او همکاری خود را با هنرمندان دیگر این برنامه آغاز و ادامه داد. گفته می‌شود که شاپور حاتمی اوّلین کسی است که با تار چهار مضراب دو چهارم را زده و بنا به همین گفته، پیش از وی کسی این کار را نکرده بود.

منبع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد اوّل/ حبیب‌الله نصیری‌فر، ص. ۲۹۵ ـ ۲۹۷.

حاتمی، علی ۵۴۸

کارگردان

تولد ۲۳ مرداد ۱۳۲۳، تهران.

درگذشت ۱۵ آذر ۱۳۷۵، تهران.

علی حاتمی پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکدهٔ هنرهای دراماتیک، به همکاری با تلویزیون پرداخت و به نوشتن فیلمنامه مشغول شد. نخستین فیلم بلند سینمایی‌اش «حسن کچل» بود که از عناصر بومی در آن استفاده نمود. فیلم‌های دیگر او همچون «طوقی»، «بابا شمل»، «قلندر»، «ستارخان»، «خواستگار»، «سوته‌دلان»، «حاجی واشنگتن»، «کمال‌الملک»، «جعفرخان از فرنگ برگشته»، «مادر»، «دلشدگان»، به همراه مجموعه‌های تلویزیونی چون «سلطان صاحبقران» و «هزاردستان» همگی نشان‌دهندهٔ علاقهٔ او به فرهنگ ایرانی است. حاتمی در حال ساختن مجموعهٔ تلویزیونی «جهان پهلوان تختی» بود که عمرش کفاف اتمام آن را نداد.

علی حاتمی که از بیماری سختی رنج می‌برد، سرانجام در آذر ماه ۱۳۷۵ در گذشت و پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) به

خاک سپرده شد.

منابع: «هزاردستان ماند، علی حاتمی رفت»، ایران، س. ۲، ش. ۵۴۲ (۱۸ آذر ۱۳۷۵)، ص. ۱۲. «... خودش را به حق سپرد»، سروش، س. ۱۸، ش. ۸۱۶ (۲۴ آذر ۱۳۷۵)، ص. ۵۰ـ۵۱.

حافظی، محمد حسن ۵۴۹

معمار

تولد اول فروردین ۱۳۰۹، تبریز.
درگذشت ۱۴ دی ۱۳۶۲، تهران.

محمد حسن حافظی تحصیلات ابتدایی را در تبریز و تحصیلات متوسطه را در تهران به پایان رساند. سال ۱۳۳۲ تحصیلات عالی را در رشتهٔ معماری دانشکدهٔ هنرهای زیبا در دانشگاه تهران آغاز کرد. در دی ۱۳۴۱ به دریافت درجهٔ مهندسی معماری با رتبهٔ عالی نایل شد. موضوع پایان‌نامه فارغ‌التحصیلی او «کشتارگاه و سردخانه» بود. بورس تحصیلی دولت فرانسه برای دانشجوی رتبهٔ اول معماری به او تعلق گرفت. مدت پنج سال در مدرسهٔ عالی هنرهای زیبای پاریس به تحصیل در رشتهٔ معماری در شهرسازی ادامه داد. سال ۱۹۶۹ به دریافت مدرک دکترایِ معماری نایل شد. مدت نه ماه در آمریکا به کار و تحقیق در رشتهٔ معماری پرداخت. از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۳ به تدریس تمام وقت معماری در دانشکدهٔ هنرهای زیبا در دانشگاه تهران اشتغال داشت. در سال تحصیلی ۱۳۵۸ ـ ۱۳۵۹ بار دیگر به تدریس معماری در دانشکدهٔ هنرهای زیبا پرداخت. از سال ۱۳۵۳ به کار حرفه‌ای مهندسی مشاور معماری و شهرسازی اشتغال داشت.

از آثار اوست : ترجمهٔ کتاب ***هستی، فضا و معماری*** (نوشته کریستان نوربرگ شولتز، ۱۳۵۳)؛ ***تاریخ جهانی معماری و شهرسازی مدرن*** (نوشته میشل راگون، دو جلد، ۱۳۶۱).

منبع: *طراحی‌ها و نقاشی‌های محمد حسن حافظی*.

حالتی (حجاز)، رفیع ۵۵۰

بازیگر، کارگردان، مترجم

تولد ۱۲۷۵، تهران.
درگذشت ۱۳۶۰، تهران.

رفیع حالتی تحصیلاتش را در مدرسهٔ سن‌لویی گذراند. وی از سال ۱۲۸۸ با شرکت در نمایش «رستاخیز» کار خود را در تئاتر آغاز کرد. وی در سفارشی که برای طراحی صحنه نمایشنامهٔ «رستاخیز» در مدرسهٔ رستاخیز به مدرسهٔ کمال‌الملک از طرف سیدعلی خان نصر داده شد، توسط استادش به نصر معرفی شد و این آغاز ورود جدی او به تئاتر بود. در پاییز سال ۱۳۰۰ نقش کلفت را در «مریض خیالی» اثر مولیر به عهده داشت. به سال ۱۳۰۵ که جامعهٔ باربد توسط اسماعیل مهرتاش تأسیس شد، حالتی از اعضای فعال این جمعیت شد و در کلاس تئاتر آن مؤسسه در رشتهٔ دکلاماسیون تدریس می‌کرد. حالتی از ابتدای تأسیس هنرستان هنرپیشگی تهران در سال ۱۳۱۸ معلم تاریخ لباس، چهره‌پردازی و طراحی صحنه بود. از جمله آثاری که وی ترجمه یا اقتباس یا نگارش کرده است می‌توان از نمایشنامه‌های زیر نام برد: ***قائم‌مقام؛ لمبک آب فروش؛ ولگرد؛ خانم لال؛ دکتر اقدس و شوهرش؛ عروسک پشت پرده؛ اشتباه لپی؛ اصفهانی چلمن؛ پیرکفتار؛ تیر به قلب خورده؛ کوزهٔ عسل؛ تاجر ونیزی***.

وی همچنین با همکاری و فعالیت در شرکت کمدی ایران، شرکت کمدی اخوان، دایرهٔ نمایش سازمان پرورش افکار، تدریس در هنرستان نقاشی پسران و دختران، تدریس در هنرستان کمال‌الملک و

تأسیس اتحادیهٔ هنرپیشگان سال‌ها به کار هنری پرداخت. او با شرکت در نمایشنامه‌های: «خاقان می‌رقصد»، «سایهٔ جرم»، «تاجر ونیزی»، «خسیس»، «اصفهانی چلمن»، «افتضاح»، «عشاق پریشان»، «کوزهٔ عسل» سال‌ها روی صحنه‌های تئاترهای شهر ایفای نقش نمود. وی همچنین در کار بازیگری و کارگردانی سینما نیز فعالیت داشت. از جمله فیلم‌های وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: «برای تو»، «عروسک پشت پرده»، «ستارگان می‌درخشند»، «پستچی» (کارگردانی)، «آهنگ دهکده»، «عشق بزرگ»، «گرگ صحرا»، «آقای قرن بیستم»، «مسیر رودخانه»، «گنج قارون»، «مرد نامرئی»، «مومیایی»، «سوغات فرنگ»، «طوفان نوح»، «دروازهٔ تقدیر»، «زیر گنبد کبود»، «دالاهو»، «دختر طلا»، «هفت شهر عشق»، «بر آسمان نوشته»، «یوسف و زلیخا»، «قوز بالاقوز»، «رقاصهٔ شهر»، «کلبه‌ای آن سوی رودخانه»، «محلل»، «معرکه»، «عاصی»، «بی‌گناه»، «غیرت»، «فری دست قشنگه»، «امشب اشکی می‌ریزد» و مجموعهٔ تلویزیونی «ایران در جنگ جهانی دوم».

منابع: چهره‌هایی از پیشروان هنر و ادبیات معاصر ایران/ فرهنگسرای نیاوران. *سیمای هنرمندان ایران (موسیقی، تئاتر و سینما)*/ به کوشش و گزینش، حبیب‌الله نصیری فرد، جلد اوّل، ص. ۳۳۲ ـ ۳۳۰. موحد دیلمقانی، خلیل، «رفیع حالتی»، آینده، س. ۷، ص. ۵۶۷ ـ ۵۶۹. *زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ ـ ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد سوم، (ج ـ ژ)*/ حسن مرسلوند، ص. ۵۵ ـ ۵۶.

بازیگر

تولد ۴ مهر ۱۳۱۸، تهران.

درگذشت ۲ دی ۱۳۷۴، عباس آباد تنکابن.

رضا حامدی خراسانی مشهور به منوچهر حامدی فعالیت تئاتری خود را در سال ۱۳۳۷ آغاز کرد. وی پس از پایان تحصیلات متوسطه به بازیگری در تئاترهای تهران، دهقان، نصر و مرجان پرداخت و در همان سال‌ها، از کلاس‌های هنرپیشگی تئاتر نصر فارغ‌التحصیل شد. سپس به اصفهان رفت و با تئاتر سپاهان (گروه ارحام صدر) همکاری کرد و پس از بازگشت به تهران به صورت حرفه‌ای در تئاتر دهقان و جامعهٔ باربد به فعالیت ادامه داد. با شروع کار تلویزیون در سال ۱۳۳۷، به بازی در نمایش‌های تلویزیونی که به شکل زنده پخش می‌شد، پرداخت. وی از سال ۱۳۴۵ بازی در مجموعه‌های تلویزیونی را با «پهلوانان» (سیروس افخمی) آغاز کرد که پخش آن سه سال به طول انجامید. حامدی نخستین بار با فیلم «درخت‌ها ایستاده می‌میرند» (۱۳۵۰، امیر شروان) بازیگری در سینما را تجربه کرد. وی در جشنوارهٔ یازدهم فیلم فجر (۱۳۷۱) برای «رد پای گرگ» و در جشنوارهٔ سیزدهم فیلم فجر (۱۳۷۳) برای «روز شیطان» نامزد دریافت جایزهٔ بهترین بازیگر نقش دوم مرد شد.

از جمله فیلم‌هایی که وی در آنها ایفای نقش کرده است می‌توان به این آثار اشاره کرد: «شبگرد» (۱۳۵۴)؛ «پاشنه طلا» (۱۳۵۴)؛ «چشم انتظار» (۱۳۵۴)؛ «بوی گندم» (۱۳۵۷)؛ «پیک جنگل» (۱۳۶۲)؛ «پناهگاه» (۱۳۶۲ـ نمایش داده نشد)؛ «شکار در شب» (۱۳۶۳ ـ نمایش داده نشد)؛ «مردی که زیاد می‌دانست» (۱۳۶۳)؛ «راه دوم» (۱۳۶۳)؛ «کمال‌الملک» (۱۳۶۳)؛ «آتش در زمستان» (۱۳۶۴)؛ «تفنگ شکسته» (۱۳۶۴)؛ «طائل» (۱۳۶۴)؛ «مشت» (۱۳۶۴)؛ «یک روز گرم» (۱۳۶۴)؛ «اجاره‌نشین‌ها» (۱۳۶۵)؛ «میهمانی خصوصی» (۱۳۶۵)؛ «ترن» (۱۳۶۶)؛ «ستاره و الماس» (۱۳۶۷)؛ «گراند سینما» (۱۳۶۷)؛ «زرد

قـــناری»؛ و نـیز در مـجموعه‌های تـلویزیونی: «پـــهلوانـــان» (۱۳۴۵ ــ ۱۳۴۸)؛ «داش پـالکی» (۱۳۵۲)؛ «کـیمیاگـر» (۱۳۵۳)؛ «طـبل تـوخالی» (۱۳۶۲)؛ «آوای فاخته».

حامدی پس از پایان تصویربرداری فیلم «نخل محبت» در عباس آباد تنکابن، هنگام عبور از عرض جاده بر اثر برخورد بـا یک خـودروی سـواری جـان سـپرد. وی بـازی در مـجموعهٔ تـلویزیونی «دزدان مادربزرگ» (مهدی صباغ‌زاده) را آغاز کرده بود و به علاوه قرار بود در فیلم «تنگنا» (علی درخشی) هـم بازی کند. پیکر وی در بهشت‌زهرا در قطعهٔ ۸۸ به خاک سپرده شده است.

منابع: فرهنگ سینمای ایران / جمال امید، ص.۸۴ ــ ۸۵

«درگذشت منوچهر حامدی»، فیلم، ش.۱۸۴، ص.۱۹.

حسنی، سعدی ۵۵۲

موسیقی‌دان

تولد ۱ اردیبهشت ۱۳۰۲.

درگذشت ۲۵ آذر ۱۳۶۵، آلمان.

سعدی حسـنی بـه سـال ۱۳۲۴ بـه اخـذ دانشـنامهٔ لیسانس در رشتهٔ حقوق سیاسی از دانشگـاه تـهران موفق گردید. به سال ۱۳۳۲ بـه اتـریش رفت و در دانشکدهٔ علوم موسیقی وین ثبت‌نام کـرد و پس از یک سال به دلایلی، ناگزیر گردید که در دورهٔ دکترایِ حقوق دانشگاه وین نام‌نویسی کند. وی در تمام سه سـالی کـه در وین بـود، تـحصیل مـوسیقی را در دانشکدهٔ علوم موسیقی رها نکرد ولی چـون رسـماً دورهٔ دکـتراي دانشکـدهٔ دیگـری را مـی‌گذرانـید از دریـافت پـایان‌نامهٔ تـحصیل در رشـتهٔ مـوسیقی صرف‌نظر کرد. سرانجام به سال ۱۳۳۶ موفق به اخذ دکترایِ علوم سیاسی شد. دکتر سعدی حسنی پس از فراغت از تحصیل، به آلمان رفت و مـدت چـهارده سال در شهر هامبورگ اقامت گزید و ضمن فعالیت بـرای تأمـین مـعیشت، بـه تـحقیق در مسـائل ایرانشناسی و بـه‌ویژه راز و رمـز هـنر فـرش ایـران پرداخت و سرانجام به سال ۱۳۴۶ به ایران مراجعت کرد و سرپرستی هنری تالار رودکی به وی نهاده شد.

دکتر سعدی حسنی در سال ۱۳۵۲ به مدیریت مجلهٔ «موسیقی» و سپس در سال ۱۳۵۵ به مدیریت کل «ژونس موزیکال» ایران منصوب گردید.

قطع نظر از آثاری که به طبع نرسیده‌انـد، آثـار چاپ شدهٔ دکتر سـعدی حسـنی از ایـن قـرار است: ***تاریخ موسیقی*** (جلد اول، ۱۳۳۰؛ جلد دوم، ۱۳۳۱)؛ ***تفسیر موسیقی*** (جلد اول، ۱۳۳۰؛ جلد دوم، ۱۳۳۱)؛ ***هفت نغمه چنگ*** (مجموعهٔ مقاله، ۱۳۳۰) و مقالاتی که در مجله‌های «موسیقی»، «ژونس مـوزیکال» و «رودکی» به چاپ رسیده است.

دکتر سـعدی حسـنی پس از تـحمل رنـج یک بیماری طولانی در آلمان دیده از جهان فرو بست.

منابع: ملاح، حسینعلی، «دکتر سعدی حسنی»، آینده، س.۱۳، ص.۳۴۷ــ۳۴۸. میرعلی نقی، سید عـلیرضا، «جَـرَس فـریاد مـــی‌دارد»، کـلک، ش.۸۳ــ ۸۰ (آبـان و بـهمن ۱۳۷۵)، ص.۳۹۰ــ۳۹۸.

حکیم هاشمی، محمود ۵۵۳

نوازنده، سازندهٔ سه‌تار

تولد ۱۴ دی ۱۳۲۲.

درگذشت ۱۲ آذر ۱۳۷۵.

محمود حکیم هاشمی مدت هفده سال به سـاختن سـه‌تار اشـتغال داشت. وی هـمچنین ایـن سـاز را مـی‌نواخت. پس از فـوت احـمد عـبادی عـده‌ای از مشتاقان صدای سه‌تار عبادی بـه مـحضر هـاشمی می‌آمدند.

هاشمی در زمرهٔ آن دسته سازندگانی است که با نگرشی جدید ولی بر اساس همان مبانی قدیم به ساخت سه‌تار می‌پرداخت. وی پس از یک دوره بیماری طولانی در پنجاه و سه سالگی به دیار باقی شتافت. پیکر وی در بهشت‌زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

منابع: ناظمی، احمد، «در سوگ هاشمی، سه‌تار ساز محجوب»، آهنگ، ویژه‌نامه دوازدهمین جشنوارهٔ موسیقی فجر (بهمن ۱۳۷۵)، ش.۲، ص.۷. لاهوتی، حسن، «بیاد شادروان محمود هاشمی مهین اوستاد سه تاره‌ساز زمانه»، کلک، ش.۸۳ ـ ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص.۳۸۶ ـ ۳۸۹. *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین، جلد سوم/* مهدی ستایشگر، ص.۱۸۷ ـ ۱۸۹.

۵۵۴ حنانه، مرتضی

آهنگساز

تولد ۱۱ اسفند ۱۳۰۱، تهران.

درگذشت ۲۴ مهر ۱۳۶۸، تهران.

مرتضی حنانه، فرزند مهندس محمد حنانه، مؤسس دبیرستان ایرانشهر، پس از پایان دورهٔ ابتدایی دبستان در هنرستان موسیقی به تحصیل مشغول شد. در آن زمان، هنرستان موسیقی ده نفر از موسیقیدانان را از چکسلواکی برای آموزش به هنرآموزان هنرستان استخدام کرده بود که مرتضی حنانه آموختن «هورن» را انتخاب نمود که بعدها به عنوان «کُریست» اوّل ارکستر سمفونیک تهران شناخته شد.

با شروع جنگ دوّم جهانی و کشیده شدن آتش آن به ایران، هنرستان موسیقی تعطیل گردید. اما حنانه با کمک علاقه‌مندان دیگر نظیر غلامحسین غریب و حسن شیروانی کنسرت‌های گوناگونی به طور آزاد در سالن‌های انجمن‌های فرهنگی و هنری برپا نمود و پس از چندی با پیوستن پرویز محمود به این جمع پایهٔ ارکستر سمفونیک تهران گذاشته شد. در سال ۱۳۳۲ که جشن هزارهٔ بوعلی سینا برگزار گردید، حنانه توانست آثار خود را در حضور شرق‌شناسانی که برای شرکت در جشن دعوت شده بودند با هم‌سُرایی و ارکستر سمفونیک اجرا نماید و این اجرا چنان مورد توجه حضار قرار گرفت که آقای چرولی سفیر وقت ایتالیا، بورس هنری آن کشور را در اختیار وی قرار داد و حنانه برای تکمیل تحصیلات و مطالعات خود در رشته‌های مختلف هنری، به خصوص موسیقی به این کشور عزیمت نمود. مرتضی حنانه در مؤسسهٔ موسیقی مذهبی مقدس ایتالیا به تحصیل پرداخت. پس از بازگشت از ایتالیا در سال ۱۳۴۲، علاوه بر تدریس «ارکستراسیون» و ادارهٔ کلاس «هورن» در هنرستان عالی موسیقی، به عضویت شورای عالی موسیقی رادیو ایران درآمد و در همین زمان بود که ارکستر سمفونیک رادیو ایران را به نام ارکستر فارابی پایه‌گذاری کرد. این ارکستر توانست آثار آهنگسازان ایران را مانند خود مرتضی حنانه، خانم شهنیا، فریدون ناصری، فریدون فرزانه، مصطفی کسروی و سیروس شهردار را اجرا و ضبط نماید. حنانه در سال ۱۹۶۵ از طرف رادیو ایران و بنا به دعوت یونسکو، به «تریبون انترناسیونال آهنگسازان رادیو تلویزیون» اعزام شد و در آنجا قطعاتی از «اوراتوریو» اثر خود را اجرا کرد که از رادیو ایرلند و سوییس پخش شد. پس از افتتاح تلویزیون ایران، حنانه در سمت مشاور سرپرستی اقدام به تأسیس کلاس‌هایی جهت تعلیم فنی خوانندگان نمود و ارکستر سازهای ایرانی را تشکیل داد. وی در جشنوارهٔ شیراز قطعهٔ «کاکوتی» را با ارکستر مجلسی تلویزیون به رهبری خود اجرا کرد که موفق به دریافت جایزهٔ «گراندمانسیون اسپسیال» گشت. در جشنواره دوّم نیز، قطعهٔ «کاپریس برای پیانو و

ارکستر» او به رهبری فرهاد مشکوة اجرا شد و سال ۱۳۵۰ موفق به اخذ جایزهٔ بهترین آهنگساز برای فیلم «فرار از تله» به کارگردانی جلال مقدم می‌گردد. حنانه ساخت موسیقی فیلم را از سال ۱۳۲۷ با فیلم «ایران سرزمین طلای سیاه» که محصول ادارهٔ کل هنرهای زیبای وزارت فرهنگ و هنر بود آغاز کرد (گفته می‌شود که وی نخستین کسی بود که در ایران به ساخت موسیقی فیلم اقدام کرد). وی موسیقی متن فیلم‌های زیر را ساخته است: «عروس دجله» (۱۳۳۳)؛ «بهلول» (۱۳۳۶)؛ «ساحل انتظار» (۱۳۴۲)؛ «لذت گناه» (۱۳۴۳)؛ «عروس دریا» (۱۳۴۴)؛ «الماس ۳۳» (۱۳۴۶)؛ ؛ «پل» (۱۳۵۰)؛ «کاکو» (۱۳۵۰)؛ «پهلوان مفرد» (۱۳۵۰)؛ «سه قاپ» (۱۳۵۰)؛ «فرار از تله» (۱۳۵۰)؛ «بابا شمل» (۱۳۵۰)؛ «راز درخت سنجد» (۱۳۵۰)؛ «قصاص» (۱۳۵۰)؛ «صمد و فولاد زره دیو» (۱۳۵۱)؛ «جهنم به اضافهٔ من» (۱۳۵۱)؛ «قلندر» (۱۳۵۱)؛ «خونبارش» (۱۳۵۹)؛ «سند زنده» (۱۳۵۹)؛ «تشریفات» (۱۳۶۴)؛ «مردی که موش شد» (۱۳۶۴)؛ «تیرباران» (۱۳۶۵)؛ «جعفرخان از فرنگ برگشته» (۱۳۶۳/۶۷)؛ و همچنین در برخی از تعدادی فیلم‌های مستند مانند «تپه‌های مارلیک» ساختهٔ گلستان.

از نوشته‌ها و آثار وی می‌توان از: «کاپریس» برای پیانو و ارکستر سمفونیک؛ «دعا» برای کُر و سولوها و ارکستر سمفونیک؛ «صبر و ظفر» دو قطعه برای ارکستر مجلسی با هارپ و پیانو؛ «بزرگداشت فردوسی» برای پیانو و آواز؛ «لالایی» برای پیانو سولو برای برزگداشت نیمایوشیج؛ «مهرگان» برای ارکستر سمفونیک نام برد. از ترجمه‌های وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***ارکستراسیون*** (شارل کوکلن، در پنج جلد)؛ ***چگونه ملودی بسازیم***؛ ***باس***. از تألیفات او نیز می‌توان از این عناوین نام برد: ***گام‌های گمشده***؛ ***دروازه‌های متروک***؛ ***تئوری آرمونی زوج***؛ ***مقاصد الالحان*** (عبدالقادر مراغه‌ای) و قطعات بسیاری از تصنیف‌ها و آهنگ‌ها که برای ارکستر آرمونیزه و تنظیم کرده است.

مرتضی حنانه روز سه‌شنبه ۲۵ مهر ۱۳۶۸، پس از گذراندن یک بیماری مهلک، جان سپرد. وی در جوار حضرت امامزاده طاهر در کرج به خاک سپرده شد.

منابع: آهنگ، ویژه‌نامهٔ پنجمین جشنواره موسیقی فجر، ش.۲، ص.۲. ***مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد اوّل*** / حبیب‌الله نصیری‌فر، ص.۱۹۱ ـ ۱۹۲. ***فرهنگ سینمای ایران*** / حمید شعاعی، ص.۲۴۵. ***فرهنگ سینمای ایران*** / جمال امید، ص.۸۸. میرعلی‌نقی، علرضا، «مرتضی حنانه»، آینده، س.۱۵، ص.۶۲۱ ـ ۶۲۲.

۵۵۵ حیدریان، علی محمد

نقاش، پیکرتراش

تولد ۱۲۷۵، اصفهان[۱].

درگذشت شهریور ۲۴ شهریور ۱۳۶۹.

علی‌محمد حیدریان تحصیلات خود را در مدرسه‌های خرد و آلیانس (فرانسه) ادامه داد و در همان اوان طفولیت پدر خود را از دست داد و تحت تکفل برادرَش قرار گرفت.

از ابتدای تشکیل هنرستان نقاشی کمال‌الملک از نخستین هنرجویانی بود که نقاشی را از کمال‌الملک آموخت. وی بعدها در کنار استاد کمال‌الملک به تربیت شاگردان نقاشی پرداخت. وی همچنین از استادان مؤسس هنرکدهٔ نقاشی بود که پس از آن تبدیل به دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد. در آن زمان به وی بورسیه‌ای برای سفر به خارج

۱. در برخی منابع محل تولد وی شهر تهران ذکر شده است.

و تکمیل مطالعات و هنر خود اعطاء گردید. در این سفر سه ماه در بروکسل (بلژیک) و سه ماه در در پاریس (فرانسه) به سر برد و با آثار نقاشان بزرگ آشنا گردید و به کپی از آنها پرداخت. بعد از شش ماه، بورسیه را ناتمام گذاشت و از پاریس به ایران گشت و مجدداً به کار در دانشکده و تعلیم مشغول شد. استاد در سال ۱۳۴۳ به سمت استاد تمام وقت در دانشکدهٔ هنرهای زیبا منصوب گردید و در تاریخ ۲۹ ماه ۱۳۴۶ با توجه به خدماتش به هنر ایران ــ به‌عنوان استاد ممتاز دانشکدهٔ هنرهای زیبا انتخاب شد. علی محمد حیدریان در تمام زندگی خود هرگز در هیچ نمایشگاه خصوصی شرکت ننمود و اگر هم در نمایشگاه‌های دسته جمعی شرکت می‌کرد با اصرار دوستانش بود. آثار باقیمانده از حیدریان را می‌توان در پنج دسته طبقه‌بندی نمود، تابلوهایی از صورت اشخاص (پرتره) تابلوهایی از مناظر (طبیعی یا فضاهای سربسته مانند اطاق)، تابلوهایی با عنوان طبیعت بی‌جان، تابلوهایی که از آثار نقاشان جهان کپی شده است (مانند کارهای رامبراند، لاسکوئر، رنوار، شیشکین و تی‌سین) و تابلوهای تخیلی استاد مانند تابلوی حضرت موسی (ع) یا تابلوی غدیرخم یا تابلوی تصلیب حضرت مسیح. از جمله آثار وی می‌توان به این دو مورد اشاره نمود: کپی تابلوی چوپان «میله» (در مجموعه خانوادگی محفوظ است) و چهره‌ای از پروفسور پاستور (که در موزهٔ مؤسسهٔ پاستور پاریس محفوظ است). سبک کار حیدریان کلاسیک، ناتورالیسم و گاهی با رگه‌هایی از تأثیرات قلم امپرسیونیست‌ها است.

علی محمد حیدریان تا سال ۱۳۶۷ در کارگاه نقاشی خود مشغول به کار بود و به تربیت نقاشان می‌پرداخت. کسانی چون جواد حمیدی، محمود جوادی‌پور، مرتضی ممیز، کیخسرو خروش، پرویز کلانتری و منیر فرمانفرمائیان و بسیاری دیگر از شاگردان وی بوده‌اند.

استاد در اسفند ۱۳۶۸ در خانهٔ خود زمین خورد و پس از آن از صندلی چرخدار استفاده می‌کرد تا بالاخره در روز ۲۴ شهریور ماه ۱۳۶۹ دار فانی را وداع گفت.

منابع: طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش / شیرین صور اسرافیل، ص. ۷۳. «با یاد زنده یاد استاد علی محمد حیدریان»، فصلنامهٔ هنر، ش. ۱۹ (تابستان و پاییز ۱۳۶۹)، ص. ۱۱۴ــ۱۱۵. «علی محمد حیدریان، زندگی و مرگ استاد»، آرمان، ش. ۶ و ۷ (آذر ۱۳۶۹). «استادعلیمحمد حیدریان : نقاشی فوق عرفان است؛ گفتگو با استاد علیمحمد حیدریان، حسین شیخ، علی اکبر زاویه، جواد حمیدی»، کیهان فرهنگی، س. ۲، ش. ۱۱ (بهمن ۱۳۶۴)، ص. ۳ــ۱۰. ممیز، مرتضی، «علیمحمد حیدریان»، آینده، س. ۱۶، ص. ۶۰۰ــ۶۰۱

خادم، علی ۵۵۶

عکاس

تولد ۱۲۹۶.

درگذشت ۱۴ اسفند ۱۳۷۰، تهران.

علی خادم دیپلمهٔ ادبی است و کار مطبوعاتی را از سال ۱۳۲۸ با سمت خبرنگار عکاس برای مطبوعات آغاز کرد. در طول خدمت مطبوعاتی خود دوازده بار از دولت ایران و دولت‌های خارجی نشان و مدال افتخار گرفت. پدر ایشان نیز از عکاسان زمان خود بود.

علی خادم مجموعهٔ بزرگ و نفیسی از عکس فراهم آورد که تعداد پانزده هزار قطعه عکس در آن موجود است. چندین مجموعه عکس از کارهای خادم به چاپ رسیده است که ***تهران در تصویر*** یکی از آنهاست.

علی خادم با زبان فرانسوی آشنا بود و به بیشتر کشورهای جهان سفر کرد.

علی خادم در سال ۱۳۷۰ درگذشت و پیکرش در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

منابع: کیهان فرهنگی، س.۹، ش.۱ (فروردین ۱۳۷۱)، ص.۵۷. *چهرهٔ مطبوعات معاصر* / غلامحسین صالحیار، ص.۱۷۴.

۵۵۷ خالدی، مهدی

موسیقی‌دان، آهنگساز، نوازنده

تولد ۵ شهریور ۱۲۹۸، تهران.

درگذشت ۹ آذر ۱۳۶۹، تهران.

مهدی خالدی، فرزند حسین، در خیابان خیام (سنگلج) تهران دیده به جهان گشود. از کودکی به نواختن ویولن علاقه‌مند بود و با شرکت در کلاس‌های موسیقی استاد ابوالحسن صبا از وی کسب فیض می‌نمود. چندی بعد به رادیو راه یافت و توسط سرگرد غلامرضا مین‌باشیان[۱]، سرپرست هنرستان موسیقی و سروان ابراهیم آژنگ، معاون این هنرستان، حبیب سماعی (سنتور)، علی اکبر شهنازی (تار)، موسی معروفی (تار)، ابراهیم منصوری (ویولن)، مرتضی نی‌داود (تار)، مرتضی محجوبی (پیانو)، وزیری تبار (قره)، روانبخش (ضرب) امتحانی از وی به‌عمل آوردند قبول و همکاری خود را از بدو تأسیس رادیو با این دستگاه آغاز کرد.

خالدی در آغاز کار با حسین تهرانی هم‌دم بود، کم‌کم از تهرانی کناره گرفت و با علی زاهدی همکار شد.

مهدی خالدی سبک تازه‌ای را در آهنگسازی در موسیقی ایران از خود به جا گذاشت که در زمان حیاتش یکی از سه سبک رایج ویولن در رادیو بود (دو سبک دیگر، یکی سبک سبک ابوالحسن صبا و دیگری سبک حسین یاحقی بود). خالدی بالغ بر ۳۵۰ پیش درآمد و آهنگ ساخت که حدود ۲۵۰ عدد آن از رادیو پخش شده است. مهدی خالدی در سال‌های ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ در سفری که به هندوستان داشت، تعدادی صفحه ضبط کرد که عبارت بودند از سرود «ایران و هند» با صدای جواد بدیع‌زاده، «دل پریشان» آواز بدیع‌زاده، سرود «آذربایجان» با صدای بدیع‌زاده، سرود «جشن نوروزی» با صدای بدیع‌زاده، «پریوش» با صدای بدیع‌زاده، «خوان اشم و هو» با آواز بدیع‌زاده، «خسرو خوبان» آواز بدیع‌زاده، «تاج محل» آواز بدیع‌زاده.

در سال ۱۳۳۳ ـ ۱۳۳۴ از طرف رادیو به عنوان سرپرست موسیقی انتخاب گردید و در این راه هفت ارکستر برای رادیو تشکیل داد که در آن هر آهنگساز و نوازنده‌ای را به همراه یک خواننده قرار داد. مهدی خالدی یک فیلم موسیقیایی به نام «ماجرای زندگی» (در سال ۱۳۳۳) ساخت که تنها فعالیت سینمایی او بود. وی بعداً با استودیوهای تصویربرداری پارس فیلم و دیانا فیلم همکاری کرد. از جمله آهنگ‌های وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: «داغ لاله» (چهارگاه)، «دل غافل»، (همایون) و «آمد نوبهار» را نام برد.

ساز اصلی خالدی ویولن و سه تار بود و به ضرب نیز آشنایی داشت. خالدی در نواختن ویولن روش استادش را دنبال کرد. وی دومین نوازنده‌ای بود که در رادیو ایران بعد از ابوالحسن صبا ساز تنها (ویولن) نواخت.

از جمله استادان وی می‌توان به این نام‌ها اشاره نمود: ابوالحسن صبا، حسین یاحقی، حسین خالدی، علیرضا چنگی کمانچه‌کش، حبیب سماعی، شیخ حسین (نیم‌تاج اصفهانی)، اسماعیل ادیب

---

۱. در مأخذ دیگری نام وی غلامحسین مین‌باشیان آمده است.

خوانساری، جلال تاج اصفهانی، روح‌الله خالقی، آقا ضیاء (ضیاءالدین رسایی)، عبدالحسین برازنده، جواد بدیع‌زاده، مرتضی نی‌داود و عبدالحسین شهنازی.

مهدی خالدی در سال ۱۳۶۳ دچار سکتهٔ مغزی شد که مدت‌ها بیمار و بستری بود و سرانجام در آذر ۱۳۶۹ در تهران درگذشت.

منابع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد اوّل/ حبیب‌الله نصیری‌فر، ص. ۲۲۹ـ۲۲۷. ***چهره‌های موسیقی ایران/*** شاپور بهروزی. جلد اوّل، چاپ دوّم، ص. ۱۶۱ـ ۱۷۱. ***مهدی خالدی/*** حبیب‌الله نصیری‌فر. میرعلی نقی، سید علیرضا، «جَرَس فریاد می‌دارد»، کلک، ش. ۸۳ـ ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص. ۳۹۰ـ ۳۹۸.

خرسند صفایی، فریدون ۵۵۸

نقاش، طراح

تولد ۱۳۲۵، تهران.

درگذشت ۴ خرداد ۱۳۶۳، تهران.

فریدون خرسند صفایی پس از گذراندن دبستان و دبیرستان در سال ۱۳۴۵ موفق به اخذ دیپلم در رشتهٔ طبیعی گردید و پس از طی خدمت نظام برای ادامهٔ تحصیل راهی انگلستان شد و در سال ۱۳۵۶ موفق به دریافت درجهٔ لیسانس در رشتهٔ طراحی گرافیک گردید. خرسند در طول مدت تحصیل، از سوی دانشگاه مربوطه جایزه‌ها و بورس‌های متعددی را دریافت کرد. او هم چنین علاوه بر اخذ لیسانس در رشتهٔ طراحی گرافیک، موفق به دریافت دیپلم از انجمن طراحان و هنرمندان صنعتی انگلستان و لیسانس طراحی تبلیغاتی نیز گردید و در طول تحصیل به فعالیت‌های حرفه‌ای هم اشتغال داشت که از این دوره آثار زیادی در دست است. خرسند در اوایل سال ۱۳۵۷ به ایران مراجعت نمود و در مؤسسهٔ چاپ و نشر دانش نو مشغول به‌کار شد و پس از انقلاب اسلامی در مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به کار طراحی پرداخت و تا پایان عمر در این مرکز ماند و آثاری را بر جا گذارد که از آن جمله می‌توان به پوسترهای «دومین سالگرد انقلاب اسلامی»، «مدرسهٔ فیضیه» و «سالگرد سیزده آبان» اشاره کرد.

فریدون خرسند صفایی به‌سبب ابتلاء به بیماری سرطان درگذشت.

منابع: «بیاد فریدون خرسند گرافیست»، فصلنامهٔ هنر، ش. ۶ (تابستان و پائیز ۱۳۶۳)، ص. ۳۱۲. ***کتابشناسی نگارگری ایران/*** محمد گلبن، ص. ۷.

خطیبی، حمید ۵۵۹

بازیگر

تولد ۱۳۰۵، ارومیه.

درگذشت ۱۳۷۴، ارومیه.

حمید خطیبی، پیشکسوت تئاتر ارومیه، از سال ۱۳۲۳ از دوران تحصیل در مدرسه فعالیت نمایشی خود را آغاز کرد. از سال ۱۳۲۴ فعالیت حرفه‌ای نمایشی خود را شروع کرد. از فروردین سال ۱۳۳۹ به همکاری در رادیو و شرکت در نمایش‌های رادیویی پرداخت. وی همچنین ده‌ها نمایش و قطعه و شعر برای برنامه‌های متعدد رادیو نوشت. از جمله نمایش‌هایی که وی در آنها بازی کرده است می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: «عاشق فداکار» (۱۳۲۵، ارومیه)؛ «عدالت بشر» (۱۳۲۹، مهاباد)؛ «جنایت بشر» (۱۳۳۶، ارومیه). «خانعلی و جانعلی» (۱۳۳۶، در جبهه‌های جنگ).

حمید خطیبی مدتی نیز به کار روزنامه‌نگاری پرداخت. هم‌زمان با فعالیت در رادیو به نوشتن فیلمنامه نیز دست زد. وی ابتدا با پارس فیلم کار

می‌کرد اما فعالیت مستقل سینمایی وی از سال ۱۳۳۰ با تهیهٔ فیلم شانزده میلیمتری «دستکش سفید» شروع شد. از جمله فیلم‌هایی که وی در آنها ایفای نقش کرده است عبارتند از: «شکوه زندگی» (۱۳۳۶ به کارگردانی حسن محمدزاده)؛ «گل مریم» (۱۳۳۶ به کارگردانی حسن محمدزاده)؛ «ملک خاتون» (۱۳۶۸ به کارگردانی حسن محمدزاده).

منبع: *فرهنگ سینمای ایران* / حمید شعاعی، ص. ۲۵۶.

۵۶۰ داریوش، هژیر

نویسنده، مترجم، فیلمساز، منتقد، استاد

تولد ۱۳۱۷، بندر انزلی (پهلوی).

درگذشت اوایل مهر ۱۳۷۴، پاریس.

هژیر داریوش پس از پایان تحصیلات در رشتهٔ کارگردانی فیلم از مدرسهٔ سینمایی ایدک فرانسه و ساختن فیلم کوتاه «وقت دیگر، عشق من» (۱۳۴۰) در فرانسه، به ایران بازگشت و هم‌زمان فعالیت در زمینهٔ مستندسازی و مطبوعات سینمایی را آغاز کرد. البته فعالیت مطبوعاتی را در واقع از سال ۱۳۳۲ با همکاری مجلات «شاهکارها» و «امید ایران» آغاز کرده بود. از آن تاریخ به‌طور مداوم به‌عنوان منقد فیلم با بسیاری از نشریات از جمله مجلات «علمی»، «ستارهٔ سینما»، «فیلم و هنر»، «پست تهران» همکاری داشته است. او در معرفی فیلم‌هایی چون «شب»، «کسوف»، «زندگی شیرین» و ...که در اوایل دههٔ ۱۳۴۰ نمایش می‌یافتند و همچنین آشنایی علاقه‌مندان جوان با این نوع فیلم‌ها در مجلهٔ «هنر و سینما» نقشی مؤثر داشت. از مهم‌ترین فیلم‌های کوتاه او در این دوره می‌توان به فیلم داستانی «جلد مار» (۱۳۴۲) با بازی فخری خوروش و جمشید مشایخی و «خیابان» (۱۳۴۶) با بازی خسرو شجاع‌زاده اشاره کرد. در حیطهٔ مستندسازی، مهم‌ترین فیلم داریوش «گود مقدس» (۱۳۴۵) است که در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های ورزشی در کوتینادامپزو (ایتالیا) جایزهٔ ویژهٔ هیئت داوران را به دست آورد. دیگر فیلم‌های کوتاه او عبارتند از: «چهرهٔ ۷۵» (۱۳۴۴)؛ «ولی افتاد مشکل‌ها»؛ «حماسهٔ عشقی شب جمعه» (۱۳۴۶)؛ «رنگ بی‌نیرنگ»؛ «مجسمه‌سازی در ایران» (۱۳۴۶)؛ «جام آسیا» (۱۳۴۷). داریوش همچنین در فیلم «هاشم خان» (محمد زرین دست، ۱۳۴۵) نقش کوتاهی بازی کرد. همچنین او در سال ۱۳۵۱ فیلم «بی‌تا» را کارگردانی کرد. استفادهٔ مبتکرانه از سکوت در این فیلم به تأثیرپذیری داریوش از سینمای نوین اروپا ــ به قول خودش «فیلم‌های ساکتی که دیده و پسندیده است» ــ باز می‌گردد.

هژیر داریوش در سال ۱۳۵۱ (مدتی قبل و بعد آن شاید) مدیر جشنواره‌های رادیو تلویزیون بوده است. از جمله فعالیت‌های دیگر او عبارتند از: تدریس کارگردانی در مدرسهٔ عالی تلویزیون و سینما (اوایل دههٔ ۱۳۵۰)، مسئول برگزاری سمینار یونسکو در زمینهٔ فیلم‌سازی مستند آسیا، دبیر عامل جشنوارهٔ بین‌المللی کودکان و نوجوانان (۱۳۴۵)؛ دبیرکل نخستین جشنواره فیلم‌های جوانان آسیا؛ دبیر کل جشنوارهٔ جهانی فیلم تهران؛ عضو هیئت داوران جشنواره‌های بین‌المللی تائورمینا، قاهره؛ کودکان و نوجوانان تهران، جشنواره جهانی فیلم تهران.

هژیر داریوش برای مدتی در سال ۱۳۵۸ به فرانسه مهاجرت کرد و مشاور هنری و طراح برنامهٔ هنری و سینمایی دانشگاه تولوز بود.

عنوان‌های فیلم‌های او به این شرح هستند: «خیابان» (فیلم کوتاه، ۱۳۴۶)؛ «حماسهٔ عشقی شب جمعه» (فیلم کوتاه، ۱۳۴۶)؛ «مجسمه‌سازی در ایران» (فیلم کوتاه، ۱۳۴۶)؛ «جلد مار»؛ «گود

مقدس»؛ «چهرهٔ ۷۵» *(فیلم کوتاه)*؛ «*ولی افتاد مشکل‌ها*» (فیلم کوتاه)؛ «رنگ بی‌نیرنگ»؛ «جام آسیا» (مستند، کارگردان، ۱۳۴۸)؛ «هاشم خان» (بازیگر، ۱۳۴۵)؛ «بی‌تا» (کارگردان، ۱۳۵۲).

جوایز وی عبارتند از: فیلم کوتاه «وقت دیگر، عشق من» برندهٔ دیپلم افتخار در جشنواره سن‌سپاستیان شد. «جلد مار» فیلم کوتاه دیگری بود که برندهٔ جایزهٔ بهترین فیلم کوتاه از طرف کانون فیلم ایران گردید. «گود مقدس» او برندهٔ جایزهٔ ابتکار در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های فولکلوریک در سیه‌تا ایتالیا گردید و جایزهٔ ابتکار و دیپلم افتخار شهر مارسی در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های جهانگردی؛ «جام آسیا» جایزهٔ مخصوص هیئت داوران و جام نقره در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های ورزشی در کورتینودامپزو ایتالیا را از آن خود کرد. فیلم کوتاه دیگر او به نام «چهره ۷۵» برندهٔ جایزهٔ دوّم، لوح نقره در جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های تلویزیونی در برلین شد. وی در موقع تهیهٔ فیلم «گل شیطان» معاون ترنس یانگ بود.

هنرشناسی فیلم از جمله تألیفات اوست.

هژیر داریوش به دلیل حملهٔ قلبی درگذشت و در گورستان پرلاشز پاریس به خاک سپرده شد.

منابع: «هژیر داریوش درگذشت»، فیلم س. ۱۳، ش. ۱۷۹ (آبان ۱۳۷۴)، ص. ۱۷. *چهرهٔ مطبوعات معاصر* / غلامحسین صالحیار، ص. ۸۲. *فرهنگ سینمای ایران* / حمید شعاعی، ص. ۶۱۹. *تاریخ سینمای ایران، ۱۲۷۹ـ۱۳۵۷* / جمال امید، چاپ اوّل. *فرهنگ سینمای ایران* / جمال امید، ص. ۹۸

خطاط، ادیب

تولد ۱۲۶۶ (۱۳۰۶ ق.)، سنندج.

درگذشت ۱۳۵۸.

علینقی دبیر *مخصوص*، *متخلص* به «*هشیار*» و مشهور به هشیار سنندجی، فرزند میرزا کاظم آقا محمد رحیم معمار باشی کردستانی، به فراگیری مقدمات علوم پرداخت. پس از آن در مدارس دینی با زبان عربی آشنا شده و صرف و نحو و مبانی دینی کسب نمود. مدتی هم در آموزشگاه آلیانس سنندج به تحصیل زبان فرانسه پرداخت و ضمناً از استادان فن خط نسخ و نستعلیق به مشق و تمرین حسن خط مشغول شده است. پس از آن مدتی در دستگاه یکی از خوانین سنندج به شغل دبیری و نویسندگی استخدام شده و به سال ۱۳۳۳ ق. به تهران آمد و وارد خدمت دولتی شد. مدت هیجده سال در دفتر نخست‌وزیری منشی مخصوص و کفیل دفتر بوده و چند سالی هم در دادگستری سمت نویسندگی و دفترداری داشته است. در سال ۱۳۱۴ به وزارت کشور منتقل شد و در آنجا مشاغلی از قبیل ریاست کارگزینی وزارتی و فرمانداری شهرستان یزد، مراغه، خوی، سمنان و دامغان را دارا بود. پس از آن به تهران بازگشت و پس از مدتی در سمت بازرس وزارت کشور، در سال ۱۳۲۸ بازنشسته شد. هشیار به ادبیات فارسی عشق می‌ورزید و خود نیز شعر می‌گفت و از ذوق و قریحهٔ خوبی برخوردار بود.

علینقی دبیر مخصوص سرانجام در سال ۱۳۵۸ درگذشت.

منبع: *تاریخ مشاهیر کرد عُرفا، عُلما، اُدبا، شُعراء*، *جلد دوم* / بابا مردوخ روحانی «شیوا»، ص. ۴۲۷.

بازیگر

تولد ۱۲۸۶، رشت.

درگذشت ۲ آذر ۱۳۷۴، تهران.

ایران دفتری با حمایت مادرش تا کلاس ششم درس خواند. سپس در مسافرتی که به شمال ایران نمود با ضیاء دفتری ازدواج نمود. ضیاء دفتری از هنرمندان عصر خود بود و چون نمایش «آرشین مالالان» احتیاج به زنی داشت که بتواند در نقش «گل چهره» آواز بخواند، ناچار همسر خود را با اینکه راضی نبود، برای این نقش آماده ساخت. در آن زمان میرسیف‌الدین کرمانشاهی تئاتری به نام هیئت تئاتر کرمانشاهی در سالن زردشتی‌ها دایر کرده بود و ایران دفتری با نقش "گل‌چهره" مورد توجه او واقع شد و به تعلیم وی پرداخت.

ایران دفتری برای اولین بار در نمایشی به نام «رستاخیز» که بر اساس اپرای میرزادهٔ عشقی تهیه شده بود، در سال ۱۳۰۷ در رشت روی صحنه رفت و یک سال بعد در نمایش «آرشین مالالان» بازی کرد. دفتری بازیگری در سینما را با فیلم «شیرین و فرهاد» (عبدالحسین سپنتا، هندوستان، ۱۳۱۳) شروع و تا سال ۱۳۴۹ که دچار ضعف بینایی شد در تعداد زیادی فیلم و نمایش، ایفای نقش کرد.

چون هنرستان هنرپیشگی ایجاد شد، از وی برای تدریس در این هنرستان دعوت به عمل آمد. سپس به تئاتر دهقان رفت و بعد همکاری خود را با محمد علی جعفری با نمایش «آخرین لحظه» شروع نمود و سپس در فیلم «مردی که رنج می‌برد» جعفری نیز شرکت کرد.

در سال ۱۳۲۰ سالن تابستانی تئاتر جامعهٔ باربد در خیابان شاه‌آباد دایر گردید که دفتری نیز به آن گروه پیوست و در این تئاتر نمایش‌های زیادی را از قبیل «خاقان می‌رقصد»، «قائم‌مقام»، «جان فدای وطن»، «نادر شاه»، «آغا محمد خان قاجار»، «یک شب در حرم ناصرالدین شاه» و در تئاتر تهران نمایش‌های «خانواده فنا شده» و «ایده‌آل عشقی» را بازی کرد.

نمایش «بلبل سرگشته» از مشهورترین نمایش‌هایی است که او بازی کرد. کارهای سینمایی خود را با فیلم «شکار خانگی» شروع کرد و سپس در «پریچهر» و بعد در «عروس کدومه» ایفای نقش نمود.

پس از سال ۱۳۴۹ و در پی توصیهٔ پزشکان که دیگر نباید در مقابل نورافکن‌ها قرار بگیرد و عمل جراحی که بر روی چشمش صورت گرفت بینایی‌اش باز هم کاهش یافت، تنها در چند فیلم ظاهر شد و از سال ۱۳۵۱ به کلی کناره‌گیری کرد. وی در زمان فعالیت هنریش در نمایش‌های تلویزیونی و رادیویی نیز بازی کرد.

جوایزی که وی از آن خود کرده است به این شرح است: جایزهٔ هنرپیشگی از وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه (۱۳۳۲)؛ جایزهٔ بهترین بازیگر نقش دوّم، جایزهٔ سپاس تهران (۱۳۴۸)؛ دریافت لوح تقدیر از سوی خانهٔ سینما برای ارج نهادن به وی (از وی به عنوان مادر سینمای ایران یاد شد) (۱۳۷۴)؛ برندهٔ جایزه برتر در مراسم اهدای برگزیدگان هیئت داوری خانهٔ سینما از میان آثار سیزدهمین جشنوارهٔ فجر.

نمایش‌هایی که ایران دفتری در آنها ایفای نقش کرده است، عبارتند از: «شیرین و فرهاد»؛ «ایده‌آل عشقی»؛ «آخرین لحظه»؛ «نادر شاه»؛ «یک شب در حرم ناصرالدین شاه»؛ «خانوادهٔ فناشده»؛ «جان فدای وطن»؛ «خاقان می‌رقصد»؛ «آغا محمد خان قاجار»؛ «حافظ»؛ «بلبل سرگشته».

اسامی عمده فیلم‌های وی در آنها نقش بازی کرده است، به این ترتیب است: «شکار خانگی» (۱۳۳۰)؛ «پریچهر» (۱۳۳۰)؛ «خواب‌های طلایی» (۱۳۳۰)؛ «برای تو» (۱۳۳۴)؛ «مردی که رنج می‌برد» (۱۳۳۴)؛ «عروس کدومه» (۱۳۳۸)؛ «عروس دریا» (۱۳۴۴)؛ «خداحافظ تهران» (۱۳۴۵)؛

«زیر گنبد کبود» (۱۳۴۶)؛ «روزهای تاریک یک مادر» (۱۳۴۶)؛ «سر مازندران» (۱۳۴۷)؛ «قیصر» (۱۳۴۸)؛ «سکه شانس» (۱۳۴۹)؛ «قهرمانان» (مشترک با آمریکا، ۱۳۴۹)؛ «قلاب» (۱۳۵۰)؛ «ایوب» (۱۳۵۰)؛ «نانجیب» (۱۳۵۱)؛ «گذر اکبر» (۱۳۵۱)؛ «دختر چوپان»؛ «لیلی و مجنون»؛ «عشق مادر».

رخشان بنی‌اعتماد چندی پیش از مرگ دفتری فیلمی دربارهٔ زندگی‌اش می‌ساخت که بخش پایانیش مصادف شد با فوت او و تصویربرداری از مراسم تدفینش در روز شنبه چهارم آذر در قطعهٔ ۸۸ بهشت زهرا.

منابع: «ایران دفتری درگذشت»، فیلم س.۱۳، ش.۱۷۲ (دی ۱۳۷۴)، ص.۱۵. *اینجا ایران، من زن؛ یاد و نام زنان ایرانی در رشته‌های علوم انسانی و هنر*/ دکتر سهیلا شهشهانی، ژیلا هدایی، فهیمهٔ سپهر صادقیان. *فرهنگ سینمای ایران*/ حمید شعاعی، ص.۲۸۲. *فرهنگ سینمای ایران*/ جمال امید، ص.۱۰۰ ـ ۱۰۱.

نوازنده

درگذشت ۱۳۶۶

حسینقلی دفتری به تشویق استاد شاه‌جانی به موسیقی ایرانی علاقه‌مند شد. در هشت سالگی به اروپا رفت و تحصیلات خود را در آنجا ادامه داد و بعد از چند سال به ایران برگشت. نواختن ویولن را از همین زمان آغاز کرد و مدت دوازده سال روی آن کار کرد. ابتدا پیش باقرخان کمانچه‌کش تعلیم دید. بعد که پدرش والی کرمانشاه شد با علاقه‌ای که به موسیقی داشت از مختاری که در آن زمان رییس شهربانی کرمانشاه بود خواست که هر وقت به منزلشان می‌آید با وی تمرین کند. مدتی هم به این ترتیب تعلیم دید تا از کرمانشاه به تهران آمدند.

وقتی برای انجام خدمت سربازی به کردستان رفت، در آنجا با علاقه به کار موسیقی پرداخت. در آنجا برای رادیو سنندج هم آهنگ می‌ساخت.

وی به‌سبب آنکه نتوانست ویولن قدیمی خود را که ظاهراً گم شده بود، بیابد، ویولن را کنار گذاشت و به سه تار روی آورد. برای فراگیری این ساز به نزد استاد ابوالحسن صبا رفت و چند سالی نزد وی کار کرد.

از سال ۱۳۴۶ وارد تلویزیون شد و تکنوازی را با برنامه‌های یک ربعهٔ ساز تنها آغاز کرد. پس از اینکه این برنامه به مقتضای خاص برنامه‌ریزی قطع شد به رادیو رفت و در آنجا به کارش ادامه داد.

منابع: *چهره‌های موسیقی ایران*/ شاپور بهروزی، جلد اوّل، چاپ دوّم، ص.۱۱۹. فرحبخش، مهشید، «حسینقلی دفتری تکنواز پرشور و شیفتهٔ ساز»، مجلهٔ تماشا، ش.۱۱۲ (۱۰ خرداد ۱۳۵۲).

سازندهٔ ساز

تولد ۱۲۹۲، تهران.

درگذشت ۱۳۶۲.

فیض‌الله دلشاد ملقب به «استاد»، فرزند ابراهیم دلشاد سازندهٔ آلات موسیقی، بود. پدرش وی را تشویق کرد که به یادگیری موسیقی اصیل ایرانی بپردازد. فیض‌الله دلشاد، در سال‌های اوّل تأسیس رادیو که به صورت زنده پخش می‌شد، با خوانندگان زمان خود همراهی می‌کرد. وی گوشه‌گیر و دور از جنجال و شهرت و از طرفی علاقه‌مند به ساخت و تعمیر سازها بود، بیشتر فعالیت خود را صرف این هنر و صنعت کرد. او در حد توانایی خود، سازهای بسیاری ساخته است و سازهایی که از

او بـه جـای مـانده، نـزد بـهترین نـوازنـدگان و در بزرگ‌ترین موزه‌های دنیا موجود است.

منبع: *مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد سوم/* حبیب‌الله نصیری‌فر، چاپ سوم، ص. ۳۶۳ ـ ۳۶۲.

دوامی، عبدالله ۵۶۴

استاد، موسیقیدان

تولد ۱۲۷۰، یکی از روستاهای تفرش (ده طا).

درگذشت ۲۰ دی ۱۳۵۹.

عبدالله دوامی کودکی خود را در روستای ده‌طا سپری کرد و دروس اولیه و قرآن را در هـمان روسـتا فـرا گرفت. پس از طی دورهٔ کودکی به تهران آمد و در مدرسهٔ تـربیت، صـرف و نـحو را آمـوخت. در ایـن مدرسه با رکن‌الدین مختاری هم‌کلاس بود. پس از اتـمام دوران تـحصیل، ابـتدا در خـدمت ادارهٔ پست درآمد (مدت هفت سال در آنجا ماند) و سـپس بـه ادارهٔ مالیه رفت و تا زمان بازنشستگی در این اداره خدمت نمود.

برای نخستین بـار لطـف‌الله مـجد مشـهور بـه مجدالملک وی را تشویق به آموختن آواز نمود. اوّلین مشق خود را که دستگاه «شور» بـود نـزد عـلی‌خان نایب‌السلطنه آغاز می‌کند و مـدت‌ها از مـحضر وی استفاده کرد و ردیف راست پنجگاه را که در آن زمان بین خوانندگان تنها علی‌خان می‌دانست مشق کـرد. کم‌کم با اساتید دیگر موسیقی آشنا شد و به ترتیب نزد میرزا حسینقلی‌خان، حسین خـان کـمانچه‌کش، درویش خان، ملک‌الذاکرین و میرزا عبدالله نکاتی را آموخت. پیش از انقلاب مشروطیت برای شناساندن موسیقی اصیل و سنتی ایران و برای حفظ و حراست و اشاعهٔ آن قرار شد که بـه اتـفاق اقـبال‌السـلطان، باقرخان کـمانچه‌کش و مشـیر هـمایون شـهردار و عده‌ای دیگر برای ضبط صفحه به برلین بروند ولی به واسطه جنگ جهان اوّل وقفه‌ایی در این مسافرت هنری پیش آمد که اجباراً به جای برلین به تفلیس و قفقاز رفتند و تصمیم خود را در آنجا عملی کردند.

اسـتاد عـبدالله دوامـی از فـروردین مـاه ۱۳۳۴ همکاری خود را با سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران و مرکز حفظ و اشاعهٔ موسیقی سنتی ایران شروع کرد که به واسطهٔ کبر سن شاگردان را در مـنزل تـعلیم می‌داد. گفته می‌شود از شاگردان استاد دوامی، شاپور حاتمی (خواهر زاده‌اش)، پرویز مشکاتیان، داریـوش طلایی و ...هستند و استادانی چون: نورعلی برومند و محمد مجرد ایرانی نزد دوامی پاره‌یی از تصانیف را آموخته‌اند. استاد دوامی در مدرسهٔ شـبانهٔ مـوسیقی ادارهٔ هنرهای زیبا نیز تدریس آواز می‌نمود.

استاد عبدالله دوامی در بیستم دی ۱۳۵۹ دیده از جهان فرو پوشید.

منابع: *چهره‌های موسیقی ایران/* شاپور بهروزی، جلد اوّل، چاپ دوّم، ص. ۳۶۰. *مردان موسیقی سنتی و نوین ایـران، جـلد اوّل/* حـبیب‌الله نـصیری‌فر، ص.۴۳۹ ـ ۴۴۰. *نـام‌نامهٔ مـوسیقی ایـران زمـین، جـلد سـوم/* مـهدی سـتایشگر، ص. ۲۲۹ ـ ۲۳۱.

دهقان سنگستانی، قاسم ۵۶۵

بازیگر

تولد ۱۳۳۷.

درگذشت ۱۴ شهریور ۱۳۷۴، یزد.

قاسم دهقان سنگستانی، طراح صحنه، مشاور نظامی و بازیگر مجموعهٔ تلویزیونی «قـطعه‌ای از بـهشت» چـهاردهم شـهریور ۱۳۷۴ در یـزد، حـین بـازی در آخرین نمایش بر اثر انفجار مین درگذشت. دهـقان یکی از سه سـرباز گـارد پـادگان قـصر بـود کـه روز هفدهم شهریور ۱۳۵۷، برای تن نـدادن بـه کشـتار

مردم در خیابان، با سلاح خود فرار کردند و یکی از آنها به شهادت رسید. امیر قویدل فیلم «خونبارش» را براساس این ماجرا در سال ۱۳۵۹ ساخت که دهقان در نقش خودش ظاهر شد. او با آغاز جنگ، به جبهه‌های جنگ رفت و با تشکیل گروه «روایت فتح» از اوّلین کسانی بود که همراه با سید مرتضی آوینی و دیگران به ثبت وقایع جنگ پرداخت. دهقان به دلیل آشنایی با مناطق جنگی به کسانی که برای ثبت تصویر به جبهه‌ها می‌آمدند کمک می‌کرد و بارها همراه با گروه‌های مختلف به مناطق جنگی اعزام شد.

منبع: «یکی دیگر از آن سه تن...»، فیلم، س. ۱۳، ش. ۱۷۸، (مهر ۱۳۷۴)، ص. ۱۱.

رائض، احمد ۵۶۶

نگارگر

تولد ۱۲۹۸، اصفهان.

درگذشت ۱۳۷۲.

احمد رائض از دوازده سالگی به آموختن نقاشی و تذهیب و مینیاتور پرداخت. او مدت‌ها نزد استادان هنر تذهیب و تشعیر و مینا و مینیاتور، نظیر میرزا رضا اسلامی و روحانی کار کرده بود و توشه اندوخته بود.

در اوان جوانی در کارگاه مینیاتور و مینای سازمان میراث فرهنگی مشغول به کار شد و بعد از سی سال خلق آثار که در موزه‌های ملی نگهداری می‌شوند بازنشسته شد. وی سال‌ها سرپرستی این کارگاه را به عهده داشت.

وی موضوع مینیاتورهای خود را از خمسه نظامی انتخاب می‌کرد و یکی از آثار وی تابلو مینیاتور «۱۴۵ چهره» بود که در موزهٔ سوییس نگهداری می‌شود.

منابع: «استاد احمد رائض هنرمند مینیاتوریست درگذشت»، کیهان (۲۱ مرداد ۱۳۷۲)، ص. ۲. کیهان فرهنگی ویژهٔ صدمین شماره. کیهان فرهنگی س. ۲، ش. ۱، (فروردین ۱۳۶۴).

رخساز، علی ۵۶۷

نقاش

تولد ۱۲۸۰، تهران.

درگذشت ۲۶ آذر ۱۳۶۸، تهران، یوسف‌آباد.

علی رخساز، فرزند میرزا غلامرضا میناساز، در دوازده سالگی راهی مدرسهٔ صنایع مستظرفه شد. در آنجا سال‌ها در محضر کمال‌الملک به فراگیری هنر نقاشی (رنگ و روغن) مشغول بود و پس از آن نیز به انتقال آموخته‌های خود به علاقه‌مندان پرداخت. او صاحب آثاری در زمینهٔ رنگ روغن و سنگ است که برخی از آنها آذین موزه‌های داخل و خارج از کشور است. وی نقش‌پرداز حماسه‌های شاهنامه و مبتکر «تابلو سنگ» است. از جمله آثار وی تابلو «شکارچی» بود. از آثار دیگر اوست: تابلو سنگ «آسیاب دولاب»؛ «باغ سعدی»؛ «گاو بالدار»؛ «امامزاده قاسم»؛ «خیام» (این تابلو سنگ در نمایشگاه جهانی بروکسل مدال طلا و دیپلم افتخار را از آن خود ساخت).

منبع: «درگذشت استاد علی رخساز»، کیهان فرهنگی، س. ۶ ش. ۱۰ (دی ۱۳۶۸)، ص. ۶۴.

رشتیان، جعفر ۵۶۸

نگارگر، مدرس، رسام

تولد ۱۳۰۴، اصفهان.

درگذشت تیر ۱۳۶۷، اصفهان.

سید جعفر رشتیان نزد دایی‌های خود و نیز دایی مادرش به فراگیری هنر نقاشی پرداخت. سابقهٔ نقاشی و طراحی در خاندانش به چهار صد سال تا

عصر صفوی می‌رسد. وی در زمینه‌های مینیاتورسازی، نقاشی طبیعت و معماری سنتی نظیر طرح و اجرای مقرنس گنبدها کار کرده‌است. یکی از نمونه‌های آثارش در زمینهٔ معماری سنتی، طرح و اجرای گنبد و صحن امامزاده‌ای است موسوم به آقاعلی عباس واقع در شهر نطنز که امور معماری آن زیر نظر وی انجام پذیرفت. کار دیگر وی طراحی داخلی هتل عباسی شهر اصفهان است. اولین نمایشگاه آثار او در اصفهان شکل گرفت. آثار وی همچنین به صورت گروهی بارها در موزهٔ هنرهای معاصر به نمایش در آمد. آخرین نمایشگاه وی، هم‌زمان با دههٔ فجر ۱۳۶۶ بود که قالی «ثارالله» در تالار وحدت به نمایش گذاشته شد. قالی «ثارالله» اثری است برجسته از استاد رشتیان که در حاشیهٔ فرش، نمایی از شهرهای بزرگ مذهبی مسلمانان به چشم می‌خورد و در میان فرش، عبارت «ان الحسین مصباح الهدی و سفینة النجاة» نقش بسته است.

سید جعفر رشتیان در سال ۱۳۷۶ به علت سرطان حنجره در اصفهان درگذشت.

منابع: «درگذشت استاد سید جعفر رشتیان»، کیهان فرهنگی، س. ۵، ش. ۴ (تیر ۱۳۶۷)، ص. ۵۵. *طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش* / شیرین صور اسرافیل، ص. ۲۵۹ ـ ۲۶۴.

روح‌انگیز، قدرت　　۵۶۸/۱

خواننده

تولد ۱۲۸۳، شیراز.

درگذشت ۱۳۶۳.

قدرت یا بتول عباسی معروف به روح‌انگیز (نام انتخابی وزیری و حسین سنجری برای او که در ضبطها و مواقع لازم از آن نام استفاده می‌شد) از مکتب آواز وزیری و تعلیم ابوالحسن صبا، مرتضی نی‌داود، مرتضی محجوبی، حسین سنجری درس گرفت. وی با کمک حسین سنجری به هنرستان موسیقی رفت و هفت سال شاگرد مدرسهٔ موسیقی بود. بعد به مدرسهٔ دیگری که پرویز ایرانپور در چهار راه حسن‌آباد برپا کرده بود، رفت. در این مدرسه مجید وفادار و مهدی مفتاح نیز فعالیت داشتند که با همکاریشان صفحه پر می‌کرد.

زمانی که رادیو افتتاح شد در شیراز بود. وقتی به تهران بازگشت با کمک حسین تهرانی به رادیو راه یافت. بعدها با ابراهیم سرخوش همکاری نمود.

روح‌انگیز در سال ۱۳۶۳ درگذشت.

منابع: چهره‌های موسیقی ایران / شاپور بهروزی. جلد اوّل، ص. ۵۱۶-۵۲۱. *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین* / مهدی ستایشگر، جلد سوم، ص. ۲۴۷.

روحبخش عینی، جعفر　　۵۶۹

نقاش

تولد ۱۳۱۷، تهران.[۱]

درگذشت ۸ اردیبهشت ۱۳۷۵، تهران.

جعفر روحبخش عینی در کودکی و نوجوانی به هنر علاقه‌مند شد و به همین سبب، جهت‌گیری تحصیلی‌اش به سمت رشته‌های هنری سوق داده شد و پس از طی یک دورهٔ ابتدایی تحصیلی و سال‌های اولیه دبیرستان، به هنرستان هنرهای زیبای پسران تهران وارد شد و در سال ۱۳۳۹ با دریافت مدرک دیپلم به دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران راه یافت. در سال ۱۳۴۶ از بخش هنرهای تزئینی دانشکدهٔ هنرهای زیبا در رشتهٔ نقاشی تزیینی و معماری داخلی با درجهٔ لیسانس

۱. در مقالهٔ آقای مرتضی کاخی آمده بود که وی متولد ۱۳۱۹ در خراسان است.

فارغ‌التحصیل شد و سپس برای ادامهٔ تحصیل در همان رشتهٔ آن دانشکده اقدام نمود و در سال ۱۳۴۸ به دریافت درجهٔ فوق‌لیسانس نایل آمد. فعالیت هنری ـ نمایشگاهی وی به‌صورت گروهی در تالار رضا عباسی و تالار فرهنگ آغاز شد و در سال ۱۳۴۳ نخستین نمایشگاه انفرادی خویش را برگزار نمود و تا ابتدای سال ۱۳۷۵ در بیش از چهل نمایشگاه معتبر داخلی و خارجی به صورت انفرادی، اختصاصی و گروهی از تهران تا مادرید، برن، ژنو، زوریخ و پاریس شرکت جست.

روحبخش در سال ۱۳۷۱ با خطر از دست دادن بینایی مواجه شد و عمل جراحی پیوند قرنیه با عدم موفقیت روبرو شد و او مجبور به اقامت طولانی تحت نظر پزشک معالج در سوییس شد، اما علی‌رغم مشکل جدی بینایی، در این دوره نیز به مطالعه و خلق آثار همت گماشت؛ وی پیوسته در نمایشگاه‌هایی که در سوییس برگزار می‌شد شرکت می‌کرد. آخرین نمایشگاه وی در اواخر سال ۱۳۷۴ و اوایل سال ۱۳۷۵ در برن بود و برای سال ۱۳۷۵ نیز از ایشان دعوت شده بود تا در نمایشگاه‌هایی از جمله مونترال کانادا، نیویورک و موزهٔ آلبرت ویکتوریا در لندن شرکت نماید که از این پس نمایشگاه‌ها بدون حضور وی برگزار خواهد شد. روحبخش استاد رشته‌های طراحی، نقاشی و چاپ در دانشگاه هنر بود و در طول چهل سال فعالیت هنری و آموزشی شاگردانی را تعلیم داد. وی با الهام از نقوش و هنرهای سنتی ایرانی آثار متنوعی را به وجود آورده است. وی همچنین هنر خویش را علاوه بر نقاشی محض در رشته‌های مختلفی چون: نقش برجسته بر روی مس، مجسمه، نقاشی دیواری، نقاشی با شیشه رنگی و لیتوگرافی وسعت بخشید که تعدادی از این آثار در مجموعه موزه‌ها و مجموعه‌های معتبر جهان نگهداری می‌شود. نمایشگاه‌های جمعی و انفرادی استاد روحبخش به شرح زیر است: شرکت در دو نمایشگاه گروهی در تالار رضاعباسی و تالار فرهنگ (۱۳۳۸)؛ نخستین نمایشگاه انفرادی (۱۳۴۳)؛ نمایشگاه اختصاصی در سالن تلویزیون و دانشکدهٔ هنرهای تزئینی (۱۳۴۵)؛ شرکت در دو سالانهٔ پاریس (۱۳۴۶)؛ نمایشگاه انفرادی در گالری بروجنی (۱۳۴۷)؛ شرکت در دوسالانهٔ تهران (۱۳۴۸)؛ نمایشگاه انفرادی در گالری نگار (۱۳۴۹)؛ نمایشگاه در گالری مس (۱۳۵۰)؛ موزهٔ ایران باستان (۱۳۵۱ تا ۱۳۵۳)؛ نمایشگاه اختصاصی گالری لوترک و گالری تهران (۱۳۵۲)؛ نمایشگاه در گراند پ[illegible] پاریس (۱۳۵۳)؛ نمایشگاه به همراه آثار لیتوگرافی در بنیادمگ ـ پاریس (۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵)؛ شرکت در نمایشگاه گروه آسیایی (۱۳۵۴)؛ نمایشگاه اختصاصی در گالری سیروس ـ پاریس (۱۳۵۴)؛ نمایشگاه اختصاصی در گالری بل شازه ـ پاریس (۱۳۵۵)؛ نمایشگاه اختصاصی در گالری روجونگرو ـ مادرید (۱۳۵۵)؛ نمایشگاه در گالری شهر (۱۳۵۷)؛ نمایشگاه در لیتوگالری (۱۳۵۹)؛ نمایشگاه اختصاصی در محل انتشارات کتاب‌سرا (۱۳۶۱)؛ نمایشگاه در موزهٔ هنرهای معاصر (۱۳۶۳)؛ نمایشگاه انفرادی در گالری سیحون (۱۳۶۵)؛ نمایشگاه اختصاصی در محل نشر نقره (۱۳۶۸)؛ نمایشگاه انفرادی در گالری نگار (۱۳۶۹)؛ نمایشگاه در ب.و.لوف بانک آلمان (۱۳۷۰)؛ نمایشگاه در مونترو (۱۳۷۱)؛ شرکت هرساله (۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵) در نمایشگاه بزرگ بین‌المللی «اوروآفت» و نمایشگاه اختصاصی هر ساله (تا ۱۳۷۴) در سالن آنیکه لوزان؛ نمایشگاه اختصاصی در «آوشتات گالری» (گالری شهر برن) (۱۳۷۲)؛ نمایشگاه اختصاصی در گالری اقوم ـ نیون (۱۳۷۳)؛ نمایشگاه اختصاصی در برن (۱۳۷۴)؛ شرکت در نمایشگاه جمعی در برن، سوییس (تا ابتدای سال ۱۳۷۵).

جعفر روحبخش عینی به سبب سکتهٔ قلبی درگذشت و کالبد وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ مخصوص هنرمندان و نویسندگان به خاک سپرده شد.

منابع: خویی، اسماعیل، «گفت و گویی با جعفر روحبخش، نقاش جوان و اشاره به نمایشگاه آثار او»، نگین، دورهٔ ۶، ش.۶۴ (شهریور ۱۳۴۹)، ص.۱۷ ـ ۶۳. کاواتی، سیما، «حیرانی از زیبایی طبیعت گسترده»، رستاخیر، ش.۸۳۴ (۱۵ بهمن ۲۵۳۶=۱۳۵۶)، ص.۷. بینا، «حال و هوایی ذهنی‌تر از میناتور»، رستاخیز، ش.۵۸۳ (۲۰ فروردین ۲۵۳۶=۱۳۵۶)، ص.۷. «آثار روحبخش، تجسم صمیمیت و مهربانی»، هنرهای تجسمی، خبرنامهٔ انجمن هنرهای تجسمی، دورهٔ دوم، ش.۵ (تیر ۱۳۷۵)، ص.۱ ـ ۲. کاخی، مرتضی، «شاعر لحظه‌های رنگین رفت»، آدینه، ش.۱۱۰ (خرداد ۱۳۷۵)، ص.۵۷.

رهگذار، کیهان ۵۷۰

نویسنده، کارگردان

تولد ۱۳۲۶، تهران.

درگذشت اواسط اردیبهشت ۱۳۷۲، دانمارک.

کیهان رهگذار فارغ‌التحصیل تئاتر از دانشکدهٔ هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود. وی بازی در تئاتر را از سال ۱۳۴۸ آغاز کرد؛ نمایش‌های عمده عبارتند از: «صدای شکستن»؛ «اودیپوس شهریار»؛ «آدم آدم است». از سال ۱۳۵۵ با کارگردانی و نوشتن نمایش‌های کودکان و مجموعهٔ «شهر من شیراز» با همکاری شاهرخ ذوالریاستین فعالیت خود را در تلویزیون آغاز کرد. وی علاوه بر همکاری در نگارش فیلمنامهٔ «سفیر» و نوشتن فیلمنامهٔ مجموعهٔ تلویزیونی «سربداران» (۱۳۶۲)، مجموعهٔ «ابن‌سینا» (۱۳۶۵) (از این مجموعه یک فیلم بلند سینمایی به نام «بوعلی سینا» در سال ۱۳۶۶ ساخته شده است) را نیز نوشت و کارگردانی کرد که از آن یک فیلم سینمایی نیز تدوین شده است.

کیهان رهگذار به علت سکتهٔ قلبی در دانمارک درگذشت.

منابع: «کیهان رهگذار درگذشت»، فیلم، ش.۱۴۲ (خرداد ۱۳۷۲)، ص.۲۴. *فرهنگ سینمای ایران* / جمال امید، ص.۱۱۹.

رهنورد، پرویز ۵۷۱

بازیگر

درگذشت ۱۷ آذر ۱۳۶۷.

پرویز رهنورد بازیگری را در جامعهٔ باربد و زیر نظر اسماعیل مهرتاش فراگرفت و در سال‌های بین ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۰ در بیشتر نمایش‌های این تماشاخانه نقش‌های اوّل را بر عهده داشت. رهنورد از این طریق به سینما نیز راه یافت و از جمله فیلم‌هایی که در آنها ایفای نقش کرده است می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: «روز گمشده» (۱۳۳۸، رضا زندی‌نژاد) و «پستچی» (۱۳۴۰ رفیع حالتی). او خیلی زود کار بازیگری را رها کرد و به کار مدیریت تئاتر جامعهٔ باربد و سینمانداری پرداخت و سینمانداری را تا روزهای آخر عمر خود ادامه داد.

پرویز رهنمود بر اثر سکته قلبی درگذشت.

منبع: «مرگ یک بازیگر، پرویز رهنورد»، ماهنامهٔ سینمایی فیلم، س.۷، ش.۷۳ (بهمن ۱۳۶۷)، ص.۶.

ری‌پور، بهرام ۵۷۱/۱

فیلم‌ساز، مترجم، محقق

تولد مرداد ۱۳۱۵، تهران.

درگذشت دی ۱۳۷۵.

بهرام ری‌پور فارغ‌التحصیل دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه

تهران است. از دوران دانشجویی همکاری خود را با مطبوعات با نوشتن مقالات یا ترجمهٔ مطالب سینمایی آغاز نمود. پیشهٔ سینمایی خود را با ساختن فیلم‌های کوتاه برای وزارت فرهنگ و هنر آغاز نمود. در سال ۱۳۴۶ وارد عرصهٔ کار حرفه‌ای شد.

از جمله آثار ترجمهٔ اوست: ***خال گلی*** (تنسی ویلیامز)؛ ***دستور زبان سینما*** (ژوزه روژر، ۱۳۵۱)؛ ***جذابیت پنهان بورژوازی*** (لوئیس بونوئل؛ ژان کلود کاریر، ۱۳۵۲)؛ ***شبح آزادی*** (لوئیس بونوئل، ۱۳۵۴)؛ ***راهنمای فیلم‌سازی*** (سامنر گلیمچر؛ وارن جانسون، ۱۳۶۲)؛ ***شرق بهشت*** (پل آزبرن، ۱۳۷۵). از جمله آثار ویراستاری و تدوین و تألیف وی عبارتند از: ***صد فیلم*** (مؤلف، ۱۳۶۳)؛ ***آموزش متحرک‌سازی*** (کیت لیبرن، ترجمه مهدی ضوابطی، ویراستار، ۱۳۶۴)؛ ***فرهنگ فیلم‌نگاری*** (یون کارتنبرگ، ترجمه و تدوین با همکاری، ۱۳۶۵)؛ Iranian Cinema (1985-1988) (ویرایش، با همکاری، ۱۳۶۷)؛ ***تکنیک سینما*** (ال برنارد هیه، ترجمهٔ غلامرضا طباطبایی، ویراستار، با همکاری، ۱۳۶۸)؛ ***فیلم‌های ۱۳۶۸*** (گردآوری، ۱۳۶۸)؛ ***فیلم‌های ۱۳۶۹*** (گردآوری، ۱۳۶۹).

علاوه بر فیلم‌های مستند و فیلم‌های کوتاه داستانی، در فیلم‌های بلند داستانی به‌عنوان بازیگر، دستیار کارگردان، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس فعالیت کرده است. از جمله فیلم‌های آخر او می‌توان به «پرتگاه» (کارگردان، ۱۳۷۳)؛ «فاتح» (کارگردان، ۱۳۷۵) اشاره نمود.

پیکر بهرام ری‌پور در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

منابع: خسروشاهی، جلال، «تا فانوس خیال می‌چرخد...»، کلک، ش. ۸۳ــ ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص. ۶۲۹ــ ۶۳۱؛ «بهرام ری‌پور، ماهنامهٔ تصویر، س. ۴، ش. ۲۴ (اسفند ۱۳۷۵)، ص. ۱۷.

نگارگر، تذهیب‌نگار قرآن

تولد ۱۲۹۱، تهران.

درگذشت ۱۱ تیر ۱۳۶۹، تهران.

محمد علی اسماعیل زاویه پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در سال ۱۳۰۸ به هنرستان صنایع مستظرفه رفت (بعدها این هنرستان، کمال‌الملک خوانده می‌شد) و رشتهٔ مینیاتور و تذهیب را برای آموزش برگزید. پس از چندی در سال ۱۳۱۹ در رشتهٔ مینیاتور با درجهٔ ممتاز فارغ‌التحصیل شد. وی در همین رشته در مدت شصت سال کار بیش از دو هزار عکس، نقاشی و تذهیب ساخته است. استاد زاویه چگونگی و ساخت رنگ‌های طبیعی کارهای خود را مرهون دو استاد خود هادی تجویدی در مینیاتور و علی درودی در تذهیب می‌داند. استاد یکی از سرآمدان تذهیب نگار کلام‌الله مجید است و در این زمینه کار کرده است و چندین قرآن را تذهیب نموده است. وی در تذهیب شیوه‌ای خاص داشت و از رنگ‌هایی خاص استفاده می‌کرد.

وی در بین سال‌های ۱۳۲۶ ــ ۱۳۲۷ ریاست موزهٔ هنرهای ملی را برعهده گرفت و در همین دوران به منظور برگزاری نمایشگاه‌های متعدد به خارج از کشور سفر کرد و در این فرصت از اکثر موزه‌های بزرگ جهان دیدار به عمل آورد و موفق به اخذ مدال طلا در رشتهٔ مینیاتور از نمایشگاه بین‌المللی بروکسل و نشان هنر از وزارت فرهنگ و هنر و دیپلم «گراندپری» شد. وی در سال ۱۳۳۹ بازنشسته گردید و در کارگاه شخصی خود به انجام کارهای هنری پرداخت. از آثار برجسته او می‌توان «خسرو و شیرین»؛ «نمایی از قصر سلیمان»؛ «هفت گنبد بهرام»؛ «چوگان بازی هنرمندان در دربار شاه عباس» را نام برد. آثار این نقاش در موزهٔ هنرهای

ملی حفظ می‌شود.

استاد زاویه در ۱۱ تیر ۱۳۶۹ بـه عـلت سکـتهٔ مغزی درگذشت.

منابع: «یادی از محمد علی زاویه»، روزنامهٔ ابـرار (۱۶ مـرداد ۱۳۶۹). کـیهان فـرهنگی، س. ۲، ش. ۳ (خـردادمـاه ۱۳۶۴)، ص. ۴۸. «مـحمد عـلی زاویـه، مـینیاتورپرداز»، نشـر دانش، س. ۱۰، ش. ۵ (مـرداد و شـهریور ۱۳۶۹)، ص. ۱۰۴. *شـیوهٔ تذهیب* / اردشیر مجرد تاکستانی، ص. ۱۹۶. تیمائی، فریدون، «آشنایی با محمد علی زاویـه»، هـنر و مـردم، دورهٔ ۲، ش. ۱۳ (آبان ۱۳۴۲)، ص. ۱۰ ـ ۱۳. کـوشش، مـنوچهر، «دیـداری بـا زاویه»، علم و زندگی، دورهٔ ۱، ش. ۷ (شهریور ۱۳۳۱)، ص. ۶۴۷ و ۶۶۷ *طراحان بزرگ فرش ایران*، *سیری در مراحل تحول طراحی فرش* / شیرین صور اسرافیل، ص. ۴۴۷.

بازیگر

تولد ۱۲۹۴ در شیراز.

درگذشت ۱۵ آبان ۱۳۷۰، تهران.

عطاءالله زاهد شیرازی در سال ۱۳۱۹ کلاس‌های موسیقی تعلیم آواز را گذراند. سپس دورهٔ هنرپیشگی را پشت سر گذاشت. پس از آن مدتی اخبار عربی رادیو را به سبب آشنایی با زبان عربی قرائت می‌کرد. سپس وارد دانشسرای عالی دارالمعلیمن تهران شد و پس از آن از رشـتهٔ ادبـیات دانشگـاه تـهران فارغ‌التحصیل شد.

پدرش از تحصیل‌کرده‌های دارالفنون بود و با موسیقی آشنایی داشت. ایـن امـر مـوجب شـد تـا نـخستین بـار در خـردسالی در نـمایش «رسـتاخیز سلاطین» (۱۳۰۴) که موسیقی آن کار پـدرش بـود بازی کند. پس از آن و در کنار تحصیل، از جمله در نمایش‌های «سرباز وطن» و «مدرسهٔ قدیم و مدرسهٔ جدید» بازی کرد. آشنایی‌اش با سینما و سابقهٔ بازی در تئاتر موجب شد تا در سالن سینمای مـحمدخان (پسرعموی پدرش) به عنوان ناطق سینما (دیلماج) متن فیلم‌ها را با صدای بلند برای تماشاگران بخواند. با سکونت در تهرانِ دههٔ بیست بـرای تـحصیل در دارالمعلمین، شروع به فعالیت سیاسی کرد و از جمله بـا مـجله‌های «تـئاتر»، «نـمایش» و روزنـامه‌های «پشـتکار»، «سـنگر» و «دوسـتی مـلت» هـمکاری داشت. آشنایی‌اش با عبدالحسین نوشین سرپرست تئاتر فرهنگ و از پیشکسوتان تئاتر در ایران موجب شد تـا بـازی در تـئاتر را جـدی‌تر بگـیرد. از دیگـر نمایش‌هایی که زاهد در آنها بازی کرد باید به ایـن عنوان‌ها اشاره کرد: «خسیس»؛ «محمد علی بیک»؛ «شاه صفی»؛ «بارگاه مـعاویه»؛ «دخـتر شکـلاتی»؛ «تاجر ونیزی»؛ «دزدان اجـتماع»؛ «کـارمند دولت» و... سپس مدتی به خارج از کشـور رفت و در سـال ۱۳۲۷ به ایران بازگشت. همکاری‌اش را با مـؤسسهٔ «ایران نوفیلم» در زمـینهٔ آمـوزش فـن بـیان بـرای صداپیشگی و امور فنی سینما به علاقه‌مندان آغـاز کرد. در سـال ۱۳۲۸ فـیلم «مـرا بـبخش» را صـدا گذاشت، اوّلین فیلمی که در ایران صدابرگردان شد. در همین سال، استودیو «آریـانا فـیلم» را بـا احـمد شیرازی، مهدی امیر قـاسم‌خانی و چـند تـن دیگـر تأسیس کرد و اولین فیلم رنگی خارجـی را بـه نـام «آهنگ شهرزاد» صدابرگردان نمود. در سال ۱۳۳۵ با کارگردانی «بازگشت به زندگی» به فیلم‌سازی روی آورد، اما پس از ساخت سه فیلم و در حالی که فیلم «مـردم از خـوشی» را در حـال فـیلم‌برداری داشت جلوی فعالیت هنری‌اش گرفته شد. زاهد از مؤسسان حسینیهٔ ارشاد بود و مدتی در آن جا کلاس‌های تئاتر و سینما را اداره می‌کرد. همچنین در دههٔ چهل دبیر اتحادیهٔ تهیه‌کنندگان و رییس و سخنگوی اتحادیهٔ بـازیگران بـود. پس از انـقلاب اسـلامی، فـعالیت سینمایی را پس از یک وقفهٔ طولانی از سرگرفت و

به بازیگری روی آورد. وی از بنیانگذاران انجمن هنرمندان طی این سال‌ها بود. از جمله فیلم‌های وی می‌توان این موارد را ذکر کرد: «بوسهٔ مادر» (فقط نویسنده و کارگردان، ۱۳۳۵)؛ «بازگشت به زندگی» (فقط نویسنده و کارگردان، ۱۳۳۶)؛ «چشم به راه» (کارگردان، نویسنده و مشارکت در تهیه با اکبر دهقان، بازیگر ۱۳۳۷)؛ «راهی به سوی خدا» (بازیگر، به نمایش در نیامد، ۱۳۵۹)؛ «مادیان» (بازیگر، ۱۳۶۴)؛ «سمندر» (بازیگر، ۱۳۶۴)؛ «شیر سنگی» (بازیگر، ۱۳۶۵)؛ «لوحه صفورا» (کوتاه ۱۳۶۵)؛ «طلسم» (۱۳۶۵)؛ «اتاق شمارهٔ یک» (۱۳۶۵)؛ «ماهی» (۱۳۶۷)؛ «در مسیر تندباد» (۱۳۶۷)؛ «برهوت» (۱۳۶۷)؛ «دوران سربی» (۱۳۶۷)؛ «رانده شده» (۱۳۶۸)؛ «آخرین مهلت» (۱۳۶۸)؛ «عبور از غبار» (۱۳۶۸)؛ «عروس حلبچه» (۱۳۶۹)؛ «مدرسهٔ پیرمردها» (۱۳۶۹)؛ «دلشدگان» (۱۳۷۰)؛ مجموعه‌های تلویزیونی: «هزار دستان» (۱۳۵۸ ــ ۱۳۶۶)؛ «طالب» (۱۳۶۳)؛ «سربداران» (۱۳۶۳)؛ «بوعلی سینا» (۱۳۶۵).

زاهد شیرازی بر اثر سکتهٔ قلبی درگذشت.

منابع: کیهان فرهنگی، س. ۸، ش. ۶ (آذر ۱۳۷۰)، ص. ۵۷. باباگلی، محمد رضا، «فرهنگ کوچک بازیگران ایران»، فیلم، ش. ۱۸۸، ص. ۱۰۴. ***فرهنگ سینمای ایران*** / جمال امید، ص. ۱۲۳.

۵۷۴ زرین‌پنجه، نصرالله

نوازنده

تولد ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت ۲۵ آذر ۱۳۶۰، تهران.

نصرالله زرین‌پنجه از کودکی با موسیقی مأنوس شد. در سیزده سالگی به شاگردی میرزا ربیع برای فراگیری تار رفت. بعدها وارد خدمت موسیقی نظام شد. سپس نزد حسین خان هنگ‌آفرین و موسی معروفی رفت و از محضر این دو نفر نیز بهره گرفت و نکات بسیاری آموخت. بعدها از خدمت موسیقی ارتش استعفا داد. زرین‌پنجه رفته رفته در سه تار و عود و ترمپت دستی یافت ولی با این همه چون از روزگار نخست به تار علاقهٔ بیشتری داشت آن را ساز تخصصی خود قرار داد و شب و روز وقت خود را صرف تکمیل آن نمود تا آنجا که «زرین پنجه» لقب گرفت. چندی از مرتضی نی‌داود و یحیی زرپنجه و علی اکبر شهنازی تعلیم گرفت. تا اینکه با موسی معروفی آشنا شد و از ردیف‌های ایشان استفاده برد.

نصرالله زرین‌پنجه در سال ۱۳۱۳ از موسیقی دلسرد شد و تار را کنار گذاشت و به خدمت دولت درآمد و در وزارت دارایی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۲۰ که در هنرستان موسیقی کلاس‌هایی تأسیس شد، دوباره شوقی یافت و در آن کلاس از حسین سنجری تعلیماتی گرفت. هنگامی که ارکستر انجمن موسیقی ملی تشکیل شد، از اوّلین نوازندگانی بود که در این ارکستر شرکت کرد. بعدها بر اثر تشویق روح‌الله خالقی از وزارت دارایی به فرهنگ انتقال یافت و دوباره به موسیقی پرداخت.

نصرالله زرین‌پنجه از سال ۱۳۲۲ در رادیو به کار نوازندگی پرداخت و با ارکسترهای مختلفی کار کرد و مدتی هم رهبری ارکستر شمارهٔ یک رادیو (ارکستر سازهای ایرانی) را به عهده داشت و در هنرستان موسیقی ملی هم معلم تار و سه‌تار بوده است. زرین‌پنجه، در دوران فعالیت هنری خود حدود پنجاه آهنگ ساخت. وی همچنین اتودهایی برای تار نوشته که به چاپ رسیده است (دو جلد).

*منابع: **مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد اوّل*** / حبیب‌الله نصیری‌فر، ص. ۷۱ ــ ۷۳. ***چهره‌های موسیقی ایران*** / شاپور بهروزی، جلد اوّل، چاپ دوم. ص. ۸۸-۹۰.

۵۷۵ زرین‌خط، غلامرضا

خوشنویس

تولد ۱۲۸۷، سیرجان.

درگذشت ۲۷ آذر ۱۳۶۴، سیرجان.

غلامرضا زرین‌خط در کودکی پدر خود را از دست داد. تحصیلات قدیم و جدید را در سیرجان به پایان رساند. سپس به عنوان معلم خط، قرآن، تعلیمات دینی و ادبیات فارسی، به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و مدت ۳۸ سال در دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و مدارس شبانه سیرجان به تدریس پرداخت.

وی به فعالیت مطبوعاتی نیز می‌پرداخت و نمایندگی و خبرنگاری چندین روزنامه و مجله را در سیرجان به عهده داشت. از استاد زرین‌خط، آثار بسیاری در انواع خطوط برجای مانده است.

منابع: «زرین‌خط، استاد هنرمند سیرجانی درگذشت»، کیهان فرهنگی، س.۲، ش.۱۱ (بهمن ۱۳۷۴)، ص.۳۸. «غلامرضا زرین‌خط»، آینده، س.۱۲، ص.۱۲۱.

۵۷۶ زیباکناری، علی

خواننده، آهنگساز

تولد ۱۳۲۲.

درگذشت ۱۱ تیر ۱۳۷۰.

علی زیباکناری از کودکی به موسیقی علاقه داشت و در روستای زادگاه خود زیباکنار نخستین زمزمه‌های هنری را تمرین کرد. در سال ۱۳۴۴ از آزمون خوانندگی که در تهران برگزار شد موفق گردید و در همان سال نخستین ترانه‌اش از رادیو پخش شد. پس از آن به استخدام فرهنگ و هنر گیلان در آمد و با گروه‌های موسیقی این اداره و همچنین رادیو و تلویزیون مرکز رشت همکاری مستمر داشت. زیباکناری در طول عمر کوتاه خود بیش از سی ترانه اجرا کرده است و برای برخی خوانندگان دیگر آهنگ ساخته است.

وی علاوه بر موسیقی، در شعر گیلکی نیز دست داشت. زندگی ادبی علی زیباکناری از روزنامهٔ گیلکی زبان «دامون» شروع شد که در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ در رشت چاپ و منتشر می‌گردید. اشعار گیلکی او اغلب در شماره‌های «دامون» به چاپ می‌رسید.

زیباکناری سال‌ها کتابدار کتابخانه‌های رشت و این اواخر سرپرست موزهٔ رشت بود. برای پا گرفتن واحد مردم‌شناسی در سازمان میراث فرهنگی گیلان قدم‌هایی برداشت. حدود چند ماه بود که به تأسیس یک آموزشکدهٔ موسیقی به نام «فارابی» دست زده بود و به تعلیم هنرآموزان می‌پرداخت.

پیکر علی زیباکناری در گورستان تاریخی سلیمان داراب رشت در جوار مقبرهٔ میرزا کوچک خان جنگلی به خاک سپرده شد.

منبع: جکتاجی، م.پ.، «علی زیباکناری»، آینده، س.۱۷، ص.۶۰۷ـ۶۰۸.

۵۷۷ ژرفی، مهدی

نگارگر

تولد ۱۳۲۰ ق.، اراک.

درگذشت ۱۳۶۷، تهران.

مهدی ژرفی پس از گذراندن مراحل تحصیلی به تدریس ریاضی در دبیرستان‌های اراک پرداخت. پس از آن به ترتیب تصدی مشاغل مختلفی را عهده‌دار شد. وی در طول سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ با شرکت فرش همکاری داشت. از جمله کارهای او طرح گنبد کاخ مرمر است. علاوه بر طراحی نقشهٔ فرش، وی به کارهای هنری دیگر نظیر نواختن تار و سه‌تار در دستگاه‌های موسیقی ایرانی و حتی ساخت دستی

ایـن گـونه آلات مـی‌پرداخت. وی در سـال ۱۳۶۷ درگذشت.

منبع: طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش/ شیرین صور اسرافیل، ص.۲۳۸.

۵۷۸ سجادی حسینی، علی

کارگردان

تولد ۱۳۳۲، اهواز.

درگذشت ۱۳۷۳.

سید علی سجادی حسینی فعالیت حرفه‌ای خود را در زمینهٔ تئاتر و نمایشنامه‌نویسی از سال ۱۳۴۶ در اهواز آغاز کرد. با فیلم «افق» به عنوان دستیار کارگردان در سال ۱۳۶۶ وارد سینمای حرفه‌ای شد؛ اوّلین تجربهٔ کارگردانی سینمایی وی با سـاخت فـیلمی بـه نـام «سکوت» برای کودکان و نوجوانان صـورت گـرفت. وی کارگردانی سه فیلم دیگر بـه اسـامی «مـدرسهٔ پیرمردها» (۱۳۷۱)، «راز چشمه سـرخ» (۱۳۷۱)، و «ترانزیت» (۱۳۷۲) را نیز به‌عهده داشت. هـمچنین یک فیلم جنگی به نام «خط آتش» را آغاز کرده بود که طی حادثه‌ای درگذشت. این فیلم در سال ۱۳۷۳ توسط برادرش سید فرید سجادی حسینی به اتـمام رسید. وی در هشتمین جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۷۱ در اصفهان پروانهٔ زرین را در بخش فیلم‌های ایرانی ــ فیلم‌های بـلند، برای کارگردانی فیلم «راز چشمهٔ سـرخ»، بـه سـبب طرح موضوعی ساده و اخلاقی در قالب مـناسبی از تخیل از آن خود نمود. همچنین در سوّمین جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های کودکان قاهره در سال ۱۳۷۱ در مـصر جـایزهٔ هـیئت داوران کـودک را بـرای فـیلم «مدرسهٔ پیرمردها» از آن خود نمود.

منبع: بـرگزیدگان فـرهنگی، هـنری و ادبی جـمهوری اسلامی ایران/ مریم آقا شیخ محمد و سعید نوری نشاط.

۵۷۹ سرخوش، ابراهیم

نوازنده، آهنگ‌ساز

تولد ۱۲۹۰، قزوین.

درگذشت ۲۹ اسفند ۱۳۶۰.

ابراهیم سرخوش از کودکی با شاگردی نزد پـدر بـه فراگیری ضرب و تار پرداخت. در شانزده سالگی بـا ویولن و پیانو هم آشنا شد و نت‌ها را نـیز آمـوخت. ابراهیم ضمناً با نواختـن سـنتور نـیز آشـنا شـد. در هیجده سالگی از همدان به قزوین آمد و به‌تدریج به تعلیم شاگردانی پرداخت.

ابراهیم سرخوش تار را به سبک قدما می‌نواخت. به ردیف موسیقی ایرانی آشنایی داشت. وی سالیان دراز از تک‌نوازان رادیو بود. گاه سلو می‌نواخت و گاه ارکسـتر را اداره مـی‌کرد. آهـنگ‌های سـاختهٔ وی از رادیو اجرا شـده است. در تـلویزیون بـا بـرنامه‌های «هفت شهر عشق»، «بشنو از نـی» و «تکـنوازی و گروه‌نوازی» همکاری داشت.

منابع: مردان موسیقی سنتی و نـوین ایـران، جـلد اوّل / حبیب‌الله نصیری‌فر، ص.۲۸۹ــ۲۹۴. (به نقل از مصاحبه‌ایی با ناصر بزرگمهر در اطلاعات ش.۱۵۳۱، یکشنبه، اردیبهشت ۱۳۵۶). *چهره‌های موسیقی ایران/* شاپور بهروزی. جلد اوّل، چاپ دوّم، ص. ۹۰ــ۹۲.

۵۸۰ سرشار، حسین

استاد موسیقی و اپرا، خواننده، بازیگر

تولد ۲۲ خرداد ۱۳۱۳.

درگذشت ۲۶ اسفند ۱۳۷۴.

حسین سرشار از جوانی شروع به پـیش‌پرده‌خوانـی

نمایش‌ها نمود. پس از چندی چند قطعه سرود رادیویی اجرا نمود. سپس از هنرستان عالی موسیقی فارغ‌التحصیل شد. مدتی برای تحصیل اپرا و گذراندن دورهٔ کنسرواتوار به ایتالیا رفته بود. هنگامی که در ایتالیا بود، در چند برنامهٔ تلویزیونی شرکت کرد و یک بار هم در ارکستر سمفونیک میلان برنامهٔ مستقلی اجرا کرد. فعالیت او در زمینهٔ اپرا، پس از بازگشت وی از ایتالیا به تشکیل مرکز اپرای تهران انجامید. وی در فیلم‌هایی نظیر: «اجاره‌نشین‌ها»، «جعفرخان از فرنگ برگشته»، «هامون»، «ای ایران»، «رنو تهران ۲۱» و صدایش در صدابرگردانی (دوبله) فیلم‌های خارجی از زبان بازیگرانی چون ویتوریو دسیکا، ویتوریو گاسمن، آلبرتو سوردی، والتر کیاری، ایو مونتان به یادگار ماند.

از سرشار به دلیل ابتلای وی به فراموشی (بیماری آلزایمر) مدتی خبری در دست نبود تا اینکه خانواده‌اش او را در یکی از شهرهای جنوبی کشور یافتند. وی در ۲۲ اسفند ۱۳۷۴ بار دیگر ناپدید شد و در فروردین ماه ۱۳۷۵ در حالی که به دلیل برخورد با اتومبیل جانی در پیکر نداشت، در پزشکی قانونی پیدا شد. پیکر وی روز ۲۵ فروردین ۱۳۷۵ از تالار وحدت تشییع شد و در بهشت زهرا در قطعه ۸۸ (قطعهٔ هنرمندان و نویسندگان) دفن گردید.

منابع: «درگذشت استاد حسین سرشار»، کیهان فرهنگی، س. ۱۳، ش. ۱۲۶، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵)، ص ۷۴. «درگذشته گان بهار»، آدینه، ش. ۱۱۰ (خرداد ۱۳۷۵). *مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد دوم* / ص. ۲۱۳ـ۲۱۵.

سنجری، حشمت‌اله ۵۸۱

آهنگساز

تولد ۱۲۹۶، تهران.

درگذشت ۱۴ دی ۱۳۷۳، تهران، بیمارستان جم.

حشمت سنجری آموزش موسیقی را از چهار سالگی نزد پدر خویش آغاز کرد. در سال ۱۳۰۹ وارد دارالفنون شد و با اخذ دیپلم ادبی از آنجا فارغ‌التحصیل گشت. در دوران دبیرستان نزد سرژ خوتسیف به فراگیری ویولن مشغول بود. پس از دوران سربازی، وارد هنرستان ملی موسیقی شد. پس از سه سال، دیپلم خود از آن هنرستان دریافت نمود، در حالی که دیگر استاد ویولن در همان هنرستان شده بود. در سال ۱۳۲۰ به اتریش رفت تا تحصیلات خود را در فن رهبری ارکستر تکمیل کند.

در سال ۱۳۲۸ توانست با اجرای کنسرتو ویولن لودویگ فون بتهوون لیسانس موسیقی دریافت کند. و از همین سال کار رهبری را با ارکستر هنرجویان هنرستان آغاز نمود. دو سال بعد به ریاست هنرستان عالی موسیقی رسید. در سال ۱۳۲۴ رهبری ارکستر سمفونیک تهران را به‌عهده گرفت. در سال ۱۳۳۵ اجراهای مختلفی در شهرهای متعدد آمریکا داشت. در سال ۱۳۳۶ برای تکمیل تحصیلات در رشته رهبری ارکستر به وین مسافرت کرد. از این پس در شهرهای مختلف اروپا به تحصیل و کسب تجربه پرداخت. در سال ۱۳۳۷ دیپلم رهبری ارکستر از کلاس تابستانی پروفسور هانس اسواروسکی در بروکسل (بلژیک) دریافت کرد. در سال ۱۳۳۸ دیپلم رهبری ارکستر از کلاس تابستانی هیلورسوم (هلند) دریافت کرد. در سال ۱۳۳۹ دیپلم رهبری ارکستر در پروجا (ایتالیا) از کلاس تابستانی فرانکو فرارا دریافت کرد. در سال ۱۳۳۹ توانست دیپلم رهبری ارکستر سمفونیک ــ اپرا ــ و آهنگسازی را از آکادمی موسیقی وین دریافت کند. به این ترتیب وی توانست رهبری ارکستر هنرستان عالی موسیقی را به‌عهده بگیرد.

در سال ۱۳۵۱ رهبری ارکستر را به فرهاد مشکوة واگذاشت و به مقام مشاور وزیر رسید و در

عین حال سرپرست هنری تالار رودکی بود. تا سال ۱۳۵۷ به صورت پراکنده چندین اپرا و باله رهبری کرد و به عنوان رهبر میهمان کنسرت‌های مختلف با ارکستر مجلسی رادیو و تلویزیون داد. در سال ۱۳۵۷ بازنشسته شد. در سال ۱۳۵۸ مجدداً دعوت به کار شد و به تناوب کنسرت‌هایی با ارکستر سمفونیک تهران اجرا کرد. در سال ۱۳۶۸ بیمار شد و از کار با ارکستر کناره گرفت و به آموزش شاگردانش در منزل پرداخت. روز ۲۹ دی ۱۳۷۲ یکی از سالن‌های فرهنگسرای بهمن به نام او نام گذاری شد.

از سنجری آثار به یاد ماندنی نظیر قطعه «نیایش یزدان» بر روی منتخبی از اشعار فردوسی برای ارکستر، «افق بیکران»، «رقص دایره» و نیز قطعه «جنگ تا پیروزی» به یادگار مانده است.

کالبد حشمت سنجری از مقابل تالار وحدت تشییع شد و در قطعهٔ ۸۸ (قطعه هنرمندان و نویسندگان) در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

منابع: روزگار وصل، ش.۱۳ و ۱۴، ص.۴۷. *یادمان حشمت سنجری* / به اهتمام مرسدهٔ سنجری (بایگان)، چاپ اوّل.

سیفی، آیت‌الله ۵۸۲

کارگردان، تصویربردار

تولد ۱۳۳۷، سراب.

شهادت ۲۵ دی ۱۳۶۵، در جبهه جنگ.

آیت‌الله سیفی فارغ‌التحصیل رشتهٔ فیزیک هسته‌ای در دانشگاه شهید بهشتی است. وی همچنین هنر فیلمسازی را فراگرفت.

از جمله فعالیت‌های وی می‌توان به تصویربرداری فیلم‌های مستندی نظیر «صدای پای نور»، «ایلام شهر آتشباران» و فیلم‌های داستانی «وارث»، «معبر»، «سرباز کوچک»، «یک قطره دریا»، «دفاع مقدس» و «اتاق شمارهٔ یک» اشاره کرد.

در تصویربرداری از عملیات کربلای ۲ در منطقهٔ حاج‌عمران حضور داشت. در دی ۱۳۶۵ عازم منطقهٔ شلمچه شد و سرانجام در بعدازظهر پنجشنبه ۲۵ دی‌ماه در حین تصویربرداری در فتح جزیرهٔ بوارین مورد اصابت ترکش قرار گرفت و شهید شد.

وی از جمله شهدایی بود که از سوی مجتمع هنر و ادبیات دفاع مقدس، در سال ۱۳۶۷ طی مراسمی در تالار وحدت، برندهٔ لوح دست‌خط زرین حضرت امام (ره)، دیپلم افتخار و سکهٔ یادبود مجتمع، به عنوان برگزیدهٔ بخش فیلم مستند و داستانی اعلام شد.

منبع: برگزیدگان فرهنگی و هنری و ادبی جمهوری اسلامی ایران / مریم آقا شیخ محمد و سعید نوری نشاط.

شایسته، صدرالدین ۵۸۳

نقاش، خطاط

تولد ۱۲۷۹، شیراز.

درگذشت ۱۴ مرداد ۱۳۶۲، شیراز.

سید صدرالدین شایسته، فرزند سید علی‌رضا، علوم دینی را نزد پدر و علمای دیگر شیراز تا درجهٔ اجتهاد آموخت. نزد سید میرزا محمد نصیر حسینی شیرازی معروف به فرصت شیرازی (ملقب به فرصت‌الدوله) حکمت و ادبیات و نقاشی و نزد میرزا محمد تقی مذهب‌باشی خط و تذهیب را فرا گرفت.

سپس به تهران آمد و در مدرسهٔ صنایع مستظرفه نزد کمال‌الملک به فراگیری نقاشی و مجسمه‌سازی پرداخت. پس از چند سال به دریافت پایان‌نامه و گواهی‌نامه از کمال‌الملک نایل آمد. پس از استعفای کمال‌الملک از مدرسهٔ صنایع مستظرفه

در سال ۱۳۰۶ به شیراز بازگشت. ابتدا در منزل به نقاشی و تعلیم آن پرداخت. سپس در سال ۱۳۰۸ در مدارس شیراز به هنرآموزی نقاشی مشغول شد. در سال ۱۳۰۹ مجدداً به تعلیم نقاشی در منزل پرداخت. در سال ۱۳۱۶ به خدمت دائم تن داد و در وزارت فرهنگ مشغول به کار شد و به شغل دبیری اشتغال داشت. وی در بهمن ۱۳۴۱ بازنشسته شد.

شایسته در کلیهٔ رشته‌های نقاشی از نقاشی هفت رنگ گرفته تا تذهیب و رنگ روغن توانایی داشت و در نقاشی با آبرنگ نیز تبحر داشت. مضامین تابلوهایش بیشتر رمانتیک تاریخی بود. از آثار اوست: تابلو «کریم‌خان و وزیرش آقاباباخان»؛ «شمایل کریم‌خان»؛ «شمایل آقالطفعلی‌خان زند».

منابع: تاریخ نویسندگان پارس، جلد دوم/ دکتر مریم میرهادی، ص. ۳۱. آینده، س. ۹، ش. ۱۰ ـ ۱۱. *زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۴)/* حسن مرسلوند، ص. ۱۰۷ ـ ۱۰۸. «استاد شایسته نود ساله شد»، بنیاد، دورهٔ ۱، ش. ۲ (اردیبهشت ۲۵۳۶=۱۳۵۶)، ص. ۳۷. «شایسته شاگرد کمال‌الملک و گوشه‌ای از موزهٔ او»، کیهان فرهنگی، دورهٔ ۱، ش. ۱۶ (تیر ۱۳۳۵)، ص. ۴ ـ ۵. میبدی، علیرضا، «گفت و شنودی با استاد صدرالدین شایسته، استاد صدرالدین شایسته: من گران‌ترین نقاش ایرانم»، رستاخیر، ش. ۳۳۲ (۱۵ خرداد ۲۵۳۵=۱۳۵۵)، ص. ۱۸. «شایسته هنرمندی با روح سعدی و حافظ»، هنر و مردم، دورهٔ ۵، ش. ۵۱ (دی ۱۳۴۵)، ص. ۲۲ ـ ۲۵. *کتابشناسی نگارگری/* محمد گلبن، ص. ۷. رعناحسینی، کرامت، «صدرالدین شایسته»، آینده، س. ۹، ص. ۸۱۰ ـ ۸۱۶. *تاریخچه دهسالهٔ کانون فرهنگیان پارس/* علی نقی بهروزی، ص. ۹۰. *نسخه‌های خطی دفتر پنجم/* محمد تقی دانش‌پژوه، ص. ۲۷۰. در پشت جلد مجله‌های هنر و مردم، ش ش. ۸۶ و ۱۶۷ و ۱۸۴ از انتشارات وزارت فرهنگ و هنر سه اثر از نقاشی‌های صدرالدین شایسته به صورت رنگی به چاپ رسیده است.

۵۸۴ شبیری، رضا

طراح، تصویربردار

تولد ۱۳۲۷، همدان.

درگذشت ۲۳ شهریور ۱۳۷۲.

رضا شبیری از دانشکدهٔ هنرهای دراماتیک در سال ۱۳۴۹ با احراز رتبهٔ اول در رشتهٔ دکور و طراحی صحنه فارغ‌التحصیل شد و در وزارت فرهنگ و هنر سابق در واحد نقاشی متحرک مشغول به‌کار گردید. وی طی سال‌ها فعالیت در این واحد، در ساختن و طراحی بسیاری از فیلم‌های نقاشی متحرک مشارکت داشت و پس از انقلاب اسلامی شخصاً به طراحی و کارگردانی چند فیلم نقاشی متحرک از جمله : «مرگ بر آمریکا»، «بهاری که داشتیم»، «ما انقلاب کردیم»، و ... پرداخت.

شبیری علاوه بر طراحی و نقاشی، در زمینهٔ طنز ترسیمی و کاریکاتور نیز فعال بود. بسیاری از طرح‌های او، از سال ۱۳۵۰ در نشریات به چاپ رسیده است. شبیری در سال‌های اواخر عمر به‌عنوان کارگردان نقاشی متحرک فعالیت می‌کرد. وی در سال ۱۳۷۲ برای دریافت درجهٔ دکترایِ هنری نامزد شده بود که روز جمعه ۲۳ شهریور همان سال به‌علت سکتهٔ مغزی چشم از جهان فرو بست.

منابع: گزارش دوازدهمین جشنواره بین‌المللی فجر. یکرنگی، مسعود، «سیر در فرم و فضای طرح‌های رضا شبیری»، نگین، دورهٔ ۱۰، ش. ۱۱۴ (آبان ۱۳۵۳)، ص. ۶۲.

۵۸۵ شریفی، جواد

خوشنویس

تولد ۳ مهر ۱۲۹۰، تهران.

درگذشت ۱۳۶۲، تهران.

جواد شریفی، فرزند میرزا زین‌العابدین خان

خوشنویس شریف قزوینی ملقب به ملک الخطاطین، تحصیلات مقدماتی و عالی را در مدارس سلطانی و بصیرت به پایان رساند و سپس در محضر پدرش فنون و رموز خطوط مختلف را فرا گرفت تا آنکه خود استاد گشت.

جواد شریفی به خط نستعلیق و شکسته و کتابت می‌نوشت. وی از سال ۱۳۲۹ به بعد در کلاس‌های آزاد انجمن خوشنویسان با سمت استاد به تعلیم خط اشتغال داشت. اکثر کارهای وی در کتابت با خط نستعلیق بوده است. نوشتن ***شاهنامه*** فردوسی را در سن پنجاه سالگی تعهد کرد و مدت دوازده سال تمام بر سر آن وقت گذاشت تا این کار را به پایان رسانید.

وی همچنین مدتی ریاست ادارهٔ کل عرایض را به‌عهده داشت.

کتابشناسی آثار خطی استاد جواد شریفی به این شرح است: ***مختصر کلیله و دمنه***؛ ***دیوان حافظ***؛ ***دیوان حافظ به خط نستعلیق***؛ ***دیوان چهار زبانه حافظ***؛ ***قرآن مجید***؛ ***قرآن مجید با ترجمه خط نستعلیق***؛ ***دیوان صائب تبریزی***؛ ***منظومه زهره و منوچهر*** (ایرج میرزا)؛ ***مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری***؛ ***رباعیات شیخ ابوسعید ابوالخیر***؛ ***شاهنامه فردوسی***؛ ***داستان بیژن و منیژه***؛ چند دوره از کتاب‌های میرزا عبدالعظیم قریب؛ ***دستور زبان فارسی*** (پنج استاد)؛ ***کلیات سعدی چاپ سنگی وافست***؛ ***تفسیر قرآن مجید*** مهدی الهی قمشه‌ای؛ ***دیوان عمان سامانی***؛ ***دیوان جامی***؛ چند دوره کتاب‌های کلاسیک میرزا رضا مهندس‌الملک؛ دورهٔ کتاب‌های چاپ تقی فاطمی؛ کتاب‌های هندسه، جبر و بسیار کتب دیگر.

جواد شریفی در هفتاد و یک سالگی به سبب سکته درگذشت.

منابع: «جواد شریفی، کتابت تنها دلمشغولی استاد»، فصلنامهٔ هنر، ش. ۶ (تابستان و پاییز ۱۳۶۳)، ص. ۱۷۶ ـ ۱۷۹. ***تذکرهٔ خوشنویسان معاصر ایران***، علی راهجیری، جلد اول، چاپ دوم.

دایرةالمعارف یا فرهنگ دانش و هنر، مجموعه مؤلفان، ص. ۵۰۴ ـ ۵۰۵.

۵۸۶ شعرباف، محمد غلامعلی

معمار

درگذشت ۱۳۷۴.

محمد علی شعرباف وی از نه سالگی به معماری روی آورده بود و بیش از هشتاد سال در زمینهٔ تعمیر و احیای آثار تاریخی و هنری به ویژه مساجد تلاش کرد. او همچنین در ساخت گلدسته‌ها، هشتی‌ها، ایوان‌ها، سردرها، شبستان‌ها و نقشه‌های مساجد فعالیت داشت.

منبع: کیهان فرهنگی، س. ۱۲، ش. ۱۲۱ (خرداد و تیر ۱۳۷۴)، ص. ۶۶ در بخش رویدادهای کوتاه.

۵۸۷ شهپر، غلامعلی

نوازنده

درگذشت ۱۳۶۰، تهران.

غلامعلی شهپر، سال‌ها در آبادان و اصفهان بود و کلاس موسیقی داشت و شغل اصلیش مأمور نگهبانی ادارهٔ غله و نان بود. وی درویش مسلک بود.

سبک خاصی داشت که مختص به خودش بود و به‌همین سبب به «ویولن مرد» شهرت یافته بود. وی آهنگ‌هایی هم ساخت و برخی را هم خودش نواخت و خواند. سرانجام بازنشسته شد و تنها زندگی می‌کرد.

غلامعلی شهپر از هنرمندانی بود که موسیقی می‌دانست و شاگردانی را در تهران و اهواز و اصفهان تعلیم داد.

منبع: *مردان موسیقی سنتی و نوین ایران*/ حبیب‌الله نصیری‌فر، جلد دوم، ص. ۶۶ــ۶۷.

شهنازی، علی اکبر ۵۸۸

نوازنده، موسیقیدان

تولد ۱۲۷۶.

درگذشت ۱۳۶۴.

علی اکبر شهنازی از سن هشت سالگی در مکتب پدر یعنی آقا حسین قلی که خود از بانیان مکتب جدید تارنوازی و نوهٔ علی اکبرخان فراهانی تارنواز ماهر دوران ناصری بود، با موسیقی آشنا می‌شود. آقا حسین قلی در کنار تشویق فرزند به تحصیل علم، ساز خانوادگی یعنی تار را به امانت علی اکبر می‌سپارد و او هم در کنار پدر به تعلیم این ساز می‌پردازد. وی در سن چهارده سالگی، زمان حیات پدر چنان تار می‌نوازد که نخستین صفحه از نواختن ساز او در مایهٔ بیات ترک و افشاری به ضبط می‌رسد. بعد از مرگ پدر، علی اکبر شهنازی به تعلیم شاگردان می‌پردازد. در کنار تدریس و نواختن موسیقی او به پژوهش و باز شناختن ارزش‌های ناشناختهٔ موسیقی اصیل ایران می‌پردازد، چندان که بنا به ادعای خودش از هفت دستگاه موسیقی ایرانی توانست پنج دستگاه آن را به شکل نو ارایه دهد، شکلی که مکمل دستگاه‌های کلاسیک قدیم بود.

ساز تخصصی شهنازی تار بود. در آهنگسازی نیز توانا بود. در این میان باید برای نمونه از تصنیف مشهور «ای نوع بشر» یاد کرد که از جملهٔ ساخته‌های استاد به شمار می‌رود. متن این تصنیف از امیر جاهد است.

منابع: «استاد علی اکبر شهنازی یادی از استادی پیر»، فصلنامهٔ هنر، ش. ۱۰ (زمستان ۱۳۶۴ ــ بهار ۱۳۶۵)، ص. ۲۷۳. «تداوم یاد استاد شهنازی»، آهنگ، ویژه‌نامه ششمین جشنوارهٔ موسیقی، ش. ۲، ص. ۳۰. **فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان**/ فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

شهوق، چنگیز ۵۸۹

پیکرتراش، سفالگر، نقاش

تولد ۱۳۱۲، باکو (قفقاز).

درگذشت ۲۱ شهریور ۱۳۷۵، تهران.

چنگیز شهوق فارغ‌التحصیل مدرسهٔ هنرهای زیبای تهران بود. آثار وی در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی در معرض دید عموم قرار گرفته بود و جوایزی را نصیب خود کرده بود. وی مؤسس اولین نگارخانه در تاریخ هنر ایران بود.

چنگیز شهوق در پی یک حملهٔ قلبی درگذشت و پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

منبع: «دکتر شهوق درگذشت»، خبرنامه هنرهای تجسمی، دورهٔ ۲، ش. ۸ (مهر ۱۳۷۵)، ص. ۹.

شیخ احمد خمسه‌ای، احمد ۵۹۰

بازیگر

تولد ۱۲۹۱.

درگذشت ۷ مرداد ۱۳۷۵.

احمد شیخ احمد خمسه‌ای، فرزند مصطفی، کار حرفه‌ای خود را نزد لوطی حسین فرزند کاکامحمد (از خیمه‌شب‌بازان مشهور) آغاز کرد. طی سالیان دراز به نمایش عروسکی مشغول بود. وی همچنین در جشنواره‌های بین‌المللی نیز حضور یافت، از جمله در جشنوارهٔ نمایش عروسکی در آرنم در هلند، زاگرب در یوگسلاوی، پولچینلای ناپل، چرویا در ایتالیا،

سگوویا در اسپانیا، آوینیون در فرانسه، تئاتر کودکان در یونان.

استاد خمسه‌ای همهٔ عروسک‌های خود را به مرکز هنرهای نمایشی اهداء کرد تا در موزهٔ هنرهای نمایشی نگهداری شود.

استاد خمسه‌ای در مهرداد ۱۳۷۵ درگذشت و پیکر وی در بهشت‌زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

منبع: «گرامیداشت استاد احمد خمسه‌ای»، کیهان فرهنگی، س. ۱۳، ش. ۱۲۹ (مهر و آبان ۱۳۷۵)، ص. ۷۵.

شیخ، حسین ۵۹۱

نقاش

تولد ۱۲۸۱، تهران.[۱]

درگذشت ۲۰ مهر ۱۳۷۰، تهران.

حسین شیخ، فرزند میرزا محمد علی خان زرگرباشی اهل شیراز، از هفت سالگی وارد مدرسهٔ کمال‌الملک شد و سال‌ها در محضر وی به تلمذ پرداخت. او پس از کسب مهارت‌های لازم در عرصهٔ نقاشی، به‌عنوان استاد در هنرستانی که به‌نام کمال‌الملک نام‌گذاری شده بود و بعدها در دانشکدهٔ هنرهای زیبا، به تدریس مشغول شد. وی همچنین مدتی سرپرست هنرستان کمال‌الملک بود. از نقاشی‌های معروف او می‌توان به این تابلوها اشاره نمود: «طبیب و بیمار»؛ «سفرهٔ هفت سین» (موجود در کاخ گلستان)؛ «سقا»؛ «میرزا»؛ «پیرمرد»؛ «استاد سهیلی»؛ «نقاش و بخاری» (موجود در موزهٔ هنرهای معاصر، این اثر در برخی منابع چنین نامیده می‌شود: «استاد نجم‌آبادی در حال نقاشی کردن»)

استاد حسین شیخ در پی تصادف با اتومبیل مصدوم شد و درگذشت.

منابع: «درگذشت استاد حسین شیخ»، کیهان فرهنگی، س. ۸، ش. ۵ (آبان ۱۳۷۰)، ص. ۱۰۷. «یادنامه استاد حسین شیخ»، فصلنامهٔ هنر، ش. ۲۱ (زمستان ۱۳۷۰، بهار ۱۳۷۱)، ص. ۱۰۹ ـ ۱۷۱. «استاد علیمحمد حیدریان: نقاشی فریق عرفان است»، کیهان فرهنگی، س. ۲، ش. (بهمن ۳۶۴)، ص. ۳ ـ ۱۰. *طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش* / شیرین صور اسرافیل، ص. ۷۳.

صابری، فیروزه ۵۹۲

نقاش

تولد ۱۳ فروردین ۱۳۲۵.

درگذشت ۱۴ بهمن ۱۳۷۵، تهران.

فیروزه صابری، فرزند اسمعیل، تحصیلات ابتدایی خود را در دبستان هنام (۱۳۳۱ ـ ۱۳۳۸) و تحصیلات دبیرستانی را در دبیرستان دکتر فاطمه سیاح (۱۳۳۸ ـ ۱۳۴۵) به پایان رساند. وی سپس در مدرسهٔ آلیانس فرانسز پاریس زبان فرانسه را فرا گرفت و در پس از بازگشت به ایران در دانشکدهٔ زبان‌های خارجی در تهران موفق به اخذ لیسانس در رشتهٔ ادبیات فرانسه شد.

از سال ۱۳۴۶ در شرکت بازرگانی دولتی ایران استخدام شد. فعالیت‌های هنری خود را از سال ۱۳۴۵ آغاز کرد. نمایشگاه‌های انفرادی به وی شرح زیر است: گالری خصوصی (مرداد ۱۳۶۵؛ کارهایی ملهم از موضوعات داستان‌های عامیانه هندی)؛ نگارخانه سبز (۵ تا ۱۳ شهریور ۱۳۶۹، تهران، کارهایی ملهم از داستان لیلی و مجنون نظامی)؛

۱. تاریخ تولد وی را بین سال‌های ۱۲۷۹ الی ۱۲۸۳ نوشته‌اند. اما خود وی در مصاحبه‌ای با هادی سیف می‌گوید که: «از قراری که بعدها در شناسنامه‌ام به ثبت رسید، در سال ۱۲۸۱ در تهران متولد شدم»، اما در کتاب *طراحان بزرگ فرش ایران*، تاریخ تولد وی "احتمالاً" ۱۲۷۶ آمده است.

کنگرهٔ بین‌المللی بزرگداشت نهمین سدهٔ تولد حکیم نظامی (دانشگاه تبریز، کارهایی ملهم از داستان لیلی و مجنون نظامی)؛ نگارخانهٔ سبز (۲۱ تا ۲۸ آذر ۱۳۷۱، تهران، کارهایی ملهم از حکایات مثنوی مولوی)؛ گالری هنرهای تجسمی فرهنگسرای بهمن (۱ تا ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۲، تهران، مجموعه‌ای از آثارش در دوران‌های مختلف)؛ نگارخانهٔ برگ (۳ الی ۱۳ تیر ۱۳۷۴، تهران، کارهایی ملهم از حکایت قرآنی حضرت یوسف و زلیخا). نمایشگاه‌های جمعی او به شرح زیر است: اولین نمایشگاه دوسالانهٔ نقاشی ایران (۲۸ آبان تا آذر ۱۳۷۰، موزهٔ هنرهای معاصر؛ در این نمایشگاه تابلوی «لیلی و مجنون» او برندهٔ جایزهٔ ویژه شد)؛ نمایشگاه آثار نقاشی هنرمندان معاصر ایران (۶ تا ۱۲ مرداد ۱۳۷۲، نگارخانهٔ برگ)؛ دومین نمایشگاه دوسالانهٔ نقاشی ایران (۶ آذر تا ۱۸ دی ۱۳۷۲، موزهٔ هنرهای معاصر)؛ اولین نمایشگاه تجلی احساس (۱۳۷۳، فرهنگسرای نیاوران)؛ سومین نمایشگاه دوسالانهٔ نقاشی ایران (۲۰ آبان تا ۲۹ دی ۱۳۷۴، موزهٔ هنرهای معاصر)؛ دومین نمایشگاه تجلی احساس (۱۳۷۴، فرهنگسرای نیاوران)؛ نگارخانهٔ کیش، نمایشگاهی به همراه آثار پریوش گنجه‌ای (جزیرهٔ کیش، اردیبهشت ۱۳۷۶).

منبع: بر اساس متنی که مرتضی ممیز، همسر ایشان، تهیه نمودند.

صادق، علی　۵۹۳

معمار

درگذشت شهریور ۱۳۶۶.

علی صادق، فرزند صادق (مستشارالدوله)، تحصیلات مهندسی خود را پیش از جنگ دوم جهانی در رشتهٔ معماری در فرانسه به پایان برد و به ایران بازگشت و با مهندس محسن فروغی به کار پرداخت. صادق از شناسندگان معماری ایرانی بود، اما نوشته‌ای از خود به‌جای نگذاشت. وی عضو مؤسسان انجمن آثار ملی بود و در طرح‌ریزی بنای آرامگاه‌ها و اظهار نظر در مرمت و احیای آثار و ابنیهٔ گذشته در آن مجمع صاحب رأی بود.

کار دیگر وی آن بود که اوراق و اسناد پدر خود (مستشارالدوله صادق مشروطه‌طلب و وکیل دورهٔ اول مجلس شورای ملی و رییس همان مجلس و وزیر مکرر در دولت‌های عهد احمد شاه) را در اختیار ایرج افشار گذارد تا تنظیم و چاپ شود. دو جلد از این اسناد به چاپ رسیده است.

منبع: «مهندس علی صادق»، آینده، س. ۱۳، ص. ۵۳۱.

صالحی، حبیب‌الله　۵۹۴

نوازنده، استاد

تولد ۱۲۹۵، شاهرود.

درگذشت ۱۳۵۸.

حبیب‌الله صالحی دارای لیسانس علوم طبیعی از تهران بود و سال‌ها دبیر دبیرستان‌های مرکز را عهده‌دار بود. استادان وی علی اکبر شهنازی، موسی معروفی و ابوالحسن صبا بودند. وی دارای برگ صلاحیت تدریس تار و ردیف موسیقی ملی ایران از وزارت ارشاد اسلامی و فارغ‌التحصیل رشتهٔ آهنگسازی از دانشکدهٔ موسیقی ملی نیز بود. او از سال ۱۳۲۲ همکاری خود را با رادیو آغاز و در ارکسترهای گل‌ها، ارکستر بزرگ رادیو تلویزیون، ارکستر مهدی مفتاح و گروه سمعی به عنوان نوازندهٔ تار همکاری می‌کرد. وی همچنین به آموزش شاگردانی همت گماشت. پنجاه آهنگ و پیش‌درآمد

ساخت که می‌توان از: «پیش درآمد» و «ماهور»، آهنگ «بی‌گناهم»، «شاخه گل ۲۱۳»، «سایهٔ لرزان»، «به کنارم تو بمان»، «یک قطره اشک»، «شکوه انقلاب»، «شهر تو»، همراه با صدای خوانندگانی مانند: محمد رضا شجریان، غلامعلی شهپر و غیره اجرا شد. از این پنجاه آهنگ تعدادی از آنها برای ارکسترهای بزرگ رادیو که قطعهٔ کرال به نام «بنی‌آدم» او مشهور است انتخاب شد.

حبیب‌الله صالحی مدت‌ها سمت معاونتِ کلاس استاد شهنازی را در هنرستان به عهده داشت. همکاری وی با ارکستر فرهاد فخرالدینی تا سال ۱۳۵۸ ادامه یافت.

منبع: *مردان موسیقی سنتی و نوین ایران*/ حبیب‌الله نصیری‌فر، ص.۱۱۶ ـ ۱۱۸.

صانعی نقاش‌زاده، میرزا نصرالله ۵۹۵

نگارگر

تولد ۱۲۷۵، کاشان.

درگذشت ۱۳۵۹.

میرزا نصرالله صانعی نقاش‌زاده، فرزند میرزا احمد، نزد پدر به درجهٔ استادی رسید. در طرح‌های او عدم تقارن یا عدم تناسب دیده نمی‌شود. طرح شناخته‌شدهٔ لچک ترنج افشان کاشان که با استفاده از طرح‌های سنتی ایرانی تهیه شده است، یکی از متداول‌ترین طرح‌های مورد استفاده در فرش کاشان است، از کارهای اوست.

منبع: *طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش*/ شیرین صور اسرافیل، ص.۱۷۸ ـ ۱۸۲.

صدیق اسکندانی، غلامحسین ۵۹۶

نگارگر

تولد ۱۲۸۰ تبریز.

درگذشت ۱۳۶۵.

غلامحسین صدیق اسکندانی پس از تحصیلات مقدماتی به تهران آمد و در مدرسهٔ صنایع مستظرفه زیر نظر کمال‌الملک و همراه هنرمندان دیگری چون اسماعیل آشتیانی، حسین بهزاد، محمد علی زاویه و عبدالله باقری به فراگیری هنرهای سنتی و اسلامی پرداخت.

وی برای کسب معلومات بیشتر به اصفهان رفت تا از روی نقوش و تصاویر و کاشی‌کاری‌های مساجد و بناهای اصفهان نسخه‌پردازی کند. وی در سال ۱۳۱۹ از هنرستان فارغ‌التحصیل شد و سپس در سمت استاد طراحی در هنرهای تزیینی در هنرستان‌های پسران و دختران وابسته به ادارهٔ هنرهای زیبا (از جمله در هنرستان صنایع قدیمه) استخدام شد. پس از بازنشسته شدن در قسمت طراحی فرش به کار تعلیم طراحی و نقطه‌چین و همچنین رسم نقشه مشغول بود.

او هنرمندی پر کار بود و در هنرهای تذهیب، طراحی، نقش قالی و کاشی، منبت‌کاری و پارچه نوآوری‌هایی از خود به‌جای گذاشت. تجربه‌هایی در زمینهٔ چاپ روی پارچه داشت. تجربه‌ها و تحقیقاتی از او در زمینه‌های بازشناسی نقوش و عناصر هنر اسلامی به جای مانده است.

آثار او در نمایشگاه‌های مختلف جهانی عرضه شده است. شرکت فرش ایران نیز آثار بسیاری از ایشان را به روی قالی‌های نفیس منتقل کرده است که از آن جمله مهم‌ترین آنها عبارت است از بازسازی قدیمی‌ترین قالی جهان موسوم به «قالی پازیریک». باستان‌شناسان روسی عکس‌هایی از قسمت‌های باقیماندهٔ این قالی مندرس را به ایران فرستادند.

استاد اسکندانی نواقص این قالی را طراحی و رنگ‌آمیزی کرد و آنگاه این نقش توسط شرکت فرش ایران بافته شد. پازیریک نام محلی است که قالی مذکور در آنجا پیدا شده است.

منابع: آموزش هنر برای دوم راهنمایی/ محمد مهدی هراتی، محمد علی کشاورز، جعفر پوررهنما، یدالله درخشانی، ص. ۷۳ ـ ۷۵. تیمائی، فریدون، «اسکندانی نقاش»، مجلهٔ هنر و مردم، دورهٔ ۴، ش. ۴۸ (شهریور ۱۳۴۵)، ص. ۳۲ ـ ۳۳ (در این نوشته، تصویری از هنرمند و تصویری از سه اثر او آمده است). ***طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش/*** شیرین صور اسرافیل، ص. ۴۵۱.

۵۹۷ صدیقی، ابوالحسن

طراح، نقاش، پیکرتراش

تولد ۱۲۷۶، تهران (محلهٔ عودلاجان).

درگذشت ۲۰ آذر ۱۳۷۴، تهران، بیمارستان آبان.

ابوالحسن صدیقی، فرزند میرزا باقر صدیق‌الدوله نوری، در هفت سالگی در مدرسهٔ اقدسیه و پس از آن در مدرسهٔ آلیانس تهران درس خواند. در آخرین سال تحصیلی به خاطر علاقه به نقاشی، مدرسهٔ آلیانس را رها کرد و در مدرسهٔ کمال‌الملک به فراگیری نقاشی پرداخت. وی از شاگردان کمال‌الملک در نقاشی بود که پس از پایان دورهٔ نقاشی به مجسمه‌سازی روی آورد و خود به پیکرتراشی مشغول شد.

صدیقی در سال ۱۳۰۷ به اروپا رفت و بیش از چهار سال در مدرسهٔ هنرهای زیبای پاریس در رشتهٔ پیکرتراشی به تحصیل مشغول شد. وی در سال ۱۳۱۱ پس از بازگشت به ایران، با حکم کمال‌الملک ریاست مدرسهٔ صنایع مستظرفه را (که بعدها مدرسهٔ هنرهای زیبا نام گرفت) بر عهده گرفت. بعد در ایجاد اوّلین مدرسهٔ معماری در سال ۱۳۱۸ با کمک مدرسان خارجی در محل کنونی سازمان برنامه (میدان بهارستان) کوشش کرد و بعد با همکاری استاد علی محمد حیدریان و مهندس محسن فروغی و آندره گدار در نیمهٔ دوّم سال ۱۳۱۹ در ایجاد «هنرکده» در مدرسهٔ مروی، واقع در نزدیکی میدان شمس‌العماره شرکت کرد. اما پیش از آن که هنرکده به محوطهٔ دانشگاه تهران منتقل شود، از همکاری کناره‌گیری کرد و از آن پس تنها به کار پیکرتراشی پرداخت و علاوه بر مجسمهٔ معاریف ایران، آثاری از صورت بستگان و نزدیکان خود (بین سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۳۷) و هم چنین نقش برجسته نمای وزارت دادگستری (۱۳۲۱)، صحنه‌هایی از شاهنامهٔ فردوسی در زورخانهٔ بانک ملی ایران (۱۳۲۵)، مجسمهٔ عدالت در وزارت دادگستری (۱۳۳۳) و باز صحنه‌هایی از شاهنامه در آرامگاه فردوسی در توس و نمونه‌های دیگر را به وجود آورد. در بین طرح‌ها و نقاشی‌هایی که در کتاب آثارش چاپ شده؛ چهره‌ای از حافظ نیز مشاهده می‌شود که به دلایلی به تندیس تبدیل نشده است.

از آثار دیگر اوست: مجسمهٔ ایستادهٔ سعدی در شیراز (۱۳۳۰)؛ مجسمهٔ ایستاده از ابن‌سینا از سنگ مرمرین در همدان (۱۳۳۳)؛ مجسمهٔ ایستادهٔ فردوسی از سنگ مرمر در تهران (۱۳۱۲)؛ مجسمهٔ نشستهٔ فردوسی از سنگ مرمر در شهر رم (۱۳۵۰)؛ مجسمهٔ نشستهٔ فردوسی از سنگ مرمر در شهر توس (۱۳۴۷)؛ تندیس میرزا تقی‌خان امیرکبیر (۱۳۲۲ و ۱۳۵۵)؛ رستم (۱۳۲۵)؛ مجسمهٔ نادر در باغ نادری در توس مشهد (۱۳۳۵)؛ کمال‌الملک (۱۳۴۷)؛ مجسمهٔ نیم‌تنه از عمر خیام در پاک لاله تهران (۱۳۴۹ و ۱۳۵۴)؛ یعقوب لیث (۱۳۶۵) و سیاه‌نی‌زن یا حاج مقبل؛ دو نیم‌تنه چپ و راست از یک سیاه مراکشی؛ نیم‌تنه از یک دوره‌گرد پیر؛ نیم‌تنه ابوالقاسم مستخدم استاد کمال‌الملک؛ نیم‌تنه

استاد کمال‌الملک؛ و تمام‌تنها از برادرزادهٔ خود ایشان و نیم‌تنهٔ ننه حسین خدمتکار. وی همچنین تندیس‌هایی را به سفارش برخی از نهادها از جمله بانک سپه، بانک ملی ایران، بانک مرکزی، دانشگاه تهران، سازمان تربیت بدنی، وزارت نفت، شهرداری تهران، جمعیت هلال احمر خلق نمود.

از جمله جوایز و نشان‌هایی که به وی اهداء شد، می‌توان از نشان درجه یک و لوح تقدیر انجمن شرق‌شناسان فرانسه (پاریس)، مدال طلای درجه یک هنر از دولت بلژیک (۱۹۵۷)، دیپلم افتخار و نشان هنر از سوی دولت فرانسه توسط رییس آکادمی فرانسه (۱۹۵۹)؛ نشان درجه یک هنر از رییس جمهوری ایتالیا (۱۹۷۲) نام برد. کمیسیون ملی یونسکو نیز به همت محمد پارسی و هادی سیف کتابی در سال ۱۳۷۳ در آخرین سال حیات او به پاس خدماتش چاپ و منتشر کرد و استاد در ۹۸ سالگی توانست پیش از فوت، آثارش را یک جا و در مجلدی مشاهده کند.

استاد صدیقی در ۲۰ آذر ۱۳۷۴ در بیمارستان آبان تهران درگذشت و در قطعهٔ هنرمندان (قطعهٔ شمارهٔ ۸۸) بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

منابع: «تنها پیکره‌ساز تنها ابوالحسن صدیقی»، کلک، ش.۶۸ــ۷۰ (آبان و دی ۱۳۷۴)، ص.۳۹۲. همشهری، ش.۸۵۶ (۲۱ آذر ۱۳۷۴). «پیکرتراش نامی، پیکر به خاک داد»، کیهان فرهنگی، س.۱۲، ش.۱۲۴ (آذر و دی ۱۳۷۴)، ص.۶۴. احتشامی، ابوالحسن، «صدیقی، نقاش و مجسمه‌ساز»، اطلاعات ماهیانه، دورهٔ ۵، ش.۵۹ (بهمن ۱۳۳۹)، ص.۷ــ۹. صدیقی، پرویز، «شرح احوال و آثار استاد ابوالحسن صدیقی»، نقش و نگار، دورهٔ ۱، ش.۵ (بهار ۱۳۳۵)، ص.۱۳ــ۱۵. *طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش*/ شیرین صور اسرافیل، ص.۷۳. «گزارش مراسم بزرگداشت ابوالحسن خان صدیقی»، گزارشنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ش.۱۶ (بهمن و اسفند ۱۳۷۵)، ص.۸ــ۹. «زندگی و آثار هنری زنده‌یاد استاد ابوالحسن صدیقی»، گزارشنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ش.۱۶ (بهمن و اسفند ۱۳۷۵)، ص.۱۰ــ۱۳. افتخاری، سید محمود، «استاد ابوالحسن صدیقی، پیکرتراش، نقاش»، میراث فرهنگی، ش.۱۵ (تابستان ۱۳۷۵)، ص.۵۰ــ۵۳. «تندیس‌های ماندگار، حاصل عمری به درازی یک قرن، زندگی و آثار هنری مرحوم استاد ابوالحسن صدیقی»، خبرنامه هنرهای تجسمی، دوره ۲، ش.۷ (شهریور ۱۳۷۵)، ص.۲ــ۵. *ابوالحسن خان صدیقی*/ هادی سیف.

صنیع‌زاده، شکرالله ۵۹۷/۱

استاد مینا کار

تولد ۱۵ بهمن ۱۲۸۵ (۲۰ ذی‌الحجه ۱۳۲۴ ق.)، اصفهان.

درگذشت ۲۵ بهمن ۱۳۶۲، اصفهان.

شکرالله صنیع‌زاده فرزند عبدالمحمود غفاریان و نوادهٔ هنرمند نقاش و قلمدان‌ساز آقا میرزا عبدالحسین نجف‌پور ملقب به «صنیع همایون» در محلهٔ درب امام اصفهان دیده به دنیا گشود. دوران تحصیلات ابتدایی و اوایل متوسطه را در مدرسهٔ اقدسیه اصفهان سپری نمود و با ترک تحصیل، نزد پدر بزرگ مادری‌اش عبدالحسین صنیع همایون نقاش و مینیاتورساز دورهٔ قاجاریه شروع به آموختن میناسازی و مینیاتور نمود. وی همچنین از محضر استاد مصورالملکی، نقاش و مینیاتوریست معاصر، بهره برد و در فنون تذهیب، تشعیر، مینیاتور، نقاشی، طبیعت، صورت‌سازی، و گل و مرغ و بوته‌پردازی آشنایی و تبحر یافت. اما تخصص ویژهٔ ایشان میناسازی بود.

در ابتدای راه، با یک مهندس هنردوست آلمانی معروف به مسیو شونمان که برای راه‌اندازی بعضی کارخانجات صنعتی در اصفهان به‌سر می‌برد، موجب گردید تا از کمک او برای وارد نمودن رنگ‌های لازم و کوره و ابزار مناسب استفاده نماید و کار میناسازی را

به رونق برساند.

«نگارستان صنیع‌زاده» در اصفهان به‌عنوان نمایشگاه و فروشگاه دائمی استاد صنیع‌زاده بود. وی در نمایشگاه بین‌المللی بروکسل نیز شرکت جست و از آنجا دیپلم افتخار و مدال برنز به ارمغان آورد. همچنین تقدیرنامه‌ای از حضرت آیت‌الله العظمی حاج سید محسن حکیم دریافت نمود.

از این استاد آثار گوناگونی نیز باقی‌مانده است که در قالب تابلوهای بزرگ و برجستهٔ مینایی، تقویم، ساعت و بشقاب‌های بزرگ دیواری، گلدان، جعبهٔ قرآن، تمثال مبارک مولای متقیان و.. است. یکی از برجسته‌ترین آنها تمثالی از کودکی حضرت عیسی (ع) در آغوش مادر بزرگوارشان حضرت مریم (س) است که از نظر نوع نقاشی و کیفیت میناسازی از بی‌نظیرترین آثار مینایی جهان محسوب می‌گردد.

منابع: دایرةالمعارف زرین/ م آذینفر، ص. ۹۴۰. استاد ابوعطا، «مروری بر زندگانی هنرمند میناکار، استاد شکرالله صنیع‌زاده»، فرهنگ اصفهان، س.۱، ش.۲ و ۳ (بهار ۱۳۷۵)، ص.۳۵ـ۳۸.

طاطائی، حسینقلی ۵۹۸

نوازنده

تولد ۱۲۸۲، تهران (پل امیربهادر).

درگذشت ۲۴ تیر ۱۳۵۸.

حسینقلی طاطائی، فرزند محمدخان طاطائی ملقب به عطاءالملک، به تشویق محمدخان به فراگیری موسیقی پرداخت. از سن دوازده سالگی گوشه‌ها را نزد پدر آموخت و از سن هفده سالگی وارد مدرسهٔ موزیک نظام گردید و مدت هشت سال زیر نظر غلامرضا مین‌باشیان معروف به سالار معزز مشغول تحلیل علم موسیقی شد. طاطائی خیلی جوان بود که پدرش را از دست داد ولی برای اجرای وصیت پدر و احترام به خواستهٔ او، در بیرون مدرسه، به نزد اساتیدی چون درویش خان، علیرضا چنگی و آقا میرزا عبدالله رفت. در اوان جوانی بعد از جنگ جهانی، ابتدا در سینمای بدون ناطق پشت پردهٔ پاراوان می‌ایستاد و با نواختن ویولن فیلم را با موسیقی همراهی می‌کرد. در همین زمان در سالن گراند هتل برنامه اجرا می‌کرد.

حسینقلی طاطائی در سال ۱۳۱۹ هم‌زمان با سال تأسیس رادیو همکاری خود را با این اداره آغاز کرد و در ارکستر رامتین به نوازندگی پرداخت و از سال ۱۳۲۱ هفته‌یی دو شب دوشنبه‌ها و پنج‌شنبه‌ها ساعت ۲۲/۵ در رادیو در برنامهٔ خارج از کشور سلو می‌نواخت. وی در سال‌های ۱۳۱۷، ۱۳۲۲ و ۱۳۲۴ مسافرت‌هایی به کشورهای مصر، لبنان و عراق کرد و با برپایی کنسرت‌هایی در شناساندن موسیقی اصیل ایران نقش به‌سزایی را ایفا نمود. همچنین مسافرت‌های متعددی به اکثر شهرهای ایران جهت کنسرت و اجرای برنامه کرد که بزرگترین آن که با جلال تاج اصفهانی در اصفهان برپا نمود.

وی دارای دیپلم موسیقی از کشور فرانسه بود (۱۹۵۱)؛ همچنین کارت عضویت در مجمع آهنگسازان فرانسه به وی اعطا کردید. وی به مدت دو سال برای بار دوم در سال‌های ۱۳۴۱ تا پایان سال ۱۳۴۳ برای اجرای کنسرت و برپایی برنامه‌های هنری و شناساندن بیشتر موسیقی ایرانی به : سوریه، بلژیک، عراق، ترکیه، آلمان، هلند، اتریش، فرانسه، ایتالیا، یونان، سوئد، هندوستان، سوییس و مصر مسافرت و در اغلب مراکز رادیو و تلویزیون‌های این کشورها و در سالن‌های هنری کنسرت‌هایی برپا نمود. در قاهره نیز در مصاحبه‌یی با مجلهٔ «المصور» دربارهٔ موسیقی مشرق زمین شرکت نمود. وی در سال ۱۳۴۰ با امتیاز رسمی وزارت فرهنگ و هنر

وقت کلاس موسیقی در باغ فردوس تجریش جهت تدریس هنرآموزان موسیقی باز نمود. طاطائی تعدادی صفحه با روحانگیز، اسماعیل ادیب خوانساری، غلامحسین بنان و جلال تاج اصفهانی پر کرد و چند آهنگ نیز برای روحانگیز و تاج اصفهانی ساخت و ده صفحه هم برای رادیو آنکارا پر کرد و در مصر برای فیلمی به نام «اصحاب با سعادت» آهنگ متن ساخت. از جمله آهنگ‌هایی که وی ساخت می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: «کوه‌های طلایی ایران»؛ «شب‌های خوزستان»؛ «شب‌های شیراز»؛ «شب‌های کارون»؛ «آرایش شب»؛ «زیبا»؛ «کنار کارون» و «قلب هنرمند».

منبع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران / حبیب‌الله نصیری‌فر، جلد دوم. ص. ۶۸ـ ۷۱.

طریقی، محمد ۵۹۹

هنرمند هنرهای دستی، نقشبند و زری‌باف

تولد ۱۲۹۲، کاشان.

درگذشت مرداد ۱۳۶۰.

محمد طریقی، از سال ۱۳۰۹ با پدرش حبیب‌الله طریقی از کاشان به تهران آمد و از سال ۱۳۱۱ به تعلیم این فن پرداخت. خاندان طریقی خود را از احفاد غیاث‌الدین نقشبند یزدی زری‌باف عصر شاه‌عباس می‌دانند.

محمد طریقی کوشش‌های هنری خود را در کارگاه زری‌بافی مؤسسهٔ قالی ایران زیر نظر پدر و با عنوان معاونت کارگاه متمرکز ساخت و ضمن اشتغال به کار، تحصیلات خود را در زمینهٔ طراحی پارچه ادامه داد و به اخذ لیسانس در رشته مزبور نایل آمد.

وی سال‌های بسیاری در وزارت فرهنگ و هنر، این هنر را سرپرستی می‌کرد. طریقی از نمایشگاه بین‌المللی بروکسل نشان درجهٔ یک طلا دریافت کرده است. وی از طرف ادارهٔ هنرهای زیبا به منظور مطالعه و تحقیق در رشتهٔ زری‌بافی و مخمل‌بافی و مقایسه طرز بافندگی زری در ایران با مناطق دیگر مسافرت‌هایی به کشورهای سوریه، لبنان، فرانسه، سوییس و هندوستان داشته است.

منبع: «محمد طریقی»، آینده، س. ۷، ص. ۷۸۰ ـ ۷۸۱.

ظهوری، تقی ۶۰۰

بازیگر

تولد ۱۲۹۲، تهران.[۱]

درگذشت ۱۱ اسفند ۱۳۷۰، کرج.

تقی ظهوری فارغ‌التحصیل دورهٔ اول هنرستان هنرپیشگی تهران است که به سال ۱۳۱۸ از این مدرسه فارغ‌التحصیل شد. پس از پایان تحصیلات به خدمت وزارت دادگستری درآمد و در آن وزارتخانه به سمت کارمند مشغول خدمت گردید. تقی ظهوری از نوجوانی به هنر بازیگری علاقه‌مند شد و سرانجام به صحنهٔ تئاتر و هنربازیگری کشانیده شد. وی از سال ۱۳۱۵ با شرکت نمایشنامه‌های: «نوکر زبردست»؛ «مشهدی عباد»؛ «اشک‌های عشق»؛ «بهلول»؛ «یوسف و زلیخا»؛ «قسمت»؛ «دزد ناشی» و «خسیس» فعالیت‌های هنری خود را در صحنهٔ تئاتر تهران آغاز کرد و با شرکت در فیلم «واریتهٔ بهاری» از سال ۱۳۲۹ وارد سینما و شرکت در فیلم‌های سینمایی شد. تقی ظهوری از سال ۱۳۳۱ وارد کار دوبلهٔ فیلم‌ها شد و از سال ۱۳۳۵ برای شرکت در برنامه‌ها و نمایشنامه‌های رادیویی همکاری خود را با این مؤسسه آغاز کرد. فیلم‌های

۱. تاریخ تولد وی در *سیمای هنرمندان* و برخی منابع دیگر ۱۲۹۱ آمده است.

عمده‌یی که وی در آنها شرکت کرده عبارتند از: «زنده بادخاله» (۱۳۳۱)؛ «دختر چوپان» (۱۳۳۲)؛ «مشهدی عباد» (۱۳۳۲)؛ «میهن‌پرست» (۱۳۳۲)؛ «برای تو» (۱۳۳۴)؛ «فرزند گمراه» (۱۳۳۴)؛ «بوسهٔ مادر» (۱۳۳۵)؛ «مادموازل خاله» (۱۳۳۶)؛ «بلبل مزرعه» (۱۳۳۶)؛ «ظالم بلا» (۱۳۳۶)؛ «بهلول» (۱۳۳۶)؛ «عروس فراری» (۱۳۳۷)؛ «طلسم شکسته» (۱۳۳۷)؛ «دو قلوها» (۱۳۳۸)؛ «اول هیکل» (۱۳۳۹)؛ «در جستجوی داماد» (۱۳۳۹)؛ «شیر فروش» (۱۳۳۹)؛ «آرشین مالالان» (۱۳۳۹)؛ «ستارگان می‌درخشند» (۱۳۳۹)؛ «عروسک پشت پرده» (۱۳۳۹)؛ «گلی در شوره‌زار» (۱۳۴۰)؛ «عمو نوروز» (۱۳۴۰)؛ «بیوه‌های خندان» (۱۳۴۰)؛ «صد کیلو داماد» (۱۳۴۰)؛ «تازه به دوران رسیده» (۱۳۴۰)؛ «خروس بی‌محل» (۱۳۴۰)؛ «دختر همسایه» (۱۳۴۰)؛ «دخترها این طور دوست دارند» (۱۳۴۱)؛ «ساحل انتظار» (۱۳۴۲)؛ «آراس‌خان» (۱۳۴۲)؛ «عروس دهکده» (۱۳۴۲)؛ «مردها و جاده‌ها» (۱۳۴۲)؛ «قربانی هوس» (۱۳۴۲)؛ «نابغهٔ هفت ماهه» (۱۳۴۳)؛ «ابرام در پاریس» (مشترک با فرانسه ۱۳۴۳)؛ «لذت گناه» (۱۳۴۳)؛ «دهکدهٔ طلایی» (۱۳۴۳)؛ «شکوفه‌های امید» (۱۳۴۳)؛ «ترانه‌های روستایی» (۱۳۴۳)؛ «مو طلایی شهر ما» (۱۳۴۴)؛ «قهرمان قهرمانان» (۱۳۴۴)؛ «یک پارچه آقا» (۱۳۴۴)؛ «گنج قارون» (۱۳۴۳)؛ «خوشگل خوشگلا» (۱۳۴۴)؛ «دزد بانک» (۱۳۴۴)؛ «شانس بزرگ» (۱۳۴۴)؛ «هارون و قارون» (۱۳۴۵)؛ «حسین کرد» (۱۳۴۵)؛ «داماد فراری» (۱۳۴۵)؛ «جهان پهلوان» (۱۳۴۵)؛ «امروز و فردا» (۱۳۴۵)؛ «پروفسور نخاله» (۱۳۴۵)؛ «گدایان تهران» (۱۳۴۵)؛ «الماس ۳۳» (۱۳۴۶)؛ «طوفان نوح» (۱۳۴۶)؛ «گوهر شب چراغ» (۱۳۴۶)؛ «معجزه» (۱۳۴۶)؛ «دالاهو» (۱۳۴۶)؛ «شکوه جوانمردی» (۱۳۴۶)؛ «هفت شهر عشق» (۱۳۴۶)؛ «غروب بت‌پرستان» (۱۳۴۷)؛ «یوسف و زلیخا ــ نسخهٔ دوّم» (۱۳۴۷)؛ «ماجرای شب ژانویه» (۱۳۴۷)؛ «بر آسمان نوشته» (۱۳۴۷)؛ «دزد سیاهپوش» (۱۳۴۶)؛ «تنگهٔ اژدها» (۱۳۴۷)؛ «معجزه قلب‌ها» (۱۳۴۸)؛ «جدایی» (۱۳۴۸)؛ «دو دل و یک دلبر» (۱۳۴۸)؛ «دنیای پر امید» (۱۳۴۸)؛ «شهرآشوب» (۱۳۴۸)؛ «قسمت» (۱۳۴۹)؛ «مردی از جنوب شهر» (۱۳۴۹)؛ «سوگلی» (۱۳۴۹)؛ «دنیا مال منه» (۱۳۵۰)؛ «درخت‌ها ایستاده می‌میرند» (۱۳۵۰)؛ «بده در راه خدا» (۱۳۵۰)؛ «خوشگل محله» (۱۳۵۰). تقی‌ظهوری ناگهان دست از فعالیت‌های هنری کشید و در منزل خود در حومهٔ کرج به مطالعه و پرورش گل و گیاه پرداخت.

تقی ظهوری یازدهم اسفند ۱۳۷۰ درگذشت.

منابع: سیمای هنرمندان ایران (موسیقی، تئاتر و سینما)/ حبیب‌الله نصیری فرد، جلد اوّل، ص. ۴۳۷ ــ ۴۳۵. *فرهنگ سینمای ایران/* جمال امید، ص. ۱۷۵. *فرهنگ سینمای ایران/* حمید شعاعی، ص. ۴۳۰.

ظهیرالدینی، غلامحسین ۶۰۱

نوازنده

تولد ۱۲۹۰، تهران.

درگذشت ۱۳۶۰.

غلامحسین ظهیرالدینی پس از طی تحصیلات ابتدایی وارد هنرستان عالی موسیقی شد و بعد از گذراندن دورهٔ تحصیلات متوسطه موفق شد دیپلم خود را در رشتهٔ ساز تخصصی فلوت و موسیقی کلاسیک اخذ نماید. سپس توانست ردیف‌های موسیقی ایرانی را نیز از همسر خود که نوهٔ میرزا حسینقلی خان (نوازندهٔ تار) بود بیاموزد. پس از آن فعالیت خود را در رشتهٔ موسیقی از جمله تدریس و کار در ارکسترهای مختلف آن زمان شروع کرد. مدتی

تصدی مرکز آموزش و موسیقی را در وزارت فرهنگ و هنر به عهده داشت و مدتی هم به عنوان کارشناس موسیقی و رهبر ارکستر فعالیتش را در استان خراسان ادامه داد و موفق شد هنر اصیل موسیقی را در این استان اشاعه دهد. ظهیرالدینی علاوه بر نوازندگی فلوت به عنوان ساز تخصصی کلاسیک، در نواختن سازهای ویولن و کمانچه نیز مهارت کامل داشت.

غلامحسین ظهیرالدینی در سال ۱۳۶۰ به سبب ابتلاء به سرطان پروستات درگذشت و در امامزاده عبدالله به خاک سپرده شد.

منبع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران/ حبیب‌الله نصیری‌فر، جلد سوم، ص.۱۰۶ ـ ۱۰۹.

عبادی، احمد ۶۰۲

نوازنده

تولد ۱۲۸۵.

درگذشت ۱۷ اسفند ۱۳۷۱.

احمد عبادی، فرزند میرزا عبدالله (نخستین راوی ردیف‌ها و نوازندهٔ سه‌تار)، هنگامی بیش از هشت سال نداشت، با فراگیری ضرب به ترانه‌های ضربی موسیقی آشنا گردید و سپس شروع به آموختن سه‌تار کرد. در همین اوان پدرش وفات یافت. وی ناچار نزد خواهرانش (مولود خانم و ملوک خانم) که از تعلیمات پدر برخوردار شده بودند، اصول نوازندگی را آموخت و مدت بیش از شصت سال به نواختن آن اشتغال داشت. از وی در زمینهٔ موسیقی آثار زیادی به جا مانده است. وی در سال ۱۳۰۲ در کنسرتی در گراند هتل شرکت کرد.

احمد عبادی برای تأمین زندگی به عنوان کارمند دفتری شهربانی به خدمت دولت درآمد. بعدها به وزارت پیشه و هنر منتقل شد. احمد عبادی در سال ۱۳۳۷، هشت سال پس از تأسیس رادیو تهران، توسط لطف‌الله مجد به اسماعیل نواب که در آن زمان در رادیو مشغول به کار بود، معرفی و سپس به استخدام رادیو تهران در می‌آید. وی در برنامهٔ «گلها» کار می‌کرد.

احمد عبادی در طول عمر خود شاگردان بسیاری آموزش داد. وی همچنین از نخستین هنرمندانی بود که در سال ۱۳۶۷ از سوی شورای ارزشیابی مشاغل هنری نشان درجهٔ یک هنری (برابر دکتری) دریافت کرد. وی شیوه‌ای نوین در نواختن و کوک سه‌تار پدید آورد. سبک جدیدی وی در نواختن سه تار این بود که فاصلهٔ سیم‌ها را با صفحهٔ ساز که خیلی کم بود عوض کرد و به این ترتیب سبک نواختن سه تار تغییر کرد.

در سال ۱۳۳۷ از طرف هنرهای زیبا، با حسین ملک به پاریس برای شرکت در کنگرهٔ موسیقی بین‌المللی دعوت شد. پس از آن به ایتالیا و آلمان و اتریش هم دعوت شد و در آنجا موسیقی نواخت

منابع: «درگذشت استاد احمد عبادی»، کیهان فرهنگی، س.۱۰، ش.۱ (فروردین ۱۳۷۲)، ص.۵۸. یکرنگیان، رضا، «سه تار عبادی، تنها شد»، کلک، ش.۳۷ (فروردین ۱۳۷۲)، ص.۱۳۲ ـ ۱۳۷. *چهره‌های موسیقی ایران/* شاپور بهروزی، جلد اوّل، چاپ دوّم، ص.۱۱۳ ـ ۱۱۹. *دایرةالمعارف زرین/* ص.۹۴۹. *سرگذشت موسیقی ایران/* روح‌الله خالقی، چاپ اوّل.

عتیقی مقدم، محمدحسین ۶۰۳

صحاف سنتی

تولد ۱۲۹۱، مشهد.

درگذشت ۱۳۷۲.

محمد حسین عتیقی مقدم از همان خردسالی از پدر

و برادرش فنون صحافی را فرا گرفت. خاندان او از عهد صفوی همه در صحافی و هنر کتاب‌آرایی از استادان فن بوده‌اند و سده‌ها در آستان قدس رضوی به مرمت و صحافی قرآن و نسخ خطی پرداخته‌اند که آثار آنان در شمار شاهکارهای هنر صحافی جهان است. او نیز در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، همچون برادر، پدر، پدر بزرگ و جد اعلایش (خواجه عتیق علی منشی) به صحافی اشتغال داشت.

منبع: «پاسداشت خدمات فرهنگی و هنری زنده‌یاد استاد عتیقی»، [در بارهٔ محمد حسین عتیقی مقدم]، کیهان فرهنگی، س. ۱۰، ش. ۸ (آبان ۱۳۷۲)، ص. ۹۷.

۶۰۴ عدالت‌جو، یدالله

نقاش

درگذشت آبان ۱۳۶۳.

یدالله عدالت‌جو شاگرد حسین قوللر آقاسی و محمد مدبر بود. وی مدت چهل سال به کار مداوم در رشته نقاشی قهوه‌خانه پرداخت و در این راه یکی از چشمانش نابینا گشت. در سال‌های آخر عمر خود در واحد فرهنگی بنیاد شهید فعالیت می‌کرد. وی همچنین استاد نقاشی ساختمان و رنگ‌آمیزی و رنگ‌کاری بنا بود.

منبع: «یادنامهٔ یدالله عدالت‌جو نقاش»، فصلنامهٔ هنر، ش. ۷ (زمستان ۱۳۶۳)، ص. ۱۴۸ (برخی از آثار وی در منبع آمده است).

۶۰۵ عرب‌زاده، ابوالفتح

طراح فرش

تولد ۱۲۹۳، تبریز.

درگذشت ۲۰ بهمن ۱۳۷۵.

سید ابوالفتح عرب‌زاده که به او لقب «پدر فرش نو ایران» را داده‌اند، مشهور به «رسام»، فرزند حسین زیدی لطیفی ملقب به «سید عرب» (از شاگردان کمال‌الملک که با نقاشی و طراحی فرش روزگار می‌گذرانید) از همان کودکی با طرح‌ها و رنگ‌ها آشنا شد و هنر پدر را فرا گرفت و به قالی‌بافی روی آورد.

دوران کودکی رسام در مکتب‌خانه سپری شد. وی مقاطع دبستان و هنرستان را در تبریز به پایان رساند و برای ادامهٔ تحصیل راهی تهران شد و در هنرستان صنایع مستظرفه (هنرهای زیبا) در رشتهٔ نگارگری و چهره‌پردازی به تحصیل پرداخت. وی در تبریز نقاشی و طراحی روی فرش و در تهران نقاشی و طراحی بر روی کاشی را دنبال کرد. رسام پس از اتمام تحصیل به تبریز بازگشت و به نقاشی چهره پرداخت و سپس طراحی و نقش‌پردازی فرش را با شیوه‌ای متفاوت که شامل آفرینش طرح‌های خاص خود بود، پیشه کرد. شیوه‌های رایج بافت پاسخگوی نقش‌پردازی‌های وی نبود. لذا از گره‌هایی خاص طراحی‌های خود به کار گرفت (کاربرد چهار گره به جای یک گره). علاوه بر طراحی فرش، به هنرهای دیگری چون موسیقی، نمایشنامه، مجسمه‌سازی، خطاطی، طراحی کاشی، نقاشی رنگ و روغن و کاریکاتور نیز علاقه داشت، اما محور اصلی فعالیت‌های وی همان هنر طراحی فرش بود.

رسام عرب‌زاده در سال ۱۳۷۳ با اهدای ۶۶ قطعه فرش نفیس از مجموعه دست‌بافته‌های خود، پایه‌های اولیه تشکیل بنیادی تحت عنوان «بنیاد فرهنگی و هنری فرش رسام عرب‌زاده» را با همکاری حوزهٔ معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران ایجاد کرد.

از آثار طراحی فرش اوست: «دربار سلطان محمود»؛ «مرغان دربندش»؛ «قفس رنگ‌ها»؛ «برگ ریزان»؛ «خم معرفت»؛ «هنر در هنر»؛ «نقش

کاشی»؛ «بهرام به شکار»؛ «ساحل خیال»؛ «پنجرهٔ خیال»؛ «دختران قاسم‌آبادی»؛ «در خلوت رندان»؛ «سبوی اندیشه»؛ «رقص باده»؛ «باده‌خواران عشق» و «فتح سومنات».

استاد هم‌زمان با آخرین روز از ماه رمضان بر اثر ایست قلبی روز درگذشت و در بهشت زهرا در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شد.

منابع: طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش / شیرین صور اسرافیل، ص.۴۳۲. «طراح فرش نوین ایران استاد عرب‌زاده درگذشت»، خبرنامهٔ انجمن هنرهای تجسمی، دورهٔ دوم، ش.۱۳ (اسفند ۱۳۷۵)، ص.۱۱. سرمدی، عباس، «خاک شو تا گل برویی رنگ رنگ»، در آستانهٔ فردا، س.۳، ش.۲۶ (اسفند ۱۳۷۵)، ص.۳.

عشقی نوایی، محمد ۶۰۶

سازنده سازهای سنتی

تولد ۱۲۸۲.

درگذشت ۳۰ آذر ۱۳۶۶، تهران.

محمد عشقی نوایی، فرزند رضا، از شاگردان استاد سید جلالِ سه تارساز است. وی پس از مرگ سید جلال، ابتدا دکانی در میدان تجریش تهران، سپس به خیابان مقصودبیک نقل مکان نمود. در آنجا به ساختن سه‌تار مشغول بود.

در سال ۱۳۵۰ به‌دعوت داریوش صفوت همکاری خود را با مرکز حفظ و اشاعه موسیقی آغاز نمودو در کارگاه سازسازی مرکز به تعلیم و تربیت شاگردانی پرداخت. اما این همکاری طولی نکشید.

کارگاه کوچک وی در سیل ویرانگر تجریش تخریب شد و استاد بیش از دو ماه در بیمارستان طالقانی بستری شد. در این حادثه دست راست او صدمه دید.

محمد عشقی چهار نوع تار می‌ساخت: سه تار معمولی؛ سه تار پوستی؛ نوع کوچکتر اما با قالبی کشیده‌تر؛ سه تار کوچک با قالبی کوچکتر.

محمد عشقی نوایی در سال ۱۳۶۶ درگذشت و در قطعهٔ ۱۰۴ ردیف ۶۷ شمارهٔ ۳۸ بهشت‌زهرای تهران به خاک سپرده شد.

منابع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد سوم / حبیب‌الله نصیری‌فر، چاپ سوم، ص.۳۹۳ـ۳۹۵. *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین* / مهدی ستایشگر، جلد سوم، ص.۳۸۹ـ۳۹۱. میرعلی نقی، سید علیرضا، «جَرَس فریاد می‌دارد»، کلک، شمارهٔ ۸۳ـ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص.۳۹۰ـ۳۹۸.

غیاثی فراهانی، شاهرخ ۶۰۶/۱

مجسمه‌ساز، نقاش، بازیگر سینما

تولد شهریور ۱۳۳۱.

درگذشت آبان ۱۳۷۵، تهران.

شاهرخ غیاثی فراهانی فارغ التحصیل رشتهٔ سینما از دانشکدهٔ هنرهای دراماتیک بود. وی مدتی به بازیگری در تئاتر و عروسک‌گردانی پرداخت و از سال ۱۳۶۳ آموزش نقاشی را نرد استادش آیدین آغداشلو آغاز کرد. اولین حضور در سینما، بازی در فیلم «موج طوفان» (۱۳۶۰) بود. او سال‌ها بعد با بازی در فیلم «بلندی‌های صفر» ساختهٔ حسینعلی فلاح لیالستانی توانایی خود را در بازیگری نشان داد.

«ماه مهربان» ساختهٔ قاسم جعفری آخرین تجربهٔ حضور او در سینما بود.

زمینهٔ اصلی فعالیت شاهرخ غیاثی، نقاشی و مجسمه‌سازی بود و نخستین بار در سال ۱۳۶۸ در یک نمایشگاه جمعی در موزهٔ هنرهای معاصر برای حمایت از زلزله‌زدگان رودبار شرکت کرده بود.

شاهرخ غیاثی فراهانی بر اثر سانحه حین تمرین فیلم سینمایی درگذشت. پیکر وی در بهشت زهرا در

قطعه هنرمندان و نویسندگان به خاک سپرده شد.

منبع: مجلهٔ اطلاعات هفتگی.

فاطمی، نظام ۶۰۷

فیلمنامه‌نویس، کارگردان

تولد ۱۳۱۰، آشتیان.

درگذشت ۳۱ تیر ۱۳۷۳.

نظام فاطمی، فرزند علی‌اصغر، در روستای «آهو» از توابع تفرش متولد شد؛ دوران کودکی را زیر نظر پدرش طی کرد. تحصیلات متوسطه را در دبیرستان حکیم نظامی قم گذراند. در دوران نوجوانی فعالیت ادبی خود را آغاز کرد و اولین اشعار خود را در سن شانزده سالگی سرود؛ تعدادی از اشعارش در مجله‌های «روشنفکر» و «سپید و سیاه» به چاپ رسید. به موازات آن به نوشتن نمایش و ترانه‌سرایی برای رادیو (در دههٔ ۱۳۳۰ و بیش از سیصد و پنجاه ترانه) نیز پرداخت. از جمله این ترانه‌ها می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: «صدف»؛ «من و آینه»؛ «عیش و نوش»؛ «حاصل عشق»؛ «غروب دهکده»؛ «جام طلا»؛ «صدای آشنا»؛ و «گذشت عمر».

نظام فاطمی که فارغ‌التحصیل رشتهٔ ادبیات از دانشگاه تهران بود در سال ۱۳۳۸ با نوشتن فیلمنامهٔ «دو قلوها» فعالیت سینمایی خود را آغاز کرد و فیلم «بیوه‌های خندان» نخستین فیلمی بود که علاوه بر نوشتن فیلمنامه، کارگردانی آن را بر عهده گرفت. از آن پس تنها به فعالیت در سینما پرداخت. در سال ۱۳۵۵ براساس قصه‌های **هفت پیکر** نظامی گنجوی، به ساختن یک مجموعهٔ تلویزیونی پرداخت که نیمه کاره رها کرد. تنها فیلم او پس از انقلاب «زنگ اوّل» (۱۳۶۴) بود. فاطمی سال‌های آخر عمر را با مطالعهٔ متون پهلوی، گردآوری ادبیات پندآمیز نظامی در مجموعه‌ای که آن را ***بوستان نظامی*** نامیده بود و سرودن شعر می‌گذراند.

عمده فیلم‌های وی به این شرح هستند: «فردا روشن است» (نویسنده، ۱۳۳۹)؛ «بیوه‌های خندان» (کارگردان، نویسنده، ۱۳۴۰)؛ «گرگ‌های گرسنه» (نویسنده، ۱۳۴۱)؛ «مرد میدان» (نویسنده، ۱۳۴۲)؛ «دهکدهٔ طلایی» (کارگردان، نویسنده با همکاری اسماعیل پورسعید، ۱۳۴۳)؛ «کمین‌گاه شیطان» (کارگردان، نویسنده، ۱۳۴۳)؛ «شیطون بلا» (کارگردان، نویسنده، تهیه‌کننده با مشارکت موسی افشار و جمشید شیبانی، ۱۳۴۴)؛ «هارون و قارون» (کارگردان، نویسنده، ۱۳۴۵)؛ «زن‌ها و شوهرها» (کارگردان، نویسنده، ۱۳۴۶)؛ «گردباد زندگی» (کارگردان، نویسنده با همکاری پرویز نوری و جمال امید، ۱۳۴۷)؛ «سالار مردان» (کارگردان، ۱۳۴۷)؛ «مرید حق» (کارگردان، ۱۳۴۹)؛ «شوهر پاستوریزه» (نویسنده، ۱۳۵۰)؛ «قصاص» (کارگردان، ۱۳۵۰)؛ «مهدی مشکی و شلوارک داغ» (کارگردان، ۱۳۵۱)؛ «استوار و پاسبان» (کارگردان، ۱۳۵۱)؛ «کاکل‌زری» (کارگردان، ۱۳۵۱)؛ «مردان خلیج» (کارگردان، ۱۳۵۱)؛ «قربون هر چی خوشگله» (کارگردان، نویسنده، ۱۳۵۲)؛ «دختران بلا مردان ناقلا» (کارگردان، ۱۳۵۳)؛ «دروغگوی کوچولو» (کارگردان، ۱۳۵۳)؛ «پاشنه طلا» (کارگردان، ۱۳۵۴)؛ «حسرت» (کارگردان، ۱۳۵۴)؛ «راز» (کارگردان، نویسنده، ۱۳۵۵)؛ «کلام حق» (کارگردان، ۱۳۵۶)؛ «زنگ اوّل» (کارگردان، ۱۳۶۴).

منابع: «نظام فاطمی درگذشت»، فیلم، س.۱۲، ش.۱۶۳ (شهریور ۱۳۷۳)، ص.۱۹. *مردان موسیقی سنتی و نوین ایران*/ حبیب‌الله نصیری‌فر، جلد سوّم، ص.۵۰۴. *فرهنگ سینمای ایران*/ جمال امید، ص.۱۸۸. *فرهنگ سینمای ایران*/ حمید شعاعی، ص.۴۴۷.

۶۰۸ فرادی، عبدالله

خوشنویس

تولد ۱ شهریور ۱۳۰۶، تهران (هشت گنبد).
درگذشت ۷ مرداد ۱۳۷۵، تهران.

عبدالله فرادی پس از گذراندن مدارج ابتدایی و بالاتر به مدرسهٔ فرانسوی‌ها رفت. در سال ۱۳۲۵ معقول و منقول را تمام کرد. سپس به دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران رفت. رشتهٔ قضاء را به اتمام رساند و بعد از طی این دوره توانست به تحصیل ادبیاتَ و زبان فرانسه از طریق انجمن فرهنگی ایران و فرانسه بپردازد و موفق به دریافت مدرک لیسانس از دانشگاه سُربُن شود. پس از آن در وزارت دادگستری و وزارت آموزش و پرورش مشغول به کار شد. سرانجام به مستشاری دیوان کیفری رسید. پس از بازنشستگی به همکاری با انجمن خوشنویسان ایران پرداخت و علاوه بر تدریس و تعلیم عملی آموزش خوشنویسی کلاس‌های نظری انجمن نیز به عهدهٔ وی بود.

وی در کودکی نزد غلامرضا خوشنویس پاکنهاد شاگردی کرد؛ سپس از عماد طاهری معروف به عمادالشریعه بهره برد. وی همچنین از علی مخصوص و نیز علی آقا حسینی استفاده برد؛ در جوانی هم از محضر استاد علی اکبر کاوه بهره برد. وی سرانجام از محضر سید حسن میرخانی ملقب به سراج الکتاب بهره‌ها برد. از جمله آثار خوشنویسی به یاد مانده از وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: فرمان مالک اشتر، ***مخزن الاسرار***، ***مرآت العارفین*** شیخ شاهرودی.

عبدالله فرادی در مرداد ۱۳۷۵ درگذشت و کالبد وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ به خاک سپرده شد.

منابع: «عروس قلم»، بروشور رنگی که به مناسبت چهلمین روز درگذشت عبدالله فرادی توسط انجمن خوشنویسان حاوی تصاویری از آثار این استاد به تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۷۵ منتشر شده است. «یادی از درگذشتگان: خوشنویس گرانقدر، مرحوم استاد عبدا.. فرادی»، کلک مشکین، ویژه نخستین جشنواره خوشنویسی جهان اسلام، ش.۳ (۲۳ فروردین ۱۳۷۶)، ص.۸. «گزارش مراسم چهلمین روز درگذشت استاد عبدالله فرادی»، گزارشنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ش.۱۰ (شهریور ۱۳۷۵)، ص.۱۱ ـ ۱۶.

۶۰۹ فرشود، فرشید

بازیگر

تولد ۱۳۲۴، لنگرود.
درگذشت ۶ مرداد ۱۳۷۰.

فرشید فرشود در حدود سال ۱۳۵۰ فعالیت هنری‌اش را در تئاتر آغاز کرد. سپس در سال ۱۳۵۵ به تهران آمد و به گروه تئاتری «خلیل موحد دیلمقانی» پیوست و هم‌زمان در تلویزیون با بازی در مجموعهٔ «ملا نصرالدین» به کار پرداخت که فعالیت تئاتری‌اش تا اواخر عمر ادامه داشت. وی در چند فیلم سینمایی از جمله «بوف کور» (کیومرث درم‌بخش) «هیولای درون» (خسرو سینایی) و تعداد بسیاری فیلم، مجموعه و نمایش تلویزیونی هم بازی کرد. در اواخر عمر به سبب بیماری عصبی دیگر از وی استفاده نمی‌شد و همین باعث شد در اوج تنگدستی فوت کند.

منبع: «یک بازیگر قدیمی در اوج تنگدستی درگذشت»، ماهنامهٔ سینمایی فیلم، س.۹، ش.۱۱۰ (شهریور ۱۳۷۰)، ص.۱۲.

۶۱۰ فرنام، محمود

نوازنده

تولد تبریز.
درگذشت زمستان ۱۳۷۲.

محمود فرنام نوازندهٔ دف بود. وی در مکتب موسیقی تبریز کار کرد و بر حفظ اصالت و پاکی موسیقی اصیل ایرانی تأکید فراوان داشت. فرنام افزون بر آنکه با شاعر دورهٔ مشروطیت، عارف قزوینی هم‌عصر بود، با ابوالحسن صبا رفت و آمد داشت. همچنین از این هنرمند تبریزی کارهای هنری در جشنواره‌های جهانی عرضه شده است.

منبع: «درگذشت استاد حاج محمود فرنام»، کیهان فرهنگی، س. ۱۰، ش. ۱۰ (دی ۱۳۷۲)، ص. ۶۷.

۶۱۱ فکری ارشاد، غلامعلی

نویسنده، بازیگر

تولد ۱۲۸۰، تهران.[۱]

درگذشت مهر ۱۳۶۴، تهران.

غلامعلی فکری ارشاد، مشهور به معزالدین فکری، فارغ‌التحصیل مدرسهٔ سن‌لویی تهران است. او نخستین کار نمایشی خود را با نمایشنامهٔ «رستاخیز و بچهٔ گدا» اثر میرزادهٔ عشقی در گراند هتل آغاز کرد. از سال ۱۲۹۵ در تئاتر ملی بازی می‌کرد. در سال ۱۳۰۰ به کمک حسن مقدم، جمعیت ایران جوان را تأسیس کرد[۲] و نمایشنامهٔ «جعفرخان از فرنگ آمده» را بر روی صحنه برد در سال ۱۳۰۳ پس از مدتی نزد علی‌نقی وزیری بود و به تدریس در هنرستان ملی موسیقی مشغول شد. در سال ۱۳۱۸ مدتی نیز در هنرستان هنرپیشگی تهران مشغول گردید. نمایش‌های عمدهٔ دیگری که در آنها ایفای نقش کرده است به این شرح است: «آپاندیسیت»؛ «ابن سلام در جهنم»؛ «ابومسلم خراسانی»؛ «اتومبیل دوج»؛ «ارنانی»؛ «اسکاندال»؛ «اصلی و کرم»؛ «انتقام مادر»؛ «بدگمان»؛ «پریچهر و پریزاد»؛ «تاجر ونیزی»؛ «تراژدی رستم و سهراب»؛ «تریستان و ایزوت»؛ «جرح و تعدیل»؛ «جنگ زرگری»؛ «حلقه نامزدی»؛ «خلیفه یک روزه»؛ «دختر قرن بیستم»؛ «رومئو و ژولیت»؛ «رؤیای مجنون»؛ «زن لال»؛ «سودابه و سیاوش»؛ «شب‌های تیره»؛ «عدالت هارون‌الرشید»؛ «عشق و آزادی»؛ «علاءالدین»؛ «غیاث خشت‌مال»؛ «گلرخ»؛ «لیلی و مجنون»؛ «ماهپاره»؛ «موسی و فرعون»؛ «نادر شاه»؛ «هردم بیل». در سال ۱۳۳۵ پس از چهل سال، از فعالیت نمایشی کناره‌گیری کرد وی در گسترش تئاتر عامیانه و نظام‌بخشی به ضوابط آن نقش اساسی داشت.

فکری در سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴ به فعالیت‌های سینمایی روی آورد. در سال ۱۳۳۰ فیلم «خواب‌های طلایی» را بر اساس فیلمنامه‌ای به قلم خودش جلوی دوربین برد و یکی از نقش‌های اصلی آن را نیز بازی کرد. عمده فیلم‌های دیگر او به این نام‌ها هستند: «دختر چوپان» (بازیگر، نویسنده، کارگردان، ۱۳۳۲)؛ «دختر سرراهی» (بازیگر، نویسنده، کارگردان، ۱۳۳۲)؛ «میلیونر» (نویسنده، ۱۳۳۳)؛ «زندگی شیرین است» (بازیگر، ۱۳۳۵)؛ «بلبل مزرعه» (بازیگر، ۱۳۳۵)؛ «گرگ صحرا» (بازیگر، ۱۳۴۰)؛ «اهریمن زیبا» (بازیگر، ۱۳۴۱)؛ «لاله آتشین» (بازیگر، ۱۳۴۱)؛ «دل‌های بی‌آرام» (بازیگر، ۱۳۵۰).

وی سپس فعالیت سینمایی را کنار گذاشت. از سال ۱۳۶۱ به سبب سکتهٔ قلبی در خانه‌اش بستری بود و سرانجام در مهر ۱۳۶۴ درگذشت.

منابع: «معزالدین فکری»، کیهان سال ۱۳۶۴، ۳۱. «معزالدین فکری درگذشت»، ماهنامهٔ سینمایی فیلم، س. ۲، ش. ۳۱ (آذر ۱۳۶۴)، ص. ۱۰. *فرهنگ سینمای ایران* / جمال امید،

---

۱. در *فرهنگ سینمای ایران* تاریخ تولد وی ۱۲۷۹ آمده است.

۲. در کتاب *تاریخ رجال و مشاهیر ایران* آمده است که وی عضو «جمعیت بیداری نسوان» نیز بوده است و در رد حجاب نیز قلمفرسایی کرده است.

ص.۱۹۹. *زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ــ۱۳۲۰ هـ ش.)*، جلد پنجم، (غ ــ ل)/ حسن مرسلوند، ص.۱۲۲ ــ ۱۲۳.

۶۱۲ فلاحت‌پور، مهدی

تصویربردار

تولد ۱۳۴۳.

شهادت ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۱، لبنان.

مهدی فلاحت‌پور دانشجوی سال سوم رشتهٔ تصویربرداری دانشکدهٔ سینما تئاتر مجتمع دانشگاهی هنر بود. از سال ۱۳۶۶ وارد گروه تلویزیونی جهاد سازندگی شد. تصویربرداری چند قسمت از مجموعهٔ «روایت فتح» و فیلم‌های «با من سخن بگو دوکوهه»، «دستهٔ ایمان»، «عکاسان جنگ»، و مجموعه‌های «گنجینهٔ سبز» و «سراب» از جمله کارهای اوست.

مهدی فلاحت‌پور برندهٔ دیپلم افتخار و جایزهٔ بهترین فیلمبرداری، در بخش فیلم ــ فیلمبرداری برای مجموعهٔ فیلم «روایت فتح»از ششمین جشنوارهٔ ادبی هنری روستا که در سال ۱۳۷۱ در تهران برگزار گردید، شده است.

بهروز فلاحت‌پور که عضو گروه تصویربرداران مجموعهٔ «روایت فتح» بود، روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۱ در پی مأموریتی از سوی شبکهٔ دوّم سیمای جمهوری اسلامی ایران به لبنان سفر کرده بود، هنگام تصویربرداری در جریان تهاجم هواپیمای جنگندهٔ اسرائیلی به شهادت رسید.

منبع: «شهادت یک سینماگر بهروز فلاحت‌پور»، فیلم، ش.۱۲۶ (مرداد ۱۳۷۱)، ص.۱۱.

۶۱۳ فنی‌زاده، پرویز

بازیگر

تولد ۷ بهمن ۱۳۱۶، تهران.

درگذشت ۵ اسفند ۱۳۵۸، تهران.

پرویز فنی‌زاده پس از تحصیلات متوسطه از سال ۱۳۳۴ در مؤسسهٔ «اطلاعات» با عناوین حروفچین، مصحح و ویراستار مشغول به کار شد.

پرویز فنی‌زاده کار بازیگری ابتدا در یک گروه تئاتر آماتور از سال ۱۳۳۵ و سپس در سال ۱۳۳۷ با شرکت در کلاس‌های هنرستان هنرهای دراماتیک آغاز کرد و سپس گروه تئاتر «گل سرخ» را تشکیل داد، در ادامهٔ کار خود و در سطحی بالاتر با حمید سمندریان همکاری نمود. در سال ۱۳۴۰ از او دعوت شد تا در گروه حرفه‌ای تئاتر پازارگاد مشغول به کار شود که در نمایش «پولوفت شبه کوچک» (۱۳۴۰) ایفای نقش سپس از روزنامهٔ «اطلاعات» استعفا داد و به حرفهٔ بازیگری تئاتر پرداخت. در سال ۱۳۴۵ فنی‌زاده هم‌زمان با تحصیلات عالی در رشتهٔ تئاتر، در ادارهٔ هنرهای دراماتیک (ادارهٔ برنامه‌های تئاتر) استخدام شد. از جمله نمایش‌های عمدهٔ وی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: «حسن کچل»، «زاویه»، «پرواربندان»، «دیکته»، «مرده‌های بی‌کفن و دفن»، «باغ وحش شیشه‌ای»، «طبیب اجباری»، «استثناء و قاعده»، «سرگذشت مرد خسیس»، «سرباز لافزن»، «جعفرخان از فرنگ برگشته»، «آی بی‌کلاه، آی با کلاه»، «چوب به‌دست‌های ورزیل»، «شش شخصیت در جستجوی نویسنده»، «ماجرای باغ وحش»، «یک نوکر و ارباب»، «خر با بار نمک»، «خبرچین»، «استحاله»، «جایی که صلیب گذاشته‌اند»، «قطار سریع‌السیر سانتیگو»، «دست بالای دست»، «خوشا به‌حال بردباران».

اولین فعالیت سینمایی بازی در فیلم «خشت و آیینه» به کارگردانی ابراهیم گلستان در سال ۱۳۴۴

بود. عمدهٔ فیلم‌هایی که وی در آن بازی کرده است بـه ایـن شـرح است: «گـاو» (۱۳۴۸)؛ «غـریبه» (۱۳۵۱)؛ «رگبار» (۱۳۵۱، جوایز بهترین بازیگر مرد در جشنوارهٔ سپاس و جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم تهران برای بازی در این فیلم به وی داده شد)؛ «تنگسیر» (۱۳۵۲)؛ «قربون هر چی خوشگله» (۱۳۵۲)؛ «بوف کـور» (۱۳۵۴)؛ «گـوزن‌ها» (۱۳۵۴)؛ «شـام آخـر» (۱۳۵۵)؛ «جـمعه» (۱۳۵۶)؛ «تـپه ۳۰۳» (۱۳۵۶، نمایش داده نشد)؛ «سرخـپوست‌ها» (۱۳۵۸)؛ «بـاغ بـلور» (۱۳۵۸)؛ «قـدغن» (۱۳۵۹)؛ «اعـدامـی» (صحنه‌های باقی‌ماندهٔ نقش او را رضا کـرم‌رضـایی بازی کرد، ۱۳۶۰). مجموعه‌های تـلویزیونی کـه در آنها ایفای نقش کرده است به این شرح است: «دایی جان نـاپلئون» (۱۳۵۵/۵۶، در نـقش مش قـاسم)؛ «سلطان صاحبقران» (۱۳۵۶)؛ «سفر بهاری» (زندگی صادق هدایت، ۱۳۵۶).

فنی زاده در سال ۱۳۵۸ در حین بازی در فیلم سینمایی «اعدامی» بـه کـارگردانـی بـاقر خسـروی به‌سبب بیماری درگذشت. او که در یک سانحه دچار آسیب دیدگی شده بود، به خاطر ادامهٔ حضور در فیلم سینمایی «اعدامی» در منطقهٔ آلوده به‌سبب عفونت زخم‌هایش راهی بیمارستان شد و سرانجام در ساعت ۷ صـبح روز یکشـنبه پـنجم اسـفندماه ۱۳۵۸ در گذشت.

پس از فوت به وی درجهٔ دکـترایِ هـنری داده شد.

منابع: «یادها و خاطره‌ها»، سینما تئاتر، س. ۲، ش. ۶ (شهریور ۱۳۷۴)، ص. ۱۵ ـ ۱۷. *فرهنگ سینمای ایران* / جـمال امـید، ص. ۲۰۱.

تصویربردار، کارگردان

تولد ۱۳۰۶، تهران.

درگذشت ۸ دی ۱۳۷۴، تهران.

مهدی امیر قاسم‌خانی مشهور به «خانی» در سـال ۱۳۰۶ در تهران مـتولد شـد و پس از تـمام کـردن تحصیلات خود در مدرسهٔ صنعتی به نواختن ویولن پرداخت. آشنایی با عطاءالله زاهد، احمد شـیرازی و احمد مغازه‌ای باعث شد به سـینما و صـداپـیشگی علاقه‌مند شود. او با همکاری سـه تـن اسـتودیوی «آریا فیلم» را تأسیس کرد و نخستین فیلمی که در آن استودیو صدابرگردانی شد فیلم «آهنگ شهرزاد» بود. بعدها به استودیو «ایران نو فیلم» رفت و در آن جا تصویربرداری را آموخت و نـخستین فـیلمی کـه تصویربرداری کرد «اشتباه» (۱۳۳۱، منصور مـبینی) بود که در فروردین ۱۳۳۲ در سینما مایاک به نمایش درآمد. خانی بعدها به «استودیو عصر طلایی» رفت و سـه فـیلم عـطاءالله زاهـد را تـصویربرداری کـرد و همچنین تصویربردار بسیاری از فیلم‌های امین امینی بود؛ از جمله: «فرزند گـمراه» (۱۳۳۴)، «مـادموازل خـاله» (۱۳۳۶) و «سـایه» (۱۳۳۸). وی هـمچنین تصویربرداری «هفده روز به اعدام» (۱۳۳۵، هوشنگ کاوسی)، «روزنـهٔ امـید» (۱۳۳۷، سـردار سـاگـر) و «پیمان» (۱۳۳۹، مهدی رئـیس فـیروز) را بـه‌عهده گرفت. در سال ۱۳۳۹ «آخرین هوس» را کارگردانی کرد ولی تا آخر عمرش فقط شش فیلم را کارگردانی که «حادثه‌جویان» (۱۳۴۹) آخرین فیلمش در مقام کارگردانی بود. خانی ۵۸ فیلم ایرانی را تصویربرداری کرد و آخرین کارش «سه ماه تعطیلی» (۱۳۵۶، شاپور قـریب) بـود. وی هـمچنین مـجموعهٔ تـلویزیونی «مسـتنطق» (۱۳۵۶، عـبـاس جـوانـمرد) را تصویربرداری کرد که هرگز به نمایش درنیامد. جلال مقدم از او برای تـصویربرداری «راز درخت سـنجد»

(۱۳۵۰) دعوت کرد و دو سال بعد فیلم «قیامت عشق» (هوشنگ حسامی) را تصویربرداری کرد. خانی در سال‌های آخر عمرش اغلب در بستر بیماری بود.

منبع: «خانی فیلمبردار قدیمی سینمای ایران درگذشت»، ماهنامهٔ سینمایی فیلم، س. ۱۴، ش. ۱۸۴ (بهمن ۱۳۷۴)، ص. ۲۴.

قدسی، منوچهر ۶۱۵

خوشنویس

تولد ۱۳۱۲.

درگذشت ۱۳۷۵.

از هشت‌سالگی تا پانزده سالگی در محضر جد بزرگوارش میرزا عبدالحسین ــ که در خطوط نسخ و ثلث و رقاع قلمی توانا داشت ــ تعلیم نظری و عملی خط دید.

استاد سپس در خدمت میرزا اسدالله رجالی که از نستعلیق‌نویسان اصفهانی بود به فراگیری هنر خوشنویسی مشغول شد. بعدها وقتی به تهران آمد، از سرمشق اساتید انجمن آن زمان بهره گرفت.

قدسی نخست در دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه زبان عربی و صرف و نحو را در محضر عموی پدرش میرزا حسن آموخت و سپس در مدرسهٔ صدر اصفهان در دوران متوسطه به فراگیری این علوم زیر نظر اساتیدی چون بدرالدین کتابی و محمد صدر هاشمی پرداخت.

قدسی دوران تحصیل دانشگاهی را در دانشگاه تهران در رشتهٔ ادبیات فارسی به پایان رسانید. وی تحت تأثیر استاد جلال‌الدین همایی قرار گرفت و در مقدمهٔ کتاب **شعوبیه** شرح نسبتاً مفصلی از حالات شخصی و افکار و خاطرات استاد همایی نوشت. وی از سال ۱۳۴۳ در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه اصفهان به تدریس مشغول شد و موضوع تاریخ تکامل خطوط اسلامی از جمله دروس ایشان بود. ایشان در دانشگاه آزاد اصفهان و دانشگاه پیام نور به کار آموزش مشغول بود. ایشان آثاری در بارهٔ تاریخ خط و خوشنویسی و آثار خوشنویسان و ادبیات و مسائل فرهنگی و هنری دارد.

منبع: «گلگشتی در باغ دلگشای هنر خوشنویسی، معرفی مجموعهٔ استاد منوچهر قدسی»، فصلنامهٔ چلیپا (نشریهٔ خط و خوشنویسی و هنرهای سنتی)، ش. ۲ (زمستان ۱۳۷۰)، ص ۱۳۱ ــ ۱۴۳.

قره‌داش، امیر ۶۱۶

نوازنده

تولد ۱۳۰۹، تهران.

درگذشت ۳ آبان ۱۳۷۱، تهران.

امیر قره‌داش از هشت سالگی ابتدا با نی‌لبک و فلوت آشنا شد. پس از مدتی که از نواختن و تا حدود فراگیری این ساز گذشت، به سراغ سنتور رفت و از این زمان به سازهای سیمی علاقه‌مند گردید و پس از چندی به یادگیری ویولن پرداخت. امیر قره‌داش در هیجده سالگی تعلیمات مقدماتی ویولن را نزد یکی از شاگردان ابوالحسن صبا آموخت تا ردیف سوم را فرا گرفت ولی پس از چندی نزد عباس شاپوری رفت.

امیر قره‌داش زمانی که برنامه به طور زنده از مرکز بی‌سیم جاده شمیران پخش می‌شد همکاری خود را با ارکستر عباس شاپوری آغاز کرد. پس از چندی وی در ارکسترهای شمارهٔ چهار و در سال ۱۳۴۳ ارکستر شما و رادیو و ارکستر رامتین و ارکستر باربد و تا سال ۱۳۵۸ در ارکستر سازهای ایرانی به رهبری مهدی مفتاح همکاری کرد. وی همچنین در

شهرهای مختلف ایران به اجرای کنسرت پرداخت و تحت قراردادهای فرهنگی و هنری بین ایران و کشورهای جهان به کشورهای آلمان، ترکیه و آمریکا عزیمت نمود.

امیر قره‌داش بر اثر سکته و درد ریوی دار فانی را وداع گفت و در بهشت زهرا قطعهٔ ۷۶ ردیف ۶۹ شمارهٔ ۵۹ به خاک سپرده شد.

منبع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد سوم/ حبیب‌الله نصیری‌فر، چاپ سوم ص.۲۶۴ ـ ۲۶۵.

قوامی (فاخته‌ای)، حسین ۶۱۷

نوازنده

تولد ۱۲۸۸، تهران.

درگذشت ۱۷ اسفند ۱۳۶۸، تهران.

حسین قوامی مشهور به «فاخته‌ای»، فرزند رضاقلی، تحصیلات ابتدایی را در دبستان ترغیب و تحصیلات متوسطه را (تا سوم متوسطه) در دبیرستان قاجاریه انجام داد و سپس به خدمت نظام وظیفه اعزام شد. ولی در حین خدمت نظام وظیفه به تحصیلات خود ادامه داد؛ پس از طی آموزشگاه افسری وارد خدمت ارتش شد و تا درجهٔ سرهنگ دومی ارتقا یافت. وی از چهارده سالگی به موسیقی علاقه‌مند شد و مدتی نزد برادرش علی، تار مشق کرد؛ بعدها نزد حسین اسماعیل‌زاده مدت پنج سال به تمرین خواندن آواز و ردیف موسیقی ایرانی پرداخت. بین سال‌های ۱۳۰۴ ـ ۱۳۰۵ نزد عبدالله حجازی به فراگیری فن آواز پرداخت و این کار را به مدت شش الی هفت سال متوالی دو بار در هفته ادامه داد. وی همچنین از وجود حبیب سماعی و نورعلی برومند بهره‌ها گرفت.

در سال ۱۳۲۵ بود که بنا به دعوت حسینقلی مستعان رییس تبلیغات و انتشارات وقت به رادیو رفت و چون در کسوت نظام بود ابتدا به نام خوانندهٔ ناشناس به مدت شش ماه برنامه اجرا می‌کرد تا اینکه خالقی نام مستعار «فاخته‌ای» را برای ایشان انتخاب کرد. همکاران حسین در شروع کار برادران وفادار مجید و حمید بودند که در سال ۱۳۱۲ پس از اتمام خدمت وظیفه با آنان آشنایی به هم زده بود. مجید وفادار نوازندهٔ چیره‌دست ویولن و حمید وفادار نوازندهٔ زبردست تار بودند. این همکاری تا سال ۱۳۲۹ که قوامی به مأموریت خارج از تهران اعزام شد ادامه یافت. غیبت وی تا سال ۱۳۳۷ ادامه یافت. در این سال بود که قوامی بنا به دعوت سرپرست «گلها» مجدداً به اجرای برنامه پرداخت. قوامی در حدود ۲۲۰ برنامه در «گل‌های جاویدان»، «گل‌های رنگارنگ»، «برگ سبز»، «شاخه گل» و «گل‌های تازه» شرکت جست. قوامی تا سال ۱۳۴۱ که در سن ۵۳ سالگی از ارتش بازنشسته شد، به نام «فاخته‌ای» برنامه اجرا می‌کرد ولی از آن پس تا سال ۱۳۵۴ که از رادیو نیز کناره گرفت برنامه‌هایش به نام حسین قوامی پخش شد.

پیکر وی در کنار آرامگاه غلامحسین بنان و عبدالعلی وزیری در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

منابع: تجویدی، علی، «درگذشت حسین قوامی»، ادبستان، ش.۴ (فروردین ۱۳۶۹)، ص.۲۹. ***چهره‌های موسیقی ایران/*** شاپور بهروزی، چاپ دوم، ص.۴۸۶. میرعلینقی، علیرضا، «حسین قوامی (فاخته‌ای)»، آینده، س.۱۶، ص.۶۰۴ ـ ۶۰۵

کاشانی، علی اشرف ۶۱۸

نگارگر

تولد ۱۲۸۰، کاشان.

درگذشت ۱۳۶۱.

علی اشرف کاشانی پس از پایان تحصیلات ابتدایی به تذهیب و طراحی فرش علاقه‌مند شد و مدت

چهار سال زیر نظر محمد تقی مصطفوی اصول رنگ‌آمیزی و نقطه‌چین و سپس زیر نظر میرزا محمود خان مصوری اصول طراحی را فرا گرفت. سپس در ادارهٔ شرق به استخدام مؤسسهٔ قالی در آمد و به تهران آمد.

وی ابتدا برای ایجاد شعبه نقشه‌کشی قالی به قم و سپس به دعوت فرماندار قزوین برای نقشه‌کشی و بهبود قالی بدانجا رفت. دامنه این فعالیت‌ها تا سال ۱۳۰۸ در گیلان نیز ادامه یافت. در سال ۱۳۱۷- به کانون استادان و هنرمندان ادارهٔ هنرهای زیبا پیوست و زیر نظر درودی به آموزش تذهیب پرداخت. در همین دوران طرح‌هایی برای قالی‌های کاخ اختصاصی و تذهب اوراق احکام تهیه کرد. از این هنرمند، آثاری در موزهٔ هنرهای ملی محفوظ است.

منبع: طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش / شیرین صور اسرافیل، ص. ۴۵۴.

کامکار، حسن ۶۱۹

موسیقیدان

تولد ۱ فروردین ۱۳۰۲، سنندج.

درگذشت بهار ۱۳۷۱.

حسن کامکار از اوان کودکی به موسیقی علاقه داشت. او اولین بار با خرید «سه‌تار»ی از نوازنده‌ای نابینا و نواختن آن به دنیای موسیقی گام نهاد. در دوازده سالگی در مدرسهٔ «موزیک نظام» استخدام شد. در آنجا با انواع سازهای بادی آشنا شد. بعدها ویولن را به عنوان ساز اصلی برگزید. حسن کامکار سالیان درازی را به جمع‌آوری و تدوین و ساختن آهنگ و نغمه و ترانه‌های فولکلور کردی و نت‌نویسی موسیقی پرداخت. وی بیش از ۴۰۰ قطعه و ترانه ساخت.

حسن کامکار کلاسی تأسیس کرد که در آن آموزش موسیقی را عهده‌دار بود و این کلاس بعدها، محل کانون هنری شد که زیر نظر ادارهٔ فرهنگ و هنر کردستان درآمد و حجم فعایت‌های موسیقی در این کانون گسترش یافت و صاحب سه ارکستر شد و ثانیاً مسئولان وقت را وادار به تأسیس هنرستان عالی موسیقی کرد.

حسن کامکار بعد از یکی از مدت طولانی بیماری و بستری شدن درگذشت.

منابع: کیهان فرهنگی، س. ۹، ش. ۳ (خرداد ۱۳۷۱)، ص. ۴۹. *مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد اوّل* / حبیب‌الله نصیری‌فر، ص. ۵۳۴ـ۵۳۶. *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین* / مهدی ستایشگر، جلد سوم، ص. ۴۴۸.

کاوه، علی اکبر ۶۲۰

خوشنویس

تولد ۱۳۱۲ ق.، شیراز[1].

درگذشت ۶ شهریور ۱۳۶۹، تهران.

علی اکبر کاوه، فرزند علی محمد خان شیرازی، از کودکی به مشق خط پرداخت. سپس نزد استادانی به تکمیل هنر خود پرداخت. مدتی نیز نزد میرزا محمدحسین سیفی قزوینی (عمادالکتاب) به مشق و به‌ویژه خط نستعلیق پرداخت.

استاد از سال ۱۲۹۸ به سمت منشی مخصوص وزیر در وزارت دارایی به خدمت مشغول شد و پس از چندی بر حسب دعوت یحیی قراگزلو (اعتمادالدوله) وزیر فرهنگ وقت از وزارت دارایی به وزارت فرهنگ منتقل گردید و سال‌های متمادی در دبیرستان‌های تهران از قبیل: دارالفنون، ثروت، سیروس کالج،

۱. در ویژه‌نامهٔ شمارهٔ ۳ دومین کنگرهٔ خوشنویسان تاریخ تولد وی ۱۳۱۴ ق. اعلام شده است.

شاهدخت، شرف و علمیه به تعلیم خط اشتغال داشت تا اینکه بازنشسته گردید و مجدداً بنابر تقاضای ادارهٔ کل هنرهای زیبا در کلاس آزاد خط هنرهای زیبا به تعلیم نوآموزان هنر مشغول شد و نیز ایشان چندی در کلاس کارآموزی خط که از طرف وزارت فرهنگ در عهد دکتر محمود مهران (وزیر فرهنگ وقت) تشکیل شده بود به تعلیم و تربیت مشغول بود. وی سالیان دراز در انجمن خوشنویسان ایران در تهران به تعلیم هنرجویان اشتغال داشت.

از آثار خطی که از وی به جای مانده است می‌توانیم به این عناوین اشاره کنیم: ***گلچین اشعار صائب؛ آیات منتخبه قرآن؛ تعلیمات دینی؛ صرف و نحو***؛ تاریخ ششم دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و غیره.

منابع: «کاوه استاد خوشنویسی ایران»، [میرزا علی‌اکبرخان کاوه] . روزگار وصل، س. ۱، ش. ۱۰ (مهر ۱۳۷۳)، ص. ۴۸. ***تذکرهٔ خوشنویسان معاصر/*** علی راهجیری، چاپ دوّم، ص. ۱۳۳. «علی اکبر کاوه»، نشر دانش، س. ۱۰، ش. ۵ (مرداد و شهریور ۱۳۶۹)، ص. ۱۰۴. ویژه‌نامهٔ شمارهٔ ۳ دومین کنگرهٔ خوشنویسان کشور، ویژهٔ استاد علی اکبر کاوه/ دکتر آدمیت.

۶۲۱ کریمی، محمود

خواننده ردیف، معلم آواز

تولد ۱۳۰۶.

درگذشت ۳ آذر ۱۳۶۳.

محمود کریمی ابتدا شاگرد عبدالله دوامی بود و تمام ردیف‌های آوازی را نزد وی آموخت. سپس چون به نواختن سه تار نیز وارد بود از ۱۳۳۵ نزد محمد ایرانی همهٔ ردیف‌های سازی را نیز فرا گرفت.

وی سال‌ها در وزارت فرهنگ و هنر و نیز در هنرستان موسیقی ملی استاد آواز بود. ردیف مفصلی که او خوانده با نت نویسی دکتر محمد تقی مسعودیه و مقدمهٔ جامع او، همراه نوارهای کاست از طرف انتشارات سروش بارها چاپ شده است.

محمود کریمی در سال ۱۳۶۳ دچار سکتهٔ قلبی شد و به بیمارستان انتقال یافت اما دیری نپائید که به سکتهٔ دوم نیز دچار گردید و در سوم آذر ۱۳۶۳ دار فانی را وداع گفت و پیکر در آرامگاه امامزاده عبدالله (شهرری) به خاک سپرده شد.

منابع: ***چهره‌های موسیقی ایران/*** شاپور بهروزی، جلد اوّل، چاپ دوم، ص. ۳۷۴ــ۳۸۶. میرعلی نقی، سید علیرضا، «جَرَس فریاد می‌دارد»، کلک، ش. ۸۳ــ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص. ۳۹۰ــ۳۹۸. ***نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین /*** مهدی ستایشگر، جلد سوم، ص. ۴۵۱ــ۴۵۲.

۶۲۲ کفایی، مهدی

کارگردان

تولد ۱۱ تیر ۱۳۲۷.

درگذشت ۱۶ تیر ۱۳۶۵.

مهدی کفایی در سال ۱۳۴۶ پس از اخذ دیپلم در رادیو استخدام شد و در آنجا به کار پرداخت. سپس به قسمت پخش تلویزیون منتقل شد و تا سال ۱۳۵۱ که وارد دانشکدهٔ هنرهای دراماتیک شد، در همانجا به کار مشغول بود، هم‌زمان با ادامهٔ تحصیل در دانشکده، به بخش تولید فیلم تلویزیون منتقل شد و در آنجا به فعالیت‌هایش ادامه داد. وی در سال ۱۳۵۵ تحصیلات دانشگاهی‌اش را به پایان رساند و از آن پس به‌عنوان کارگردان فیلم در تولید شبکهٔ اوّل تلویزیون به‌کار مشغول بود. از مهم‌ترین فیلم‌هایی که او برای تلویزیون ساخته، می‌توان اشاره کرد به: «جنگ ایران و عراق» (۱۳۵۹، ۱۶ میلیمتری)؛ «خاطرات بهروز مرادی از جنگ» (۱۳۶۲، ۱۶ میلیمتری)؛ «روی خاک‌ها خوابیده‌ام» (۱۳۶۲)؛ «گور سفید» (۱۳۶۲). وی در تولید سینمایی نیز نقش داشت و در دو فیلم «طبیعت بیجان» و فیلم

«مدرسه‌ای که می‌رفتیم» ساختهٔ داریوش مهرجویی به‌عنوان دستیار کارگردان کار کرد. او در سال ۱۳۶۳ کار در تلویزیون را رها کرد تا در بخش حرفه‌ای فعال‌تر باشد؛ وی قصد داشت که فیلمنامهٔ «سفر شوم» را به صورت فیلم سینمایی تولید کند که مرگ فرصت این کار را نداد.

منبع: «مهدی کفائی درگذشت»، ماهنامهٔ سینمایی فیلم، س. ۴، ش. ۴۰ (مرداد ۱۳۶۵)، ص. ۱۴.

کهنمویی، محمدتقی ۶۲۳

بازیگر

درگذشت اواسط اردیبهشت ۱۳۶۳، تهران.

محمدتقی کهنمویی فارغ‌التحصیل هنرستان هنرپیشگی تهران است. فعالیت هنری خود را با بازی در تئاتر از سال ۱۳۲۲ با نمایش «رستم و سهراب» آغاز کرد. سپس با گروه عبدالحسین نوشین و گروه سیار خیرخواه همکاری کرد. نمایش‌های عمده‌ای که در آنها ایفای نقش کرده است به این شرح است: «پیراهن ابریشمی»؛ «محاکمه»؛ «در دربار خان»؛ «ازدواج به سبک ایتالیایی»؛ «یوسف و زلیخا»؛ «عشق پیری»؛ «عروسی جناب میرزا». از سال ۱۳۴۴ با فیلم «مراد و لاله» وارد عرصهٔ سینما شد. عنوان‌های عمده فیلم‌هایی که در آنها ایفای نقش کرده چنین است: «مو طلایی شهر ما» (۱۳۴۴)؛ «میلیونر فراری» (۱۳۴۵)؛ «امیر ارسلان نامدار» (۱۳۴۵)؛ «گدایان تهران» (۱۳۴۵)؛ «فرار از حقیقت» (۱۳۴۵)؛ «سرنوشت» (۱۳۴۶)؛ «زن خون‌آشام» (۱۳۴۶)؛ «عموی سبزی‌فروش» (۱۳۴۶)؛ «از جان گذشتگان» (۱۳۴۶)؛ «زنی به‌نام شراب» (۱۳۴۶)؛ «دختر طلا» (۱۳۴۶)؛ «گردباد زندگی» (۱۳۴۷)؛ «بیگناهی در شهر» (۱۳۴۷)؛ «من شوهر می‌خواهم» (۱۳۴۷)؛ «سنگ صبور» (۱۳۴۷)؛ «آواره‌های تهران» (۱۳۴۷)؛ «قماربار» (۱۳۴۷)؛ «دختر شاه‌پریان» (۱۳۴۷)؛ «به امید دیدار» (۱۳۴۷)؛ «سالار مردان» (۱۳۴۷)؛ «سلطان قلب‌ها» (۱۳۴۷)؛ «پسران قارون» (۱۳۴۸)؛ «سوگند سکوت» (۱۳۴۸)؛ «رابطه» (۱۳۴۸)؛ «روسپی» (۱۳۴۸)؛ «قصر زرین» (۱۳۴۸)؛ «بابا کرم» (۱۳۴۹)؛ «رقاصهٔ شهر» (۱۳۴۹)؛ «نامادری» (۱۳۴۹)؛ «زیبای جیب‌بر» (۱۳۴۹)؛ «سکه شانس» (۱۳۴۹)؛ «شهر گناه» (۱۳۴۹)؛ «حسن فرفره» (۱۳۴۹)؛ «مرید حق» (۱۳۴۹)؛ «آئینهٔ زمان» (۱۳۴۹)؛ «کوچهٔ مردها» (۱۳۴۹)؛ «حادثه‌جویان» (۱۳۴۹)؛ «رسوایی» (۱۳۴۹)؛ «داش آکل» (۱۳۵۰)؛ «همای سعادت» (مشترک با هندوستان)، (۱۳۵۰)؛ «شب عروسی» (۱۳۵۰)؛ «بنده در راه خدا» (۱۳۵۰)؛ «قلاب» (۱۳۵۰)؛ «شکار انسان» (۱۳۵۰)؛ «زیر بازارچه» (۱۳۵۰)؛ «ماجرای یک دزد» (۱۳۵۰)؛ «توبه» (۱۳۵۱)؛ «قمار زندگی» (۱۳۵۱)؛ «آشوبگر» (۱۳۵۱)؛ «نواب» (۱۳۵۱)؛ «نانجیب» (۱۳۵۱)؛ «پدر که ناخلف افتد» (۱۳۵۱)؛ «ضعیفه» (۱۳۵۱)؛ «جهنم به اضافهٔ من» (۱۳۵۱)؛ «احمد چوپان» (۱۳۵۱)؛ «نفرین» (۱۳۵۲)؛ «قصهٔ شب» (۱۳۵۲)؛ «تعقیب تا جهنم» (۱۳۵۱)؛ «دشمن» (۱۳۵۲)؛ «بنده خدا» (۱۳۵۳)؛ «کنیز» (۱۳۵۳)؛ «رانندهٔ اجباری» (۱۳۵۴)؛ «مشکی» (۱۳۵۴)؛ «کینه» (۱۳۵۴)؛ «فراشباشی» (۱۳۵۴)؛ «دفاع از ناموس» (۱۳۵۴)؛ «کاروان‌ها» (۱۳۵۵)؛ «والدهٔ آقا مصطفی» (۱۳۵۵)؛ «سنجر» (۱۳۵۵، نمایش داده نشد)؛ «سیاه‌بخت» (۱۳۵۵)؛ «حرمت رفیق» (۱۳۵۶)؛ «هزار بار مردن» (۱۳۵۶)؛ «سرباز» (۱۳۵۶)؛ «فری دست قشنگه» (۱۳۵۶)؛ «غربتی‌ها» (۱۳۵۶)؛ «سرخپوست‌ها» (۱۳۵۸)؛ «سند زنده» (۱۳۵۹)؛ «لوطی عنتری» (۱۳۵۹)؛ «سفیر» (۱۳۶۱)؛ «بازجویی» (۱۳۶۲)؛ «پرونده»

(۱۳۶۲)؛ «زخمه» (۱۳۶۲)؛ «پیراک» (۱۳۶۳)؛ «آن سفر کرده» (۱۳۶۳). تنها مجموعهٔ تلویزیونی که در آن شرکت داشت «غریبه» (۱۳۵۳/۵۴) بود.

محمدتقی کهنمویی خود را برای بازی در فیلم «خشت» ساخته سیامک اطلسی آماده می‌کرد که به‌سبب بیماری و سالخوردگی درگذشت.

منابع: «کهنمویی درگذشت»، ماهنامهٔ سینمایی فیلم، س.۲، ش.۱۳ (خرداد ۱۳۶۳)، ص.۸. *فرهنگ سینمای ایران* / جمال امید، ص.۲۰۱.

گریگوریان، روبیک ۶۲۴

نوازنده، رهبر موسیقی، موسیقیدان

درگذشت اوایل فروردین ۱۳۷۰، آمریکا.

روبیک گریگوریان موسیقی را نزد پدر و بعد از آن از اساتید روسی و بلژیکی فرا گرفت. وی در سال ۱۳۱۷ همراه تحصیل‌کردگان هنرستان موسیقی غلامحسن مین‌باشیان به ادارهٔ موسیقی کشور وارد شد و به همراه عده‌ای دیگر به نوشتن مقاله‌هایی در مجلهٔ «موسیقی» پرداخت. شغل وی گذشته از نوازندگی و تدریس، سرپرستی ارکستر سمفونیک و کفالت ادارهٔ موسیقی کشور بود. وی سپس به آمریکا رفت و در آنجا کنسرت ماسیتر (نوازندهٔ ویولن اول) در ارکستر سمفونیک بوستون شد و سال‌ها در آنجا کار کرد. وی دیگر به ایران برنگشت مگر در سفر کوتاهی که به مدت شش ماه در سال ۱۳۵۶ که تجلیلی از او به عمل آمد. وی در همان مدت اقامت در دانشگاه به تدریس پرداخت.

«ترانه‌های روستایی ایران» از آثار اوست.

منبع: «درگذشتگان موسیقی ایران: روبیک گریگوریان»، آینده، س.۱۷، ص.۶۰۴ـ۶۰۵.

گلپایگانی، بهزاد ۶۲۵

نقاش، گرافیست

تولد ۱۳۱۷، تهران.

درگذشت دی ۱۳۶۴.

بهزاد گلپایگانی فارغ‌التحصیل دانشکدهٔ هنرهای تزیینی از دانشگاه تهران است. سپس به فرانسه رفت و به تحقیق در بارهٔ نقاشی و طراحی پرداخت. وی در چندین نمایشگاه فردی و جمعی شرکت داشته است؛ نقاشی‌هایش سال‌ها زینت‌بخش کتاب‌های درسی مدارس بود.

وی به سبب سکته قلبی پس از یک دوره بیماری طولانی درگذشت.

منبع: «بهزاد گلپایگانی»، کیهان سال، جُنگ هنر (دی ۱۳۶۴)، ص.۳۲.

گلشن (راد)، رضا ۶۲۶

نوازنده

تولد ۱۲۹۸، تهران.

درگذشت اسفند ۱۳۶۹.

رضا گلشن راد، فرزند میرزا اسماعیل گلشن، به مدرسهٔ موزیک که سرپرستی آن با غلامرضا خان سالار معزز (امیرپنجه) بود، رفت. ابتدا فلوت و سپس قره‌نی (کلارینت) را آموخت. استاد وی محمود ایروانی بود که از شاگردان سلیمان خان در مدرسهٔ موزیک لومز به شمار می‌رفت. رضا گلشن پنج سال تعلیم دید و به سرپرستی دستهٔ موزیک نظامی عباس‌آباد منصوب شد تا سال ۱۳۳۶ که بازنشسته گردید. در سال ۱۳۳۴ که اکثر اساتید مجرب از رادیو اخراج شده بودند، به آن دستگاه وارد شد و به نوازندگی پرداخت. ساز وی در رادیو قره‌نی بود و گه‌گاهی آهنگسازی نیز می‌کرد. گلشن در ارکستر

صبا، ارکستر شمارهٔ ۱ و ۲ و ۵ و ۶ و همچنین ارکستر «شما و رادیو» شرکت داشت، حدود صد و پنجاه عدد ساخته‌های ملودیک از وی باقی مانده که خوانندگانی نظیر غلامحسین بنان، محمودی خوانساری، اکبر گلپایگانی و دیگران آنها را اجرا کرده‌اند. وی بعد از انقلاب اسلامی دیگر فعالیتی نداشت.

منبع: «رضا گلشن (راد)»، آینده، س. ۱۷، ص. ۱۹۷.

۶۲۷ لطفی، محمود

بازیگر

درگذشت ۱۴ مرداد ۱۳۶۸.

محمود لطفی با فیلم «خواب و خیال» (۱۳۳۴، مجید محسنی) آغاز کرد. وی که گروهبان ژاندارمری بود، بازیگری را نیز ادامه داد تا اینکه در سال ۱۳۵۴، برای نقش شیرعلی قصاب در مجموعهٔ تلویزیونی «دایی جان ناپلئون» کار ناصر تقوایی انتخاب شد. پس از انقلاب از بازیگری دوری کرد تا آن حد که پس از انقلاب، وی به جز یکی دو نمایش تلویزیونی کاری جلوی دوربین نکرد تا اینکه در سال ۱۳۶۷، برای بازی در یکی از نقش‌های «ای ایران» به کارگردانی ناصر تقوایی انتخاب شد.

محمود لطفی روز چهاردهم مرداد ۱۳۶۸ به هنگام تصویربرداری فیلم «مادر» علی حاتمی به‌سبب سکته درگذشت.

منبع: «درگذشت محمود لطفی»، ماهنامهٔ سینمایی فیلم، س. ۷، ش. ۸۰ (شهریور ۱۳۶۸)، ص. ۷.

۶۲۸ مافی، رضا

خطاط، نقاش

تولد ۱۳۲۲، ۵ آذر، مشهد.

درگذشت ۴ مهر ۱۳۶۱، تهران.

رضا مافی از کودکی به هنر گرایش داشت. پدرش به کار زرگری و حکاکی مشغول بود و برادر بزرگترش در زمینه نقاشی فعالیت داشت. رضا مافی نیز در کنار پدر و برادرش تمرین را آغاز کرد. اولین استاد وی در زمینه هنر خطاطی اعتضادی بود که در آن زمان کتب خطی موزهٔ آستان قدس رضوی را مرمت می‌کرد. در سال ۱۳۳۷ برای کسب تجربه بیشتر به تهران آمد و پس از مدتی در سال ۱۳۴۳ به کلاس‌های آزاد خوشنویسی رفت. استاد و معلم او در این مرحله استاد حسین میرخانی بود. او در این سال‌ها تحت تأثیر شیوه میرزا غلامرضا اصفهانی، هنرمند قرن سیزدهم قرار داشت و به شیوه وی خط می‌نوشت.

پس از اتمام دورهٔ چهار ساله کلاس‌های آزاد خوشنویسی در مدت سه سال، به خط نقاشی روی آورد. او نستعلیق را وارد خط نقاشی کرد. وی همچنین سیاه مشق طرح کتیبه برجسته سرامیک را نیز دنبال کرد و در این زمینه آثاری را از خود بر جا گذاشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۸، نمایشگاهی از آخرین کارهایش را برپا کرد. وی عایدی این نمایشگاه را برای نوشتن سنگ‌نبشته‌ای برای شهدای انقلاب اسلامی در نظر گرفت.

رضا مافی بر اثر سانحه‌ای درگذشت. مدفن وی در مزار حضرت عبدالعظیم در شهرری قرار دارد.

کارنامهٔ هنری رضا مافی به شرح زیر است: برپایی نمایشگاه در موزهٔ ایران باستان (۱۳۴۶)؛ برپایی نمایشگاه‌های انفرادی در سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴؛ برپایی نمایشگاه جمعی در پاریس (۱۹۷۱)؛ برپایی نمایشگاه انفرادی در پاریس (۱۹۷۲)؛ نمایشگاه انفرادی تهران ــ نمایشگاه هنرمندان

معاصر در موزهٔ ایران باستان (۱۳۵۰)؛ نمایشگاه جمعی تالار دانشکده هنرهای زیبا (۱۳۵۱)؛ شرکت در نمایشگاه هنرمندان ایران در پاکستان (۱۳۵۲)؛ نمایشگاه جمعی در گالری لوترک (۱۳۵۳)؛ نمایشگاه سیمایی از هنر معاصر ایران (۱۳۵۴)؛ شرکت در نمایشگاه جهانی بلونیا در ایتالیا و شهر بال در سوییس (۱۳۵۵)؛ برپایی نمایشگاه انفرادی در بزرگداشت شهدای انقلاب اسلامی در باغ فردوس (۱۳۵۸).

منابع: سهراب سپهری، رضا مافی / گردآوری و تنظیم مرکز هنرهای تجسمی. «مهم‌ترین خصیصه رضا مافی، انسانیت او بود، بیاد رضا مافی خطاط معاصر که در اوج شکوفایی، روی در نقاب خاک کشید»، فصلنامهٔ هنر، ش. ۲ (زمستان ۱۳۶۱، بهار ۱۳۶۲)، ص. ۱۳۰ ـــ ۱۳۷. «ســـه‌خوشنویس: میرخانی، معصومی، مافی»، آینده، س. ۸، ص. ۶۴۱ـ ۶۴۳.

خوشنویس

تولد ۱۲۸۲، اردکان.

درگذشت ۱۳۶۱.

محمد حسین متألهی اردکانی در سن هفت سالگی به مکتب رفت. نزد استاد مکتب‌خانه ملا علیرضا قاضی به فراگیری قرآن و دروس دیگر پرداخت. در همین زمان خط نسخ و نستعلیق را نزد پدرش که از خوشنویسان بنام اردکان بود تمرین کرد. در سن پانزده سالگی برای مطالعه دروس حوزهٔ علمیه به یزد رفت و مدتی در مدرسه خان نزد اساتیدی چون آیت‌الله حاج سید یحیی مجتهد (آیت‌اللهی) و حاج شیخ محمود فرساد به مطالعه علوم قدیم پرداخت و سپس به اردکان مراجعت نمود و در حوزهٔ علمیهٔ این شهر نزد عموی خود آیت‌الله حاج ملا محمد حسین و آیت‌الله محمد حائری که از مجتهدین و مدرسین مدرسهٔ علمیهٔ اردکان بودند تحصیلات خود را ادامه داد.

محمد حسین متألهی اردکانی خوشنویسی را از پدر خویش و همچنین از آقایان روحانی مانند محمد علی محقق و محمد حایری و محمد حایریان (مدیر) فرا گرفت.

وی امامت جماعت مسجد زیرده اردکان و نیز تدریس در مدرسهٔ علمیه اردکان و تعلیم خوشنویسی را به‌عهده داشت.

از ایشان در زمینهٔ خط نسخ و نستعلیق دست‌نوشته‌هایی به یادگار مانده است.

منبع: تاریخ اردکان، ص. ۲۷۵.

کارگردان، بازیگر، صداپیشه

تولد ۱۲۸۹، تهران.

درگذشت ۱۳۵۹.

نصرت‌الله محتشم‌زاده تحصیلات ابتدایی خود را تا کلاس چهارم در مدرسهٔ اقدسیه و از کلاس چهارم تا ششم را در مدرسه ثروت به پایان رسانید. سه سال در مدرسهٔ نِظام بود ولی از آنجا به مدرسهٔ دارالمعلمین مرکزی رفت و از دارالفنون دیپلم گرفت. ابتدا به دانشکدهٔ پزشکی رفت ولی پس از یک سال آن را رها کرده و به مدرسهٔ حقوق و علوم سیاسی وارد گردید و دورهٔ آن را به پایان رسانید. وی پس از پایان تحصیلات همراه پدرش به رشت رفت و چون از کودکی به هنر بازیگری و نمایش علاقه‌مند شد، به همین سبب با توجه به تحصیلات عالیه و ممتازی که داشت از سال ۱۳۰۸ در تئاتر فرهنگ رشت به روی صحنه رفت و پس از مدتی به تهران آمد و زیر

نظر سید علی خان نصر به فعالیت نمایشی پرداخت. در سال ۱۳۰۹ که سیف‌الدین کرمانشاهی از روسیه به ایران مراجعت کرد، و کلاسی به نام «استودیو درام» تأسیس نمود، محتشم نیز به آنجا وارد شد و بعد به تئاتر دائمی نکیسا که مدیر آن افلاطون شاهرخ بود روی آورد.

در سال ۱۳۱۱ برای تحصیل تئاتر به فرانسه رفت ولی دو سال بعد در سال ۱۳۱۳ به ایران مراجعت و از آنجا به هندوستان رفت و در کمپانی امپریال فیلم نقش سلطان محمود را در فیلم «حکیم ابوالقاسم فردوسی» که عبدالحسین سپنتا تهیه می‌کرد به عهده گرفت. در اواخر سال ۱۳۱۴ به ایران مراجعت کرد و در سال ۱۳۱۶ با همکاری نوشین به کار تئاتر پرداخت و در نمایش‌هایی مانند «حبیب و مریم»؛ «مردم»؛ «ایده‌آل» شرکت کرد. در سال ۱۳۲۰ به تماشاخانهٔ تهران و پس از مدتی به تئاتر فردوسی رفت که با همکاری نوشین به روی صحنه رفت.

محتشم‌زاده همچنین به عنوان رییس ادارهٔ نمایشات وزارت کشور طی در دو دوره مشغول خدمت گردید. پس از آن برای همکاری به رادیو دعوت شد و هم‌زمان در استودیوهای مختلف برگردان صدا به سمت صداپیشه (دوبلور) فیلم مشغول شد. نصرت‌الله محتشم در فیلم‌های «آغا محمدخان قاجار» (به‌عنوان نویسنده، کارگردان و بازیگر)؛ «ماجرای زندگی» (کارگردان)؛ «عروس دجله» (کارگردان)؛ «طلسم شکسته» (بازیگر)؛ «کلید» (بازیگر)؛ «ورپریده» (بازیگر)؛ «جدال در مهتاب» (بازیگر)؛ «بن بست»؛ «فرمان‌خان» (بازیگر)؛ «جاده زرین سمرقند» (بازیگر)؛ «شاهراه زندگی» (بازیگر)؛ و در مجموعهٔ تلویزیونی «خسرو میرزای دوم» شرکت و همکاری داشته است. نصرت‌الله محتشم در نمایشنامه‌های: «شاه صفی»، «سایهٔ حرم»، «صلاح‌الدین ایوبی»، «ناپلئون»، «نادرشاه و فتح هندوستان»، «ابومسلم خراسانی»، «برزو و رستم و سهراب»، «ناصرالدین شاه»، «نادر و ستاره»، «جنایت یا مرگ آغا محمدخان قاجار»، «شاه عباس»، «نادر پسر شمشیر»، «حبیب و مریم»، «قیام آغا محمدخان قاجار»، «ایده‌آل» و ... شرکت داشته که بیشتر این نمایشنامه‌ها را خود نوشته و کارگردانی کرده است. مشخص است که نصرالله محتشم علاقهٔ خاصی به بازی در نمایشنامه‌های تاریخی داشته است.

منابع: سیمای هنرمندان ایران (موسیقی، تئاتر و سینما) / حبیب‌الله نصیری فرد، جلد اوّل، ص. ۳۵۷ـ ۳۵۴. *فرهنگ سینمای ایران* / حمید شعاعی، ص. ۵۴۵ـ ۵۴۶.

محسنی، اکبر ۶۳۱

موسیقیدان

تولد ۱۲۹۱، تهران.

درگذشت ۱۳۷۴.

اکبر محسنی، فرزند سید حسین محسنی، پس از مرگ پدرش، به‌وسیلهٔ شوهر خواهرش در مدرسهٔ موسیقی که زیر نظر سالار معزز اداره می‌شد نام‌نویسی کرد. ابتدا به آلتو برنجی روی آورد، سپس ترومپت و فلوت را امتحان کرد و در همان جا به فراگیری نت پرداخت. سپس تار را نزد رحمت الله صفا، از شاگردان موسی معروفی، تعلیم گرفت. بعد از مدتی دستهٔ موزسیقی درست کرد و به تدریس موسیقی پرداخت. در سال ۱۳۱۵ وزارت فرهنگ، جمع کوچکشان را به نام هنرآموز موسیقی استخدام کرد. وقتی رادیو افتتاح شد، ارکستری تشکیل داد که زیر نظر استاد علی‌نقی وزیری تعلیم می‌گرفت. بعد از انحلال این ارکستر، در ارکستر انجمن موسیقی ملی

که به رهبری روح‌الله خالقی برنامه اجرا می‌کرد به نوازندگی پرداخت. نخستین آهنگی که ساخت «سه تار و ستاره» بود در مایهٔ سه‌گاه که شعر آن را کریم فکور سروده بود و ناهید سرفراز و حمید قنبری در سال ۱۳۲۶ در رادیو ایران اجرا کردند. تا سال ۱۳۳۶ فعالیت رادیویی داشت، تا اینکه وزارت فرهنگ برای تدریس سرود و موسیقی در مدارس ایرانیان مقیم عراق وی را انتخاب کرد و در ضمن مأموریت دادند که در طول خدمت فنون عود را جمع کرده تا بتواند در مراجعت آنها را منتشر کرده و تعلیم دهد. چهار سال در عراق بود و به نوجوانان ایرانی که در کاظمین و بغداد در مدارس مخصوص درس می‌خواندند، سرودهای میهنی و موسیقی یاد داد و خود نیز عود را نزد استادانی چون جمیل بشیر، گل خماش، وکیل (موسیقیدان ایرانی) و حکمت فاضل یاد گرفت و به جمع‌آوری فنون مصری و عراقی پرداخت. پس از بازگشت به ایران، اندوخته‌های خود را در نواختن عود در شورای موسیقی در حضور دکتر مهدی برکشلی، مشیر همایون (حبیب‌الله شهردار) و چندنفر از استادان ارائه داد و به این ترتیب به کار خود در در رادیو ادامه داد و چند سال نیز در تلویزیون تهیهٔ آهنگ‌ها و سرپرستی ارکستر برنامهٔ «هفت شهر عشق» را به عهده گرفت. یکی از تصنیف‌های اکبر محسنی تصنیف «الهه ناز» است با صدای غلامحسین بنان خوانده شده است. وی بیش از ۴۰۰ آهنگ ساخته است. از آثار دیگر او ترانهٔ «انتظار»، «به یاد وی تا سحر ماندم او نیامد» و «ساقیا» است.

منبع: *چهره‌های موسیقی ایران* / شاپور بهروزی، جلد اوّل، چاپ دوّم، ص. ۲۴۵.

محسنی، مجید ۶۳۲

بازیگر، پیش‌پرده‌خوان

تولد ۱۳۰۲، گیلیارد دماوند.

درگذشت ۱۶ تیر ۱۳۶۹، تهران.

سید مجید محسنی پس از تحصیلات ابتدایی وارد دبیرستان شد و در دبیرستان در نمایش‌هایی که توسط شاگردان مدرسه اجرا می‌شد، شرکت می‌کرد. وی پس از چندی به هنرستان هنرپیشگی رفت و در سال ۱۳۱۶ از این هنرستان و کلاس تئاتر شهرداری فارغ‌التحصیل شد و اوّلین نمایشنامه‌یی که در آن شرکت کرد «سالومه» اثر اسکاروایلد بود. محسنی در این نمایشنامه که زیر نظر علی دریابیگی به روی صحنه رفت، نقش غلام بچهٔ سالومه را ایفا کرد که با همین اوّلین بازی، وارد عرصهٔ تئاتر شد. سپس به پیش‌پرده‌خوانی روی آورد.

سید مجید محسنی، علاوه بر پیش پرده‌خوانی در تئاتر، در نمایشنامه‌هایی شرکت داشت از جمله نمایش‌های «خسیس»؛ «تارتوف»؛ «لوکرس بورژیا»؛ «ننگ جامعه»؛ «عاشق قراردادی»؛ «تو مال منی»؛ «مجید و خانمش»؛ «مجید در باغ»؛ «مجید و کلفتش». از سال ۱۳۳۶ در رادیو به فعالیت پرداخت و شخصیت‌هایی چون عمقلی، جناب میرزا، خانباباخان، معلم فوفول و غیره ... را ارائه می‌داد. مدتی وکیل مجلس شورای ملی (از سال ۱۳۴۲) و مشاور سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران (از سال ۱۳۴۸) بود. از جمله فعالیت‌های او تأسیس استودیو تهران و شهرستان فیلم در سال ۱۳۳۸ بود. فعالیت سینمایی او از سال ۱۳۳۰ با «خواب‌های طلایی» (بازیگر) آغاز شد. مجید محسنی علاوه بر فیلم‌هایی که در استودیوی شخصی و با سرمایه خود ساخت در برخی فیلم‌های دیگر شرکت می‌جست. از جمله فیلم‌هایی که در آنها شرکت داشته است (به صورت بازیگر، کارگردان، نویسنده یا تهیه‌کننده) می‌توان به

این عنوان‌ها اشاره کرد: «دزد عشق» (بازیگر، ۱۳۳۱)؛ «دختر چوپان» (بازیگر، ۱۳۳۱)؛ «خواب و خیال» (کارگردان، تهیه‌کننده، بازیگر، ۱۳۳۴)؛ «زندگی شیرین است» (کارگردان، نویسنده، تهیه‌کننده، بازیگر، ۱۳۳۵)؛ «بلبل مزرعه» (کارگردان، نویسنده، تهیه‌کننده، بازیگر، ۱۳۳۶)؛ «لات جوانمرد» (کارگردان، نویسنده، تهیه‌کننده، بازیگر، ۱۳۳۷)؛ «عروسک پشت پرده» (کارگردان، نویسنده، تهیه‌کننده، بازیگر، ۱۳۳۹)؛ «آهنگ دهکده» (کارگردان، نویسنده، تهیه‌کننده، بازیگر، ۱۳۴۰)؛ «قربون خودم» (کارگردان، نویسنده، تهیه‌کننده، بازیگر، ۱۳۴۱)؛ «گذشت» (بازیگر، ۱۳۴۱)؛ «پرستوها به لانه باز می‌گردند» (کارگردان، نویسنده، تهیه‌کننده، بازیگر، ۱۳۴۲)؛ «محکوم» (بازیگر، ۱۳۴۲)؛ «انسان‌ها» (بازیگر، ۱۳۴۳)؛ «زیر گنبد کبود» (بازیگر، ۱۳۴۳)؛ «گنج و رنج» (بازیگر، ۱۳۴۶)؛ «سکه دورو» (بازیگر، ۱۳۴۷)؛ «دنیای پوشالی» (بازیگر، ۱۳۴۷).

سید مجید محسنی در تاریخ ۱۹تیر ۱۳۶۹ هنگامی که روی صحنهٔ تالار وحدت مشغول سخنرانی بود، درگذشت. پیکرش را در امامزاده عبدالله در جوار همسرش به خاک سپردند.

منابع: فرهنگ سینمای ایران / جمال امید، ص. ۲۵۰. *سیمای هنرمندان ایران (موسیقی، تئاتر و سینما)* / حبیب‌الله نصیری فرد، جلد اوّل، ص.۳۵۹ـ۳۵۷. *مردان موسیقی سنتی و نوین ایران* / حبیب‌الله نصیری‌فر، جلد دوم. ص.۳۱۲ـ۳۱۵.

محمدی، اصغر ۶۳۳

نقاش، طراح، مجسمه‌ساز

تولد ۱۸ شهریور ۱۳۱۷، بُروجرد.
درگذشت ۱۹ اسفند ۱۳۶۶.

اصغر محمدی در سال ۱۳۴۰ به دانشکدهٔ هنرهای زیبای‌دانشگاه تهران راه یافت و تحصیل در رشتهٔ نقاشی را آغاز نمود. یک سال بعد، به مطالعه و پژوهش در زمینهٔ آموزش و پرورش هنری کودکان و نوجوانان پرداخت و در عین حال به امر آموزش هنرهای نقاشی در مدارس رو آورد. این تلاش وی منجر به برگزاری یک سلسله نمایشگاه‌های متعدد از بهترین آثار نقاشی کودکان و نوجوانان در دانشگاه تهران، مؤسسهٔ کیهان، پارک‌ها، مدارس و کانون‌های مختلف دیگر در سال ۱۳۴۲ بود. در سال ۱۳۴۴ به عنوان هنرآموز هنرهای تجسمی به استخدام وزارت فرهنگ و هنر سابق درآمد و یک سال بعد از دانشکدهٔ هنرهای زیبا فارغ‌التحصیل گردید.

در سال ۱۳۴۶ نخست به آموزش چهار دوره معلمین کودکستان (وابسته به ادارهٔ کل تعلیمات ابتدایی) پرداخت و آنگاه به تربیت پنجاه نفر دانش‌آموختگان هنرستان‌های وزارت فرهنگ و هنر سابق، برای آموزش همت گماشت. در همین سال به تدریس هنرهای تجسمی در مؤسسهٔ (انستیتو) تربیت مربیان امور هنری که شامل یک دورهٔ فوق دیپلم برای معلمان امور تربیتی مدارس بود، روی آورد. محمدی به سال ۱۳۴۷ گردآوری و تدوین بخشی از کتاب ***راهنمای نقاشی کودکان*** را به انجام رسانید و دو سال بعد تدریس رشتهٔ آموزش و پرورش هنری در مدرسهٔ عالی پاریس را نیز بر دامنهٔ فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خویش اضافه کرد. به سال ۱۳۵۰ به منظور مطالعه و پژوهش و شناخت بیشتر مسائل هنری، به ایتالیا و دیگر کشورهای اروپایی سفر کرد. پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۵۲ به تدریس رشتهٔ «دکوراسیون» در مؤسسهٔ تکنولوژی تهران و همچنین تدریس رشتهٔ هنر و کاردستی در دانشگاه مکاتبه‌ای و یک سال بعد به تدریس رشتهٔ طراحی در دانشکدهٔ معماری و

شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی و پیکره‌سازی در دانشکدهٔ هنرهای تزئینی پرداخت. در سال ۱۳۵۶ به دورهٔ دکترایِ دانشگاه سُربُن در رشتهٔ تاریخ هنر راه یافت و پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۵۸ مجدداً به سرپرستی هنرستان هنرهای تجسمی پسران برگزیده شد و از سال ۱۳۶۲ تدریس در مجتمع دانشگاهی هنر را نیز بر عهده گرفت.

آثار وی در جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های زیر شرکت داشته است: چهارمین دوسالانهٔ منطقه‌ای تهران (۱۳۴۳)؛ نمایشگاه «۲۵ سال آفرینش هنری» موزهٔ ایران باستان (۱۳۴۷)؛ ششمین دوسالانهٔ پاریس (۱۳۴۸)؛ نمایشگاه روز جهانی حقوق بشر (۱۳۴۹)؛ نمایشگاه انفرادی تندیس در خانه آفتاب (۱۳۵۰)؛ جشنوارهٔ بین‌المللی نقاشی (کانی سورمر) فرانسه (۱۳۵۱)؛ نمایشگاه گروهی در اصفهان (۱۳۵۳)؛ نمایشگاه دهمین سال افتتاح گالری قندریز (۱۳۵۳)؛ اولین نمایشگاه بین‌المللی هنر تهران (۱۳۵۳)؛ شرکت در نمایشگاه فضا و حجم انجمن ایران و آمریکا (۱۳۵۴)؛ نمایشگاه «نگرش به پنجاه سال هنر ایران» (۱۳۵۵)؛ نمایشگاه گروهی «خانه بین‌المللی هنر» پاریس؛ نمایشگاه نقاشی و تندیس در گالری «ورکامر» پاریس (۱۳۵۶).

اصغر محمدی سرانجام در نوزدهم اسفند سال ۱۳۶۶ درگذشت.

منابع: «به یاد استاد اصغر محمدی»، نمایشگاه هنرهای تجسمی هنرمندان معاصر ایران (۶ اسفند ۱۳۶۶). کیهان فرهنگی، س. ۴، ش. ۱۲ (اسفند ۱۳۶۶)، ص. ۵۳. *فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان* / فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.

۶۳۴ محمودی خوانساری، محمود

موسیقیدان، خواننده

تولد ۲۳ خرداد ۱۳۱۳، خوانسار.

درگذشت ۲ اردیبهشت ۱۳۶۶.

محمود محمودی خوانساری ابتدا نزد کمال دهگان یک دورهٔ کوتاه در آواز گذراند. آنگاه برای ادامهٔ تحصیل عازم تهران شد و تصمیم گرفت هنر آواز و صدای خود را تربیت کند.

در تهران ابتدا نزد ابوالحسن صبا به فراگیری ردیف‌های آوازی پرداخت و سپس نزد منوچهر جهانبگلو دانش ردیفی خود را تکمیل کرد.

محمودی پس از سه سال همکاری با رادیو شیراز، فعالیت هنری خود را در رادیو تهران آغاز کرد و آثاری در این رشته از هنر ارائه داد. در حدود ۱۳۰ برنامه از «گل‌های رنگارنگ»، «برگ سبز»، «گل‌های تازه» و «شاخه گل» با صدای خوانساری ضبط و پخش شد.

سرانجام محمودی در ۲ اردیبهشت ۱۳۶۶ از دنیا رخت بربست و پیکرش در آرامگاه امامزاده طاهر (کرج) به خاک سپرده شد.

منابع: *چهره‌های موسیقی ایران* / شاپور بهروزی، جلد اوّل، چاپ دوّم. ص. ۴۹۳. *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین* / مهدی ستایشگر، جلد سوم، ص. ۴۸۳.

۶۳۵ مسعودی، علی اکبر

کاشیکار

تولد ۱۲۹۰، تهران.

درگذشت ۲۶ آذر ۱۳۶۶، تهران.

علی اکبر مسعودی برای یادگیری معماری، رنگ، کاشی و خط، در سن سیزده سالگی مدرسه را رها کرد و مقدمات معماری سنتی تحت نظر پدر فرا گرفت و

چندی نیز نزد عمویش استاد ابوالقاسم مقدمات کاشی‌کاری را آموخت و اندک اندک در کارگاه این دو استاد مشغول به کار شد. برخی از آثار گزیدهٔ این معمار هنرمند عبارتند از: اجرای طرح ۲۱ کاسهٔ شمسه‌آویز در سقف ۵×۷ متری امامزاده محمد(ع) در جوار امامزاده یحیی(ع) در تهران؛ طرح و اجرای مقرنس مسجد حجت بن الحسن(ع) در خیابان سهروردی شمالی؛ طرح و اجرای سقف محراب مقرنس امامزاده حمزه(ع) در جوار مرقدِ مطهر حضرت عبدالعظیم(ع) در شهر ری؛ طرح شمسه‌سازی و اجرای آن در مجلس شورای ملی سابق (میدان بهارستان). علی‌اکبر مسعودی علاوه بر هنر خود در معماری، در شعر نیز دستی داشت و به «معمار» تخلص می‌کرد.

علی اکبر مسعودی به سبب نارسایی قلب و ریه در سن هفتاد و شش سالگی در تهران درگذشت.

منبع: «درگذشت علی اکبر مسعودی»، رویدادهای سال، کرونیک ۱۳۶۶، درگذشتگان سال ۱۳۶۶، ص.۱۴۸.

مشحون، حسن ۶۳۶

موسیقیدان، تاریخ‌دان

تولد اردیبهشت ۱۲۸۵، تهران.

درگذشت ۲۸ خرداد ۱۳۵۹.

حسن مشحون پس از تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه متوسطه شد و پس از اخذ لیسانس در تاریخ و جغرافیا به خدمت وزارت آموزش و پرورش درآمد. سپس برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام شد و پس از بازگشت از فرانسه به تدریس در دانشگاه مشغول شد و آخرین مقام اداری ایشان ریاست ادارهٔ باستان‌شناسی بود. مشحون در موسیقی از شاگردان حسین هنگ‌آفرین و اساتید دیگر بود. حسن مشحون، سه تار و تار می‌نواخت و کتاب ***تاریخ موسیقی ایران*** را در دو جلد منتشر کرد. وی تحقیقی در بارهٔ تعزیه و تعزیه‌خوانی در ایران نیز دارد. حسن مشحون در ۲۸ خرداد ۱۳۵۹ درگذشت.

منابع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران/ حبیب‌الله نصیری‌فر، جلد دوم، ص.۱۷۴ ـ ۱۷۵. *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین /* مهدی ستایشگر، جلد سوم، ص.۵۰۳.

مصدق، عباس ۶۳۷

بازیگر

تولد ۱۳۰۵، تهران.

درگذشت ۱۳۶۳، تهران.

عباس مصدق در سال ۱۳۲۸ فعالیت هنری خود را با بازی در تئاتر آغاز کرد. نمایش‌های عمده‌ایی که در آنها ایفای نقش کرد، عبارتند از: «طلا و خاکستر»؛ «شاهزاده خانم تاتیانا»؛ «پاکباخته»؛ «بدگمان»؛ «مرحوم آقا»؛ «مکافات»؛ «عروس اعیان»؛ «داد نزن بیدار میشه»؛ «عشق پیری»؛ «اسمال در نیویورک»؛ «مرگ موش یا نوش جان آقا»؛ «دختران واخورده»؛ «پلکان»؛ «مردی از آن دنیا»؛ «اسکار». از سال ۱۳۳۰ در رادیو شروع به کار کرد و از سال ۱۳۳۳ وارد عرصهٔ سینما شد و در فیلم «عروس دجله» ایفای نقش کرد. در سال ۱۳۳۵ فعالیت در صدابرگردانی را نیز شروع کرد. عمدهٔ فیلم‌های او به این شرح هستند: «نقلعلی» (۱۳۳۳)؛ «فرزند گمراه» (۱۳۳۴)؛ «خورشید می‌درخشد» (۱۳۳۵)؛ «بازگشت به زندگی» (۱۳۳۶)؛ «ظالم بلا» (۱۳۳۶)؛ «بهلول» (۱۳۳۶)؛ «قزل ارسلان» (۱۳۳۶)؛ «قاصد بهشت» (۱۳۳۷)؛ «بیژن و منیژه» (۱۳۳۷)؛ «روزنهٔ امید» (۱۳۳۷)؛ «دشمن زن» (۱۳۳۷)؛ «بی‌ستاره‌ها» (۱۳۳۷)؛ «اول هیکل» (۱۳۳۹)؛ «دوستان یکرنگ» (۱۳۳۹)؛

«آتشپاره تهران» (۱۳۴۰)؛ «علی واکسی» (۱۳۴۰)؛ «دختری فریاد می‌کشد» (۱۳۴۰)؛ «ورپریده» (۱۳۴۱)؛ «مرد میدان» (۱۳۴۲)؛ «مادر فداکار» (۱۳۴۲)؛ «دختران با معرفت» (۱۳۴۳)؛ «جاهل محل» (۱۳۴۳)؛ «جاهل‌ها و ژیگول‌ها» (۱۳۴۳)؛ «افسانهٔ دهکده» (۱۳۴۳)؛ «شیرمرد» (۱۳۴۴)؛ «ایستگاه ترن» (۱۳۴۵)؛ «ول معطلی» (۱۳۴۵)؛ «سوغات فرنگ» (۱۳۴۶)؛ «فردای باشکوه» (۱۳۴۷)؛ «کاسب‌های محل» (۱۳۴۸)؛ «کمربند زرین» (۱۳۴۹). تنها مجموعهٔ تلویزیونی که در آن ایفای نقش کرد «اختاپوس» (۱۳۴۹) بود.

منبع: *فرهنگ سینمای ایران* / جمال امید، ص.۲۵۶ ـ ۲۵۷.

۶۳۸ معارفی، مسعود

نوازنده

تولد ۱۳۰۴، تهران.

درگذشت ۱۳۶۷.

مسعود معارفی، فرزند عبدالله معارفی (شمس‌الملکی)، موسیقی را نزد پدر آموخت و با سازهای مختلف زهی و نواختن آنها آشنایی شد ولی ساز تخصصی او ویولن بود. از نوجوانی در کنار برادرانش و پدر به اجرای برنامه‌های هنری در تهران و شهرهای بزرگ کشور پرداخت. پس از تأسیس رادیو، تحت عنوان ارکستر برادران معارفی مشغول به کار شدند ولی در سال ۱۳۳۲ به واسطهٔ اختلافی که با مسئولان رادیو پیدا کرد همکاری خود را با این مرکز قطع کرد و به کار خود ادامه نداد.

منبع: *مردان موسیقی سنتی و نوین ایران* / حبیب‌الله نصیری‌فر، جلد دوم، ص.۷۲ ـ ۷۴.

۶۳۹ معتضدی، خان بابا

سینماپرداز

تولد ۱۲۷۱، تبریز.

درگذشت ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۵.

خان بابا معتضدی برای ادامهٔ تحصیل راهی اروپا شد. ضمن تحصیل در رشته الکترومکانیک، در ایام فراغت و تعطیل، در کارخانه/استودیوی "گرمون" به کار پرداخت. پس از بازگشت به ایران در سال ۱۲۹۵، علیرغم تحصیل در رشته الکترومکانیک، در ادارهٔ گمرک به کار می‌پردازد. در عین حال به ساخت فیلم مستند روی می‌آورد و به تصویربرداری احمد شاه، تا وقایع مهم دوران رضا شاه و تا مشارکت در فیلمبرداری فیلم‌های «آبی و رابی» و «حاجی‌آقا اکتور سینما» را در برمی‌گیرد. معتضدی نخستین دایرکنندهٔ تاریکخانه برای ظهور و چاپ فیلم در ایران نیز است. او اولین کسی است که (مطابق روایت‌های شفاهی و کتبی) برای فیلم‌های فرنگی، میان‌نویس فارسی تهیه کرده است. علاوه بر این، وی سینماهایی را نیز تأسیس و راه‌اندازی و پس از چندی واگذار کرد. سینما میهن واقع در میدان حسن‌آباد نقطهٔ پایانی این فعالیت‌هاست.

پیکر وی در قطعهٔ شمارهٔ هشت در بهشت زهرا مدفون است.

منبع: «خان‌بابا معتضدی درگذشت»، ماهنامه سینمایی فیلم، س.۴، ش.۳۸ (تیر ۱۳۶۵). ص.۵۸.

۶۴۰ معروفی، جواد

آهنگساز، نوازنده

تولد ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت ۱۶ آذر ۱۳۷۲، تهران، یکی از بیمارستان‌های تهران.

جـواد مـعروفی، فـرزند مـوسی، پس از دریـافت گواهینامهٔ دورهٔ تحصیلات ابتدایی، در چهارده سالگی بـه مـدرسهٔ مـوسیقی وزیـری رفت و تـحصیلات موسیقی را ــ که مقدماتش را نزد پدر آموخته بود ــ نزد علی‌نقی وزیری کامل کرد. نخست تار می‌نواخت. و با نواختن ویولن نیز آشنا بود، اما پس از چندی به پیانو رو آورد و تحولی در شیوهٔ نواختن پیانو در ایران به‌وجود آورد.

در سال ۱۳۱۲ به خدمت وزارت فرهنگ در آمد، هنرآموز موسیقی شد و چندی نیز هنرآموز سرود بود. سپس از هنرستان موسیقی دیپلم گرفت و به آموزش سلفژ و دیکتهٔ موسیقی در همان هنرستان پرداخت.

از آغاز پـایه‌ریزی انـجمن مـوسیقی، سـولیست ارکستر آن بود. پس از پایه‌گذاری هنرستان موسیقی ملی نیز هنرآموز آنجا شد. در نـواختن پـیانو بـرای موسیقی ایرانی از استادانی که در این ساز کار کردند روش مشیر همایون را بیشتر از مـرتضی مـحجوبی اقتباس کرد، اما خود شیوه‌ای ویژه و یکتا داشت که تکنیک در آن آشکار بود. معروفی علاوه بر نواختن پیانو، قطعاتی آفرید که نخستین آنـها «قـطعاتی بـر رباعیات خیام» بود که در سال ۱۳۱۵ اجرا شد.

وی از سال ۱۳۱۹ هم‌زمان با گشایش رادیو به این مؤسسه پیوست و سال‌ها تک‌نواز پـیانو، رهـبر ارکستر شمارهٔ یک و رهبر ارکستر بزرگ گل‌ها بود. در تنظیم آهنگ‌های شاعرانی نظیر علی‌اکبر شـیرازی متخلص به شیدا، عارف قزوینی، و آهنگسازانی چون رکن‌الدین مختاری و درویش خان و قطعات بسیاری از آهـــنگسازان دیگـــر دست داشت و از قـــواعـــد هماهنگی علمی مکتب وزیری (هارمونی بر اساس ۲۴ بخش) پیروی می‌کرد. استاد هـمچنین سـال‌ها عضو شورای عالی موسیقی رادیو بود. آثار دیگر وی: قطعاتی در دستگاه ماهور و راک؛ سوئیت‌های دشتی، سه‌گاه، ماهور و دیلمان (که در مایهٔ دشتی بـا آواز استاد بنان برای ارکستر تنظیم شده و چهار مضراب آن را استاد ابوالحسن صبا ساخته است)؛ «خواب‌های طـلایی»؛ «عـاشورا»؛ «خـزان»؛ «روزگـار مـن»؛ «طـبیعت، بـه روایت جـواد مـعروفی»؛ «سـپیده»؛ «ژیلا»؛ «رومینا»؛ «فانتزی زیبا».

وی بامداد روز سه‌شنبه ۱۶ آذر ۱۳۷۲ در یکی از بیمارستان‌های تهران جان سپرد.

منابع: «پنجه‌هایی که از نوا خاموش ماند»، کیهان فـرهنگی، ش.۹ (آذر ۱۳۷۲)، ص.۶۹. *دایرةالمعارف زرین*، ص.۹۴۹ ــ ۹۵۰. کلک، ش.۴۵ و ۴۶.

۶۴۱ معماران بنام، رضا

معمار

تولد ۱۲۸۲.

درگذشت ۱۳۷۴، تبریز.

رضا معماران بنام بیش هفتاد سال در زمینه طراحی تعمیر و احیاء آثار تاریخی و هنری داشت. طراحی و اجرای نزدیک به دویست حمام قـدیمی در تـهران، تعمیر و مرمت نزدیک به پنجاه حمام قدیمی، تعمیر و مرمت مساجد قدیمی و بازار قدیمی شهر تـبریز، طراحی و اجرای سـد سـنگی در حـوالی شـهرستان تکاب، طراحی و اجرای پل سلامت آبـاد در بـیجار، تعمیر و مرمت دهانه مرکزی پل‌دختر میانه، طراحی و اجرای گنبد مرکزی مسجد کبود و طراحی و اجرای گنبد دانشگـاه صـنعتی شـریف در تـهران از جـمله کارهای اوست. وی در سال‌های آخر عمر هم اجرا و نظارت مسجد حضرت رضا(ع) در جادهٔ ایـل گـولی تبریز را عهده‌دار بود. وی در اردیـبهشت مـاه سـال ۱۳۷۴، هم‌زمان با بزرگداشت هفتهٔ میراث فرهنگی نشان عـالی لیـاقت را از دست مـعاون اوّل ریـاست جمهوری دریافت کرد و در ماه‌های آخر عمر نیز از

سوی استاندار آذربایجان شرقی لوح «افتخارآفرینان آذربایجان» به وی اهدا گردید.

استاد رضا معماران بنام به سبب بیماری و کهولت در سن ۹۲ سالگی درگذشت و پیکر ایشان در تبریز تشیع و در قطعهٔ مشاهیر و هنرمندان وادی رحمت این شهرستان به خاک سپرده شد.

منابع: «پیکر مرحوم استاد معماران بنام در جوار هنرمندان تبریزی به خاک سپرده شد»، اطلاعات، ش. ۲۰۶۹۷ (۱۷ بهمن ۱۳۷۴)، ص.۸. «قافله‌سالار معماری سنتی ایران درگذشت»، اخبار، (۱۷ بهمن ۱۳۷۴)، ص.۱۰.

مفتاح، مهدی　　۶۴۱/۱

موسیقیدان

تولد ۱۲۸۸.

درگذشت ۱۳۷۵.

مهدی مفتاح نوازندهٔ قانون و ویولن بود. نزد ابوالحسن صبا ویولن را آموخت و موسیقی را در هنرستان عالی موسیقی و مدرسهٔ موسیقی وزیری فرا گرفت.

در سال ۱۳۱۹ با افتتاح رادیو در گروه موسیقی نوین به رهبری وزیری به همکاری پرداخت. و قبل از آن نیز آثاری در صفحهٔ گرامافون ضبط نموده بود. با دریافت لیسانس از دانشسرای عالی، به خدمت فرهنگ در آمد. وی نخستین مدرس و نویسندهٔ روش جهت معرفی و نواختن قانون به حساب می‌آید و مدرس انجمن موسیقی ملی و سرپرست و نوازنده گروه موسیقی سازهای ملی مدرس هنرستان موسیقی بود.

در ۱۳۳۱ نظامت هنرستان موسیقی را بر عهده داشت. وی همچنین ناظر و سرپرست آتلیهٔ معماری و نقاشی دانشکدهٔ هنرهای زیبا در دانشگاه تهران بود و در سال ۱۳۲۳ به ادارهٔ موسیقی کشور انتقال یافت.

از جمله آثار قلمی وی می‌توان به کتاب متد ***قانون و آهنگ‌هایی برای این ساز*** را نام برد.

مهدی مفتاح در سال ۱۳۷۵ درگذشت و پیکر وی در بهشت‌زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

منبع: *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین* / مهدی ستایشگر، جلد سوم، ص.۵۱۰ـ۵۱۱.

مفخم پایان، لطف‌الله　　۶۴۲

موسیقیدان، مدرس

تولد ۱۲۹۴، تهران.

درگذشت ۱۷ دی ۱۳۶۲.

لطف‌الله مفخم پایان (یزدان‌مهر) از همان اوان کودکی به موسیقی ایرانی علاقه‌مند شد و به فراگیری ویولن پرداخت. وی پس از پایان تحصیلات ابتدایی و دبیرستان در مدارس علمیه و دارالفنون در سال ۱۳۱۸ دورهٔ متوسطه را به پایان رسانید. سپس وارد دانشسرای عالی شده و در سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۱ موفق به اخذ لیسانس در رشته‌های باستان‌شناسی، تاریخ و جغرافیا می‌گردد. وی همچنین در رشتهٔ جغرافیا از دانشگاه سُربُن پاریس به اخذ دکتریِ نایل می‌گردد. از سال ۱۳۲۹ ابتدا در دانشگاه تبریز ۱۳۲۹ و سپس در دانشگاه مشهد به تدریس جغرافیای ریاضی، نقشه‌کشی و تصاویر جغرافیایی، اقلیم‌شناسی، اقیانوس‌شناسی، فیزیوگرافی، جغرافیای زیستی، کلیات جغرافیای ایران و جغرافیای ناحیه‌ای مشغول بود.

لطف‌الله مخفم‌پایان اوایل نوجوانی نزد ابوالحسن صبا به مدت چهارسال نواختن ویولن را آموخت و در این مدت ردیف‌ها و نت‌های صبا را علاوه بر فراگیری آن چاپ نمود و در همین زمان نزد

همین استاد نواختن سنتور را آموخت. یکی دیگر از کارهای لطف‌الله مفخم‌پایان، تنظیم و تدوین و نوشتن سرودهای مدارس ایران بود. مفخم‌پایان سال‌ها با وزارت فرهنگ و هنر همکاری داشت و کنسرت‌هایی را در انجمن دانش‌آموزان دارالفنون و دانشسرای عالی به نفع دانش‌آموزان و دانشجویان ترتیب داد و چند برنامه سلونوازی در پاریس هنگامی که در آن دیار تحصیل می‌کرد، برای شناساندن ردیف‌ها و گوشه‌های موسیقی اصیل ایرانی اجرا نمود. وی یکی از موسیقیدانان کشورمان بود که چهل و پنج جلد تنها دربارهٔ آب و رودهای ایران نوشت و تا آخر عمر در سازمان جغرافیایی ارتش به خدمت مشغول بود.

از جمله آثار وی می‌توان به این چند عنوان کتاب اشاره نمود: ***دریای مازندران*** (متن فرانسه، ۱۳۴۷)؛ ***مرداب انزلی*** (متن فرانسه، ۱۳۴۷)؛ ***رودهای عمده منطقهٔ گیلان*** (متن فرانسه، ۱۳۴۷)؛ ***فرهنگ آبادی‌های ایران*** (۱۳۳۹)؛ ***فرهنگ کوه‌های ایران*** (۱۳۵۲)؛ ***فرهنگ رودهای ایران*** (۱۳۵۳). مقالات ایشان در چهار شمارهٔ مجلهٔ «جهان‌شناسی» دانشگاه مشهد در سال ۱۳۴۰ چاپ شده است.

وی به سبب کسالت ناشی از سکتهٔ مغزی که هنگام مسافرت مشهد بر او عارض شد، در گذشت.

*منابع: **مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد اول*** / حبیب‌الله نصیری‌فر، ص.۱۰۲ـ۱۰۳. ***جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی*** / دکتر محمد حسن گنجی، ص.۵۵۷ـ۵۵۸ و ۶۱۹. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد پنجم، ص.۱۳۷ـ۱۳۸. ***نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین*** / مهدی ستایشگر، جلد سوم، ص.۵۱۲ـ۵۱۳.

۶۴۳ مقبلی، عزت‌الله

بازیگر

تولد ۱۳۱۲، تهران.

درگذشت دی ۱۳۶۷.

عزت‌الله مقبلی از سال ۱۳۲۴ بازی در تئاتر را در باشگاه کودکان آغاز کرد. از سال ۱۳۳۶ همکاری با رادیو را شروع نمود. از سال ۱۳۳۵ به امور صداپیشگی (دوبلاژ) نیز پرداخت. فعالیت سینمایی او با بازی در فیلم «طلسم شیطان» در سال ۱۳۳۶ شروع شد. عمدهٔ فیلم‌هایی که در آنها ایفای نقش کرده است به این شرح است: «خانم عوضی گرفتی» (۱۳۴۰)؛ «صد کیلو داماد» (۱۳۴۰)؛ «زن دشمن خطرناکیست» (۱۳۴۱)؛ «گربهٔ وحشی» (۱۳۴۱)؛ «دختران با معرفت» (۱۳۴۳)؛ «کمین‌گاه شیطان» (۱۳۴۳)؛ «مرخصی اجباری» (۱۳۴۴)؛ «شیطون بلا» (۱۳۴۴)؛ «شانس بزرگ» (۱۳۴۴)؛ «هاشم خان» (۱۳۴۵)؛ «آقا موچول» (۱۳۴۵)؛ «پروفسور نخاله» (کارگردان، نویسنده، تهیه‌کننده، بازیگر، ۱۳۴۵)؛ «دروازهٔ تقدیر» (۱۳۴۶)؛ «میلیونرهای گرسنه» (۱۳۴۶)؛ «هفت شهر عشق» (۱۳۴۶)؛ «آفتاب مهتاب» (۱۳۴۹)؛ «سوگلی» (۱۳۴۹)؛ «ایوب» (۱۳۵۰)؛ «خردجال» (۱۳۵۱)؛ «مطرب» (تهیه‌کننده با مشارکت شکرالله رفیعی، بازیگر، ۱۳۵۱)؛ «مادر جونم عاشق شده» (۱۳۵۵)؛ «تازه عروس» (۱۳۵۶)؛ «فری دست قشنگ» (۱۳۵۶)؛ «سفیر» (۱۳۶۱)؛ «خبرچین» (۱۳۶۶)؛ «سایه‌های غم» (۱۳۶۶)؛ «شاخه‌های بید» (۱۳۶۷). عنوان مجموعه‌های تلویزیونی که در آنها نقشی را اجرا نموده است به این قرار است: «آدم و حوا» (بازیگر، ۱۳۵۰)؛ «گذر عمر» (کارگردان، بازیگر، ۱۳۵۳)؛ «چنگک» (بازیگر، ۱۳۵۶).

*منابع: **فرهنگ سینمای ایران*** / جمال امید، ص.۲۶۴.

فرهنگ سینمای ایران / حمید شعاعی، ص.۵۶۹.

۶۴۴ مقدم، جلال

فیلمنامه‌نویس، کارگردان، بازیگر

تولد ۱۳۰۸، نیشابور.

درگذشت فروردین ۱۳۷۵، تهران.

جلال مقدم، فرزند کاظم، فعالیت هنری‌اش را از سن پانزده سالگی با کار تئاتر آغاز کرد. فعالیت حرفه‌ای را در زمینهٔ سینما از سال ۱۳۳۷ با نوشتن فیلمنامهٔ «جنوب شهر» آغاز کرد. اولین بار برای بازی در فیلم «خشت و آیینه» (ابراهیم گلستان، ۱۳۴۴) جلوی دوربین قرار گرفت. پیش از انقلاب، عمدهٔ فعالیتش در زمینهٔ کارگردانی و نوشتن فیلمنامه بود. وی تعدادی فیلم کوتاه مستند نیز ساخته، اما در سال‌های آخر عمر، کمتر به کارگردانی پرداخت و بیشتر به بازیگری روی آورد. فیلم‌های وی به این شرح است: «جنوب شهر» (نویسنده، ۱۳۳۷)؛ «شب قوزی» (نویسنده، ۱۳۴۳)؛ «خشت و آیینه» (۱۳۴۴)؛ «مشهد شهر مقدس» (کارگردان، مستند کوتاه، ۱۳۴۵)؛ «خانهٔ خدا» (کارگردان، مستند، ۱۳۴۵)؛ «سپنتا» (کارگردان، مستند کوتاه، ۱۳۴۶)؛ «سه دیوانه» (کارگردان و نویسنده، ۱۳۴۷)؛ «جشن هنر» (کارگردان، مستند کوتاه، ۱۳۴۸)؛ «پنجره» (کارگردان و نویسنده، ۱۳۴۹)؛ «فرار از تله» (کارگردان و نویسنده، ۱۳۵۰)؛ «راز درخت سنجد» (کارگردان، ۱۳۵۰)؛ «صمد و فولاد زره دیو» (کارگردان، همکاری در نوشتن فیلمنامه، ۱۳۵۱)؛ «آشیانهٔ مهر» (کارگردان، ۱۳۶۳)؛ «چمدان» (کارگردان، ۱۳۶۵)؛ «سرب» (۱۳۶۷)؛ «هی جو» (۱۳۶۷)؛ «دندان مار» (۱۳۶۸)؛ «هامون» (۱۳۶۸)؛ «گالان» (۱۳۶۹)؛ «سایهٔ خیال» (۱۳۶۹)؛ «بانو» (به نمایش درنیامد، ۱۳۷۰)؛ «مار» (۱۳۷۰)؛ «دلشدگان» (۱۳۷۰)؛ «رد پای گرگ» (۱۳۷۱)؛ «بلندی‌های صفر» (۱۳۷۲)؛ «بدل» (۱۳۷۲)؛ «می‌خواهم زنده بمانم» (۱۳۷۳)؛ «شاخ گاو» (۱۳۷۴). مجموعه‌های تلویزیونی: «همسران» (بازیگر میهمان، ۱۳۷۳)؛ «این خانه دور است» (نام قبلی: بهشت کوچک، ۱۳۷۰ ـ ۱۳۷۴)؛ «سوءتفاهم» (۱۳۷۴).

وی بر اثر تصادف با اتومبیل مجروح شد و پس از سه ماه بستری در بیمارستان در حالت اغماء سرانجام در فروردین سال ۱۳۷۵ درگذشت. پیکر وی در بهشت‌زهرا در قطعهٔ ۸۸ ویژهٔ هنرمندان و نویسندگان به خاک سپرده شده است.

منبع: «فرهنگ بازیگران ایران»، فیلم، ش.۱۸۲، ص.۱۰۲.

۶۴۵ ملاح، حسینعلی

موسیقیدان، پژوهشگر

تولد ۱۳۰۰، تهران.

درگذشت ۲۷ تیر ۱۳۷۱.

حسینعلی مداح تحصیلات موسیقی و نقاشی را نزد دایی‌های خود حسنعلی و علی‌نقی وزیری آغاز کرد و در سنین بالاتر، وارد هنرستان عالی موسیقی شد و از آنجا دیپلم گرفت. او سال‌ها در رادیو تهران به نوازندگیَ، آهنگسازی، سرپرستی ارکسترها و عضویت در شورای عالی موسیقی اشتغال داشت. وی در هنرستان موسیقی ملی نیز تدریس می‌کرد و عضو ثابت ارکستر انجمن ملی موسیقی (به سرپرستی روح‌الله خالقی) بود. وی همچنین سردبیری مجلهٔ «موسیقی رادیو ایران» را به عهده داشت. حسینعلی ملاح ضمن تحصیلات خود در هنر موسیقی، در دانشکدهٔ کشاورزی کرج نیز مشغول تحصیل می‌گردد و از همین دانشکده در رشتهٔ کشاورزی نیز فارغ‌التحصیل می‌گردد.

مرگ همسر اولش در اواسط دههٔ ۱۳۵۰ و سکتهٔ قلبی او در سال ۱۳۵۵، مسیر سال‌های آخر زندگی وی را به‌نحوی دیگر رقم زد. ملاح در این پانزده سال (۱۳۵۵ ـ ۱۳۷۰)، توانست موسیقی را نزد احمد فروتن‌راد، ابوالحسن صبا و دیگران بیاموزد.

حسینعلی ملاح تحقیقاتی در زمینه موسیقی ایرانی دارد. مهم‌ترین آنها عبارتند از: ***حافظ و موسیقی*** (بررسی موسیقی در اشعار حافظ)؛ ***منوچهری دامغانی و موسیقی*** (موسیقی در اشعار منوچهری دامغانی)؛ ***زندگی و آثار غلامحسین درویش***؛ ***تاریخ موسیقی نظامی ایران***؛ ***پیوند شعر و موسیقی***؛ ***شرحی بر رسالهٔ موسیقی جامی***؛ ***رسالهٔ موسیقی بهجت‌الروح***؛ ***تاریخ موسیقی ایران (جلد اول و جلد دوم)***؛ ***سرگذشت کلنل وزیری***.

یکی از فعالیت‌های تحقیقاتی وی ***فرهنگ سازها*** است که در حکم دایرةالمعارف سازشناسی ایرانی به شمار می‌رود. کار دیگر او ***شرح موسیقیایی یکصد و بیست و نه غزل حافظ*** بود که به پایان نرسید. ***مجموعهٔ مقالات*** وی که برگزیدهٔ چهل سال تحقیقات وی مطبوعات موسیقی است در دست چاپ و انتشار است. استاد همچنین آثاری را نیز ترجمه کرده است. از آن جمله است: ***مشت‌زن*** (۱۳۲۳)؛ ***موناوانا و دو نمایشنامهٔ دیگر*** (موریس مترلینگ، ۱۳۳۹، با همکاری بدری وزیری)؛ ***انجمن دوستی***؛ ***تفریح***؛ ***دختران فضل‌فروش به همراه چهار نمایشنامهٔ دیگر از چهار نویسنده دیگر*** (۱۳۳۴، با همکاری بدری وزیری)؛ ***زنده‌باد زندگی***؛ ***ملکهٔ ویکتوریا***.

حسینعلی ملاح، علاوه بر هنر موسیقی، با هنر نقاشی نیز آشنایی داشت و آثاری در این هنر از خود به‌جای نهاد که از جمله می‌توان تصویرهای کلنل وزیری و کمال‌الملک را نام برد.

حسینعلی ملاح اواخر تیر ۱۳۷۱ درگذشت و پیکر وی در کنار غلامحسین بنان و عبدالعلی وزیری در امامزاده طاهر کرج به خاک سپرده شد.

منابع: «استاد حسینعلی ملاح، موسیقی‌شناس معاصر درگذشت»، کیهان فرهنگی، س. ۹، ش. ۶ (شهریور ۱۳۷۱)، ص. ۵۵. «حسینعلی ملاح، به یاد آن پژوهشمردِ دانشنده»، سوره، دورهٔ چهارم، ش. ۶ (شهریور ۱۳۷۱)، ص. ۹۳. ***مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد اول*** / حبیب‌الله نصیری‌فر، ص. ۹۰ ـ ۹۲. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد دوم، ص. ۹۳۴.

۶۴۶ مهدوی مرندی هاشمی، احمد

کارگردان، فیلمنامه‌نویس

تولد ۱۳۱۸، تهران.

درگذشت ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۲، تهران.

سید احمد مهدوی مرندی هاشمی مشهور به احمد هاشمی فارغ‌التحصیل دانشکدهٔ هنرهای زیبای تهران در رشتهٔ بازیگری بود. از سال ۱۳۴۰ در تئاترهای تلویزیونی ظاهر شد و همچنین در نمایشنامه‌های رادیویی نیز ایفای نقش می‌کرد. برای اوّلین با فیلم «پرستوها به لانه باز می‌گردند» وارد سینما شد. اما حضور جدی وی در سیمنا به بعد از انقلاب اسلامی باز می‌گردد که به عنوان فیلمنامه‌نویس و بازیگر فعالیت می‌کرد.

فیلم‌های عمده او به این قرار هستند: «فریاد» (۱۳۵۰)؛ «بدنام» (۱۳۵۰)؛ «پخمه» (۱۳۵۱)؛ «گردباد» (۱۳۶۴)؛ «تشریفات» (۱۳۶۴)؛ «شیر سنگی» (۱۳۶۵)؛ «روزهای انتظار» (۱۳۶۵)؛ «ترنج» (نویسنده، بازیگر، ۱۳۶۵)؛ «مسافران مهتاب» (نویسنده، ۱۳۶۶)؛ «قرق» (نویسنده، ۱۳۶۷)؛ «فرار»؛ «خاک و خون»؛ «در مسیر تندباد»؛ «دستمزد»؛ «تیغ آفتاب»؛ «آخرین تلاش»؛ «دادستان»؛ و مجموعهٔ تلویزیونی: «تاریخ قشم» (۱۳۶۵).

وی قصد داشت فیلم جدیدش را به نام «دروازهٔ بهشت» جلوی دوربین ببرد که روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۲ بر اثر سکته قلبی در بیمارستان جم درگذشت.

منابع: فرهنگ سینمای ایران / جمال امید، ص. ۳۰۳. «احمد هاشمی»، فیلم، ش. ۱۴۲ (خرداد ۱۳۷۲)، ص. ۲۴. *گزارش دوازدهمین جشنواره بین‌المللی فجر.*

مهرپرور، فرهنگ ۶۴۷

بازیگر

تولد ۱۳۲۴، تهران.

درگذشت ۱۴ شهریور ۱۳۷۳، تهران.

فرهنگ مهرپرور فعالیت هنری‌اش را از نوجوانی با اجرای نمایش‌های مدرسه‌ای آغاز کرد. پس از پایان تحصیلات متوسطهٔ آن را جدی گرفت و به فرانسه رفت تا یک دورهٔ دو سالهٔ تئاتر را بگذراند. پس از بازگشت، در برنامه‌های مختلف تلویزیونی، به اجرای نقش پرداخت که موفق‌ترین آنها برنامهٔ «بچه‌ها، بچه‌ها» بود. وی در قطعات نمایشی «اورنگ» و مهرنگ»، نقش مهرنگ را بر عهده داشت. در سال‌های ۱۳۵۲ ـ ۱۳۵۳ به استخدام رادیو درآمد و فعالیت‌های رادیویی‌اش را آغاز کرد که تا هنگام مرگ ادامه داشت. مهم‌ترین برنامهٔ رادیویی مهرپرور در این سال‌ها، برنامهٔ «صبح جمعه با شما» بود. وی بیش از دو سال، شخصیت‌های متفاوتی را اجرا کرد و علاوه بر آن، کارگردانی برنامه را نیز به عهده داشت. پس از انقلاب، به بازیگری در سینما روی آورد و در تعدادی فیلم نیز ایفای نقش کرد. فیلم‌هایی که وی در آنها ایفای نقش کرده است به این شرح هستند: «صعود» (۱۳۶۶)؛ «آخرین لحظه» (۱۳۶۷)؛ «هی جو» (۱۳۶۷)؛ «دزد عروسک‌ها» (۱۳۶۸)؛ «عبور از غبار» (۱۳۶۸)؛ «سفر جادویی» (۱۳۶۹)؛ «آتش پنهان» (۱۳۶۹). مجموعه‌ها و نمایش‌های تلویزیونی که در آنها ظاهر شده است، به این شرح هستند: «هزاردستان» (۱۳۵۸ ـ ۱۳۶۶)؛ «هزار برگ و هزار رنگ» (۱۳۶۷)؛ «شتر و پنبه‌دانه (از مجموعه مش خیرالله)» (۱۳۷۱)؛ «همسایه‌های روبرو» (۱۳۷۲)؛ «لبخند نوروزی» (۱۳۷۲).

منابع: «درگذشت فرهنگ مهرپرور»، فیلم، ش. ۱۷۲، ص. ۹۵. «درگذشت فرهنگ مهرپرور»، کیهان فرهنگی، س. ۱۱، ش. ۶ (شهریور ۱۳۷۳)، ص. ۶۳. «غروب مهرپرور و خنده‌هایش»، روزگار وصل، س. ۱، ش. ۱۰ (مهر ۱۳۷۳)، ص. ۴.

مهرپویا، عباس ۶۴۸

خواننده، آهنگساز، بازیگر

تولد ۱۳۰۶، تهران.

درگذشت ۴ خرداد ۱۳۷۱.

شروع کار هنری عباس مهرپویا از سال ۱۳۲۴ بود که در گروه‌های نمایشی فردوسی، تفکری و جامعهٔ باربد شروع به کار نمود. در همان زمان نوازندگی ساز عود و گیتار را نیز فرا گرفت. وی نخستین کلاس دکور و گل‌آرایی به سبک ژاپنی را تأسیس کرد و در هنگام همه گیر شدن موسیقی پاپ، گیتار الکترونیک را هم در همان کلاس تدریس کرد. مهرپویا در سال ۱۳۳۱ در فیلم «دزد عشق» به کارگردانی اسماعیل کوشان برای اوّلین و آخرین بار به اجرای نقش پرداخت و موسیقی متن این فیلم از ساخته‌های اوست و آخرین کار مهرپویا، نوازندگی سیتار برای فیلم «بای‌سیکل‌ران» است.

منابع: «عبای مهرپویا درگذشت»، فیلم، ش. ۱۲۶ (مرداد ۱۳۷۱)، ص. ۱۱. *سیمای هنرمندان ایران* / حبیب‌الله نصیری‌فر، ص. ۲۴۴ ـ ۲۴۷.

مهرتاش، اسماعیل ۶۴۹

موسیقیدان، بازیگر
تولد ۱۲۸۳، تهران.
درگذشت ۱۳۵۹.

اسماعیل مهرتاش تحصیلات خود را در دارالفنون به پایان رسانید. در سال ۱۲۹۸ در حالی که بیش از پانزده سال داشت گروهی تشکیل داد که مرکب از سی و پنج نفر از بچه‌های محل و شاگردان مدرسهٔ دارالفنون بودند و به اتفاق این عده به برپا کردن کنسرت به طور دوره‌ایی هفته‌ایی دو بار و هر بار منزل یکی از افراد گروه پرداخت. ضمن آن چون نمایشنامه‌های کمدی ایران را دیده بود علاقه‌مند گردید که به اجرای برنامه‌های تئاتری بپردازد. لذا با اعضای گروه به تمرین پرداخت و در ایوان منازل با نصب پارچه‌های رنگین به‌عنوان دکور و پرده به اتفاق دوستان دیگرش به اجرای کنسرت و تئاتر مشغول شد. کم‌کم به اتفاق اعضای گروه خصوصاً سید کاظم شهیدی به فکر ایجاد جامعهٔ باربد افتاد. نمایش‌هایی که تا پیش از ایجاد کلوپ و جامعهٔ باربد در منازل اجرا کرده بود عبارتند از: «بچه سه قلو»، «دو ارباب و نوکر»، «ابهت‌الممالک»، «انوشیروان عادل»، «دکتر ریاضی‌دان»، «ابوالفوارس»، «قباد و مزدک»، «میرزا مراد»، «مشهدی عباد». این نمایش‌ها بین سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۳ در ایوان منازل اجرا گردید و اکثراً تقلیدی بود از نمایش‌نامه‌هایی که کمدی ایران یا ارامنه روی صحنه می‌آوردند. از سال ۱۳۰۳ مهرتاش درصدد برآمد نظم و ترتیبی به گروه خود بدهد، به آن جهت کلوپی تأسیس کرد. تا سال ۱۳۰۵ یعنی سال نضج گرفتن جامعهٔ باربد فقط چند نمایشنامهٔ موسیقی‌دار روی صحنه آورد.

جامعهٔ باربد طی سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۸ در خیابان فردوسی مستقر بود. در این مکان به علت نداشتن سالن نمایش، مهرتاش برنامه‌های خود را در سالن‌های مختلف نظیر سالن گراند هتل در لاله‌زار، (محل فعلی تماشاخانهٔ دهقان) و سالن نکویی (محل فعلی سینما هما) و سالن زرتشتیان و سالن حاج مفتح‌الملک در حسن‌آباد ماهی یک شب برای اعضای کلوپ و گاهی اوقات برای عموم به معرض اجرا می‌گذاشت. جامعه باربد از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۱ یک دورهٔ فترت را گذراند. طی این سه سال جامعه مذکور هیچ برنامه‌ایی اجرا نکرد. تا این که در سال ۱۳۲۱ محلی را در خیابان سعدی جنوبی اجاره کرد و فعالیت خود را گسترده‌تر ساخت. جامعهٔ باربد تا سال ۱۳۲۵ به صورت شرکت سهامی اداره می‌شد. اما چون این شرکت متحمل زیان گشت، هنرپیشگان سهام خود را به مبلغ سیصد و چهل تومان به خود مهرتاش پس دادند و مهرتاش یگانه صاحب جامعهٔ باربد گشت. در سال ۱۳۲۱ در همین مکان کلاس تئاتر ایجاد کرد که دورهٔ آن دو سال بود و در این کلاس رفیع حالتی دکلاماسیون، علی دریابیگی تئاتر، مهرتاش موسیقی، ناظرزادهٔ کرمانی ادبیات، خان ملک ساسانی تاریخ تئاتر و محسن سهیلی نقاشی و چهره‌پردازی تدریس می‌کردند. این کلاس هشت دوره دو ساله یعنی تا مدت‌ها بعد از آمدن مهرتاش و گروهش به محل فعلی جامعه باربد ادامه داشت. در سال ۱۳۲۵ جامعهٔ باربد به خیابان لاله‌زار کوچهٔ باربد (محل فعلی سینما شهرزاد) آمد و از این تاریخ علی اصغر ازهدی به این جامعه پیوست و به اجرای برنامه‌های دائمی در این محل اقدام کرد. نمایش‌ها مانند سابق یک شب برای اعضای کلوپ و بقیهٔ شب‌ها برای عموم بود. کلاس‌ها در این مکان نیز دایر بود و تدریس تئاتر ادامه داشت. تا سال ۱۳۲۸ جامعهٔ باربد در همین محل به اجرای برنامه و سایر فعالیت‌های خود می‌پرداخت. از سال ۱۳۲۸ جامعهٔ باربد به ابتدای خیابان لاله‌زار آمد. پس از این جامعهٔ

باربد دیگر از اعضای کلوپ دعوتی به‌عمل نیاورد و خود به خود کلوپ از هم پاشیده شد. کلاس تئاتر نیز دیری نپایید و تعطیل گردید.

اسماعیل مهرتاش، حدود ۴۵۰ آهنگ مختلف برای نمایش‌ها و پیش‌پرده‌ها و استفاده از آنها برای اعیاد و مناسبت‌های مختلف مذهبی و غیره ساخت که برای صفحه شدن آنها، چند سفر به بغداد و قاهره نیز نمود.

منابع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران/ حبیب‌الله نصیری‌فر، ص. ۲۷۷ ـ ۲۸۴. *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین /* مهدی ستایشگر، جلد سوم، ص. ۵۴۰ ـ ۵۴۱.

۶۵۰ مهرو، علی

خوشنویس، شاعر

تولد ۱۳۰۰، بروجرد (آشخانه).

درگذشت ۱۳۶۰.

علی مهرو، فرزند کریم، در نخستین دبستان دولتی آشخانه به تحصیل پرداخت. خط نستعلیق را در همان مدرسه از میرزا فتح‌الله خوشنویس آموخت و نوازندگی دو تار را از عبدالله بخشی تعلیم گرفت. او از همان کودکی مطالعه را آغاز کرد.

شغل اصلی او کشاورزی و دامداری بود و تا ۴۵ سالگی خیاطی می‌کرد. بعد به نویسندگی عریضه و قباله روی آورد و یک چند کارگری و بنایی کرد و مدتی هم به باغداری و بزازی پرداخت.

مهرو از بانیان تعزیه و شبیه‌خوانی در آشخانه بود و نوحه‌هایی از او باقی مانده است. او با خوانین محلی در ستیز بود و به علت ناامنی منطقه و دور بودن خانه‌اش از روستا، از سر شب تا صبح بیدار می‌ماند تا دزدان از قصد حمله به خانه‌اش منصرف شوند. چنین بود که شب‌های بسیاری را در زیر فانوس به مطالعه و نوشتن گذراند.

علی مهرو در سال ۱۳۶۰ درگذشت و در امامزاده دلاور آشخانه به خاک سپرده شد.

منابع: دانشوران بجنورد، آشنایی با احوال و آثار یک صد و بیست تن از بزرگان علم و ادب و هنر شهرستان بجنورد / علی اکبر عباسیان، احسان سیدی‌زاده، ص. ۱۵۲ ـ ۱۵۴ (به نقل از: مهرو، علی، *نسیم حق (دیوان اشعار)*؛ زندگی‌نامهٔ مهرو به قلم سیاوش مهرو).

۶۵۰/۱ میر خدیوی، اصغر

هنرمند، شاعر

درگذشت دی ۱۳۷۲، مشهد.

این شاعر و هنرمند خراسانی با آفرینش طنزها و اشعار محلی و آمیختن آنها با لهجهٔ مشهدی در صحنهٔ تئاتر و رادیو از جایگاهی ویژه برخوردار بود.

از آثار اوست: ***پند و لطیفه: بخوانید و بخندید و پندهای آن را نیز به کار بندید*** (مشهد، ۱۳۷۲)؛ ***خنده و گوهر، مجموعه‌ای از لطایف و حکایات تاریخی، عرفانی، ادبی...*** (۱۳۶۹)؛ ***رؤیای جوانی و غم پیری: آثار ارزنده‌ای از شعرای نامی ایران ...*** (۱۳۷۱)؛ ***کشکول خنده، اشعار مشهدی: گزینهٔ شیرین‌ترین لطایف نظم و نثر و اشعاری به لهجهٔ مشهدی از آداب و رسوم مردم خَراسان*** (مشهد، ۱۳۶۲)؛ ***جنگ خنده: گنجینهٔ اشعار و لطایف شیرین فکاهی*** (۱۳۷۰)؛ ***غزل و رباعی: گزیدهٔ آثار ادبی شعرا و ادبای فارسی‌زبان از قرن پنجم تا عصر حاضر*** (مشهد، ۱۳۶۵).

پیکر وی در مشهد دفن شد.

*منبع: «*درگذشت شاعر و هنرمند خراسانی*»*، کیهان فرهنگی، س. ۱۰، ش. ۱۰ (دی ۱۳۷۲)، ص. ۶۷.

خوشنویس

تولد ۱۲۸۴، تهران[۱].

درگذشت ۱۱ خرداد ۱۳۶۱.

سیدحسین میرخانی، فرزند مرتضی حسینی برغانی، تعلیم خط را از پدر فرا گرفت و طولی نکشید که به جرگهٔ خوشنویسان وارد به‌ویژه در تحریر خط نستعلیق از ریز و درشت و کتابت شد. میرخانی مدرس خط کلاس عمومی خوشنویسی ادارهٔ هنرهای زیبا بود.

از سال ۱۳۲۹ در انجمن خوشنویسان ایران و در کلاس‌های آزاد خوشنویسی مشغول تدریس شد و دیگر کمتر مجال کتابت یافت و آخرین کار ایشان کتاب ***مثنوی*** طبع حاج محمد کریم‌خان کرمانی است که در سال ۱۳۵۳ که برای تعلیم هنرجویان کلاس‌های خوشنویسی مشهد به آن استان می‌رفت در مشهد نوشت. دو قصیدهٔ معروف قرآینه و خاتمیه اثر الهی قمشه‌ای از کارهای ایشان است. از آثار کتابت دیگر وی، دو مجلد ***قرآن کریم*** است که قرآن اول با ترجمهٔ فارسی و قرآن دوم بدون ترجمه به چاپ رسیدند.

سید حسین میرخانی موفق به دریافت «نشان درجهٔ یک هنر» و «نشان درجهٔ سه خدمت» شد و تقدیرنامه‌ای از دانشگاه‌الزهرا که به مناسبت نوشتن اولین قرآن به ایشان اعطا شده است.

*منابع: **یادنامهٔ اولین سالگرد درگذشت استاد سید حسین میرخانی**/* اشرف‌السادات میرخانی، ص.۶۳. *تذکرهٔ **خوشنویسان معاصر**/* علی راهجیری، جلد اوّل، چاپ دوم، ص.۱۷۵. ویژه‌نامهٔ شمارهٔ ۱ دومین کنگرهٔ خوشنویسان کشور، ویژهٔ استاد سید حسین میرخانی/ ستاد کنگره.

خوشنویس، ادیب، شاعر

تولد ۱۲۹۱، تهران.

درگذشت ۵ آذر ۱۳۶۹، تهران.

سید حسن میرخانی ملقب به «سراج الکتاب»، فرزند سید مرتضی حسینی برغانی از خوشنویسان و از شاگردان میرزا رضا کلهر، در محضر پدر به فراگیری خط نستعلیق پرداخت. بیش از چهل کتاب و رساله که می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: ***کلیات سعدی، مثنوی مولوی، خمسه نظامی، دیوان حافظ، دیوان بنده و گزیده دیوان شمس تبریزی، ترانه‌های طاهر عریان، ترجیع‌بند هاتف اصفهانی، دوازده امام خواجه نصیر طوسی، خلاصه شرح حال مولانا، ترجمهٔ نفس المهموم، زبدةالاسرار، دیوان وحدت کرمانشاهی، دیوان موافق میرزا علی اکبر ملقب به موافق علیشاه نعمةاللهی*** چاپ سنگی، ***پندنامه سعدی، گزیده سعدی، گزیده شمس تبریزی، مثنوی چاه وصال، قصیده انصافیه صدرالافاضل، گلچین معرفت، داستان ملک جمشید، منتخب اللغه، مجموعه هنر خط، نگارستان خط.***

سید حسن میرخانی روز ۵ آذر ۱۳۶۹ پس از یک بیماری طولانی و به سبب سکتهٔ قلبی درگذشت.

منابع: «درگذشت استاد سید حسن میرخانی»، چلیپا، ص.۱۷۲. «یادی از درگذشتگان: استاد سید حسن سراج الکتاب»، کلک مشکین، ویژه نخستین جشنواره خوشنویسی جهان اسلام، ش.۱ (۲۰ بهمن ۱۳۷۵)، ص.۸. «به مناسبت درگذشت استاد حسن میرخانی (سراج الکتاب)، چراغ همیشه فروزان خوشنویسی»، کیهان، (۱۴ آذر ۱۳۶۹)، ص.۶. حسینیان، حمیدرضا، «عمری به خوشنویسی»، اطلاعات (۱۴ آذر ۱۳۶۹)، ص.۷. ویژه‌نامهٔ شمارهٔ ۲ دومین کنگرهٔ خوشنویسان کشور، ویژهٔ استاد سید حسن میرخانی معروف به

۱. در ویژه‌نامهٔ شمارهٔ ۱ دومین کنگرهٔ خوشنویسان کشور تاریخ تولد وی ۱۲۸۶ ذکر شده است.

سراج‌الکتاب/ علی راهجیری.

۶۵۳ میرلوحی، محمدرضا

کارگردان، نویسنده

تولد ۱۳۱۹، تهران.

درگذشت ۱۳۶۳، تهران.

محمدرضا میرلوحی از سال ۱۳۴۲ بازی در تئاتر را ابتدا در گروه شاهین سرکیسیان و بعد گروه بیژن مفید و گروه هنرهای ملی آغاز کرد. از جمله نمایش‌هایی که در آنها حضور پیدا کرد، می‌توان به این عنوان‌ها اشاره کرد: «چنگال»، «بهارهای از دست رفته»، «در راه کارادیف». در این مدت داستان‌هایی از وی در مجلات به چاپ رسید. مدتی نیز در گروه ادب تلویزیون فعالیت داشت. با نوشتن فیلمنامهٔ «رقاصهٔ شهر» از سال ۱۳۴۹ وارد عرصهٔ سینما شد. از جمله فیلم‌هایی که نوشته است یا کارگردانی آنها را به‌عهده داشته است، می‌توان به عنوان‌های زیر اشاره نمود: «کاکو» (نویسنده، ۱۳۵۰)؛ «زن یک‌شبه» (نویسنده، ۱۳۵۰)؛ «تپلی» (کارگردان، نویسنده، ۱۳۵۱)؛ «شورش» (کارگردان، نویسنده، ۱۳۵۲)؛ «آقای جاهل» (کارگردان، نویسنده، ۱۳۵۳)؛ «مواظب کلاهت باش» (کارگردان، ۱۳۵۳)؛ «شکست‌ناپذیر» (کارگردان، ۱۳۵۳)؛ «پاکباخته» (کارگردان، نویسنده، ۱۳۵۵)؛ «خاتون» (کارگردان، نویسنده، ۱۳۵۶)؛ «اشباح» (کارگردان، نویسنده، ۱۳۶۱)؛ «شیلات» (کارگردان، ۱۳۶۲)؛ «ریشه در خون» (تدوین، ۱۳۶۳)؛ «خاک و خون» (نویسنده، ۱۳۶۳)؛ «فرار» (تدوین، ۱۳۶۳).

منبع: فرهنگ سینمای ایران/ جمال امید، ص. ۲۷۷.

۶۵۴ نارنجیها، پرویز

گوینده، صداپیشه

تولد ۱۳۱۸، تهران.

درگذشت ۱ شهریور ۱۳۷۲، تهران.

پرویز نارنجیها، گویندگی برای فیلم را از سال ۱۳۴۲ آغاز کرد و در فیلم‌ها با دو سه گویش گوناگون به جای شخصیت‌های متفاوتی سخن می‌گفت. به خاطر لحن بیان مخصوصی که داشت، اکثراً به جای کشیش‌ها و رؤسای دادگاه حرف می‌زد. او همچنین از فعالان صداپرگردانی (دوبله) در تلویزیون، به‌ویژه در برنامه‌های کودک بود. گفتار متن نقاشی متحرک «پلنگ صورتی» و برنامهٔ «لحظه‌ها»، گفتارهای چی کی یویا و بزغالهٔ دکتر در کارتون‌های «ایکیوسان» و «پسر شجاع»، گویندگی به جای آدم آهنی در فیلم «دیگه چه خبر؟» و گویندگی در نقش گروهبان گارسیا در مجموعهٔ تلویزیونی «زورو» از جمله فعالیت‌های او بود. علاوه بر اینها، نارنجیها معلم بود و نقاشی نیز می‌کرد.

نارنجیها نیمه شب اوّل شهریور ۱۳۷۲ در حالی که به سبب سکتهٔ مغزی پنج ماه از سکوتش می‌گذشت، به علت ناهنجاری شدید گوارشی در بیمارستان ساسان در تهران درگذشت.

منبع: «صدای مهربان خاموش شد، پرویز نارنجیها»، فیلم، ش.۱۴۸ (مهر ۱۳۷۲)، ص. ۱۰.

۶۵۵ ناظریان، ایرج

صداپیشه

تولد ۱۳۱۴.

درگذشت ۲۶ مرداد، ۱۳۷۰ سوئد.

ایرج ناظریان کارش را از تئاتر در دههٔ ۱۳۳۰ شروع کرد و از سال ۱۳۳۵ وارد کار صداپیشگی شد. وی به

جای بازیگران مانند راک هادسن، چارلز برانسون، ریچارد برتون، ناصر ملک مطیعی و...حرف زده است. آخرین کار وی در زمینهٔ صداپیشگی، مجموعهٔ تلویزیونی «بادبان‌های برافراشته» بود که به جای شخصیت کاپیتان حرف می‌زد.

وی روز سه‌شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۷۰، به دنبال یک بیماری سخت و کوتاه مدت، در سن ۵۶ سالگی در سوئد درگذشت.

منبع: «درگذشت ایرج ناظریان، دوبلور قدیمی»، ماهنامهٔ سینمایی فیلم، س. ۹، ش. ۱۱۴ (آبان ۱۳۷۰)، ص. ۷.

ناظمی، مهدی　　۶۵۵/۱

سازندهٔ ساز

تولد ۱۳۳۱، یزد.

درگذشت ۱ خرداد ۱۳۷۶.

مهدی ناظمی، فرزند حسین ناظم‌التجار و نوهٔ حاج محمد صادق ناظم‌التجار یزدی، بود. نوازندگی و ساخت ساز سنتور را نزد حبیب سماعی و ابوالحسن صبا فرا گرفت. وی یکی از مشهورترین سازندگان سنتور در تاریخ یکصد و پنجاه سالهٔ معاصر بود.

منبع: *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین* / مهدی ستایشگر، جلد سوم، ص. ۵۴۴ ـ ۵۴۵.

نجمی، مصطفی　　۶۵۵/۲

نقاش، آهنگساز

تولد ۱۲۹۸، تهران.

درگذشت آبان ۱۳۷۶، تهران.

مصطفی نجمی، واپسین شاگرد کمال‌الملک، در محلهٔ سنگلج تهران به‌دنیا آمد. وی از دوران جوانی به تصویرگری شوق داشت و به موازات کار نقاشی، تدریجاً به موسیقی (نواختن ویولن و پیانو) پرداخت. وی بعداً به اتفاق شاگردان کمال‌الملک در آخرین مراحل حیات ایشان یا در محضر استاد وزیری به تعلیم نقاشی روی آورد. بعداً در نقاشخانهٔ سید رسول الحسینی به ادامهٔ هنر نقاشی پرداخت. سپس در دبیرستان نظام و اکثر دبیرستان‌های تهران از جمله دارالفنون به تعلیم دانش‌آموزان در علم نقاشی مشغول شد.

مصطفی نجمی در سال ۱۳۵۲ عازم فرانسه شد تا علاوه بر عرضهٔ آثار نقاشی خود، در معرفی موسیقی ایرانی بکوشد. آنگاه به عضویت انجمن آهنگسازان فرانسه درآمد. طولی نکشید که به دعوت دانشگاه جنگ در دانشگاه افسری به تعلیم دانشجویان آن دانشگاه مشغول شد. مصطفی نجمی در مسابقهٔ جهانی آثار نقاشی توانست با کشیدن تابلوی «منظرهٔ اوشان» موفقیت درخشان کسب کند.

تابلوهای نقاشی مصطفی نجمی که موقعیت خاصی به‌دست آورند، عبارتند از: «تابلوی قیام سی‌تیر»، «منظرهٔ میگون»، «رودسر»، «نانوایی در دهات»، «تجسم وضع یک معتاد»، «امامزاده ابراهیم» و تابلوهای دیگری است که در نمایشگاه‌های مختلف به نمایش در آمده است.

منبع: «استاد مصطفی نجمی، نقاش، آهنگساز و صورتگر برجسته درگذشت»، اطلاعات، ش. ۲۱۱۹۷ (۱۷ آبان ۱۳۷۶)، ص. ۷.

نجفی زنجانی، احمد　　۶۵۶

خوشنویس

تولد ۱۲۸۷ (۱۳۲۴ ق.)، نجف.

درگذشت ۱۷ تیر ۱۳۶۱.

احمد نجفی زنجانی مشهور به «معصومی» یا «معصومی خوشنویس»، فرزند محمد حسین، در هفت سالگی در مدرسهٔ مرتضوی ایرانیان در نجف اشرف مشغول به تحصیل شد. سپس به فراگیری فقه و اصول و نحو و صرف و ادبیات عربی و فارسی پرداخت. چون از کودکی به آموختن فنون خط علاقه داشت، ضمن تحصیل زیر نظر اساتید خط به استنساخ کتب دینی و اجتماعی اشتغال ورزید تا در بیست و پنج سالگی رسماً در زمرهٔ خوشنویسان عصر در آمد و مشغول تحریر کتب مؤلفین و ناشرین شد. کار کتابت را از سال ۱۲۹۵ آغاز کرد. از همین زمان کتیبه‌نویسی را شروع نمود و از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: کتیبه‌های : درب طلای بارگاه حضرت امیر(ع)؛ کتابخانهٔ حضرت امیر؛ درب نقرهٔ حرم سامرا؛ ضریح آرامگاه حضرت مسلم(ع) در کوفه؛ ضریح آرامگاه حضرت عبدالعظیم؛ ضریح آرامگاه حضرت رقیه در شام؛ ضریح آرامگاه حضرت رضا(ع)؛ کتیبه‌های مسجد اعظم و مسجد آئینه و موزهٔ قم؛ رواق آینهٔ زنانه حضرت معصومه(ع)؛ گنبد خواجه ربیع در خراسان؛ صحن کهنهٔ قم؛ شاه نعمت‌الله در ماهان کرمان؛ آرامگاه ابوعلی سینا در همدان؛ امامزاده سید محمد محروق در نیشابور؛ آرامگاه عمر خیام در نیشابور؛ آرامگاه شیخ فریدالدین عطار در نیشابور؛ مسجد شاه صفی در اردبیل؛ مسجد جنت در اردبیل؛ بقعهٔ طیبات در مرز افغانستان؛ آرامگاه نادرشاه افشار در مشهد؛ مجسمهٔ فردوسی در ایتالیا؛ مهمانخانهٔ و نمایشگاه سفارتخانهٔ دولت ایران در واشنگتن؛ قسمتی از درب‌های آهنی مسجد شاه در تهران؛ مسجد سید عزیزالله؛ مسجد ملکه مادر؛ مسجد سبحان؛ مسجد آقا رضا شیشه؛ مسجد باب الحوائج؛ مسجد و محراب آشتیانی‌ها؛ محراب مسجد خلیل‌الرحمن؛ محراب مسجد کرمانی‌ها؛ سردری و محراب مسجد اردبیلی‌ها؛ محراب مسجد اربابی؛ مسجد هدایت؛ مسجد حاج آقا کمال مرتضوی؛ مسجد دولت‌آباد؛ مأذنهٔ پامنار؛ مأذنهٔ مسجد صدریه؛ مسجد کاظمین؛ مسجد خوانساری‌ها؛ مرقد و زیارتنامهٔ امامزادهٔ عبدالله در شهرری؛ مدرسهٔ مروی تهران؛ کتیبهٔ و زیارتنامهٔ بقعهٔ امامزاده شکر کوه در مازندران؛ تجدید ضریح امامزاده نور در گرگان؛ کتیبهٔ مسجد دانشگاه تهران به عرض یازده متر و سی سانتیمتر و به طول دویست متر با رقم و تاریخ ۱۳۸۵ ق. مرقوم کرده‌اند. علاوه بر این عموم اصلاحات کتیبه‌های تاریخی به دستور وزارت فرهنگ در سراسر ایران و شجره‌های انساب سادات و استنساخ کتب قیمتی و تکمیل قرآن‌های خطی و گرانبها نمونه‌هایی از آثار هنری این هنرمند است.

یکی از کارهای هنری و خیلی دقیق وی نوشتن سورهٔ اخلاص روی یک دانه برنج با امضا و تاریخ است. از این نوع برنج‌ها چهار دانه در دسترس است که دو دانهٔ آن در کتابخانهٔ حضرت امیر(ع) در نجف اشرف محفوظ و دو دیگر در تهران است. استادان زنجانی عبارت بودند از: در خط نسخ: میرزا عبدالجواد محلاتی؛ در خط ثلث: عبدالعلی ثانی یزدی ملقب به اشرف الکتاب؛ در خط نستعلیق: میرزا حسن زرین خط تهرانی. اجازت زنجانی توسط افراد زیر صادر شده است: محمد علی فضلی بغدادی؛ حامد آمدی اسلامبولی؛ محمد هاشم بغدادی؛ بدوی دمشقی؛ حسن زرین‌خط تهرانی. وی از خوشنویسانی است که در نوشتن انواع خط از قبیل نسخ، ثلث، رقاع، کوفی، نستعلیق، شکسته، طغرا و غیره مهارت داشت.

وی در انجمن خوشنویسان ایران به سمت استادی در امر خط ثلث مشغول و تا پایان عمر در این خدمت بود.

از جمله کتاب‌هایی که کتابت کرده است می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***ریاض الجنان***

(۱۳۷۵ ق.)؛ ***انوارالمجالس؛ گنج جواهر دانش؛ رسائل*** آیت‌الله سید حسین بروجردی؛ کتاب ***الطهاره*** تألیف آیت‌الله بروجردی در فقه؛ ***قرآن*** سه جلد (و از جمله قرآن رحلی مذهب با چاپ هفت رنگ، تهران)؛ ***تنقیح المقال فی احوال الرجال*** در سه جلد، تألیف آیت‌الله مامقانی؛ ***مفاتیح الجنان*** حاج شیخ عباس محدث قمی؛ ***تفسیر گازر***؛ ***سفینةالبحار*** تألیف محدث قمی؛ ***مناسک حج*** آیت‌الله محمد حسین نایینی؛ ***مناسک حج*** شیخ علی مرندی؛ ***رساله نجاة العباد*** تألیف آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری؛ پنج دوره ***دیوان مصور خیام***؛ یک جزوه ***قرآن*** برای مدارس؛ چهار دوره ***رسم‌المشق***؛ ***آثار جاویدان خط*** تألیف احمد زنجانی؛ چندین کتاب درسی نیز به خط او در ایران و عراق (نجف).

منابع: *تذکرهٔ خوشنویسان معاصر* / علی راهجیری، چاپ دوم، ص.۱۵۹. *سخنوران و خطاطان زنجان از قرن چهارم تا عصر حاضر* / کریم نیرومند با همکاری کریم زعفری، ص.۶۲ـ۶۵ «یادی از درگذشتگان: زنده‌یاد حاج شیخ احمد نجفی زنجانی»، کلک مشکین، ویژه نخستین جشنواره خوشنویسی جهان اسلام، ش.۲ (۱۱ اسفند ۱۳۷۵)، ص.۸. «هنر کتیبه‌نگاری آخرین بازماندهٔ خویش را از دست داد» (در سوگ استاد زنجانی)، فصلنامهٔ هنر، ش.۱ (پاییز ۱۳۶۱)، ص.۱۸۲ ـ ۱۸۷ (همراه با عکسی از استاد و عکس‌هایی از آثار استاد احمد نجفی زنجانی). ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد اول، ص.۴۷۸. ویژه‌نامهٔ شمارهٔ ۵ دومین کنگرهٔ خوشنویسان کشور، ویژهٔ استاد علی اکبر کاوه/ ستاد کنگره.

نمایشنامه‌نویس

درگذشت ۱۳۶۸.

عباس نعلبندیان در سال ۱۳۴۷ برندهٔ نخستین مسابقهٔ نمایشنامه‌نویسی جشنوارهٔ هنر شیراز شد. پیش از این دو داستان کوتاه به اسم «آقای م.م...» و «خوشه» منتشر شده بود. این نمایشنامه به‌نام «پژوهشی ژرف و سترگ و نو، در سنگ‌واره‌های دورهٔ بیست و پنجم زمین‌شناسی و یا چهاردهم، بیستم و غیره، فرقی نمی‌کند» پس از اجرای آن در جشنوارهٔ سال ۱۳۴۷ به کارگردانی آربی آوانسیان، در برخی از جشنوارهٔ تئاتر خارج از کشور نیز شرکت کرد. این نمایشنامه برندهٔ جایزهٔ اول تلویزیون ملی ایران هم شد. پس از این نمایشنامه نعلبندیان نمایشنامه‌نویسی را جدی گرفت. برخی از آثار وی به این شرح است: نمایشنامهٔ ***اگر آقای فاوست یک‌کم معرفت به خرج داده بود*** (۱۳۴۸)؛ نمایشنامه ***صندلی کنار پنجره بگذاریم و بنشینیم و به شب دراز تاریک خاموش سرد بیابان نگاه کنیم*** (۱۳۴۹)؛ ***ناگهان "هذا حبیب‌الله" مات فی حب‌الله، هذا قتیل‌الله، مات بسیف‌الله*** (۱۳۵۱)؛ ***قصهٔ غریب سفر شاد شین شاد شنگول به دیار آدم‌کشان و امردان و جذامیان و دزدان و دیوانگان و روسپیان و کاف‌کشان*** (۱۳۵۱) و ...

منبع: «و ناگهان "مات فی حب‌الله"»، دنیای سخن، ش.۲۸ (مرداد، شهریور ۱۳۶۸)، ص.۵.

تذهیب‌کار

تولد ۱۲۸۳، فراهان.

درگذشت ۱۳۶۷.

محمد حسین نقشه‌چی پس از طی دوران مدرسه به‌تدریج در کنار پدر با رموز کار نقشهٔ قالی آشنا شد و اصول طراحی و رنگ‌آمیزی را فرا گرفت. همان سال‌ها در اراک مدتی نیز زبان فرانسه آموخت. در هفده سالگی به قم مهاجرت نمود و چند صباحی در آن شهر به طراحی نقش قالی پرداخت. سپس

رهسپار تهران گردید و در سال ۱۳۰۹ به مدرسهٔ صنایع قدیمه[۱] راه یافت. محمد حسین نقشه‌چی در مدرسهٔ صنایع قدیمه در محضر میرزا علی درودی در رشته‌های نقشه قالی، تذهیب، نقشهٔ کاشی، نقش گره تا سال ۱۳۱۳ به تحصیل پرداخت و در طراحی و ساخت و ساز رنگ مهارت یافت. سپس به صورت قراردادی به استخدام وزارت پیشه و هنر، ادارهٔ هنرهای ملی، به‌عنوان طراح و نقشه‌کش در آمد. وی تا سال ۱۳۲۶ به کار خود ادامه داد تا در این سال به استخدام رسمی ادارهٔ هنرهای زیبای کشور درآمد. در همین سال آثار وی در نمایشگاه هنرهای زیبای معاصر شرقی، در دهلی‌نو، شرکت داشت. به سبب درخشش آثارش در این نمایشگاه از سوی وزیر اقتصاد ملی وقت در تاریخ ۴ تیر ۱۳۲۶ تقدیرنامه‌ای دریافت می‌کند. او در سال ۱۳۴۱ پس از بیست و هشت سال فعالیت بازنشسته شد. پس از بازنشستگی به کار خوشنویسی ادامه می‌دهد.

از جمله فعالیت‌های وی می‌توان به این موارد اشاره نمود: فعالیت در طراحی نقوش دیوار و سقف گنبدی شکل کاخ مرمر با همکاری اساتیدی چون عبدالله باقری، حسین جاسبی و...؛ اعزام وی برای مدت شش ماه به افغانستان برای طراحی و تعمیر کاشی‌های سقف مسجد جامع کابل در سال ۱۳۲۲؛ طراحی نقش کاشی‌های کاخ گلستان سابق؛ و اعزام او به اصفهان برای طراحی نقش کاشی‌ها در سال ۱۳۳۸؛ نقشه‌چی تا سال وفات مدت بیست و شش سال نقش‌ها و طرح‌های مدادی و رنگیِ قالی و نقاشی خط ساخته و پرداخته است که اغلب این آثار نزد خانواده نگهداری می‌شوند؛ دفتر یادبودی که متجاوز از سی طرح تذهیب رنگ شدهٔ استاد برای امضای شخصیت‌های جهانی که از موزهٔ هنرهای ملی بازدید داشته‌اند، ساخته شده که در موزهٔ فوق‌الذکر محفوظ است؛ نقشهٔ قالی‌های تمام رنگ استاد نیز در ردیف برترین آثار نقش قالی معاصر، در موزهٔ فرش ایران به نمایش درآمده است و در همان جا نیز نگهداری می‌شود.

منابع: «استاد محمدحسین نقشه‌چی یادی از هنرمندِنقش قالی و تذهیب»، فصلنامهٔ هنر، ش. ۲۵ (تابستان ۱۳۷۳)، ص. ۶۴ـ۶۶ *طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش* / شیرین صور اسرافیل، ص. ۴۵۶.

نوذری، صادق ۶۵۹

کارشناس جلوه‌های تصویری

تولد ۱۳۲۱، سوهانک شمیران.
درگذشت ۳۰ مرداد ۱۳۷۲.

صادق نوذری از سال ۱۳۴۲ در لابراتوار وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد و در طول فعالیت خود راه‌اندازی لابراتوار میثاقیه را نیز به عهده داشت. از جمله، خدمات نوذری در سال‌های پس از انقلاب، تلاش او در جهت گسترش فن جلوه‌های تصویری و تروکاژهای سینمایی بود که از کارهای شاخص او در این زمینه می‌توان به جلوه‌های تصویری فیلم‌های «سایهٔ خیال»، «شهر در دست بچه‌ها» و «ناصرالدین شاه آکتور سینما» اشاره کرد. وی بعدها به سرپرستی لابراتوار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رسید.

منبع: «صادق نوذری یکی از ناشناخته‌های پشت صحنه درگذشت»، فیلم، ش. ۱۴۸ (مهر ۱۳۷۲)، ص. ۱۱.

---

۱. این مدرسه‌ای است که طاهرزادهٔ بهزاد تأسیس نمود و پیش از آن به نام مؤسسهٔ قالی مشهور بود که زیر نظر وزارت صناعت اداره می‌شد. مدرسهٔ صنایع قدیمه در سال ۱۳۱۵ به نام هنرستان عالی هنرهای ایرانی ادامهٔ فعالیت داد و تحت مدیریت ادارهٔ هنرهای ملی که ریاست آن را استاد علی کریمی به‌عهده داشت. ادارهٔ هنرهای ملی از ادارات وزارت بازرگانی پیشه و هنر بود.

نی‌داود، مرتضی ٦٦٠

موسیقیدان

تولد ۱۲۸۰، تهران.

درگذشت ۹ مرداد ۱۳۶۹، لس‌آنجلس (آمریکا).

مرتضی نی‌داود، فرزند بالاخان نوازندهٔ تنبک، با شرکت در دوره‌های قاسم قلی با موسیقی آشنا شد. سپس غلامحسین خان درویش مشهور به درویش خان به وی موسیقی تعلیم داد. پس از اتمام دورهٔ کلاس‌های وی، سرپرستی قسمتی از ادارهٔ امور کلاس را به عهده گرفت و طی سال‌ها، به دریافت سه مدال از دست درویش خان نایل شد (مس، نقره و طلا).

مدت‌ها به‌طور خصوصی تدریس می‌کرد. در این سال‌ها، او به همراه قمرالملوک وزیری، کنسرت‌های متعددی در تهران، شیراز، اصفهان، همدان و مشهد برپا کرد و در همدان به همراه عارف قزوینی کنسرت‌های متعددی داد. نی‌داود جوان به‌حدی رشد کرده بود که اساتید کهنسال موسیقی نیز با رغبت همراه وی می‌نواختند و کنسرت می‌دادند.

از سال ۱۳۰۷ که دوباره ضبط صفحه در ایران رواج یافت، نی‌داود صفحاتی از خود به یادگار گذاشت که بسیاری از آنها آثار ماندگاری در موسیقی ایرانی هستند. از زیباترین تصنیف‌های آن دوره، تصنیف دشتی «آتشی در سینه دارم جاودانی» است که شعر آن از پژمان بختیاری است. نی‌داود، پس از تعطیل کلاس خود در خیابان ناصریه (ناصر خسرو امروز)، با اجازهٔ وزارت فرهنگ آن روز، در کوچه بختیاری‌ها در خیابان علاءالدوله (فردوسی امروز) مدرسه‌یی دایر کرد که آن را به یاد استاد خود، مدرسه درویش نامید.

مجوز مدرسه توسط رییس فرهنگ صادر شد. در مدرسه آواز و تار و سه تار و ویولن تدریس می‌شد. سال‌ها در این مدرسه تدریس می‌کرد. از جمله کسانی که در این مدرسه درس خواندند: قمرالملوک وزیری و ملوک ضرابی کاشانی (آواز)، حسن عُذاری (استاد تار و موسیقی‌دان به نام آذربایجانی)، ارسلان درگاهی (سه تار)، حسین سنجری (تار). لازم به تذکر است که ویولن در این مدرسه به شیوه کمانچه کش‌های قدیم تدریس می‌شد و طرز آموزش و نواختن، همان روش حسین اسماعیل‌زاده و علیرضا چنگی بود.

در رادیو ایران از بدو تأسیس نیز یک برنامه داشت که در آن موقع برنامه‌ها زنده بود. ده سال متوالی در رادیو کار می‌کرد. حتی در شب افتتاح رادیو افتخار شرکت در برنامه‌های موسیقی را داشت. سپس بازنشسته شد و بعد وزارت اطلاعات از وی دعوت کرد تا از موسیقی ایرانی یعنی محفوظاتش نوار تهیه کنند. مدت یک سال و نیم طول کشید و ۲۹۷ نوار از تمام موسیقی ایران و دستگاه‌ها و گوشه‌ها و ردیف‌ها تهیه شد. این کار در سال ۱۳۵۵ تمام شد. وی در اواخر این دهه به خارج از کشور مهاجرت کرد.

منابع: *چهره‌های موسیقی ایران* / شاپور بهروزی، جلد اوّل، چاپ دوّم، ص. ۷۲ـ۷۷. *مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد اوّل* / حبیب‌الله نصیری‌فر، ص. ۳۴ـ۳۸. «مرتضی نی‌داود: موسیقیدان»، نشر دانش، س. ۱۰، ش. ۵ (مرداد و شهریور ۱۳۶۹)، ص. ۱۰۴. میرعلینقی، سید علیرضا، «خاموشی نی‌داود»، آینده، س. ۱۶، ص. ۸۶۹ـ ۸۷۱. *نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین* / مهدی ستایشگر، جلد سوم، ص. ۵۸۸ـ ۵۸۹.

نی‌داود، موسی ٦٦٠/١

موسیقیدان

تولد ۱۲۸۳

درگذشت ۹ آبان ۱۳۷۲، نیویورک.

موسی نی‌داود، فرزند بالاخان، نوازنده ویولن و کمانچه بود. وی کمانچه به شیوه قدما و با لحن ویژهٔ کلیمی خوش می‌نواخت. اما او را با ویولنش ــ که به همان اسلوب کمانچه نواخته می‌شد ــ و صفحاتش می‌شناسند. از او چند صفحه همنوازی به همراه برادرش (مرتضی نی‌داود) و آواز قمرالملوک وزیری باقی مانده است. وی از سال ۱۳۵۶ عازم نیویورک شد و در سال ۱۳۷۲ همانجا درگذشت.

منبع: میرعلی نقی، سید علیرضا، «جَرَس فریاد می‌دارد»، کلک، ش. ۸۳ ــ ۸۰ (آبان و بهمن ۱۳۷۵)، ص. ۳۹۰ ــ ۳۹۸.

وثوق، عزت‌الله ٦٦١

بازیگر

تولد ۱۲۹۳، باکو.

درگذشت ۱۳۷۰.

عزت‌الله وثوق، سال ۱۳۱۱ پس از فارغ‌التحصیلی از کنسرواتوار باکو شعلهٔ آواز، قسمت باریتون و فارغ‌التحصیلی از هنرهای دراماتیک باکو، در سال ۱۳۰۹ به ایران آمد. اولین اثری را که بازی کرد در تئاتر شهر باکو به نام «در سایهٔ درخت» در سال ۱۳۰۷ بود. سپس در کلاس هنرپیشگی معروف به شهرداری تهران تحت نظر علی دریابیگی تحصیل کرد و اوّلین دورهٔ هنرستان هنرپیشگی ایران را با اخذ دیپلم، با موفقیت طی کرد. از سال ۱۳۱۲ بازی در تئاتر در تهران را آغاز کرد. نمایش‌های عمده وی عبارتند از: «تارتوف»؛ «عوام‌فریب سالوس»؛ «سه عروس در یک شب»؛ «پز دادن به‌درد نمی‌خورد»؛ «حسن جنی»؛ «آرشین مالالان»؛ «مشهدی عباد»؛ «میرزا کمال‌الدین»؛ «شیخ صنعان»؛ «بوسه مادر»؛ «مرد خسیس»؛ «کاوه آهنگر»؛ «راهزنان»؛ «شاه‌عباس کبیر». وی تا سال ۱۳۳۰ فعالیت‌های تئاتری انجام می‌داد.

در سال ۱۳۳۰ با فیلم «افسونگر» وارد عرصهٔ سینما شد. در بیش از چهل فیلم ظاهر شد و شهرتش را مدیون فیلم «شب‌نشینی در جهنم»و نقش حاجی جبار است. عمدهٔ فیلم‌هایی که در آنها ایفای نقش کرده است از این قرار است: «مراد» (۱۳۳۲)؛ «بازگشت» (۱۳۳۲)؛ «آخرین شب» (۱۳۳۴)؛ «هفده روز به اعدام» (۱۳۳۵)؛ «شب‌نشینی در جهنم» (۱۳۳۶)؛ «حاجی جبار در پاریس» (۱۳۳۹)؛ «ستارگان می‌درخشند» (۱۳۳۹)؛ «دختر همسایه» (۱۳۴۰)؛ «اشک شوق» (۱۳۴۱)؛ «جاهل محل» (۱۳۴۳)؛ «سه تا نخاله» (۱۳۴۴)؛ «سه تا بزن بهادر» (۱۳۴۴)؛ «آقا موچول» (۱۳۴۵)؛ «ول معطلی» (۱۳۴۵)؛ «معجزه» (۱۳۴۶)؛ «جاده تبهکاران» (۱۳۴۷)؛ «قوس و قزح» (۱۳۴۷)؛ «عشق قارون» (۱۳۴۷)؛ «تهران می‌رقصد» (۱۳۴۸)؛ «باباکوهی» (۱۳۴۸)؛ «فریاد انسان‌ها» (۱۳۴۹)؛ «سه تا جاهل» (۱۳۵۰)؛ «علی سورچی» (۱۳۵۱).

منابع: *فرهنگ سینمای ایران* / جمال امید، ص. ۲۹۶. «عزت‌الله وثوق درگذشت»، ماهنامهٔ سینمایی فیلم، س. ۹، ش. ۱۱۴ (آبان ۱۳۷۰)، ص. ۱۳. *فرهنگ سینمای ایران* / حمید شعاعی، ص. ۶۰۶.

وزیری، عبدالعلی ٦٦٢

نوازنده، خواننده

تولد ۱۲۹۳، تهران.

درگذشت ۳ تیر ۱۳۶۸، تهران.

عبدالعلی وزیری تحصیلات ابتدایی خود را از هفت سالگی در مدرسهٔ شرف شروع کرد و از ده سالگی بنا به توصیه و سفارش پدرش نزد پسرعموی هنرمند خود استاد علی‌نقی وزیری به مدرسهٔ عالی موسیقی رفت و در رشتهٔ آواز تحت تعلیم قرار گرفت. تار می‌زد

و آواز می‌خواند و آن قدر به موسیقی علاقه‌مند شد که در مدرسهٔ موسیقی ساکن شد. در سال ۱۳۰۸ کلاسی به نام آموزشگاه موسیقی دایر کرد و از ۱۳۰۹ در مدرسهٔ موسیقی دولتی معلم آواز شد. پس از آن در سال ۱۳۱۴ به استخدام بانک سپه درآمد و در سال ۱۳۱۶ در بانک ملی ایران شروع به کار کرد. در سال ۱۳۱۷ وارد بنگاه راه‌آهن دولتی شد و در این زمان بود که وقفه‌یی در کار هنری او به وجود آمد ولی در سال ۱۳۲۰ با بازگشت کلنل وزیری به ریاست «مدرسهٔ موزیک» مجدداً وارد محیط هنری شد و به آموزش در «مدرسهٔ موسیقی» پرداخت و در سال ۱۳۲۲ به وزارت فرهنگ منتقل شد و از سال ۱۳۲۵ رسماً با رادیو همکاریش را آغاز کرد. از همان زمان است که صدای عبدالعلی از رادیو شنیده شد. عبدالعلی وزیری اولین خوانندیی بود که در برنامهٔ «گل‌های جاویدان» شرکت و در ضمن سولیست خوانندگان ارکستر «انجمن موسیقی ملی» نیز شد و آهنگ‌های بسیاری را در رادیو با ارکستر اجرا نمود. چندی هم در رادیو همراه با تار خود آوا می‌خواند و چند برنامهٔ مخصوص کودکان هم اجرا کرد. از آثار وی می‌توان به «باب بنفشه»، «پروانه و بلبل» و ترانهٔ «نمی‌دونی» اشاره کرد.

وی بر اثر سکتهٔ قلبی درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

منابع: مردان موسیقی سنتی و نوین ایران، جلد اوّل/ حبیب‌الله نصیری‌فر، ص. ۱۷۲ ـ ۱۷۳. ***چهره‌های موسیقی ایران/*** شاپور بهروزی، جلد اوّل، چاپ دوّم. ص. ۴۷۳. «تنها صداست که می‌ماند»، دنیای سخن، ش. ۲۸ (مرداد، شهریور ۱۳۶۸)، ص. ۵. ***نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین /*** مهدی ستایشگر، جلد سوم، ص. ۵۹۸ ـ ۵۹۹.

موسیقیدان

تولد ۱۲۶۶ آبادان.

درگذشت ۱۸ شهریور ۱۳۵۸.

علی‌نقی وزیری، فرزند موسی، از چهارده سالگی با نواختن شیپور که وی آن را از شیپورچی‌های قزاقخانه آموخته بود، با موسیقی آشنا شد. وزیری در نواختن تار نیز از محضر دو استاد موسیقی زمان خود، میرزا حسینقلی‌خان و غلامحسین درویش فرا گرفت. وزیری در سال ۱۲۹۷ با یاری صمصام‌الملک (مصطفی قلی بیات) و به همراه وی ابتدا به پاریس و سپس به برلین رفت و مدت پنج سال در این دو شهر به تحصیل و تجربه در علوم متعارف موسیقی غرب و در کنسرواتوارها به تمرین ویولن و پیانو پرداخت. او دورهٔ آواز را هم گذراند و در این رشته موفق به گرفتن دیپلم شد.

دستورنامهٔ تار او اوّلین کتابی است که در رشتهٔ موسیقی ایرانی به شیوهٔ علمی نوشته شد؛ این کتاب در سال ۱۳۰۲ در برلین چاپ شده است.

وزیری مدرسهٔ عالی موسیقی را در سال ۱۳۰۲ که به ایران بازگشت تأسیس کرد و در سال ۱۳۰۳ کلوپ موزیکال را دایر کرد.

علی‌نقی وزیری تأملات و یافته‌های ویژهٔ خود را در زمینهٔ فرهنگ، اندیشه و موسیقی و تئاتر در ایران طی چهار جلسه سخنرانی از ۱۷ تا ۲۴ تیرماه ۱۳۰۴ بیان کرده که سعید نفیسی آنها را در یک مجموعه انتشار داده است.

مدرسهٔ عالی موسیقی بعدها به هنرستان موسیقی تبدیل شد. چاپ کتاب‌های متعدد و کنسرت‌ها و اپرت‌های فراموش نشدنی و ضبط صفحات گرامافون از آثار اکسترالی است که از مدرسهٔ عالی موسیقی به یادگار مانده است. وزیری از سال ۱۳۱۴ که حاضر نشد ارکستر مدرسه را برای نوازندگی

در یک میهمانی درباری شرکت دهد و از کار برکنار شد، به عزلت و خانه‌نشینی کشانده شد. با استفاده از این فرصت کار تحقیقی خود را در زمینه ربع پرده و فواصل و مدها و هارمونی‌هایی را که روی آنها تشکیل می‌گردند، به انجام رساند. هیئت علمی دانشگاه تهران به اعتبار این اثر وی را به عنوان استاد کرسی هنر و زیباشناسی، به تدریس در دانشگاه مأمور کرد و او سی و شش سال تمام در این مقام به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. از آثار اوست: ***تاریخ عمومی هنرهای مصور قبل از تاریخ تا اسلام*** (۱۳۳۷؛ جلد دوم این کتاب به قرون وسطی و دوران اسلامی می‌پردازد: ۱۳۴۰)؛ ***خواندنی‌های کودکان*** (دفتر سوم، ۱۳۲۶)؛ ***در عالم موسیقی و صنعت*** (۱۳۰۴)؛ ***زیباشناسی تحلیلی*** (پی‌یر کاستالا، ۱۳۳۶)؛ ***زیباشناسی در هنر و طبیعت*** (۱۳۲۹)؛ ***دستور جدید تار و سه‌تار***، ***دستور ویولن*** (در دو جلد)، ***سرودهای مدارس*** (دفتر اول، ۱۳۱۲)، ***سرود برای کودکان از پندهای سعدی*** و ***موسیقی نظری*** (سه جلد، ۱۳۱۳).

وزیری پس از شهریور ۱۳۲۰ به ریاست ادارهٔ موسیقی کشور و مجلهٔ «موسیقی» و ادارهٔ رادیو مأمور شد. اما چون با مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها مواجه شد دوباره به دانشگاه برگشت و تا پایان زندگی به تدریس در آن ادامه داد.

وزیری اوّلین پایه‌گذار موسیقی جدید ایران بعد از انقلاب مشروطه است و نخستین کسی است که برای اوّلین بار ردیف میرزا عبدالله و آقا حسینقلی را نوشته است. وی نشان داد که تار قدرت بیانی وسیع و امکانات فنی فراوانی دارد. در صفحاتی که از او به جای مانده، مانند: «بندباز»، «دخترک ژولیده»، «حاضر باش»، «ردیف‌های عالی» ثابت کرد که قابلیت اجرایی چند صدایی داشته و قدرتی در حد گیتار دارد. او با حفظ تمامی خصوصیات موسیقی ایرانی، قطعاتی ساخت که بر خلاف گذشته چند صدایی بود.

از جمله قطعات چند صدایی که وزیری برای آواز و ارکستر نوشت می‌توان از «نیمه‌شب»، «بر غزل حافظ»، «دلتنگ»، «دختر ناکام»، «دو عاشق»، «گرایلی»، «خریدار تو»، «شکایت من» و ... نام برد.

وزیری را باید پایه‌گذار موسیقی جدید دانست. چه، نخستین بار بر مبنای اشعار حماسی فردوسی سرودهایی برای مدارس ساخت. وی همچنین دو تابلو موسیقیایی به نام‌های «قالیچهٔ کرمان» و «رؤیای حافظ» و دو پانتومیم به نام‌های «دزد بوسه و لاسیها» و اپرت «گلرخ و شوهر بدگمان» نوشت که از لحاظ چند صدایی و مدولاسیون تجولی در موسیقی ما به حساب می‌آیند. او در ساختن و پرداختن سرود ملی نیز فعالیت کرد و قطعاتی مانند «ای وطن»، «خاک ایران» و «مارش ظفر» را ساخت.

*منابع: **چهره‌های موسیقی ایران*** / شاپور بهروزی، جلد اوّل، چاپ دوّم، ص. ۶۴ـ۶۸ ***شخصیت‌های نامی ایران*** / محمد رضا زهتابی، ص. ۵۰۴ـ۵۰۵. «استاد علی‌نقی وزیری و دستاوردهای او»، روزگار وصل، س. ۱، ش. ۱۰ (مهر ۱۳۷۳)، ص. ۵۰. کیهان فرهنگی، س. ۸، ش. ۸ (بهمن ۱۳۷۰)، ص. ۵۲. ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی*** / خانبابا مشار، جلد چهارم، ص. ۶۱۲ـ۶۱۳. ***نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین*** / مهدی ستایشگر، جلد سوم، ص. ۵۹۹ـ۶۰۰.

هاشمی، ابراهیم

عکاس

تولد ۲۱ خرداد ۱۳۱۱.

درگذشت ۲۱ خرداد ۱۳۷۴، تهران.

ابراهیم هاشمی با مجلهٔ «عکس» همکاری داشت. وی در اولین نمایشگاه سالانهٔ عکس ایران که در موزهٔ هنرهای معاصر در سال ۱۳۶۶ برگزار شد در

بخش اجتماعی به سبب عکس «زنی در نمکزار» به عنوان عکاس منتخب هیئت داوران انتخاب شد. همچنین در دومین دورهٔ تقدیر و تجلیل از خادمان و پدیدآورندگان کتاب که در سال ۱۳۷۳ برگزار شد، در گروه صنعت چاپ (در بخش صنعت چاپ و لیتوگراف) برگزیده اعلام شد. کتاب ترجمهٔ ***سرآغاز عکاسی در ایران*** (دانا استاین، ۱۳۶۸) از آثار اوست.

ابراهیم هاشمی در خرداد ۱۳۷۴ درگذشت و پیکر وی در بهشت‌زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

منابع: آقایی، مجتبی، «در بزرگداشت ابراهیم هاشمی»، عکس،س.۹ (تیر ۱۳۷۴)، ص.۲۹. ***برگزیدگان جمهوری اسلامی ایران***/ سعید نوری نشاط؛ مریم آقا شیخ محمد.

هریسی، حسن ۶۶۴

خوشنویس

تولد ۱۲۸۲، تبریز.

درگذشت ۴ بهمن ۱۳۶۲، تبریز.

حسن هریسی، فرزند عبدالکریم، (که خود از روحانیون و مدرسین حوزه‌های علمیه بود) از سن دوازده سالگی به مدرسه طالبیه رفت. پس از فراگیری قرآن و گلستان سعدی و صرف و نحو و منطق و فقه و اصول، به خوشنویسی روی آورد. خط نستعلیق را در محضر اساتید خط نظیر سید علی‌نقی قاضی طباطبایی و ذبیح‌السلطنه باتمانقلیچ و باقر فخرالکتاب و خط نسخ را در حضور استاد احسن الخط (میر علی اهرابی) آموخت و آنگاه به تدریج در ردیف و ردهٔ استادان خوشنویسی قرار گرفت.

استاد هریسی به سال ۱۳۰۷ در سن بیست و پنج سالگی به عنوان معلم خوشنویسی در مدارس تبریز خدمات فرهنگی خود را آغاز کرد و تا سال ۱۳۳۵ که بازنشسته گردید به این کار اشتغال داشت. پس از آن کار تعلیم را در منزل شخصی خود به طور خصوصی ادامه داد و از سال ۱۳۴۷ در خانه فرهنگ تبریز شروع به آموزش خوشنویسی کرد.

استاد علاوه بر کتابچه‌ها و جزوات رسم‌المشق از خود به یادگار نهاده است، کتاب‌های فراوانی از جمله سه نسخه ***قرآن مجید***، سه نسخه ***مفاتیح الجنان***، یک نسخه ***منتهی الامال***، یک نسخه ***معراج السعاده***، دو جلد ***غررالحکم***، یک جلد ***صحیفه سجادیه***، ده جلد ***نهج‌البلاغه*** منظوم و منثور ترجمهٔ محمد علی انصاری و نزدیک به بیست جلد کتاب درسی و ***گلستان*** سعدی و مجموعه‌های مختلف نظم و نثر را نیز کتابت کرده است.

وی علاوه بر خوشنویسی، طراحی سرفصل کتاب‌ها نیز می‌کرد و نمونه‌اش در صفحات اوّل کتابت کلام‌الله مجید دیده می‌شود.

استاد در چهارم بهمن ۱۳۶۲ در هشتاد سالگی بر اثر سکتهٔ مغزی در تبریز درگذشت.

منبع: «عمری در گسترهٔ خوشنویسی، یادی از استاد میرزا حسن هریسی»، فصلنامهٔ هنر ش.۷ (زمستان ۱۳۶۳)، ص.۱۴۰ ـ ۱۴۷.

همایونی، غلامحسین ۶۶۵

خوشنویس

تولد ۱۲۶۶ ق. در قریهٔ کاج از توابع درجزین.

درگذشت ۲۹ آذر ۱۳۶۴، همدان.

غلامحسین همایونی، فرزند محمد طاهر بن عبدالعلی معروف به کاتب همایون از خوشنویسان عصر قاجار، بود. وی پس از فراگیری خوشنویسی نزد پدر، سال‌ها به امر کتابت و تعلیم علاقه‌مندان به خوشنویسی اشتغال ورزید. کتاب‌های ***تحفة الرضوی***

و *تحفة المؤمن* از آثار خطی اوست. وی در تعلیق‌نویسی مهارت خاصی داشت.

منبع: بزرگان و سخن‌سرایان همدان، جلد دوم/ دکتر مهدی درخشان، ص. ۲۷۰.

هوشمند، رضا ٦٦٦

بازیگر، چهره‌پرداز

تولد ۱۳۰۲، رشت.

درگذشت ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۸.

رضا هوشمند کار هنری را از سال ۱۳۳۰ با پیش‌پرده و تصنیف‌خوانی در تئاتر گیلان آغاز کرد. او که از شاگردان اسماعیل مهرتاش بود در سال ۱۳۳۵ به تهران آمد و ساکن این شهر شد. در سال ۱۳۳۹ به دعوت علی محزون که در آن زمان در شیراز فعالیت تئاتری داشت، به آن شهر رفت و به مدت یک سال در آن جا کار تئاتر را ادامه دارد. در سال ۱۳۴۰، همکاری‌اش را با تلویزیون کانال سه به عنوان چهره‌پرداز شروع کرد. او در کنار بازیگری، در یکی از چاپخانه‌ها به کار صحافی نیز اشتغال داشت.

از سال ۱۳۳۷ با فیلم «روزنه امید» وارد عرصهٔ فعالیت سینمایی شد. ابتدا به‌عنوان چهره‌پرداز و سپس بازیگر، به اتفاق همسرش فرح لقا هوشمند، در چند فیلم و مجموعهٔ تلویزیونی همکاری کرد. در فیلم «باشو، غریبهٔ کوچک» نقش کوتاهی به عهده گرفت و سپس در مجموعهٔ تلویزیونی «کوچک جنگلی» نقش ژنرال آسیتکوف روسی را بازی کرد.عمده فیلم‌هایی که در آنها ایفای نقش کرده است به این قرار هستند: «فردا روشن است» (۱۳۳۹)؛ «شب قوزی» (۱۳۴۲)؛ «داغ ننگ» (۱۳۴۴)؛ «صمد و قالیچهٔ حضرت سلیمان» (۱۳۵۰)؛ «مردان خشن» (۱۳۵۰)؛ «صمد و سامی و لیلا و لی‌لی» (۱۳۵۱)؛ «صمد و فولاد زره دیو» (۱۳۵۱)؛ «صمد به مدرسه می‌رود» (۱۳۵۲)؛ «صمد آرتیست می‌شود» (۱۳۵۳)؛ «صمد خوشبخت می‌شود» (۱۳۵۴)؛ «صمد در راه اژدها» (۱۳۵۶)؛ «صمد به شهر می‌رود» (۱۳۵۸)؛ «باشو غریبهٔ کوچک» (۱۳۶۵ـ۱۳۶۷). مجموعه‌های تلویزیونی: «سرکار استوار» (۱۳۴۶ـ۱۳۴۹)؛ «ماجراهای صمد» (۱۳۵۲)؛ «مأمور ما صمد در ماجراهای بالاتر از خطر» (۱۳۵۳)؛ «هزار و یک شب» (۱۳۵۴)؛ «هشتمین سفر سندباد» (۱۳۵۶)؛ «پائیز صحرا» (۱۳۶۳ـ۱۳۶۶).

رضا هوشمند روز سی و یکم اردیبهشت ۱۳۶۸ در سن شصت و پنج سالگی بر اثر بیماری آتروفی مغز در یکی از بیمارستان‌های تهران درگذشت.

منابع: فرهنگ سینمای ایران/ جمال امید، ص. ۳۰۹. «درگذشت رضا هوشمند»، ماهنامهٔ سینمایی فیلم، س. ۷، ش. ۸۳ (آذر ۱۳۶۸)، ص. ۹. *فرهنگ سینمای ایران/* حمید شعاعی، ص. ۶۲۹.

یزدانی، سیف‌الله ٦٦٧

خوشنویس

تولد ۱۳۰۷، دامغان.

درگذشت ۱۳۶۲.

سیف‌الله یزدانی در دورهٔ تحصیلات ابتدایی علاقهٔ خود به خوشنویسی را آشکار کرد و به تشویق دایی خود که از مجتهدین بود و از خط خوش بهره داشت، به خطاطی روی آورد و بعدها در تهران و به‌ویژه در هنرستان آزاد کمال‌الملک زیر نظر علی اکبر کاوه به تکمیل هنر خوشنویسی خویش پرداخت.

وی سرانجام به درجهٔ استادی خوشنویسی نایل آمد و به کتابت آثار ارزشمندی از جمله *دیوان حافظ*، *ترجیع‌بند هاتف*، *شاهنامه بایسنقر* و *ترمهٔ ایران*

(تـهران، ۱۳۵۶) پـرداخت. دو اثـر **شـمع جـمع** و ***رسم‌المشق یزدانی*** از آثار اوست. از همه مهم‌تر چون نستعلیق را کمال هنر خطاطی خود مـی‌دانست، بـه نگارش ***قرآن کریم*** به خط زیبای نستعلیق روی آورد و در آخرین روزهای حیات خود آن را به پایان برد که این مصحف بعداً انتشار یافت.

استاد یزدانی از سال ۱۳۵۸ تا پایان عـمر خـود سمت استادی و عضویت در شورای عـالی انـجمن خوشنویسان ایران را عهده‌دار بود و در سال ۱۳۶۲ در سن ۵۵ سـالگی از سـرای فـانی بـه دیـار بـاقی شتافت.

منابع: «یادی از درگذشتگان: شادروان استاد سیف‌الله یزدانی، خوشنویس قرآن کریم به خط نستعلیق»، کلک مشکین، ویـژهٔ نـخستین جشـنواره خـوشنویسی جـهان اسـلام، ش.۴ (۱۵ اردیـبهشت ۱۳۷۶)، ص.۸. «درگـذشت سـیف‌الله یـزدانـی»، آینده، س.۱۱، ص.۳۹۴.

نمایه‌ها

۱. نمایهٔ مدخل‌های اصلی

آبادانی، فرهاد، ۳۰۹
آبکار، کلارا، ۴۹۲
آذر یغمایی، محمود، ۹۰
آذری کنگاوری، ابوالحسن، ۹۱
آرین‌پور، یحیی، ۳۱۰
آزاد، علی، ۴۹۳
آژیر، مهدی، ۴۹۴
آشتیانی، محمد باقر، آیت‌الله، ۲
آق‌اولی، محمود، ۴۶۲
آقازاده خراسانی، آقا میرزا محمد، ۴۶
آل طیب، محمد حسن، آیت‌الله، ۳
آملی، هاشم، آیت‌الله‌العظمی، ۴
آموزگار اصطهباناتی، حبیب‌الله، ۳۱۱
آموزگار کرمانی، محمد جواد، ۹۲
آوینی، مرتضی، ۴۹۵
آهی، مهری، ۹۳
آیت‌اللهی، احمد، ۹۴
آیت، حسن، ۳۱۲
اتابکی (زهره)، منصوره، ۹۵
احراری، هوشنگ، ۴۶۳
احمدی بختیاری، عبدالحسین، ۹۶
احمدی گرگانی، مهدی، ۴۹۶
احمدی شاهرودی، احمد علی، آیت‌الله، ۴/۱
احمدیان نجف‌آبادی، محمد علی، آیت‌الله، ۴/۲
اخوان ثالث، مهدی، ۹۷
ادیب خوانساری، اسماعیل، ۴۹۷
ادیب طوسی، محمد امین، ۹۸
ادیب، محمد حسین، ۴۶۴
اراکی، محمد علی، آیت‌الله‌العظمی، ۵
ارچنگ، احمد، ۴۹۸
اردکانی، تهمینه، ۴۹۹
ارسلان، حسین، ۹۹
ارکان، هاشم، ۵۰۰
استخری، احسان‌الله علی، ۳۱۳
اسدی، علی، ۳۱۴
اسراری، علی‌نقی، ۳۱۵
اسلامیان، حسین، ۵۰۱
اسلامی، هادی، ۵۰۲
اسماعیلی، توکل، ۵۰۳
اسماعیلی، حیدر، ۵۰۴
اشرفی اصفهانی، میرزا عطاالله، آیت‌الله، ۶
اصفهانی آل‌محمد دیباج، علی نقی، حجت‌الاسلام، ۷
اصولی، عبدالمجید، ملا، ۸
اظهر، رضا، ۱۰۰
افتاده، حسین، ۵۰۵
افتتاح، امیر ناصر، ۵۰۶
افسری کرمانی، عباس، ۱۰۱
افشار شیرازی، احمد، ۱۰۳
افشار یزدی، محمود، ۱۰۲
افشار نادری، نادر، ۳۱۶
افضلی‌پور، علیرضا، ۴۶۵
الطافی، حسین، ۵۰۷
الوند شهمیرزادی، احمد، ۱۰۴
امامی، حسن، ۳۱۷
امامی، میرزا آقا، ۵۰۸
امامی اصفهانی، احمد، آیت‌الله، ۸/۱
امیربختیاری، جمشید، ۱۰۵
امیرپور امرائی، اسداله، ۱۰۶
امیرفضلی، حسین، ۵۰۹
امیری فلاح، رجب علی، ۵۰۹/۱
امیری فیروزکوهی، عبدالکریم، ۱۰۷
امین، حبیب‌الله، ۵۱۰
امین، نصرت بیگم، حجت‌الاسلام، ۹
انجوی شیرازی، ابوالقاسم، ۱۰۸
انصاری، عبدالحسین مسعود، ۳۱۸
انصاری‌محلاتی، میرزاحسن، آیت‌الله، ۱۰
انصاری، محمد علی، ۱۰۹
انصاری، هرمز، ۳۱۹
اورنگ، مراد، ۱۱۰
اوستا، مهرداد، ۱۱۱
اوهب، محمدتقی، ۱۱۲
بابیوردی، حسین، ۳۲۰
باران‌پور، آرش، ۱۱۳
باران‌پور، ولی‌احمد، نک: به باران‌پور، آرش، ۱۱۳
بازرگان، مهدی، ۳۲۱
باستان، نصرت‌الله، ۴۶۶
باشی، بهزاد، ۳۲۲
باقرمنش، رضا، ۱۱۴

باقری، عبدالله، ۵۱۱
باکوچی، سرور، نک: به کاشانی، سپیده، ۲۴۱
باهنر، محمد جواد، حجت‌الاسلام، ۱۱
بحرالعلومی، حسین، ۱۱۵
بختیاری، عبدالله، ۴۶۶/۱
بدیع‌زاده، جواد، ۵۱۲
بدیع، محسن، ۵۱۳
بدیعی، حبیب‌اله، ۵۱۴
بدیعی، ربیع، ۳۲۳
برقعی، رضا، آیت‌الله، ۱۲
برقعی قمی، علی اکبر، آیت‌الله، ۱۳
برکشلی، مهدی، ۳۲۴
بزرگمهر، منوچهر، ۳۲۵
بشارت، محمد تقی، حجت‌الاسلام، ۱۴
بنان، غلامحسین، ۵۱۵
بوذری، ابراهیم، ۵۱۶
بوستان، مجدالعلی، ۱۱۶
بهاءالدینی، رضا، آیت‌الله، ۱۴/۱
بهادری، عیسی، ۵۱۷
بهارلو، سودابه، ۵۱۸
بهار، مهرداد، ۱۱۷
بهاری، علی‌اصغر، ۵۱۹
بهبهانی، علی، آیت‌الله، ۱۵
بهجت، محمد حسین: نک شهریار، محمد حسین، ۱۹۷
بهرامی، صادق، ۵۲۰
بهروزی، اسدالله، ۵۲۱
بهروزی، علی نقی، ۱۱۸
بهشتی، محمد حسین، آیت‌الله، ۱۶
بهشتی، هوشنگ، ۵۲۲
بهمنی، اردشیر، ۱۱۹
بهنام، رضا، ۵۲۳
بهنام، عیسی، ۳۲۶
بی‌آزار، محسن، ۵۲۴
بیانی، مهدی، ۱۲۰
بی‌بی‌شهربانویی، مسعود، ۵۲۵
بیداریان، امیر، ۵۲۶
بی ریای گیلانی (کهن)، محمد، ۱۲۱
بیضایی، نعمت‌الله، ۱۲۲
بیگجه‌خانی، غلامحسین، ۵۲۷
بینش، تقی، ۱۲۳
بیوکی، محمد حسن، ۵۲۸
پارسا تویسرکانی، عبدالرحمان، ۱۲۴
پازوکی، فخری، ۵۲۹
پاشا صالح، علی، ۳۲۷
پاشایی، گیتی، ۵۳۰
پاکروان، روح‌الله، ۴۶۷
پاک‌نژاد، رضا، ۴۶۸
پاینده، ابوالقاسم، ۱۲۵
پتگر، علی اصغر، ۵۳۱
پرتوی آملی، مهدی، ۱۲۶
پرویز، عباس، ۳۲۸
پزشکی شیرازی، کاظم، ۱۲۷
پزشکی‌نژاد، فریدون، ۵۳۲
پسندیده، مرتضی، آیت‌الله، ۱۷
پلنگی، خسرو، ۵۳۳
پور حسینی، ابوالقاسم، ۳۲۹
پور رنجبر، کوکب، ۱۷/۱
پور صناعی، حسن، ۵۳۳/۱
پیرامون، محسن، ۵۳۴
پیرغیبی، پروین، ۱۲۸
پیلارام، فرامرز، ۵۳۵
پیمان یغمایی، علی محمد، ۱۲۹
تاج اصفهانی، جلال، ۵۳۶
تاج مغول کی‌سر، مهین، ۵۳۷
تاجیک، امان‌الله، ۵۳۸
تألهی، هادی، آیت‌الله، ۱۸
تاهباززاده، عبدالرسول: نک خیام‌پور، عبدالرسول، ۱۵۹
تبریزی، کاظم، آیت‌الله، ۱۹
تجویدی، محمد، ۵۳۹
تربتی، میرزا محمود نک شهابی خراسانی، محمود، ۴۶
ترجانی‌زاده، احمد، ۱۳۰
تفضلی، احمد، ۱۳۱
تفضلی، جهانگیر، ۱۳۲
تفضلی، محمود، ۳۳۰
توحیدی، رضا، آیت‌الله، ۲۰
توسلی فرید، مهدی، ۴۶۹
توفیق، محمد علی، ۱۳۳
تولایی، محمد، ۱۳۴
توللی، فریدون، ۱۳۵
تهرانی خراسانی، جواد آقا، آیت‌الله، ۲۱
ثنایی، محمود، ۱۳۶
جاوید کبیری، غلامحسین، ۳۳۰/۱
جزایری، شمس‌الدین، ۳۳۱
جزمی، حسین، ۵۴۰
جعفرپور، ابراهیم، ۳۳۲
جعفری، محمد علی، ۵۴۱
جلالی، فتح‌الله، ۳۳۳
جلالی گوران، احمد، ۱۳۷
جلالی، مهدی، ۳۳۴
جلیل‌زادگان، قدیر، ۱۳۸
جلیلی کرمانشاهی، محمد حسین، ۱۳۹
جمالی اسدآبادی، صفات‌الله، ۱۴۱
جمالی، جمال‌الدین، ۱۴۰
جمالی، مسعود، ۵۴۲
جناب‌زاده، محمد، ۳۳۵
جنتی عطایی، ابوالقاسم، ۵۴۳
جواهر کلام، عبدالعزیز، ۳۳۶
جواهری، محمد، ۱۴۲
جهانبگلو، امیر حسین، ۳۳۷
جهانبگلو، منوچهر، ۵۴۴
جهانشاهی، ایرج، ۱۴۳
چاهیچی، جواد، ۵۴۵
چمران، مصطفی، ۳۳۸
چهره‌آزاد، رقیه، ۵۴۶
حائری، عبدالهادی، ۳۳۹
حائری، مرتضی، آیت‌الله، ۲۲
حاتمی، شاپور، ۵۴۷
حاتمی، علی، ۵۴۸
حاتمی لنکرانی، مجتبی، آیت‌الله، ۲۳

حافظیان مشهدی، ابوالحسن، ۳۴۰
حافظی، محمد حسن، ۵۴۹
حالت، ابوالقاسم، ۱۴۴
حالتی (حجار)، رفیع، ۵۵۰
حامدی خراسانی، رضا، نک: حامدی، منوچهر، ۵۵۱
حامدی، منوچهر، ۵۵۱
حبیب‌اللهی، ابوالقاسم، ۱۴۵
حجازی، حسین، ۳۴۱
حدائق، ضیاءالدین، ۱۴۶
حداد عادل، مجید، ۱۴۷
حزین بروجردی، حسین، ۱۴۸
حسابی، محمود، ۴۷۰
حسنی، سعدی، ۵۵۲
حسیبی، کاظم، ۳۴۲
حسین‌زاده، منصور، ۳۴۳
حسینی، حسین، ۱۴۹
حسینی داور، کاظم، ۱۵۰
حسینی راویز، عبدالله، ۱۵۱
حسینی شهرستانی، عبدالرضا، آیت‌الله، ۲۳/۱
حسینی طباطبایی، محمد تقی، حجت‌الاسلام، ۲۴
حسینی نایینی، شمس‌الدین، ۲۵
حسینی نجفی، محمد، آیت‌الله، ۲۶
حفیظی، محمد علی، ۴۷۱
حقانی، غلامحسین، حجت‌الاسلام، ۲۷
حکمت، علی اصغر، ۱۵۲
حکمت، علیرضا، ۳۴۴
حکمت، محمد علی، ۳۴۵
حکیم هاشمی، محمود، ۵۵۳
حمدی، برهان الدین، ۳۴۶
حمیدی شیرازی، مهدی، ۱۵۳
حنانه، مرتضی، ۵۵۴
حیدریان، علی محمد، ۵۵۵
خاتمی، روح‌الله، آیت‌الله، ۲۸
خادم، علی، ۵۵۶
خادمی، حسین، آیت‌الله، ۲۹
خاقانی، سلمان، آیت‌الله، ۳۰
خالدی، علی، ملا، ۳۱
خالدی، مهدی، ۵۵۷
خالقی، محمد، ۱۵۴
خدیو جم، حسین، ۱۵۵
خراسانی، محمد حسین، حجت‌الاسلام، ۳۲
خراسانی، هادی، ۳۴۷
خرسند صفایی، فریدون، ۵۵۸
خرمشاهی، جواد، آیت‌الله، ۳۲/۱
خطیبیّ، حمید، ۵۵۹
خلج اسعدی، مرتضی، ۳۴۸
خلیفه سلطانی، مصطفی، ۱۵۶
خلیقی، حسن، ملا، ۳۳
خلیلیان، علی، ۱۵۷
خلیلی‌فر، حسین، ۳۴۹
خمینی، امام روح‌الله موسوی، آیت‌الله العظمی، ۱۳
خواجویان، محمد کاظم، ۳۵۰
خواجه‌نوری، ابراهیم، ۳۵۱
خواجه نوری، عباسقلی، ۳۵۲
خوشدل تهرانی، علی اکبر، ۱۵۸
خویی، ابوالقاسم، آیت‌الله‌العظمی، ۳۴
خیام‌پور، عبدالرسول، ۱۵۹
داریوش، هژیر، ۵۶۰
داناسرشت، علی اکبر، ۳۵۳
دانش‌آشتیانی، غلامرضا، حجت‌الاسلام، ۳۵
دانش‌پژوه، محمد تقی، ۳۵۴
دانش، محمد کاظم، حجت‌الاسلام، ۳۶
داوری آشتیانی، حسین، ۳۵۵
دبیر مخصوص، علینقی، ۵۶۰/۱
درخشان، مهدی، ۱۶۰
دستغیب شیرازی، عبدالحسین، آیت‌الله، ۳۷
دشتی، علی، ۱۶۱
دفتری، ایران، ۵۶۱
دفتری، حسینقلی، ۵۶۲
دلشاد، فیض‌الله، ۵۶۳
دوامی، عبدالله، ۵۶۴
دولت آبادی، حسام‌الدین، ۱۶۲
دولت‌آبادی، عبدالحسین، نک: به دولت‌آبادی، حسام‌الدین، ۱۶۲
دهقان سنگستانی، قاسم، ۵۶۵
دهگان، ابراهیم، ۱۶۳
دیجوریان، مهدی، ۱۶۴
ذکایی بیضایی، نعمت‌الله، نک: بیضایی، نعمت‌الله، ۱۲۲
ذوالقدر، حبیب‌الله، ۱۶۵
رائض، احمد، ۵۶۶
رائین، اسماعیل، ۳۵۶
راد، احمد، ۴۷۲
راشد، حسینعلی، ۳۷/۱
رامیار، محمود، ۳۵۸
ربانی املشی، محمد مهدی، آیت‌الله، ۳۸
ربانی شیرازی، عبدالرحیم، آیت‌الله، ۳۹
رجب‌بیگی، مهدی، ۳۵۹
رجبی طرخورانی، محمد، ۳۶۰
رحمانی خلیلی مازندرانی، ابوالقاسم، آیت‌الله، ۴۰
رحمانی یاراحمدی، محمدرضا، نک به: اوستا، مهرداد، ۱۱۱
رخساز، علی، ۵۶۷
رزاقی، تقی، ۱۶۶
رزم‌آرا، حسینعلی، ۴۷۳
رستگار، محمد ابراهیم، ۱۶۷
رشتیان، جعفر، ۵۶۸
رضازاده، ابراهیم نک: فخرایی، ابراهیم، ۴۱۴
رضوانی، محمد اسماعیل، ۳۶۱
رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، ۱۶۸
رقابی، حیدر، ۳۶۲
روح‌انگیز، قدرت، ۵۶۸/۱
روحانی، غلامرضا، ۱۶۹
روحانی، شیخ اسماعیل، ۳۶۳

روحبخش، جعفر، ۵۶۹
رهگذار، کیهان، ۵۷۰
رهنما، زین‌العابدین، ۳۶۴
رهنورد، پرویز، ۵۷۱
ریاضی کرمانی، عباس، ۳۶۵
ریاضی، محمود، ۳۶۶
ریاضی هروی، نصرت‌الزمان، ۱۷۰
ریاضی یزدی، محمد علی، ۱۷۱
ری‌پور، بهرام، ۵۷۱/۱
ریحان یزدی، علیرضا، ۱۷۲
زارع، کیخسرو، ۴۷۴
زارعی، احمد، ۱۷۳
زاویه، محمد علی اسماعیل، ۵۷۲
زاهد شیرازی، عطاءالله، ۵۷۳
زریاب خویی، عباس، ۳۶۷
زرین‌پنجه، نصرالله، ۵۷۴
زرین‌خط، غلامرضا، ۵۷۵
زرین‌کوب، حمید، ۳۶۸
زمان، ساعد، ۳۶۸/۱
زمانی، مصطفی، حجت‌الاسلام، ۴۱
زنگنه، عزت‌الله، ۱۷۴
زهری، محمد، ۱۷۵
زیباکناری، علی، ۵۷۶
ژرفی، مهدی، ۵۷۷
سادات ناصری، حسن، ۱۷۶
ساعدی، غلامحسین، ۱۷۷
سامانی، خلیل، نک: خلیفه سلطانی، مصطفی، ۱۵۶
سامی‌راد، حسین، ۴۷۵
سامی، علی، ۳۶۹
سامی، کاظم، ۳۷۰
ساهر، حبیب، ۱۷۸
سبزواری (عربشاهی)، محمد باقر، ۳۷۱
سپهری، سهراب، ۱۷۹
سپهری، علی اکبر، ۱۸۰
ستارزاده، عصمت، ۱۸۱
ستوده، منوچهر، ۳۷۲
سجادی حسینی، علی، ۵۷۸
سجادی، ضیاءالدین، ۱۸۲
سرتیپ‌پور، جهانگیر، ۱۸۳
سرخوش، ابراهیم، ۵۷۹
سرشار، حسین، ۵۸۰
سعید تهرانی، حسن، آیت‌الله، ۴۱/۱
سعیدی رضوانی، عباس، ۳۷۳
سعیدی، غلامرضا، ۳۷۴
سعیدی سیرجانی، علی اکبر، ۳۷۵
سعیدی، محمد، ۳۷۶
سلطان القرایی، جعفر، ۳۷۷
سلطانی طباطبایی، محمد باقر، آیت‌الله، ۴۱/۲
سمسار، محمد احمد، ۳۷۸
سمیعیان، یحیی، ۱۸۵
سمیعی، غلامرضا (کیوان)، ۲۴۷/۱
سنجابی، کریم، ۳۷۹
سنجری، حشمت‌اله، ۵۸۱
سندگل، حسین، ۴۷۶
سنگلجی، شیخ محمد، ۳۸۰
سهیلی خوانساری، احمد، ۱۸۷
سهیلی، مهدی، ۱۸۶
سیار، عبدالله، ۳۸۱
سیار، غلامعلی، ۳۸۲
سیاسی، علی اکبر، ۳۸۳
سید یونسی، میر ودود، ۳۸۴
سیفی، آیت‌الله، ۵۸۲
سیفی قمی تفرشی، مرتضی، ۳۸۵
شاکر، عباس، ۱۸۸
شاه‌آبادی، مهدی، حجت‌الاسلام، ۴۲
شاهچراغی، حسن، ۳۸۶
شاهرودی، اسماعیل، ۱۸۹
شایسته، صدرالدین، ۵۸۳
شایگان، علی، ۳۸۷
شبیری، رضا، ۵۸۴
شجره، حسین، ۱۹۰
شرافت، محمد جواد، ۳۸۸
شرفکندی، عبدالرحمان، ۱۹۱
شرقی، فضل‌الله، ۱۹۲
شریعتی مزینانی، محمد تقی، استاد، ۴۳
شریعتمداری، کاظم، آیت‌الله، ۴۴
شریف‌زادهٔ گلپایگانی، هوشنگ، ۴۷۷
شریفی، جواد، ۵۸۵
شریفی، عمادالاسلام، حجت‌الاسلام، ۴۵
شریفی، محمد علی، ۱۹۳
شعرباف، محمد غلامعلی، ۵۸۶
شفیعی، محمود، ۱۹۴
شکری، یدالله، ۳۸۹
شکیباپور، عنایت‌الله، ۳۹۰
شمس استهباناتی، محمد، ۱۹۵
شوقی، عباس، ۳۹۱
شهابی خراسانی، محمود، علامه، ۴۶
شهابی، علی اکبر، ۳۹۲
شهپر، غلامعلی، ۵۸۷
شهدی لنگرودی، محمد، ۱۹۶
شهردار، حبیب‌الله نگاه کنید به مشیر همایون، ۶۳۱
شهریار، محمد حسین، ۱۹۷
شهریاری، اسدالله، ۱۹۸
شهری، عباس، ۱۹۹
شهریکندی، کریم، ملا، ۴۷
شهمردان، رشید، ۳۹۳
شهنازی، علی اکبر، ۵۸۸
شهوق، چنگیز، ۵۸۹
شیبانی، منوچهر، ۲۰۰
شیبانی، موسی، ۳۹۴
شیخ احمد خمسه‌ای، احمد، ۵۹۰
شیخ‌الاسلامی مکری، محمد امین، ۲۰۱
شیخ، حسین، ۵۹۱
شیخ شوشتری، محمد تقی، علامه، ۴۸
شیرازی، عبدالله، آیت‌الله، ۴۹
شیرازی، عزیز، ۲۰۲
شیروانلو، فیروز، ۳۹۵
صابری، فیروزه، ۵۹۲
صادق، علی، ۵۹۳

صادقی، بهرام، ۲۰۳
صادقی، قاسم، حجت‌الاسلام، ۵۰
صالح رشتی، صالح، ۳۹۶
صالحی، حبیب‌الله، ۵۹۴
صالحی سمنانی، عبدالله، ۲۰۴
صالحی، محمود، ۳۹۷
صانعی نقاش‌زاده، میرزا نصرالله، ۵۹۵
صبار بیارانی، علی، ملا، ۳۹۸
صبا، محسن، ۳۹۹
صدرایی، ابوالقاسم، ۲۰۵
صدر، حسن، ۴۰۰
صدر دانش (حسامی)، ثریا، ۴۰۱
صدر، رضا، آیت‌الله، ۵۱
صدقیانی، محمد تقی (امیر)، ۲۰۶
صدوقی، محمد، آیت‌الله، ۵۲
صدیق اسکندانی، غلامحسین، ۵۹۶
صدیقی، ابوالحسن (خان)، ۵۹۷
صدیقی، غلامحسین، ۴۰۲
صدیقی، مهدی، ۴۰۳
صفاری، فتح‌الله، ۲۰۷
صفاری، ماشاءالله، ۲۰۸
صفایی خوانساری، مصطفی، آیت‌الله، ۵۲/۱
صفریان، اسماعیل، ۲۰۹
صناعی، محمود، ۴۰۴
صنیع‌زاده، شکرالله، ۵۹۷/۱
ضیائی سقزی، عبدالرؤف، ملا، ۵۳
ضیاءالدینی، محمد جمیل، ۲۱۰
ضیاءنور، فضل‌الله، ۴۰۵
طاطائی، حسینقلی، ۵۹۸
طالقانی، محمود، آیت‌الله، ۵۴
طاهایی میبدی، محمد، ۲۱۲
طاهریا (سمنانی)، محمد علی، ۲۱۵
طاهری عراقی، احمد، ۲۱۴
طاهری، هوشنگ، ۲۱۳
طباطبایی اردکانی، محمود، ۲۱۷
طباطبایی، محمد حسین، علامه، ۵۵
طباطبایی، محمد، ۴۷۸
طباطبایی، محمد، ۲۱۶
طباطبایی یزدی، عبدالعزیز، آیت‌الله، ۵۶
طبری، احسان، ۴۰۶
طبسی، محمد رضا، آیت‌الله، ۵۷
طریقی، محمد، ۵۹۹
طوسی، محمد امین نک به : ادیب طوسی، محمد امین، ۹۸
طهرانی، جلال‌الدین، ۴۰۷
طهوری، عبدالغفار، ۴۰۸
ظهوری، تقی، ۶۰۰
ظهیرالدینی، غلامحسین، ۶۰۱
عبادی، احمد، ۶۰۲
عباسی، بتول : نگاه کنید به روح‌انگیز، قدرت، ۵۶۸/۱
عبدالله‌فرد، ابوالقاسم، نک: حالت، ابوالقاسم، ۱۴۴
عتیقی مقدم، محمدحسین، ۶۰۳
عدالت‌جو، یدالله، ۶۰۴
عرب‌زاده، ابوالفتح، ۶۰۵
عشقی نوایی، محمد، ۶۰۶
عفیفی، رحیم، ۲۱۸
علوی، عبدالعلی، ۲۱۹
عمادزادهٔ اصفهانی، حسین، ۴۰۹
عمید، حسن، ۲۲۰
عمید، موسی، ۴۱۰
عنایت، حمید، ۴۱۱
عنقا، محمدصادق، ۲۲۱
غبرایی، فرهاد، ۲۲۲
غروی علیاری تبریزی، علی، آیت‌الله‌العظمی، ۵۷/۱
فاضلی خوانساری، محمد حسن، ۴۱۲
فاطمی، تقی، ۴۷۹
فاطمی، احمد، ۴۱۳
فاطمی، عبدالله، ۲۲۳
فاطمی، نظام، ۶۰۷
فانی اصفهانی، علی، آیت‌الله، ۵۸
فتاحی، محمد رضا، ۲۲۴
فتنی، محمد علی، ۲۲۵
فخرایی، ابراهیم، ۴۱۴
فرادی، عبدالله، ۶۰۸
فرجیان، مرتضی، ۲۲۶
فرخ خراسانی، محمود، ۲۲۷
فردید، احمد، ۴۱۵
فرزاد، مسعود، ۲۲۸
فرزان، مسعود، ۴۸۰
فرزانه، محسن، ۴۱۶
فرشود، فرشید، ۶۰۹
فرنام، محمود، ۶۱۰
فرهاد معتمد، احمد، ۴۸۱
فرهنگیان (آستیم)، محمد، ۴۱۷
فره‌وشی، بهرام، ۲۲۹
فریار، عبدالله، ۴۱۸
فصیحی، حسین، ۲۳۰
فقیری، محمد صادق، ۴۱۹
فکری، معزالدین غلامعلی، ۶۱۱
فلاحت‌پور، مهدی، ۶۱۲
فلاطوری، عبدالجواد، ۴۲۰
فلسفی، نصرالله، ۴۲۱
فنی‌زاده، پرویز، ۶۱۳
فیروزی، علیرضا، ۲۳۱
فیض مرندی، مقصود، ۲۳۲
قائم‌مقامی، جهانگیر، ۴۲۲
قاسم‌خان، مهدی امیر، ۶۱۴
قاضی زاهدی، حاج شیخ علی، آیت‌الله، ۵۸/۱
قاضی طباطبایی، حسن، ۲۳۳
قاضی طباطبایی، محمد علی، آیت‌الله، ۵۹
قدسی، منوچهر، ۶۱۵
قدسی‌نژاد، غلامرضا، ۲۳۴
قره‌داش، امیر، ۶۱۶
قریشی‌زاده، بدرالدین، ۲۳۶
قریشی، ضیاء، ۲۳۵
قریشی، مهدی، ۴۲۳
قلی‌زاده، احمد رضا، ۴۸۲
قمشه‌یی، مصطفی، ۲۳۷

قوامی (فاخته‌ای)، حسین، ۶۱۷
قوکاسیان، هراند، ۲۳۸
قهرمانی، مظفر، ۲۳۹
کاتبی، حسینقلی، ۴۲۴
کارنگ، عبدالعلی، ۲۴۰
کاشانی، سپیده، ۲۴۱
کاشانی، علی اشرف، ۶۱۸
کاشانی، محمدکیوان، ۲۴۲
کامکار پارسی، محمد، ۲۴۲/۱
کامکار، حسن، ۶۱۹
کاوه، علی اکبر، ۶۲۰
کتابی، بدرالدین، ۲۴۳
کردبچه، حسین، ۴۲۵
کریمان، حسین، ۴۲۶
کریم‌پور، کریم، ۴۲۷
کریمی، بهمن، ۴۲۸
کریمی، محمود، ۶۲۱
کسری، لیلا، ۲۴۴
کسمایی، علی اکبر، ۲۴۵
کشاورز، کریم، ۴۲۹
کفایی، مهدی، ۶۲۲
کمالی‌نیا، محمد تقی، ۴۳۰
کمره‌ای، خلیل، آیت‌الله، ۶۰
کوهساری، کریم، ۲۴۶
کهنمویی، محمدتقی، ۶۲۳
کیا (خانلری)، زهرا، ۲۴۷
کی، محمود، ۴۳۱
کی‌نیا، مهدی، ۴۳۲
گرکانی، فضل‌الله، ۲۴۸
گرگانی، امیر فریدون، ۲۴۹
گریگوریان، روبیک، ۶۲۴
گلپایگانی، بهزاد، ۶۲۵
گلپایگانی، محمد رضا، آیت‌الله، ۶۱
گلسرخی کاشانی، غلامرضا، حجت‌الاسلام، ۶۱/۱
گلشن (راد)، رضا، ۶۲۶
گلشن کردستانی، محمود، ۲۵۰
گل‌گلاب، حسین، ۴۸۳
گل‌گلاب، داریوش، ۴۸۴
گنجه‌ای، رضا، ۲۵۱
گوهرین، صادق، ۲۵۲
لسان، حسین، ۲۵۲/۱
لطفی، محمود، ۶۲۷
لنکرانی، شریف، ۲۵۳
مافی، رضا، ۶۲۸
مبشری، اسدالله، ۲۵۴
متألهی اردکانی، محمد حسین، ۶۲۹
مجاب، فرج‌الله، ۴۸۵
مجاهد، محمد حسین، ۲۵۵
مجتهدزاده، محمد، ۲۵۶
مجتهدی، علی، ۴۸۶
محتشم‌زاده، نصرت‌الله، ۶۳۰
محجوب، محمد جعفر، ۲۵۷
محدث ارموی، جلال الدین، ۲۵۸
محسنی، اکبر، ۶۳۱
محسنی، مجید، ۶۳۲
محسنی ملایری، محمد باقر، آیت‌الله، ۶۲
محلاتی، بهاءالدین، آیت‌الله، ۶۳
محلاتی، ذبیح‌الله، علامه، ۶۴
محلاتی، صدرالدین، ۲۵۹
محمدی، اصغر، ۶۳۳
محمدی، علی، ۲۵۹/۱
محمدی لائینی، حسین، آیت‌الله، ۶۵
محمودی خوانساری، محمود، ۶۳۴
محمودی، مسعود، ۲۶۰
محمودی نوبر، محمود، ۴۳۳
مدرس، علی‌رضا، ۲۶۱
مدرس رضوی، محمد تقی، ۲۶۲
مدرس گرجی، عبدالله، ملا، ۶۶
مدرس یزدی، مهدی، آیت‌الله، ۶۶/۱
مدرسی چهاردهی، مرتضی، ۴۳۴
مدنی، بدرالدین، ۲۶۳
مدنی، رضا، ۴۳۶
مدنی، اسدالله، آیت‌الله، ۶۷
مدنی، حسین، ۴۳۵
مدنی کاشانی، رضا، آیت‌الله، ۶۸
مرادی، فیض‌الله، ملا، ۶۹
مرعشی نجفی، شهاب‌الدین، آیت‌الله‌العظمی، ۷۰
مرندی، علی اکبر، آیت‌الله، ۷۱
مزارعی، فخرالدین، ۲۶۴
موحد ابطحی، مرتضی، آیت‌الله، ۷۷/۱
مستنبط، نصرالله، آیت‌الله، ۷۲
مستوفی، اسماعیل، ۲۶۵
مسعودی، علی اکبر، ۶۳۵
مشار، خانبابا، ۴۳۷
مشایخ فریدنی، محمد حسین، ۲۶۶
مشایخی، رضا، ۲۶۷
مشتاق، شاهمراد، ۲۶۸
مشحون، حسن، ۶۳۶
مشکور، بهاءالدین محمد جواد، ۲۶۹
مشکوة، محمد، ۴۳۸
مشیری، حمید، ۲۷۰
مشیری، قدرت‌الله، ۲۷۱
مشیری، محمد، ۴۸۷
مصاحب، غلامحسین، ۴۸۸
مصدق، عباس، ۶۳۷
مصدق، غلامحسین، ۴۸۹
مصطفوی، حسین، ۲۷۲
مصطفوی، رحمت‌الله، ۴۳۹
مصطفوی، جواد، ۴۴۰
مصطفوی کاشانی، محمد تقی، ۴۴۱
مطهری، احمد، حجت‌الاسلام، ۷۲/۱
مطهری، مرتضی، آیت‌الله، ۷۳
مطیر، محمود، ۴۴۲
مظاهری نجفی، مرتضی، آیت‌الله، ۷۴
معارفی، مسعود، ۶۳۸
معالی، محمدرضا، ۲۷۳
معتضدی، خان بابا، ۶۳۹
معرفت، حسن، ۴۴۳
معروفی، جواد، ۶۴۰
معزی (حسام الدوله)، نجفقلی، ۴۴۴
معماران بنام، رضا، ۶۴۱
معینیان، علی اصغر، ۲۷۴

مفتاح، مهدی، ۶۴۱/۱
مفتح، محمد، آیت‌الله، ۷۵
مفتی، خالد، ملا، ۷۶
مفتی‌زاده، محمد صدیق، ۴۴۵
مفخم پایان، لطف‌الله، ۶۴۲
مقبلی، عزت‌الله، ۶۴۳
مقتدری، محمد تقی، ۲۷۵
مقدم، جلال، ۶۴۴
مقدم، محمد، ۴۴۶
ملاح، حسینعلی، ۶۴۵
منبری، محمد، ۲۷۶
منتظر قائم، حسن، ۴۴۷
منتظری نجف آبادی، محمد علی، حجت‌الاسلام، ۷۷
منزوی اردبیلی، رحیم، ۲۷۷
منشی‌زاده، داود، ۴۴۸
منشی کاشانی، محمود، ۲۷۸
منصوری، ذبیح‌الله، ۲۷۹
منصوری، منصور، ۲۸۰
موسوی آرانی، شهاب‌الدین، ۲۸۱
موسوی خوانساری، احمد، آیت‌الله، ۷۸
موسوی، کاظم، ۴۴۹
موسوی شاهرودی، حسین، آیت‌الله، ۷۹
موسوی علوی خوانساری، حسین، آیت‌الله، ۸۰
مهدوی، محمد حسین، ۴۵۰
مهدوی، معزالدین، ۴۵۱
مهدوی شاهرودی، عبدالله، آیت‌الله، ۸۱
مهدوی، مرتضی، ۲۸۲
مهدوی لاهیجانی، مهدی، آیت‌الله، ۸۱/۱
مهدوی مرندی هاشمی، احمد، ۶۴۶
مهرپرور، فرهنگ، ۶۴۷
مهرپویا، عباس، ۶۴۸
مهرتاش، اسماعیل، ۶۴۹
مهرو، علی، ۶۵۰
میرجهانی طباطبایی اصفهانی، محمد حسن، آیت‌الله، ۸۱/۲
میرخانی، حسین، ۶۵۱
میرخانی، احمد، آیت‌الله، ۸۲
میرخانی، حسن، ۶۵۲
میرخدیوی، اصغر، ۶۵۰/۱
میرزاجانی، غلامرضا، نک به قدسی‌نژاد، غلامرضا، ۲۳۴
میرعلایی، احمد، ۲۸۳
میرلوحی، محمد رضا، ۶۵۳
ناتل خانلری، پرویز، ۲۸۴
نارنجیها، پرویز، ۶۵۴
ناصح، محمد علی، ۲۸۵
ناطق، ناصح، ۲۸۶
ناظریان، ایرج، ۶۵۵
ناظمی، مهدی، ۶۵۵/۱
نبهی، عبدالرحیم، ۲۸۷
نجاتی، محمد علی، ۲۸۸
نجفی زنجانی، احمد، ۶۵۶
نجفی عاملی، محمد حسین، آیت‌الله، ۸۲/۱
نجفی کاشانی، علی، آیت‌الله، ۸۳
نجمی، مصطفی، ۶۵۵/۲
نجومی، حبیب‌الله، ۴۹۰
نراقی، حسن، ۴۵۲
نصر، تقی، ۴۵۳
نصیری، محمد، ۴۵۳/۱
نعلبندیان، عباس، ۶۵۷
نعمت‌اللهی، احمد، ۲۸۹
نقشه‌چی، محمد حسین، ۶۵۸
نمازی (شادمان)، فرنگیس، ۴۵۴
نمازی شاهرودی، علی، آیت‌الله، ۸۵
نوایی، محمود، ۴۵۵
نوذری، صادق، ۶۵۹
نورانی وصال، عبدالوهاب: نک به وصال شیرازی، عبدالوهاب، ۲۹۵
نوغانی، مهدی، آیت‌الله، ۸۶
نی‌داود، مرتضی، ۶۶۰
نی‌داود، موسی، ۶۶۰/۱
نیستانی، منوچهر، ۲۹۰
واعظ یزدی، عبدالله، ۲۹۱
واصف، شیخ محمد، آیت‌الله، ۸۶/۱
وثوق، عزت‌الله، ۶۶۱
وجدانی فخر، آیت‌الله، ۸۶/۲
وجیه‌اللهی، ابوالقاسم، ۴۵۶
وحیدزاده، محمود، ۲۹۲
وحید مازندرانی، غلامعلی، ۴۵۷
ورزی، ابوالحسن، ۲۹۳
وزیری، عبدالعلی، ۶۶۲
وزیری، علی‌نقی، ۶۶۳
وزین‌پور، نادر، ۲۹۴
وشنوی قمی، قوام‌الدین محمد، آیت‌الله، ۸۶/۳
وصال شیرازی، عبدالوهاب، ۲۹۵
وطن‌پرست، اسماعیل، ۴۵۸
وکیل، محمد صالح، ۲۹۶
وکیلی، عبدالحسین، ۲۹۷
وهاب‌زاده، عظیم، ۴۵۹
هاشمی، ابراهیم، ۶۶۳/۱
هاشمی سنجانی، علی، حجت‌الاسلام، ۸۷
هاشمی‌نژاد، عبدالکریم، حجت‌الاسلام، ۸۸
هدایت، محمود، ۲۹۸
هدایتی، محمد علی، ۴۶۰
هراتی، سلمان، ۲۹۹
هروی، حسینعلی، ۳۰۰
هریسی، حسن، ۶۶۴
هشترودی، جواد، حجت‌الاسلام، ۸۸/۱
همایونی، غلامحسین، ۶۶۵
همایی، جلال‌الدین، ۳۰۱
همدانی، علی، آیت‌الله، ۸۹
هوشمند، رضا، ۶۶۶
هومن، محمود، ۴۶۱
یحیوی، عباسقلی، ۳۰۲
یزدانی، سیف‌الله، ۶۶۷

یزدگردی، امیر حسن، ۳۰۳
یزدی‌زاده، محمود، ۴۹۱
یغما، حیدر، ۳۰۴
یغمایی، حبیب، ۳۰۵
یگانه، بهادر، ۳۰۶
یمینی شریف، عباس، ۳۰۷
یوسفی، غلامحسین، ۳۰۸

۲. نمایهٔ اسامی اشهر و القاب

آخوند ملا علی، ۸۹
آیت‌الله‌زادهٔ چهاردهی، ۴۳۴
ابن یوسف، ۱۴۶
ابواحمد، ۷۷
احمد هاشمی، ۶۴۶
ادیب، ۱۳۴
ادیب طوسی، ۹۸
استاد باباعلی، ۱۳۴
اشرف الکتاب، ۶۵۶
اعتمادالدوله، ۶۲۰
اقبال السلطان، ۵۱۶
الحسینی، رسول، ۶۵۵/۲
امیر الکتاب، ۵۱۶
امیرپنجه، ۶۲۶
انتخاب‌الدوله، ۲۲۸
انتخاب‌الملک، ۲۲۸
بابا مردوخ، ۳۶۳
بانوی ایران، ۹
بصیردیوان، ۴۷۲
پدر فرش نو ایران، ۶۰۵
تاج الشعرای اردبیل، ۳۰۲
تاج الواعظین، ۵۳۶
تاج‌زاده، ۵۳۶
حاج عالم، ۴۹
حشمت الممالک شیرازی، ۱۵۲
حکیم، ۶۰
حکیم الهی، ۷۰
خانی، ۶۱۴
خضوعیَ، ۵۳۶
ذکاءالسلطنه، ۳۹۴
رسام، ۶۰۵
رضوان، ۵۲۸
روح‌الامین، ۱۵۰
زهره، ۹۵
سالار معزز، ۵۹۸
سالم، ۲۱۰
سراج الکتاب، ۶۰۸، ۶۵۲
سید عرب، ۶۰۵
سید مصلح‌الدین، ۴۵۰
شاعر ملی کرد، ۱۹۱
شاعر وطنی، ۲۰۱
شهیدی، ۱۴۵
شهین، ۵۳۷
شیخ الشریعه اصفهانی، ۳۴
شیخ ضیاء، ۵۱۵
شیخ قناد، ۱۹۶
صبار، ۳۹۸
صنیع همایون، ۵۹۷/۱
ضوءالرشد، ۱۰۷
طاهر سمنانی، ۲۱۵
طلوعی عراقی، ۹۵
ظفر علی، ۹۲
عطاءالملک، ۵۹۸
علیم‌السلطنه، ۳۲۵
عمادالشریعه، ۶۰۸
عماد الکتاب، ۴۳۳، ۵۱۶، ۶۲۰
عماد طاهری، ۵۱۶
فاخته‌ای، ۶۱۷
فخرالعارفین، ۴۰۶
فخر طلوعی، ۹۵
فرصت‌الدوله، ۵۸۳
فرصت شیرازی، ۵۸۳
فیض‌الاسلام، ۷
فیض کاشانی، ۲۵۸
فیلسوف شرق، ۳۲
قدسی مشهدی، ۲۳۴
کاتب همایون، ۶۶۵
کشف‌الایات، ۱۴/۱
مترجم نظام، ۴۳۵
مترجم همایون، ۳۵۳
مجدالملک، ۵۶۴
محدث، ۲۵۸
مداح، ۱۴۸
مدیرالدوله، ۳۱۸
مروج، ۵۷
مستشارالدوله، ۵۹۳
مش اسماعیل، ۵۰۳
مشفق کاشانی، ۲۰۹، ۲۸۱
معین‌التجار، ۹
مکرم‌السلطنه، ۴۱۶
ملاآقا شمس‌الواعظین، ۱۹۵
ملک الخطاطین، ۵۸۵
ملک الشعرا، ۱۱۷
منشی، ۲۰۷

موافق علیشاه نعمةاللهی، ۶۵۲
واصف لاهیجی، ۸۶/۱
ویولن مرد، ۵۸۷
هشیار سنندجی، ۵۶۰/۱
هیمن، ۱۹۱

۳. نمایهٔ اسامی مستعار

آسمان، ۱۳۲
آقا معلم، ۱۹۸
آقای م.م...، ۶۵۷
آمهدی خان، ۱۸۶
ابرام سرپا، ۲۵۱
ابوالعینک، ۱۴۴
ابوشنبلیله، ۲۲۶
اجنه، ۱۶۹
اجنه‌زاده، ۱۶۹
اسد، ۱۹۸
الاحقر شیخ مهدی سهیل‌الدین، ۱۸۶
ایشان، ۱۹۸
بازاری، ۱۸۶
بذله‌گو، ۱۸۶
بندهٔ خدا، ۱۱۶
بهمن، ۳۵۶
بهمنش، ۲۹۰
بیابانی، ۱۱۶
بی‌خیال، ۱۸۶
پرستو، ۴۵۸
پونه، ۱۱۶
ج، ۲۱
جان هرو، ۱۵۶
جاهل‌العلماء، ۱۸۶
جلّت، ۱۹۸
جواد، ۲۱
جواد تهرانی، ۲۱
چاقالو، ۱۸۶
حسنعلیِ جعفر، ۱۹۸
ح و میم، ۱۵۶
خان داداش، ۲۲۶
خروس اخته، ۱۴۹
خروس لاری، ۱۴۴
خ ــ سام، ۱۵۶
خ سین، ۱۵۶
خنده‌رو، ۱۹۸
خواجه سهیل‌الملک، ۱۸۶
خوشه، ۶۵۷
دُزی، ۳۰۰
د.م.، ۴۴۸
دُنب المهندسین، ۲۵۱
دیلاق، ۲۳۲
رامین، ۱۳۲
زارع، ج.، ۲۱
زاغچه، ۲۵۱
زهرخند، ۱۸۶
سرخلوتیان، ۱۹۸
سید میرزا، ۲۲۶
سیمرغ، ۲۱۶
شازده پسر، ۱۸۶
شاگرد تنبل، ۲۲۶
شاه داماد، ۱۸۶
شایان، ۱۹۸
شبکور، ۱۹۸
شبیه‌الاعراب، ۱۸۶
ش ــ ترسو، ۱۹۸
شوخ، ۱۴۴
شهریار اسداللهی، ۱۹۸
شیخ ابوالپشم، ۱۲۴
شیخ سرنا، ۲۵۱
شیرین، ۱۸۶
صاحبدل، ۳۲۵
صهبا مقداری، ۲۰۳
ضعیف الاقویا، ۱۸۶
طاهریا، ۲۱۵
طباطبا، ۴۰۶
عبد خدا، ۱۱۶
عمید جلال، ۱۱۶
فاضل‌مآب، ۱۴۴
فسقلی، ۱۹۸
فکلی پسر، ۱۸۶
فینگلی، ۲۲۶
قرتی الشعراء، ۲۱۵
قره‌گوز افندی، ۴۳۱
قناس‌الشعرا، ۱۹۸
کثیرالاضلاع، ۱۸۶
گرسنه، ۳۳۰
گل آقا، ۱۲۴
گل توپی، ۲۲۶
گوهرمراد، ۱۷۷
لوطی پسر، ۱۸۶
مازیار، ۱۳۲
متلک‌گو، ۱۸۶

م ــ خ، ۱۵۶
مخ، ۱۵۶
مشارالیه، ۱۹۸
مصطفی، ۱۵۶
م.ص.م، ۴۴۵
معلم‌الاطفال، ۱۹۸
مغ، ۱۵۶
م ــ مار، ۴۱۷
م ــ ن، ۱۵۶
موشکاف، ۱۹۸
مهندس الشعرا، ۲۵۱
میم ح، ۱۵۶
میمخا، ۱۵۶
نگین، ۱۳۲
نمکپاش، ۱۸۶
نمکدون، ۱۸۶
نوشخند، ۱۸۶
نویسندهٔ مجهول، ۱۶۱
نیشخند، ۱۸۶
هاردی، ۱۸۶
هالو، ۴۵۸
هاله، ۲۲۶
هدهد میرزا، ۱۴۴
هدی کوچولو، ۲۲۶
همشهری، ۱۲۴
هونر (فرود)، ۴۰۴
«هونر» (م)، ۴۰۴
یارو، ۱۹۸
یره (خراسانی) شوان (کرمانشاهی)، ۱۹۸

۴. نمایهٔ اشخاص

آبکار، یوسف، ۳۰۸
آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ۵۹، ۸۰
آذر، اقبال، ۵۱۶
آذرسینا، مهدی، ۵۱۹
آذری، کاظم، ۴۷۳
آربری، آرتور ج.، ۴۵۴
آرنو، ژرژ، ۴۵۵
آزاد، افراسیاب، ۵۲۰
آزاد همدانی، علیمحمد، ۱۳۹، ۱۵۰
آزادی، جواد، ۱۹۲
آزبرن، پل، ۵۷.۱/۱
آژدوکیویچ، ک.، ۳۲۵
آژنگ، ابراهیم، ۵۵۷
آستوریاس، میگل انخل، ۲۴۷
آسیموف، آیزاک، ۴۳۳
آشتیانی، اسماعیل، ۵۳۱، ۵۹۶
آشتیانی، شیخ مرتضی، ۲۳/۱، ۵۲/۱
آشتیانی، مهدی، ۱۱۶، ۲۶۹، ۳، ۷۳، ۴۲۰
آشتیانی، میرزا احمد، ۵۷/۱، ۸۱/۱، ۳۲۵
آصف رستم‌الحکماء، محمد هاشم، ۴۸۷
آصفی، محمد، ۵۹
آغداشلو، آیدین، ۶۰۶/۱
آقابزرگ حکیم، ۹۸
آقازاده خراسانی، آیت‌الله، ۳۲، ۶۲
آقازاده، میرزا محمد، ۵۲/۱
آقا میرزا مهدی، ۲۴۷/۱
آلبر کلیبار، فرانسوای کلود، ۳۴۵
آل طیب، مهدی، آیت‌الله، ۳، ۴۸
آمبارسَون، ۵۴۵
آمده امیلین پروب‌ژوبر، پی‌یر، ۲۹۸
آمدی اسلامبولی، حامد، ۶۵۶
آملی، محمدتقی، آیت‌الله، ۲۱، ۴۲۰
آملی، مولانا اولیاءالله، ۳۷۲
آملی، هاشم، آیت‌الله‌العظمی، ۴۰، ۴۵، ۶۵
آموزگار یگانه، ژاله، ۱۳۱
آمیر، پل، ۲۷۹
آندرسن، هانس کریستین، ۹۳
آندره‌یوسکی، یژری، ۲۱۳
آنوی، ژان، ۵۴۱
آواساپیان، ۱۶۳
آوانسیان، آربی، ۶۵۷
آوینی، مرتضی، ۵۶۵
آیت‌اللهی شیرازی، محمد باقر، ۴۹
آیتی بیرجندی، محمد ابراهیم، ۳۷۱
آیر، ا. اچ.، ۳۲۵
آیرم، محمد حسین خان، ۴۱۴
اباعبیده، بابارسول، ۴۴۵
ابن اسفندیار، ۳۷۲
ابن‌اللهوردیخان، امام قلی‌خان، ۳۱۳
ابن رشد، ۴۳۸
ابن سینا، ۱۲۳، ۱۷۲، ۲۵۲، ۲۸۴، ۳۰۱، ۴۶، ۳۲۹، ۳۴۶، ۴۰۲، ۴۰۲، ۴۳۸
ابن طفیل، ۳۴۶
ابن مسکویه، ۹، ۱۳
ابن هشام، ۱۵۸
ابوالخیر، ابوسعید، ۳۰۱
ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی، ۲۵۸
ابوالوردی، شیخ علی، آیت‌الله، ۴۹
ابوت، ۳۷۴
ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی، ۲۵۸
اتحاد، کاظم، ۱۶۹
اتکاای گاست، خوزه، ۴۴۸
اجلالی، آبتین، ۵۰۶
احسایی، شیخ احمد، ۴۳۴
احمدآبادی اصفهانی، محمد صادق، آیت‌الله، ۵۲/۱، ۷۴، ۷۷/۱
احمدآبادی، حکمت، ۳۰۱
احمد شاه قاجار، ۳۵۱، ۳۸۳، ۵۹۳، ۶۳۹
احمدی، آیت‌الله شیخ محمد حسن، ۴/۱
اخلاقی، عباس، ۸۶/۳
اخوان ثالث، مهدی، ۲۳۸
اخوان نیاکی، تقی، ۴۳۲
ادریس‌آبادی، شیخ عباس، ۶۰
ادمون، ۱۶۱

ادیب السلطنه سمیعی، ۴۲۴
ادیب برومند، عبدالعلی، ۲۸۱
ادیب تهرانی، میرزا محمد علی، ۴/۲، ۱۴/۱
ادیب ثانی، محمد تقی، آیت‌الله، ۴۳، ۸۶
ادیب خوانساری، اسماعیل، ۵۵۷، ۵۹۸
ادیب قاسمی کرمانی، ۲۹۰
ادیب نیشابوری (ادیب اول)، عبدالجواد بن عباس، ۴/۱، ۹۸، ۱۴۵، ۴۶، ۵۷، ۸۶
ادیب نیشابوری (ادیب ثانی)، شیخ محمد تقی راموز، ۲۳۴، ۴۴۰، ۲۴۷/۱
ادیب هروی، محمد حسن، ۱۲۳
اراکی، نورالدین، آیت‌الله، ۵
اراکی، ضیاءالدین، آیت‌الله، ۱۶۳
اراکی، عباس، ۱۳
اراکی، محمد علی، آیت‌الله العظمی، ۴۲
ارانی، تقی، ۴۰۶
ارباب، رحیم، آیت‌الله، ۳۰۱، ۱۷، ۲۸، ۴۰۵
ارباب، محمد، آیت‌الله، ۱۳
ارتضا، ۴۳
ارجانی، فرامرز، ۲۸۴
اردبیلی، یونس، ۴۰۹
ارژنگ، ۵۲۸
ارژنگی، میرمصور، ۵۳۱
ارسطو، ۲۶۷، ۳۲۹، ۴۰۲
ارسکین، ویلیام، ۲۷۹
ارسنجانی، قراخان، ۱۲۸
ارفع، کاظم، ۷۵
ارنبورک، ایلیا، ۲۷۹
اریاوبر. ا.، ۳۰۷
ازهدی، علی اصغر، ۶۴۹
اسپیتز، ژاک، ۲۷۹
استانیر، جرج، ۲۸۳
استاین، دانا، ۶۶۳/۱
استدولار، ژیری، ۳۶۸/۱
استوارت، جرج ر.، ۴۱۸
اسحاق یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۱۵۵
اسحق بن حنین، ۴۳۸
اسحق، محمد، ۳۰۵
اسدآبادی، جمال‌الدین، ۱۴۱، ۴۳۴
اسدی، شهرام، ۵۰۰
اسعد گرگانی، فخرالدین، ۲۵۷
اسفزاری، ابوحاتم مظفر، ۲۶۲
اسکندانی، غلام حسین، ۵۱۱
اسلامی، علی، ۳۶۶
اسلامی، میرزا رضا، ۵۶۶
اسلیمی، غلامحسین، ۴۹۸
اسماعیل‌پور، ابوالقاسم، ۱۱۷
اسماعیل‌زاده، حسین، ۵۳۶، ۶۱۷، ۶۶۰
اسماعیلی، محمد، ۵۰۶
اسمایلز، ساموئل، ۱۶۱، ۳۷۶
اسمیت، دنیس مک، ۳۶۶
اسمیت، دوروتی، ۲۴۰
اسمیت، رایش، ۴۴۱
اسواروسکی، هانس، ۵۸۱
اسیرینگر، ار.، ۳۶۸/۱
اشپولر، برتولد، ۴۲۰
اشتاین بک، جان، ۲۵۷، ۳۹۰
اشتاین، ساموئل، ۱۴۴
اشتهاردی، عبدالله، ۱۰۹
اشمیت، رایش، ۴۱۸
اصطهباناتی، ابراهیم، آیت‌الله، ۲۰، ۵۷/۱، ۶۴، ۷۰
اصطهباناتی، میرزا آقا، ۸۱/۱
اصفهانی، آقا شریعت، ۱۵
اصفهانی، ابوالمجد رضا، ۶۰
اصفهانی، حسن علی، ۳۲
اصفهانی خراسانی، مهدی، آیت‌الله، ۴۱/۲، ۵۲/۱، ۸۶
اصفهانی، سروش، ۲۵۷
اصفهانی، سلیمان خان، ۵۳۶
اصفهانی، ابوالحسن، آیت‌الله، ۲، ۴، ۶، ۷، ۱۳، ۲۲، ۲۶، ۳۲، ۳۷، ۴۱/۲، ۵۲/۱، ۵۷/۱، ۶۶/۱، ۷۷/۱، ۸۱/۱، ۸۱/۲، ۴۴، ۴۶، ۴۹، ۵۵، ۵۷، ۶۳، ۶۷، ۷۲، ۷۴، ۷۹، ۸۰، ۸۲/۱، ۴۰۹، ۴۱۲، ۴۳۸
اصفهانی، عبدالرحیم، ۴۹۷، ۵۳۶
اصفهانی، شیخ محمد رضا، ۲۳/۱
اصفهانی، گلی، ۵۴۵
اصفهانی، محمد حسین، آیت‌الله، ۳۰، ۳۴، ۴۱/۲، ۵۴، ۵۵
اصفهانی، محمد صادق، آیت‌الله، ۷۸
اصفهانی، محمد کاظم، آیت‌الله، ۳۷
اصفهانی، محمد مهدی، ۳۷۲
اصفهانی، میرزا آقا، آیت‌الله، ۳۷
اصفهانی، میرزا غلامرضا (خطاط قرن ۱۳)، ۶۲۸
اصولی، عبدالمجید، ملا، ۳۳، ۶۶
اطلسی، سیامک، ۶۲۳
اظهر، مرتضی، ۱۰۰
اعتضادی، ۶۲۸
اعتمادالسلطنه، محمد حسن بن علی (صنیع‌الدوله)، ۴۸۷
اعتمادی، مصطفی، حجت‌الاسلام، ۴۱
اعظمی زنگنه، عبدالحمید، ۴۰۲
اعلم، اسدالله، ۲۸۴
افتخارالعلماء، محمود، ۱۳
افخمی، سیروس، ۵۵۱
افسر سبزواری، محمد هاشم میرزا، ۲۸۵
افسر کرمانی، میرزا مهدی‌قلی خان، ۱۰۱
افسری کرمانی، ابوالقاسم، ۱۰۱
افشار، ایرج، ۹۰، ۱۰۲، ۲۱۶، ۳۰۵، ۳۵۴، ۳۹۹، ۴۰۸، ۵۹۳
افشار، صادق، ۱۵۹

افشار، محمد حسن خان، ۱۴۱
افشار، موسی، ۶۰۷
افشار، یارمحمد خان، ۱۲۱
افشار یزدی، محمود، ۳۸۱، ۴۲۴
افلاطون، ۲۶۷، ۳۷۶، ۴۰۴
افندی، ملا عبدالکریم، ۴۴۵
افندی هه‌ولیر، ملا ابوبکر، ۴۴۵
اقبال آذر، ابوالحسن، ۵۲۷
اقبال آشتیانی، عباس، ۳۰۵
اقبال‌السلطان، ۵۶۴
اقبال، عباس، ۲۶۹، ۴۲۲
اقبال لاهوری، محمد، ۲۶۶، ۲۷۵
اکیرا، کوروساوا، ۲۱۳
التنّیر، محمد طاهر، ۵۹
الجمالی، محمد فاضل، ۳۷۴
الحاسب الکرجی، ابوبکر محمد بن الحسن، ۱۵۵
الدنبرگ، هرمان، ۲۴۳
الصدر شیرازی، نایب، ۲۵۷
الفاخوری، حنا، ۳۳۹
القذافی، معمر، ۸۸
القره داغی، عمر بن، ۸
الگار، حامد، ۳۴۸
الماس‌خان، ۴۴۵
المتطبب القونیوی الملقب بالصدر، ابوبکر بن الزکی، ۳۸۴
المنجد، صلاح‌الدین، ۱۵۵
الهی قمشه‌ای، مهدی، ۸۲، ۵۸۵، ۶۵۱
امامت، محمد صادق، ۶۹
امام‌زاده، صالح، ملا، ۵۳
امام، محمد علی، حجت‌الاسلام، ۴۸
امامی، عطاءالله، آیت‌الله، ۸/۱
امامی، محمد باقر، ۴۵۰
امامی، میرزا، ۵۰۱
امیرافشاری، پرویز، ۵۰۰
امیرخیزی، اسماعیل، ۳۱۰
امیرقاسمی، سلیمان، ۵۰۹/۱
امیرکبیر، میرزا تقی‌خان، ۵۹۷
امیری فخری هروی، محمد بن، ۱۵۹
امیری فیروزکوهی، عبدالکریم، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۸۱
امیری فیروزکوهی، امیربانو (مصفا)، ۱۰۷
امین، استاد احمد، ۲۳/۱
امین‌التجار اصفهانی، محمد علی، ۹
امین عاملی، محسن، ۳۰
امینی، امین، ۵۱۰
امینی، عبدالحسین، علامه، ۵۶
انتظامیّ، عزت‌الله، ۱۴۴
انجدانی، یعقوب‌خان، ۱۶۳
انجوی، صدرالعلماء خلیل، ۱۰۸
اندرسن، گرک، ۳۴۸
اندریات، ۱۳۷
انصاری، سهام، ۳۱۹
انصاری، شیخ‌مرتضی، ۴۱/۱
انصاری، شیخ مرتضی، آیت‌الله، ۳۴، ۴۹، ۵۹، ۶۸، ۶۰، ۸۶
انصاری، عبدالله، ۱۵۲
انصاری، محمد حسین، ۱۰۹
انصاری، محمد علی، ۶۶۴
انگجی، ابوالقاسم، ۳۷۷
انگجی، میرزا ابوالحسن، آیت‌الله، ۴۴
انگلس، فردریک، ۴۰۶
انوری، ۲۶۲
انیشتن، آلبرت، ۴۷۰
اوبری، اوکتاو، ۲۷۹
اوریپید، ۳۷۶
اوستا، مهرداد، ۲۰۹، ۲۸۱، ۵۲۶
اولسن، اوریان، ۲۶۷
اومستد، پرفسور، ۴۴۶
اویسی، فتحعلی، ۵۰۰
اهرابی، میرعلی، ۶۶۴
اهری، میرزا محمود، ۷۰
ایرانپور، پرویز، ۵۶۸/۱
ایرانی، غلامرضا، ۱۵۱
ایرانی، محمد، ۶۲۱
ایرج میرزا، ۵۸۵
ایروانی، علی، ۵۷/۱
ایروانی، علی، آیت‌الله، ۸۲/۱
ایروانی، محمود، ۶۲۶
ایلخانی بختیاری، ابوالفتح، ۹۶
ایلخانی بختیاری، حسینقلی‌خان، ۹۶
ایلسکی (پرفسور)، ۱۲۴
اینیاس، لپ، ۳۶۶
باباطاهر عریان، ۵۳۹
بابافیروزکوهی، شیخ علی، ۳۲۵
باتلر ییتز، ویلیام، ۲۲۸
باتمانقلیچ، ذبیح‌السلطنه، ۶۶۴
بادکوبی، محمد حسین، آیت‌الله، ۳۴، ۵۵، ۸۲/۱
بادکوبی، صدرا، ۵۶
بارانی، انکلا، ۳۳۰
باربوس، هانری، ۲۵۷
بارزانی، مصطفی، ۱۹۱
بار، شوراتز، ۲۲۲
باربارن، ژرژ، ۳۶۸/۱
بارینگتون، ۲۷۹
بازرگان، مهدی، ۲۵۴، ۵۴، ۳۷۹
باستانی پاریزی، ۲۱۶، ۴۰۲
باشی، رضاخان، ۵۳۶
باقرخان (سالار ملی)، ۱۹۷
باقرخان کمانچه‌کش، ۵۶۲، ۵۶۴
باقری، عبدالله، ۵۹۶، ۶۵۸
بالتازار، ۲۸۳
بالزاک، اونوره دو، ۲۶۷، ۳۹۰
بالک، ملا باقر، ۴۴۵
بانوف، ۳۶۶
باوم، ال. فرانک، ۱۴۴
باهنر، محمد جواد، حجت‌الاسلام، ۱۲، ۴۵۶
بایرون (لرد)، ۹۶، ۲۲۸
بایگان، فضل‌الله، ۵۲۰
بتلهایم، شارل، ۳۴۸
بتهوون، لودویگ فون، ۵۸۱
بجنوردی، حسن، آیت‌الله، ۵۹، ۵۹

بحرالعلوم، حسن، آیت‌الله، ۸۱/۱
بحرالعلوم، جعفر، ۷۰
بحرانی، محمد طاهر، ۲۳/۱
بحرینی، مهستی، ۱۵۵
بخاری، محمد بن عبدالجبار، ۲۸۴
بختیاری، پژمان، ۶۶۰
بختیاری، یوسف‌خان امیرجاهد، ۱۰۵
بخشی، عبدالله، ۶۵۰
بدلیسی، ۱۹۱
بدوی دمشقی، ۶۵۶
بدوی، مصطفی، ۳۰۸
بدیع‌الزمانی، عبدالحمید، ۳۸۹
بدیع‌زاده، جواد، ۵۵۷
بدیه، ژوزف، ۲۸۴
برازنده، غلامحسین، ۵۵۷
برانسون، چارلز، ۶۵۵
براون، ادوارد، ۱۵۲، ۲۷۹، ۳۲۷
براهنی، محمدنقی، ۱۷۷
برتون، ریچارد، ۶۵۵
برسی، حسن، ۳۲
برشت، برتولت، ۲۵۳
برقعی، ابوالفضل، ۶۴
برقعی، رضا، آیت‌الله، ۱۱
برقی، حمد بن محمد بن خالد، ۲۵۸
برکشلی، مهدی، ۶۳۱
برکلی، جرج، ۳۲۵
برگسون، هانری، ۲۶۷
برگمن، اینگمار، ۲۱۳
بروجردی، آیت‌الله علی اصغر سلطان العلماء، ۴۱/۲
بروجردی، حسن، آیت‌الله، ۱۳
بروجردی، حسین، آیت‌الله، ۴/۱، ۶، ۸/۱، ۱۰، ۱۲، ۱۴/۱، ۱۶، ۱۶/۱، ۲۲، ۳۲/۱، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۵۱، ۵۲/۱، ۵۴، ۵۷، ۵۸/۱، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۶/۱، ۷۳، ۷۵، ۷۸، ۸۲، ۸۶/۱، ۸۸، ۱۴۸، ۲۹۷، ۶۵۶
بروجردی، محمد، آیت‌الله، ۶۰
بروجردی، شیخ علی محمد، ۱۳
بروجردی، صادق، ۶۴
بروکر، ادوارد، ۳۹۰
بروک، شارل، ۲۷۹
برومند، نورعلی، ۵۰۹/۱، ۵۶۴، ۶۱۷
برونسویک، لئون، ۲۶۷
برونینگ، رابرت، ۲۲۸
برهان، ملا شیخ، ۴۴۵
بریزیان، آرتور، ۳۷۶
بریون، مارسل، ۲۷۹
بسطامی، شیخ ابومحمد، ۲۵۸
بشیر، جمیل، ۶۳۱
بغدادی، ابومنصور عبدالقاهر، ۲۶۹
بغدادی، محمد هاشم، ۶۵۶
بکتاشی شافعی، شیخ نورالدین، ۷۰
بلاشر (فرانسوی)، ۳۵۸
بلاغی، شیخ محمدجواد، ۸۱/۱
بلاغی، محمد جواد، آیت‌الله، ۲۳، ۳۰، ۳۴، ۵۷، ۵۸، ۶۴، ۷۰، ۷۴
بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد، ۲۶۹
بل، هاینریش، ۲۵۳
بنان، غلامحسین، ۵۹۸، ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۴۵
بنداری اصفهانی، قوام‌الدین فتح بن علی، ۱۳۹
بنکدار، محمد، ۳۳۰/۱
بنونیست (پرفسور)، امیل، ۲۲۹
بنیان، یوسف، ۲۶۹
بنی‌سلیمان، ۲۵۱
بنینسن، پل، ۴۵۵
بنی‌یعقوب، محمود، ۴۸۴
بوازار، مارسل، ۳۰۸
بوتیه، فردریک، ۲۸۴
بوذری، ابراهیم، ۱۵۲
بوراشتاین، ادوارد، ۳۶۶
بورخس، خورخه لوئیس، ۲۸۳
بورکشن، هنریش کارل، ۴۲۵
بورکهارت، گئورک، ۴۴۸
بورن، ۴۷۰
بوری، لرد آوی، ۱۲۵
بوشهری، شیخ عبدالکریم، ۷۰
بوغده کندی، ملا علی، ۴۷
بومار، ژان، ۲۷۹
بونوئل، لوئیس، ۲۱۳، ۵۷۱/۱
بهار، ملک‌الشعراء، ۱۱۷، ۱۲۷، ۱۴۴، ۲۶۲، ۲۶۶، ۲۶۹، ۱۳
بهاری، محمد، آیت‌الله، ۱۸
بهبهانی، احمد، آیت‌الله، ۷۰
بهرامی، صادق، ۵۳۷
بهروز، جهانگیر، ۲۵۷
بهروز، ذبیح، ۴۴۶
بهروزی، علی نقی، ۴۱۹
بهزاد، حسین، ۵۰۷، ۵۱۱، ۵۱۸، ۵۳۹، ۵۹۶
بهشتی، محمد حسین، آیت‌الله، ۱۱، ۵۴، ۷۵، ۴۵۶
بهشتی شیرازی، مصطفی، ۴۶۶
بهمنیار، احمد، ۲۶۶، ۲۶۹، ۴۳۴
بیانی، خان‌بابا، ۴۰۲
بیانی، مهدی، ۳۹۹
بیت، گاستون، ۴۳۳
بیدهندی، علی اکبر (آخوند)، ۶۰
بیدهندی، ملامحمد (آخوند)، ۶۰
بیرشک، احمد، ۳۴۷، ۴۲۱
بیرونی، ابوریحان، ۳۰۱، ۳۵۳، ۳۶۷
بیژویی، ملا عبدالله، ۴۴۵
بیسارانی، ملا شریف، ۶۹
بیک دنبلی، عبدالرزاق، ۲۳۳
بیگ آذر بیگدلی، لطفعلی، ۱۷۶
بیگدلی، غلامحسین، ۱۷۶
بینه، کلود، ۳۶۸/۱
پاتالاس، انو، ۲۱۳
پارسا، خواجه احمد، ۲۱۴
پارسی، محمد، ۵۹۷
پازارگاد، بهاءالدین، ۱۲۷
پاز، اکتاویو، ۲۸۳، ۳۸۲
پازوکی، عبدالحسین، ۳۰۸
پاسبک، آندره، ۳۶۸/۱
پاسکال، بلز، ۲۶۷

پاک‌نژاد، ابوالقاسم، ۴۶۸
پاکستانی، احمد ممتاز، ۳۷۴
پالو، ادوین، ۳۷۶
پاوه‌یی، میرزا عبدالقادر، ۴۴۵
پایانی اردبیلی، احمد، آیت‌الله، ۱۶/۱
پاینده، ابوالقاسم، ۱۴۴
پتروف، م.، ۴۸۳
پتگر، جعفر، ۵۳۱
پرنو، لورانس، ۳۶۸/۱
پروکوپیوس، ۳۷۶
پرویزی، غلامعلی، ۹۲
پریرخ، مهری، ۳۳۰/۱
پریستلی، ۲۷۹
پزشکی، کاظم، ۲۰۲
پسندیده، مرتضی، آیت‌الله، ۱۳
پسیان، کلنل محمد تقی‌خان، ۱۱۶
پش، امیل، ۴۵۷
پلنتین، ۳۰۷
پلوتارک، ۲۶۷
پو، ادگار آلن، ۲۲۸
پوپ، آرتور ایهام، ۲۸۴، ۴۹۸، ۵۲۱
پوتمکین، ولادیمیر، ۳۴۵
پورت، جان دیون، ۳۷۴
پورداود، ابراهیم، ۱۰۳، ۲۲۹، ۳۷۲
پورسعید، اسماعیل، ۶۰۷
پورمکری، محمد کیوان، ۴۰۸
پوشکین، ۲۸۴
پولنی، کریستف، ۲۷۹
پهلوی، محمد رضا، ۱۱۱
پیاتیه، آندره، ۳۷۴
پیراسته (برادران)، ۵۲۸
پیرامو، میکل، ۲۷۹
پیراندللو، لوئیجی، ۲۴۷
پیرن، ژاک، ۲۶۷
پیرنیا، داود، ۵۰۶، ۵۴۷
پیر، هانری، ۲۸۳
پینتر، هارولد، ۴۱۷
تائب، محمد، ۱۲۱
تاج اصفهانی، جلال، ۵۵۷، ۵۹۸
تاجر اصفهانی، محمد صادق، ۲۸۵
تاجیک، حیدر، ۵۳۸
تاراچند (دکتر)، ۳۳۰
تافلر، الوین، ۳۳۷
تاگور، رابیندرانات، ۲۴۹، ۲۷۵
تانزر، مایکل، ۳۶۶
تاوگوزی، عبدالرحیم، ۴۴۵
تبریزی، میرزا عبدالله، آیت‌الله، ۶۰
تجدد، نهال، ۲۲۲
تجلی، اصغر، ۵۳۶
تجویدی، علی، ۵۱۴، ۵۳۶
تجویدی، هادی، ۴۹۲، ۵۱۱، ۵۷۲
تحویلداری، میرزا حسین، ۳۷۲
تختی، غلامرضا، ۵۴۴
تدین، محمد، ۲۶۶
تروا، هانری، ۳۰۰
تری‌پید، ۳۷۶
تریفه، ملا صالح، ۴۴۵
تزو، سون، ۴۳۱
تسوایک، اشتفان، ۳۷۶
تشکر، حجةالاسلام، ۲۸۱
تفتازانی، ۱۵۸
تفرشی، میرمصطفی، ۴/۲
تقوایی، ناصر، ۱۷۷، ۶۲۷
تقی‌پور، سیامک، ۵۴۶
تقی‌پور، لیلی، ۳۹۹
تقی‌زاده، حسن، ۱۰۳، ۳۰۵، ۴۰۶
تقی‌زادهٔ طوسی، فریدون، ۱۷۰
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۲۵۸
تندری، محمود، ۱۴۹، ۱۶۶
تنکابنی، محمد، آیت‌الله، ۴
تنکابنی، علامه میرزا محمد، ۴۱/۲
تواین، مارک، ۱۴۴
توحیدی، میرزا باقر، ۲۴۷/۱
تورگنیف، ایوان، ۹۳
توروالد، ژارگن (یورگن)، ۲۷۹
توسن، فرانتس، ۲۲۹
توفیق، حسین، ۱۴۴
توکه، روبرت، ۳۶۸/۱
تولایی، علی، ۱۳۴
تولستوی، لئون، ۱۵۲، ۴۵۷
توللی، جلال، ۱۳۵
توللی، فریدون، ۹۱
توما، روبر، ۵۴۱
توماس، ادوارد، ۲۷۹
تومانیان، هوانس، ۲۳۸
تویسرکانی، محمد علی، آیت‌الله، ۱۷، ۷۸
تهران‌طبیب، میرزا حسین، ۱۱۶
تهرانی، مسیح، آیت‌الله العظمی، ۴۱/۱
تهرانی، احمد، ۴۲۴
تهرانی، حسن، ۵۰۶
تهرانی، حسین، ۵۵۷، ۵۶۸/۱
تهرانی خراسانی، محمد تقی، ۲۱
تهرانی، جلال، ۳۵۳
تهرانی، شیخ آقا بزرگ، آیت‌الله، ۳، ۲۰، ۳۲، ۴۸، ۵۲/۱، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۴، ۷۰، ۷۷/۱، ۴۰۹، ۴۴۹، ۴۵۰
تهرانی، غلامحسین، ۲۴۷/۱
تیژم، فیلیپ وان، ۳۸۲
تی‌سین، ۵۵۵
ثامنی، محمد رضا، ۴۹
ثانی یزدی، عبدالعلی، ۶۵۶
ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، ۲۵۸
ثقةالاسلام شیرازی، محمد حسن، ۱۵۳
جاد المولی، محمد احمد، ۴۶
جاده‌ای، احمد، ۶۰
جاسبی، حسین، ۶۵۸
جاف، هیم، ۲۷۹
جانسون، وارن، ۵۷۱/۱
جاویدی، حسن، ۳۳۰/۱
جاهد، امیر، ۵۸۸
جبل عاملی، محسن، ۶۰

جرجانی، میر شریف، ۴۳۴
جرسلید، آرتور، ۱۷۷
جزایری، آیت‌الله، ۷، ۵۹
جزیری، ملا، ۱۹۱
جزی، ملا عبدالکریم، ۷۴
جعفری، قاسم، ۶۰۶/۱
جعفری، محمد علی، ۵۶۱
جکتاجی، م. پ.، ۴۳۶
جمال‌الدین احمد بن عنبه، ۲۵۸
جمال، امید، ۶۰۷
جمالزاده، محمد علی، ۱۱۱
جمیله، مریم، ۳۷۴
جناب، علی، ۳۰۱
جنتی، احمد، آیت‌الله، ۷۷
جنگلی، کوچک‌خان، ۱۸۳، ۴۷۲، ۳۴۹، ۴۱۴، ۵۷۶
جوادی، احمد، ۳۵۴
جوادی‌پور، محمود، ۵۵۵
جوان خندان، محمد، ۳۳۰/۱
جوانمرد، عباس، ۵۰۲، ۶۱۴
جواهری، احمد، ۱۴۲، ۲۲۷
جواهری، شیخ علی، ۳۲۵
جواهری وجدی، غلامحسین، ۲۹۳
جودة‌التجار، عبدالحمید، ۴۳
جهانبگلو، منوچهر، ۶۳۴
جهان‌پناه، عبدالله، ۵۰۴
جهانشاهی، ایرج، ۴۳۳
جینالدهالد، سرد، ۲۷۹
چاهیچی، ابوالقاسم، ۵۴۵
چذری، حسن، ۳۴۸
چرولی، ۵۵۴
چمرز، مارتین، ۴۱۷
چنگی، علیرضا، ۵۵۷، ۵۹۸، ۶۶۰
چهرگانی، مرتضی، آیت‌الله، ۵۹
چهلستونی تهرانی، عبدالله، آیت‌الله، ۴۱/۱
چیز، جیمز هادلی، ۲۷۹، ۳۹۰
حائری، میرزا احمد، ۳۳۹
حائری یزدی، عبدالکریم، آیت‌الله، ۳، ۵، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴/۱، ۲۲، ۴۴، ۴۹، ۵۲، ۵۲/۱، ۵۴، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۶۶/۱، ۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۸، ۸۱، ۸۶/۳، ۸۹، ۱۶۳، ۳۳۹
حائری یزدی، مهدی، ۳۲۵
حاتمی، شاپور، ۵۶۴
حاتمی، علی، ۵۴۶، ۶۲۷
حافظ، شمس‌الدین محمد، ۳۳، ۱۱۱، ۱۶۴، ۲۸۴، ۴۰۵، ۵۱۲، ۵۳۶، ۵۳۹، ۵۹۷
حافظ طبرانی، ۸۶/۳
حالت، ابوالقاسم، ۲۲۶
حالتی، رفیع، ۵۲۰، ۵۴۱، ۵۷۱، ۶۴۹
حایریان (مدیر)، محمد، ۶۲۹
حایری قمی، محمد علی، ۴۱/۲، ۸۶/۳
حایری، محمد، آیت‌الله، ۶۲۹
حبیب‌آبادی، محمد علی، ۴۰۵
حتی، فیلیپ، ۱۲۵، ۳۷۶
حجازی، اسدالله، ۵۴۴
حجازی، عبدالله، ۶۱۷
حجت، عبدالحسین، ۲۳/۱
حجت کوه کمره‌ای، محسن، ۱۵
حجت کوه کمره‌ای، محمد، آیت‌الله، ۳، ۴، ۴/۱، ۶، ۱۰، ۱۴/۱، ۱۶، ۱۶/۱، ۲۲، ۵۱، ۵۲، ۵۲/۱، ۵۴، ۵۵، ۵۷/۱، ۵۸/۱، ۵۹، ۵۹، ۶۷، ۷۲، ۷۵، ۸۲، ۸۶/۳، ۲۴۷/۱، ۲۹۷، ۳۶۷، ۴۰۹، ۴۳۸
حجتی، محمد باقر، ۳۵۴
حداد، نیکلا، ۱۲۵، ۱۵۲
حریری، علی اصغر، ۳۰۵
حسابی، عبدالحسین، ۱۸۵
حسابی، محمود، ۳۷۹
حسام‌الدین، شیخ علی، ۷۶
حسن، حسن ابراهیم، ۱۲۵
حسین‌خان کمانچه کش، ۵۶۴
حسین‌خان، نظام‌الدوله، ۴۸۷
حسین، طه، ۱۵۵، ۲۴۳
حسین، عظیم، ۳۶۶
حسینی اشکوری، حجت‌الاسلام، ۴۱۲
حسینی تنکابنی، فخرالدین، ۳۸۵
حسینی، نورالدین، آیت‌الله، ۳۹
حسینی شاهرودی، محمد، آیت‌الله، ۵۹
حسینی شهرستانی، آیت‌الله، ۲۳/۱
حسینی شیرازی، محمد نصیر، ۳۰۷
حسینی طبرسی، جعفر، ۱۸
حسینی، علی آقا، ۶۰۸
حسینی فراهانی، ابوالحسن، ۲۶۲
حسینی، قاسم، ۲۵۸
حسینی مرعشی شهرستانی، میرزا علی، ۷۰
حشمت‌الممالک، احمد علی، ۳۴۵
حفیدزاده، شیخ لطیف، ۱۹۱
حقانی تهرانی، غلامحسین، ۷۵
حقوقی، محمد، ۲۳۸
حقیقت، عبدالرفیع، ۵۵، ۱۳۶
حقیقی، محمدرضا، ۱۶۵
حکمت اربیلی، علی، ۸
حکمت، علی اصغر، ۱۷۶، ۲۶۶، ۳۲۷، ۳۵۴
حکمت، موسی، ۴۷۳
حکمت، ناظم، ۲۳۲
حکمی قمی، مهدی، آیت‌الله، ۷۰
حکمی یزدی، شیخ علی اکبر، ۱۳
حکیم، آیت‌الله، ۲۰، ۵۹، ۶۷، ۸۳
حکیم، اسداله، ۳۰۱
حکیم‌الهی، ابوالقاسم، ۳۲
حکیم‌الهی، آقا بزرگ، ۶۲
حکیم، عبدالصاحب، ۲۳/۱
حکیم، محسن، آیت‌الله العظمی، ۴/۱، ۴/۲، ۴۱/۱، ۵۷/۱، ۸۱/۱
حکیم، علی، ۲۹۳
حکیم، علی اصغر، ۴۸
حکیم قزوینی، ابوالحسن، ۱۳
حکیم، محمد، ۳۰۱

حکیم همدانی، ۲۴۳
حکیمی، ابراهیم، ۳۸۳
حکیم یزدی، علی اکبر، ۵۷
حکیمی، محمد رضا، ۲۰۹
حلی، آیت‌الله شیخ حسین، ۴۱/۱
حلی، حسن، علامه، ۲۰، ۴۶، ۵۹، ۲۵۸
حمامی، حسن، ۲۰
حمزه، نیره، ۴۷۰
حمیداله، محمد، ۳۷۴
حمیدی، جواد، ۵۵۵
حمیدی شیرازی، مهدی، ۲۰۲
حنانه، مرتضی، ۵۱۴
حیات، محمد حسین، ۶۳
حیدر، آیت‌الله، ۱۸
حیدریان، علی محمد، ۵۳۱، ۵۹۷
خاتمی، مهدی، ۴۷۰
خاتون‌آبادی، محمد صادق، آیت‌الله، ۳۰۱، ۱۷، ۴۶
خاچیک (تار ساز)، ۵۴۵
خادمی، حسین، ۴۰۵
خازنی، عبدالرحمن، ۲۶۲
خاقانی شروانی، ۱۵۹
خاقانی، ۱۱۱
خاقانی، شیخ عبدالمنعم، ۳۰
خاکساری، محمد علی، ۳۳۰/۱
خالدی، مهدی، ۱۴۴، ۵۱۲، ۵۴۷
خالصی‌زاده، ۲۷۸
خالصی، شیخ مهدی، آیت‌الله، ۷۰
خالقی، روح‌الله، ۵۱۵، ۵۱۵، ۵۱۹، ۵۲۴، ۵۵۷، ۵۷۴، ۶۳۱، ۶۴۵
خامنه‌ای، علی، آیت‌الله، ۱۱، ۷۵، ۸۸، ۳۳۸
خان ملک ساسانی، احمد، ۶۴۹
خانلری، میرزا ابوالحسن‌خان، ۲۸۴
خاننس، گالوست، ۲۳۸
خانی، احمد، ۱۹۱
خاوری کاشانی، احمد بن هاشم، ۴۵۲
ختایی تبریزی، شیخ علی اصغر، ۷۰
خدایی، علی، ۲۸۳
خدوری، مجید، ۳۶۴، ۳۷۴
خرازی، آیت‌الله، ۸۶/۳
خراسانی، آقا بزرگ، ۴۶
خراسانی، آقا شیخ محمد، ۲۴۳
خراسانی، آیت‌الله، ۶۲، ۷۸
خراسانی، حسن وحید، آیت‌الله، ۴۵
خراسانی، محمد رضا، آیت‌الله، ۴۰۵
خراسانی، محمد، ۳۰۱
خراسانی، محمد حکیم، ۴۰۹
خراسانی، محمد کاظم، ۱۵
خراسانی، مرتضی، آیت‌الله، ۵۸
خرم‌آبادی نجفی، محمد کاظم، ۷۰
خرمشاهی، بهاءالدین، ۴۱۱
خروش، کیخسرو، ۵۵۵
خزائلی، محمد، ۱۶۳، ۱۷۶
خزعلی، ابوالقاسم، آیت‌الله، ۴۵
خسروانی، شهاب، ۱۱۶
خسروشاهی، هادی، ۳۷۴
خسروی، باقر، ۶۱۳
خشکنابی، میرزا آقا، ۱۹۷
خطیب رهبر، خلیل، ۲۸۵
خلخالی، بسیج، ۵۱۱، ۵۳۹
خلخالی، علی آقا، آیت‌الله، ۱۸
خلیفه، عبدالحکیم، ۲۸۳
خلیلی، خلیل‌الله، ۱۱۱
خلیلی، عباس، ۷۰
خلیلی‌فر، حسین، ۳۴۹
خمینی، امام روح‌الله، آیت‌الله، ۴/۱، ۸/۱، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۶/۱، ۱۷، ۲۱، ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۵۱، ۵۹، ۵۹، ۶۷، ۷۳، ۷۵، ۷۵، ۷۷، ۷۷، ۸۱/۱، ۸۶/۲، ۸۸، ۱۱۱، ۳۲۱، ۳۳۸، ۳۶۷
خمینی، مصطفی، آیت‌الله، ۱۳
خنجی، فضل‌الله بن روزبهان، ۳۷۲
خواجه نظام‌الملک، ۴۳۴
خوارزمشاه، جلال‌الدین، ۲۸۵
خوارزمی، شهیندخت، ۳۱۴
خوارزمی، محمد بن موسی، ۱۵۵
خوارزمی، مؤیدالدین محمد، ۱۵۵
خوافی، مجدالدین، ۱۵۵
خوانساری، آقا جمال، ۴۳۷
خوانساری، آیت‌الله، ۱۳
خوانساری، جمال‌الدین محمد، ۲۵۸
خوانساری، ابوتراب، آیت‌الله، ۵۷/۱، ۶۴، ۷۴، ۶۵۶
خوانساری، احمد، ۴۱/۲، ۵۸/۱
خوانساری، علی‌اکبر، آیت‌الله، ۷۸
خوانساری، محمد تقی، آیت‌الله، ۳، ۵، ۶، ۱۰، ۱۶، ۲۲، ۵۲، ۵۴، ۵۷، ۶۷، ۷۳، ۸۲، ۳۶۷، ۴۲۰، ۴/۱، ۱۴/۱، ۴۱/۲، ۶۶/۱، ۵۲/۱، ۵۸/۱، ۸۶/۳
خوانساری، موسی، ۳۲
خوانساری، میرزا محمود، ۴۹۷
خوتسیف، سرژ، ۵۸۱
خورموجی، محمد جعفر، ۱۵۵
خوروش، فخری، ۵۶۰
خورون، موسی، ۱۶۳
خوشنویس باشی، میر حسین، ۵۱۶
خوشنویس پاکنهاد، غلامرضا، ۶۰۸
خوشنویس تبریزی، میرزا طاهر، ۷
خویی، ابوالقاسم، آیت‌الله العظمی، ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۶، ۵۹، ۶۷، ۴/۱، ۴/۲، ۴۱/۱، ۵۸/۱، ۷۲/۱
خیام، ۴۱۶، ۴۵۵
خیرآبادی، عباس، ۳۰۴
خیرخواه، حسین، ۵۲۰
دادبه، اصغر، ۲۶۴
داروگر، سهراب، ۴۶۶
داروین، چارلز، ۳۹۱
داروین، لئونارد، ۳۴۱
داریگل، ژان لوک، ۳۶۸/۱
داستایوسکی، فئودر، ۹۳، ۲۴۷، ۲۵۷، ۲۶۷، ۲۹۳
دامغانی، محمدرضا، ۴۴۰
داناسرشت، علی‌اکبر، ۴۵۱

دانته، ۴۶۶
دانش‌پژوه، محمد تقی، ۳۹۹، ۴۳۸
داور، ۲۷۰
داوری، بهرام، ۲۵۱
دبره، رژی، ۳۴۸
دبور، ۳۹۱
دبیرسیاقی، محمد، ۳۰۸
درتیلر، جی، ۲۷۹
درچه‌ای، آقا محمد، ۷۷/۱
درچه‌ای، محمد باقر، ۳۰۱
درچه‌ای، مهدی، ۳۰۱، ۶
درخشی، علی، ۵۵۱
درگاهی، ارسلان، ۵۳۶، ۶۶۰
درم‌بخش، کیومرث، ۶۰۹
درودی، علی، ۴۹۲، ۵۱۱، ۶۵۸
درویش، غلامحسین، ۵۶۴، ۵۹۸، ۶۴۰، ۶۶۰، ۶۶۳
دریابیگی، علی، ۵۱۳، ۶۳۲، ۶۴۹، ۶۶۱
دری اصفهانی، شیخ ضیاءالدین، ۱۱۶، ۲۹۳، ۴۳۸
دستگردی، محمد حسین وحید، ۱۰۷، ۱۱۶، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۲
دسیکا، ویتوریو، ۵۸۰
دشتی، حسن، ۱۹۳
دشتی، علی، ۱۲۹
دفو، دانیل، ۲۲۹
دمورگان، ژاک، ۴۳۱
دنبلی، عبدالرزاق، ۱۵۹
دِو، آشوت اصلان، ۲۳۸
دوامی، عبدالله، ۵۴۷، ۶۲۱
دوپورتاس، گی، ۳۳۰
دوترای، پرنسون، ۳۹۰
دوتشر، ایزاک، ۲۷۹
دوراس، آلن رنه مارگریت، ۲۱۳
دورانت، ویل، ۱۲۵، ۳۶۷، ۴۱۱
دو سیتالت، ژاک کازانووا، ۲۷۹
دوکاسترو، فررایرا، ۲۸۳
دوکبرا، موریس، ۲۷۹
دوکرواسه، فرانسیس، ۳۹۹
دوکوتزبوئه، موریس، ۲۹۸
دوکولانژ، فوستل، ۴۲۱
دولاسکاز، کنت، ۲۶۷
دولانگل، پل فلوریو، ۱۴۴
دولت‌آبادی، حسام‌الدین، ۵۳۶
دولت‌آبادی، عزیز، ۲۴۰
دولت‌آبادی، یحیی، ۳۹۴
دولند، دولیه، ۳۹۹
دو لیل، لکنت، ۲۸۴
دوما، الکساندر، ۲۷۹
دوما، روبر، ۲۷۹
دومناش (پرفسور)، ۲۲۹
دوموپاسان، گی، ۲۸۴، ۴۱۱
دوودنوا، هانری، ۵۴۱
دویچر، ایزاک، ۳۶۶
دهقان، اکبر، ۵۷۳
دهکردی، ابوالقاسم، ۷۴، ۸۱/۲
دهگان، ابراهیم، ۱۶۳
دهگان، کمال، ۶۳۴
دهلوی، حسین، ۵۰۵
دیبه‌گه‌یی، ملاصالح، ۴۴۵
دیچز، دیوید، ۳۰۸
دیکنز، چارلز، ۲۲۸، ۲۶۷
دیماند، م. س.، ۴۱۸
دینالد، کنستین، ۱۵۳
دیولافوا، ۲۲۹
دیهیم، مهین، ۵۰۲
ذره، ابوالقاسم، ۱۸۵
ذکایی بیضایی، نعمت‌الله، ۲۸۱
ذکاءالملک، فروغی، ۳۰۵
ذکاء، یحیی، ۳۵۴
ذوالریاستین، شاهرخ، ۵۷۰
ذوالفقار علی، ۱۵۹
ذوالقدر، حبیب‌الله، ۲۰۲
رئیس فیروز، مهدی، ۵۲۹، ۶۱۴
رابرتس، جی.ام.، ۳۶۶
رابینو، هل.، ۴۳۶، ۴۵۷، ۴۸۷
رادفی، والتر، ۳۶۶
رازی، شیخ منتجب‌الدین، ۲۵۸
راسل، برتراند، ۲۶۷، ۴۷۰، ۳۲۵، ۳۸۷، ۳۹۱
راسین، ژان، ۹۶
راگون، میشل، ۵۴۹
رامبراند، هارمنسزون وان رین، ۵۵۵
راوندی کاشانی، فضل‌الله، ۲۵۸
راید، ماکسول، ۴۷۳
راین، نلیوس، ۲۶۷
رجالی، میرزا اسدالله، ۶۱۵
رجایی، احمد علی، ۳۸۹
رجایی، محمد علی، ۱۱، ۴۴۹
رجبی، بهمن، ۵۰۶
رحیمی، غلامحسین، ۷۵
رزم‌آرا، حاجیعلی، ۳۳۱، ۴۵۳
رسایی، ضیاءالدین، ۵۱۵، ۵۵۷
رستگار، محمد رحیم، ۱۲۴
رشتی، شیخ جعفر، ۲۳/۱
رشتی، شیخ شعبان، آیت‌الله، ۸۲/۱
رشتی، شیخ عبدالحسین، آیت‌الله، ۸۲/۱، ۴/۲، ۸۱/۱
رشتی، شیخ عبدالحمید، ۷۰
رشتی، عبدالحسین، آیت‌الله، ۵۶، ۵۹، ۶۴، ۷۰
رشتی، علی، ۱۵۸
رشتی، عماد، آیت‌الله، ۲۶
رشید وطواط، ۳۷۱
رضاخان، ۴/۲، ۱۳، ۱۷، ۳۷، ۳۹، ۴۸، ۵۹، ۶۰، ۷۰، ۱۱۶، ۱۳۳، ۱۶۱، ۲۵۸، ۳۵۱، ۳۶۴، ۴۰۶، ۶۳۹
رضانژاد، غلامحسین، ۱۳۶
رضوانی، فصیح الزمان، ۲۹۳
رضوانی، محمد اسماعیل، ۲۲۹
رضوی، محمد باقر، ۲۶۲
رضی تبریزی، میرزا، ۵۲/۱
رفاعی، شافعی بغدادی، ابراهیم، ۷۰
رفاییل، نصرالله، ۴۹۸
رفعت، تقی، ۳۱۰

رفیعی، داریوش، ۵۲۴
رفیعی، شکرالله، ۶۴۳
رکنی، امیر بابک، ۵۰۶
رمارک، ۲۵۳
رنوار، پیر آگوست، ۵۵۵
رنولت، ماری، ۱۴۴
روانبخش، ۵۵۷
روبلس، مانوئل، ۳۳۷
روح‌افزا، سلیمان، ۱۲۳
روح‌القدس، هادی، ۱۴۱
روحانی قمی، ابوالقاسم، آیت‌الله، ۸۶/۳
رودکی، ۳۰۱
روزبه، رضا، ۴۴۹
روژر، ژوزه، ۵۷۱/۱
روس، شارل، ۳۴۵
روسو، ژان ژاک، ۲۶۷
روشن‌ضمیر، مهدی، ۲۰۵
روشن، محمد، ۲۸۴
روضاتی، محمد علی (حجةالاسلام)، ۴۵۰
روکاچ، لیویا، ۳۴۸
رولان، رومن، ۲۲۲، ۲۶۳، ۳۳۰، ۴۱۱
رومی، جلال‌الدین، ۳۳
رهبری، حمید، ۵۱۱
رهبری، علی، ۵۳۸
رهنما، هادی، ۴۸۲
ریاضی، ابراهیم، آیت‌الله، ۴۱
ریتر، هلموت، ۳۶۷
ریلکه، راینر ماریا، ۲۲۲، ۲۸۴
زاکو، میشل، ۳۹۰
زاویه، محمد علی، ۵۹۶
زاهد، عطاءالله، ۶۱۴
زاهد قمی، شیخ علی، آیت‌الله، ۸۲/۱
زاهدی، علی، ۵۱۲، ۵۵۷
زاهدی، فضل‌الله، ۱۲۴
زرآبادی، موسی، ۳۴۰
زردویی، ملا فیض‌الله، ۳۳
زرگرباشی، محمد علی خان، ۵۹۱
زرگر، غلامحسین، ۳۲
زریاب‌خوبی، عباس، ۳۵۴
زرین‌پنجه، یحیی، ۱۳۷، ۵۷۴
زرین خط تهرانی، حسن، ۶۵۶
زرین دست، محمد، ۵۶۰
زکی، محمد حسین، ۴۳
زللر، آرتور شنیت، ۲۷۹
زمانی، مصطفی، حجت‌الاسلام، ۷۵
زمیر، م.، ۳۴۱
زنجانی، باقر، آیت‌الله، ۴/۲، ۳۰، ۵۹
زنجانی، شیخ اسدالله، ۵۷/۱
زندپور، ایرج، ۱۰۸
زنده‌پور، ابراهیم، ۳۸۵
زندی‌نژاد، رضا، ۵۷۱
زواره‌ای، مهدی، ۵۳۲
زوایک، استفان، ۲۶۷، ۲۷۹
زولا، امیل، ۲۲۲
زیدان، جرجی، ۱۵۲، ۴۳، ۳۱۱
زیدری، شهاب الدین محمد، ۳۰۳
زیدری نسوی، ذوالبیانین نورالدین محمد، ۲۸۵
زیدی لطیفی، حسین، ۶۰۵
زین‌الدین (شهید ثانی)، ۲۵۸
زین‌العابدین (ع)، امام، ۳۱۳
ژاگو، پل ب.، ۴۵۵، ۳۶۸/۱
ژانه، پیر، ۲۴۳
ژید، آندره، ۴۷۰، ۴۴۸
ساتریس، دورتی، ۲۷۹
ساتن، الول، ۱۶۱
سادات ناصری، حسن، ۱۵۲، ۲۸۱
سارتر، ژان پل، ۱۱۱، ۲۱۳، ۳۹۰
سارنگ، غلامرضاخان، ۵۳۶
ساعت‌ساز، زین‌العابدین، ۵۱۶
ساعت‌ساز، میرزا حسن، ۵۳۶
ساعد مراغه‌ای، محمد، ۳۸۳
ساعدی، غلامحسین، ۵۴۱
ساگر، سردار، ۶۱۴
سالار معزز، غلامرضا خان (امیرپنجه)، ۶۲۶
سامی، علی، ۱۵۲، ۴۴۱
سامی، کاظم، ۳۶۶
ساندرز، ج.ج.، ۱۴۴
ساوجی، جمال‌الدین، ۳۶۸
سبرون، ژیلبر، ۳۰۸
سبزواری، عبدالعلی، آیت‌الله، ۵۶
سبزواری، محمدحسین، ۱۴۲، ۲۲۷
سبزواری، ملا هادی، ۵، ۱۸، ۷۳
سپنتا، عبدالحسین، ۵۶۱، ۶۳۰
سپهری، سهراب، ۲۹۹، ۵۳۹
ستارخان (سردار ملی)، ۱۹۷
ستوده، آیت‌الله، ۴۱، ۴۲
ستوده، منوچهر، ۳۵۴
ستیس، ت.، ۴۱۱
سجادی تهرانی، حجةالاسلام یحیی، ۷۸
سحابی، عزت‌الله، ۱۱، ۵۴
سدهی اصفهانی نجفی، شیخ محمدحسین، ۷۰
سرابی، مصطفی، ۱۸۲
سرخوش، ابراهیم، ۵۶۸/۱
سردار کابلی، حیدر قلی، ۵۴، ۱۳۹، ۲۴۷/۱
سرشار، محمود، ۴۲۴
سرفراز، ناهید، ۶۳۱
سرکشیک، محمدرضا، ۲۴۴
سروانتس، ۲۷۹
سروشیان، جمشید سروش، ۳۷۲
سسمون، آنتونی، ۲۷۹
سعادت، اسماعیل، ۴۳۳
سعدی، ۲۶۳، ۳۳، ۵۱۲، ۵۳۶، ۵۳۹، ۵۹۷
سقراط، ۳۲۹
سلا، کاملیو خوسه، ۲۲۲
سلحشور، کوروس، ۵۴۱
سلطان‌العلماء اراکی، محمد، ۵
سلطانی، آیت‌الله، ۴۵
سلطانی طباطبایی، آیت‌الله، ۸/۱، ۱۶/۱

سلطانی، محمد علی، ۲۴۷/۱
سلیمی، خسرو، ۱۷۵
سلین، لویی فردینان، ۲۲۲
سماعی، حبیب، ۵۱۹، ۵۴۴، ۵۵۷، ۶۱۷، ۶۵۵/۱
سمپسون، آنتونی، ۳۴۸
سمندریان، حمید، ۶۱۳
سمیعی، غلامرضا (کیوان)، ۱۳۹، ۲۰۹
سنایی (حکیم)، ۲۶۲
سنجری، حسین، ۵۶۸/۱، ۵۷۴، ۶۶۰
سن، کریستین، ۱۹۰
سنگلجی، شریعت، ۲۶۹
سنگلجی، شیخ محمد، ۳۲۵
سنگلجی، محمد مهدی، ۲۶۹
سنندجی، میرزا عبدالله، ۱۵۹
سوئیزی، پل، ۳۴۸
سوردی، آلبرتو، ۵۸۰
سوفوکل، ۳۷۶
سولتی‌کف دیمیتریویچ، الکسیس، ۳۹۹
سون، هوچین، ۲۷۹
سه تارساز، جلال، ۵۴۵، ۶۰۶
سهروردی، شهاب‌الدین، ۲۲۱
سهیلی، علی، ۳۸۳
سهیلی، محسن، ۶۴۹
سیاح، فاطمه، ۲۴۷
سیاسی، علی اکبر، ۲۶۶
سیبویه، شیخ علی‌اکبر، ۲۳/۱
سید عبدالعزیز (شیخ‌الاسلام کردستان)، ۶۶
سید علوی، ابراهیم، ۷۵
سید منصور، ۲۸۵
سیستانی، ملک شاه حسین، ۳۷۲
سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی، ۲۵۸
سیف‌الدین، کرمانشاهی، ۶۳۰
سیف، ناصر، ۵۱۵
سیف، هادی، ۵۹۷
سیفی قزوینی، محمد حسین، ۵۱۶، ۶۲۰
سیمنون، ژرژ، ۴۵۵
سیمونز، اریک ن.، ۱۴۴
سینایی، خسرو، ۶۰۹
شاپوری، عباس، ۶۱۶
شارپ، رالف نارمن، ۳۶۹
شارتریس، لسلی، ۲۷۹
شارتیه، ژان، ۳۶۸/۱
شارل، ایو جی.، ۳۶۸/۱
شاطر حاجی، حبیب، ۵۳۶
شاک، پل، ۲۷۹
شاکری، باقر، ۲۴۷/۱
شالچیان، محمدرضا، ۳۳۰/۱
شالیان، ژرار، ۳۶۶
شاملو، احمد، ۲۳۸
شاو، جرج برناد، ۴۱۰۱
شاه‌آبادی، محمد علی، ۱۳
شاه‌آبادی، محمد علی، آیت‌الله، ۴، ۱۳، ۴۱/۲، ۵۲/۱، ۵۷، ۲۴۷/۱، ۴۲۰
شاه‌جانی، ۵۶۲
شاهچراغی، حسن، ۴۴۹
شاهرخ، افلاطون، ۶۳۰
شاهرخ، رمضان، ۵۴۵
شاهرخی، محمود، ۲۱۲
شاهرودی، عباسعلی، آیت‌الله، ۵۸/۱، ۸۱/۱
شاهرودی، افتخارالحکماء، ۹۷
شاهرودی، محمود، آیت‌الله، ۶، ۲۰، ۴۰، ۶۵، ۷۹
شاهی، قربانخواهی، ۵۳۶
شایگان، داریوش، ۴۱۷
شبیری زنجانی، آیت‌الله، ۱۶/۱
شجاع‌زاده، خسرو، ۵۶۰
شجریان، محمد رضا، ۵۲۶، ۵۹۴
شدر، ه. ه.، ۴۴۸
شرف‌الدین، عبدالحسین، ۵۲/۱
شرفشاه، ۲۸۸
شروان، امیر، ۵۵۱
شرودینگر، ۴۷۰
شریعتمداری، کاظم، آیت‌الله، ۲۰، ۲۹۷
شریعتمداری، محمد تقی، ۴۳
شریعتی، علی، ۴۳، ۷۷، ۱۹۱
شریعتی، قربانعلی، ۴۳
شریعتی، محمد تقی، ۳۵۰
شریف رضی، محمد بن حسن، ۳۷۱
شریف‌زاده، هوشنگ، ۴۳۳
شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد بن شیخعلی، ۲۵۸
شریف، ملاحبیب‌الله، آیت‌الله، ۶۸
شعرانی، ابوالحسن، آیت‌الله، ۲۸۵، ۳۹۷
شفتی، حجةالاسلام، ۴۵۰
شکارچی، علی‌اکبر، ۵۱۹
شکری ادیب‌السلطنه، ۵۳۶
شکسپیر، ویلیام، ۱۵۲، ۲۲۸، ۲۸۴، ۴۵۴
شکوئی قفقازی، شیخ شمس‌الدین، ۷۰
شلتوت، شیخ محمود(مفتی اهل سنت)، ۶۰
شلی‌خانه‌ای، ملا عزیز، ۴۴۵
شمیم، علی‌اصغر، ۳۲۸، ۴۲۱
شوایتزر، آلبرت، ۳۲۲
شوستر، مورگان، ۳۵۶
شوشتری، حسن، ۳۳۱
شوشتری، علی آقا، ۷۰، ۵۱۶
شوشتری، قاضی نورالله، ۲۵۸، ۴۳۴
شونمان (مسیو)، ۵۹۷/۱
شهاب، صادق، ۵۳۶
شهابی، محمد، ۳۶۳
شهابی، میرزا محمود، ۳۲۵، ۴۳۸
شهپر، غلامعلی، ۵۹۴
شهردار، سیروس، ۵۵۴
شهرستانی، حجت‌الاسلام زین‌العابدین، ۲۳/۱

شهرستانی، محمد حسین، ۵۷
شهرستانی، هبةالدین، ۷۰
شهریار، محمد حسین، ۱۳۰
شهریکندی، ملا علی، ۴۷
شهناز، جلیل، ۵۳۶، ۵۴۵
شهناز، حسین‌خان، ۵۳۶
شهناز، شعبان خان، ۵۳۶
شهناز، علی‌خان، ۵۳۶
شهنازی، عبدالحسین، ۵۴۷، ۵۵۷
شهنازی، علی اکبر، ۱۲۳، ۵۵۷، ۵۷۴، ۵۹۴
شهنازی، یعقوب، ۵۰۹/۱
شهنواز، همایون، ۵۰۰
شهنیا، ۵۵۴
شهیدی، جعفر، ۲۱۶
شهیدی، کاظم، ۶۴۹
شهیدی، میرزا احمد، ۷۷/۱
شیبانی، جمشید، ۱۴۴، ۶۰۷
شیثی، جعفر، ۵
شیخ اشراق، ۳۴۶
شیخ‌الاسلام، جعفر، ۷۵
شیخ‌الاسلام، محمد تقی، حجت‌الاسلام، ۴۸
شیخ‌الاسلامی، جواد، ۲۲۸
شیخ بهایی، ۴۳۸
شیخ شوشتری، محمد کاظم، آیت‌الله، ۳
شیخ طوسی، ۶۰
شیخ عبدالرسول، ۱۵
شیخ عبدالغنی، ۶۰
شیخ محمود، ۵۳
شیخی، ملا شیخ حسن، ۴۷
شیدا، عباس، ۱۵۶
شیرازی، آیت‌الله، ۵۴، ۸۸
شیرازی، احمد، ۵۷۳، ۶۱۴
شیرازی، حسن، ۲۳/۱
شیرازی، عبدالهادی، آیت‌الله، ۴/۱، ۴/۲، ۶، ۲۰، ۵۶، ۶۷، ۸۱/۱، ۸۳
شیرازی، محمد، آیت‌الله، ۴۵۰
شیرازی، شیخ محمد حسین، آیت‌الله، ۷۰
شیرازی، علی‌آقا، ۲۸
شیرازی، علی اکبر، ۶۴۰
شیرازی، قطب‌الدین، ۴۳۸
شیرازی، محمد تقی، ۴۴۳
شیرازی، محمد کاظم، آیت‌الله، ۳، ۷، ۳۲، ۶۳
شیرازی، میرزا محمود، ۷۰
شیرازی، میرزا مهدی، ۲۳/۱
شیروانی، حسن، ۵۵۴
شیسل، جون، ۳۲۲
شیشکین، ۵۵۵
شی‌یر، ادوار، ۱۵۲
صائب تبریزی، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۴
صاحب ابن عباد، ۴۳۴
صادقپور، ۵۳۸
صادق، ملا، ۴۵
صادقی، بهرام، ۲۸۳
صادقی، میرمحمد، ۴۵۰
صالح، علی پاشا، ۴۱۸
صالحی سمنانی، عبدالله، ۱۱۱
صالحی کرمانی، ۲۲
صبا، ابوالحسن، ۵۰۹/۱، ۵۱۲، ۵۳۶، ۵۴۴، ۵۵۷، ۵۵۷، ۵۶۲، ۵۶۸/۱، ۵۹۴، ۶۱۰، ۶۱۶، ۶۳۴، ۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۵، ۶۵۵/۱
صباحی، صمد، ۵۲۰
صبا، علی اکبر، ۲۴۰
صباغزاده، مهدی، ۵۵۱
صحفی، محمد، ۲۷۹
صدرالاشرف، یوسف، ۴۳۱
صدر، حسن، آیت‌الله، ۶، ۱۳، ۴۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۹، ۶۴، ۷۰، ۷۳
صدر، رضا، آیت‌الله، ۸۸
صدر، محمد باقر، ۲۳/۱
صدر موسوی، صدرالدین، آیت‌الله، ۴/۱، ۱۴/۱، ۴۱/۲، ۵۸/۱، ۵۹
صدر، موسی، ۳۳۸
صدر هاشمی، محمد، ۶۱۵
صدرالدین، شرف‌الدین، ۳۷۴
صدقیانی، محمد تقی (امیر)، ۳۰۸
صدقی، ملا صدیق، ۴۷
صدوقی، محمد، آیت‌الله، ۸۸
صدیقی، ملا صدیق، ۴۴۵
صفا، ذبیح‌الله، ۲۸۴، ۴۰۲
صفا، رحمت الله، ۶۳۱
صفایی، احمد حسین، آیت‌الله، ۵۲/۱
صفایی خوانساری، مصطفی، آیت‌الله، ۴۵۰
صفایی فراهانی، علی اکبر، ۵۸۸
صفایی، علی محمد، ۵۴۵
صفایی، میرزا احمد، ۲۹۷
صفوت، داریوش، ۱۲۳
صفوی، حسن، ۲۴۷/۱
صفوی، شکرالله، ۳۳۵
صفی‌الدین ارموی، عبدالمؤمن بن یوسف، ۱۲۳
صفیر، محمد علی، ۳۰۵
صلح‌خواه، رحیم، ۱۵۸
صمصام الملک (مصطفی قلی بیات)، ۶۶۳
صنعت، جعفر، ۵۴۵
صنعت، عباس، ۵۴۵
صنیع همایون، میرزا حسین، ۵۰۸
صوتی، حسین، ۵۰۹/۱
صورتگر، لطفعلی، ۲۵۹
صوفی، عبدالرحمن، ۴۵۱
صهبا، ابراهیم، ۲۵۱
ضرابی کاشانی، ملوک، ۶۶۰
ضوابطی، مهدی، ۵۷۱/۱
ضیاء، ۵۴۵
ضیاءالدینی، احمد، ۲۱۰
ضیاءبری، ۸۱/۱
طارمی، مهدی، ۷۵
طالبوف، عبدالرحیم، ۹۷، ۴۰۷
طالقانی، محمود، آیت‌الله، ۴۳، ۹۹، ۳۳۸

طالقانی، علی اصغر، ۵۱۶
طالقانی، مرتضی، آیت‌الله، ۲۱، ۶۰، ۶۴، ۷۰، ۸۲/۱، ۸۶/۳
طاهرزاده اصفهانی، حسین، ۵۳۶
طاهر قزوینی، محمد، ۱۶۳
طاهر قمی، مولی محمد، ۲۵۸
طاهری، عماد، ۶۰۸
طباطبایی، بی‌بی شرف بیگم، ۷۰
طباطبایی تبریزی، محمد جواد، آیت‌الله، ۵۹
طباطبایی حکیم، محسن، آیت‌الله، ۵۹
طباطبایی، ضیاءالدین، ۱۸۵
طباطبایی، محمد حسین، علامه، ۸/۱، ۱۱، ۱۶، ۵۹، ۸۶/۲، ۷۳، ۷۵، ۲۶۹
طباطبایی، غلامرضا، ۵۷۱/۱
طباطبایی یزدی، باقر، ۵۶
طباطبایی یزدی، جلیل، ۵۶
طباطبایی یزدی، علی، ۷۰
طبری، محب‌الدین، ۸۶/۳
طبری، محمد بن جریر، ۱۲۵
طبیب، میرزا ابوالقاسم، ۷۷/۱
طریان، ۵۲۰
طریقی، حبیب‌الله، ۵۹۹
طلایی، داریوش، ۵۶۴
طلوع، محمود، ۴۱۴
طنطاوی، ۳۱۱
طوسی، خواجه نصیرالدین، ۲۴۳، ۲۶۲، ۳۷۲، ۴۵۱
طهرانی، ابوالفضل، ۲۵۸
طهرانی، جلال‌الدین، ۴۵۱
ظهیرالدوله، ۴۲۲
ظهیرالدینی، محمود، ۵۲۰
ظهیرالهی، احسان، ۳۰
عارف قزوینی، ابوالقاسم، ۶۱۰، ۶۴۰، ۶۶۰
عارف، ملا، ۴۴۵
عاطفی، یدالله، ۱۳۹
عالم‌زاده، علی اکبر، ۴۸۰
عالم نجف‌آبادی، حسین، ۴۰۵
عالیمرد، امین، ۳۴۱
عامری، محمد علی، ۳۰۵، ۳۲۵
عاملی، شرف‌الدین، ۲۴۷/۱
عبادی، احمد، ۹۵، ۵۲۶، ۵۴۵
عباس میرزا، ۱۶۳
عبدالجلیل قزوینی رازی، ۲۵۸
عبدالحسین میرزا، ۳۱۱
عبدالرسولی، آقا شیخ علی، ۵۱۶
عبدالسلام، ۳۴۸
عبدالعزیز (ملا)، ۵۳
عبدالفتاح، فومنی، ۳۷۲
عبدالقادر، ملا، ۵۳
عبدالکریم بن محمد رافعی، ۲۵۸
عبدالکریم قاسم، ۱۹۱
عبداللهی، هرمز، ۱۷۵
عبدالمقصود، عبدالمفتاح، ۵۴
عبدالناصر، جمال، ۳۳۸
عبدالوهاب، ۲۵۸
عدل، حبیب، ۴۸۱
عُذاری، حسن، ۶۶۰
عراقی، ابوالقاسم، ۳۰۱
عراقی، بهاءالدین، ۶
عراقی، ضیاءالدین، آیت‌الله، ۲، ۴، ۷، ۲۳، ۲۶، ۳۲، ۳۴، ۴۴، ۴۹، ۵۷، ۶۳، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۸، ۸۱، ۸۲/۱، ۴۳۸، ۴۵۰، ۴۱/۲، ۵۲/۱، ۵۷/۱، ۶۶/۱، ۸۱/۱، ۸۱/۲
عراقی، عبدالنبی، آیت‌الله، ۵۹
عراقی، محمد علی، آیت‌الله، ۴۵۰
عراقی، نورالدین، حجت‌الاسلام، ۱۶۳
عرب باغی، حسین، آیت‌الله، ۲۵۸
عرب، علی، ۱۸، ۲۶
عرفان، عبدالحمید، ۳۴۶
عرفان، غلامعلی، ۵۴۱
عرفان، محمود، ۱۱۶
عرفانی، عبدالحمید، ۲۶۲
عرفی شیرازی، ۱۹۸
عزنوی، حسن، ۲۶۲
عسکری تهرانی، میرزا محمد، ۵۲/۱
عسگری، آقا بزرگ، ۲۴۷/۱
عسگریان، علی اصغر، ۵۰۰
عسگری، منوچهر، ۴۱۷
عشقی نوایی، محمد، ۵۴۵
عصار، محمد کاظم، ۷۰، ۴۵۰
عطاالملکی، محمد، ۵۰۹/۱
عطار نیشابوری، ۱۱۱، ۲۴۷، ۲۶۹، ۳۶۷، ۵۳۹
عطایی، ۳۵۲
عطرچی، عاطفه، ۳۳۰/۱
عقاد، عباس محمود، ۲۵۴
علاء، حسین، ۳۱۱
علم‌الدین فضل بن شاذان نیشابوری، ۲۵۸
علمدار، ۵۴۵
علوی، بزرگ، ۲۸۴
علوی، مرتضی، ۴/۲
علویهٔ هاشمیه، ۵۹
علی‌بابایی، احمد، ۵۴
علی بخش میرزا قاجار، ۲۵۸
علی، درودی، ۶۱۸
عمادالواعظین، احمد، ۴۰۹
عمید، موسی، ۲۶۲
عنایت، حمید، ۳۲۵، ۴۱۷
عندلیب، ۵۳۶
عندلیب‌زاده، ۷۰
عنقا (اویسی)، جلال‌الدین علی میرابوالفضل، ۲۲۱
عیسی بن جنید، ۲۹۵
عین‌القضاة، ۴۲۸
عینی، صدرالدین، ۳۷۵
غدیری، جلیل، ۵۱۳
غروی اصفهانی، میرزا مهدی، ۲۱
غروی، محمد حسین، آیت‌الله، ۲۳، ۲۶، ۳۲، ۸۲/۱

غریب، غلامحسین، ۵۵۴
غریقی صائغ، محمد مهدی، ۷۰
غزالی، امام محمد، ۱۵۵، ۱۶۱، ۳۰۱، ۳۴۶
غفاری، امیر سهام‌الدین، ۳۹۴
غفاریان، عبدالمحمود، ۵۹۷/۱
غفاری، محمد، ۱۸۷
غفرانی، جعفر، ۱۳
غفوری، مهدی، ۴۸۴
غیرت، عبدالکریم، ۲۴۶
فادایف، الکساندر، ۲۲۲
فارابی، ابونصر، ۱۵۵
فارستر، ۲۸۳
فاروقی، عمر، ۵۳
فاضل تونی، شیخ محمد حسین، ۲۶۶، ۴۵۰
فاضل، حسن، ۱۳
فاضل، حکمت، ۶۳۱
فاضل خوانساری، ملا محمد مهدی، آیت‌الله، ۴۱۲
فاضل نیشابوری، ۶۴
فاطمی، تقی، ۵۸۵
فاکنر، ویلیام، ۲۲۲
فانی اصفهانی، علی، آیت‌الله، ۵۶، ۴۵۰
فاوست، هاوارد، ۲۷۹
فتاحی، رحمت‌الله، ۳۳۰/۱
فتحی دزفولی، محمد علی، آیت‌الله، ۸۱/۲
فخار طوسی، جواد، ۱۶/۱
فخرالعلما، صالح، ملا، ۵۳
فخرالکتاب، باقر، ۶۶۴
فخر رازی، امام، ۴۶، ۳۷۱
فخرهراتی، ۵۳۹
فرارا، فرانکو، ۵۸۱
فرانتز، ویلی، ۲۷۹
فرانس، آناتول، ۲۸۶، ۲۸۶، ۳۵۳
فرانک، آندره گوندر، ۳۶۶
فرانکلین، بنجامین، ۳۳۰
فرای، ریچارد. ن.، ۴۳۳
فرج‌الله (استاد تارساز)، ۵۴۵
فرخ خراسانی، فرخ، ۹۷
فرخزاد، فروغ، ۲۳۸
فرخفال، رضا، ۲۸۳
فرخ، مهدی، ۱۵۵
فرخی، محمد، ۳۰۵
فردوسی، ۲۵۷، ۵۳۹، ۵۸۱
فرزاد، مسعود، ۲۸۴
فرزام‌پور، علی اکبر، ۲۵۷
فرزان، محمد، ۲۲۹
فرزانه، فریدون، ۵۵۴
فرساد، محمود، ۶۲۹
فرمانفرمائیان، منیر، ۵۵۵
فرمی (فیزیکدان)، ۴۷۰
فروتن‌راد، احمد، ۶۴۵
فروخ، عمر، ۱۵۵
فروزانفر، اشرف، ۴۲۶
فروزانفر، بدیع‌الزمان، ۱۷۶، ۲۶۶، ۲۶۹، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۲۵، ۳۶۳، ۳۸۹
فروغی، ابوالحسن، ۳۰۱
فروغی، محسن، ۵۹۳، ۵۹۷
فروغی، محمد علی، ۳۰۵
فروید، زیگموند، ۴۵۵
فره‌وشی، علی محمد، ۲۲۹
فرهی (شاهزاده)، ۳۲۵
فریار، عبدالله، ۳۲۷، ۴۴۱
فریشلر، کورت، ۲۷۹
فزونی، ۲۵۱
فسایی، حسن، ۲۸۰
فشارکی، محمد حسن، آیت‌الله، ۴۶
فشارکی، محمد حسین، آیت‌الله، ۶، ۷۴، ۷۷/۱، ۸۱/۲
فضلی بغدادی، محمد علی، ۶۵۶
فقیه اسدآبادی، محسن، ۱۴۱
فکری، غلامعلی، ۵۲۰
فکور، کریم، ۶۳۱
فلاح لیالستانی، حسینعلی، ۶۰۶/۱
فلسفی، نصرالله، ۲۶۶، ۳۲۸
فلمینگ، یان، ۲۸۳
فلوشر، پیر، ۳۶۸/۱
فور، ژرژ، ۳۶۸/۱
فوزی، ملا احمد، ۲۰۱
فونبور، ۲۷۹
فهری، احمد، ۱۴
فیاض، احمد، ۴۰۵
فیاض، علی اکبر، ۱۲۳
فیروزآبادی، محمد، حجت‌الاسلام، ۶۴
فیروز، نصرت‌الدوله، ۳۹۴
فیشر، هربرت، ۴۵۷
فیض قمی، میرزا محمد، ۴۱/۲، ۵۲/۱
فیض کاشانی، مولی محمد محسن، ۲۵۸
فیلد، هنری، ۴۱۸
فیوضات، ابوالقاسم، ۳۱۰
قاجار، احمد، ۱۵۹
قاجار، محمود میرزا، ۱۵۹
قاری، محمد جعفر، ۱۳۴
قاسم‌خانی، مهدی امیر، ۵۷۳
قاسم‌زاده، ۳۴۷
قاسم قلی، ۶۶۰
قاسمی، امیر، ۵۰۹/۱
قاضی، ابویوسف، ۸۶/۳
قاضی بیضاوی، ۴۲۸
قاضی زاهدی، آیت‌الله آقا رضا، ۵۸/۱
قاضی، علی، آیت‌الله، ۲۶، ۳۲، ۵۷/۱
قاضی طباطبایی، اسدالله، آیت‌الله، ۵۹
قاضی طباطبایی، علی‌نقی، ۶۶۴
قاضی طباطبایی، محمد باقر، آیت‌الله، ۵۹
قاضی طباطبایی، محمد علی، آیت‌الله، ۶۷
قاضی عسکر داورپناه، حسن، ۴۵۰
قاضی قضاعی، ۲۵۸

قاضی، ملا علیرضا، ۶۲۹
قاضیها، فاطمه، ۳۶۱
قاینی، شیخ عبدالرزاق، ۴/۲
قبانی، نزار، ۳۰۸
قدسی، محمدخان، ۲۳۴
قراثتی، محمد حسن، ۱۳۴
قراب، اسماعیل خان، ۵۳۶
قراگزلو، یحیی، ۶۲۰
قربانی، غلامرضا، ۵۴۵
قرسی، حسن، ۶۲
قریب، شاپور، ۶۱۴
قریب، عبدالعظیم، ۵۸۵
قزلجی ترجانی، ملا حسین، ۱۳۰
قزلجی ترجانی، ملا علی، ۱۳۰
قزلجی، ملا محمد، ۱۳۰
قزوینی، محمد باقر، ۴/۲، ۷۷/۱
قزوینی، هاشم، آیت‌الله، ۴/۱، ۲۳۴
قزوینی، عبدالرحمان، ۶۴
قزوینی، مجتبی، آیت‌الله، ۴/۱، ۸۸، ۳۴۰
قزوینی، محمد بن عبدالوهاب، ۲۶۲، ۲۶۹، ۳۰۵، ۴۳۴
قزوینی، محمد صالح بن محمد باقر، ۲۵۸
قزوینی، هاشم، آیت‌الله، ۲۱، ۴۳، ۸۶، ۴۴۹
قزوینی، یحیی بن عبداللطیف، ۴۰۷
قسطانیان، ۵۲۰
قشقایی، ۱۲۷
قطب‌الدین محمد، ۲۲۱
قلمدان‌ساز، محمد، ۵۰۱
قلی بیات، مرتضی، ۳۸۳
قمی، ابوالقاسم، ۶۲
قمی، حسین بن محمد، ۴۶، ۴۰۷
قمی، شیخ غلامعلی، ۷۰
قنبری، ابراهیم، ۵۴۵
قنبری، حمید، ۱۴۴، ۶۳۱
قندهاریان، اکبر، ۳۰۸
قوام (قوام‌السلطنه)، احمد، ۱۳۲، ۳۸۳، ۳۸۷
قوامی، حسین، ۵۱۴، ۵۴۲
قوامی، علی، ۶۱۷
قوچانی، ذبیح‌الله، ۵۶
قوللر آقاسی حسین، ۶۰۴
قویدل، امیر، ۵۶۵
قهاری، نظام‌الدین، ۳۶۶
قهرمان، غلامرضا، ۳۰۸
قهرمان، محمد، ۲۳۴
کاپر، ویلیام، ۲۲۸
کاپلستون، فردریک، ۳۲۵
کاتبی، علی، ۳۳۰
کاتلر، ژوزف، ۲۷۹
کار، آلفونس، ۳۷۶
کاراکاش، هایک، ۵۲۰
کارتنبرگ، یون، ۵۷۱/۱
کاردانکوس، هلن، ۳۸۲
کاری، جملی، ۲۴۰
کارل، آلکسیس، ۴۳
کارنگ، عبدالعلی، ۲۰۵
کارنگی، دیل، ۳۵۲
کاریر، ژان کلود، ۵۷۱/۱
کازان، الیا، ۱۷۷
کازرونی، اسماعیل، علامه، ۶۳
کاستالا، پی‌یر، ۶۶۳
کاشانی، ابوالقاسم، آیت‌الله، ۱۳۲، ۱۷، ۵۴، ۵۱۶
کاشانی، علی، ۱۳
کاشانی، عزیزالدین محمود، ۳۰۱
کاشانی، علی، آیت‌الله، ۸۸
کاشانی، محمد، ۳۰۱
کاشانی، محمدتقی، ۲۴۲
کاشانی، ملا فتح‌الله، ۴/۲
کاشتری، حبیب‌الله، ۳۳، ۶۶، ۳۴۶
کاشف‌الغطاء، شیخ احمد، ۷۰
کاشف الغطاء، محمد حسین، آیت‌الله، ۵۲/۱، ۵۹، ۵۹، ۷۰
کاشفی، کمال‌الدین حسین، ۲۵۸
کاشی‌تراش، حسین، ۴۹۲
کاظمینی، محمد علی، آیت‌الله، ۳۰، ۷۰
کالم، ماک، ۴۳۹
کالیداس، ۱۵۲
کامارالی، ۲۲۲
کامبون، ژول، ۴۵۷
کامو، آلبر، ۳۹۰، ۴۳۹
کاوسی، هوشنگ، ۶۱۴
کاوه، علی اکبر، ۶۰۸، ۶۶۷
کاویان، پرویز، ۹۷
کبیر، عبدالحسین، ۶۴
کتابی، بدرالدین، ۶۱۵
کدکنی، ملا احمد، ۱۱۶
کدکنی نیشابوری، هادی، آیت‌الله، ۴۲۰
کدی، نیکی، ۳۴۸
کراجکی، ابوالفتح محمد، ۲۵۸
کرباسی، جمال‌الدین، ۷۰
کرباسی، میرزا ابوالهدی، ۷۰
کرباسیون، عباس، ۴۹۸
کربلایی تبریزی، حافظ حسن، ۳۷۷
کربلایی، حسن، ۱۶۳
کُربَن، هانری، ۵۵، ۲۷۹، ۴۱۵
کردستانی، بدیع‌الزمان، ۱۷۶
کردستانی شافعی، شیخ عبدالسلام، ۷۰
کرمانشاهی، شیخ موسی، ۷۰
کرمانشاهی، محمد، آیت‌الله، ۵۲
کرمانشاهی، میرسیف‌الدین، ۵۲۰، ۵۶۱
کرمانشاهی، هادی، ۱۳۹
کرمانی، محمد کریم‌خان، ۶۵۱
کرمانی، محمد مصطفوی، ۷۵
کرمانی، ناظم‌الاسلام، ۳۷۵
کرم‌رضایی، رضا، ۶۱۳
کرن، جی.بی.، ۳۶۶
کرنی، پیر، ۹۶
کروپ، ۴۷۴
کروندی، محمد کاظم، ۳۰۱

کریستن سن، آرتور، ۱۳۱، ۲۸۴
کریستن، موریس، ۳۲۵
کریستی، آگاتا، ۲۷۹
کریم، محسن، آیت‌الله، ۴۰
کریم، شیخ ابوالقاسم ملا محمد، ۱۳
کریمی، عبدالله، ۴۲۸
کسایی، حسن، ۵۳۶، ۵۴۵، ۵۴۵
کسرائیان، نصراله، ۱۱۷
کسروی، احمد، ۴۳، ۶۴، ۳۱۰، ۴۰۶
کسروی، مصطفی، ۵۵۴
کسلی، هـ بله، ۱۷۷
کفایی، احمد، ۳۲
کلانتری، پرویز، ۵۵۵
کـلباسی، مـحمد رضـا، آیت‌الله، ۴۰۵، ۴۰۹، ۴۲۰
کلودل، پل، ۳۹۰
کلهر، رضا، ۶۵۲
کلیفورد، ماری، ۳۴۸
کمال‌الدین مـیثم بـن عـلی بـن مـیثم بحرانی، ۲۵۸
کـمال‌الملـک، ۱۸۷، ۱۹۷، ۲۹۸، ۵۳۱، ۵۳۹، ۵۵۵، ۵۸۳، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۵، ۶۵۵/۲
کمال، محمد تقی، ۵۱۶
کمره‌ای، خلیل، آیت‌الله، ۵۴، ۵۱۶
کمره‌ای، محمد باقر، آیت‌الله، ۴۵۰
کندال، لسترکر، ۳۳۴
کندی، پل، ۳۶۶
کندی، جان اف.، ۳۵۱
کنراد، جوزف، ۲۸۳
کنستانس، ۳۹۰
کن، هانس، ۴۵۷
کوئینتن، آنتونی، ۳۴۸
کوبون، شارل، ۲۸۴
کوبه، فرانسوا، ۲۸۴
کوشان، اسماعیل، ۵۱۳، ۶۴۸
کوکتو، ژان، ۳۹۹
کولینگریسج، و. هـ، ۳۹۰
کوندرا، میلان، ۲۸۳
کونل، ارنست، ۲۱۳
کوهپایه‌ای، صدرالدین، ۴۰۹
کوهستانی، شـیخ مـحمد، آیت‌الله، ۴۰، ۶۵
کویره، الکساندر، ۳۳۷
کویستلر، آرتور، ۳۶۶
که، نولد، ۳۶۷
کیادست، صادق، ۴۴۶
کیارستمی، عباس، ۵۰۰
کیاری، والتر، ۵۸۰
کیانوری، نورالدین، ۴۰۶
کیپلینگ، ردیار، ۲۲۸
کیم، جین، ۴۸۴
کیمیایی، مسعود، ۵۳۰
کینگ، فرانک، ۲۷۹
کیوان، مرتضی، ۳۴۱
گارده، لویی، ۲۶۷
گاسمن، ویتوریو، ۵۸۰
گاندی، ایندیرا، ۳۳۰
گاندی، مهاتما، ۳۳۰
گایت، ولاگور، ۳۹۰
گدار، آندره، ۵۹۷
گراهام، شرلی، ۴۱۸
گرجی، احمد، ۱۵۹
گرگور، اولریش، ۲۱۳
گرمرودی، عبدالفتاح، ۴۸۷
گروسه، رنه، ۳۸۲، ۴۱۶
گریبرگ، کارل، ۳۸۲
گریشمن، ۲۷۹، ۳۲۶
گرین، گراهام، ۲۸۳
گزنفون، ۲۶۷
گزی، عبدالکریم، آیت‌الله، ۷۸، ۳۰۱
گلپایگانی، آیت‌الله، ۲۹۷
گلپایگانی، آیت‌الله‌العظمی آخوند ملا زین‌العابدین، ۴/۲، ۵۸/۱
گلپایگانی، اکبر، ۵۰۶، ۶۲۶
گـلپایگانی، جـمال‌الدیـن، ۴/۲، ۳۲، ۵۸/۱، ۸۱/۱
گـلپایگانی، مـحمد رضـا، آیت‌الله، ۶، ۳۲/۱، ۴۲، ۵۹، ۵۹، ۶۷، ۷۵
گلپایگانی، شیخ محمد، ۱۳
گلچین معانی، احمد، ۲۵۱
گل خماش، ۶۳۱
گلدینگ، ویلیام، ۲۸۳
گلزادهٔ غفوری، علی، ۱۲
گلزاری، مسعود، ۱۳۹
گلستان، ابراهیم، ۶۴۴
گلستانه، ابوالحسن، ۲۶۲
گلشن، عبدالحمید، ۴۱۵
گلشن، میرزا اسماعیل، ۶۲۶
گلیمچر، سامنر، ۵۷۱/۱
گنابادی، رضا علیشاه، ۹۲
گنابادی، محمد پروین، ۳۸۹
گنجدلی، علی، ۳۳۰
گنجه‌ای، پریوش، ۵۹۲
گنجه‌ای، داود، ۵۱۱
گوبینو، ۲۸۶
گوته، ۳۷۶، ۳۹۰، ۴۲۱
گوران، ملا ولدخان، ۴۴۵
گورکی، ماکسیم، ۲۲۲
گوکلن، فرانسواز، ۳۶۸/۱
گوکلن، میشل، ۳۶۸/۱
گولدمان، رالف، ۲۷۹
گوهرین، صادق، ۲۴۸
گیبون، ادوارد، ۴۵۴
گیپ، الکساندر، ۳۶۸
گیزلینگ، جان س.، ۳۶۶
گیلانی، شیخ شعبان، ۸۱/۱
گیلانی، شیخ محمد حسین، ۹۸
گیلانی، عبدالرزاق، ۲۵۸
گیلانی، علی، ۳۷۲
گی، هانری، ۳۹۹
لئون، ۵۴۵
لارنس، دارل، ۲۸۳
لاریجانی، نعمت‌الله، ۷۰
لاسکوئر، ۵۵۵
لافون، پیر، ۲۷۹
لاک، جان، ۳۲۵

لامارتین، آلفونس دو، ۹۶، ۳۹۰
لام، چارلز، ۲۲۸
لانتیاک، ۲۷۹
لاندن، هرمان، ۲۷۹
لانگ، فرتیس، ۲۱۳
لانگنه‌لو، هانری، ۲۲۸
لاویس، ارنست، ۲۹۸
لاهجی، علی، ۳۷۲
لاهوری، اقبال، ۳۷۴
لاهیجانی، شمس‌الدین محمود، ۱۸۲
لاهیجی، شیخ محمد، ۲۴۷/۱
لاین، دیوید، ۲۷۹
لبلان، موریس، ۳۹۰، ۴۲۱
لتر، ژوزف، ۲۷۹
لرمانتف، ۹۳
لسکی، هرولد ج.، ۴۵۷
لک دیزجی، علی، ۲۴۰
لکهنی، علینقی بن ابوالحسن، ۵۷
لگندره، رنه، ۳۴۹
لندن، جک، ۲۵۷، ۴۱۱
لنکرانی، شیخ مجتبی، ۵۶
لوئیس، جان فردریک، ۳۷۸
لوبون، گوستاو، ۱۶۱، ۳۹۱، ۴۳۵
لوتی، پی‌یر، ۲۴۳
لوطی حسین، ۵۹۰
لومومبا، پاتریس، ۲۴۹
لونتوف، ۲۸۴
لونی، مارتین، ۳۴۸
لوونس، شارل، ۳۸۲
لیبرن، کیت، ۵۷۱/۱
لیپکم، جرج، ۴۱۸
لیچ، ادموند، ۴۱۱
لی، ف. ه.، ۴۳۹
لیمپتین، ژوزف، ۴۸۲
لیونگستن، ۲۷۹
مادام وی، ۲۸۴
مارشینا، جی.سی.، ۳۶۸/۱
مارکس، کارل، ۱۶، ۴۵۵
مارکوات، ژوزف، ۴۴۸
ماری، ژرژ، ۳۹۰
مازندرانی، آقا هادی، ۴۳۴
مازندرانی، مهدی، ۳۴
ماسه، هانری، ۲۶۷، ۳۰۸
مالکم، سرجان، ۳۸۵
مامقانی، شیخ عبدالله، آیت‌الله، ۷۰، ۸۱/۲، ۶۵۶
مان، توماس، ۲۷۹
مان، نرمان ل.، ۴۰۴
مایل تویسرکانی، ۱۶۱
مبصرالممالک کاشانی، میرزا حسن خان، ۳۲۷
مبینی، منصور، ۶۱۴
م. پ.، ادوارد، ۳۹۰
مترلینگ، موریس، ۲۷۹، ۳۹۰، ۶۴۵
متی، رودی، ۳۴۸
مجاهد تبریزی، آیت‌الله، ۷۵
مجاهدی، آیت‌الله، ۸/۱، ۱۶/۱، ۸۸
مجتهد (آیت‌اللهی)، یحیی، آیت‌الله، ۶۲۹
مجتهد خراسانی، حبیب‌الله، ۱۴۵
مجتهد شیرازی، محمد صادق، آیت‌الله، ۴۹، ۶۳
مجتهد کاشانی، حسین، ۱۰۷
مجتهد کجوری، شیخ عبدالنبی، ۱۰۷
مجتهد، ملا عبدالعظیم، ۳۳، ۵۳، ۶۶، ۶۹، ۳۴۶
مجتهدی، آیت‌الله، ۴۲
مجد، لطف‌الله، ۵۶۴، ۶۰۲
مجدی، ملا حسین، ۴۷، ۴۴۵
مجرد ایرانی، محمد، ۵۶۴
مجلسی، محمد باقر، علامه، ۴۸
مجیدی، عنایت‌الله، ۳۰۰
محبی‌نژاد، غلامعلی، ۱۸۹
محجوب، محمد جعفر، ۳۰۱
محجوبی، رضا، ۵۳۶
محجوبی، مرتضی، ۵۱۲، ۵۳۶، ۵۵۷، ۵۶۸/۱، ۶۴۰
محدث قمی، عباس، ۷، ۵۲/۱، ۶۰، ۷۷/۱، ۱۰۷، ۶۵۶
محرابی، اکرم، ۱۸۹
محسنی، اکبر، ۶۳۱
محسنی، حسین، ۶۳۱
محسنی، مجید، ۱۴۴، ۶۲۷
محسنین، حمید، ۴۶۶
محقق داماد، آیت‌الله، ۱۶، ۱۶/۱، ۵۱، ۷۳، ۷۷، ۸۸
محقق دامغانی، آیت‌الله میرزا کاظم، ۴/۱
محقق، محمد علی، ۶۲۹
محقق نایینی، آیت‌الله، ۸۱
محقق نوغانی، ۳۲
محقق نیشابوری، جواد، ۱۲۱
محلاتی، جعفر، ۶۳
محلاتی، شیخ محمد اسماعیل، ۷۰
محلاتی، عبدالجواد، ۶۵۶
محلاتی، محمد، ۷۰
محلاتی، میرزا ابراهیم، آیت‌الله، ۶۳
محمد بن مرتضی ملقب به فیض کاشانی، ۲۵۸
محمدزاده، حسن، ۵۵۹
محمد محسن، آیت‌الله، ۵۹
محمدی، احمد، ۲۸۳
محمود، پرویز، ۵۵۴
محمودی خوانساری، ۶۲۶
محمودی، رضا، ۱۶/۱
مختآباد، عبدالحسین، ۵۲۶
مختاری، ۵۶۲
مختاری، رکن‌الدین، ۲۹۹، ۶۴۰
مختاری، عثمان، ۳۰۱
مخزومی، محمد پاشا، ۴۳۴
مخصوص، علی، ۶۰۸
مددی، علی، آیت‌الله، ۴۵
مدرس، احمد، آیت‌الله، ۸۶
مدرس خاتون‌آبادی، میر محمد صادق، ۱۶
مدرس رضوی، محمد تقی، ۱۲۳

مـــدرس، حســـن، آیت‌الله، ۴، ۱۷، ۸۲/۱، ۵۰۲
مدرس، عنایت‌الله، ۶۹
مدرس، محمد، ۲۶۱
مدرس، محمد باقر، ۵۷
مدرس گرجی، عبدالکریم، ۶۶
مـدرس گـرجـی، مـلا مـحمد، ۳۳، ۶۹، ۳۶۳
مدرس، ملا شیخ عمر، ۴۷
مدرس، میرزا احمد، ۴۳
مدرس، میرزا محمود، ۴۴۹
مدرس هاشمی، حسن، ۴۵۰
مـدرس یـزدی، احـمد، آیت‌الله، ۴/۱، ۴۴۰
مدرس یزدی، علی اکبر، ۷۰
مدنی، حسین، ۵۲۲
مدنی صفاءالحق، حسن، ۱۶۴
مـدنی، مـحمد عـبدالرسـول، آیت‌الله، ۶۸
مدنی، ملا عبدالرسول، ۱۳۴
مذهب‌باشی، میرزا محمد تقی، ۵۸۳
مراغه‌ای، عبدالقادر، ۱۲۳، ۵۵۴
مرشد نصرالله، ۵۲۶
مرش، واندر، ۲۷۹
مرعشی رفسنجانی، محمدرضا، ۷۰
مرعشی، ظهیرالدین، ۳۷۲
مرعشی شوشتری، علاءالملک، ۲۵۸
مرعشی نجفی، شمس‌الدین، ۷۰
مرعشی نجفی، شهاب‌الدیـن، آیت‌الله، ۳۲/۱، ۵۱، ۵۹، ۶۷، ۸۲، ۳۶۷، ۴۵۰
مرل، روبر، ۲۲۲
مرندی، شیخ علی، ۶۵۶
مریل، جین، ۲۸۳
مستشارنیا، عفت، ۲۸۴
مستعان، حسینقلی، ۶۱۷
مستوفی، احمد علی، ۱۵۲
مستوفی الممالکی، عباس، ۱۸۹
مستوفی، حمدالله، ۱۷۰
مسجدشاهی، ابوالمجد، ۵۲/۱
مســجدشاهی، شـیخ مـحمدرضا، آیت‌الله، ۵۲/۱، ۷۰، ۷۷/۱، ۸۱/۲
مسعود، حسین، ۵۴۵
مسعود سعد سلمان، ۱۱۱
مسعودی، ۱۲۵
مسعودی، علی بن حسین، ۱۲۵
مسکویه، ۳۲۹
مشار، خانبابا، ۳۹۹
مشاور الممالک، علیقلی، ۳۱۸
مشایخ فـریدنی، مـحمد حسین، ۱۱۱، ۲۰۹
مشایخی، جمشید، ۵۶۰
مشکاتیان، پرویز، ۵۶۴
مشکان طبسی، حسن، ۱۴۵، ۳۵۳
مشکوة زفره‌ای، محمد حسین، ۴۵۰
مشکوة، محمد، ۴۳۸
مشکوة، فرهاد، ۵۸۱
مشکینی اردبـیلی، ابـوالحسـن، ۵۷/۱، ۸۲/۱
مشکـینی اردبـیلی، عـلی، آیت‌الله، ۴۱، ۴۲، ۷۷
مشکینی نجفی، ابوالحسن، ۷۰
مشیرالدوله، میرزا جعفرخان، ۴۳۱
مشـــیر هـــمایون، ۵۱۹، ۵۲۶، ۵۶۴، ۶۳۱، ۶۴۰
مصاحب، غلامحسین، ۲۸۶، ۴۳۳
مصاحبی نایینی، عبرت، ۱۱۶
مـــصدق، مـحمد، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۳۲، ۱۵۰، ۲۳۴، ۲۹۳، ۴۷۰، ۴۸۹، ۳۲۱، ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۷۹، ۳۹۴، ۴۰۲
مصری، عمربیک، ۳۱۱
مـصطفوی، مـحمد تـقی، ۳۲۷، ۳۶۹، ۶۱۸
مصطفوی کرمانی، محمد، ۷۵
مصورالملکی، ۵۹۷/۱
مصوری، میرزا محمود، ۶۱۸
مـطهری، مـرتضی، آیت‌الله، ۴۳، ۵۴، ۷۵، ۳۲۵، ۳۳۸، ۴۵۶
مطیع، علی، ۵۱۸
مظاهری، شیخ مرتضی، ۴۵۰
مظفرالدین شاه قاجار، ۵۰۹/۱
مظفر، محمد رضا، ۴۰۹
مظفری، حبیب‌الله، ۲۸۵
معتضدی، امان‌الله، ۲۶۸
معتمد دماوندی، علیرضا، ۱۲۱
مـعروفی، مـوسی، ۵۰۹/۱، ۵۵۷، ۵۷۴، ۵۹۴، ۶۳۱
معری، ابوالعلاء، ۳۵۳
معزالسلطنه، عباس، ۴۷۰
معزز، سالار، ۶۳۱
معززی، محمد رضا، ۴۹۹
معزی دزفولی، شیخ محمد علی، ۲۵۸
معزی دزفولی، محمد رضا، آیت‌الله، ۳
مـعلم حـبیب‌آبادی، مـحمد عـلی، ۸۱/۲، ۴۵۰
معلم، میرزا محمود، ۷۰
معیری، رهی، ۲۵۱، ۵۱۲
مـــعین‌الشـــریعه لاسگـــردی، محمدمهدی، ۲۷۴
معین‌فر، علی‌اکبر، ۱۱
معین، محمد، ۱۸۹، ۳۰۱، ۳۸۹، ۴۰۲
مغازه‌ای، احمد، ۶۱۴
مغنیه، محمد جواد، ۴۱
مفتاح، مهدی، ۵۲۶، ۶۱۶
مفتح السلطان، ۵۴۵
مفتح، محمد، آیت‌الله، ۱۶، ۴۵۶
مفتون کبریایی، ۱۵۰
مفتی‌زاده، ملا خالد، ۶۶
مفتی، ملا محمد، ۳۳
مفتی، ملا محمود، ۷۶
مفخم پایان، لطف‌الله، ۵۱۴
مـفید، آقـا شـیخ مـحمود، ۷۷/۱، ۴۰۵، ۴۰۹
مقدسی، محمد، ۵۱۹
مقدم، جلال، ۵۵۴، ۶۱۴

مقدم، حسن، ۶۱۱
مقدم، محمد، ۱۱۷
مقربی، مصطفی، ۳۵۴
مقصودی کرمانشاهی، فریبا، ۸۲
مک‌گرد، الویز جارویز، ۱۴۴
مگرونج، آرماند، ۲۳۸
مگرونج، ارشاویر، ۲۳۸
مگی، بریان، ۳۲۵
ملاح، حسینعلی، ۵۱۴
ملاصدرای شیرازی، ۵۶، ۳۰۱
ملاعارف، ۶۹
ملک آرا، شمس، ۵۲۰
ملک، اسدالله، ۵۲۶
ملک‌الذاکرین، ۵۶۴
ملک الکلامی، عبدالحمید، ۵۱۶
ملک، علی اصغر، ۳۷۷
ملک، حسین، ۵۲۶، ۶۰۲
ملک مطیعی، ناصر، ۶۵۵
ملکوم، عباس، ۵۴۵
ملکی تبریزی، جواد، آیت‌الله، ۱۳، ۴۴، ۶۰
ملکی، خلیل، ۱۱۷
ملویل، هرمان، ۲۸۳
ممنون، پرویز، ۵۴۱
ممیز، مرتضی، ۵۵۵
منتخب‌السادات خوری، اسدالله، ۳۰۵
منتسکیو، ۲۸۴
منتظری، حسینعلی، آیت‌الله، ۷۷
منتظری، هادی، ۵۱۹
منجم، احمد، ۷۰
منزوی، احمد، ۳۵۴، ۴۳۸
منشی‌باشی (استاد نصرت)، ۹۷
منشی‌زاده، ۵۰۵
منشی کرمانی، ناصرالدین، ۲۵۸
منصور، حسنعلی، ۱۲۷، ۱۸۳
منصوری، ابراهیم، ۵۱۹، ۵۲۶، ۵۵۷
منوچهری، ۹۷
موآم، سامرست، ۱۵۳، ۴۵۴
موافق، مهدی، ۱۲۲
موثق دفتر، عبدالله، ۱۲۹
موحد دیلمقانی، خلیل، ۵۰۲
موحد، محمد علی، ۴۲۴
مودودی، مولانا ابوالاعلی، ۷۷، ۳۷۴
مور، ۲۸۳
مورتیس، زیگموند، ۳۳۰
موردو، هانری، ۲۸۴
مورگان، دن، ۳۳۷
مورن، ادگار، ۳۱۴
موروآ، آندره، ۱۲۵، ۲۴۷، ۲۷۹، ۲۹۳
موریس، آ.گریسی، ۳۷۶
موریس، ساموئل الیوت، ۳۷۶
مورین، نادره، ۵۳۷
موریه، جیمز، ۴۳۱
موسوی احمدآبادی، محمد تقی، ۷۷/۱
موسوی اردبیلی، ۱۶
موسوی بحرانی، محمدرضا، ۷۰
موسوی خوانساری، ابوالقاسم، آیت‌الله، ۵۵، ۷۰
موسوی خویی نجفی، هاشم، ۳۴
موسوی، عبدالکریم، ۱۱
موسوی، کاظم، ۲۵۸
موسوی شیرازی، ابوالحسن، ۳۵۶
موسوی، میرزا محمد تقی، ۷۷/۱
موسیناک، لئون، ۳۳۷
مولانا فخرالدین علی، ۲۷۴
مولانایی، عبدالقادر، ۳۳
مولباخ، ۲۷۱
مولوی، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۷۶، ۲۱۴، ۳۰۱، ۳۰۳، ۵۱۲، ۵۳۹
مولوی (پرفسور)، ۱۲۴، ۱۶۶
موله، ماریژان، ۲۷۹
مولیر، ۲۶۳، ۲۹۸، ۵۴۱، ۵۵۰
مونتان، ایو، ۵۸۰
مونته، ژوزف، ۲۸۴
مونه، سباستین، ۱۱۱
مهاجر، ۱۳۰
مهتدی، رحمت‌الله، ۵۰۴
مهدوی اردبیلی، محمدحسن، ۳۰۸
مهدوی، اصغر، ۳۵۴
مهدوی، رضا، ۵۲۶
مهدوی کنی، ۱۶
مهدی اصفهانی، میرزا، ۶۲
مهدی، مفتاح، ۵۶۸/۱
مهران، محمود، ۶۲۰
مهران، منوچهر، ۵۴۴
مهران، منیر، ۵۴۴
مهرتاش، اسماعیل، ۱۴۴، ۴۹۷، ۵۵۰، ۵۷۱، ۶۶۶
مهرجردی یزدی، عبدالکریم، ۲۶۱
مهرجویی، داریوش، ۱۷۷، ۶۲۲
مهرورزان، هوشنگ، ۵۰۶
مهندس الملک، رضا، ۵۸۵
مهی سنندجی، بدیع‌الزمان، ۳۶۳
مهین، اکرم، ۴۳۸
میبدی، محمد، ۲۴۷/۱
میبدی، ناصر، ۷۲/۱
میرخانی، حسین، ۶۲۸
میرخانی، حسن، ۵۱۱، ۶۰۸
میرداماد، بهاءالدین، ۷
میرزا، ایرج، ۲۵۷
میرزا جواد، ۳۷۷
میرزا حسینقلی‌خان، ۵۶۴، ۶۰۱، ۶۶۳
میرزاده، مجتبی، ۵۲۶
میرزادهٔ عشقی، ۳۵۱، ۵۶۱، ۶۱۱
میرزا ربیع، ۵۷۴
میرزا عبدالحسین، ۶۱۵
میرزا عبدالله، ۵۹۸
میرزا عزیز، ۳۰۲
میرزا علی‌آقا، ۳۰۱
میرزا فتح‌الله، ۶۵۰
میرزا محمد حسن، ۱۵
میرزای اصفهانی، ۴۳
میرزایانس، زوریک، ۲۳۸
میر سعید میر شکر، ۱۵۶
میرمیرانی، ۱۷۶

میشل، ژول، ۳۹۰
میکل آنجلو، آنتونیونی، ۲۱۳
میلانی، محمد هادی، آیت‌الله، ۳، ۲۰، ۲۳/۱، ۲۶، ۴۳، ۵۹، ۸۶، ۸۸، ۴۴۹
مینابیان، اکبر، ۴۹۸
مین‌باشیان، غلامرضا، ۵۵۷، ۵۹۸
مینورسکی، ولادیمیر فدروویچ، ۲۴۰
مینوی، مجتبی، ۱۱۱، ۱۵۵، ۲۰۹، ۲۸۴، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۶۱
مؤسس، آیت‌الله، ۴
مؤیدالاطباء، محمدعلی خان، ۷۰
نائس، آرن، ۳۲۵
ناپلئون بناپارت، ۲۹۸
ناتل خانلری، پرویز، ۲۴۷، ۳۷۵، ۳۸۳
ناصح، محمد علی، ۲۳۷، ۲۵۰، ۲۸۱
ناصرالدین شاه، ۱۵۲، ۴۳۱
ناصر، حسن، ۴۱۴
ناصرخسرو، ۱۱۱
ناصری، فریدون، ۵۵۴
ناصری کاشانی، ۲۷۸
ناطق، جواد، ۲۸۶
ناظرزادهٔ کرمانی، ۶۴۹
ناظم‌الشریعه، محمد، ۱۵
ناظم، ملیحه، ۳۳۰/۱
ناظمی، مهدی، ۵۴۵
نایب اسدالله، ۴۹۷، ۵۳۶
نایب‌السلطنه، علی‌خان، ۵۶۴
نایپول، وی. اس.، ۲۸۳
نایینی، جلالی، ۲۹۵
نایینی، حسن، آیت‌الله، ۱۳
نایینی، رضا، ۲۸۵
نایینی، محمد حسین، آیت‌الله، ۲، ۴، ۲۳، ۲۶، ۳۴، ۴۴، ۴۹، ۵۲/۱، ۵۵، ۵۷، ۵۷/۱، ۶۳، ۷۴، ۸۰، ۸۱، ۸۲/۱، ۸۲/۲، ۶۵۶
نایینی، میرزا حسین، ۳۲
نبوی خراسانی کاشمری، میرزا حسن، ۵۶
نجف‌آبادی، علی، آیت‌الله، ۵۸، ۷۷/۱، ۴۰۹
نجف‌آبادی، محمد، آیت‌الله، ۲۸، ۵۸، ۷۷/۱
نجف‌آبادی، شیخ ابوالقاسم، ۱۲۵
نجف‌پور، میرزا عبدالحسین، ۵۹۷/۱
نجف‌زادهٔ بارفروش، محمدباقر، ۲۲۶
نجفی، آیت‌الله، ۷۵
نجفی، ابوالحسن، ۲۸۳
نجفی خمینی، ۱۳
نجفی زنجانی، محمد حسین، ۶۵۶
نجفی، شیخ علی بن باقر، ۷۰
نجفی، محمد حرزالدین، ۷۰
نجفی، محمد حسن، ۸۵
نجفی، محمد علی، ۵۰۰، ۵۴۶
نجفی مرعشی، ۴/۲، ۱۶/۱، ۲۲، ۵۲/۱، ۵۸/۱، ۷۷/۱، ۸۶/۳
نجم‌آبادی، حسین، ۷۰
نحوی، ابوالقاسم، ۱۳، ۲۲
نحوی، محمد حسن، ۱۳۴
نخجوانی، عباس، ۲۴۰
نراقی، ابوالقاسم، ۴۶۵
نراقی، احمد، ۴۵۲
نراقی، مجدالدین، ۲۷۸
نراقی، محمد مهدی، ۴۵۲
نراقی، ملا مهدی، ۴/۱
نراقی، مهدی، ۵۹
نرمان، سوزان، ۲۷۹
نرودا، پابلو، ۲۲۲
نریمان، ۵۴۵
نزلف، پیر، ۲۷۹
نسیب افندی، ۲۷۱
نسین، عزیز، ۲۳۲
نصر، حسین، ۳۴۸
نصر، علی خان، ۵۲۰، ۵۵۰، ۶۳۰
نصیری، ۲۰۸
نصیری، مرتضی، ۴۵۳/۱
نظام‌السلطنه مافی، ۳۹۴
نظامی عروضی، ۲۶۲
نظرپاک، میرزا یدالله، آیت‌الله، ۴
نظم‌الدوله، ابوتراب، ۳۵۱
نف، امری، ۴۱۸
نفری، ۳۴۸
نفیت‌السادات «گلشن»، محمد، ۲۵۰
نفیسی، سعید، ۱۸۱، ۶۶۳
نفیسی، مؤیدالدوله، ۴۱۴
نقدی، جعفر، ۴۰۹
نقشبندی، عبدالله، ملا، ۸۴
نقشینه، محمد علی، ۱۷۷
نقوی، نقیب، ۳۳۰/۱
نکاتی، میرزا عبدالله، ۵۶۴
نکراسف، ۳۹۶
نواب، اسماعیل، ۶۰۲
نواب رضوی لکهنوی، محسن، ۵۷
نواب صفوی، مجتبی، ۴۱، ۵۲، ۵۴، ۶۱/۱
نوایی، علیشیر، ۱۵۲
نوربرگ شولتز، کریستان، ۵۴۹
نوروزی، اکبرخان، ۵۳۶
نوروزیان، علی اصغر، ۴۸۲
نوری، آیت‌الله، ۱۵
نوری، پرویز، ۶۰۷
نوری، حسین، آیت‌الله، ۷۵
نوری، حسین، حجت‌الاسلام، ۴۸
نوری، شیخ عبدالنبی، ۷۰
نوری، فضل‌الله، ۲۴۷
نوری، هادی، ۲۴۷
نوری، هاشم، ۷۲/۱
نوری همدانی، حسین، آیت‌الله، ۴۱
نوشین، عبدالحسین، ۵۲۰، ۶۳۰
نوغانی، علی اکبر، ۸۶
نهاوندی، علی اکبر، آیت‌الله، ۷
نهرو، جواهر لعل، ۳۳۰
نیچه، ۴۱۷
نی‌داود، مرتضی، ۲۹۳، ۵۱۵، ۵۵۷، ۵۵۷، ۵۶۸/۱، ۵۷۴، ۶۶۰/۱
نی‌داود، موسی، ۲۹۳

نیرسینا، هدایت، ۱۷۶
نیری، محمد صادق، ۳۳، ۳۴۶
نیشابوری، ابواسحاق، ۳۰۵
نیکپو، قاسم، ۵۲۶
نیک‌زاد حسینی، کریم، ۴۵۰
وات، مونتگمری، ۳۵۸
واحدی، عبدالحسین، ۵۲
وارطانی، ۴۸۲
واصفی هروی، ۳۷۵
واعظ اصفهان، اسماعیل، ۵۳۶
واعظ شیرازی، علی، آیت‌الله، ۴۰۵، ۴۰۹
واعظ طبسی، حجت‌الاسلام، ۸۸
واعظ، عزیزالله، ۲۴۷/۱
واعظ کاشانی سبزواری، ۲۵۷
واعظ، محمد صالح بن محمد صادق، ۲۵۸
والتاری، میکا، ۱۴۴، ۲۷۹
والس، رابرت کرنت، ۴۵۷
والی، جعفر، ۵۴۱
والی‌زاده، اسماعیل، ۳۰۷
واندنبرگ، لویی، ۳۲۶
وایت، ریچارد، ۳۳۷
وایتینگ، جان، ۲۸۳
وایلد، اسکار، ۲۶۷، ۳۷۶، ۶۳۲
وت، ۴۷۳
وثوق‌الدوله، ۱۰۵
وحید دستگردی، ۱۸۹
وحید، محمد، ۴۷۹
وحیدی، حسین، ۳۹۳
وزیری، بدری، ۶۴۵
وزیری تبار (قره)، ۵۵۷
وزیری، حسنعلی، ۶۴۵
وزیری، عبدالعلی، ۶۴۵
وزیری، علی‌نقی، ۵۶۸/۱، ۶۱۱، ۶۳۱، ۶۴۰، ۶۴۱/۱، ۶۴۵، ۶۶۲
وزیری، قمرالملوک، ۵۰۹/۱، ۶۶۰
وطن‌دوست، غلامرضا، ۳۶۹
وطواط، رشیدالدین، ۲۵۸
وفادار، حمید، ۶۱۷
وفادار، مجید، ۵۲۶، ۵۶۸/۱، ۶۱۷
وفای کاشانی، ۵۱۱
وفایی، ایرج، ۵۲۶
وکیل (موسیقیدان ایرانی)، ۶۳۱
ولاگ، ژان، ۳۶۸/۱
ولتر، ۲۸۴، ۲۸۶، ۳۹۰
ولد، بهاءالدین، ۳۰۱
ولدر، فریتس هوخ، ۵۴۱
ولدیانی، شیخ علی، ۲۵۸
ولزی، ملا علی، ۴۷
ولک، ره، ۳۰۸
وهاب‌زادهٔ حدیدی، ۱۲۱
ویرافاتری، سی. جی.، ۳۶۶
ویشرپین، گرین، ۳۴۱
ویگال، آرتور، ۲۶۷
ویلبر، ویلیام، ۴۱۸
ویلسن، کریستی، ۴۱۸
ویلسون، سرآرنولد، ۳۷۶
ویلیامز، بریل، ۱۴۴
ویلیامز، تنسی، ۵۷۱/۱
وینترسون، جانت، ۲۸۳
هاتف اصفهانی، ۱۶۶
هادسن، راک، ۶۵۵
هارت‌ناک، یوستوس، ۳۲۵
هاستی کارول، کلاویس، ۱۴۴
هاشمی، ۴۳۹
هاشمیان، رضا، ۲۵۹/۱
هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، حجت‌الاسلام، ۱۱، ۵۴
هاشمی، فخرالدین، ۹۵
هاطلی کوپایی، صدرالدین، ۴۰۵
هاکارد، ه د.، ۲۷۵
هامسون، کنوت، ۳۸۲
هامیلتون، پاتریک، ۵۴۱
هایدگر، مارتین، ۴۱۵
هپه، ال برنارد، ۵۷۱/۱
هدایت، صادق، ۲۲۸، ۲۸۴، ۴۰۶، ۶۱۳
هراکلیتوس، ۳۲۹
هرتزفلد، ۲۷۹
هرتمنی، ملا محمد، ۴۹۸
هرلدلسکی، ۴۰۴
هروی قاسم بن یوسف، ۴۸۷
هریسون، پل، ۴۳۳
هژیر، عبدالحسین، ۱۳۲
هسه، هرمان، ۲۴۹
هشترودی، محسن، ۱۰۸
هگل، ۱۶، ۴۱۱
همامی، محمد، ۴۵۰
همایون شاه، ۲۷۵
همایی، جلال‌الدین، ۷۷/۱، ۲۱۴، ۲۶۶، ۳۸۹، ۶۱۵
همایی، ماهدخت بانو، ۳۰۱
همدانی، آخوند میرزا محمد، ۱۴/۱
همدانی، آیت‌الله آخوند ملاعلی، ۱۴/۱
همدانی، رشیدالدین فضل‌الله، ۴۰۷
همدانی، رضا، ۲۰
همدانی، علی، ۷۵
همینگوی، ارنست، ۲۲۲
هندی، علی‌خان، ۷
هنگ‌آفرین، حسین‌خان، ۵۷۴
هوشمند، فرخ‌لقا، ۶۶۶
هوگو، ویکتور، ۲۷۹، ۳۷۶، ۴۲۱
هویه‌ای، عنایت‌الله، ۳۳
هیکل، محمد حسنین، ۱۲۵، ۳۷۴
هیوم، دیوید، ۴۱۱
یاحقی، پرویز، ۵۲۳
یاحقی، حسین، ۵۲۶، ۵۳۶، ۵۵۷
یاسپرس، ۳۲۹
یاسمی، رشید، ۱۳
یانگ، ترنس، ۵۶۰
یثربی کاشانی، علی، آیت‌الله، ۴، ۱۳، ۵۷، ۷۰، ۷۳
یحیی اوّل، ۵۴۵
یحیی بن عدی، ۴۳۸
یحیی دوّم، ۵۴۵

یزدانی سبزواری، اسماعیل، ۲۷۸
یزدگردی، امیر حسن، ۲۲۹، ۴۲۶
یزدی، آقامیرزا علی‌اکبر، ۶۰
یزدی، حسن، آیت‌الله، ۴۰، ۶۵، ۸۳
یزدی، احمد، ۱۲
یزدی، محمد کاظم، ۱۵، ۳۴، ۴۹
یزدی، مرتضی، ۵۷
یزدی، یحیی، ۱۲
یزدی، شیخ علی، آیت‌الله، ۱۷، ۳۰۱
یزدی، شیخ علی اکبر، ۴۴، ۷۰
یزدی، ملا عبدالله، ۱۳۰
یغمایی، اقبال، ۲۲۹
یغمایی، حبیب، ۹۰، ۲۱۶، ۲۶۶
یگانه آرانی، محمد، ۱۲۲
ینسن، یوهانس ویلهلم، ۴۵۵
یوسفی، غلامحسین، ۲۰۶
یوسفی، فرشید، ۲۴۶، ۲۴۷/۱
یوسفی، نصرت‌الله، ۵۱۱
یوشیج، نیما، ۹۷، ۱۸۹، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۸۴، ۵۴۳
یونگه، پتریولیوس، ۴۴۸
یونیر، ژان، ۲۷۹

۵. نمایهٔ نام‌های شهرها و کشورها

آبادان، ۱۴۴، ۱۹۳، ۱۱، ۳۲۵، ۳۳۳، ۵۰۶، ۵۸۷، ۶۶۳
آباده، ۴/۱، ۳۵۰
آذربایجان، ۵۴، ۵۹، ۱۳۰، ۱۵۳، ۱۸۳، ۲۴۰، ۲۵۸، ۴۷۳، ۴۸۷، ۳۷۷
آران کاشان، ۲۸۱
آرل، ۲۲۲
آرنم، ۵۹۰
آشتیان، ۳۵، ۶۰۷
آشخانه (بروجرد)، ۶۵۰
آفریان (روستا)، ۳۳
آکسفورد، ۴۵۴
آلمان، ۱۰۲، ۲۱۳، ۲۵۱، ۱۶، ۴۶۲، ۴۷۴، ۴۸۱، ۳۳۳، ۳۳۹، ۳۶۲، ۳۶۷، ۴۰۶، ۴۲۰، ۴۳۶، ۴۴۸، ۵۰۶، ۵۱۲، ۵۲۶، ۵۵۲، ۵۵۲، ۵۹۸، ۶۰۲، ۶۱۶
آلمان شرقی، ۴۰۶
آلمانه (روستا)، ۳۱
آمریکا، ۱۴۳، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۵، ۲۰۲، ۲۱۸، ۲۵۷، ۲۶۴، ۲۹۴، ۳۰۸، ۴۶۳، ۴۶۹، ۴۷۶، ۴۸۱، ۳۱۵، ۳۱۹، ۳۲۵، ۳۳۳، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۳، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۷۸، ۳۸۷، ۳۹۳، ۴۳۵، ۴۴۶، ۴۵۳، ۴۵۷، ۵۰۶، ۵۱۴، ۵۲۱، ۵۴۵، ۵۴۹، ۵۶۱، ۵۸۱، ۶۱۶، ۶۲۴
آمل، ۴، ۱۲۶، ۱۵۱، ۳۵۴
آوینیون، ۵۹۰
آهو (روستا)، ۶۰۷
ابن‌سینا، ۵۹۷
اتریش، ۱۷۹، ۲۱۳، ۱۶، ۵۲۱، ۵۵۲، ۵۸۱، ۵۹۸، ۶۰۲
اراک، ۵، ۲۲، ۶۱، ۸۷، ۱۶۳، ۱۸۱، ۲۱۴، ۲۸۶، ۴۰۴، ۴۰۶، ۴۲۴، ۵۱۱، ۵۱۷، ۵۷۷
اردبیل، ۱۶/۱، ۱۳۸، ۱۷۸، ۲۷۷، ۳۰۲، ۳۹۷، ۴۵۹، ۶۵۶
اردکان، ۲۸، ۲۱۷، ۶۲۹
اردن، ۸۸
ارمنستان، ۲۳۸
اروپا، ۱۳، ۷۷، ۱۰۲، ۱۱۱، ۲۱۸، ۲۴۳، ۴۶۶، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۸۱، ۴۸۶، ۳۱۷، ۳۲۱، ۳۲۵، ۳۳۱، ۳۵۱، ۳۸۳، ۳۹۹، ۴۰۲، ۴۱۰، ۴۲۱، ۵۱۳، ۵۶۲، ۶۳۶، ۶۳۹
ارومیه، ۱۱۹، ۱۳۰، ۱۳۶، ۲۰۱، ۲۲۹، ۲۵۸، ۵۱۰، ۵۵۹
ازبکستان، ۱۴۲
اسپانیا، ۱۷۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲
استانبول، ۳۷۸، ۳۹۶، ۴۱۴
استراسبورگ، ۴۶، ۳۱۴
استکهلم، ۴۰۶
استهبان، ۱۶۵، ۱۹۵
اسدآباد، ۵۴۲
اسلام‌آباد غرب، ۲۲۴
اصفهان، ۴/۲، ۶، ۸/۱، ۹، ۱۵، ۱۷، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۷/۱، ۴۹، ۵۲، ۵۰، ۷۴، ۷۷/۱، ۷۸، ۸۱/۲، ۸۳، ۸۸، ۹۶، ۱۰۵، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۷۱، ۱۸۱، ۱۹۰، ۱۹۴، ۲۰۳، ۲۲۵، ۲۳۸، ۲۴۳، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۸۳، ۲۹۲، ۳۰۱، ۳۱۸، ۴۰۵، ۴۰۹، ۴۲۰، ۴۲۷، ۴۴۱، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۳/۱، ۴۵۴، ۴۷۹، ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۱، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۷، ۵۲۸، ۵۳۳/۱، ۵۳۶، ۵۴۵، ۵۵۱، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۸۷، ۵۹۶، ۵۹۷/۱، ۵۹۸، ۶۱۵، ۶۳۳، ۶۵۸، ۶۶۰
افغانستان، ۷۷، ۸۸، ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۵۵، ۱۷۶، ۱۷۹، ۲۱۸، ۳۱۸، ۶۵۶، ۶۵۸
اگره، ۱۷۹
البرز، ۳۷۲
الجزایر، ۱۳۲
الوند، ۴۷۳
الیگودرز، ۴۵۸
اندیمشک، ۳۶
انگلستان، ۹۳، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۷،

۱۳۱، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۶۷، ۲۱۸، ۲۲۸، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۷، ۳۰۸، ۳۲۵، ۳۳۳، ۳۵۴، ۳۵۸، ۴۰۴، ۴۲۷، ۴۴۴، ۴۵۴، ۴۵۷، ۵۰۶، ۵۱۲، ۵۳۳، ۵۵۸
اوپسالا، ۴۴۸
اودسا، ۳۹۶
اورمان (روستا)، ۳۹۸
اویهنگ (روستا)، ۶۹، ۳۹۸
اهر، ۳۲۰
اهواز، ۱۱۳، ۱۴۳، ۲۱۳، ۳۳۸، ۳۴۹، ۵۰۶، ۵۳۸، ۵۷۸، ۵۸۷
ایتالیا، ۱۱۱، ۱۵۲، ۱۷۹، ۲۰۰، ۴۶۴، ۴۷۵، ۴۲۱، ۵۵۴، ۵۶۰، ۵۸۰، ۵۹۰، ۵۹۸، ۶۰۲، ۶۵۶
ایذه، ۱۱۳
ایلام، ۹۰
ایندیانا، ۴۳۵
بابل، ۹۰، ۱۲۶، ۴۳۲
بادکوبه، ۳۹۶، ۴۱۴
باغچه له‌ر (روستا)، ۴۷
باغ شاه فین، ۴۵۲
باغه‌کون (روستا)، ۷۶
بافت کرمان، ۵۹
باکو، ۱۹۱، ۵۸۹، ۶۶۱
بال، ۱۷۹
بالک (روستا)، ۶۹
بانه، ۱۹۱، ۴۲
بجنورد، ۴۷۴، ۳۴۳، ۵۴۰
بحرین، ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۹۳
بختیاری، ۵۴۵
برازجان، ۲۳۹
بردو، ۴۶۵
برلین، ۲۱۹، ۳۱۹، ۴۷۴، ۴۸۱، ۳۳۳، ۴۰۶، ۵۶۰، ۵۶۴، ۶۶۳
برلین غربی، ۳۸۲
برن، ۵۶۹
بروجرد، ۴۱/۲، ۱۱۱، ۱۴۸، ۲۲۳، ۳۶۸، ۶۳۳، ۶۵۰
بروکسل، ۳۵۱، ۵۰۷، ۵۵۵، ۵۶۷، ۵۸۱، ۵۹۷/۱، ۵۹۹
بریج همپتن، ۱۷۹
بزچلو، ۵۱۷
بستک هرمزگان، ۸۴
بصره، ۵۱۳
بغداد، ۳۴، ۱۹۱، ۴۷۰، ۴۱۴، ۶۳۱، ۶۴۹
بلژیک، ۲۶۷، ۳۳۹، ۳۹۴، ۴۰۱، ۴۰۷، ۵۹۸
بم، ۹۰
بمبئی، ۱۴۴، ۱۵۲، ۱۷۹، ۲۴۲/۱، ۲۶۶، ۴۵۷
بنارس، ۱۷۹
بندر انزلی (پهلوی سابق)، ۱۲۱، ۱۲۶، ۴۷۲، ۳۱۹، ۳۹۶، ۴۱۴، ۵۰۹/۱، ۵۶۰
بندرعباس، ۲۲۵، ۲۷، ۵۰۶
بندر لنگه، ۴۷۰
بنگلادش، ۸۸
بوئین‌زهرا، ۵۴۴
بوستان‌آباد، ۵۹
بوستون، ۴۶۹
بوشهر، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۶۱، ۱۹۳، ۴۷۰، ۳۵۶
بوکان، ۱۹۱، ۴۷
بهبهان، ۹۰، ۱۵
بهشهر، ۴۰، ۶۵، ۸۸
بیجار، ۶۴۱
بیرجند، ۳۶۱، ۳۷۴، ۴۳۸
بیروت، ۳۰۱، ۴۹، ۵۶، ۵۷، ۷۷، ۴۷۰، ۳۴۱، ۳۴۷، ۳۹۶، ۴۱۴، ۵۱۲
بیساران (روستا)، ۶۹، ۳۹۸
پاریس، ۱۳، ۱۶، ۷۳، ۷۵، ۱۵۲، ۱۷۷، ۱۷۷، ۲۲۹، ۲۶۹، ۴۶۲، ۴۶۵، ۳۲۴، ۳۳۱، ۳۴۵، ۳۸۷، ۳۹۹، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۲۷، ۴۳۱، ۴۳۹، ۵۱۳، ۵۱۷، ۵۴۳، ۵۵۵، ۵۶۰، ۵۶۹، ۶۰۲، ۶۲۸، ۶۳۳، ۶۳۳، ۶۴۲، ۶۶۳
پازیریک، ۵۹۶
پاسارگاد، ۳۶۹
پاکستان، ۱۷/۱، ۳۰، ۴۹، ۷۷، ۱۱۱، ۱۲۴، ۱۴۳، ۱۷۹، ۲۱۸، ۲۴۹، ۲۷۵، ۳۱۸، ۳۳۳
پاوه، ۳۳۸
پرتغال، ۴۲۰، ۴۲۲
پروجا، ۵۸۱
پنجوین، ۳۱، ۱۹۱، ۴۴۵
پیشاور، ۱۷۹
تاجیکستان، ۱۵۶، ۳۱۸
تاشکند، ۱۴۲
تایلند، ۱۴۳، ۱۵۲
تبریز، ۲۰، ۴۴، ۵۵، ۵۷/۱، ۵۹، ۶۷، ۷۲، ۸۸/۱، ۹۸، ۱۳۰، ۱۵۹، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۱، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۲۵، ۲۴۰، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۶۹، ۲۸۶، ۲۹۸، ۳۰۱، ۴۸۶، ۳۲۰، ۳۷۷، ۳۸۴، ۴۱۰، ۴۲۴، ۴۳۱، ۴۳۳، ۵۱۰، ۵۲۷، ۵۳۱، ۵۴۹، ۵۹۶، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۶۴
تخت جمشید، ۳۶۹
تربت حیدریه، ۳۷/۱، ۴۶، ۴۳۱
ترکستان، ۹۸
ترکیه، ۱۳، ۹۸، ۳۳۰، ۳۵۴، ۵۹۸، ۶۱۶
تفرش، ۳۵، ۴۶۵، ۴۷۰، ۳۳۳، ۳۶۰، ۳۸۵، ۵۶۴، ۶۰۷
تفلیس، ۵۶۴
تکاب، ۱۱۰، ۶۴۱
تنکابن، ۹۰، ۲۲۲، ۲۹۹، ۵۵۱
توس، ۹۷، ۵۹۷
توکیو، ۱۷۹
تویسرکان، ۱۲۴
تهران: به کرات در اکثر مدخل‌ها آمده است.

جزایر مجنون، ۴۲
جزیرهٔ خارک، ۱۰۸
جزیرهٔ قشم، ۴۱۷
جزیرهٔ کیش، ۵۹۲
جزیرهٔ موریس، ۴۰۶
جکسون میسی‌سی‌پی، ۴۶۹
جلفای اصفهان، ۲۳۸
جندق، ۹۰
چالوس، ۲۲۲
چرویا، ۵۹۰
چکسلواکی، ۵۵۴
چنگنیان (روستا)، ۶۹
چهارمحال و بختیاری، ۴/۱، ۹۶، ۴۲۷
حسام‌آباد (قریه)، ۱۴۱
حلب، ۴۱۴
حلبچهٔ عراق، ۷۶
حمامیان (روستا)، ۴۷
حیدربابا (کوه)، ۱۹۷
خانگاه (روستا)، ۴۴۵
خراسان، ۴۹، ۸۶، ۹۷، ۱۱۶، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۹۷، ۳۸۱، ۵۲۸، ۶۰۱، ۶۵۶
خراشاد، ۳۶۱
خرم‌آباد، ۴۴۵، ۵۴۵
خرمشهر، ۳۰، ۳۳۳
خشکناب (روستا)، ۱۹۷
خلیج فارس، ۳۰، ۷۷، ۴۷۰، ۵۲۶
خلیفه لیان (روستا)، ۴۷
خمین، ۱۳، ۱۷، ۴۱۲
خوانسار، ۵۲/۱، ۶۰، ۷۸، ۴۱۲، ۴۹۷، ۶۳۴
خور، ۳۰۵
خوزستان، ۱۵، ۴۹، ۳۲۵
خوی، ۳۴، ۴۶۷، ۳۶۷، ۴۲۴
دارخوین، ۱۴۷
دامغان، ۲۱۵، ۳۰۵، ۳۵۹، ۳۸۶، ۶۶۷
دامغان قومس، ۱۸۹
دانمارک، ۱۵۲، ۵۷۰
دره‌گز، ۳۶۶
دره‌گز ابیورد خراسان، ۲۳۹
دریای خزر، ۴۸۱
دریای سیاه، ۳۹۶
دزفول، ۳۶
دستگرد، ۲۹۲
دشه (روستا)، ۴۴۵
دلیجان، ۴۵
دماوند، ۴۷۳، ۵۴۴
دمشق، ۳۹۶، ۴۱۴، ۴۷۰
دولاب ژاورود (روستا)، ۳۳
دهاقان شهررضا، ۱۴
ده‌رودک (روستا)، ۴۷۴
ده‌طا (روستا)، ۵۶۴
دهلاویه، ۳۳۸
دهلی‌نو، ۱۵۲، ۱۷۹، ۲۴۲/۱، ۲۸۳، ۶۵۸
دیرمولی (روستا)، ۳۳
راستوف، ۳۹۶
رامهرمز، ۱۵
رشت، ۱۵۹، ۱۸۳، ۲۷۳، ۲۷۹، ۲۸۴، ۴۶۳، ۴۷۲، ۴۸۱، ۳۹۶، ۴۱۴، ۴۱۴، ۴۲۴، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۶، ۵۱۵، ۵۶۱
رفسنجان، ۹۹، ۱۵۱
رم، ۵۹۷
رواندوز، ۴۴۵
رودبار، ۴۲۶، ۶۰۶/۱
رودسر، ۳۸۹
رودکارون، ۳۳۸
روسیه، ۹۳
زابل، ۲۴، ۵۴، ۴۷۶
زاگرب، ۵۹۰
زاهدان، ۱۹۳، ۷۵، ۴۷۶
زاینده رود، ۴۷۳
زنجان، ۹۰، ۱۵۴، ۲۵۴، ۵۹، ۳۵۳
زوریخ، ۵۶۹
زیباکنار، ۵۷۶
ژاپن، ۱۵۲، ۸۸، ۴۷۴، ۳۳۳
ژاورود (روستا)، ۶۹، ۲۷۶، ۳۹۸
ژنو، ۹۶، ۱۱۱، ۲۵۱، ۴۷۰، ۳۳۲، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۶۰، ۵۶۹
ساری، ۱۲۶، ۲۰۷، ۲۹۳، ۴۰۶، ۴۵۷، ۵۱۴
سامان (چهارمحال بختیاری)، ۱۹۰
سامرا، ۲۳، ۴۹، ۶۴، ۷۰، ۶۵۶
سان پاولو، ۱۷۹
سانفرانسیسکو، ۲۲۹، ۳۸۳
ساوه، ۷۲/۱
سبزوار، ۲۰۶
سراب، ۵۸۲
سراب قامیش (روستا)، ۶۹
سرچی (روستا)، ۳۳
سقز، ۱۹۱، ۴۷، ۵۳
سگوویا، ۵۹۰
سُلدوز، ۴۷
سلیمانیه، ۸، ۶۹، ۷۶، ۳۹۸، ۴۴۵
سمنان، ۹۰، ۱۲۹، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲۷۴
سمیرم، ۱۴
سنجان، ۸۷
سن‌دیه‌گو (آمریکا)، ۳۹۹
سنندج، ۲۱۰، ۲۲۸، ۲۵۰، ۲۷۶، ۲۹۶، ۸، ۳۳، ۶۶، ۶۹، ۷۶، ۳۴۶، ۳۹۸، ۴۴۵، ۵۶۰/۱، ۶۱۹
سوئد، ۴۶۳، ۳۱۸، ۵۹۸، ۶۵۵
سوادکوه قزوین، ۴۲۱
سوادکوه مازندران، ۵۱۴
سوریه، ۹۸، ۱۴۵، ۱۹۱، ۲۳۴، ۲۶۹، ۷۷، ۸۸، ۴۷۰، ۳۶۴، ۵۹۸، ۵۹۹
سوسنگرد، ۶۷، ۳۳۸، ۳۳۸
سوهانک شمیران، ۶۵۹
سویس، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۱۱، ۳۲۱، ۴۱۰، ۴۸۹، ۵۶۹، ۵۹۸، ۵۹۹
سیرجان، ۲۰۸، ۳۷۵، ۵۷۵
شام، ۴۱۴، ۶۵۶
شاهرود، ۹۰، ۱۸۹، ۷۹، ۸۱، ۸۵، ۴۴۹، ۵۹۴

شبستر، ۲۵۸
شرفکند (روستا)، ۱۹۱
شفت، ۴۱۴
شمشک، ۴۷۰
شمیرانات، ۵۲۱
شنگل‌آباد (روستا)، ۱۹۷
شـــــوروی، ۱۹۱، ۳۱۸، ۳۴۴، ۳۵۴، ۴۰۶
شوش، ۳۶
شوشتر، ۳، ۴۸، ۳۸۸
شهداد، ۳۲۹
شهر امام، ۴۱۷
شـــــهر ری، ۳۲، ۲۹۲، ۶۵۶، ۴۲۱، ۶۳۵
شهرکرد، ۴۸۰، ۴۲۷
شهریار، ۴۳۶
شهسوار، ۱۷۵
شـــیراز، ۱۳، ۱۷/۱، ۳۷، ۳۹، ۴۹، ۶۳، ۸۸، ۱۰۸، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۹۲، ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۱۸، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۹، ۲۴۲/۱، ۲۵۰، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۵۹، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۶، ۳۱۳، ۳۴۴، ۳۵۱، ۳۶۹، ۳۸۷، ۴۱۹، ۴۴۳، ۴۵۴، ۴۷۲، ۴۸۵، ۴۹۰، ۴۹۷، ۵۰۶، ۵۱۸، ۵۳۷، ۵۶۸/۱، ۵۷۳، ۵۸۳، ۵۹۷، ۶۲۰، ۶۳۴، ۶۶۰
شیروان، ۴۹
شیلان آوی، ۲۰۱
شیلخر (روستا)، ۴۷
صومعه‌سرا، ۴۱۴
صیدا، ۵۹
ضیاءبر، ۳۹۶
طالقان، ۹۹، ۵۴، ۵۱۶
طرق (روستا)، ۴۴۰
طوالش، ۱۸۳
عـــراق، ۶، ۸، ۱۳، ۱۵، ۲۳، ۲۳/۱، ۲۶، ۳۰، ۳۱، ۴۹، ۵۹، ۷۵، ۷۷، ۸۸، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۴۵، ۱۹۱، ۲۱۹، ۲۳۴، ۳۵۴، ۳۹۸، ۴۴۵، ۵۹۸، ۶۳۱، ۶۵۶
عـــربستان ســعودی، ۹۸، ۱۲۴، ۲۳۴، ۳۵۴
عشق‌آباد، ۵۴۰
عظیمیهٔ (از توابع کرج)، ۱۹۱
فـــارس، ۱۱۸، ۱۳۵، ۲۱۸، ۴۹، ۳۱۸، ۵۲۸
فـرانسـه، ۹۳، ۱۱۱، ۱۷۹، ۲۱۸، ۲۲۲، ۲۴۷، ۲۷۹، ۲۸۴، ۲۸۶، ۳۰۸، ۴۶۶، ۴۷۹، ۴۸۸، ۴۹۱، ۳۱۴، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۳۷، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۵۸، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۷۳، ۳۷۹، ۳۸۲، ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۱، ۴۰۷، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۱، ۴۵۳، ۴۵۳/۱، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۳۳، ۵۳۹، ۵۶۰، ۵۹۰، ۵۹۳، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۲۵، ۶۳۰، ۶۳۳، ۶۴۷، ۶۵۵/۲
فرانکفورت، ۳۱۴
فراهان، ۶۵۸
فرخشهر (قهفرخ)، ۱۹۴
فردوس، ۴۴۷
فریبورگ، ۳۱۹
فسا، ۲۳۱، ۲۴۲/۱
فکه، ۴۹۵
فلات ایران، ۴۷۳
فلسطین، ۵۴
فلورانس، ۱۵۲
فنلاند، ۴۲۰
فومن، ۴۱۴
فیروزکوه، ۴/۱، ۱۰۷
فیض‌آباد قائنات، ۴۹
فیلادلفیا، ۳۷۸
قائم‌شهر، ۸۸
قائن، ۴۳۸
قاجر (روستایی در اطراف مهاباد)، ۴۷
قافلان کوه، ۴۷۳
قـــــاهره، ۳۰، ۴۷، ۶۰، ۲۴۵، ۵۶۰، ۵۷۸، ۶۴۹
قراگوز (روستا)، ۴۷
قروچا (روستا)، ۴۷
قـــزوین، ۱۷۸، ۳۰۶، ۵۴، ۳۴۰، ۴۱۴، ۵۰۳، ۵۷۹، ۶۱۸
قصرشیرین، ۶۷
قطر، ۱۲۴
قفقاز، ۳۱۸، ۵۶۴
قـــم، ۴، ۴/۱، ۴/۲، ۵، ۸/۱، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴/۱، ۱۶، ۲۱، ۲۷، ۳۰، ۳۰، ۳۹، ۴۰، ۴۱/۱، ۴۱/۲، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۵۲، ۵۲/۱، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸/۱، ۵۹، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۱/۱، ۶۳، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۲/۱، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۸۱، ۸۶/۲، ۸۶/۳، ۸۷، ۸۸/۱، ۸۹، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۶۶، ۱۷۶، ۲۴۷/۱، ۲۵۹، ۲۶۶، ۲۸۹، ۲۹۷، ۳۰۳، ۳۲۱، ۳۳۹، ۳۶۷، ۴۲۶، ۶۱۸، ۶۵۶، ۶۵۸
قوچان، ۱۴۲، ۲۲۷، ۸۸، ۴۳۰
قیش قورشاق (روستا)، ۱۹۷
کابل، ۱۷۶، ۱۷۹، ۲۷۵
کاج (قریه‌ای از توابع درجزین)، ۶۶۵
کازرون، ۱۱۸، ۱۶۷، ۲۳۹
کـــــاشان، ۱/۴، ۴۹، ۶۱/۱، ۶۸، ۸۳، ۱۲۲، ۱۳۴، ۱۷۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۷۸، ۲۸۱، ۳۲۷، ۴۵۲، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۱۸
کاشتر سنندج (روستا)، ۳۶۳
کاظمین، ۴۹، ۷۰، ۶۳۱
کالیداس، ۲۷۵
کالیفرنیا، ۲۴۵، ۳۳۸، ۴۶۹
کانادا، ۳۳۹

کراچی، ۶۰، ۷۷، ۲۷۵، ۲۸۳
کربلا، ۱۵، ۲۰، ۲۳/۱، ۱۶۱، ۳۰۲
کـــرج، ۱۵۱، ۱۹۱، ۱۹۱، ۲۲۱، ۴۳۶، ۶۰۰
کـردستان، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۷۶، ۵۴، ۶۶، ۷۶، ۳۳۸، ۳۶۳، ۵۶۲
کردستان عراق، ۱۹۱
کرکوک، ۴۴۵
کـرمان، ۱۰۱، ۲۲۵، ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۸۷، ۲۹۰، ۱۱، ۴۹، ۳۲۹، ۳۷۵
کـــرمانشاه، ۶، ۳۲، ۳۲/۱، ۴۹، ۶۷، ۱۱۹، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۷۴، ۱۹۸، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۳۶، ۲۴۶، ۲۴۷/۱، ۲۶۰، ۲۶۸، ۲۸۲، ۲۹۶، ۳۷۹، ۴۱۷، ۵۶۲
کسما، ۴۱۴
کشمیر، ۱۷۹
کلاته سری قاینات (روستا)، ۴۵
کلکته، ۱۵۲
کلمبیا، ۳۰۷
کلن، ۳۱۹
کَمَره (از توابع اراک)، ۶۰
کنگاور، ۹۱
کوچصفهان، ۲۷۳
کوفه، ۳۴، ۴۹، ۶۵۶
کوله ساره ورمشت (روستا)، ۳۳
کولیجه، ۲۰۱
کوهج (روستا)، ۸۴
کویت، ۱۲۴، ۲۷۵، ۷۷، ۸۶، ۵۰۶
کویته، ۷۷
کیلانه (روستا)، ۶۹
گچساران، ۱۴
گرگان، ۹۰، ۲۹۳، ۳۰۰، ۶۵۶
گرمه بجنورد، ۵۰
گرمه (روستا)، ۹۰
گزلاازقراء سفلای اردستان (روستا)، ۲۱۶
گلپایگان، ۵۸/۱، ۶۱، ۴۱۲
گوگد گلپایگان (روستا)، ۶۱
گیلان، ۳۱۸، ۴۳۶، ۵۰۶
گیلیارد دماوند، ۶۳۲
لاجیم، ۴۷۳
لار، ۱۲۷
لانگ آیلند، ۱۷۹
لاهور، ۱۵۲، ۱۷۹
لاهویا، ۴۶۹
لاهیجان، ۸۱/۱، ۲۰۷
لایبزیک، ۴۰۶
لبـــــنان، ۱۴۵، ۱۹۱، ۴۹، ۷۵، ۷۷، ۴۷۰، ۳۳۸، ۳۶۴، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۱۲
لرستان، ۴۱/۲، ۱۰۶، ۲۷۶، ۴۸۰
لس‌آنجلس (آمریکا)، ۶۶۰
لنـــــدن، ۱۷۹، ۲۲۸، ۲۵۳، ۴۳، ۷۷، ۴۷۴، ۴۸۵، ۳۷۹، ۳۸۳، ۴۰۴، ۴۴۱، ۴۵۷، ۵۱۳، ۵۶۹
لنگرود، ۱۹۶، ۲۲۲، ۲۹۹، ۶۰۹
لوزان، ۵۶۹
لیبی، ۸۸
لیورپول، ۴۷۴
مادرید، ۵۶۹
مارسی، ۵۶۰
مـــــازندران، ۱۲۴، ۲۸۴، ۸۸، ۵۰۶، ۶۵۶
ماسان (روستا)، ۳۳
ماسوچوست، ۴۶۹
ماسوله، ۴۱۴
مانیل، ۹۳
ماهان کرمان، ۶۵۶
ماهی‌دشت، ۷۶
محلات، ۱۱۶، ۶۴، ۴۴۴
محمد آباد (روستا)، ۸۱/۲
مدینه، ۸۴
مراغه، ۴۲۴
مرزجران اراک (روستا)، ۱۶۳
مرزدشت تنکابن، ۲۹۹
مرند، ۷۱
مرودشت، ۳۶۹
مریوان، ۳۱
مزینان (روستا)، ۴۳
مسجد سلیمان، ۱۱۳
مسکو، ۹۳، ۱۳۲، ۴۹۹
مشـــهد، ۱۷/۱، ۲۱، ۲۳/۱، ۳۲، ۴۱/۲، ۴۳، ۴۳، ۴۵، ۴۹، ۵۰، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۷۰، ۷۳، ۷۹، ۸۱/۲، ۸۲/۱، ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۹۷، ۹۸، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۷، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۲، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۱۴، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۴۳، ۲۴۷/۱، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۲، ۳۰۸، ۴۷۲، ۴۷۵، ۴۷۷، ۳۳۰، ۳۳۰/۱، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۷/۱، ۳۵۸، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۸۲، ۳۹۶، ۴۰۳، ۴۰۷، ۴۲۰، ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۴۹، ۵۲۸، ۵۴۳، ۵۹۷، ۶۲۸، ۶۵۰/۱، ۶۵۱، ۶۵۶، ۶۶۰
مـــــصر، ۸۴، ۹۸، ۱۷۹، ۱۹۱، ۲۱۴، ۲۱۹، ۳۳۸، ۴۵۳، ۵۹۸
مغولستان، ۹۳
مکریان، ۴۴۵
مکزیک، ۳۳۹
مکه، ۶۰
ملامحمد هزار جریب (روستا)، ۶۵
ملایر، ۱۱۶، ۱۴۳، ۳۴۱، ۴۴۴
ممسنی نورآباد، ۶۷
منجیل، ۴۷۳
مونترال، ۵۶۹
مونیخ، ۱۷۹، ۴۷۶
مهاباد، ۱۳۰، ۲۰۱، ۴۴۵، ۵۵۹
میامی (ده فرسنگی شاهرود)، ۴/۱
میانه، ۶۴۱
نایین، ۲۵
ناپل، ۵۹۰
نامور، ۳۹۴
نانسی، ۴۶۵

نپال، ۳۳۰
نـــجف اشـــرف، ۲، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۲۹، ۳۲، ۳۴، ۳۷، ۳۷/۱، ۴۰، ۴۱/۱، ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۷/۱، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶/۱، ۶۷، ۷۱، ۷۲، ۷۲/۱، ۷۴، ۷۹، ۸۱/۲، ۸۱، ۸۱/۱، ۸۲/۱، ۸۵، ۸۶/۳، ۸۸، ۳۶۴، ۴۴۴
نجف‌آباد، ۴۱، ۷۷، ۱۲۵، ۳۱۲
نجف‌آباد (روستا)، ۳۳
نژمار (روستا)، ۶۹
نطنز، ۵۶۸
نقده، ۴۷
نور، ۲۸۴
نوشهر، ۲۲۲
نهاوند، ۲۶۰
نِیَر (روستا)، ۲۷۶
نیشابور، ۱۲۱، ۳۰۴، ۶۴۴، ۶۵۶
نیوانگلند، ۴۶۹
نـــیویورک (آمـــریکا)، ۹۳، ۱۷۹، ۲۸۰، ۴۵۳، ۵۶۹، ۶۶۰/۱
واشنگتن (آمریکا)، ۶۵۶
وشنوه (روستا)، ۸۶/۳
وین، ۲۱۳، ۵۴۴، ۵۸۱
هامبورگ، ۱۶، ۳۱۹، ۴۲۰، ۵۵۲
هایدلبرگ، ۴۸۱
هلند، ۱۵۲، ۱۷۹، ۳۱۸، ۵۹۰، ۵۹۸
هـــمدان، ۱۸، ۲۶، ۴۹، ۶۷، ۷۵، ۸۹، ۱۱۹، ۱۱۹، ۱۵۰، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۸۰، ۲۰۹، ۲۵۰، ۲۷۲، ۴۷۳، ۴۳۵، ۴۳۵، ۴۴۱، ۵۳۳، ۵۴۲، ۵۷۹، ۵۸۴، ۵۹۷، ۶۵۶، ۶۶۰، ۶۶۵
هـــــندوستان، ۱۷/۱، ۳۰، ۴۹، ۹۸، ۱۰۲، ۱۴۴، ۱۵۲، ۱۷۹، ۲۱۸، ۲۳۴، ۲۴۹، ۲۷۵، ۳۰۹، ۳۱۸، ۳۳۰، ۳۳۳، ۳۶۹، ۳۹۲، ۳۹۳، ۴۵۴، ۴۵۷، ۵۱۲، ۵۲۶، ۵۶۱، ۵۹۸، ۵۹۹
هورالعظیم، ۹۹، ۲۰۸
هویه (روستا)، ۳۳، ۳۹۸
هیلورسوم، ۵۸۱
یـــــزد، ۱۳، ۵۲، ۶۶/۱، ۹۴، ۹۸، ۹۹، ۱۱۲، ۱۵۱، ۱۷۱، ۲۲۵، ۲۳۵، ۲۵۶، ۲۶۱، ۲۹۱، ۴۶۸، ۴۷۹، ۳۹۳، ۴۳۵، ۴۴۷، ۵۰۰، ۵۱۶، ۶۲۹، ۶۵۵/۱
یوگسلاوی، ۳۵۲، ۵۹۰
یونان، ۱۷۹، ۳۳۰، ۵۹۰، ۵۹۸

۶. نمایهٔ نام‌های مجله‌ها و روزنامه‌ها

آئینهٔ پزشکی، ۲۴۳
آتش، ۳۵۶
آتشبار، ۱۰۸
آدینه، ۱۱۷، ۱۷۷، ۲۸۳
آرش، ۱۷۹، ۲۴۰
آرمان، ۹۶
آریا، ۲۰۵
آزادگان، ۴۱۶
آژنگ، ۱۵۶
آشفته، ۲۳۷
آفتاب، ۱۰۲، ۳۱۱
آموزش و پرورش، ۱۴۳، ۱۶۰، ۱۷۶، ۲۱۶، ۳۰۵، ۳۹۱، ۴۳۳
آهنگ، ۵۴۴
آیندگان، ۴۱۷
آیندگان ادبی، ۲۸۳
آینده، ۱۰۲، ۱۱۷، ۲۱۶، ۲۲۷، ۲۶۶، ۴۸۹، ۳۶۱، ۳۷۲، ۳۷۶، ۳۸۳، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۳۶
آیندهٔ ایران، ۴۱۶
آیین، ۲۷۵
آیین اسلام، ۱۴۴
آیینهٔ پارس، ۱۲۷
اتحاد، ۴۲۱
اجتماع ملی، ۲۳۰
اجوبة المسائل الدینیه، ۲۳/۱
اخبار هفته، ۱۴۴
اخگر، ۱۲۲
ادارهٔ فرهنگ استان دهم، اصفهان، ۲۴۳
ادب، ۳۱۰
ادبستان، ۱۱۷
ارتش، ۳۲۰
ارمغان، ۹۶، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۹، ۱۴۱، ۱۵۶، ۱۶۹، ۱۷۶، ۲۰۷، ۲۳۷، ۲۸۵، ۲۸۸، ۲۹۲، ۳۰۱، ۴۳۴
استخر، ۲۳۰، ۲۶۵
استقامت، ۳۲۹
استوار، ۱۱۴
اسلام مکتب مبارز، ۱۶
اصفهان، ۲۴۳
اطلاعات، ۱۱۸، ۱۶۰، ۱۸۶، ۱۸۹، ۲۲۸، ۲۴۵، ۲۶۰، ۳۰۱، ۶۰، ۳۵۶، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۵، ۵۴۴، ۶۱۳
اطلاعات بانوان، ۲۴۴
اطلاعات جوانان، ۵۴۴
اطلاعات ماهانه، ۳۶۹، ۴۲۱، ۵۴۳
اطلاعات هفتگی، ۱۸۶، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۴۵، ۴۲۵، ۵۴۴
افراشته، ۱۵۶
افق شیراز، ۲۳۰
افکار ایران، ۴۱۶
اقدام، ۹۰، ۱۰۷
اقیانوس، ۱۲۷، ۱۳۵
اکباتان، ۴۳۵
الاخاء، ۲۶۹
الارشاد، ۲۳/۱
البیان، ۳۰
الغدیر، ۴۵۶
الفبا، ۲۸۳
المصور، ۵۹۸
النجف، ۳۰
الهادی، ۴۴
امید، ۱۴۴، ۱۶۹، ۲۴۵، ۴۰۱، ۴۲۱
امید ایران، ۱۵۶، ۲۰۳، ۲۳۲، ۲۴۴، ۲۹۰، ۵۶۰
انتقاد، ۱۵۶
اندیشه و هنر، ۱۷۷، ۴۴۶
اندیشهٔ آزاد، ۱۱۷
ایران، ۱۰۲، ۱۲۵، ۱۸۵، ۱۹۰، ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۶۴، ۴۱۶، ۴۲۱
ایران آباد، ۳۷۶
ایران امروز، ۴۰۴
ایران جوان، ۳۸۳
ایران‌شناسی، ۳۰۱
ایرانشهر، ۱۲۰
ایران کوده، ۴۴۶
ایران ما، ۱۳۲، ۱۳۵، ۲۷۹، ۲۹۳، ۳۳۰، ۴۱۶
ایرانیکا، ۴۲۱
ایمان، ۴۶
بابا شمل، ۲۵۱

بازتاب، ۴۵۹
بازی کودکان، ۳۰۷
باستان، ۴۶۶
باستان‌شناسی، ۳۰۹
باستانشناسی و هنر ایران، ۲۶۹
باغ صائب، ۱۵۶، ۲۰۷
بامشاد، ۱۰۴، ۴۷۸
بدر منیر، ۳۹۶
بررسی‌های تاریخی، ۲۴۰، ۲۲۹، ۲۶۹، ۳۲۰، ۳۲۸، ۳۶۱، ۳۶۹، ۴۳۱، ۴۳۴، ۵۴۳
بشیر، ۴۰۱
بندر و دریا، ۳۶۱
بوستان، ۱۱۶
بهار، ۱۱۶، ۱۶۱، ۲۵۰
بهار آذربایجان، ۳۹۷
بهار ایران، ۱۱۸، ۱۳۵، ۲۳۰، ۲۵۵، ۳۶۹
بهار شیراز، ۱۲۷
به سوی آینده، ۱۵۶
بیداری، ۳۲۹
بیمه، ۱۲۴
پارس، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۹۲، ۲۳۰، ۳۶۹، ۴۲۴، ۴۳۴
پارس قدیم، ۲۵۵
پایتخت، ۴۳۵
پرخاش، ۱۵۶
پرورش، ۴۱۴
پژوهشنامهٔ فرهنگستان زبان ایران، ۱۱۷
پست تهران، ۴۲۳، ۵۶۰
پست تهران سینمایی، ۴۲۳
پست و تلگراف، ۴۲۱
پشتکار، ۵۷۳
پشوتن، ۱۱۵
پند، ۳۲۵
پیام، ۴۱۴
پیام اسلام، ۴۱
پیام شهید، ۷۷
پیام کتابخانه، ۳۶۱
پیام نو، ۱۲۰
پیام نوین، ۱۲۰، ۱۷۴، ۳۲۶
پیغام، ۱۱۸
پیک، ۴۳۳
پیکار، ۱۳۲
پیکار اندیشه، ۳۷۰
پیکار مردان، ۱۱۴
پیک ایران، ۹۰
پیک جوانان، ۱۴۳
پیک دانش‌آموز، ۱۴۳
پیک کودک، ۱۴۳
پیک معلم، ۴۳۳
پیک معلم و خانواده، ۱۴۳
پیک نوآموز، ۱۴۳
پیک نوجوانان، ۱۴۳
تئاتر، ۵۷۳
تاریخ، ۳۶۱
تاریخ معاصر ایران، ۳۶۱
تاریخ و فرهنگ ایران، ۲۴۰، ۲۶۹، ۳۶۱
تازه‌های روان‌پزشکی، ۳۷۰
تبریز، ۲۰۵، ۴۲۴
تجدد ایران، ۴۱۶
تحصیل، ۳۶۱
تحقیقات اسلامی، ۲۱۴، ۳۴۸، ۳۶۱
تحقیقات روزنامه‌نگاری، ۳۶۱
تخت جمشید، ۱۱۸
تراثنا، ۵۶
ترقی، ۲۷۹
تعلیم و تربیت، ۱۲۵، ۱۵۲، ۱۵۲، ۳۰۱، ۳۷۲، ۴۲۱
تلاش، ۲۲۸، ۳۳۰
تماشا، ۱۱۵، ۱۷۴، ۲۲۸، ۳۰۱، ۳۹۵
تندر، ۲۵۰
توفیق، ۱۰۶، ۱۳۳، ۱۴۴، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۷۵، ۱۸۶، ۱۹۸، ۲۲۶، ۲۳۲
توفیق ادبی، ۹۰
تهران مصور، ۱۴۴، ۱۴۴، ۱۸۶، ۲۳۲، ۲۷۹، ۳۵۶
تهران مصور کوچولوها، ۳۰۷
جامعهٔ نوین، ۳۶۱
جانب غربی، ۳۴۸
جاویدان خرد، ۱۰۷، ۳۰۱
جگن، ۲۰۳
جمالیه، ۴۳۵
جُنگ اصفهان، ۲۳۸، ۲۸۳
جنگل‌ها، ۲۱۸
جوانان، ۲۴۵، ۴۳۲
جوانان دموکرات، ۱۵۶
جوانان رستاخیز، ۳۰۱
جهاد سازندگی، ۱۴۷
جهان آینده، ۳۱۱
جهان اخلاق، ۲۴۰
جهان امروز، ۳۹۳
جهان‌شناسی، ۶۴۲
جهان‌نما، ۱۶۵
جهان نو، ۲۰۳، ۳۴۱، ۳۹۱
چاووش، ۱۱۷
چلنگر، ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۵۶
چمن، ۱۱۶
چهره‌نما، ۱۵۶
چیستا، ۱۱۷
حبل‌المتین (کلکته)، ۱۰۲
حکمت، ۳۴۸
حیات اصفهان، ۱۵۶
خاطرات وحید، ۱۲۷، ۱۳۵
خبردار، ۱۴۴
خراسان، ۲۲۰، ۳۵۶
خرد، ۴۰۹
خلیج ایران، ۳۵۶
خواندنیها، ۱۴۴، ۱۵۶، ۲۳۲، ۲۷۹، ۴۱۷
خواندنی‌های تاریخی، ۳۶۱
خواندنی‌های قرن، ۳۶۱
خورشید، ۱۱۶
خورشید ایران، ۱۲۷، ۱۲۷

خوشه، ۱۰۴
خون (Blood)، ۴۶۹
خیام، ۱۱۱
داد، ۲۷۹
دارالفنون، ۴۸۳
دامون، ۵۷۶
دانستنیها، ۳۴۹
دانش، ۲۶۹، ۳۶۱، ۴۴۸
دانش‌آموز، ۳۰۷، ۵۴، ۴۳۳
دانشمند، ۴۷۷
دستاویز، ۱۱۸
دعوت اسلامی، ۲۴۷/۱
دنا، ۱۳۵
دنیای سخن، ۲۸۳
دوره گرد، ۱۵۶
دوستی ملت، ۵۷۳
دولت، ۲۱۶
رادیو ایران، ۳۰۱
راهنما، ۳۶۴
راهنمای کتاب، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۵۵، ۲۵۲، ۲۸۶، ۳۵۴، ۳۶۱، ۳۷۲، ۴۰۴، ۴۲۲، ۴۴۲
راه نو، ۳۷۶
رسانه، ۳۴۳
رشت، ۴۱۴
رعد، ۱۰۲
روح‌القدس، ۳۲۹
رودکی، ۲۸۳، ۵۵۲
روزگار نو، ۴۵۴
روشندل، ۱۶۳
روشنفکر، ۱۸۶، ۲۴۴، ۲۷۹، ۳۵۶، ۴۳۹، ۶۰۷
رهبر، ۴۰۶
رهنما، ۳۱۱
ریاضیات عالی و مقدماتی، ۴۸۸
زاگرس، ۲۵۰
زن روز، ۱۸۶، ۲۴۱
زمین و زمان، ۲۶۹
ژاندارمری، ۲۸۸، ۳۲۰
ژورنال دو تهران، ۳۲۶
ژونس موزیکال، ۵۵۲
سالنامهٔ آریان، ۳۰۱
سالنامهٔ خراسان، ۲۲۰
سالنامهٔ دبیرستان ادب اصفهان، ۲۴۳
سالنامهٔ شرق، ۳۰۱
سالنامهٔ فرهنگ خرمشهر، ۳۴۹
سالنامهٔ کشور ایران، ۳۶۱، ۴۴۶
سایه‌ها، ۴۲۳
سپید و سیاه، ۱۲۷، ۱۸۶، ۲۳۲، ۲۳۷، ۲۷۹، ۴۲۳، ۶۰۷
ستارهٔ جنوب، ۱۲۸
ستارهٔ جهان، ۱۰۲
ستارهٔ سینما، ۴۲۳، ۵۶۰
ستارهٔ صلح، ۲۵۲
سخن، ۱۱۷، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۵۵، ۱۷۷، ۱۷۷، ۲۰۳، ۲۱۳، ۲۳۸، ۲۴۷، ۲۵۷، ۲۶۹، ۲۸۳، ۲۸۴، ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۵۴، ۴۰۴، ۴۱۵، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۵۴
سخن علمی، ۴۷۸
سرچشمه، ۱۱۴
سرو، ۲۴۰
سروش، ۱۳۵، ۲۱۸
سروه، ۲۰۱
سعادت بشر، ۱۱۶
سنگر، ۵۷۳
سنندج، ۲۵۰
سوره، ۴۹۵
سینما، ۴۲۳
شاهکارها، ۵۶۰
شب‌چراغ، ۱۵۶
شبگیر، ۱۳۶
شبیخون، ۱۶۵
شرق، ۴۲۱
شرق میانه، ۱۳۵
شفق سرخ، ۱۰۲، ۱۲۵، ۱۶۱، ۱۸۵، ۲۴۷/۱، ۳۷۶، ۴۲۱
شمس (استانبول)، ۱۰۲
شهید، ۷۷
شیرکوه، ۱۰۲
شیر و خورشید، ۳۰۷
شیطان، ۱۹۸
صائب، ۲۳۸
صبا، ۱۲۵، ۲۴۵
صحیفهٔ آسمانی، ۳۳۵
صدای آذربایجان، ۲۰۵
صدای ایران، ۳۱۱، ۴۱۶
صدای شیراز، ۱۳۵
صدای کرمان، ۳۲۹
صدف، ۱۷۷، ۱۷۷، ۲۰۳
صنعت نفت، ۱۴۴
صورت، ۳۹۶، ۴۱۴
طلوع، ۴۱۴
طوس، ۲۲۰
طوفان، ۲۵۰، ۳۰۵
عدل، ۳۶۹، ۳۶۹
عرفان، ۱۲۵
عصر آزادی، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۹۲
عصر انقلاب، ۴۱۸
عکس، ۶۶۳/۱
علم و اخلاق، ۳۱۱
علمی، ۵۶۰
فارس، ۱۶۱
فردای پیروز، ۱۵۶
فردوسی، ۱۰۴، ۲۰۳، ۳۵۶، ۴۱۷، ۵۴۴
فروردین، ۱۳۵، ۲۱۸
فروغ، ۳۹۶، ۴۱۴
فروغ تربیت، ۳۶۹
فروغ علم، ۳۷۴
فروهر، ۴۴۶
فرهنگ، ۳۹۶، ۴۱۴
فرهنگ ایران‌زمین، ۳۷۲
فرهنگ خراسان، ۱۲۳، ۲۲۷
فرهنگ و زندگی، ۱۱۷، ۲۸۳، ۴۱۷
فرهنگ و هنر، ۱۱۵، ۲۲۸، ۳۰۹

فریاد، ۴۲۴
فکر آزاد، ۱۱۶
فکر جوان، ۴۱۴
فیلم و هنر، ۵۶۰
قیام ایران، ۱۴۴
قیام ملی، ۴۰۰
کارنامهٔ انجمن آثار ملی، ۱۱۵
کاریکاتور، ۲۳۲
کانون شعرا، ۱۴۹
کانون وکلا، ۴۲۴
کاوه، ۳۱۹
کتاب امروز، ۲۸۳
کتاب برگ سبز، ۲۰۷
کتاب جمعه، ۲۸۳
کتابخانهٔ ملی تبریز، ۲۴۰، ۳۸۴
کتاب هفته، ۱۷۷، ۲۰۳
کردستان، ۴۴۵
کرمانشاه، ۱۲۴، ۲۴۷/۱
کشکول، ۲۳۰
کلک، ۱۳۱، ۱۷۷، ۲۸۳، ۳۴۸، ۳۶۱
کوشش، ۱۰۲، ۲۷۹، ۳۳۵
کوهستان، ۱۹۱
کهکشان، ۱۳۵
کیهان، ۱۲۷، ۱۷۲، ۱۹۰، ۲۲۸، ۲۴۷/۱، ۲۶۴، ۲۷۸، ۳۲۲، ۳۴۳، ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۹۲، ۴۰۱، ۴۱۶، ۴۴۷، ۵۴۴
کیهان بچه‌ها، ۲۶۴، ۳۰۷، ۳۴۳
کیهان سال، ۳۴۳
کیهان علمی، ۳۴۳
کیهان فرهنگی، ۱۱۹، ۲۶۶، ۳۴۳، ۳۴۸، ۳۶۱، ۴۴۷
کیهان ورزشی، ۵۴۴
کیهان هفته، ۲۰۳
گاهنامه، ۴۰۷
گردون، ۲۸۳
گل آقا، ۱۴۴، ۲۲۶
گلبانگ، ۲۵۰
گلچرخ اطلاعات، ۱۱۹
گل زرد، ۱۶۹، ۱۸۵
گلستان، ۳۶۹
گل‌های رنگارنگ، ۱۱۸، ۲۹۶
گنجینه، ۴۷۷
گنجینهٔ اسناد، ۳۶۱
گوهر، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۷۱، ۲۸۸
لندن، ۳۹۱
لیتررری ریویوو، ۲۸۳
ما، ۱۹۸
ماهتاب، ۹۸، ۴۲۴
ماه نو، ۳۹۶
متلک، ۱۸۶
مجلس و پژوهش، ۴۸۵
مجلهٔ انجمن فلسفی کمبریج، ۴۸۸
مجلهٔ جغرافیا، ۳۳۲
مجلهٔ حقوقی، ۳۳۳، ۳۴۵
مجلهٔ علمی، ۳۹۴
محیط، ۲۱۶
مدرسهٔ دارالفنون تبریز (روزنامه)، ۳۶۱
مدنیت، ۴۳۵
مرد امروز، ۴۱۶
مردم، ۲۵۲، ۴۲۳
مردم‌شناسی، ۳۰۵
مرز آزاد، ۴۲۱
مرزهای دانش، ۳۰۱
مسلک، ۹۰
مصلحت، ۱۵۶
مطالعات تاریخی، ۳۳۹، ۳۵۰
معارف اسلامی، ۱۲۴، ۲۱۴، ۲۶۹، ۳۰۱، ۳۲۹، ۳۴۸، ۳۵۴
معارف جعفری، ۷۵
معلم امروز، ۲۴۰
معماری ایران، ۳۲۶
مقالات و بررسیها، ۲۱۴
مکتب اسلام، ۳۶، ۳۴، ۶۱/۱، ۷۵، ۸۸، ۴۳۰
مکتب تشیع، ۱۱، ۷۵
مکتب مام، ۴۳۲
ملت سنیه ایران (روزنامهٔ ملتی)، ۳۶۱
موسیقی، ۲۱۶، ۵۵۲، ۶۲۴، ۶۶۳
موسیقی رادیو ایران، ۶۴۵
مهر، ۹۶، ۲۲۸، ۲۸۴، ۳۰۱، ۳۰۹، ۳۶۹، ۳۷۲، ۳۷۶، ۴۰۴، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۳۸
مهر ایران، ۴۳۴
مهر منیر، ۱۱۶
میهن‌پرستان، ۴۱۶
نامهٔ انجمن کتابداران ایران، ۲۱۴
نامهٔ جوانان، ۳۵۱
نامهٔ دانشکدهٔ پزشکی، ۴۷۱
نامهٔ راه، ۳۴۱
نامهٔ سخنوران سپاهان، ۳۰۹
نامهٔ فرهنگ، ۳۴۸
نامهٔ فرهنگستان، ۳۰۵
نبرد، ۳۳۰، ۴۱۶
نجات ایران، ۴۳۵
ندای آسمانی، ۳۳۵
ندای عدالت، ۳۵۱
ندای غرب، ۲۵۰
نسیم شمال، ۱۴۹
نشر دانش، ۲۱۴، ۲۶۶، ۴۷۸، ۳۴۸
نشریه انجمن دین و دانش، ۶۳
نشریهٔ ادارهٔ موسیقی کشور، ۳۳۰
نشریهٔ انجمن ادبی سخن، ۲۳۶
نشریهٔ انجمن جغرافیدانان ایران، ۳۳۲
نشریهٔ بانک ملی، ۳۹۹
نشریهٔ بنیاد فرهنگ ایران، ۱۱۷
نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات اصفهان، ۳۰۱
نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۱۸، ۳۶۸، ۳۷۳، ۴۰۳
نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تهران، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۸۲، ۳۰۱، ۳۲۶، ۳۳۲، ۳۵۰،

۳۶۱، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۸۳، ۴۲۱، ۴۴۶
نشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تبریز، ۹۸، ۱۳۰، ۱۵۹، ۲۴۰، ۳۵۴، ۳۷۷، ۳۸۴
نشریهٔ دانشگاه تربیت معلم، ۳۸۹
نشریهٔ مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران، ۳۳۲
نشریهٔ وزارت امور خارجه، ۳۴۵
نقد آگاه، ۴۷۸
نقش جهان، ۱۵۶
نگاه نو، ۳۴۸
نگین، ۱۵۵، ۲۳۸، ۲۸۳
نمایش، ۵۷۳
نوبهار، ۱۸۵، ۲۵۰
نوروز، ۱۸۵
نوشخند، ۱۸۶
نهیب غرب، ۱۱۹
نیرو و راستی، ۵۴۴
نیشتمان، ۱۹۱، ۲۰۱
نیوزویک، ۴۸۵
وحید، ۱۱۹، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۳۵، ۱۷۲، ۱۷۶، ۲۴۵، ۲۴۷/۱، ۲۶۹، ۳۰۱، ۴۷۸، ۳۲۰، ۳۵۴، ۳۹۲، ۴۲۱، ۴۳۴
وطن، ۲۵۱
وقایع اتفاقیه، ۳۶۱
ویسمن، ۴۷۸
هدایت افکار، ۱۱
هفت هنر، ۲۷۸
همدان، ۳۹۱
هنر و زندگی، ۳۲۶
هنر و سینما، ۵۶۰
هنر و مردم، ۲۶۹، ۳۲۶، ۳۵۴، ۳۶۹، ۴۵۲
هنگامهٔ امروز، ۱۶۵
هوخت، ۳۰۹
هور، ۲۳۸
یادگار، ۱۱۸، ۲۲۷، ۴۲۲، ۴۴۸
یغما، ۹۰، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۷، ۱۳۵، ۱۵۶، ۱۷۲، ۱۷۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۴۰، ۲۸۶، ۲۸۸، ۳۰۱، ۳۰۵، ۴۷۲، ۳۱۰، ۳۲۰، ۳۲۹، ۳۵۴، ۳۶۱، ۳۷۲، ۳۹۱، ۴۰۴، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۴۲

۷. نمایهٔ عنوان کتاب‌ها

آئین زندگی در اخلاق اسلامی، ۲۱
آئین زندگی و درس‌های اخلاق اسلامی، ۲۱
آئین کامیابی، ۲۴۵
آئینهٔ جام، ۳۶۷
آب حیات، ۲۹۸
آبروی از دست رفتهٔ کاترینا بلوم، ۲۵۳
آب و خاک، ۲۲۲
آبیاری در ترکستان، ۴۲۹
آتش، ۲۵۷
آتشکدهٔ آذر، ۱۷۶
آتشکدهٔ اردستان، ۱۶۸
آتشکدهٔ خاموش، ۲۰۰
آثار الباقیه، ۳۵۳
آثار الشیعة، ۳۳۶
آثار الوزراء، ۲۵۸
آثار ایران، ۳۲۷، ۴۴۱
آثار باستانی آذربایجان، ۲۴۰
آثار تاریخی آیت‌الله طباطبایی حکیم قدس سره، ۵۹
آثار تاریخی جلگهٔ مرودشت، ۳۶۹
آثار تاریخی شهرستان کاشان و نطنز، ۴۵۲
آثار جاویدان خط، ۶۵۶
آثار درویش طبسی، ۳۵۴
آثار علوی، ۳۵۴
آثار علوی یا کائنات جو، ۲۶۲
آثار قدیمهٔ فارسی، ۴۰۷
آثار محلی فارس، ۱۱۸
آثار مقدس احادیث و اخبار اسلام، ۶۰
آثار ملی اصفهان، ۱۶۸
آثار میرزا ملکم خان، ۲۱۶
آثار و احوال ملاصدرا، ۲۷۹
آثار و احوال میرعماد، ۱۲۰
آثارة العقول، ۳۴
آخ اگر بهار بیاد، ۱۷۴
آخر شاهنامه، ۹۷
آخرین آثار، ۳۰۲
آخرین روز یک محکوم، ۳۷۶
آخرین شراره‌ها، ۳۷۵
آخرین گانگستر، ۲۷۹
آخرین نبرد، ۱۸۹، ۲۶۷
آخرین نفر، ۲۲۲
آداب المشق میرعماد الحسنی با آثاری از خوشنویسان بزرگ، ۱۲۰
آداب سخن ـ اصول فن خطابه، ۳۲۷
آداب مناظره، ۳۲۷
آداب نماز، ۱۴
آداب همزیستی و معاشرت، ۷۲/۱
آدم آدم است، ۲۵۳
آدم عوضی، ۲۳۲
آدمک حصیری، ۲۸۶
آذر، ۴۳۹
آذربایجان تابلوسی، ۴۲۴
آذربایجان و وحدت ملی ایران، ۴۲۴
آذرستان، ۱۰۹
آراء ائمه الشیعه فی الغلاة، ۶۰
آراء و عقاید، ۳۹۱
آراء و معتقدات جمال‌الدین افغانی، ۴۳۴
آرلزین، ۳۹۹
آرمان‌ها و واقعیت‌ها، ۳۴۸
آری اینچنین بود برادر، ۱۹۱
آزادی از دیدگاه اسلام، ۱۶
آزادی فرد و قدرت دولت، ۴۰۴
آزادی و استبداد، ۵۴
آزادی و تربیت، ۴۰۴
آزمایش‌های علمی، ۴۸۲
آستانهٔ حضرت عبدالعظیم، ۴۴۱
آستانهٔ ری، ۴۶۰
آسمان اشک، ۳۶۲
آسوموار، ۲۲۲
آسیا بعد از جنگ و زندگی کلاسیک، ۴۱۶
آسیا در کشمکش با اروپا (هون‌ها، ساسانیان)، ۴۴۸
آشغالدونی، ۴۲۹
آشنایی با ریاضیات جدید، ۳۶۰
آشنایی با علوم اسلامی، ۷۳
آشنایی با قرآن، ۷۳
آشوب یادها، ۳۷۵
آغاز وحی، ۴۳

آفاق قبله، ۶۰
آفتاب در آئینه، ۲۶۶
آفتاب معنوی، ۲۹۴
آفرین فردوسی، ۲۵۷
آقایان قضات! قاتل حقیقی را پیدا کنید، ۲۷۹
آقای رئیس جمهور، ۲۴۷
آکوستیک، ۳۲۴
آلبوم سکه‌ها و نشان‌ها و مهرهای پادشاهان ایران، ۴۸۷
آل رسول‌الله، ۶۰
آله کوک، ۱۹۱
آمار ریاضی، ۳۵۲
آمارگیری نمونه از دهات طهران و دماوند، ۳۵۲
آمارگیری نمونه‌ای مقدماتی، ۳۵۲
آمریکا، آمریکا، ۱۷۷
آمریکا و تعلیم و تربیت، ۴۲۸
آمریکا و جهان سوم، ۳۶۶
آمریکای بزرگ و حقوق بشر، ۳۲۲
آموزش تاریخ، ۳۳۴
آموزش جنسی اطفال، ۳۳۴
آموزش متحرک‌سازی، ۵۷۱/۱
آموزش مقدماتی سنتور، ۵۴۴
آموزش و پرورش، ۳۱۱
آموزش و پرورش از نظر غزالی، ۹۸
آموزش و پرورش در ایران (رساله)، ۳۳۴
آمون تیلاد، ۲۲۸
آنالیز ریاضی، ۴۸۸
آنالیز ریاضی اصول نظریهٔ توابع متغیر مختلط، ۴۶۵
آنترمزو، ۳۹۹
آنتی دورینگ، ۴۰۶
آنچه در بارهٔ حافظ باید دانست، ۲۱۶
آن روزها، ۱۵۵
آن زمان فرا خواهد رسید، ۲۶۳
آنژلیکا، ۲۸۶
آنک آن مرد، ۴۱۷
آنوش، ۲۳۸
آوار آفتاب، ۱۷۹
آوارگی من، ۲۷۹
آوارهها، ۲۷۹
آواز خدایان، ۲۲۱
آواز فرشتگان یا شعر کودکان، ۳۰۷
آوای نوگلان، ۳۰۷
آورندگان اندیشهٔ خطا، ۴۰۶
آه ایران عزیز، ۳۰۷
آیات اصول اعتقادی قرآن، ۷۵
آیات الاحکام، ۸۲
آیات بینات فی حقیقة بعض المنامات، ۴۸
آیات معجزه‌آسای قرآن، ۸/۱
آیات منتخبه قرآن، ۶۲۰
آی بی کلاه، آی باکلاه، ۱۷۷
آیت بصیرت، ۱۴/۱
آیرت، ۲۶۳
آی میقات‌نشین، ۱۸۹
آینده، ۱۸۹
آیندهٔ بشریت از نظر مکتب ما، ۵۴
آیندهٔ یک توهم، ۴۵۵
آینهٔ جادو، ۴۹۵
آینهٔ دانشوران، ۲۶۱
آیهٔ حجاب، ۵۴
آیین جهان‌داری، ۱۰۹
آیین دادرسی در اسلام، ۳۸۰
آیین دادرسی کیفری، ۴۶۰
آیین نگارش، ۱۹۸
آیینهٔ جام، ۳۶۷
آیینهٔ دل، ۱۰۹
ابدیت ایران، ۴۵۳
ابطال جواز الصلاة فی‌الحضر بلا وجود عذر و المطر، ۶۶
ابعاد گستردهٔ اسلام یا دوازده مقالهٔ حقیقی، ۴۴۰
ابعاد هنر نگارگری در ایران، ۳۹۵
ابکار الافکار، ۱۳۹
ابن سینا، ۳۹۲
ابن سینا، نابغه‌ای از شرق، ۲۷۹
ابن مقفع، ۳۳۹
ابواب رحمت، ۸۵
ابوشاکر، یک داستان علمی و تحقیقی، ۲۷۹
ابومسلم خراسانی، ۳۱۱
ابومسلم، سردار خراسان، ۳۰۸
اپرای سه‌پولی و صعود و سقوط شهر ماهاگونی، ۲۵۳
اتحاد اسلامی از نظر علامه اقبال، ۲۷۵
اتللو در سرزمین عجایب، ۱۷۷
اتم‌ها و مولکول‌ها، ۳۴۸
اتوبیوگرافی فرانکلین، ۳۳۰
اثبات الرجعة، ۵۷
اثبات وجود خدا، ۲۵۹
اجاره‌نشین، ۲۳۲
اجتماع پیرامون خانهٔ مقدس، ۶۰
اجتهاد و تقلید، ۸/۱، ۸۹
اجنه، ۱۶۹
اجوبة الشبهات الواهیه، ۵۹
اجوبة المسائل الدینیة، ۲۳/۱
اجوبة المسائل فی‌التفسیر، ۲۳/۱
اجوبة المسائل فی‌العقائد، ۲۳/۱
اجود التقریرات، ۳۴
احادیث استحباب آن، ۶۰
احتراز روح، ۴۹۵
احتراق بمب، ۳۹۰
احتمالات مقدماتی، ۳۵۲
احراق لانه‌های فساد، ۸۶/۱
احسن البیان، ۲۴
احسن اللغه، ۷۴
احصاء العلوم، ۱۵۵
احقاق الحق، ۱۰۷
احکام خراج، ۵۸
احکام دین، ۱۲
احکام رضاع، ۸۱/۲
احکام قضائی: مستندات ابواب قضا، قصاص، حدود و دیات تحریر

الوسیله امام خمینی، ۷۲/۱
احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، ۲۶۲
احوال و آثار خوشنویسان، ۱۲۰
احوال و آثار محمد بن جریر طبری، ۱۷۲، ۳۹۲
احوال و آثار ملک الشعرای بهار، ۲۶۲
احوال و افکار و منتخبات عرفی شیرازی، ۱۹۸
احیاءالملوک در تاریخ سیستان، ۳۷۲
احیاء المیت به فضایل اهل بیت، ۴۱/۱
احیاء علوم‌الدین، ۱۵۵
اخبار سلاجقه روم، ۲۶۹
اختران تابناک، ۶۴
اختناق ایران، ۳۵۶
اخلاق، ۲۴۳، ۹، ۴۱۴
اخلاق جنسی، ۷۳
اخلاق در قرآن، ۸/۱
اخلاق روحی، ۳۷۶
اخلاق محتشمی، ۳۵۴
اخلاق نیکوماخوس، ۳۲۹
اخلاق نیکوماک، ۲۶۷
اداره‌نامه، ۱۶۹
ادب الرفیع، ۹۷
ادب‌النفس، ۴۴۹
ادب الوجیز و تولی و تبری از خواجه طوسی، ۳۵۴
ادب و ادبیات، ۴۲۴
ادبیات عرب، ۳۶۸
ادبیات مانوی، ۱۱۷
ادبیات مشروطیت، ۴۵۲
ادوار فقه، ۴۶
ادبیات پارسی (مدرسه‌ای)، ۲۴۰
اراجیف الاجنه، ۱۶۹
اربعون و مأتا مسئله فقهیة، ۵۱
اربعینات، ۲۰
اربعین الهاشمیه، ۹
اربعین حدیث از اصول و فروع، ۵۸
ارتباط افکار حافظ و مولانا (رساله)، ۱۷۶
ارتباط افکار حافظ و مولوی، ۱۷۶
ارث، ۴۱۰
ارجوزه یا جنگ زاهد، ۵۸/۱
ارجوزة القیامة، ۸۶/۱
ارداویرافنامه منظوم زرتشت بهرام پژدو، ۲۱۸
ارداویرافنامه یا بهشت و دوزخ در آیین مزدیستی، ۲۱۸
ارزش احساسات، ۵۴۳
ارزش علمی و عملی نظریات فروید، ۴۵۵
ارسطاطالیس حکیم، نخستین مقالهٔ مابعدالطبیعه موسوم به مقالة الالف الصغری، ۴۳۸
ارشاد، ۴۴۹
ارشاد از نظر اسلام، ۲
ارغنون، ۹۷
ارکان دین، ۸۵
ارمغان اصفهان، ۴۵۰
ارمغان پاک، ۵۱۶
ارواح، ۳۸۱
ارواح و اشباح، ۱۹۸
اروپا و عقب‌ماندگی آسیا، ۳۶۶
از آستارا تا استارآباد، ۳۷۲
از آسمان سبز، ۲۹۹
ازاحة الشبهات فی‌الشک فی الرمعات، ۴۹
ازاحة الشبهة فی حکم الافاق المتحده و المختلفه، ۴۹
از استالین تا خروشچف، ۳۲۲
ازالة المحاده عن ملک المنافع المتضادة، ۳۴
از امروز تا هرگز، ۱۱۱
از این ستاره تا آن ستاره، ۲۹۹
از باورد تا ابیورد خراسان تا ابتورد یا ابوالورد فارس، ۲۳۹
از بیرون گود، ۳۲۵
از پرویز تا چنگیز، ۱۰۳
از جهان تا ابدیت، ۳۹۰
از چشم غربی، ۲۸۳
از خداپرستی تا خودپرستی، ۳۲۱
از خودگذشتگی زنان، ۲۵۷
ازدواج، ۹۴
ازدواج اسلامی، ۳۷
از رودکی تا بهار، ۲۹۶
از زندگانی چه می‌دانیم، ۴۶۱
از سعدی تا جامی، ۱۵۲
از صبا تا نیما، ۳۱۰
از طائیس تا سقراط، ۴۰۲
از طاهریان تا مغول، ۳۲۸
از عرب تا دیالمه، ۳۲۸
از کاروان رفته، ۱۱۱
از لیبرالیسم تا سوسیالیسم، ۴۲۴
از میان ریگ‌ها، ۴۰۶
ازوپ در کلاس درس، ۱۴۳
از هر چمن گلی، ۴۱۴
از هر گلزار گلی، ۴۴۵
از یاد رفته، ۱۵۳
اساتید و مشایخ شیخ طوسی، ۵۶
اساس الاقتباس، ۲۶۲
اساس علم نحو، ۱۵
اساسی‌ترین نیاز عصر ما، ۴۳۰
اساطیر ایران، ۱۱۷
اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی، ۲۱۸
اسب سواری، ۲۲۸
اسب عالی، ۲۸۳
استالین تزار سرخ، ۲۷۹
استخراج آب‌های پنهانی، ۱۵۵
استعاذه، ۳۷
استعمار، ۷۵
استعمار در سرزمینهای توحید، ۸۸/۱
استفتائات، ۱۴
استقامت، ۵۱
اسرائیلیات، ۳۹۸
اسرار الشهادة، ۸۶/۱

اسرار الصلوة، ۳۲، ۲۵۸
اسرار حج، ۸/۱، ۶۰، ۲۵۹
اسرار خودی و رموز بی‌خودی، ۲۶۶
اسرار شهریاری، ۳۵۴
اسرار عاشورا، ۳۰۲
اسرار مانیتیسم، ۲۲۰، ۳۸۱
اسرارنامه شیخ عطار، تصحیح، ۲۵۲
اسرار نیک‌بختی، ۱۲۵
اسرار و آثار واقعهٔ کربلا، ۳۰۱
اسرار هفت‌گانه، ۲۷۹
اسطوره‌های انقلابی در جهان سوم، ۳۶۶
اسفار، ۱۶
اسکلت سبز، ۳۹۰
اسلام، ۲۱۴
اسلام از دیدگاه قرآن و عترت، ۴۱/۱
اسلام از نظرگاه دانشمندان غرب، ۱۵۲
اسلام پیشرو نهضت‌ها، ۲۷، ۷۵
اسلام تنها راه مبارزه با استعمار، ۸/۱
اسلام دین واقع‌بین، ۱۶
اسلام، دین و امت، ۲۶۷
اسلام صراط مستقیم، ۵۹
اسلام ما، ۵۱
اسلام مذهب رسمی ما، ۱۱
اسلام و انسان معاصر، ۵۵
اسلام و جاهلیت، ۳۷۴
اسلام و جوانان، ۳۲۱
اسلام و حقوق کارگران بردگان استعمار، ۷۵
اسلام و سوسیالیسم در مصر، ۴۱۱
اسلام و مالکیت، ۵۴
اسلام و مقتضیات زمان، ۷۳
اسلام و مکتب‌های معاصر، ۱۶
اسلام و موسیقی، ۲۵۴
اسلام یا آیین کلیسا، ۴۱
اسلام یا کمونیسم، ۳۲۱
اسناد تاریخی وقایع مشروطهٔ ایران، ۴۲۲
اسناد فارسی عربی و ترکی در آرشیو پرتغال در باره هرمز و خلیج فارس، ۴۲۲
اسناد و مدارک اجتماعی سیاسی دوران قاجار، ۴۵۸
اسناد و مدارک ایرانی بودن سید جمال‌الدین اسدآبادی، ۱۴۱
اشتباه عمدی، ۸۳
اشتباه لپی، ۵۵۰
اشعار جدید، ۱۷۸
اشعار محلی اراک، ۱۶۳
اشعار منتخب شاعران رمانتیک فرانسه، ۴۲۱
اشعار نغز، ۱۱۸
اشکانیان، ۴۲۹
اشک عاشورا، ۳۰۴
اشک معشوق، ۱۵۳
اشک ملت، ۱۴۹
اشک مهتاب، ۱۸۶
اشک و سرنوشت، ۱۱۱
اصحاب رسول‌الثقلین فی‌حرب الصفین، ۸۶/۳
اصطلاحات آلمانی ـ فارسی، ۳۱۹
اصفهان خونین‌شاه صفی، ۴۲۵
اصفهان نصف جهان، ۳۷۲، ۴۰۷
اصفهانی چلمن، ۵۵۰
اصلاح گاو به‌وسیلهٔ انتخاب، ۴۹۱
اصلاحات اجتماعی، ۳۱۱
اصلاحات ارضی (رساله)، ۳۷۹
اصول، ۵۹
اصول آماری و کلیات آمار اقتصادی، ۳۹۹
اصول الصرف، ۱۷۲، ۳۹۲
اصول الفقه، ۴۱۳
اصول النحو، ۱۷۲، ۳۹۲
اصول بایگانی، ۳۹۹
اصول پنجگانه اعتقادی و اصول دین، ۸۸
اصول تربیت جسمانی و حفظ الصحه، ۳۲۷
اصول تصوف، ۳۱۳
اصول تعلیم و تربیت، ۴۲۱
اصول جدید، ۱۹
اصول حکومت آتن، ۴۰۲
اصول دین، ۴۱/۱، ۸۵
اصول دین و احکام، ۱۲
اصول دین و احکام برای خانواده، ۱۱
اصول روانشناسی، ۳۸۳، ۴۰۴
اصول روش‌های ریاضی و آمار، ۴۶۵
اصول عقاید، ۵۷/۱، ۶۳
اصول عقاید و اخلاق شریعتی، ۴۳
اصول فقر و تصوف، ۲۲۱
اصول فلسفه و روش رئالیسم، ۱۶، ۵۵
اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی و خصوصی تهران، ۳۹۹
اصول فن مناظره، ۱۵۲
اصول کافی، ۴۴۰
اصول نامه‌نگاری و انشاء، ۳۹۰
اصول نظریهٔ ریاضی احتمالی، ۴۶۵
اصول و روش رئالیسم، ۷۳
اصول و عقاید، ۲۱
اضاة القلوب، ۳۴
اضواء علی الذریعة، ۵۶
اطلس آموزشی، ۴۶۶/۱
اطلس سونوگرافی، ۴۸۴
اعتراف، ۲۸۴
اعترافات، ۲۶۷، ۳۹۰
اعتماد به نفس، ۱۶۱
اعتیادهای خطرناک، ۴۱
اعلان حقوق بشر، ۴۲۴
اعلان‌ها و اعلامیه‌های دورهٔ قاجار، ۳۶۱
افتخارات ایران، ۱۱۸
افسانه زندگی یا خواب پریشان، ۴۶۶
افسانه سیمرغ، ۲۴۷
افسانه‌ها، ۳۷۵

افسانه‌ها یا کرامت‌های خیالی، ۸۳
افسانه‌های کردی، ۴۲۹
افسانهٔ شب، ۱۷۸
افغانستان، ۳۴۸
افغان‌نامه، ۱۰۲
افق اعلی، ۶۰
افقِ الفت، ۲۲۳
افق وحی، ۶۰
افکار پریشان یا مقالات سعید، ۴۱/۱
افکار سهروردی و ملاصدرا یا خلاصه‌ای از حکمةالاشراق و اسفار، ۳۵۳
افکار عمومی و ارتباطات، ۳۱۴
افکار کوچک و دنیای بزرگ، ۲۷۹
افکار مترلینک، ۲۷۹
افلاطون، ۳۲۹
اقبال شاعر و متفکر اسلام، ۲۷۵
اقبال‌شناسی، ۳۷۴
اقتراح مطروحهٔ انجمن ادبی صائب، ۱۵۶
اقتصاد، ۸/۱
اقتصاد اجتماعی، ۳۳۱
اقتصاد تسلیحاتی و جنگ، ۳۶۶
اقتصاد ملی، ۴۵۷
اقتصاد ملی و رهبری دولت، ۲۷۵
اقلیم پارس، ۴۴۱
اکتشاف دریاها، ۳۴۹
اگر آقای فاوست یک کم معرفت به خرج داده بود، ۶۵۷
الابناء فی تاریخ الخلفاء عمرانی، ۱۲۳
الاجتهاد و التقلید، ۵۱، ۵۹
الاحادیث النبویه (ص)، ۸۶/۳
الاحتجاجات العشره، ۴۹
الاحتجاج بالتاج علی اصحاب اللجاج، ۸۵
الاخبار الدخیله و مستدرک آن، ۴۸
الاراجیف، ۱۸۶
الاربعون المنتقی من مناقب المرتضی، ۵۶
الاربعون حدیثاً، ۴۸، ۴/۲
الاربعین حدیثاً من‌الائمة الاطهار (ع)، ۸۶/۳
الاربعین من الاربعین عن الاربعین، ۲۵۸
الارشاد فی شرح حال صاحب بن عباد، ۴۰۷
الارواح، ۳۱۱
الاستاذ الاجلّ سعدی الشیرازی، ۱۳۰
الاسلام و الشیعه (الامامیه) فی أسها التاریخی و کیانها (الاعتقادی)، ۴۶
الاصول الاصلیة، ۲۵۸
الاعلام الهادیه فی اعتبار الکتب الاربعه، ۸۵
الاغانی، ۲۶۶
الاقطاب القطبیه، ۳۵۴
الامامة و الشیعه، ۴۹
الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، ۲۳/۱
الاوائل، ۴۸
الایام، ۱۵۵
الایضاح، ۲۵۸
الایضاح فی الطلاق و النکاح: مباحث تحقیقی در بارهٔ صیغه‌های نکاح و طلاق، ۸۶/۲
البدایع، ۴۸
البکاء علی الحسین، ۸۱/۲
البیان فی تفسیر القرآن، ۳۴
التحصیل، ۴
التحفة الکاظمیه فی قتل الحیوانات بالالات الکهربائیه، ۴۹
التدوین فی ذکر اخبار قزوین، ۲۵۸
التصفیه فی احوال المتصوفه، ۳۰۸
التطبیق بین السفینة و البحار، ۴۴۰
التفاضیل، ۱۳۵
التفضیل، ۲۵۸
التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، ۳۰۱
التقریب، ۳۹۸
التنبیهات العلیة علی وظائف الصلوة القلبیة، ۲۵۸
التنبیهات و الاشارات ابن‌سینا، ۴۶
التنبیه و الاشراف، ۱۲۵
التواریخ رشیدی، ۳۵۴
التوازین فی تفسیر حالات آن و این، ۹۱
الثقلان فی تفسیر القرآن: سوره مبارکه فاتحة الکتاب، ۷
الجزایر و مردان مجاهد، ۴۰۰
الجنة العاصمة، ۸۱/۲
الجهاد و الثورة، ۵۱
الحاشیة علی العروةالوثقی، ۴۹
الحب، ۸۶/۱
الحجاب فی‌الاسلام، ۸۶/۳
الحدیث، ۶۰
الحدیث المتواتر فی غزوة خیبر، ۸۶/۳
الحسین (ع) و السنة، ۵۶
الحق المبین، ۶۴
الحق المبین فی تحقیق کیفیة التفقه فی الدین، ۲۵۸
الدراسات الدینیه، ۲۰
الدر الثمین فی التختم بالیمین، ۵۷
الدر المکنون، ۸۱/۲
الدرالمنضود فی احکام الحدود، ۶۱
الدرّ البیض فی منجزات المربض، ۴۹
الدرة المضیئة فی احکام انیة الذهب و الفضة، ۶۸
الدلائل البرهانیة فی تصحیح الحضرة الغروبة، ۲۵۸
الذریعة، ۵۶، ۵۸
الرد علی مدّعی التحریف؛ مصطلحات فقهیّه، ۷۰
الرسالة الربیعیه فی تصحیح النیابة العبادیه، ۴۹
الرسالة الرجبیة، ۴۹

الرسالة العلية فی الحادیث النبوية، ۲۵۸
الرسالة الكمالية فی الحقائق الالهية، ۳۷۱
الرسالة المبصرة فی احوال البصيرية، ۴۸
الرسول و الشيعه، ۴۱/۱
الرسول يحدثنا، ۴۱/۱
الرسول يدعوكم، ۴۱/۱
السجود علی التربة الحسينية، ۲۳/۱
السعاده فی‌الاهتمام علی‌الزيارة، ۵۹
السنة و الشيعه فی‌الميزان، ۳۰
السيوف البارقه، ۶۴
الشيخ المفيد و عطاؤه الفكری‌الخالد، ۵۶
الشيعه و الرجعة، ۵۷
الشيعه و هجمات الخصوم، ۵۶
الصحابة الكرام، ۴/۲
الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المحرقة، ۲۵۸
الصيدنه فی الطب، ۳۶۷
الطريق القويم الی جنة النعيم، ۲۳/۱
الطريق المستقيم فی بيان اصول‌الدين، ۲۳/۱
الطهاره، ۶۵۶
العدالة فی الفقه، ۵۱
العقائد الحقه، ۷۸
العقائدالوثنيه فی‌الديانةالنصرانيه، ۵۹
العلوی الطوسی، محمد، ۱۵۵
الغارات، ۲۵۸
الغاية القوی، ۷۰
الغدير، ۵۶
الغدير فی التراث الاسلامی، ۵۶
الغرر و الدرر، ۴۸
الفبای مبارزه، ۴۰۶
الفباء و املاء جهانی، ۲۲۸
الفصول الفخرية فی اصول البرية، ۲۵۸
الفصول المختاره من العيون و المحاسن معروف بمجالس، ۴۳۷
الفضايل المستخرجة من المعجم الصغير، ۸۶/۳
الفقه تشريعه و تنبيه و استنباطه، ۴۱/۱
الفقه علی مذهب اهل البيت ـ كتاب الصلاة، ۵۱
الفلسفة العليا، ۵۱
الف ليله و ليله، ۱۵۲
الفوائد، ۵۹
الفوائد الفاطمية فی‌الاصول، ۴۱/۲
الف و داستان‌های ديگر، ۲۸۳
الفهرس الوصفی للمنتخب من المخطوطات العربة فی مكتبات تركيا، ۵۶
الفيه، ۳
الفية علی هامش علم الامام (ع)، ۸۶/۱
القرآن والحجة، ۲۰
القرآن و العقل، ۵
القصاص عَلیٰ صوء القرآن و السنته، ۷۰
القواعد الثلاث: تجاوز، فراغ، حيلولة، ۵۱
القول الفصيح فی اصول الدين الصحيح، ۵۷
الكاشف عن الفاظ نهج‌البلاغه فی شروحه، ۴۴۰
الكتروديناميک، ۴۷۰
الكتريسيته، ۴۳۳
الكلمة التامه فی تراجم اكابر العامه، ۶۴
الكليم فی القرآن، ۵۱
الكواكب الحسينية، ۵۷/۱
اللئالی المنضودة فی تفسيرالايات المأثوره، ۲۰
اللطائف، ۳۳۷
اللمعة الالهية (و) الكلمات الوجيزه، ۴۵۲
اللوامع‌الالهية فی المباحث‌الكلامية، ۵۹
الماس‌ها، ۴۰۶
المباحث الاصوليه، ۵۹
المحاسن برقی، ۲۵۸
المحافل، ۳۷۷
المختار فی الجبر و الاختيار، ۵۸
المراجعات، ۲۴۷/۱
المسائل منتخبه، ۳۴
المسألة الرجوعيه فی حكم المطلقة الرجعيه، ۴۹
المسلسلات فی الاجازات، ۷۰، ۷۰
المسيح فی القرآن، ۵۱
المشاهد و المزارات، ۷۰
المعالم الاصول، ۸۶
المعالم المأثوره، ۴
المعالی، ۶۴
المعمرّون، ۴/۲
المعول فی امر المطول، ۷۰
المكاسب المحرمة، ۱۴
المنجد، ۱۵۹
المنطقيات الفارابی، ۳۵۴
المنهاج، ۸۴
المنية فی تحقيق حكم الشارب و اللحية، ۵۷
المواعظ، ۵۷/۱
المهدی الموعود و دفع الشبهات عنه، ۲۳/۱
المهدی (ع) فی السنة النبوية، ۵۶
النجعة فی الرجعة، ۵۷
النجعة فی شرح اللمعة، ۴۸
النعمان، شيخ مفيد محمد بن محمد، ۲۶۹
النفحات الرحمانية فی الواردات القلبية، ۹
النقض، ۲۵۸
النكاح و الطلاق، ۵

النکت الاعتقادیة، ۲۶۹
النور الساطع فی احوال مولانا الامام الصادق (ع)، ۸۶/۳
النوروز فی‌الاسلام، ۲۳/۱
النهایه و ترجمه آن، ۳۵۴
النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۳۷۱
النهجة فی احوال الحجة (ع)، ۵۷/۱
الواح بابل، ۱۵۲
الواح گلی تخت جمشید، ۴۴۱
الوامع‌التور فی علایم الظهور، ۸۱/۲
الوجیزه، ۴۳۸
الوقت و القبلة، ۷۰
الهدایة الی تواریخ الهداة السادة، ۵۸/۱
الهدایة فی معاضل الکفایة، ۷۰
امامت و رهبری، ۷۳
امام حسین، ۳۶۴
امام حسین (ع) و ایران، ۲۷۹
امام حماسه‌ای دیگر، ۱۱۱
امامزاده عبدالله (ع) در ری، ۶۰
امام علی بن ابیطالب، ۵۴
امام علی (ع) پیشوا و پشتیبان مرزهای عقیده، ۸۸/۱
اما من شما را دوست می‌داشتم، ۳۰۸
امام و امامت از دیدگاه اسلام، ۴۹
امانت‌داری خاک، ۴۴۱
امانت در نهج‌البلاغه، ۴۳
امپراطوری گسسته، ۳۸۲
امثال القرآن، ۶۴
امثال قرآن مجید، ۱۵۲
امدادهای غیبی در زندگی بشر، ۷۳
امراض زنان، ۴۸۹
امر به معروف و نهی از منکر، ۱۶، ۵۸
امشب نوع بشر محو می‌شود، ۲۷۹
امضای مرموز، ۴۲۹
ام ــ قاتل، ۲۱۳
املاء فارسی نو، ۲۰۵
امناءالهی در کتاب سلمان فارسی و ابوذر غفاری، ۶۰
امواج یک روح متلاطم، ۲۴۸
امیدها و ناامیدیی‌ها، ۳۷۹
امیدهای نو در جهانی که در حال تغییر است، ۳۸۷
امیرکبیر، ۳۷۶
امین و مأمون، ۱۵۲
انباء السماء برزیّة کربلاء، ۵۶
انتخاب و انطباق منابع فارسی برای تدوینِ کتاب‌های کودکان و نوجَوانان، ۲۵۷
انتقام عشق، ۹۸
انتقام گربه، ۲۷۹
انتقام مروارید، ۲۵۷
انتقام معجزه‌آسا، ۴۱۱
انتگرال‌های چندگانه و آنالیز برداری، ۴۶۲
انتلکتول و دیگری، ۴۴۸
انجمن آثار ملی، ۱۱۵
انجمن دوستی، ۶۴۵
انجمن‌های ادبی شیراز از اواخر قرن دهم به امروز، ۴۱۹
انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت، ۳۵۶
انحرافات و مبارزه با استعمار، ۸/۱
انحطاط و سقوط امپراتوری روم، ۴۵۴
اندام‌شناسی اسب، ۴۹۱
اندرزنامه، ۲۸۹
اندرزنامهٔ ادیب بیضائی یا ۴۴ تعلیم، ۱۲۲
اندیشه‌ها و رسالات، ۲۶۷
اندیشه‌های اقبال لاهوری، ۳۷۴
اندیشه‌های شهید باهنر، ۱۱
اندیشه‌های من یا دامنه‌های خیال، ۲۸۹
اندیشه‌های نهرو، ۳۳۰
اندیشه‌های یک مغز بزرگ، ۲۷۹
اندیشهٔ روشن، ۱۰۰
اندیشهٔ سیاسی در اسلام معاصر، ۴۱۱
انرژی هسته‌ای، ۴۳۳
انساب سادات، ۸۱/۲
انسان، ۲۷۹
انسان آینده، ۳۴۱
انسان در تکاپوی تمدن، ۳۷۶
انسان در قرآن، ۸/۱
انسان در قرآن کریم، ۱۸۲
انسان‌دوستی در اسلام، ۳۰۸
انسان کامل، ۷۳
انسان و پراتیک اجتماعی و رفتار فردی وی، ۴۰۶
انسان و خدا، ۳۲۱
انسان و خودسازی، ۱۱
انشعاب در بهائیت، ۳۵۶
انعکاس دیروز در آئینهٔ امروز، ۴۴۱
انفجار جمعیت، ۲۹۴
انقلاب اسلامی در ایران، ۳۴۸
انقلاب در پرتو وحی، ۸/۱
انقلاب فرهنگی، ۱۱
انقلاب مشروطیت ایران، ۳۶۱
انقلاب ناتمام روسیه، ۳۶۶
انگشتر الماس، ۲۰۵
انگلستان چگونه اداره می‌شود، ۴۳۹
انگلیسی (دبیرستانی)، ۳۲۷
انگیزهٔ حق، ۴/۱
انوارالمجالس، ۶۵۶
انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، ۱۴
انوار درخشان، ۲۶
انوار نعمانیة، ۵۹
انواریهٔ سهروردی، ۴۱۷
انیس التجار، ۸۹
انیس المقلّدین، ۴۹
انیس‌الموحدین، ۵۹
اوراق پراکنده، ۲۴۷/۱، ۳۳۵
اورام ملتحمه، ۴۶۶
اوستا، ۳۹۵
اوصاف الاشراف خواجه نصیر طوسی،

۲۴۷/۱
اوضاع ایران قبل از مشروطیت، ۲۷۵
اوضاع علمی، فرهنگی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۴۵۰
اوضاع و احوال عشایر فارس از آغاز قاجاریه تا انقراض سلسله پهلوی، ۲۳۹
اولین برخورد، ۳۵۱
اولین چاپخانه در ایران، ۳۵۶
اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ۴۶۸
اولین غم و آخرین نگاه، ۱۸۶
اولین قانون اساسی مکتوب در جهان، ۳۷۴
اوهام خواص، ۱۱۶
اهل‌البیت علیهم السلام فی المکتبة العربیة، ۵۶
اهل‌البیت و آیةالمباهلة، ۸۶/۳
اهل هوا، ۱۷۷
اهمیت ارنست بودن، ۳۷۶
ایام کودکی، ۹۸
ایام محبس، ۱۶۱
ایتر پرسیکوم، گزارش سفارتی به دربار شاه‌عباس اول، ۳۳۰
ایختیاندر، ۲۲۲
ایران از نگاه گوبینو، ۲۸۶
ایران، اسلام، تجدد، ۳۴۸
ایران امروز، ۴۲۲
ایران، جهان باستان و کوروش کبیر، ۲۱۵
ایران در برخورد با استعمارگران، ۴۵۳
ایران در برخورد با غرب (رساله)، ۳۸۳
ایران در تماس با مغرب زمین، ۳۸۳
ایران در دو سدهٔ واپسین، ۴۰۶
ایران در عهد باستان، ۲۶۹
ایران در فرهنگ جهان، ۱۵۲
ایران‌شناسی در اروپا و ژاپن، ۳۴۸
ایران، کلده و شوش، ۲۲۹
ایران و ایرانیان، ۴۲۵
ایران و بابر، ۲۷۹
ایران و جهان اسلام، ۳۳۹
ایران و قضیهٔ ایران، ۴۵۷
ایرانویچ، ۲۲۹
ایرانیان ارمنی، ۳۵۶
ایفی‌ژنی، ۳۷۶
ایلخچی، ۱۷۷
این است زندگی، ۲۸۰
باب‌الولایه، ۸۶/۱
بابک، ۲۸۴
بادبزن خانم و بندر مرسالومه، ۳۷۶
باران سیاه، ۴۲۹
باران‌های عیش ما، ۲۸۳
بازدید کتابخانه‌های هندوستان، ۳۳۶
بازرس دلباخته، ۲۷۹
بازرسی من، ۲۷۹
بازرگانی محمد (ص)، ۲۶۱
بازگشت، ۱۳۵، ۱۷۷
بازگشت به الموت، ۴۴۶
بازگشت به شهر زمرد، ۱۴۴
بازگشت به میهن، ۲۷۵
بازنویس تحفهٔ مظفریه، ۲۰۱
بازی با آتش، ۲۷۹
بازی با الفبا، ۳۰۷
بازی جوانان با سیاست، ۳۲۱
بازیگران عصر طلایی، ۳۵۱
بازیگران قرون: برهه‌ای از تاریخ در قالب یک داستان، ۶۱/۱
بازی مرگ، ۴۲۹
بازی‌های نمایشی، ۱۰۸
بازی‌های ورزشی، ۱۴۳
باستان‌شناسی ایران باستان، ۳۲۶
باغچهٔ ریحان، ۱۸۵
باغداری مرکبات، ۴۸۶
باغ گذرگاه‌های هزار پیچ، ۲۸۳
باغ نغمه‌ها، ۳۰۷
با فرهنگ لغت‌های تاجیکی، ۳۷۵
بالمعارف العلویة، ۵۸
بامداد روشن، ۱۳
بام‌ها و زیربام‌ها، ۱۷۷
بانک‌داری و قوانین مالی اسلام، ۱۶
بانگ جرس (شرح مشکلات دیوان حافظ)، ۲۱۹
بانگ خروس، ۴۴۶
بانوی کربلا، ۵۱
با یار آشنا سخن آشنا، ۱۹۳
بایدها و نبایدهای انقلاب، ۱۱
بحار الانوار، ۳۹، ۸۲، ۴۴۹
بحث اشتقاق، ۱۵
بحثی چند در باره انقلابیون این عصر، ۴۵۷
بحثی دربارهٔ زندگی مانی و پیام او، ۲۸۶
بحر الفوائد، ۳۵۴
بحران اقتصادی و تأثیرات آن بر ایران، ۳۳۱
بحران انرژی، ۳۶۶
بحر طویل‌های هدهد میرزا، ۱۴۴
بحرین و مسائل خلیج فارس، ۴۲۲
بخار، ۴۳۳
بخوان و بخند، ۲۱۵
بخوانیم و بنویسیم، ۱۴۳
بدایع الافکار فی الاصول، ۴
بدایع الدرر فی قاعدة نفی الضرر، ۱۴
بدایع الوقایع، ۳۷۵
بدایةالحکمه و نهایةالحکمه، ۵۵
بداء، ۵۸
بدر و هلال، ۵۸/۱
بدیع و قافیه، ۱۷۶
برانگیخته، ۸۸/۱
برای آینده زبان فارسی، ۴۴۶
بر خرابه‌های تخت جمشید، ۲۲۰
برخی از آثار بازمانده از ری قدیم، ۴۲۶
برخی بررسی‌ها در بارهٔ جنبش‌ها و جهان‌بینی‌های اجتماعی در ایران، ۴۰۶

برخی مسائل حاد انقلاب ایران، ۴۰۶
برداشتی از نماز، ۸۳
بررسی اجمالی مسائل کتابخانه‌های دانشگاه مشهد، ۳۳۰/۱
بررسی پیرامون اسلام، ۲۱
بررسی تازه در آموزش و پرورش، ۳۳۵
بررسی چند مسئلهٔ اجتماعی، ۴۰۶
بررسی روابط بازرگانی ایران با کشورهای عرب خاورمیانه در دههٔ ۱۳۴۴ الی ۱۳۵۴ (رساله)، ۳۴۸
بررسی فنی عکاسی، ۴۸۴
بررسی گویه و ویژگی‌های فرهنگی زبان اردکانی، ۲۱۷
بررسی محتوایی فیلم‌های تلویزیونی، ۳۱۴
بررسی مسائل و نیازهای کودکان و نوجوانان، ۳۹۵
بررسی نظریهٔ اریک فروم، ۳۲۱
بررسی‌های اجتماعی و تاریخی، ۴۰۶
بررسی‌های ادبی، ۲۹۳
بررسی‌های تاریخی، ۴۲۲
بررسی یسنا، ۱۱۰
بر روی شن‌های ساحل، ۱۳۲
بر سمند سخن، ۲۹۴
بر سنگ سفید، ۳۵۳
برق و حریق، ۳۰۷
برگزیده‌ای از شعر عربی معاصر، ۳۰۸
برگزیده شعرهای محمد زهری با اظهارنظرهایی از شاعران و نویسندگان، ۱۷۵
برگزیده و شرح ناصرخسرو، ۲۹۴
برگزیدهٔ اشعار مسعود سعد سلمان، ۲۵۲/۱
برگزیدهٔ دیوان سه شاعر اصفهانی (طرب، سها، عنقا)، ۳۰۱
برگزیدهٔ شعرها، ۹۷
برگزیدهٔ قابوسنامه، ۲۴۷
برگزیدهٔ قصاید حکیم ناصر خسرو قبادیانی، ۲۹۴
برگزیدهٔ لغات کلیله و دمنه، ۳۹۰
برگ‌هایی در آغوش باد، ۳۰۸
برهان الصدیقین، ۵۱
بریان خوک، ۲۲۸
بزرگان و سخنسرایان همدان، ۱۶۰
بزرگترین شخصیت در تاریخ بشریت، ۳۴۱
بزرگترین مرد تاریخ جهان یا نجات‌دهندهٔ بشر، ۳۷۴
بزم آورد، ۳۶۷
بزم درد، ۲۲۸
بزم شاعران، ۱۸۶
بساط کربلا، ۳۰۲
بستان الاداب، ۴۰۹
بستور، ۱۱۷
بسوی خدا، جهان‌بینی از نظر فلسفهٔ علمی، ۳۳۵
بشر و رسالت او، ۸/۱
بعثت در بعد پنجم، ۱۷۴
بعثت محمد (ص) و قرآن در بحران جاهلیت، ۸۳
بقعهٔ بی‌بی شهربانو، ۴۴۱
بلا، ۴۲۹
بلغةالطالب فی التعلیق علی المکاسب، ۶۱
بناهای تاریخی و آثار هنری جلگهٔ شیراز، ۱۱۸
بُندهش، ۱۱۷
بنیاد آموزش انقلابی، ۴۰۶
بنیاد انواع، ۳۹۱
بنیاد فلسفهٔ سیاسی در غرب، از هراکلیت تا هابز، ۴۱۱
بنیاد نمایش در ایران، ۵۴۳
بنیادهای بین مللی، ۳۴۵
بودا در هند، ۹۸
بود و نبود، ۴۶
بوستان سعدی، ۳۰۸
بوستان نظامی، ۶۰۷
بوصلة القبلة، ۴۷۳
بوصلة القبلة، فتاوی و تفاریظ، ۴۷۳
بوقلمون، ۴۸۷
بوکوردستان، ۱۹۱
بوی بهار می‌دهد، ۱۸۶
بهار زندگی، ۱۴۴
بهایی چه می‌گوید، ۲۱
بهترین امید، ۹۷
بهترین بابای دنیا، ۱۷۷
به تی سه ره مه‌ر، ۱۹۱
بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، ۴۸
بهداشت و زیبایی پوست، ۳۶۸/۱
بهداشت و زیبایی مو، ۳۶۸/۱
به سوی اسلام یا آئین کلیسا، ۷۵
به سوی اصفهان، ۲۴۳
به سوی خدا بروید، ۴/۱
به سوی خدا می‌رویم، با هم به حج می‌رویم، ۵۴
بهشت خانواده، ۴۴۰
بهشت سخن، ۱۵۳
بهمن‌نامه، ۲۱۸
بیا با هم بخندیم، ۲۲۶
بیا با هم بگرییم، ۱۸۶
بیاض، ۶۴
بیان المفاخر، ۴۵۰
بیت الاحزان عاشقان، ۸۶/۱
بیت المقدس، ۳۴۸
بیت المقدس و تحول قبله، ۶۰
بیچارگان، ۴۲۱
بیژن و شیرین، ۳۰۷
بیژن و منیژه، ۱۵۶
بیست اتهام علیه مجاهدین خلق، ۴۵
بیست باب در معرفت اسطرلاب، ۲۶۲
بیست تست برای شناخت خود، ۳۶۸/۱

بیست داستان، ۲۴۷
بیست گفتار، ۷۳
بیست و چهار ساعت آخر زندگی جمال عبدالناصر، ۳۷۴
بیع مکاسب شیخ (انصاری)، ۶۱
بیگانگان در خانه، ۴۵۵
بیگانه، ۳۹۰
بیلی‌باد ملوان، ۲۸۳
بیماری‌های چشم و درمان آن، ۴۶۶
بیماری‌های گوش و حلق و بینی و حنجره، ۴۶۶
بین‌الحق و الباطل، ۳۰
بینش اخلاق از نظر اسلام، ۳۷۴
بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، ۳۷۳
بی‌نوا، ۳۷۵
بی‌نهایت کوچکها، ۳۲۱
بیولوژی و فلسفهٔ زندگی، ۴۵۵
بیومتری، ۳۵۲
پا به پای سکوت، ۱۷۴
پاپ سبز، ۲۴۷
پارس در عهد باستانی، ۳۶۹
پارسکده، ۳۶۹
پارسی نغز، ۱۵۲، ۵۱۶
پاریس ۶ـ پلنگ، ۱۶۱
پاسارگاد، پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی "ذوالقرنین"، ۳۶۹
پاسارگاد یا قدیمی‌ترین پایتخت کشور ایران، ۳۶۹
پاسخ به بداندیشان در رد بر مردوخ کردستانی، ۱۰۹
پاسخ ما به مشکلات جوانان، ۸۸
پاسخ‌های استاد، ۷۳
پاشه روک، ۲۰۱
پاکسازی سکولاریزم یا مبارزه با سیستم حکومت دنیوی روشنفکران، ۳۷۴
پاکستان، ۳۷۴
پالیزبان، ۱۱۱
پایان جهان، ۲۲۲
پایگاه‌های استراتژیک امپریالیسم، ۳۶۶
پاییز در زندان، ۹۷
پدر، ۲۸۴
پدران و پسران، ۹۳
پدرکش، ۲۸۴
پدر مادر ما متهیم، ۱۹۱
پدیده‌های فکر، ۲۲۱
پرتگاه مبشری، ۲۵۴
پرتو راز، ۲۹۳
پرتوی از قرآن، ۵۴
پرتوی از نهج‌البلاغه، ۵۴
پرچم رنگ، دومین بخش اشعار ملی، ۳۶۲
پرچم عزا، ۳۰۲
پردهٔ پندار، ۱۶۱
پرستش‌گاه‌های زرتشتیان، ۳۹۳
پرسش و پاسخ از کتاب دانش، ۳۴۷
پرسش‌های اسلامی، ۵۵
پرندهٔ آبی، ۳۹۰
پرنس تالیران، ۳۹۰
پرنیان، ۱۱۱
پروازبندان، ۱۷۷
پرواز در آسمان شعر، ۱۸۶
پروانه و شبنم، ۱۴۴
پروانه‌های شب، ۲۴۱
پرورش درختان میوه، ۴۸۷
پرورش زنبور عسل، ۴۸۷
پرورش گاوهای شیری، ۴۹۱
پرورش گوسفند، ۴۹۱
پروندهٔ اداری، ۲۳۲
پرویز و آیینه، ۳۰۷
پروین و پرویز، ۲۴۷
پریشان قاآنی، ۲۶۵
پریشان و پدرام، ۲۲۳
پریوش، ۹۰
پزشکی قانونی، ۴۶۴
پز عالی، ۲۲۸
پژوهش‌های اقلیمی در غرب ایران، ۳۳۲
پژوهش‌هایی تاریخی پیرامون چهره‌ها، اندیشه‌ها و جنبش‌ها، ۳۳۹
پژوهشی در اساطیر ایران، ۱۱۷
پس از یک سال، ۱۵۳
پس‌انداز کارمند، ۲۳۲
پسران صولت قشقایی، ۳۵۶
پسر ایرانی : سرگذشت واقعی داریوش سوم و اسکندر، ۱۴۴
پسر گرگ، ۲۵۷
پسر گمشده، ۴۴۸
پشت پردهٔ یمن رنجدیده، ۴۲۳
پشت دروازه‌های خورشید، ۱۷۴
پشت شیشه، پشت مه، ۲۸۳
پشتوانه‌های معنوی مردم در طول تاریخ، ۴۵۸
پلنگ یکه‌تاز، ۳۰۷
پلیس بیدار است، ۲۷۹
پلیس جنایی، ۴۳۲
پلیس چه می‌کند، ۲۷۹
پلیس خفیه ایران با مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخچهٔ شهربانی ۱۲۲۹ ـ ۱۳۲۰، ۳۸۵
پنجامه، ۴۰۶
پنجاه و پنج، ۱۶۱
پنجاه و سه مثنوی، ۱۵۶
پنج حکایت از شکسپیر، ۱۵۲
پنج درام از شکسپیر، ۱۵۲
پنج درس پسیک‌آنالیز، ۴۵۵
پنج رساله از افلاطون، ۴۰۴
پنج رساله در حج و قبله، ۶۰
پنج نمایشنامه از انقلاب مشروطیت، ۱۷۷
پنج و ده دقیقه، ۲۷۹
پند نامهٔ سعدی، ۶۵۲
پند نامهٔ منظوم، ۱۱۶
پند و لطیفه : بخوانید و بخندید و

پندهای آن را نیز به کار بندید، ۶۵۰/۱
پوپر، ۳۲۵
پوری و لباس‌های او، ۳۰۷
پوشش زن از دیدگاه اسلام، ۴۹
پویه، ۱۳۵
پیام امیرالمؤمنین به سلاطین اهل قبله، ۶۰
پیام ایران به نجد و حجاز و مصر، ۶۰
پیامبر، ۳۶۴
پیامبر امی، ۷۳
پیامبران نور، ۲۲۲
پیامبر زرتشت، ۳۹۳
پیام بلال حبشی مولای رسول خدا (ص) از بام کعبه به سیاهان جهان، ۶۰
پیام فردوسی، ۹۸
پیامها، سخنرانیها، مصاحبه‌ها و احکام و نامه‌ها، ۱۴
پیدایش و تحول دمکراسی در آمریکا، ۳۴۷
پیرامون انقلاب اسلامی، ۷۳
پیرامون جمهوری اسلامی، ۷۳
پیرامون سیرهٔ نبوی، ۲۴۳
پیرامون شراب، ۸۳
پیرامون نقش آموزشی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه فردوسی مشهد، ۳۳۰/۱
پیر چنگی، ۲۸۴
پیر چنگی؛ حکایاتی از مثنوی، ۲۵۲
پیرکفتار، ۵۵۰
پیروزی بر سرطان، ۳۴۸
پیروزی عقل، ۲۶۳
پیشرفت سریع در اسلام، ۳۷۴
پیشروان موشک‌سازی، ۱۴۴
پیشوای شهیدان، ۵۱
پیشه‌وران دانشمند و سراینده، ۱۴۸
پیغمبر شناخته شده، ۱۰۹
پیکار با اهریمن، ۴۴۸
پیگمالیون، ۱۷۷
پیوند شعر و موسیقی، ۶۴۵
تئوری آرمونی زوج، ۵۵۴
تئوری کیفرها، ۴۳۲
تئوری مقدماتی اعداد، ۴۸۸
تاتی و هرزنی، ۲۴۰
تاجداران تیره‌بخت، ۲۷۴
تاجر ونیزی، ۵۵۰
تاج مأمون الرشید، ۶۰
تاریخ، ۴۱۴
تاریخ آمریکا، ۴۴۴
تاریخ آموزش و پرورش در ایران باستان، ۳۴۴
تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان، ۲۶۹
تاریخ اجتماعی دورهٔ مغول، ۳۳۷
تاریخ اجتماعی کاشان، ۴۵۲
تاریخ اجتهاد و تقلید، ۸۲
تاریخ ادب، ۲۵۹
تاریخ ادبیات ایران، ۳۰۱
تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا مشروطیت، ۱۳۹
تاریخ ادبیات عرب از دورهٔ جاهلیت تا عصر حاضر، ۱۳۰
تاریخ ادبی ایران، ۱۵۲، ۳۲۷
تاریخ ادیان، ۱۵۲
تاریخ اراک، ۱۶۳
تاریخ اردلان، ۱۹۱
تاریخ ارسباران، ۳۲۰
تاریخ ارمنستان، ۱۶۳
تاریخ اروپا از انقلاب کبیر فرانسه تا هیتلر، ۴۵۷
تاریخ اروپا در قرن ۱۹ و ۲۰، ۴۲۱
تاریخ اروپا در قرون وسطی، ۳۲۸
تاریخ اروپا در قرون هفدهم و هیجدهم، ۳۲۸
تاریخ اسلام، ۳۱۱
تاریخ اسلام یا محمد، ۲۵۹
تاریخ اسماعیلیه کاشانی، ۳۵۴
تاریخ اصفهان، ۳۰۱
تاریخ اعزام محصل به اروپا، ۲۱۶
تاریخ اکتشافات جغرافیایی، ۲۶۷
تاریخ الائمه (ع)، ۸۶/۱
تاریخ الدخانیه، ۱۶۳
تاریخ الوزراء قمی، ۳۵۴
تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم، ۴۰۹
تاریخ انقلاب داغستان و شخصیت شامل، ۸۸/۱
تاریخ انقلاب روسیه، ۴۲۱
تاریخ انگلیس، ۴۴۴
تاریخ اورارتو و سنگ‌نبشته‌های اورارتی در آذربایجان، ۲۶۹
تاریخ اوستا و ادبیات دینی پهلوی، ۲۶۹
تاریخ ایران، ۲۰۵، ۲۸۴، ۳۸۵، ۴۰۴، ۴۱۴
تاریخ ایران از ابتدای قرن ۱۹ تا سال ۱۸۵۸، ۴۵۷
تاریخ ایران باستان به روایت ابن عبری، ۲۶۹
تاریخ ایران بعد از اسلام، ۴۲۱
تاریخ ایران بعد از اسلام تا عصر حاضر، ۳۲۸
تاریخ ایران (پیش از اسلام)، ۲۸۴
تاریخ ایران پیش از اسلام، ۴۲۱
تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ۴۲۰
تاریخ ایران در قرون نوزدهم و بیستم، ۳۲۸
تاریخ ایل و طایفهٔ زنگنه، ۱۳۹
تاریخ بخارا، ۲۶۲
تاریخ بدخشان، ۳۷۲
تاریخ بزرگ جهان، ۳۰۰
تاریخ بنیادی، ۳۶۷
تاریخ بیداری ایرانیان، ۳۷۵
تاریخ پارس در عهد باستان، ۳۶۹
تاریخ پناهندگان ایران، ۳۲۰
تاریخ پیدایش خط و تحول آن در

شرق باستان و ترجمهٔ کتیبه‌های میخی و پهلوی، ۳۶۹
تاریخ پیشرفت علمی و فرهنگی بشر، ۲۸۶
تاریخ تئاتر در جهان، ۵۴۳
تاریخ تبریز، ۲۴۰
تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری، ۲۶۹
تاریخ تجارت، ۱۴۴
تاریخ تحلیلی اسلام، ۲۱۷
تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، ۲۱۶
تاریخ تحول نثر فارسی در قرن سیزدهم، ۲۱۶
تاریخ تمدن جدید دنیا و ایران، ۳۲۸
تاریخ تمدن روم و یونان، ۴۲۱
تاریخ تمدن قدیم، ۴۲۱
تاریخ تویسرکان، ۱۲۴
تاریخ جامع موسیقی، ۳۲۲
تاریخ جغرافیایی کربلا، ۴۰۹
تاریخ جنبش‌ها و تکاپوهای فراماسونری در کشورهای اسلامی، ۳۳۹
تاریخ جهانگشای جوینی، ۴۰۷
تاریخ جهان یا انسان در تکاپوی تمدن، ۳۷۶
تاریخ جهانی معماری و شهرسازی مدرن، ۵۴۹
تاریخ چهارده سالهٔ محمد شاه قاجار، ۴۵۸
تاریخچه سلطنت قباد و ظهور مزدک، ۴۲۱
تاریخچهٔ سی سالهٔ بانک ملی ایران، ۴۵۳/۱
تاریخچهٔ آب شیراز، ۵۱۶
تاریخچهٔ اوقاف در کرمانشاه، ۱۳۹
تاریخچهٔ حکومت‌های کُرد، ۴۴۵
تاریخچهٔ ده‌سالهٔ کانون فرهنگیان پارس، ۱۱۸
تاریخچهٔ سیاست روسیه در ایران، ۱۰۲
تاریخچهٔ سینما، ۳۲۲
تاریخچهٔ شهر سامراء، ۴۵۰
تاریخچهٔ شهر شیراز و اماکن تاریخی، ۱۱۸
تاریخچهٔ شیراز و شرح آثار باستانی شیراز، ۳۶۹
تاریخچهٔ کتابخانه‌ها و مطبوعات و چاپخانهٔ فارس، ۱۱۸
تاریخچهٔ مجالس روضه‌خوانی و عزاداری سید مظلومان (ع)، ۸۵
تاریخچهٔ محله خواجو، ۴۵۰
تاریخچهٔ مدارس دینی اصفهان، ۴۵۰
تاریخچهٔ مسجد جامع سلطانی وکیل، ۱۱۸
تاریخچهٔ مسجد جامع عتیق شیراز، ۱۱۸
تاریخچهٔ هواپیما، ۳۲۲
تاریخ خاندان مرعشی مازندران، ۳۷۲
تاریخ خانی شامل حوادث ۸۸۰ـ۹۲۰، ۳۷۲
تاریخ خط و خطاطان، ۱۶۸
تاریخ دانشکدهٔ علوم سیاسی و حقوق، ۲۷۵
تاریخ دو هزار و پانصد سالهٔ ایران، ۳۲۸
تاریخ دیالمه و غزنویان، ۳۲۸
تاریخ دیپلماسی، ۳۴۵
تاریخ دینی ایران قدیم، ۹۸
تاریخ راه‌سازی در ایران، ۴۴۴
تاریخ روابط اروپا و ایران در دوران صفوی، ۴۲۱
تاریخ روابط ایران با اروپاییان در دوران سلطنت صفویه و قاجاریه، ۳۲۸
تاریخ روابط ایران و شوروی، ۳۳۳
تاریخ روابط سیاسی ایران با ممالک اروپایی، ۴۴۴
تاریخ روسیه، ۴۴۴
تاریخ رویان، ۳۷۲
تاریخ زبان فارسی، ۲۸۴
تاریخ زرتشتیان از پایان دورهٔ ساسانیان تا به امروز، ۳۹۳
تاریخ زندگی فردریک کبیر، ۳۳۳
تاریخ ژاندارمری ایران، ۴۲۲
تاریخ ساسانیان، ۳۶۷
تاریخ سلسلهٔ سلجوقی، ۱۳۹
تاریخ سلیمانیه، ۱۹۱
تاریخ سیاسی اسلام از آغاز ظهور تا انقراض دولت اموی، ۱۲۵
تاریخ سیاسی ایران، ۳۶۱
تاریخ سینمای هنری، ۲۱۳
تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ۴۴۶
تاریخ شهر مشهد، ۲۶۲
تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری، ۲۶۹
تاریخ صفویان، ۱۶۳
تاریخ صنایع اروپا در قرون وسطی، ۳۲۶
تاریخ صنایع ایران، ۴۱۸
تاریخ طبرستان، ۳۷۲
تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ۳۷۲
تاریخ طبری قسمت مربوط به ایران، ۲۶۹
تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک، ۱۲۵
تاریخ طبیعی، ۴۸۳
تاریخ طبیعی دین، ۴۱۱
تاریخ طهران، ۳۳۶
تاریخ عاشورا، عاشورا چه روزی است، ۴۰۹
تاریخ عرب، ۱۲۵، ۳۷۶
تاریخ عکاسی، ۴۸۴
تاریخ علوم اسلامی، ۳۰۱
تاریخ عمومی جهان، ۳۸۲

تاریخ عمومی جهان در قرن‌های هفدهم تا بیستم میلادی، ۴۲۱
تاریخ عمومی و اروپا از قرون وسطی تا پایان جنگ بین‌المللی اول، ۳۲۸
تاریخ عمومی هنرهای مصور قبل از تاریخ تا اسلام، ۶۶۳
تاریخ غزنویان، ۴۲۱
تاریخ فتوحات مغول، ۱۴۴
تاریخ فرهنگ آذربایجان، ۲۰۵
تاریخ فلاسفهٔ اسلام، ۳۵۳، ۴۳۴
تاریخ فلسفه، ۳۶۷، ۴۶۱
تاریخ فلسفه در اسلام، ۳۹۱
تاریخ فلسفه و تصوف، ۸۵
تاریخ قرآن، ۳۵۸
تاریخ قرآن نولد، ۱۶
تاریخ قضاء در اسلام، ۵۹
تاریخ قم، ۴۰۷
تاریخ کامل ابن اثیر، ۱۴۴
تاریخ کرمانشاه، ۲۸۲
تاریخ کنگاور، ۹۱
تاریخ گیلان در وقایع سال‌های ۲۹۳ـ۱۰۲۸، ۳۷۲
تاریخ گیلان و دیلمستان، ۳۷۲
تاریخ ماد، ۴۲۹
تاریخ مازندران، ۳۷۲
تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان، ۳۴۳
تاریخ مجمل فصیحی خوافی، ۲۲۷
تاریخ مختصر موسیقی ایران، ۱۲۳
تاریخ مختصر نثر فارسی یا نگاهی به سبک‌شناسی، ۴۲۴
تاریخ مذاهب اسلام یا ترجمهٔ الفرق بین الفرق، ۲۶۹
تاریخ مردم اورارتو، ۲۶۹
تاریخ مشاهیر کرد، ۳۶۳
تاریخ معجم، ۳۳
تاریخ مفصل اسلام، ۴۰۹
تاریخ مکه، ۲۵۹
تاریخ منتظم ناصری، ۳۶۱
تاریخ موسیقی، ۳۲۲، ۵۵۲
تاریخ موسیقی ایران، ۶۳۶
تاریخ موسیقی ایران (جلد اوّل و جلد دوم)، ۶۴۵
تاریخ موسیقی نظامی ایران، ۶۴۵
تاریخ نبوت مسیح (ع)، ۳۵۸
تاریخ‌نگاری فلسفه، ۳۵۴
تاریخ نیشابور، ۴۲۸
تاریخ و تحول نظم و نثر پارسی، ۲۷۹
تاریخ وَ جغرافیا، ۳۶۱، ۴۲۱، ۴۲۸
تاریخ و جغرافیا (برای دوره دبیرستان)، ۳۷۳
تاریخ و کیفیت روزه در ادیان، ۲۴۷/۱
تاریخ ویل دورانت، ۱۲۵
تاریخ هرودت، ۴۵۷
تاریخ هندوستان از قرن هجدهم تا آغاز استقلال آن، ۲۹۶
تاریخ هنر، ۲۸۴
تاریک و روون، ۲۰۱
تاریکی گرتلی، ۴۲۹
تازه مسلمان، ۲۷۹
تأثیر از فاصله، ۳۶۸/۱
تأثیر هنرهای مسلمین بویژه ایرانیان در اروپا، ۴۳
تأخیر حرکت دیافراگم در حرکت قسمت‌های مختلف ریه (رساله)، ۴۸۱
تبصره مساوی، ۳۵۴
تبصرة المتعلمین فی اصول الدین، ۵۷
تبعید و حکومت وجدان، ۳۹۰
تجارب الامم، ۱۷۰
تجارب‌السلف، ۲۳۳
تجربةالاحرار و تسلیةالابرار، ۲۳۳
تحریر الوسیله، ۱۴، ۷۲/۱
تحفه، ۳۵۴
تحفهٔ سرمدی، ۲۲۵
تحفة الاجله، ۲۴۷/۱
تحفة الاحباب، ۱۷۰
تحفة الرضوی، ۶۶۵
تحفة المؤمن، ۶۶۵
تحقیقات ادبی یا سخنانی پیرامون شعر و شاعری، ۲۴۷/۱
تحقیقات در بارهٔ خیام، ۲۲۸
تحقیقات در بارهٔ فردوسی، ۲۲۸
تحقیقات در بارهٔ مولوی، ۲۲۸
تحقیقات در عروض فارسی، ۲۲۸
تحقیقات و مطالعات انگلیس‌ها در باب فارسی (رساله)، ۴۵۴
تحقیق النسخ، ۶۶
تحقیق انتقادی در عروض فارسی (رساله)، ۲۸۴
تحقیق انتقادی در عروض و قافیه و چگونگی تحول اوزان غزل، ۲۸۴
تحقیق در احوال خواندمیر مؤلف حبیب‌السّیر و میرخواند صاحب روضة الصّفا، ۳۰۱
تحقیق در ارث زن در دارایی شوهر، ۵۹
تحقیق در بارهٔ احوال و آثار حکیم عمر خیام، ۲۷۵
تحقیق در بارهٔ روز اربعین حضرت سیدالشهداء(ع)، ۵۹
تحقیق در بارهٔ سعدی، ۳۰۸
تحقیق در بارهٔ طلاق از نظر حقوق تطبیقی، ۲۷۵
تحقیق در بارهٔ مخلص کاشی و تصحیح دیوان او، ۲۷۵
تحقیق در رباعیات خیام فیتز جرالد، ۱۹۰
تحقیق در مسائل فقهی، ۲۴۷/۱
تحقیق گسترده‌ای پیرامون وحی، ۱۶
تحقیق ماللهند، قسمت فلسفه، ۳۵۳
تحلیل ذهن، ۳۲۵
تحلیل فلسفی و علمی پیرامون اسطوره‌های ملل، ۱۱۱

تحلیل فلسفی و علمی پیرامون اصول ادیان، ۱۱۱
تحلیلی از زندگی امام جواد (ع)، ۸۶/۳
تحلیلی از زندگی امام حسن عسگری (ع)، ۸۶/۳
تحلیلی از زندگی امام علی‌النقی (ع)، ۸۶/۳
تحلیلی کوتاه از امپریالیسم، ۳۶۶
تحولات سیاسی نظام ایران از قرن یازدهم هجری تا سال ۱۳۰۱ شمسی، ۴۲۲
تخت جمشید، ۱۱۷، ۴۱۸، ۴۴۱
تخت سلیمان، ۹۸
تخریب در اندیشهٔ اسلامی، ۱۶
تخمیص الکواکب الدریه فی مدح خیرالبریه، ۲۹۷
تذکرهٔ اختر، ۱۵۹
تذکرهٔ حسین حزین، ۱۴۸
تذکرهٔ حسینی، شرح احوال میرعماد، ۱۲۰
تذکرهٔ خوان نعمت، ۱۲۲
تذکرهٔ روضة‌السلاطین، ۱۵۹
تذکرهٔ سفینهٔ فرخ، ۱۴۲
تذکرهٔ سیر خرقه، ۲۲۱
تذکرهٔ شاعران سیرجان، ۳۷۵
تذکرهٔ شاهان شاعر، ۱۴۴
تذکرهٔ شعرای دامغان، ۲۱۵
تذکرهٔ مبتکران، ۱۳
تذکرهٔ مختصر شعرای کرمانشاه، ۲۴۷/۱
تذکرهٔ منتهیان، ۱۱۶
تذکرهٔ منظوم رشحهٔ اصفهانی، ۱۹۹
تذکرهٔ هجوسرایان، ۱۶۸
ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم، ۹۷
تراخم، ۴۶۶
تراژدی قیصر، ۴۵۴
تراژدی مکبث، ۴۵۴
تراژدی‌های ایمان، ۲۶۳
ترانه‌ها، منتخب رباعیات شاعران مشهور، ۲۸۴
ترانه‌ها و فولکلور دامغان، ۲۱۵
ترانه‌های درد، ۲۹۳
ترانه‌های روستایی ایران، ۶۲۴
ترانه‌های زندگی، ۲۶۰
ترانه‌های شرقی، ۲۲۹
ترانه‌های طاهر عریان، ۶۵۲
ترانه‌های غم‌انگیز، ۳۹۰
ترانهٔ خوابگونه، ۴۰۶
ترجمه حال کیوان قزوینی، ۲۴۷/۱
ترجمه خط نستعلیق، ۵۸۵
ترجمه و تفسیر قرآن کریم، ۴۰۹
ترجمهٔ احوال بزرگان، ۱۱۶
ترجمهٔ احوال و بیان آثار وزیران قاجاریه، ۴۵۸
ترجمهٔ نفس المهموم، ۶۵۲
ترجمهٔ و تفسیر قرآن، ۳۶۴
ترجمة الحسن و الحسین (ع) من کتاب الطبقات لابن سعد، ۵۶
ترجمة امیرالمؤمنین (ع) من تاریخ ابن عساکر، ۵۶
ترجیع‌بند هاتف اصفهانی، ۶۵۲، ۶۶۷
تردستی‌های اسکاپن، ۲۶۳
ترس و لرز، ۱۷۷
ترس و نکبت رایش سوم، ۲۵۳
ترش و شیرین، ۲۰۵
ترمودینامیک صنعتی، ۳۲۱
ترمهٔ ایران، ۶۶۷
تروریسم مقدس اسرائیل، ۳۴۸
تریستیان و ایزوت، ۲۸۴
تشخیص برنکو پنومونی سلی و غیر سلی، ۴۷۵
تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، ۳۳۹
تصحیح انتقادی دیوان حافظ، ۲۲۸
تصحیح دیوان وفا، ۱۶۸
تصحیح شش رساله فارسی، ۲۵۸
تصحیح منطق‌الطیر شیخ عطار، ۲۵۲
تصحیح و شرح مثنوی ختم الغرائب خاقانی، ۱۸۲
تصوف در اسلام، ۳۰۱
تصوف و روش سخت‌کوشی، ۲۷۵
تصوف و عرفان سعدی، ۲۵۹
تصویر دوریان‌گری، ۲۶۷
تطبیق الادیان، ۶۲
تطور حکومت در ایران بعد از اسلام، ۲۱۶
تطور ملل، ۱۶۱
تعالیم قرآن، ۱۲
تعالیم قرآن مجید، ۱۱
تعبیر رؤیا، ۱۷۲، ۳۹۲
تعبیر رؤیا و روانشناسی امروز، ۱۹۰
تعریف و توجیه انسان، ۱۱۱
تعلیقات احقاق الحق، ۷۰
تعلیقات حدیقة الحقیقة، ۲۶۲
تعلیقات علی طبقات اعلام الشیعة، ۵۶
تعلیقات نامهٔ تنسر، ۳۶۱
تعلیقات نقض، ۲۵۸
تعلیقه المنهج، ۳۴
تعلیقه بر شرح منظومهٔ سبزواری، ۲۱
تعلیقه علی العروة الوثقی، ۳۴، ۱۴
تعلیقه علی المسائل الفقهیه، ۳۴
تعلیقهٔ عروةالوثقی، ۴
تعلیقة بر عروة الوثقی، ۵۱
تعلیقة بر عروةالوثقی، ۵۸
تعلیقة علی وسیلة النجاة، ۱۴
تعلیمات اجتماعی، ۳۶۱، ۳۶۳
تعلیمات دینی، ۴۳، ۴۰۷، ۶۲۰
تعلیمات زرتشت، ۳۹۳
تعلیمات مدنی، ۴۱۴
تعلیم و تربیت در اسلام، ۷۳
تعلیم و تربیت در نظر سعدی، ۳۳۵
تغذیه و زندگی، ۴۸۷
تغزل‌های قصیده‌سرایان از رودکی تا بهار، ۲۳۷

تـفاسیر بـوعلی سـینا از قـرآن مـجید، ۱۵۲
تفتازانی، ۱۳۰
تفریح، ۶۴۵
تفریحات علمی، ۲۰۵، ۴۳۲
تفسیر القرآن الکریم، ۸۶/۳
تفسیر المیزان، ۵۵
تـفسیر بـعضی از سـوره‌های قـرآن، ۸۱/۲
تفسیر جزء سی قرآن، ۸/۱
تفسیر جوامع‌الجامع، ۵۹
تفسیر دانشگاه، ۶۰
تـفسیر سـودی بـر گـلستان سـعدی، ۱۸۱
تفسیر سوره لقمان و سجده، ۵۸/۱
تفسیر سوره نور، ۶۰
تفسیر سورهٔ جمعه، ۵۸
تفسیر سورهٔ حجرات، ۵۱
تفسیر سورهٔ حمد، ۱۴، ۳۸۰
تفسیر سورهٔ شریفهٔ نجم، ۳۷
تفسیر سورهٔ فاتحه، ۵۸
تفسیر سورهٔ والعصر، ۲۵۹
تفسیر سـورهٔ یـوسف (حسـن یـوسف)، ۵۱
تفسیر سورة الاعراف، ۵۸/۱
تفسیر سورة المائدة، ۵۸/۱
تفسیر شریف لاهیجی، ۲۵۸
تفسیر طبری، ۳۰۵
تفسیر قرآن، ۵۷/۱، ۶۰
تفسیر قرآن (از سـورهٔ بـقره تـا انـفال)، ۸/۱
تفسیر قرآن مجید، ۵۸۵
تفسیر گازر، ۶۵۶
تفسیر گازر موسوم به جـلاء الاذهـان و جلاءالحزان، ۲۵۸
تفسیر مقتنینات الدور، ۴۴۹
تفسیر موسیقی، ۵۵۲
تفسیر موضوعی، ۴/۱
تفسیر نوین، ۴۳
تفسیری بر سورهٔ شریفهٔ حمد، ۴۰
تـفسیری دربـارهٔ دو لغت از مـتن شکسپیر، ۲۲۸
تقریرات، ۱۶/۱، ۵۷/۱، ۵۸/۱
تقریرات اصول، ۴۶
تقریرات درس اصـول آیت‌الله العـظمی بروجردی، ۱۴
تقریرات دروس آیت‌الله حلی، ۴۱/۱
تقریرات دروس امام خمینی، ۱۴
تقریرات علامه حلی، ۴۱/۱
تقریراتّ فقهی، ۸۷
تقریرات ناپلئون، ۲۶۷
تقلید الاعلم، ۴/۱
تقویم الصحه ابن بطلان، ۳۰۸
تقویم المحسنین فیض، ۵۸
تقویم شرعی، ۷۴
تقویم قهقهرایی دو هزار سال، ۴۶۸
تقویم معارف، ۱۵۲
تقویم هجری، ۲۳/۱
تکامل اجتماعی انسان، ۷۳
تکامل از نظر اسلام، ۱۶
تکمله منهاج الصالحین، ۳۴
تکنیک سینما، ۵۷۱/۱
تکـنیک‌های مـضرابـی بـرای سـنتور، ۵۴۴
تلاوت در آستانهٔ باران، ۱۷۴
تلخیص البیان عـن مـجازات القـرآن، ۳۷۱
تـلخیص الکـلام فـی تـفسیر سـورة الانعام، ۵۸/۱
تلخیص المنتخب، ۳۴
تلخیص ریاض النضرة، ۸۶/۳
تلخیص کنوز الحقایق، ۸۶/۳
تلخیص مثنوی، ۹۸
تمبرشناسی، ۱۹۸
تمثیلات و تشبیهات قرآن، ۸/۱
تمثیل و مثل، ۱۰۸
تمدن اسلام، ۱۲۵
تـمدن ایـران پـیش از شـروع تـاریخ، ۳۲۶
تمدن ایرانی، ۳۲۶
تمدن ساسانی، ۳۶۹
تمدن غرب در شرق نزدیک، ۴۵۷
تمدن مجروح، ۲۸۳
تمدن هخامنشی، ۳۶۹
تـمرین فـارسی بـرای کـلاس اوّل دبستان، ۳۰۸
تنبیه الامة فی اثبات الرجعة، ۵۷
تنبیه الامة و تنزیه الملة، ۵۴
تنسوخ‌نامهٔ ایلخانی، ۲۶۲
تنظیم خانواده، ۱۹۸
تنقیح‌الاصول، ۵۹
تنقیح المقال فی احوال الرجال، ۶۵۶
توانایی زبان فارسی، ۴۷۰
توپ، ۱۷۷
توت‌فرنگی‌های وحشی، ۲۱۳
توحید، ۵۵، ۷۳
توحید تمدن شرق و غرب، ۳۳۵
توحید در قرآن، ۱۶
توحید مفضل، ۴۸
تودهٔ طلا، ۳۹۰، ۴۲۱
توروتومیو، ۲۴۷
توضیح الاشتباه و الاشکال، ۲۵۸
تـوضیح التـقریرات فـی بـحث الخیارات، ۶۸
تـوضیح‌المسـائل، ۵، ۱۴، ۴۹، ۵۷/۱، ۷۸
توطئه در آسمان، ۲۷۹
تولستوی، ۲۷۹
تـهذیب الاخـلاق و تـطهیر الاعـراق، ۳۲۹
تهذیب الاصول، ۱۴
تهذیب کتاب الخراج، ۸۶/۳
تـهذیب و تـتمیم مـنهاج الصـالحین، ۳۴
تـهران در آیـینهٔ زمـان ـ بـخش اول، ۳۸۵
تهران در تصویر، ۵۵۶

تهران در گذشته و حال، ۴۲۶
تهران قدیم، ۴۲۱
تیرانا، ۱۱۱
تیر به قلب خورده، ۵۵۰
تیستین، ۳۹۹
ثاله کوک، ۱۹۱
جادو، ۱۶۱
جادوگر شهر زمرد، ۱۴۴
جادوگر قرون وسطی، ۳۹۰
جاذبه و دافعه علی (ع)، ۷۳
جاذبه و دافعهٔ حضرت علی (ع)، ۷۳
جاسنجاقی، ۲۳۲
جاسوسی در اسلام، ۸/۱
جام جهان نما، ۱۵۲
جامع الالحان، ۱۲۳
جامع التواریخ، ۳۵۴، ۴۰۷، ۴۲۸
جامع الحکمهٔ کاشانی، ۳۵۴
جامع السعادات، ۴/۱
جامع الشتات، ۹
جامع المسائل، ۱۵
جامع عتیق شیراز یا قدیمی‌ترین مسجد فارس، ۱۱۸
جامعه، پلیس و تعلیم و تربیت (رساله)، ۳۸۵
جامعه‌شناسی جنایی، ۴۳۲
جامعه‌شناسی شهر اصفهان، ۳۱۹
جامعه و جامعه‌شناسی، ۴۰۶
جامعهٔ اسلامی، ۸/۱
جامعهٔ ایران در دوران رضا شاه، ۴۰۶
جامعهٔ فئودالی، ۳۲۲
جانشین، ۱۷۷
جاودانگی درویش، ۱۵۳
جاویدان خرد، ۳۵۴
جبر خطی، ۴۸۰، ۳۶۰
جبر خطی مقدماتی، ۴۸۰
جبر ماتریس، ۳۵۲
جبر و آنالیز، ۳۶۰
جبر و مقابله، ۱۵۵
جبر و مقابلهٔ خیام، ۴۸۸
جدال بی‌هدف، ۳۹۰
جدال تبه‌کاران در پاریس به انضمام خانهٔ مرموز، ۲۷۹
جذابیت پنهان بورژوازی، ۵۷۱/۱
جراح دیوانه، ۲۷۹
جراحی عروق، ۴۶۳
جرایم کارکنان دولت، ۴۳۲
جرقه، ۲۰۰
جریان‌های بزرگ تاریخ معاصر، ۲۶۷
جزوهٔ اقتصاد سال اول دانشکدهٔ حقوق، ۳۷۹
جزیره، ۱۷۵، ۲۲۲
جزیرهٔ مرجان، ۳۰۷
جزیرهٔ وحشت، ۲۵۷
جستار در بارهٔ مهر و ناهید، ۴۴۶
جستاری چند در فرهنگ ایران، ۱۱۷
جشن بیکران، ۲۲۲
جشنوارهٔ اینسوی پل، ۲۴۴
جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان ۱، ۱۰۸
جشن‌ها و آداب و معتقدات زمستان ۲، ۱۰۸
جشن‌های ایران باستان، ۱۱۰
جشن‌های ایزدی، تاریخ اعیاد ملی، ۱۱۸
جغرافیا، ۲۰۵، ۳۴۹، ۴۸۳
جغرافیا از قدیم تا امروز، ۳۴۹
جغرافیا و تاریخ بازیافتهٔ ایران، ۴۱۶
جغرافیای اصفهان، ۳۷۲
جغرافیای اقتصادی ایران و انگلیس و فرانسه و آلمان، ۳۲۸
جغرافیای اقتصادی عمومی ایران، ۳۲۸
جغرافیای تاریخی ایران قدیم، ۲۶۹
جغرافیای تاریخی مفصل غرب ایران، ۴۲۸
جغرافیای جندق و بیابانک، ۳۰۵
جغرافیای ژاپن، ۳۷۳
جغرافیای قدرت‌های بزرگ اقتصادی، ۳۳۲
جغرافیای کشورهای اسلامی، ۸/۱
جغرافیای مفصل ایران، ۳۲۳، ۴۲۱
جغرافیای ممالک بزرگ دنیا، ۴۲۱
جغرافیای نو، ۲۱۶
جلوهٔ جمال، ۱۴۰
جلوهٔ حق، ۱۳
جلوهٔ محبوب یا دیوان مجذوب، ۲۱۲
جمشید شاه، ۱۱۷
جمع الجوامع، ۳۳
جمهوریت، ۲۶۷
جناب آقای دکتر ریش، ۱۲۵
جنات الجنان، ۳۷۷
جنایت سیلوستربونارد، ۲۸۶
جنایتکاران لندن، ۲۷۹
جنایتکار مخوف، ۳۹۰
جنایت و مکافات، ۹۳
جنبش‌های دینی ایرانیان در قرن‌های دوم و سوم هجری (رساله)، ۴۰۲
جنگ پنهانی سهمگین، ۲۷۹
جنگ چالدران، ۴۲۱
جنگ خنده : گنجینهٔ اشعار و لطایف شیرین فکاهی، ۶۵۰/۱
جنگ خیبر، ۴/۱
جنگ در نظام کامل اسلام، ۸/۱
جنگ‌نامهٔ گلوله و سار، ۴۴۵
جنگ و صلح در قانون اسلام، ۳۷۴
جنگ‌های ایران و روم، ۳۷۶
جنگ‌های صلیبی و آغاز مطالعات اسلامشناسی (رساله)، ۳۴۸
جنةالاسماء، ۳۴۰
جنةالمأوی، ۵۹
جوائز سلطان، ۵۸
جوامع احوال المعصومین، ۴۸
جوامع الحکایات، ۵۱۶
جوان مسلمان و دنیای متجدد، ۳۴۸
جوانه، ۲۹۰
جواهر، ۴۲۰

جواهر الاثار، ۳۳۶
جواهرالادب، ۳۲۵
جواهر الفخریه، ۸۶/۲
جواهر القرآن، ۱۵۵
جوجهٔ یک روزه، ۴۸۷
جوکی در جنگل، ۹۸
جهاد، ۸/۱، ۷۳
جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، ۱۴
جهاد در اسلام، ۲۵
جهاد در راه خداوند و ابعاد گوناگون آن، ۷۲/۱
جهان‌آباد بروجرد (قبرستان)، ۱۴۸
جهان از خود بیگانه، ۴۱۱
جهان اسلام و اسلام در جهان، ۴۰۹
جهان بزرگ و انسان، ۲۷۹
جهان‌بینی اسلامی، ۱۱
جهان‌بینی توحیدی، ۷۳
جهان‌بینی و جهان‌داری علی (ع)، ۷۵
جهانداری پارسها، ۴۴۸
جهان در آستانهٔ قرن ۲۱، ۳۱۴
جهانگشای جوینی، ۳۰۳
جهان و روح آفرینش، ۳۱۱
جهنم دره، ۲۴۵
چامه، ۲۲۸
چرا از مرگ بترسم، ۱۳
چرا انگلستان خفته بود، ۳۵۱
چرا جمهوری اسلامی، ۸/۱
چرا حسین قیام کرد؟، ۴۳
چراغ، ۵۴۳
چرا فرانسه شکست خورد، ۱۲۵
چشمان تو در آیینهٔ اشک، ۱۸۶
چشم‌انداز شعر معاصر، ۳۶۸
چشم‌انداز شعر نو فارسی، ۳۶۸
چشم‌اندازهایی بر آزادی و برابری در جهان سوم، ۳۶۶
چشم‌اندازی از ادبیات و هنر، ۳۰۸
چشمان قهرمان باز است، ۴۰۶
چشم چشم دو ابرو، ۱۴۳
چشم در برابر چشم، ۱۷۷
چشم و بیماری‌های آن، ۴۶۶
چشمه‌های اراک، ۱۶۳
چشمهٔ روشن، ۳۰۸
چکامه‌های پارسی سره، ۱۴۸
چکامهٔ کاخ ادب، ۱۳۰
چگونه از خود دفاع کنیم، ۳۹۰
چگونه باید زیست، ۸/۱
چگونه بخوانیم و بنویسیم، ۴۴۵
چگونه بر ترس و اضطراب خود غلبه کنیم، ۳۶۸/۱
چگونه بهتر بخوابیم، ۳۶۸/۱
چگونه حافظه برتر داشته باشیم، ۳۶۸/۱
چگونه خط را باید اصلاح کرد، ۳۴۲
چگونه خود را با غذا درمان کنیم، ۳۶۸/۱
چگونه یک تبهکار آمریکایی شدم، ۲۷۹
چل تیکه، ۴۶۶
چنته، ۲۲۱
چند رساله دربارهٔ فتوت و جوانمردی در ایران و فرهنگِ عامه، ۲۵۷
چند کیلومتر و نیمی از واقعیت، ۱۸۹
چند مرحله از زندگانی امام حسین (ع)، ۶۰
چند نامه به شاعری جوان، ۲۸۴
چند نسخه خصوصی دیگر، ۳۵۴
چند نکته در تصحیح دیوان حافظ، ۲۸۴
چند نمونه از متن نوشته‌های فارسی باستان، ۴۴۶
چوب بدست‌های ورزیل، ۱۷۷
چوب دو سرطلا، ۱۸۶
چهارده رساله از امام فخر رازی و دیگران، ۳۷۱
چهارده ماه در خارک، ۴۲۹
چهارده معصوم (ص)، ۸۶/۱
چهار رساله افلاطون، ۴۰۴
چهار رساله در وصیت، میراث، بیع
فضولی، جمله‌ای از قواعد فقه، ۳۸۰
چهار گفتار از دو شهید، ۱۱
چهار مجموعه، ۲۲۲
چهار محال و بختیاری، ۳۹۵
چهار مقالهٔ عروضی، ۴۰۷
چهار نمایشنامه، ۳۷۶
چهره آسیا، ۳۸۲
چهره حقیقی مصدق‌السلطنه، ۳۱۲
چهره خانه، ۴۰۶
چهرهٔ یک انسان انقلابی، ۴۰۶
چه عطر شگفتی، ۱۷۳
چه کسی جیمی کارتر را اداره می‌کند، ۳۶۶
چه کنم دلم از سنگ نیست، ۱۸۶
چهل حدیث، ۵۸/۱
چهل و هشت تن از شعرای معاصر، ۱۲۲
چیتی چیتی بنگ بنگ، ۲۸۳
چیزهای زمستانی، ۱۷۴
چیستی علم، ۴۱۷
حاجی‌بابا اصفهانی، ۴۳۱
حاشیه امام بر شرح حدیث رأس جالوت، ۱۴
حاشیه انیس المقلدین، ۵۷
حاشیه‌ای بر تبصره علامه من اوله الی آخره، ۵۷
حاشیه بر احقاق الحق، ۸۶/۳
حاشیه بر اسفار، ۵۱، ۱۴
حاشیه بر رجال وحید بهبهانی، ۵۷/۱
حاشیه بر رسائل، ۲۳/۱
حاشیه بر رسائل و مکاسب، ۵۹
حاشیه بر رساله ارث، ۱۴
حاشیه بر شرح فصوص الحکم، ۱۴
حاشیه بر شرح فوائد الرضویه، ۱۴
حاشیه بر شرح لمعه، ۲۳/۱
حاشیه بر صراط النجاة، ۵۸
حاشیه بر عروةالوثقی، ۷۸
حاشیه بر قوانین، ۲۳/۱

حاشیه بر کتاب اسفار ملاصدرا، ۵۵
حاشیه بر کفایه، ۲۲
حاشیه بر کفایة الاصول، ۱۶/۱، ۵۵، ۵۹
حاشیه بر مصباح الانس، ۱۴
حاشیه بر معالم، ۲۳/۱
حاشیه بر مکاسب، ۱۶/۱، ۱۹، ۲۲، ۲۳/۱
حاشیه بر منظوم، ۵۱
حاشیه طریق النجاة، ۵۷
حاشیه وسیلة النجاة، ۵۷
حافظ‌پژوهی، ۳۰۰
حافظ چه می‌گوید، ۴۶۱
حافظ را بشناسید، ۱۱۸
حافظ ــ گزارش از نیمه راه، ۲۲۸
حافظ و سعدی در یکجا، ۴۴۳
حافظ و موسیقی، ۶۴۵
حالات اسم در فارسی امروزی، ۱۵۹
حالا چرا، ۱۹۷
حبط و تکفیر، ۸۹
حج در قرآن، ۱۶
حجم سبز، ۱۷۹
حجةالحق ابوعلی سینا، ۲۵۲
حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۳۷۲، ۴۰۷
حدود و پیوستگی، ۳۶۰
حدیث‌الثقلین، ۸۶/۳
حدیقهٔ امان‌اللّهی، ۱۵۹
حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة، ۲۶۲
حدیقة الصالحین، ۵۹
حرارت، ۳۲۴
حرف راست، ۳۹۳
حرکت طبیعی از دو دیدگاه، ۳۹
حرمسرای خسرو پرویز، ۳۹۰
حروف مقطعهٔ قرآنیه یا فواتح صدور و فصلی از تاریخ قرآن، ۱۵۲
حریم، ۲۲۲
حریم سایه‌های سبز، ۹۷
حساب دیفرانسیل و انتگرال، ۴۶۲
حساب سال اول و دوم دبیرستان‌ها، ۴۶۵
حساب عددی، ۴۶۲
حساب و جبر، ۶۶
حساسیت سلول‌های فتو الکتریک، ۴۷۰
حسد، ۵۱
حسن صباح، ۲۷۹، ۴۲۹
حسنین، ۲۲۷
حسین (ع) از دیدگاه وحی، ۴۱/۱
حسین کرد، ۲۲۷
حصار نای، ۱۸۷
حضرت رقیه (س)، ۸۶/۱
حضرت فاطمه معصومه، ۴۱/۲
حضورهای واقعی، ۲۸۳
حقایق الاخبار ناصری، ۱۵۵
حقایق عریان، ۲۹۸
حقایقی از قرآن، ۳۷
حق و باطل (به ضمیمهٔ: احیای تفکر اسلامی)، ۷۳
حقوق اداری، ۳۷۹
حقوق‌بگیران انگلیس در ایران، ۳۵۶
حقوق بین‌الملل خصوصی، ۴۵۳/۱
حقوق بین‌الملل عمومی، ۳۴۵
حقوق تجارت، ۴۲۴
حقوق در اسلام، ۳۶۴
حقوق در عصر ساسانی (رساله)، ۴۵۳
حقوق زن در اسلام و اروپا، ۴۰۰
حقوق عام ملل، ۳۴۵
حقوق کار و بیمه‌های اجتماعی، ۳۳۱
حقوق مدنی ایران، ۳۱۷، ۳۸۷
حقوق معماری، ۴۳۲
حقوق و صنعت، ۴۲۴
حق و منشاء آن، ۴۲۴
حقیقت من، ۳۳۰
حقیقت و ضرورت در ریاضیات، ۴۱۷
حقیقت و عرفان، ۱۶
حکمت الهی و نهج‌البلاغه (رساله)، ۷۵
حکمت‌ها و اندرزها، ۷۳
حکم نجاسة الباطن، ۵۱
حکمة الاسلام، ۲۵۸
حکومت از دیدگاه قرآن و عترت، ۴۱/۱
حکومت اسلامی یا ولایت فقیه، ۱۴
حکومت در اسلام، ۱۶، ۵۵
حکومت واحد جهانی، ۳۲۱
حکیم عمر خیام بعنوان عالم جبر، ۴۸۸
حل المسائل هزار و یک مسئلهٔ حساب و هندسه، ۳۸۱
حل مشکلات الاخبار، ۵۷/۱
حل مشکلات رساله معینیه، ۳۵۴
حماسهٔ آرش، ۱۱۱
حماسهٔ کاوهٔ آهنگر، ۲۰۴
حماسهٔ گئومات، ۴۰۶
حماسهٔ هیزم‌شکن، ۵۱۱، ۵۳۹
حواشی بر قواعد انصاری، ۱۸
حواشی به متاجر شیخ، ۱۸
حواشی رسائل شیخ مرتضی انصاری، ۷۰
حواصیل و بوتیمار، ۳۰۳
حی ابن‌یقظان، ۲۲۱
حیات مردان نامی، ۲۶۷
حیات یابی، ۴۱/۱
حیاةالامام الحسین بن علی(ع)، ۲۳/۱
حیاة الشیخ یوسف البحرانی، ۵۶
حیاةالنبی و سیرته، ۸۶/۳
حیدر بابا، ۱۹۷
حیدر خان عمواوغلی، ۳۵۶
خاتمیت، ۷۳
خاتون دو سرا: شرح حال زینب کبری (س)، ۷
خارستان، ۲۹۰
خاستگاه اجتماعی هنرها، ۳۹۵
خاستگاه زبان دری، ۳۹۵

خاطرات جنگ، ۴۲۹
خاطرات چرچیل، ۲۷۹
خاطرات خانهٔ مردگان، ۲۵۷
خاطرات سارا چرچیل، ۳۲۲
خاطرات سفر آمریکا، ۳۷۶
خاطرات سید جمال‌الدین افغانی، ۴۳۴
خاطرات سیمونیچ، وزیر مختار روس، ۳۱۰
خاطرات مرحوم اردشیر زارع، ۴۷۴
خاطرات مک میلان، ۳۲۲
خاطرات میگون، ۳۶۲
خاطراتی از شرق، ۲۴۰
خاطراتی از یک امپراطور، ۲۷۹
خاطرات یک سگ، ۱۸۶
خاکستر، ۳۷۵
خاکستر و الماس، ۲۱۳
خاک‌نشینان عشق، ۲۴۷/۱
خال گلی، ۵۷۱/۱
خاندان عبدالوهاب، ۵۹
خاندان غفاری کاشان، ۴۵۲
خانم لال، ۵۵۰
خانواده برومند، ۴۰۶
خانوادهٔ پاسکوال دوآرته، ۲۲۲
خانوادهٔ رومانوف، ۳۲۶
خانه آفتاب، ۶۳۳
خانه‌های شهرری، ۱۷۷
خانهٔ آن مرحوم، ۲۳۲
خانهٔ بابا علی، ۳۰۷
خانهٔ روشنی، ۱۷۷
خانهٔ مرگ، ۳۹۰
ختم نبوت، ۷۳
خدا از دیدگاه قرآن، ۱۶
خداپرستی و افکار روز، ۳۲۱
خدا در آسمان، ۲۷۹
خداشناسی، ۱۱
خداشناسی، طریق نجات، ۳۷۴
خدا و رمضان، ۴۱/۱
خدا و مهدی (عج)، ۴۱/۱
خداوند الموت، ۲۷۹
خداوند بزرگ و من، ۲۷۹
خداوند علم و شمشیر، ۲۷۹
خدا و ولی‌الامر، ۴۱/۱
خدایان از بندرسته، ۴۰۶
خدای عقرب، ۲۸۳
خدمات اهل بیت پیامبر، ۸/۱
خدمات متقابل اسلام و ایران، ۷۳
خدیجهٔ کبری، ۴۳۰
خراب، ۲۹۰
خرابه‌های ری، ۴۲۸
خرده اوستا، ۳۹۳
خرده اوستا با آوانویسی و معنی، ۳۹۳
خرده اوستا به خط دین دبیره، ۳۹۳
خزائن المراثی یا شورهای فروزان، ۱۰۹
خزانه حزین، ۱۴۸
خسرونامهٔ عطار، ۱۸۷
خطابهٔ ویکتور هوگو بر سر قبر ولتر، ۳۷۶
خطاء، ۴۳۹
خطبات جانسوز، ۶۳
خطبه‌های نماز جمعه، ۵۴
خط جمود برای جهان اسلام و ایران، ۳۷۴
خط سومکا، ۴۴۸
خط فارسی، ۱۲۰
خلاصه شرح حال مولانا، ۶۵۲
خلاصهٔ احوال و منتخب آثار اوحدی اصفهانی معروف به مراغه‌ای و مثنوی منطق العشاق یا ده نامهٔ احدی، ۲۲۷
خلاصةالاحکام، ۴۴
خلاصةالاصول، ۳۲
خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت، ۴۳
خلخالی یک لهجه از آذری، ۲۴۰
خلق و امر در قرآن، ۱۶
خلیج فارس از قدیمی‌ترین ازمنه تا قرن بیستم میلادی، ۳۷۶
خلیفة رسول الله (ص)، ۵۱
خمسه نظامی، ۶۵۲
خندان و گشاده‌رو باشید، ۴۵۵
خنده بر هر درد بی‌درمان دواست، ۲۲۶
خنده و گوهر، مجموعه‌ای از لطایف و حکایات تاریخی، عرفانی، ادبی...، ۶۵۰/۱
خنیاگری و موسیقی ایرانی، ۳۲۲
خواب دیدن ائمهٔ اطهار (ع)، ۶۰
خوابنامهٔ منظوم، ۱۲۲
خواجه نصیرالدین طوسی، ۵۱
خواجهٔ تاجدار، ۲۷۹
خوارج از دیدگاه نهج‌البلاغه، ۱۴
خواستن توانستن است، ۴۵۷
خواندنی‌ها، ۴۳۳
خواندنی‌های کودکان، ۶۶۳
خودآموز قرآن، ۱۲
خودآموز گفتگوی حسین و حسن، ۱۷/۱
خودآموز و روش تدریس قرائت مجید، ۱۷/۱
خودجوشی، ۳۲۱
خورشید و ماه، ۲۲۳
خوشمزگی‌ها، ۱۸۶
خوشه‌ها، ۱۷۸
خه بیامی، ۱۹۱
خیام و سهیلی، ۱۸۶
خیام یا خیامی، ۲۱۶
خیاویا مشکین شهر، ۱۷۷
خیر الکلام، ۶۴
دائرةالمعارف الامامیة، ۳۳۶
دائرةالمعارف تشیع، ۳۴۸
دادرسی تاریخ، ۳۳۵
دارالعلم شیراز، ۲۵۹
دارالفنون آمریکایی بیروت، ۴۷۰
داروی محبت، ۲۲۸
داریوش یکم پادشاه پارسها، ۴۴۸

داستانِ بهرام گور، ۲۵۲
داستان بیژن و منیژه، ۵۸۵
داستان تمدن جهان از آغاز تا سال ۱۹۹۰، ۳۶۶
داستان حسنک از تاریخ بیهقی، ۲۴۷
داستان خرو و خرکچی، ۳۰۷
داستان دوستان، ۱۷۷
داستان راستان، ۷۳
داستان عروسک، ۳۰۷
داستان ملک جمشید، ۶۵۲
داستان منظوم مکتبدار بصره، ۱۳۰
داستان من و شعر، ۳۰۸
داستان‌های برگزیده، ۱۲۵
داستان‌های بیدپای، ۲۸۴
داستان‌های دریای جنوب، ۲۵۷
داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی، ۲۴۷
داستان‌های شگفت، ۳۷
داستان‌های شیرین ایرانی، ۱۸۹
داستان‌های کوتاه از نویسندگان بزرگ، ۴۲۱
داستان‌های نوین آلمانی، ۲۱۳
داستان‌هایی از پنجاه سال یا اوضاع اجتماعی نیم قرن اخیر، ۴۵۱
داستان‌هایی از زندگانی پیغمبر ما، ۳۷۴
دانستنی‌های آیین زرتشتی، ۳۹۳
دانشمندان و بزرگان اصفهان، ۴۵۰
دانش منطق، ۱۶
دانشنامه، ۳۰۱، ۴۳۸
دانشنامه، مجموعهٔ مقالات و رسالات، ۴۳۴
دانشنامهٔ پلیاد، ۳۲۴
دانشنامهٔ جهان اسلام، ۲۱۴، ۲۶۶، ۳۴۸
دانشنامهٔ علایی، ۱۲۳
دانش و بینش (در زمینهٔ عرصه‌های نوین علمی)، ۴۰۶
دانش و خرد، ۱۹۴
دایرةالمعارف تشیع، ۲۶۶
دایرةالمعارف جهان اسلام، ۳۴۸
دایرةالمعارف فارسی، ۴۸۸
دایرةالمعارف قرآن، ۴۱/۱
دختران سپهر، ۲۰۵
دختران فضل‌فروش به همراه چهار نمایشنامهٔ دیگر از چهار نویسنده دیگر، ۶۴۵
دختر ترسا، ۱۳۰
دختر سلطان، ۲۸۴
دختر فقیر، ۲۷۹
دختر کلمانتین، ۲۸۶
دخمه ارغون، ۳۰۵
دخمه‌نشینان، ۲۵۷
دخمه‌های سیاه یا کلبهٔ بدبختان، ۹۸
در آزادی، ۴۰۴
در آستانهٔ سالزاد پیامبر (ص)، ۳۵۸
در آستانهٔ قرآن، ۳۵۸
در آستین مرقع، ۳۷۵
در آغوش خوشبختی، ۱۲۵
در اجتماع چگونه زندگی کنیم، ۴۴۵
در انتظار، ۱۷۷
در انتظار کودکی هستم، ۳۶۸/۱
در اوج قدرت، ۳۹۰
در باره عایشه همسر پیغمبر، ۳۷۴
در بارهٔ ادبیات، ۲۸۳
در بارهٔ زبان آذربایجان، ۲۸۶
در بارهٔ زبان فارسی، ۱۶۰
در بارهٔ قیام ژاندارمری خراسان به رهبری کلنل پسیان، ۱۱۷
در بارهٔ کلیله و دمنه، ۲۵۷
در بارهٔ منطق عمل، ۴۰۶
دربدر در پی بهشت، ۴۴۸
در برابر خدا، ۳۹۰
در پیشگاه امام صادق (ع)، ۲۷۹
در تربیت، ۳۹۱
در جستجوی برادر، ۲۷۵
در جستجوی خوشبختی، ۱۲۵
درج گهر، ۱۳
در جهان علم، ۴۷۷
در حیاط کوچک پاییز...، ۹۷
در خاطر منی، ۱۸۶
درخت پیر و جنگل، ۹۷
در دوزخ، ۴۰۶
در دیار صوفیان، ۱۶۱
درر الاخبار فیما یتعلق بحال الاحتضار، ۵۷
دررالفوائد، ۵، ۲۱
دررالکلم در کلمات قصار علی (ع)، ۱۳
در راه پیروزی، ۱۹۸، ۲۷۴
در راه وطن، ۵۴۳
در زیر تیغ دژخیم، ۱۵۶
درس انشاء، ۲۶۱
درست و نادرست، ۵۱
درس زندگی: گزیدهٔ قابوس‌نامه، ۳۰۸
درس معلم دانا، ۴۳۳
درس وحدت، ۵۴
درسهایی از تاریخ سیاسی ایران، ۳۱۲
درسی از دیوان حافظ، ۱۵۲
درسی از قرآن، ۵۴
درسی که حسین (ع) به انسان‌ها آموخت، ۸۸
در سینمای زندگی، ۱۲۵
در صحنه زندگی و تأثیر، ۲۷۹
در عالم موسیقی و صنعت، ۶۶۳
درفش ایران، ۲۹۸
در قلمرو مکانیک (استاتیک و دینامیک)، ۴۷۷
در قلمروی سعدی، ۱۶۱
در کرانه‌های کارون و شط العرب و اسناد تاریخی حاکمیت ایران، ۳۵۶
در کنار پدرم، مصدق، ۴۸۹
درمان خجالت در سه هفته، ۳۶۸/۱
درمان طبیعی بیماریهای تنفسی. ۳۶۸/۱

درمـان طـبیعی بـیماریهای چشـم، ۳۶۸/۱
درمـان طـبیعی بـیماریهای گـردش خون، ۳۶۸/۱
درمـان طـبیعی بـیماریهای گـوارشـی، ۳۶۸/۱
درمان طبیعی یبوست، ۳۶۸/۱
در محضر شیخ انصاری، ۱۶/۱
در مقابل غرب، ۴۱۷
در مکتب استاد، ۱۸۲
در میان ابرها، ۳۰۷
دروازه بزرگ، ۲۷۹
دروازه هزار سال شاهنشاهی و اروند رود، ۲۱۵
دروس العقائد، ۸۶/۱
دروس متون احادیث، ۶۰
دروغ، ۵۱
درون جهان سوم، ۴۳۳
درویش گمنام، ۹۸
درهٔ نجفی، ۴۴۴
درة الاخبار و لمعة الانوار، ۴۳۸
درة التاج لغرة الدباج، ۴۳۸
در یادنامهٔ جمشید، ۴۴۶
دریانوردی ایرانیان، ۳۵۶
دریانوردی عرب در دریای هند، ۴۴۶
دریای جان، ۳۶۷
دریای گوهر، ۱۵۳
دریای مازندران، ۶۴۲
دریای نـور، وصـایای رسـول (ص) بـه اباذر، ۱۰۹
دری به خانهٔ خورشید، ۲۹۹
دریـچه‌ای بـر کـاخ بـلند و گـزندناپذیر شاهنامه، ۲۶۳
دریچهٔ پاییز، ۴۰۶
در یکی از شب‌های بهار، ۲۸۴
دری وری، ۱۹۸
دزد جوانمرد، ۲۷۹
دزد ناشی که به کاهدان زد، ۱۸۶
دساتیر کتاب آسمانی نیست، ۳۹۳
دستمال، ۲۸۴
دستمال گلدار و گنج بی‌صاحب، ۳۰۷
دستور تاریخی زبان فارسی، ۲۸۴
دسـتور جـدید تـار و سه‌تار، دستور ویولن، ۶۶۳
دستور حج و عمره، ۵۸
دستور رستگاری، ۲۷۱
دستور زبان آلمانی، ۲۱۹
دستور زبان (پنج استاد)، ۳۰۱
دستور زبان سینما، ۵۷۱/۱
دسـتورِ زبـان فـارسی، ۱۱۹، ۱۵۹، ۲۴۰، ۲۸۴، ۲۹۴، ۵۸۵
دستور زبـان فـارسی بـرای تـدریس در مدارس، ۲۸۴
دسـتور زبـان فـارسی دورهٔ ابـتدایـی، ۳۰۱
دستور زبان کنونی آذربایجان، ۲۴۰
دسـتور زبـان و مـعانی و بـیان و بـدیع فارسی، ۹۸
دستور شرق، ۱۱۶
دسـتورنامه در صـرف و نـحو زبـان فارسی، ۲۶۹
دستورنامهٔ تار، ۶۶۳
دستور نگارش، املاء، ۲۰۵
دستور نوشتن، ۱۲۵
دستور نویسندگی، ۲۰۵
دستور و تاریخ ادبیات، ۳۰۱
دست‌های قاتل، ۲۷۹
دشت گرگان، ۳۹۱
دشمنان، ۴۲۹
دعا عامل پیشرفت یا رکود؟، ۷۵
دفاع از اسلام و روحانیت رد بـر دکـتر علی شریعتی، ۱۰۹
دفـاع از حسـین شـهید در رد کـتاب شهید جاوید، ۱۰۹
دفاع از ملانصرالدین، ۱۲۵
دفـاع دکـتر مـصدق از نـفت در زنـدان زرهی، ۴۰۰
دفتر اشعار (دکتر محمود افشار)، ۱۰۲
دفتر شعر دری، ۲۷۸
دفـع الشـبهات و حـل المشکـلات، ۲۳/۱
دکتر اقدس و شوهرش، ۵۵۰
دکتر جرج واشنگتن کارو، ۴۱۸
دگرگونی بنیادی فلسفهٔ یـونانی بـر اثـر طـرز انـدیشهٔ اسـلامی (رسـاله)، ۴۲۰
دلائـل السـداد فـی القـواعـد الفـقه و الاجتهاد، ۳۸۰
دلالان بین‌المللی نفت، ۳۵۶
دلاوران گـمنام ایـران در جـنگ بـا روسیه، ۲۷۹
دلباخته، ۳۹۰
دل شیدای حافظ، ۲۲۸
دلگیر، ۱۷۴
دلیران تنگستانی، ۱۴۰
دلیل‌البقاء، ۸۶/۱
دلیل البکا، ۸۶/۱
دلیل عروةالوثقی، ۴۱/۱
دم بریده، ۲۳۲
دمی با خیام، ۱۶۱
دندان ببر، ۳۹۰، ۴۲۱
دندیل، ۱۷۷
دنیاگردی جمشید و مهشید، ۳۰۷
دنیا می‌خندد، ۱۹۸
دنیای خیال، ۲۴۷
دنیای دیگر، ۲۷۹، ۳۹۰
دوازده امام خواجه نصیر طوسی، ۶۵۲
دوبروسکی، ۴۲۹
دوبـیتی‌های فـارسی در افـغانستان، ۲۷۵
دو خانواده، ۲۸۴
دودمان راگو، ۲۷۵
دوراندیشی در تکنیک، ۴۴۸
دوران کودکی، ۴۲۹
دوران نادر، ۲۱۶
دو رساله در ولایت حکـومت اسـلامی، ۵۵

دورهٔ دوّم آموزش سنتور، ۵۴۴
دورهٔ کامل تاریخ ایران، ۴۲۱
دورهٔ مفصل علم اقتصاد، ۴۵۳
دوزخ اما سرد، ۹۷
دوزخ شغالشاه، ۴۰۶
دوستداران وطن، ۱۵۲
دوست‌یابی، ۱۹۰
دوستی، دوستی، ۳۳۰
دوستی‌های تلخ و شیرین، ۴۱
دوشیزه متهم، ۲۷۹
دو فیلسوف شرق و غرب: ملاصدرا و اینشتین، ۳۷/۱
دو قربانی دیگر، ۳۷۵
دو قطره اشک، ۱۸۶
دو کدخدا، ۳۰۷
دولت حاکم، آی.تی.تی.، ۳۴۸
دو ماه در پاریس یا از یونسکو تا برلین، ۳۸۳
دو مقاله در بارهٔ تبلیغات، ۴۰۶
دون کیشوت، ۲۷۹
دو هفته در اتحاد جماهیر شوروی، ۴۰۶
دویست شاعر، ۱۵۶
ده تبهکار بهت‌آور، ۲۷۹
ده روز زندگانی حضرت محمد (ص)، ۳۹۸
ده فرمان، ۱۵۳
ده قطره اشک، ۲۷۳
ده گفتار، ۷۳
ده لال بازی، ۱۷۷
دههٔ نخستین، ۴۰۶
دیباچه‌نگاری در ده قرن، ۱۸۲
دیپلمات، ۴۵۷
دیپلمات و روابط دیپلماتیک، ۳۱۹
دیداری با اهل قلم، ۳۰۸
دیدگانی فیزیک، ۴۷۰
دیدگانی کوانتیک، ۴۷۰
دیر راهبان، ۲۸۳
دیروز، خط فاصله، ۲۹۰
دیکته و زاویه، ۱۷۷
دیگ جوش قلندر، ۳۲۵
دین پایه زرتشتی، ۳۹۳
دین‌شناسی تطبیقی، ۱۱
دین‌نامه‌های (شمارهٔ ۱ و ۲ و ۳)، ۳۹۳
دین و دانش، ۱۱
دینوزورها، ۴۳۳
دیوان آزاد همدانی، ۲۴۷/۱
دیوان ابوالعینک، ۱۴۴
دیوان ابوالفرج رونی، ۲۸۵
دیوان ادیب صابر ترمذی، ۲۸۵
دیوان اشعار، ۷۷/۱، ۸۱/۲، ۸۶/۱، ۱۲۹، ۱۵۷، ۱۸۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۴، ۲۴۶، ۳۶۳
دیوان اشعار افسر کرمانی، ۱۰۱
دیوان اشعار بیدار، ۱۳۹
دیوان اشعار ترجانی‌زاده، ۱۳۰
دیوان اشعار خانلری، ۲۸۴
دیوان اشعار شیخ محمد علی انصاری، ۱۰۹
دیوان اشعار کسایی مروزی، ۱۶۰
دیوان اشعار ناصح، ۲۸۵
دیوان البسه از نظام‌الدین محمود قاری یزدی، ۴۸۷
دیوان الحاج میرزا ابوالفضل الطهرانی، ۲۵۸
دیوان امیر فیروزکوهی، ۱۰۷
دیوان انوری ابیوردی، ۲۶۲
دیوان ایرج میرزا، ۲۵۷
دیوان بابا طاهر عریان، ۱۱۶
دیوان بابافغانی شیرازی، ۱۸۷
دیوان بنده، ۶۵۲
دیوان تندری، ۱۶۶
دیوان جامی، ۱۵۲، ۵۸۵
دیوان جلوه، ۱۸۷
دیوان چهار زبانه حافظ، ۵۸۵
دیوان حافظ، ۱۰۸، ۱۷۶، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۸۴، ۳۰۳، ۵۱۶، ۵۸۵، ۶۵۲، ۶۶۷
دیوان حالت، ۱۴۴
دیوان حکیم سنائی، ۲۶۲
دیوان حکیم صفای اصفهانی، ۱۸۷
دیوان حکیم قاآنی شیرازی، ۲۵۷
دیوان حکیم مختاری غزنوی، ۳۰۱
دیوان خاقانی شروانی، ۱۸۲
دیوان خروس لاری، ۱۴۴
دیوان خواجوی کرمانی، ۱۸۷
دیوان خوشدل، ۱۵۸
دیوان رحمت، ۱۹۸
دیوان رحمت کازرونی، ۱۱۸
دیوان رضی‌الدین آریتمانی، ۱۲۴
دیوان سروش اصفهانی، ۲۵۷
دیوان سعد سلمان، ۵۱۶
دیوان سعدی، ۳۰۵
دیوان سلمان ساوجی، ۱۱۱
دیوان سنا، ۳۰۱
دیوان سید حسن غزنوی، ۲۶۲
دیوان سید صالح کرمانشاهی، ۴۴۵
دیوان سید فضل‌الله راوندی کاشانی، ۲۵۸
دیوان شاهزاده افسر سبزواری، ۱۲۴
دیوان شعر، ۱۴، ۳۰، ۵۱، ۶۶/۱
دیوان شمس، ۴۲۶
دیوان شمس طبسی، ۱۲۳
دیوان شوخ، ۱۴۴
دیوان شهریار، ۱۹۷
دیوان صائب، ۱۰۷، ۳۸۴، ۵۸۵
دیوان صابر همدانی، ۲۴۷/۱
دیوان صدرالدین محلاتی، ۲۷۰
دیوان طرب، ۳۰۱
دیوان ظهیرالدین فاریابی، ۱۲۳، ۲۶۵، ۳۰۳
دیوان علی اشتری، ۳۰۶
دیوان عمادی شهریاری، ۲۵۲/۱
دیوان عمان سامانی، ۵۸۵
دیوان عنصری، ۱۲۴
دیوان غزلیات، ۱۵۸

دیوان غزلیات جدید، ۱۴۸
دیوان غزلیات قدیم، ۱۴۸
دیوان غنی کشمیری، ۲۳۷
دیوان فینگلی، ۲۲۶
دیوان قصاید ادبی و اخلاقی، ۱۴۸
دیوان قصاید و غزلیات، ۲۲۱
دیوان قوامی رازی، ۲۵۸
دیوان کامل سراج‌الدین قمری، ۳۸۹
دیوان کامل صائب تبریزی، ۱۷۶
دیوان کبیر مولانا، ۳۰۳
دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، ۱۱۵
دیوان کی‌فر، ۲۴۷/۱
دیوان لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، ۱۷۶
دیوان مجمر اصفهانی، ۳۶۸
دیوان محتشم کاشانی، ۱۷۶
دیوان محزون، ۱۴۱
دیوان محمودخان صبا، ۲۹۲
دیوان مدایح و مراثی ائمهٔ اطهار، ۱۴۸
دیوان مصور خیام، ۶۵۶
دیوان مظفر شیرازی، ۱۱۸
دیوان ملا پریشان، ۴۴۵
دیوان ملا حامد آلیجانی، ۴۴۵
دیوان ملا عبدالرحیم معدومی مولوی، ۴۴۵
دیوان ملا محمد رفیع واعظ قزوینی، ۱۷۶
دیوان موافق میرزا علی اکبر، ۶۵۲
دیوان ناصرالدین سالار، ۲۷۰
دیوان ناصر بخارایی، ۱۶۰
دیوان نظام‌الدین قمر اصفهانی، ۱۲۳
دیوان وحدت کرمانشاهی، ۶۵۲
دیوان هادی رنجی، ۲۴۷/۱
دیوانی در مواعظ و حکم و مدایح و مراثی اهل بیت، ۵۸
ذباحه، ۵۸
ذخیره شهاب الاخبار، ۳۵۴
ذخیرهٔ خوارزمشاهی، ۳۷۵
ذخیرةالصالحین، ۴۹
ذخیرة الصالحین فی شرح تبصرةالمتعلمین، ۵۷
ذخیرة المعاد، ۸۱/۲
ذرایع البیان فی عوارض اللسان، ۵۷
ذیل ظفرنامه نظام الدین شامی، ۴۲۸
ذیل عالم‌آرای عباسی، ۱۸۷
رئالیسم در ادبیات هنر، ۲۱۳
رابطه اوزان شعر یا ترانه‌های محلی ایران، ۹۸
رابطه دوستی و محبت، ۷۲/۱
رابطهٔ عالم اسلامی (به زبان فارسی) در جواب علمای کردستان، ۶۰
رابطهٔ عالم اسلامی قبس من ولاء علی (ع)، ۶۰
رابطهٔ نهج البلاغه با قرآن، ۴۴۰
رابیندرانات تاگور شاعر و فیلسوف هندی، ۲۱۶
رابین هود، ۲۷۹
راحةالصدور راوندی، ۳۰۳
رادیوگرافی دستگاه ادرار، ۴۸۴
راز، ۲۴۰
راز آفرینش انسان، ۳۷۶
راز بزرگ، ۲۷۹، ۳۹۰
راز تفوق انگلوساکسون، ۱۶۱
راز دل، ۲۴۷/۱
راز فلورانس، ۴۲۱
راز کامیابی ژاپن، ۴۴۴
راز نیمه شب، ۴۴۶
راست و نو، ۲۱۹
راما، ۱۱۱
راماین، ۳۹۳
راندهٔ ستم، ۴۰۶
راه بهشت یا تفسیر سورهٔ الحمد و قل هو الله، ۹۴
راه پرورش کودکان، ۴۷۵
راه خداشناسی، ۴۴۵
راه رستگاری یا سخنان حسین بن علی (ع)، ۱۴۴
راه زندگی، ۱۵۲
راه سوم بین کمونیزم و سرمایه‌داری، ۸۸
راه طی شده، ۳۲۱
راه علی (ع)، ۵۱
راه قرآن، ۵۱
راه مبارزه با مشکلات پیمان زناشویی، ۴۱
راه محمد، ۵۱
راه مستقیم، ۸/۱
راهنمای آثار باستانی پاسارگاد، ۳۲۶
راهنمای آثار تاریخی شیراز، ۴۲۸
راهنمای ادبیات فارسی، فرهنگ اعلام، اصطلاحات، ۲۴۷
راهنمای ایران، ۴۷۳، ۴۷۳
راهنمای جنسی قبل از دورهٔ آموزشگاهی، ۳۳۴
راهنمای حاج، تاریخ جغرافیایی مکه، ۴۰۹
راهنمای حق، ۶۳
راهنمای خواندن انواع خطوط کوفی، ۴۸۷
راهنمای دانش درس طبیعت و وظایف انجمن‌های همکاری خانه و مدرسه، ۳۳۵
راهنمای دانشوران، ۱۳
راهنمای دین، ۸۱
راهنمای دینداران، ۱۳
راهنمای ریشهٔ فعل‌های ایرانی، ۴۴۶
راهنمای شهر تهران، ۴۷۳
راهنمای صنایع ایران، ۴۱۸
راهنمای عهود و عهدنامه‌های تاریخی ایران، ۴۵۷
راهنمای فیلم‌سازی، ۵۷۱/۱
راهنمای قم، ۱۳
راهنمای کوفی‌خوانی، ۳۷۲
راهنمای گردآوری سکه، ۴۸۷
راهنمای متوسلین و مستشفعین،

۵۸/۱
راهنمای موزهٔ ایران باستان، ۳۲۶
راهنمای میراث، ۸۶/۱
راهنمای نقاشی کودکان، ۶۳۳
راهنمای نمایشگاه خطوط خوش کتابخانهٔ سلطنتی، ۱۲۰
راهنمای همدان، ۴۷۳، ۴۷۳
راهنماییهای حضرت علی (ع)، ۸/۱
راه نو در جهان‌شناسی، ۱۳
راه‌های اختیار، ۳۹۰
راه‌های باستانی و پایتخت‌های قدیمی غرب ایران، ۴۲۸
راه‌های دانشکدهٔ پزشکی، ۴۷۱
ربا در اسلام، ۱۶
رباعیات، ۳۰۴
رباعیات باباطاهر عریان همدانی، ۱۸۹
رباعیات حکیم عمر خیام، ۱۹۱
رباعیات شیخ ابوسعید ابوالخیر، ۵۸۵
رتبت دانش حافظ، ۱۱۹
رجال اسلام، ۴۰۹
رجال قاین، ۲۵۸
رجال قم و بحثی در تاریخ آن، ۱۲۴
رد تئوری همگرایی (سیاسی)، ۴۰۶
رده‌بندی دهدهی دیوئی، ۲۱۴
رده‌بندی دهدهی دیوئی: ادبیات ایرانی، ۲۱۴
رده‌بندی دهدهی دیوئی: زبان‌های ایرانی، ۲۱۴
ردهٔ بی.پی.: اسلام (علوم دینی اسلام در نظام رده‌بندی کتابخانهٔ کنگره)، ۲۱۴
ردیف سنتور، ۵۴۴
رز و گل سرخ و نسترن، ۴۸۷
رسائل آقا میرزا محمد باقر آشتیانی، ۲
رسائل استدلالیه در مسائل الفقیه، ۷۴
رسائل خیام، (نوروزنامه ــ رساله وجود)، ۱۱۱
رسائل ملاحسن فیض، ۴۲۸
رسالتان فی الارث و فی‌نفقه الزوجه، ۵
رسالت انقلابی امام حسین (ع)، ۸۸
رسالت تشیع در دنیای امروز، ۵۵
رساله آداب المتعلمین، ۲۴۳
رساله استفتائات، ۵
رساله اصفهانی پاسدار، ۳۰۱
رساله الخلل فی الصلاة، ۴
رساله المعینیة، ۳۵۴
رساله امامت خواجهٔ طوسی، ۳۵۴
رساله اندرز ابن سعید، ۲۸۵
رساله‌ای دربارهٔ دستور زبان فارسی، ۲۹۶
رساله‌ای در بارهٔ نهج‌البلاغه، ۱۴۶
رساله‌ای در تعاقب ایادی، ۲۲
رساله‌ای در حدیث رفع، ۲۲
رساله‌ای در فلسفه، منطق و روان‌شناسی و اخلاق، ۱۱۱
رساله‌ای در مطالب متفرقه، ۲۹۱
رساله‌ای در منطق به فارسی، ۲۹۱
رساله‌ای در منطق، فلسفه، روانشناسی و اخلاق، ۱۱۱
رساله‌ای منظوم از دعای روزهای ماه رمضان، ۱۴۱
رساله بنایی، ۱۲۳
رساله پیرامون حجاب، ۸۶/۳
رساله تاریخ فلسفه، ۲۴۷/۱
رساله تحقیقات سرحدیهٔ میرزا جعفر خان مشیرالدوله، ۴۸۷
رساله تحقیقی در احوالات مولانا، ۳۰۱
رساله تحقیقی دربارهٔ دستور زبان فارسی، ۳۰۱
رساله تفویض، ۸۵
رساله توضیح المسائل عربی، ۵۸
رساله توضیح المسائل فارسی، ۵۸
رساله حی بن یقضان، ۳۴۶
رساله خرافات، ۱۱۶
رساله در اثبات ذات، ۵۵
رساله در اصول علم انسانی، ۳۲۵
رساله در اعتباریات، ۵۵
رساله در اعجاز، ۵۵
رساله در اوقات نماز، ۵۹
رساله در باب علیشیر نوایی، ۱۵۲
رساله در بارهٔ شرح احوال شعرای اصفهان قرن سیزده و چهارده و پانزده، ۳۰۱
رساله در برهان، ۵۵
رساله در تحلیل، ۵۵
رساله در ترتب، ۵۷/۱
رساله در ترکیب، ۵۵
رساله در تعاقب ایدی بغیر، ۷۲
رساله در تقیه، ۷۲
رساله در جبر و تفویض، ۳۲
رساله در حجاب زنان، ۶۸
رساله در دلالت آیهٔ تطهیر بر اهل بیت، ۵۹
رساله در شرح حال خاقانی، ۱۲۴
رساله در شرح حال صاحب بن عباد، ۲۸۵
رساله در صور فلکی، ۴۰۷
رساله در طلب و اراده، ۴۰
رساله در علم امام (ع)، ۵۸
رساله در علم قافیه، ۳۰۵
رساله در علوم غریبه، ۵۸/۱
رساله در فروع علم اجمالی، ۷۲
رساله در قاعده فراغ و تجاوز، ۷۲
رساله در لباس مشکوک، ۷۲
رساله در مباهله، ۵۹
رساله در محاکمه بین شیخ صدوق و شیخ مفید در یک مسألهٔ کلامی، ۴۸
رساله در مسألهٔ بداء، ۴/۱
رساله در مشتق، ۴۰
رساله در معرفت النفس، ۱۲۴
رساله در مغالطه، ۵۵

رساله در مقدمهٔ واجب، ۵۱
رساله در ملازمهٔ حکم عقل و شرع، ۵۷/۱
رساله در نجوم و فلکیات، ۸۱/۲
رساله در نماز جمعه، ۵۹
رساله در وضع، ۵۷/۱
رساله راه ما، ۴۷۰
رساله راهنمای رستگاری، ۱۴۱
رساله روانشناسی، ۴۶
رساله سلطانعلی مشهدی در خوشنویسی، ۴۲۹
رساله شعوبیه، ۳۰۱
رساله صدرالدین شیرازی، ۱۴۶
رساله طینت، ۲۵۸
رساله عربی برای فارسی، ۱۵۹
رساله علم غیب امام (ع)، ۸۵
رساله عملیه، ۱۵، ۶۳
رساله عنعنیه، ۱۳۵
رساله فی اثبات وجودالامام (ع) فی کل زمان، ۵۹
رساله فی تواریخ النبی و آلال، ۴۸
رساله قدسیه، از کلمات بهاءالدین نقشبند، ۲۱۴
رساله قضایای عامه «در علوم طبیعی»، ۱۵۲
رساله کون خیام، ۱۹۰
رساله لاضرر، ۷۲
رساله لقاءالله، ۶۰
رساله من ادرک، ۷۲
رساله مناسک و مسائل حج و عمره، ۶۰
رساله موسیقی اخوان الصفا، ۱۲۳
رساله موسیقی بهجت‌الروح، ۶۴۵
رساله نجاة العباد، ۶۵۶
رساله نورالانوار، ۸۵
رساله وجودیه خیام، ۱۹۰
رساله وسائط، ۵۵
رساله وضع الفاظ، ۴۶
رسالة الاجتهاد و التقلید، ۱۴
رسالة الاستصحاب، ۱۴
رسالة الانسان، ۸۶/۱
رسالة الحقوق امام سجاد، ۵۱
رسالةالطیر، ۳۴۶
رسالةالغفران یا بهشت و دوزخ معری، ۳۵۳
رسالة النبوة و الامامه، ۵۵
رسالة النیة، ۴
رسالة الولایة، ۵۵
رسالة سهو النبی (ص)، ۴۸
رسالةٌ فی اثبات استحبات القنوت فی‌الصلاة عندالعامة، ۸۶/۳
رسالة فی الاستصحاب، ۴/۲، ۴۱/۲
رسالة فی التعادل و التراجیع، ۱۴
رسالة فی التقیة، ۱۴
رسالة فی‌الخمس، ۴/۲
رسالة فی‌الخیارات، ۴۱/۲
رسالة فی‌الدیات، ۴/۲
رسالة فی الرجعة، ۵۷/۱
رسالة فی الطلب و الارادة، ۱۴
رسالة فی‌القضاء، ۴/۲
رسالة فی اللباس المشکوک، ۳۴
رسالة فی‌المطلق و المقید، ۴۱/۲
رسالة فی‌المکاسب المحرمة، ۴/۲
رسالة فی تعیین الفجر فی اللیالی المقمره، ۱۴
رسالة فی حدیث طلب العلم فریضة علی کل مسلم، ۸۶/۳
رسالة فی ذکریا بن آدم الاشعرای، ۸۶/۳
رسالة فی قاعدة من ملک، ۱۴
رسالة فی لباس المصلی، ۸۶/۳
رسالة فی مسألةالترتب، ۵۹
رسالة فی معرفة الصحابة، ۲۵۸
رسالة لقاءالله، ۱۴
رسالة نجاة العباد، ۱۴
رستاخیز، ۱۵۲، ۴۵۷
رستاخیز آسیا، ۴۱۶
رستم و دیو سفید، ۱۱۷
رستم و سهراب، ۱۱۷، ۲۸۴
رستم و سهراب از شاهنامه، ۴۴۶
رسم‌المشق، ۶۵۶، ۶۶۷
رسول اکرم در میدان جنگ، ۳۷۴
رشحات عین الحیات، ۲۷۴
رفع الحاجب فی الاجرة علی الواجب، ۴۹
رقص کوسه، ۱۴۴
رگ‌شناسی یا رساله در نبض، ۴۳۸
رگ و ریشهٔ دربدری، ۱۷۷
رمانتیسم در فرانسه، ۳۸۲
رمان ملکوت، ۲۰۳
رمز ترقی، ۴۱
رمز نفوذ در دیگران، ۳۵۲
رموز روانی مدیریت، ۳۵۱
رنج‌های جوانی ورتر، ۲۴۷
رنگ‌ها، ۱۵۶
رنگها: برای سلامتی شما، ۳۶۸/۱
رنگین کمان، ۴۳۹
روابط ایران و هند، ۳۳۰
روابط حکمت اشراق و فلسفهٔ ایران باستان، ۴۱۵
روابط فرهنگی مصر و ایران، ۱۹۱
رواقیون، ۳۲۹
روان الوند، ۱۵۰
روانشناسی، ۱۹۰، ۴۳۸
روانشناسی پرورشی، ۳۳۴، ۳۸۳
روانشناسی جدید، ۳۸۳
روانشناسی جنایی، ۳۸۳
روانشناسی در خدمت بشر، ۲۴۵
روانشناسی عشق ورزیدن، ۳۶۶
روانشناسی کودک، ۳۳۴
روانشناسی و تطبیق آن با اصول پرورش، ۲۸۴
روانشناسی و دشواری‌های تربیتی، ۲۹۰
روانشناسی یا علم‌النفس شفاء، ۳۵۳
روانکاوی، ۳۵۱
روانکاوی و زندگی من، ۴۵۵

روان‌های روشن، ۳۰۸
روایح النسمات، ۸۱/۲
روبسپیر، ۲۶۳
روحانیت در اسلام و در میان مسلمین، ۱۶
روحانیت در عصر انقلاب، ۴/۱
روحانیت و تبلیغ در اسلام، ۸/۱
روح ایران، ۲۸۴
روح پروانه، ۱۹۷
رودزیا، ۳۴۸
رودهای عمده منطقهٔ گیلان، ۶۴۲
روزبهان نامه، ۳۵۴
روز مادر، ۱۵۵
روزنامهٔ خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان، ۳۶۱
روزها و خطابه‌ها، ۵۴
روزها و یادها، ۳۶۹
روستائیان، روشنی‌ها، داستان مرد ناشناس، ۴۲۹
روسیه، غرب و چین، ۳۶۶
روش آموزش و پرورش در چند کشور، انگلستان و سویس و مصر، ۴۱۸
روش انتخاب بهترین مرغان تخم‌گذار، ۴۸۷
روش اندیشه، شرح منظومهٔ منطق و رساله تاریخ منطق، ۷۵
روش تحقیق، ۳۵۲
روش تحقیق در بیان دین و اخلاق، ۱۱۱
روش تحقیق در بیان فلسفی اسطوره‌ها، ۱۱۱
روش تحقیق در تاریخ هنر، ۱۱۱
روش تحقیق در تحولات فکری و فلسفی در اروپا و آسیا، ۱۱۱
روش تحقیق در دستور زبان فارسی و شیوهٔ نگارش، ۱۱۱
روش تحقیق در زیبایی‌شناسی، ۱۱۱
روش ۱: جان جان، ۳۱۴
روش ۲: طبیعت طبیعت، ۳۱۴
روش ۳: شناخت شناخت، ۳۱۴
روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی، ۹
روش رهبران انقلابی ما، ۸/۱
روش صحیح نسخه‌های خطی، ۱۵۵
روش علمی تلقین بنفس، ۴۵۵
روش نویسندگی، ۲۵۴
روش نوین سبزی‌کاری، ۴۸۷
روش ورزش با دمبل، ۴۴۳
روش‌های آماری در آموزش و پرورش، ۴۶۵
روش‌های مقدماتی آمار، ۳۵۲
روضات الجنان، ۳۷۷
روضهٔ خلد، ۱۵۵، ۲۲۷
روضة الصفا، ۳۶۷
روضة الکتاب و حدیقة الکتاب، ۳۸۴
رومن رولان، زندگی و آثار، ۲۶۳
روی پل تجریش، ۱۵۰
روی زمین و زیر زمین، ۳۰۷
ره‌آورد طوس، ۱۶۸
رها، ۱۳۵
رهبران راستین، ۸۸
رهبر خرد، ۴۶
رهبر زندگی برای جوانان و دختران، ۳۳۵
رهبر سعادت یا دین محمد (ص)، ۲۹
رهنمای تربیت یا اصول تعلیم، ۳۱۱
رهنمای قطغن و بدخشان، ۳۷۲
ریاحین الشریعه، ۶۴
ریاض الجنان، ۶۵۶
ریاض‌الوفاق، ۱۵۹
ریاض یا مجموعه دلفریب، ۵۸/۱
ری باستان، ۴۲۶
ریتم به زبان نت، ۵۲۶
ریشه‌های تاریخی امثال و حکم، ۱۲۶
ریشه‌های ضعف و عقب‌ماندگی مسلمین، ۴۳۰
ریکی تیکی تاوی، ۲۲۸
رؤیا در نیمه شب تابستان، ۲۲۸
رؤیای جوانی و غم پیری: آثار ارزنده‌ای از شعرای نامی ایران...، ۶۵۰/۱
رؤیای چینی، ۴۰۶
رؤیای ستاره، ۲۲۸
زادالسالک، ۲۵۸
زاد المحتاج شرح المنهاج، ۸۴
زارع شیکاگو، ۴۲۹
زایش و تکامل تئوری انقلابی، ۴۰۶
زبان آذربایجان و وحدت ملی ایران، ۲۸۶
زبان باستانی آذربایجان، ۴۲۴
زبان، حقیقت، منطق، ۳۲۵
زبان‌شناسی و زبان فارسی، ۲۸۴
زبان مادری، ۱۹۸
زبان‌ها و لهجه‌های اصفهان، ۱۶۸
زبان‌های باستانی آذربایجان، ۴۲۴
زبدهٔ شاهنامهٔ فردوسی، ۱۵۳
زبدهٔ غزلیات حافظ از روی نسخهٔ قزوینی، ۴۴۳
زبدهٔ غزلیات سعدی از روی نسخهٔ قزوینی، ۴۴۳
زبدة‌الاسرار، ۶۵۲
زبدة التصانیف، ۱۳
زبدة التفاسیر، ۴/۲، ۵۸/۱
زبدة التواریخ کاشانی، ۳۵۴
زبدة‌النّصرة و نخبة‌العصرة، ۱۳۹
زراعت آفتابگردان، ۴۸۶
زراعت برنج و اصلاح آن، ۴۸۶
زراعت سویا، ۴۸۶
زرتشت و هم‌زمانان او در ودا، ۳۹۳
زکاة در اسلام، ۸۶/۱
زکوة و خمس و صوم و اجاره و وصایا و اجرة بر واجبات و قرعه و منجزات مریض و مکاسب شیخنا الانصاری تا بحث فضولی، ۵۸
زمامداری امام مجتبی (ع)، ۷۲/۱

زمان چیست و چگونه می‌گذرد، ۸۳
زمزمهٔ بهشت، ۱۵۳
زمستان، ۹۷
زمینی که روی آن زندگی می‌کنیم، ۳۶۱
زنان شاعر ایران، ۹۵
زنبور عسل، ۲۷۹
زندانی باغ فردوس، ۳۵۱
زندانی بیگناه، ۳۹۰
زن در جامعه، ۳۱۱
زن در نظر تاریخ، ۳۳۵
زندگانی بتهوون، ۳۳۰
زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام
زندگانی حبیب بن مظاهر اسدی، ۸۵
زندگانی حضرت ابوالفضل العباس (ع)، قمر بنی هاشم، ۴۰۹
زندگانی حضرت خامس آل عبا ابی عبدالله ـ سید الشهداء، ۴۰۹
زندگانی حضرت رسول (ص) پیشوای اسلام، ۴۰۹
زندگانی حضرت سجاد، ۴۰۹
زندگانی حضرت علی اکبر و علی اصغر، ۴۰۹
زندگانی حضرت علی بن موسی‌الرضا، ۴۰۹
زندگانی حضرت فاطمه زهرا (س)، ۳۸۸
زندگانی حضرت مجتبی، ۴۰۹
زندگانی زینب کبری، ۴۰۹
زندگانی سردار کابلی مشتمل بر حوادث افغانستان در قرن نوزدهم میلادی، ۲۴۷/۱
زندگانی علی بن ابیطالب، ۴۰۹
زندگانی محمد (ص)، ۱۲۵، ۳۷۴
زندگانی من، ۳۱۸، ۳۳۰
زندگانی مورچگان، ۲۷۹
زندگانی و فلسفهٔ اجتماعی و سیاسی سید جمال‌الدین افغانی، ۴۳۴
زندگانی و فلسفهٔ حاج ملاهادی سبزواری، ۴۳۴
زندگانی یوهان سباستیان باخ، ۳۳۰
زندگی، ۲۱۳
زندگی امام هشتم حضرت رضا (ع)، ۳۶۱
زندگی بتهوون، ۲۲۲
زندگی بر روی می‌سی‌سی‌پی، ۱۴۴
زندگی پطر کبیر، ۴۴۴
زندگی پوشکین، ۳۰۰
زندگی جامی شاعر ایرانی، ۱۵۲
زندگی چهارده معصوم(ع)، ۵۸/۱
زندگی خواب‌ها، ۱۷۹
زندگی زنبور عسل، ۳۹۰
زندگی، زندگی، ۲۶۰
زندگی ژوزفین و ناپلئون، ۴۴۴
زندگی سیاسی استالین، ۳۶۶
زندگی شاه عباس کبیر، ۴۲۱
زندگی شجاع لشکر دامغانی و قتل امیر اعظم، ۲۱۵
زندگی شومان، ۳۲۲
زندگی علی‌بن ابی‌طالب ع، ۲۱۹
زندگی فردریک، ۴۴۴
زندگی محمد زکریای رازی، ۲۱۶
زندگی محمد علی پاشای کبیر، ۲۷۱
زندگی من، ۱۴۴
زندگی می‌گوید امّا باید زیست، ۹۷
زندگینامه حضرتین عسکریین علیهماالسلام، ۴۵۰
زندگی‌نامه سوکارنو، ۳۲۲
زندگینامهٔ داستایوسکی، ۳۰۰
زندگینامهٔ علامه محمد باقر مجلسی، ۴۵۰
زندگینامهٔ علمی دانشوران، ۴۸۲
زندگی و آثار غلامحسین درویش، ۶۴۵
زندگی و آثار کمال (شهرزاد)، ۵۴۳
زندگی و آثار و عقاید تاگور، ۲۷۵
زندگی و سرانجام ماری آنتوانت، ۲۷۹
زنده‌باد زندگی، ۶۴۵
زنده باد وطن، ۲۳۲
زنگ تفریح، ۱۸۶
زنگ‌های ساعت، ۳۹۰
زن مسلمان و خودآرایی، ۸۸/۱
زن و آزادی، ۵۱
ز نیرو بود مرد را راستی، ۴۳
زوال تمدن سوداگری، ۳۱۴
زهرا (س)، ۸۸، ۳۹۰
زهره، ۱۳۲
زیارتنامهٔ حضرت رضا (ع)، ۵۱
زیباشناسی تحلیلی، ۶۶۳
زیباشناسی در هنر و طبیعت، ۶۶۳
زیبایی‌های ایران، ۳۹۹
زیرخاکستر، ۳۷۵
زیر درختان زیرفون، ۳۷۶
زیست یا زندگی، ۴۶۱
زیگموند فروید، ۲۶۷
ژاپن کشور شماره یک، ۳۱۴
ژاله، ۳۶۴
ژاله یا رهبر دوشیزگان، ۲۴۷
ژان پل سارتر، ۲۸۳، ۳۲۵
ژاندارک، ۳۹۰
ژان والژان، ۲۷۹
ژورنالیزم (رساله)، ۴۱۶
ژوزف بالامو، ۲۷۹
ساده‌ترین راهنمای زبان فارسی، ۱۹۸
سارق نامرئی، ۲۷۹
سازمان فرهنگ اراک و شرح حال ده تن از مردان نامی اراک، ۱۶۳
ساقی‌نامه یا آیینهٔ عبرت، ۱۴۸
سال دو هزار، ۲۵۳
سال دینی زرتشتیان، ۳۹۳
سالنامهٔ امیرکبیر، ۱۸۶
سالنامهٔ خراسان، ۲۲۰
سالنمای ایران، ۴۹۰
سالومه و هلن، ۳۷۶

سال‌های سیاه، ۱۵۳
ساندویچ، ۱۷۷
سایه، ۱۶۱
سایه‌ها، ۱۷۸
سایهٔ امید، ۲۹۴
سایهٔ انسان‌ها، ۳۹۰
سبد (کشکول)، ۵۱
سبزی‌کاری، ۴۸۷
سبک خراسانی در شعر، ۲۵۷
سبکسری‌های قلم، ۱۵۳
سبک نگارش فارسی، ۴۲۴
سبیکة الذهب، ۸۱/۲
سپیده‌دم، ۳۳۷
ستارگان، ۳۹۹
ستارگان کرمان، ۲۸۷
ستاره و رمضان، ۵۴۳
سخن آشنا، ۲۴۱
سخنان بزرگان، ۵۴۳
سخنان حسین بن علی (ع)، ۱۸۶
سخنان سران کمونیزم در بارهٔ خدا، ۵۱
سخنان شاهانه، ۲۷۵
سخنان محمد (ص)، ۱۲۵
سخن حکمت، ۱۵۲، ۱۷۶
سخن عشق، ۲۹۳
سخنوران ایران در عصر حاضر، ۳۰۵
سخنی چند در بارهٔ شاهنامه، ۱۱۷
سخنی در بارهٔ خداشناسی، ۱۱
سددر، ۱۱۰
سدهر تها، ۲۴۹
سدهٔ وفات قاآنی، ۱۱۸
سرآغاز عکاسی در ایران، ۶۶۳/۱
سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران، ۱۷۶
سراب‌های کویری، ۲۰۰
سراط السطور سلطان علی مشهدی، ۱۲۰
سرالحجر، ۲۲۱
سر الصلوة، ۱۴
سرانجام شوم یک امپراتور، ۲۷۹
سرانجام کافر، ۸۳
سربازان جاوید، ۵۴۳
سر تنگ بلور، ۳۹۰، ۴۲۱
سرچشمهٔ آب حیات، ۶۰
سرخس دیروز و امروز، ۳۷۳
سردار جنگل، ۴۱۴
سردبیر گیج، ۱۸۶
سرزمین جاوید، ۲۷۹
سرزمین هند، ۱۵۲
سرقت‌نامه، ۲۰۸
سرگذشت ابن سینا، ۴۰۲
سرگذشت حسین حزین، ۱۴۸
سرگذشت قانون، ۳۲۷
سرگذشت کلنل وزیری، ۶۴۵
سرگذشت مارشال نی، ۴۳۱
سرگذشت منظوم اردشیر بابکان، ۲۹۲
سرگذشت ورتر، ۴۲۱
سرگذشت‌ها، ۱۹۸
سرگرمی‌ها، ۱۹۸، ۴۳۳
سرمایهٔ سخن، ۳۷۱
سرمشق گمشده، ۳۱۴
سرنوشت، ۳۰۵
سرنوشت یک امپراتور، ۲۷۹
سرو چه می‌گفت، ۲۲۸
سرود آرزو، ۲۶۴
سرود برای کودکان از پندهای سعدی و موسیقی نظری، ۶۶۳
سرود قرن، ۱۸۶
سرود ناتمام، ۱۱۱، ۲۰۴
سرودهای مدارس، ۶۶۳
سروده‌های روحانی، ۱۶۹
سعادت، ۳۵۲
سعادت ابدی، ۸۱/۲
سعدی را بشناسید، ۱۱۸
سفارشنامهٔ انجمن آثار ملی، ۴۴۱
سفر به انتهای شب، ۲۲۲
سفر جادو، ۴۰۶
سفر سیر تکاملی انسان: توحید، معاد، روح، معجزه، تکامل، ۵۰
سفرنامهٔ ابراهیم صحافباشی تهرانی، ۴۸۷
سفرنامهٔ بافت، ۵۹
سفرنامهٔ دمرگان، ۴۲۲
سفرنامهٔ ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگستان، ۳۶۱
سفرنامهٔ عبدالکریم در رکاب نادرشاه، ۲۹۸
سفرنامهٔ کارری، ۲۴۰
سفرنامهٔ میرزا صالح شیرازی، ۳۵۶
سفرنامهٔ ناصرخسرو، ۲۸۴، ۲۹۴
سفری به دربار سلطان صاحبقران، ۴۲۵
سفری به مسکو، ۳۳۰
سفید و سیاه، ۲۸۴
سفینهٔ غزل، ۱۰۸
سفینهٔ فرخ، ۲۲۷
سفینةالبحار، ۶۵۶
سفینةالمحمود، ۱۵۹
سفینة النجاة، ۳۹۸
سقراط، ۳۲۹
سقوط پاریس، ۲۷۹
سقوط قسطنطنیه، ۲۷۹
سکاکی، ۱۳۰
سکه و نشان دوران پهلوی، ۴۸۷
سکه‌های آقا محمدخان قاجار و پدرش محمد حسن‌خان قاجار، ۴۸۷
سکه‌های شاه اسمعیل اول، ۴۸۷
سگ، ۴۸۷
سگ سیرک، ۲۵۷
سگ و مهتاب، ۱۹۱
سلاجقه از عباس اقبال؛ یک پرده از زندگی شاه تهماسب، ۳۵۴
سلاجقه و خوارزمشاهیان، ۳۲۸
سلاح اقتصادی استعمار جدید، ۳۶۶
سلامان و آبسال، ۳۲۹

سلام بر حسین (ع)، ۲۷۸
سلام به شهریار عزیز، ۴۲۴
سلامتی و بیماری‌های کودکان، ۴۷۵
سلسله مقالات عرفانی، ۳۲۹
سلسلهٔ انساب طباطبایی آذربایجان، ۵۵
سلفای موسیقی ایران، ۳۲۲
سلم الواعظین، ۸۴
سلمان ساوجی، ۱۱۱
سلوة الحزین و مونس الکئیب، ۷۰
سلیمان خان قانونی و شاه طهماسب، ۲۷۹
سمبولی از شعر و ادب معاصر، ۱۴۹
سمک عیار، ۲۸۴
سناخریب، ۲۸۴
سنت تغییر، ۸/۱
سنت در زمینه فقه و اصول، ۳۵
سنفونی مرگ، ۱۷۴
سنگ آفتاب، ۲۸۳
سنگر و قمقمه‌های خالی، ۲۰۳
سنگ معجزه، ۳۹۰
سنن النبی، ۵۵
سوانح الافکار رشیدی، ۳۵۴
سوره مبارکه انعام به انضمام: دعای شریفه توسل، کمیل، ندبه و گنج عرض، ۸۲
سوز و ساز، ۳۷۵
سوز و گداز، ۱۴۸
سوسیالیسم در شیلی، ۳۴۸
سوشیانت، ۱۱۰
سه آهنگ‌ساز: موزار، برلیوز، واگنر، ۴۱۱
سه استاد سخن، ۲۶۷
سه تفنگدار، ۲۷۹
سه داستان حماسی فارسی برای گنجینهٔ ادبیات کودکان، ۲۴۷
سه رساله در علم رجال، ۲۵۸
سه رساله و چهار شرح احوال، ۱۲۰
سه‌ره‌مه‌ر، ۱۹۱
سه سال در ایران، سیاحت‌نامهٔ کنت دوگوبینو، ۲۷۹
سه سال در دربار صاحبقران، ۴۲۵
سه گفتار خواجه طوسی، ۳۵۴
سه گفت و شنود، ۳۲۵
سهندیم، ۱۹۷
سه نمایشنامه، ۳۷۶
سیاست ارسطو، ۴۱۱
سیاست اروپا در ایران، ۱۰۲
سیاست از نظر افلاطون، ۳۳۷
سیاست روز، ۱۴۹
سیاست‌نامه، ۴۳۴
سیاست‌نامهٔ حضرت علی (ع)، ۱۳
سیاه خوشبختی، ۵۴۳
سیاهک و سفیدک، ۳۰۷
سیدالشهداء (ع)، ۳۷
سید حسن مشکان طبسی، ۱۱۶
سیر اندیشه‌های دینی در ایران، ۲۶۹
سیر تحول در قرآن، ۳۲۱
سیر تمدن و لزوم سازش علم و ایمان، ۳۳۵
سیر حدیث در اسلام، ۸۲
سیر مثنوی مولوی (داستان قلعهٔ ذات‌الصّور)، ۳۰۱
سیر مکاتب هنری در ایران، ۱۱۱
سیر و سلوک، در روش اولیاء و طریق سیر سعداء، ۹
سیره جلالی، ۲۸۵
سیره و قیام زید بن علی، ۴۲۶
سیرهٔ رسول اکرم (ص)، ۳۶۷
سیرهٔ رسول‌الله (ص) سنت الهی است، ۴۱/۱
سیری اجمالی در منطق و فلسفهٔ الهی، ۳۸۰
سیری در اندیشه و شناخت، ۱۸۲
سیری در اندیشه‌های سیاسی عرب، ۴۱۱
سیری در بلوغ، ۳۶۶
سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ۴۵۰
سیری در تاریخ فلسفه و فرهنگ، ۲۹۶
سیری در دیوان شمس، ۱۶۱
سیری در سیرهٔ ائمه اطهار علیهم السلام، ۷۳
سیری در سیرهٔ نبوی، ۷۳
سیری در عقاید، ۴/۱
سیری در غزلیات حیدر یغما، ۳۰۴
سیری در نهج‌البلاغه، ۷۳
سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان، ۳۸۵
سی فصل در فن انشاء، ۴۲۴
سیل بجنورد، ۲۲۸
سیمای بزرگان، ۴۳۴
سیمای تاریک و روشن امیرکبیر، ۴۵۸
سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۶۱۲
سیمای شجاعان، ۳۵۱
سیمای فداکاران، ۳۶
سیمای یک انقلابی، ۴۰۶
سینا، ۲۲۹
سی‌ناکسین جراحی، ۴۶۳
سینوهه پزشک مخصوص فرعون، ۲۷۹
شاتودوشیون، ۹۶
شاخ‌های ملوس، ۱۴۳
شادباش نوروزی، ۱۵۲
شادی‌ها و ناکامی، ۳۹۰
شازاده و گه‌دا، ۲۰۱
شاعر در آسمان، ۱۵۳
شاعر شهر شما، ۳۶۲
شاعری دیر آشنا، ۱۶۱
شاندور پتوفی شاعر انقلاب مجار، ۳۳۰
شاه جنگ ایرانیان در چالدران و ایران، ۲۷۹
شاهزاده خانم بابل، ۲۸۶

شاهکار عشق یا شور عاشورا، ۱۹۵
شاهکارهای سعدی، ۱۸۶
شاهکارهای فردوسی، ۱۵۳
شاهکارهای هنر ایران، ۲۸۴
شاهکارهای هنری، ۲۴۷/۱
شاه مهبولستان، ۴۳۱
شاهنامه، ۱۸۲، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۸۴، ۳۰۵
شاهنامه بایسنقر، ۶۶۷
شاهنامه فردوسی، ۵۸۵
شاهنامه و دستور، ۱۹۴
شاهنامهٔ ثعالبی نیشابوری، ۲۹۸
شاهنامهٔ نادری محمد علی فردوسی ثانی، ۱۸۷
شأن نزول آیات قرآن، ۲۵۹
شباهنگ، ۱۹۶
شب بازی تمام شد، ۱۷۷
شبح آزادی، ۵۷۱/۱
شبح در کوچه میکل آنژ، ۱۴۴
شبح مخوف، ۹۸
شب شاعر، ۱۵۶
شبنامه، ۱۷۵
شب‌نشینی باشکوه، ۱۷۷
شب‌های روشن، ۲۴۷
شب هزار و یکم، ۵۴۳
شب هول، ۱۷۷
شبهة العبائیة، ۵۱
شبی در چهارراه، ۴۲۹
شجرهٔ خانوادهٔ طاهری سمنان، ۲۱۵
شجرهٔ طیبه، ۲۶۲
شخصیت مولوی، ۱۹۰
شدالازار، ۲۹۵
شراب خانگی ترس محتسب خورده، ۱۱۱
شرافة الاسخیاء و رذالة البخلاء، ۶۴
شرایع الاسلام، ۴۶، ۳۵۴، ۳۸۰
شرح آثار باستانی تخت جمشید، ۳۶۹
شرح آثار تاریخی شیراز، ۳۶۹
شرح آثار تخت جمشید، ۳۶۹
شرح اجمالی آثار تخت جمشید، ۴۴۱
شرح احادیث امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه، ۵۷/۱
شرح احادیث پیامبر اکرم، ۵۷/۱
شرح احوال حکیم ابوالقاسم فردوسی، ۲۸۲
شرح احوال سروش اصفهانی، ۳۰۱
شرح احوال طبیب اصفهانی، ۲۴۷/۱
شرح احوال و آثار ابن عمید، ۱۸۲
شرح اربعین حدیث، ۵۷/۱
شرح استدلالی ملحقات عروةالوثقی، ۵۷/۱
شرح اصطلاحات تصوف، ۲۵۲
شرح الفیه، ۳۲۵
شرح المائة کلمة لامیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، ۲۵۸
شرح بر عروة الوثقی، ۸۹
شرح بر عروةالوثقی تا مبحث اغسال، ۲۲
شرح بوستان سعدی به نثر، ۲۸۵
شرح تبصرة المتعلمین، ۵۷/۱
شرح تعابیر حضرت امام (ره)، ۴۹۵
شرح چهل حدیث، ۱۴
شرح حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی مخطوط، ۳۷
شرح حال آقا شیخ محمدرضا نجفی، ۴۵۰
شرح حال آیت‌الله آقا حسین خوانساری، ۴۱۲
شرح حال بزرگان، ۴۲۱
شرح حال خاقانی شروانی، ۲۸۵
شرح حال شعرای اسدآباد، ۱۴۱
شرح حال شیخ علاءالدوله سمنانی، ۱۱۶
شرح حال فردوسی، ۲۱۶
شرح حال محمد بن بکر، ۶۰
شرح حال مشاهیر کُرد، ۳۶۳
شرح حال نه تن از خاندان حاجی کلباسی، ۴۵۰
شرح حال و اشعار ناخدا عباس دریانورد، ۱۱۸
شرح حال و زندگی بچه سقایی که به پادشاهی افغانستان رسید، ۲۷۵
شرح حال و منتخب جامی، ۱۵۲
شرح‌حال یغما و منتخب اشعار یغما جندقی، ۳۰۵
شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۴
شرح حدیث رأس الجالوت، ۱۴
شرح خطبهٔ غدیر، ۴۰۹
شرح دعای ابوحمزهٔ ثمالی، ۵۷/۱
شرح دعای افتتاح، ۵۷/۱
شرح دعای زیارت جامعهٔ کبیره، ۵۷/۱
شرح دعای سحر، ۱۴
شرح دعای سمات، ۵۷/۱
شرح دعای صباح، ۵۷/۱
شرح دعای عرفه، ۸/۱، ۳۲
شرح دعای کمیل، ۵۷/۱
شرح ردیف موسیقی سنتی ایران، ۳۲۴
شرح زیارت عاشورا، ۸۲
شرح سودی بر حافظ، ۱۸۱
شرح شرایع در فقه، ۵۸
شرح صحیفه، ۱۵۲
شرح عروةالوثقی، ۱۹، ۵۷/۱
شرح فارسی غررالحکم و دررالکلم، ۲۵۸
شرح فارسی کلمات قصار پیغمبر خاتم (ص) (شرح شهاب‌الاخبار)، ۲۵۸
شرح فصوص، ۳۵۴
شرح فوائد الاصول، ۵۷/۱
شرح قانون ثبت اسناد و املاک، ۳۱۷
شرح قصیدهٔ مسیحیت، ۱۸۲
شرح کامل حالات حکیم قاآنی، ۱۱۸
شرح کاوش‌های پاسارگاد، ۳۶۹
شرح کبیر انقروی بر مثنوی، ۱۸۱

شرح کفایة الاصول، ۱۹، ۵۷/۱
شرح گلشن راز، ۲۴۷/۱
شرح لغات بدیعی، ۵۸/۱
شرح مأموریت آجودانباشی، ۴۸۷
شرح مبسوط مکاسب، ۵۷/۱
شرح مبسوط منظومه، ۷۳، ۳۲۵
شرح مختصر النافع، ۷۸
شرح مشکلات دیوان انوری، ۲۶۲
شرح مکاسب، ۱۶/۱
شرح منظومه، ۵
شرح منظومهٔ حاج ملا هادی سبزواری، ۷۳
شرح موسیقیایی یکصد و بیست و نه غزل حافظ، ۶۴۵
شرح نامهٔ علی (ع) به مالک اشتر، ۸/۱
شرح نمط نهم اشارات، ۳۲۹
شرح نهج‌البلاغه، ۶۰
شرح و حاشیه بر عمدةالطالب، ۷۰
شرح و حاشیه عروةالوثقی، ۱۵
شرح وسیلة النجاة، ۵۷/۱
شرحی بر تبصرهٔ علامه حلی(ره)، ۴۰
شرحی بر رساله موسیقی جامی، ۶۴۵
شرحی بر سبعه معلقه، ۱۳۰
شرحی بر عروةالوثقی (رساله فی الاجتهاد و التقلید)، ۴۰
شرحی بر مجموعه حاج ملا هادی سبزواری، ۱۸
شرح یوسف و زلیخای هفت اورنگ جامی، ۲۹۴
شرفنامه، ۱۹۱
شرق اندوه، ۱۷۹
شرق بهشت، ۵۷۱/۱
شرم، ۲۸۴
شعاع زرد، ۲۷۹
شعاع وحشت، ۲۷۹
شعر ابن‌یمین فریومدی (رساله)، ۳۴۴
شعر امروز خراسان، ۲۳۴
شعر انگلیسی، ۲۲۸
شعرای ترک مقلد نظامی (رساله)، ۱۸۱
شعرای معاصر اصفهان، ۴۵۰
شعر با الفبا، ۳۰۷
شعر در عصر قاجار، ۱۵۳
شعر فارسی در قرن سیزدهم، ۱۵۳
شعر فارسی در قرن سیزدهم (رساله)، ۱۵۳
شعر معاصر، ۱۵۲
شعرنامهٔ دوره‌گرد، ۱۵۶
شعر و هنر، ۲۸۴
شعوبیه، ۶۱۵
شفا، ۱۶
شقایق، ۱۷۸
شقایق‌ها، ۳۶۲
شکار، ۹۷
شکست، ۲۲۲
شکنجه و امید، ۴۰۶
شکوفه‌های ادب، ۴۲۴
شکوفه‌ها یا نغمه‌های جدید، ۱۵۳
شکوفه‌های جاودان، ۲۹۶
شکوفه‌های خرد، ۱۴۴
شکوفه‌هایی از ادبیات مازندران، ۲۰۷
شکونتلا یا انگشتر گمشده، ۱۵۲
شگرف، ۱۳۵
شگفتی‌های جهان درون، ۳۵۱
شمارنامهٔ حاسب طبری، ۱۲۳
شمس الضحی، ۶۴
شمع جمع، ۶۶۷
شمعدانی، ۴۸۷
شمه‌ای در بارهٔ شناخت ایران و جهان، ۴۰۶
شناخت از دیدگاه قران، ۱۶
شناخت اساطیر ایران، ۱۳۱
شناخت اسلامی، ۱۱
شناخت، تفکر و زبان در روند تکامل اجتماعی، ۳۹۵
شناخت خط انقلابی حضرت مهدی (عج)، ۸/۱
شناخت خویشتن، ۱۷۷
شناخت و سنجش مارکسیسم، ۴۰۶
شناخت هلا کننده‌ها و نجات‌دهنده‌ها از قرآن، ۸۶/۳
شواهد، ۴۴۹
شواهدالعقاید، ۸۶/۱
شواهد الولایه، ۸۶/۱
شوپن یا شاعر، ۳۳۰
شور، ۲۸۳
شهاب الاخبار، ۳۵۴
شهاب ثاقب، ۸۱/۲
شهر پیامبر، ۳۰۵
شه رح دیوان مه لای جزیری، ۱۹۱
شهردار نمونه، ۲۳۲
شهرزاد، ۳۶۲
شهر سمک، ۲۸۴
شهر شیراز یا خال رخ هفت کشور، ۱۱۸
شهر شیطان زرد، ۲۲۲
شهر کامرانی، ۲۰۵
شهر وحشی، ۲۷۹
شهریار کوهسار، ۴۲۹
شهنامهٔ نادری، ۱۸۷
شیاطین، ۲۸۳
شیخ احمد احسائی، شرح حال، ۴۳۴
شیخ صنعان، ۲۵۲
شیخیگری و بابیگری از نظر فلسفهٔ تاریخ و اجتماع، ۴۳۴
شیراز، دیار سعدی و حافظ، ۳۶۹
شیراز: شرح مفصل آثار باستانی و سیر فرهنگ و هنر در ادوار گوناگون، ۳۶۹
شیراز شهر جاویدان، ۳۶۹
شیراز شهر گل و بلبل، ۳۶۹
شیرازنامه، ۴۲۸
شیرمردی از خراسان، ۵۴۳
شیرین سخنان گمنام، ۳۷۵

شیطان در خانهٔ ما، ۸/۱
شیعتنا، ۴۱/۱
شیعه در اسلام، ۵۵
شیعه یا پدیدآورندگان فنون اسلام، ۱۳
شیمی، ۴۸۲
شیمی آلی، ۴۸۲
شیمی فنی خانه‌داری، ۴۸۲
شیوه‌های نقد ادبی، ۲۰۶، ۳۰۸
شیوهٔ انتقاد در مجلهٔ راهنمای کتاب، ۱۵۹
شیوهٔ خط و دستور زبان فارسی، ۱۹۴
شیوهٔ مسلمانی، ۳۶۳
صادق آل محمد (ص)، ۲۷۸
صحائف‌الابرار، ۵۹
صحرای سرخ، ۲۱۳
صحیفه سجادیه، ۷، ۴۰۹، ۶۶۴
صدای آشنا، ۲۹۳
صدای اسلام در اروپا، ۱۶
صدای انسانی، ۳۹۹
صدای خدا، ۱۹۷
صدر التواریخ، ۴۸۷
صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا، ۲۷۹
صد فیلم، ۵۷۱/۱
صدقات امیرالمؤمنین و صدیقهٔ طاهره علیهماالسلام، ۵۹
صدق، بزرگترین فضیلت، ۸۳
صد مرثیه، ۲۷۷
صدیقهٔ کبری، ۳۷
صرف عربی، ۳۱۱
صرف و نحو، ۶۲۰
صرف و نحو و قرائت عربی، ۳۰۱
صغری و کبری، ۴۳۴
صفا الحق، ۱۶۴
صلاة، ۳۴
صلاة الجمعة فی عصر الغیبة، ۲۳/۱
صلاة و ادعیه و قرآن و ملابس، ۳۹
صلوة‌الخاشعین، ۳۷
صلوة جمعه، ۲۲
صلوة مسافر، ۸۰
صمدیه، ۱۰۹
صناعات ادبی، ۱۷۶، ۳۰۱
صندوق النفایس، ۶۴
صنعت بدیع و سیر تکاملی تشبیه در زبان فارسی (رساله)، ۳۶۸
صور الکواکب، ۴۵۱
صورت کتاب‌های فهرست‌شده در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد ده ساله ۱۳۵۲ ــ ۱۳۶۲)، ۳۳۰/۱
صورت کتاب‌های فهرست‌شده در کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد دو ساله ۱۳۶۲ ــ ۱۳۶۴)، ۳۳۰/۱
صورت کتاب‌های فهرست‌شده در کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد (درهمکرد سه ساله ۱۳۶۴ ــ ۱۳۶۷)، ۳۳۰/۱
صیغ العقود، ۵۸/۱
ضرب‌المثل‌های فارسی در افغانستان، ۲۷۵
ضرب‌المثل‌های گیلکی، ۴۱۴
ضرب شمشیر بر منکر خطبه غدیر، ۶۴
ضربهٔ آینده، ۳۳۷
ضرورت تشکیلات، ۸۸
ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی، ۳۹۵
ضریب و تبادل مادیات و معنویات، ۳۲۱
طاعون، ۳۹۰
طاقدیس، ۴۵۲
طب ابن هندو، ۳۵۴
طب‌النب(ص)، ۸۶/۱
طب جدید، ۲۲۰
طبرسی و مجمع‌البیان، ۴۲۶
طبقات النسابین، ۷۰
طبقات مفسرین شیعه، ۴/۲
طرائق الحقایق، ۲۵۷
طرب‌خانه، ۳۰۱
طرح پیشنهادی برای ایجاد مرکز سفارش و تهیه مدارک (کتب و مجلات)، ۳۳۰/۱
طرح تشکیلات کتابخانهٔ مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه مشهد، ۳۳۰/۱
طرح فیزیک هاروارد، ۴۷۷
طرح‌های رسالت پیرامون خدمت و زمامداری، ۷۳
طرز ادارهٔ آموزشگاه، ۴۱۸
طرز شعر در نیمهٔ اوّل قرن دهم (رساله)، ۲۹۵
طریق المعرفة، ۳۰
طریق حدیث من کنت مولاه فعلّی مولاه، ۵۶
طریقهٔ زندگی در جامعه، ۴۷۳
طعن سنان، ۶۴
طغیان توده‌ها، ۴۴۸
طلبهٔ عطار و نسیم گلستان، ۳۰۱
طلسم شکسته، ۱۵۳
طلیعهٔ آثار انجمن ادبی تهران، ۱۲۲
طنزسرایان ایران از مشروطیت تا انقلاب، ۲۲۶
طوطی، ۴۸۷
طوطی‌نامه، ۳۷۸
طوفان، ۲۸۴، ۴۱۸
طوفان جوّانی، ۴۱
طوق طلا، ۲۸۳
طهارت، ۳۴
طهران دمکرات، ۴۳۹
ظلمات عدالت، ۱۲۵
ظلمت در نیمروز، ۳۶۶
ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ، ۳۶۶
عادت، ۱۶
عارف دیهیم‌دار، ۲۷۹
عارف و صوفی چه می‌گویند؟، ۲۱

عاشقانه‌ها و کبود، ۹۷
عافیت‌گاه، ۱۷۷
عاقبت قلم‌فرسایی، ۱۷۷
عاق والدین، ۲۲۷
عالم‌آرای صفوی، ۳۸۹
عالم آرای عباسی، ۳۶۱
عالم ارواح، ۳۱۱
عالم انتقام، ۲۸۹
عالم حیوانات یا کلید دام و دد، ۴۴۴
عالم معنی، ۳۸۰
عامری‌نامه، ۳۰۵
عامل انسانی، ۲۸۳
عایشه بعد از پیغمبر، ۲۷۹
عباسنامه، ۱۶۳
عباسه، خواهر هارون‌الرشید، ۴۳
عبقریه محمد، ۲۵۴
عبور قدغن است، ۲۷۹
عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات، ۳۷۲
عجایب آمریکا، ۲۷۹
عجایب المقدور فی اخبار تیمور، ۲۸۸
عجایب سرزمین طلا و الماس، ۲۷۹
عدالت، حکومت، جامعه، ۱۱۱
عدل الهی، ۷۳
عدم تحریف قرآن مجید، ۳۹
عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ۳۷۴
عربی آسان، ۴۴۹
عرفان حافظ، ۷۳
عرفان در مقابل آزادی، ۱۹۱
عرفان مولوی، ۲۸۳
عرفان نو، ۳۲۵
عروس زندان، ۳۹۰
عروسک پشت پرده، ۵۵۰
عروسی، ۱۷۷
عروض حمیدی، ۱۵۳
عروة الوثقی، ۳، ۴۹، ۶۶/۱
عزاداران بیل، ۱۷۷
عشق‌بازی‌های کازانوا، ۲۷۹
عشق بزرگان، ۲۴۵
عشق بی‌پیرایه، ۴۲۹
عشق دربدر، ۱۵۳
عشق ننگین در نظر قضات، ۲۷۹
عشق و پارسایی، ۳۳۵
عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان، ۳۲۱
عشق و تجدد، ۳۸۳
عشق و زناشویی، ۱۲۵
عشق و سرنوشت، ۲۲۱
عشق و وطن، ۳۸۳
عشق‌های نافرجام، ۲۹۴
عشق یک جاسوسه، ۲۷۹
عصمت عروس می‌شود، ۳۴۱
عصیان، ۱۵۳
عطار در آثار گزیدهٔ او و گزیده آثار او، ۱۵۳
عطا و لقای نیما یوشیج، ۹۷
عطیةالجواد در زندگانی و کلمات قصار امام نهم (ع)، ۴۵۰
عطیةالجواد (ع)، ۴۵۰
عظمت محمد (ص)، ۴۶
عفاف‌نامه، ۱۰۷
عقاید، ۳۴۶
عقاید المؤمنین فی اصول الدین، ۲۳/۱
عقاید فلسفی ابوالعلاء فیلسوف معره، ۱۵۵
عقاید لله‌آقا، ۳۵۱
عقاید یک دلقک، ۲۵۳
عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر، ۵۶
عقد الفراید فی اصول العقاید، ۵۷
عقلا بر خلاف عقل، ۱۶۱
عقل در تاریخ، ۴۱۱
عقل و اشراق، ۱۱۱
عقود و تعهدات، ۴۲۴
عکس دسته‌جمعی با خانم، ۲۵۳
علت شهرت سیدجمال الدین اسدآبادی، ۲۴۷/۱
علل الشرایع و الاحکام، ۵۷/۱
علل گرایش به مادیگری، ۷۳
علل نازایی زن، ۴۸۹
علم اخلاق، ۲۸۷
علم اخلاق (نظری و عملی)، ۳۸۳
علم‌النفس ابن‌سینا و تطبیق آن با روان‌شناسی جدید، ۳۸۳
علم‌النفس یا روانشناسی از لحاظ تربیت، ۳۸۳
علم امام (ع)، ۴۵، ۵۹
علم بدیع و قافیه وانواع شعر، ۱۲۲
علم عروض، ۴۵۸
علم معاش، ۱۹۰
علم معانی، ۱۹۰
علم و مذهب، ۲۶۷
علوم جنایی، ۴۳۲
علوم معانی و بیان، ۱۳۰
علی بن ابیطالب (ع)، پیشوای مسلمین، ۴۱
علی ضفاف الغدیر، ۵۶
علی (ع) و آل محمد (ص)، ۶۰
علی مفترق‌الطرق، ۶۰
علی و الزهراء، سرچشمهٔ آب حیات، ۶۰
عمدة الاسرار، ۱۵۸
عمدةالمطالب، ۲۵۸
عمدة النحو، ۳۱۱
عمدة الوسائل فی الحاشیة علی الرسائل، ۴۹
عمر خیام، ۵۱۱
عنصر شجاعت یا هفتاد و دو تن و یک تن، ۶۰
عیالوار، ۱۴۴
عید، ۱۵۶
عیرفان به راهبه‌ری ثازادی، ۱۹۱
غایةالآمال و الامانی شرح حال علامه بحرانی، ۴۵۰

غایةالبیان فی عدم تحریف القرآن، ۵۸
غایة التقرب فی شرح منظومة التهذیب، ۲۳/۱
غدیر پیوند ناگسستنی رسالت و امامت، ۴۱/۱
غررالحکم و دررالکلم، ۱۰۹، ۶۶۴
غرش طوفان، ۲۷۹
غروب آفتاب در اندلس، ۶۰، ۸۸
غروب در پاییز، ۱۷۴
غریبه، ۴۳۹
غزالی در بغداد، ۲۷۹
غزالی‌نامه، ۳۰۱
غزل معاصر ایران، ۲۳۴
غزل و رباعی: گزیدهٔ آثار ادبی شعرا و ادبای فارسی‌زبان از قرن پنجم تا عصر حاضر، ۶۵۰/۱
غزل‌های حافظ (ترجمه)، ۲۲۸
غزل‌های خواجه حافظ شیرازی، ۲۸۴
غلطهای فاحش فرهنگ‌های فارسی، ۲۲۰
غول‌های غلات، ۳۳۷
فارستر، ۲۸۳
فارسنامه، ۲۸۰
فارسنامه ناصری، ۱۵۲
فارسنامهٔ ابن‌بلخی، ۱۱۸، ۴۰۷
فارسی برای انگلیسی‌زبانان، ۳۷۲
فارسی دبیرستانی، ۳۰۱
فارسی زبان ایرانی، ۳۰۷
فارسی و آیین نگارش (۲)، ۳۸۹
فاصله عقب‌ماندگی، ۳۶۶
فاطمهٔ زهرا (س)، دژ شکست‌ناپذیر وحی در طول زمان، ۴۱/۱
فاطمة الزهراء، ۴۰۹
فایده و لزوم دین، ۴۳
فتح مکه، ۶۰
فتنه، ۱۶۱، ۲۷۹
فتوت‌نامه سلطانی، ۲۵۷
فخرطه، شکرالله، ۲۵۹/۱
فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین، ۵۶
فرائد شیخناالانصاری، ۵۸
فرائض المقلدین، ۶۸
فرازهای عالی صحیفهٔ سجادیه، ۸/۱
فرازهایی از اسلام، ۵۵
فراسوی تناقض، ۳۲۹
فراموش‌خانه و فراماسونری در ایران، ۳۵۶
فراموشخانه یا فراماسونری در جهان (فراماسونری چیست و فراماسون کیست؟)، ۲۷۹
فرامیر وداع، ۱۷۴
فرخی سیستانی، بحثی در شرح احوال، روزگار و شعر او، ۳۰۸
فردوس اعلی، ۵۹
فردوس (در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن)، ۲۵۸
فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه، ۴۰۸
فردوسی در شاهنامه، ۳۰۵
فرزانگان زرتشتی، ۳۹۳
فرزند نیل، ۲۷۹
فرسان الهیجاء، ۶۴
فرشتگان زمین، ۱۵۳
فرش‌ها و پارچه‌های عهد هخامنشی ایران، ۴۴۱
فرعون، ۱۴۴
فرفروزنگ، ۴۴۳
فرق الشیعة یا مقالات الامامیة و الفرق و اسماؤها و صنوفها، ۲۶۹
فرمانده بعد از خدا، ۲۷۹
فرمانروایان گیلان، ۴۳۶
فرمان مالک اشتر، ۳۵۴
فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران از آغاز تمرکز قاجار تا آستانهٔ انقلاب مشروطیت، ۴۰۶
فروغ اندیشه، ۱۱
فروغ بینش یا سخنان حضرت محمد (ص)، ۱۴۴
فروغ خاور، ۲۴۳
فروید: شرح حال، ۳۷۶
فرهاد چهارم، ۴۰۶
فرهنگ آبادی‌های ایران، ۶۴۲
فرهنگ ادبیات فارسی، ۲۴۷
فرهنگ اصطلاحات پزشکی، ۴۷۸
فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی، ۴۸۸
فرهنگ اصطلاحات صناعات ادبی، ۴۷۸
فرهنگ اصطلاحات علمی، ۴۷۸
فرهنگ اصطلاحات مدیریت، ۴۷۸
فرهنگ اصطلاحات نجوم، ۴۷۸
فرهنگ اصفهان، ۱۶۸
فرهنگ البسه، ۳۰۰
فرهنگ امیرکبیر، ۱۸۲
فرهنگ انگلیسی به فارسی، ۴۴۳
فرهنگ اورنگ، ۱۱۰
فرهنگ ایران زمین، ۳۵۴
فرهنگ برگزیده عمید، ۲۲۰
فرهنگ بهدینان، ۳۷۲
فرهنگ بیان اندیشه‌ها، ۳۹۹
فرهنگ پهلوی به فارسی، ۲۲۹
فرهنگ تاریخ و جغرافیای عمید، ۲۲۰
فرهنگ تاریخی زبان فارسی، ۲۸۴
فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، ۲۶۹
فرهنگ جامع اردکان، ۲۱۷
فرهنگ جغرافیایی ایران، ۴۷۳، ۴۷۳
فرهنگ جهانگیری، ۲۱۸
فرهنگ جیبی عمید، ۲۲۰
فرهنگ حقوق، ۴۲۴
فرهنگ دبیرستانی عمید، ۲۲۰
فرهنگ رودهای ایران، ۶۴۲
فرهنگ سازها، ۶۴۵

فرهنگ سخنوران، ۱۵۹، ۱۵۹
فرهنگ سمنانی، ۳۷۲
فرهنگ عمید، ۱۹۱، ۲۲۰
فرهنگ عوام آمل، ۱۲۶
فرهنگ فارسی، ۴۰۸
فرهنگ فارسی آموزگار، ۳۱۱
فرهنگ فارسی به پهلوی، ۲۲۹
فرهنگ فلسفی ولتر، ۴۲۱
فرهنگ فیلم‌نگاری، ۵۷۱/۱
فرهنگ قرآن، ۳۲/۱
فرهنگ کرمانی، ۳۷۲
فرهنگ کوچک عمید، ۲۲۰
فرهنگ کوه‌های ایران، ۶۴۲
فرهنگ گیاهان معمولی و دارویی، ۴۸۳
فرهنگ گیلکی، ۳۷۲
فرهنگ لغات ادبی تبریز، ۹۸
فرهنگ لغات بازیافته (ذیل برهان قاطع)، ۹۸
فرهنگ لغات لهجه‌های محلی ایران، ۹۸
فرهنگ لغات و اصطلاحات ادبی و بلاغت و بدیع، ۳۶۸
فرهنگ لغات و اصطلاحات کرمان، ۳۲۹
فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی شروانی، ۱۸۲
فرهنگِ لغات و تعبیرات مثنوی، ۲۵۲
فرهنگ مردم کنگاور، ۹۱
فرهنگ معین، ۱۸۹
فرهنگ مفصل عمید، ۲۲۰
فرهنگ مقتدری، ۲۷۵
فرهنگنامه شعری، ۲۱۸
فرهنگنامهٔ کودکان و نوجوانان، ۴۳۳
فرهنگ نایینی، ۳۷۲
فرهنگ نو، ۲۲۰
فرهنگ‌نویسی در ایران و فرهنگ‌هایی که تا کنون نوشته شده است، ۴۲۶
فرهنگ و اجتماع، ۲۸۴
فرهنگ واژه‌های علمی، ۸/۱
فریاد زندگی، ۱۵۶
فریاد فلسطین، ۳۷۴
فری به آسمان می‌رود، ۳۰۷
فصل الخطاب، ۳۱۳
فصل‌الخطاب فی تحقیق اهل‌الکتاب، ۵۹
فصل گستاخی، ۱۷۷
فصل مطرّح نیست، ۲۴۴
فصوص‌الحکم، ۲۴۷/۱
فصول خواجهٔ طوسی، ۳۵۴
فضا در اسلام، ۳۸۰
فضایل امیرالمؤمنین علی(ع) من کتاب المسند، ۸۶/۳
فطرت، ۷۳
فعلیت و امکان در عقد وضع و آراء فارابی و ابن سینا، ۴۳۸
فقر علوم، ۴۶۹
فقه‌السنه، ۳۹۸
فقه اللغة فارسی، ۹۸
فقه القرآن علی المذاهب الخمس، ۳۴
فکاهیات حالت، ۱۴۴، ۱۴۴
فکاهیات سهیلی، ۱۸۶
فکاهیات معاصر، ۱۶۹
فلاسفه و خداشناسی، ۳۴۶
فلزات: برای سلامتی شما، ۳۶۸/۱
فلسفه اخلاق، ۳۲۹
فلسفه اقبال، ۲۷۵
فلسفه بعد از سقراط، ۳۲۹
فلسفه چیست؟، ۳۲۵
فلسفه روحی، ۳۱۱
فلسفه و تربیت، ۳۷۴
فلسفهٔ آزاد، ۵۱
فلسفهٔ اپیکور، ۳۲۹
فلسفهٔ اخلاق، ۷۳
فلسفهٔ اشراق (حیات النفوس)، ۳۵۴
فلسفهٔ بشری و اسلامی، ۲۱
فلسفهٔ تاریخ، ۷۳، ۴۱۸
فلسفهٔ تحلیلی منطقی، ۳۲۵
فلسفهٔ دنیای سوم، ۳۶۲
فلسفهٔ رواقی، ۳۲۹
فلسفهٔ ریاضی، ۴۱۷
فلسفهٔ سیاسی، ۳۴۸
فلسفهٔ علم قرآن، ۳۹۸
فلسفهٔ غیبت امام زمان (عج)، ۶۰
فلسفهٔ نظری، ۳۲۵
فلسفهٔ هگل، ۴۱۱، ۴۱۷
فلسفهٔ یاسپرس، ۳۲۹
فلینی از نگاه فلینی، ۲۲۲
فن دریابل، ژرژ تکتاندر، ۳۳۰
فن صحنه‌سازی تئاتر، ۳۳۷
فن نگارش یا راهنمای انشاء، ۲۵۷
فنون بلاغت و صناعات ادبی، ۳۰۱
فنون شعر و کالبدهای پولادین آن، ۱۵۳
فنون و انواع شعر فارسی، ۱۵۳
فنون و صنایع ادبی، ۱۷۶
فوائد الدریة، ۴۳۸
فوائدالسلوک، ۲۹۵
فوائد رجالیه، ۵۸
فوائد هشتگانه، ۱۵
فوتوگرامتری و عکس‌های هوایی، ۴۰۳
فهرس المختارات من مخطوطات ترکیا، ۵۶
فهرس المخطوطات العربیة فی مکتبة امیرالمؤمنین (ع) العامة فی النجف الاشرف، ۵۶
فهرس المخطوطات الفارسیة فی مکتبة امیرالمؤمنین (ع) العامة فی النجف الاشرف، ۵۶
فهرس المنتخب من مخطوطات تبریز، ۵۶
فهرس المنتخب من مخطوطات لندن، ۵۶

فهرس المنتقی من مخطوطات الحجاز، ۵۶
فهرست پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، جلد اول، ۳۳۰/۱
فهرست تاریخ ایران، ۳۲۸
فهرست تصانیف کراجکی، ۵۶
فهرست توصیفی انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد از بدو تأسیس تا مهر ۱۳۶۲، ۳۳۰/۱
فهرست توصیفی مجموعه گرت، ۴۴۶
فهرست جامع الشتات، ۱۶/۱، ۳۴
فهرست شیخ طوسی، ۵۶، ۳۵۸
فهرست شیخ منتجب‌الدین رازی، ۲۵۸
فهرست شیخ منتخب‌الدین الاربعون المنتقی من مناقب المرتضی، ۵۶
فهرست کتابخانهٔ بانک ملی، ۳۹۹
فهرست کتابخانه ملی تبریز: کتب خطی اهدایی مرحوم حاج محمد نخجوانی، ۳۸۴
فهرست کتابخانهٔ علامه طباطبایی، ۵۶
فهرست کتابخانهٔ مدرسه عالی سپهسالار تهران، ۱۲۴
فهرست کتابخانهٔ مشکوة، ۴۳۸
فهرست کتابخانهٔ معارف، ۳۳۶
فهرست کتاب‌های چاپی عربی ایران از آغاز چاپ تاکنون، ۴۳۷
فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ۴۳۷
فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه ملی پارس، ۴۱۹
فهرست کتاب‌های خطی کتابخانهٔ حضرت احمد بن موسی «شاهچراغ»، ۴۱۹
فهرست کتاب‌های خطی کتابخانهٔ مجلس سنا، ۳۵۴
فهرست کتاب‌های خطی کتابخانهٔ ملی ملک وابسته به آستان قدس رضوی، ۳۵۴
فهرست کتاب‌های دینی موجود در کتابخانهٔ اردشیر یگانگی، ۳۹۳
فهرست کتب اهدایی مشکوة به دانشگاه، ۳۵۴
فهرست کتب خطی کتابخانهٔ آستان حضرت احمد بن موسی شاهچراغ، ۱۱۸
فهرست کتب خطی کتابخانهٔ مجلس شورای ملی، ۱۴۶
فهرست کتب خطی کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار، ۱۴۶
فهرست کتب خطی کتابخانهٔ ملی فارس، ۱۱۸
فهرست کتب خطی موجود در کتابخانهٔ آیت‌الله فاضل خوانساری، ۴۱۲
فهرست مقالات فارسی جلد اول، ۳۹۹
فهرست ملی ملل (جلد نهم)، ۳۵۴
فهرست موسیقی، ۳۵۴
فهرست نسخ خطی عربی و فارسی و ترکی، ۳۷۸
فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ آستانهٔ مقدسهٔ قم، ۳۵۴
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ آستانهٔ امامزاده عبدالعظیم، ۳۵۴
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دانشکدهٔ ادبیات، ۳۵۴
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ۳۵۴
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران، ۳۵۴، ۳۹۹
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ دانشکدهٔ هنرهای زیبای کشور، ۳۵۴
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ سازمان لغت نامهٔ دهخدا، ۳۵۴
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مجلس سنا، ۳۵۴
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار، ۳۵۴
فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ ملی تبریز، ۳۵۴
فهرست نشریات دایرهٔ جغرافیایی ارتش، ۴۷۳
فهرست نمایشگاه خطوط خوش نستعلیق کتابخانهٔ ملی، ۱۲۰
فهرس کتب الحدیث فی مکتبة الامام الرضا(ع)، ۵۶
فهرس کتب الفقهیّة فی مکتبة الامام الرضا (ع)، ۵۶
فه رهه نگی فارسی به کوردی، ۱۹۱
فه رهه نگی کوردی به فارسی، ۱۹۱
فیتز جرالد یا خیام انگلیسی، ۲۷۵
فیثاغورثیان، ۳۲۹
فی رحاب نهج‌البلاغة، ۵۶
فیزیک، ۴۷۰، ۴۷۷، ۴۸۲
فیزیک پزشکی، ۴۸۱
فیزیک جدید، ۳۲۴
فیزیک جدید و فلسفهٔ ایران باستان، ۴۷۰
فیزیک حالت جامد، ۴۷۰
فیزیک دانشسرای مقدماتی، ۴۷۷
فیزیولوژی انسانی، ۴۷۶
فیزیولوژی برای همه، ۴۸۶
فیزیولوژی پزشکی، ۴۷۶
فیزیولوژی ورزش، ۴۷۶
فیض‌الاله فی ترجمة القاضی نورالله، ۲۵۸

فیلم‌های ۱۳۶۸، ۵۷۱/۱
فیلم‌های ۱۳۶۹، ۵۷۱/۱
فی مدة المعلوم، ۴۲۹
قائم مقام، ۵۵۰
قابوس‌نامه، ۳۰۸
قابوس‌نامهٔ درسی، ۳۰۸
قاتل، ۱۲۵
قارهٔ قطب جنوب، ۴۳۳
قاعده من ملک، ۵۷/۱
قاعدهٔ لاتعاد، ۳
قاعدهٔ لاضرر، ۴۶
قاعدة التجاوز، ۳۴
قاعدة الضرر، ۴/۲
قافیه و صنایع معنوی، ۱۷۶
قاموس الرجال، ۴۸
قانون ابن سینا، ۱۹۱
قانون اساسی ایران و تحولات آن، ۲۷۵
قانون در خاورمیانه، ۳۶۴
قانون رضاع در اسلام، ۳۸۰
قانون شهرداری‌های ایران، ۳۱۹
قانون علیت در جامعه ما، ۱۶
قانون و آهنگ‌هایی برای این ساز، ۶۴۱/۱
قاهره شهر هنر و تجارت، ۴۳۳
قبسات العقول، ۵۸
قبل از طوفان، ۲۷۹
قبله‌شناسی، ۲۴۷/۱
قبله‌نما، ۴۷۳
قبلهٔ اسلام کعبه یا مسجد الحرام، ۶۰
قتل در باشگاه، ۲۷۹
قتل در ساحل دجله، ۲۷۹
قدرت تلویزیون، ۳۱۴
قدرت و نیرو، ۸/۱
قرآن، ۱۳۰، ۲۸۹، ۳۰۴، ۷، ۲۱، ۳۴، ۴۳، ۸۳، ۸۶، ۵۱۱، ۶۵۶، ۶۶۷
قرآن به زبان کُردی، ۱۹۱
قرآن در اسلام، ۵۵
قرآن‌شناسی، ۵۱
قرآن عظیم، ۷
قرآن کریم، ۱۷۶، ۶۵۱
قرآن کریم با ترجمهٔ فارسی، ۸۲
قرآن مجید، ۱۲۵، ۵۸۵، ۶۶۴
قرآن و تعهدات اسلامی، ۸/۱
قرآن و عترت در اسلام، ۸۵
قرآن و کتاب‌های دیگر آسمانی، ۸۸
قرارداد ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس، ۴۵۷
قربانعلی بک و نه داستان دیگر، ۴۲۹
قرقاول، ۴۸۷
قرن دیوانه، ۲۴۵
قرة العین فی حقوق الوالدین، ۶۴
قرة العیون، ۴۵۲
قصائد سه گانه، ۳۴۶
قصران، ۴۲۶
قصر خیالی، ۲۸۴
قصر مرموز، ۳۹۰
قصص الانبیاء، ۳۰۵
قصص الخاقانی، ۱۷۶
قصص قرآن مجید، ۵۸/۱
قصه‌های آندرسن، ۹۳
قصه‌های ایرانی ۱، ۱۰۸
قصه‌های ایرانی ۲، ۱۰۸
قصه‌های ایرانی ۳، ۱۰۸
قصه‌های شیرین، ۳۰۷
قصه‌های من و بابام، ۱۴۳
قصهٔ کوچ چلچله، ۲۶۰
قصة الایمان، ۳۹۸
قصیده انصافیه صدرالافاضل، ۶۵۲
قصیده معروف خاقانی، ۳۰۵
قصیدةالنبی (ص)، ۶۰
قضای اسلامی، ۱۶
قضاء الحقوق فی ترجمة الصدوق، ۳۹
قضاء امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع)، ۴۸
قلائد النحور، ۶۴
قلاع اسماعیلیه در جبال البرز، ۳۷۲
قلب، بیماری‌های قلبی و فشارخون، ۱۷۷
قلب پاک، ۲۷۹
قلب رازگو، ۲۲۸
قلب سلیم، ۳۷
قلب قرآن، ۳۷
قلب هیالمار، ۲۸۴
قلت جمعیت اقتصاد ایران را تهدید می‌کند، ۴۱۶
قلعةالغیبة، ۷۴
قلمرو سعدی، ۱۲۹
قلم موی جادو، ۱۴۳
قلندرنامه خطیب فارسی، ۳۶۸
قم را بشناسید، ۴۲۶
قناری، ۴۸۷
قو، ۴۸۷
قواعد درایه و رجال، ۸/۱
قواعد فقه، ۴۶
قواعد کلیّه، ۱۵
قوانین مالیه و محاسبات عمومی و مطالعهٔ بودجه از ابتدای مشروطیت تابحال، ۳۳۱
قوای روحی و آیین فرمانروایی، ۱۹۰
قوای مخفیه وجود انسان احضار، ۳۸۱
قورباغه‌ها و غازهای مهاجر، ۳۶
قوش، ۲۲۸
قوهٔ مقننه و قوهٔ قضاییه ـ نظری به تاریخ حقوق ایران، ۳۲۷
قهرمانان استالینگراد، ۱۹۷
قهرمانان تمدن، ۲۷۹
قهرمان دوران، ۴۲۹
قهرمان عصر ما، ۹۳
قهرمان کوچک، ۹۳
قهرمان ونیز، ۳۹۰
قهرمان هندوچین، ۲۷۹
قه لای دمدم، ۲۰۱
قیام ایرانیان در راه تجدید مجد و عظمت ایران؛ کلیات جغرافیا،

۳۲۸
قیامت، ۸/۱
قیام جنگل، یادداشت‌های میرزا اسمعیل جنگلی، ۳۵۶
قید الاوابد و جمع الشوارد، ۵۶
قیصرنامهٔ ادیب پیشاوری، ۱۲۴
قیصر و مسیح، ۴۱۱
کاپیتال، ۱۶، ۴۵۵
کاتب خوارزمی، ابوعبدالله محمد بن یوسف، ۱۵۵
کاخ ابداع، اندیشه‌های گوناگون حافظ، ۱۶۱
کاخ دلاویز، ۱۳
کارآیی در جوامع صنعتی و سنتی، ۳۹۵
کارآگاه جانی دالر، ۱۹۸
کار بافک‌ها در سنگر، ۱۷۷
کاربرد عملی طب فشاری، ۳۶۸/۱
کار دو طناب، ۴۲۹
کارناپ، ۳۲۵
کارنامه یا دو بخش دیگر از تاریخ اراک، ۱۶۳
کارنامهٔ اردشیر بابکان، ۲۶۹
کارنامهٔ بزرگان ایران، ۱۸۲
کارنامهٔ تحقیقات ایرانی در سال ۲۵۳۵، ۱۷۵
کارنامهٔ شعر معاصر پارسی، ۱۱۱
کارنامهٔ کانون نشر حقایق اسلامی مشهد، ۴۳
کاروان، ۱۳۵
کاروان خنده، ۱۹۸
کاروانسراهای ایران، ۳۲۶
کاروان فرهنگی از پاکستان به ایران، ۳۰۵
کاروانی از شعر، ۱۸۶
کاشان در جنبش مشروطهٔ ایران، ۴۵۲
کاشان و ادبیات، ۲۷۸
کاشف مانیتیسم، ۲۷۹
کاغذ زر، ۳۰۸
کاکتوس، ۴۸۷
کانت، ۳۲۵
کانون احساسات، ۱۳
کاوش‌های عقل نظری، ۳۲۵
کبریت، قوطی کبریت و برچسب آن در جهان و ایران از اختراع تا امروز، ۴۸۷
کبوتر، ۴۸۷
کتاب ابتغاءالفضیله، ۲۲
کتاب از نظر شاعران و نویسندگان، ۱۵۵
کتاب الاجاره، ۴
کتاب الانسان، ۵۵
کتاب البیع، ۵، ۱۴
کتاب الحج، ۵۷/۱، ۶۱
کتاب الحجة علی ذوی‌النهی فی حرمة حلق‌اللحی، ۷۴
کتاب الخلل فی الصلوة، ۱۴
کتاب الخیارات، ۵
کتاب الرهن، ۴
کتاب الشهادات، ۶۱
کتاب الصوم، ۴، ۵۷/۱
کتاب الطهارة، ۱۴، ۵۷/۱، ۶۱
کتاب الغبا، ۱۷۷
کتاب الفوائدالعزریه، ۷۴
کتاب القضاء، ۴۹، ۶۱
کتاب المصادر زوزنی، ۱۲۳
کتاب المعارف الرجالی، ۷۴
کتاب النظائر و المقتبسات، ۱۴۶
کتاب انگلیسی، ۴۱۸
کتاب اوّل دبستان، ۳۰۷
کتاب توکا، ۳۰۷
کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام تا این عصر، ۳۳۶
کتاب ریا، ۶۸
کتاب زمان، ۱۷۷
کتاب زندگی، ۲۶۰
کتابشناسی ایران در زبان فرانسه، ۳۹۹
کتابشناسی سکه‌ها و مهرها و طغراهای پادشاهان ایران، ۴۸۷
کتابشناسی فهرست‌های نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های دنیا، ۳۹۹
کتاب فی علم‌الکلام، ۵۹
کتاب مادر، ۶۰
کتاب مقتبس‌الیاقوت، ۷۴
کتاب‌های فارسی و دستور در سلسله کتاب‌های درسی، ۲۴۷
کتابی به قلم امیرالمؤمنین (ع)، ۶۰
کتابی در نحو، ۴۰
کتابی در نقد آسیا، ۴۱۷
کتب النبی (ص) الی الملوک، ۸۶/۳
کجروی‌گری در پاسخ اهرمن، ۲۸۲
کدام مسلک؟، ۱۶
کرمانشاهان باستان، ۱۳۹
کروزئه، ۲۲۹
کریستف کلمب، ۳۷۶
کژراهه، ۴۰۶
کسر اصنام الجاهلیهٔ صدرای شیرازی، ۳۵۴
کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران در عهد مغول، ۴۲۹
کشتارگاه و سردخانه (رساله)، ۵۴۹
کشتی بالدار، ۲۷۹
کشف استار در حدیث، ۱۵
کشف الاستار عن حکم المغرب و الاستتار، ۶۸
کشف الاستار عن‌وجه‌الکتب و الاسفار، ۵۲/۱
کشف الاسرار، ۱۴
کشف الاسرار و عدةالابرار، ۱۵۲
کشف الاشتباه، ۶۴
کشف الاکاذیب، ۶۴
کشف الآیات قرآن مجید، ۳۵۸
کشف البنیان، ۶۴
کشف التهمه، ۶۴

کشف الحقایق عن الرد علی الزندیق و المنافق، ۶۸
کشف الحقایق عن الفقه الجعفری فی المکاسب، ۴
کشف الخفاء، ۶۴
کشف العثار، ۶۴
کشف الغاشیه، ۶۴
کشف الغرور، ۶۴
کشف الغوایه، ۶۶
کشف الکربة فی شرح دعاة الندبة، ۲۵۸
کشف المغیبات، ۶۴
کشف المنافع، ۶۴
کشف الهاویه، ۶۴
کشف بیماری، ۶۴
کشف حقیقت، ۶۴
کشف زردشتی از طریقهٔ «زردشتی»، ۶۴
کشف هند، ۳۳۰
کشکول، ۴/۲
کشکول، ۶۴
کشکول خنده، اشعار مشهدی : گزینهٔ شیرین‌ترین لطایف نظم و نثر و اشعاری به لهجهٔ مشهدی از آداب و رسوم مردم خراسان، ۶۵۰/۱
کف‌شناسی، ۳۹۰
کفش‌های سربازی سنگین است، ۲۷۹
کلئوپاترا، ۲۶۷
کلاته گل، ۱۷۷
کلاه کلمنتیس، ۲۸۳
کلکسیون پرندگان، ۴۸۷
کلمات امیرالمؤنین علی (ع)، ۸۶/۳
کلمات قصار حسین بن علی (ع)، ۱۴۴
کلمات قصار حضرت علی (ع)، ۱۴۴
کلمات محمد (ص)، ۲۶۹
کلمة التوحید لرفع التردید، ۴۳۸
کلیات دیوان، ۱۹۷
کلیات دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، ۲۹۲
کلیات دیوان یغمای جندقی، ۳۰۵
کلیات راجع به تاریخ سیاسی اروپا، ۲۹۸
کلیات سعدی، ۱۴۴، ۳۰۵، ۵۸۵، ۶۵۲
کلیات شیخ اجل سعدی، ۲۶۵
کلیات شیخ سعدی، ۱۱۱
کلیات عقود و ایقاعات، ۳۸۰
کلیات مفاتیح الجنان، ۸۲
کلید امن جهان، ۶۰
کلید امن دنیا، ۶۰
کلید نقض یا فهرست بعض مثالب النواصب، ۲۵۸
کلیله و دمنه، ۳۰۳، ۳۳، ۳۲۵
کمال هنر، ۱۸۷
کمدی الهی، ۴۶۶
کمک ایران در راه پیروزی متفقین، ۴۱۶
کمونیسم از دیدگاه نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام، ۸۸
کمونیسم و اخلاق، ۳۷۴
کمونیسم و لیبرالیسم، ۴۴۸
کنت مونت کریستو، ۱۹۸، ۲۷۹
کنز التحف، ۱۲۳
کنزالعرفان، ۵۹
کنسول افتخاری، ۲۸۳
کنگو، ۲۴۹
کنوزالحکم و فنون‌الکلم، ۸۱/۲
کنوزالمغربین در علوم غریبه، ۳۰۱
کنیز ملکهٔ مصر، ۲۷۹
کواکب ادبی، ۲۲۱
کودتا، نفت، مصدق، ۳۳۰
کودکان آب و گل، ۲۸۳
کودک سیاه، ۲۲۲
کودکی، نوباوگی، جوانی، ۴۲۹
کوروش‌نامه، ۲۶۷
کوزهٔ عسل، ۵۵۰
کولابرونیون، ۲۲۲
کوه تنهایی، ۲۲۸
کوهولین رستم ایرلندی، ۲۲۸
کوه‌های سفید، ۴۱۷
کویرنامه، ۹۰
کوی سرخاب تبریز و مقبرةالشعراء، ۱۸۲
کیسهٔ کرفه، ۱۶۳
کیمیاپزشکی، ۴۶۶
کیمیای سعادت، ۱۵۵
گاتها، ۲۲۹
گاز نوظهور، ۲۷۹
گام‌ها و دستگاه‌های موسیقی ایران، ۳۲۴
گام‌های گمشده، ۵۵۴
گاو، ۱۷۷
گاو صندوق مرگ، ۲۷۹
گذر به سوسیالیسم، ۳۴۸
گذشته‌های فلسفی فلاسفه تجربی انگلستان، ۳۲۵
گرادیوا، ۴۵۵
گرازیلا یا سوز و گداز عشق، ۳۹۰
گرایش‌های نوین در هنرهای بصری، ۲۲۲
گربه، ۴۸۷
گربه‌های شیپورزن، ۳۰۷
گردش، ۳۹۹
گرسنه، ۳۸۲
گرشاسب‌نامه اسدی طوسی، ۳۰۵
گرگ‌ها، ۲۶۳
گرونک، ۲۳۸
گروه آهنین، ۲۷۹
گروه‌های خون و توارث، ۴۶۴
گریز، ۲۷۹
گزارش سفر هند، ۴۰۲
گزارش کاوش‌های علمی پاسارگاد، ۳۶۹
گزارش گاتاها، ۱۱۰

گزارش‌نامه یا فقه‌اللغهٔ اسامی امکنه، ۱۶۳
گزارش‌های باستان‌شناسی، ۳۶۹، ۴۴۱
گزارش یک زندگی، ۳۸۳
گزند دلبستگی، ۵۴۳
گزیده اشعار خاقانی، ۱۸۲
گزیده اشعار سنایی با مقدمه و توضیحات، ۱۸۲
گزیده دیوان سنایی، ۳۸۹
گزیده دیوان شمس تبریزی، ۶۵۲
گزیده سعدی، ۶۵۲
گزیده و شرح تاریخ بلعمی، ۲۱۷
گزیدهٔ أغانی، ۲۶۶
گزیدهٔ تاریخ بیهقی، ۳۸۹
گزیدهٔ قابوس‌نامه، ۳۰۸
گزیدهٔ مقالات تحقیقی، ۴۲۹
گزینهٔ اشعار، ۹۷
گستره و محدوده‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۳۹۵
گفتار ادبی، ۱۰۲
گفتارهای تربیتی، ۱۱
گفتارهای دینی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی، تربیتی، ۵۴
گفتارهای معنوی، ۷۳
گفتاری چند در مسایل رشد اقتصادی، ۳۷۴
گفتاری در بارهٔ دینکرد، ۲۶۹
گفتگو با یک روشنفکر مأیوس، ۴۰۶
گفت و شنود با آقای نهرو، ۳۳۰
گفت و شنودی فلسفی در زندان ابوالعلاء معری، ۱۵۵
گل اومد بهار اومد، ۲۹۰
گلایل و گل مریم، ۴۸۷
گلایه، ۱۷۵
گلچین اشعار صائب، ۶۲۰
گلچین حزین بروجردی، ۱۴۸
گلچین رجاء زفره، ۱۵۷
گلچین معرفت، ۴۴۳، ۶۵۲
گلچینی از شاهنامهٔ فردوسی، ۴۴۳
گلدشت بی‌فروغ، ۲۷۳
گلزار امید، ۲۲۱
گلزار باقری، ۵۱۱
گلزار جاویدان، ۲۹۸
گلزار حکمت، ۱۵۲
گلزار خنده، ۱۴۴
گلستان سعدی، ۱۸۹، ۲۱۶، ۲۲۷، ۳۰۸، ۳۲۵، ۶۶۴
گلشکر، ۱۱۸
گلشن خوشدل، ۱۵۸
گلشن یادبودها، ۱۷۴
گل غم، ۲۲۸
گلوله کوچک، ۲۷۹
گلولهٔ خون، ۳۹۰
گل‌های آفتاب‌گردان، ۲۳۸
گل‌های ادب، ۱۷۶
گل‌های حافظ، ۳۹۹
گل‌های داودی، ۲۷۳
گل‌های رنگارنگ، ۵۳۹
گل‌های گویا، ۳۰۷
گل‌های وحشی، ۱۴۳، ۲۴۵
گمشدگان، ۲۷۸
گمشده‌ها، ۱۴۶
گمشدهٔ لب دریا، ۱۷۷
گمشدهٔ من، ۱۵۳
گناهان کبیره، ۳۷
گنج جواهر دانش، ۶۵۶
گنج رایگان، ۸۱/۲
گنج رنج، ۲۸۰
گنجینه سرور، ۸۱/۲
گنجینهٔ ادب، ۴۱۴
گنجینهٔ جواهر، ۹۴
گنجینهٔ سهیلی، ۱۸۶
گنجینهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ۳۸۴
گنجینهٔ فرهنگ مردم، ۱۰۸
گنجینهٔ مقالات، ۱۰۲
گنجینهٔ ناچیز، ۳۹۰
گندآوران اراک، ۱۶۳
گور و گهواره، ۱۷۷
گوشه‌ای از فرهنگ ایران باستان، ۳۰۹
گوهرمراد، ۲۲۷
گوهر وزین، ۵۷
گویندگان، ۱۵۶
گیا، ۴۸۳
گیاهان دارویی، ۳۶۸/۱
گیاه‌شناسی، ۴۸۳
گیتاشناسی کشورها، ۴۶۶/۱
گیلان، ۴۲۹
گیلان در جنبش مشروطه، ۴۱۴
گیلان در قلمرو شعر و ادب، ۴۱۴
گیلان در گذرگاه زمان، ۴۱۴
گیل گمش کهنه‌ترین حماسهٔ بشری، ۴۴۸
لئالی الفقهاء، ۲۹۷
لباب الاشارات، ۴۶
لب التواریخ، ۴۰۷
لبخند بخت، ۴۲۹
لبخند بدرود، ۲۲۸
لب‌های ناشناس، ۲۷۹
لحظه‌ها و صحنه‌ها، ۱۸۶
لحن‌شناسی، ۱۱۱
لذات فلسفه، ۳۶۷
لرد کرزن، ۳۷۶
لطائف الاقوال، ۳۷۱
لطائف الحکمه ارموی، ۳۰۸
لطایف الحکایات، ۶۴
لطایف و ظرایف ادبی، ۱۱۸
لطفاً لبخند بزنید، ۲۲۶
لطیفه‌های شیرین، ۱۸۹
لغات آذری، ۹۸
لغات مثنوی (رساله)، ۲۵۲
لغت عربی به فارسی آموزگار، ۳۱۱
لغت‌نامهٔ دهخدا، ۴۰۲
لکه‌های ننگ بر دامان تاریخ، ۱۹۸
لماذا اخاف الموت، ۱۳

لمبک آب فروش، ۵۵۰
لمعجم فی معاییر اشعار العجم، ۲۶۲
لندن بزرگترین شهر دنیا، ۴۳۹
لنگرهای زمین مولودی اندر خانهٔ کعبه، ۸۳
لنین، ۴۲۹
لوح القلم، ۲۹۷
لوح محفوظ، ۳۴۰
لووی استروس، ۴۱۱
لهستان امروزه، ۴۱۶
لیزیماک، ۲۸۴
لیلی و مجنون مکتبی، ۲۶۵
مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء، ۶۴
ما با خدا کار داریم، ۴۱/۱
ماجرای تغییر خط، ۱۷۲، ۳۹۲
مادر حوا، ۱۸۶
مادر و وظیفهٔ زن در اسلام، ۶۰
ماری آنتوانت، ۲۶۷، ۲۷۹
ماری استوارت، ۲۶۷
مازندران اصیل، ۴۱۶
مازندران و استرآباد، ۴۵۷
ماژلان، ۲۷۹
ماسک مرگ سرخ، ۲۲۸
ما سه مرد بی‌بضاعتیم که خواهان ثروت می‌باشیم، ۲۷۹
ماشین خواندن افکار، ۲۷۹
ماشین‌های خانگی، ۴۸۲
ماکدولین یا در سایهٔ درختان زیرفون، ۳۷۶
ماکسیم گورکی، ۲۷۹
مالکیت از نظر اسلام، ۱۶
مالکیت در اسلام، ۲
مانلی، ۵۴۳
ما نمی‌شنویم، ۱۷۷
مانی و مانویت، ۱۰۳
ماهالابه، ۲۲۸
ماه خدا، ۳۷
ماه در مرداب، ۲۸۴
ماه عسل، ۱۷۷
ماه و شش پنی، ۱۵۳
ماهی آبدوزک، ۲۶۰
ماهیار یک قربانی دیگر، ۳۸۳
مایا دختر گریز آن کندو، ۴۴۸
ما ینبغی نشره من التراث، ۵۶
مأموریت ضد جاسوسی من، ۲۷۹
مباحث شناخت در اسلام، ۱۶
مباحث لغوی و دستوری فرهنگ لغات قرآن، ۱۸۲
مباحثی در تفسیر قرآن، ۱۶
مبادی اسلام و فلسفه احکام، ۳۷۴
مبادی‌العربیه، ۳۲۵
مبادی عرفان و تصوف، ۲۴۷/۱
مبارز پیروز در عاشورا، ۱۶
مبارزه با جهل و مادیت، ۸۸
مبارزه و راه آن در قرآن، ۸/۱
مبانی اقتصاد آموزش و پرورش، ۳۱۵
مبانی اقتصادی در اسلام، ۴۳
مبانی‌الاحکام فی اصول شرایع الاسلام، ۲۲
مبانی برنامه‌ریزی درسی، ۳۱۵
مبانی تکمله منهاج الصالحین، ۳۴
مبانی عرفان قرآن، ۲۵۹
مبانی فلسفه، ۳۸۳
مبانی مقابل فرهنگ، فراغت و کارآسایی، ۳۹۵
مبحث وحی، غار حرا، ۵۴
مبداء و معاد، ۴۶، ۵۵
مبعث، بیانگر رسالت و امامت در مکتب تشیع، ۴۱/۱
متد رزم‌آرا، ۴۷۳
متفرقات حزین، ۱۴۸
مثلثات، ۴۷۹
مثلثات کروی، ۳۶۵
مثلها و حکمتها در آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری، ۲۱۸
مثنوی، ۲۱۴، ۳۳، ۶۵۱
مثنوی آتش عشق، ۱۴۸
مثنوی تابش خورشید ازل، ۱۴۸
مثنوی چاه وصال، ۶۵۲
مثنوی در مکنون، ۲۲۳
مثنوی راز و نیاز، ۱۴۸
مثنوی فروزنده و منتخب آثار و شرح احوال استاد منشی‌باشی نصرت، ۲۲۷
مثنوی مولوی، ۲۲۸، ۶۵۲
مثنوی‌نامه، ۱۵۷
مثنوی ولدنامه، ۳۰۱
مثنوی‌های حکیم سنائی، ۲۶۲
مثنوی هفت اورنگ جامی، ۴۳۴
مجادلهٔ آرسن لوپن و شرلوک هلمز، ۳۹۰
مجالس النفائس، ۱۵۲
مجالس الواعظین، ۶۴
مجلس مباحثهٔ امام رضا(ع) با عمران صابی، ۶۰
مجمع‌البیان، ۷۵، ۴۴۹
مجمع‌الخواص، ۱۵۹
مجمل التواریخ، ۲۶۲
مجمل فصیحی، ۱۴۲
مجموعه اطلاعیه‌های سومین شهید محراب، ۵۲
مجموعه‌ای از قطعات ادبی او، ۴۰۶
مجموعه خطابه‌های تحقیقی، ۲۶۹
مجموعه در بارهٔ مهاتما گاندی پدر ملت هند، ۳۳۰
مجموعه دکتر مهدی بیانی، ۱۲۰
مجموعه رسائل خواجه نصیر طوسی، ۲۶۲
مجموعه روش، ۳۱۴
مجموعه زبان و فرهنگ ایران، ۴۰۸
مجموعه سخنرانی‌های کانون فرهنگی ایران جوان، ۲۸۶
مجموعه شعر سرود عشق، ۳۰۱
مجموعه مقالات، ۹۷
مجموعه مقالات در پیرامون باب و بهاء، ۴/۱
مجموعه مقالات کنگرهٔ شیخ

انصاری، ۱۶/۱
مجموعه مقالات کنگرهٔ محقق اردبیلی، ۱۶/۱
مجموعه نامه‌های خاقانی شروانی، ۱۸۲
مجموعه ورام، ۱۴
مجموعه‌ها، ۳۴۸
مجموعه هنر خط، ۶۵۲
مجموعهٔ آثار رامین، ۱۲۲
مجموعهٔ اشعار در توحید و حقانیت دین مبین اسلام، ۳۳۰
مجموعهٔ ترانه‌های گیلکی به‌نام اوخان، ۱۸۳
مجموعهٔ زندگانی چهارده معصوم، ۴۰۹
مجموعهٔ شعر و قطعات ادبی و عرفانی، ۵۳۳
مجموعهٔ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های شهرستان‌های ایران، ۳۵۴
مجموعهٔ قوانین موضوعهٔ کشور، ۳۹۶
مجموعهٔ کبیری، ۶۴
مجموعهٔ مقالات، ۱۱۱، ۶۴۵
مجموعهٔ هشت مقاله تاریخی، ۴۲۱
مجوس در کتب مقدس سامی، ۲۶۹
محاسن اصفهان مافروخی، ۴۰۷
محبوس سر، ۳۹۰
محبوس سنت هلن، یا سرگذشت ناپلئون، ۲۷۹
محبوس شیلان، ۲۲۸
محمد (ص) پیغمبری که از نو باید شناخت، ۲۷۹
محمد فی القرآن، ۵۱
محمود و ایاز، ۱۸۷
محنت اسلام، ۶۰
محیط ادب، ۲۱۶
محیط پیدایش اسلام، ۱۶
مخارج الحروف یا اسباب حدوث الحروف، ۲۸۴
مختاری‌نامه، ۳۰۱
مختصر الاحکام، ۶۱
مختصر روان‌پزشکی، ۴۵۹
مختصر کلیله و دمنه، ۵۸۵
مختصری از شرح حال و منتخبی از اشعار دهخدا، ۴۰۸
مخزن الاسرار، ۶۰۸
مخزن العرفان، ۹
مخزن اللئالی در مناقب مولی‌الموالی امیرالمؤمنین علی (ع)، ۹
مخطوطات اللغة العربیة، ۵۶
مدارج القرائه، ۳۲۵
مدارس (نمایشنامه)، ۵۴۳
مدح، داغ ننگ بر سیمای ادب فارسی، ۲۹۴
مذهب در اروپا، ۳۲۱
مرآت الصلوة، ۵۹
مرآت العارفین، ۶۰۸
مرآت الفلسفه، ۳۴۶
مرآت الممالک، سفرنامه‌ای به خلیج فارس، ۳۳۰
مرآة البدن یا تشریح طبی، ۴۷۳
مراقبات السنه، ۶۰
مرتد، ۲۲۸
مرجعیت و فتوا، ۵۴
مرداب انزلی، ۶۴۲
مردان‌پاک از نظر امام صادق (ع)، ۴۱
مردان خود ساخته، ۳۵۱
مرد جن زده، ۹۷
مرد خاکستری، ۳۹۰
مرد عجیب، ۹۸
مردگان با ما سخن می‌گویند، ۳۸۸
مردم‌شناسی ایران، ۴۱۸
مردم‌گریز، ۲۹۸
مردم و شاهنامه، ۱۰۸
مردم و فردوسی، ۱۰۸
مردم و قهرمانان شاهنامه، ۱۰۸
مردمی و نامردمی‌ها، ۳۲۹
مرد نامتناهی، علی بن ابیطالب، ۴۰۰
مرد وفا (زیر درختان سدر)، ۵۱
مرده کشان جوزان و هفده داستان دیگر، ۱۲۵
مردی از نیشابور، ۴۱۶
مردی بالای دار، ۲۷۹
مردی که زیر زمین زندگی می‌کرد، ۳۳۷
مردی که فکر می‌کند، ۲۲۸
مرزبان‌نامه، ۳۰۳، ۳۲۵
مرز میان دین و سیاست، ۳۲۱
مرزهای دانش، ۱۲۰
مرصد الاسرار در وقایع کربلا، ۱۴۸
مرغابی سیاه کوچولو، ۴۴۳
مرغ حق، ۲۲۸
مرغداری، ۴۸۷
مرغ عشق، ۴۸۷
مرغ و خروس، ۴۸۷
مرقعات صاحبدل، ۳۲۵
مرقع‌سازی و جنگ‌سازی، ۳۵۴
مرقع گلشن، ۱۲۰
مرگ آرام، ۲۷۹
مرگ رنگ، ۱۷۹
مرگ مشکوک، ۲۳۲
مرگ و پرگار، ۲۸۳
مرگ و زندگی، ۳۹۰
مروارید، ۲۵۷
مرواریدها و خزف‌ها، ۱۰۵
مروج الذهب، ۱۲۵
مروری بر جغرافیای تاریخی ساوه، ۳۸۵
مزارات اصفهان، ۴۵۰
مزامیر حق، ۲۲۱
مزد ترس، ۴۵۵
مسئلهٔ حجاب، ۷۳
مسئلهٔ شناخت، ۷۳
مسئلهٔ وحی، ۳۲۱
مسئولیت، ۴۱/۱
مسائل عصر ما، ۸۸
مسائل فلسفه، ۳۲۵

مسائل قندهاریة، ۵۹
مسائل و نظریات فلسفه، ۳۲۵
مسارح الافکار فی مطارح الانظار، ۷۰
مسافر، ۱۷۴
مسافرت به ارمنستان و ایران، ۲۹۸
مسافرت به ایران، ۳۹۹
مسافرت به ایران به‌معیت سفیر کبیر روسیه، ۲۹۸
مسالک الافهام، ۴/۲
مسالک المحسنین، ۹۷
مسألهٔ ربا به ضمیمهٔ بیمه، ۷۳
مست، ۲۸۴
مستحدثات المسائل، ۳۴
مستدرک الذریعة، ۵۶
مستدرک سفینه البحار، ۸۵
مستطاب الاربعین فی اصول‌الدین، ۳۴۶
مسلمان و مادی، ۵۰
مسیر طالبی یا سفرنامهٔ ابوطالب خان اصفهانی، ۱۵۵
مشارب عمدهٔ اخلاقی، ۳۲۹
مشارکت، تعهد و جوانان، ۳۹۵
مشاعره، ۱۸۶
مشاهداتی شنیدنی من در آمریکا، ۲۷۹
مشاهیر گیلان، ۴۱۴
مشت‌زن، ۶۴۵
مشجرات آل رسول‌الله الاکرام (ص)، ۷۰
مشخصات جغرافیای طبیعی ایران، ۴۸۳
مشکلات العلوم، ۴۵۲
مشکلات جنسی و چارهٔ آن در اسلام، ۸۸
مشکلات مذهبی روز، ۸۸
مشکوة الاسرار فی حل عقد الاسفار، ۴۳۸
مشکوة‌الانوار، ۳۴۶
مصائب النواصب، ۴۳۴
مصاحبه‌ای در بارهٔ خرافه و نیرنگ، ۷۵
مصادقه‌الاخوان ابن بابویه، ۳۵۴
مصباح الاستیعاب و الاصابة، ۸۶/۳
مصباح البلاغه، ۸۱/۲
مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة، ۲۵۸
مصباح الظلام فی هدایة الانام، ۵۷
مصباح الغایة الکتاب اسد الغابة، ۸۶/۳
مصباح المسند لمسند احمد بن حنبل، ۸۶/۳
مصباح المیزان در منطق، ۳۸۰
مصباح الهدایة الی الخلافة و الولایة، ۱۴
مصباح الهدایة فی تفسیر اربعین آیة (او) مصباح‌الهدایه فی اثبات الولایة، ۱۵
مصباح الهدایة و مفتاح‌الکفایة، ۳۰۱
مصطبه خراب، ۱۵۹
مصیبت‌نامهٔ عطار، ۲۹۵
مطالب السئول، ۵۶
مطالعاتی در باب حافظ، ۱۵۲
مطالعاتی در باره انقلاب اداری ایران، ۳۱۹
مطالعهٔ تطبیقی رومئو و ژولیت با لیلی و مجنون نظامی، ۱۵۲
مطرب، ۲۸۴
مطلوب الراغب، ۶۴
مطلوب کل طالب من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، ۲۵۸
مطهرات در اسلام، ۳۲۱
معاد، ۳۷، ۷۳
معاد یا آخرین سیر بشر، ۹
معارف اسلامی، ۱۱
معارف‌الاسلام در اصول عقاید، ۷۲
معارف القرآن، ۲۹۱
معاصی کبیره، ۵۸
مع‌الخطوط العریضة لمحب‌الدین الخطیب، ۳۰
معالم الاصول، ۴۳۴
معاملات الربویه، ۵۰
معتقد الامامیه، ۳۵۴
معجزه در باد و باران، ۲۲۲
معجزه و شرایط آن، ۵۹
معجزهٔ سرما و گرما، ۲۸۴
معجم اعلام الشیعة، ۵۶
معجم رجال الحدیث، ۳۴، ۵۶
معجم شاهنامه، ۱۵۵
معراج، ۳۷
معراج السعاده، ۶۶۴
معراج‌نامه، ۴۲۸
معشوقه و دوست، ۴۳۹
معلم قرآن، ۱۲
معلم کم‌آزار، ۲۲۸
معماری اسلامی ایران در دورهٔ ایلخانان، ۴۱۸
معیارالعقول، ۳۰۱
معیارشناسی در شعر فارسی، ۲۷۸
مغز متفکر جهان شیعه، ۲۷۹
مغناطیس شخصی، ۳۸۱
مفاتیح الجنان، ۱۷/۱، ۶۵۶، ۶۶۴
مفاتیح العلوم، ۱۵۵
مفاتیح القرآن، ۳۲/۱
مفاسد رباخواری، ۳۳۵
مفتاح التحقیق، ۲۵۸
مفتاح الوسایل، ۴۴۰
مفردات قرآن، ۵۷/۱
مفهوم رندی در شعر حافظ (رساله)، ۲۶۴
مقاصد الالحان، ۱۲۳، ۵۵۴
مقاصد الوصول، ۳۸۰
مقالات اجتماعی، ۳۷۶
مقالات ادبی، ۱۱۶
مقالات از دوران خفقان، ۱۱
مقالات حول مباحث الالفاظ، ۱۵

مقالات طنزآمیز، ۱۴۴
مقالات فروغی، ۳۰۵
مقالات فروغی در بارهٔ شاهنامه و فردوسی، ۳۰۵
مقالید الهدی فی شرح العروة الوثقی، ۲۳/۱
مقامات الکبریه، ۸۱/۲
مقامات معنوی، ۳۶۹
مقام حافظ، ۳۰۱
مقام دانش در ایران باستان، ۳۶۹
مقایسه نیایش شیعه با سایر ادیان، ۲۵
مقتل الحسین (ع)، ۸۶/۳
مقتل امیرالمؤمنین (ع)، ۵۶
مقدمات التفسیر، ۵۸
مقدمه‌ای بر انجیل برنابا، ۵۴
مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی رسانه‌های همگانی، ۳۱۴
مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، ۷۳
مقدمه‌ای بر دیوان حافظ، ۱۱۱
مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، ۴۲۲
مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، ۱۸۲
مقدمه بر جغرافیای اقتصادی، ۱۹۰
مقدمه بر نجوم عالی، ۳۶۵
مقدمهٔ اخلاق ناصری، ۳۰۱
مقدمهٔ تاریخ ادب عرب، ۲۵۹
مقدمهٔ حقوق بین‌الملل عمومی، ۴۳۲
مقدمهٔ روانشناسی، ۳۳۴
مقدمهٔ فقه اللغه ایرانی، ۴۲۹
مقدمهٔ مبانی الاخبار، ۳۹
مقدمهٔ نقض و تعلیقات آن، ۲۵۸
مقررات استخدامی و مالی دانشگاه، ۴۳۲
مقلاد الجنان، ۸۱/۲
مکاتب فلسفی در آسیا، ۱۱۱
مکاتب فلسفی در اروپا، ۱۱۱
مکاتب هنری در اروپا، ۱۱۱
مکاتب هنری در شرق، ۱۱۱
مکاتیب نهج‌البلاغه، ۱۰۷
مکارم‌الآثار، ۸۱/۲، ۴۵۰
مکارم‌الاخلاق، ۸۶/۳
مکاسب، ۳۴، ۸۶
مکاسب المحرمه، ۵
مکاسب محرمه، ۱۴
مکافات، ۲۸۴، ۳۹۰
مکانیک، ۳۲۴
مکانیک استدلالی، ۴۷۹
مکتب اخلاقی و تربیتی امام صادق (ع)، ۷۵
مکتب امام حسن (ع)، ۴۱/۱
مکتب شمس، ۱۰۸
مکتب عرفان سعدی، ۲۵۹
مکتب مقاومت، ۸۸
مکتبة العلامة الحلی، ۵۶
مکتوب، ۳۵۱
ملانصرالدین در انگلستان، ۱۵۶
ملتمس‌الاحیاء، ۲۹۵
ملخص اللغات خطیب کرمانی، ۳۰۸
ملخص تاریخ نو، ۱۶۳
ملخص مثنوی، ۵۱۶
ملکوت، ۲۸۳
ملکه اسلام فاطمهٔ زهرا، ۶۰
ملکه باکره، ۲۷۹
ملکهٔ اسلام، ۳۱۱
ملکهٔ ویکتوریا، ۶۴۵
ممالک متحده آمریکا، ۴۵۷
مناجات حضرت امیر به‌خط قوام‌السلطنه، ۳۰۵
مناجات نامه، ۸۶/۱
مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری، ۵۸۵
مناسک حج، ۵، ۱۴، ۳۴، ۴۴، ۴۹، ۵۷/۱، ۵۸، ۶۶، ۷۸، ۸۵، ۲۵۹، ۶۵۶
مناظرات، ۲۴۷/۱
مناظرات دهگانه با علمای اهل سنت
پیرامون بعضی عقاید شیعه، ۴۹
مناظرات و اخوانیات، ۲۲۷
مناظرهٔ دکتر و پیر، ۸۸، ۸۸
مناقب‌الائمه، ۱۵۷
مناقب امیرالمؤمنین (ع)، ۵۶
مناهج التقی، حاشیة علی عروة الوثقی، ۴۴
مناهج الوصول الی علم الاصول، ۱۴
منتخب اخلاق ناصری، ۳۰۱
منتخب اشعار ویکتور هوگو، ۴۲۱
منتخب اشعار (همایی)، ۳۰۱
منتخب‌الدین رازی، ۵۶
منتخب الرسائل، ۳۴
منتخب الرسائل، رساله عملیه، ۶۸
منتخب الزیارات، ۱۹
منتخب اللغه، ۶۵۲
منتخب تاریخ جهانگشا، ۳۸۹
منتخب توضیح المسائل، ۳۴
منتخب دیوان سراج‌الدین قمری، ۳۸۹
منتخب شاهنامه، ۳۰۵
منتخبی از دیوان شمس تبریزی، ۲۴۸
منتخبی از غزلیات شهریار، ۱۹۷
منتقم حقیقی مهدی قائم صاحب العصر و الزمان، ۴۰۹
منتهی‌الافکار، ۴
منتهی الامال، ۶۶۴
منتهی المیزان، ۲۴
من خیانت را انتخاب کردم، ۳۴۷
من روح الفرج بعد الشدة، ۶۰
منشئات قائم‌مقام، ۴۲۲
منطق، ۴۶، ۳۵۲
منطق آموزگار، ۳۱۱
منطق ابن مقفع، ۳۵۴
منطق الطیر، ۲۴۷، ۲۶۹
منطق حماسی مهابهارات، ۱۱۱
منطق سمبلیک، ۳۲۵
منطق صورت، ۴۸۸

منطق کلام حافظ، ۱۱۱
منطق کلام فردوسی، ۱۱۱
منطق و روش‌شناسی، ۳۸۳
منطق و فلسفه، ۳۸۳
منطق و منظوم، ۲۴
منظومه زهره و منوچهر، ۵۸۵
منظومه معراجیه، ۱۴۸
منظومهٔ بیچارگان، ۴۲۱
منظومهٔ سواحلی، ۹۷
منظومهٔ شب، ۲۵۴
منظومهٔ شمس یا جلوهٔ ابدیت، ۱۹۵
من لایحضره الفقیه، ۵۲
منم تیمور جهانگشا، ۲۷۹
منوچهری دامغانی و موسیقی، ۶۴۵
منهاج الرشاد، ۵۷/۱
منیة الراغب فی ایمان ابیطالب، ۵۷
منیةالطالب، ۳۲
موئیگان دوپاری، ۲۷۹
مواد الخطوط میر علی هروی، ۱۲۰
مواقع النجوم، ۶۰
مورچگان، ۳۹۰
موریانه، ۲۷۹
موزیک‌ها، ۴۲۹
موسوعهٔ بزرگ شیعی، ۵۶
موسوعة المکاسب، ۴۱/۱
موسولینی، ۳۶۶، ۴۵۷
موسیقی دورهٔ ساسانی، ۳۲۴
موش و گربه، ۲۲۷
موش و گربه (ترجمه انگلیسی)، ۲۲۸
موضع ما در ولایت و رهبری، ۱۱
موضوع روسیه، ۴۲۹
مولانا چه می‌گوید، ۳۰۱
مولودنامهٔ کردی، ۶۶
م و می در سا، ۱۸۹
موناوانا و دو نمایشنامهٔ دیگر، ۶۴۵
مهاجرت‌های خارجی و علل و آثار آن در ایران، ۲۹۸
مهبَط نور یا ولایات ثلاث، ۴۱۲
مهدی دیگر، ۱۷۷
مهدی (ع) ما راهگشای عالم غیب، ۴۱/۱
مهربانی شوم، ۲۲۸
مهر تابان، ۱۳
مهرشاه و میهن، ۹۸
مهر هفتم، ۲۱۳
مهمان آمریکایی، ۲۳۲
مهمان‌نامهٔ بخارا، ۳۷۲
مه م وزین خانی، ۱۹۱
میترا و رام، ۲۰۰
میخک، ۴۸۷
میرزا ابوالقاسم قائم مقام، ۴۲۸
میرزا ملکم خان، زندگی و کوشش‌های او، ۳۵۶
می‌رویم تا خط امام بماند ...، ۳۵۹
میزان الحکمه، ۲۶۲
میزان المطالب، در دو جلد، ۲۱
میزان‌الملل، ۲۵۸
میکروفیلم دانشگاه تهران (جلد یکم)، ۳۵۴
مینوتوس مشاور نرون، ۱۴۴
مینوی خرد، ۱۳۱
مینیاتور در ایران (رساله پژوهشی)، ۱۳۵
میهمانان خارجی، ۲۳۲
میهمانی کوکتیل، ۲۴۹
میهن من، ۲۴۹
مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی از آغاز چاپ تاکنون، ۴۳۷
نئوکلنتالیسم، ۴۰۰
نائج الافکار فی نجاسة الکفار، ۶۱
ناپلئون در تبعید، ۱۴۴
ناپلئون و حمله به انگلستان، ۲۷۹
نار الله الموقده علی الکافرین، ۶۴
ناسخ التواریخ، ۴۲۲
ناصر خسرو و اسماعیلیان، ۳۱۰
ناظمی، مهدی، ۶۵۵/۱
نافه، ۱۳۵
ناله‌ی جودایی، ۲۰۱
نام راستین آذربایجان، ۴۱۶
ناموارہ، ۳۸۱
ناموارهٔ دکتر محمود افشار، ۱۰۲
نامه‌اندرزهای پارسی سره‌نثری، ۱۴۸
نام‌ها و نامدارها، ۱۸۳
نام‌های ایرانی، ۴۷۰
نامه‌ها، ۱۱۱
نامه‌ها و مکتوبات عرفانی و اسرار و اذکار، ۴۰
نامه‌های پدری به دخترش، ۳۳۰
نامه‌های پراکندهٔ قائم‌مقام فراهانی، بخش یکم، ۴۲۲
نامه‌های تیرباران شده‌ها، ۳۳۰
نامه‌های روزولت به چرچیل، ۲۷۹
نامه‌های سیاسی و تاریخی سیدالوزراء قائم‌مقام فراهانی، ۴۲۲
نامه‌های طبیب نادرشاه، ۳۰۵
نامه‌های عرفانی، ۱۴
نامهٔ اهل خراسان، ۳۰۸
نامهٔ دانشوران، ۵۱
نامهٔ کودک در مسجد، ۶۰
نامهٔ مینوی، ۳۰۵
نبوت، ۷۳
نتائج الاسفار، ۵۶
نتیجه‌الدوله، ۱۲۳
نتیجهٔ سوء ازدواج، ۱۹۹
نجاتیه، ۲۵۸
نجوم برای همه، ۴۷۳
نخبة البیان، ۴۵۲
نخبةالکلام در معرفت امام، ۳۲
نخبةالمقال فی تهذیب کتاب الاموال، ۸۶/۳
نخستین درس در جبر مجرد، ۴۸۰
نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویهٔ تمدن بورژوازی غرب، ۳۳۹
نخستین سالنامهٔ فکاهی در ایران، ۱۹۸

نخستین ماهنامهٔ فکاهی در ایران، ۱۹۸
نخستین مردی که دور کرهٔ زمین گردش کرد، ۲۷۹
ندایی از سرزمین بیت‌المقدس، ۶۰
نردبان ترقی، ۴۱
نسائم الاسحار من لطائم الخبار (در تاریخ وزراء)، ۲۵۸
نسخه‌های خطی کتابخانهٔ ملی رشت، ۳۵۴
نسخه‌های خطی نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ۳۵۴
نسرین و آزاد یا نمونه‌ای از مبارزهٔ کارگران و دهقانان، ۲۸۹
نسلس، والدمایر، ۴۴۸
نشان‌ها و مدال‌های ایران از آغاز سلطنت قاجاریه تا امروز، ۴۸۷
نشانه‌هایی از او، ۵۱
نشانی‌هایی از گذشتهٔ دور گیلان و مازندران، ۱۸۳
نصاب الصبیان، ۲۲۷، ۴۰۶
نصایح الهدی، ۵۸
نصیحت‌نامه، ۷۴
نصیحة الملوک غزالی، ۲۱۴، ۳۰۱
نظام التواریخ، ۴۲۸
نظام بودجه‌ای و منطقه‌ای کردن بودجهٔ عمرانی در فرانسه، ۳۷۴
نظام حقوق زن در اسلام، ۷۳
نظامی شاعر داستانسرا، ۱۷۲، ۳۹۲
نظریات فروید، ۴۵۵
نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت‌شناسی آن، ۲۶۹
نظری به درون شیلی آینده، ۳۶۶
نظری به نظام اقتصادی اسلام، ۷۳
نظم و نظمیه در دورهٔ قاجاریه، ۳۸۵
نعم النصیر، ۶۴
نغمات موزون، ۲۶۵
نغمه‌پرداز نامرد، ۲۹۳
نغمه‌های خون، ۱۹۷
نغمه‌های صحرا، ۱۹۸
نفائس الاصول، ۵۱
نفت و زغال سنگ، ۴۳۳
نفثة المصدور، ۲۸۵، ۳۰۳
نفحات الاعجاز فی الرد علی حسن الایجاز، ۳۴
نفخةالقدیر فی شرح خطبةالغدیر، ۲۰
نفس‌المهموم، ۱۰۷
نقاوة الاصابة فیمن أجمعت علیه العصابة، ۲۵۸
نقد ادبیات فارسی، ۲۲۸
نقد الادب، ۹۸
نقد الرجال، ۴/۲
نقد الشعرا، ۱۲۲
نقد الفرائد، ۵۷
نقد فلسفهٔ داروین، ۸۱/۲
نقد و بررسی آثار سنائی، ۱۱۱
نقد و بررسی آندره وایدا، ۲۲۲
نقدی بر مارکسیسم، ۷۳
نقش اسلام در برابر غرب، ۳۷۴
نقش ایران در جهان عرب و بین‌النهرین، ۴۳۴
نقش ایران در فرهنگ اسلامی، ۳۶۹
نقش ایمان در زندگی انسان، ۱۶
نقش دانشمندان اسلام در پیشرفت علوم، ۷۵
نقش رسانه‌ها در پشتیبانی توسعهٔ فرهنگی، ۳۱۴
نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین، ۲۱۶
نقش فارسی بر احجار هند، ۱۵۲
نقش قیامتی انقلاب اسلامی، ۱۱، ۱۶
نقشه‌برداری، ۴۷۳
نقشی از حافظ، ۱۶۱
نقشی از نیم قرن تکاپو، ۳۳۹
نقیضه و نقیضه‌سازان، بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج، ۹۷
نکات اساسی نامه‌نگاری، ۵۴۳
نکاتی چند در بارهٔ روش‌های تحقیق، ۳۵۲
نکت اعتقادیه شیخ مفید، ۳۵۴
نگارستان خط، ۶۵۲
نگارستان دارا، ۱۵۹
نگارهٔ کاهنربایی، ۴۷۰
نگاهی به آثار فقهی شیخ طوسی، ۵۱
نگاهی به ایران، ۳۸۵
نگاهی به تاریخ جهان، ۳۳۰
نگاهی به تاریخ علم، ۴۷۷
نگاهی به تاریخ علم برای نوجوانان، ۴۳۳
نگاهی به تاریخ معاصر ایران و جهان، ۳۱۸
نگاهی به صائب، ۱۶۱
نگاهی به نگارگری در ایران، ۳۹۵
نگاهی به هنر معماری ایران، ۴۴۱
نگاهی در سکوت، ۱۸۶
نگهبان مکتب توحید، ۴۱/۱
نگهبان مکتب ما، ۴۱/۱
نگین سخن، ۱۶۲، ۱۷۱
نمادی از یک زیست، ۴۱۴
نماز چیست ؟، ۱۶
نماز گفتگو با خدا، ۴۱
نمایشنامه‌های قربانی، پستخانه، مرتاض، مالینی و شاه، ملکه، ۲۴۹
نمایةالمأمول، ۷۴
نمکپاش، ۱۸۶
نموداری از حکومت علی (ع)، ۴۱/۱
نمونه غزل فارسی، ۲۴۷
نمونه فارسی در سلسله شاهکارهای ادبیات فارسی، ۲۴۷
نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌یی ایرانیان، ۱۳۱
نمونه‌هایی از انشاء و نامه‌نگاری، ۱۸۹

نمونهٔ مختصری از غزل و مثنوی و رباعی، ۴۳۸
نمونهٔ نظم و نثر فارسی، ۳۰۵
ننه دلاور، ۲۵۳
نوائب الدهور، ۸۱/۲
نوادر التبادر، ۳۵۴
نوادر تاریخی، ۱۱۸
نوامیس روحیهٔ تطور ملل، ۱۶۱
نوای دل، ۲۰۵
نوای شاعر فردا، ۲۶۶
نورالابرار من حکم انیرالمؤمنین علی (ع)، ۴۱/۱
نو راهب، ۲۸۴
نور درخشان، ۸۶/۳
نور مبین، ۱۶۳
نورنبورک، ۲۷۹
نوروز در تاریخ و دین، ۲۳/۱
نوسترا داموس از آیندهٔ جهان خبر می‌دهد، ۳۹۰
نوسترادامـوس و اهـرام مـصر: جادوگر مرموز، ۲۷۹
نوشتن، ۲۰۵
نوشته‌های فلسفی و اجتماعی، ۴۰۶
نوعی وزن در شعر فارسی، ۹۷
نوید اسلام، ۶۰
نویسندگان بزرگ معاصر، ۴۲۴
نهج‌البلاغه، ۱۷۶، ۷، ۴۳، ۵۴، ۸۶، ۳۸۶، ۶۶۴
نهج‌البلاغه السماء و العالم آسمان و جهان، ۶۰
نهج‌البلاغه منظوم، ۱۰۹
نهج‌البلاغه و جنگ، ۶۰
نهج‌الحق، ۵۱
نهج الفصاحه، ۱۲۵
نهضت اسلامی در غرب ایران، ۲۸۲
نهضت سربداران در خراسان، ۴۲۹
نهضت‌های اسلامی در صد سالهٔ اخیر، ۷۳
نهضت‌های فکری جوانان در متن فرهنگ جهانی، ۳۹۵
نه گفتار در تاریخ ادیان، ۱۵۲
نه ماه و نه روز، ۱۹۸
نهیب پیغمبر (ص) به ملوک و امراء و فقهاء از خیف منی، ۶۰
نیایش، ۴۳
نیایش «گیتانجلی»، ۲۷۵
نیروان، ۲۲۱
نی‌زن پاره‌پوش، ۲۲۸
نیشخندهای آناتول فرانس، ۲۴۵
نیکوکاران، ۲۲۰
نیلوفر آبی، ۴۸۷
نیلوفر مرداب، ۱۲۱
نیما و زندگی و آثار او، ۵۴۳
نیمایوشیج (کیست ــ چیست؟)، ۵۴۳
نیمروز عاشورا، ۱۲۱
نیم قرن تمدن و فرهنگ ایران، ۴۲۲
نیم قرن در باغ شعر کودکان، ۳۰۷
واحه جندق و بیابانک یا کویرنشینان مرکزی، ۳۰۵
واژگان دخیل فرانسه در فارسی (رساله)، ۴۷۸
واژنامهٔ بندهش، ۱۱۷
واژه‌نامه پهلوی به فارسی، ۲۱۸
واژه‌نامهٔ بسامدی شعرهای شهید بلخی، ۲۷۸
واژه‌نامهٔ حافظ، ۱۵۵
واژه‌نامهٔ گزیده‌های زاداسپرم، ۱۱۷
واژه‌نامهٔ مینوی خرد، ۱۳۱
واژه‌ها و مثل‌های شیرازی و کازرونی، ۱۱۸
وامق و عذرا، ۱۹۸
واهمه‌های بی‌نام و نشان، ۱۷۷
وای بر مغلوب، ۱۷۷
و تتمه، ۱۷۵
وجدان گمشده، ۴۲۹
وجد و سماع، ۱۵۵
وجوب حجاب در اسلام، ۶۶
وجود و بقای روح، ۳۸۱
وحدت وجود، ۴۰۵
وحی با شعور مرموز، ۵۵
وحی و نبوت در پرتو قرآن، ۴۳
وحی و نبوت در قرآن، ۴۳
وحی یا شعور مرموز، ۵۵
ودکاکولا، ۳۸۲
ورتر، ۳۹۰
وزن رباعی، ۲۲۸
وزن شعر فارسی، ۲۸۴
وسائل الشیعه، ۳۹
وسیلة العباد لیوم المعاد، ۴۴
وسیلة النجاة، ۱۵، ۵۸
وشه‌ی کوردی له عه ره بی دا، ۱۹۱
وصیت‌نامهٔ سیاسی الهی، ۱۴
وصیت‌نامهٔ محمد باقر مجلسی، ۴۳۸
وظایف مردم در زمان غیبت، ۸/۱
وظیفه مردم در عصر غیبت امام زمان (ع)، ۸۶/۳
وظیفهٔ ملی، ۲۳۲
وغ وغ ساهاب، ۲۲۸
وقایع اتفاقیه، ۳۷۵
وقایع الایام، ۶۴
وقتی برای زندگی، وقتی برای مرگ، ۲۵۳
وقتی که شاعر بودم، ۲۲۸
وقف‌نامهٔ ربع شیدی، ۲۴۰
وکالت، مجموعه مقالات در فن و وکالت و ...، ۴۲۴
ولایت فارس در زمان خلفاء، ۲۵۹
ولایت فقیه، ۸۸
ولایت فقیه ره‌آورد غدیر، ۴۱/۱
ولایت کلیه، ۸۱/۲
ولایت و امامت از دیدگاه قرآن، ۸/۱
ولاءها و ولایت‌ها، ۷۳
ولگرد، ۵۵۰
و مشت در جیب، ۱۷۵
وهرود و ارنگ، ۴۴۸
ویتگنشتاین، ۳۲۵
ویتامینها و ویتامین درمانی، ۳۶۸/۱

ویتنام جدید، ۴۰۰
ویرانه‌های مدور، ۲۸۳
ویریدیانا، ۲۱۳
ویژگیهای املایی دستنویس تفسیر قرآن پاک، ۳۵۵
ویژگی‌های دستوری زبان گیلکی، ۱۸۳
ویژگی‌های زعامت و رهبری، ۷۵
ویسپر، ۲۲۹
ویس و رامین، ۲۵۷
ویلیام تل، ۴۱۷
هایده، ۱۳۲
هبه در حقوق ایران، ۴۵۳/۱
هبه و وصیت، ۴۱۰
هدایةالمدرس، ۳۱۱
هدف ادبیات، اسلوب عالی و فضایل ادبی، ۳۰۸
هذیان و رؤیا، ۴۵۵
هراکلیتوس، ۳۲۹
هر سوی راه راه راه راه، ۱۸۹
هزار توها، ۲۸۳
هزار خوشهٔ عقیق، ۱۸۶
هزار دامن گل سرخ، ۲۴۱
هزار سال تفسیر فارسی، ۱۷۶
هزار سال نثر فارسی، ۴۲۹
هزار مزار، ۲۹۵
هزار مسأله در علوم ریاضی، ۵۸/۱
هزار و یک مسئلهٔ حساب و هندسه، ۳۸۱
هستی بخش، ۸۸
هستی، فضا و معماری، ۵۴۹
هستی و نیستی، پدیده‌شناسی عالم هستی، ۳۹۰
هشتاد و دو پرسش، ۳۷
هشتصد و سیزده، ۴۲۱
هشت کتاب، ۱۷۹
هفتاد سالگی فرخ، ۱۵۵
هفتاد سخن، ۲۸۴
هفتاد و سه ملت یا اعتقادات مذاهب، ۲۶۹
هفت‌بند، ۴۴۵
هفت پیکر، ۶۰۷
هفت خواهران تنی، ۲۷۹
هفت شاهی، ۳۳۰
هفت‌صد مسائل حساب و هندسه، ۳۸۱
هفت صورت عشق، ۲۹۳
هفت کشور، ۳۷۲
هفت نغمه چنگ، ۵۵۲
هگمتانه، آثار تاریخی همدان، ۴۴۱
هلن، هیپولیت، ارنست، ایون، ۳۷۶
هم‌آهنگی مردم، ۱۵۵
هم‌بستگی در اوستا، ۱۱۰
همچون در یک آینه، ۲۱۳
همسایهٔ عجیب، ۳۰۷
هملت، ۲۲۸
همه بخندیم، ۱۹۸
همه مردم برادرند، ۳۳۰
هند ۱۹۵۹ م.، ۳۳۰
هندو، ۱۶۱
هند یا سرزمین اشراق، ۴۵۷
هنر آموزش و پرورش، ۳۳۴
هنر اسلامی، ۲۱۳
هنر ایران، ماد و هخامنشی، ۳۲۶
هنر جنگ، ۴۳۱
هنرشناسی فیلم، ۵۶۰
هنگامی که از حوادث آینده با خبرَ هستیم، ۲۷۹
هوزی له بیر کراوی گاوان، ۱۹۱
هوش و خرد، ۳۸۳
هوشیدران، ۲۱۸
هه واری خالی، ۲۰۱
هیئت، ۴۰۷
هیئت و نجوم، ۳۶۵
هیپنوتیسم در دسترس همه، ۲۴۳
هیپنوتیسم و تربیت نفس، ۳۸۱
هیتلر، ۴۵۷
هیروشیما، عشق من، ۲۱۳
یاد ایران گذشته، ۱۳۰
یاد بگیریم چگونه بر خود مسلط شویم، ۳۶۸/۱
یادبود هفتصدمین سال خواجه نصیر طوسی، ۲۶۲
یادداشت‌ها، ۳۷۵
یادداشت‌های امین‌الدوله، ۳۶۱
یادداشت‌های حسنک یزدی در سفر گیلان، ۴۲۹
یادداشت‌های قضایی، ۱۱۶
یادداشت‌های مالته و ریدز بریگه، ۲۲۲
یادداشت‌های ناپلئون جوان، ۴۳۱
یادداشت‌هایی از سفر حج، ۳۲۱
یادداشت‌هایی از کردستان، ۵۳
یادداشت‌هایی برای تنها دخترش، ۵۳۳
یادگار اشک، ۵۴۳
یادگار اهل سخن، ۱۹۳
یادگارنامهٔ ابراهیم فخرایی، ۴۳۶
یادگار یک سفر، ۱۱
یادنامه سید بحرالعلوم میردامادی، ۴۵۰
یادنامهٔ تقی‌زاده، ۳۰۵
یادواره، ۱۷۳
یادی از استاد، ۴۰۴
یادی از پدرم، ۳۶۲
یاران پیامبر، ۲۳۴
یازده تست برای شناخت دیگران، ۳۶۸/۱
یپرم خان سردار، ۳۵۶
یتیم، ۱۵۶
ید البیضاء، ۱۲۲
یزدان شناخت، ۴۲۸
یعنی که مصاحبه، ۲۲۸
یک آسمان ستاره، ۱۸۶
یک پاییز و دو بهار، ۲۴۴
یکتاپرستی در ایران باستان، ۱۱۰
یکتانامه، ۱۶۶

یک خارجی در استانبول، ۲۳۲
یک خانم نجیب، ۲۷۹
یک خرق عادت شگفت یا معجزه‌ای بزرگ، ۸۳
یک در کنار صفرهای بی‌پایان، ۱۹۱
یک دوره صرف و نحو و دستور زبان فارسی، ۱۳۹
یک راز شگفت‌انگیز، ۲۷۹
یک سال در میان ایرانیان، ۲۷۹
یک سیاره و چهار پنج دنیا، ۳۸۲
یک صد گفتار در حقانیت آل محمد (ص)، ۳۲/۱
یک صد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی، ۴۲۲
یک قشر جدید در جامعهٔ ما، ۱۶
یکی بود یکی نبود، ۳۹۹
یواقیت العلوم، ۳۵۴
یوسف در آیینهٔ تاریخ، ۲۷۹
یوسف و زلیخا، ۱۵۹، ۲۸۴
یوهان سباستیان باخ، ۳۲۲

۸. نمایهٔ نمایش‌ها

آپاندیسیت، ۶۱۱
آتش زیر خاکستر، ۵۴۱
آخرین روز بابل، ۱۸۳
آخرین لحظه، ۵۴۱، ۵۴۱، ۵۶۱، ۵۶۱
آدم آدم است، ۵۷۰
آذر، ۲۷۲
آرزو، ۲۶۴
آرشین مالالان، ۵۶۱، ۶۶۱
آسانسور مطبخ، ۴۱۷
آغا محمد خان قاجار، ۵۶۱، ۵۶۱
آنتیگون، ۵۰۲
آی بی‌کلاه، آی باکلاه، ۵۴۱، ۶۱۳
ابن سلام در جهنم، ۶۱۱
ابوالفوارس، ۶۴۹
ابومسلم خراسانی، ۶۱۱، ۶۳۰
ابهت‌الممالک، ۶۴۹
اُپرت فردوسی، ۱۸۳
اتومبیل دوج، ۶۱۱
ارنانی، ۶۱۱
ازدواج به سبک ایتالیایی، ۵۴۶، ۶۲۳
از طبع خارج شد، ۵۴۱
استثناء و قاعده، ۶۱۳
استحاله، ۶۱۳
اسکار، ۶۳۷
اسکاندال، ۶۱۱
اسمال در نیویورک، ۶۳۷
اشرف، ۲۶۵
اشک‌های عشق، ۶۰۰
اصفهانی چلمن، ۵۵۰
اصلی و کرم، ۶۱۱
افتضاح، ۵۵۰
انتقام، ۱۸۳
انتقام مادر، ۶۱۱
انقلاب مشروطیت، ۵۲۰
انکار، ۵۰۹
انوشیروان عادل، ۶۴۹
اودیپوس شهریار، ۵۷۰
اوژنی گرانده، ۵۴۱
اوضاع اداری، ۵۲۰
ایده‌آل، ۶۳۰، ۶۳۰
ایده‌آل عشقی، ۵۶۱
بادبزن خانم ویندرمیر، ۵۴۱
بارگاه معاویه، ۵۷۳
بازجویی، ۵۰۹
باغ وحش شیشه‌ای، ۶۱۳
ببر گراز دندان، ۵۴۱
بچه سه قلو، ۶۴۹
بچه گدا، ۵۲۰
بدگمان، ۶۱۱، ۶۳۷
برای شرف، ۵۲۰، ۵۴۱
برزو و رستم و سهراب، ۶۳۰
برگ‌های خزان، ۵۴۱
بسوی تو، ۵۳۷
بلبل سرگشته، ۵۶۱، ۵۶۱
بوسه مادر، ۶۶۱
بهارهای از دست رفته، ۶۵۳
بهلول، ۵۲۰، ۶۰۰
بیگانه، ۵۲۰
پاکباخته، ۶۳۷
پروار بندان، ۵۴۱، ۶۱۳
پریچهر، ۵۶۱
پریچهر و پریزاد، ۶۱۱
پز دادن به‌درد نمی‌خورد، ۶۶۱
پژوهشی ژرف و سترگ و نو، در سنگ‌واره‌های دورهٔ بیست و پنجم زمین‌شناسی و یا چهاردهم، بیستم و غیره، فرقی نمی‌کند، ۶۵۷
پلکان، ۶۳۷
پولوفت شبه کوچک، ۶۱۳
پیچ خطرناک، ۵۴۱، ۵۴۱
پیراهن ابریشمی، ۶۲۳
پیر کفتار، ۵۲۰
تاجر ونیزی، ۵۵۰، ۵۷۳، ۶۱۱
تارتوف، ۶۳۲، ۶۶۱
تأثیر زن در اجتماع، ۵۴۶
تراژدی رستم و سهراب، ۶۱۱
تریستان و ایزوت، ۶۱۱
تله، ۵۴۱
توپاز، ۵۲۰
تو مال منی، ۶۳۲
جان فدای وطن، ۵۶۱، ۵۶۱
جایی که صلیب گذاشته‌اند، ۶۱۳

جرح و تعدیل، ۶۱۱
جزای روزگار، ۵۲۰
جعفرخان از فرنگ برگشته، ۶۱۱، ۶۱۳
جلاد لندن، ۵۰۹
جنایت بشر، ۵۵۹
جنایت یا مرگ آغا محمد خان قاجار، ۶۳۰
جنگ زرگری، ۶۱۱
چراغ گاز، ۵۴۱
چنگال، ۶۵۳
چوب به‌دست‌های ورزیل، ۶۱۳
حافظ، ۵۶۱
حاکم یک شبه، ۵۰۲
حبیب و مریم، ۶۳۰، ۶۳۰
حسن جنی، ۵۲۰، ۶۶۱
حسن سنتوری، ۵۰۲
حسن کچل، ۶۱۳
حلقه نامزدی، ۶۱۱
خاقان می‌رقصد، ۵۳۷، ۵۴۱، ۵۵۰، ۵۶۱، ۵۶۱
خان تاتار، ۵۴۶
خانعلی و جانعلی، ۵۵۹
خانم گلفروش، ۵۲۲
خانواده فنا شده، ۵۶۱
خانه عروسک، ۵۲۲
خانهٔ برنارد آلبا، ۵۴۶
خبرچین، ۶۱۳
خر با بار نمک، ۵۰۲، ۶۱۳
خروس بی‌محل، ۵۲۲
خسرو و شیرین، ۵۳۷
خسیس، ۵۲۰، ۵۲۲، ۵۴۱، ۵۴۱، ۵۵۰، ۵۷۳، ۶۰۰، ۶۳۲
خلیفه یک روزه، ۶۱۱
خوشا به‌حال بردباران، ۶۱۳
داد نزن بیدار میشه، ۶۳۷
دارالحکومه تهران، ۵۰۲
دختران واخورده، ۵۲۰، ۶۳۷
دختر شکلاتی، ۵۷۳
دختر قرن بیستم، ۶۱۱
دختر گل‌فروش، ۵۴۱
در دربار خان، ۶۲۳
در راه کاردیف، ۶۵۳
در سایه حرم، ۵۴۱
در سایهٔ درخت، ۶۶۱
دزدان اجتماع، ۵۷۳
دزد ناشی، ۶۰۰
دست بالای دست، ۶۱۳
دشمن مردم، ۵۴۶
دکتر ریاضی‌دان، ۶۴۹
دکتر کارد و چنگال، ۵۲۰
دو ارباب و نوکر، ۶۴۹
دیکته، ۶۱۳
راهزنان، ۶۶۱
رستاخیز، ۵۵۰، ۵۶۱
رستاخیز سلاطین، ۵۷۳
رستاخیز و بچهٔ گدا، ۶۱۱
رستم و سهراب، ۶۲۳
روسری قرمز، ۵۰۲، ۵۴۶
رومئو و ژولیت، ۵۴۱، ۶۱۱
ریشارد دارلینگتن، ۵۰۹
رؤیای مجنون، ۶۱۱
زاویه، ۶۱۳
زن لال، ۶۱۱
زیرگذر لوطی صالح، ۵۰۲
ساعتی در چلوکبابی، ۱۸۶
سالومه، ۶۳۲
سایه، ۵۴۶
سایهٔ جرم، ۵۵۰
سایهٔ حرم، ۶۳۰
سرباز لافزن، ۵۰۲، ۶۱۳
سرباز وطن، ۵۷۳
سرگذشت مرد خسیس، ۶۱۳
سلطان مار، ۵۴۶
سنگ و سرنا، ۵۰۲
سودابه و سیاوش، ۶۱۱
سوگ سیاوش، ۵۰۲
سه عروس دُر یک شب، ۶۶۱
سه ملعون، ۵۲۰
شاهزاده توراندخت، ۵۴۱
شاهزاده خانم تاتیانا، ۶۳۷
شاه صفی، ۵۷۳، ۶۳۰
شاه عباس، ۶۳۰
شاه‌عباس کبیر، ۶۶۱
شاه می‌میرد، ۵۰۲
شب بحرانی، ۵۴۱
شب‌های تیره، ۶۱۱
شش شخصیت در جستجوی نویسنده، ۶۱۳
شفای بیمار، ۵۲۲
شکار خانگی، ۵۶۱
شنل قرمز، ۵۴۱
شوهرهای مریم‌خان، ۵۲۲
شیخ صنعان، ۶۶۱
شیرین و فرهاد، ۵۶۱
صدای شکستن، ۵۷۰
صلاح‌الدین ایوبی، ۶۳۰
صندلی کنار پنجره بگذاریم و بنشینیم و به شب دراز تاریک خاموش سرد بیابان نگاه کنیم، ۶۵۷
صیادان، ۵۰۲
طبیب اجباری، ۵۲۰، ۶۱۳
طلا و خاکستر، ۶۳۷
طناب، ۵۴۱
عاشق بازنشسته، ۵۴۶
عاشق فداکار، ۵۵۹
عاشق قراردادی، ۶۳۲
عاشق گیج، ۵۰۹
عاقبت وخیم، ۱۸۳
عدالت، ۵۴۶
عدالت بشر، ۵۵۹
عدالت هارون‌الرشید، ۶۱۱
عروس اعیان، ۶۳۷
عروسک پشت پرده، ۵۲۲، ۵۴۱
عروس کدومه، ۵۶۱
عروسی، ۵۴۶

عروسی اعیان، ۵۲۰
عروسی باقرخان، ۵۴۱
عروسی جناب میرزا، ۶۲۳
عشاق پریشان، ۵۵۰
عشاق و بقیهٔ غریبه‌ها، ۵۴۶
عشق پیری، ۶۲۳، ۶۳۷
عشق و آزادی، ۶۱۱
علاءالدین، ۶۱۱
عوام‌فریب سالوس، ۶۶۱
غریب، ۵۰۲
غیاث خشت‌مال، ۶۱۱
فرفره‌ها، ۵۴۶
فصل یادها، ۵۴۱
قائم مقام، ۵۳۷، ۵۴۶، ۵۶۱
قباد و مزدک، ۶۴۹
قربانی در مقدم ابوالهول، ۵۰۹
قسمت، ۵۲۰، ۶۰۰
قصهٔ غریب سفر شاد شین شاد شنگول به دیار آدم‌کشان و امردان و جذامیان و دزدان و دیوانگان و روسپیان و کاف‌کشان، ۶۵۷
قطار سریع‌السیر سانتیگو، ۶۱۳
قیام آغا محمدخان قاجار، ۶۳۰
کارآگاه جانی دالر، ۱۹۸
کارمند دولت، ۵۷۳
کارمند شریف، ۵۰۹
کاوه آهنگر، ۱۸۳، ۶۶۱
کفتارها، ۵۰۰
کوزهٔ عسل، ۵۵۰
گربه روی شیروانی داغ، ۵۴۱
گلرخ، ۶۱۱
لمبک آب فروش، ۵۴۱
لوکرس بورژیا، ۶۳۲
لیلی و مجنون، ۵۳۷، ۵۴۶، ۶۱۱
ماجرای باغ وحش، ۶۱۳
مادام کاملیا، ۵۴۱
ماهپاره، ۶۱۱
مجید در باغ، ۶۳۲
مجید و خانمش، ۶۳۲
مجید و کلفتش، ۶۳۲
محاکمه، ۶۲۳
محراب، ۵۰۲
محمد علی بیک، ۵۲۰، ۵۷۳
مدرسهٔ قدیم و مدرسهٔ جدید، ۵۷۳
مرحوم آقا، ۶۳۷
مرد خسیس، ۶۶۱
مردم، ۶۳۰
مرد متوسط، ۵۰۲
مرده‌های بی‌کفن و دفن، ۶۱۳
مردی از آن دنیا، ۶۳۷
مرگ موش، ۵۲۰
مرگ موش یا نوش جان آقا، ۵۴۶، ۶۳۷
مرگ همسایه، ۵۴۱
مروارید، ۵۰۲
مریض خیالی، ۵۲۰، ۵۵۰
مسافری از آن دنیا، ۵۲۰
مستنطق، ۵۴۱
مشهدی عباد، ۶۰۰، ۶۴۹، ۶۶۱
مطبخ، ۵۴۱
معمار، ۶۳۵
مکافات، ۵۴۱، ۶۳۷
موسی و فرعون، ۶۱۱
مونتسرا، ۵۴۱
میرزا کمال‌الدین، ۶۶۱
میرزا مراد، ۶۴۹
میشل استروگوف، ۵۲۲
ناپلئون، ۶۳۰
نادر پسر شمشیر، ۶۳۰
نادر شاه، ۵۶۱، ۶۱۱
نادرشاه و فتح هندوستان، ۵۰۹، ۶۳۰
نادر و ستاره، ۶۳۰
ناصرالدین شاه، ۶۳۰
نافرمانی، ۵۲۲
ناگهان "هذا حبیب‌الله" مات فی حب‌الله، هذا قتیل‌الله، مات بسیف‌الله، ۶۵۷
ننگ جامعه، ۶۳۲
نوکر زبردست، ۶۰۰
والدین وحشتناک، ۵۴۱
ولپن، ۵۲۰، ۵۴۱
ویولن ساز کره‌مونا، ۴۹۳
هردم بیل، ۶۱۱
یک اشتباه از خردمندترین آدم‌ها سر می‌زند، ۵۰۲
یک شب در حرم ناصرالدین شاه، ۵۶۱، ۵۶۱
یک نوکر و ارباب، ۶۱۳
یوسف و زلیخا، ۵۲۰، ۶۰۰، ۶۲۳

۹. نمایهٔ تخلص شعرا

آزاد همدانی، ۲۷۲
آزادی، ۱۶۹
آشنا، ۲۰۴
آهی، ۲۹۷
آینده، ۱۸۹
ابن روح، ۱۲۲
احقر، ۳۰۲
ادیب بیضایی، ۱۲۲
الفت، ۲۲۳
الهام، ۲۴۴
امید، ۹۷، ۲۴۳
امیر، ۱۰۷
انور اردبیلی، ۱۳۸
اوستا، ۱۱۱
اوهب، ۱۱۲
بندی سیرجانی، ۲۰۸
بهجت، ۱۹۷
بهروزی، ۱۱۸
بهری، ۲۴۸
بیدار، ۱۳۹، ۱۸۹
پارسا، ۱۲۴
پرتو، ۲۱۹
پروین، ۱۲۸
تابناک، ۱۶۵، ۲۰۲
تاج‌الشعرا، ۲۷۷
تمکین، ۲۴۶
تولایی، ۱۳۴
ثابت، ۱۱۴
جمال، ۱۴۰
جمالی، ۱۴۰
جمیل، ۲۱۰
جوشقون، ۴۲۴
حالت، ۱۴۴
حبیب، ۳۰۵
حسام، ۱۶۲
حسینی، ۱۴۹
دانا، ۱۴۲، ۲۲۷
دانش، ۳۱۰
داور، ۱۵۰
دیجور، ۱۶۴
ذکایی، ۱۲۲
رجاء، ۱۵۷
رجاء اصفهانی، ۱۵۷
رخشا، ۹۹
رسته، ۲۵۶
روح الامین، ۱۲۲
روحانی، ۱۶۹، ۲۹۵
روشن، ۱۰۰
ریاضی، ۱۷۱
ریحان، ۱۸۵
ریحان یزدی، ۲۶۱
سالک، ۱۱۲
سروش، ۱۵۴
سنا، ۳۰۱
شاکر، ۱۸۸
شامی، ۲۶۸
شایان، ۱۹۸
شکیب، ۱۵۷
شمس، ۱۹۵
شمیده، ۲۴۸
شهر آشوب، ۱۳۶
شهره، ۲۸۹
شهریار، ۱۹۷
شهودی، ۲۹۱
شیدا، ۱۲۱، ۱۵۷، ۶۴۰
شیفته، ۲۳۰
شیوا، ۱۴۹، ۱۶۶، ۱۹۰، ۳۶۳
صالح، ۲۴۸، ۲۹۶
صالحی، ۲۰۴
صدر، ۲۵۹
صغیر اصفهانی، ۱۵۷
صفا، ۱۴۱
ضیاء، ۲۳۵
طالع، ۲۹۳
طاهر، ۲۱۵
طرب، ۳۰۱
طلوعی عراقی، ۹۵
عاشق، ۵۳
عنقا، ۲۲۱
غمگین، ۱۵۷، ۲۴۶
فاخر، ۲۳۶
فایض، ۱۵۷
فتی، ۲۲۵
فخر طلوعی، ۹۵

فرخ، ۱۴۲، ۱۸۰، ۲۲۷
فرزاد، ۲۲۸
فروغ، ۲۷۳
فرهاد، ۳۰۶
فنا، ۲۱۶
قدسی، ۲۳۴
کاشف، ۱۳
کیوان، ۱۹۴، ۲۴۷/۱
گلزار، ۱۵۷
م. امید، ۹۷
مجنون، ۱۲۴
محزون، ۴۴۵
محمود، ۲۷۸
محیط، ۲۱۶
مژده، ۲۳۷
مسنّن، ۹۷
مظفر، ۲۳۹
معالی، ۲۷۳
منزوی، ۲۷۷
موج، ۱۵۶
مهجور، ۱۳۷
ناصح، ۲۸۵
نافذ همدانی، ۲۰۹
ناهید، ۱۹۰
نزهت، ۱۶۸
نسیم دستگردی، ۲۹۲
نورانی، ۲۹۵
نوشین، ۱۳۶
نوید، ۱۴۵
نوید خراسانی، ۱۴۵
واصل، ۳۲۹
وصال، ۲۹۵
وفا، ۲۳۶
ولی دیوانه، ۴۴۵
هاله، ۳۶۲
هشیار، ۵۶۰/۱
هما، ۳۰۱
هه‌ژار، ۱۹۱، ۲۰۱
هیمن، ۲۰۱
یزدانی، ۲۹۵
یگانه، ۳۰۶
یمینی، ۳۰۷

۱۰. نمایهٔ فیلم‌ها

آئینهٔ زمان، ۶۲۳
آبی و رابی، ۶۳۹
آتشپاره تهران، ۶۳۷
آتش پنهان، ۶۴۷
آتش جنوب، ۴۹۳
آتش در زمستان، ۵۵۱
آتش درون، ۵۲۲
آتش نهفته، ۵۳۳
آخرین تلاش، ۶۴۶
آخرین شب، ۵۱۳، ۶۶۱
آخرین لحظه، ۶۴۷
آخرین مبارزه، ۴۹۳
آخرین مهلت، ۵۷۳
آخرین هوس، ۵۳۷، ۶۱۴
آراس‌خان، ۶۰۰
آرامش در حضور دیگران، ۱۷۷
آرشین مالالان، ۶۰۰
آشوبگر، ۶۲۳
آشیانهٔ مهر، ۵۰۲، ۶۴۴
آغا محمد خان قاجار، ۵۰۹، ۵۲۰، ۶۳۰
آفتاب مهتاب، ۶۴۳
آفت زندگی، ۵۴۱
آقا جنی شده، ۵۳۷، ۵۴۶
آقا موچول، ۶۴۳، ۶۶۱
آقا مهدی کله‌پز، ۵۲۰
آقای جاهل، ۶۵۳
آقای قرن بیستم، ۵۵۰
آقای هفت رنگ، ۵۳۷
آن سفر کرده، ۶۲۳
آوار، ۵۰۲
آواره‌های تهران، ۶۲۳
ابرام در پاریس، ۱۸۶، ۶۰۰
اپرای فوست، ۴۸۳
اپرای کارمن، ۲۶۳۴۸۳
اتاق شمارهٔ یک، ۵۷۳
اتوبوس، ۵۰۲، ۵۰۲
اتهام، ۵۰۹، ۵۳۷
اجاره‌نشین‌ها، ۵۵۱، ۵۸۰
اجل معلق، ۵۲۲
احمد چوپان، ۵۲۲، ۶۲۳
از جان گذشتگان، ۶۲۳
استوار و پاسبان، ۶۰۷
اسرار گنج درهٔ جنّی، ۵۲۰
اشباح، ۶۵۳
اشتباه، ۶۱۴
اشک شوق، ۶۶۱
اشک‌ها و خنده‌ها، ۵۰۹، ۵۴۱
اصحاب با سعادت، ۵۹۸
اطاق شمارهٔ یک، ۵۸۲
اعجوبه‌ها، ۵۰۹
اعدامی، ۶۱۳
افسانهٔ آه، ۴۹۶
افسانهٔ دهکده، ۵۳۷، ۶۳۷
افسونگر، ۶۶۱
افق، ۵۷۸
افق روشن، ۵۳۷
الکلی، ۵۴۱
الماس ۳۳، ۵۵۴، ۶۰۰
امروز و فردا، ۶۰۰
امشب اشکی می‌ریزد، ۵۵۰
امیر ارسلان نامدار، ۶۲۳
امیر ارسلان نامدار، نسخهٔ اوّل، ۵۰۹
امیر ارسلان نامدار، نسخهٔ دوم، ۵۰۹
انتقام روح، ۴۹۳
انسان‌ها، ۶۳۲
اول هیکل، ۶۰۰، ۶۳۷
اهریمن زیبا، ۴۹۳، ۶۱۱
ای ایران، ۵۸۰، ۶۲۷
ایران سرزمین طلای سیاه، ۵۵۴
ایستگاه ترن، ۶۳۷
ایکیوسان (نقاشی متحرک)، ۶۵۴
ایلام شهر آتشباران، ۵۸۲
ایمان، ۵۲۲
اینهم یه جورشه، ۵۳۷
ایوب، ۵۶۱، ۶۴۳
بابا شمل، ۵۴۸، ۵۵۴
بابا کرم، ۴۹۳، ۶۲۳
باباکوهی، ۶۶۱
بارگاه شیطان، ۵۳۷
بازجویی، ۶۲۳
بازگشت، ۵۳۷، ۶۶۱
بازگشت به زندگی، ۵۲۲، ۵۷۳، ۵۷۳، ۶۳۷

باشو، غریبهٔ کوچک، ۶۶۶
باغ بلور، ۶۱۳
با من سخن بگو دوکوهه، ۶۱۲
بانو، ۶۴۴
بای‌سیکل‌ران، ۶۴۸
بأو، ۵۰۰
ببر رینگ، ۴۹۳
بچه ننه، ۵۴۶
بچه‌های بالاچلی، ۴۹۹
بچه‌های طلاق، ۴۹۶
بدکاران، ۵۲۰
بدل، ۶۴۴
بدنام، ۵۲۰، ۶۴۶
بده در راه خدا، ۱۸۶، ۶۰۰ و ۶۲۳
بر آسمان نوشته، ۵۵۰، ۶۰۰
برای تو، ۵۵۰، ۵۶۱، ۶۰۰
برهنهٔ خوشحال، ۵۰۹
برهوت، ۵۷۳
بلبل مزرعه، ۵۳۷، ۶۰۰ و ۶۱۱ و ۶۳۲
بلندی‌های صفر، ۶۰۶/۱ و ۶۴۴
بن بست، ۴۹۳، ۶۳۰
بنده خدا، ۶۲۳
بنفشه‌زار، ۱۷۷
بوالهوس، ۵۰۹
بورناز، ۴۹۹
بوسهٔ مادر، ۵۷۳، ۶۰۰
بوعلی سینا، ۵۷۰
بوف کور، ۶۱۳
بوی گندم، ۵۵۱
بهار در پاییز، ۵۰۲
بهاری که داشتیم، ۵۸۴
به امید دیدار، ۶۲۳
بهلول، ۵۲۰، ۵۵۴، ۶۰۰ و ۶۳۷
بی‌پناه، ۵۰۹
بی‌تا، ۵۶۰
بیژن و منیژه، ۶۳۷
بی‌ستاره‌ها، ۶۳۷
بی‌گناه، ۵۵۰
بیگناهی در شهر، ۶۲۳
بیم و امید، ۵۲۲
بیوه‌های خندان، ۶۰۰ و ۶۰۷
پاداش یک مرد، ۴۹۳
پاشنه طلا، ۵۵۱، ۶۰۷
پاکباخته، ۶۵۳
پایان تاریکی، ۵۲۲
پایان رنج‌ها، ۵۲۲
پخمه، ۶۴۶
پدر که ناخلف افتد، ۶۲۳
پرتگاه، ۵۷۱/۱
پرستوها به لانه باز می‌گردند، ۶۳۲ و ۶۴۶
پروفسور نخاله، ۵۳۷، ۶۰۰ و ۶۴۳
پرونده، ۶۲۳
پریچهر، ۵۶۱
پستچی، ۵۵۰، ۵۷۱
پسران قارون، ۶۲۳
پسر شجاع (نقاشی متحرک)، ۶۵۴
پل، ۵۵۴
پلنگ در شب، ۴۹۳
پلنگ صورتی (نقاشی متحرک)، ۶۵۴
پناهگاه، ۵۵۱
پنجره، ۵۲۲، ۶۴۴
پنجهٔ آهنین، ۴۹۳
پهلوان پهلوانان، ۵۲۲
پهلوان توانا نیست، ۵۲۵
پهلوان مفرد، ۵۵۴
پیراک، ۶۲۳
پیک جنگل، ۵۵۱
پیمان، ۶۱۴
تازه به دوران رسیده، ۶۰۰
تازه عروس، ۶۴۳
تپلی، ۶۵۳
تپه ۳۰۳، ۶۱۳
تپه‌های مارلیک، ۵۵۴
ترانزیت، ۵۷۸
ترانه‌های روستایی، ۵۳۷، ۶۰۰
ترس و تاریکی، ۴۹۳
ترن، ۵۵۱
ترنج، ۶۴۶
تشریفات، ۵۵۴، ۶۴۶
تعقیب تا جهنم، ۶۲۳
تعقیب خطرناک، ۴۹۳
تفنگدار، ۴۹۶
تفنگ شکسته، ۵۵۱
تکخال، ۵۲۲
تنگسیر، ۶۱۳
تنگنا، ۵۵۱
تنگهٔ اژدها، ۶۰۰
توبه، ۶۲۳
توفان زندگی، ۵۴۶
تهران می‌رقصد، ۵۰۹، ۶۶۱
تیرباران، ۵۵۴
تیغ آفتاب، ۶۴۶
تیغ و ابریشم، ۵۳۰
جادو، ۵۳۷
جاده تبهکاران، ۶۶۱
جاده زرین سمرقند، ۶۳۰
جام آسیا، ۵۶۰
جاهل محل، ۵۳۷، ۶۳۷ و ۶۶۱
جاهل‌ها و ژیگول‌ها، ۶۳۷
جبههٔ ملی، ۳۶۲
جدال با شیطان، ۵۲۲
جدال در مهتاب، ۶۳۰
جدایی، ۴۹۳، ۶۰۰
جشن هنر، ۶۴۴
جعفرخان از فرنگ برگشته، ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۸۰
جلد مار، ۵۶۰
جمعه، ۶۱۳
جنگ ایران و عراق، ۶۲۲
جنوب شهر، ۶۴۴
جهان پهلوان، ۴۹۳، ۵۲۲، ۶۰۰
جهنم به اضافهٔ من، ۵۵۴، ۶۲۳
جهیزیه برای رباب، ۵۰۲
چرخ فلک، ۵۲۲
چشم انتظار، ۵۵۱
چشم به راه، ۵۷۳

چمدان، ۶۴۴
چهار خواهر، ۵۳۷
چهرهٔ ۷۵، ۵۶۰
حاتم طلایی، ۵۲۲
حاجی‌آقا اکتور سینما، ۶۳۹
حاجی جبار در پاریس، ۶۶۱
حاجی واشنگتن، ۵۴۸
حادثه‌جویان، ۶۱۴، ۶۲۳
حرمت رفیق، ۶۲۳
حسرت، ۶۰۷
حسن فرفره، ۶۲۳
حسن کچل، ۵۲۰، ۵۲۶، ۵۴۸
حسین کرد، ۶۰۰
حکم تیر، ۴۹۳
حماسهٔ عشقی شب جمعه، ۵۶۰
خاتون، ۶۵۳
خاطرات بهروز مرادی از جنگ، ۶۲۲
خاک و خون، ۶۴۶، ۶۵۳
خانم عوضی گرفتی، ۶۴۳
خانهٔ خدا، ۶۴۴
خبرچین، ۶۴۳
خداحافظ تهران، ۵۶۱
خردجال، ۶۴۳
خروس بی‌محل، ۶۰۰
خشت، ۶۲۳
خشت و آیینه، ۶۱۳، ۶۴۴
خشم کولی، ۴۹۳
خط آتش، ۵۷۸
خواب و خیال، ۶۲۷، ۶۳۲
خواب‌های طلایی، ۵۶۱، ۶۱۱، ۶۳۲
خواستگار، ۵۲۰، ۵۴۸
خواستگاری، ۵۰۲
خورشید می‌درخشد، ۵۳۷، ۶۳۷
خوشگل خوشگلا، ۶۰۰
خوشگل محله، ۶۰۰
خونبارش، ۵۵۴، ۵۶۵
خیابان، ۵۶۰
خیلی هم ممنون، ۵۰۹
دادا، ۴۹۶
دادستان، ۶۴۶
داش آکل، ۶۲۳
داش احمد، ۵۲۲
داغ ننگ، ۶۶۶
دالاهو، ۵۵۰، ۶۰۰
داماد فراری، ۶۰۰
دایره مینا، ۱۷۷
دختران با معرفت، ۵۳۷، ۶۳۷، ۶۴۳
دختران بلا مردان ناقلا، ۶۰۷
دختر چوپان، ۵۶۱، ۶۰۰، ۶۱۱، ۶۳۲
دختر سرراهی، ۶۱۱
دختر شاه‌پریان، ۶۲۳
دختر طلا، ۵۵۰، ۶۲۳
دختر کوهستان، ۵۴۱
دختر ولگرد، ۵۳۷، ۵۴۶
دخترها این طور دوست دارند، ۶۰۰
دختر همسایه، ۵۴۶، ۶۰۰، ۶۶۱
دختری از اصفهان، ۵۳۷
دختری فریاد می‌کشد، ۶۳۷
در جستجوی تبهکاران، ۴۹۳
در جستجوی داماد، ۶۰۰
درخت‌ها ایستاده می‌میرند، ۵۵۱، ۶۰۰
در دنیا بیگانه بودم، ۴۹۳
در مسیر تندباد، ۵۷۳، ۶۴۶
دروازهٔ بهشت، ۶۴۶
دروازهٔ تقدیر، ۵۲۲، ۵۵۰، ۶۴۳
دروغگوی کوچولو، ۶۰۷
دزدان معدن، ۵۰۹
دزد بانک، ۶۰۰
دزد سیاهپوش، ۵۲۲، ۶۰۰
دزد عشق، ۶۳۲، ۶۴۸
دست تقدیر، ۵۲۲
دست شیطان، ۵۰۲
دستکش سفید، ۵۴۶، ۵۵۹
دستمزد، ۴۹۶، ۶۴۶
دستهٔ ایمان، ۶۱۲
دشمن، ۶۲۳
دشمن زن، ۶۳۷
دفاع از ناموس، ۶۲۳
دفاع مقدس، ۵۸۲
دلشدگان، ۵۲۲، ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۷۳، ۶۴۴
دل نمک، ۵۰۲
دل‌های بی‌آرام، ۶۱۱
دندان مار، ۶۴۴
دنیا مال منه، ۵۲۲، ۶۰۰
دنیای پر امید، ۵۰۹، ۵۲۲، ۶۰۰
دنیای پوشالی، ۶۳۲
دو دل و یک دلبر، ۶۰۰
دوران سربی، ۵۷۳
دوستان یکرنگ، ۵۳۷، ۶۳۷
دوستت دارم، ۵۰۹
دو سرنوشت، ۵۲۲
دو عروس برای سه برادر، ۵۳۷
دوقلو، ۱۸۶
دو قلوها، ۵۳۷، ۶۰۰، ۶۰۷
دهکدهٔ طلایی، ۶۰۰، ۶۰۷
دیگه چه خبر؟، ۴۹۶، ۶۵۴
رابطه، ۶۲۳
راز، ۶۰۷
راز چشمه سرخ، ۵۷۸
راز درخت سنجد، ۵۲۰، ۵۵۴، ۶۱۴، ۶۴۴
رانده شده، ۵۳۷، ۵۷۳
رانندهٔ اجباری، ۶۲۳
راه دوم، ۵۵۱
راهی به سوی خدا، ۵۷۳
رد پای گرگ، ۵۵۱، ۶۴۴
رسوایی، ۶۲۳
رقاصهٔ شهر، ۵۵۰، ۶۲۳، ۶۵۳
رقیب، ۴۹۳
رگبار، ۵۴۶، ۶۱۳
رنگ بی‌نیرنگ، ۵۶۰
رنو تهران ۲۱، ۵۸۰
روز شیطان، ۵۵۱
روزگار من، ۶۴۰
روز گمشده، ۵۷۱

روزنهٔ امید، ۵۳۷، ۶۱۴، ۶۳۷، ۶۶۶
روز واقعه، ۵۰۰
روزهای انتظار، ۶۴۶
روزهای تاریک یک مادر، ۵۶۱
روسپی، ۶۲۳
روی خاک‌ها خوابیده‌ام، ۶۲۲
ریشه در خون، ۶۵۳
زخمه، ۶۲۳
زرد قناری، ۴۹۶، ۵۵۱
زشت و زیبا، ۴۹۳، ۵۴۱
زمین آسمانی، ۵۴۶
زنبورک، ۵۲۰
زن خون‌آشام، ۶۲۳
زندانی امیر، ۵۱۳
زن دشمن خطرناکیست، ۶۴۳
زندگی دوزخی، ۵۲۲
زندگی شیرین، ۵۶۰
زندگی شیرین است، ۶۱۱، ۶۳۲
زنده باد...، ۵۴۶
زنده بادخاله، ۶۰۰
زنگ اوّل، ۶۰۷
زن‌ها و شوهرها، ۶۰۷
زنی به‌نام شراب، ۶۲۳
زن یک‌شبه، ۶۵۳
زیبای پررو، ۴۹۳
زیبای جیب‌بر، ۶۲۳
زیبای خطرناک، ۵۰۹
زیر بازارچه، ۵۲۶، ۶۲۳
زیر گنبد کبود، ۵۵۰، ۵۶۱، ۶۳۲
ساحل انتظار، ۵۴۱، ۵۵۴، ۶۰۰
ساحل دور نیست، ۴۹۳
ساده لوح، ۵۰۲
سارق، ۴۹۳
سالار مردان، ۶۰۷، ۶۲۳
سایه، ۶۱۴
سایه‌های غم، ۶۴۳
سایهٔ خیال، ۶۴۴، ۶۵۹
سپنتا، ۶۴۴
ستارخان، ۵۲۰، ۵۴۸
ستارگان می‌درخشند، ۵۵۰، ۶۰۰، ۶۶۱
ستاره‌ای چشمک زد، ۵۱۳
ستاره و الماس، ۵۵۱
ستارهٔ صحرا، ۵۳۷
ستارهٔ هفت آسمون، ۵۲۲
سجادی حسینی، سید فرید، ۵۷۸
سرب، ۵۰۲، ۵۳۰، ۶۴۴
سرباز، ۶۲۳
سرباز کوچک، ۵۸۲
سربلند، ۵۰۰
سرخپوست‌ها، ۶۱۳، ۶۲۳
سردار جنگل، ۵۲۲
سر مازندران، ۵۶۱
سرنوشت، ۶۲۳
سرنوشت در را می‌کوبد، ۵۲۲
سعد و سعید، ۵۲۶
سفر جادویی، ۶۴۷
سفر سنگ، ۵۳۰
سفیر، ۵۷۰، ۶۲۳، ۶۴۳
سکوت، ۵۷۸
سکهٔ دورو، ۴۹۳، ۶۳۲
سکهٔ شانس، ۵۶۱، ۶۲۳
سلطان قلب‌ها، ۶۲۳
سمندر، ۵۷۳
سنجر، ۶۲۳
سند زنده، ۵۵۴، ۶۲۳
سنگ صبور، ۶۲۳
سوته‌دلان، ۵۴۶، ۵۴۸
سوغات فرنگ، ۵۵۰، ۶۳۷
سوگلی، ۶۰۰، ۶۴۳
سوگند سکوت، ۴۹۳، ۶۲۳
سهامداران جنایت، ۵۴۱
سه تا بزن بهادر، ۶۶۱
سه تا جاهل، ۶۶۱
سه تا نخاله، ۵۳۷، ۶۶۱
سه دیوانه، ۶۴۴
سهراب تا سهراب، ۵۰۲
سه قاپ، ۵۵۴
سه قهرمان، ۵۳۷
سه ماه تعطیلی، ۶۱۴
سه مرد عامی، ۵۴۶
سیاه‌بخت، ۶۲۳
سیل خوزستان، ۴۹۵
شاباجی خانم، ۱۸۶، ۵۲۰
شاخ گاو، ۶۴۴
شاخه‌های بید، ۵۰۲، ۶۴۳
شام آخر، ۶۱۳
شانس بزرگ، ۶۰۰، ۶۴۳
شاهراه زندگی، ۶۳۰
شاهین طوس، ۵۰۹
شب، ۵۶۰
شب‌شکن، ۴۹۶
شب عروسی، ۶۲۳
شب قوزی، ۶۴۴، ۶۶۶
شبگرد، ۵۵۱
شب‌نشینی در جهنم، ۵۱۳، ۶۶۱
شب‌های تهران، ۵۲۰
شتابزده، ۵۰۲
شرور، ۴۹۳
شعله‌های خشم، ۵۳۷
شکار انسان، ۶۲۳
شکار خانگی، ۵۱۳، ۵۲۰، ۵۶۱
شکار در شب، ۵۵۱
شکست‌ناپذیر، ۶۵۳
شکوفه‌های امید، ۴۹۳، ۶۰۰
شکوه جوانمردی، ۶۰۰
شکوه زندگی، ۵۵۹
شناسایی، ۵۲۲
شنگول و منگول، ۵۳۷
شورش، ۶۵۳
شوهر پاستوریزه، ۶۰۷
شهرآشوب، ۶۰۰
شهر آفتاب، ۵۰۹
شهر در دست بچه‌ها، ۶۵۹
شهر گناه، ۶۲۳
شیر سنگی، ۵۷۳، ۶۴۶
شیر فروش، ۵۰۹، ۶۰۰

شیرمرد، ۶۳۷
شیرین و فرهاد، ۵۶۱
شیطان سفید، ۴۹۳
شیطون بلا، ۶۰۷، ۶۴۳
شیلات، ۶۵۳
صدای پای نور، ۵۸۲
صد کیلو داماد، ۶۰۰، ۶۴۳
صعود، ۶۴۷
صفر علی، ۵۳۷
صمد آرتیست می‌شود، ۵۰۹، ۶۶۶
صمد به شهر می‌رود، ۶۶۶
صمد به مدرسه می‌رود، ۵۰۹، ۶۶۶
صمد خوشبخت می‌شود، ۵۰۹، ۶۶۶
صمد در راه اژدها، ۶۶۶
صمد و سامی و لیلا و لی‌لی، ۵۰۹، ۶۶۶
صمد و فولاد زره دیو، ۵۰۹، ۵۵۴، ۶۴۴، ۶۶۶
صمد و قالیچهٔ حضرت سلیمان، ۵۰۹، ۶۶۶
صیادان نمکزار، ۴۹۳
ضعیفه، ۶۲۳
طائل، ۵۵۱
طبیعت بیجان، ۶۲۲
طعمه، ۵۰۲
طغیان‌گر، ۴۹۳
طلای سفید، ۵۴۶
طلسم، ۵۷۳
طلسم شکسته، ۶۰۰، ۶۳۰
طلسم شیطان، ۶۴۳
طوفان زندگی، ۵۰۹
طوفان نوح، ۵۵۰، ۶۰۰
طوقی، ۵۴۸
ظالم بلا، ۶۰۰، ۶۳۷
عاصی، ۵۵۰
عبور از غبار، ۴۹۶، ۵۷۳، ۶۴۷
عروس حلبچه، ۵۷۳
عروس دجله، ۵۵۴، ۶۳۰، ۶۳۷
عروس دریا، ۵۵۴، ۵۶۱
عروس دهکده، ۶۰۰
عروس فراری، ۱۸۶، ۶۰۰
عروس فرنگی، ۵۴۶
عروسک پشت پرده، ۵۴۶، ۵۵۰، ۶۰۰، ۶۳۲
عروس کدومه، ۵۶۱
عروسک‌ها، ۶۴۷
عشق بزرگ، ۵۴۱، ۵۵۰
عشق قارون، ۶۶۱
عشق مادر، ۵۶۱
عشق و حماقت، ۵۰۹
عکاسان جنگ، ۶۱۲
علی بی غم، ۵۳۷
علی سورچی، ۶۶۱
علی واکسی، ۶۳۷
عمو نوروز، ۶۰۰
عموی سبزی‌فروش، ۵۳۷، ۶۲۳
غربتی‌ها، ۴۹۳، ۶۲۳
غروب بت‌پرستان، ۶۰۰
غروب عشق، ۵۰۹
غرور و تعصب، ۴۹۳
غریبه، ۶۱۳، ۶۲۳
غیرت، ۵۵۰
فاتح، ۵۷۱/۱
فتح خون، ۴۹۵
فتنه چکمه‌پوش، ۵۰۹
فرار، ۶۴۶، ۶۵۳
فرار از بهشت، ۵۲۲
فرار از تله، ۵۵۴، ۶۴۴
فرار از حقیقت، ۶۲۳
فراری، ۴۹۳، ۵۳۷
فراشباشی، ۶۲۳
فردا روشن است، ۶۰۷، ۶۶۶
فردای باشکوه، ۶۳۷
فرزند گمراه، ۵۱۳، ۵۲۲، ۶۰۰، ۶۱۴، ۶۳۷
فرمان‌خان، ۶۳۰
فریاد، ۶۴۶
فریاد انسان‌ها، ۴۹۳، ۶۶۱
فری دست قشنگه، ۵۵۰، ۶۲۳، ۶۴۳
قاتلین هم می‌گریند، ۵۲۲
قادر، ۴۹۳
قاصد بهشت، ۵۰۹، ۶۳۷
قدغن، ۶۱۳
قدیس، ۵۰۲
قربانی سوم، ۴۹۳
قربانی هوس، ۶۰۰
قربون خودم، ۶۳۲
قربون هر چی خوشگله، ۵۲۲، ۶۰۷، ۶۱۳
قرق، ۶۴۶
قزل ارسلان، ۶۳۷
قسمت، ۵۲۲، ۶۰۰
قصاص، ۵۵۴، ۶۰۷
قصر زرین، ۶۲۳
قصهٔ زندگی، ۵۰۲
قصهٔ شب، ۶۲۳
قطب مخوف، ۵۰۲
قفس طلایی، ۴۹۳
قلاب، ۵۶۱، ۶۲۳
قلب‌های طلایی، ۵۲۲
قلق، ۵۰۰
قلندر، ۵۴۸، ۵۵۴
قماربازِ، ۴۹۳، ۵۳۷، ۶۲۳
قمار زندگی، ۶۲۳
قوز بالاقوز، ۵۵۰
قوس و قزح، ۶۶۱
قهرمانان، ۵۶۱
قهرمان قهرمانان، ۶۰۰
قیامت عشق، ۶۱۴
قیصر، ۵۲۳، ۵۶۱
کابوس، ۴۹۳
کاروان‌ها، ۶۲۳
کاسب‌های محل، ۶۳۷
کاکل‌زری، ۶۰۷
کاکو، ۵۵۴، ۶۵۳
کبوتر، ۵۰۰
کسوف، ۵۶۰

کلام حق، ۶۰۷
کلاه مخملی، ۱۸۶
کلاه نمدی، ۴۹۳
کلبه‌ای آن سوی رودخانه، ۵۴۱، ۵۵۰
کلید، ۶۳۰
کلید بهشت، ۵۳۷
کمال‌الملک، ۵۲۲، ۵۴۸، ۵۵۱
کمربند زرین، ۶۳۷
کمین‌گاه شیطان، ۶۰۷، ۶۴۳
کنکاش، ۵۲۵
کنیز، ۶۲۳
کوچهٔ مردها، ۶۲۳
کوه زاد، ۵۲۲
کی به کیه، ۵۰۹، ۵۴۶
کینه، ۵۲۲، ۶۲۳
گال، ۵۲۲
گالان، ۶۴۴
گاو، ۱۷۷
گدایان تهران، ۵۲۲، ۶۰۰، ۶۲۳
گذر اکبر، ۵۶۱
گذشت، ۶۳۲
گراند سینما، ۵۰۹، ۵۵۱
گربهٔ وحشی، ۶۴۳
گرداب، ۵۲۲
گردباد، ۶۴۶
گردباد زندگی، ۶۰۷، ۶۲۳
گردش روزگار، ۴۹۳
گردن کلفت، ۴۹۳
گرگ صحرا، ۵۲۲، ۵۵۰، ۶۱۱
گرگ‌های گرسنه، ۶۰۷
گروگان، ۴۹۳
گروهبان، ۵۳۰
گریز از مرگ، ۴۹۳
گزارش، ۵۰۰
گل آقا، ۴۹۳
گلبهار، ۴۹۹
گل مریم، ۵۵۹
گل‌های گیلان، ۴۹۳
گلی در شوره‌زار، ۶۰۰
گناه زیبایی، ۴۹۳
گناهکار، ۵۳۷
گناه مادر، ۵۲۲
گنج قارون، ۵۵۰، ۶۰۰
گنج و رنج، ۶۳۲
گود مقدس، ۵۶۰
گور سفید، ۶۲۲
گوزن‌ها، ۶۱۳
گوهر شب چراغ، ۶۰۰
گوهر لکه‌دار، ۵۲۲
لات جوانمرد، ۶۳۲
لاشخورها، ۵۲۲
لاله آتشین، ۶۱۱
لباس برای عروسی، ۵۰۰
لبهٔ تیغ، ۴۹۳
لحظه‌ها (نقاشی متحرک)، ۶۵۴
لذت گناه، ۵۴۱، ۵۵۴، ۶۰۰
لوحه صفورا، ۵۷۳
لوطی عنتری، ۶۲۳
لیلاج، ۴۹۳
لیلی و مجنون، ۵۶۱
ما انقلاب کردیم، ۵۸۴
ماجرای زندگی، ۵۵۷، ۶۳۰
ماجرای شب ژانویه، ۶۰۰
ماجرای یک دزد، ۶۲۳
مادر، ۵۴۶، ۵۴۸، ۶۲۷
مادر جونم عاشق شده، ۶۴۳
مادر فداکار، ۵۳۷، ۶۳۷
مادموازل خاله، ۵۳۷، ۶۰۰، ۶۱۴
مادیان، ۵۷۳
مار، ۶۴۴
ماه مهربان، ۶۰۶/۱
ماهی، ۵۷۳
مبارزه با شیطان، ۵۲۲
مترسک، ۵۰۲
مجسمه‌سازی در ایران، ۵۶۰
مجنون، ۵۳۳
محبوب بچه‌ها، ۴۹۳
محکوم، ۶۳۲
محلل، ۵۵۰
مدرسه‌ای که می‌رفتیم، ۶۲۲
مدرسهٔ پیرمردها، ۵۷۳، ۵۷۸
مراد، ۶۶۱
مراد و لاله، ۶۲۳
مرجان، ۵۴۱
مرخصی اجباری، ۶۴۳
مرد اجاره‌یی، ۵۲۰
مردافکن، ۵۲۲، ۵۳۷
مردان خشن، ۶۶۶
مردان خلیج، ۶۰۷
مرد ده میلیون تومانی، ۵۳۷
مرد صحرا، ۴۹۳
مردم از خوشی، ۵۷۳
مرد میدان، ۶۰۷، ۶۳۷
مرد نامرئی، ۵۵۰
مردها و جاده‌ها، ۶۰۰
مردی از جنوب شهر، ۶۰۰
مردی که رنج می‌برد، ۵۴۱، ۵۶۱، ۵۶۱
مردی که زیاد می‌دانست، ۵۵۱
مردی که موش شد، ۵۵۴
مرفین، ۵۴۱
مرگ بر آمریکا، ۵۸۴
مرگ سفید، ۵۰۲
مرید حق، ۶۰۷، ۶۲۳
مزد خونین، ۴۹۳
مسافران مهتاب، ۶۴۶
مستأجر، ۵۰۲
مستشار جزیره، ۵۲۰
مسیر رودخانه، ۵۵۰
مشت، ۵۵۱
مشکی، ۴۹۳، ۶۲۳
مشهد شهر مقدس، ۶۴۴
مشهدی عباد، ۶۰۰
مطرب، ۶۴۳
معبر، ۵۸۲
معجزه، ۵۲۲، ۶۰۰، ۶۶۱
معجزه قلب‌ها، ۶۰۰

معرکه، ۵۵۰
معما، ۵۰۲
مقاومت، ۵۰۲
ملخ زدگان، ۵۰۲
ملک خاتون، ۵۵۹
من شوهر می‌خواهم، ۵۲۲، ۶۲۳
مواظب کلاهت باش، ۶۵۳
موج طوفان، ۵۰۲، ۶۰۶/۱
مو طلایی شهر ما، ۶۰۰، ۶۲۳
مومیایی، ۴۹۳، ۵۵۰
مویه کن جنوب، ۵۳۳
مهتاب خونین، ۵۲۲
مهدی مشکی و شلوارک داغ، ۶۰۷
می‌خواهم زنده بمانم، ۶۴۴
میرزا کوچک خان، ۵۲۲
میلیونر، ۵۱۳، ۶۱۱
میلیونر فراری، ۶۲۳
میلیونرهای گرسنه، ۶۴۳
میهمانی خصوصی، ۵۰۲، ۵۵۱
میهن‌پرست، ۶۰۰
نابغهٔ هفت ماهه، ۵۴۱، ۶۰۰
ناصرالدین شاه آکتور سینما، ۶۵۹
نامادری، ۶۲۳
نانجیب، ۵۶۱، ۶۲۳
نخل محبت، ۵۵۱
نردبان ترقی، ۵۳۷
نعرهٔ طوفان، ۴۹۳
نفرین، ۶۲۳
نقلعلی، ۶۳۷
نواب، ۶۲۳
نیرنگ دختران، ۵۲۲
نیم وجبی، ۵۲۲
وارث، ۵۸۲
واریتهٔ بهاری، ۶۰۰
والدهٔ آقا مصطفی، ۶۲۳
ورپریده، ۶۳۰، ۶۳۷
وقت دیگر، عشق من، ۵۶۰
ولگرد، ۵۱۳، ۵۱۴
ولگردان ساحل، ۴۹۳
ولگردها، ۵۲۲
ول معطلی، ۵۳۷، ۶۳۷، ۶۶۱
ولی افتاد مشکل‌ها، ۵۶۰
هارون و قارون، ۶۰۰، ۶۰۷
هاشم خان، ۵۶۰، ۶۴۳
هالو، ۵۰۹
هامون، ۵۸۰، ۶۴۴
هزار بار مردن، ۴۹۳، ۶۲۳
هفت شهر عشق، ۵۵۰، ۶۰۰، ۶۴۳
هفده روز به اعدام، ۶۱۴، ۶۶۱
همای سعادَت، ۶۲۳
همراهان، ۴۹۳
همسر مزاحم، ۵۲۰
هم‌قسم، ۵۲۹
همه سر حریف، ۴۹۳، ۵۲۲
همه گناهکاریم، ۵۲۰
هی جو، ۶۴۴، ۶۴۷
یعقوب لیث، ۵۰۹
یک پارچه آقا، ۶۰۰
یک جو غیرت، ۴۹۳
یک روز گرم، ۵۵۱
یک قطره دریا، ۵۸۲
یوسف و زلیخا، ۵۵۰
یوسف و زلیخا ــ نسخهٔ دوّم، ۶۰۰

۱۱. نمایهٔ مجموعه‌های تلویزیونی

آدم به آدم، ۵۰۹، ۵۲۰
آدم و حوا، ۶۴۳
آرایشگاه زیبا، ۵۲۹
آوای فاخته، ۵۵۱
ابن‌سینا، ۵۷۰
اختاپوس، ۵۰۹، ۵۲۰، ۶۳۷
امام علی (ع)، ۴۹۳
امیرکبیر، ۵۲۲
ایران در جنگ جهانی دوم، ۵۵۰
این خانه دور است، ۵۲۲، ۶۴۴
بادبان‌های برافراشته، ۶۵۵
بوعلی سینا، ۵۷۳
پائیز صحرا، ۶۶۶
پاکیزگی نشانهٔ ایمان است، ۴۹۴
پهلوانان، ۵۲۳، ۵۵۱
تاریخ قشم، ۶۴۶
تخت ابونصر، ۵۴۶
تلخ و شیرین، ۵۲۲
جهان پهلوان تختی، ۵۴۸
چنگک، ۶۴۳
حقیقت، ۴۹۵
خان گزیده‌ها، ۴۹۵
خسرو میرزای دوم، ۶۳۰
داش پالکی، ۵۵۱
دایی جان ناپلئون، ۶۱۳، ۶۲۷
دزدان مادربزرگ، ۵۵۱
دلیران تنگستان، ۵۰۰
روایت فتح، ۴۹۵، ۵۶۵، ۶۱۲
زورو، ۶۵۴
سایهٔ همسایه، ۵۰۹
سراب، ۶۱۲
سربداران، ۵۰۰، ۵۷۰، ۵۷۳
سر کار استوار، ۵۰۹، ۶۶۶
سفر بهاری، ۶۱۳
سلطان صاحبقران، ۵۲۰، ۵۴۸، ۶۱۳
سمک عیار، ۵۰۲
سوءتفاهم، ۶۴۴
شاه دزد، ۵۲۹
شتر و پنبه‌دانه، ۶۴۷
شش روز در ترکمن صحرا، ۴۹۵
شهر من شیراز، ۵۷۰
طالب، ۵۷۳
طبل توخالی، ۵۵۱
طلاق، ۵۲۲
غارتگران، ۴۹۳، ۵۲۲
قطعه‌ای از بهشت، ۵۶۵
کوچک جنگلی، ۵۲۲، ۶۶۶
کیمیاگر، ۵۵۱
گذر عمر، ۶۴۳
گنجینهٔ سبز، ۶۱۲
لبخند نوروزی، ۶۴۷
ماجراهای صمد، ۶۶۶
ماشاءالله پر شمشیر، ۵۲۲
مأمور ما صمد در ماجراهای بالاتر از خطر، ۵۰۹، ۶۶۶
مرد اول، ۵۴۶
مرغ حق، ۵۰۲
مستنطق، ۶۱۴
ملا نصرالدین، ۶۰۹
هزار برگ و هزار رنگ، ۶۴۷
هزار دستان، ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۷۳، ۶۴۷
هزار و یک شب، ۶۶۶
هشتمین سفر سندباد، ۶۶۶
همسایه‌های روبرو، ۶۴۷
همسران، ۶۴۴

استدراکات

گروه دین

۱ **آیت‌اللهی شیرازی، محمد باقر، آیت‌الله**
تولد ۱۲۸۲.
درگذشت ۱۳۵۸.
سید محمد باقر آیت‌اللهی شیرازی از فضلا و عالمان شیراز بود. از ایشان کتابی در کلام شیعه و اصول دین تحت عنوان: ***شناخت دین: مباحث بنیادین در اصول اعتقادات و معارف اسلامی*** (قم، ۱۳۶۵) بجا مانده است.

۲. **اردکانی یزدی، مرتضی، آیت‌الله**
درگذشت ۴ مهر ۱۳۷۵، اردکان.
آیت‌الله حاج شیخ مرتضی اردکانی از علمای شهر یزد بود و از جمله مفسران قرآن مجید محسوب می‌شد و حدود سی جلد کتاب در ابواب فقهی و اصول از خود به‌جای گذاشته است. پیکر وی پس از تشیع در قم، در بهشت شهیدان شهر اردکان به خاک سپرده شد.

۳. **اعرافی، آیت‌الله**
تولد ۱۳۲۸ ق.، شهیدیه میبد.
درگذشت ۱۳۷۱ (ربیع‌الاول ۱۴۱۳ ق.).
آیت‌الله اعرافی پس از فراگیری مقدمات در هفده سالگی به مشهد رفت و نزد ادیب نیشابوری به یادگیری ادبیات و تکمیل سطح اشتغال ورزید. در سال ۱۳۵۱ ق. به قم رفت و در محضر آیت‌الله العظمی حائری شرکت جست. وی از حضرات آیات عظام حائری، بروجردی، سیدابوالحسن اصفهانی، سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم، امام خمینی و نجفی مرعشی اجازهٔ اجتهاد، امور حسبیه و روایت دریافت داشته بود.

آیت‌الله اعرافی پس از وفات آیت‌الله حکیم، رسماً حضرت امام خمینی (ره) را به عنوان تنها مرجع تقلید معرفی نمود و با شروع انقلاب اسلامی ایران همراه با آیت‌الله صدوقی و آیت‌الله خاتمی به رهبری مبارزات مردم استان یزد پرداخت. او شخصاً در تظاهرات و راهپیماییهای مردم شرکت می‌جست و همواره پناهگاه مبارزان بود. از خدمات ایشان اقامه نماز جمعه در سالهای پیش از انقلاب، حفر قنوات و چاهها در روستاها، ساختمان مساجد و آب انبارها، مبارزه و طرد سلطهٔ خانها، مبارزه شدید با نفوذ بهائیت، تأسیس حوزهٔ علمیه در میبد، تدریس فقه و اصول و پرورش طلاب و فضلا، اقامهٔ جماعت و رهبری فکری مردم را می‌توان نام برد. رسالهٔ چهل حدیث (مطبوع) و نوشتارهای بسیار در تفسیر و اخلاق از آثار اوست.

۴. **ثقفی تهرانی، محمد، آیت‌الله**
تولد ۱۲۷۴.
درگذشت ۱۸ مرداد ۱۳۶۴، تهران.
آیت‌الله محمد ثقفی تهرانی صاحب اثر زیر است:

روان جاوید در تفسیر قرآن مجید (۱۳۵۸).

۵. **حسنی، سید باقر، حجت‌الاسلام**
درگذشت ۱۳۶۳.
حجت‌الاسلام سید باقر حسنی صاحب کتاب ***مقالاتی به زبان عربی در اقتصاد اسلامی*** (با همکاری عباس میرآخور) است که این کتاب توسط حسن گلریز در سال ۱۳۷۳ تحت نام ***روش اسلام در حل مسائل اقتصادی*** ترجمه و به چاپ رسیده است.

۶. **سعادت بهبهانی، سید محمد علی، حجت‌الاسلام**
تولد ۱۳۰۶، بهبهان
درگذشت ۱۳۷۶، بهبهان.
حجت‌الاسلام سید محمد علی سعادت بهبهانی امامت مسجد «الله» بهبهان را به عهد داشت. وی از شاگردان محضر آیات عظام خویی و شاهرودی و بسیاری از علمای طراز اول بود و پس از کسب تحصیلات دینی، در زاهدگاهش بهبهان به مسائل دینی مردم پرداخت. حجت‌الاسلام سید محمد علی سعادت در جوار شهیدان این شهرستان به خاک سپرده شد.

۷. **صافی، حسن، آیت‌الله**
درگذشت ۷ مهر ۱۳۷۴.
آیت‌الله حاج شیخ حسن صافی رئیس حوزه علمیه اصفهان بود. پیکرش در محل «مدرسهٔ صدر» بازار مرکز حوزهٔ علمیه اصفهان در کنار مرقد مطهر علامه مجلسی در مسجد جامع این شهر به خاک سپرده شده است.

۸. **طاهری، عبدالرحمن، ملا**
تولد ۱۳۰۴، سقز.
درگذشت ۳۱ فروردین ۱۳۵۸.
ملا عبدالرحمن طاهری مشهور به «ماموسا» از علمای اهل سنت بود.

۹. **فیاض، احمد، آیت‌الله**
تولد ۱۳۲۴ ق. در خمینی شهر اصفهان.
درگذشت ۱۳۶۶.
آیت‌الله حاج احمد فیاض از مدرسان حوزهٔ علمیهٔ اصفهان بوده است.

۱۱ قزوینی، محمد کاظم، آیت‌الله

تولد ۱۳۰۸.

درگذشت ۱۳۷۳.

آیت‌الله محمد کاظم قزوینی صاحب آثار زیر است: ***اسلام و تعلیمات تربیتی*** (ترجمه ذکرالله احمدی؛ قم، ۱۳۷۰)؛ ***الامام المهدی علیه السلام من المهد الی الظهور*** (بیروت، ۱۳۷۰)؛ ***الامام الهادی علیه السلام من المهد الی اللحد*** (قم، ۱۳۷۱)؛ ***عاشورا غمبارترین روز تاریخ*** (ترجمه و نگارش علیرضا کرمی، قم، ۱۳۷۴)؛ ***فاطمهٔ زهرا(ع) از ولادت تا شهادت*** (ترجمه حسین فریدونی، ۱۳۶۵؛ ۱۳۷۱)؛ ***موسوعه الامام الصادق علیه السلام*** (قم، ۱۳۷۲). همچنین در اولین بزرگداشت سالگرد رحلت آیت‌الله قزوینی، کتاب زیر از سوی ستاد مربوطه منتشر گردید: ***صفحاتی از زندگینامه آیت‌الله سید محمد کاظم قزوینی قدس سره*** (۱۳۷۴).

۱۲ میردامادی، بحرالعلوم، آیت‌الله

تولد ۱۳۰۵.

درگذشت ۱۳۶۹.

کتاب زیر در بارهٔ زندگی آیت‌الله بحرالعلوم میردامادی به‌چاپ رسیده است: ***یادنامه فقیه اهل بیت عالم ربانی عارف الهی آیةالله سید بحرالعلوم میرداماد، همراه با رساله سیر و سلوک معظم‌له*** (نوشته مصلح‌الدین مهدوی؛ به اهتمام محمود میردامادی؛ اصفهان، ۱۳۷۰).

۱۳. نجابت، حسن علی، حجت‌الاسلام

درگذشت بهمن ۱۳۶۷.

حجت‌الاسلام حسن علی نجابت زیر نظر علمای برجسته‌ای همچون آیت‌الله قاضی و آیت‌الله جواد همدانی به کسب علوم پرداخت و پس از آن نیز به تدریس در حوزهٔ علمیهٔ نجابت شیراز پرداخت.

گروه ادبیات

۱۴. **ارسباران (پورحسینی)، ناهید**
تولد ۱۲ مهر ۱۳۲۶.
درگذشت ۳ فروردین ۱۳۷۴، تهران.
ناهید ارسباران (پورحسینی) فرزند مولانا بود. وی سردبیر یکی از بخشهای خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران بود. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۱۵. **اسدی لاری، حسن**
تولد ۱۳۰۵، لار.
درگذشت ۲۸ فروردین ۱۳۶۸، تهران، هنگام ورود به کلاس درس دانشگاه.
حسن اسدی لاری از مؤسسان انجمن اسلامی معلمان و نیز زمانی معاون وزیر آموزش و پرورش بود. وی دارای درجهٔ دکترایِ ادبیات عرب از دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران بود.

۱۶. **اسکندری، محمد حسین**
درگذشت ۱۳۷۱.
دکتر محمد حسین اسکندری استاد رشتهٔ ادبیات بود که چندی در دانشگاه شیراز تدریس می‌کرد.

۱۷ **اسماعیل پوران، غلامرضا**
تولد ۱۳۲۵.
درگذشت ۱۳۵۸.
غلامرضا اسماعیل پوران متخلص به «هادی» بود. از او این مجموعه به یادگار مانده است: ***حماسه‌آفرینان کربلا*** (شعر مذهبی ترکی؛ تبریز، ۱۳۶۴).

۱۸. **اصفهانی، کاظم**
تولد کرمان.
درگذشت ۱۸ تیر ۱۳۶۷.
کاظم اصفهانی (خلیل) از بازماندگان استاد احمد بهمنیار در کرمان زاده شد. پس از تحصیلات حقوق به وکالت دادگستری پرداخت. شاعری ادیب و طنزپرداز بود.

۱۹. **امام جمعه، جلال‌الدین**
درگذشت آبان ۱۳۶۵.
جلال‌الدین امام جمعه محقق لهجه‌های خوزستان بود. از جمله آثار اوست: ***مثل‌های شوشتری و برخی زبانزدها*** (بنیاد نیشابور، ۱۳۶۳). این کتاب بخشی از «فرهنگ خوزی» است.

۲۰. **ایران‌پرست، نورالله**
تولد ۱۲۸۹، اصفهان.
درگذشت ۱۳۷۱.
نورالله ایران‌پرست مؤسس و مدیر کتابفروشی دانش و

صاحب امتیاز و ناشر مجلهٔ «دانش» (سه سال منتشر شد) فرزند مرحوم محمد علی داعی‌الاسلام در ۱۲۸۹ در اصفهان متولد شد. سال‌های نوجوانی را در هند گذرانید و تحصیل کرد. سپس به ایران آمد و کتابفروشی دانش را در خیابان سعدی ایجاد کرد. از جمله آثار او تصحیح ***گلستان سعدی*** است.

۲۱. بابا گیلک، هادی

تولد ۱۳۰۴، محلهٔ دباغان شهر قزوین.

درگذشت ۱۱ آبان ۱۳۷۲.

هادی بابا گیلک داستان‌نویس و مؤلف کتاب‌های ***خاطرات چهل سال بیسوادی*** و ***تابستان تفرقه زدگان*** (۱۳۶۶) بود.

۲۲. بابا مقدم، رضا

تولد ۱۲۹۲.

درگذشت ۳ مرداد ۱۳۶۶، آمریکا.

رضا بابا مقدم نویسندهٔ داستان‌های شیرین و زیبا در آمریکا درگذشت. اکثر داستان‌های او در مجلهٔ «سخن» چاپ شده بود. دو نوشته هم از او در مجلهٔ «آینده» به چاپ رسید. از جمله آثار او کتاب ***گره عشق*** (با همکاری مسعود شفیق و محمد حسن تبرائیان) است که مجموعه‌ای از آثار استاد رسام عرب‌زاده است که در موضوع قالی و قالیبافی است.

۲۳. پناه، عباس

تولد ۱۳۲۸.

درگذشت ۱۳۷۰.

از او این اثر به یادگار مانده است: ***بر شاخه زمان سیب رسیده‌ام*** (به کوشش شهرام محمدی ـ آذرخش؛ ۱۳۷۱).

۲۴. تویسرکانی، قاسم

درگذشت اردیبهشت ۱۳۷۲، تهران.

دکتر قاسم تویسرکانی فارغ‌التحصیل رشتهٔ دکترای ادبیات دانشگاه تهران بود و در همین دانشگاه تدریس می‌کرد. ***نامه‌های رشیدالدین وطواط*** به تصحیح او در سلسله انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است. کتاب دیگر او ***قواعد النحو و هی التدریس فی بعض الصفوف من کلیه المعقول و المنقول*** (۱۳۷۱) است.

۲۵. جوشقانی، حسین

تولد ۱۲۹۹.

درگذشت ۱۳۶۷.

حسین جوشقانی متخلص به «ری‌زاد» بود. از او این کتاب بر جای مانده است: ***عقیده شیعه و نهضت امام خمینی از میلاد تا قیام*** (منظوم؛ تهران، ۱۳۶۹).

۲۶. خاضع، اردشیر

تولد ۱۲۸۰، قریهٔ الله‌آباد رستاق یزد.

درگذشت ۱۳۶۶.

از آثار وی است: ***دیوان شعر*** (بمبئی، ۱۳۴۸ ق.؛ بمبئی، جلد دوم، ۱۳۳۵)؛ ***یزدگردنامه*** (شعر، بمبئی، ۱۳۳۱).

۲۷. خراسانی، احمد

درگذشت ۲۰ مرداد ۱۳۶۳.

سید احمد خراسانی از ادبای خراسان و استاد رشته‌های ادبیات فارسی و عربی بوده است.

۲۸. خطیبی، پرویز

تولد ۱۳۰۲.

درگذشت مرداد ۱۳۷۲، آمریکا.

پرویز خطیبی از فکاهی‌پردازان بود.

۲۹. خلخالی، بسیج
درگذشت دی ۱۳۷۴
بسیج خلخالی اهل شعر و شاعری بود و داستان هم می‌نوشت. از جمله کتاب‌هایش ***حماسهٔ هیزم شکن*** است. از آثار دیگر وی : ***آئین پرستار*** (تهران، ۱۳۳۰)؛ ***در چنگ اژدها*** (تهران، ۱۳۲۲)؛ ***منتخب اشعار بسیج*** (تهران ۱۳۲۲).

۳۰. خلیلی، محبوب
تولد ۱۳۰۸.
درگذشت ۱۳۶۵.
محبوب خلیلی به ترکی شعر می‌گفت. از آثار اوست: ***حدیقة البکاء*** (در احوالات چهارده معصوم علیهم السلام از مدایح و مصائب؛ اسلام‌شهر، ۱۳۶۳).

۳۱. دانشور علوی، فضل‌الله
تولد ۱۲۸۸.
درگذشت ۱۳۷۱.
فضل‌الله دانشور علوی متخلص به «فضل» بود. از آثار اوست: تألیف ***گلچین گلزار شعر و ادب*** (گردآورنده شهدآفرین دانشور علوی نعمتی؛ آلمان، ۱۳۷۳).

۳۲. داورزنی، ولی‌الله
تولد ۱۲۸۲.
درگذشت ۱۳۶۲.
ولی‌الله داورزنی متخلص به «صابر» بود. وی صاحب کتاب زیر در شعر فارسی است: ***داورزنی در پیشگاه داور*** (به کوشش محمدرضا داورزنی «داورکیا» و محمد تقی داورزنی «کیا»).

۳۳. زمانی آشتیانی، محمد ابراهیم
تولد ۱۲۹۴.
درگذشت ۱۳۶۸.
از آثار محمد ابراهیم زمانی آشتیانی می‌توان به این رمان‌ها اشاره کرد: ***آرزو*** (رمان تاریخی، چهار جلد؛ تهران، ۱۳۷۲)؛ ***اسرار دخمه شاپور*** (تهران، ۱۳۷۴)؛ ***بسوی روم: رمان تاریخی*** (سه جلد؛ تهران، ۱۳۷۲)؛ ***پنجه خونین*** (تهران، ۱۳۷۰)؛ ***پیک اجل*** (تهران، ۱۳۷۴)؛ ***خورشید تیسفون*** (سه جلد، تهران، ۱۳۷۰) ***عشق و انتقام: رمان تاریخی*** (تهران، ۱۳۷۰؛ ۱۳۷۱).

۳۴. ساکی، علی محمد
تولد ۱۳۱۶.
درگذشت خرداد ۱۳۷۳، تهران.
علی‌محمد ساکی نویسنده چندین جلد کتاب در باره فرهنگ و ادبیات لرستان است. از آثار اوست: ***سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام*** (تألیف فریا استارک، ۱۳۶۴)؛ ***قلاع حشاشین*** (پیتر ویلی، ۱۳۶۸)؛ ***کریم‌خان زند : تاریخ ایران بین سال‌های ۱۷۴۷ ــ ۱۷۷۹*** (جان ر. پری، ۱۳۶۵).علی‌محمد ساکی در سال ۱۳۷۳ درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

۳۵. سالور، سبکتکین
تولد ۱۳۰۲.
درگذشت ۸ نوامبر ۱۹۹۱ م. (۱۳۷۰)، کانادا.
سالور سبکتکین دورهٔ دبستان را در دبستان باغ فردوس تجریش و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان فیروز بهرام طی نمود. زندگی فرهنگی و ادبی سبکتکین سالور با نگارش مقاله‌هایی در مجلهٔ «صبا» آغاز شد. علاقه‌مندی به نگارش مقاله‌های تاریخی متناسب با ذوق عامه داشت و داستان‌پردازی تاریخی ماهر بود و کتاب‌هایی را به همین سبک و سیاق منتشر نمود. از آثار اوست: ***دلاوران بی‌شمشیر می‌جنگند*** (۱۳۷۲)؛ ***قلعهٔ قهرمانان تسخیرناپذیر است*** (۱۳۷۲)؛ ***مردی از جنوب*** (۱۳۷۲)؛ ***نسل شجاعان*** (۱۳۷۱).

۳۶ شاهی، علیرضا
تولد ۱۳۴۴.
درگذشت ۱۳۶۲.
از وی این مجموعه داستان به یادگار مانده است: ***مادرم آسمان من است*** (تهران، ۱۳۶۵؛ ۱۳۶۹).

۳۷ شجیعی، علی
تولد ۱۲۸۷.
درگذشت ۱۳۶۳.
علی شجیعی اهل شعر و شاعری است. ***چراغ راه: مجموعه اشعار علی شجیعی "مهجور"*** (به کوشش، تنظیم و بازنگری محمد شجیعی "مهجور"؛ تهران، ۱۳۷۳) از جمله آثار اوست.

۳۸ شریفی‌پور شیرازی، ابراهیم
تولد ۱۳۰۷.
درگذشت ۱۳۶۴.
از جمله آثار اوست: ***روح پیدای عشق*** (شیراز، ۱۳۶۲).

۳۹ شفق، قوام
تولد ۱۳۱۲.
درگذشت ۱۳۶۸.
از آثار اوست: ***آبگینه*** (با خط قوام شفق و عباس مستوفی الممالکی؛ شعر فارسی).

۴۰ شمشیری، احمد
تولد ۱۳۰۷.
درگذشت ۱۳۷۰.
از جمله آثار احمد شمشیری است: ***نوادر یا سفینه شمشیری شامل بهترین اشعار در مناقب و مصائب ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین*** (با تدوین و تصحیح و مقدمه مهدی آصفی؛ شعر مذهبی؛ تهران، ۱۳۷۳).

۴۱. علیزاده، غزاله
تولد ۱۳۲۷، مشهد.
درگذشت ۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۵، رامسر.
غزاله علیزاده فارغ‌التحصیل دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران بود. وی از سال ۱۳۵۵ به داستان‌نویسی روی آورد. از آثار اوست: ***بعد از تابستان*** (۱۳۵۵)؛ ***سفر ناگذشتنی*** (مجموعه سه قصه کوتاه، ۱۳۵۶)؛ ***دو منظره*** (قصه بلند، ۱۳۶۳)؛ رمان ***خانهٔ ادریسی‌ها*** (دو جلد، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱)؛ مجموعهٔ داستان ***چهارراه*** (۱۳۷۲)؛ «رؤیای خانه و کابوس زوال» (آدینه، ۱۳۷۵)؛ ***ملک آسیاب*** (آمادهٔ چاپ).
غزاله علیزاده در جنگل‌های جواهرده رامسر اقدام به خودکشی کرد. پیکر وی در امامزاده طاهر کرج به خاک سپرده شد.

۴۲. غضنفری امرایی، اسفندیار
تولد ۱۲۹۷، کوهدشت لرستان.
درگذشت اواخر فروردین ۱۳۷۲، خرم‌آباد.
اسفندیار غضنفری امرایی، شاعر، محقق، ادیب لرستانی پس از تحصیل، در خرم‌آباد رحل اقامت افکند اما به دلیل مبارزات سیاسی از سال ۱۳۲۲ الی ۱۳۵۷ غالباً در تبعید به سر برد. از اسفندیار غضنفری تحقیقات گوناگونی در بارهٔ شعر و ادب فارسی و لری بر جا مانده است.

۴۳. غفاری، ملا غفور
تولد ۱۳۰۶، سقز.
درگذشت ۲۹ مهر ۱۳۶۹، مهاباد.
ملا غفور غفاری مشهور به حافظ مهابادی اهل شعر و شاعری بود.

۴۴. غنی‌پور، حبیب
درگذشت ۱۳۶۵.

حبیب غنی‌پور نویسنده ادبیات کودکان بود. از آثار اوست: ***عمو سبدی*** (همراه با نقاشیهای اکبر نیکان‌پور، ۱۳۶۸)؛ ***گل خاکی*** (مجموعه داستان، ۱۳۶۸).

۴۵. فریدونی، عطاءالله

درگذشت ۸ تیر ۱۳۶۸.

دکتر عطاءالله فریدونی، شاعر شعرهای روان و ساده بود. فریدونی که پزشک بود و مقیم رشت، فعالیت هنری خود را پس از یک سکوت ممتد با نشریهٔ آغاز کرد. از فریدونی کتاب ***آوازهای جنگلی*** منتشر شده است.

۴۶. فکور، کریم

تولد ۱۳۰۴.

درگذشت ۷ شهریور ۱۳۷۵.

کریم فکور اهل شعر و آهنگسازی بود. مقالاتی را نیز ترجمه کرده است. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۴۷. قلیچ‌خانی، علی

تولد ۱۳۲۱.

درگذشت ۱۳۷۳.

از آثار اوست: ***بر بازوان باستانی فولاد: مجموعه اشعار سالهای ۵۰ تا ۷۰*** (گردآورنده سعید امیر اصلانی؛ تهران، ۱۳۷۵).

۴۸. لطفعلیان، ابوالقاسم

تولد ۱۲۹۷.

درگذشت ۱۳۷۰.

حاج ابوالقاسم فرزند لطفعلی ملقب به حاج لطفعلیان و متخلص به «لطف» دارای تحصیلات قدیمه بوده و گاه‌گاهی شعری می‌سرود.

۴۹. متصدی‌زاده زرندی، محمد علی

تولد ۱۳۰۳.

درگذشت ۱۳۷۳.

محمد علی متصدی‌زاده زرندی متخلص به «عبقری» بود. از او مجموعه شعری به نام ***مکتب پروانه*** (۱۳۷۴) به‌جا مانده است.

۵۰. مردوخی، شیخ عمادالدین

تولد ۱۲۹۷، روستای ده‌ژن، سنندج.

درگذشت آذر ۱۳۶۹.

شیخ عمادالدین مردوخی شاعر و تخلصش صبری بود.

۵۱. مستعان، حسینقلی

تولد ۱۲۸۳.

درگذشت ۱۳۶۳.

از آثار اوست: ترجمهٔ ***بینوایان*** (ویکتور هوگو، چاپ‌های متعدد)؛ ***رابعه: رمان تاریخی*** (دو جلد، تهران، ۱۳۶۹)؛ ***عشق مقدس*** (تهران، ۱۳۷۱).

۵۲. مستوفی، علی

تولد ۱۳۰۶، رشت.

درگذشت ۶۵ پاییز، ژنو.

علی مستوفی با نام قلمی احمد صادق فارغ‌التحصیل دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران است. پس از ساکن شدن در سوئیس، توانست در زمرهٔ نویسندگان «تریبون دو ژنو» وارد شود.

۵۳. مسّرت، عباس

تولد ۱۲۸۹.

درگذشت آبان ۱۳۵۹.

عباس مسّرت، فرزند علی حاج علی بمانی است. وی با نواب آقا حسین و محمد حسین ناصر (دو تن از شاعران یزد) دوست بود و گه‌گاهی شعری می‌سرود

ولی هیچ در پی گرد آوردن اشعارش نبود. وی مدت سی سال با شغل سردفتری اسناد رسمی در خدمت مردم گذرانید.

۵۴. **مطهری، سیاوش**
تولد ۱۳۲۰.
درگذشت فروردین ۱۳۶۹.
سیاوش مهطری تا درجهٔ دکتری تحصیل کرده بود. از وی اشعاری به یادگار مانده است.

۵۵ **مظلوم‌پور، جواد**
تولد ۱۲۹۰.
درگذشت ۱۳۷۰.
از آثار اوست: ***فیض الجواد فی رثاء المظلوم یا کاروان عشق*** (تهران، ۱۳۷۴).

۵۶. **معتمدی، علی**
درگذشت ۱۳۶۹.
علی معتمدی شاعر و استاد علوم پزشکی دانشگاه مشهد بود.

۵۷. **مفتی، عبدالله**
تولد ۱۳۱۳، سنندج.
درگذشت ۱۳۶۷، کرج.
عبدالله مفتی شاعر و تخلصش «رسته» بود.

۵۸. **ملکی یزدی، محمود**
تولد ۱۱ رمضان ۱۳۲۳ هـق. یزد.
درگذشت: ۲۸ آذر ۱۳۷۱ هش. (۱۴۱۳ هـق.)، تهران.
تخلص محمود ملکی یزدی «ملک» بود. وی دومین فرزند ذکور میرزا عبدالوهاب ملکی (ملک الاطباء) بودد که مدت چهل سال به امر تعلیم و تربیت اشتغال داشت و دارای طبع شعر بود.

۵۹. **مناهجی، محمد کاظم**
درگذشت ۷ دی ۱۳۷۰.
محمد کاظم مناهجی شاعر و عارف و ناهج قزوینی (منهاج‌العرفا خیرالحاج) بود.

۶۰. **مهران، علی اکبر**
تولد ۱۲۸۴.
درگذشت بهمن ۱۳۶۹.
علی اکبر مهران از فارغ‌التحصیلان دارالمعلمین عالی و از فرهنگیان بود و از سال ۱۳۱۰ به خدمت وزارت معارف در آمد. و سال‌هایی چند تصدی امور معارف خوزستان و مدرسهٔ علمیه و سپس ریاست فرهنگ تهران را بر عهده داشت. پس از آن مدت ده سال سرپرست دانشجویان در کشورهای سوییس و بلژیک بود. گاهی شعر می‌سرود و رمانی به نام ***عشق پروین*** نوشته است.

۶۱ **میرزایی کرمانی، حسن**
تولد ۱۲۹۰.
درگذشت ۱۳۶۸.
از آثار اوست: ***دیوان اشعار*** (با مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی؛ ۱۳۶۸).

۶۲. **نواب‌پور، رضا**
تولد مشهد.
درگذشت دی ۱۳۷۴، دورهام انگلستان.
رضا نواب‌پور دارای دکترای زبان‌شناسی از دانشگاه دورهام و استاد دانشگاه منچستر بود. در ***مزمزهٔ خاطرات*** (مجموعهٔ داستان، ۱۳۴۰) به انتقاد از خرافه‌پرستی پرداخت. از همکاران مجتبی مینوی در بنیاد شاهنامه بود؛ بیشتر آثار مکتوب وی به زبان

انگلیسی است.

۶۳. وحدت، اختر
تولد ۱۳۰۱، بجنورد.
درگذشت ۱۳۶۰.
اختر وحدت فرزند محمد، در خانواده‌ای اهل ادب تربیت یافت و همچون پدرش طبع روانی داشت. وی در زمرهٔ اولین زنانی بود که به استخدام ادارهٔ فرهنگ بجنورد در آمد. در سال ۱۳۳۹ به مشهد منتقل گردید. اهل شعر و شاعری بود.

۶۴ وحیدی، محمد حسین
تولد ۱۲۹۳.
درگذشت ۱۳۶۰.
از آثار محمد حسین وحیدی است: ***باغ و راغ: اندیشه‌ای یک پزشک*** (شعر و مقاله؛ ۱۳۶۳).

۶۵ وفایی اصفهانی، غلامحسین
تولد ۱۲۸۶.
درگذشت ۱۳۶۵.
غلامحسین وفایی اصفهانی اهل شعر و شاعری بود. از جمله آثار اوست: ***سیره انبیاء*** (منظوم؛ اصفهان، ۱۳۶۷)؛ ***گلچین باغ سخن: شامل قصائد، غزلیات، رباعی، دوبیتی اجتماعی، مذهبی، عرفانی به انضمام ولادت و شهادت و رحلت چهارده معصوم(ص)*** (دو جلد، ۱۳۶۵).

۶۶. هرندی، محمد
تولد ۱۳۰۲.
درگذشت ۱۳۶۵.
محمد هرندی متخلص به «هرندی» فرزند اکبر آقا به سرودن شعر می‌پرداخت. وی شعر زیادی گفته است ولی اشعارش پراکنده است و به چاپ نرسیده است. چند نمونه غزلیات وی در ***تذکره شعرای یزد*** آمده است.

۶۷. یزدان‌بخش، قهرمان
تولد ۱۲۹۵، تربت حیدریه.
درگذشت ۱ فروردین ۱۳۷۳، تهران.
نمایندهٔ قصیده‌سرایی به سبک خراسانی. نوادهٔ حسنعلی میرزا (شجاع السلطنه) فرزند شاعر پیشهٔ فتحعلیشاه قاجار بود. بیشتر به موضوعات سیاسی و اجتماعی می‌پرداخت. از آثار اوست: ***گزیده داستان‌های مثنوی*** (تهران، ۱۳۷۳؛ چاپهای مکرر).

۶۸. یزدی کاردان، عبدالرحیم
تولد ۱۲۷۴، یزد.
درگذشت ۱۳۶۳.
عبدالرحیم یزدی کاردان متخلص به «کاردان»، فرزند محمد ابراهیم، در مکتب حاجی ملا فرج‌الله هروی تعلم نموده است. شغلش امانتکاری و دارای قریحه‌ای نیک و طبعی روان بود. از وی دو غزل در تذکرهٔ شعرای یزد آمده است.

۶۹. یغمایی، پروانه
تولد ۱۳۰۸، خور.
درگذشت ۱۳۵۸.
پروانه یغمایی دختر حبیب یغمایی شاعر معروفست. او در سال ۱۳۰۸ در خور متولد شده. تحصیلات خود را در دانشسرای دخترانهٔ تهران به پایان برده و سپس به عنوان دبیر دبیرستان‌ها در شاهرود و تهران به تدریس مشغول گردید. مشارٌالیها علاوه بر شاعری، در نویسندگی نیز دست داشت.

۷۰. یغمایی، علی آقا
تولد ۱۲۹۰، خور بیابانک.

درگذشت ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۱، یزد.

حاج علی آقا یغمایی متخلّص به مجمر فرزند میرزا ابراهیم و پدر مرتضی یغمایی «شکیب» است که پس از پایان تحصیلات ابتدایی به مطالعهٔ احادیث و اخبار و اشعار و ادبیات پرداخت. وی شعر نیز سروده است.

گروه نظری

۷۱ ادیب، عباسعلی
تولد ۱۲۷۶.
درگذشت ۱۳۷۱.
از آثار اوست: ***وظایف الشیعه: شرح دعای ندبه*** (تهران، ۱۳۷۴)؛ ***هدیه العباد در شرح حال صاحب بن عباد*** (اصفهان، ۱۳۴۴).

۷۲ اسکندری، ایرج
تولد ۱۲۸۷.
درگذشت ۱۳۶۴.
از آثار اوست: ***خاطرات سیاسی*** (به‌کوشش علی دهباشی؛ تهران، ۱۳۶۸)؛ ***سرمایه (کاپیتال)*** (کارل مارکس؛ کُلن، ۱۳۶۷)؛ ***یادمانده‌ها و یادداشت‌های پراکنده ایرج اسکندری*** (به اهتمام بهرام چوبینه؛ ۱۳۶۵). بر این کتاب آخر نقدی تحت عنوان: ***نقدی بر کتاب یادمانده‌ها و یادداشت‌های پراکنده ایرج اسکندری*** (نوشته ملکی؛ ۱۳۶۷) نوشته شده است.

۷۳ اصغری، شکرالله
تولد ۱۳۱۴.
درگذشت ۱۳۶۳.
صاحب کتابی در دو مبحث فقهی حقوق جزا و قصاص: ***سیستم کیفری اسلام و پاسخ به شبهات*** (با پیشگفتاری از محمد اصغری؛ تهران، ۱۳۶۶).

۷۴ اظهری، محمدرضا
تولد ۱۳۰۱.
درگذشت ۱۳۷۲.
اهتمام در چاپ ***تذکرةالعلماء*** (نوشته محمد بن سلیمان تنکابنی؛ با همکاری غلامرضا پرنده؛ مشهد، ۱۳۷۲).

۷۵. افشار، حسن
درگذشت زمستان ۱۳۷۰.
دکتر حسن افشار استاد دانشکدهٔ حقوق و مدتی هم رییس آن دانشکده بود.

۷۶ امیری اراکی، جواد
درگذشت ۱۳۵۹.
از آثار اوست: ***با دانشمندان شیعه و مکتب آنها آشنا شویم*** (تألیف، قم، سه جلد).

۷۷ بامداد، بدرالملوک
تولد ۱۲۸۴.
درگذشت ۱۳۶۶.
از آثار اوست: کتاب‌های ***اخلاق*** برای دانش‌آموزان سال اول و دوم و سوم متوسطه (۱۳۰۹ـ۱۳۱۶)؛ ***تدبیر منزل و دستور بچه‌داری*** مخصوص محصلات دبیرستانهای نسوان و خانه‌داران جوان (تهران، ۱۳۱۴؛

۱۳۱۵)؛ ***خانه‌داری*** برای دوره‌های مختلف دبیرستانهای دختران (منتشر شده در سالهای متعدد)؛ ***راهنمای طباخی بهترین خوراکهای ایرانی و فرنگی*** (تهران، ۱۳۶۸)؛ ***روان‌شناسی یا معرفة النفس راجع به تعلیم و تربیت*** مخصوص محصلات دوره دوم مدارس متوسطه نسوان (تهران، ۱۳۱۱).

۷۸ **باهری، محمدرضا**
درگذشت ۱۳۷۱.
از آثار اوست: ***چه کسی می‌خواهد؟*** (تهران، ۱۳۷۲).

۷۹ **بدیع، امیر مهدی**
تولد ۱۲۹۴.
درگذشت ۱۳۷۳.
از آثار اوست: ***یونانیان و بربرها*** (به زبان فرانسوی؛ لوزان، ۱۳۴۷؛ این کتاب توسط احمد آرام ترجمه و یک بار در سال ۱۳۴۳ و بار دیگر در سال ۱۳۶۴ منتشر شده است)؛ ***هگل و مبادی اندیشه معاصر*** (تهران، ۱۳۶۳).

۸۰ **برزگر، فرامرز**
تولد ۱۳۰۹.
درگذشت ۱۳۷۵.
از آثار اوست: ***اختناق ایران*** (تألیف مورگان شوستر؛ ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری؛ تصحیح و مقدمه و حواشی و اسناد محرمانه منتشر نشده در ایران توسط فرامرز برزگر و اسماعیل رائین؛ تهران، ۱۳۶۸)؛ ***اسرار مرگ*** (موریس مترلینک؛ تهران، ۱۳۷۱)؛ ***دو هزار دانشمند در جستجوی خدای بزرگ*** (ریموند روایه؛ تهران، ۱۳۶۱)؛ ***سرگذشت کشتی اسنارگ = یک سرگذشت زیبا و پرماجرا از خود نویسنده*** (جک لندن؛ تهران، ۱۳۳۵)؛ ***سفرهای من: مشتمل بر زیباترین نوشته‌های هوگو در بارهٔ جهان و طبیعت*** (ویکتور هوگو؛ تهران، ۱۳۶۳)؛ ***ماجراجو*** (جک لندن؛ تهران، ۱۳۶۲).

۸۱ **بروجردی، امیر**
تولد ۱۳۱۴.
درگذشت ۱۳۷۱.
از آثار اوست: ***او را هرگز ندیدم*** (گردآورنده سودابه زحمتکش حاوی نامه‌ها و یادبودهای امیر بروجردی).

۸۲ **بهپور شیرازی، علی اکبر**
تولد ۱۲۷۳.
درگذشت ۱۳۶۰.
از آثار اوست: ***یادداشتهای پنکوفسکی: خاطرات یک افسر اطلاعاتی شوروی که به غرب پناهنده شده بود*** (به‌کوشش فردین بهپور؛ تهران، ۱۳۷۲).

۸۳. **بهشتیان، عباس**
درگذشت اوایل ۱۳۶۷.
عباس بهشتیان یکی از محققان آثار باستانی و هنر اصفهان و عضو انجمن آثار ملی بود. کتاب ***بخشی از گنجینهٔ آثار ملی اصفهان*** (۱۳۴۳) از وی به یادگار مانده است. وی همچنین برای «آگاهینامهٔ سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران» مقاله‌ای در بارهٔ معماران هنرمند اصفهان نوشته است.

۸۴. **بهمنش، احمد**
درگذشت ۱۳۷۱.
احمد بهمنش از تحصیل‌کردگان دارالفنون بود و جزو محصلان اعزامی به اروپا و فرانسه به تحصیل تاریخ پرداخت. پس از بازگشت چندی در دبیرستان‌ها درس می‌گفت تا اینکه به دانشگاه منتقل شد و در دانشکدهٔ ادبیات بیشتر تاریخ یونان و روم را بر عهده داشت. بهمنش چند کتاب در زمینه تدریس و مطالعات خود به

چاپ رسانیده است. از جمله آثار اوست: ***تاریخ اروپا در قرون وسطی و آغاز قرون جدید*** (مخصوص سال چهارم ادبی و دانشسراهای مقدماتی)؛ ***تاریخ جهانی*** (تألیف شارل دولاندلن، ۱۳۴۷)؛ ***تاریخ یونان باستان***؛ ***فرهنگ اساطیر یونان و رم*** (پیر گریمال ۱۳۶۷).

۸۵. پیروزی، محمد باقر
تولد ۱۳۰۲.
درگذشت ۱۳۶۰.
از آثار اوست: ترجمه ***بینوایان*** (ویکتور هوگو؛ تهران، ۱۳۶۸)

۸۶. پیرهاشمی، تیمور
تولد ۱۲۹۹.
درگذشت ۱۳۶۶.
از آثار اوست: ***آذری دیلی نین گرامری ــ دستور زبان ترکی آذری، فارسی ــ ترکی آذربایجانی*** (تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۸).

۸۷. تابنده گنابادی، سلطان حسین
تولد ۱۲۹۳.
درگذشت ۱۳۷۱.
از آثار اوست: مقدمه ***رسائل جامع عارف قرن پنجم هجری قمری خواجه عبدالله انصاری هروی*** (تهران، ۱۳۶۸)؛ مقدمه و شرح ***رسائل جامع عارف قرن چهارم هجری خواجه عبدالله انصاری*** (به تصحیح و مقابله وحید دستگردی؛ تهران، ۱۳۶۵)؛ کتابی در ترجمه و شرح آیةالکرسی و آیات خواتیم سوره بقره و آیه نور تحت عنوان ***سه گوهر تابناک از دریای پرفیض کلام الهی*** (تألیف؛ تهران، ۱۳۶۵)؛ ***قرآن مجید و سه داستان اسرارآمیز عرفانی (تهران، ۱۳۶۵)***؛ ***نیاز تجلی ــ دعای ابوحمزه ثمالی*** (نثر فارسی از سلطانحسین تابنده‌گنابادی، نظم از تجلی سبزواری؛ تهران، ۱۳۶۲)؛ ***تجلی حقیقت در اسرار فاجعه کربلا*** (تهران، ۱۳۷۲)؛ ***ده سخنرانی*** (از سخنرانیهای سلطانحسین تابنده گنابادی رضا علیشاه؛ تهران، ۱۳۶۲)؛ ***رساله التاریخ المختصر فی احوال المعصومین الاربعه عشر علیهم السلام*** (به اهتمام محمد حسین خبره فرشچی؛ تهران، ۱۳۶۴)؛ ***رساله رفع شبهات*** (۱۳۳۷). علی تابنده کتابی در بارهٔ ایشان تحت عنوان زیر نوشته است: ***خورشید تابنده: شرح احوال و آثار عالم ربانی و عارف صمدانی حضرت آقای حاج حسین سلطانحسین تابنده گنابادی*** (تهران، ۱۳۷۳).

۸۸. تقدس، علیرضا
درگذشت ۱۳۶۱.
از آثار اوست: ***الله الخالق = آفریدگار یکتا*** (تألیف عبدالحلیم خضره؛ تهران، ۱۳۶۷)؛ تألیف ***دنیای ناشناخته نیایش: نگرشی بر نیایش امام سجاد سید الساجدین (ع)*** (تهران، ۱۳۶۶)؛ ترجمه ***قدس، رؤیای ما: نقاشی‌ها و نوشته‌های کودکان فلسطین*** (تهران، ۱۳۶۴).

۸۹. تقوی، عبد محمد
تولد ۱۳۴۲.
درگذشت ۱۳۶۴.
از آثار اوست: ***زندگی در پرتو اخلاق: ذکر الله*** (قم، جامعه مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، ۱۳۷۳).

۹۰. تمیمی عرب، محمد
تولد ۱۳۱۳.
درگذشت ۱۳۶۱.
از آثار اوست: ترجمه ***شریان‌های باز آمریکای لاتین*** (ادواردو گالئانو؛ تهران، ۱۳۶۸)

۹۱. توسلی، مریم
تولد ۱۳۴۳.
درگذشت ۱۳۶۳.
از آثار اوست: ***برداشتی از انشراح، انفطار و الرحمن*** (مشهد، ۱۳۶۴).

۹۲. جاویدان، اسماعیل
تولد ۱۳۲۲.
درگذشت ۱۳۷۰.
از آثار اوست: ***بررسی زبان: مبحثی در زبانشناسی همگانی*** (جورج یول؛ مترجمان اسماعیل جاویدان و حسین وثوقی؛ تهران، ۱۳۷۰).

۹۳. جاویدان، محسن
تولد ۱۳۰۹.
درگذشت مهر ۱۳۷۱.
تألیف و ترجمه کتاب ***تاریخ اختراعات*** (از اختراع چرخ تا مغز الکتریکی، ۱۳۶۷) و ***تاریخ پزشکی ایران*** (تألیف الگود) و چند کتاب در زمینه‌های علمی و پزشکی از جمله آثار اوست. او مدتی با مجلهٔ «شکار و طبیعت» و مدتی هم با مجلهٔ «سخن علمی» همکاری داشت.

۹۴. جذبی اصفهانی، هبةالدین
تولد ۱۲۷۴.
درگذشت ۱۳۶۴.
رساله در باب ولایت و راه هدایت (تألیف، ۱۳۷۲)؛ ***کتاب توضیح شرح فارسی بر کلمات قصار بابا طاهر عریان*** تألیف ملا سلطانمحمد سلطانعلی‌شاه گنابادی (تهران، ۱۳۴۴).

۹۵. جزایری، غیاث‌الدین
درگذشت ۱۳۶۳.
از آثار اوست: ***شناخت خوراکیها*** (تهران، ۱۳۷۳)؛ ***زبان خوراکیها*** (تهران، ۱۳۵۱؛ ۱۳۵۶)؛ ***درمان گیاهی*** (تهران، چاپهای متعدد)؛ ***خودشناسی، یا، اسرار خوراکیها*** (تهران، ۱۳۵۲)؛ ***خواب، خوراک و تنفس*** (تهران، ۱۳۷۰)؛ ***اعجاز خوراکیها*** (تهران، ۱۳۶۲).

۹۶. جمال‌پور، بهرام
تولد ۱۳۱۹.
درگذشت ۱۳۶۷.
از وی کتابی در باب فلسفه و تاریخ تحت عنوان ***انسان و هستی*** (تهران، ۱۳۷۱) به جای مانده است.

۹۷. حسینی طهرانی، محمد حسین
تولد ۱۳۰۵.
درگذشت ۱۳۷۴.
از آثار اوست: ***امام‌شناسی: بحث‌های تفسیری، فلسفی، روانی*** (تهران، ۱۳۶۲)؛ ***ترجمه رساله بدیعه در تفسیر آیه الرجال قوامون علی النساء*** (ترجمه توسط چند تن از فضلاء؛ تهران، ۱۳۶۳)؛ ***داستان‌های عبرت‌انگیز*** (جمع‌آوری و تنظیم مهدی شمس‌الدین؛ قم، ۱۳۷۳)؛ ***رساله بدیعه فی تفسیر آیهٔ الرجال قوامون علی النساء*** (تهران، ۱۳۶۰؛ ۱۳۶۶)؛ ***رساله حول مسئله رویه الهلال: موسوعه علمیهٔ فقهیه فی لزوم اشتراک...*** (۱۳۷۱)؛ مقدمه و شرح ***رساله سیر و سلوک*** (منسوب به بحرالعلوم مهدی بن مرتضی الطباطبائی نجفی؛ تهران، ۱۳۷۲)؛ ***روح مجرد: یادنامه موحد عظیم شأن و عارف کبیر حاج سید هاشم موسوی حداد*** (تهران، ۱۳۷۳)؛ مقدمه و تذییل ***هدیه غدیریه: دو نامه سیاه و سپید*** (تألیف محمد رفیع بن عبدالواحد طبسی؛ مشهد، ۱۳۷۴)؛ ***رساله***

نوین در بارهٔ بناء اسلام، سال و ماه قمری و تفسیر آیهٔ ان عده الشهور عند الله اثنا عشر شهدا فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض منها اربعه حرم ذلک الدین القیم: بحث تفسیری، روائی، فقهی و تاریخی (تهران؛ ۱۳۶۴)؛ *رساله فکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین* (تهران، ۱۳۷۳)؛ *رساله لب اللباب در سیر و السلوک اولی الالباب* (تهران، ۱۳۶۶)؛ *مکاتیب حکمی و عرفانی میان آیتین علمین: حضرت آیه الحق و التوحید حاج سید احمد کربلائی و حضرت آشیخ المحقق حاج شیخ محمد حسین اصفهانی...* (تهران، ۱۳۷۳)؛ *معادشناسی* (تهران، ۱۳۶۱)؛ *لمعات الحسین: برخی از کلمات و مواعظ و خطب حضرت سید الشهداء ابی عبدالله الحسین (ع)* (تهران، ۱۳۷۱)؛ *ولایت فقیه در حکومت اسلامی* (از منشات محمد حسین حسینی طهرانی؛ تنظیم و گردآوری از محسن سعیدیان و محمد حسین راجی؛ تهران، ۱۳۷۳)؛ *نور ملکوت قرآن* (مشهد، ۱۳۶۸)؛ *نگرشی بر مقاله بسط و قبض تئوریک شریعت دکتر عبدالکریم سروش* (تهران، ۱۳۷۴)؛ *مهر تابان: یادنامه و مصاحبات تلمیذ و علامه محمد حسین طباطبایی تبریزی* (تهران، ۱۳۷۵).

۹۸. **حسینی فیروزآبادی، مرتضی**
تولد ۱۲۸۹.
درگذشت ۱۳۶۸.
مرتضی سید محمد حسینی فیروزآبادی نجفی صاحب کتب زیر است: *السبعه من السلف: ابوبکر، عمر،...*(قم، ۱۳۷۱)؛ *شناسایی هفت تن در صدر اسلام* (ترجمه کتاب *السبعه من السلف...*؛ مترجم عباس راسخی نجفی؛ قم، ۱۳۷۳)؛ *عنایة الاصول فی شرح کفایة الاصول* [آخوند خراسانی] (قم)؛ *فضائل الخمسه من الصحاح السنه و غیرها من الکتب المعتبره عند اهل السنه و الجماعه* (قم، ۱۳۷۲)؛ *فضائل پنج تن (ع) در صحاح ششگانه اهل سنت* (ترجمهٔ کتاب *فضائل الخمسه...* (ترجمه محمد باقر ساعدی؛ قم، ۱۳۷۴).

۹۹. **دلیل‌التجاری، حسن**
استاد دانشگاه
درگذشت آذر ۱۳۷۰.
حسن دلیل‌التجاری دارای درجهٔ علمی دکتری و استادی دانشگاه اصفهان بوده است.

۱۰۰. **رزبانی، نامدار**
تولد ۱۲۸۰ (۱۳۲۱ ق.)، جاجرم.
درگذشت ۱۳۵۹.
نامدار رزبانی از معلمان برجستهٔ بجنورد، علوم قدیمه را در نزد پدرش «احمد» که منشی سردار مفخم بود، فرا گرفت و علوم جدید را از معلمان خصوصی فرزندان سردار آموخت. و از دوازده سالگی معلمی را آغاز کرد و قریب ۵۰ سال به تدریس ریاضیات، تاریخ، جغرافیا و قرآن در شهرستان بجنورد پرداخت. او مدرسه‌ای را در جاجرم بنیان گذاشت و مدت‌ها معلم دبستان همت بود و تا سال ۱۳۴۱ به عنوان «نمایندگی فرهنگ» در بخش‌های مختلف بجنورد خدمت کرد.

۱۰۱. **رهین، عظیم**
تولد ۱۳۱۷.
درگذشت ۲۷ آبان ۱۳۷۴، تهران.
استاد دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه علامهٔ طباطبایی و پژوهشگر علوم اجتماعی بود. دکترای جامعه‌شناسی خود را از دانشگاه اسکس (انگلستان) دریافت کرد.

۱۰۲. **زال‌زاده، امیر ابراهیم**
تولد اسفند ۱۳۲۵.

درگذشت اسفند ۱۳۷۵.
امیر ابراهیم زال‌زاده فرزند جلیل به روزنامه‌نگاری و نویسندگی می‌پرداخت. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۱۰۳. **زندیه، عبدالله**
استاد دانشگاه
درگذشت ۱۳۷۳
دکتر عبدالله زندیه استادیار و مدیر دانشکدهٔ علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران بود.

۱۰۴. **سناجیان، حسن**
تولد ۱۲۹۹.
درگذشت ۱۳۷۱.
از آثار اوست: ترجمهٔ کتاب ***آیین دوستیابی در اسلام*** (اثر محمد الحیدری؛ ویراستار حسین الهی قمشه‌ای؛ تهران، ۱۳۷۳).

۱۰۵. **سوداگر، محمدرضا**
محقق، نویسنده، مترجم
تولد ۱۳۱۲.
درگذشت ۴ تیر ۱۳۶۸.
محمدرضا سوداگر در علوم اجتماعی و اقتصاد تحصیل کرده است. از آثار اوست: ***رشد روابط سرمایه‌داری در ایران: مرحله گسترش ۵۷ـ۱۳۴۲*** (تألیف، ۱۳۶۹).

۱۰۶. **سیفائی، عبدالغفار**
تولد ۱۲۹۶.
درگذشت ۱۳۶۶.
از آثار اوست: ***ضرب‌المثل‌های محلی "اوز" فارس*** (۱۳۶۸).

۱۰۷. **شاه‌رکنی، سید احمد**
تولد ۳ تیر ۱۳۲۳.
درگذشت ۸ اسفند ۱۳۷۵.
سید احمد شاه‌رکنی فرزند سید عبدالحسین است. از آثار اوست: ***تئوری حمایت*** (دبلیو ام. کوردن، ۱۳۷۱).
پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۱۰۸. **شایان، رضا**
تولد ۱۳۰۲، آمل.
درگذشت ۲۶ مهر ۱۳۶۸.
رضا شایان (مازندرانی الاصل، فرزند عباس شایان که از آزادی‌خواهان و از اعضای حزب سوسیال دموکرات سلیمان میرزا اسکندری و آخرین سمت‌شان در دستگاه دولت معاونت اداره کل آمار و ثبت احوال کشور بود) لیسانسیهٔ حقوق بود. در وزارت کار تا مدیریت کل اداره کار استان مازندران پیش رفت. از هواداران دکتر مصدق و جبهه ملی بود و وارد مبارزات ملی شدن نفت شد. به نیروی سوم گروید و از یاران خلیل ملکی و پیروان او بود. پیش از انقلاب در فعالیت‌های سیاسی مخفی دست داشت و عضو کمیتهٔ مرکزی جامعهٔ سوسیالیست‌های ایران (وابسته به نهضت ملی) گردید و همراه با خلیل ملکی دستگیر و محاکمه و زندانی شد. با حسین سرشار و جمعی دیگر، از اعضای شورای جبهه ملی بود. اهل ذوق و ادب و شعر و به‌خصوص موسیقی ایرانی بود. سال‌ها برای تدوین فرهنگ مازندرانی صرف وقت کرد (هنوز به چاپ نرسیده است). پس از استخلاص از زندان تا هنگام فوت به وکالت دادگستری اشتغال داشت. وی بر اثر سکتهٔ قلبی درگذشت.

۱۰۹. **شایان، عباس**
تولد ۱۲۷۶، آمل.

درگذشت ۱ آبان ۱۳۶۴.
مؤلف دو جلد کتاب ***مازندران*** (چاپ دوم ۱۳۳۶) و مصحح کتاب ***تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*** تألیف سید ظهیرالدین مرعشی (چاپ تهران بهمن ۱۳۳۳).

۱۱۰. **شریعت، محمدجواد**
تولد ۱۳۱۵.
درگذشت ۱۳۷۵.
از آثار اوست: ***کتاب املا*** (اصفهان، ۱۳۴۷ ــ ۱۳۴۹، ۲ج)؛ ***پاسخ تمرین‌های مبادی العربیه یا کاملترین صرف و نحو عربی*** (رشید شرتونی، ۱۳۷۲)؛ ***پروین ستارهٔ آسمان ادب ایران*** (اصفهان، ۱۳۶۶)؛ ***ترجمه و راهنمای مبادی العربیه*** (رشید شرتونی، اصفهان)؛ ***جواهر الاسرار و زواهر الانوار: شرح مثنوی مولوی*** (کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی، اصفهان)؛ ***دستور زبان فارسی*** (ویرایش سه، ۱۳۶۴)؛ ***دیوان ابومنصور محمد بن احمد دقیقی طوسی به انضمام فرهنگ بسامدی آن*** (تهران، ۱۳۶۸)؛ ***زمینه بحث در بارهٔ آیین نگارش*** (چاپ‌های متعدد، ۱۳۶۴)؛ ***سخنان پیر هرات*** (عبدالله انصاری، به کوشش شریعت، ۱۳۶۵)؛ ***گزیده تفسیر کشف الاسرار*** (ابوالفضل رشیدالدین میبدی، به اهتمام)؛ ***متن و ترجمه کتاب تعرف*** (ابوبکر محمد بن ابراهیم کلابادی، ۱۳۷۱)؛ ***نهج‌البلاغه، سخنان امیرالمؤمنین علی (ع)*** (تألیف شریف رضی، ۱۳۷۴).

۱۱۱. **شفایی، علی**
درگذشت ۱۳ دی ۱۳۶۹.
دکتر علی شفایی رییس دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد بود.

۱۱۲. **شفیعی بوکانی، ابوبکر**
تولد ۱۳۰۵.
درگذشت ۱۳۶۳.
از آثار اوست: ***کتاب یکصد و چهار پاسخ به سئوالهای دینی*** (مهاباد، ۱۳۶۴).

۱۱۳. **شهریار نقوی، سید حیدر**
تولد ۱۳۰۳، هند.
درگذشت مرداد ۱۳۵۹.
دکتر سید حیدر شهریار نقوی دوران زندگی خود را در پاکستان و ایران گذراند. نامبرده دارای مدرک فوق لیسانس زبان و ادبیات اردو از دانشکدهٔ پنجاب بود و در سال ۱۳۳۴ از دانشگاه تهران موفق به اخذ درجهٔ دکتری در زبان و ادبیات فارسی شد. بعدها به دانشگاه اصفهان راه یافت و رشتهٔ زبان اردو را در این دانشگاه تأسیس کرد و خود سرپرست آن گردید. وی به زبان و ادبیات فارسی علاقه بسیار داشت و کار عمده تحقیقات او در چگونگی روابط فرهنگی ایران و شبه قاره هند بود. او در باره فضلا و دانشمندان فارسی زبان هند تحقیق بسیار کرده بود و مقالات او بیشتر در مجلات «هنر و مردم»، «بررسی‌های تاریخی» و مجلات ادبی هند و پاکستان چاپ شده است. کتاب ***فرهنگ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان*** (۱۳۴۱) از جمله آثار اوست.

۱۱۴. **شیخ‌الاسلام کردستان، محمد**
درگذشت ۱۳۷۳.
دکتر محمد شیخ الاسلام کردستان استاد دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران بود.

۱۱۵. **شیرازی، ابن یوسف**
تولد ۱۳۲۳ ق.، شیراز.
درگذشت ۱۳۶۶.
ابن یوسف شیرازی تحصیلات سنتی قدیمی را در

شیراز و سپس در اصفهان و قم و مشهد و تهران دیده بود و درجهٔ لیسانس دانشکدهٔ معقول و منقول را هم دریافت کرد و در مدرسه‌های سپهسالار و مروی درس می‌گفت. از آثار اوست: ***فهرست کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپهسالار*** (جلد دوم، ۱۳۱۵ و ۱۳۱۸)؛ ***فهرست کتابخانهٔ مجلس شورای ملی*** (جلد سوم، ۱۳۲۱ ق.)؛ ***نهج‌البلاغه چیست*** (ترجمه و نوشته هبةالدین شهرستانی، ۱۳۱۶)؛ مقاله «صدرالدین شیرازی» ترجمهٔ نوشتهٔ ابوعبدالله زنجانی ــ که در روزنامهٔ «ایران» منتشر شد. ابن‌یوسف شرازی از پیشروان فن فهرست‌نویسی است.

۱۱۶. صادقپور وجدی، عباسقلی
تولد ۱۳۱۵ ق.، تبریز.
درگذشت ۱۳۶۱، تبریز.
عباسقلی صادقپور وجدی مشهور به واعظ چرندابی از فضلای تبریز است.

۱۱۷. صالحی، محمد صالح
درگذشت ۱۳۷۳.
دکتر محمد صالح صالحی استادیار بازنشسته دانشکدهٔ ادبیات و علوم دانشگاه تهران و رییس مؤسسه باستان‌شناسی بود.

۱۱۸. صدیق، حسن
تولد ۱۲۹۷.
درگذشت زمستان ۱۳۶۳، اراک.
حاصل کوشش‌های حسن صدیق یک رشته مقالات در بارهٔ کرج و اراک و کتاب مفصلی است که خود آن را «هزار چهرهٔ نامی اراک» می‌نامید و متأسفانه مرگ فرصت نداد تا هیچ یک از کارهای خود را به طبع برساند.

۱۱۹. صراف، مرتضی
تولد ۱۳۱۶، اصفهان.
درگذشت شهریور ۱۳۶۸.
مرتضی صراف از مدرسان دانشگاهی بود. از کارهای او انتشار مجلهٔ «ویسمن» (به مدت یک سال) بود. دیگر «رسائل مشتمل بر هفت فتوت‌نامه» که با مقدمه‌ای از هانری کربن به فرانسه در سال ۱۳۵۲ به چاپ رسید. صراف در تاریخ فتوت و جوانمردی پژوهش‌هایی کرده بود. وی همچنین گاهی شعر می‌سرود. چندی در دانشگاه اوترخت (در هلند) و چهار سال در دانشگاه داکا (بنگلادش) تدریس می‌کرد.

۱۲۰. صفاری، رحیم
تولد ۱۲۹۶، رشت.
درگذشت آبان ۱۳۶۹، تهران.
رحیم صفاری مدرسهٔ کالج آمریکایی را گذرانیده بود و چندی در امور سیاسی و اجتماعی با جنبه‌های ملی فعالیت داشت. از نوشته‌های چاپ شدهٔ او ترجمهٔ ***بدبختی روشنفکران*** اثر اشتفان زوایک است (تهران، ۱۳۲۸). چند نوشته رسالهٔ سیاسی هم منتشر کرده است.

۱۲۱. صولت قشقایی، محمد ناصر
تولد ۱۲۷۸.
درگذشت ۱۳۶۲.
از آثار اوست: ***سالهای بحران: خاطرات روزانه محمد ناصر صولت قشقایی از فروردین ۱۳۲۹ تا آذر ۱۳۳۲*** (به تصحیح نصرالله حدادی).

۱۲۲. صیرفی، خلیل
تولد ۱۳۰۹.
درگذشت ۱۳۶۷.
از آثار اوست: ***تألیف نور: راز کائنات*** (ترجمه ناصر

شیلاتی؛ تهران، ۱۳۷۳). عنوان این کتاب به انگلیسی (Light, the mystery of the universe).

۱۲۳. **عبداللهی، حمید**
تولد ۱۴ شهریور ۱۳۲۹.
درگذشت ۹ اردیبهشت ۱۳۷۴، تهران.
حمید عبداللهی نویسنده و خبرنگار بود و در خبرگزاری جمهوری اسلامی به کار مشغول بود. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۱۲۴. **عزالممالک اردلان، امان‌الله**
درگذشت ۱۳۶۶.
امان‌الله عزالممالک اردلان از معمرین رجال ــ که عمرش ظاهراً از صد گذشته بود ــ در سال ۱۳۶۶ درگذشت. چند بار وزیر و وکیل مجلس شد. در «مهاجرت» از پیشگامان بود و در دولت نظام‌السلطنه که در کرمانشاه تشکیل شد وزیر مالیه شد. خاطراتش در بارهٔ آن جریان را به نام ***اولین قیام مقدس ملی*** (۱۳۳۲) به چاپ رسانید. در سالنامهٔ «دنیا» از وی مقاله‌های بسیاری درج شده است.

۱۲۵. **عزیزی، محسن**
تولد ۱۲۸۴.
درگذشت ۱۳۷۲.
محسن عزیزی فارغ‌التحصیل دانشگاه پاریس بود و پایان‌نامهٔ وی ***تاریخ ایران و حکومت اعراب و جنبش‌های ملی*** نام داشت. آثار وی عبارتند از: ***جغرافیای اقتصادی عمومی*** سال اول دبیرستان آموزش خدمات اداری و بازرگانی (تهران، ۱۳۵۶)؛ ***جغرافیای اقتصادی عمومی*** سال اول دبیرستان آموزش فنون بازرگانی و حرفه‌ای اداری و بازرگانی (تهران، ۱۳۵۹؛ ۱۳۶۰)؛ ***جغرافیای اقتصادی عمومی*** سال دوم آموزش متوسطه عمومی اقتصاد اجتماعی ــ فرهنگ و ادب (تهران، ۱۳۵۶؛ ۱۳۵۷؛ ۱۳۵۹)؛ ***محیط‌شناسی با تکیه بر جغرافی*** آموزش فرهنگ و ادب، اقتصاد اجتماعی سال دوم دبیرستان (۱۳۵۵)؛ ***محیط‌شناسی با تکیه بر جغرافیای اقتصادی عمومی*** سال اول دبیرستان آموزش فنون بازرگانی و حرفه‌ای و بازرگانی (تهران، ۱۳۵۷؛ ۱۳۵۸).

۱۲۶. **عظیمی زواره‌ای، احمد**
تولد دی ۱۲۹۹، اصفهان.
درگذشت ۱۱ دی ۱۳۷۴، تهران.
احمد عظیمی زواره‌ای از دانشسرای عالی تهران به دریافت لیسانس ریاضی نایل آمد. وی بنیانگذار انتشارات نیل و گروه فرهنگی آذر بود.

۱۲۷. **علایی، علی**
تولد ۱۲۸۷.
درگذشت ۱۲ آبان ۱۳۷۲.
علی علایی در ادبیات عرب و فارسی و فرهنگ ایران زمین مطالعاتی داشت. وی مدیر هفته‌نامهٔ «پیک روز» در اردبیل بود. این هفته‌نامه بعد از چند سال انتشار، بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توقیف شد. مبارزات قلمی علایی و نقش روشنگرانهٔ «پیک روز» در کتاب ***مشاهیر آذربایجان*** در فصل «تاریخچه مطبوعات اردبیل» آمده است.

۱۲۸. **علمی، علی‌اکبر**
درگذشت شهریور ۱۳۶۶.
برادران علمی (محمد علی و محمد حسن و علی اکبر) از ناشران و کتابفروشانی بودند که از سال ۱۳۱۵ به بعد فعالیت وسیعی داشتند. محمد علی و محمد حسن سال‌ها پیش درگذشتند و فرزندانشان همان رشته را دنبال کردند. علی اکبر علمی در شهریور ۱۳۶۶

درگذشت و از کتابفروشانی بود که سال‌هایی چند شهرتی بسیار در کار کتاب یافت و کتاب‌های زیادی چاپ کرد ولی در چاپ آنها دقتی که شایسته بود به کار نمی‌بست. مدتی هم چاپ کتاب‌های درسی را (قبل از دولتی شدن) کار مؤسسهٔ خود ساخته بود. به چاپ حکایات و قصه‌های عامیانه نیز علاقه‌ای داشت و آنها را به طرزی و صورتی منتشر می‌ساخت که ارزان باشد.

۱۲۹. **غروی دشتی، محمد جواد**
تولد ۱۳۰۱.
درگذشت ۱۳۶۶.
از آثار اوست: ***کتاب الطلاق فروع منتصیده*** (قم، ۱۳۶۷).

۱۳۰. **غروی، محمود**
درگذشت ۱۳۶۴، احتمالاً ترکیه.
محمود غروی تحصیل‌کردهٔ ترکیه و محقق و مؤلف کتاب ***فهرست اسناد تاریخی ایران در آرشیو صدارت عثمانی در استانبول*** (این کتاب در سلسله انتشارات فرهنگستان ادب و هنر ایران به شمارهٔ ۱۵ به سال ۱۳۵۷ منتشر شد) بود.

۱۳۱. **فاطمی، رضا**
تولد ۱۲۹۸.
درگذشت ۱۳۷۵.
از آثار اوست: ***چهل گفتار از سخنرانیهای فاطمی*** (۱۳۷۴).

۱۳۲. **فدوی، هاشم**
تولد ۱۲۹۴.
درگذشت ۱۳۷۲.
از آثار اوست: ***تحفه فدوی، یا، نیایش مؤمنان شامل: سوره‌های یس و الرحمن و آیةالکرسی... دعاهای روزهای هفته*** (قم، ۱۳۷۳).

۱۳۳. **فرزانگان، صادق**
درگذشت ۱۳۷۳.
دکتر صادق فرزانگان استادیار دانشکدهٔ روانشناسی و علوم تربیت دانشگاه تهران بود.

۱۳۴. **فرطوسی حویزی، حسین**
تولد ۱۳۰۴.
درگذشت ۱۳۶۶.
صاحب کتابی در فروع دین به‌نام ***فروع‌الدین الاسلامی من الکتاب و السنه*** (۱۳۶۳) و کتابی در واقعه کربلا به شعر تحت عنوان ***مناهج البکاء فی فجایع کربلاء*** (۱۳۶۴).

۱۳۵. **فروزان، مسعود**
درگذشت ۱۳۶۷.
دکتر مسعود فروزان دانشیار دانشگاه تربیت معلم در رشتهٔ ریاضی بود.

۱۳۶. **فروزش، زین‌العابدین**
درگذشت اسفند ۱۳۷۱.
زین‌العابدین فروزش مدیر روزنامهٔ «نجات ایران» بود.

۱۳۷. **فرید گلپایگانی، حسن**
تولد ۱۲۸۰.
درگذشت ۱۳۶۶.
از آثار اوست: ***اثبات صانع و مراتب توحید*** (تهران، ۱۳۶۳)؛ ***تفسیر سور: اسرا، مؤمنون و ملک*** (۱۳۶۶)؛ ***تفسیر سور: حدید، صف، تغابن و رساله‌ای در ولایت*** (تهران، ۱۳۶۴)؛ ***تفسیر سوره مبارکه جمعه و تفسیر سوره کریمه منافقون*** (تهران، ۱۳۶۴)؛ ***رساله فی صلاة الجمعه و ساله فی التقیه*** (۱۳۶۴)؛ ***متمم***

قانون اساسی اسلام (تهران، ۱۳۶۴)؛ ***مناسک عمره مفرده*** (تهران، ۱۳۶۴).

۱۳۸. **فیروز، مظفر**
تولد ۱۲۸۴.
درگذشت ۱۳۶۶.
مظفر فیروز کتابی به زبان فرانسه در بارهٔ تمدن ایران به رشته تحریر در آورده است:
Iran face à l'imposture de l'histoire

۱۳۹. **فیضی، محمود**
درگذشت ۱۳۷۳.
مقدمه، تصحیح و تنظیم و اهتمام در چاپ ***فرهنگ نماز*** (ترجمه ***الصلوة*** ملا محسن فیض کاشانی؛ تهران، ۱۳۶۲).

۱۴۰. **فیوضات، یحیی**
تولد ۱۳۰۳.
درگذشت ۱۳۷۱.
از آثار اوست: ***مبانی برنامه‌ریزی آموزشی*** (تهران، چاپ‌های مکرر در سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵).

۱۴۱. **قاضی، نعمت‌الله**
تولد ۱۳۰۳.
درگذشت ۱۳۷۵.
از نعمت‌الله قاضی که نام مستعارش در برخی از آثار «شکیب» بود، آثار زیر به جای مانده است: ***اسلام از دیدگاه تاریخ*** (تهران، ۱۳۶۷)؛ ***ایل قاجار در پهنهٔ تاریخ ایران*** (۱۳۷۰)؛ ***برگزیده‌ای از دیوان پروین اعتصامی*** (تبریز، ۱۳۶۷)؛ ***بسوی سیمرغ: منظومه منطق الطیر*** (اثر شیخ عطار نیشابوری به نثر پارسی؛ با مقدمه، پاورقی، فهرست و چند بحث انتقادی؛ تهران، ۱۳۶۲؛ ۱۳۶۹)؛ ***عشق و مرگ پوشکین*** (مجموعه چند داستان؛ تهران، ۱۳۷۰).

۱۴۲. **قریب، ایرج**
درگذشت ۵ مهر ۱۳۶۶.
ایرج قریب به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، آلمانی تسلط داشت و وقوف او نسبت به ادبیات جهان از او مردی آگاه ساخته بود. در رادیو نیز به کار اشتغال داشت. پیش از این در امور مطبوعاتی نیز فعالیت داشت. در سال‌های پیش از درگذشت، به ترجمه کتاب اشتغال داشت. از آثار اوست: ***اسکندر کبیر*** (جان گونتر، ۱۳۳۹).

۱۴۳. **کاظمی خلخالی، زین‌العابدین**
تولد ۱۲۹۹.
درگذشت ۱۳۶۵.
از آثار اوست: ***الحیاة النبیین و المعروفین و حیاة المعصومین*** (***زندگینامه پیامبران معروف و زندگینامه معصومین***؛ مؤلف و مترجم؛ تهران، ۱۳۶۳)؛ ترجمه ***انسان روح است نه جسد*** (تألیف رئوف عبید؛ تهران، به صورت دو جلدی و تک‌جلدی و در سالهای متعدد به چاپ رسیده است)؛ ترجمه ***تا کرانه‌های عالم اثیری = علی حافه العالم الاثیری*** (جیمز آرتور فیندلی؛ تهران، ۱۳۷۰؛ ۱۳۷۲)؛ ***حدیث اهلیجه*** (از امام جعفر صادق؛ تهران، ۱۳۶۲)؛ ***دو هزار حدیث*** ــ برگزیده فارسی ــ عربی ***غررالحکم و دررالکلم*** (تهران، ۱۳۷۰)؛ ***زناشویی راز خوشبختی*** (تهران، ۱۳۶۶)؛ ***سفر به کرهٔ مریخ*** (تهران، ۱۳۷۰)؛ ***صحیفهٔ سجادیه*** (با مقدمه محمد باقر صدر؛ تهران، ۱۳۶۲)؛ ترجمه ***طب الرضا (ع)***، ***طب و درمان در اسلام*** (تحقیق از مرتضی عسگری؛ قم، چاپهای متعدد)؛ ***کلیات حدیث قدسی*** (ترجمه کتاب جواهر السنیه تألیف محمد حسین حر عاملی؛ تهران، ۱۳۶۶)؛ ***گفتگو با مردگان: حقیقت و شناخت روح اسرار جهان هستی*** (تألیف

شو دزموند؛ تهران، ۱۳۷۲؛ ۱۳۷۳)؛ ***گنجینه‌های دانش*** (تهران، ۱۳۶۴؛ چاپهای دیگری از این کتاب با همکاری دیگران به صورت دو جلدی منتشر شده است)؛ ***مدرسه اسلامی*** (نوشتهٔ محمد باقر صدر؛ تهران، ۱۳۶۲)؛ ***هزار حدیث*** (از حضرت علی(ع)؛ تهران، ۱۳۶۲ و چاپهای دیگر در سالهای بعد).

۱۴۴. کیهان، محمود
تولد ۱۲۸۲.
درگذشت ۲۲ مرداد ۱۳۷۲، تهران.
محمود کیهان استاد رشتهٔ اقتصاد دانشگاه تهران در سن نود سالگی در تهران درگذشت. او تحصیلات دانشگاهی را در فرانسه انجام داده بود و پس از بازگشت به استادی دانشگاه تهران نایل شد و سال‌های دراز تدریس می‌کرد و ضمن آن خدمات دیگر دولتی را نیز عهده‌دار بود. وی مقالاتی برای مجلهٔ «عصر اقتصاد» و مجلات دیگر نوشته بود.

۱۴۵. مایل هروی، غلامرضا
تولد ۱۳۰۰.
درگذشت ۱۳۷۴.
از جمله آثار غلامرضا مایل هروی می‌توان به این عنوان‌ها اشاره نمود: ***لغات و اصطلاحات فن کتاب‌سازی: همراه با اصطلاحات جلدسازی، تذهیب، نقاشی*** (تهران ۱۳۵۳).

۱۴۶. مجدالدین نجفی اصفهانی، محمد علی
تولد ۱۲۸۶.
درگذشت ۱۳۶۱.
از آثار اوست: ***الیواقیت الحسان فی تفسیر سوره الرحمن؛ المختار من القصائد و الاشعار*** (تفسیر سوره رحمان همراه با اشعار عربی؛ ۱۳۶۷).

۱۴۷. محجوبی، منوچهر
تولد ۱۳۱۵
درگذشت ۱۳۶۸، لندن.
منوچهر محجوبی روزنامه‌نگار و طنزنویس بود و پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به نویسندگی پرداخت. از چاپ شده‌های اوست: ***قدر یک لبخند؛ خانهٔ نینو*** (ترجمه)؛ ***تا کمرگاه درخت*** (ترجمه). سریال «خانهٔ قمرخانم» از کارهای اوست.

۱۴۸. محمد رحیمی لاهرودی، رحیم
تولد ۱۳۰۹.
درگذشت ۱۳۶۲.
میرزا رحیم محمد رحیمی لاهرودی کتابی در خصوص اسلام و هدف انسان تحت عنوان ***راه خوشبختی یا هدف انسان*** (تهران، ۱۳۷۲) منتشر کرده است.

۱۴۹ مدرس افغانی، محمدعلی
تولد ۱۲۸۴.
درگذشت ۱۳۶۵.
از آثار اوست: تصحیح و تعلیق ***جامع المقدمات*** (قم، ۱۳۶۵)؛ ***الشواهد المنتخبه لکتاب السیوطی*** (با همکاری مهدی احدی امیر کلاهی؛ این کتاب شرحی است بر ***البهجة المرضیه فی شرح الفیه***؛ قم، ۱۳۶۵)؛ ***قواعد الادبیه فی توضیح شرح عوامل فی النحو*** (قم، ۱۳۶۸)؛ تقریر ***کتاب الزبده فی شرح الهدایة*** (تألیف مهدی احدی امیرکلاهی، دو جلد؛ قم، ۱۳۷۴)؛ ***الکلام المفید للمدرس و المستفید فی شرح الصمدیه*** (شیخ بهایی) (قم؛ ۱۳۶۸)؛ ***متن مصحح جامع المقدمات همراه با فهرست تفصیلی مطالب*** (قم، ۱۳۷۰)؛ مکررات المدرس: شرح السیوطی (سه جلد؛ قم، ۱۳۶۹). یادنامه‌ای در خصوص محمد علی مدرس افغانی تحت عنوان ***یادنامه استاد ادبیات عرب مدرس افغانی*** به همت سیدجوادی در سال

۱۳۶۶ به چاپ رسید.

۱۵۰ مرادخانی، کاظم
تولد ۱۳۲۳.
درگذشت ۱۳۶۳.
از آثار اوست: ***المعجم المفهرس لالفاظ ابواب البحار*** (۱۳۶۵)؛ ***بحار الانوار: فی تفسیر الماثور القرآن*** (دو جلد).

۱۵۱ مروج‌الاسلام، علی‌اکبر
تولد ۱۲۷۱.
درگذشت ۱۳۵۸.
از آثار اوست: ***نفائح العلام فی سوانح الایام*** (۱۳۷۳).

۱۵۲ مظاهری، علی‌اکبر
تولد ۱۲۹۳.
درگذشت ۱۳۷۰.
از آثار اوست: ***خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام*** (با مقدمه پل فوکونه و حامد فولادوند؛ ترجمه عبدالله توکل؛ تهران، ۱۳۷۳).

۱۵۳ معرفت، مرتضی
تولد ۱۳۰۰.
درگذشت ۱۳۶۶.
مرتضی معرفت کتابی در اصول فقه به‌نام ***انوار معرفت "تعریف منابع فقه"*** (اصفهان، ۱۳۷۴) منتشر کرد.

۱۵۴ معروف، حبیب
تولد ۱۳۱۲.
درگذشت ۱۳۷۳.
از آثار اوست: ***فرهنگ مصور هنرهای تجسمی*** (با همکاری پرویز مرزبان؛ تهران، ۱۳۷۱؛ این کتاب در سال ۱۳۶۵ با عنوان ***واژه‌نامهٔ مصور هنرهای تجسمی*** به چاپ رسید)؛ ***واژه‌نامه راه و ساختمان و معماری انگلیسی ــ فارسی و فهرست الفبایی و ترکیبات فارسی با تعریف دقیق برخی واژه‌های مشکل و نوساخته*** (تهران، ۱۳۶۹). کتاب ***نقش ماندگار: یادنامهٔ مهندس حبیب معروف*** به کوشش امین و نازی معروف به یاد وی در تهران در سال ۱۳۷۴ منتشر شد.

۱۵۵ ملبوبی، محمد باقر
تولد ۱۳۰۸.
درگذشت ۱۳۷۳.
از آثار اوست: ***الوقایع و الحوادث*** (قم، ۱۳۶۹)؛ ***حدیث حدیث، چهل حدیث*** (تهیه و تنظیم کامران ملبوبی؛ قم، ۱۳۶۹).

۱۵۶ منافی، احمد
تولد ۱۲۷۹.
درگذشت ۱۳۶۹.
از احمد منافی کتابی در خصوص اخلاق اسلامی و عرفان بر جای مانده است: ***گنجینهٔ معارف*** (از مذاکرات احمد منافی؛ تهیه و تنظیم کاظم کاظم‌زادهٔ ایرانشهر؛ تهران، ۱۳۶۴).

۱۵۷. موسوی، سید محمد مهدی
تولد ۱۳۰۵.
درگذشت ۲۸ آذر ۱۳۶۴.
سید محمد مهدی موسوی از آگاهان تاریخ دوره قاجار بود. از آثارش تصحیح ***خاطرات محمود خان احتشام‌الدوله*** بود.

۱۵۸. موسوی، سید نعیم
تولد ۱۳۳۳، اهواز.

درگذشت بهمن ۱۳۷۵، اهواز.
سید نعیم موسوی مترجم اشعار شاعران عرب زبان بود. در جلسات شب شعر با شاعران اهوازی شرکت می‌جست. ترجمه‌های او در مطبوعات به چاپ رسیده‌اند. از جمله آثارش می‌توان به کتاب ***فانوس رابطه*** اشاره کرد که اوایل انقلاب اسلامی به چاپ رسید. وی چند سالی به کار کتابفروشی روزگار می‌گذرانید.

سید نعیم موسوی، با بیماری قند خون رو به رو بود و در اواخر عمر ۹۰ درصد بینایی خود را از دست داده بود. پیکر وی در اهواز در منطقهٔ شبیشه در بهشت شهدا به خاک سپرده شد.

۱۵۹. **میرمطهری، هوشنگ**
تولد ۱۲۹۱.
درگذشت ۱۵ مهر ۱۳۶۵.
هوشنگ میرمطهری سال‌ها در وزارت دادگستری خدمت کرد و سپس به وزارت آموزش و پرورش منتقل شد. وی به فلسفه و زیبایی‌شناسی علاقه داشت و شعر هم می‌سرود. مقاله‌هایش در مجله‌های «سپیدهٔ فردا»، «مجلهٔ حقوقی»، «یکان ریاضی»، «آموزش و پرورش»، «معارف اسلامی» و «وحید» به چاپ می‌رسید. وی سه شماره از مجله‌ای به نام «شیوه» را منتشر کرد. از آثار اوست: ***گربه فیلسوف*** (تهران، ۱۳۶۹). همسر ایشان آذرمیدخت میرمهطری کتابی را به یاد وی در سال ۱۳۶۲ منتشر نمود: ***یادنامه: نمونه‌ای از منظومات همسرم هوشنگ میرمطهری.***

۱۶۰. **نجفی دیسفانی، محمد**
درگذشت ۱۹ آذر ۱۳۷۴، تهران
محمد نجفی دیسفانی مدیر گروه سنجش از دور دانشگاه تربیت مدرس بود و به تدریس نیز می‌پرداخت.

۱۶۱. **نجفی یزدی، سید علی**
تولد ۱۳۲۶، نجف اشرف.
درگذشت ۱۳۷۱.
سید علی نجفی یزدی فرزند سید محمد باقر، در تهران از حوزهٔ درس اساتیدی چون آیت‌الله حاج شیخ احمد مجتهدی و آیت‌الله یحیی تهرانی بهره‌مند شد و در کنار آن با علوم متداوله روز آشنا گردید. مراتب تهذیب نفس و تخلق اسلامی را در محضر آیت‌الله عبدالکریم حق‌شناس سپری کرد؛ در محضر درس آیت‌الله سید اسماعیل شفیعی تهرانی و نیز آیت‌الله جوادی آملی برای فراگیری تفسیر قرآن و فلسفه اسلامی حاضر شد. علاوه بر جلسات وعظ در مساجد، در کرسی تدریس دانشگاه «شریف» و «امیرکبیر»نیز حضور یافت. در سال‌های جنگ نیز بارها و بارها به‌سوی جبهه‌هارفت.

۱۶۲. **نیساری، سیروس**
تولد ۱ مهر ۱۳۱۵.
درگذشت ۲۶ بهمن ۱۳۷۵.
سیروس نیساری فرزند سید حسن استاد دانشگاه بود. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۱۶۳. **نیکنام، فریدون**
ناشر
درگذشت ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۰.
فریدون نیکنام درجهٔ فوق مهندسی رشتهٔ مرتع و جنگلداری از آمریکا را داشت. وی مدیر مؤسسهٔ انتشارات مروارید بود.

۱۶۴ **نیکونژاد، حسین**
تولد ۱۲۸۹.

درگذشت ۱۳۷۱.
از آثار اوست: ***چهره افروختگان خطه زنده‌رود: یادی از فرهیختگان موسیقی اصفهان*** (اصفهان، ۱۳۷۱)؛ ***فیلمنامه بیداد*** (اصفهان، ۱۳۷۲).

۱۶۵. **والا، عبدالله**
درگذشت آذر ۱۳۶۹.
مهندس عبدالله والا سومین مدیر و صاحب امتیاز هفته‌نامهٔ «تهران مصور» بود که بیست و شش سال زیر نظرش چاپ می‌شد. وی در مجلس شورای ملی نماینده بود.

۱۶۶. **واله، حسن**
تولد ۱۳۴۶، مشهد.
درگذشت ۱۳۷۰.
حسن واله پس از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه، راهی حوزه‌های علمیه مشهد و قم شد تا به آموختن علوم قدیمه بپردازد. پس از آن به تهران آمد و با گشایش فضای موسیقی در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ به آموختن این هنر پرداخت. به همراه فراگیری موسیقی، به خواندن فلسفه و تحقیق در متون کهن و بررسی موسیقی مقامی مناطق مختلف ایران مشغول شد و به کار نسخه‌شناسی و مقابلهٔ آنها می‌پرداخت.

حسن واله در بخش موسقی حوزهٔ هنری سازمان تبلیغات اسلامی به کار مشغول شد. از او کار مستقلی به طبع نرسیده است، اما مقاله‌هایی برای «کیهان فرهنگی» نوشته است. وی قرار بود از مشهد به تهران بیاید و ناگهان مفقود گردید تا این که پیکر در هم شکسته‌اش را در ارتفاعات شمال تهران یافتند.

۱۶۷. **والیزاده، محمدرضا**
تولد ۱۲۹۶، خرم‌آباد.
درگذشت ۱۱ مهر ۱۳۶۰، خرم‌آباد.
محمد رضا والیزاده معروف به معجزی مدت سی و پنج سال به جمع‌آوری اسناد و خاطرات معمرین و عکس‌ها و مدارک معتبر در باره تاریخ پرداخت. خطی خوش داشت و آنچه جمع‌آوری کرده بود، در دو مجلد نزدیک به ۱۸۰۰ صفحه مدون کرده بود. مایل بود که این اثر را چاپ نماید، اما نتوانست. بخش کوچکی از این اسناد تحت عنوان سفرهای... به لرستان چاپ و نشر شد که در آن وقایع این دوره و جنگ‌های لرستان و ستم‌هایی که بر لرها رفته بود، آمده است.

۱۶۸ **هاشمی حائری، مرتضی**
تولد ۱۳۱۱.
درگذشت ۱۳۶۴.
از آثار اوست: ***الترتب***، ***تقریر بحث احمد سبط الشیخ انصاری*** (دزفول؛ ۱۳۶۳)؛ ***الصلاة الجمعه*** (قم، ۱۳۶۷).

۱۶۹. **هدی‌نیا، حمید**
تولد ۱۱ آبان ۱۳۲۹.
درگذشت ۱۲ آبان ۱۳۷۵، تهران.
حمید هدی‌نیا فرزند عباس، مدرس، نویسنده، مترجم، منتقد سینمایی بود. از آثار اوست: ***فرانسوا تروفو: زندگی و آثار*** (ترجمه و تألیف، با همکاری رحیم قاسمیان، پروین دوامی، ۱۳۶۵). پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۱۷۰. **همایونی، مسعود**
تولد ۱۲۹۹.
درگذشت ۱۳۷۲.
از آثار اوست: ***پاسخ هفت پرسش در بارهٔ تصوف*** (لندن، بنیاد عرفان مولانا، ۱۳۶۹؛ ۱۳۷۱)؛ ***تاریخ سلسله‌های طریقه نعمةاللهیه در ایران از سال ۱۱۹۰***

هجری قمری تا سال ۱۴۱۲ هجری قمری (لندن، بنیاد عرفان مولانا، ۱۳۷۱)؛ ***سرچشمهٔ عرفان ایران*** (لندن، بنیاد عرفان مولانا، ۱۳۶۷؛ ۱۳۶۸). مریدان و شاگردان دکتر مسعود همایونی یادنامه‌ای تحت عنوان زیر برای وی در سال ۱۳۷۳ منتشر نمودند که از سوی بنیاد عرفان مولانا در لندن به‌چاپ رسید: ***یادنامه استاد معنوی: جناب دکتر سید مسعود همایونی (بابا شاهچراغ)***.

۱۷۱ **همدانی، ابوتراب**

تولد ۱۲۷۴.

درگذشت ۱۳۷۳.

از آثار اوست: ***اسلام و نظام*** (۱۳۶۸)؛ ***چرا گناه می‌کنیم: در بارهٔ بازگشت اثر گناه در این دنیا*** (مشهد، ۱۳۶۴)؛ ***راه سعادت (برگزیده اشعار)*** (شعر مذهبی؛ مشهد، ۱۳۷۴)؛ ***شرح دعای کمیل*** (تهران، ۱۳۴۴؛ ۱۳۶۳)؛ ***کتاب و عترت: شرحی در بارهٔ حدیث ثقلین*** (مشهد، ۱۳۶۵)؛ ***نجوم لامعه: شرح زیارت جامعه*** (۱۳۶۶).

گروه علوم عملی

۱۷۲. **اسکویی، محمد کاظم**
تولد ۱۳۰۷، مشهد.
درگذشت ۱۱ تیر ۱۳۷۱.
محمد کاظم اسکویی در سن ۱۱ سالگی به همراه والدین از مشهد به تهران آمد و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شرف به پایان رسانید. در سال ۱۳۲۶ در دانشکدهٔ پزشکی تهران نام‌نویسی کرد و در سال ۱۳۳۲ فارغ‌التحصیل این دانشکده شد. وی برای گذرانیدن دورهٔ تخصص راهی آمریکا شد. دکتر اسکویی دورهٔ انترنی را به مدت یک سال در بیمارستان «انگل وود» در نیوجرسی به پایان برد و دورهٔ رزیدنسی و چیف رزیدنسی جراحی عمومی را به مدت چهار سال در بیمارستان مرسی در ایالت اوهایو گذراند. برای کسب درجهٔ فوق تخصص در جراحی سرطان عازم نیویورک شد و مدت یک سال در بیمارستان موریال به کار پرداخت. پس از بازگشت به ایران در بخش جراحی سرطان بیمارستان هزار تختخوابی مشغول به کار شد. دکتر اسکویی درجات استادیاری و دانشیاری را پشت سر نهاد و به مقام استادی دانشگاه تهران رسید. چند سال رییس گروه جراحی بیمارستان هزار تختخوابی بود. در سال ۱۳۶۴ برای درمان بیماری که به آن گرفتار آمده بود راهی خارج از کشور شد و همانجا درگذشت.

دکتر اسکویی بیش از بیست و پنج سال در بخش جراحی سرطان بیمارستان هزار تختخوابی کار کرده بود. وی چندی به‌عنوان سرپرست گروه بیهوشی و چندی نیز معاون آموزشی این مرکز بود.

۱۷۳ **ایرجی، هرمز**
تولد ۱۳۲۰.
درگذشت ۱۳۷۴.
از آثار اوست: ***انتقال انرژی الکتریکی*** (تهران، ۱۳۵۸).

۱۷۴ **بیات، حمیدرضا**
تولد ۱۳۲۶.
درگذشت ۱۳۶۷.
پارک ملی کویر (تهیه متن از حمیدرضا بیات، هنریک مجنونیان، فریبرز شکرایی؛ تهران، ۱۳۷۰)؛ ***منطقهٔ حفاظت‌شدهٔ اشترانکو*** (با همکاری هنریک مجنونیان؛ تهران، ۱۳۶۷).

۱۷۵ **تجلی‌پور، مهدی**
تولد ۱۳۱۳.
درگذشت ۱۳۶۱.
از آثار اوست: ***بررسی تکمیلی سیستماتیک و انتشار نرمتنان سواحل ایرانی خلیج فارس*** (مترجم گلبرگ تجلی‌پور، تهران، ۱۳۷۳)؛ ***نرم‌تنان زمینی و رودخانه‌ای ایران: بررسی کار نرم‌تن‌شناسان***

اتریشی در ایران (تهران، ۱۳۶۱)؛ نرم‌تنان مروارید ساز خلیج فارس (تهران، ۱۳۶۲).

۱۷۶ **رضوی، تقی**
تولد ۱۲۸۳.
درگذشت ۱۳۶۸.
از آثار اوست: ترجمهٔ ***تاریخ پزشکی نوین*** (اثر پیر بورژه و کلود بولوون؛ تهران، ۱۳۷۰).

۱۷۷ **رفیعی، عزیز**
تولد ۱۲۸۶.
درگذشت ۱۳۶۵.
از آثار اوست: تألیف ***انگل‌شناسی بندپایان: آنتومولوژی*** (با همکاری همایون راک؛ تهران، ۱۳۶۴).

۱۷۸ **ریاضی فرزاد، محمد علی**
تولد ۱۲۹۰.
درگذشت ۱۳۶۰.
از آثار اوست: ترجمه ***بهداشت زن در دوره بارداری و بعد از زایمان به ضمیمه علل ازدواج عقیم و نازائی و مضرات سقط جنین و جلوگیری از حاملگی*** (اثر آ.ق. پاپ، ب.ای. شکولینک، ی.ب. سولسکی؛ تهران، ۱۳۶۱).

۱۷۹ **زاهدی، کاظم**
تولد ۱۲۹۳.
درگذشت ۱۳۷۰.
از آثار اوست: ***آفات گیاهان زینتی و صیفی در ایران و روشهای مبارزه با آنها*** (تهران، ۱۳۷۱).

۱۸۰. **زوار، اکبر**
درگذشت ۱۳۷۲.
اکبر زوار مدیر کتابفروشی زوار بود و بیش از یک صد و پنجاه کتاب در انتشارات خود به چاپ رساند. وی در سن هفتاد سالگی درگذشت.

۱۸۱. **زوار، حسین**
درگذشت آذر ۱۳۵۹، مشهد.
حسین زوار از بانیان نشر کتاب و توزیع انتشارات کشور است. از جمله آثار اوست: ***زبدهٔ خمسهٔ نظامی*** (وی در امر گزینش اشعار به چاپ این کتاب مساعدت نموده است).

۱۸۲. **سالمی، محمد حسین**
درگذشت ۱۳۷۳
محمد حسین سالمی دارای رتبهٔ علمی دکتری و استاد بازنشسته دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران بود. از آثار اوست: ***ماشین‌های الکتریکی*** (گ. ر. سلمون؛ ا. سترافن، دو جلد، ۱۳۷۲، ۱۳۶۶).

۱۸۳. **شاملو، محمد ولی**
درگذشت آذر ۱۳۷۰
مهندس محمد ولی شاملو استاد ریاضی دانشگاه و دبیر پرسابقه دبیرستان‌های تهران بود.

۱۸۴ **شاهمرَادی، احمد**
درگذشت ۱۳۷۴.
از آثار اوست: ***طبقه‌بندی، بیولوژی و مبارزه با تک‌یاخته‌های انگلی*** (مؤلف جی.پی. کرایر، جی.ر. بیکر؛ تهران ۱۳۷۵)؛ ***کلیات انگل‌شناسی پزشکی*** (تهران، ۱۳۷۳)؛ ***مقدمات انگل‌شناسی پزشکی*** (تهران، ۱۳۶۸).

۱۸۵ **شهریاری، حشمت‌الله**
درگذشت ۱۳۶۷.

از آثار اوست: تدوین ***علم الابدان: مسائل پزشکی و بهداشتی*** ــ به زبان ساده، برای همه (ترجمه اسدالله شهریاری).

۱۸۶. **صوفی، یحیی**
درگذشت ۱۳۷۳
دکتر یحیی صوفی استاد بازنشسته دانشکدهٔ علوم دانشگاه تهران بود.

۱۸۷. **عبد شریف‌آبادی، هوشمند**
درگذشت ۱۳۷۳.
هوشمند عبد شریف‌آبادی دارای درجه دکتری و استادیار دانشکدهٔ فنی دانشگاه تهران بود. از آثار اوست: ***زلزله و ساختمان‌ها مستداول: روش‌های پایدارسازی ساختمان‌ها در برابر زلزله*** (۱۳۷۱)؛ ***معیار پذیرش بتون و منحنی‌های عملیاتی مشخصه آنها در مجموعه مقالات سمینار بتون ۱۳۶۷*** (۱۳۶۸)؛ ترجمه ***ساختمان‌های مسکونی مقاوم در برابر زلزله*** (تألیف مرکز علمی و فنی ساختمان فرانسه، ۱۳۷۰).

۱۸۸. **قنبرپور، علیرضا**
تولد ۱۳۱۹.
درگذشت ۱۵ شهریور ۱۳۷۱.
دکتر علیرضا قنبرپور دارای درجهٔ دکترایِ علوم دارویی از دانشگاه کلمبیا بود و در دانشگاه تهران تدریس می‌نمود.

۱۸۹. **کوشا، منوچهر**
درگذشت ۱۳۷۴، تهران.
مهندس منوچهر کوشا از پیشکسوتان کارتوگرافی بود. از مقاله‌های اوست: «از هیئت تا رؤیت» در مجلهٔ «نقشه‌برداری» (دورهٔ دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۷۰، صفحهٔ ۲۰ الی ۲۳).

۱۹۰. **کوشیار، علی**
درگذشت ۱۲ اسفند ۱۳۶۶.
دکتر علی کوشیار استاد دانشکدهٔ علوم ارتباطات بود.

۱۹۱ **مقدسیان، علی**
تولد ۱۳۲۴.
درگذشت ۱۳۶۵.
از آثار اوست: ***قوانین بین‌المللی بستکبال*** (ترجمه با همکاری فرخ نصرتی؛ تولد ۱۳۶۴).

۱۹۲ **ملکی، مرتضی**
تولد ۱۳۱۱.
درگذشت ۱۳۶۵.
از آثار اوست: ***صنایع غذایی*** (با همکاری شهرام دخانی؛ شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۶۹).

۱۹۳. **مهران، محمود**
تولد ۱۲۸۰.
درگذشت ۲۰ تیر ۱۳۶۱، اسپانیا.
دکتر محمود مهران از خاندان مهران بروجردی در سنی نزدیک به هشتاد سال در اسپانیا درگذشت. آن مرحوم از محصلین اعزامی به اروپا بود. در رشتهٔ علوم اقتصادی درس خواند و رسالهٔ دکترایِ خود را در ژنو در بارهٔ «مسائل ترقی سطح زندگی در ایران و تأثیر تعاونی‌ها» گذرانید (ژنو، ۱۹۴۰).

خدمت دولتی او در وزارت فرهنگ انجام شد و به مقام وزارت در همان وزارتخانه رسید (دو بار). چندی هم رییس شرکت بیمه ایران بود و در برخی از دانشگاه‌های ایران هم تدریس می‌کرد.

آخرین فعالیت کاری او تأسیس سازمان حفاظت آثار ملی ایران بود که حدود ده سال وقت صرف آن نمود.

۱۹۴ هاشمی، مسعود

تولد ۱۳۱۶.

درگذشت ۱۳۶۴.

از آثار اوست: ***بهداشت گاوهای شیری*** (ترجمه با همکاری علیرضا محمودزاده؛ تهران، ۱۳۶۸)؛ ***بیوستتز شیر، شیردوشی صحیح، ورم پستان، ادم پستان*** (ترجمه و تألیف با همکاری علیرضا محمودزاده؛ تهران، ۱۳۶۶)؛ ***پرورش عملی اسب به انضمام تغذیه، خوراک دادن و بیماریهای تغذیه‌ای اسب*** (تهران، ۱۳۷۴)؛ ***پرورش عملی بز*** (ریچارد باتاگلیا؛ تهران، ۱۳۷۴)؛ ***پرورش عملی گوسفند به انضمام تغذیه، خوراک دادن گوسفند*** (تألیف و ترجمه؛ تهران، ۱۳۷۴)؛ ***تغذیه دام، طیور و آبزیان*** (تهران، ۱۳۷۴)؛ ***تغذیه دام: کاربرد فضولات حیوانی در تغذیه دام، طیور و آبزیان*** (تألیف و ترجمه؛ تهران، ۱۳۶۸؛ ۱۳۷۵)؛ ***تلقیح مصنوعی در گاو*** (تهران، ۱۳۷۵)؛ ***تلقیح مصنوعی: کاربرد روشهای آزمایشگاهی و علمی در تولید مثل دام*** (آنتون مارینوس سورنس؛ تهران، ۱۳۶۵)؛ ***راهنمای ارزیابی و انتخاب گاوهای شیری*** (ترجمه و تألیف؛ تهران، ۱۳۷۴)؛ ***روشهای عملی در پرورش طیور*** (ریچارد باتاگلیا؛ تهران، ۱۳۷۳)؛ ***فرهنگ تغذیه دام: شامل اصطلاحات تغذیه دام، طیور و آبزیان: انگلیسی ــ فارسی*** (تهران، ۱۳۶۹؛ ۱۳۷۵)؛ ***فرهنگ جامع کشاورزی و منابع طبیعی: انگلیسی ــ فارسی*** (تهران، ۱۳۷۲)؛ ***فیزیولوژی تولید مثل (تولید مثل کاربردی در حیوانات اهلی)*** (نوشتهٔ اچ. جو بیرون، جان دبیلو. فوکویی؛ ترجمه با همکاری سعید حسنی؛ تهران، ۱۳۷۴)؛ ***کتیبی راپه رین به انضمام دو قصیده محمدیه و غوثیه بر وزن قصیده بردیه*** (اثر مسعود هاشمی، خط محمد طاهر هاشمی؛ شعر کردی؛ ۱۳۶۸؛ ***مواد معدنی و ویتامینها در تغذیه حیوانات اهلی و انسان*** (تألیف و ترجمه؛ تهران، ۱۳۷۰).

گروه هنر

۱۹۵. ابراهیمی، پروانه
درگذشت زمستان ۱۳۶۶.
پروانه ابراهیمی نقاش بود. وی در حادثهٔ سیل در تهران در زمستان ۱۳۶۶ درگذشت. موزهٔ هنرهای معاصر در زمستان سال ۱۳۶۶ نمایشگاهی از آثار پروانهٔ ابراهیمی برگزار کرد.

۱۹۶. افسر، محمد علی
تولد ۱۳۱۵، بیرجند.
شهادت ۲ آبان ۱۳۵۹، پل کرخه دزفول.
سرهنگ محمد افسر، سرهنگ ارتش بود. وی به نقاشی و خطاطی علاقه شد و شعر نیز می‌گفت.

۱۹۷. اولائی، سید جواد
تولد ۲۰ بهمن ۱۳۲۹.
درگذشت ۲ بهمن ۱۳۷۳، تهران.
سید جواد اولائی فرزند سید خلیل، هنرمند میراث فرهنگی و استاد مرمت بود. وی در کاخ مرمر فوت کرد و پیکرش در قطعهٔ ۸۸ بهشت زهرا مدفون است.

۱۹۸. باغداساریان، آراپیک
تولد ۱۳۱۸.
درگذشت ۱۳۶۴.
آراپیک باغداساریان در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به کارهای مختلفی نظیر گرافیک، نقاشی و غیره مشغول بود. از آثار اوست: ***شیوه طراحی با قلم و مرکب*** (نوشته خوزه پارامان، ۱۳۶۵)؛ ***شیوه یادگیری طراحی*** (۱۳۶۵).

۱۹۹. برومند، ملکه
درگذشت ۱۳۶۹.
ملکه برومند از شمار نخستین خوانندگان زن موسیقی اصیل ایرانی بود. مدت‌ها شاگرد نورعلی خان برومند و سپس اسماعیل مهرتاش و ابوالحسن صبا بود. همراه صبا، مرتضی محجوبی، تاج اصفهانی و بدیع‌زاده در بیروت صفحه پر کرده (۱۳۰۸ ـ ۱۳۱۶) و آثاری دلنشین دارد. مدت‌ها نیز در جامعهٔ باربد لاله‌زار به همراه ادیب خوانساری آواز خواند. در آواز بهترین شاگرد صبا بود و ترانه‌خوانی را نیز به‌خوبی می‌دانست. صفحاتش با نام‌های مستعار «خانم م. ب.»، «ملکهٔ حکمت شمار» و «ملکهٔ هنر» پر شده است.

ملکه برومند بعدها به‌خاطر رواج هرج و مرج در موسیقی ایران از خوانندگی کناره گرفت و گوشه‌نشینی اختیار کرد. وی همسر «نیک‌زاد» استاد مینیاتور بود.

۲۰۰. بنایی، جواد
تولد ۱۳۱۰.
درگذشت ۱۳۷۵.

جواد بنایی به پیشهٔ خوانندگی اشتغال داشت. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۲۰۱. **بیات زنجانی، عباس**
درگذشت ۳ شهریور ۱۳۷۳.
عباس بیات زنجانی هنرمند ملیله‌کار و نقره‌کار بود.

۲۰۲. **جمال‌پور، محمود**
تولد ۱۳۲۰، تهران.
درگذشت ۱۳۵۸. .
محمود جمال‌پور به هنر نقاشی اشتغال داشت.

۲۰۳. **جهان‌پناه، عبدالله**
تولد ۱۲۹۶.
درگذشت ۸ آبان ۱۳۷۵، تهران.
عبدالله جهان‌پناه، فرزند رضا، استاد موسیقی بود. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۲۰۴. **خاچیکیان، سوریک**
تولد ۱۳۰۵، تبریز.
درگذشت ۲۵ آبان ۱۳۷۴.
سوریک خاچیکیان در صنعت فیلم خدمت می‌کرد و مشاغلی چون تدوین‌گری، صداگذاری، مدیریت دوبلاژ، مسئولیت امور فنی «آژیر فیلم» را به‌عهده داشت.

۲۰۵. **خاکدان، ولی**
تولد ۱۳۰۳.
درگذشت ۱۳۷۵.
ولی خاکدان هنرمند تئاتر و سینما بود. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۲۰۶. **داریوش، غلامعلی**
درگذشت ۱۲ اسفند ۱۳۶۸.
غلامعلی داریوش استاد کارگاه خاتم‌سازی سازمان میراث فرهنگی بود. از آثار عمدهٔ او اتاق خاتم مجلس شورای ملی سابق است.

۲۰۷. **دنیاداری، مه‌کامه**
تولد ۹ اسفند ۱۳۴۸.
درگذشت ۱۲ دی ۱۳۷۵.
مه‌کامه دنیاداری به‌کار نقاشی اشتغال داشت. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۲۰۸. **روحانی، رضا**
تولد ۱۲۹۱.
درگذشت ۱۳۶۵.
رضا روحانی که تحصیلات رسمی‌اش در رشتهٔ مهندسی کشاورزی بود و ضمناً در رشتهٔ ادبیات و زبان‌های خارجی دارای لیسانس بود، از نوجوانی به موسیقی نیز علاقه‌مند شد. از این رو نزد ابوالحسن صبا به فراگیری موسیقی رفت.

۲۰۹. **سانوسیان، استپان گریگوری**
درگذشت ۱۴ دی ۱۳۶۱
استپان گریگوری سانوسیان از جمله نوازندگان ارکستر سمفونیک تهران بود.

۲۱۰. **سخاوت، حسن**
تولد ۱۳۰۴.
درگذشت ۱۳۷۵، تهران.
حسن سخاوت مدرس انجمن خوشنویسان بود. از جمله آثار خطاطی اوست: *ارغنون حقیقت* (سرودهٔ عبدالرفیع حقیقت، ۱۳۷۱)؛ *افسانهٔ نیما* (۱۳۷۰)؛ *ترانه‌ها*:

بخشی دیگر از دیوان "بویه" (اسدالله آل بویه، ۱۳۷۳)؛ ***رستم و سهراب*** (۱۳۶۹)؛ ***مجموعه کامل غزل‌های سعدی*** (۱۳۶۹)؛ ***مجموعه کامل غزل‌های فروغی بسطامی*** (۱۳۷۴).

پیکرش در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۲۱۱. **سلیمی تبار (سلیم فرزان)، حسین**
تولد ۱۲۹۷.
درگذشت ۱۳۷۵.
حسین سلیمی‌تبار استاد موسیقی و نوازندگی بود. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعه ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۲۱۲. **شاهرخی، محمد علی**
تولد کرمان.
درگذشت ۱۳۶۷، کرمان.
محمد علی شاهرخی فرزند حسن‌خان، از پنجاه و دو سال پیش در کار نقاشی فرش بوده است.

۲۱۳. **شیری‌فرد، نریمان**
تولد ۱۳۱۲.
درگذشت ۹ تیر ۱۳۷۵.
نریمان شیری‌فرد فرزند پنجعلی است. اولین فیلمی که در آن بازی کرد «جدال در مهتاب» و آخرین فیلمی که در آن ظاهر شد، «بانی چاو» نام داشت. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۲۱۴ **صالحی، حبیب‌الله**
تولد ۱۲۹۹.
درگذشت ۱۳۶۴.
کتاب ***ردیف عالی موسیقی ایران*** (اثر علی اکبر شهنازی، ۱۳۶۷) به روایت ایشان چاپ شده است.

۲۱۵. **صفایی، عیسی**
تولد ۱۲۷۶، مشهد.
درگذشت ۱۳۷۵، تهران.
عیسی صفایی فرزند محمود از هنرمندان سینما، تئاتر و تلویزیون بود. پیکرش در بهشت زهرا در قطعهٔ هنرمندان و نویسندگان (قطعهٔ شمارهٔ ۸۸) مدفون گردید.

۲۱۶. **صوتی، علی**
تولد کرمان.
درگذشت ۱۳۶۵، کرمان.
علی صوتی از طراحان و نقاشان قدیمی کرمان است که با شرکت فرش نیز همکاری داشت. وی از سال ۱۳۰۸ در کار ساختن نقش فرش بوده است.

۲۱۷. **عطار هروی، محمدعلی**
تولد ۱۲۸۸.
درگذشت ۱۳۷۲.
از آثار خوشنویسی محمدعلی عطار هروی است: ***هنر آینه‌نگاری قرآن کریم: انواع خطوط کتیبه‌های کهن / نوشته و متن و شرح اصطلاحات محمد مهدی هراتی*** (تهران، ۱۳۷۵)

۲۱۸. **علایی، ناصر**
درگذشت ۱۳۷۱.
ناصر علایی تدوینگر سیمای جمهوری اسلامی ایران در ۳۳ سالگی به علت بیماری قلبی درگذشت. وی فارغ‌التحصیل رشتهٔ تدوین از مدرسهٔ عالی تلویزیون و سینما بود و تدوین تعداد زیادی از فیلم‌های مستند و داستانی تلویزیون را انجام داده بود که از میان آنها به سریال‌های مستند «زمین و زمین‌شناسی» و از

«اردبیل تا دشت مغان» می‌توان اشاره کرد. ناصر علایی در تدوین فیلم‌های سینمایی «راز کوکب»، «تا غروب»، «روز باشکوه»، «درهٔ شاپرک‌ها»، «ستارهٔ الماس» و «جیب‌برها به بهشت نمی‌روند» همکاری داشت.

۲۱۹. غازی بیات، نادر

درگذشت ۱۳۷۴.

نادر غازی بیات، بازیگر تئاتر و سینما در ۵۶ سالگی درگذشت. وی از سال ۱۳۳۷ با گروه آناهیتا کار تئاتری‌اش را آغاز کرد و از سال ۱۳۴۷ به بازی در فیلم‌های سینمایی پرداخت. آخرین فیلم او نقش کوتاهی در «مسافران» (ساختهٔ بهرام بیضایی) بود. وی همچنین در مجموعهٔ تلویزیونی «پدر» نقشی بر عهده داشت.

۲۲۰. فرخ‌نیا، مریم

درگذشت ۱۳۶۱.

مریم فرخ‌نیا بازیگر تئاتر، تلویزیون و سینما کارش را سال‌ها پیش در نوجوانی، با گویندگی در رادیو آغاز کرد. بعدها به دوبله در فیلم‌ها پرداخت و هم زمان، به بازیگری در تئاتر، سینما و تلویزیون روی آورد. از جمله کارهای تئاتری او می‌توان «بکت و فرار شاه جونز» را نام برد. فرخ‌نیا در چند سریال و برنامه تلویزیونی از جمله «پیرزن مکار»، «اشک تمساح»، «۱۷ شهریور»، و «کبوتر کاغذی» نیز بازی کرد. او قبل از مرگش فعالیت‌های سینمایی‌اش را گسترش داد و در دو فیلم «بنفشه‌زار» و «ملخ‌زدگان» به ایفای نقش پرداخت.

مریم فرخ‌نیا بر اثر سکته قلبی درگذشت.

۲۲۱. کاظمی، حسین

درگذشت خرداد ۱۳۷۵، پاریس.

حسین کاظمی از نسل قدیم نقاشان ایرانی بود. کار او و ابداعات‌اش در نقاشی معاصر ایران از دههٔ سی به بعد نقش و تأثیری به یادگار گذاشته است. کاظمی کوشید تلفیقی از سنت‌های زبان تجسمی ایران و دست‌آوردهای نقاشی معاصر جهان به دست دهد. پرتره‌های او به‌ویژه پرتره‌یی که از صادق هدایت نقش زد، از مشهورترین آثار او است.

۲۲۲. گودرزی‌کیا، داریوش

شهادت ۱۳۶۳، میمک.

داریوش گودرزی‌کیا از سال ۱۳۵۴ همکاری خود را با خبرگزاری آغاز کرد. از سال ۱۳۶۰ عکاسی را از جبهه‌ها آغاز کرد. وی در سال ۱۳۶۳ در عملیات میمک به شهادت رسید.

داریوش گودرزی‌کیا برندهٔ لوح دست‌خط زرین حضرت امام (ره)، دیپلم افتخار و سکهٔ یادبود مجتمع، به عنوان برگزیدهٔ بخش عکاسی از مجتمع هنر و ادبیات دفاع مقدس، ۱۳۶۷، تهران ــ تالار وحدت است.

۲۲۳. ملک صنیع

درگذشت ۱۴ اسفند ۱۳۶۶.

ملک صنیع از خوشنویسان و نقاشان و علاقه‌مند به شعر و ادب بود، او مردی روشن ضمیر بود و گاهی به هر یک از اعضای کانون، اثری از خط و نقاشی خود را به عنوان یادبود، هدیه می‌داد.

۲۲۴. ملماسی، محمود

درگذشت ۲ تیر ۱۳۷۰.

تخلص: «آزرم تبریزی»

آزرم تبریزی از اعقاب همام تبریزی شاعر آذربایجانی بود. وی خوشنویس بود. از آثارش می‌توان به این موارد اشاره کرد: گلستان سعدی به خط زیبا و آراسته به نقش و نگار به درازا و پهنای یک قوطی کبریت!

دیوان خود شاعر که نمونه‌ای از ذوق و ظرافت است؛ قطعه شعری به نام «فلک» از دکتر مهدی روشن ضمیر به اندازهٔ یک بند انگشت؛ نامهٔ تبریک سال نو که کوچکی ابعاد و بزرگی ذوق در آن تماشایی است؛ دو بیت شعر بر روی یک چوب کبریت؛ سه اثر هنری بر روی پوستهٔ داخلی سه تخم کدو و نظایر آن... نوع دیگر از خوشنویسی که گویا «سربی» نام دارد، و بس تماشایی است که نمونه‌هایی از آنها را در مجلهٔ «وارلیق» می‌توان دید (شمارهٔ ۵ ــ ۷۱)؛ ایشان به این قبیل ریزه‌کاری‌های هنری بسیار دست زده است.

۲۲۵. منزه، کیومرث

درگذشت ۳۰ فروردین ۱۳۷۰ طی یک حادثه رانندگی در جادهٔ مرودشت شیراز.

کیومرث منزه در هنگام مرگ سی و پنج سال سن داشت. در ضمن عضو هیئت علمی دانشکدهٔ هنرهای زیبا در رشتهٔ عکاسی و مدیر مسئول و سردبیر ماهنامه «عکس» بود.

۲۲۶. مهرآیین جاسبی، میرحسین

تولد ۱۲۹۵.

درگذشت ۱۳ بهمن ۱۳۷۴، تهران.

میرحسین مهرآیین جاسبی از پیشکوستان هنر تذهیب بود. برخی از آثار وی علاوه بر موزهٔ فرش ایران، در یکی از موزه‌های ترکیه در معرض دید هنردوستان قرار دارد.

مهرآیین جاسبی این استاد تذهیب و مینیاتوریست، چهره‌نگار، و نقاش قالی در سال ۱۳۷۴ درگذشت و پیکرش در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) به خاک سپرده شد.

۲۲۷. نجفلو، حسن

تولد ۱۲۷۸، اردبیل.

درگذشت ۵ مرداد ۱۳۶۹.

حسن نجفلو بازیگر بود و یکی از پیشکسوتان تئاتر شهرستان اردبیل به حساب می‌آمد.

۲۲۸. نقشینه، غلامحسین

تولد ۱۲۸۷.

درگذشت ۱۸ خرداد ۱۳۷۵.

غلامحسین نقشینه بازیگر تئاتر و سینما بود که در خرداد ۱۳۷۵ درگذشت. پیکرش در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۲۲۹. والی‌پور، سیامک

تولد شهریور ۱۳۲۴.

درگذشت بهمن ۱۳۷۵.

سیامک والی‌پور هنرمند و طراح گرافیک بود. پیکر وی در بهشت زهرا در قطعهٔ ۸۸ (هنرمندان و نویسندگان) مدفون است.

۲۳۰. وداد، عباس

تولد ۱۳۰۶، بجنورد.

درگذشت ۱۳۶۶، بجنورد.

عباس وداد فرزند محمد حسین وداد، وکیل مجلس دورهٔ اوّل مجلس شورای ملی و یکی از شعرای بجنورد، بود. او تحصیلات خود را تا کلاس هشتم دبیرستان در بجنورد ادامه داد و با فوت پدر، سرپرستی و تأمین معاش خانواده بر دوش او قرار گرفت و به همین دلیل از ادامهٔ تحصیل باز ماند.

وی از کودکی استعداد خود را در زمینه‌های هنری (نقاشی، خط و تئاتر) بروز داد و نقاشی‌هایی از شخصیت‌های معروف بجنورد را به تصویر کشید. در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ در زمینهٔ تئاتر در شهر

بجنورد فعالیت‌های گسترده‌ای داشت.

بعدها وداد تحصیلات خود را تا مقطع لیسانس ادامه داد و در شهرهای مشهد، سرخس و نیشابور در سمت دبیری و ریاست دبیرستان، در همه جای مشوق و راهنمای کارهای هنری (نقاشی، خط و تئاتر) دانش‌آموزان بود و به چیزی جز رشد و ترقی آنها نمی‌اندیشید.

عباس وداد پس از سی و یک سال خدمت، در سال ۱۳۶۶ درگذشت. از وی آثار متعددی در زمینهٔ سیاه قلم به یادگار مانده است.

۲۳۱. **یسائی شاجانیان**

درگذشت ۱۳۶۶.

یسائی شاجانیان از استادان هنر تذهیب بود و این رشته را در هنرستان نقاشی اصفهان و دانشگاه پردیس تدریس می‌کرد. وی در سال ۱۳۶۶ دار فانی را وداع گفت.

فهرست منابع و مآخذ

۱ *آثار آل قلم*، منتخب یازده قرن نظم و نثر فارسی/ حمید گروگان.ــ تهران: انتشارات مدرسه، وابسته به دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، چاپ اوّل، زمستان ۱۳۶۹.ــ ۳۵۵ ص.

۲ *آثار الحجة یا تاریخ و دایرةالمعارف حوزهٔ علمیهٔ قم دینی ـ تاریخی ـ رجالی ـ ادبی ـ اجتماعی؛ جلد دوم*/ شیخ محمد شریف رازی.ــ قم: کتابفروشی قم، چاپخانهٔ حکمت.ــ ۳۹۳ ص.

۳ *آشنایی با نامداران علم و ادب و هنر و تاریخ*/ ابراهیم فایقی.ــ تبریز: انتشارات یاران، پاییز ۱۳۷۱.ــ ۱۱۲ ص.

۴ *آفتاب شوشتر، نظری اجمالی بر احوال و آثار علامهٔ محقق آیةالله العظمی حاج شیخ محمد تقی شیخ شوشتری*/ گردآوری و تدوین محمود ارومیه‌چی‌ها. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اسفند ۱۳۷۳، چاپ اوّل.ــ ۱۶۹ ص. + ۴ تصویر. (این کتاب به مناسبت برگزاری کنگرهٔ بزرگداشت علامه محقق آیةالله‌العظمی حاج شیخ محمد تقی شیخ شوشتری منتشر شده است).

۵ *آموزش هنر* (کتاب درسی دانش‌آموزان سال دوم راهنمایی تحصیلی)/ محمد مهدی هراتی، محمد علی کشاورز، جعفر پوررهنما، یدالله درخشانی. تهران: شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۱.ــ ۱۳۴ ص. مصور. رنگی.

٦ *آموزش هنر* (کتاب درسی دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی تحصیلی)/ محمد مهدی هراتی، محمد علی کشاورز، جعفر پوررهنما، یدالله درخشانی. تهران: شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۷۱.ــ ۱۷۵ ص. مصور. رنگی.

۷ *آیت‌الله اراکی، یک قرن وارستگی*/ علی صدرائی خوئی با همکاری ابوالفضل حافظیان. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، پائیز ۱۳۷۴.ــ ۱۵۷ ص. [دیدار با ابرار ــ شمارهٔ ۸۲].

۸ *آیت‌الله طالقانی، ابوذر زمان*/ علی محمدی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی، ۱۳۷۳.ــ

۱۱۸ ص: عکس.ــ [دیدار با ابرار ــ شمارهٔ ۵۷؛ سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی، ۴۱۹].

۹ ***ابوالحسن‌خان صدیقی*** / تألیف [صحیح: گردآورنده‌ن] هادی سیف؛ عکس داوود صادق ساء.ــ [تهران]: کمیسیون ملی یونسکو، مرکز انتشارات، ۱۳۷۳ .ح.ــ ۱۴۲ ص.: مصور (بخش‌رنگی).

۱۰ ***اختران فروزان ری و طهران یا تذکرة المقابر فی احوال المفاخر*** / حاج شیخ محمد شریف رازی.ــ قم: مکتبة الزهراء، بی.تا.ــ ۵۷۵ ص.

۱۱ ***ادبیات دورهٔ بیداری معاصر*** / نمونه‌ها با تحلیل از دکتر محمد استعلامی.ــ تهران: انتشارات توس (از انتشارات دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران، ۱۴)، خرداد ۲۵۳۵=۱۳۵۵.ــ ۴۴۸ ص.

۱۲ ***از محراب تا معراج: یادواره سومین شهید محراب آیت‌الله صدوقی*** / [امور فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه شیراز].ــ شیراز: جهاد دانشگاهی (دانشگاه شیراز)، ۱۳۶۱.

۱۳ ***از یغما تا شکیب (شامل شجره‌نامه، شرح حال، تذکرهٔ شعرا همراه با مطالب ادبی، تاریخی و اجتماعی)*** / مرتضی یغمایی «شکیب».ــ تهران: مؤلف، چاپ اوّل، ۱۳۷۲.ــ ۳۱۱ ص.

۱۴ ***افسوس بی‌سخن (۱)، یادنامهٔ مهرداد اوستا*** / زیر نظر هادی سعیدی کیاسری.ــ تهران: حوزهٔ هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اوّل، ۱۳۷۳.ــ ۴۲۹ ص.

۱۵ ***انجمن‌های ادبی شیراز*** (از اواخر قرن دهم تا به امروز)/ حسن امداد.ــ [شیراز]: سلسله نشریات «ما»، چاپ اوّل، ۱۳۷۲.ــ ۶۰۸ ص.

۱۶ ***اینجا ایران، من زن؛ یاد و نام زنان ایرانی در رشته‌های علوم انسانی و هنر*** / دکتر سهیلا شهشهانی، ژیلا هدایی، فهیمهٔ سپهر صادقیان.ــ تهران: مؤسسهٔ انتشاراتی مدبر، ۱۳۷۴.ــ ۱۸۸ ص. [ادبیات، ۱۶؛ مؤسسه انتشارات مدبر، ۴۰].

۱۷ ***برستیغ نور/گوشه‌هایی از زندگی وصیتنامه الهی ــ اخلاقی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره)*** / علی رفیعی (علا مرودشتی). قم: کتابخانهٔ عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۳، چاپ اوّل. ۱۴۰ ص. + ۱۹ ص. عکس.

۱۸ ***برگزیدگان علمی، فرهنگی، هنری در جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸ ــ ۱۳۷۳*** / مریم آقا شیخ محمد، سعید نوری نشاط.ــ تهران: کویر، ۱۳۷۷.ــ ۱۱۲۹ ص.

۱۹ ***برندگان جایزهٔ نوبل ادبیات*** / مریم آقا شیخ محمد، سعید نوری نشاط.ــ تهران: کویر، ۱۳۷۴.ــ ۴۶۰ ص. ***(برای استخراج برخی کتابشناسی‌ها).***

۲۰ ***بزرگان و سخن‌سرایان همدان، جلد دوّم*** / دکتر مهدی درخشان.ــ تهران: چاپ نیکپو، اسفند ۱۳۴۲.ــ ۴۳۸ ص.

۲۱ ***به‌مناسبت آغاز دومین سال افتتاح موزهٔ مینیاتور آبکار*** / تدوین و نگارش فرامرز طالبی، معصومه صدرنیا.ــ تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (کاخ موزهٔ سعدآباد)، (به مناسبت اولین جشنوارهٔ میراث فرهنگی کشور و روز جهانی موزه، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۴).ــ ۲۷. ص. مصور.

۲۲ **پاسارگاد: پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی** / علی سامی، به کوشش و بازنگری دکتر غلامرضا وطن‌دوست.ــ شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۵، ۲۹۴ ص.+ 6. ***(حاوی زندگینامه دکتر علی سامی)***.

۲۳ ***تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد ۱ و ۲*** / محمد صدر هاشمی.ــ اصفهان: انتشارات کمال، چاپ دوّم، ۱۳۶۳.ــ ۳۵۱ + ۳۳۹ ص.

۲۴ ***تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد ۳ و ۴*** / محمد صدر هاشمی.ــ اصفهان: انتشارات کمال، چاپ دوّم، ۱۳۶۴.ــ ۱۸۹ + ۳۴۴ ص.

۲۵ ***تاریخ سینمای ایران، ۱۲۷۹ــ۱۳۵۷*** / جمال امید.ــ تهران: انتشارات روزنه، چاپ اوّل، بهار ۱۳۷۴.ــ ۱۱۷۵ ص.

۲۶ ***تاریخ نویسندگان پارس، جلد دوّم*** / دکتر مریم میرهادی.ــ تهران: چاپخانهٔ خرمی، اسفند ۱۳۴۰.ــ ۱۵۷ص.

۲۷ ***تاریخ مشاهیر کرد عُرفا، عُلما، اُدبا، شُعراء، جلد دوم*** / بابا مردوخ روحانی «شیوا».ــ تهران: سروش، ۱۳۶۶.ــ ۴۸۹ص.

۲۸ ***تاریخ مطبوعات کرمان*** / اسماعیل رزم آسا.ــ تهران: انتشارات زوار، چاپ اوّل، ۱۳۶۷.ــ ۲۵۰ ص.

۲۹ ***تذکرهٔ خوشنویسان معاصر، جلد اوّل*** / علی راهجیری.ــ تهران: مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، چاپ دوّم.ــ۲۳۲ + ۳ ص.

۳۰ ***تذکرهٔ شعرای آذربایجان، تاریخ زندگی و آثار، جلد اول*** / محمود سهیم.ــ تبریز: تالار کتاب، آبان ۱۳۶۷. ۷۶۴ص.

۳۱ ***تذکرهٔ شعرای دامغان*** / محمد علی طاهریا.ــ بی‌جا: چاپخانهٔ گیلان، ۱۳۴۰.ــ ۱۷۴ ص.

۳۲ ***تذکرهٔ شعرای معاصر اصفهان*** / سید مصلح‌الدین مهدوی. اصفهان: انتشارات کتابفروشی تأیید، شهریور ۱۳۳۴. ۵۶۸ص.

۳۳ ***تذکرهٔ شعرای معاصر ایران*** / سید عبدالحمید خلخالی. تهران: کتابخانهٔ طهوری، چاپ اوّل، ۱۳۳۳. ۴۵۲ ص.

۳۴ ***تذکرهٔ شعرای معاصر ایران، جلد دوّم*** / سید عبدالحمید خلخالی. تهران: کتابخانهٔ طهوری، چاپ اوّل، ۱۳۳۷. ۴۱۳ص.

۳۵ ***تذکرهٔ شعرای معاصر دههٔ اوّل انقلاب معاصر، جلد اوّل*** / دکتر مصطفی اولیائی. اراک: واحد انتشارات بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹، ۲۹۶ ص.

۳۶ ***تذکرهٔ شعرای یزد*** / عباس فتوحی یزدی. تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۳۶۶، ۲۴۰ص..ــ(سلسلهٔ متون و تحقیقات شمارهٔ ۳۲؛ گنجینهٔ حسین بشارت برای پژوهش در تاریخ یزد، شمارهٔ ۱ زیر نظر ایرج افشار).

۳۷ ***تذکرهٔ شعرای یزد از آغاز تا عصر حاضر*** / عباس فتوحی یزدی. یزد: مؤسسه انتشارات یزد. چاپ دوم ۱۳۷۳. ۶۰۰ص.

۳۸ ***جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی*** / تألیف دکتر محمد حسن گنجی.ــ مشهد: مؤسسهٔ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی (با همکاری فنی گروه جغرافیای بنیاد پژوهش‌های اسلامی)، خرداد ۱۳۶۷.ــ ۷۰۶ص. (مؤسسهٔ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۵۷)

۳۹ ***چشمهٔ روشن، دیداری با شاعران*** / دکتر غلامحسین یوسفی. ــ تهران: انتشارات علمی، چاپ سوّم، پاییز ۱۳۷۰. ــ ۸۶۳ص.

۴۰ ***چکیده‌ای از مصاحبه‌ها و نظریات کاظم شریعتمداری (دوران پس از انقلاب)"به مناسبت چهلمین روز رحلت"*** / بی‌جا: بی‌نا، ۱۲ آذر ۱۳۶۵.ــ ۳۶ص. عکس.

۴۱ ***چهره افروختگان خطّهٔ زنده‌رود، یادی از فرهیختگان موسیقی اصفهان*** / حسین نیکونژاد. ــ بی‌جا [اصفهان]: مؤسسهٔ انتشاراتی مشعل، چاپ اوّل، بهار ۱۳۷۱. ــ ۱۹۵ص.

۴۲ ***چهرهٔ پرفروغ از مشعل‌داران اسلام و فقاهت و انقلاب*** / با همکاری چند تن از نویسندگان حوزه‌های علمیهٔ قم و مشهد. تهران: دفتر مدرسهٔ علمیهٔ امام امیر المؤمنین ، ۲۵ شهریور ۱۳۶۴.

۴۳ ***چهرهٔ مطبوعات معاصر*** / غلامحسین صالحیار. تهران: پرس‌اجنت، اسفند ۱۳۵۱.ــ ۳۴۲ص.

۴۴ ***چهره‌های آشنا*** / به مدیریت حسین قریشی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات کیهان، چاپ دوم، اسفند ۱۳۴۴، ۶۷۷ص.

۴۵ ***چهره‌های آشنا، شامل شرح حال و آثار چهل تن از هنرمندان برجستهٔ ایران از شش شعبهٔ هنرهای مستظرفه*** / جلال میزبان. جلد اوّل، تهران: مؤلف، تابستان ۱۳۳۷، ۲۶۳ص.

۴۶ ***چهره‌های موسیقی ایران***، جلد اوّل/ شاپور بهروزی.ــ تهران: کتاب‌سرا، ۱۳۷۲، چاپ دوّم. ۵۶۳+۱۹ عکس و نام‌نامه.

۴۷ ***چهره‌هایی از پیشروان هنر و ادبیات معاصر ایران*** / تهران: فرهنگسرای نیاوران، ۱۳۵۷.ــ ۱۸۶ص. (زندگینامه + تصویر)

۴۸ ***حدیث بیداری، نگاهی به زندگینامهٔ آرمانی ــ علمی و سیاسی امام خمینی (از تولد تا رحلت)*** / حمید انصاری.ــ تهران: مؤسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، خردَاد ۱۳۷۴، چاپ دوّم. ۲۵۴ص.

۴۹ ***حماسه مقاومت، یادمان هشت سال دفاع مقدس*** / معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد فرماندهی کل قوا.ــ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.ــ ۴۳۰ص.

۵۰ ***خرد و آزادی، یادنامهٔ دکتر امیر حسین جهانبگلو*** / به کوشش کریم امامی و عبدالحسین آزرنگ.ــ تهران: انتشارات باغ آینه، بهار ۱۳۷۲.ــ ۳۹۹ص.

۵۱ ***خدمتگزاران عالم کتاب و معرفی برخی از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی*** / تهران: ادارهٔ کل نگارش وزارت آموزش و پرورش، آبان ۱۳۴۵.ــ ۱۷۶ص.

۵۲ ***خلوت انس*** / مشفق کاشانی (عباس کی‌منش).ــ تهران: شرکت انتشاراتی پاژنگ، چاپ اوّل، پاییز ۱۳۶۸.ــ۴۵۶ص.

۵۳ ***دانشمندان کرد در خدمت علم و دین*** / عبدالکریم مدرس. ترجمهٔ احمد حواری نسب.ــ تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹.ــ ۶۱۱ص.

۵۴ ***دانشمندان و رجال مازندران*** / اسمعیل مهجور. به کوشش مهندس هدایت‌الله مهجور.ــ [بی‌جا.]: چاپ شرق، ۱۳۵۳.ــ ۱۸۰ ص.

۵۵ ***دانشمندان و سخن‌سرایان فارس***، جلد اوّل، از آتشی تا پیامی / محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت».ــ تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۳۷.ــ ۵۹۲ص. [۴۴ تصویر.].

۵۶ ***دانشمندان و سخن‌سرایان فارس***، جلد دوّم/ محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت».ــ تهران: کتابفروشی خیام، آبان ۱۳۳۸.ــ ۶۷۲ص.

۵۷ ***دانشمندان و سخن‌سرایان فارس***، جلد سوّم، از سائل قیری تا عیشی شیرازی/ محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت».ــ تهران: کتابفروشی‌های ارومیه و خیام، خرداد ۱۳۳۹.ــ ۷۲۸ص.

۵۸ ***دانشمندان و سخن‌سرایان فارس***، جلد چهارم، از موقر بوشهری تا یوسفی شیرازی / محمد حسین رکن‌زاده «آدمیت».ــ تهران: کتابفروشی خیام، آبان ۱۳۴۰.ــ از ۵۶۱ــ۱۱۳۵ ص.

۵۹ ***دانشوران بجنورد***، آشنایی با احوال و آثار یک صد و بیست تن از بزرگان علم و ادب و هنر شهرستان بجنورد/ علی اکبر عباسیان، احسان سیدی‌زاده.ــ بجنورد: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، چاپ اوّل، زمستان ۱۳۷۲.ــ ۳۲۶ص. مصور.

۶۰ ***دانشوران خراسان*** / غلامرضا ریاضی.ــ خراسان: کتابفروشی باستان، دی ماه ۱۳۶۶.ــ ۳۴۷ص.

۶۱ ***دایرةالمعارف زرین*** / گردآورنده م. آذینفر.ــ تهران: انتشارات زرین، ۱۳۶۰.ــ ۱۳۳۷ ص.

۶۲ ***دایرةالمعارف فارسی، جلد دوم، بخش دوم: م ــ ی*** / تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۴.ــ ۳۵۷۱ص.

۶۳ ***دائرةالمعارف یا فرهنگ دانش و هنر*** / پرویز اسدی‌زاده، سعید محمودی، عطاءالله بهمنش، داریوش محمدخانی، مسعود واثقی، ابوالقاسم شیخ‌الاسلامی، فریدون معلمی، منوچهر اشرف الکتابی.ــ تهران: سازمان انتشارات اشرفی، چاپ هشتم، ۲۵۳۷=۱۳۵۷.ــ۸۱۶ص.

۶۴ ***ده بازیگر سینما*** / گردآورنده مهیار جوادی‌فر. ــ چاپ اول. ــ تهران: مؤسّسهٔ کتاب همراه، بهار ۱۳۷۴. ــ ۹۲ص.

۶۵ ***دیدار با شاعران*** (شامل شرح حال و اشعار برگزیدهٔ چهل تن از شاعران معاصر ایران)/ تهیه و تنظیم علی اکبر دلفی. [تهران]: چاپخانهٔ خوشه، تیر ۱۳۵۱. ــ ۲۸۸ص.

۶۶ ***ربانی شیرازی، آیهٔ استقامت*** / فرج‌الله الهی.ــ تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تابستان ۱۳۷۳.ــ ۲۰۶ص. [دیدار با ابرار ــ شمارهٔ ۵۲؛ سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی، ۴۲۰].

۶۷ ***رجال اصفهان یا تذکرةالقبور*** / آخوند ملا عبدالکریم جزی (با مقدمه و حواشی و ملحقات به قلم سید مصلح‌الدین مهدوی).ــ بی‌جا [اصفهان]، چاپ دوّم، ۱۳۲۸.ــ ۳۶۰ص.

۶۸ ***رجال قم و بحثی در تاریخ آن*** / سید محمد مقدس‌زاده.ــ [تهران]: چاپخانهٔ مهر ایران، دی ماه ۱۳۳۵.ــ

۱۷۵ ص.

۶۹ ***روش تحقیق*** / تألیف عباسقلی خواجه‌نوری. ــ چاپ چهارم. ــ تهران: مؤسسهٔ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، مرداد ۱۳۷۲. ــ ۲۲۷ ص. ــ.. [شمارهٔ انتشار ۲۱۸۰، شمارهٔ مسلسل ۳۳۲۴]. ***(حاوی زندگی‌نامهٔ دکتر عباسقلی خواجه‌نوری)***.

۷۰ ***زنان شاعر ایران*** (نام کامل: اشعاری از زنان شاعر ایران (معاصر))/ گردآورنده مهری شاه‌حسینی (شادمانی). ــ تهران: مؤسسهٔ انتشارات مدّبر، چاپ اوّل، ۱۳۷۴، ۱۰۲۰ ص. [مؤسسهٔ انتشارات مدبر، ۴۱؛ ادبیات ۱۷].

۷۱ ***زندگانی علامهٔ بزرگوار آیت‌الله حاج شیخ علی نمازی شاهرودی*** / حسن نمازی. ــ [تهران]: مؤلف، چاپ اوّل، ۱۳۶۵. ــ ۳۲ ص.

۷۲ ***زندگینامهٔ پیشوایان انقلاب*** / رضا مرادی. ــ تهران: انتشارات کاظمی، فروردین ۱۳۷۳. ــ دو جلد در یک مجلد، ج ۱: ۱۵۲ ص؛ ج ۲: ۷۱ ص.

۷۳ ***زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ــ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد اوّل، (آ ــ الف)***/ حسن مرسلوند. ــ تهران: انتشارات الهام، ۱۳۶۹. ــ ۴۵۸ ص.+ ۱۲ ص. تصویر.

۷۴ ***زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ــ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد دوم، (ب ــ ث)***/ حسن مرسلوند. ــ تهران: انتشارات الهام، پاییز ۱۳۶۹. ــ ۵۱۲ ص.

۷۵ ***زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ــ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد سوم، (ج ــ ژ)***/ حسن مرسلوند. ــ تهران: انتشارات الهام، بهار ۱۳۷۳. ــ ۵۳۸ ص. + ۱۹ ص. عکس و تصویر.

۷۶ ***زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ــ۱۳۲۰هـ ش.)، جلد چهارم، (س ــ ع)***/ حسن مرسلوند. ــ تهران: انتشارات الهام، زمستان ۱۳۷۴. ــ ۵۳۸ ص.+ ۴ ص. تصویر.

۷۷ ***زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۲۹۹ــ۱۳۲۰ هـ ش.)، جلد پنجم، (غ ــ ل)***/ حسن مرسلوند. ــ تهران: انتشارات الهام، ۱۳۷۵ . ــ ۵۴۴ ص.

۷۸ ***زندگینامهٔ سیاسی امام خمینی*** / محمد حسن رجبی. ــ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷ (ویرایش چهار). ــ ۷۰۴ ص (انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی: ۳۵. تاریخ انقلاب؛ ۴).

۷۹ ***زندگینامهٔ سیاسی مهندس بازرگان*** / سعید برزین. ــ تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴. ــ ۳۵۷ ص.

۸۰ ***زندگینامهٔ شهید دکتر مصطفی چمران*** / بنیاد شهید چمران. ــ بی.جا.[تهران]، بی.تا.[به مناسبت سالگرد شهادت شهید چمران به چاپ رسیده است]، [۱۳] ص.

۸۱ ***زندگینامهٔ مشاهیر رجال پزشکی معاصر ایران (۱)*** / دکتر محمد مهدی موحدی. ــ تهران: مؤسسهٔ نشر علوم و فنون (مرکز چاپ و نشر کتاب‌های علمی و دانشگاهی، چاپ اوّل، تابستان ۱۳۷۱. ــ ۴۵۴ ص.

۸۲ ***زندگینامهٔ وزراء، مختصری از شرح اعضاء نخستین دولت جمهوری اسلامی ایران*** / دفتر تحقیقات و انتشارات روابط عمومی نخست وزیری، نشریهٔ شمارهٔ ۴. ــ تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات روابط

عمومی نخست وزیری، مرداد ۱۳۶۰ـ ۶۴ص.
۸۳ ***سخن آشنا*** [مجموعه اشعار سپیدهٔ کاشانی] / به کوشش شورای شعر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ دفتر مطالعات فرهنگی بانوان مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛ ویراستهٔ حیمد اجتماعی جندقی. ـ چاپ اول. ـ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بهمن ۱۳۷۳. ـ ۲۴۷ص.
۸۴ ***سخنوران نامی معاصر ایران، یک دورهٔ پنج جلدی*** / سید محمد باقر برقعی.ـ قم : نشر خرم، ۱۳۷۳.ـ ۳۵۳۳ص.
۸۵ ***سخنوران و خطاطان زنجان از قرن چهارم تا عصر حاضر*** / کریم نیرومند با همکاری کریم زعفری.ـ زنجان : مؤسسهٔ مطبوعاتی زعفری، چاپ اول، ۱۳۴۷.ـ ۴۴۶ص.
۸۶ ***ستارگان کرمان*** / دکتر حسین بهزادی اندوهجردی.ـ تهران: مرکز نشر، انتشارات طوس، آغاز چاپ: مهر ۱۳۵۴ ـ پایان چاپ مهر ۲۵۳۵=۱۳۵۵، ۴۳۲ص.
۸۷ ***سرود مرد غریب : یادنامهٔ زنده‌یاد سلمان هراتی*** / به اهتمام ضیاءالدین شفیعی.ـ تهران : سازمان تبلیغات اسلامی، حوزهٔ هنری، ۱۳۷۳. ۲۰۵ص.: مصور، عکس.
۸۸ ***سهراب سپهری، رضا مافی*** / گردآوری و تنظیم مرکز هنرهای تجسمی.ـ تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۳، (به مناسبت ششمین بهار آزادی).
۸۹ ***سیر سخن، شامل شرح احوال معروف‌ترین نویسندگان و شاعران ایران*** / احمد احدی، حسین رزمجو.ـ مشهد : انتشارات کتابفروشی باستان، فروردین ۱۳۴۳.ـ ۴۴۷ص.
۹۰ ***سیمای شاعران*** / حسین حماسیان (صابر کرمانی).ـ تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکاء، بهمن ۱۳۴۴.ـ ۴۱۹ص.
۹۱ ***سیمای هنرمندان ایران، سینما، تئاتر، موسیقی***، جلد اول/ به کوشش و گزینش حبیب‌الله نصیری‌فر.ـ تهران: انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۷۴.ـ۴۸۶ص.
۹۲ ***سیمای هنرمندان ایران، سینما، تئاتر، موسیقی***، جلد سوم/ به کوشش و گزینش حبیب‌الله نصیری‌فر.ـ تهران: انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۷۵.ـ۵۰۴ص.
۹۳ ***شاه‌آبادی بزرگ، آسمان عرفان*** / محمد علی محمدی.ـ تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اوّل، زمستان ۱۳۷۴.ـ ۱۵۷ص. [دیدار با ابرار ـ شمارهٔ ۷۱؛ سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی، ۵۰۸]. ***(برای زندگی‌نامهٔ حجت‌الاسلام مهدی شاه‌آبادی)***.
۹۴ ***شخصیت‌های نامی ایران*** / محمد رضا زهتابی.ـ تهران:انتشارات پدیده، ۱۳۴۷.ـ ۵۳۲ص.
۹۵ ***شرح حال آیة‌الله العظمی اراکی (ره)*** / ابوالحسن مطلّبی.ـ قم: مؤسسهٔ در راه حق، ۱۳۷۴.ـ ۸۰ص.
۹۶ ***شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور، جلد اوّل*** (گروه‌های فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی)/ تهیه و تدوین محسن تهرانی‌زاده.ـ تهران: دفتر شورای جذب نخبگان، تابستان ۱۳۷۳.ـ ۵۱۱ص + الف.ک.

۹۷ **شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور، جلد دوّم** (گروه علوم پزشکی)/ تهیه و تدوین محسن تهرانی‌زاده.ــ تهران: دفتر شورای جذب نخبگان، تابستان ۱۳۷۳.ــ ۱۰۴۸ ص + الف.و.

۹۸ **شرح حال تخصصی استادان و دانشیاران کشور، جلد سوّم** (گروه علوم انسانی، هنر و خبرگان بدون مدرک)/ تهیه و تدوین محسن تهرانی‌زاده.ــ تهران: دفتر شورای جذب نخبگان، تابستان ۱۳۷۳.

۹۹ **شرح حال رجال و مشاهیر نامی ایران**/ تنظیم و نگارش مصطفی صدرالّدین صدری. تهران: انتشارات شقایق، چاپ سوم ۱۳۷۳، ۵۲۶ص.

۱۰۰ **شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، دو جلد در یک مجلد**/ حسنعلی محمدی. تهران: انتشارات ارغنون، چاپ سوم ۱۳۷۵، ۶۹۸ص. + ۳۴ص پیوست + ۳ ص. فهرست منابع و مآخذ.

۱۰۱ **شصت سال خدمت و مقاومت، خاطرات مهندس مهدی بازرگان در گفتگو با سرهنگ غلامرضا نجاتی، جلد نخست**/ غلامرضا نجاتی. تهران: مؤسسهٔ خدماتی فرهنگی رسا، چاپ اول ۱۳۷۵.ــ ۶۵۱ص.

۱۰۲ **شهدای روحانیت شیعه در یک‌صد سالهٔ اخیر، جلد اوّل**/ علی ربانی خلخالی.ــ قم: انتشارات پیام اسلام، چاپ اوّل، ۱۴۰۲ ه.ق. = ۱۳۶۰.ــ۵۸۷ص.

۱۰۳ **شهدای روحانیت شیعه در یک‌صد سالهٔ اخیر، جلد دوّم**/ علی ربانی خلخالی.ــ قم: انتشارات مکتب الحسین (ع)، چاپ اوّل، ۱۴۰۳ ه.ق. = ۱۳۶۲.ــ۷۱۹ص.

۱۰۴ **شهید مدنی، جلوهٔ اخلاص**/ سعید عباس‌زاده.ــ تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، پاییز ۱۳۷۳.ــ ۱۳۲ ص. [دیدار با ابرار، ۶۶، معاونت پژوهشی، ۴۳۸].

۱۰۵ **شهید مطهری، مرزبان بیدار**/ محمد خردمند.ــ تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اوّل، ۱۳۷۵.

۱۰۶ **شهید مفتح، تکبیر وحدت**/ غلامرضا گلی زواره.ــ تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، پاییز ۱۳۷۴.ــ ۲۲۶ص. (دیدار با ابرار، ۷۸، معاونت پژوهشی، ۴۹۰).

۱۰۷ **شهید هاشمی‌نژاد، فریاد فضیلت**/ مرتضی بذرافشان.ــ تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، بهار ۱۳۷۳.ــ ۲۰۰ص. مصور.

۱۰۸ **شیوهٔ تذهیب**/ اردشیر مجرد تاکستانی.ــ تهران: سروش (انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران)، چاپ اول، ۱۳۷۲.ــ ۱۳۷ ص. (دیدار با ابرار، ۴۵، معاونت پژوهشی، ۳۹۴).

۱۰۹ **صدای آشنا و ترانه‌های درد**/ ابوالحسن ورزی.ــ تهران: شرکت انتشاراتی پاژنگ، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۸.ــ ۲۸۴ص. (حاوی زندگینامه ابوالحسن ورزی به قلم خودش در مقدمه: ص. ۵ــ ۱۵).

۱۱۰ **طراحان بزرگ فرش ایران، سیری در مراحل تحول طراحی فرش**/ شیرین صور اسرافیل.ــ تهران: سروش، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۱، ۴۷۱ص.: مصور (بخش رنگی).

۱۱۱ **طراحی‌ها و نقاشی‌های محمد حسن حافظی**/ نشر نقره، ۱۳۶۸، بدون شماره صفحه.

۱۱۲ ***طنزآوران امروز ایران*** / بیژن اسدی‌پور، عمران صلاحی.ــ تهران: انتشارات مروارید، چاپ سوّم، ۱۳۶۵، ۳۷۱ص.

۱۱۳ ***علمای بزرگ شعیه از کلینی تا خمینی*** / م. جرفادقانی.ــ قم: انتشارات معارف اسلامی، چاپ اوّل، ۱ مهر ۱۳۶۴، ۴۸۸ص.

۱۱۴ ***علمای خراسان و نهج‌البلاغه*** / عزیزالله عطاردی.ــ تهران: انتشارات عطارد، چاپ اوّل، مهر ۱۳۷۳.ــ ۴۰ص.

۱۱۵ ***فرهنگ داستان‌نویسان ایران*** / حسن عابدینی.ــ تهران: تهران دبیران، ۱۳۶۹.ــ ۱۷۸ص.

۱۱۶ ***فرهنگ زنان پژوهشگر در علوم انسانی*** / محقق رؤیا صدر [برای معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی].ــ تهران: نشر برگ زیتون، ۱۳۷۷.ــ شانزده، ۵۱۴ص.: جدول، نمودار.

۱۱۷ ***فرهنگ سینمای ایران*** / حمید شعاعی.ــ تهران: چاپخانهٔ حمید شعاعی، [۱۳۵۴].ــ ۶۸۰ص.

۱۱۸ ***فرهنگ سینمای ایران*** / جمال امید.ــ تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۶۷.ــ ۳۱۲ص.

۱۱۹ ***فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت*** / به کوشش محمد باقر نجف‌زاده بارفروش، «م. روجا».ــ تهران: سازمان انتشارات کیهان، زمستان ۱۳۷۲.ــ ۳۲۰ص.

۱۲۰ ***فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز*** / عبدالرفیع حقیقت (رفیع). تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۸.ــ ۶۴۲ص.

۱۲۱ ***فرهنگ واژگان انگلیسی به فارسی*** / پژوهش و نگارش محمود حسابی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ تفرش: دانشگاه صنعتی امیرکبیر، واحد تفرش، ۱۳۷۳، [11, 615، ۱۵]ص. ***(حاوی زندگی‌نامهٔ دکتر محمود حسابی)***.

۱۲۲ ***فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانهٔ ملی ایران*** / تهیه و تنظیم بیژن سرتیپ‌زاده با همکاری کبری خداپرست.ــ تهران: وزارت فرهنگ و هنر، کتابخانهٔ ملی ایران، ۲۵۳۶=۱۳۵۶، ۲۴۷ص.

۱۲۳ ***فهرست مجلهٔ سخن*** (جلد اول از دورهٔ اول تا هشتم، ۱۳۲۲ــ۱۳۳۶)/ شهلا عالم مروستی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴، الف ــ کد.ص (مقدمه) + ۳۶۳ص. [فهرست‌ها، ۳؛ انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۲۰۵].

۱۲۴ ***فهرست مستند اسامی مؤسسات و سازمان‌های دولتی ایران*** / مهوش بهنام.ــ [ویرایش ۲].ــ تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی، کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸.ــ پنج + ۳۰۴ص.

۱۲۵ ***فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان*** (دو جلد)/ ویراستار فرشته مولوی؛ با همکاری شهره دریایی، مرضیه هدایت.ــ [ویرایش ۲].ــ تهران: کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶.

۱۲۶ ***فهرست موضوعی مجلهٔ یغما*** / شیرین معراجی. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.ــ الف + ۳۸۵ص.

۱۲۷ ***کارنامهٔ بزرگداشت بزرگان علم و ادب ایران*** / تألیف رحمت‌الله ابریشمی، با همکاری علیرضا نخاولی.ــ

مشهد: انتشارات دانشسرای راهنمایی تحصیلی مشهد، آبان ۲۵۳۵=۱۳۵۵.ــ ۳۵۶ص. [شمارهٔ ۱۵].
۱۲۸ ***کارنامهٔ تحقیقات ایرانی در سال ۲۵۳۵*** / محمد زهری با یاری خسرو سلیمی و هرمز عبداللهی.ــ [تهران]: بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان‌های ایران، فرهنگستان ادب و هنر ایران، بی‌تا [۱۳۵۶].ــ ۱۵۰ ص.
۱۲۹ ***کارنامهٔ زنان مشهور ایران*** (از قبل از اسلام تا عصر حاضر، در علم، ادب، سیاست، مذهب، هنر، تعلیم و تربیت)/ فخری قویمی (خشایار وزیری).ــ تهران: وزارت آموزش و پرورش؛ (توزیع‌کننده: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی)، ۱۳۵۲.ــ ۲۹۵ص.
۱۳۰ ***کارنامهٔ همایی*** / عبدالله نصری.ــ تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۶۷، ۳۹۲ ص. مصور.
۱۳۱ ***کتابشناسی آذربایجان*** / ناهید حبیبی آزاد.ــ تهران: کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶، د، ۵۰۷ ص.
۱۳۲ ***کتابشناسی اصفهان*** / سید مهدی سجادی نائینی.ــ اصفهان: سازمان میراث فرهنگی اصفهان، تابستان ۱۳۷۰ (به‌مناسبت کنگرهٔ جهانی بزرگداشت اصفهان)، ۱۶۰ ص.
۱۳۳ ***کتابشناسی جوانان*** / مریم رعیت‌آبادی؛ شهرزاد طاهری لطفی؛ نوشین عمرانی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی ــ سینمایی، ۱۳۶۹، د، ۲۲۰ ص.
۱۳۴ ***کتابشناسی زبان و خط*** / محمد گلبن، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، چاپ اول، ۲۵۳۶=۱۳۵۶، ۱۷۱ ص + ۳۶ ص.
۱۳۵ ***کتابشناسی نگارگری ایران*** / محمد گلبن، تهران: نشر نقره، چاپ اول، ۱۳۶۳، ۲۴۸ ص.
۱۳۶ ***کتابشناسی تئاتر*** / دفتر پژوهش‌های تئاتری مرکز هنرهای نمایشی، زیر نظر لاله تقیان.ــ تهران: انتشارات نمایش، چاپ اول، ۱۳۷۰، ۳۱۵ ص.
۱۳۷ ***کتابشناسی و راهنمای صنایع دستی ایران*** / فرزانهٔ طاهری قندهاری؛ میترا طاهری لطفی.ــ تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی (وابسته به مراکز فرهنگی ــ سینمایی)، چاپ اول، ۱۳۶۹، ۲۶۸ ص.
۱۳۸ ***گلزار جاویدان، مجلد اول، از حرف الف تا ژ*** / محمود هدایت.ــ [تهران]: بی‌نا. [چاپخانهٔ زیبا]، ۱۳۵۳.ــ ۵۸۶ ص.+ سی و سه صفحه.
۱۳۹ ***گلزار جاویدان، مجلد دوم، از حرف س تا ق*** / محمود هدایت.ــ [تهران]: بی‌نا.، مهر ۱۳۵۴.ــ ۵۸۷ ــ ۱۱۵۰ ص. + سی و دو صفحه.
۱۴۰ ***گلزار جاویدان، مجلد سوم، از حرف ک تا ی*** / محمود هدایت.ــ [تهران]: بی‌نا.، ۱۳۵۳.ــ ۱۱۵۱ ــ ۱۷۸۹ ص. + سی و هشت صفحه.
۱۴۱ ***گلزار معانی، نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران جنگ جهانی دوم*** / گردآورنده احمد گلچین معانی.ــ [مشهد]: بی‌نا. [چاپخانهٔ افق]، ۱۳۵۲.ــ ۷۸۱ + ۱۹ ص.
۱۴۲ ***گل‌های جاویدان و گل‌های رنگارنگ، دو جلد*** / حبیب‌الله نصیری‌فر.ــ
۱۴۳ ***گنج پنهان، شرح احوال و آثار علامه مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی یزدی*** / به اهتمام حسن انصاری.ــ

تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی، بهمن ۱۳۷۴.ــ ۶۴ص.
۱۴۴ **گنجینهٔ دانشمندان، جلد یکم** / شیخ محمد شریف رازی. قم: کتابفروشی اسلامیه (چاپ شده در چاپخانهٔ پیروز قم)، ۱۳۵۲. ۳۶۸ ص.
۱۴۵ **گنجینهٔ دانشمندان، جلد دوم** / شیخ محمد شریف رازی. قم: کتابفروشی اسلامیه (چاپ شده در چاپخانهٔ پیروز قم)، ۱۳۵۲. ۴۳۹ ص.
۱۴۶ **گنجینهٔ دانشمندان، جلد سوم** / شیخ محمد شریف رازی. قم: کتابفروشی اسلامیه (چاپ شده در چاپخانهٔ پیروز قم)، ۱۳۵۲. ۳۵۶ص.
۱۴۷ **گنجینهٔ دانشمندان، جلد چهارم** / شیخ محمد شریف رازی. قم: کتابفروشی اسلامیه (چاپ شده در چاپخانهٔ پیروز قم)، ۱۳۵۲. ۶۹۸ص.
۱۴۸ **گنجینهٔ دانشمندان، جلد پنجم** / شیخ محمد شریف رازی. قم: کتابفروشی اسلامیه (چاپ شده در چاپخانهٔ پیروز قم)، زمستان ۱۳۵۳. ۴۷۸ ص.
۱۴۹ **گنجینهٔ دانشمندان، جلد ششم** / شیخ محمد شریف رازی. قم: کتابفروشی اسلامیه (چاپ شده در چاپخانهٔ پیروز قم)، بهار ۱۳۵۴. ۴۶۴ ص.
۱۵۰ **گنجینهٔ دانشمندان، جلد هفتم** / شیخ محمد شریف رازی. قم: کتابفروشی اسلامیه (چاپ شده در چاپخانهٔ پیروز قم)، تابستان ۱۳۵۴.ــ ۵۳۵ص.
۱۵۱ **گنجینهٔ دانشمندان، کتاب «انقلاب و شهادت»، جلد هشتم** / شیخ محمد شریف رازی. قم: کتابفروشی اسلامیه (چاپ شده در چاپخانهٔ پیروز قم)، بی‌تا.
۱۵۲ **گنجینهٔ دانشمندان، جلد نهم** / شیخ محمد شریف رازی. قم: چاپ امیر قم، پاییز ۱۳۷۰.ــ ۴۲۶ص.
۱۵۳ **گیلان در قلمرو شعر و ادب** / ابراهیم فخرایی.ــ تهران: انتشارات جاویدان، چاپ اوّل، دی ماه ۲۵۳۶=۱۳۵۶.ــ ۴۶۲ص.
۱۵۴ **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، جلد یکم** / خانبابا مشار. ــ تهران: مؤلف (چاپخانهٔ رنگین).
۱۵۵ **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، جلد دوم** / خانبابا مشار. ــ تهران: مؤلف (چاپخانهٔ رنگین).
۱۵۶ **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، جلد سوم: خ ــ عبدالله** / خانبابا مشار. ــ تهران: مؤلف (چاپخانهٔ رنگین)، ۱۳۴۱.ــ ۱۰۱۲ ستون.ــ ۱ ص. عکس + غلطنامه.
۱۵۷ **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، جلد چهارم: عبدالمؤمن ــ قیم علی** / خانبابا مشار. ــ تهران: مؤلف (چاپخانهٔ رنگین)، ۱۳۴۲.ــ ۹۳۶ ستون.ــ ۲ ص. عکس + غلطنامه.
۱۵۸ **مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، جلد پنجم: ک ــ محمدیه** / خانبابا مشار. ــ تهران: مؤلف (چاپخانهٔ رنگین)، ۱۳۴۳.ــ ۹۰۸ ستون.ــ ۳ ص. عکس + غلطنامه.

۱۵۹ ***مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، جلد ششم: محمود ــ یهو*** / خانبابا مشار. ــ تهران: مؤلف (چاپخانهٔ رنگین)، فروردین ۱۳۴۴.ــ ۹۱۰ ستون.ــ + غلطنامه.

۱۶۰ ***متن وصیتنامهٔ حضرت آیةالله العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی*** / با همکاری علاقه‌مندان و ارادتمندان حضرت آیةالله العظمی گلپایگانی، به خط و روی جلد استاد غلامحسین امیرخانی. ــ بی.جا.، دی ماه ۱۳۷۲، [۱۴]ص.

۱۶۱ ***مجلس‌نشین قدس، یادوارهٔ پیشگام شهدای محراب، آیةالله قاضی طباطبایی*** / نویسنده شعردوست، با مقدمه‌ای از حجت‌الاسلام سید حسین موسوی تبریزی.ــ تهران: نشر دانش اسلامی، چاپ اوّل، آبان ۱۳۶۴.ــ ۱۵۴ + ۱۱ تصویر ص.

۱۶۲ ***مجموعه مقالات و سخنرانی‌های اولین و دومین کنگرهٔ بزرگداشت بانوی مجتهده سیده نصرت امین (ره)*** / به کوشش مینا خواجه نوری (دفتر مطالعات فرهنگی بانوان مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.ــ تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اوّل، آبان ۱۳۷۴.ــ ۴۶۳ص.

۱۶۳ ***مردان موسیقی سنتی و نوین ایران***، ۴ جلد/ به کوشش و گزینش حبیب‌الله نصیری‌فر.

۱۶۴ ***می‌رویم تا خط امام بماند*** ... (زندگینامه و مجموعه آثار شهید مهدی رجب بیگی مسئول دفتر تحقیقات اجتماعی دفتر مرکزی جهاد سازندگی)/ مهدی رجب بیگی.ــ تهران: انتشارات دفتر مرکزی جهاد سازندگی، چاپ پرتو، چاپ دوم ، مرداد ۱۳۶۱.ــ ۳۶۷ص..

۱۶۵ ***نامگانی استاد علی سامی*** / محمود طاووسی، جلد اول ــ شیراز: انتشارات کویر، ۱۳۷۰.

۱۶۶ ***نامهٔ مینوی، مجموعهٔ سی و هشت گفتار در ادب و فرهنگ ایرانی به پاس پنجاه سال تحقیقات و مطالعات مجتبی مینوی*** / زیر نظر حبیب یغمایی و ایرج افشار و با همکاری محمد روشن.ــ تهران: چاپخانهٔ کاویان، مهر ۱۳۵۰.ــ۵۸۸ص.

۱۶۷ ***نام‌نامهٔ موسیقی ایران زمین، جلد سوم*** (شرح احوال موسیقی‌دانان و موسیقی‌پژوهان و پژوهش‌های موسیقایی/ مهدی ستایشگر.ــ تهران: اطلاعات، ۱۳۷۶.ــ۸۱۹ص.

۱۶۸ ***نامهٔ کریمان، یادمان شادروان دکتر حسین کریمان*** / شمارهٔ مخصوص پژوهشنامهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، به مدیریت محمد علی شیخ، و سردبیری دکتر سید جعفر شهیدی، و به کوشش دکتر سید علی محمد سجادی، چاپ اوّل، زمستان ۱۳۷۳ (چاپ و صحافی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی).ــ ۲۱۹ + ۵ تصویر ص.

۱۶۹ ***نگاهی به تاریخ اردکان ــ ج ۱ شهر اردکان*** / علی سپهری اردکانی.ــ اردکان: کانون کتاب ولی‌عصر (عج) اردکان با همکاری اداره کل ارشاد اسلامی یزد، چاپ دوم ۱۳۶۴.ــ ۷۰۰ص..

۱۷۰ ***نگرشی به اولین مجلس شورای اسلامی*** / تهیه و تنظیم روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، «دفتر تبلیغات و انتشارات».ــ تهران: روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، با همکاری سازمان انتشارات و

آموزش انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۶۴.ـ ۳۴۷ ص..

۱۷۱ ***وزرای آموزش و پرورش ایران، وزرای معارف ایران*** / احمد عبداللـه‌پور.ـ تـهران: مـؤلف، چـاپ دوّم، ۱۳۷۳.ـ ۲۴۱ ص.

۱۷۲ ***هفتاد سالگی فرخ*** / مجتبی مینوی.ـ تهران: مجلهٔ «یغما»، ۱۳۴۴.

۱۷۳ ***هنر نگارگری ۱ و ۲*** (کتاب درسی گرایش اختیاری درس هنر برای کلیهٔ رشته‌ها؛ نـظام جـدید آمـوزش متوسطه)/ محمد مهدی هراتی، اسماعیل رضا محمدی.ـ تهران: شرکت چـاپ و نشـر ایـران، ۱۳۷۳.ـ ۱۶۴ ص. مصور. رنگی.

۱۷۴ ***یاد و تجلیل خادمان کتاب و دستیاران انتشار آن*** / کیوان سپهر.ـ تهران: نشر پرواز، ۱۳۶۹.ـ ۳۶ ص.

۱۷۵ ***یاد یاران*** (گلگشت یاد یاران) / دکتر مهدی روشن ضمیر. تهران: انتشارات مستوفی، تـابستان ۱۳۷۱، ۴۵۶ ص.

۱۷۶ ***یادگار اهل سخن (مجموعه اشعار شاعران معاصر به خط خود آنان)*** / گردآورنده محمد علی شریف.ـ تهران: شرکت سهامی خاص نشر آبی، بهار ۱۳۶۸، چاپ اوّل.ـ ۳۰۲ ص.

۱۷۷ ***یادمان استاد علی رخساز*** / زیر نظر محمد رضا لاهوتی، تألیف هادی سیف.ـ تهران: مؤسسهٔ فرهنگی گسترش هنر، بهار ۱۳۷۰.ـ[۳۲۴+ 3]ص.

۱۷۸ ***یادمان حشمت سنجری*** / به اهتمام مرسدهٔ سنجری (بایگان).ـ تهران: انتشارات بـزرگمهر، دی مـاه ۱۳۷۴، چاپ اوّل.ـ ۷۸ ص.

۱۷۹ ***یادمان سهراب سپهری*** / زیر نظر محمدرضا لاهوتی. به کوشش ناصر بزرگمهر و یاری محمد وجدانی. تهران: دفتر نشر آثار هنری، بهمن ۱۳۶۷، چاپ اوّل، ۳۹۹ ص.

۱۸۰ ***یادمان مرحوم استاد دکتر سید جواد مصطفوی*** / مـؤلف جـمعی از نـویسندگان؛ بـه‌کـوشش مـهدی مصطفوی.ـ قم: دارالفکر، ۱۳۷۰.ـ ۳۰۹ ص.

۱۸۱ ***یادنامهٔ ابوذر زمان، آیةالله سید محمد طالقانی*** / بنیاد فرهنگی آیةالله طالقانی با همکاری شرکت سهامی انتشار.ـ تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، آذر ۱۳۶۰.ـ ۳۲۰ ص.

۱۸۲ ***یادنامهٔ استاد شهید مطهری***، کتاب اوّل / زیر نظر دکتر عبدالکریم سروش. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، شهریور ۱۳۶۰. ۵۷۸ ص.

۱۸۳ ***یـادنامهٔ اسـتاد مـحمد تـقی شـریعتی مـزینانی*** / بـه کـوشش جـعفر پـژوم. ـقـم: نشـر خـرم، بـهار ۱۳۷۰.ـ ۶۰۰ ص + تصاویر ۲۴ص.

۱۸۴ ***یادنامهٔ استاد مهرداد اوستا*** (ضمیمهٔ فصلنامهٔ «تاریخ و فرهنگ معاصر») / به کوشش مـحمد حسـین رحمانی با هـمکاری هـیئت نـظارت «تـاریخ و فـرهنگ مـعاصر». ـقـم: مـرکز بـررسی‌های اسـلامی، ۱۳۷۳.ـ ۳۹۰ ص.

۱۸۵ ***یـادنامهٔ اولیـن سـالگرد درگـذشت اسـتاد سـید حسـین مـیرخـانی*** / بـه کـوشش اشـرف‌السـادات

میرخانی. ــ تهران: بی.نا.، ۱۳۶۲. ۱۴ + [۴۸] ص.
۱۸۶ **یادنامه اولین سالگرد شهادت دکتر کاظم سامی با نوشته‌هایی از دوستان و همفکرانش** / تدوین از رسول دارمهر. [تهران]: چاپخش، ۱۳۶۸.
۱۸۷ **یادنامه ایرج جهانشاهی قاجار (به مناسبت سالگرد درگذشت ایرج جهانشاهی)** / شورای کتاب کودک.ــ تهران: شورای کتاب کودک، شهریور ۱۳۷۱.ــ ۶۸ ص.
۱۸۸ **یادنامهٔ بانوی مجتهده حجةالاسلام و المسلمین سیده نصرت امین** (مشهور به بانوی ایرانی) / تهیه و تنظیم مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی، واحد فرهنگی، واحد فرهنگی خواهران. ــ چاپ دوّم. ــ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی، مؤسسهٔ نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، ۱۳۷۲- ۱۳۷۱. ــ [۷۷] ص.: مصور.
ــ چاپ اوّل. ــ تهران: خرداد ۱۳۷۱.
۱۸۹ **یادنامهٔ تاج** / به اهتمام منوچهر قدسی.ــ اصفهان: کتابفروشی صائب اصفهان (۱)، بی‌تا.ــ ۱۱۶ ص.
۱۹۰ **یادنامه دکتر غلامحسین صدیقی: فرزانه ایران زمین** / گردآوری و تنظیم پرویز ورجاوند.ــ [تهران]: چاپخش، ۱۳۷۲.ــ ۵۸۵ ص.: مصور، جدول، نمونه، عکس.
۱۹۱ **یادنامهٔ سالروز شادروان فضل‌الله شرقی، مرد قلم و قدم** / به اهتمام عزیز شرقی.ــ تهران: چاپ و نشر وحید، شهریور ۱۳۶۲.ــ۲۵۹ + ۲۱ ص. تصویر.
۱۹۲ **یادنامهٔ شادروان استاد علی سامی** / ناصر امامی.ــ شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۶۹.
۱۹۳ **یادنامهٔ شهدای ۷ تیر** / گردآوری و تنظیم دفتر تحقیقات اجتماعی وزارت ارشاد اسلامی.ــ تهران: چاپخانهٔ ارشاد اسلامی، بی‌تا.ــ ۱۶۶ ص.
۱۹۴ **یادنامهٔ شهید محمد منتظری**، مجموعه‌ای از گفتارهای سیاسی و اعتقادی؛ همراه با زندگینامهٔ شهید محمد منتظری / به کوشش مصطفی ایزدی.ــ تهران: انتشارات و تبلیغات فرهنگ انقلاب اسلامی، چاپ اوّل، تیر ماه ۱۳۶۱.ــ ۳۸۱ ص.
۱۹۵ **یادنامهٔ شهید مظلوم آیةالله دکتر سید محمد حسینی بهشتی** / تهیه و تنظیم فرید قاسمی.ــ قم: قدس؛ حر، ۱۳۶۱.ــ ۲۱۴ ص. ۸ ص. تصویر.
۱۹۶ **یادنامهٔ فیروز شیروانلو** (مجموعهٔ مقالات)/ تهران: خانوادهٔ فیروز شیروانلو، ۱۳۶۸.ــ ۱۱۷ ص.
۱۹۷ **یادنامهٔ مفسر کبیر استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی**.ــ قم: انتشارات شفق، ۱۳۶۱.ــ ۵۹۰ ص.
۱۹۸ **یادنامهٔ موج (خلیل سامانی)** / به کوشش سپیدهٔ سامانی.ــ تهران: انتشارات بامداد، چاپ اوّل، مرداد ماه ۱۳۶۳.ــ ۲۸۵ ص.
۱۹۹ **یادوارهٔ دوکبوتر همراز شهیدان رجایی و باهنر** / [تهران]: روابط عمومی و امور بین‌الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بی.تا.ــ ۴۰ ص.
۲۰۰ **یادوارهٔ نغمه‌سرای کودکان، استاد عباس یمینی شریف** / تهران: روش نو، (ناشر: خانوادهٔ مرحوم یمینی

شریف)، ۱۳۷۰، چاپ اوّل.ــ ۹۹+۴ تصویر ص.
۲۰۱ **یادنامه یا نگاهی به زندگی و گزیده افکار شهید مظلوم آیةالله بهشتی** / دکتر علی قائمی.ــ قم: انتشارات شفق، ۱۳۶۱ (تاریخ مقدمه)، ۱۷۴ ص.ــ (با مقدمه‌ای از حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی).
۲۰۲ **یادهای سبز** (یادی از شاعران سفر کرده: مهرداد اوستا، سپیدهٔ کاشانی، سلمان هراتی، احمد زارعی، آرش باران‌پور، رخشا و بندی سیرجانی)/ به کوشش علیرضا قزوه.ــ تهران: ستاد کل نیروهای مسلح، بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، شهریور ۱۳۷۴، چاپ اوّل.ــ ۱۱۷ ص.

۲۰۳ *ومنبع انگلیسی زیر:*

Iran Who's Who : 1976, Edited by Echo of Iran. Tehran : Echo of Iran, 1976.-- 624 pp.

* بروشورها:

ــ ویژه‌نامه‌های دومین کنگرهٔ خوشنویسان کشور/ تهیه شده در ستاد برگزاری دومین کنگرهٔ خوشنویسان کشور.
ــ بروشور مربوط به چهلمین روز درگذشت عبدالله فرادی به همت انجمن خوشنویسان ایران.
ــ بروشور مربوط به مراسم یادبود دکتر محمود حسابی به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و دانشگاه تهران (۱۳۷۳).
ــ بروشور مربوط به استاد احمد آرام، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

** مجلات و روزنامه‌های بررسی شده:

آدینه، آینده، ادبستان، اطلاعات، ایران، بررسی‌های تاریخی، تاریخ و فرهنگ معاصر، تماشای زندگی، پیام کتابخانه، جمهوری اسلامی، جهان کتاب، چلیپا، دانشکدهٔ ادبیات تهران، راه دانش، راه فردا، رشد، روزگار وصل، سالنامه‌های گل‌آقا، سخن، سوره، فرش، فصلنامهٔ فرهنگ اصفهان، فصلنامهٔ فرهنگ کرمان، فصلنامهٔ فرهنگ همدان، فصلنامهٔ هنر، فیلم، فیلم و سینما، کلک، کیهان، کیهان سال، کیهان علمی، کیهان فرهنگی، گزارشنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، گزارش‌های جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه‌های هنرهای تجسمی، مجلس و پژوهش، مسجد، موزه، میراث جاویدان، نشر دانش، نگاه نو، همشهری، هنر و مردم، یغما.□

تصاویری از درگذشتگان در حوزه دین

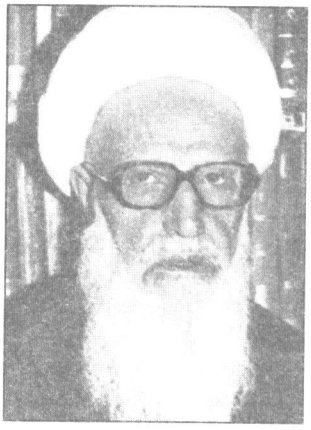

آیت‌الله اشرفی اصفهانی

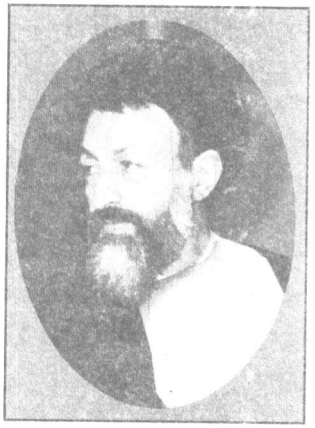

آیت‌الله بهشتی

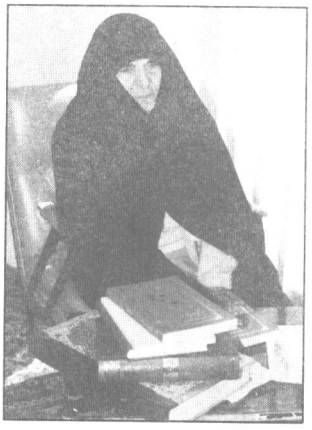

حجت‌الاسلام بانو امین

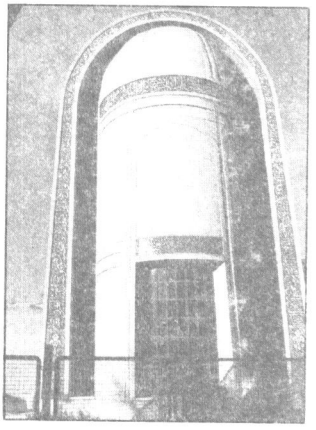

مقبره بانو امین در اصفهان

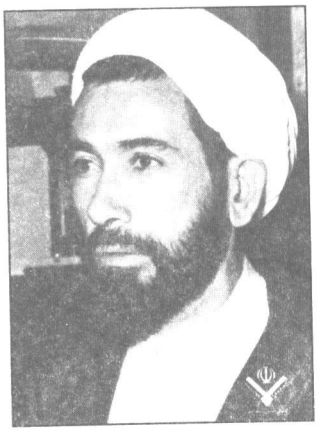

حجت‌الاسلام باهنر

دستخطی از شهید باهنر

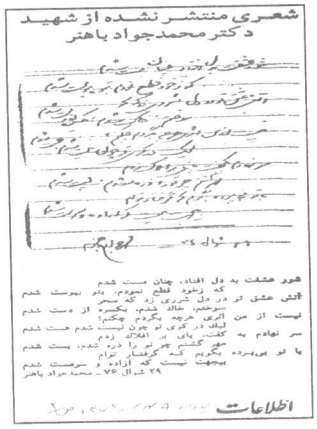

شعری منتشر نشده از شهید
دکتر محمدجواد باهنر

هنوز عشقت به دل افتاده، چنان مست شدم
که زخود قطع امیدم، بتو پیوست شدم
آتش عشق تو در دل شرری زد که سحر
بیخبر خاک شدم، یکسره از دست شدم
نیست از من اثری هرچه بگردم، چکنم؟
لیک در کوی تو چون نیست شدم هست شدم
سر نهادم به کفت، پای بر افلاک زدم
مهر گسستی هم تو را دیر شدم، پست شدم
با تو بسر برده بگویم که گرفتار توام
بیجهت نیست که آزاد و سرمست شدم
۲۹ شوال ۷۶ ـ محمدجواد باهنر

اطلاعات

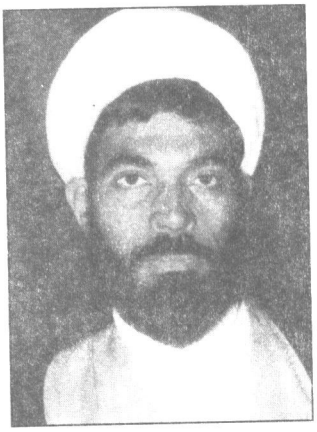

حجت‌الاسلام بشارت

حجت‌الاسلام حسینی طباطبایی

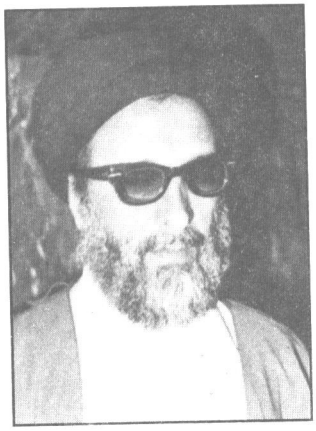

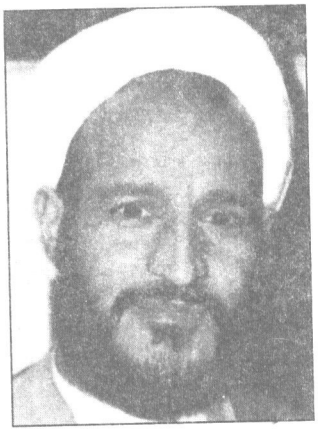

حجت‌الاسلام حقانی

حجت‌الاسلام حیدری

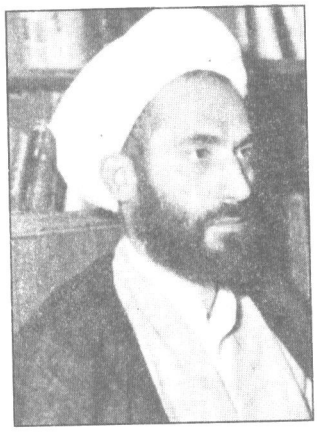

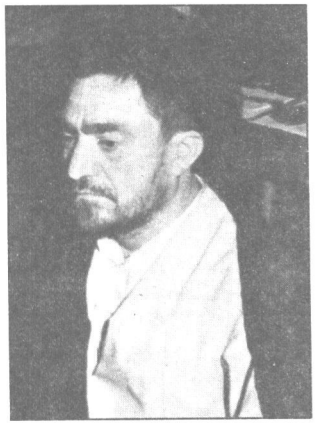

آیت‌الله خاتمی اردکانی

حجت‌الاسلام دانش

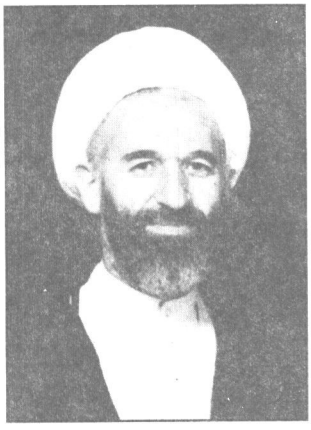

آیت‌الله دستغیب شیرازی

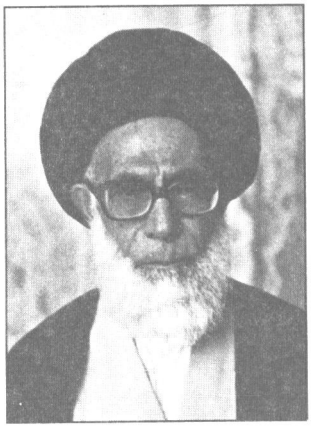

حجت‌الاسلام شاه‌آبادی

علامه شیخ شوشتری

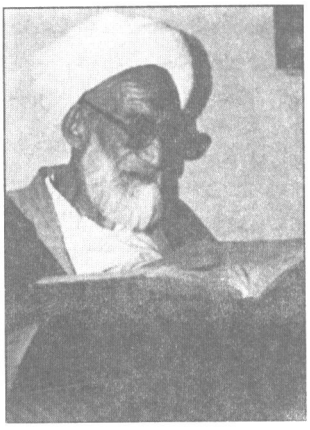

علامه شیخ شوشتری

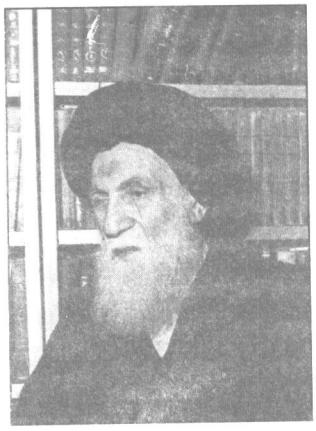

آیت‌الله شیرازی

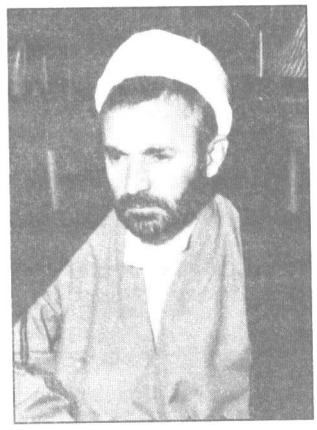

حجت‌الاسلام صادقی

آیت‌الله صدوقی

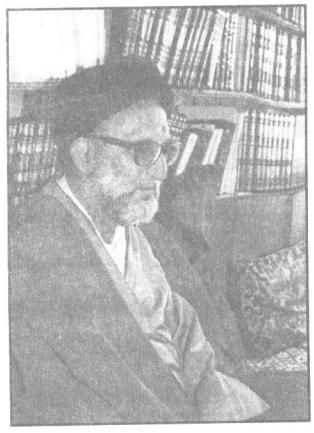

آیت‌الله طباطبایی یزدی

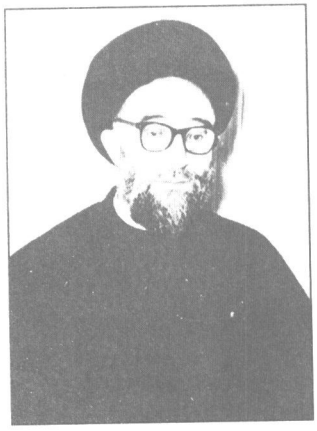

آیت‌الله قاضی طباطبایی

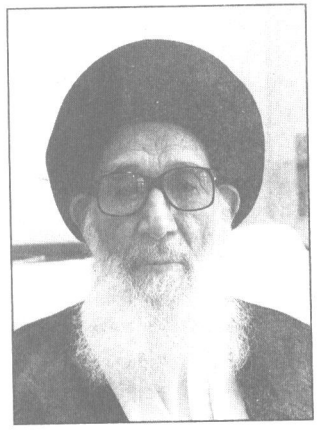

آیت‌الله العظمی گلپایگانی

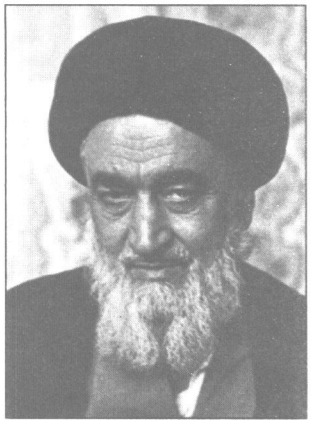

از آثار مکتوب استاد

مرتضی مطهری

آیت‌الله مدنی کاشانی

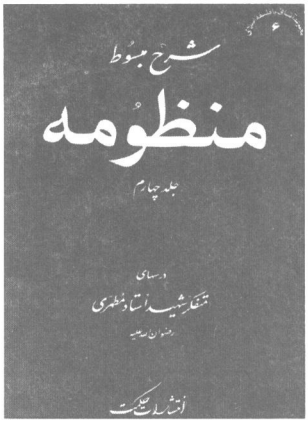

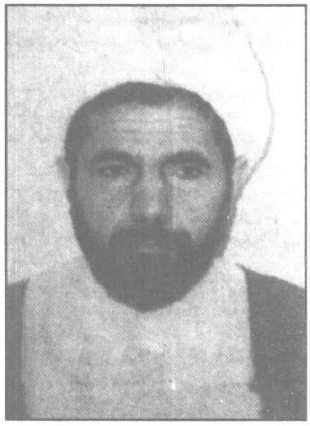

آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی

آیت‌الله مفتح

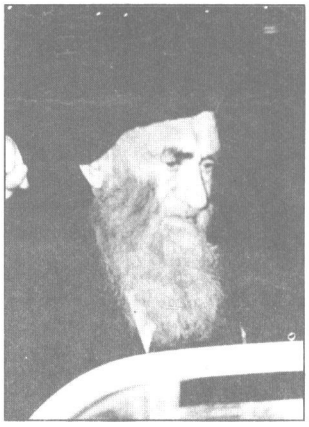

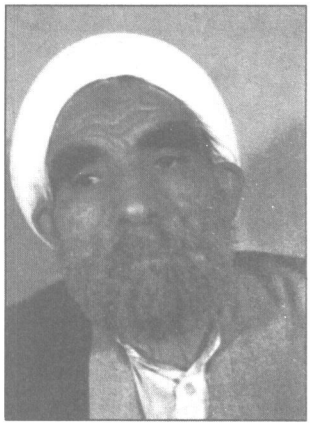

حجت‌الاسلام منتظری نجف آبادی

حجت‌الاسلام هاشمی سنجانی

تصاویری از درگذشتگان در حوزه‌های دیگر

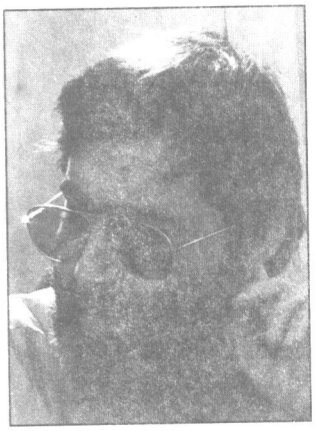

مرتضی آوینی
(هنر)

حسن آیت
(علوم نظری)

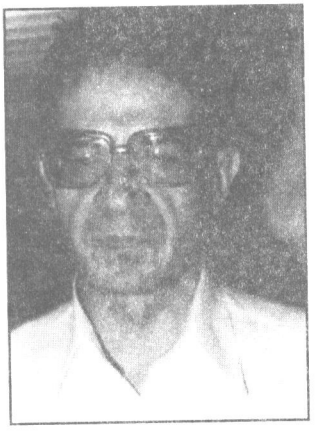

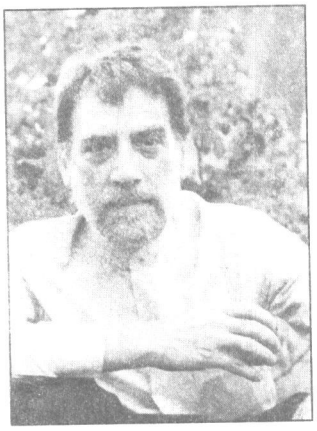

هادی اسلامی
(هنر)

حسین الطافی
(هنر)

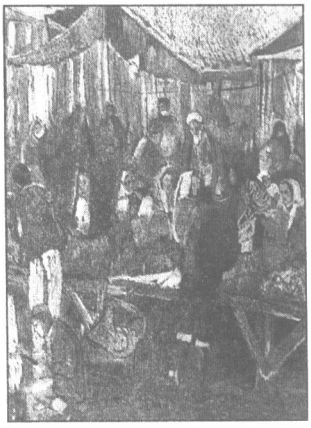

اثری از الطافی
(هنر)

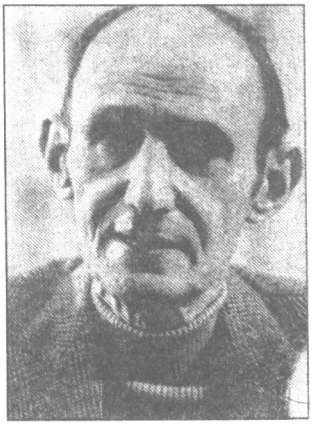

عبدالکریم امیری فیروزکوهی
(ادبیات)

مهرداد اوستا
(ادبیات)

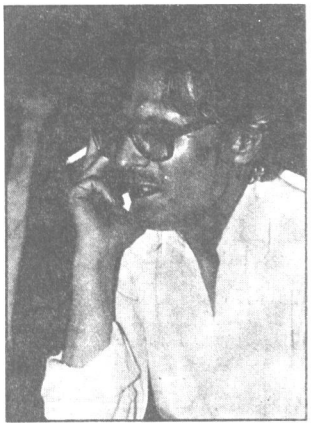

مهرداد اوستا
(ادبیات)

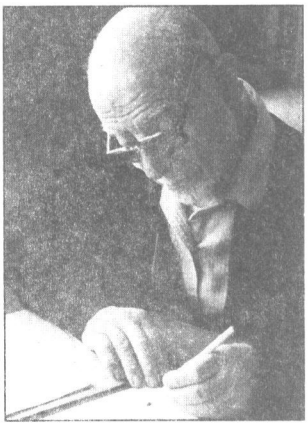

مهدی بازرگان
(علوم نظری)

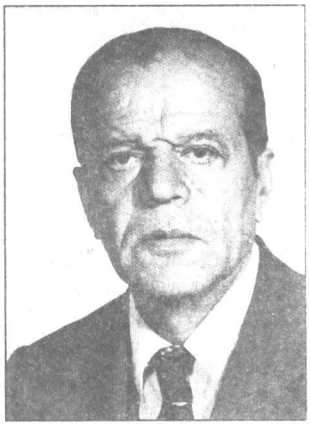

عبدالله بختیاری
(علوم نظری)

بهزاد باشی
(علوم نظری)

یکی ازآثار بهزاد باشی

سودابه بهارلو
(هنر)

رضا پاک‌نژاد
(علوم نظری)

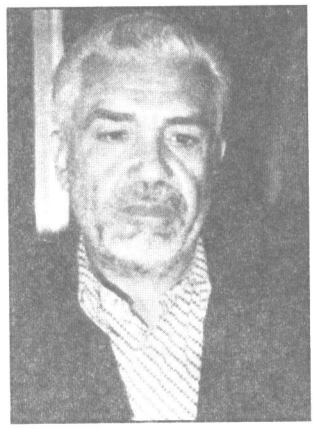

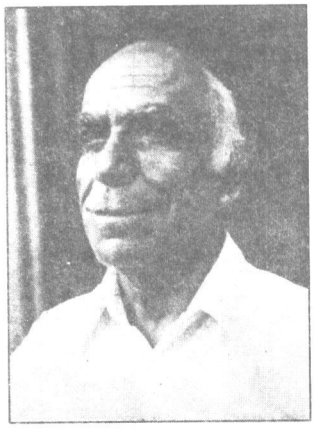

جلال تاج اصفهانی
(هنر)

قدیر جلیل‌زادگان (انور اردبیلی)
(ادبیات)

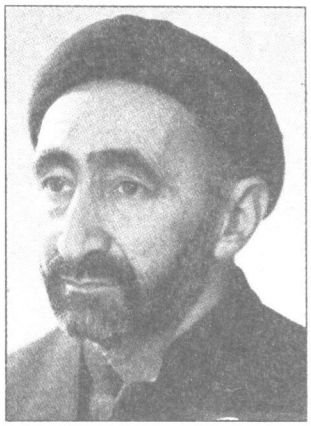

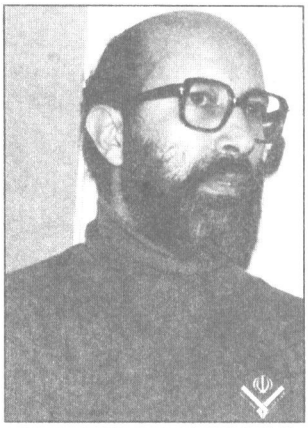

مصطفی چمران
(علوم نظری)

ابوالحسن حافظیان مشهدی
(علوم نظری)

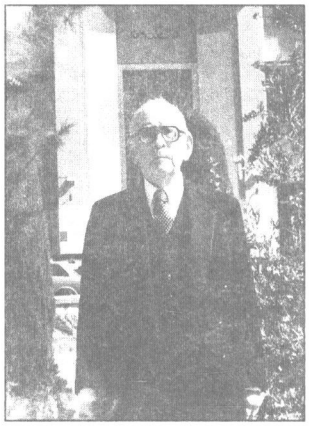

محمود حسابی
(علوم نظری)

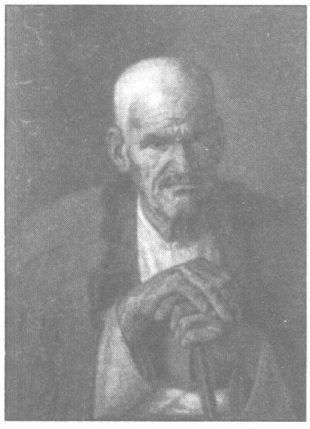

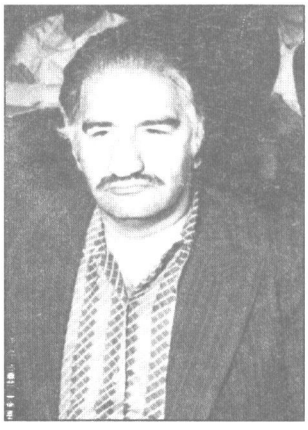

شمس‌الدین حسینی نایینی
(علوم نظری)

اثری از علیمحمد حیدریان
با نام «پیشکار»
(هنر)

مهدی خالدی
(هنر)

حسین خلیلی‌فر
(علوم نظری)

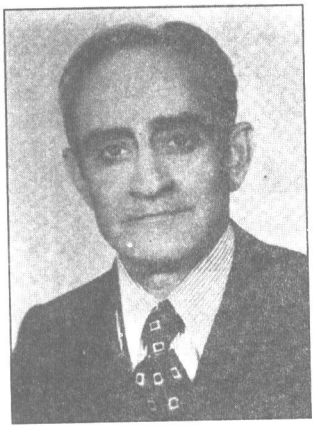

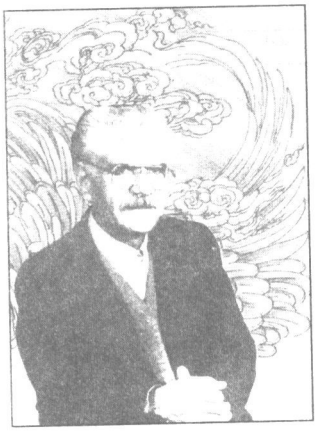

مهدی دیجوریان
(ادبیات)

علی رخساز
(هنر)

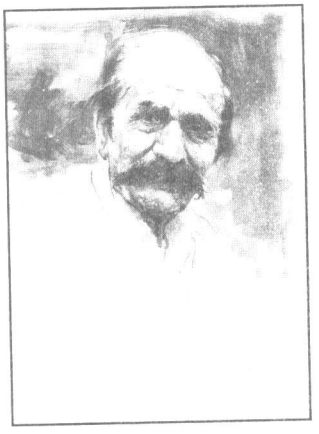

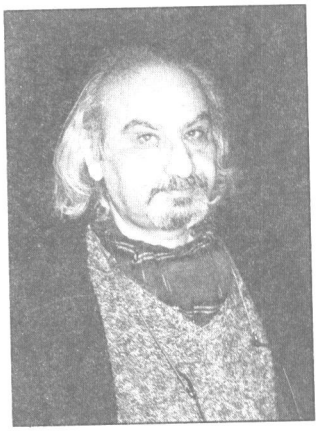

جعفر روحبخش
(هنر)

کاظم سامی
(علوم نظری)

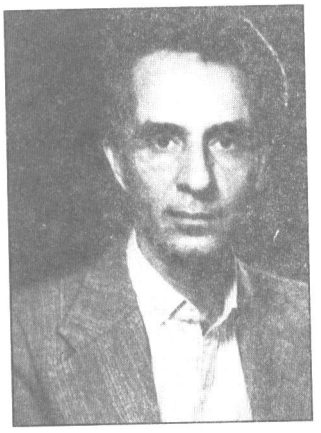

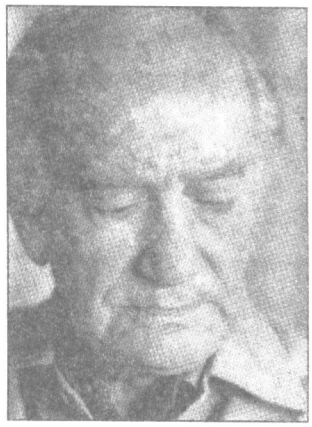

سهراب سپهری
(ادبیات)

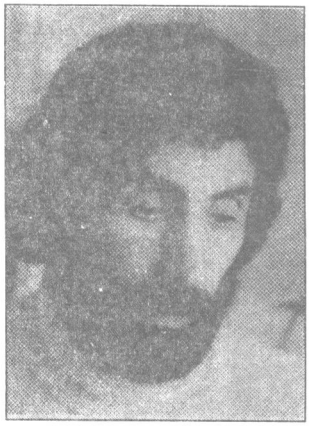

حشمت‌الله سنجری
(هنر)

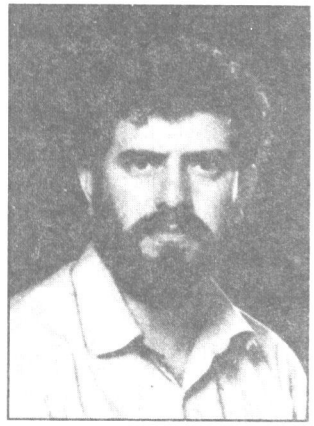

اثری مکتوب از سندگل
(علوم نظری)

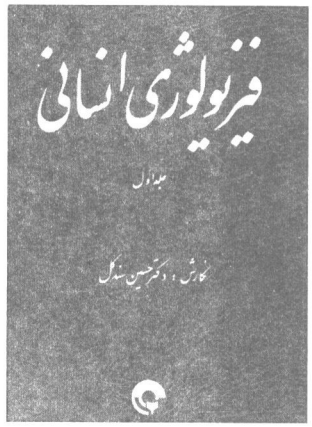

حسن شاهچراغی
(علوم نظری)

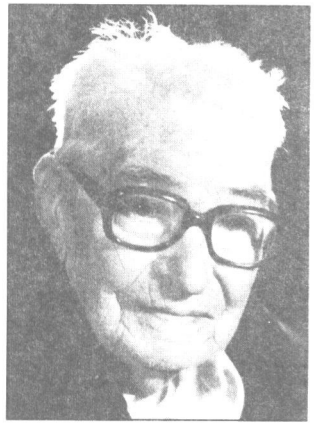

محمد جواد شرافت
(علوم نظری)

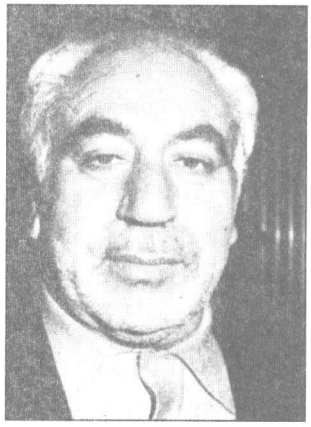

علی اکبر شهنازی
(هنر)

فیروزه صابری
(هنر)

نام اثر «ملاقات
حضرت یوسف و برادران»

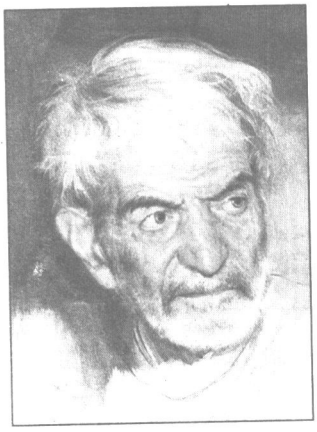

محمد حسین شهریار
(ادبیات)

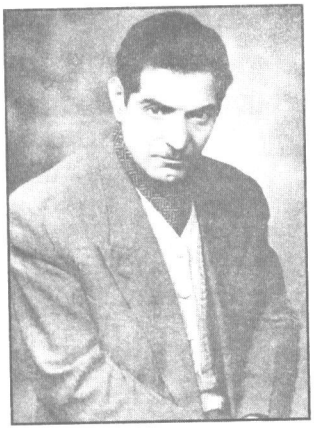

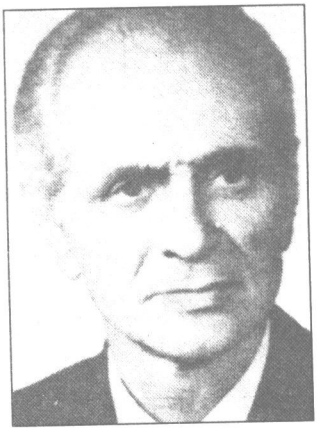

محمود صالحی
(علوم نظری)

شکرالله صنیع زاده
(هنر)

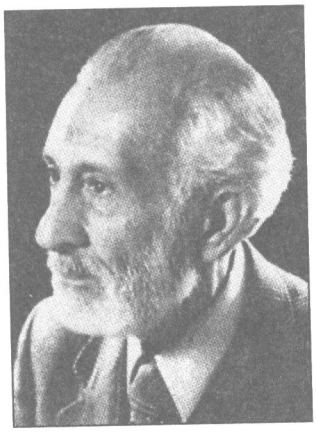

محمد (محیط) طباطبایی
(ادبیات)

ابوالفتح عرب‌زاده
(هنر)

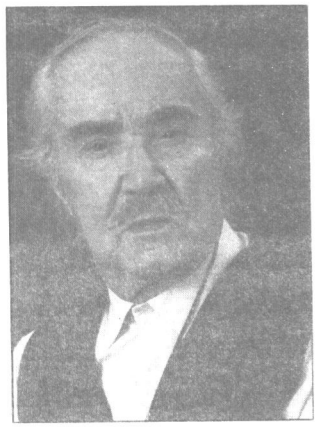

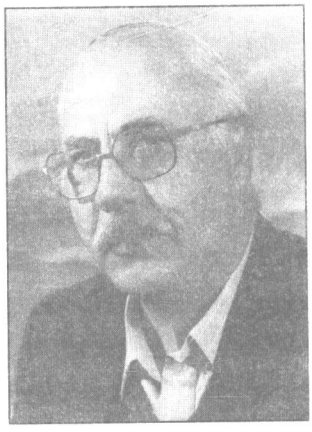

عبدالله فرادی
(هنر)

مرتضی فرجیان
(ادبیات)

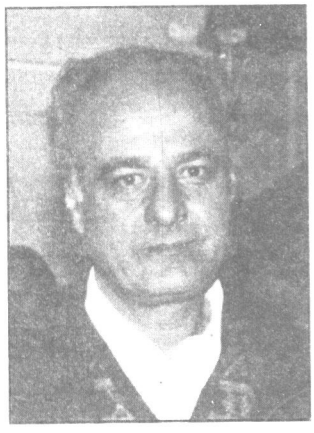

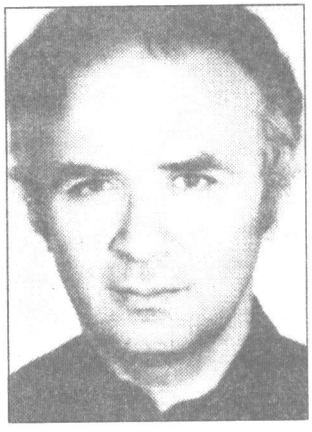

عطاءالله فریدونی
(ادبیات)

پرویز فنی‌زاده
(هنر)

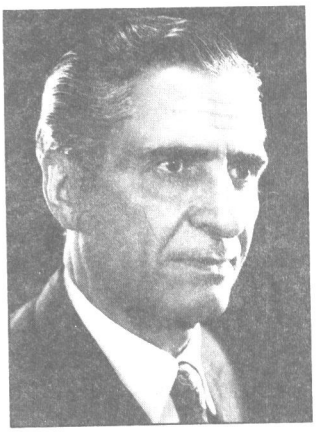

حسین قوامی (فاخته‌ای)
(هنر)

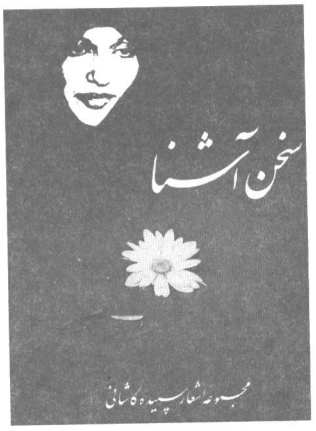

اثری مکتوب از:
سپیده کاشانی
(ادبیات)

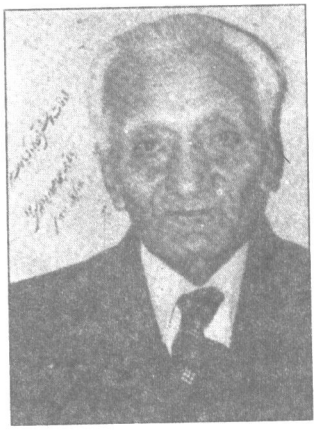

علی اکبر کاوه
(هنر)

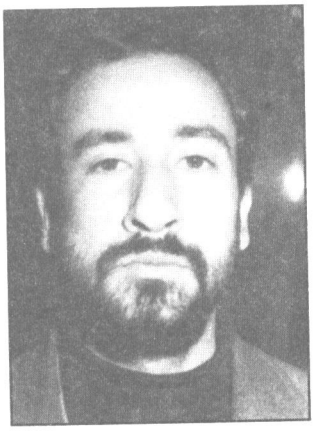

محمد تقی کمالی‌نیا
(علوم نظری)

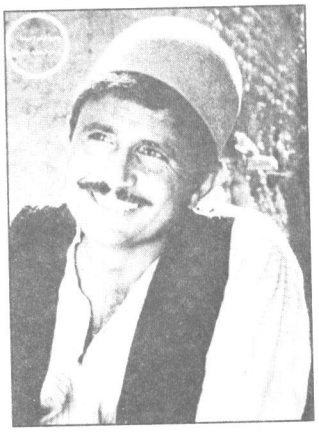

مجید محسنی
(هنر)

محمود محمودی خوانساری
(هنر)

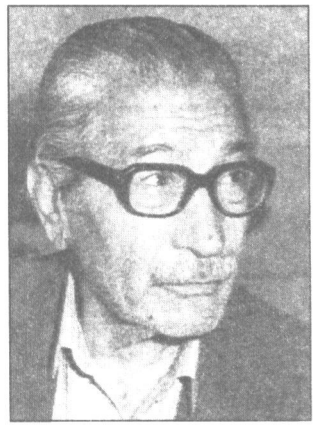

حسینعلی ملاح
(هنر)

میرحسین مهر آئین جاسبی
(هنر)

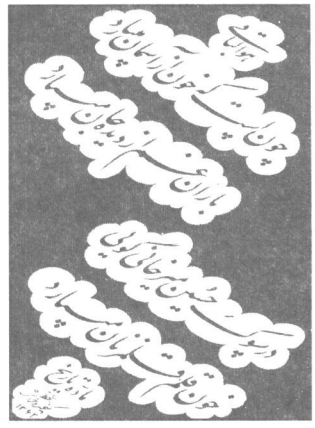

حسین میرخانی
(هنر)

در سوگ او

عباس نعلبندیان
(هنر)

عزت‌الله وثوق
(هنر)

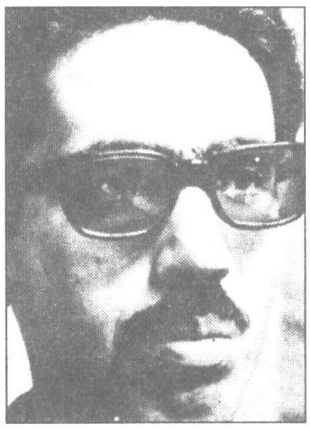

اثری مکتوب از:

امیر حسن یزدگردی
(ادبیات)

عبدالعلی وزیری
(هنر)

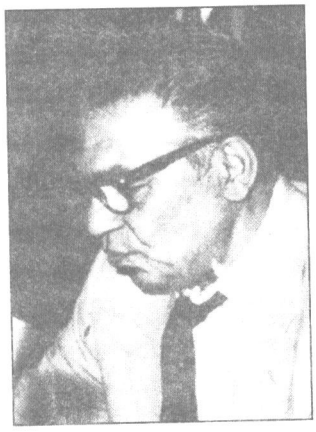

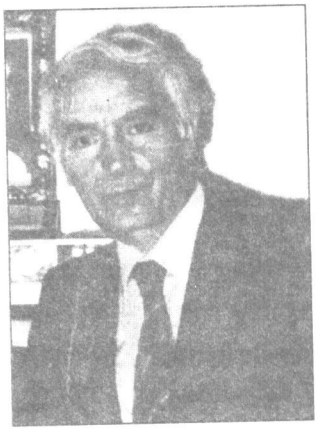

عظیم وهاب‌زاده
(علوم نظری)
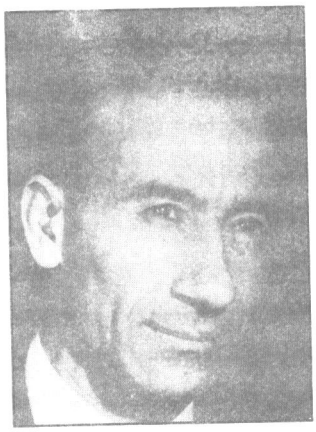
عباس یمینی شریف
(ادبیات)